مدیریت مالی و اقتصادی



مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان


بسم الله الرحمن الرحیم

مدیریت مالی و اقتصادی

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مدیریت مالی و اقتصادی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت مالی و اقتصادی/ www.modiryar.com

ناشر :www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع:مدیریت – اقتصاد

فعالیت موسسه مالی بین المللی در زمینه لیزینگ

منبع: WORLD LEASING YEARBOOKمترجم: مرتضی کاووسی

مقدمهموسسه مالی بین المللی (INTERNATIONAL FINANCE CORPORATION, "IFC") یکی از ارگانهای وابسته به بانک جهانی است که در سال ۱۹۵۶، به منظور تشویق و ارتقای سرمایه گذاری های بخش خصوصی در کشورهای درحال توسعه تاسیس گردیده است.درحال حاضر ۱۷۵ کشور جهان عضو این موسسه هستند. سیاستگذاریهای موسسه مالی بین المللی توسط هیئت مدیره بانک جهانی صورت می پذیرد و بدین لحاظ خط مشی های آن درجهت کمک به رشد اقتصادی بخش خصوصی کشورهای درحال رشد مکمل نقش بانک جهانی در توسعه اقتصادی عمومی این کشورهاست. بدین شکل که این موسسه، فعالیتهای خود را ازطریق مشارکت در سهام و یا پرداخت اعتبار مستقیم به بخش خصوصی جوامع توسعه نیافته، به انجام می رساند، حال آنکه بانک جهانی کمکهای مالی خود را با تضمین دولتها فقط به بخش دولتی ارائــــه می کند. خلاصه آنکه موسسه مالی بین المللی با ارائه خدمات مشورتــــی و تجهیــز سرمایه گذاری های موردنیاز، اجرای طرحهای توجیه پذیر بخش خصوصی کشورهای عضو خود را ازنظر سودآور بودن آنهــــا عملی می سازد.تجربه موسسه مالی بین المللی در لیزینگموسسه مالی بین المللی اولین بار در سال ۱۹۷۷ و با سرمایه گذاری در یک شرکت لیزینگ نخستین تجربه عملی خود را در این صنعت به منصه ظهور رسانید. تجربه ۲۷ ساله این موسسه در صنعت لیزینگ گویای این واقعیت است که ویژگیهای لیزینگ عامل اصلی توفیق این موسسه در همگامی و توازن توسعه بازارهای مالی داخلی با توسعه اقتصادی کشورهای عضو بوده و مختصات این ابزار، موسسه را قادر ساخته تا در تشویق و توسعه بازارهای سرمایه ازطریق کاربرد لیزینگ در تامین مطلوب تجهیزات و عوامل تولید در بخشهای صنعت، کشاورزی و بازرگانی توفیقات ارزشمندی کسب کند و رقابت و بهره وری را در بازارهای مالی افزایش دهد. در توضیح بیشتر نقش موسسه مالی بین المللی باید گفت که این موسسه با تامین دانش فنی پیشرفته و شرکای مالی خارجی و تدارک اصول و ضوابط منطقی در تضمین سودآوری طرح، اجرایی شدن طرحهای اقتصادی را عینیت بخشیده، سیاستهای اجرایی شرکتهای لیزینگ بویژه آنهایی را که نیازمند تمرکز تخصصی در تجهیزات بوده اند، طراحی و تدوین کرده و موجبات تامین منابع مالی موردنیاز شرکتهای لیزینگ جدیدالتأسیس خود را از طریق تدوین برنامه های افزایش منابع، نظیر تسهیل امکانات ورود آنها به بازارهای جهانی سرمایه و استقراض از منابع داخلی و یا وام سندیکایی فراهم آورده است.مصداق بارز این اقدامات را باید در ارتباط با شرکتهای توسعه لیزینگ در کره جنوبی و یا «لیزینگ بولیوار در کلمبیا مشاهده کرد. همچنین برای اولین بار، در شرکت لیزینگ سریلانکا تضمینی ساختن دریافتی های ناشی از لیزینگ را جامه عمل پوشانیده است.موسسه در کوششهای خود برای تدوین چارچوبها و ضوابط منطقی و تاثیرگذار لیزینگ در کشورهای عضو، مقررات موجود در پاره ای از کشورها را از منظر بهینه سازی آنها ارزیابی کرده و در این مسیر، استانداردهای مطلوب عملیاتی را برای تصمیم سازی سریع اعتباری مشتریان تدوین و برقرار ساخته و با تحکیم ساختار اجرایی شرکتها، مکانیسم های موثری را در مسیر نظارت بر استفاده صحیح از دارائیهای مورداجاره، کنترل رفتارهای مالی مشتریان و حفظ توازن منطقی در نسبت دارائیها به بدهیها معمول داشته است. ایجاد اطمینان بین سرمایه گذاران و تامین کنندگان منابع مالی ازنظر تطبیق ظرفیت بدهی شرکتها با قابلیتهای عملیاتی آنها و درنتیجه امکان مطلوب پوشش بدهیهــــا، یکی از سیاستهای جدی و جدایی ناپذیر موسسه مالی بین المللی بوده است.از سال ۱۹۷۷ تا پایان ماه ژوئن سال ۲۰۰۳، موسسه مالی بین المللی، سرمایه گذاری در ۱۰۳ شرکت لیزینگ تجهیزات را در ۵۴ کشور عضو تصویب کرد که از این میان ۳۶ شرکت در آسیا، ۴۳ شرکت در اروپا، خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای مرکزی ۱۳ شرکت در آفریقا و ۱۱ شرکت در آمریکای جنوبی بوده اند.البته چنانچه طرحهای چندمنظوره را هم اضافه کنیم، تعــــداد طرحها به ۱۰۶ موردافزایش می یابد. حجم سرمایه گذاری های موسسه مالی بین المللی برای تحقق اجرای طرحهای فوق به حدود یک میلیارد دلار وهفت میلیون دلار بالغ شده که حدود ۹۰۰ میلیون دلار به صورت اعتبار مستقیم و ۱۰۷ میلیون دلار به صورت مشارکت سهامی پرداخت و علاوه بر این حدود ۴۵۰ میلیون دلار نیز ازمنابع خارجی به صورت وام سندیکایی (SYNDICATED LOANS) تامین گردیده است.موسسه در ۲۷ کشور به عنوان سهامدار موسس در برپایی اولین شرکتهای لیزینگ عمل کرده و در تعدادی از کشورها ازجمله برزیل، شرکتهای فعال در لیزینگ را درجهت تخصصی شدن و پرکردن خلاء تولید و مصرف در یک رشته خاص نظیر کشاورزی هدایت کرده و در کشورهایی همانند اروگوئه، قبرس، سوازیلند و فیجی که امکان حرکت تخصصی شرکتها وجود نداشته، زمینه مشارکت لیزینگ در موسسات مالی توانمند را فراهم ساخته و بدین ترتیب مقدمات تاسیس اولین شرکتهای اثرگذار لیزینگ به وجود آمده و این خود گسترش سریع لیزینگ و تاسیس شرکتهای متعدد را درپی داشته است.به طورکلی از میان ۱۰۳ فقره طرحهای مصوب لیزینگ موسسه مالی بین المللی ۳۶ طرح به تاسیس اولین شرکتها در کشورهای موردنظر منجر گردیده است. تقریباً کلیه شرکتهای بزرگ لیزینگ با هدایت موسسه، در قالب سرمایه گذاری مشترک با موسسات مالی و تجاری عمده فعالیت کرده و موسسه مالی بین المللی با بهره گیری از امکانات گسترده خود، یک شرکت خارجی توانمند و پیشرفته از کشورهای توسعه یافته را به صورت شریک فنی وارد چرخه فعالیت این شرکتها کرده، هرچند بعدها این نقش به شرکتهای لیزینگ موفق در کشورهای درحال رشد سپرده شده است. بدین ترتیب، مشارکتهای فنی موصوف، مسیر دستیابی به دانش فنی روزآمد، بازارهای سرمایه داخلی و خارجی و افزایش چشمگیر مشتریان بالقوه را هموار ساخته است.با جمع بندی های نکات یادشده می توان نتیجــــه گیری کرد که تجربه موسسه مالی بین المللی در زمینه لیزینگ بسیار موفق بوده و به طورکلی شرکتهای تاسیس شده توسط این موسسه کارنامه اجرایی مثبت و نرخ بازدهی مطلوبی به میزان ۱۰ تا ۱۵ درصد داشته اند. مطالبات معوق این شرکتها عمدتاً در سطح بسیار پایینی بوده و به طور متوسط حدود ۱۰ درصــــد از پورتفوی این شرکتها را تشکیل داده اند.درسهای آموخته شدههمان طور که اشاره شد شرکتهای لیزینگ موسسه مالی بین المللی عموماً سطح سودآوری مطلوبی داشته و توانسته اند با تجهیز منابع خصوصی تاثیرات قابل توجهی در توسعه بازارهای پول و سرمایه بجا گذاشته و قابلیت نیل به دو هدف اساسی این موسسه یعنی کمک به شرکتهای کوچک و متوسط و توسعه بازارهای مالی کشورهای کم درآمد و فقیر، نظیر بنگلادش، بوتسوانا، مالاوی و سریلانکا را به منصه ظهور رسانند.پیشینه تجربی موسسه مالی بین المللی نمایانگر این مهم است که شرکتهای لیزینگ و دارای پورتفوی جامع و متنوع توانسته اند عموماً با تعیین و حفظ حد ومرزهای منطقی بین نوع شرکت و انواع دارائیهای قابل اجاره با ضرر و زیان کمتری مواجه بوده و نسبتهای پایین تری را در هزینه های اداری و تشکیلاتی در مقایسه با سایر موسسات اعتباری و بانکهای تجاری نگه دارند. ملاحظات زیر مؤید نکات فوق اند:سطح وام دهی شرکتهای لیزینگ در مقایسه با بانکهای تجاری (عمده در برابر خرد) موجب کاهش هزینه های اداری گردیده است؛الزام دست و پاگیر رعایت قواعد بازیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از سوی موسسات وام دهنده وابسته به دولت، سودآوری آنها را در مقایسه با شرکتهای لیزینگ که عاری از این الزامات اند، در سطح پایین تری نگه داشته است؛ماهیت خاص نحوه اعتبارسنجی و سیاستهای کنتــــرلی شرکتهای لیزینگ مستلزم ضابطه بندی های دقیق و کنترل های

مدیریتی است و این خود یکی از عوامل تحقق سطح مطلوب سودآوری در این گونه شرکتهاست.این ملاحظات همراه با ماهیت خاص لیزینگ و تضامین مستتر در آن موجب تسهیل نظارت بر نحوه اجرای تعهدات مشتریان شده و آنها را از ضرر و زیانهای آتی مصون ساخته است.سـرمایه گذاری های موسسه مالی بین المللی در صنعت لیزینگ به دلیل تاسیس و راه اندازی اولین شرکتها و هدایت آنها به بازارهای جدید مالی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ویژگی این اهمیت را باید در تعامل و همکاریهای سازنده این موسسه با دولتهای کشورهای هدف در زمینه بهسازی قوانین و مقررات تسهیل کننده فرصتهای سرمایه گذاری لیزینگ دانست.بهینه سازی شرایط استفاده از مزایای استهلاکی و نحوه بازیافت سریع دارائیهای مورداجاره ازجمله نتایج این تعامل و همکاریهاست. ازسوی دیگر، راه اندازی شرکتهای جدید در بازارهایی که لیزینگ در آنها به نوعی فعال بوده است، موجبات افزایش رقابت در بازار و درنتیجه گسترش مطلوب صنعت را فراهم آورده است. زیرا در لیزینگ توسعه بازارهای مالی به مراتب ساده تر و سـریع تر از سایر ابزار اعتباری صورت می پذیرد و درک ساده و شفاف مزایای لیزینگ توسط مردم، آنها را عمدتاً به استفاده از این مزایا در تشکیل سرمایه و یا استفاده از فناوری راغب تر می سازد.برقراری معافیتهای مالیاتی خاص برای عملیات لیزینگ که یکی از عوامل اصلی تشویق به گسترش این صنعت به شمار می رود، به نظر موسسه مالی بین المللی به دو منظور صورت می پذیرد، تشویق سرمایه گذاری در تجهیزات سرمایه بر و هموارترکردن زمین بازی در برابر استقراضهای سنتی و متداول. به اعتقاد این موسسه، پنج امتیاز یا مزایا ازنظر معافیتهای مالیاتی برای لیزینگ متصور است: قابلیت دسترسی سریع، انعطاف پذیری، تحمل پذیری هزینه ها، پـوشش دهی، امنیت در سرمایه گذاری. لیزینگ قابل دسترسی سریع است، زیرا در بسیاری از کشورهایی که بازارهای پول و سرمایه در آنها توسعه کمی و کیفی لازم را حاصل نکرده اند، منابع مالی موردنیاز برای تامین تجهیزات سرمایه ای ازطریق لیزینگ به مراتب سریع تر از سایر ابزار اعتباری فراهم می گردد. شرکتهای کوچک یا متوسط برای پوشش نیازهای مالی خود از این طریق، الزامی به داشتن پیشینه عملیات مالی / بانکی و یا دارائیهای وثیقه ای ندارند.تعیین اقساط اجاره با درنظر گرفتن امکانات مستأجر و نازل بودن هزینه ها برای مشتری در قیاس با روشهای متداول استقراض، شرایط سهل و کاهش تشریفات اداری و اخذ تصمیم سریع برای اعطای اعتبار، گویای انعطاف پذیری و قابل تحمل تر بودن لیزینگ در برابر سایر شیوه های مالی است.در لیزینگ امکان تامین کامل و صددرصد نیاز مالی مشتریان، بدون الزامات وثیقه ای و بوروکراسی های معمول اداری در سیستم بانکی وجود دارد. مالکیت موجود در کالاهای مورداجاره و اطمینان کافی وی از بازیافت آن در صورت عدم ایفای تعهدات مستأجر، یکی از شاخصه های مهم لیزینگ در حفظ امنیت مطلوب و کافی در سرمایه گذاری هاست.تجربیات موسسه مالی بین المللی در این صنعت نشان داده است که همگرایی عوامل زیر می تواند تاحد مطلوب تضمین کننده توفیق در سرمایه گذاری های لیزینگ به حساب آید:- استانداردهای مطلوب و کارآمد در تجزیه و تحلیلهای اعتباری (متکی بر جریان نقدی وجوه)، چارچوبهای موثر برای آگاهی بر عملکرد مستأجر، نظارت بر حسن اجرای قراردادها و اعمال پوششهای بیمه ای مربوط.مشارکتهای فنی فعال و کارآمد برای برقراری استانداردها و روشهای عملیاتی مطلوب در سالهای اولیه فعالیت، آموزش مدیران و کارکنان برای استفاده از تکنیک های پیشرفته عملیاتی، ارائه خدمات مشورتی برای نرخ گذاری اجاره و تدوین چارچوبهای ضابطه مند برای تعدیلات ادواری نرخها.- دسترسی به منابع مالی داخلی از طریق اوراق بهادار (قرضه)، اعتبارات بانکی و یا استقراض از شرکتهای بیمه و یا داشتن ابزارهای مالی پیشرفته تر نظیر مشارکت گروهی شرکتها و یا وثیقه ای شدن اقساط اجاره. به اعتقاد موسسه مالی بین المللی یکی از بزرگترین موانع رشد شرکتهای لیزینگ عدم دسترسی آسان این شرکتها به منابع مدت دار داخلی بوده است.- چارچوبهای مقرراتی و ضابطه ای شفاف و قابل اجرا برای توسعه لیزینگ ازجمله در قراردادهای صریح، روشن و دارای قابلیتهای اجرایی لازم، حقوق مالکانه، تشویقهای مالیاتی، قوانین تشویق کننده سرمایه گذاری های خارجی، کسب و کار و مقررات مالی و حسابداری.نتیجه گیریتوجه به نکات فوق گویای این واقعیت است که موسسه مالی بین المللی درتوسعه صنعت لیزینگ در جهان در حال رشد، ازطریق تامین منابع مالی لازم و ارائه خدمات مشورتی و دانش فنی به سیاستگذاران اقتصادی این کشورها، نقش مهمی ایفا کرده است.این موسسه، صنعت لیزینگ را در بسیاری از کشـورها، به مراتب زودتر از آنچه که می توانست در شرایط غیرحمایتی این موسسه شکل بگیرد، اشاعه داده و با توفیق در اجرای این طرحها، بازیگران بسیاری را وارد عرصه این بازار کرده است. همچنین این موسسه توانسته است با جلب اطمینان موسسات مالی بین المللی از سرمایه گذاری در شرکتهای لیزینگ، امکانات ورود سهل تر و موثرتر این گونه شرکتها به بازارهای مالی جهانی را، حتی پس ازحضور خود، فراهم آورد. بدین طریق، لیزینگ توانسته است ماهیت وجودی خود را به عنوان یکی از مطمئن ترین تامین کننده منابع مالی متوسط تا بلندمدت در بسیاری از کشورهای درحال توسعه جهان به اثبات رساند و بخش خصوصی این کشورها را در مواردی که موانع قانونی و مالی وجود نداشته، به سرمایه گذاری در تاسیس شرکتهای لیزینگ راغب کند.به نظر این موسسه، توسعه آتی در صنعت روبه پیشرفت لیزینگ در صورت تحقق موارد زیر اتفاق خواهدافتاد: شرکتهای تخصصی و توانمند مالی، توسعه بازارهای نیرومند مصرف کالاهای دست دوم، تدوین قوانین کارساز و حمایتی برای اجرای لیزینگ های برون مرزی (CROSS-BORDER) اهرمی (LEVERAGED) لیزینگ های کمک فروش (SALE-AID) و هموارسازی مسیرهای تجهیز منابع داخلی و تشویق سرمایه گذاری های خارجی. در ارتباط با همکاری های موسسه مالی بین المللی با ایران اشاره می شود که متعاقب مذاکرات گسترده این موسسه با بانک کارآفرین و بررسیهای جامع موضوع، قرارداد تاسیس شرکت لیزینگ برای اعطای تسهیلات اعتباری تامین ماشین آلات و تجهیزات سنگین راهسازی و ساختمان، تجهیزات پزشکی گرانقیمت و ماشین آلات اداری منعقد گردیده است. طبق اطلاعات موجود ساختار سرمایه ای این شـرکت از مشارکت موسسه مالی بین المللی به میزان ۲۰ درصد، بانک کارآفرین به میزان ۲۰ درصد و سایر موسسات مالی و اعتباری داخلی و خارجی به میزان ۶۰ درصد تشکیل گردیده است. بی تردید شروع فعالیت این شرکت در بازار پول و سرمایه کشور و حضور موسسه مالی بین المللی در ایران موجب اثرات بارزی در ترغیب سایر موسسات سرمایه گذاری بزرگ جهان به فعالیت در ایران و کاهش ریسک سرمایه گذاری های خارجی کشور خواهد گردید.*تدبیر

IFC

The Global Corporate Governance Forum is an International Finance Corporation (IFC) multi-donor trust fund facility located in the Corporate Advice Department of the Business Advisory Services Vice Presidency that provides assistance to emerging markets and developing countries on corporate governance. The Forum was co-founded by the World Bank and the Organization for Economic Co-operation and Development (OECD) in ۱۹۹۹.The Forum promotes sustainable economic growth and poverty reduction within the framework of agreed international development targets. The Forum focuses on practical, targeted corporate governance initiatives at the local, regional and global level deploying tools and guidelines drawn from international best practices.

بحران مالی از منظر مدیریت ریسک

... Risk Managementبحران اخیر می‌تواند درس‌های زیادی برای مدیریت ریسک داشته باشدمحمد آزاد

یک ارزیابی ساده از موشکافی پوسته‌های این بحران می‌تواند در اشتباهات اساسی و محوری نمود پیدا کند و یافته‌های مفیدی را ارائه دهد.دلایل بروز بحرانریشه‌های بحران را می‌توان بر یک مبنای ساده و براساس مدلی تحت عنوان ۳ L به‌خوبی درک نمود:۱. فقدان پاسخگویی Lack of accountability۲. اهرم Leverage۳. نقدینگی Liquidityفقدان پاسخگویی، یکی از مهمترین شواهدی است که در تغییرات بنیادی بوجود آمده در بازار وام مسکن در دوره‌های اخیر وجود دارد. سابق بر این، مردم وام

مسکن مورد نیاز خود را از موسسات محلی و بومی طلب می‌کردند که هم ارزشیابی را انجام می‌داد و هم ریسک مربوطه را تقبل می‌نمود. مدیران دایره اعتبارات این موسسات در برابر نتایج حاصله از تصمیمات خود (وقوع نکول‌ها انعکاس مستقیمی از قضاوت آنها بود) پاسخگو بودند. در دوره‌های اخیر، بانیان وام‌های مسکن بسیار زیاد شدند. در این مدل، بانیان وام مسکن را خلق می‌کنند و سپس آنرا به سایر موسسات منتقل می‌نمایند. بانیان براساس حجم وام‌های مسکن خلق شده کارمزد دریافت می‌کنند، اما در برابر نتیجه نهایی مربوط به نکول‌های رخ داده تحت فشار نیستند.سابق بر این، مردم وام مسکن را برای خرید و تدارک محل اقامت اصلی و اولیه خود می‌گرفتند، هدف و مقصد اصلی سکونت بلندمدت بود (تهیه سرپناه). در دوره‌های اخیر، با توجه به یک دوره طولانی مدت از افزایش قیمت املاک و مستغلات، مردم وام‌های مسکن را برای یافتن فرصت سرمایه‌گذاری در دارایی درخواست و دریافت می‌کردند. خانه‌های پرحرف و حدیث به راهی برای کسب یک درآمد عامه پسند و راهبردی مناسب برای سرمایه‌گذاری تبدیل شده بودند. به‌عنوان تامین مالی یک سرمایه‌گذاری اهرمی شده، وام‌های مسکن مجموعه قواعد و دستورالعمل‌های سهل الوصولی را ارائه می‌نمود.در حالی‌که افراد در دوران رکود و کاهش قیمت مسکن محل سکونت اصلی خود را ترک نمی‌کنند، سرمایه‌گذاران هنگامی‌که سرمایه‌گذاری انجام شده ایجاد ارزش ننماید، سودهایشان را رها خواهند کرد (کلیدها را باز خواهند گرداند). راه آسان و سهل‌الوصولی برای انجام رفتار منطقی اقتصادی است، بدیهی است ماهیت سودآوری املاک و استفاده از وام مسکن دچار تغییر و دگرگونی شده است.اثر این تغییرات در بنیادهای بازار وام مسکن با اهمیت‌تر از گسترش دسترسی‌پذیری وام براساس واژگان (از قبیل الگوی پرداخت فقط سود، پیش‌پرداخت کمتر) و اعتبارمتقاضیان بود. اهرم، عامل اصلی دوم بود. موسسات وام‌های مسکن را در مقابل نکول تضمین کردند. براساس تجارب گذشته، تنها ریسک مبالغ کمی از این وجوه -نوعا برحسب نقاط پایه- لازم بود که توسط این شرکت‌ها پذیرفته شود. این امر موسسات را در معرض تضمین پول‌های هنگفت نسبت به سودهای اندک قرار می‌داد.براساس این رویکرد دو مساله مهم وجود داشت. اول، اینکه بسیاری از موسسات در ارزشیابی ریسک بالقوه قابل تصور و ذخیره‌گیری کافی یا سرمایه متناسب (درمقابل هرگونه اختلاف فاحش با الگو و نرخ‌های نکول گذشته) دچار اشتباه شده بودند. مساله دوم، اطمینان موسسات بود که اغلب آنها را در مورد شناسایی و درک پویایی تغییرات فوق‌الذکر دچار اشتباه کرد، شرایطی که آنها در صورت کاهش قیمت اموال و دارایی‌ها برای افزایش ریسک نکول به‌وجود آورده بودند.هنگامی‌که فقدان پاسخگویی و اهرم (دو L ابتدایی) با هم فرا برسند، نقدینگی (L سوم)، به یک مشکل تبدیل می‌شود. زمانی‌که روند قطعی و ناگزیر کاهش قیمت‌ها مشخص گردید، نکول‌ها در نرخ‌های بسیار بالاتری نسبت به گذشته اتفاق افتادند. همین مساله باعث شد موسساتی که این ریسک قابل تصور را پذیرفته بودند، بطور بالقوه فاقد سرمایه مناسب و کافی باشند و به‌همین ترتیب نیازمند شدید به وجه نقد زیاد و فوری که در نتیجه بحران نقدینگی اتفاق افتاد.درس‌هاتفکیک نظارت و پاسخگویی به‌ندرت منجر به نتایج معتبر و مسوولانه می‌شود. هرگاه تصمیم‌گیری از پاسخگویی منفک شود، اغلب در این بازی انگیزه کافی وجود نخواهد داشت تا افراد و گروه‌هایی را که انتظار می‌رود رفتار عقلایی داشته باشند، ترغیب و تشویق نماید، لااقل براساس رفتار تجربی گذشته این انتظار نمی‌رود. هنگامی که تغییرات بنیادی در بازار وام‌های مسکن منافع بانیان و قاعده سهل‌الوصولی دارندگان وام‌های مسکن را تغییر داد، این تغییر در امر پاسخگویی نتایج عمیقی در برداشت. درس از پاسخگویی به‌طور کاربردی در بسیاری از حوزه‌ها ادامه داشته است. ما نیز باید برای تضمین ارکان و عناصری از بازارهای مالی که ممکن است وجود یک رابطه موج‌دار بین نظارت و پاسخگویی را نشان نداده باشند، دنبال کنیم. همچنین باید سازمان‌ها و موسسات خود را مورد بررسی قرار دهیم تا اطمینان حاصل آید. افرادی که ما برای تصمیم‌گیری در مورد فروش، خدمات، مدیریت و رتبه‌های حرفه‌ای به آنها اتکا کرده‌ایم، منافعی در ضرورت نتایج برای تحریک رفتار عقلایی دارند یا خیر. به علاوه، حقیقت مشهود برای ما در بحران اخیر این است که هیچ چیز برای آخرین بار نیست. بازارها می‌توانند مثل یک روند (افزایش قیمت مسکن) شروع به رفتاری کنند، که گویی برای همیشه ادامه خواهد داشت. اگر سیستمی تنها به کارکرد زمانی‌که قیمت‌ها یا روندها در یک جهت تغییر می‌کنند، منوط شود، مطمئنا دچار شکست خواهد شد.پس به‌عنوان یک اقدام و گامی برای آینده، نیاز است توجه داشته باشیم که در مورد هر سیستم کسب و کار یا راهبردهای مالی یا رفتارهایی که مبتنی بر عقاید و تفکرات بنیادی است، یک روند مشخص به‌طور نامعلوم ادامه خواهد یافت. بهترین راهبرد آن است که تحت شرایط متغیر انعطاف‌پذیر بوده و نسبت به تغییرات انطباق‌پذیر باشد.تاکید و تمرکز بر اصول بنیادی هرگز به خارج از چارچوب کشیده نمی‌شود. ارزشیابی نکول‌ها براساس سوابق گذشته قابل ردیابی بود. یک ارزشیابی از گستره تغییرات بانی وام‌های مسکن و وضعیت دارندگان این وام‌ها باید تصویر متفاوتی را آشکار می‌کرد. موسساتی که باید در مدیریت ریسک مالی تخصص داشته باشند، در ارزیابی منصفانه و تامین ذخایر لازم برای اتفاقات ناگوار دچار اشتباه شدند.توجه به ارزیابی‌های ارائه شده توسط دیگران و شناخت مستمر از محیط پویای پیرامون سرنوشت‌ساز و مهم است. در دنیایی که روز به روز بر حجم اوراق بهادار و مشتقات آنها افزوده می‌شود، توجه به پنهان‌سازی ماورای دارایی‌های پایه و رفتارها از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد. به‌راستی که کل می‌تواند چیزی متفاوت از اجزای خود باشد.منبع: .Recent Crisis: Roots and Lessons, by Stephen Mitchell and John F. McGarry

http://www.donya-e-eqtesad.com/Default_view.asp?@=۱۴۳۳۲۴*

پول شوئی پاک کردن رد پای جرم

روش های پول شوئیپرستو برومند فر – کارشناس ارشد اقتصاد

پولشویی به مجموعه اعمالی گفته می‌شود که طی آن معاملات و درآمدهای نامشروع شکلی کاملاً قانونی می‌گیرند و از تعقیب و مجازات قانون رهایی می‌یابند. پول شویی یکی از عواملی است که موجب فساد اقتصادی جوامع می شود و آنان را ازپیشرفت وتوسعه اقتصادی باز می دارد همچنان که در بسیاری از کشورها شاهد ضعف فعالیت اقتصادی به خاطر استفاده از پولهای نامشروع هستیم .اما آنچه چهره پول شویی را بیش از بیش زشت جلوه می دهد، دستگاههای تبهکاری و انجام عملیات بانکی توسط آنهاست که گاه به عنوان جریانی خارج از نظام اقتصادی موجب فلج شدن چرخه های پولی و مالی کشورها می شود .در کشور ما نمونه های مختلفی از این پولهای کثیف مشاهده می شود، مانند پولهای سیاه (قاچاق مواد مخدر) و پولهای خاکستری (فرار از مالیات، کلاهبرداری، حیف و میل منابع ملی و عمومی). اکتساب پولهای کثیف و تطهیر آن عملی خلاف و غیر قانونی بوده و دارای تبعات منفی بسیاری بر اقتصاد کشور می‌باشد. به همین دلیل مبارزه با پول شویی مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است و کشورها برای نیل به این مقصود به تصویب قوانین و مقررات ویژه ای اقدام کرده اند.پیشرفت و توسعه اقتصادی، احساس امنیت بیشتر اقتصادی، بهبود جایگاه ایران در عرصه اقتصاد جهانی و تقویت منافع ملی،از نتایج مبارزه با پول شویی است . در این مقاله ضمن تعریف ، روشها وفرایند پول شویی و راههای مبارزه با آن بیان شده است .مقدمهپول شویی (Money Laundering) فرایندی پیچیده، مستمر، درازمدت و گروهی است که به طور معمول در مقیاسی بزرگ انجام می شود و می تواند از محدوده جغرافیایی – سیاسی یک کشور فراتر برود و به موجب آن پول کثیف حاصل از ارتکاب جرم تغییر شکل می یابد و به صورت مشروع و قانونی در می‌آید ، به نحوی که منشاء مجرمانه آن از لحاظ ردیابی مشکل می شود .غالباً مجرمان سعی می‌کنند با استفاده از سیستم بانکی منابع و وجوه حاصل از جرم را تطهیر کنند. از آنجایی که انگیزه مالی مهمترین انگیزه ارتکاب جرم است، جلوگیری از کسب درآمد نامشروع، یکی از ضروریات سالم‌سازی اقتصاد است و افراد را به سمت کسب درآمد حلال و قانونی سوق می‌دهد، با قانون مبارزه با پول شویی می‌توان از تزریق آنها به کالبد اقتصاد کشور جلوگیری کرد .تعریف پول شوییپول شویی یک فعالیت غیرقانونی است که در طی انجام آن، عواید و درآمدهای ناشی از اعمال خلاف قانون، مشروعیت می‌یابد. به عبارت دیگر پولهای کثیف ناشی از اعمال خلاف به پولهای تمیز تبدیل و در بدنه اقتصاد جایگزین می شود.انواع درآمدهای نامشروعدرآمدهای نامشروع که به پولهای کثیف معروف است را می توان به سه دسته تقسیم کرد :پول سیاه : درآمدهایی که از راه قاچاق کالا و مواد مخدر و ثروت های نامشروع دیگر به دست می آید .پولهای خونین : به اقدامات ضد بشری و خیانت کارانه اطلاق می شود .پول های خاکستری:

به در آمدهایی گفته می شود که ازکانال هایی زیر زمینی و پنهانی به دور از چشم مأموران حکومتی به دست می آید .فرایند پول شویی شامل مراحل زیر است۱- جایگذاریاولین مرحله از فرایند جرم پول شویی جایگذاری یا تزریق عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه به شبکه مالی رسمی ، با هدف تبدیل و تغییر منشا و یا مالکیت آن است . معمولاً جایگذاری عواید حاصل از جرم با تقسیم وجوه نقدی کلان به مبالغ کوچک صورت می گیرد . این شیوه به نحوی است که وجوه سپرده‌گذاری شده (کمتر از سقف معین پیش‌بینی شده برای گزارش دهی) متعاقباً به خارج انتقال می‌یابند و بسرعت استرداد می‌شوند . مجرمان این روش را در اغلب کشورها ، مورد استفاده قرار می‌دهند. (حتی اگر سقف معینی برای گزارش دهی معاملات نقدی وجود نداشته باشد)از دیگر روشهایی که مورد استفاده تطهیرکنندگان پول قرار می گیرد ، استفاده از نام بستگان نزدیک یا سایر اشخاصی است که به گونه‌ای با مجرمان در ارتباط هستند . همچنین تشکیل شرکتهای صوری یا شرکتهایی که اساساً به منظور پول شویی تاسیس می‌شوند و در نقاطی به ثبت می‌رسند که مقررات در این خصوص آسان است .روش دیگری که مورد استفاده قرار می گیرد ، این است که مهاجران مبالغ جزئی و کم را در یک حساب مشترک می‌ریزند . گردش این حساب به نحوی است که واریز به آن ، توسط اشخاص غیر مرتبط یا به صورت مبالغ جزئی صورت می گیرد .۲- لایه گذاریلایه گذاری مرحله دیگری از جرم پول شویی است . این مرحله معطوف به جداسازی عواید حاصل از جرم ، ازمنشاء غیر قانونی آن است . این عمل از طریق ایجاد لایه‌های پیچیده ناشی از معاملات (نقل و انتقالات) چندگانه باهدف مبهم ساختن زنجیره عطف حسابرسی و عدم امکان ردیابی منشاء مالی صورت می پذیرد . این امر ، متضمن انجام دادن عملیاتی مانندحواله وجه سپرده شده نزد بانک‌ها و موسسات مالی دیگر ،یا تبدیل سپرده نقدی به اسناد پولی دیگر (اوراق بهادار ، سهام و چک‌های مسافرتی) است . ۳- درهم آمیزی یا یکپارچه سازیآخرین مرحله در فرایند پول شویی ، یکپارچه سازی یا فراهم آوردن پوشش و ظاهری مشروع برای توجیه قانونی عواید حاصل از فعالیتهای مجرمانه است . چنانچه مرحله لایه گذاری با موفقیت انجام شد ، عواید حاصل از جرم باید به نحوی وارد چرخه اقتصاد قانونی و رسمی شود.این مرحله ، از طریق روشهای متعددی ، مانند سوق داراییهای نامشروع به سوی اشخاص یا شرکتهایی که به نحوی با مجرمان در ارتباط هستند ، یا از طریق روشهای دیگری مانند ، تاسیس شرکتهای پوششی و غیره انجام می‌پذیرد .روشهای پول شویی۱ - این پولها از حالت نقدینگی خارج و وارد سیستم بانکی می شود، سپس آنقدر جابه جا شده و از حسابی به حساب دیگر واریز می‌شوند تا هویت مالک واقعی آن مخدوش شود و بالاخره در آخرین مرحله با خرید سهام شرکتها و یا سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف قانونی، فرم و شکل قانونی می یابند .-۲ از معمولترین و مهمترین روشهای پول شویی این است که پولشویان برای کاهش جلب توجه مجریان قانون به عملیات پول شویی، مقادیر زیادی پول نقد را به مقادیر کوچکی تبدیل و یا به طور مستقیم در بانک سرمایه گذاری می کنند و یا با آن ابزارهای مالی چون چک، سفته و غیره می خرند و در مکانهای دیگر سپرده گذاری می کنند.-۳ ازشیوه های دیگر تطهیر پول می توان به سرمایه گذاری موقت در بنگاههای تولیدی - تجاری قانونی، سرمایه گذاری در بازار سهام و اوراق قرضه، ایجاد سازمانهای خیریه قلابی، سرمایه گذاری در بازار طلا-و الماس، شرکت در مزایده های اجناس هنری و کالاهای قدیمی و انتقال پول به کشورهای دارای مقررات بانکی آزاد مثل کشور سوئیس اشاره کرد. به صورتی که پول کثیف زمانی که در فعالیتهای قانونی وارد وسرمایه گذاری شود، در طول گردش و دست به دست شدن با پولهای تمیز مخلوط می شود، به طوری که دیگر شناسایی آن ناممکن می شود.-۴ از دیگر شیوه های پول شویی خرید مغازه‌ها، رستوران ها و کیوسک‌ها است، جاهایی که روزانه در آن روند و چرخه پول وجود دارد و بدین وسیله می‌توان به طور مصنوعی با تزریق روزانه مبالغی از پول‌های غیر قانونی به درآمد آنها بدون هیچگونه دردسری این پولها را به حسابی در بانک واریز کرد.آثار منفی پول شویی-۱ افزایش پول شویی و جرم و جنایت سبب کاهش تقاضای پول و کاهش معینی در نرخ سالانه GDP می شود. همچنین رشد فعالیتهای زیر زمینی به علت رشد پول شویی، به دلیل ثبت نشدن در GDP سیاستهای اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد.-۲ پول شویی موجب شیوع بیشتر جرایم می شود و تمایل به سرمایه گذاری در فعالیتهای مولد را کاهش داده و موجب تضعیف بنیانهای اقتصادی کشور می شود.-۳ پول شویی بر توزیع درآمد در سطح جامعه نیز تاثیر می گذارد. در سطوح وسیع، فعالیتهای غیر قانونی نهفته، درآمد را از پس انداز کنندگان بزرگ به سمت سرمایه گذاران و پس انداز کنندگان کوچک و یا از سرمایه گذاریهای شفاف به سمت سرمایه گذاریهایی پر ریسک و با کیفیت پایین هدایت می کند و در نتیجه بر رشد اقتصادی تاثیر خواهد گذاشت.-۴ پول شویی سبب آلودگی مبادلات قانونی خواهد شد، بدین صورت که اعتماد به بازارها و مبادلات قانونی به دلیل آلودگی ناشی از سطح وسیع اختلاس و کلاهبرداری ها مورد تردید قرار خواهد گرفت.-۵ ازدیگر اثرات منفی پول شویی، فرار سرمایه به صورت غیر قانونی از کشور است. بدین صورت که پولهای خلاف برای تطهیر و سرمایه گذاری به کشورهای توسعه یافته غربی منتقل می شوند.-۶ تضعیف بخش خصوصی: پول شویان با هدف پنهان کردن عواید حاصل از فعالیتهای غیرقانونی خود، با استفاده از شرکتهای پیشرو، عواید مزبـــــور را با وجوه قانونی مخلوط می کنند. از آنجایی که این شرکتها به وجوه غیرقانونی قابل توجهی دسترسی دارند که به آنها کمک می کند تا محصولات و خدمات خود را با قیمتی کمتر از سطح قیمت بازار ارائه دهند این امر رقابت را برای شرکتهای قانونی بسیار مشکل می کند و باعث بیرون رانده شدن توسط شرکتها و سازمانهای مجرم از بازار و تضعیف بخش خصـــوصی قانونی در اقتصاد می شود.۷ - تضعیف یکپارچگی و تمامیت بازارهای مالی: موسسات مالی متکی به عواید حاصل از فعالیتهای مجرمانه در مدیریت مناسب دارایی ها، انجام بموقع تعهدات و عملیات خود با مشکلات و چالشهای بیشتری مواجه اند.۸ - کاهش کنترل دولت بر سیاستهای اقتصادی: در بعضی از کشورهای درحال توسعه این عواید غیرقانونی ممکن است میزان بودجه دولت را تحت تاثیر قرار دهد و در نتیجه کنترل دولت را بر سیاستگذاریهای اقتصادی کاهش دهد. درواقع، گاهی حجم زیاد دارایی های انباشته شده مبتنی بر عواید حاصل از پول شویی، بازارها یا حتی اقتصادهای کوچک را در تنگنا قرار می دهد.مبارزه با پول شوییجهان امروز به صورت دهکده جهانی یا بازار جهانی است که در آن هر روز میلیاردها دلار و یورو از یک قاره به قاره دیگر منتقل می‌شود ودر نتیجه جرایم مالی نوعی متفاوتی از رفتارهای مجرمانه شده است که مستقیماً با اعمال خشونت‌آمیز مالی در ارتباط نیست.تصویب و اجرای دقیق یک قانون مؤثر علیه پول شویی بدون شک هزینه‌هایی را در قبال نقدینگی کلی در بازارهای مالی داخلی به دنبال خواهد داشت، اما در درازمدت منافع حاصل از آن در زمینه ایجاد اقتصادی سالم‌تر و قوی‌تر متجلی و زیانهای ناشی از اجرای قانون پول شویی تا حد زیادی جبران می‌شود. مبارزه با پول شویی حلقه مفقوده‌ای در مجموعه فعالیتهای دولت برای سالم‌سازی اقتصادی است. برای تحقق مبارزه با پول شویی اول باید نحوه معاملات اقتصادی را شفاف و نحوه نظارت‌ها را قانونمند کرد و بعد به کشف و مقابله یا تطهیر پولهای سیاه پرداخت.در عین حال باید سیستم دقیق و هوشمندی داشته باشیم تا پس از تصویب، نحوه اجرا را کنترل کند. در حالی که ما از ابزارهای اولیه مکانیزاسیون و تکنولوژی‌های نو در سیستم‌های مالی و پولی بی‌بهره هستیم.جهت مبارزه با پول شویی پیشنهاد می‌شود :۱ - برای تحقق مبارزه با پول شویی ابتدا باید نحوه معاملات اقتصادی را شفاف و نحوه نظارت‌ها را قانونمند کرد.۲ - شبکه بانکی درآمدهای کلان را مورد بررسی قرار دهد و مراجع قانونی و قضایی را مطلع کند تا منشا این درآمدها را بیابند. به این ترتیب با نظارت گسترده بر درآمدها از پول شویی و صدمات اقتصادی ناشی از آن کاسته می‌شود.۳ - دولت بسترهای لازم برای اجرای قانون مبارزه با پول شویی را آماده کند و فقط به ضمانتهای اجرایی سخت‌افزاری یعنی برخوردهای فیزیکی اکتفا نکند چرا که به تجربه ثابت شده است، چنین شیوه‌هایی نتیجه مثبت نخواهد داشت.۴ - زیرساختهای ضروری برای مبارزه با پول شویی از طریق برپایی یک رژیم حقوقی جامع و در عین حال سختگیرانه پی ریزی شود .۵ - دولت با تاکید بر اجرای هدفمند این استراتژی(رژیم حقوقی جامع) و تلاشهای هر دو بخش دولتی و خصوصی و نیز تقویت تجهیزات و ساز و کارهای اجرایی در این مبارزه تلاش کند .۶ - به منظور سنجش درجهٔ کارایی مقررات اجرایی ذی ربط و نیل به اهداف مورد انتظار ، نظام ارزیابی هماهنگی مشتمل بر شاخصهای کیفی و کمی برقرار و پیاده شود .منابع :۱ - بهرام زاده ، ح ، شریعتی ، ح ، روشهای مبارزه با پول شویی ، تدبیر ۱۴۹-۲ ترجمه، میرفخرایی، م ، قانون پول شویی و تامین منابع مالی تروریسم : واکنشهای پس از ?? سپتامبر ،مجله حقوقی(دفتر خدمات بین الملل) شماره ۲۹-۳ خمامی زاده ،ف ، مبارزه با پول شویی در بانکها و موسسات مالی - نگاهی به قانون ضدتروریسم ایالات متحده امریکا ،مجله حقوقی(دفتر خدمات بین الملل) شماره ۲۹۴–

عزیزیان ،ح، دستورالعمل اجرایی مقررات پیشگیری از پولشویی در بانک ، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۰/۵/۸۴* تدبیر

میزان کارآئی در شرکت های سرمایه گذاری کوچک و متوسط

انگلیسی: نتایج تحقیق Performance measures in English small and medium enterprises: survey resultsSérgio D. Sousa, Elaine M. Aspinwall, A. Guimarães Rodrigues The Authors Sérgio D. Sousa, School of Engineering, University of Minho, Braga, Portugal Elaine M. Aspinwall, School of Engineering, University of Minho, Braga, Portugal A. Guimarães Rodrigues, School of Engineering, University of Minho, Braga, Portugal Acknowledgements The authors are grateful to all the companies that participated in this survey. This work was partially supported by British Chevening Scholarships (Grant POR ۰۱۰۰۱۰۹) and Fundação para a Ciência e a Tecnologia (Grant SFRH/BD/۶۹۳۹/۲۰۰۱). This paper is an extended version of the work presented at the First International Conference on Performance Measures, Benchmarking and Best Practices in New Economy – Business Excellence ۲۰۰۳, ۱۰-۱۳ June ۲۰۰۳, University of Minho, Portugal. Abstract Purpose – To determine the current state of knowledge related to performance measures and their degree of implementation in small and medium enterprises (SMEs) in England. Design/methodology/approach – The paper starts with a literature review and then goes on to discuss the methodology used. The survey is briefly presented together with the analysis of the resultant data. General opinions regarding performance measurement in English SMEs are described, including the most important measures and the biggest obstacles to the adoption of new ones. Hypotheses about differences between groups are tested and discussed. Findings – This work concludes that there is a gap between the theory/knowledge of performance measures and the practice in English SMEs. Training of employees and difficulty in defining new performance measures were highlighted as the major obstacles to the adoption of new performance measures. Research limitations/implications – The low response rate of the survey precludes the generalisation of the findings. Practical implications – Innovation and learning measures should be applied more widely. Originality/value – This paper is relevant to academics and SME managers because it supports the existence of a gap between the theory of performance measurement and its degree of implementation. In addition, it introduces both theoretical information on performance measurement, including that based on the balanced scorecard perspectives, and practical information from a survey conducted in English SMEs. Article Type: Research paper Keyword(s): Performance measures Small to medium-sized enterprises Balanced scorecard Total quality management England. Benchmarking: An International Journal Volume ۱۳ Number ۱/۲ ۲۰۰۶ pp. ۱۲۰-۱۳۴ Copyright © Emerald Group Publishing Limited ISSN ۱۴۶۳-۵۷۷۱ Literature review For the purpose of this research "performance measurement" (Neely et al., ۱۹۹۵) has been defined as the process of quantifying the efficiency and effectiveness of action, and "performance measure" as a metric used to quantify that action. Small and medium enterprises (SMEs) were taken to be those companies with less than ۲۵۰ (۵۰ for small ones) workers (Commission of the European Communities, ۲۰۰۳) and: no more than ۲۵ per cent of the capital or voting rights were held by one or more enterprises which were not, themselves, SMEs and the annual turnover was less than €۴۰_m (€۷_m for small companies) or the total balance sheet was less than €۲۷_m (€۵_m for small companies). Traditional methods of measuring a company's performance by financial indices alone have virtually disappeared from large organisations (Basu, ۲۰۰۱). Non-financial measures are at the heart of describing strategy and of developing a unique set of performance measures that clearly communicate strategy (Kaplan and Norton, ۱۹۹۲, ۱۹۹۶), and help in its execution (Frigo, ۲۰۰۲). Frigo (۲۰۰۲) reported the existence of a gap between strategy and performance measures, which failed to support the communication of strategy within an organisation. André and Saraiva (۲۰۰۰) noted that there was quite a large gap between available models and current company practices in Portuguese companies. Hudson et al. (۲۰۰۱) concluded that although there was a widespread acceptance of the value of strategic performance measurement amongst the SMEs that they studied, none had taken steps to redesign or update their current performance measurement systems. Many excellence models and performance measurement frameworks, like the EFQM (۲۰۰۱) excellence model, Kanji's business scorecard (Kanji and Sá, ۲۰۰۲), the performance prism (Neely et al., ۲۰۰۲), and the balanced scorecard (Kaplan and Norton, ۱۹۹۲), have proposed ways of using the TQM philosophy. According to Ahmed (۲۰۰۲), the most popular ones to have drawn the attention of researchers include the balanced scorecard and the EFQM. Kanji and Sá (۲۰۰۲) state, for example, that the new approach to performance measurement suggested in the balanced scorecard is consistent with business excellence and TQM. The balanced scorecard is relevant to both small and large organisations, however, neither a comprehensive literature review nor any empirical research exists on implementing the balanced scorecard in SMEs (Andersen et al., ۲۰۰۱). The interest, over the last decade, in TQM and quality awards has highlighted the importance of performance indicators in achieving quality excellence. Quality measures represent the most positive step taken to date in broadening the basis of business performance measurement (Bogan and English, ۱۹۹۴). Models of excellence and improvement

initiatives based on TQM principles reflect the importance of not only complying to specifications but also to delighting an organisations' stakeholders. The relationship between TQM practice and organisational performance is significant (Samson and Terziovski, ۱۹۹۹), and TQM implementation correlates with quality performance (Brah et al., ۲۰۰۲), despite some contradictory cases (Shaffer and Thomson, ۱۹۹۲ Ittner and Larcker, ۱۹۹۷ Sterman et al., ۱۹۹۷ Wilbur, ۲۰۰۲). Many of the failures of TQM in small organisations are related to bad implementation strategies and processes (Hansson and Klefsjo, ۲۰۰۳). Wood and Childe (۲۰۰۳) showed that it was possible to establish relationships between process improvement actions and performance requirements. The adoption of the process approach to quality management systems (QMS) was one of the most important aspects of the year ۲۰۰۰ revisions of ISO ۹۰۰۱ and ISO ۹۰۰۴ (Hooper, ۲۰۰۱). The new ISO ۹۰۰۱ standard (ISO, ۲۰۰۲) requires fact-based decisions and continual measurement and improvement of performance results (Karapetrovic and Willborn, ۲۰۰۲). These changes have narrowed the gap between the requirements of a QMS and those of the EFQM excellence model. Both reinforce the need to measure not only the critical success factors of an organisation but also the satisfaction of its stakeholders, to allow and assure continuous improvement aligned with strategy. Juran and Godfrey (۱۹۹۹) and Campanela (۱۹۹۹) considered quality costs to be the main driver, when selecting quality improvement projects. This can also be done with the support of the balanced scorecard, making it a strategic management tool as suggested by Cobbold and Lawrie (۲۰۰۲). The EFQM (۲۰۰۳) recognises that organisations, on their journey to excellence, may show different levels of maturity. The selection of the best approach to measure the effectiveness of a system will ultimately be based on the maturity of the quality efforts, the type of organisation or process, and other TQM tools applied concurrently (Campanela, ۱۹۹۹). Brah et al. (۲۰۰۲) reported that the size of a company and the extent of its experience with TQM affect the rigor of implementation and the resulting level of performance quality. However, the nature of a company (manufacturing or service) does not seem to have a significant effect on either aspect. Hudson et al. (۲۰۰۱) concluded that a discrepancy between theory and practice was identified in the development processes employed by SMEs, including a lack of strategic forethought, lack of communication between managers and the lack of a structured process for development. They also suggest that there are substantial barriers to strategic PM systems' development in SMEs. Neely et al. (۱۹۹۵) pointed out that measurement is a luxury for SMEs – success and failure are obvious. They have concluded that the cost of measurement is an issue of great concern to managers in SMEs. Methodology The steps followed in this research are similar to those followed by Saraph et al. (۱۹۸۹) and Yusof and Aspinwall (۲۰۰۰b). Following a literature review, the subject of performance measurement was discussed with both academic and non-academic specialists and hypotheses were formulated. This provided the basis for the construction of a questionnaire which was pre-tested and revised. The final survey form was sent by e-mail, to privately owned SMEs in England (both from the service and industrial sectors). The data was analysed using the SPSS package v۱۱.۰. The reliability and validity of the questionnaire were also verified. A test for possible bias from respondents was analysed as suggested by Armstrong and Overton(۱۹۷۷). Survey The questionnaire consisted of three main sections: the company background, the level of knowledge about performance measures, and the use of specific performance measures. The first section was intended to determine general information like number of employees, sector of activity, number of clients, types of product made, whether a certified quality system was held, the level of TQM and quality measures adoption and confirmation that the company was indeed an SME. Each respondent was also asked to select, from a list of nine, the quality initiatives that had been adopted in their company. In addition, they were asked to state their company's strategic objectives to establish whether or not they adopt adequate performance measures to track their evolution. The second section consisted of ۲۲ statements about the performance measurement system of the company, including aspects such as the company's strategy, the selection of performance measures, their implementation and the results. The respondents were asked to rate their degree of agreement with each statement according to a five-point Likert scale from ۱ "strongly disagree" to ۵ "strongly agree". Zero was added in case of doubt. This section also contained a question to determine the most important performance measures used in the company, and one for the obstacles likely to be encountered if adopting new ones. The actual criteria that allow companies to win new orders, as suggested by Neely et al. (۱۹۹۴), were also assessed. The balanced scorecard (Kaplan and Norton, ۱۹۹۲, ۱۹۹۳) was chosen as the basis for the third section of the questionnaire mainly because of its simplicity, general acceptance among practitioners and researchers, and its close association with strategy (Kaplan and Norton, ۱۹۹۶). The objective of this section was to investigate the importance and use of different performance measures. A Likert scale similar to that used in the second section was used to rate the importance and the use of eachmeasure. Questionnaire reliability and validity The reliability of the questionnaire, which measures internal consistency, was studied through Cronbach's α. This method allows for the calculation of the α coefficient if one

variable is removed from the original set, making it possible to identify the subset that has the highest reliability coefficient. If all the results are above ۰.۷, the scales are judged to be reliable. In the second section, of the questionnaire, all four groups (components) were considered reliable after deleting ۲ of the ۲۲ statements (variables). The α coefficients varied between ۰.۷۴۴ and ۰.۸۹۰. Measures in third section were organised as suggested in the balanced scorecard, and as can be seen in Table I, all groups of measures were considered reliable. Within the customer measures group, delivery was not considered reliable, and therefore, was removed from further analysis. This is not critical to this study because other components regarding customer performance measures are being considered. Content validity is always subjectively evaluated by the researcher (Churchil, ۱۹۷۹ Saraph et al., ۱۹۸۹). An instrument has content validity if it contains a representative collection of items and if sensible methods of test construction were used (Yusof and Aspinwall, ۲۰۰۰b). It is strongly believed that the second and third sections of this survey instrument have content validity as they were well received by the pilot respondents and by several academics and company managers who assessed them. Construct validity was tested for the second and third sections using principal components analysis. Each measure or variable within a component should have a significant correlation with variables of the same component and low correlation with others (Hair et al., ۱۹۹۸). The objective of construct validity analysis is to verify if all the statements that translate the concept under study are unifactorial. If this happens the group is considered homogeneous. In the second section, only one variable was deleted to assure that all groups were unifactorial (Table II), i.e. in each group only one component was extracted, thus all groups were considered homogeneous. The Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) indicator, which is a measure of sampling adequacy and should not be lower than ۰.۵, was also verified in all cases. Variables within each component gave correlations higher than ۰.۶۳۵ in all cases. Eight variables out of ۶۱ were deleted in the third section to make each group unifactorial (Table III). The results indicate that in both sections each set of variables constitutes a homogeneous group. Thus each one translates one concept. Predictive or criterion-related validity was tested as suggested by Owlia and Aspinwall (۱۹۹۸) and Yusof and Aspinwall (۲۰۰۰a). A greater use of performance measures should correspond to a greater understanding of the company's performance measurement system. A linear regression analysis was performed on the overall use of performance measures (from the second section) against the components identified in the third section. The adjusted R۲ value was ۶۸.۲ per cent, suggesting a good fit. To improve this value, a reduction in the number of factors was considered. Using the stepwise method to select the variables to be added to, or removed from, the regression model, the adjusted R۲ value increased marginally to ۶۸.۶ per cent. The overall perception of the performance measurement system (OPPMS) can be expressed through the following model: Equation ۱ A residual analysis was carried out to validate the assumptions of normality, constant variance and zero mean. The model suggests that English SMEs report a higher use of performance measures if they use financial, quality performance and training of employees' measures. The negative relationship associated with the use of customer performance and innovation measures, suggests that these measures may not be perceived as performance measures. The results, overall, show that the instrument reflects predictive validity. Results The questionnaire was sent to ۴۰۰ companies and ۵۲ were returned completed. Four of the respondents were not classified as SMEs resulting in a response rate of ۱۲ per cent. This is low for a postal survey and so caution must be exercised when generalising conclusions. The returns were organised into two groups to test possible bias of respondents. No bias was found and so it can be assumed that non-respondents would have similar characteristics to the respondents. Figure ۱ shows the breakdown of respondent companies by number of employees. The wide range of activities covered by respondent companies is shown in Figure ۲, and includes SMEs from the service sector. The majority of respondents were certified to ISO standards (Figure ۳), but only ۱۴ per cent had completed the transition to ISO ۹۰۰۱:۲۰۰۰. Continuous improvement or total quality management can be implemented following a Plan-Do-Check-Act (PDCA) cycle. Thus it is fundamental in the planning phase to define activities to improve strategic objectives, which will then be monitored. Respondents selected profitability (۵۳ per cent) as the main strategic objective followed by quality (۲۲ per cent) and flexibility (۱۰ per cent). When asked about the criteria that most helped their companies to win orders, manufacturing quality came in first followed by price (Table IV). It appears that despite other important factors, the quality/price relationship is still of major importance for English SMEs and cannot be forgotten when initiatives are deployed within an organisation. Table V presents the quality initiatives already implemented in the respondents' companies. Setting up a quality department can be explained as a result of ISO standards or simply as a means of implementing the necessary activities to improve quality and to track their evolution. As employee involvement to improve quality and establishing measures of quality progress received ۶۵ and ۴۶ per cent, respectively, it is expected that approximately half of companies use measures to assess quality progress. The same data allow us to conclude that statistical process control, an efficient tool to

understand the variation of a process is used only in ۲۳ per cent of companies. General opinions about performance measurement were asked on strategy, selection of measures, implementation and results (Figure ۴), as all of these are important in the process of continuous improvement. An ANOVA test on the four means showed a significant difference between them at the ۵ per cent level. The assumption of homogeneity of variances was verified through Levene's test. The results group has the lowest score, meaning that the consequence of using performance measures is not well understood, and a balance amongst these groups should result in better performance measurement systems. Obstacles to the adoption of new performance measures in SMEs include computer systems issues, lack of top management commitment and the existing accounting system (Bourne et al., ۲۰۰۰ Neely et al., ۱۹۹۷). The respondents considered (Figure ۵) training of employees as the most important obstacle, followed by difficulty in defining new measures, which could be the result of lack of skills of employees and leadership, confirming the importance of top management commitment. The cost of the performance system must always be analysed and is considered of great concern to SMEs. According to the literature, companies should adopt a balanced use of the four groups of measures, as organised in the balanced scorecard. However, respondents considered some measures more important than others, as shown in Figure ۶. It is curious to note that on-time delivery is not perceived to be a relevant criterion to win new orders (Table IV) but it is considered the most important performance measure. This may be because, if a problem occurs in the process or with the supplier it will be reflected in this measure. In-process quality was perceived to be the second most important measure. Balanced scorecard Grouping all the performance measures together, importance was rated by the respondents as ۳.۵۵, on average, and use as ۳.۱۸. This implies that although the respondents considered performance measures important, they are not used accordingly. After verifying the homogeneity of the variances, an ANOVA was performed. This resulted in a p (or significance) value of ۶.۳ per cent, which, being just larger than ۵ per cent, was too large to be able to conclude a real difference. However, looking at the four groups separately, financial measures are considered the most important and are widely used, while innovation and learning measures are rated less important and are less used (Figure ۷). The four groups of measures analysed in this study were assessed to find out if there was a gap between the perceived importance and the practice or use for each group. Tests were performed, using the ANOVA with a ۵ per cent significance level, to see if there were any differences between the means of: importance and use of each group of measures use for companies from the service and industrial sectors use for SMEs and use for companies certified according to a quality standard and others. The group internal business process exhibited a significant difference between the importance and use of productivity measures, thus there are measures in this group that should be put to more use, such as "output per employee or per labour-hour", "time spent on each stage of product development", "time to process an operation", "number of errors per unit", "number of billing errors per unit", "production volume", "absenteeism", and "injury lost days". There was insufficient evidence to conclude differences between the importance and use of quality performance measures, meaning that if they are considered to be important they are being used. The same was also true for the financial measures group. A significant difference was found between the importance and use of both: Employee training measures (i.e. in the innovation and learning group), which include measures such as "quality related training provided to employees", "percent of employees who have quality as a major responsibility", "surveys of employee satisfaction/attitudes" and "improvement of employee skill/knowledge levels". Customer requirement measures (i.e. the customer group), which include measures such as "ability to adapt or tailor products to customer needs" "response time to customer requests for 'specials'" and "accuracy of interpretation of customer requirements". Again, there was insufficient evidence to suggest differences in the level of use of performance measures between industry and service enterprises, and between SMEs. However, in this sample, medium enterprises make greater use of internal business process and financial measures while for the small ones it is the use of innovation and customer measures. Companies certified to a quality standard and those that were not, did not show any significant differences between their mean levels of use of performance measures. Levene's test for the homogeneity of variances was violated in customer performance measures. Figure ۸ shows this difference in variance, suggesting that SMEs working to a quality standard are more likely to adopt customer performance measures. A similar conclusion can be drawn from other measures but this was the only case that was statistically significant. Conclusions The study investigated the current level of knowledge of performance measures and their degree of implementation in English SMEs. It identified differences between some groups of companies and presented the biggest obstacles to the introduction of new measures. Results indicate that the SMEs surveyed, recognise the importance of the performance measurement system but their level of use was significantly lower. This implies that there is a gap between theory and practice, which could be considered an improvement opportunity for

English SMEs. Performance measures can be used to influence behaviour and, thus, affect the implementation of strategy (Neely et al., ۱۹۹۴). The OPPMS as part of a continuous improvement process, linking strategy to results is not balanced, meaning that this cycle is not fully understood by SMEs' managers. Although it is not necessary to use all the measures suggested in the questionnaire, an alignment between strategy and performance measures makes them more effective (McAdam and Bailie, ۲۰۰۲). Training of employees and difficulty defining new performance measures were highlighted as the most important obstacles to the adoption of new performance measures. This may reflect a lack of skills by employees and a difficulty in understanding the process. Only a minority of the respondent SMEs were applying statistical process control and cultural change programmes. The data collected from this survey suggests that there are no significant differences in the use of performance measures between industry and service enterprises, and between SMEs. However, this requires further study, since one limitation of this study was the low response rate, which precludes a generalisation of these findings. Overall, financial measures were the most widely used, while innovation and learning measures were rated less important and were less used. The most important performance measures were not consistent with criteria to win new orders. Based on the data collected, a gap was detected between the importance and use of some measures suggesting that SMEs should use more productivity, employee training and customer requirement measures. In particular, the level of use of innovation and learning measures should increase if SMEs can resolve the major obstacles, identified in this work, to the adoption of new measures: training of employees and difficulty defining new measures. This research is part of a PhD programme to develop a simple and easy-to-use framework to allow SMEs to create their own performance measurement system, aligned with strategy, to allow the achievement of pre-determined goals. Equation ۱ Figure ۱ Number of workers Figure ۲ Sectors of activity Figure ۳ SMEs' quality assurance system Figure ۴ Overall perception of the performance measurement system Figure ۵ Obstacles to the adoption of new performance measures Figure ۶ Most important performance measures Figure ۷ Importance and use of the balanced scorecard Figure ۸ Use of customer performance measures for SMEs working/not working according to a quality standard Table I Reliability of measures in the third section Table II Principal component analysis of the second section Table III Principal component analysis of the third section Table IV Criteria to win new orders Table V Quality initiatives adopted by English SMEs References

Ahmed, A.M. (۲۰۰۲), "Virtual integrated performance measurement", International Journal of Quality & Reliability Management, Vol. ۱۹ No.۴, pp.۴۱۴-۴۱. Andersen, H., Cobbold, I., Lawrie, G. (۲۰۰۱), "Balanced scorecard implementation in SMEs: reflection on literature and practice", Proceedings of the Fourth SMESME International Conference, Aalborg University, Aalborg, Denmark, pp.۱۰۳-۱۲. André, M., Saraiva, P. (۲۰۰۰), "Approaches of Portuguese companies for relating customer satisfaction with business results", Total Quality Management, Vol. ۱۱ No.۷, pp.۹۲۹-۳۹. Armstrong, J.S., Overton, T.S. (۱۹۷۷), "Estimating nonresponse bias in mail surveys", Journal of Marketing Research, Vol. ۱۴ pp.۳۹۶-۴۰۲. Basu, R. (۲۰۰۱), "New criteria of performance management", Measuring Business Excellence, Vol. ۵ No.۴, pp.۷-۱۲. Bogan, C.E., English, M.J. (۱۹۹۴), Benchmarking for Best Practices – Winning through Innovative Adaptation, McGraw-Hill, New York, NY, . Bourne, M., Mills, J., Wilcox, M., Neely, A., Platts, K. (۲۰۰۰), "Designing, implementing and updating performance measurement systems", International Journal of Operations & Production Management, Vol. ۲۰ No.۷, pp.۷۵۴-۷۱. Brah, S.A., Tee, S.S.L., Rao, B. (۲۰۰۲), "Relationship between TQM and performance of Singapore companies", International Journal of Quality & Reliability Management, Vol. ۱۹ No.۴, pp.۳۵۶-۷۹. (۱۹۹۹), in Campanela, J. (Eds),Principles of Quality Costs – Principles, Implementation and Use, ASQ Quality Press, Milwaukee, WI, . Churchil, G.A. (۱۹۷۹), "A paradigm for developing better measures of marketing constructs", Journal of Marketing Research, Vol. ۱۶ pp.۶۴-۷۳. Cobbold, I.M., Lawrie, G.J.G. (۲۰۰۲), "The development of the balanced scorecard as a strategic management tool", Proceedings of the PMA ۲۰۰۲, Boston, MA, USA, pp.۱۲۵-۳۲. Commission of the European Communities (۲۰۰۳), "Creating an entrepreneurial Europe – the activities of the European Union for small and medium-sized enterprises (SMEs)", Commission of the European Communities, Brussels, available at: http://europa.eu.int/comm/enterprise/entrepreneurship/promoting_entrepreneurship/, . EFQM (۲۰۰۱), "Moving from the SME model to the EFQM excellence model – SMEs version", EFQM, available at: www.efqm.org/publications/downloads/MovingModelsPDF.pdf, . EFQM (۲۰۰۳), "Introducing excellence", available at: www.efqm.org/Downloads/pdf/۰۷۲۳-InEx-en.pdf, . Frigo, M.L. (۲۰۰۲), "Nonfinancial performance measures and strategy execution", Strategic Management, August, pp.۶-۹. Hair, J.F., Anderson, R.E., Tatham, R.L., Black, W.C. (۱۹۹۸), Multivariate Data Analysis, Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ, . Hansson, J., Klefsjo, B. (۲۰۰۳), "A core value model for implementing total quality management in small organisations", The TQM Magazine, Vol. ۱۵ No.۲, pp.۷۱-۸۱. Hooper, J. (۲۰۰۱), "The process approach to QMS in ISO ۹۰۰۱ and ISO ۹۰۰۴", Quality Progress, Vol. ۳۴ No.۱۲, pp.۷۰-۳. Hudson, M., Smart, A., Bourne, M. (۲۰۰۱), "Theory and practice in SME performance

measurement systems", International Journal of Operations & Production Management, Vol. ۲۱ No.۸, pp.۱۰۹۶-۱۱۵. ISO (۲۰۰۲), "ISO ۹۰۰۰ – quality management systems", International Organisation for Standardization, ISO, Geneva, available at: www.iso.ch/iso/en/iso۹۰۰۰-۱۴۰۰۰/iso۹۰۰۰/qmp.html, . Ittner, C.D., Larcker, D.F. (۱۹۹۷), "The performance effects of process management techniques", Management Science, Vol. ۴۳ No.۴, pp.۵۲۲-۳۴. Juran, J.M., Godfrey, A.B. (۱۹۹۹), Juran's Quality Handbook, McGraw-Hill, New York, NY, . Kanji, G., Sá, P. (۲۰۰۲), "Kanji's business scorecard", Total Quality Management, Vol. ۱۳ No.۱, pp.۱۳-۲۷. Kaplan, R., Norton, D. (۱۹۹۲), "The balanced scorecard – measures that drive performance", Harvard Business Review, Vol. ۷۰ pp.۷۱-۹. Kaplan, R., Norton, D. (۱۹۹۳), "Putting the balanced scorecard to work", Harvard Business Review, Vol. ۷۱ pp.۱۳۴-۴۷. Kaplan, R., Norton, D. (۱۹۹۶), "Using the balanced scorecard as a strategic management system", Harvard Business Review, Vol. ۷۴ pp.۷۵-۸۵. Karapetrovic, S., Willborn, W. (۲۰۰۲), "Self-audit of process performance", International Journal of Quality & Reliability Management, Vol. ۱۹ No.۱, pp.۲۴-۴۵. McAdam, R., Bailie, B. (۲۰۰۲), "Business performance measures and alignment impact on strategy", International Journal of Operations & Production Management, Vol. ۲۲ No.۹, pp.۹۷۲-۹۶. Neely, A., Adams, C., Kennerley, M. (۲۰۰۲), The Performance Prism: The Scorecard for Measuring and Managing Business Success, Financial Times/Prentice-Hall, Harlow, . Neely, A., Gregory, M., Platts, K. (۱۹۹۵), "Performance measurement system design", International Journal of Operations & Production Management, Vol. ۱۵ No.۴, pp.۸۰-۱۱۶. Neely, A., Mills, J., Gregory, M., Richards, H. (۱۹۹۴), "Realising strategy through measurement", International Journal of Operations & Production Management, Vol. ۱۴ No.۳, pp.۱۴۰-۵۲. Neely, A., Richards, H., Mills, H., Platts, K., Bourne, M. (۱۹۹۷), "Designing performance measures: a structured approach", International Journal of Operations & Performance Management, Vol. ۱۷ No.۱۱, pp.۱۱۳۱-۵۲. Owlia, M.S., Aspinwall, E.M. (۱۹۹۸), "A framework for measuring quality in engineering education", Total Quality Management, Vol. ۹ No.۶, pp.۵۰۱-۱۸. Samson, D., Terziovski, M. (۱۹۹۹), "The relationship between total quality management practices and operational performance", Journal of Operations Management, Vol. ۱۷ No.۳, pp.۳۹۳-۴۰۹. Saraph, J., Benson, P., Schroeder, R. (۱۹۸۹), "An instrument for measuring the critical factors of quality management", Decision Sciences, Vol. ۲۰ No.۴, pp.۸۱۰-۲۹. Shaffer, R.H., Thomson, H.A. (۱۹۹۲), "Successful change programs begin with results", Harvard Business Review, Vol. ۷۰ No.۱, pp.۸۰-۹. Sterman, J.D., Repenning, N.P., Kofman, F. (۱۹۹۷), "Unanticipated side effects of successful quality programs: exploring a paradox of organizational improvement", Management Science, Vol. ۴۳ No.۴, pp.۵۰۳-۳۴. Wilbur, J.H. (۲۰۰۲), "Is time running out for quality", Quality Progress, Vol. ۳۵ No.۷, pp.۷۵-۹. Wood, C., Childe, S. (۲۰۰۳), "Strategic performance measures for business process re-design", Proceedings of Business Excellence I – Performance Measures, Benchmarking and Best Practices in New Economy, University of Minho, Portugal, pp.۱۰۲-۷. Yusof, S.M., Aspinwall, E.M. (۲۰۰۰a), "TQM implementation issues: review and case study", International Journal of Operations .& Production Management, Vol. ۲۰ No.۶, pp.۶۳۴-۵۵

Yusof, S.M., Aspinwall, E.M. (۲۰۰۰b), "Critical success factors in- small and medium .enterprises: survey results", Total Quality- Management, Vol. ۱۱ No.۴/۵ & ۶, pp.S۴۴۸-۶۲

:'(Corresponding author Sérgio D. Sousa can be contacted at

(document.write(addy۵۹۳۱۹

)"(document.write

< n </script--//\<

>--!

'<'\(document.write('<span style=\'display: none

--//<

/<script>آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید!--<

)>'/'(document.write

'<(document.write('span

--//<

<script>/

<div class="e>

پاسخگویی و راهبری در شرکتهای سهامی

نویسنده : دکتر غلامرضا کردستانی در گذشته براساس دیدگاهی محدود، بحث راهبری در شرکتهای سهامی بیشتر روی حل مسئله نمایندگی بین تامین‌کنندگان منابع مالی و مدیران ارشد شرکت متمرکز بود. تغییرات سریع و عمیق در ساختار فعالیت شرکتهای سهامی به ویژه در حوزه‌هایی از قبیل ماهیت کار، ساختار سازمانی، رقابت بازار تولید، بازار سرمایه و محیط قانونگذاری، لزوم ارزیابی دوباره توانمندی الگوهای راهبری در شرکتهای سهامی و توانایی آنها در اطلاع رسانی و پاسخگویی را مطرح ساخته است. تغییر در ماهیت کار و تکیه بر سرمایه‌های فکری به عنوان عامل اصلی ارزش‌آفرینی به جای عوامل تولید مانند زمین و ماشین‌آلات، پیدایش بازار سرمایه بین المللی، رشد موسسات سرمایه‌گذاری و تنوع محصولات مالی به عنوان مصادیق تغییر در بازار سرمایه، رشد شرکتهای چند ملیتی، جهانی‌سازی و تجارت جهانی به عنوان مصادیق تغییر در رقابت بازار تولید، شکلگیری سازمانهای شبکه‌ای، سازمانهای بدون مرز، شرکتهای افقی و عمودی به عنوان مصادیق تغییر در ساختار سازمانی شرکتها و تغییر در محیط قانونگذاری مانند تدوین و تصویب قوانین مختلف در حمایت از سرمایه‌گذاران، نیروی کار، مصرف‌کنندگان و محیط‌زیست، مدیریت را با چالشهایی در زمینه راهبری در شرکتها روبرو ساخته که قبلاً برایش ناشناخته بوده است. در این میان پاسخگویی مدیریت به ذینفعان شرکت همچنان مورد بحث باقی مانده است. اندیشمندان رهنمودهایی برای چیرگی بر چالشهای راهبری پدید

آمده در نتیجه این تغییرات ارائه کرده‌اند. برای درک ماهیت شرکت، نقش آن در جامعه و نحوه راهبری در شرکتها دو دیدگاه «قراردادگرایی» و«جمعگرایی» شکل گرفته که به هر یک انتقاداتی وارد شده است. در مجموع رویکرد قراردادگرایی شرایط ضروری اما نه کافی برای اداره امور شرکتهای سهامی را داراست و می‌تواند تبدیل به یک الگوی فراگیر برای راهبری شرکتی شود مشروط براینکه زیرساختهای قراردادی کارا و منعطف فراگیر ایجاد شود که نقایص کنونی رویکرد قراردادگرایی را مرتفع سازد. مقدمهتغییرات سریع و عمیق فعالیت شرکتهای سهامی در مقیاس وسیع که هم بر ساختار و هم بر محیط فعالیت شرکت اثر گذاشته، لزوم ارزیابی دوباره توانمندی الگوهای راهبری شرکتی و توانایی آنها در اطلاع‌رسانی و پاسخگویی را مطرح ساخته است. راهبری شرکتی در شکل سنتی خود بر فرایندی تاکید دارد که به تامین‌کنندگان منابع اطمینان می‌دهد بازده سرمایه‌گذاری خود را دریافت خواهند کرد. البته ساختار راهبری به روابط صریح و ضمنی بین شرکت و کارکنان، مالکان، اعتباردهندگان، مشتریان و جامعه مرتبط می‌شود.در ادبیات مالی فرض می‌شود که نظارت بر امور شرکت به واسطه مسئله نمایندگی ناشی از تفکیک مدیریت از مالکیت شکل گرفته است. در این زمینه برخی از پژوهشها انگیزه اصلی مدیران برای بیشینه ساختن ثروت سهامداران را متناسب با میزان سهامی می‌دانند که مدیران در پرتفوی خود نگهداری می‌کنند. برخی دیگر از پژوهشها بیان می‌دارندکه قراردادهای پاداش مبتنی بر ارزش سهام انگیزه مدیران برای افزایش ثروت سهامداران را بیشتر می‌کند. پژوهشهای دیگر براساس تئوری نمایندگی رابطه بین تخلفات مدیریت و مبالغ در اختیار مدیریت به عنوان جریان نقدی آزاد را مثبت بیان می‌کنند. پژوهشهای دیگری بیان می‌دارند که شرکتهایی که در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره از اعضای غیرموظف بیشتری استفاده می‌کنند، بیشتر در جهت منافع سهامداران و کمتر در جهت منافع مدیریت گام برمی‌دارند. تغییرات محیط فعالیت شرکت از قبیل تغییر قوانین مالیاتی و قضایی و رابطه آن با ساختار راهبری شرکتها نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. نتیجه این پژوهشها از وجود رابطه مثبت بین حقوق تعریف شده سهامداران و حمایت قانون از آن و اندازه بازار سرمایه نشان دارد.به هرحال این مطالعات سیر تکاملی ساختارهای راهبری را درگذر زمان نشان می‌دهد، ولی به نحوه انطباق الگوهای راهبری شرکتهای سهامی با تغییرات ساختاری در محیط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی توجه کمتری دارد (Bradley et al,.۲۰۰۰).در این مقاله تغییرات اخیر تاثیرگذار بر اداره واحدهای تجاری، علل ایجاد این تغییرات و پیامدهای مرتبط با راهبری شرکتی، الگوهای راهبری سازگار با این تغییرات و لزوم حرکت در راستای اهداف پاسخگویی شرکتها بحث شده است.تغییر در اداره واحدهای تجاریبرای تبیین تغییرات اخیر ایجاد شده در اداره واحدهای تجاری می‌توان ۵ حوزه تغییر را که مرتبط با محیط درونی و بیرونی شرکتهای سهامی است نام برد. نمودار ۱ این تغییرات را طبقه‌بندی و منعکس کرده است. تغییر در ماهیت کاربراثر توسعه فناوری و اطلاع‌رسانی تغییراتی اساسی در ماهیت کار ایجاد شده است.در حالیکه زمین، نیروی کار و سرمایه عوامل اصلی تولید و سود بوده‌اند، امروزه دانایی عامل اصلی تولید برای ارزش آفرینی به‌حساب می‌آید؛در گذشته کارگران در خدمت ماشین‌آلات و سرمایه بوده‌اند ولی امروزه ماشین‌آلات و سرمایه در خدمت نیروی انسانی است و فناوری مبتنی بر دانایی جایگزین فناوری مبتنی بر زور بازو شده است؛تخصصی کردن و مکانیزه کردن، منطق کارهای صنعتی بوده است، در حالی که شناسایی مشکل و تدوین سیاستهای راهبردی، منطق کارهای مبتنی بر دانایی است؛انتخاب کارکنان براساس قدرت ادراک، دقت و توان تصمیمگیری به جای زور بازو و زبردستی، ملاکهای امروزی در گزینش نیروی کار است؛امروزه برخلاف گذشته، سرمایه‌گذاری در ارتقای سطح دانش منابع انسانی عامل کلیدی در انباشت ثروت به حساب می‌آید. کنترل و نگهداری نیروی انسانی متخصص، کنترل قراردادهای مبتنی بر نتیجه و نظارت دقیق بر رفتار افراد برای اطمینان از صحت اقدامات آنها، مشکلتر شده است. بنابراین وجود اهداف غیرقابل اندازه‌گیری شرکت را وا میدارد به این که از هماهنگی بین اهداف و ارزشهای شرکت و افراد اطمینان حاصل کند. از این‌رو باید منافع شرکت با منافع اشخاص پیوند بخورد (Bradley et al ,.۲۰۰۰).تغییر در بازار سرمایهدر دهه‌های گذشته تغییر از بازارهای منطقه‌ای و ملی به سمت بازارهای یکدست و بین‌المللی باعث افزایش بی‌سابقه حجم مبادلات اوراق بهادار شده است. پیدایش یک بازار سرمایه بین‌المللی حاکی از این است که در آن نه سرمایه‌گذار و نه شرکت، محدود به سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار موجود در کشورشان نیستند.تغییر دیگر در بازار سرمایه، به رشد سرمایه‌گذاران نهادی برمی‌گردد. سرمایه‌گذاران نهادی بیش از ۵۰ درصد سهام عادی کلیه شرکتهای امریکا را در اختیار دارند. تنوع محصولات مالی (از جمله در حوزه اوراق مشتقه) تغییر عمده دیگری است که در بازار سرمایه رخ داده است. این تنوع در محصولات مالی منجربه تخصیص مجدد ریسک، افزایش نقدینگی، کاهش هزینه‌های نمایندگی، هزینه‌های معاملات و مالیات شده است (Bradley et al,.۲۰۰۰).تغییر در رقابت بازار تولیدرشد شرکتهای چندملیتی و بازرگانی خارجی باعث افزایش رقابت در بازار تولید شده است. شرکتها باید به برنامه‌های رقیبان خارجی در زمینه فناوری، محصولات، گسترش بازار، فرایند تولید، کیفیت و قیمت محصول واکنش نشان دهند. رقابت در بسیاری از صنایع جهانی شده است پیچیدگی برخی از عوامل رقابتی موجب شده است اثرات آن غیرقابل اندازه‌گیری بنماید. از این‌رو درک مکانیزم رقابت جهانی با توجه به سرعت آن چالشی بزرگ برای واحدهای تجاری به شمار می‌آید (Bradley et al,.۲۰۰۰).تغییر در ساختار سازمانیدر گذشته شرکتها براساس ساختار سازمانی به سازمانهای کارکردی، چندبخشی، ماتریسی یا هلدینگ تقسیم می‌شدند. امروزه سازمانهای شبکه‌ای، شرکتهای عمودی و افقی و شرکتهای بدون مرز پدیده‌های جدیدی در ساختار سازمانی به حساب می‌آیند که بر مکانیزم راهبری شرکتها تاثیر می‌گذارند (Bradley et al,.۲۰۰۰).تغییر در محیط قانونگذاریقوانین اولیه حاکم بر بازار سرمایه با تاکید برمنافع سرمایه‌گذاران و با هدف افشای بیشتر اطلاعات و رعایت بی‌طرفی در مبادلات شرکت وضع شد. در این قوانین به منافع ذینفعان (غیر از سرمایه‌گذاران) توجهی نشده بود. در مراحل بعدی قوانینی در حمایت از نیروی کار، امنیت شغلی، بازنشستگان، معلولان، حقوق مصرف‌کنندگان و دریافت‌کنندگان خدمات، تضمین کیفیت محصولات، ارزشهای زیست‌محیطی مانند هوای پاک، نگهداری منابع و بازیافت آن، کنترل آلودگی آب و... وضع شده است که بر مسئولیت مدیریت در برابر گروههای ذینفع غیر سهامدار افزوده است.افزایش تعهدات مدیریت ایجاب می‌کندکه مدیریت به بررسی منافع کوتاهمدت و درازمدت شرکت و گروههای ذینفع بپردازد و اثرات تصمیمهای کوتاهمدت و درازمدت شرکت و اثرات اجتماعی آنچه را در شرکت انجام می‌شود تبیین کند. در این موارد وظیفه مدیریت به روشنی مشخص نیست و یک مدیر باید براساس صلاحدید خود اولویت اهداف پیشگفته را تعیین کند و برای انجام یا عدم انجام آن تصمیم بگیرد. صلاحدید مدیر ممکن است با کارایی همراه نباشد. از این‌رو بین افزایش مسئولیت و به تبع آن پاسخگویی مدیر و تعقیب اهداف و مسئولیتهای اجتماعی براساس صلاحدید هماهنگی وجود ندارد و مکانیزم راهبری آن مشخص نیست (Bradley et al,.۲۰۰۰).پیامدهای راهبری ناشی از تغییر در اداره واحدهای تجاریتغییرات ایجاد شده در اداره واحدهای تجاری شامل تغییر در ماهیت کار، بازار سرمایه، رقابت بازار تولید، ساختار سازمانی و محیط قانونگذاری، راهبری شرکتی را با چالش روبرو ساخته است. تغییر ماهیت کار مسائل کنترلی زیادی برای کنترل نیروی دانشی ایجاد کرده است.متنوع شدن محصولات مالی، جهانی شدن بازار سرمایه، و رشد موسسات سرمایه‌گذاری که همگی حاکی از تغییر بازار سرمایه هستند بر پیچیدگی راهبری شرکتی افزوده‌اند. ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری در ساختار جدید بازار سرمایه مشکل شده است. مقررات مرتبط با افشای اطلاعات در پهنه جهانی بازار، استاندارد نیستند و محدودیت دسترسی به اطلاعات، ریسک سرمایه‌گذار را افزایش داده است. انباشت سرمایه در صندوقهای بازنشستگی و صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک، چالشهایی ایجاد کرده است که مفروضات راهبری مرتبط با تئوری نمایندگی را زیرپا نهاده و درک صحیح از فرایند راهبری شرکتی را مشکل ساخته است. گسترش بازار سرمایه در پهنه جهانی بر پیچیدگی مسائل نمایندگی افزوده است.تغییر در بازار رقابت تولید و جهانی شدن این بازار نظم جدیدی را بر شرکتها تحمیل کرده است. به دلیل جهانی شدن بازار سرمایه فیزیکی، بازار فناوری در کنار بازار تولید، بازار نظارت بر امور شرکت نیز جهانی خواهد شد که در این فرایند، مدیریت و سایر گروههای ذینفع در خارج از شرکت باید همکاری و هماهنگی متقابلی داشته باشند. از آنجا که شرکتهای چندملیتی فعالیتهای اقتصادی فرامرزی انجام می‌دهند، توانایی گذر از مرزها، تفاوت در مقررات و استانداردها از مسائل پیش‌روی این شرکتهاست که بر راهبری شرکتی تاثیر می‌گذارد. سازمانهای شبکهای در محیطهای رقابتی پیچیده از نظر انعطاف‌پذیری و پاسخگویی بسیار ارزشمند هستند. هنگامی که شرکتها با هم روابط زنجیرهای دارند کاربرد

مقررات حاکم بر شرکت به عنوان یک شخصیت حقوقی مجزا محدود می‌شود. اگر سازمانهای شبکهای وسیعتر از شرکت تعریف شوند درک راهبری شرکتی در سطح شرکت یا در سطح کلی مشکلتر می‌شود. برهمین اساس حرکت روبه رشد تدوین مقررات مرتبط با صلاحیت و شایستگی و حدود صلاحدید مدیریت که مبتنی بر توانایی آنها در برخورد با مسائل پیچیده و متناقض است، شروع شده است.حتی اگر از کوتاهی مدیریت جلوگیری شود، چگونگی پاسخگویی اجتماعی مدیران به سهامداران و سایر گروههای ذینفع، هنگامی که منافع آنان در یک راستا قرار نمی‌گیرد، مشخص نیست (Licht,۲۰۰۰). تدوین مقرراتی که منافع ذینفعان را بر منافع سرمایه‌گذاران ارجح می‌سازد منجربه کاهش اثربخشی نظارت بازار بر امور شرکت می‌شود. به عبارت دیگر تدوین مقررات با هدف کمک به تنظیم نقش نظارتی بازار، چالشهای مربوط به راهبری شرکتی را افزایش داده است. جدول ۱، اثر چالشهای راهبری ایجاد شده ناشی از تغییرات پنجگانه در ماهیت کار، بازار سرمایه، رقابت بازار تولید، ساختار سازمانی و محیط نظارتی را نشان می‌دهد.پاسخگویی و راهبری شرکتییک پرسش اساسی این است که امروزه مدیران شرکتها امین چه کسانی هستند؟ به عبارت دیگر خود را در برابر چه کسانی مسئول می‌دانند؟ میلتون فریدمن(Milton Friedman) در این زمینه سخن مشهوری دارد: مسئولیت اجتماعی یک واحد تجاری افزایش سودآوری آن واحد است. این جمله سهامداران را به عنوان ذینفع اصلی برتر از دیگران می‌داند و مسئولیت اجتماعی شرکت را محدود می‌کند. بیشینه ساختن ثروت سهامداران منافع سایر گروههای ذینفع را تحت شعاع خود قرار می‌دهد و سهامداران که منافع بیشتری دارند از پاسخگویی مدیران بهره بیشتری می‌برند. از سوی دیگر اقتصاددانان رفتارگرا پارادایم ذینفعان را به عنوان جایگزین پارادایم سهامداران بیان می‌کنند و مسئولیت اجتماعی شرکت و مدیریت را به پاسخگو بودن در برابر منافع همه گروههای ذینفع گسترش می‌دهند. استدلال آنها این است که فعالیت شرکتهای سهامی هزینه‌هایی را برجامعه تحمیل می‌کند. بنابراین شرکتها باید در برابر افرادی که این هزینه‌ها را تحمل می‌کنند پاسخگو باشند و در یک فرایند نظارتی کارا به ذینفعان اطمینان دهند که هدفی را که به خاطر آن ایجاد شده‌اند، دنبال می‌کنند. ویژگی اصلی پاسخگویی دسترسی به اطلاعات است. اطلاعات رویه‌های نظارتی را بهبود می‌بخشد (Barrett,۲۰۰۴).در واقع دسترسی بهنگام به اطلاعات اتکاپذیر مایه حیات پاسخگویی است. شفافیت و صداقت در ارائه اطلاعات به پاسخگویی، کارایی می‌بخشد. زمانی که پاسخگویی مبنای راهبری باشد، شفافیت نیز بواسطه آن حاصل می‌شود.البته پاسخگویی شرکتها به ارزشهای فرهنگی هر جامعه برمی‌گردد. هافشتد در مدل خود ۴ ارزش فرهنگی را معرفی کرده است:فردگرایی در برابر جمعگرایی، فاصله قدرت، اطمینان‌طلبی ، مردسالاری در برابر زن سالاری.در جوامعی که در آن فردگرایی بالایی حاکم است هنجارهای راهبری، تفاوتهای سیستماتیک زیادی نسبت به جوامعی که در آن ارزشهای غالب از نوع جمعگرایی است، دارد.=در مدل هافشتد پاسخگویی با فردگرایی سازگار است. زیرا پاسخگو انتظار دارد مورد سئوال قرار گیرد و پاسخ‌خواه نیز انتظار پاسخدهی دارد. همچنین پاسخگویی با فاصله قدرت کمتر سازگاری بیشتری دارد. در جوامع با فاصله قدرت پایین صاحبان قدرت انتظار دارند در برابر کردارشان پاسخگو باشند. بنابراین الگوی راهبری شرکتها ممکن است با تاکید بر ارزشهای فردی یا ارزشهای گروهی و سایر ارزشهای فرهنگی جامعه تدوین شود (Licht,۲۰۰۲)رهنمودهایی درباره راهبری با هدف چیرگی بر تغییراتبراثر تحولات اخیر در چالشهای حوزه مدیریت شرکتها، راهبری شرکتی (مانند بروز مسائل نمایندگی، تناقض ناشی از صلاحدید مدیریت و پاسخگویی آن، ارزیابی ریسک) و سازمانهای متنوع که توان ایجاد تغییرات اقتصادی (از قبیل قواعد افشای فرامرزی، مقررات قراردادی و ایجاد نقش نظارتی بازار بر امور شرکت) را دارند ایجاد شده است. برای درک ماهیت شرکت، نقش آن در جامعه و نحوه نظارت بر امور شرکت دو دیدگاه شکل گرفته است.دیدگاه قراردادگراییقراردادگرایی بر روابط قراردادی بین ذینفعان و شرکت تمرکز دارد. شرکتها برای کاهش هزینه مبادلات می‌توانند مبادلات خود را با مجموعهای از قراردادها انجام دهند و گروهی را تشکیل دهند که وظایف کارفرمای اقتصادی را برعهده گیرد و قراردادهای کارا منعقد کند. تشکیل این گروه و تخصصی شدن وظایف آن باعث افزایش کارایی در شرکتهای سهامی می‌شود که شرکتهای تک‌مالکی این مزیت را ندارند.از نظر قراردادگرایان شرکت یک واحد حقوقی مستقل نیست بلکه مجموعه‌ای از قراردادهای ضمنی و صریح است که گروههای ذینفع را به هم پیوند می‌دهد. مدیران شرکت از طریق مذاکره با هریک از گروههای ذینفع به تسهیل فرایند معاملات می‌پردازند.اقدامات نظارتی برون‌سازمانی که برای اطمینان از کارایی فرایند قراردادی براساس الزامات بازار به وجود آمده از عناصر محیطی حاکم بر فعالیت شرکتهاست که بر کارایی قراردادها تاثیر می گذارد. بازار ناکارایی قراردادی را جریمه می‌کند و این جریمه‌ها موجب بهبود رفتار اشخاص می‌شود. بنابراین قراردادگرایی از یک پایداری داخلی برخوردار است و الگویی خود اصلاح برای اقتصاد شرکتها به شمار می‌آید.در این دیدگاه شرکت مسئولیتی ندارد و مسئولیت آن از طریق فرایند قراردادی به اشخاص ذینفع منتقل می‌شود.هنگامی که شرکت مجموعه‌ای از قراردادها به شمار می‌آید،در مقایسه با زمانی که شرکت یک واحد با شخصیت حقوقی مستقل درنظر گرفته می‌شود تاثیر متفاوتی بر وضع قوانین دارد و مداخله دولت در امور شرکت باید براساس میزان آزادی افراد در انعقاد قرارداد ارزیابی‌شود. آزادی و علاقه ورود آگاهانه افراد به قراردادهای اختیاری نکته اساسی قراردادگرایی است.در دیدگاه قراردادگرایی یک واحد اقتصادی از مقررات دولتی آزاد است زیرا افراد براساس تمایل خود قادرند متقابلاًقراردادهای سودآوری را اجرا کنند. این مسئله به آزادی عمل اشخاص بستگی ندارد بلکه به کارایی مطلوب اقتصادی برمی‌گردد. در دیدگاه قراردادگرایی هدف مدیران شرکت بیشینه‌سازی ارزش شرکت یعنی تاکید بر برتری سهامداران است. برتری سهامداران هم در این است که تنها آنها تمایل به افزایش ارزش شرکت دارند و بعضی از گروههای ذینفع که از حقوق ثابتی برخوردارند انگیزه‌ای برای افزایش ارزش شرکت ندارند. در این دیدگاه سهامداران حقوق بیشتری در شرکت سهامی دارند و از اولویت بیشتری برخوردارند و کنترل شرکت سهامی به آنان برمی‌گردد.بیشینه ساختن ارزش باقیمانده برای افراد ذیحق (سهامداران) در یک شرکت سهامی در راستای بیشینه ساختن حقوق کل ذینفعان است. در یک بازار کامل براساس اصل ارزش بازار، سهامداران و سایر گروهها می‌توانند آزادانه از افزایش ثروت ناشی از تصمیمهای عملیاتی مرتبط با حداکثر شدن ارزش اوراق بهادار بهره‌مند شوند. این گامی در جهت حفظ منافع همه گروهها اعم از افراد ذینفع و ذیحق است. بنابراین فرض می‌شود که حرکت در راستای افزایش منافع افراد ذیحق در نتیجه اصل ارزش بازار موجب می‌شود که حقوق همه ذینفعان حداکثر شود. البته عملی کردن اصل ارزش بازار نیازمند اجرای کامل الگوی قراردادگرایان است.مشکلات دیدگاه قراردادگراییدر قراردادگرایی فرض بر سلامت مالی قراردادهاست که یک آرمان است ونقایص اجتناب‌ناپذیر ناشی از ابهام در زبان، سهل‌انگاری، اثر رویدادهای پیشبینی نشده، اختلافات و مجادلات طرفین قرارداد در بیان مقاصد و مفاهیم، همیشه وجود دارد.به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی طرفین قرارداد، وجود هزینه مبادلات و تقلب، منافع طرفین حفظ نمی‌شود. به عنوان مثال مشکل نمایندگی بین سهامداران و مدیریت از طریق انعقاد قرارداد حل نشده و هزینه‌های نمایندگی وجود دارد.موانع و نقایص نظارتی بازار باعث شکلگیری فشارهای بیرونی بر مدیریت به منظور بیشینه‌ساختن ثروت سهامداران می‌شود.به دلیل عدم امکان شناسایی افرادی که به‌طور غیرمستقیم از شرکت تاثیر می‌پذیرند، امکان دارد در برخی از قراردادهای پیچیده منافع گروهی از اشخاص ناشناخته بماند.مشکلات ناشی از تضاد یا عدم یکنواختی سیستمهای حقوقی، قوانین شرعی، آیین‌نامه‌ها، قوانین گمرکی، بازرگانی و زبان در راهبری شرکتی از مشکلات دیدگاه قراردادگرایی به حساب می‌آید (Bradley et al,.۲۰۰۰).چنانچه دیدگاه قراردادگرایی باعث بیشینه شدن کارایی در اقتصاد شود، ضرورتاً موجب بیشینه شدن رفاه اجتماعی نخواهد شد. به‌عنوان مثال اجازه انجام تجارت آزاد از طرف اشخاص نمی‌تواند موجب اصلاح نابرابریهای ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت و قدرت معامله اشخاص شود.دیدگاه جمع گراییمکتب جمعگرایی برپایه مباحث تاریخی درباره ماهیت زندگی انسان بنا شده و در زندگی اجتماعی اولویت را به جمع می‌دهد. پرسش اساسی در این مکتب که شرکت را به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل نگاه می‌کند این است که فعالیتهای اقتصادی چگونه به جامعه خدمت می‌رساند؟ به عبارت دیگر جامعه در ازای امتیازاتی که به شرکتها می‌دهد چه چیزی از آنها طلب می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت:احساس مسئولیت اجتماعی از سوی مسئولان شرکت نسبت به کارکنان، مشتریان و عموم مردموجه تمایز مکتب فکری جمع گرایی تمایل به شناسایی و جلوگیری از آسیبهایی است که ممکن است شرکتها بر جامعه وارد کنند. البته بیشتر شرکتها منافع اکثر افراد جامعه را که نفعی در فعالیتهای آنها دارند، نادیده می‌گیرند.جمعگرایان بر

عدالت و همکاری تاکید دارند و خواهان جامعه اصیلی هستند که تامین صحیح نیازهای اعضای جامعه، فعالیتهای شرکت را توجیه می‌کند. درحالی که جمع‌گرایان بر مسئولیت اجتماعی مدیریت تاکید دارند، قراردادگرایان در جستجوی حد پذیرفتهای از آزادی عمل طرفین قرارداد هستند و با منطق دست نامرئی برای تامین رفاه اجتماعی، توزیع سود حاصل از فعالیتهای شرکت را از این طریق توجیه می‌کنند.طرفداران این دو مکتب یکدیگر را متهم می‌کنند. قراردادگرایان ادعا می‌کنند تداوم راه جمع‌گرایی بیکاری و مظلومیت در پی‌خواهد داشت، در حالی که جمع‌گرایان میگویند در صورت مهار نشدن قراردادگرایی، باید از استثمار و بیگانگی مردم ترسید.زندگی سازمانی در مکتب قراردادگرایی نقش مدیر را افزایش ثروت سهامداران در چارچوب فعالیتهای قانونی می‌داند. در مکتب جمع‌گرایی باور بر این است که مدیران نه تنها در برابر سهامداران بلکه در برابر تمامی افراد ذینفع در شرکت مسئولیت اجتماعی دارند و باید در برابر آنها پاسخگو باشند و نیازهای واقعی آنها را تامین کنند. بیشینه ساختن بازده سرمایه‌گذاریها ممکن است نظم جامعه را برهم بزند و از اعتماد اجتماعی بکاهد. بنابراین شرکتها باید نیاز اجتماعی را معیار اصلی تخصیص منابع قراردهند و به نقش مردم عادی در تصمیمهای اقتصادی سهم بسزایی بدهند. طرفداران این رویکرد، حسابداری، حسابرسی و گزارشگری اخلاقی و اجتماعی و محیطی را مکمل کارکردهای مالی مشابه در ارائه عملکرد شرکت می‌دانند.مشکلات دیدگاه جمع‌گرایاگرچه شرکتی که مسئولیت اجتماعی بالایی را می‌پذیرد و در برابر تمامی گروههای ذینفع پاسخگو است، ممکن است از روحیه کاری بالای کارکنان و حمایت سایر ذینفعان بهره‌مند شود و به بهره‌وری بالایی برسد، ولی تعریف حدومرز مسئولیتهای اجتماعی چالش بزرگی برای طرفداران ایده جمع‌گرایی به شمار می‌رود.هنگامی که شرکتها مرزها را درمی‌نوردند تامین نیازهای تمامی گروههای ذینفع ناممکن می‌نماید.تضاد منافع احتمالی گروههای ذینفع شرکت، پاسخگویی به افراد ذینفع با منافع متضاد را ناممکن می‌سازد.نتیجه‌گیریپارادایم قراردادگرایی هدف اصلی شرکت را بیشینه ساختن ارزش شرکت و ثروت سهامداران بیان می‌کند.شرکتها به دلایل زیرگرایش به الگوی قراردادگرایی را توجیه می‌کنند:بررسیهای به عمل آمده نشان می‌دهد اندازه خارجی بازارهای سرمایه در هرکشور رابطه مستقیمی با میزان قوانین و مقررات نظارتی آن کشور دارد که تاکیدش برحمایت از سرمایه‌گذاران است.گسترش رقابت در عرصه جهانی بازارهای تولید، استفاده از ساختار قراردادگرایانه برای موفقیت اداره امور شرکت را ضروری ساخته است.تغییرات سریع بازارهای جهانی و تجدید ساختارهای زیادی که در شرکتها رخ می‌دهد در یک اقتصاد مبتنی برالگوی قراردادگرا امکانپذیر است.البته برای چیرگی بر مشکلات قراردادگرایی و تبدیل آن به یک الگوی فراگیر برای اداره و نظارت برامور شرکتها لازم است شرایط زیر ایجاد شود:تدوین مقررات لازم برای افشای اطلاعات مورد نیاز طرفین قرارداد،ایجاد نظام حقوقی لازم برای تدوین شرایط معامله،ایجاد ضمانت اجرایی (اختیارات قضایی) برای عملی کردن مقررات،ایجاد سیستم انعطافپذیری که بتواند با تغییرات داخلی در محیط تجاری سازگار شود.مشکل کنونی نبود نهادهایی است که بتوانند چنین زیرساختهای فراگیری ایجاد کنند. راه‌حل این مشکل شاید گسترش حقوق بین‌المللی با تاکید برهماهنگی و یکپارچگی قوانین حقوقی است که البته زمان زیادی نیاز دارد تا چنین اتفاقی بیفتد و هیچ تضمینی وجود ندارد که چارچوبی کارا و اثربخش ایجاد شود (Bradley et al.,۲۰۰۰). *نشریه حسابرس

چهار نوع مدیریت اقتصادی

علی مزروعی مساله مدیریت اقتصادی مهم ترین نقش را در استفاده بهینه از منابع در اختیار، سازماندهی نیروی انسانی و ارائه محصول از سوی هر بنگاه اقتصادی و نهاد خدمت رسان دارد. اگر در ایران بخواهیم به اجمال شیوه مدیریت اقتصادی معمول را تقسیم و توصیف کنیم به «چهار نوع مدیریت اقتصادی» می توان اشاره کرد.

۱- مدیریت اقتصادی در بخش دولتی: در این نوع مدیریت غالباً دغدغه ای برای تامین منابع وجود ندارد چراکه از طریق بودجه عمومی منابع در اختیار مدیر قرار می گیرد و به دلیل بوروکراسی حجیم دولتی شاخص های دقیقی برای اندازه گیری میزان کارایی و اثربخشی و استفاده بهینه از منابع در اختیار وجود ندارد. در مجموع این نوع مدیریت مبتنی بر مدیریت هزینه و روزمرگی است و به همین دلیل مشاهده می شود نسبت هزینه به فایده (محصول) به جای آنکه با افزایش بهره وری روندی کاهشی داشته باشد، به عکس روندی افزایشی دارد و روزبه روز بر حجم هزینه های دولت می افزاید و... ۲- مدیریت اقتصادی در بخش عمومی: در این نوع مدیریت تامین درآمد و منابع یکی از دغدغه های اصلی اداره بنگاه را تشکیل می دهد چرا که بدون تامین منابع اداره بنگاه ممکن نیست، از این رو مدیریت ناچار از برنامه ریزی برای تامین منابع و هزینه آن از طریق چرخه تولید کالا و خدمات است و به نسبتی که این چرخه خالی از دست اندازی به منابع بودجه عمومی و شرایط رانتی باشد بر کارایی و اثر بخشی و استفاده بهینه از منابع در اداره بنگاه می افزاید. در مجموع این نوع مدیریت مبتنی بر مدیریت هزینه- فایده است و به میزانی که بنگاه های این بخش استقلال مالی و اداری از دولت داشته باشند ناچار از کاهش هزینه و افزایش بهره وری و تولید برای ادامه حیات اقتصادی خواهد بود در نتیجه مدیریت اقتصادی آینده نگر و دقیق و پاسخگویی را می طلبد. ۳- مدیریت اقتصادی در بخش خصوصی: در این نوع مدیریت تامین سود حرف اول را می زند و اصل در اداره بنگاه دستیابی به سودی معقول است و به همین دلیل برنامه ریزی برای تداوم چرخه تولید و فروش محصول از طریق تامین سرمایه و منابع و محاسبه دقیق هزینه ها راهنمای عمل مدیریت اقتصادی بنگاه در هر مقطع است. در مجموع این نوع مدیریت مبتنی بر مدیریت هزینه - فایده با حاشیه سود انتظاری است و مدیریت اقتصادی بنگاه باید تمام تلاش و سعی خود را برای بهینه سازی استفاده از امکانات موجود و ارتقای بهره وری به منظور دستیابی به سود انتظاری به کار بندد و معیار سودآوری بنگاه شاخصی است که در هر مقطع کارایی و اثربخشی و استفاده بهینه از منابع را اندازه می گیرد و به مدیر نمره می دهد و جایگاه او را در قبولی یا ردی و ادامه کار تعیین می کند. ۴- مدیریت اقتصادی نهادهای مدنی و صنفی: در این نوع مدیریت انگیزه داوطلبانه افراد عضو حرف اول و آخر را می زند و چون تامین درآمد و منابع این بنگاه ها داوطلبانه صورت می گیرد اداره بنگاه و ارائه محصولش در برابر انتظاراتی که اعضا (و افراد هدف) دارند برنامه ریزی غلتانی را نیاز دارد.در مجموع این نوع مدیریت مبتنی بر مدیریت داوطلبانه با حداقل هزینه در برابر حداکثر خدمات دهی است و آنچه شاخص اندازه گیری اداره بهینه بنگاه است رضایتمندی اعضا (وافراد هدف) است که بازخورد آن را می توان در افزایش اعضا و گسترش دامنه فعالیت این نوع از بنگاه ها شاهد بود.

بر پایه آنچه آمد در این «چهار نوع مدیریت اقتصادی» در ایران به جرات می توان گفت آسان ترین آن، مدیریت اقتصادی در بخش دولتی است و سخت ترینش در بخش خصوصی و نهادهای مدنی و صنفی و از آنجا که در ایران غلبه کامل با بخش دولتی است می توان نتیجه گرفت ما بدترین وضعیت را به دلیل مدیریت اقتصادی در کشور داریم اما نکته جالب تر اینکه مدیریت اقتصادی در نهادهای مدنی و صنفی کمترین هزینه و بیشترین فایده را برای دولت و جامعه دارند از این رو در ادبیات اقتصادی از تعداد آنها در هر واحد ملی به عنوان شاخصی برای اندازه گیری میزان «سرمایه اجتماعی» استفاده می شود که در کشور ما مورد کمترین توجه و حمایت از سوی حاکمیت است البته تکلیف بخش خصوصی هم روشن است، به نظر نویسنده اگر قرار است که کشور ما راه توسعه و رشد را بپیماید و فردایی بهتر را برای ایران و ایرانی رقم زند جز از طریق گذار از مدیریت اقتصادی در بخش دولتی به مدیریت اقتصادی در بخش خصوصی و نهادهای مدنی و صنفی ممکن نیست و همانگونه که در قانون برنامه چهارم توسعه آمده بود نگاه و سیاست های حاکمیت در این زمینه باید دگرگونی اساسی یابد به ویژه آنکه نگاه دولت به بخش خصوصی و نهادهای مدنی و صنفی نباید نگاهی مبتنی بر رقابت باشد بلکه دولت باید اینها را به عنوان مکمل و همکار خود در پیمودن مسیر سخت و دشوار توسعه بپذیرد و میدان فعالیت را به روی آنها گشاده دارد از این رو هرگونه برخورد محدودکننده دولت با نهادهای مدنی و صنفی با هر بهانه و دلیلی را باید یک گام ضد توسعه ای و به ضرر نهایی اقتصاد کشور به شمار آورد.

*روزنامه سرمایه

پنج مکتب اقتصاد

محمود صدری

۱- سوسیالیسم و بزرگانش

سوسیالیسم به معنای وسیع کلمه، طیف متنوعی از اندیشه‌ها و متفکران را در بر می‌گیرد که تنها ویژگی مشترک آنها اعتقاد به «لزوم برابری بیشتر برای انسان‌ها و افزایش نقش کارگران در اداره جوامع» است.

اما همین هدف مشترک از جنبه‌های مختلف از جمله روش‌های تحقق آن محل اختلاف سوسیالیست‌ها است گروهی از سوسیالیست‌ها، تحقق برابری را امری در چارچوب اراده انسان‌ها می‌دانند و معتقدند باید با مهندسی سیاسی- اجتماعی به آن دست یافت. راه حصول برابری می‌تواند مبارزه سیاسی و سندیکایی یا حتی جنگ مسلحانه باشد. گروه دیگر، تحقق سوسیالیسم و برابری انسان‌ها را امری فراتر از آرمان‌خواهی و اراده‌گرایی می‌دانند و معتقدند، مسیر محتوم حرکت تاریخ، انسان‌ها را ناگزیر به پذیرش این واقعیت می‌کند. آبشخور فکری این دو جریان عمومی سوسیالیستی تقریبا یکی است. هر دو از آموزه‌های دینی یا شبه‌دینی دوره‌های قبل از سرمایه‌داری در باب عدالت، الهام گرفته‌اند. هر دو از آموزه‌های فلسفی عصر روشنگری به‌ویژه آرای فیلسوف سیاسی فرانسوی، ژان‌ژاک روسو تاثیر پذیرفته‌اند و نهایت اینکه هر دو جریان، نظام سرمایه‌داری را مسبب همه گرفتاری‌های بشری می‌دانند. نام‌آوران سوسیالیسم اراده‌گرا که از اواخر قرن ۱۸ تا اواسط قرن ۱۹ می‌زیستند عبارتند از: پیتر ژوزف پرودون، توماس اسپنس، ویلیام کوبت، رابرت اوئن، ویلیام تامپسون، شارل فوریه و ژان فرانسیس بری. این متفکران غالبا با نگاه مبتنی به رحم و شفقت به تهیدستان، در پی آن بودند به روش‌هایی برای کم کردن فاصله درآمدی قشرهای اجتماعی دست یابند. اما هیچ‌یک از آنها نتوانستند دستگاه فکری مدونی ابداع کنند که بافت درونی آن سازگار باشد. به همین علت گروه دوم سوسیالیست‌ها به رهبری کارل مارکس و فردریش انگلس بر آنها شوریدند و با نامگذاری آنان به عنوان «سوسیالیست‌های تخیلی»، کوشیدند «روش علمی مبارزه با سرمایه‌داری» را ابداع کنند. مارکس برای رهانیدن سوسیالیست‌ها از بحران نظریه، چند حکم کلی یا اصل موضوعه مطرح کرد که هدف آن ایجاد قطعیت علمی در نظریه سیاسی و اقتصادی‌اش بود. معروف‌ترین جمله فلسفی- اقتصادی مارکس در این زمینه، این قول مشهور است که «تاریخ جهان، تاریخ جنگ طبقاتی است». به اعتقاد مارکس و یار غار او انگلس و پیروان این دو، مارکس با وضع نظریه جنگ طبقاتی در گستره تاریخی، یا همانا ماتریالیسم تاریخی، غفلت بزرگ سوسیالیست‌های پیش از خود را جبران کرد و نظریه خود را بر شالوده‌ای علمی بنا کرد. مارکس دو اثر اصلی و بنیادی به نام‌های مانیفست کمونیست و کاپیتال از خود به جای گذاشت و ده‌ها کتاب و مقاله دیگر. مانیفست چارچوب کلی نظریه فلسفی او بود که بعدها حامیانش، آموزه‌های مطرح شده در آن را تحت عنوان ماتریالیسم دیالکتیک یا تبیین مادی جهان، ترویج کردند، حال آنکه خود مارکس هرگز از این اصطلاح استفاده نکرده بود. کاپیتال نیز شرح تطور اقتصادی جهان با تاکید بر سرمایه‌داری بود که در واقع بزرگ‌ترین نوشته مارکس در حوزه اقتصاد سیاسی است. مارکس در این کتاب علاوه بر گردآوری و نقد آثار و آرای پیشینیان، می‌کوشد «تضادهای ذاتی» سرمایه‌داری را که در نهایت به فروپاشی آن می‌انجامد، تشریح کند. مارکس در این کتاب و کتاب‌های دیگرش، برخلاف آنچه حامیانش می‌پندارند، از جامعه پس از سرمایه‌داری، تصویری روشن نمی‌دهد و تنها به این نکته تاکید می‌ورزد که جهان از مراحل کمون اولیه، برده داری و فئودالیسم گذشته و به سرمایه‌داری پا گذاشته و لاجرم از این مرحله هم عبور می‌کند و با ایجاد جامعه سوسیالیستی و مالاً کمونیستی، تاریخ جهان به کمال و غایت انسانی خود که همانا رهایی همه انسان‌ها از استثمار است، می‌رسد. آنچه سوسیالیست‌های پس از مارکس گفته و نوشته‌اند، فارغ از آرایه‌های لفظی، کماکان ذیل همان تقسیم‌بندی دوگانه قرار می‌گیرند. سوسیال دموکرات‌های آلمان که مهم‌ترین و نیرومندترین سربازان اردوگاه سوسیالیسم بودند و سوسیال دموکرات‌های روسیه که نخستین حکومت سوسیالیستی جهان را بنا نهادند، هر دو زیر شاخه‌های سوسیالیسم مارکسی بودند اما در میان آنها آموزه‌های قبل از مارکس هم رواج داشت و شاید همین دوگانگی بود که این احزاب را از سال‌های پایانی قرن نوزدهم تا سال‌های آغازین قرن بیستم بارها پاره‌پاره کرد. سوسیالیست‌های قرن بیستمی به‌ویژه آنهایی که پس از تشکیل حکومت سوسیالیستی در اتحاد شوروی، پیدا شدند، با رجعت به آموزه‌های دوران جوانی مارکس، مروج اشکالی از سوسیالیسم شدند که با آموزه‌های پیش از مارکس، خویشاوندی زیادی داشت. این دسته از سوسیالیست‌ها با تعدیل آموزه‌های مارکس در باب جزمیت تاریخی و ضرورت تحقق سوسیالیسم، پاره‌ای اصول بنیادی مارکس از جمله جنگ طبقاتی و حکومت دیکتاتوری پرولتاریا را نفی کردند و مروج روش‌های دموکراتیک برای رسیدن به برابری شدند. روشنفکران چپگرای اروپای شرقی کمونیست‌های اروپایی در زمره این افرادند.

گفته‌های سوسیالیست ها

کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) اقتصاددان و فیلسوف آلمانی، مشهورترین و تاثیرگذارترین سوسیالیست جهان است.

همه تاریخ جهان، تاریخ جنگ طبقاتی است. فیلسوفان، تاکنون به تبیین جهان پرداخته‌اند اما اکنون سخن از تغییر است. مهم‌ترین کالایی که بورژوازی (سرمایه‌داری) تولید می‌کند، گوری است که برای خود می‌کند. زوال سرمایه‌داری همان قدر قطعی است که ظهور حکومت کارگران.فردریش انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰) جامعه‌شناس، اقتصاددان و فیلسوف آلمانی. وی برخی آثار خود را به صورت مشترک با مارک نوشت و پس از مرگ؟ مارکس، آثار او را تصحیح کرد. برخی قوانین دولت‌ها که برای مبارزه با جرم و جنابت نوشته می‌شود، جنایتکارانه‌تر از خود جرایم است. یک مثقال عمل بیش از یک خروار نظریه، ارزش دارد.ولادیمیر لنین (۱۹۲۴-۱۸۷۰) سیاستمدار روسی که در پی سرنگونی حکومت تزارها در سال ۱۹۱۷ میلادی رهبر اتحاد شوروی شد. لنین اگر چه مدافع نظریه‌سازی بود اما در عمل بیشتر فعال سیاسی و انقلابی عملگرا بود. لنین حاشیه‌ها و تفسیرهایی به مارکس نوشت و واضح مارکسیم- لنیسم شد. مشهورترین آثار او عبارتند از: امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری، دولت و انقلاب، چه باید کرد. بدون شرایط انقلابی، امکان انقلاب کردن نیست؛ اما هر شرایط انقلابی هم لزوما به انقلاب نمی‌انجامد. ملتی که به ملت‌های دیگر ستم کند، خودش آزاد نخواهد شد. دروغی که مدام تکرار شود، رخت واقعیت خواهد پوشید.

ژوزف استالین (۱۹۵۳-۱۸۷۸) سیاستمدار و فعال حزبی روسی است که پس از مرگ لنین، با کنار زدن همه رقیبان خود در حزب کمونیست شوروی، رهبر این کشور شد. شهرت استالین در کیش شخصیت، تصفیه های سیاسی و کشتن کادرهای قدیمی حزب کمونیست شوروی است. وی با نوشتن کتابی به نام «مسائل لنینیسم» برای همه مسائل جهان نسخه پیچید.

من به هیچ کس اعتماد ندارم، حتی به خودم. دیپلمات صادق مانند آب خشک یا فولاد چوبین است. آرا و افکار از تفنگ پرقدرت‌ترند. ما به دشمنان خود اجازه مسلح شدن به تفنگ را نمی‌دهیم، پس چرا باید به آنها اجازه داشتن افکار و آرا را بدهیم؟

۲- از انقلاب مارژینالیستی تا کینز

در دنیای فلسفه ادعایی اغراق‌آمیز و غیردقیق وجود دارد مبنی بر اینکه آنچه پس از فیلسوفان یونان باستان به ویژه افلاطون در باب فلسفه گفته شده، حاشیه‌های تکمیلی یا انتقادی بر آن فیلسوفان بوده است. این ادعا اگر چه آغشته به اغراق و تسامح است اما از جهت نشان دادن اهمیت و تاثیر متفکران باستان بر جریان‌های فکری جهان، سخنی در خور اعتنا است.

در دنیای اقتصاد و نظریات اقتصادی هم آدام اسمیت چنین وضعی دارد. نفوذ آدام اسمیت بر آرای اقتصادی اخلافش، به حامیان نظریه‌های بازار و اقتصاد آزاد محدود نمی‌شود، بلکه رادیکال چپگرایی مانند کارل مارکس هم در مبحث نظریه ارزش- کار از اسمیت تاثیر پذیرفت. اما تاثیر اصلی و نقش پیامبرانه اسمیت، در شعبه‌های گوناگون طرفداران اقتصاد آزاد دیده می‌شود که هر کدام کوشیده است، یکی از کاستی‌ها یا تناقض‌های «پدر علم اقتصاد» را جبران و تناقض‌های آن را برطرف کند. یکی از جریان‌های کوشا در این زمینه، اقتصاددانان نئوکلاسیک هستند که به تلاشی گسترده و چند سویه دست یازیدند تا آرای کلاسیک اسمیت را در قالب‌های نو و منطبق با شرایط حادث، جرح و اصلاح کنند.

منظور از نئوکلاسیک‌ها در این نوشتار، طیفی از اقتصاددانان است که قیمت‌ها، تولید کالاها و توزیع درآمدها را ذیل جریان عرضه و تقاضا در بازار تعریف می‌کنند. این عناصر اقتصاد نئوکلاسیک به این فرض بنیادی استوار شده که انسان‌ها با قدرت عقل و

حسابگری خود می‌تواننـد به انتخاب‌های عقلایی دست بزنند و برای تهیه هر کالا یا خدماتی مطابق فایده‌ای که برای آنها دارد خرج کننـد. افراد در پی بیشترین فایـده و بنگاه‌هـا به دنبـال بیشترین سود می‌رونـد. افراد به صورت مستقل و بر اسـاس اطلاعـات کامـل و مرتبـط، انتخـاب می‌کننـد و این انتخـاب توسـط تولیدکننـدگان و مصـرف‌کنندگان، در قالب تخصـیص بهینه منابع رخ می‌دهـد. نام دیگری که برای نئوکلاسیک‌ها به کـار می‌رود مارژینالیست‌هـا است. منظور از تفکر مارژینـالیستی، نوعی نگـاه اقتصـادی است که می‌گویـد هر واحـد کالا در وهله نخست برای مصرف‌کننده، مطلوبیت بسیار بالایی دارد و هرچه نیازها برآورده می‌شود، از سـطح مطلـوبیت کاسـته می‌شود. نظریه نئوکلاسیک‌ها و مارژینالیست‌هـا در آرای اقتصاددانـان کلاسـیک سـده‌های ۱۸ و ۱۹ ریشـه دارد. «اقتصـاد کلاسـیک» عنوانی است که کارل مارکس برای اقتصاددانان پیش از خود به ویژه آدام اسـمیت و دیویـد ریکاردو برگزیـد. اقتصاد کلاسـیک دو موضوع اصـلی را مورد مداقه قرار می‌دهد: نظریه ارزش، توزیع کالا در شبکه بازار. براساس آرای اقتصاددانان کلاسیک، ارزش کالا به هزینه تولید آن بستگی دارد. در این شیوه محاسبه قیمت کالا همه‌چیز به طرف عرضه یا تولیدکننده مربوط می‌شود و طرف تقاضا یا مصرف‌کننده در آن نقشـی ندارد مگر تاثیر آن بر تقسیم کار. یعنی تولیدکنندگان تنها علامتی که از بازار دریـافت می‌کننـد این است که اگر کالایی تولیـد شود فروش خواهـد رفت. اما به تدریـج، برخی اقتصاددانان در این موضوع تردید کردند و این پرسش را مطرح کردند اگر کالایی با هزینه بالا یا پایین تولید شود و در بازار متقاضی نداشته باشد قیمت آن را چگونه می‌توان تعیین کرد. کالای بی‌مشتری هر مقـدار هم که صـرف تولید آن شده باشد، ارزشـی نخواهد داشت و موضوع معامله نخواهد بود. نخستین پاسـخی که به این پرسـش داده شد این بود که «فایده کالا» برای مصـرف‌کننده، قیمت آن را تعیین می کند. خاسـتگاه این سخن را باید در آرای فلسفی جان استوارت میل دید. به اعتقاد او انسان‌ها با انتخاب خود که انتخابی سنجیده و عقلایی است در پی کسب بالاـترین نفع هسـتند، لـذا هر کالایی را که مفیـدتر تشـخیص دهنـد، فارغ از میزان هزینه تولیـد آن با پایین‌ترین قیمتی که بتوانند در بازار تهیه می‌کنند. بدیهی است اگر کالای مفید با قیمت پایین یافت نشود، مصـرف‌کننده حاضر به پرداخت قیمت بالاتر- تا جایی که بتواند- هست.

حاشـیه دیگری که بر اقتصاد کلاسـیک نوشـته شـده از آن مارژینالیست‌ها است. واژه مارژین (margin) که مبنای نامگـذاری این شاخه تفکر اقتصادی قرار گرفته به معنای «حاشیه» یا «مابه‌التفاوت» است. اما معنایی که مارژینالیست‌ها از آن در نظر دارند، این است که در هنگام نیاز شدیـد به کالایی، خریدار انگیزه پرداخت پول تا سـرحد توان را دارد اما با مصـرف اولین واحد کالا و کاهش نیاز به آن، برای خرید واحد بعدی، میل و انگیزه خرید کمتر می‌شود. مشهورترین مثال معروف «آب» است.

انسـان تشـنه، لیوان اول را بـا میل فراوان می‌نوشـد اما در لیوان‌های بعـدی، این شوق و تقاضا به سوی صـفر میل می‌کنـد. یعنی با هر واحـد مصـرف، مطلوبیت کمتر می‌شود. مبنـای این بحث بـا بحث کلاسـیک‌ها دربـاره انتخاب بین کالای ارزان آب و کالای گران الماس تفاوت دارد. کلاسیک‌ها برای حل این تناقض، به جای بحث مطلوبیت، تقسیم‌بندی ارزش کالاها به ارزش مصرفی و ارزش مبادله را مطرح می‌کردند. (این موضوع در مقاله دیگر ماهنامه دنیای اقتصاد یعنی مکتب اتریش و ریشه‌هایش بررسی شده است).

اقتصاددانـان برجسـته‌ای که مبـدع این بحث بودنـد یعنی ویلیـام اسـتنلی، کـارل منگر و لئون والراس پیشـگامان انقلاب مارژینالیستی شمرده می‌شونـد. اما انقلاب این سه در اواخر قرن نوزدهم توسط آلفرد مارشال تکمیل شد و به همین علت بین نام‌های مارژینالیسـم و مارشـال نـوعی پیوسـتگی ایجـاد شـده کـه هر یـک، دیگری را بـه یـاد می‌آورد. اهمیـت کـار مارشـال در ایـن بـود کـه بین آرای کلاسـیک‌ها و منتقـدان مارژینـالیست آنهـا به دنبـال یـک نقطه تعـادل گشت و آن را یـافت. مارشال می‌گفت کلاسـیک‌ها برطرف عرضه تاکیـد کرده و طرف تقاضـا را نادیـده گرفته‌انـد و مارژینالیست‌ها و برعکس آنها عمل کرده و بر نقش فایـده، تاکیـد افراطی کرده‌انـد. او برای روشـن‌تر کردن بحث خـود از تمثیـل قیچی اسـتفاده کرد و گفت اینکه گفته می‌شـود طرف عرضه و قیمت تـولید تعیین‌کننده است یا میل مصـرف‌کننده به خرید، مثل این می‌ماند که کسـی بپرسد کدام تیغه قیچی مهم‌تر است. مارشال از این بحث نتیجه می‌گیرد، تعیین‌کننده نهایی قیمت، نسبت بین عرضه و تقاضا است که می‌توان آن را با مدل ریاضـی یا نمودار عرضه و تقاضا نشان داد. ویژگی اصـلی نظریه‌های نئوکلاسیک، باز بودن راه تحول در آنها است. به همین علت شاید نتوان برای آن نقطه شروع و پایان روشـنی را نشان داد. بحث‌های نئوکلاسـیک‌ها که از اواخر قرن نوزدهم آغاز شـده بود در قرن بیسـتم نیز ادامه یافت. از درون آرای کـارل منگر، مکتب اتریش سر برآورد و آرای مارشـال، الهـام‌بخش شـمار دیگری از اقتصاددانـان از جمله جـون رابینسـون و ادوارد چمبرلن شد. تاکید اقتصاددانان نئوکلاسـیک در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، به رقابت کامل و موانع آن متمرکز شده بود.

از درون این بحث‌هـا، در سال‌هـای بین دو جنـگ جهـانی آرای تـازه‌ای بیرون آمـد که مـدون‌ترین آنهـا مکتب کینز بود و به نظریه غـالب تبـدیل شـد. جـان مینارد کینز که در زمان بحران اقتصادی آمریکا (۱۹۳۱-۱۹۲۹) می‌زیست علت‌العلـل این بحران را کـاهش تقاضا تشـخیص داد و پیشنهادی شبه‌سوسیالیستی ارائه کرد. براساس طرح کینز، چون جامعه توان مصرف ندارد و این ناتوانی موجب کنـد شـدن چرخه تولیـد می‌شود، پس دولت بایـد با بالا بردن هزینه‌های خود به رونق تولیـد کمک کند. اسـتدلال کینز این بود که وقتی دولت بـا طرح‌های خود، پول به جامعه می‌فرستد، این پول صـرف خریـد کالاها می‌شود، کارخانه‌ها رونق می‌گیرد، کارگران جدیـد اسـتخدام می‌کننـد، کـارگران بـا دسـتمزد خود خریـد می‌کننـد، رونق کارخانه‌هـا بیشتر می‌شود و دوبـاره کارگران جدیـد با کارخانه‌های جدیـد می‌آینـد، دسـتمزدها به بازار می‌رود و چرخه رونق همچنان تکرار می‌شود. این فرمول کینزی، در هنگامه‌ای که اقتصـاد امریکا و به تبع آن برخی کشورهای دیگر در رکود به سـر می‌برد، تا حـدودی موثر واقع شـد اما با گـذشت زمان و پرشـدن ظرفیت‌های خالی تولید، راه‌حل کینز با آفت افزایش نقدینگی در بازار و کسـری بودجه دولت روبه‌رو شد و ضرورت بازبینی در آن به سر زبان‌ها افتاد. منتقدان کینز گروه تازه‌ای از اقتصاددانان بودند که موضوع نوشته‌ای دیگر است: مکتب شیکاگو.

گفته‌های نئوکلاسیک‌ها

آلفرد مارشال (۱۹۲۴-۱۸۴۲) اقتصـاددان انگلیسـی و مدون‌کننـده نظریه عرضه و تقاضا و مطلوبیت نهایی در علم اقتصاد. کتاب‌های مارشال به ویژه اصول علم اقتصاد، سال‌ها درسنامه دانشکده‌های اقتصادی انگلستان و جهان بود.

سرمایه، آن بخش از دارایی است که از درون آن ثروت تازه پدید آید.

حق مالکیت افراد، برآمده از قوانین مدنی و بین‌المللی یا دست کم عرف است که قدرت آن از قانون کمتر نیست.

جـان مینارد کینز (۱۹۴۶-۱۸۸۳)، اقتصاددانـان انگلیسـی کـه آرای او بـه شـکل‌گیری مکتب کینز انجامیـد. آرای کینز بر نظریه‌هـای اقتصادی پس از او و رفتار دولت‌ها به ویژه در سیاست‌گذاری‌های سالانه تاثیر عمیقی گذاشت.

دولت‌هـا در دوره‌هایی که تورم به صورت پیوسـته وجود دارد، بخش بزرگی از دارایی شـهروندان خود را به صورت پنهانی مصاده می‌کنند.

مساله این نیست که مردم را چگونه به قبول افکار جدید متقاعد کنیم. مساله اصـلی این است که چطور به آنها بقبولانیم عقاید کهنه را فراموش کنند.

در درازمـدت هـم مرده‌ایـم. (پس راه‌حل‌هـای اقتصـادی بایـد معطوف بـه حـل مسائـل آنی باشـد).۳- مکتـب تـاریخی آلمـان و انگلستانمکتب تاریخی آلمان، همان گونه که از نامش پیدا است، خاسـتگاه آلمانی دارد؛ اما محصور در مرزهای آلمان نیست. این روش تفکر اقتصـادی، در قرن نوزدهم بر آرای متفکران اقتصـادی تاثیر زیادی گـذاشت و برنامه‌های اقتصادی دولت آلمان (پروس) را شکل داد.فرض بنیادی متفکران مکتب تاریخی آلمان این است که اقتصاد هم مانند دیگر معارف انسانی در فرهنگ ملت‌ها ریشه دارد و نمی‌توان به تعمیم علمی دست یازیـد، بلکه هر پدیـده‌ای را می‌بـایست در ظرف زمانی و مکانی خاص خودش واکاوی کرد. مکتب آلمان، تئوری اقتصادی جهان شمول را مردود می‌داند و بر آن است که علم اقتصاد، محصول دریافت‌های تجربی محصور در زمان و مکان است نه استنتاج شده از اصول منطقی و ریاضی. واضعان و شارحان مکتب تاریخی آلمان، حامیان اصلاحات اجتماعی و بهبود وضع توده مردم بودند. دوران شـکوفایی این مکتب، مقارن دورانی بود که جهان با سرعت به سوی صنعتی شدن می‌رفت و کـارگران اروپـایی وضع اقتصادی نامناسبی داشـتند و همین اوضاع نابسامان، میـدان را برای انـدیشه‌های سوسـیالیستی فراخ و مساعد

کرده بود. سهمی که حامیان مکتب آلمان از اقبال عمومی بردند، تصاحب کرسی‌های دانشگاهی و غلبه یافتن به فضای فکری آلمان بود. «مکتب تـاریخی» به تبع نفوذ دانشگاهی آلمان‌ها از مرزهای پروس فراتر رفت و با آغاز قرن بیستم، علاوه بر اروپای قاره‌ای در ایالات متحـده و انگلسـتان هم نفوذ یافت. گریز مکتب تاریخی آلمان از مقولات انتزاع، قاعده کلی، تعمیم و نظریه، آن را در مقابل مکتب اتریش قرار داده بـود. تاکیـد عمـده مکتب اتریش بر همین مقولاـت مـورد انکـار مکتب تـاریخی آلمـان قرار داشت. مکتب تاریخی آلمان، اگرچه به آمریکا و انگلسـتان راه یافت، اما در این کشورها با اسـتقبال روبه‌رو نشد؛ زیرا آموزه‌های آن با آموزه‌های تحلیلی آمریکایی- انگلیسـی، سنخیت نداشت و بلکه در نقطه مقابل آنها قرار می‌گرفت. علاوه بر جریان عمومی مکتب تاریخی که در آلمان شـکل گرفت و بسط یافت، شاخه گمنامی از این مکتب نیز پیش از قرن نوزدهم، در انگلسـتان پدید آمد. نام‌آورانی مانند فرانسـیس بیکن، آگوست کنت و هربرت اسپنسـر، مروجان مکتب تاریخی انگلستان بودند. این افراد از منتقدان اولیه روش استقرایی اقتصاددانان کلاسـیک به ویژه نوشته‌های دیوید ریکاردو بودند.متفکران و اقتصاددانان مکتب تاریخی آلمان را به طور کلی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. گروه اول یا بنیانگذاران که رهبری آنها با ویلهم روشر، کارل کینز (Karl Knies) و برونو هیلدربراند بود. گروه دوم یا حلقه میانی که گاه نیز «جوان‌ترها» خوانده می‌شوند، توسط گوسـتاو فون اشـمولر رهبری می‌شدند و افراد دیگری مانند اتین لسپیرز، کارل بوشر و تا حدودی لویو برنتانو نیز در زمره آنان بودند. متاخرین این جریان فکری نیز تحت رهبری ورنر سومبارت بودند و ماکس وبر را می‌توان از برجستگان آنها به شمار آورد. بزرگان و نام‌آوران مکتب تاریخی انگلستان عبارتند از: ویلیام وول، ریچارد جونز و آرنولد توین‌بی.۴- مکتب شـیکاگو و نفوذشاز عهد «آکادمی افلاطون» تا زمان ما، شاید هیچ نهاد آموزشی جهان به انـدازه «دانشـگاه شـیکاگو» بر رونـدهای فکری و رفتارهـای اجرایی دولتمردان جهـان تـاثیر نگذاشـته است. این مقایسه از این جهت مطرح شـد که آکـادمی افلاطون با هـدفی تشـکیل شـد که هرگز توانایی تحقق آن را نیافت و به‌عکس دانشـگاه شـیکاگو با هـدفی محـدود بنا شد، اما آثاری فراتر از آنچه بنیانگذارش انتظار داشـتند، به جا گذاشت. دانشـگاه شـیکاگو در سال ۱۸۹۲ میلادی توسط جـان راکفلر صـاحب و مـدیر یکی از شـرکت‌های نفتی آمریکـا تاسیس شـد.هـدف اولیه راکفلر این بود که دانشگاه شـیکاگو به پایگاهی برای تربیت متخصصان تبدیل شود. اما ورود فیلسوفان به این دانشگاه، از همان آغاز برایش تقدیری دیگر رقم زد. نخستین فرد تاثیرگـذار کـه بـه دانشـگاه شـیکاگو پـا گـذاشت و راه آینـده را پیش پـای آن گـذاشت، جـان دیـویی(۱۹۵۲-۱۸۵۹) فیلسـوف پراگمـاتیست آمریکـایی بود. در واقع جـان دیویی بود که اصـطلاح مکتب شیکاگو را باب کرد و کوشید شاخه‌های مختلف تفکر عملگرایـانه را ذیـل این عنوان، سامـان دهـد. نخستین تشـکل‌های فکری که ذیـل عنوان عمومی مکتب شـیکاگو و تحت تـاثیر جـان دیـویی شـکل گرفت، در حوزه‌هـای فلسـفه، دین، جامعه‌شناسـی و اقتصـاد بـود. گردانـند‌گان محفـل اقتصـادی دانشـگاه شـیکاگو، تورسـتاین و بلن و فرانک‌اچ نایت بودند. جریان های غیراقتصادی دانشـگاه شـیکاگو، عمدتا در سال‌های استادی جان‌دیونی(۱۹۰۴-۱۸۹۴) رشد و نمو کردند. اما شاخه اقتصادی مکتب شیکاگو دیرتر از بقیه شاخه‌ها و در دهه بیست قرن بیسـتم سامان یافت. جنبشی کـه بـا وبلن و نایت شـروع شـده بود و تاکیـد اصـلی آن بر «بازار آزاد» و فضـیلت‌های آزادی اقتصادی بود، از دهه ۲۰ به بعد توسط جورج استیگلر و میلتون فریدمن بسط یافت و به جریان قالب در دنیای اقتصاد تبدیل شد و در دهه ۱۹۵۰، استفاده از اصطلاح مکتب اقتصـادی شـیکاگو رواج یـافت.آراء متفکران مکتب شـیکاگو در وهله نخست، یکی از زیرشاخه‌های جریان عمومی‌تر نئوکلاسیسـم بود و هنوز هم از نظر مبـانی، ذیـل همـان جریـان قرار دارد، امـا نقـدهایی که اقتصاددانـان مکتب شـیکاگو بر آراء جـان مینارد کینز نوشـتند، آنان را به گروهی تبدیل کرد که اگر نتوان نام غیرنئوکلاسـیک بر آنها گذاشت، حتما می‌توان گفت جریانی کاملا متمایز در درون نئوکلاسـیسم هستند که گام به گام بر تشخص و خطوط تمایز آنها افزوده شده است. نخستین خط تمایزی که اقتصاددانان مکتب شـیکاگو را از آموزگاران نئوکلاسـیک از جمله جان مینارد کینز جـدا کرد، نقـد آنها به نظریه و ارائه بدیلی برای آن بود که توسط میلتون فریدمن و تحت عنوان نظریه پولی(Monaterism) مطرح شد. بحث دیگری که مکمل بحث نظریه پولی بود، انتقاد از مـداخله دولت و هزینه‌های اشـتغالزای آن(نظریه کینز) بود. نظریه پولی تا دهه ۱۹۸۰ که بدیل آن یعنی «انتظارات عقلایی» توسـط متفکران جدیـدتر مکتب شـیکاگو مطرح شـد، نظریه غالب بود. طبق این نظریه، برخلاف آنچه کینز می‌پنـداشت، افزایش هزینه‌های دولت به جـای رسانـدن جـامعه به اشـتغال کـامـل، موجب افزایش نقـدینگی، کسـری بودجه دولت و در نـتیجه تورم می‌شود و تورم زیان‌بـارترین بلاـی اقتصـادی است که دسترنـج انسان‌هـا را به بـاد می‌دهـد.در دهه ۱۹۵۰ که اقتصاددانـان مکتب شـیکاگو تـازه قد برافراشـته بودنـد، هنوز نظریه کینز در محافـل اقتصادی جهان، نفوذ فراوانی داشت. علت این نفوذ این بود که بسـیاری خروج ایالات متحده از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ را وامدار نظریه کینز می‌دانسـتند.این باور البته حاوی بخشـی از واقعیت بود. زیرا در جریان بحران اقتصادی آمریکا، آنچه صـدمه دیـده بود طرف تقاضا، یعنی مصرف‌کنندگان بودند و در پی تزریق پول به جامعه و بالا رفتن قـدرت خریـد افراد، بنگاه‌هـا رونق گرفتنـد و به تدریـج بر بحران غلبه کردنـد. اما در عصـری که منتقـدان کینز به نقـد او پرداختنـد، گرفتاری در طرف تقاضا نبود، بلکه اشـباع شـدن ظرفیت‌های تکنولوژیک، اجازه رشد شـتابان را نمی‌داد و طرف عرضه ناتوان شده بود. در این دوران، اقتصاددانـان مکتب شیکاگو بحث واقعی کردن قیمت‌هـا، کـاهش مـداخله دولت در اقتصاد و به تبع آن کاهش هزینه‌های دولتی را تنها راه نجات کشورها از بلای تورم تشـخیص دادند. این دیدگاه اقتصاددانان مکتب شـیکاگو که یاران آنها در مکتب اتریش به ویژه هایک از آن حمایت می‌کردنـد، به تدریـج به فکر غالب نهادهای بین‌المللی به ویژه صـندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تبـدیل شد. در میان سیاسـتمداران نیز مارگارت تاچر، نخست‌وزیر انگلسـتان و رونالد ریگان، رییس‌جمهور آمریکا در دهه ۱۹۸۰ نخستین کسانی بودند که به اندرزهای اقتصاددانان مکتب شیکاگو به ویژه میلتون فریدمن، گوش سپردند. گفته می‌شود، تحول اقتصـادی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در آمریکـا و انگلسـتان و دیگر نقـاط جهـان محصول تبعیت تـاچر و ریگـان از آموزه‌های فریـدمن بوده است.گفته‌های اقتصاددانان مکتب شـیکاگوفرانک هاینمن نایت (۱۹۷۲-۱۸۸۵)، از مهم‌ترین اقتصاددانـان جهان است. وی که فرزنـد یـک کشـاورز آمریکایی بود، دوره دبیرسـتان را تمام نکرد، اما دانشـگاه تنسـی او را در سال ۱۹۰۵ به عنوان دانشجو پـذیرفت. نـایت در دانشـگاه‌های آمریکـا و آلمان فلسـفه و اقتصاد خوانـد و در جوانی اقتصاددان نام‌آوری شـد.علم از آن جهت که ناچـار است جنبه‌هـای تغییرناپـذیر اشـیا را مورد تحقیق و تفحص قرار دهـد، اساسا پدیـده‌ای ایسـتا است.کالاها از جایی که قیمت‌ها پایین است به جایی که قیمت‌ها بالاتر است سـرازیر می‌شوند. همین جابجایی آزادانه است که بازارها را آرام می‌کند.میلتون فریدمن (۲۰۰۶-۱۹۱۲) اقتصاددان و روشنفکر آمریکایی که حدود ۵۰سال بر اقتصاد آمریکا و جهان تاثیر گذاشت. نظریه‌های فریدمن کینز در باب آزادی سیاسـی و نسبت آن با آزادی اقتصادی به همراه نظریه‌های او در باب پول، امروزه از مشـهورات علم اقتصاد به شمار می‌رود. فریـدمن که یکی از وظـایف خود را پاره کردن پرده‌های فریب دولت‌ها می‌دانست، در برابر طرفـداران اقتصاد دولتی زبانی گزنـده داشت:اگر اداره شن‌زارهای آفریقا را به دولت بسـپارید، طولی نخواهـد کشـید که قحطی سـنگ‌ریزه پیش خواهـد آمد.تنها دولت است که می‌تواند با مرکب مرغوب و بر کاغذهای نفیس، چیزهایی بنویسد که پشـیزی ارزش نداشـته باشد.بسیاری از مردم از دولت می‌خواهند به دفاع از مصـرف‌کنندگان برخیزد، اما واقعیت این است که دفاع از مصـرف‌کنندگان در برابر شر دولت واجب‌تر است.۵- مکتب اتریش و ریشه‌هایشـدر نیمه قرن نوزدهم میلادی، نفوذ نظری و عملی سوسـیالیست‌ها در اروپا، اقتصاددانان لیبرال را به تکـاپوی تـازه‌ای برای پاسخ‌دادن به پرسـش‌ها و رفع تناقض‌هـا واداشت. آنهـا از سویی می‌بایست، نقصان‌های نظری اقتصاددانان کلاسـیک را دربـاره غایت‌هـای اقتصـاد رفع می‌کردنـد و از سوی دیگر ناچـار بودنـد بـا جاذبه‌هـای پوپولیسـتی سوسـیالیسم جـدال کنند.خدشه‌ای که به نظریه‌های کلاسیک وارد شده بود به مبحث «منشا ارزش» مربوط می‌شد. اقتصاددانان تا آن زمان دو منشا برای ارزش کالاها و خدمات قائل شده بودند. اولی از آن اقتصاددانان کلاسیک بود که بر نقش عناصـر تولید(کار و سـرمایه) و عرضه و تقاضـا تاکیـد می‌ورزیدنـد و دیگری از آن کـارل مـارکس بود که منشا ارزش را در «کار اجتماعا لازم» می‌دانست. طبق نظریه اول، آنچه قیمت کالا را در بازار تعیین می‌کرد، میزان هزینه‌های صـرف‌شده در آن و تقاضای مصـرف‌کنندگان بود. براساس نظریه دوم، میزان کـاری که صـرف تولیـد کالاهـا می‌شـود دو بخش دارد. بخش کوچکی از آن به عنوان دستمزد به کـارگران داده می‌شود و مـابقی کـه در واقـع محصـول اسـتثمار کـارگران است بـه جیب سـرمایه‌داران می‌رود و جمـع این دو قیمت نهـایی کالاـ را تشـکیل می‌دهـد.لیبرال‌ها برای پاسخ‌دادن به اسـتدلال سوسـیالیست‌ها با تنگنایی روبه‌رو شدند که گفته می‌شد از زمان آدام اسـمیت(۱۷۹۰-

۱۷۲۳) وجود داشته است.اسمیت در قرن هیجدهم پرسشی مطرح کرده بود که نه خودش برای آن پاسخ قانع‌کننده‌ای یافته بود نه پیروانش. اسمیت پرسیده بود چرا آب که ماده‌ای حیاتی است، از الماس که حیاتی نیست، ارزان‌تر است. اسمیت برای رفع این تناقض، این راه حل را ارائه کرد که ارزش بر دو نوع است. یکی ارزش مصرفی است و دیگری ارزش مبادله‌ای. ممکن است کالایی مانند آب ارزش مصرفی داشته باشد، اما ارزش مبادله‌ای آن ناچیز باشد و به عکس کالایی مانند الماس ارزش مصرفی کمتری داشته باشد، اما ارزش مبادله‌ای آن بالا باشد. در پی این استدلال، اسمیت این را هم اضافه کرد که ارزش مبادله ای به میزان کار صرف شده در تولید کالا و درجه مشقت لازم برای دستیابی به آن بستگی دارد. اسمیت قائل به رابطه ضروری بین قیمت و فایده کالاها نبود. یعنی اینکه ذهنیت خریدار تاثیری بر قیمت ندارد، بلکه کار است که قیمت را تعیین می‌کند. اگر بخش دیگر نظریه اسمیت یعنی عرضه و تقاضا و دست پنهان بازار را نادیده بگیریم، استدلال اسمیت در باب ارزش به استدلالی که نیم‌قرن پس از وی توسط مارکس مطرح شد، شباهت زیادی دارد. اقتصاددانان مارژینالیست برای رفع «پارادوکس آب – الماس» بحث مطلوبیت را مطرح کرده و این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که درست است که آب عنصری حیاتی است، اما به علت وفور آب و کمیابی الماس، مصرف‌کنندگان اجباری ندارند که برای ماده حیاتی آب پول زیادی بپردازند، اما مطلوبیتی که الماس برایشان دارد، انگیزه پرداخت پول بیشتر را توجیه می‌کند. طبیعی است که اگر آب کمیاب شود، حتما مردم برای تامین آن پولی بیشتر از الماس خواهند پرداخت. مارژینالیست‌ها همچنین می‌گفتند ارزش کالا ربطی به میزان کار و یا ارزش مصرفی ندارد. بلکه مطلوبیت نهایی است که قیمت را تعیین می‌کند. نظریه مارژینالیست‌ها، معضلی را که آدام اسمیت مطرح کرده، اما در پاسخ آن مانده بود، حل کرد و در عین حال به نظریه ارزش کارل مارکس خدشه‌ای جدی وارد کرد. این تحول، به صورت تدریجی راهی تازه پیش روی طرفداران اقتصاد آزاد گذاشت و به پیدایش نسل تازه‌ای از اقتصاددانان انجامید که پایه‌گذار مکتب تازه‌ای به نام مکتب اتریش شدند. واضعان و شارحان مکتب اتریش که با نام‌های مکتب وین و «مکتب روانشناختی» هم شناخته می‌شود، کوشیدند برای مدعاهای اقتصاددانان مارژینالیست، مبانی فلسفی و نظری محکمی بسازند که اجزای آن، سازگاری بیشتری داشته باشد. آغازکننده این کار کارل منگر بود که تاثیر فکری و عملی‌اش بیش از همگنان مارژینالیست او بود. منگر در سال ۱۸۷۱ کتاب«اصول اقتصاد» را نوشت. حلقه‌ای از اقتصاددانان که دور منگر، بوهم باورک و فردریش فون وایزر جمع شدند، هسته اولیه مکتب اتریش بودند. این افراد که معاصر کارل مارکس بودند، به تلاش گسترده‌ای برای نقد آرای او دست یازیدند. بعدها لودویک فون میزس و فردریش هایک هم به این نحله پیوستند و جریانی پرقدرت شکل دادند. نفوذ این جریان در زمان خود، در چارچوب دانشکده‌ها و محافل فکری محصور ماند اما به مرور زمان بر اهمیت و نفوذ آن افزوده شد.بنیان نظری مکتب اتریش که طرح اولیه آن را منگر و بوهم باورک ریختند و میزس و هایک آن را بسط دادند و غنا بخشیدند، به صورت خلاصه این است: نظریه‌ها و آرایی که کار یا هزینه تولید را منشا ارزش می‌دانند، بی‌اعتبارند. آنچه باعث می‌شود، مردم کالایی را به قیمتی که در بازار یافت می‌شود، خریداری کنند، میزان رضایتمندی برآمده از آن کالاست. ممکن است برای تولید کالایی ۱۰۰ واحد کار و سرمایه صرف شود اما کسی متقاضی آن نباشد و برایش پشیزی نپردازد و برعکس ممکن است کالایی با یک واحد کار و سرمایه تولید شود و مصرف‌کنندگان برای خرید آن ۱۰۰واحد پول بپردازند. عنصر تعیین‌کننده قیمت، خود انسان است نه روابط اجتماعی. ترجیحات ذهنی انسان‌هاست که آنان را بر آن می‌دارد چه کالایی را، چه زمانی و با چه قیمتی خریداری کنند. می‌توان فهمید که مردم چه کالایی را بیشتر می‌پسندند اما کسی نمی‌تواند میزان این ترجیح را محاسبه کند. بنابراین باید تولید و دادوستد در فضای کاملا آزاد و بدون مداخله عناصر بیرون از بازار(به ویژه دولت) رخ دهد تا تولیدکنندگان براساس علائمی که از مصرف‌کنندگان دریافت می‌کنند، نوع و میزان کالاهای مورد نیاز جامعه را شناسایی کنند. برای اینکه این کارها به هرج و مرج در جامعه نیانجامد، می‌بایست قواعدی که با همه شهروندان برخورد واحد دارد، وضع شود؛ این قواعد نباید بر اساس خواسته‌ها و اراده افراد و به صورت «مصنوع» ایجاد شود، بلکه می‌بایست با تاسی به «نظم خودجوش» ، آنچه که افراد در طول زمان و به صورت عرفی انجام می‌دهند، قاعده‌مند شود. اگر نیروی مداخله‌گر دولت، کار مردم را به خودشان بسپارد و فراتر از قاعده‌گذاری کلی کاری نکند، بازار توانایی تنظیم ارتباطات افراد را خواهد داشت. مثالی که هایک در این زمینه می‌زند این است: اگر در ایستگاه اتوبوس، مردم به انتخاب خود سوار شوند، کسی که می‌خواهد آخر مسیر پیاده شود، تمایل دارد که در گوشه‌ای دنج در صندلی‌های آخر بنشیند و کسی که می‌خواهد ایستگاه بعدی پیاده شود نزدیک در می‌ایستد و ... اما اگر نفر اول را وادار کنیم در یکی از صندلی‌های نزدیک در بنشیند و نفر دومی را به زور در ردیف‌های آخر جا دهیم موجب بی‌نظمی و نارضایتی می‌شویم.هایک از این مباحث و تمثیل‌ها نتیجه می‌گیرد: برنامه‌ریزی، خاص سازمان‌های مصنوع بشر مانند شرکت‌ها و بنگاه‌ها است که نظم آنها وابسته به نظم خودجوش و بزرگ جامعه است. برنامه‌ریزی برای نظام‌های خودجوش مثل جامعه و کشور به شیوه برنامه‌ریزی رایج در نظام‌های مصنوع، آزادی‌های فردی را نابود می‌کند. نظام بازار، به موجب نظم خودجوش نهفته در آن، برنامه‌ای درونی و خودگردان دارد که هیچ طرح و برنامه مصنوع بشر، نمی‌تواند جای آن را بگیرد. کتاب نامدار «راه بندگی» که هایک نزدیک به ۷۰سال پیش آن را نوشت، آثار عملی نادیده گرفتن «نظم خودجوش» و میل مداخله‌گری دولت برای ایجاد «نظم مصنوع» را به صورتی درخشان نشان می‌دهد. در این کتاب نشان داده می‌شود که نظم مصنوع، لاجرم به جباریت و آزادی‌کشی می‌انجامد.گفته‌های اقتصاددانان مکتب اتریشلودویک هاینریش فون میزس (۱۹۷۳-۱۸۸۱) اقتصاددان و فیلسوف اتریشی و از بزرگان مکتب اقتصادی اتریش است. میزس بر آرا و نظریات اقتصادی قرن بیستم تاثیر عمیقی گذاشت و اگرچه در نیمه اول قرن با توجه زیادی مواجه نشد اما در نیمه دوم قرن بیستم به یکی از مراجع بزرگ اقتصاددانان تبدیل شد. کتابخانه‌ای به نام میزس تاسیس شده است که در زمینه مباحث تئوریک اقتصادی فعالیت چشمگیری دارد. محور اصلی نظریات میزس محدود کردن قدرت دولت است:اگر می‌خواهید بین ملت‌ها صلح پایدار ایجاد شود، قدرت و نفوذ دولت‌ها را محدود کنید.دولت‌ها در همه دوره‌ها، منشا بزرگ‌ترین تلخکامی‌ها، انحراف‌ها و فجایع بشری بوده‌اند.بزرگ‌ترین شری که تاکنون بشر با آن روبه‌رو شده، دولت‌های بد بوده‌اند.فردریش آگوست فون هایک (۱۹۹۲-۱۸۹۹ —) هایک اقتصاددان و فیلسوف اتریشی است که از دانشگاه وین دکترای حقوق و علوم سیاسی گرفت و بعدها استاد دانشگاه لندن شد و به تابعیت انگلستان درآمد. ورود هایک به مباحث سیاسی و اقتصادی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، به لیبرالیسم جانی تازه بخشید: هایک در زمره بزرگ‌ترین منتقدان دولت‌های توتالیتر بود و گناه همه مصائب بشری را متوجه دولت‌ها می‌دانست:اگر می‌خواهیم در جامعه‌ای آزاد زندگی کنیم، باید به این واقعیت اعتراف کنیم که هیچ آرمان و آرزویی آن قدر ارزش ندارد که آن را به زور به دیگران بقبولانیم.در جامعه‌ای که اصول رقابت به آن حاکم است احدی نمی‌تواند سر سوزنی از ستمکاری‌های موجود در جوامع مبتنی‌بر برنامه‌ریزی را انجام دهد.اغراق نیست اگر بگوییم تاریخ بشر، تاریخ تورم است و این تورم محصول دولت‌هایی است که می‌خواسته‌اند دولت بمانند.منبع:دنیای اقتصاد

نوآوری در اقتصاد

=صنعتی شدن = تحول اقتصاد کشور

الهه دانشمند. مدیر انجمن تجارت وبازرگانی

اتخاذ واجرای استراتژی منسجم وسازگار برای صنعتی شدن می تواند موجب توسعه اقتصاد درکل شود. اندازه وترکیب زیر بخش های صنعت با تغییرات درآمد سرانه مرتبط است.چراکه تغییر درترکیب تولید ، انعکاسی ازتغییرات در ترکیب تقاضا می باشد. یعنی هم اینکه درآمد سرانه افزایش می یابد ، تقاضا برای برخی از کالاها سریعتر ازکالاهای دیگر ازدیاد می یابد اما درباره کالاهای پست ، تقاضا ممکن است متوقف ویا حتی کاهش یابد . کشش درآمدی تقاضا برای مواد غذائی بالا۔ می رود تقاضا برای موادغذائی کمتر ازیک است وبرای کالاهای مصرفی بزرگتر ازیک می باشد. ازاین رو وقتی متوسط درآمد محصولات کشاورزی درکل کمتر است مقدارتقاضا برای محصولات صنعتی رشد می کند. دریک اقتصاد بسته این گونه تغییرات درترکیب تقاضا ، طبیعتا "به تغییرات ذیربط درترکیب تولید منجر می شوند تاثیر الگوی تقاضا بر ترکیب تولید محصولات داخلی ، دربلند مدت می

تواند قابل ملاحظه باشد. صنعتی شدن کم وبیش به صورت خودکار با افزایش درآمد روی می دهد. یعنی اینکه صنعتی شدن نتیجه رشد اقتصادی است تا به جای اینکه علت آن باشد واگر ساده بخواهیم بگوئیم صنعتی شدن عکس العملی درقبال افزایش درآمدها وتقاضا برای محصولات صنعتی است.دومین توضیح برای صنعتی شدن تاکید بر عوامل موثر بر عرضه می باشد. صنعت به نسبت درمقایسه با کشاورزی سرمایه بر است . ازاین رو نرخ بالای پس انداز وسرمایه گذاری و تقلیل کمیابی سرمایه به نفع گسترش بخش صنعت وفعالیتهای صنعتی خواهد بود . همچنین بخش صنعت درمقایسه با بخش کشاورزی به نیروی کارماهر بیشتری نیازدارد. اگر سیاست دولت یا بخش خصوصی منجر به گسترش وتوسعه آموزش ازنظر کمی وکیفی به ویژه آموزش های فنی وحرفه ای شود ، افزایش عرضه نیروی کارماهر را به دنبال داشته وبه توسعه صنعتی کمک خواهد نمود.برخی از فرآیندهای صنعتی نظیر فرایندهای شیمیائی ، فولاد ، سیمان ونیروگاهها دارای مقیاسهای اقتصادی می باشند . افزایش درتولید این گونه فعالیتها منجر به کاهش هزینه ها ، کاهش قیمتها وافزایش بیشتر تقاضا خواهد شد. دربخش صنعت به علت آثار تکمیلی وپی آمدهای خارجی تاثیر کل ، بزرگتر از مجموع تاثیر تک تک قسمتها می باشد. مثلا "سرمایه گذاری درکالاهای مصرفی با دوام به علت نبودن نیروی برق ارزان دراختیار خانوارها به صرفه نیست ویا سرمایه گذاری درتاسیس نیروگاهها وتولید برق بدون تقاضا اقتصادی نیست اما اگر هردو پروژه باهم انجام شوند چون مکمل یکدیگرند بسیار سودآور می باشند . شتاب بخشیدن به سرمایه گذاری ، افزایش عرضه نیروی کارماهر ، بهره برداری از مقیاس اقتصادی وراه اندازی پروژه های مکمل به طور سیستمی می تواند سرعت صنعتی شدن را شتاب بخشیده وموجب ارتقاء بهره وری وازآنجا افزایش نرخ رشد محصول درآمد ملی شود.به عبارتی ، اتخاذ واجرای استراتژی منسجم وسازگار برای صنعتی شدن می تواند موجب توسعه اقتصاد درکل شود.دولتها به طور مستقیم وغیر مستقیم می توانند شرایط مطلوبی را برای فعالیت بخش خصوصی درتوسعه صنعتی به وجود آورند . توسعه صنعتی خیلی فراتر از صرفا "عکس العملی ساده به افزایش تقاضا است چرا که بسترهای مناسب درمورد عوامل تولید وبازدهی مناسب نیز ضرورت دارد به وجود آید. درایجاد چنین بستری دولت نقش بسیار مهمی را ایفا می کند . حمایت دولت درتوسعه صنعتی در تجربه تاریخی کشورهائی که امروزه کشورهای توسعه یافته صنعتی نامیده می شوند مشاهده شده است .الکساند گرشنگرون درمطالعات خود درباره صنعتی شدن اروپا درقرن ۱۹، برنقش بانک ها ودولت تاکید دارد واستدلال می کند هرچقدر عقب ماندگی اقتصادی کشور بالنسبه بیشتر باشد ، تلاش برای توسعه می بایست تمرکز بیشتری داشته باشد.وی اشاره دارد عاملین صنعتی شدن ، از کارآفرینان بخش خصوصی درانگلستان به هنگام انقلاب صنعتی ، به بانکهای سرمایه گذار درصنایع آلمان وسپس دولت در روسیه تزاری تغییر کرده است.دیترسن هاس نشان داده است همه کشورهای اروپائی به استثناء بریتانیا ، تحت دیوارها و موانع گمرگی وحمایتی به طریق مختلف توسعه یافته شدند. دردوران حمایت اقتصاد داخلی ، اقتصاد این کشورها تجدید ساختار شد . به این معنا که اقتصاد ازتولید کالاهای اولیه به تولید کالاهای سرمایه ای وبه صورت انبوه با ارزش افزوده بالا تغییر جهت پیدا کرد.فقط بعد از تغییرات ساختار ونهادی ، کشورهای توسعه یافته توانستند اقتصاد منسجمی پیدا کرده ودراقتصاد جهانی رقابت کنند ، تا زمانی که بازارهای داخلی این کشورها توسعه نیافت تجارت آزاد ازطرف آنها دنبال نشد.کشورهای صنعتی برای صنعتی شدن یک استراتژی ملی را با تکیه بریک دولت مقتدر با همراهی یک طبقه قدرتمند صنعتگر دنبال نمودند . استراتژی صنعتی شدن براساس حمایت بانکها درسرمایه گذاری ونیز یک سیستم فنی حرفه ای آموزشی واجرای مدیریت علمی ونیز فراهم ساختن زمینه های مساعد برای نو آوری وخلاقیت بنا نهاده شده بود.

http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=۱۷۲۵۷&threadID=۴۷۵۷۳*

تجارت الکترونیک در اقتصاد جهانی

تجارت الکترونیک یکی از پر کاربرد ترین و رایج ترین اصطلاحات حوزه های اقتصادی و بازرگانی طی سالیان گذشته بوده است که هر روزه هم بر دامنه و میزان استفاده از آن افزوده می شود . این اصطلاح و مفاهیم مصداقی آن به فراخور دو جزء آن یعنی تجارت و الکترونیک ، گستره وسیعی از مباحث و موضوعات را در بر می گیرد .دکتر مهدوی استاد اقتصاد دانشگاه تهران در انجمن اقتصاد دانان ایران به واکاوی چالش ها و مباحث روز این حوزه پرداخت و سعی کرد تأثیرات دو سویه قواعد تجارت و فضای ارتباطی الکترونیک بررسی کند .مهدوی در ابتدا با ارائه آمار مختصری از مبادلات تجاری صورت گرفت از طریق تجارت الکترونیک در جهان ، گوشه ای از حضور پررنگ این نوع از ارتباط و تجارت را نشان دهد .تجارت الکترونیک در سال ۲۰۰۶ میلادی با رقمی در حدود ۸/۱۲ تریلیون دلار بیش از ۵۵ درصد سهم کل تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است که این سهم نسبت به سال ۲۰۴ رشدی معادل ۶۴/۸۰ درصد را نشان می دهد . این سهم بالا در شرایطی حاصل شده که حجم تجارت الکترونیک در سال ۲۰۰۴ رقمی معادل ۸/۶ تریلیون دلار بوده است . دکتر مهدوی همچنین در یک تعریف ساده ، استفاده از شبکه های رایانه ای برای جستجو و بازاریابی اطلاعات جهت پشتیبانی از کار های انجام شده در سازمان و تصمیم گیری سازمانی و خرید و فروش کالا ها با استفاده از این شبکه ها را تجارت الکترونیک قلمداد کرد .به عقیده وی ، امنیت مبادله اطلاعات ، قابلیت اعتماد سیستم ها و جامعیت پردازش مبادلات عمده ترین چالش ها و دغدغه های بحث تجارت الکترونیک در دنیای امروز تلقی می شود .به نظر می رسد بتوان مجموعه عوامل تأثیرگذار در سیاست های بازرگانی متعارف در اقتصاد سنتی را در سه محور انواع تعرفه گمرکی ، موانع غیر تعرفه ای بر تجارت و سیاست های صادراتی خلاصه کرد و این درحالی است که سیاست های بازرگانی در عصر تجارت الکترونیکی در محور های مدیریت آمیخته بازار در اینترنت ، برنامه ریزی محصول در اینترنت ، برنامه ریزی قیمت در اینترنت و اینترنت و کانال توزیع قابل پیگیری و بررسی است .بر همین اساس می توان اثرات متقابل مفاهیم تجارت الکترونیکی بر نظریات و قوانین تجارت سنتی مورد بررسی قرار داد . بنابر یکی از قدیمی ترین قضایای اقتصادی ، هر کشور کالایی را صادر می کند که در تولید آن نیاز به عامل نسبتاً فراوان و ارزان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً گران و کمیاب دارد . در صورتی که در فضای تجارت الکترونیکی که مبتنی بر اقتصاد دانش محور است این قواعد دچار تغییرات عمده و بنیادینی شده است .در تجارت الکترونیک و با فرض اقتصاد دانش محور ، کمیابی معنایی را که در فضای تجارت سنتی داشت ، ندارد و هر کشوری می تواند با توجه به استراتژی تجاری خود به تجارت بپردازد . در چنین فضایی هر کشور کالایی را صادر می کند که دانش و تخصص لازم برای تولید کارای آن را داشته باشد و یا کسب دانش تولید آن برایش مقرون به صرفه باشد ، همچنین در مقابل کالایی را وارد می کند که دانش تولید آن را ندارد و یا این که کسب دانش تولید آن برایش مقرون به صرفه نیست .در فضای تجارت الکترونیکی و تأثیرات آن فرض های مختلفی مطرح است ، در فرض اول این تعامل ، بحث تولید کالا۔با دو عامل تولید و در دو کشور مختلف مطرح می شود به این معنا که سرزمین زدایی چشمگیری در حوزه فعالیت های اقتصادی وجود دارد که در رشد شدید معاملات فرامرزی ، سرمایه گذاری های مشترک ، خلق بازار های جهانی ، از طریق دلالان ، بانکداران ، تولیدکنندگان و مصرف کنندگان مشهود است .فرض دیگر این تعامل سیر به سمت فناوری یکسان است در تجارت سنتی ما با فناوری نازلتر ، دسترسی کمتر ، اطلاعات کمتر ، تشابه کمتر ارتباطات کمتر و توقع کمتر مشتریان مواجهیم در صورتی که فناوری بالاتر ، دسترسی ، تشابه ، اطلاعات ، ارتباطات و توقع بیشتر از خصوصیات تجارت الکترونیکی است .در اقتصاد مبتنی بر دانش که نمادی از بکارگیری تجارت الکترونیک در عرصه اقتصاد است و الکترونیک شدن تجارت نیز از ویژگی های آن قلمداد می شود ، سرمایه عامل اصلی تولید استکه ممکن است به صورت سرمایه فیزیکی یا سرمایه انسانی به صورت تدریجی مورد استفاده قرار گیرد و در عین حال طبیعی است که با هرچه بیشتر شدن سهم تجارت الکترونیکی در تعاملات اقتصادی ، کارایی نیز در اثر کاهش هزینه های تولید به شدت افزایش می یابد .یکی دیگر از مباحث و چالش های مطرح بحث تخصص ناقص در تولید است که از سوی برخی منتقدان گسترش تجارت الکترونیک عنوان می شود ، واقعیت آن است که نظام تولید انعطاف پذیر تنها با بسط و گسترش شبکه جهانی اینترنت و نهادینه شدن تجارت الکترونیک در ساختار بازار های جهانی به طور کامل تحقق پیدا می کند ، می توان گفت ، تجارت الکترونیک نه تنها فرض وجود تخصص ناقص در تولید را نقض نمی کند ، بلکه تخصص ناقص را یکی از

راه های بقا و حفظ سهم بازار برای بنگاه ها معرفی می کند .در نهایت از منظر دکتر مهدوی تبعات حضور و گسترش تجارت الکترونیکی را در عرصه اقتصادی جهان اینگونه می توان جمع بندی کرد:تجارت الکترونیکی شیوه های سنتی تجارت را متحول کرده است تجارت الکترونیکی سرعت انجام را افزایش داده است .تجارت الکترونیکی هزینه انجام مبادلات را کاهش داده و کارایی تجاری بنگاه های اقتصادی را افزایش داده است .این نوع تجارت ، رقابت را در بازار های جهانی نهادینه کرده است .تجارت الکترونیکی نقش سیاست های بازرگانی را در انجام مبادلات چه از نوع تشویق کننده و چه از نوع محدود کننده به حداقل رسانده است .

پیامبر و اقتصاد خانواده

مقدّمه : یکی از مباحث کلیدی، شناخت سیرهٔ اقتصادی معصومان۸ است که در این میان، چگونگی کسب در آمد و هزینه کردن آن در زندگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛

لذا این موضوع را در سیرهٔ فردی و خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله مورد بررسی قرار می‌دهیم. الف. منابع درآمدی حضرت زندگی ۶۳ سالهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله را اگر به سه دورهٔ « کودکی و نوجوانی » ، «تشکیل خانواده» و «پیامبری و «حکومت» تقسیم کنیم، منبع تأمین مخارج زندگی حضرت ، بدین قرار خواهد بود : ۱. ارث پدری و حمایت مالی عمویش ابوطالب ۷ البته آن حضرت در این سنین، گوسفندان خود و عشیره‌اش را به چراگاه می‌برد و به امر «چوپانی» اشتغال داشت، و زمانی هم همراه عمویش و نیز در کاروان تجاری خدیجه ۳ به کار «تجارت» مشغول شد.[۱] ۲. ثروت همسرش حضرت خدیجه۳ در دورهٔ جاهلیت ، حضرت خدیجه ۳ –بانوی ثروتمند قریش – کاروان های متعدّدی به مناطق گوناگون می‌فرستاد. وی بعد از ازدواج با حضرت محمّد ۹تمام دارایی خود را به ایشان بخشید و آن حضرت هم تا پایان عمرش از حمایت های معنوی و مادّی امّ‌المؤمنین خدیجه ۳ستایش و تجلیل می کرد.[۲] ۳. خمس بر اساس حکم قرآنی (انفال/۴۱) یک پنجم سود خالص درآمد سالیانه و امور دیگر – با شرایط ویژهٔ فقهی – به خداوند، پیامبر و سادات نیازمند، تعلّق دارد که البته حضرت از حقّ خدادادی اش (سهم معصوم ۷) هم کمتر استفادهٔ شخصی می‌برد. ۴. غنائم جنگی پیامبر ۹هم در « غزوات» بسان یک رزمندهٔ معمولی، از غنائم جنگی سهم می‌برد. ۵. بیت المال در هنگام تقسیم درآمد حکومتی، پیامبر صلی الله علیه و آله همچون یک شهروند جامعهٔ اسلامی و به طور مساوات، سهمیهٔ خود و خانواده‌اش را جدا می کرد؛ گرچه باز هم در مواقعی سهم خود را به «نیازمندان» اختصاص می‌داد.[۳] ۶. هدایا اصحاب و برخی از سران قبائل و رؤسای کشورها (مثل: پادشاه حبشه و قیصر روم) هدایای گوناگونی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم می کردند.[۴] و یا به میزبانی آن حضرت، مفتخر می‌شدند؛ چنان که آن حضرت می‌فرمود: - اگر شانهٔ گوسفندی به من هدیه دهند، می‌پذیرم و اگر دعوتم کنند، اجابت می کنم.[۵ –] اگر مؤمنی به خوردن یک ذراع گوسفند دعوتم کند، می‌پذیرم .... و اگر مشرک یا منافقی شتری بکشد و دعوتم کند، قبول نمی کنم......[۶] حال، ممکن است این پرسش مطرح شود:« میراث مادّی و مالی حضرت، چه موارد و مبالغی بوده است؟» امام صادق۷ در این زمینه می‌فرماید : «وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرد، از خود دینار، درهم، غلام، کنیز، گوسفند و شتری به جا نگذاشت مگر شتر سواری خود را. و چون به رحمت الهی واصل شد، زرهش نزدیک یهودی – از یهودیان مدینه – برای بیست صاع جو، که برای نفقهٔ خانواده‌اش از او قرض گرفته بود، در گرو بود.»[۷] ب : هزینهٔ زندگی حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در طول زندگی پر برکتش – برای رفع نیازهای اوّلیهٔ خود و خانواده‌اش – از کم ترین امکانات بهره‌مند بود «و کان خفیف المؤنهٔ»[۸] به برخی از این موارد، گذرا می‌پردازیم. خوراک در گفتار برخی از امامان: و صحابه آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز نان گندم نخورد و از نان جوین هم هرگز به اندازهٔ سیر شدن، تناول نکرد.[۹] سه شب پشت سر هم از نان جوین سیراب نشد.[۱۰] حضرت از هر نوع غذایی که خدا برایش حلال کرده بود، با خانواده و خدمتکارانش می‌خورد[۱۱]. خرما و آب، بیش ترین خوراکش بود..[۱۲]. و کان۹ یعصّب الحجر علی بطنه من الجوع ....؛ پیامبر ۹ گاهی از شدّت گرسنگی، بر شکم خود سنگ می‌بست . هر طعامی برایش حاضر می کردند، می‌خورد ....[۱۳] ابن عباس می گوید: «چه بسا پیامبر صلی الله علیه و آله چند شب گرسنه می‌ماندو برای آن حضرت و خانواده‌اش غذای شب پیدا نمی شد...»[۱۴] آن حضرت خود نیز می‌فرمود: « یک ماه چنان سپری شد که من و بلال، جز چیزی که زیر بغل بلال نهان می‌شد] و می‌آورد[، غذایی نداشتیم.»[۱۵] امام باقر۷ در هنگام بیان«خوراک سادهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله » چنین می‌فرماید : « ... البته من نمی‌گویم که پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی]برای خوردن[پیدا نمی‌کرد؛ بلکه گاهی به یک مرد، صد شتر می‌بخشید. پس اگر آن حضرت دلش می‌خواست بخورد، هر اینه می‌توانست بخورد.» امام باقر۷ در ادامه بیان می کند که : جبرئیل۷سه بار، کلید گنج های زمین را به پیشگاه رسول خدا۹ تقدیم کرد؛ امّا حضرت از پذیرفتن آنها خودداری نمود تا همواره در برابر پروردگارش، فروتنی و تواضع داشته باشد.[۱۶] پوشاک در خوراک و پوشاک، از غلام‌ها و کنیزان خود، برتری نمی‌جست.[۱۷] حضرت می فرمود :«من تا هنگام مرگ، از پنج چیز دست برنمی‌دارم ... پوشیدن لباس پشمینه و ....»[۱۸] جنس لباس حضرت، از پنبه بود و در حال ضرورت، از لباس پشمی و موئی استفاده می کرد.[۱۹] عبای کهنهٔ وصله داری داشت که گاهی آن را به تن می کرد و می فرمود: «إنّما أنا عبد ألبس کما یلبس العبد؛ من، بنده‌ام و همچون]لباس[بندگان میی‌پوشم.» [۲۰]حضرت به ابوذر می‌فرمود: من، لباس خشن و زبر می‌پوشم.»[۲۱] مسکن بعد از ورود پیامبر ۹به مدینه، آن حضرت به مدّت هفت ماه در خانهٔ ابوایوب انصاری زندگی کرد و پس از اتمام ساخت مسجد و خانه‌های اطراف آن، تا هنگام رحلت در همان خانه‌های مسجدش سکونت داشت.[۲۲] در روایتی آمده است: « پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت کرد، در حالتی که خشتی روی خشتی نگذاشت.»[۲۳] اثاثیه و غیره وسائل زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و همسرانش هم بسیار محدود و ساده بود؛ به گونه‌ای که اصحاب و حتّی دشمنان ، دچار شگفتی شده بودند[۲۴]. در روایات می‌خوانیم: بالش و تشکی از پوست داشت که با لیف خرما پر شده بود....[۲۵] گاهی آن حضرت روی حصیر – بدون فرش – می‌خوابید.[۲۶] زیرانداز حضرت، یک عبا و متکّایش از پوست و بار آن از لیف خرما بود.[۲۷] سوخت منزلش، شاخه‌های درخت خرما بود.[۲۸] حضرت بر انواع مرکب ها (شتر، اسب و قاطر) و بیش تر بر الاغ – بی پالان – سوار می‌شد.[۲۹] یعنی ارزان‌ترین وسیلهٔ نقلیهٔ آن روز. خرید منزل حضرت خود، مایحتاج زندگی‌اش را از بازار تهیه می کرد و به سوی خانواده‌اش حمل می‌نمود،[۳۰] و در این باره می‌فرمود: «لا أشتری شیئاً لیس عندی ثمنه؛ چیزی که پول و قیمت آن را ندارم، نمی‌خرم.»[۳۱] البته پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی از موارد، برای رفع نیازهای ضروری دیگران یا خانواده‌اش از اصحاب و گاهی از یهودیان، پول قرض می گرفت. لذا پیش از رحلت به وصی و جانشین خود، امام علی علیه السلام سفارش کرد که قرض و بدهی‌هایش را بپردازد.[۳۲] همسران پیامبر ۹ پس از جنگ بنی قریضه – که غنیمت سرشاری نصیب رزمندگان و حکومت اسلامی شده بود – از آن حضرت درخواست خرجی بیشتر و امکاناتی شدند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله با ردّ تقاضاهای آنان ، یادآور شد: «من، رهبر اسلام و مسلمانان هستم و باید زندگی بسیار عادی و ساده‌ای داشته باشم تا بینوایان و مستمندان ، احساس حقارت و پستی نکنند.» متأسّفانه « امّهات مؤمنین» بر درخواست های خود، پافشاری کردند و قلب رسول الله۹ را آزردند .... لذا آن حضرت به مدّت یک ماه از همسرانش کناره گیری کرد. سرانجام ایاتی (احزاب / ۲۸-۳۱) نازل شد، مبنی بر این که: ای بانوان پیامبر! اگر زندگی پر زرق و برق دنیا را می‌خواهید ، می‌توانید از حضرت جدا شوید؛ امّا به خدا ، پیامبر و پاداش‌های بزرگ الهی در قیامت علاقه دارید، پس به همین زندگی ساده و افتخار آمیز نبوی ، قانع و راضی باشید.[۳۳] ج) زهد نبوی در متوی اسلامی – به ویژه در مباحث اخلاقی، عرفانی – موضوعی به نام «زهد» و «زاهد» بیان شده است. که متأسفانه برداشت نادرست از آن به عمل آمده و در گفتار و رفتار برخی از مسلمانان ، مشاهده می‌شود و آن، ترک دنیا و بسنده کردن به امور ناچیز مادّی است ! و حال آن که در احادیث و سیرهٔ معصومان: «زهد، به معنای عدم دلبستگی به دنیا و مظاهر مادّی آن است.» ممکن است عدّه‌ای برداشت ناصحیح خود را به سیرهٔ عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام استناد بدهند؛ لذا در مقام پاسخ ، می گوییم: اوضاع نا به سامان زندگی اقتصادی مسلمانان صدر اسلام و نیز سرپرستی حکومت اسلامی، ایجاب می کرد که این دو بزرگوار، از کم ترین امکانات مالی (خوراک، پوشاک، مسکن و غیره) استفاده کنند؛ امّا بعد از سپری شدن آن دوره و پیدایی رفاه

نسبی – مثلاً در عصر زندگی امام صادق۷ – معصومان : هم به قـدر کفاف، از خوراک و پوشاک بهتری ، برخوردار بودند.[۳۴] و جالب است بدانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله مفهوم حقیقی «زهد» را این گونه بیان فرموده است: «الزّهادهٔ فی الدّنیا لیست بتحریم الحلال ....؛ زهـد داشـتن در دنیا، به این نیست که حلال را بر خود حرام کنی یا مال خود را تلف سازی؛ بلکه زهد، این است،که به آنچه در دست داری، بیشتر از آنچه نزد خداست ، اعتماد نداشته باشـی .....»[۳۵] امام علی علیه السلام در ضـمن پرسش و پاسخ با یک یهودی و تایید زهد عیسی۷ فرمود: «و محمّد ۹ أزهد الانبیاء ...؛ ولیکن حضرت محمّد۹ از همـهٔ پیامبران زاهد تر بود. زیرا وی کنیزها و همسرانی داشت؛ با این حال ، هیچ وقت سفره‌ای که در آن طعامی باقی مانده باشد، برچیده نشد و هرگز نان گندم نخورد و از نان جوین هم سه شبانه روز متوالی سیر نشد.»[۳۶] و نیز در روایتی می‌خوانیم که : «و کـان رسول الله۹ لاینظر الی ما یستحسن من الدّنیا؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به متاع دنیا، که موجب دلبستگی و شیفتگی [مردم] است، نظر نمی‌افکند.»[۳۷] د) سرای ضیافت هر روز، افراد زیادی به محضر پیامبر صـلی الله علیه و آله شـرفیاب می‌شدنـد و نیازهای مادّی و معنوی خود را مطرح می‌کردند؛ در این میان طبقهٔ مستضـعف، چشم امیدشان به پیامبر رحمت و محبّت بود و آن حضرت نیز بیشتر با این گروه نشست و برخاست داشت و همواره با دیدهٔ احترام و تکریم به آنان می‌نگریست.[۳۸] امام صادق۷ در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله و «راز مزاح» حضرت با اصحاب، می‌فرمایـد: «از رأفت و مهر پیامبر صـلی الله علیه و آله این بود که با یارانش «مزاح» می‌کرد تا عظمت و ابّهتش، دل آنها را نگیرد و بتواننـد به او نگاه کرده و حوائج خود را بازگویند.»[۳۹] سیرهٔ رسول خدا۹ با ارباب رجوع – به ویژه نیازمنـدان – چنین بـود: – هر کس برای حـاجتی نزدش می‌آمـد، چه آزاد و چه غلام و کنیز، جهت رفع گرفتـاری‌اش اقدام می‌کرد.[۴۰] – هر گـاه مشغول نماز بود و کسی کنارش می‌نشست ، نماز خود را با تخفیف و اختصار به پایان می‌رساند و به سوی آن شخص برمی‌گشت و می‌پرسید: «ایا حاجتی داری؟»[۴۱] – هرگز در پاسخ به درخواست محرومان واژهٔ «نه» را به کار نبرد؛ بلکه اگر چیزی (غذا ، لباس و پول) نزدش بود، عطـا می‌کرد و گر نه بـا مهربانی می‌فرمود: «خـدا برسانـد؛ ان شاء الله جور می‌شود.» آن حضـرت در این باره می فرمایـد: «من سئلنا لم نـدّخر عنه شیئاً نجده؛ هر کس از ما درخواستی بکند، اگر چیزی داشتیم، از وی دریغ نخواهیم کرد.»[۴۲] «لو کان لی مثل اُحـد ذهباً ...؛ اگر به اندازهٔ کوه اُحد «طلا» داشته باشم، دوست دارم پس از سه روز چیزی از آن به نزد من نباشد، مگر مقداری که برای قرضـی ذخیره کرده باشم.[۴۳] جالب است بـدانیم که: رسول خدا۹ هرگـاه پول و غـذایی نزدش نبود، بیشتر از هر جایی دیگر، نیازمندان را به خانهٔ امام علی علیه السـلام می فرستاد و اهل بیت: نیز آنان را به نیکی پذیرا می‌شدند.[۴۴] و نکتهٔ دیگر، این که: اصحاب در اوقاتی از شبانه روز، به خانهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و ناهار و شام می‌خوردند و دیر وقت به خانه های خود برمی‌گشتند و حضـرت نیز از شرم و حیا ، به آنان چیزی نمی‌فرمود . این مسأله، باعث می‌شد که پیامبر صـلی الله علیه و آله و خانواده‌اش از استراحت و کارهـای خود بازبماننـد؛ لـذا بـا نزول ایه‌ای (احزاب /۵۳) این موضوع به مسـلمانان یادآوری شـد.[۴۵] عایشه می‌گوید: روزی گوسـفندی ذبح کردیم و پیامبر صلی الله علیه و آله تمام قسمت‌هـای گوشت را به دیگران انفاق نمود و تنها کتفی از گوسفند باقی ماند؛ لذا به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: از گوشت گوسفند فقط کتف آن باقی ماند! حضرت فرمود: «هر آنچه انفـاق کردیم، باقی است غیر ازاین کتف .»[۴۶] امام صادق۷ می‌فرمایـد : ویژگی پیامبر صـلی الله علیه و آله چنین بود که : هر کس از وی چیزی از مال دنیا می‌خواست، به او عطا می‌کرد. لذا یک روز، زنی فرزندش را نزد پیامبر صـلی الله علیه و آله فرستاد و گفت: برو و از حضـرت کمکی بخواه و اگر فرمود : « چیزی نزدم نیست.» بگو: پیراهنت را به من بـده . وقـتی پسـر، خـدمت رسول خدا۹ آمد و پیراهن را درخواست کرد، حضـرت لباسـش را درآورد و به او بخشید....[۴۷]. مردی خدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله رسـید و «کمـک مالی» درخواست کرد، حضـرت فرمود: «فعلاً نزد من چیزی نیست؛ ولیکن با من بیا تا اگر چیزی به ما رسـید، به تو بـدهیم.» عمربن خطّاب گفت : ای پیامبر! همانا خداونـد که شـما را به چیزی که قـدرت آن را نداریـد، مکلّف نکرده است. پیامبر ۹ سخن عمر خوشـش نیامـد؛ در این موقع، مرد نیازمنـد عرض کرد: انفاق کن و به جهت کمی، از صاحب عرش نترس [زیرا خداوند، مقـدار کم را هم قبول می‌کند]. رسول خدا۹ از این سـخن خوشـش آمد و تبسّم کرد و آثار خوشحالی در چهره‌اش نمایان شد[۴۸]. در یکی از روزهـای بیمـاری پیـامبر صـلی الله علیـه و آله – که به رحلت حضـرت انجامیـد – رسـول خـدا۹ وارد مسـجد شـد و خبر فرارسـیدن مرگ خود را به مردم اعلام کرد و سـپس فرمود: « اگر به کسـی وعـده داده‌ام ، آماده‌ام که انجـام دهم و هر کس از من طلبی دارد، بگویـد تا بپردازم.» در این هنگام، مردی برخاست و عرض کرد : چنـدی پیش، به من وعـده دادیـد که اگر ازدواج کنم، مبلغی بـه مـن کمـک خواهیـد نمـود. پیـامبر صـلی الله علیه و آله فـوراً به «فضـل بن عبـاس» دسـتور داد تـا آن مقـدار پـول را به وی بپردازد....[۴۹] سفره نیایش اکنون زیبنده است با نیایش های پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا شده و برای گشایش در زندگی دست، نیـاز به درگاه بی نیاز بگشاییم: – اللّهم اجعل أوسع رزقک علی عنـد کبر سنّی و انقطاع عمری ؛ خـدایا! روزی مرا به هنگام پیری و پایان زندگی‌ام، وسعت ببخش.[۵۰] – اللّهـمّ اغفرلی ذنـبی و وسّع لی فی داری و بـارک لی فی رزقی ؛ خـدایا ! گنـاهم را بیـامرز ، خانه‌ام را وسـعت بده و رزقم را افزون کن.[۵۱] اللهم انّی أعوذ بـک من الکفر و الفقر؛ خـدایا! از کفر و فقر، به تو پنـاه می‌برم.[۵۲] رسـول اکرم صـلی الله علیـه و آلـه در دعاهـای دیگرش نیز از امـوری بـه درگـاه الهی پناهنـده می‌شـود؛ همچون : نـاتوانی، تنبلی، مستمندی، قرض، تنگ دستی و چیرگی قرض.[۵۳] و مطلب قابـل تـوّجه، این ادعیه است که : – أسألـک القصـد فی الفقر و الغنی؛ خـدایا! میـانه روی در حال تهی دستی و ثروت را، از تو درخواست می‌کنم.[۵۴] – اللّهمّ إنّی أعوذ بک ... من شّـر فتنهٔ الغنی و أعوذ بک من فتنـهٔ الفقر؛ خدایا! به درگاهت پناه می‌برم ... از بـدی بلا و آزمایش ثروت ، و به تو پناهنـده می‌شوم از آزمایش و بلیهٔ فقر.[۵۵]

[۱] . ر. ک: معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی دشتی، ج۱، ص ۴۳۰، ج۴، ص ۲۸۳. [۲] . ر .ک، همان، ج۵، ص ۱۰۰–۱۰۲. [۳] . با رجوع به زنـدگی و سیرهٔ پیامبر صـلی الله علیه و آله می‌توان نمونه‌هـای فراوانی در این زمینه، یافت. [۴] . ر.ک. آثار الصّادقین، صادق احسانبخش، ج۲۸، ص ۱۹۶و۱۹۷،ح۴۶–۵۲، ص۲۰۱–۲۰۷، ح ۴،۹،۱۰،۱۱،۱۸، نشر صادقین، رشت، اوّل، ۱۳۷۵ ش. [۵] . رهنمـای انسانیت (سـیری دیگر در نهـج الفصاحه)، مرتضـی تنکابنی، ص ۱۲۶، ش۴۶، دفتر فرهنگ اسـلامی، تهران، اوّل ۱۳۷۴ش. [۶] . سنن النبی ۹ علامه طباطبایی، ص۱۹۰، ش ۲۱۳، ترجمه محمد هادی فقهی، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۵۴ش. [۷] . بحارالانوار، ج۱۶، ص ۲۱۹، ح۸؛ مرواریـد آفرینش، سـید مجتبی برهـانی، ص ۲۳۹ و ۲۴۰ ، انتشـارات بیـت الاـحزان، قـم، اوّل، ۱۳۸۴ش. [۸] .سنن النبی۹ ، ص ۴۱. [۹] . همان، ص ۱۶۰،۱۶۱،۱۷۵،۱۷۷. [۱۰] . همان، ص۱۶۱. البته بر اساس برخی روایات(ص ۱۸۲ و ۱۸۳، ش ۱۹۲–۱۹۰) آن حضـرت هرگز سه روز متوالی، نان گنـدم نخورد و از آن به مقدار سیر شدن، اسـتفاده نکرد. [۱۱] .همان، ص ۱۶۶ و ۱۷۲. [۱۲] .همان، ص ۱۷۲. [۱۳] . همان، ص ۷۳، [۱۴] . همان،ص ۱۸۱ [۱۵] . رهنمای انسانیت، ص ۱۲۵، ش ۴۱، [۱۶] . سنن النبی۹ ، ص ۱۸۲ ئ ۱۸۳ و مشابه آن، ص ۳۰. [۱۷] . همان، ص ۷۵. [۱۸] . ر. ک: همان، ص ۱۳۱– ۱۳۳ و ۱۲۶. [۱۹] . همان،ص۴۲. [۲۰] . همان، ص ۱۲۱. [۲۱] . همان ، ص ۱۳۱. [۲۲] . ر.ک: تاریخ تحقیقی اسلام، محمد هادی یوسفی غروی، ج۲، ص ۱۹۴–۱۹۶، ۲۰۶ و ۲۰۷، ترجمه حسـین علی عربی، مؤسّـسهٔ آموزشـی پرورشی امام خمینی (ره)، قم، اوّل، ۱۳۸۲ ش. [۲۳] .سنن النبی۹ ص ۱۳۵؛ مرواریـد آفرینش، ص ۳۳۶. [۲۴] . اخلاـق انبیاء ص ۴۳۵ محمّـد مهـدی تاج لنگرودی« واعظ» تهران، اوّل، ۱۳۷۰ ش. داسـتانها و درسـهایی از زندگی پیامبر اسـلام۹ ، ص ۱۹۷–۱۹۹. [۲۵] . سـنن النبی۹، ص ۱۲۳و ۱۴۳. [۲۶] . همـان، ص ۱۲۳و ۱۴۰. [۲۷] . همـان، ص ۱۴۰. [۲۸] . همـان، ص ۱۷۵. [۲۹] . همـان،ص۴۱، ۷۴ ،۱۳۱، ۳۰۶. [۳۰] . همـان، ص ۴۱. [۳۱] . رهنمای انسانیت، ص ۲۴۴،ش ۲ [۳۲] . ر. ک: الحکم الزّاهره، علیرضا صابری یزدی، ج۱، ص ۱۶۴، ترجمهٔ محّمد انصاری محلاتی، سازمان تبلیغات اسـلامی، تهران، اوّل، ۱۳۷۲ش. و ج۲، ص ۱۰۶، دفتر تبلیغات اسـلامی، قم، اوّل، ۱۳۷۳ ش. [۳۳] .داستانهای تفسیر نمونه، سید مهدی شمس الدّین، ص ۳۹۵و۳۹۶، انتشارات قـدس، قم، اوّل، ۱۳۷۲ش؛ داسـتانها و درسهایی از زندگی پیامبر اسلام۹، مرتضـی نظری، ص ۱۰۶و۱۰۷، دفتر نشـر فرهنگ اسـلامی، تهران، هشتم، ۱۳۸۵ش. [۳۴] .فرازهایی برجسـته از سـیرهٔ امامان شیعه:، محمّد تقی عبدوس – محمد محمدی اشتهاردی، ج۱، ص ۲۳۵–۲۴۵، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ش. [۳۵] . راهنمای انسانیت، ص ۳۵۹، ش۸. [۳۶] . سنن النبی۹ ص ۱۶۱. [۳۷] . همان، ص ۷۱، ش۴۲. [۳۸] . در منابع تاریخی، روائی و تفسیری، مصادیق زیادی از «ارتباط صـمیمی پیامبر صلی الله علیه و آله با مستمندان» وجود دارد. [۳۹] . سنن النبی۹، ص ۶۰ و ۶۱. [۴۰] . همان، ص ۷۵. [۴۱] .همان، ص ۷۶. [۴۲] . همان، ص۴۵، ۴۷، ۱۸۳، ۳۰۵. [۴۳] . همان، ص۸۱. [۴۴] .رهنمای انسانیت، ص ۱۲۶و ۱۲۷، ش ۵۱ و ۶۸.

[۴۵] . ر.ک: داستانهای تفسیر نمونه، ص ۳۰۶و ۳۰۷؛ منابع دیگر. [۴۶] . ر.ک: تفاسیر؛ همانند تفسیر نمونه، ج۱۷، ص ۳۹۶-۴۰۰. [۴۷] . داستانها و درسهایی از زندگی پیامبر اسلام۹، ص ۱۸۶ و ۱۸۷. [۴۸] . اخلاق انبیاء، ص ۴۴۶. [۴۹] . همان، ص ۴۴۸ و ۴۴۹. [۵۰] . داستانها و درسهایی از زندگی پیامبر اسلام۹، ۲۴۶ و ۲۴۷. [۵۱] . ر.ک: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵-۲۹۰. [۵۲] . ر.ک: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵-۲۹۰. [۵۳] . ر.ک: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵-۲۹۰. [۵۴] . ر.ک: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵-۲۹۰. [۵۵] . ر.ک: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵-۲۹۰. اقامت‌گاه‌ها و سفرهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله غلامرضا گلی زواره مولود ملکوتی در هفدهم ربیع الاول سال ۵۷۰م. (عام الفیل) خورشید درخشان پیامبر اعظم در خانه‌ای واقع در پشت کوه صفا طلوع کرد. برخی گفته‌اند: آن حضرت در شعب ابی‌طالب در خانه محمد بن یوسف متولد گردید. این خانه مبارک را رسول خدا۹ به عقیل بن ابی‌طالب بخشید. به هر حال این نوزاد تنها سه روز شیر مادر خورد و پس از آن ثویبه و حلیمه به افتخار دایگی او نایل شدند. حضرت محمد ۹ مدت پنج سال در میان قبیله بنی‌سعد به سر برد و رشد و نمو کرد. به برکت وجود پیامبر، عشایری که از خشکسالی و مشکلات دامداری رنج می‌بردند، مشاهده کردند که «خیر و برکت» به سویشان آمده است و گوسفندان پرشیر شده‌اند. برادران رضاعی آن حضرت هر روز دام‌ها را برای چرانیدن به صحراهای اطراف می‌بردند؛ یک روز پیامبر هم با اجازه حلیمه سعدیه با برادرانش همراه شد و در حوالی قبیله به چوپانی مشغول گردید و این، کاری بود که رسولان قبلی هم انجام داده بودند. پیامبر در آغاز پنج سالگی، همچو مردان طایفه سعد، فصیح و رسا سخن می‌گفت و چون لب به گفتار می‌گشود، کلامش شمرده و سنجیده بود.۱ ایام کودکی در پایان پنج سالگی حلیمه سعدیه، محمد را با خود برداشت و به مکه برد و به دست مادرش آمنه سپرد. این کودک با وجود آنکه چندین بار مکه را دیده بود، کمتر فرصت یافته بود که در آن زندگی کند؛ لذا با فضای این شهر مقدس و مبارک بیشتر مأنوس شد. مادرش از جوانی و مهربانی پدرش (عبدالله) سخن می‌گفت و کنیزشان ام ایمن ـ که نام اصلی‌اش برکه و اصلاً حبشی بود ـ نیز برای محمد قصه‌ها می‌گفت. او یک روز در لابه لای داستان‌هایی که برای آن طفل بیان می‌کرد، به وی مژده داد که قرار است با مادرش به یثرب بروند. سرانجام محمد، مادر و ام‌ایمن سوار بر شتر با اندک توشه‌ای، در حالی که ابوطالب آنها را بدرقه می‌کرد، به سوی یثرب حرکت کردند. او در این سفر از مشاهده کوه‌ها، صحراها، قبیله‌ها و دیگر دیدنی‌های راه، نکته‌ها آموخت و پس از چهارده روز به یثرب گام نهاد. آمنه او را برای دیدار دایی‌های خویش ـ که بنی عدی بن نجار بودند ـ به این شهر برد و در دارالنابغه اقامت گزیدند. در آنجا مرقد عبدالله (پدر محمد) قرار داشت. آمنه بر سر مزار شویش خاطرات گذشته را از ذهن خویش گذرانید و از چگونگی رحلت او برای کودکش سخن گفت. توقف آنان در مدینه به حدود یک ماه رسید. رسول اکرم بعدها وقتی به رسالت مبعوث گردید و به مدینه هجرت نمود، آن سفر کوتاه را به یاد داشت و چون چشمان مبارکش به برج محلّه بنی النّجار افتاد، فرمود: «یادم هست که با پسر دایی‌هایم، پرندگان بالای برج را پرواز می‌دادیم و به بال گشودن هایشان می‌نگریستیم». و نیز فرمود: «با مادرم به دارالنابغه فرود آمدیم و من شنا کردن را در چاه بزرگ آب بنی‌النّجار آموختم». در همان ایام گروهی از یهودیان پیامبر را که دیدند، قدری در سیمایش خیره شدند و چون نام مبارکش را از امّ‌ایمن پرسیدند و او پیامبر را معرفی کرد، آنان گفتند: این پسر، پیامبر این امت است و این شهر، محلّ هجرت اوست.۲ پس از چندی برای بازگشت مهیا شدند. مشک‌های آب، ره‌توشه‌ها، لباس‌ها و رواندازها را بار یک شتر کردند و ام‌ایمن هم بر آن سوار شد و بر مرکب دیگر، پیامبر و مادرش سوار شدند. محمد در طول راه دریافت که مادرش آرامش و نشاط قبل را ندارد. نخست تصور کرد که به دلیل مشاهده قبر پدر این تألّم و کسالت به او دست داده است، اما به زودی فهمید که مادر به شدت بیمار است و هر لحظه حالش وخیم‌تر می‌گردد. آنها به روستایی به نام «ابواء»، میان راه مکه و مدینه، توقف نمودند تا شب را سپری کنند. در این هنگام، دیگر چشمان آمنه فروغی نداشت و با وجود آنکه حدود سی سال داشت، چهره‌اش شکسته و پژمرده به نظر می‌رسید. صبح روز بعد آمنه، پسرش را به سینه خود چسبانید و دستان کوچکش را در دست‌های بی‌رمق خود اندکی فشرد و سپس جاودانه فروخفت. با کمک اهالی ابواء، آمنه در قبرستان کوچک این روستا دفن شد و محمد و امّ‌ایمن با اندوهی عمیق به راه خود ادامه دادند. ام‌ایمن در حیات آمنه و پس از مرگش، عهده‌دار پرستاری رسول خدا بود. و گویند: چون پیامبر در «عمره حدیبیه» از ابواء عبور می‌کرد، کنار مزار مادرش آمد و آن را تعمیر کرد و آن‌گاه گریست. چون سبب گریه او را پرسیدند، فرمود: «بر او رحمتم آمد و گریستم، و خداوند بخشنده و مهربان است.»۳ پس از درگذشت آمنه، عبدالمطلب، محمد و ام‌ایمن را به خانه خود آورد. در این حال، پیامبر شش سال و سه ماه داشت. او به نوه‌اش بسیار مهر می‌ورزید؛ چنان که در خصوص پسرانش چنین عطوفتی را نشان نمی‌داد. معمولاً در سایه خانه کعبه تشکچه‌ای می‌گستراندند و عبدالمطلب بر آن می‌نشست و هیچ یک از پسران به احترام پدر جلو نمی‌رفتند ولی پیامبر که در آن موقع کودک بود، روی تشکچه می‌نشست. اما عموهایش در صدد بودند وی را دور سازند؛ عبدالمطلب که مراقب اوضاع بود، می‌گفت: «فرزندم را آزاد بگذارید که برایش منزلت خاصی است». روزی که محمد هشت سال و هشت ماه و هشت روز داشت، عبدالمطلب وفات یافت. پس از وفات عبدالمطلب، ابوطالب دست پیامبر را گرفت و او را با خویش به خانه برد.۴ به سوی شام پیامبر مورد توجه ابوطالب بود و لحظه‌ای از وی جدا نمی‌شد و همسرش فاطمه دختر اسد بن هاشم نیز از محمد پرستاری می‌کرد و او همان بانویی است که به قول رسول اکرم، کودکانش را گرسنه می‌گذاشت تا او را سیر کند و آنان را گردآلود رها می‌نمود تا پیامبر را بشوید و بیاراید. رسول خدا۹ دوازده ساله و به نقلی سیزده ساله بود که همراه عموی خود ابوطالب که با کاروان قریش برای تجارت به شام می‌رفت، رهسپار این قلمرو گردید. این سفر در دهم ربیع الاول سال دوازدهم (سیزدهم) واقعه فیل روی داد. مسافرت مذکور برای محمد بسیار جالب بود. او علاوه بر اینکه از سرزمین‌هایی با تمدن‌های کهن چون وادی القری، مدین و دیار ثمود دیدن می‌کرد، به مناظر و چشم اندازهای سرسبز سرزمین سوریه نیز می‌نگریست. از جمله این نواحی شهری بود به نام بُصریَ در منطقه حوران در نود کیلومتری دمشق. راهبی سالیان متمادی درون صومعه خویش در این آبادی مشغول عبادت بود و مسیحیان منطقه به دیدنش می‌رفتند. او به هنگام عبور کاروان‌ها، از محلّ اقامت خود بیرون می‌آمد و با افرادی از آنان دیدار می‌نمود.۵ آن راهب که «بحیرا» نام داشت و از قبیله عبدالقیس و دانایان کیش مسیحی بود، به سوی کاروانی رفت که حضرت محمد ۹ در آن بود. آنان جلوی صومعه اطراق کرده بودند. لحظاتی بعد، بحیرا خود را به ابوطالب و پیامبر رسانید. از ابوطالب نام طفل را پرسید، او می‌گوید: محمد فرزند عبدالله و آمنه است که هر دو از دنیا رفته‌اند. بحیرا می‌پرسد: نام دیگری ندارد؟ او جواب می‌دهد: چرا، مادرش وی را «احمد» نامیده است. بحیرا که چشم از محمد بر نمی‌دارد، از وی می‌پرسد: چند سال داری؟ و از چه قبیله‌ای هستی؟ پیامبر می‌فرماید: دوازده سال دارم و از قریش هستم. در ادامه راهب او را به لات و عزّی ،که نام دو بت معروف مکه بود، سوگند می‌دهد که به آنچه می‌پرسد، درست پاسخ دهد. حضرت می‌فرماید: مرا به آنان سوگند مده که از این دو بت بیزارم. من به خدای یگانه ایمان دارم. راهب در می‌یابد که او، همان پیامبر موعود است. به ابوطالب می‌گوید: نام برادرزاده‌ات را در کتاب‌های مقدس گذشتگان خوانده‌ام، نشانه‌هایش را هم می‌دانم. او برگزیده و پیامبر خدا و آخرین فرستاده آسمانی است. باید مراقب باشی تا دشمنان و به ویژه یهودیان به وی گزندی نرسانند. مورّخان نقل کرده‌اند: رسول خدا در کنار درختی خشکیده ایستاده بود که به کرامت آن بزرگوار، ابری بر قامتش سایه افکند و بارانی بارید و ناگهان درخت سبز شد و میوه آورد. بحیرا، این معجزه را تأیید کرد و دست‌های حضرت را بوسید و گفت: اگر زمان بعثت شما را دریابم، ایمان خواهم آورد.۶ از چوپانی تا تجارت حضرت محمد ۹ اگرچه در سنین نوجوانی به سر می‌برد، اما نمی‌توانست در برابر مشکلات اقتصادی عمویش بی‌تفاوت باشد و چون ابوطالب وی را در تأمین هزینه خانواده مصمم دید، بر خلاف میل درونی تعدادی گوسفند و چند شتر در اختیارش نهاد تا به چرا ببرد. رفته رفته دیگر عموها دام‌های خود را به آن نوجوان می‌سپردند و بدین ترتیب او دیگر باری بر دوش عمویش نبود؛ چرا که مزدی در ازای این کار دریافت می‌کرد. قلمروی که پیامبر در آن به چوپانی روی آورد، «قراریط» نام دارد که مکانی است در بیابان‌های اطراف مکه. شبانی، مزایای دیگری برای محمد داشت: به سر بردن در خلوت بی‌آلایش صحرا، دور بودن از آلودگی‌های شرک و نفاق و در آن سکوت و آرامش مجالی برای این نوجوان فراهم ساخت تا به تفکر و اندیشه بپردازد.۷ در آنجا پیامبر اکرم برای نخستین بار با عمار بن یاسر آشنا شد؛ نوجوانی که رمه اربابش عمرو بن هشام (ابوجهل) و برخی دیگر از مردان تیره بنی مخزوم را برای چرا به دشت می‌آورد. عمار بسیار شیفته اخلاق و رفتار پیامبر شد. روزی عمار گفت: ای امین! شنیده‌ام در

فخ چراگـاه خوبی است، آیـا نمی‌خواهی گله‌هایمـان را آنجـا ببریم؟ پیامبر پـذیرفت. روز بعـد، هنگامی که عمار با گله‌اش به آنجا رفت، امین را دید که پیش از وی آنجا رسیده بود، اما رمه‌اش را از ورود به چراگاه باز می‌داشت. عمار با تعجب پرسید: چرا چنین کردی؟ محمـد فرمـود: قرارمـان بر این بـود که هردو بـاهم به این منطقه بیـاییم؛ از این رو، نخواسـتم در این کـار بر تـو پیشی گیرم. چوپانان، گله‌های خود را به پیامبر می‌سپردند تا در شـهر مکه به گشت و گذاری بپردازند. هنگامی که نوبت به پیامبر می‌رسید تا به این دیـار برود، از رفتن امتنـاع می‌نمود و می‌فرمود: به صـلاح من نیست در شب نشینی‌های مکه حضور یابم و اوقات خویش را این گونه تلف کنم.۸ محمد، بیست و پنج ساله بود که ابوطالب به او پیشنهاد کرد تا در کاروان تجارتی «خدیجه بنت خویلد» مشغول به کار شود. از این رو، خدیجه به جای غلامش، این بار سـرپرستی کاروان را به محمد سپرد و اجرت کار او را دو برابر مقدار معمولی تعیین کرد. این سـفر نیز علاـوه بر فوایـد اقتصـادی، برای پیـامبر این امکان را فراهم آورد که بار دیگر به سـیاحت بپردازد و آداب و رسوم متفـاوت مردمان مسیر را از نظر بگذرانـد و تجربه‌هایی را بینـدوزد و نگرش خویش را عمق ببخشـد. در سراسـر این راه نسبتاً طولانی که آسـمان آفتابی بود و گرما هم شدت می‌گرفت، دو موجود آسـمانی (فرشته) بر بالای سر محمد به پرواز در می‌آمدند تا رنـج گرمـا، او را آزار ندهـد. چون کـاروان در دامنه تپه‌ای که دیر بحیرای راهب بر آن قرار داشت، بـار افکنـد، پیـامبر فرمود: وقتی دوازده سـاله بودم، در اینجـا مردی مهربـان از صومعه بیرون آمـد و گفت و گوهایی با من داشت. نمی‌دانم او در قیـد حیات است یا خیر. در این حال، شخصـی پاسخ داد که وی مرده است. محمد، نام آن شـخص را پرسید: جواب داد: من نسطور و جانشین بحیرا در همین دیر هسـتم. او مـاجرای ملاقـاتش را بـا شـما برایم گفته بود و در کتاب‌هایی خوانـده‌ام که به زودی به پیامبری مبعوث خواهید شـد. در شام، هنگام فروش کالاها، حضـرت محمد۹ با دلسوزی و همت و کوشـش با خریـداران به مـذاکره پرداخت و چندین برابر دفعات قبل سود برد. میسـره، غلام خـدیجه می‌گویـد: در شـگفتم از این مرد که هم قاطع بود و هم کارگزار و هم کارگر. او تـدبیر، منـاعت طبع، فروتنی و شـکیبایی را بـا هم جمع نموده بود! در خـانه خـدیجه وقتی کـاروان بازگشت، خـدیجه از تلاش موفقیت‌آمیز پیامبر با خبر شـد و میسـره غلام او، از رفتار و اخلاق محمد گفت. محبوبیت پیامبر نزد این زن مضاعف شد؛ تا آنجا که به امین مکه پیشـنهاد ازدواج داد و پیامبر نیز پـذیرفت و همان سال این پیوند پاک صورت گرفت. در این هنگام، خدیجه چهل ساله بود و پسـر و دختری از دو شـوهر قبلی خود داشت.۹ از ایـن پس، رهبر بزرگ‌ترین نهضت جهـانی و گرامی‌ترین رهـبر الهی در خـانه خـدیجه، زنـدگی جدیـدی را آغـاز کرد؛ منزلی کـه از چنـد جهت هنـوز حـائز اهمیت و ارزش تـاریخی است. ۱. تـداعی کننده حساس‌ترین فرازهای تاریخ صدر اسلام؛ ۲. جایگاه نزول وحی بر پیامبر اکرم؛ ۳. زنده کننده فداکاری‌های نخستین بانوی مسلمان؛ یعنی خدیجه؛ ۴. زادگـاه شـریف‌ترین بـانوان جهـان؛ یعنی حضـرت فـاطمه زهرا۳. از غـار حرا تـا شـعب ابی‌طـالب گرایش‌هـای معنـوی و برخی رویـدادهای حیرت‌انگیز، پیامبر را به خلوت‌گزینی، تفکر و راز و نیاز با خداونـد تشویق می‌نمود. به همین دلیل، پیامبر اکرم۹ معمولاً در هر سـال یـک ماه در غار حرا به عبادت می‌پرداخت. این غار در کوهی به همین عنوان در شـمال مکه و مشـرف به آن قرار دارد. همین کوه بود که زیر پای پیامبر لرزیـد و رسول خـدا خطاب بـدان فرمود: آرام گیر که بر روی تو نیست، مگر پیامبری و صدیقی و شهیـدی. پیـامبر پس از تمام شـدن دوران اعتکاف در غار حرا و پیش از آنکه به خانه برود، کنار کعبه می‌آمـد و هفت دور یا بیشتر طواف می‌کرد و آن‌گاه به منزل می‌رفت. در سـالی که او به مقـام نبوت رسـید، مـاه رمضـان را پیامبر در این غار به سـر برد تا آنکه فرشـته وحی نازل شد و به فرمان خداوند، او را به عنوان آخرین فرستاده الهی مبعوث نمود. پس از آنکه جبرئیل مأموریت خویش را انجام داد، پیامبر از کوه حرا پایین آمـد و راهی خانه خـدیجه شد.۱۰ در دوره سه سـاله دعوت سرّی پیامبر خانه ارقم بن ابی‌ارقم، به عنوان یکی از نخستین پایگاه‌های تشـکیلاتی مسـلمانان صـدر اسـلام به شـمار آمد؛ زیرا در آغاز عصـر رسالت، پیامبر و پیروانش به منظور پنهـان نگـاه داشـتن ایمـان خود از مشـرکان مکه، به یکی از دره‌های اطراف این شـهر می‌شـتافتند و در آنجا فریضه نماز را به جای می‌آوردنـد. مشـرکان مکه در نخستین شب از سال هفتم بعثت در صـدد بر آمدند تا پیامبر و پیروانش را با شدت هرچه تمام‌تر در تنگناهـای اقتصـادی قرار دهنـد. از این رو، ابوطـالب که یگانه حامی پیامبر بود، از همه خویشاونـدان و فرزنـدان بنی‌هاشم دعوت کرد تـا به یاری پیامبر برخیزنـد و دسـتور داد همه فامیل از مکه به سوی دره‌ای که در ارتفاعات اطراف قرار داشت، کوچ کننـد. این دره که به «شـعب ابوطـالب» موسـوم بود، دارای خانه‌هـای محقّر و سایبان‌هـای مختصـری بود. همچنین وی برای جلوگیری از هجوم دشـمنان به مسـلمانان، نگهبان‌های ورزیده‌ای را در بلندی‌های اطراف آن درّه مستقر نمود. جامعه نوپای اسلام به همراه رهبر بزرگ خود، در این مکان، سـخت‌ترین رنـج‌ها را تحمل کردنـد و در تمام ایام محاصـره اقتصادی که سه سال طول کشـید، فقط در ماه‌های حرام اجازه داشـتند از شعب بیرون آیند و در بازار مکه به داد و ستد مختصری مشغول گردند.۱۱ هجرتی به عرش و ملکوت پس از پایان این فشار فرساینـده، پیامبر به خانه آمد و تلاش‌های تبلیغی و رسالت سترگ خویش را پی گرفت. اما در یکی از شب‌ها که آن حضـرت در خانه «ام هانی» به سر می‌برد و می‌خواست پس از عبادت به استراحت بپردازد، ناگهان فرشته وحی آمد و گفت: امشب با هم سـفر دور و درازی در پیش داریم. بدین گونه رسول اکرم سـفری آسمانی، ملکوتی و معنوی را از منزل بانویی مؤمن؛ یعنی امّ هـانی آغـاز کرد. پیـامبر در این سـفر حقایق بسـیاری را مشاهـده کرد و از مراکز عـذاب و رحمت (دوزخ و بهشت) دیـدن کرد و به سـدرة المنتهی رسـید و چون این مسـیر پایـان پـذیرفت، او به خانه امّ هانی بازگشت.۱۲ توقفی در طـایف طایف، یکی از شـهرهای خوش‌آب و هوا و حاصلخیز حجاز به شمار می‌رود که در جنوب شرقی مکه و در حدود ۷۵ کیلومتری آن قرار دارد. پیامبر در صدد بر آمـد تا چند صـباحی از محیط اختناق مکه به جای دیگری برود؛ از این روی، شـهر طایف را برگزید و به تنهایی یا همراه زید بن حـارثه به آنجـا رفت و پس از ورود بـا سـران قبایـل ملاقـات نمود و آیین اسـلام را برایشان تشـریح کرد و از آنان خواست به سوی «توحید» گرایش یابند، ولی سخنان پیامبر در این افراد اثر نبخشید و اشراف «ثقیف» افراد ولگرد و ساده لوح را بر ضدّ پیامبر تحریک کردند و آن حضـرت ناگزیر شد تا طایف را ترک کند. او تصـمیم گرفت چند روزی در آبادی نخله، بین طایف و مکه، به سر برد. او سـپس به محلی به نـام حرّا رفت. در آنجا او شخصـی به مکه فرسـتاد تا از مطعم بن عـدی، که از بزرگان مکه بود، برای حضـرت امـانی بخواهـد. آن مرد پـذیرفت. مطعم بـا اینکه بت پرست بـود، اجـازه داد که حضـرت محمـد وارد خـانه‌اش گردد و افزود: من و فرزنـدانم جانش را حفظ می‌کنیم. نبی اکرم وارد مکه گردید و یکسـره راه منزل مطعم را پیش گرفت و شب را در آنجا به سـر برد. صبـح، مطعم عرض کرد: اکنون که شـما در پنـاه من هستیـد، بایـد قریش از این مطلب آگـاه شونـد و برای اعلاـم آن، لاـزم است تا مسـجدالحرام همراه ما باشـید. پیامبر قبول کرد و آماده حرکت شـد. مطعم دسـتور داد تا فرزندانش مسلّح شوند و همراه محمد وارد مسـجد گردنـد. ورود آنان به این مکان مقدس چنان بود که حتی ابوسـفیان از مشاهده این منظره دگرگون شد و از تعرّض به خاتم پیامبران اجتناب کرد. و چون رسول خـدا طواف خویش را به پایان رسانیـد و به منزل خود رفت، آنان هم پراکنـده شدند. در جنگ «بدر» که قریش با تلفات سـنگین و دادن اسـیران فراوان، از مسـلمانان شـکست سختی خوردند، پیامبر به یاد مطعم افتاد و فرمود: اگر زنده بود و از من تقاضا می‌کرد تا همه اسیران را آزاد کنم و یا به او ببخشم، خواست او را رد نمی‌کردم.۱۳ مهاجرتی سرنوشت ساز با شدت گرفتن آزار و فشارها بر مسلمانان، پیامبر۹ حضرت علی۷ را در مکه به جای خویش گماشت و این شـهر را به قصد «یثرب» ترک کرد و در پرتـو عنایـات الهی به غـار ثور رفت. این غـار در جنوب مکه درست رو به روی مـدینه قرار داشت. ازرقی در اخبـار مکه می‌گویـد: چون پیامبر وارد این غار شـد، کوه ثور ایشان را فراگرفت و به سـخن درآمـد و گفت: یا محمد! به سوی من آی که پیش از تو، هفتاد پیامبر را پناه داده‌ام. وقتی پیامبر وارد غار شد، آرامشی در وجودش پدید آمد. عنکبوتی بر دهانه غار تار تنید و آن را مسـدود کرد و کبوتری هم فرود آمـد و در آنجـا لانه سـاخت و تخم ریزی کرد. مشـرکین که در تعقیب پیـامبر بودنـد، چون تار عنکبوت و آشـیانه کبوتر را دیدند، گمان کردند کسـی در غار نیست و از این رو، از همان جا مسیر خود را تغییر دادند و رفتند. آن حضـرت، سه شـبانه روز در این مکان اقامت داشت و عـده‌ای از جمله حضـرت علی۷ به محضـرش شـرفیاب می‌شدند و چوپانی هم شب‌ها مسـیر گوسـفندان را به گونه‌ای قرار می‌داد که از نزدیکی غار عبور کننـد تا پیامبر از شـیر آنها اسـتفاده کند. در سومین روز، پیامبر از علی۷ خواست تا مرکبی برای او تهیه کنـد و هجرتی بزرگ را آغاز نمایـد. امیرمؤمنان۷ سه شتر را همراه با راهنمای معتبری به نام اریقط در شب چهارم به سوی غار فرسـتاد. بـدین ترتیب، رسول خـدا پس از طی منازلی عازم دهکـده قبا شـد. آن حضـرت و همراهانش برای اینکه دشـمنان متوجه مسـیر آنها نشونـد، به ناچار روزها به استراحت می‌پرداختنـد و شب‌ها حرکت می‌کردنـد. این

هجرت بزرگ، مبدأ تاریخ مسلمانان گردید.۱۴ در دهکده قبا قبا در دو فرسخی مدینه و مرکز قبیله «بنی عمرو بن عوف» بود. پیامبر روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول وارد این آبادی گردید. در آن موقع او ۵۳ سال داشت و سیزده سال از بعثت گذشته بود. رسول‌خدا۹ در خانه کلثوم بن هدم، که بزرگ قبیله مزبور بود، فرود آمد و سپس به خانه سعید بن خیثمه رفت و برخی گفته‌اند: خانه دوم محل ملاقات پیامبر با مردم بود. گروهی از مهاجر و انصار که در انتظار نبی اکرم بودند، همراه آن حضرت در آنجا توقف داشتند. علی۷ که در مکه بود، در این منطقه به پیامبر پیوست. پیامبر از دوازدهم تا پانزدهم ربیع الاول در محله قبیله بنی عمرو بن عوف اقامت گزید و روز جمعه به محله بنی سالم بن عوف نقل مکان کرد و «نماز جمعه» را در مسجدی که ته دره‌ای بود، اقامه داشت. در قبا، پیامبر مسجدی را بنا کرد که هم اکنون آثارش باقی است. این، همان مکانی است که به تعبیر قرآن، اساس آن بر تقوا بنیان نهاده شده است... .۱۵ در منزل ابوایوب پیامبر تصمیم گرفت روز شنبه ۱۷ ربیع الاول یا عصر جمعه ۱۶ ربیع الاول به مدینه برود. وقتی اصحاب رسول خدا از این ماجرا با خبر شدند، در اول بیابان شهر که سنگلاخی بود، ایستادند و برای ورود ایشان لحظه شماری کردند. اما وقتی گرمای هوا شدت گرفت، همه به خانه‌های خود رفتند و پیامبر موقعی رسید که مردم از محل ورودی مدینه رفته بودند. عده‌ای از آن حضرت می‌خواهند تا در محله آنها اقامت کند، اما پیامبر می‌فرماید که هر جا شترش زانو زد، در همان محله می‌ماند. مردم با شگفتی می‌بینند که شتر در محله بنی مالک بن نجار زانو می‌زند. در این هنگام، پیامبر فرود آمد و مادر ابوایوب انصاری (خالد بن زید) خورجین آن حضرت را برمی‌دارد و به خانه خود می‌برد. پیامبر هم میهمان او می‌شود و مدتی در آنجا اقامت می‌گزینند تا به ساخت مسجد بپردازد و برای فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی برنامه ریزی کند. ابوایوب می‌گوید: وقتی پیامبر به خانه‌ام آمد، در طبقه پایین اقامت گزید و من همراه خانواده بالا بودیم. عرض کردم: ای فرستاده الهی! خوش نمی‌دارم من بر فراز باشم و شما در طبقه زیرین. پیامبر فرمود: برای من و آنها که به ملاقاتم می‌آیند، بهتر است در همان طبقه پایین بمانیم. در اولین فرصت، پیامبر فرمان می‌دهد بر همان موضعی که شتر آرام گرفت، مسجدی ساخته شود و خود نیز در بنای مسجد شرکت نمود. آن حضرت از ۱۶ ربیع الاول تا صفر سال بعد، که مسجد و حجره‌های آن ساخته شد، در خانه ابوایوب اقامت داشت. خانه جدید پیامبر نیز در کنار این مکان عبادی در نظر گرفته شد.۱۶مسجد النبی هم اکنون مهم‌ترین و مقدس‌ترین مکان مدینه است. یکی از خانه‌هایی که در مدینه و در همسایگی مسجد قرار داشت، محل زندگی حضرت علی۷ و فاطمه زهرا۳ بود. رسول اکرم به این خانه رفت و آمد داشت. عنایت ایشان به چنین منزلی، فراتر از رابطه خویشاوندی بود و گویی جدایی ناپذیری قرآن از عترت، و سنت از اهل بیت را به اثبات می‌رسانید. حتی موقعی که رسول خدا از سوی خداوند مأمور گردید تا دربی را که از خانه‌ها به مسجد مدینه باز می‌گردید، مسدود کند، در خانه امیرمؤمنان را از این قاعده مستثنا دانست و در خطبه‌ای تأکید کرد: بازماندن این در و بسته شدن دیگر درها، دستوری الهی بوده است، نه تصمیم شخص من.۱۷ سفرهای نظامی و سوق الجیشی پیامبر اکرم به منظور دفع دشمنان، سرکوبی متجاوزان و خنثی کردن توطئه‌های مخالفان، مسافرت‌های دیگری هم داشت که در ذیل، بدان‌ها اشاره می‌گردد: ۱. پیامبر در هشتم ماه رمضان سال دوم هجرت، عبدالله بن ام مکتوم را برای نماز جانشین خود و ابولبابه را به جای خویش در امور سیاسی قرار داد و همراه ۳۱۳ نفر به ناحیه بدر ـ واقع در بین مکه و مدینه ـ آمد. بین نیروهای اسلام و مشرکان مکه در آنجا نبردی در گرفت که بر خلاف کم بودن قوا و تجهیزات مسلمین، برق پیروزی در اردوگاه مسلمانان درخشید و رزمندگان اسلام پیروز شدند.۱۸ ۲. چون پیامبر متوجه می‌گردد ابوسفیان در صدد است تعرضی به اطراف مدینه کند، ابولبابه را به اداره مدینه می‌گمارد و با سپاهی به تعقیب مهاجمان می‌پردازد و تا هشت منزلی مدینه در منطقه‌ای به نام قَرقَرة الکُدر پیش می‌رود که افراد ابوسفیان می‌گریزند و برای سبک کردن بار خود، کیسه هایی از خرمای به روغن عجین شده را بر زمین فرومی‌افکنند. به همین دلیل، این نبرد را «سویق» گفته‌اند.۱۹ ۳. به پیامبر گزارش می‌رسد جمعیتی انبوه از قبیله بنی سُلَیم در آبادی بُحران از بخش فرع، در اطراف مدینه متمرکز شده‌اند. آن حضرت ابن مکتوم را به اداره شهر می‌گمارد و در رأس سپاهی سیصد نفری پیش می‌رود تا به «بُحران» می‌رسد و بدون اینکه درگیری پیش آید، مأموریت جنگی خود را به پایان می‌رساند.۲۰ ۴. در سال سوم هجرت، مشرکان مکه آهنگ لشکرکشی به جانب مدینه را می‌کنند و در زمین‌های کشاورزی وطاء، واقع در احد تا جُرف و عرصه، شتران و اسب‌های خود را رها می‌کنند و محصولات آنجا را که به مسلمانان تعلق دارد، از بین می‌برند. پیامبر پس از ارزیابی موقعیت و امکانات نظامی دشمن و مشورت با اصحاب، عازم میدان نبرد می‌شود و دستور می‌دهد سپاهش در ناحیه‌ای به نام «شیخان» اردو بزنند و چون دشمنان پیش می‌آیند، سپاه اسلام در احد اردو می‌زند. پیامبر تکیه سپاه را به کوهستان احد قرار می‌دهد و روی آن را به مدینه می‌نهد؛ به طوری که کوه عَیَنَین در سمت چپ سپاه قرار می‌گیرد. اگر چه در مراحلی حساس از این غزوه، پیروزی از آن پیامبر و یارانش بود، ولی چون محافظان شکاف کوه احد برای به دست آوردن غنیمت موضع خود را رها می‌کنند، در این جنگ، مسلمانان با شکست مواجه می‌شوند۲۱ و عده‌ای از رزمندگان، از جمله عموی پیامبر، به شهادت می‌رسند و خود رسول اکرم از ناحیه سر و صورت زخمی می‌گردد. ۵. در هشتم شوال و سی و دومین ماه هجرت، پیامبر با وجود آنکه مجروح بود، با اصحاب خود به سوی حمرا الأسد که در ده میلی مدینه بود، رفت تا به تعقیب دشمنان بپردازد و نقشه آنان را در یورش به مدینه خنثی کند. این مسافرت جنگی پنج روز طول کشید و در سفر مذکور، عبدالله بن ام مکتوم جانشین پیامبر در مدینه بود. ۶. به پیامبر خبر رسید دو تیره بنی محارب و بنی ثعلبه از غطفان، بر ضد اسلام در حال گردآوری سلاح و سرباز برای تسخیر مدینه هستند. پیامبر و یاران از یک سلسله پستی‌ها و بلندی‌هایی عبور کردند که بسان پیراهنی وصله دار نمایان بود. به همین دلیل این غزوه را «ذات الرقاع» می‌گویند. در هر حال، نیروهای مسلمان به رهبری رسول اکرم در سرزمین نجد و حوالی قلمرو دشمن فرود آمد که به دلیل مقاومت، جانفشانی‌ها و فداکاری‌های مسلمانان، دشمن عقب نشینی کرد و به کوه‌های اطراف پناهنده شد.۲۲ ۷. پس از غائله احزاب و درهم شکسته شدن نقشه‌های مزورانه یهودیان، پیامبر لازم دید قبیله بنی لحیان را ادب کند؛ زیرا تیره‌هایی از این طایفه در حادثه ناگوار رجیع، سپاه تبلیغی اسلام را کشته بودند. لذا آن حضرت در ماه پنجم از سال ششم هجرت، ابن ام مکتوم را در مدینه جای خود گمارد و با رعایت تاکتیک جنگی، از راهی غیر عادی در «غران» که سرزمین بنی لحیان بود، فرود آمد، اما دشمن دچار رعب گردید و به ارتفاعات اطراف گریخت.۲۳ ۸. عُیینهٔ بن حصن فزاری، به کمک افرادی از قبیله غطفان گله شتری را که در چراگاهی به نام غابه که در ناحیه شام بود و چراگاه مدینه به حساب می‌آمد، به غارت برد. نگهبان آن را کشت و زن مسلمانی را اسیر کرد و همراه خود برد. پیامبر وقتی از این ماجرا خبردار شد، عده‌ای را به فرماندهی اسامهٔ بن زید به تعقیب غارتگران فرستاد و خود نیز به دنبالشان حرکت کرد. در نبردی مختصر، مسلمانان پیروز شدند و دشمن به سرزمین غطفان پناه برد و پیامبر یک شبانه روز در ذی قرد به سر برد.۲۴ ۹. به مدینه گزارش رسید: حارث بن ابی ضرار، رئیس قبیله بنی المصطلق که تیره‌ای از قبیله خزاعه هستند و با قریش هم‌جوار بودند، در صدد جمع آوری سلاح و نیرو و محاصره مدینه است. پیامبر تصمیم گرفت این توطئه را در نطفه خفه کند. لذا با یاران خود به سوی محل استقرار این قبیله حرکت کرد و درکنار چاه «مُرَیسیع» با آنان رو به رو گردید. در نبرد بین مسلمانان و این گروه طغیانگر، پیروزی نصیب سپاه اسلام شد.۲۵ ۱۰. دهکده خیبر در شمال مدینه و در حدود ۱۸۰ کیلومتری آن قرار دارد و قبل از بعثت نبی اکرم، یهودیان دژهای استواری در آن ساخته بودند. ساکنین این منطقه، هم خود خطرساز بودند و هم بت پرستان و مشرکان را علیه مسلمانان تحریک می‌کردند. لذا ضرورت داشت قدرت خیبریان در هم شکسته شود. از این رو، پیامبر در سال هفتم هجرت به همراه ۱۶۰۰ سرباز به سوی این دژ حرکت نمود. نخستین بار، تمام نقاط حساس و راه‌هایی که به قلعه‌های هفت‌گانه خیبر منتهی می‌شد، به وسیله نیروهای پیامبر فتح شد و ارتباط دژها نیز با هم قطع گردید و سنگرهای یهود، یکی پس از دیگری فرو ریخت. حضرت علی۷ از سوی پیامبر مأمور شد تا قوای یهود را در هم بشکند. سرانجام این کانون خطر از هم فرو ریخت و پیروزی نصیب مسلمانان گردید. بدین گونه یهودیان در خیبر، وادی القری و تیماء در هم شکسته شدند؛ ولی سرزمین «فدک» که در حوالی خیبر و ۱۴۰ کیلومتری مدینه قرار داشت، بدون درگیری نظامی و از طریق صلح به دست مسلمانان افتاد که با این وضع این قلمرو (فدک) متعلق به شخص پیامبر و امام پس از اوست. بر این اساس بود که پیامبر، فدک را به دختر خود فاطمه۳ بخشید.۲۶ ۱۱. در اوایل سال هشتم هجرت که در غالب نقاط حجاز، امنیت نسبی پدید آمد و ندای توحید به دیگر نقاط گسترش یافت و دیگر یهودیان، مسلمین را تهدید نمی‌کردند، پیامبر مصمم گردید دعوت خود را متوجه مرزنشینان شام کند؛ اما اولین سفیر

پیامبر در دهکـده «موته» دستگیر و به وسیله حاکم شامات کشته شـد و مقارن این رویداد، حادثه اسفناک دیگری رخ داد و سپاه پانزده نفری تبلیغ هم در سرزمین ذات اطلاح به وسیله اهالی این منطقه به طرز فجیعی به قتل رسیدند. از این رو، پیامبر فرمان جهاد صادر کرد و سه هزار از سربازان اسلام، به سوی مناطق مـذکور روانه شدنـد. پیـامبر تـا نـاحیه‌ای به نـام ثنیـهٔ الوداع این مبارزان را مشایعت نمود و سپس به مـدینه بازگشت. جعفر بن ابی طالب فرمانـده کل قوا، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه معاون یکم و دوم بودند. هر دو سپاه در موته گرد آمدند، اما چون فرماندهان کشته شدند، سپاهیان اسلام عقب نشینی کردند.۲۷ ۱۲. به رسول اکرم گزارش دادند: در وادی یابس، هزاران نفر با هم متحد شده‌اند تا قوای اسلام را درهم بکوبند. لشکر اسلام با توصیه موکد پیامبر به سوی قبیله بنی سلیم رهسپار گردید. چون افراد مزبور در نقاطی کوهستانی و سنگلاخ می‌زیستند، وقتی نیروهای مسلمان خواستند به سوی دره محل اقامتشان سرازیر گردند، با مقاومت آنان مواجه شدند و چون فرماندهان اول و دوم شکست خوردند، از سوی پیامبر، حضرت علی۷ مأمور این کار گردید که به دلیل فداکاری‌های آن حضرت، دشمنان در هم کوبیده شدند و با به جای گذاشتن غنائم فراوان، فرار کردنـد.۲۸ ۱۳. پیـامبر اکرم در سال شـشم هجرت کـه برای انجـام «مراسـم عمره» عـازم مکـه بـود، برای تـأمین امنیت مسلمانان، با مشرکان مکه «صلح حدیبیه» را امضا نمودند. مسلمانان پس از امضای این پیمان نامه، می‌توانستند یک سال پس از این قرارداد، به مکه برونـد و بعـد از سه روز اقـامت و انجـام عمره، شـهر مکه را ترک گوینـد. به همین دلیل، آن حضـرت در سال هفتم هجری همراه دو هزار نفر، بـا شتری مخصوص وارد مکه شـد. فریـاد لبیـک این جمعیت، اهـل مکه را تحت تـأثیر قرار داد و در آنها انعطاف خاصی در برابر مسلمانان، به وجود آورد. اتحاد همراهان پیامبر نیز در دل مخالفان، رعب و هراس پدید آورد. پیامبر با سوار بر شتر، خانه خـدا را زیارت کرد و از آن پس، میان دو کوه صـفا و مروه هروله‌کنان مشغول سـعی گردیـد که مسـلمانان هم پیروی کردند. آن حضـرت بعد از فراغت از سـعی، شتران را ذبح کرد و با کوتاه کردن موس سـر از حالت احرام در آمد. پس از پایان این مراسم، پیـامبر مکه را ترک نمود. در سـال هشـتم هجرت، پیامبر مردی به نام ابورهم غفاری را نماینـده خود در مـدینه قرار داد و در نزدیکی این شـهر از سپاه خود سان دیـد تا برای فتح مکه به سوی این دیار روانه شوند. در مرّ الظهران واقع در چند کیلومتری مکه، پیـامبر بـا کمال مهارت اردوی ده هزار نفری را تا حوالی مکه، رهبری نمود؛ در حالی که جاسوسان مشـرکان از این حرکت آگاهی نداشـتند. در این منطقه سـربازان به دستور پیامبر در نقاط مرتفع آتش افروختند تا در دل دشمن رعب افکنند... . سرانجام مکه بدون مقاومت و خونریزی فتح شد و نیروهای اسـلام وارد شـهر شدند. پیامبر لحظاتی در خیمه‌ای در نقطه‌ای به نام حجون استراحت نمود، سپس برای زیارت و طواف خانه خدا، رهسـپار مسجدالحرام گردید و در ضمن طواف، بت‌ها را در هم شکست و خانه کعبه از آثار کفر و شـرک پـاک گشت. آن گـاه عفو عمومی اعلام شـد.۲۹ ۱۴. در سـال هشـتم هجرت پیـامبر تصـمیم گرفـت مکه را به قصـد سرزمین‌های «هوازن» و «ثقیف» ترک گوید. پس معاذ بن جبل را به عنوان معلم دینی مردم گمارد و حکومت شـهر مکه را به عُتّاب بـن اُسَـید سـپرد. سپاهی دوازده هزار نفری، حضـرت را همراهی می‌کردنـد. ارتش اسـلام شـب را در دهـانه دره حُنین به اسـتراحت پرداخت، غافل از آنکه دشـمنان در پشت سـنگ‌ها و صـخره‌ها و شکاف کوه‌ها و نقاط مرتفع مخفی شده‌اند. در این حال، هنوز هوا کاملاً روشن نشده بود که صدای پرتاب تیرها و فریاد مردان جنگجوی دشـمن، مسـلمانان را حیرت زده کرد. این یورش غافلگیرانه، مسلمین را سراسیمه کرد و عده‌ای بی‌اختیار از منطقه گریختند و با بی‌نظمی خود، زمینه‌های ضعف نیروهای خودی را فراهم کردند. ناگهان فریاد فرحزای پیامبر، قوت قلبی به قوای اسلام داد و «غیرت دینی» و حمیّت آنان برانگیخته شـد و افراد گریخته با نـدامت به سوی پیامبر بازگشتند و صفوف خود را فشرده ساختند. این تدبیر نظامی، موجب گردید جوانان هوازن و جنگجویان ثقیف، خانواده و احشـام و اموال خود را ترک کننـد و بـا برجـای نهادن تلفات زیاد به سوی نواحی اوطاس، نخله و دژهای طایف بگریزنـد.۳۰ ۱۵. قبیله ثقیف که در نبرد حنین بر ضـد اسـلام و مسـلمین جنگیـد، پس از شـکست شدید از مسـلمانان، به طایف پناهنده گردید. پیامبر برای تکمیل پیروزی و تعقیب فراریان نبرد قبلی، رهسـپار شـهر طایف شـد و در مسیر خود دژ مالک (آتش افروز جنگ حنین) را با خاک یکسان نمود. سپس آن حضـرت و همراهان، قلعه طایف را محاصـره کردند و نبرد بین طرفین شدت گرفت. با توجه به اینکه در سپاه اسلام خستگی دیده می‌شد و ماه شوال سپری می‌گردید و ذی‌قعده که ماه حرام بود، فرا می‌رسید و موسم حج نزدیک بود، پیامبر اجازه نداد محاصـره طایف طولانی شود و همراه نیروها به جعِرّانه که محلّ حفاظت غنائم جنگی و اسیران بود، حرکت کرد۳۱ ۱۶. در میـان حِجر و شـام، در سـرزمین کنونی سوریه، قلعه استواری به نـام تبوک وجود داشت که در اختیـار رومیـان مسـیحی بود. اسـتقرار گروهی از سـربازان روم در نوار مرزی شام، به گوش پیامبر رسـید و لذا مصـمم شد با لشکری بزرگ، نیرنگ متجاوزین را خنثی کند. سپاه اسـلام در مسیر مدینه تا تبوک با مشقت‌های زیادی رو به رو شد. از این جهت، به «جیش العسرهٔ» معروف گردید. نیروهای مسـلمان در آغاز ماه شـعبان سال نهم هجرت به سـرزمین تبوک گام نهادند، اما اثری از اجتماع و قوای روم ندیدند. گویی آنان پس از شـنیدن خبر اعزام سپاهیان اسـلام، دچار هراس شده و صلاح دیده‌اند به سرزمین خود باز گردند. اما از آنجا که امکان داشت فرمانروایـان محلی به حمـایت از ارتش روم برخیزنـد و در آینـده برای مسـلمانان خطر سـاز شونـد، پیامبر با آنان پیمان «عـدم تعرض» منعقد نمود. سـفر تبوک، قدرت نظامی اسـلام را به نمایش گذاشت و به دشـمنان نشان داد که نیروهای مسلمان می‌توانند با بزرگ‌ترین ابرقـدرت‌های جهان به مقابله برخیزند. از این جهت، اندیشه عصـیانگری برخی قبایل فتنه‌گر، حداقل برای مدتی از ذهن آنـان بیرون رفت. مـدت اقـامت پیامبر در تبوک، بیست روز به درازا کشـید و سـپس ایشان به مـدینه بازگشت.۳۲ از واپسـین سفر تا رحلت آخرین سفر پیامبر در یازدهمین ماه سال اسلامی؛ یعنی ذی‌قعده و در سال دهم هجرت صورت گرفت. آن حضرت در بیست و ششم این ماه، ابودجانه را در مدینه جانشین خود کرد و به سوی مکه رهسپار شد و در ذوالحلیفه، در نقطه‌ای که مسجد شجره قرار دارد، احرام بست. آن حضـرت در اوایل ذی‌حجه وارد مکه شـد و مراسم حج را به جای آورد. این سـفر مقدس و تاریخی را که در آن پیامبر «مناسک حـج» را به طور کامل به مردم آموخت، حج بلاغ، حج اسـلام و حج وداع نامیده‌اند. آن حضـرت تصـمیم گرفت مکه را به عزم مـدینه ترک گویـد، اما وقتی کاروان به سـرزمین رابغ، در سه میلی جُحفه رسـید، در هیجدهم ذی‌حجه امین وحی در نقطه‌ای به نـام «غـدیرخم» فرود آمـد و امر خطیری را به عهـده پیامبر نهاد. از این رو، رسول خـدا دسـتور داد تا همه همراهان توقف کنند و بازماندگان برسـند. آن گاه او خطبه‌ای ایراد کرد و سـپس افزود: «من کنتُ مولاه فهذا علی مولاه» و بدین گونه آن حضرت، جانشین راستین خود را که امیرمؤمنان علی علیه السلام بود، به حاضران که حدود ۱۲۰ هزار نفر بودند، معرفی کرد.۳۳ سرانجام آن حضـرت پس از انجـام این مـأموریت سترگ، به مـدینه آمـد و در بسـتر بیمـاری قرار گرفت. آن عصـاره آفرینش و اسوه شایسـته و رحمت عالمیان در بیست و هشتم صفر (نیم روز دوشنبه) سال ۲۳ بعثت و ۱۳ هجرت، به سوی عرشیان کوچ نمود و پیکر پاکش در همـان حجره‌ای که درگذشـته بود، به خـاک سپرده شـد. پی‌نوشت‌ها: ۱. نهایـهٔ الارب فی فنون الادب، شـهاب الـدین احمد نویری، ترجمه محمود مهـدوی دامغانی، ج ۱، ص ۸۸ و ۸۹. ۲. طبقات، ابن سـعد، (ترجمه)، ج ۱، ص ۱۶؛ تاریخ پیامبر اسـلام، ص ۵۹. ۳. نهایهٔ الارب، ج ۱، ص ۹۴؛ سیرهٔ الحلبیه، ج ۱، ص ۱۲۵. ۴. تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۳۴۸. ۵. همان، ص ۳۶۹؛ نهایهٔ الارب، ج ۱، ص ۹۵. ۶. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۱؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۸۹. ۷. معصوم نخست، محمد صادق موسوی گرمارودی، ص ۷۲. ۸. تاریـخ اسـلام، دکتر علی اکبر فیاض، ص ۶۴ به نقـل از الخمیس، ج ۱، ص ۲۴، سیرهٔالحلبیه، ج ۱، ص ۱۲۶. ۹. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۴؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۹؛ فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۹۷. ۱۰. سیره ابن هشامج ۱، ص ۲۳۶؛ صـحیح بخاری، ج ۱، ص ۳؛ نهایـهٔالارب، ج ۱، ص ۱۶۹. ۱۱. تفصـیل این ماجرا در فصل بیست کتاب فروغ ابـدیت، آیـهٔالله سبحانی، آمده است. ۱۲. مشروح ماجرای معراج را در کتب تفسیری ذیل سوره اسراء، مطالعه فرمایید. ۱۳. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۶۱؛ طبقات، ج ۱، ص ۱۰۶؛ الکامل فی التاریخ، ج۲، ص ۶۳. ۱۴. نهایهٔ الارب، ج ۱، ص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ فروغ ابدیت، ج ۱، فصل ۲۵. ۱۵. طبقات، ج۱، ص ۲۳۰؛ نهایهٔ الارب، ج۱، ص ۳۲۰؛ تحفهٔ الحرمین، نایب الصدر شیرازی، ص ۲۵۱. ۱۶. السیرهٔ الحلبیه، ج ۲، ص ۲۵۱؛ اسـد الغـابه، ج ۴، ص ۹۹. ۱۷. تـذکرهٔ الخـواص، سـبط بن جوزی، ص ۴۶. ۱۸. سیره ابن هشام، ج۲، ص ۷۰۸ – ۷۰۶. ۱۹. المغازی، ج ۱، ص ۱۸۱. ۲۰. همان، ص ۱۹۶. ۲۱. همان؛ بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۱۱۱؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۰۱. ۲۲. فروغ ابدیت، ج۲، ص ۱۰۴. ۲۳. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۵۵. ۲۴ سیره ابن هشام، ج۲، ص ۲۹۵؛ ۲۵. همان، ص ۲۶۴؛ نهایهٔ الارب، ج۲، ص۱۴۷. ۲۶. فروغ ابدیت، ج۲، ص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ نهایـهٔ الارب، ج ۲، ص ۲۳۳. ۲۷. مغازی، ج۲، ص ۷۶۳ – ۷۶۰؛ سیره ابن هشام،

ج۲، ص ۳۷. ۲۸. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۸؛ فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۰۳. ۲۹. فروغ ابدیت، ج۲، ص ۱۸۳، ۲۸۲، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۳۱ و ۳۳۸؛ نهایةالارب، ج ۲، ص ۲۶۵ – ۲۵۷. ۳۰. مغازی، واقدی، ج ۳، ص ۶۰۲ و فصل ۵۰؛ طبقات کبری، ج ۲، ص ۱۳۷ و ۱۵۰؛ نهایةالارب، ج ۲، ص ۲۸۸. ۳۱. سیره حلبی، ج ۳، ص ۱۳۴۳؛ سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۲۶؛ بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۶۲. ۳۲. طبقات، ابن سعد، ج ۲، ص ۱۶۸؛ بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۶۰. ۳۳. مورخان و مفسّران متعددی از اهل تسنّن، حدیث غدیر را با مدارک زیادی در آثار خود آورده‌آند که نام سیصد و پنجاه نفر از آنان در کتاب الغدیر علامه امینی آمده است.

http://hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx?id=۵۲۲۱۹

راهکارهای موفقیت در اقتصاد خانواده

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره : «کسب در آمد حلال» و «مدیریت هزینه ها» دو گزاره ی اساسی اقتصاد خانواده است. در متون اسلامی – به ویژه در مباحث اخلاقی – عرفانی موضوعی به نام «زهد» بیان شده است. که متأسفانه تعبیر نادرست برخی از افراد آن را مترادف ترک دنیا و بسنده کردن به امور ناچیز مادّی تعریف کرده است! و حال آن که در احادیث و سیرهٔ معصومان: «زهد، به معنای عدم دلبستگی به دنیا و مظاهر مادّی آن است ». یکی از مباحث کلیدی در زندگی، شناخت مبانی اقتصاد خانواده و پرهیز از افراط و تفریط در امور مالی و اقتصادی است. مقدمه: اقتصاد خانواده نقش مهمی در اقتصاد ملل مختلف دارد. بخش قابل توجهی از کسب وکارهای موجود بر پایه مدیریت یا مالکیت خانوادگی استوار است، به طوری که حدود نیمی از تولید ناخالص ملی از طریق این کسب وکارها تامین می شود. اما تصور و باور اکثر ما از اقتصاد خانواده چیست؟ شیوه ی مدیریت اقتصادی خانواده ها امروزه بخش عمده ای از هویت آنان را تشکیل می دهد. رونق و شکوفایی اقتصادی، رشد و ترقی خانواده را در پی خواهد داشت. آنچه باعث حفظ و رونق اقتصاد خانواده ها و به تبع آن اقتصاد کشورها می گردد، آموختن این مطلب است که چگونه با کسانی که به آنها علاقه و ارتباط عاطفی داریم، ارتباطات مالی سالم و مناسبی داشته باشیم. شاید این کار ساده به نظر برسد اما در واقع چندان هم ساده نیست. اقتصاد خانواده و مدیریت آن: آنچه به راستی اقتصاد خانواده را منحصر به فرد می کند وجود ارتباطات درونی بین نقش های شغلی و خانوادگی است، یعنی رابطه ای که به طور معمول و در غیر از مباحث اقتصادی خانواده یافت نمی شود. درک این ارتباطات درونی را می توان شاه کلید سالم سازی اقتصاد خانواده دانست. نگرش سیستمی درک روشنی از تاثیر متقابل دو سیستم فرعی خانواده و اقتصاد را بریکدیگر و برمحیط ارائه می دهد. باید باور داشت که اقتصاد خانواده یک فعالیت جدی و رسمی است نه تفنن و سرگرمی. این بدین معنا نیست که شما نمی توانید یا نباید ارتباطی عاطفی با فعالیت های مربوط اقتصاد برقرار کنید، بلکه موضوع اصلی این است که برای تامین هزینه ها ، به اقتصادی حلال، سودآور و موفقیت آمیز نیاز است. مهمترین نکته در اقتصاد خانوار و مدیریت اقتصادی خانواده بی شک دستیابی به الگوی صحیح مصرف (برای مدیریت هزینه ها) و برقراری سیستم درآمدی مناسب و حلال (برای مدیریت درآمد) است. مدیریت اقتصادی خانواده در شرایط عادی باید بر اساس میزان درآمدهای هر یک از اعضای خانواده و هزینه ها تنظیم شود. همان طور که در خانواده، والدین باید مدیریت عاطفی، روانی و اجتماعی را اعمال کنند، در بحث هزینه کردن و ایجاد تعادل بین دخل و خرج نیز نیاز به مدیریت است.هر خانواده بنگاه اقتصادی کوچکی تلقی شده است که نیاز به مدیریت بر منابع دارد. صرفه جویی، قناعت و پرهیز از تجمل گرایی و چشم و هم چشمی از ملزومات اجرای مدیریت اقتصادی خانواده ها و تضمین کننده ی موفقیت آن است. راهکارهای موفقیت در اقتصاد خانواده: اگر بخواهیم اقتصاد خانواده خود را بر مبنای اصول دینی و علمی دوام و قوام بخشیم می بایست به راهکارهای زیر توجه داشته باشیم: ۱- برنامه ریزی برای آینده اقتصاد خانواده: بی شک برنامه ریزی برای آینده ی زندگی در تمامی خانواده ها مطرح است. در بطن یک مدل سیستمی اقتصاد خانواده، خانواده و اقتصاد آن را نمی توان از هم مجزا کرد. بنابراین زمانی که برای هر یک از آنها برنامه ریزی می کنیم، ناگزیریم دیگری را نیز مدنظر قرار دهیم. توجه به نیازهای آتی خانواده و همچنین شناخت فرصت ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده در این راستا اهمیت دارد.این کار برای تمام اعضای خانواده مفید خواهد بود. می توان جلسات خانوادگی را روی این موارد متمرکز کرد. ۲- انجام مشاوره های اقتصادی: بعضاً خانواده ها در مدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیستند. و یا این که با مسائل و مشکلاتی مواجه می شوند که به تنهائی از عهده ی آنان برنمی آیند. امروزه منابع و مراجع بسیاری با موضوع اقتصاد خانواده وجود دارد. برگ برنده، شناخت مرجع شایسته و مراجعه به آن و کسب مشاوره صحیح است. از منابع بالقوه اطلاعات و مشاوره می توان به موارد زیر اشاره کرد: دوستان و آشنایان، اقوام، اعضای خانواده، همکاران شغلی و ... . ۳- افزایش سطح دانش اقتصادی خانواده: ابتدایی ترین مرجع برای افزایش سطح دانش و آگاهی و به روزماندن، کتاب ها و نشریات است. ارائه آموزش های لازم به فرزندان و ارتقا سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می تواند زمینه ی خوبی برای تصمیم گیری های صحیح اقتصادی باشد. ۴- روحیه همکاری بین اعضای خانواده: تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همچنین اولویت بندی نیازهای اقتصادی سبب تقویت و سلامت اقتصاد خانواده می گردد. ۵- توجه به آموزه های دینی: ترویج مسائل اقتصاد اسلامی و دینی در خانواده و پرهیز از روحیه ی اسراف و تبذیر می تواند اقتصاد خانواده را قوام بخشد. ۶- پرداخت خمس و زکات و وجوهات شرعی: یکی از مهمترین آسیب های اقتصاد خانواده غافل شدن از این دو واجب دینی است. بی شک در دین مبین اسلام برکاتی در قالب رعایت این دو مهم برای خانوارها وجود دارد. جایگاه فرزندان در اقتصاد خانواده: نقش کودکان و فرزندان به عنوان یکی از مصرف کنندگان عمده در خانوده ها از یک سو و همچنین جایگاه آنان در آتیه اقتصاد خانواده ها از سوی دیگر لزوم توجه به آموزش صحیح و هدایت آنان را ایجاب می نماید. با رهبری صحیح و بجا در اقتصاد خانواده، خصوصیات جمع گرایی، صداقت، دلسوزی، صرفه‌جویی، مسئولیت‌پذیری و دیگر خصوصیات مثبت رشد و پرورش می‌یابد. بایدهای شناختی فرزندان از اقتصاد خانواده: همان طور که ذکر شد هدایت فرزندان در مسیر شناخت مسائل، مشکلات، کمبود ها و محدودیت های اقتصادی خانواده ها می تواند در اصلاح رفتار مالی و همچنین واقعیت نگری آنان نقش مهمی ایفا نماید. در این راستا مبانی شناختی زیر بعنوان مسائل اساسی اقتصاد خانواده در ارتباط با فرزندان نقل می گردد: ۱ـ محل کار والدین: بچه‌ها باید از محل کار والدین، حرفه آنان و سختی های شغل‌شان آگاهی داشته باشند. ۲ـ همکاران: بهتر است والدین فرزندان خود را با برخی از همکاران‌شان آشنا کنند. ۳ـ اهمیت خانه داری: بچه‌ها باید اهمیت وظایف، کار و زحمات خانه‌داری را بدانند و به آن احترام بگذارند. بچه‌ها باید بدانند که کارهای خانه به زحمت و تلاش فراوان نیاز دارد. ۴ـ احتیاجات عمومی و مشترک: فرزندان باید احتیاجات عمومی و مشترک خانواده مانند فرش، رادیو، تلویزیون، کتاب و ... را تشخیص داده و یاد بگیرند از بعضی نیازهای خود جهت رفع نیازهای دیگر اعضای خانواده صرف نظر نمایند. ۵ـ بودجه خانواده: بهتر است بچه‌ها با بودجه خانواده آشنا باشند و از مقدار حقوق و یا دستمزد والدین خود آگاهی یابند. ۶ـ پرهیز از غرور در هنگام رفاه: نباید به بچه‌ها اجازه داد که اگر وضع مالی خانواده رضایت‌بخش است خود ببالند. در خانواده‌هایی که از رفاه نسبی بیشتری برخوردارند، بهتر است پول‌ها صرف نیازهای عمومی خانواده بشود. به عنوان مثال خرید کتاب بهتر از خریدن لباس اضافی است. ۷ـ روحیه تلاش و کوشش: فرزندان باید بدانند که انسان‌ها در سایه ی تلاش و کوشش بیشتر برای معاش حلال و بهبود زندگی احساس غرور می‌کنند تا در پول اضافی و ثروتی که بدون دردسر به دست آمده است. ۸- صبر در تنگدستی: در هنگام تنگدستی خانواده باید روحیه صبر، بردباری و تلاش در راه آینده‌ای بهتر، گذشت و مساعدت را تبلیغ و پرورش داد. والدین هرگز نباید در مقابل بچه‌ها از وضع زندگی خود بنالند و یا شکایت کنند. بر عکس آنها باید خود را خوشبخت نشان بدهند و برای بهبود معیشت خانواده تلاش کنند و روزهای بهتری را برای خود و خانواده آرزو نمایند. ۹ ـ پس انداز کردن: لازم است از درآمد خانواده مبلغی برای روزهای مهم و حساس پس‌انداز شود. ۱۰- مصرف عاقلانه: فرزندان باید بیاموزند که از وسایل زندگی به طور عاقلانه‌ای استفاده نمایند و نسبت به وسایل مشترک و عمومی خانواده دلسوزی لازم را از خود نشان بدهند. ۱۱ـ ملاحظه‌کاری در استفاده از وسایل: ملاحظه‌کاری جنبه خاص دلسوزی است. دلسوزی بیشتر در افکار و تصورات انسان‌ها تجلی می‌یابد اما ملاحظه‌کاری در عادات ظاهر می‌شود. بچه‌ها باید قادر باشند و یاد بگیرند بدون اینکه لوازم و وسایل خانه را کثیف کنند یا

بشکنند، از آنها استفاده نمایند. ۱۲ـ افزایش حس مسئولیت پذیری کودکان: نباید بچه‌ها را برای خراب کردن یا از بین بردن سهوی وسایل خود و خانواده، مجازات یا تهدید نمود. بچه‌ها باید از بی‌احتیاطی‌شان، خودشان شخصاً احساس تأسف و مسئولیت کنند. سخن پایانی: اقتصاد خانواده دو جنبه ی اساسی دارد: اول؛ مدیریت درآمد از طریق کسب روزی حلال و دوم؛ مدیریت هزینه ها از طریق دستیابی به الگوی مصرف صحیح است. تلاش کافی در جهت دستیابی به منافع اقتصادی در صورتی که با یک سری اصول همراه باشد اقتصاد خانواده را سالم و پایدار می نماید. مثلاً اگر بچه‌ها از محل عایدی خانواده خود اطلاعی نداشته باشند و عادت کنند صرفاً نیازمندی‌های خود را مرتفع سازند و به خواسته های سایر اعضای خانواده بی‌اعتنا باشند در بازه ی زمانی کوتاهی تبدیل به مصرف‌کنندگان حریصی تبدیل می شوند که بعدها می‌توانند هم برای خود و هم برای جامعه زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار بیاورند. از طرف دیگر، اگر والدین تنها در این اندیشه باشند که فرزندشان خوب بخورند، خوب بپوشند و در یک کلام همه چیز داشته باشند، در عین حالی که خود را از ضروری‌ترین چیزها محروم می سازند، ناآگاهانه توقعات فرزندان را بالا می برند. آنان از نیازهای والدین‌شان بی‌اطلاع مانده و تنها راه ارضای امیال خود را خواهند شناخت. بر این اساس شایسته است همواره در اقتصاد خانواده جایگاه مناسبی برای آموزش و ارتقا سطح آگاهی و آمادگی فرزندان جهت مواجهه با مسائل مالی و اقتصادی در نظر گرفته شود.

تأثیر مالیات بر ارزش افزوده و نقش آن بر در آمدهای کشور

شیما مرجانی

چکیده:مالیات بر ارزش افزوده ،مالیاتی است که کلیه عرضه کنندگان کالا ها و خدمات به عنوان مودیان **نظام مالیاتی باید علاوه بر بهای کالاـ یا خدمت عرضه شده،به صورت درصدی از بهای فروش کالا یا خدمات،در زمان فروش از خریداران اخذ و به صورت دوره ای(فصلی)به سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند.هر گونه مالیات بر ارزش افزوده پرداخت شده در زمان خرید توسط مودیا ن اعم از وارد کنندگان– تولید کنندگانتوزیع کندگان-صادر کندگان،که در این نظام مالیاتی به عنوان عامل وصول نه پرداخت کننده مالیات محسوب می گردنند،طلب ایشان ا ز دولت محسوب به صورت فصلی با سازمان امور مالیاتی کشور تسویه می گردد.تسویهمطالباتمودیانابت مالیات های پرداختیایشان در زمان خرید،یا تز طریق کسر از مطالبات دریافتنی ذاز خریداران و یا از طریف استرداد تنسط سازمان امور مالیاتی کشور به ایشان،صورت می پذیرد.پیشگفتار:قانون مالیات برارزش افزوده که درجلسه مورخ هفدهم اردیبهشت ماه یکهزاروسیصدوهشتادوفهت کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتادوپنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب گردیده ومجلس بااجرای آزمایشی آن به مدت۵سال درجلسه علنی روزسه شنبه مورخ نهم بهمن۱۳۸۶موافقت ودرتاریخ۲/۳/۸۷به تاییدشورای نگهبان رسیده وطی نامه شماره۱۶۲۷۳/۹۵مورخ۱۹/۳/۸۷مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است.مقدمه: این تحقیق بر دو مجموعه ابزار سیاست دولت که در میان تمام بخش های یک اقتصاد عمل می کند. تمرکز خواهد داشت: سیاست مالی دولت و سیاست مالی. (خزانه داری) هر دو مجموعه می توانند نقش حیاتی، چه خوب و چه بد، در بسیج پس انداز داخلی ایفا کنند. به علاوه، هر دو سیاست آثار دامنه داری بر توزیع درآمد، اشتغال، کارآیی و ثبات اقتصادی دارند. در این جا ما بر آن سیاست مالی که تمام اقدامات مربوط به سطح و ساختار درآمدها و مخارج دولت را در بر می گیرد، تمرکز می کنیم.بر اساس اصطلاحاتی که در اینجا مورد استفاده قرار می گیرند درآمدهای دولت شامل تمامی درآمدهای مالیاتی و غیر مالیاتی جاری به خزانه داری دولت از جمله مازادهای موسسه های عمومی در تملک دولت و استقراض داخلی از خزانه می شود. مخارج دولت چنین تعریف می شود: تمامی هزینه ها از بودجه دولت شامل مخارج جاری از قبیل حقوق کارمندان دولت؛ نگهداری اموال؛ هزینه های نظامی؛ پرداخت بهره و سوبسید برای پوشش زیان های موسسات دولتی؛ همچنین مخارج سرمایه نظیر هزینه های احداث کانالهای آبیاری، جاده ها و مدارس؛ و خرید تجهیزات غیر نظامی مورد تملک دولت.سیاست مالی از طریق هر دو بخش مالیات و هزینه بودجه دولت عمل می کند. مرکز تصمیم گیری در مورد سیاست مالی در کشورهای رو به توسعه معمولا بین دو نهاد تقسیم می شود: وزارت دارایی (اداره خزانه داری) و وزارت (یا سازمان) برنامه ریزی. در بیشتر کشورها وزارت دارایی اساسا مسئول طراحی و اجرای سیاست مالیاتی و برای تصمیم های مربوط به مخارج مصرفی جاری دولت تعیین می شود. وزارت یا سازمان برنامه ریزی گاهی در مورد تصمیم های مربوط به مخارج سرمایه دولت نوسان دارد. برخی از اقتصاددانان و سیاست گذاران، اصطلاح" سیاست مالی "را برای آنچه وزارت دارایی انجام می دهد و اصطلاح" سیاست توسعه "برای کارهایی که تحت نظارت شدید وزارت یا سازمان برنامه ریزی است به کار می برند. بخش حاضر، اساسا بر جنبه هایی از سیاست مالی که مخارج مصرفی دولت و تعیین مالیات را مورد رسیدگی قرار می دهند، تمرکز می کند.تهیه این تحقیق از یاری دوستان و عزیزانی چون جناب آقای محمد براتی کارشناس ارشد اداره ی مالیاتی و جناب آقای جعفر نائینی کارشناس ارشد اداره ی اقتصاد و دارایی بهره گرفته ام و از راهنمایی های استاد گرانقدر جناب آقای یار احمدی خراسانی نیز سود جسته ام. از تمامی این عزیزان و در نهایت همسر مهربانم جناب آقای ناصر بزرگی که پا به پای اینجانبدر تمامی مراحل جمع آوری اطلاعات نقش ارزنده ای ایفا نمودند . صمیمانه سپاسگذارم.بیان مسئله:به دلیل اهمیت مالیات وهمچنین نقش ارزش افزوده برآن بایدمطالعات بنیادین دراین زمینه انجام پذیرد ونتیجه آن به اطلاع مردم برسدتانقش مهمتری دراین زمینه ایفا نمایند.باتوجه به نقش مهم ارزش افزوده بایدبیشتربه آن پرداخت:۱-آیاارزش افزوده برمالیات نقش مهمی دارد؟۲- آیا می توان باکاهش نرخ مالیات برارزش آن افزود؟۳-آیافعالان اقتصادی(اعم ازکارخانجات،شرکتهاوصاحبان مشاغل)این مالیات راخواهندپرداخت؟۴-آیااجرای این نظام مالیاتی باعث افزایش بهای کالاهاوخدمات برای مصرف کننده نهایی نخواهدگردید؟اهمیت موضوع:باتوجه به رشدروزافزون درآمدهاودریافت مالیات بیشترباییک برنامه ریزی درست می توان قدرت اقتصادی دولت رادرجهت کاهشاهداف تحقیق:الف: هدف کلی:بررسی تاثیر مالیات برارزش افزوده ونقش آن بردرآمـدهای کشورب: اهداف جزئی:۱-بررسی راه های تازه دریافت مالیات۲-بررسی مشکلات موجوددرجهت ارائه راهکارهای جدید۳-بررسی راهکارهای بالابردن ارزش افزوده برمالیات۴-بررسی میزان تاثیرپذیری نظام مالیاتی ازارزش افزوده برمالیاتفرضیه های تحقیق:۱-علم روانشناسی می تواندرجهت دریافت بهترمالیات به ماکمک کند.۲-بین مدیریت دریافت بهترمالیات ورضایت مندی مودیان رابطه ای مستقیم وجوددارد.۳-می توان باغلبه برمشکلات موجود ارزش افزوده برمالیات راافزایش داد.روش تحقیق:این پروژه به روش کتابخانه ای تهیه گردیده که ازاطلاعات کتب موجود واینترنت استفاده شده است. متغیر مستقل:بررسی تاثیرارزش افزوده برمالیاتمتغیروابسته:دریافت مالیاتجامعه آماری:جامعه آماری همان مواردی است که درکتابها واینترنت نام برده شده است البته می توان جامعه ایران رانیزنام برد.جامعه ی آماری همان مواردی است که در کتاب ها و سایت اداره ی اقتصاد و دارایی و اداره ی مالیاتی شهرستان مشهد موجود می باشد. ارزش افزوده را نمی توان محدو به یک شهر یا یک استان نمود بنابراین جامعه ی آماری ما کشور ایران می باشد.ابزاراندازه گیری:مقایسه ای است یعنی ازمقایسه بین داده هامی توان به نتایجی دست یافت.تجزیه وتحلیل داده ها:ازتجزیه وتحلیل داده هامی توان نتیجه گرفت:۱-برای موفقیت باید برنامه ریزی نمود.۲-برای جذب ودریافت مالیات بایدازمدیریت اثربخش استفاده نمود.۳-برای دوام موفقیت باید ارزش افزوده برمالیات به سمت ثبات سوق داد . ادبیات تحقیقتاریخچه‌ی مالیات بر ارزش افزودهمالیات بر ارزش افزوده ، مالیاتی است که برای نخستین‌بار توسط فون‌زیمنس در ۱۹۵۱ به منظور فائق‌آمدن بر مسائل مالی آلمان طرح‌ریزی شد که به‌رغم علاقه و تمایل شدید کشورهایی نظیر آرژانتین و فرانسه برای آگاهی از چه‌گونگی ساختار آن این مالیات، به طور رسمی، تا سال ۱۹۵۴ در هیچ کشوری به‌کار گرفته نشد.از ۹۵۴به بعد برزیل ، فرانسه ، دانمارک و آلمان در زمره کشورهایی بودند که این نوع از مالیات را در نظام مالیاتی کشور خود به‌کار انداختند و کره‌ی‌جنوبی نیز نخستین کشور آسیایی بود که از ۱۹۹۷با کمک صندوق‌بین‌المللی‌پول توانست این مالیات را در نظام خود پیاده کند و به دنبال آن کشورهای ترکیه پاکستان ، بنگلادش و لبنان هم نسبت به اجرای این مالیات اقدام کردند .درخصوص شیوه‌ی اجرایی مالیات بر ارزش افزوده می‌توان گفت که در سیستم مالیات برارزش افزوده، هر فروشنده در هنگام فروش کالاـ و خدمات ، مالیات مورد نظر را به صورت‌حساب می‌افزاید و آن را همراه با قیمت کالا و خدمات از مشتری

دریافت می‌کند . نخستین فروشنده مالیات دریافتی را وصول و به دولت پرداخت می‌کند و در مراحل بعدی هر فروشنده مابه‌التفاوت مالیات را از مشتری می‌گیرد و به حساب سازمان امور مالیاتی واریز می‌کند .مالیات برارزش افزوده چند نوع است که عبارتند از : مالیات از نوع تولیدی ، درآمدی و مصرف . در مالیات برارزش افزوده از نوع تولیدی ، مالیات کلی بر فروش اعمال می‌شود . در حالی که درنوع درآمدی، مالیات بر فروش کالاهاستدر مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرف نیز که مالیات بر کالاها و خدمات مصرفی است، تمام مخارج سرمایه‌گذاری ناخالص از پایه مالیاتی حذف می‌شود .دراین‌حال واعظان این نوع مالیات و برخی کارشناسان معتقدند این نوع مالیات آثار مناسبی در سطوح مختلف جامعه و به‌ویژه شهرها دارد و بعضی دیگر آن‌را تیر خلاص برای صنعت کشور می‌دانند .مالیات برارزش افزوده در ایرانمالیات به‌عنوان یکی از منابع درآمداصلی دولت‌ها، درتمام کشورهای جهان ازجایگاه ویژه واهمیت والایی برخورداراست،به‌طوری که هرکشوری برای ساختن زندگی بهترشهروندان خویش سعی در گرفتن مالیات به‌مطلوب‌ترین شکل ممکن ازمردم دارد.اما درکشورمان، مالیات وچه‌گونگی گرفتن‌آن از مؤدیان،همواره یکی ازمعضلات اصلی دولت بوده است به‌گونه‌ای که گاه وضع یک‌نوع مالیات وگرفتن آن،صنعت‌گران وتولیدکننده‌گان را به‌سوی نابودی سوق می‌دهد وگاه باعث فرارمالیاتی آن‌ها می‌شود.به‌راستی چرا چنین است؟ چرا طی سال‌های متمادی به‌خصوص پس ازپیروزی انقلاب هیچ‌گاه نتوانسته‌ایم قانون مالیات را به‌گونه‌ای وضع کنیم که مانندسایرکشورهای صنعتی وپیشرفته‌ی دنیا مردم با دل‌وجان مالیات خود را پرداخت‌کنند و بدانند که این مالیات درجهت آبادانی کشور و رفاه حال همان شهروندان هزینه می‌شود؟اگرچنین حسی درمردم یک کشور به وجودآید که گرفتن مالیات توسط دولت تنها برای ساختن فردایی بهتر برای آن‌ها و فرزندان‌شان است،آن وقت،معضلی به‌نام فرارمالیاتی برای دولت وکابوسی به‌نام مالیات برای مؤدیان وجود ندارد.درحال حاضرمالیاتی که ازتولیدکننده‌گان وصنعت‌گران و ...گرفته می‌شود براساس قانونی است به‌نام تجمیع عوارض، که طبق این قانون ازابتدای۱۳۸۲، برقراری ودریافت هرگونه وجوه ازجمله مالیات وعوارض، اعم از ملی ومحلی، ازتولیدکننده‌گان کالاها،ارائه‌دهنده‌گان خدمات وهمچنین کالاهای وارداتی، انجام می‌شود و کلیه‌ی قوانین و مقررات مربوط به برقراری ،اختیار یا اجازه‌ی برقراری ودریافت وجوه که توسط هیأت وزیران، مجامع،شوراهاوسایرمراجع،وزارت‌خانه ها،سازمان‌ها،مؤسسات وشرکت‌های دولتی ازجمله آن‌دسته از دستگاه‌های اجرایی که شمول قوانین برآن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است،همچنین مؤسسات ونهادهای عمومی غیردولتی، صورت می‌پذیرد ، به استثنای قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۳/۱۲/۱۳۶۶ واصلاحات بعدی آن ،قانون چه‌گونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب ۷/۶/۱۳۷۲،قانون مقررات تردد وسایل نقلیه‌ی خارجی مصوب ۱۲/۴/۱۳۷۳،عوارض آزادراه‌ها،عوارض موضوع ماده‌ی ۱۲ قانون حمل ونقل وعبورکالاهای خارجی از قلمرو ایران مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۷۴ وعوارض موضوع بند(ب)ماده‌ی ۴۶،بند(ب)ماده‌ی ۱۳۰ ، بندهای (الف) و(ب) ماده‌ی ۱۳۲ قانون برنامه‌ی سوم توسعه اقتصادی ،اجتماعی وفرهنگی ایران مصوب ۱۷/۱/۱۳۷۹ ،لغوگردید.قانون تجمیع عوارض درتاریخ ۵/۲/۱۳۸۳ طی نامه‌ای به‌شرح زیرتوسط سیدمحمدخاتمی به وزارت اموراقتصادی‌ودارایی جهت اجراابلاغ شد:«وزارت اموراقتصادی ودارایی! قانون اصلاح ماده‌ی ۲ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی سوم توسعه اقتصادی ،اجتماعی و فرهنگی وچه‌گونگی برقراری وصول عوارض وسایروجوه ازتولیدکننده‌گان کالا،ارائه‌دهنده‌گان خدمات وکالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ که درجلسه‌ی علنی روزچهارشنبه، نوزدهم فروردین۱۳۸۳ مجلس تصویب شد و در ۱۹/۱/۱۳۸۳ به تایید شورای‌نگهبان رسید وطی نامه‌ی شماره‌ی ۲۸۰۹ ، ۲۴/۱/۱۳۸۳ مجلس واصل گردیده است، به‌پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد.»اجرایی‌شدن این قانون باعث به‌وجودآمدن نقدوانتقادهای فراوانی میان صاحب‌نظران اقتصادی کشورشد، به‌طوری که بسیاری ازصاحبان صنایع معتقد بودندکه این مالیات باعث بالا رفتن قیمت کالاهای داخلی می‌شود، تاحدی که قدرت رقابت باصنایع مشابه خارجی راازآنان می‌گیرد.به سبب بالابودن قیمت فروش نهایی آن‌ها و پایین‌بودن مشابه خارجی همین محصولات ،تولیدکننده‌گان حتی بازارهای داخلی را نیزازدست داده‌اند به‌گونه‌ای که مصرف‌کننده‌گان ترجیح می‌دهند همین محصول را با مارک خارجی وقیمت پایین‌تر بخرند.این امرسبب می‌شود که صنعت‌گران داخلی به‌خاطر پایین‌آوردن قیمت نهایی،ازکیفیت محصول بکاهند تا بتوانند لااقل به‌خاطر قیمت پایین‌تر بازار داخلی،خودراحفظ کنند وعطای صادرات را به‌لقای آن ببخشند.این نکته قابل ذکراست که مالیات تجمیع عوارض حدود ۳درصدقیمت تمام شده‌ی محصول است.جایگاه مالیات بر ارزش افزودههمانگونه که در قسمت قبل بدان اشاره گردید، مالیات بر ارزش افزوده در بعضی از کشورها به عنوان جایگزینی برای سایر مالیاتها مورد استفاده قرار گرفت برای مثال در کشور دانمارک این مالیات جایگزین مالیات بر عمده فروشی شد.در حالی که در کشور سوئد و نروژاز آن به عنوان جایگزینی برای مالیات بر خرده فروشی استفاده گردید. همچنین این مالیات در ۲۱کشور از کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه مالیات بر مصرف داخلی را تحت الشعاع خود قرار داده و بجای آن بکار گرفته شد. نگاهی به تجربه کشورهای مختلف و دامنه استفاده آنها ازاین مالیات نشان می دهد که این نظام مالیاتی قادر است تا در دامنه وسیع، از سطوح عمده فروشی گرفته تا زنجیره نهایی تولید و فعالیتهای خرده فروشی کاربرد داشته باشد ولذا به دلیل همین انعطاف پذیری ،مزایا ومنافع بیشتری را برای دولتها در مقایسه با سایر مالیاتها به ارمغان آورد .البته لازم به ذکر است که تجربه موفق کشورهای جامعه اروپا که در آنها نظامهای مالیاتی از کارایی بیشتری بر خوردار بوده و ساختار بازاراز شفافیت قابل توجهی برخوردار است نمیتواند ملاکی جهت موفقیت قطعی این نظام مالیاتی در کشورهای کمتر توسعه یافته باشد . چرا که تحقق این نظام مالیاتی نیازمند بسترهای لازم فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... می باشد و به همین دلیل در جوامع اروپاییکه به دلیل عملکرد نسبتا صحیح دولتها در گذشته در زمینه تحقق و ایجاد چنین پیش نیازهایی، دولتها توانستند جایگزینی نظام مالیاتی فوق را به جای سایر مالیاتها تجربه نمایند .اما در کشور های کمتر توسعه یافته که هنوز مشکلاتی از قبیل تعریف صحیح و منطقی رابطه دولت و به بیانی کلی تر بخش عمومی با بخش خصوصی وجود نداشته و هر گونه مالیات دیگری می بایست با دقت و ظرافت خاصی صورت پذیرد تا از بروز هر گونه ناهنجاری اقتصادی، اجتماعی و... خودداری گردد.همچنین تجربه نشان داده است که می توان مالیات بر ارزش افزوده را در سطح وسیعی جاگیزین مالیاتهای دیگر نمود، این نوع مالیات دارای این مزیت نیز می باشد که امکان به سختی میسر می شود مثل: فعالیتهای تولید خدماتی.از دیگر مزایای مالیات بر ارزش افزوده آن است که به دلیل گستردگی پایه مالیاتی می توان آنرا با نرخهای پایین تری در مقایسه با سایر مالیاتها وضع نمود بدین معنی که به منظور جمع آوری حجم مشخصی از در آمد مالیاتی با استفاده از مالیات بر ارزش افزوده احتیاج به نرخ مالیاتی کمتری در مقایسه با سایر انواع مالیات می باشد. این امر می تواند از یک سو انگیزه های فرار در پرداخت مالیات را کاهش داده و از سوی دیگر تحقق در آمد مالیات هدف را با اطمینان بیشتری امکان پذیر سازد.یکی دیگر از مزایای مالیات بر ارزش افزوده این است که اعمال سلایق و نظرات شخصی چه از جانب مودیان و چه از سوی میزان مالیاتی، در محاسبه و اخذ مالیات به حداقل می رسد زیرا از یک سو نرخهای مالیاتی مشخص بوده و از سوی دیگر فاکتورها و حداقل می رسد زیرا از یک سو نرخهای مالیاتی مشخص بوده و از سوی دیگر فاکتورها به مدارک ارائه شده توسط فروشندگان کالاها و خدمات (با فرض صحت آنها) مبنای محاسبه مالیات قرار می گیرند. از این رو قدرت چانه زنی مودیان مالیاتی در کاهش میزان محاسبه مالیات موظف آنها تقلیل خواهد یافت. در صورتی که در مورد سایر مالیاتها بالاخص مالیات بر در آمد اختلاف نظرهای متعددی میان مودیان مالیاتی و ممیزان وجود دارد که باعث می گردد تحقق بخش قابل توجهی از در آمدهای مالیاتی دولت به دلیل ارجاع اختلاف به کمیسیون های حل اختلاف به تعویق افتد.همچنین مالیات بر ارزش افزوده می تواند به عنوان انتقال مالیات از در آمد به مصرف تلقی گشته و می تواند با تامین منابع گسترده تر در جهت شکل گیری سرمایه گذاری موجبات رشد تولید داخلی و کاهش بیکاری را در جامعه فراهم سازد.۱. محاسبه ارزش افزوده بر اساس ارزش معاملات و یا به عبارتی ارزش کالاها و خدمات:ارزش معاملات واسطه ای – ارزش معاملات نهایی = ارزش افزوده یا: ارزش کالاها و خدمات واسطه ای و مواد اولیه – ارزش کالا و خدمت تولید شده = ارزش افزوده ۲. محاسبه ارزش افزوده بر اساس دریافتی عوامل تولید:از سوی دیگر می دانیم ارزش افزوده در هر مرحله از تولید، میان عوامل تولید درگیر در فرایند ایجاد ارزش افزوده از جمله، کارگران، صاحبان سرمایه، کار آفرینان و... توزیع می گردد. لذا می توان ارزش افزوده را به صورت زیر نیز محاسبه نمود:(استهلاک سرمایه + سود + بهره + اجاره + دستمزد و حقوق = ارزش افزوده) نکته قابل توجه در نظام مالیات

بر ارزش افزوده عدم وجود احتساب مضاعف و همچنین عدم وجود تفاوت میان تولیدات داخلی و یا کالاهای وارداتی، اعم از سرمایه ای، واسطه ای یا نهایی می باشد. به دیگر سخن هر میزان که در داخل کشور ارزش افزوده ایجاد گردد مالیات متناظر با آن نیز اخذ می گردد و چنانچه کالاها و خدماتی به خارج از کشور صادر گردند، فارغ از اینکه در چه مرحله ای از فرایند تولید قرار خدماتی به خارج از کشور صادر گردند، فارغ از اینکه در چه مرحله ای از فرآیند تولید قرار دارند، مشمول معافیت مالیاتی می شوند. به این ترتیب فقط مصرف داخلی مشمول مالیات واقع می شود و ضرورتی ندارد که کالا و خدمات به مصرف نهایی برسند، بنابراین کالاهای نیمه ساخته نیز به اندازه ارزش افزوده ایجاد شده در آنها مبنای اخذ مالیات قرار خواهند گرفت.در این قسمت با ذکر یک مثال چگونگی عملکرد این نظام مالیاتی را بطور مختصر و ساده مورد بررسی قرار می دهیم.فرض نمایید تولید کالای نهایی ، در چهار مرحله صورت می پذیرد، بدین معنی که تولید کننده با خرید مواد اولیه اقدام به کالای ۱ می نماید. کالای ۱ که تولید کننده می باشد، توسط تولید کننده خریداری و از آن به عنوان کالای واسطه ای در تولید ۲استفاده می گردد. بهمین منوال تولید کننده کالای واسطه ای در ۲ را خریداری و پس از انجام پاره ای از عملیات تولیدی بر روی آن، کالای را تولید و به تولید کننده نیز پس از خرید کالای ۳ ، اقدام به انجام فعالیتهای تولیدی بر روی آن می نماید به گونه ای که در نهایت کالای با استفاده از کالای واسطه ای ۳ تولید و در اختیار مصرف کننده نهایی قرار می گیرد. اگر روند شکل گیری ارزش افزوده بر اساس جدول زیر مشخص شده و همچنین فرض گردد نرخ مالیات بر ارزش افزوده در تمامی مراحل تولید یکسان و برابر با ۲۰٪ باشد، مقدار در آمد مالیاتی برابر با رقم ۲۴۰۰۰ ریال خواهد بود.جدول شماره (۱،۱) محایله مالیات بر ارزش افزوده در یک اقتصاد فرضیشرح تولید کنندهاول تولید کنندهدوم تولید کنندهسوم تولید کننده چهارم جمع کلخرید ۰ ۳۰۰۰۰ ۴۵۰۰۰ ۷۰۰۰۰ ۱۴۵۰۰۰ فروش ۳۰۰۰۰ ۴۵۰۰۰ ۷۰۰۰۰ ۱۲۰۰۰۰ ۲۶۵۰۰۰ارزش افزوده ۳۰۰۰۰ ۱۵۰۰۰ ۲۵۰۰۰ ۵۰۰۰۰ ۱۲۰۰۰۰مالیات با نرخ۲۰٪ ۶۰۰۰ ۳۰۰۰ ۵۰۰۰ ۱۰۰۰۰ ۲۴۰۰۰همانگونه که از ارقام محاسبه شده در جدول فوق مشخص می گردد، در آمد مالیاتی دولت معادل با ۲۴۰۰۰ریال بوده که در طی ۴ مرحله اخذ می گردد. با کمی دقت مشخص می شود که در آمد مالیاتی فوق مشابه با زمانی می باشد که مالیاتی بر فروش کالای نهایی با نرخی معادل ۲۰٪ وضع گردد (۲۴۰۰۰=۲۰٪ × ۱۲۰۰۰۰) نکته قابل توجه در مقایسه مالیات بر ارزش افزوده ۲۰٪ و مالیات بر فروش کالای نهایی ۲۰٪ در مثال فوق این است که به هنگام وضع مالیات بر ارزش افزوده تحقق در آمد مالیاتی در جریان تولید صورت گرفته و به عبارتی به دلیل آنکه پایه های مالیاتی آن متعدد می باشد می توان اطمینان بیشتری نسبت به تحقق آن داشت در صورتیکه در خصوص مالیات بر فروش، تحقق در مالیاتی دولت منوط به توانایی آن در جمع آوری مالیات در آخرین مرحله تولید می باشد. از طرف دیگر بانگاهی به میزان مالیات بر ارزش افزوده در هر مرحله از تولید و مقایسه آنها با مالیات قابل پرداخت به هنگام استقرار نظام مالیات بر فروش کالای نهایی، به این نکته پی می بریم که به دلیل کمتر بودن رقم مالیات در حالت اول در مقایسه با حالت دوم، احتمال فرار مالیاتی کمتر بوده و لذا می توان نسبت به جمع آوری آسانتر مالیات مورد نظر امیدوار بود.۶.۱. روشهای اعمال مالیات بر ارزش افزودهروشهای اعمال مالیات بر ارزش افزوده باز می گردند به روشهای مختلف محاسبه ارزش افزوده که پیشتر بدان اشاره شد. بر این اساس دو روش کلی جهت محاسبه مالیات فوق معرفی می گردند که عبارتند از: روش تجمعی و روش تفریقی.در روش تجمعی بر مبنای تعریف ارزش افزوده، از حاصل جمع عواید نهاده های تولید یعنی دستمزد، اجاره، سود بانکی، سود بنگاه، و... مالیات محاسبه و اخذ می گردد. در حالیکه در روش تفریقی ارزش افزوده و به عنوان اختلاف میان ارزش کل معاملات و ارزش معاملات واسطه ای (اختلاف میان ورودی و خروجی) در نظر گرفته شده و بر این اساس مالیات فوق محاسبه می گردد. از سوی دیگر هر یک از روشهای فوق نیز خود به دو شیوه اعمال مستقیم و غیر مستقیم دسته بندی می شوند، به این ترتیب چهار شیوه کلی اعمال مالیات بر ارزش افزوده وجود دارد.۱. روش تجمعی مستقیم:(سود + اجاره + بهره + دستمزد) × نرخ مالیاتی۲. روش تجمعی غیر مستقیم:(سود) × نرخ مالیاتی + (اجاره + بهره + دستمزد) × نرخ مالیاتی ۳. روش تفریقی مستقیم:(ورودی − خروجی) × نرخ مالیاتی۴- روش تفریقی غیر مستقیم:(ورودی) × نرخ مالیاتی (− خروجی) × نرخ مالیاتیهمانگونه که از روابط فوق بر می آید، تفاوت عمده شیوه های مستقیم و غیر مستقیم، در این راست که در شیوه مستقیم کل ارزش افزوده در هر مرحله محاسبه و مبنای مالیات قرار می گیرد، حال آنکه در روش غیر مستقیم، اجزا تولید کننده ارزش افزوده به طور مجزا مشمول مالیات واقع می شوند (روش تجمعی غیر مستقیم)، و یا آنکه مالیات کل فروش در هر مرحله محاسبه و مالیات پرداختی به فعالیتهای بالا-دست، از آن کم می گردد (روش تفریقی غیر مستقیم).به روشهای مستقیم، روشهای حسابی نیز اطلاق می گردد چرا که در این روش هر مودی مالیاتی در اظهار نامه خود، پایه مالیاتی را محاسبه و مشخص می نماید.از روش غیر مستقیم، به دلیل الزام فروشنده به صدور فاکتور در هر مرحله و مشخص نمودن و ثبت میزان مالیات اخذ شده از خریدار در آن، به عنوان روش فاکتور نویسی نیز یاد می شود. روش فوق به دلیل فراهم نمودن امکان آسانتر اعمال کنترل، و نیز محاسبه فعالیتهای اقتصادی بنگاهها، بیش از سایر روشها در کشورها مورد استفاده قرار می گیرد. امروزه در جامعه اروپا و اکثر کشورهای بکار گیرنده مالیات بر ارزش افزوده، روش فاکتور نویسی اعمال می شود، بنابراین علی رغم ظاهر ساده شیوه های مستقیم، امروزه شیوه های غیر مستقیم به دلیل مزایای متعددی ، از جمله پدیده ضد فرار مالیاتی بیشتر متداول شده است. این امر نشات گرفته از این است که در این سیستم، خریدار قانونا پرداخت کننده مالیات بوده و لذا هر بنگاه خریدار، اسنادی را از فروشنده طلب می کند، تا در مرحله بعد بتواند آن را به بنگاه خریدار ارائه نموده و همچنین از خود طلب می کند، در مرحله بعد بتواند آن را به بنگاه خریدار ارائه نموده و همچنین از خود در مقابل فرار احتمالی فروشنده از پرداخت مالیات، مقاومت نشان می دهد چرا که عدم پرداخت مالیات در یک مرحله موجب انتقال مالیات به مرحله بعد و در نتیجه هزینه خریداران بعدی شده، موجبات کاهش قدرت رقابتی فروشندگان را در مراحل بعدی به دنبال آورد. این عمل خود ابزار کار آمدی را در سیستم تولید و توزیع کالا-و خدمات برای کنترلهای داخلی فراهم می آورد.انواع مالیات بر ارزش افزودههمانگونه که بیشتر اشاره شد، مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر گردش کالا و خدمات به شمار می آید که در طی مراحل مختلف تولید کالا و متناسب با افزایش سوی مصرف کنندگان برای تهیه کالاها و خدمات تعلق گرفته، به طوریکه بار نهایی مالیات عمدتا برعهده مصرف کننده نهایی قرار می گیرد. این مالیات در مراحل مختلف تولید و توزیع، توسط فروشندگان کالاها و خدمات جمع آوری می شود. به عبارتی می توان گفت نحوه عمل سیستم مزبور بدین صورت است که مالیات بر ارزش افزوده در هر مرحله از فرایند تولید، با تعلق نرخ مقرر مالیاتی بر پایه مالیاتی محاسبه شده و اخذ می گردد. بطور کلی مالیات بر ارزش افزوده با سه مبنای مختلف معرفی می گردد که عبارتند از:۱. مالیات بر ارزش افزوده بر مبنای تولید ناخالص ملی (نوع تولیدی) ۲. مالیات بر ارزش افزوده بر مبنای تولید خالص ملی (نوع در آمدی)۳. مالیات بر ارزش افزوده بر مبنای مصرف (نوع مصرفی)این تقسیم بندی بر مبنای نحوه منظور کردن خرید کالاهای سرمایه ای در پایه مالیات بر ارزش افزوده بنا شده است.با مقایسه در آمدها و مخارج کل در حسابهای در آمد ملی، رابطه ای میان انواع مالیات بر ارزش افزوده را بهتر می توان درک کرد. مخارج مصرف نهایی خصوصی (C)، مخارج سرمایه گذاری ناخالص (I)، مخارج نهایی غیر دستمزدی دولت برای خرید کالاها و خدمات (GC)، مخارج دولت در ارتباط با حقوق و دستمزدها (G W) و تراز تجاری (ارزش کالاها و خدمات غیر عاملی صادر شده منهای ارزش کالاها و خدمات غیر عاملی وارد شده) تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهند. معادله ی (۱) رابطه میان این اجزاء را نشان می دهد.نگرشهای مختلف در مورد نرخ مالیات و معافیتهاوجود سیستم تک نرخی ساده در مالیات بر ارزش افزوده بدون هیچگونه معافیت بدان معنا است که پرداخت این مالیات توسط افراد کم درآمد سهم عمده ای از در آمد هزینه آنها را شامل می شود، لذا مالیات نزولی است، یعنی خانوارهای با در آمد بالا سهم کمتر از در آمد خود را مالیات می دهند تا خانوارهای با در آمد پایین.در حالت کلی دولتها این مالیات را به تمام کالاهای لوکس که قبلا معاف از مالیات بوده اند از قبیل خدمات تخصصی و ارتباطات گسترش داده اند.نباید نقاط قوت مالیات بر ارزش افزوده از قبیل سادگی، یکنواختی، و پتانسیل در آمدی را فدای آنچه در نظر نیست (تصاعدی بودن) بنمائیم. در عوض باید با انتقال در آمد به افراد کم در آمد، مسن، بیکار... و اعطای کمک به بیماران، تهیه مسکن برای افرادی که برای اولین بار اقدام به خرید مسکن می کنند، افراد واقعا فقیر را کمک نمود از طرفی این نظام مالیاتی با دارا بودن نرخ مالیاتی صفر غیر موثر خواهد بود.

زیرا مقدار زیادی مالیات را جمع آوری می کند، سپس با صرف هزینه های اداری و کاغذ بازی قسمت عمده ای از آن در آمد جمع آوری شده را صرف کالاهای با نرخ گذاری صفر نموده و بدین ترتیب به تجار بر می گرداند.مطالعات نشان می دهد که استفاده از نرخ مالیاتی صفر و دو نرخ مثبت مالیاتی دیگر باعث ایجاد حالت تصاعدی در ارتباط با هزینه ها و نه لزوما در آمدها می شود.نقش انتظارات در موفقیت نظام مالیات بر ارزش افزوده و آثار روانی وضع آن.موفقیت نظام مالیات بر ارزش افزوده در تامین اهداف دنبال شده از استقرار آن و همچنین برخورداری از مزایای آن، منوط به پذیرش آن توسط مودیان مالیاتی می باشد چرا که بروز مقاومت از سوی مودیان مالیاتی و همچنین وجود انگیزه های مالیات گریزی می تواند موجبات گسترش هزینه های اجرایی این نظام مالیاتی را سبب شود و عملا از کارایی آن بکاهد. از اینرو مشاهده می شود که در بسیاری از جوامع برخوردار از نظام مالیات بر ارزش افزوده، بیش از استقرار نظام فوق فعالیتهای گسترده ای جهت ایجاد زیر ساختهای لازم فرهنگی و روانی در جامعه صورت پذیرفته است. آماده سازی جامعه در پذیرش این نظام مالیاتی به مراتب مهمتر و سخت تر از فراهم آوردن امکانات سخت افزاری مورد نیاز می باشد. چرا که شکل گیری فرهنگ مالیاتی در طول زمان صورت پذیرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. لذا عملکرد نادرست بخش عمومی در تامین منافع جامعه در یک دوره از زمانی می تواند موجب بروز انحرافاتی در فرهنگ مالیاتی گردد که به آسانی برطرف نشوند. با توجه به مطالب فوق می بایست به مجموعه نکات زیر در استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده توجه نمود:۱. اصولا و در تمامی جوامع، افراد از پذیرش مالیاتهای جدید و یا افزایش ابعاد مالیاتهای موجود سر باز زده و در مقابل آن مقاومت می نمایند. این امر می تواند به دلیل تمایل افراد به کسب منافع بیشتر مادی و حفظ آن باشد. از سوی دیگر عدم آشنایی افراد با مفاهیم بخش عمومی نظیر جایگاه و نقش دولت در جامعه و ضرورت وجود آن و همچنین منافع حاصل از عملکرد صحیح بخش عمومی و به عبارتی فقر فرهنگ اقتصادی می تواند موجبات گسترش مقاومت مودیان مالیاتی را فراهم سازد. از این رو می بایست قبل از استقرار نظام مالیاتی فوق، در راستای آگاه سازی جامعه از اهداف، نحوه عملکرد و مزایای برقراری نظام مالیاتی فوق اقدام نمود.۲. چسبندگی مصرف و فقدان امکانات پس اندازی بالاخص در درآمدهای پایین می تواند مقاومت مودیان مالیاتی در پذیرش نظام مالیاتی را به دنبال داشته باشد این بدان معنی است که افراد عموما سعی در حفظ پایه های مصرفی، در صورت افزایش امکانات در آمدی و مصرفی فرد به سادگی صورت می پذیرد. از اینرو استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده می تواند به معنی کاهش در قدرت خرید مصرف کنندگان تلقی گشته و لذا موجبات گسترش انگیزه های گریز مالیاتی را به دنبال آورد. این امر بالاخص در سطوح پایین در آمدی حائز اهمیت می باشد. از اینرو اتخاذ نرخهای مالیاتی بالا می تواند موجبات عدم موفقیت نظام مالیاتی را فراهم آورد. همچنین به منظور کاهش دامنه برخورد و مقاومت مودیان مالیاتی، می بایست با استفاده از ابزارهای مختلف در راستای حذف و یا کاهش دامنه اثرات تنازلی مالیات بر ارزش افزوده تلاش نمود. چرا که گسترش شکاف های در آمدی می تواند سبب بروز نااطمینانی نسبت به عملکرد نظام مالیاتی شده و مقاومتهای مودیان مالیاتی را افزایش دهد.۳. یکی دیگر از عوامل موثر در توفیق و یا عدم موفقیت نظام مالیات برارزش افزوده در کشور، به عملکرد نظام مالیاتی هر کشوری در گذشته بر می گردد این مموضوع از آنجا مصداق می یابد که افراد در شکل دهی انتظارات خود در مورد روند آینده، از اطلاعات مربوط به گذشته بهره جسته و پیش بینی های خود را صورت می دهند به عبارت دیگر رفتار گذشته متغیرها بر انتظارات درباره رفتار آینده آنان تاثیر می گذارد از اینرو عملکرد ضعیف بخش عمومی در دستیابی به اهداف تعریف شده آن و همچنین ضعف دستگاه مالیاتی در جمع آوری پتانسیلهای مالیاتی می تواند دارای ابعاد روانی منفی بر مودیان مالیاتی شود و گریز از مالیات را از یک سو به صورت هنجار در آورده و از سوی دیگر آسان جلوه دهد. در هر حال نتیجه آن گسترش ابعاد مقاومت آحاد جامعه در مقابل نظام مالیاتی خواهد بود. از اینرو اعتقاد بر آن است که استقرار نظام مالیاتی کارآمد تنها در گرو وجود دولت سالم و پاسخگو می باشد. گسترش فساد در دستگاههای دولتی و آگاهی مردم در این خصوص به معنای گسترش انگیزه های مالیات گریزی خواهد بود.به منظور رفع این تقیصه می بایسد نحوه و ساختار شکل گیری قدرت در جامعه به گونه ای تصحیح گردد که نظارت مردم بر مراکز و نحوه استفاده منابع و امکانات جامعه تضمین گردد.۴. در ادبیات اقتصادی باور بر این است که تحقق و دستیابی به اهداف سیاستهای اقتصادی تا حدی در گرو اعتبار داده شده از سوی مردم به آنها می باشد برای مثال تصور و باور مردم در اجرای سیاستی خاص می تواند موجب تحقق اهداف دنبال شده از آن سیاست با صرف هزینه های کمتر باشد. برای مثال باور و اعتماد مردم و راسخ بودن دولت به مهار تورم و لذا شکل گیری انتظارات در جامعه به سمت کاهش و مهار تورم می تواند سبب کاهش سطح عمومی قیمتها گشته، بدون آنکه عملا در این راستا سیاستی خاص از سوی دولت اعمال شده باشد. برخورداری از مزایای اعتبار سیاستی در جامعه، مستقیما به عملکرد گذشته بخش عمومی داشته، عدم پایبندی دولت به سیاستهای اعلام شده در گذشته می تواند علیرغم قاطعیت آن در به کارگیری سیاستی خاص در شرایط کنونی، موجب عدم همراهی مردم شده و لذا سبب کاهش دامنه کارایی سیاست گردد.۵. نکته دیگری که در استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده می بایست به آن توجه نمود گستردگی سطوح بیکاری در جامعه می باشد. این امر از آن جهت حائز اهمیت است که انتظار مردم به کاهش فرصتهای شغلی در نتیجه استقرار نظام مالیاتی فوق می تواند به مقاومت گسترده مودیان مالیاتی منجر گردد. لذا می بایست اثرات نظام مالیاتی فوق بر سطح متغیرهای کلان اقتصادی به درستی شناسایی و مورد تحلیل قرار گیرند.۶. وجود تفکر سنتی حاکم بر روابط تولیدی و توزیعی در کشور سبب می گردد تا مودیان مالیاتی از پذیرش روابط پیچیده مالیاتی سرباززده و در مقابل آن مقاومت نمایند چرا که ضعف علمی و عدم توانایی بخش قابل توجهی از مودیان مالیاتی در استفاده از دانش نوین، آنها را در رویارویی با تغییرات حساس می نماید. این امر بخصوص هنگامی که تغییرات از پیچیدگی زیادی برخوردار باشند دوچندان می شود لذا عنوان می گردد که به منظور کاهش مقاومت مودیان در پذیرش نظام مالیات بر ارزش افزوده، صلاح بر استفاده از سیستم تک نرخی در بدو استقرار نظام مالیاتی می باشد که سبب ساده تر شدن نظام مالیاتی و در نتیجه کاهش ابعاد روانی مقابله با نظام مالیاتی در میان مودیان مالیاتی خواهد شد.اثر مالیات بر ارزش افزوده بر سطح عمومی قیمتهایکی از نگرانیهای دولتها در خصوص استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده، چگونگی اثر گذاری این مالیات بر سطح عمومی قیمتها می باشد. به عبارت دیگر یکی از عمده ملاحظات دست اندرکاران نظام مالیاتی در خصوص پیاده سازی نظام مالیاتی فوق، بیم از تورم زایی آن است.از آنجا که تاریخچه استفاده از این مالیات محدود است و از طرفی دوران استقرار این نظام مالیاتی در کشورهای اروپایی مصادف با بروز بحران نفتی و شوکهای منفی اقتصادی در این کشورها بوده و همچنین در عمده این کشورها سیستم مالیاتی فوق جایگزین سایر مالیاتها شده است، تفکیک و بررسی آثار تورمی این مالیات با استفاده ازشواهد آماری در دسترس که در برگیرنده موارد فوق الذکر می باشند امری بسیار مشکل می نماید در هر حال و از دیدگاه تئوریک . در خصوص چگونگی اثر گذاری این مالیات بر سطح عمومی قیمتها موارد متعددی مطرح می گردند که در ادامه به آنها اشاره می نماییم: اثر مالیات بر ارزش افزوده بر بودجه دولتچنین عنوان می گردد که مالیات بر ارزش افزوده و یا اصولا هر گونه مالیاتی، سبب افزایش در آمدهای دولت شده و لذا می تواند موجبات گسترش بودجه و هزنیه های دولت را فراهم سازد، لذا از آنجا که گسترش هزینه های دولت می تواند بطور بالقوه تورم زا باشد، استقرار نظام مالیاتی فوق می تواند موجبات افزایش سطح عمومی قیمتها را فراهم سازد.البته ذکر این نکته ضروری است که مورد مطرح شده فوق محدود به مالیات بر در آمد نبوده و همانگونه که اشاره گردید هر گونه افزایش در درآمدهای دولت که به عنوان پشتوانه ای جهت گسترش هزینه های دولت مورد استفاده قرار گیرد می تواند بطور بالقوه و نه به صورت حتم موجبات بروز تورم را در جامعه فراهم سازد. بدیهی است گسترش هزینه های دولت در شرایطی که اقتصاد امکان گسترش ظرفیت تولیدی خود را دارد می تواند به جای بروز تورم زمینه های افزایش ظرفیت تولیدی کشور را امکان پذیر سازد. لذا نمی توان صرفا بر اساس رابطه فوق عنوان نمود که مالیات بر ارزش افزوده قطعا منجر به بروز تورم خواهد گردید. به عبارت دیگر بروز تورم در اثر استقرار و اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده و یا هر نظام مالیاتی دیگر ابتدا وابسته به آن است که آیا در آمدهای دولت در پی اجرای سیاست مالیاتی فوق افزایش یافته است یا خیر و سپس بستگی به نحوه هزینه نمودن در آمدهای دولت و همچنین پتانسیلهای تولیدی در آن جامعه دارد در این خصوص آلن تیت معتقد است که بروز چنین تورمی نشات گرفته از تحقق نظام مالیات بر ارزش افزوده نبوده بلکه متاثر از سیاستهای انبساطی دولت می باشد.اثر

مالیات بر ارزش افزوده بر قیمت نسبی کالاها و خدمات (اثر جانشینی)یکی دیگر از اثراتی را که برای مالیات بر ارزش افزوده می توان تصور نمود این است که این مالیات می تواند سبب ساز تغییر در قیمتهای نسبی کالاها و خدمات تولیدی شده و لذا از این طریق تقاضای موثر برای این کالاها و خدمات را متاثر سازد. در نتیجه تغییر در تقاضا، می تواند خود سبب بروز فشارهای تورمی در اقتصاد گردد. البته باید بدین نکته توجه نمود که در صورت جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیاتهای دیگر نظیر مالیات بر فروش و یا مصرف وجود نداشته است، می توان انتظار داشت که قطعا سطح قیمتها افزایش یابد. در هر حال تصمیم گیری در مورد چگونگی اثر گذاری مالیات بر ارزش افزوده بر سطح قیمتها از طریقب اثر جانشینی ایجاد شده بستگی به شناسایی تغییرات در قیمتهای نسبی کالاها و خدمات و همچنین تشخیص نحوه اثر گذاری قیمتهای نسبی بر روی روند تخصیص منابع و در نتیجه سطح قیمتها در اقتصاد دارد.اثر بر سطح قیمتها در نتیجه انتقال بار مالیاتیاز آنجا که عمدتا مالیات بر ارزش افزوده همانند مالیاتهای غیر مستقیم عمل می نماید، انتظار بر آن است که در صورت پیاده سازی واجرای آن، شاهد انتقال بار مالیاتی بوده و به عبارتی پرداخت کنندگان اولیه و نهایی مالیات با یکدیگر متفاوت باشند در صورت بروز چنین امری، این امکان وجود دارد که پرداخت کنندگان نهایی مالیات که پیش بینی می شود عمدتا مصرف کنندگان نهایی کالاها و خدمات بوده (بخصوص در مورد مالیاتهایی که بر مصرف کالاهای ضروری وضع می گردند) و معمولا قشر حقوق بگیر جامعه را تشکیل می دهند، به منظور حفظ قدرت خرید تمایل به افزایش در دستمزدهای خود را داشته باشند که به نوبه خود می تواند پدیده ای تورم زا تلقی گردد. همچنین عنوان می شود به دلیل آنکه مالیات بر ارزش افزوده به صورت درصدی از فروش اعمال می گردد (مالیات بر بها و ارزش کالا اعمال می شود و نه بر مقدار و تعداد آن) بخشی از افزایش قیمت ناشی از سایر سیاستهای اقتصادی و فشارهای تورمی را جذب نموده و لذا می تواند پیامدهای ضد تورمی داشته باشد. در طرف مقابل عنوان می شود که این نوع مالیات دارای اثرات تنازلی می باشد. به این معنی که مالیات به ارزش افزوده نوعی مالیات برمصرف بوده و چون معمولا با نرخ غیر تصاعدی بر کالاها و خدمات مشمول وضع می گردد، عمدتا توسط اقشار کم در آمد جامعه پرداخت شده و این گروه از جامعه بطور نسبی بار مالیاتی بیشتری را متحمل خواهند شد، بنابراین، تامین اصل عدالت مالیاتی زیر سوال می رود، به دلیل آنکه پرداخت کنندگان نهایی، مصرف کنندگان کالاها و خدمات می باشند و این امر باعث افزایش سطح عمومی قیمتها خواهد شد.در هر حال بروز آثار تورمی در پی استقرار مالیات بر ارزش افزوده، متاثر از عوامل متعدد اقتصادی و غیر اقتصادی می باشد که از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت بوده و لذا نمی توان بطور قطع، دست آوردهای تورمی این نظام مالیاتی را در تمامی جوامع مشابه و یکسان پیش بینی نمود. در این خصوص آلن تیت اقدام به برآورد آثار تورمی مالیات فوق بر اساس آمارهای موجود در ۳۵ کشور نموده است. حاصل عبارت از آن است که در ۶۳٪ از کشورهای فوق (۲۲ کشور) پیامدهای تورمی مشاهده نشده است و در ۸ کشور سطح قیمتها شاهد فقط یک جهش بوده و نهایتا تنها در ۶ کشور آثار تورمی ظاهر گردیده است. لذا وی نتیجه می گیرد که تحقق نظام مالیات برارزش افزوده بدون بروز پیامدهای تورمی امکان پذیر می باشد.اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع در آمداشاره شد که یکی از ویژگیهای مالیات بر ارزش افزوده این است که این مالیات دارای پایه و ماخذ مالیاتی گسترده و نرخهای مالیاتی پایین می باشد. همچنین این مالیات عمدتا همانند مالیات بر فروش و مصرف کالا ـ و یا به عبارت دیگر مالیاتهای غیر مستقیم عمل نموده به این معنی که اثر گذار بر قیمتهای نسبی کالاها و خدمات تولیدی می باشد، لذا همانگونه که در مورد مالیاتهای غیر مستقیم انتظار انتقال بار مالیاتی وجود دارد، در خصوص مالیایت بر ارزش افزوده نیز می توان انتظار داشت که با پدیده انتقال بار مالیاتی روبرو باشیم. لذا می توان نتیجه گرفت که این مالیات می تواند بر نحوه توزیع در آمد اثر گذار باشد بالاخص در شرایطی که مالیات فوق بر کالها و خدمات ضروری که عمدتا دارای کشش قیمتی تقاضای پایینی می باشند وضع گردد. در این شرایط پرداخت کنندگان عمده مالیات قشر کم در آمد جامعه می باشند چرا که سهم کالهای ضروری در بودجه خانوارهای کم در آمد در مقایسه با خانوارهای با در آمد بالا بیشتر است. از این رو و به منظور کاهش چنین فشارهایی کشورها سعی می نمایند تا با استفاده از نرخهای چندگانه مالیات بر ارزش افزوده، اهداف توزیعی در آمد را نیز دنبال نمایند. بدیهی است اثرات توزیعی مالیات بر ارزش افزوده در یک جامعه بستگی به نظام مالیاتی و همچنین ساختار توزیع در آمد در آن جامعه داشته، انتخاب پایه مالیاتی و گستردگی آن و همچنین نرخها و معافیتهای مالیاتی به کار گرفته شده، همگی در تعیین اثرات توزیعی مالیات برارزش افزوده دخیل می باشند.اثر مالیات بر ارزش افزوده بر تراز تجاریتاثیر پذیری تراز تجاری از نظام مالیات بر ارزش افزوده بستگی به عوامل متعددی از جمله وجود و یا عدم وجود معافیتهای مالیاتی، سطح نرخهای مالیاتی و همچنین سطح جاری تراز تجاری دارد، در پاره ای از کشورها نظیر اتریش، یونان، اندونزی و... به منظور تقویت مزیتهای نسبی صادراتی و حمایت از صادرات، بر کالاها و خدمات صادراتی نرخ مالیاتی صفر اعمال می گردد در این صورت کالاهای مشمول نرخ مالیاتی صفر علاوه بر معافیت مالیاتی، از اعتبار مالیاتی معادل با میزان پرداختی بابت نهاده های خریداری شده برخوردار می باشند. این امر سبب می گردد که بهای تمام شده کالاها و خدمات مشمول نرخ صفر در بازارهای جهانی در مقایسه با قیمتهای داخلی آنها کمتر بوده، عملا برای صادر کنندگان آنها امکان رقابت در بازارهای بین المللی فراهم گردد. با توجه به مطالب ذکر شده می توان پیش بینی کرد که مالیات بر ارزش افزوده سبب بهبود توان تجاری گردد اما اعمال نرخهای مالیاتی غیر صفر می تواند نتایج متفاوتی به دنبال داشته باشند. به عنوان راهکاری دیگر در برخورد با مالیات بر ارزش افزوده می توان از اصل مبدا و یا اصل مقصد پیروی نمود. بر اساس اصل مبدا کلیه کالاها و خدمات تولید شده در داخل چه به منظور مصرف و چه با هدف صادرات مشمول مالیات قرار خواهند گرفت. بالعکس واردات از پرداخت مالیات معاف می گردد. همچنین بر اساس این اصل کالاهای سرمایه ای وارداتی و تولید داخل مشمول مالیات قرار نگرفته و تنها زمانی که اقدام به صدور آنها گردد. مورد اصابت مالیاتی قرار خواهند گرفت. مشخص است که پیروی از این اصل در استقرار نظام مالیاتی می تواند موجبات تضعیف توان صادراتی را فراهم سازد.اصل دیگری که از آن می توان در استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده تبعیت نمود، اصل مقصد می باشد، بر اساس این اصل کلیه کالاهایی که به منظور مصرف وارد کشور می شوند مشمول مالیات قرار گرفته و بالعکس کالاهای صادراتی مشمول نرخ صفر خواهند شد.همانگونه که مشخص شد تبعیت از این اصل می تواند سبب گسترش مازاد تجاری گردد. پیروی از هر یک از اصول فوق می تواند نشات گرفته از اهداف دنبال شده توسط دولت در برقراری نظام مالیاتی باشد، بدیهی است اگر دولت صرفا به دنبال گسترش منابع در آمدی خود باشد، تحت شرایط کسری حساب جاری، پیروی از اصل مقصد می تواند در آمدهای بیشتری را برایش به دنبال آورد. بالعکس به هنگام وجود مازاد در حساب جاری، پیروی از اصل مبدا می تواند موجبات گسترش پایه های مالیاتی و به تبع در آمدهای مالیاتی دولت را فراهم آورد. حال اگر هدف دولت نظام مالیاتی را با هدف تعمیق مزیتهای نسبی و قدرت رقابتی تولید کنندگان داخلی در مقابل تولید کنندگان خارجی برقرار سازد. اعمال نرخهای مالیاتی صفر می تواند راهگشا باشد.در هر حال و در راستای تحقق اهداف مختلف دنبال شده توسط دولت، وجود یک سیستم ارزیابی کالاها در مبادی ورودی و خروجی کشور مورد نیاز است. این سیستم باید قادر باشد تا ارزش واقعی کالاها را تعیین و بر اساس نرخهای مالیاتی مصوب، مالیات مربوطه را مشخص نماید. بدیهی است هر گونه اختلاف در قیمتهای واقعی و اعلام شده کالاها می تواند موجبات تحلیل پایه پولی را فراهم سازد. برای مثال و با رعایت اصل مقصد، چناچه ارزش کالاها کمتر از میزان حقیقی آنها اعلام و پذیرفته گردد، زبان مالیاتی ناشی از آن به مراحل بعدی تولید و توزیع منتقل می گردد. بالعکس رعایت اصل مبدا به هنگامی که قیمت کالاهای صادراتی کمتر از قیمت واقعی آنها اعلام گردد سبب خواهد شد تا با پرداخت غیر واقعی اعتبار مالیاتی، هزینه های دولت افزایش یابد.به عنوان جمع بندی اثر مالیات بر ارزش افزوده برتراز تجاری و همچنین تراز پرداختها می توان عنوان نمود که عموما اعتقاد بر این است که مالیات بر ارزش افزوده می تواند موجبات افزایش نرخ مبادله شده و به عبارتی موجبات افزایش قدرت رقابتی کالاهای تولید داخل را در بازارهای جهانی فراهم آورد. در این صورت انتظار می رود که با استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده و با اعمال نرخهای مالیاتی صفر بر کالاهای صادراتی، تراز جاری و همچنین تراز پرداختها افزایش یابند.اثر مالیات بر ارزش افزوده بر سرمایه گذاریمی دانیم تحت شرایطی که بار تکفل در جامعه بالا باشد، تنها راه تشویق پس انداز و در نتیجه سرمایه گذاری، کاهش بار مالیاتی بالاخص برای اقشار برخوردار از سطوح پایین در آمدی است.از این رو

استدلال می گردد که با توجه به آنکه مالیات بر ارزش افزوده برخوردار از نرخهای پایین مالیاتی می باشد. به رغم آنکه ارزش افزوده حاصل از به کارگیری سرمایه را مشمول مالیات قرار می دهد ولی در مقایسه با نرخهای تصاعدی مالیات بر در آمد، بار مالیاتی کمتری ایجاد نموده و لذا می تواند موجبات تشویق سرمایه گذاری را فراهم سازد. البته ذکر این نکته ضروری است که تعیین اثر نهایی مالیات بر ارزش افزوده بر سرمایه گذاری منوط به تعیین پرداخت کننده نهایی مالیات بوده و می بایست به این منظور میزان انتقال مالیاتی صورت گرفته مورد بررسی قرار گیرد. به این معنی که در نتیجه وضع مالیات بر کالاهایی که برخوردار از کششهای قیمت تقاضای نسبتا پایینی می باشند می توان انتظار داشت که مصرف کنندگان آن کالاها پرداخت کنندگان اصلی مالیات فوق بوده در نتیجه و با این فرض که مصرف کنندگان فوق در سطوح پایین در آمدی قرار دارند می توان پیش بینی نمود که مالیات فوق به ضرر پس انداز عمل نموده و همچنین اگر پس انداز را منبع اصلی تامین نیازهای سرمایه گذاری بدانیم، می توان انتظار بر تضعیف سرمایه گذاری داشت. در هر حال اثر نهایی بر سرمایه گذاری بر آیندی خواهد بود از عوامل مختلفی نظیر: روش اعمال مالیات بر ارزش افزوده، نرخهای مالیاتی، نوع کالاها و خدمات مشمول مالیات، معافیتهای مالیاتی و... برای مثال به کارگیری روش مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرفی می تواند در مقایسه با سایر انواع روشهای اعمال مالیات فوق موجبات تشویق سرمایه گذاری را فراهم سازد.از سوی دیگر یکی از دغدغه های سیاست گذاران مالیاتی در به کارگیری نظام مالیات بر ارزش افزوده، پیش بینی اثرات تنازلی برای آن است. از آنجا که این مالیات عمدتا با نرخ یکسان بر عموم کالاها و خدمات صرفنظر از کشش های قیمتی و در آمدی تقاضای آنها وضع می گردد می تواند موجبات انتقال بار مالیاتی را به مصرف کنندگان کالاها و خدمات فراهم سازد که این امر سازگار با اصول عدالت مالیاتی نبوده و در صورتی که به نحو مناسبی خنثی نگردد می تواند موجبات تعمیق عدم اعتماد و شکاف میان عموم مودیان مالیاتی (مصرف کنندگان) و دولت را فراهم آورده، مالیات گریزی را تشویق نماید. در این راستا و به منظور خنثی نمودن اثرات تنازلی مالیات برارزش افزوده در اغلب کشورها، کالاها و خدمات استراتژیک و ضروری مشمول نرخهای پایین تر گشته و بالعکس پاره ای از کالاهی لوکس مورد اصابت نرخهای بالاتر مالیاتی قرار می گیرند.اما تعدد نرخهای مالیاتی خود می تواند به عنوان مانعی بر سر راه استقرار موفق این نظام مالیاتی تلقی گردد چرا که از مزایای نظام مالیاتی فوق در مقایسه با نظام مالیات تک مرحله ای بر مصرف، سادگی آن می باشد که خود نشات گرفته از نرخ همسان مالیاتی برای عموم کالاها می باشد. از اینرو در تعیین نرخ مالیات بر ارزش افزوده می بایست نهایت دقت صورت پذیرد تا علاوه بر تامین نیازهای در آمدی دولت بتواند آثار تنازلی آنرا به حداقل رسانده و دولت را از به کارگیری نرخهای چندگانه مالیاتی تا حد امکان بی نیاز سازد.اثر مالیات بر ارزش افزوده بر مصرف و پس اندازبررسی نحوه اثر گذاری مالیات بر ارزش افزوده بر سطح پس انداز خانوارها و بنگاه ها و همچنین بر سطح پس انداز در جامعه، نیازمند وجود شناخت دقیق از الگوهای مصرفی و پس اندازی افراد و همچنین بر سطح پس انداز در جامعه، نیازمند وجود شناخت دقیق از الگوهای مصرفی و پس اندازی افراد و همچنین انگیزه های پس اندازی بنگاهها می باشد به عبارتی تنها با اشراف بر روابط رفتاری حاکم بر انتخابهای فردی و همچنین عوامل اثر گذار بر تخصیص منابع در بنگاهها می توان نحوه اثر گذاری مالیات بر ارزش افزوده و یا اصولا هر گونه مالیاتی را بر مصرف و پس انداز در جامعه مورد بررسی قرار داد. اما در شرایط فقدان چنین شناختی بهره گیری از بعضی مشخصه های رفتاری می تواند ما را در پیش بینی اثرات فوق یاری سازد. به این منظور و در ابتدا می بایست با بهره گیری از دانش اقتصادی، ابعاد مختلف اثر گذاری مالیات بر ارزش افزوده را مورد بررسی قرار داده و سپس با استفاده از واقعیت های جامعه به تعیین بر آیند احتمالی آنها همت گمارد. از اینرو به اختصار به بررسی ابعاد مختلف اثر گذاری مالیات فوق بر الگوی پس اندازی افراد در جامعه می پردازیم.در ادامه به بررسی عوامل موثر بر الگوی پس انداز بنگاهها خواهیم پرداخت.اثر در آمدی وضع مالیات بر ارزش افزوده بر مصرف خانوارمی دانیم وضع مالیات بر ارزش افزوده و یا هر مالیات دیگری سبب خواهد گردید تا بخشی از قدرت خرید و در آمد خانوارها به عنوان مالیات به بخش عمومی انتقال یابد به بیانی ساده تر می توان عنوان نمود که وضع مالیات بر ارزش افزوده سبب کاهش توان مصرفی و پس اندازی افراد در جامعه خواهد گشت. این کاهش در در آمد، بسته به سطح در آمد و همچنین جایگاه پس انداز در بودجه خانوار می تواند اثرات متفاوتی را بر سطح پس انداز و همچنین مخارج مصرفی خانوار بجای گذارد اگر فرض نماییم که الگوی مصرفی خانوارها از الگوی مصرف کینزی تبعیت نماید، می توان عنوان نمود که با کاهش در آمد در اثر وضع مالیات، میزان مصرف و پس انداز خانوارها در نتیجه اثر در آمدی، کاهش خواهند یافت با این تفاوت که سهم مصرف در بودجه خانوار در نتیجه کاهش در آمد افزایش و سهم پس انداز در آن کاهش خواهند یافت.از سوی دیگر، در صورت برخورداری مصرف از چسبندگی و عدم انعطاف مصرف کنندگان در کاهش پایه مصرفی می تواند سبب گردد تا میزان مصرف افراد چندان تحت تاثیر کاهش در آمد فوق قرار نگرفته و بالعکس کاهش قدرت خرید افراد در نتیجه وضع مالیات، خود را در کاهش نسبتا قابل توجه پس انداز آنها نمایان سازد بر اساس این امر که بر گرفته از تئوری مصرف، دوزنبری می باشد، افراد در مقابل کاهش پایه های مصرفی خود که به آن عادت نموده اند، از خود مقاومت نشان داده و سعی می نمایند تا با استفاده از امکانات مصرفی غیر در آمدی خود نظیر منابع پس اندازیشان، به حفظ عادات مصرفی خود بپردازند.نکته قابل توجه این است که وقوع نتایج فوق الذکر در رابطه با اثرات در آمدی وضع مالیات، خود تحت تاثیر سطح در آمد جاری خانوارها قرار دارد. به عبارتی در سطوح پایین در آمد، این امکان وجود دارد که وضع مالیات فوق تنها منجر به کاهش پس انداز شده و تاثیری بر مصرف افراد بجای نگذارد. به بیانی ساده تر، در صورتی که افراد در گیر تامین نیازهای اولیه و ضروری خود بوده و عملا امکانات پس اندازی چندانی در پیش روی نداشته باشندف با وضع مالیات و در نتیجه کاهش قدرت خرید، امکان کاهش متناسب در مخارج مصرفی خود را نداشته زیرا مخارج فوق در برگیرنده نیازهای اولیه زندگی بوده و آنها الزام به تامین چنین نیازهایی را داشته و لذا تنها گزینه پیش روی آنها جهت جبران کاهش قدرت خرید، کاهش در سطوح پس اندازشان می باشد، از سوی دیگر در سطوح متوسط در آمد که مخارج مصرفی خانوار تنها در برگیرنده مخارج مصرفی ضروری نبوده و مصرف کنندگان قادر به تامین بعضی نیازهای غیر ضروری خود نیز می باشند، وضع مالیات و کاهش در آمد، می تواند موجب کاهش مصرف و پس انداز آنها گردد.بالعکس در سطوح بالای در امد که پس انداز سهم قابل توجهی از بودجه خانوار را به خود اختصاص می دهد، تحقق نظریه دوزنبری امکان پذیر بوده، ممکن است افراد با اتکا بر منابع پس اندازی خود در مقابل کاهش پایه های مصرفی از خود مقاومت نشان دهند. همچنین در این سطوح از در آمد این امکان نیز وجود دارد که افراد با توجه به کاهش در آمد خود در نتیجه وضع مالیات به کاهش در سطوح پس اندازی و مصرفی خود اقدام نمایند.عامل اثر گذار دیگر در تعیین اثرات در آمدی وضع مالیات بر ارزش افزوده، به میزان اطمینان جامعه در خصوص موقتی و یا دائمی بودن تغییرات مالیاتی بر می گردد. به این معنی که تلقی دائمی بودن تغییرات مالیاتی و به عبارتی دائمی بودن تغییرات در قدرت خرید افراد، آنها را وادار به تجدید نظر در الگوی مصرفی و پس اندازی خود می نماید، در حالیکه موقتی انگاشتن تغییرات فوق ممکن است تنها در تغییرات پس اندازی منعکس گردد. برای مثال اگر افراد بدانند که در آمد آنها بطور دائمی کاهش یافته و لذا دیگر قادر به تامین سطوح جاری مصرف و پس انداز خود نمی باشند. آنها را وادار خواهد ساخت تا با تجدید ساختار مصرفی و پس اندازی خود، به تغییر در در آمد واکنش مناسبی نشان دهند. اما در صورتی که تغییر در درآمد و قدرت خرید موقتی تلقی گردد، این امکان وجود دارد که افراد به جهت حفظ عادات مصرفی جاری خود در دوران موقتی تغییر در آمد، تنها به تغییر در سطوح پس اندازی خود دست زده و به تغییرات در آمد پاسخ گویند. لذا در جمع بندی اثر در آمدی وضع مالیات می توان عنوان نمود که میزان پس انداز و مصرف افراد در نتیجه وضع مالیات بر ارزش افزوده کاهش خواهد یافت با این توجه که میزان کاهش در آنها بسته به عوامل مختلف از جمله سطح در آمد جاری افراد متفاوت خواهد بود.اثر مالیات بر ارزش افزوده در ایجاد ثبات اقتصادی در ادبیات اقتصادی همواره از مزایای تثبیت کننده های خودکار در نظام مالیاتی یاد می گردد. تثبیت کننده های خودکار آن دسته از متغیرهای مالیاتی می باشند که فاقد درنگهای دورنی بوده و بر اساس نوسانات اقتصادی و به صورت خودکار تغییر یافته و سبب کاهش ضریب فزاینده مخارج مستقل گشته و لذا می توانند موجبات کاهش دامنه نوسانات اقتصادی را در مواجه با تغییرات ناخواسته در اجزا تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی فراهم سازند. از جمله این عوامل می توان به

نرخ مالیات بر در آمد در سیستم مالیات تصاعدی اشاره نمود که سبب کاهش دامنه نوسانات اقتصادی گذشته و در ادوار رکورد و رونق اقتصادی موجبات کاهش انحراف از وضیعت تعادلی را فراهم می سازد. حال اگر نظام مالیاتی فوق بوسیله نظام مالیات بر ارزش افزوده که در آن نرخهای مالیاتی فاقد واکنش نسبت به شرایط اقتصادی و ادوار رونق و رکور می باشند، جایگزین گردد، نقش تثبیت کننده های خودکار در اقتصاد کاهش یافته، عملا امکان گسترش دامنه نوسانات اقتصادی فراهم می گردد. لذا به کار گیری نظام مالیاتی فوق بخصوص در جوامعی که از عدم ثبات در روند اقتصادی خود در رنج می باشند می بایست در نهایت دقت صورت پذرد.دیدگاه هااما به‌نظرمی‌رسدعمرقانون تجمیع عوارض خیلی به‌طول نیانجامید، چراکه چندی است صحبت ازمالیات برارزش افزوده، نقل محافل شده و حرف ازبردن این لایحه به مجلس توسط دولت وبه تصویب‌رساندن این قانون است .صحبت درباره‌ی مالیات برارزش‌افزوده مارا برآن داشت تا با مددجستن ازصاحب‌نظران در وزارت اموراقتصادی‌ودارایی وهمچنین دبیرخانه‌ی صنعت به تحلیل ونقد این موضوع بپردازیم تا درنهایت دریابیم که آیا تصویب این قانون به نفع تولیدکننده و صنعت‌گرایرانی است یاباعث رکود ونابودی تولید درایران؟الف) دکتر هادی زنور، استاد دانشگاه علامه‌طباطبایی ، مالیات بر ارزش افزوده را منبع درآمد مناسب و مطمئن برای شهرداری‌ها می‌داند و می‌گوید: مالیات برارزش افزوده یک مالیات‌برمصرف چند مرحله‌ای است و از آن‌جایی که این مالیات از مصرف گرفته می‌شود کم‌تر دست‌خوش نوسان می‌شود و می‌تواند پایه‌ی مالیاتی پایداری در سیستم اقتصادی ایجاد کند . قاسم عزیزی، نماینده‌ی شازند و نایب‌رییس اول کمیسیون اقتصادی مجلس، نیز در این مورد می‌گوید: هدف از تدوین لایحه‌ی مالیات بر ارزش افزوده توزیع عدالت در سطح جامعه است و در این نوع مالیات هرکس که مصرف بیشتری داشته باشد مالیات بیشتری می‌پردازد .ب) آقای اصغر امیدوار که یکی ازمسؤولان وزارت اموراقتصادی‌ودارایی در رابطه با مالیات بر ارزش افزوده توضیحاتی داده اند که در اینجا به آن اشاره می کنیم .(لازم به گفتن نیست که این وزارت ومسؤولان آن، کاملاً موافق این قانون وصنعت‌گران ومسؤولان تشکل‌های تولیدی وصنعتی، مخالف کلی این لایحه هستند ومعتقدند تصویب این قانون، یعنی نابودی صنعت وتولید کشور) . ازجمله وظایف اقتصادی دولتی کارآمد،برنامه‌ها وسیاست‌های مختلف درجهت تخصیص بهینه‌ی منابع تولیدی بین دوبخش خصوصی وعمومی،توزیع عادلانه‌ی درآمد و ثروت در جامعه،تثبیت قیمت‌ها،حرکت به‌سوی وضعیت مناسب اشتغال و درنهایت دست‌یابی به رشداقتصادی هرچه بیشتر است.وی ادامه می‌دهد: دولت برای انجام وظایف ومسؤولیت‌های اقتصادی خود به منابع مالی نیازمند است.این منابع را از محل درآمدهای مالیاتی و همچنین از طریق فعالیت‌های اقتصادی خود جمع‌آوری می‌کند. ویژگی مهم این منابع مالی،اغلب نامنظم وتااندازه‌ای نامطمئن‌بودن حصول این درآمدها برای دولت است واگردولت اتکای بیش ازحدی برروی این قسم از درآمدها داشته باشد با عواقبی چون کسری پی‌درپی در ساختار بودجه مواجه می‌شود. این درحالی است که درآمدهای ناشی ازجمع‌آوری مالیات نه‌تنها مطمئن وقابل اتکاست بلکه می‌تواندآثار اقتصادی مطلوبی را نیز به همراه داشته باشد.امیدواردر ادامه می گوید: فروش نفت و گاز از اقلام عمده‌ی تشکیل دهنده‌ی درآمدهای دولت است.اتکای بیش ازحد به درآمدهای نفتی با توجه به نوسان‌های شدید بهای نفت در بازار جهانی،بی ثباتی کل درآمدهای دولت را درطی دهه‌های گذشته،در اقتصاد ایران موجب شده است. ازسویی‌دیگربه علت پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی در تأمین مخارج دولت و همچنین کافی‌نبودن درآمدهای غیرمالیاتی در جهت پوشش‌دادن مخارج ،دولت را سال‌های مختلف با کسری بودجه مواجه کرده است، وجود این کسری در درازمدت واستقراض از بانک‌مرکزی جهت تأمین آن، وهمچنین تزریق درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت به اقتصاد کشور، باعث تشدید تورم دراقتصادایران شده است.بنابراین ضرورت اصلاح وتجدیدنظردرنظام مالیاتی کشورامری اجتناب‌ناپذیراست .امیدوار معتقد است که استفاده از نظام مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مناسب جهت اصلاحات مالیاتی و بالابردن سهم مالیات‌ها در تأمین مالی دولت نقش مهمی را ایفا نماید. به‌همین منظور لایحه‌ی مالیات بر ارزش‌افزوده توسط کارشناسان تدوین وبه مجلس تقدیم گردید وکمیسیون‌های مجلس نیز نظر مساعدی در خصوص آن دارند .۱. مفهوم ارزش افزوده چیست ؟درخصوص مفهوم ارزش افزوده، تعاریف مختلفی وجود دارد.ولی به‌طور کلی ارزش افزوده یک موسسه‌ی برابر است با تفاوت بین عایدات ناشی ازفروش محصول تولید شده وکل هزینه‌هایی که صرف تهیه‌ی مواداولیه،کالاـ وخدمات واسطه‌ای شده است. (یعنی هزینه‌ی تولید)۲. روش‌های محاسبه‌ی مالیات برارزش افزوده ؟به دو روش تفریقی وتجمیعی است و هر کدام از این روش ها نیز به نوبه خود از دو طرقه مستقیم و غیر مستقیم حاصل می گردند و نتاج حاصله هیچ تفاوتی با هم ندارند .در روش تفریقی که از راه‌های متداول محاسبه‌ی ارزش افزوده است، تفاوت بین کل مقدارفروش وکل هزینه‌های خریدکالاها وخدمات به‌کاررفته درتولید یک بنگاه موردنظراست. (یعنی خرید–فروش = ارزش افزوده)اما در روش تجمیعی، حاصل‌جمع تمام سهم عوامل تولیددر ارزش افزوده توسط یک بنگاه تولیدی محاسبه می شود،یعنی:استهلاک + بهره + سود + اجاره + دستمزد = ارزش افزودهکه دراین میان ،سهم عامل تولیدی نیروی کار=دستمزدسهم زمین=اجارهسهم عوامل سرمایه از تولید یک بنگاه=سود– بهره–استهلاک .۳. حال باتوجه به تعریف ارزش افزوده،تعریف مالیات برارزش افزوده چیست؟مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات چندمرحله ای است که در مراحل مختلف زنجیره‌ی تولید براساس درصدی ازارزش افزوده کالاهای تولیدشده یا خدمات ارائه‌شده گرفته می‌شود.این مالیات در واقع نوعی مالیات‌برفروش چندمرحله‌ای است که خریدکالاهاوخدمات واسطه‌ای را از پرداخت مالیات معاف می‌کند.۴. انواع مالیات بر ارزش افزوده ؟مالیات برارزش افزوده ازنوع تولیدی،درآمدی ومصرف می باشد .درروش مالیات برارزش افزوده ازنوع تولیدی،مالیات کلی برفروش اعمال می‌شود.این نوع مالیات هم برکالاهای مصرفی وهم سرمایه‌ای اعمال می‌گردد. یعنی به خریدکالاهای سرمایه‌ای توسط بنگاه اقتصادی اعتبارمالیاتی تعلق نمی‌گیرد.در مالیات بر ارزش افزوده ازنوع درآمدی ، مالیات‌برفروش تولید خالص کالاها است. دراین نوع از مالیات برارزش افزوده، استهلاک از پایه‌ی مالیات کسر می‌شود وسرمایه‌گذاری خالص مشمول مالیات می‌شود. این روش نسبت به روش قبلی،پایه‌ی مالیاتی کوچک‌تری دارداما همچنان به بخش تولیدوسرمایه‌گذاری در اقتصاد تحمیل می‌شود.مالیات بر ارزش افزوده ازنوع مصرف، برمبنای کالاهاوخدمات مصرفی است. در این روش کلیه‌ی مخارج سرمایه‌گذاری ناخالص از پایه مالیاتی حذف می‌شود.سرمایه‌گذاری واستهلاک ازشمول پایه‌ی مالیاتی خارج می‌شود یعنی دراین حالت بارمالیاتی از تولید به مصرف انتقال یافته است.این امر باعث بالارفتن انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری و تولید دراقتصاد می‌شود.بنابراین اکثرکشورهای اجراکننده‌ی نظام مالیات برارزش افزوده ازاین روش استفاده می‌کنند.۵. اهداف دولت ازاین لایحه چیست؟با توجه به سیاست‌ها و اهداف قانون برنامه‌ی سوم وچهارم توسعه اقتصادی ،اجتماعی وفرهنگی کشور وهمچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله،اصلاح نظام مالیاتی با اهداف زیر صورت می‌گیرد:۱. افزایش سهم درآمدهای مالیاتی درترکیب درآمدهای دولت با اتکابه منابع جدید برپایه‌ی مصرف .۲. کاهش فشار مالیاتی بربخش تولید و سرمایه‌گذاری مولداقتصادی ازطریق تعدیل نرخ‌های مالیات بردرآمد.۳. افزایش کارایی نظام مالیاتی ازطریق کاهش هزینه و زمان وصول درآمدهای مالیاتی .۴. تمرکزمربوط به اخذمالیات وحذف عوارض و درآمدهای شبه‌مالیاتی.۵. افزایش مشارکت عمومی درکسب درآمدهای مالیاتی وگسترش زمینه‌ی خوداظهاری.با توجه به این اهداف می‌توان به این نتیجه رسیدکه بهترین روشی را که می توان برای نظام مالیاتی ایران درخصوص اجرای مالیات برارزش افزوده درنظر گرفت،روش مالیات برارزش افزوده‌ی برمبنای مصرف با توجه به اصل مقصد از روش صورت‌حساب است.این روش کاملاً هم‌جهت با اهدافی چون ایجاد زمینه‌ی سرمایه‌گذاری ،کاهش بارمالیاتی بربخش تولید و افزایش صادرات است و درنهایت این‌که اجرای نظام مالیات برارزش افزوده باعث افزایش درآمدهای مالیاتی به منظور دست‌یابی به یک منبع مالی قابل اتکاوباثبات برای درآمدهای دولت است.چرا تجربه‌ی شکست خورده‌ی دیگران را تکرار میکنید؟ج) هادی غنیمی‌فرد از دبیرخانه‌ی صنعت می‌گوید: درحال حاضر تولید کشور توان پرداخت چنین مالیاتی را ندارد.اقتصاد را به زحمت از زیرزمین‌ها خارج کرده بودیم، صنعت‌گران و تولیدکنندگان با خود اظهاری آمده بودند تا مالیات حقه‌ی خود را بدهند و کار ها هم به‌خوبی پیش می‌رفت اما به یک‌باره ، شرکت GTZ آلمان و همچنین بانک جهانی گفتند که مالیاتی را بر تولید ایران تحمیل کنیم که به هیچ‌وجه تولید مریض و رو به‌احتضار ایران توانایی تحمل آن را ندارد.این نوع مالیات تولیدکننده را ملزم به گرفتن آن از مصرف کننده و خریدار می‌کند و اگر این کار را انجام ندهند، مشمول جریمه می‌شوند.درحالی که براساس بند چهار اصل ۴۳ قانون اساسی هیچ‌کس را نمی‌توان

وادار به انجام کاری کرد و این مخالف نص صریح قانون است که صنعت‌گران را مجبور می‌کنندکه مأمور وصول مالیات دولت بشوند و این مخالف قانون است.حال می‌گویند: این مالیات را یکجا نمی‌گیریم بلکه آن را مرحله‌به‌مرحله می‌گیریم، خوب چه تفاوتی دارد؟ شما از یک کالاـ در مراحل مختلف تولید مالیات می‌گیرید و این باعث زیرزمینی‌شدن اقتصاد کشور می‌شود.و غنیمی‌فرد با طرح یک سوال در پی یافتن یک نتیجه است و می گوید : نمی‌دانم چرا راهی را که شروع کرده بودیم و با خوداظهاری مردم را به میدان مالیات‌دهی آورده بودیم، تا به‌آخر طی نشد تا لااقل مالیات‌دادن نهادینه شود.الان نرخ تورم و ارز بالاست،قیمت‌ها دیگر تحمل وضع هفت‌درصد مالیات را ندارند و با این کارتولیدکننده را نابود می‌کنیم،صنعت‌گر وقتی از پس مالیات برنیاید، اول‌کاری که می‌کند تعدیل نیرو می‌باشد و این یعنی اضافه‌شدن به خیل بی کاران مملکت.در کشورهایی مثل فنلاند، یک‌بار این راه را رفته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اشتباه محض است و الان حتی مالیات برمصرف را منتفی کرده‌اند. درکشورهایی مثل فنلاند، ازصنایعی مالیات می‌گیرند که مثلا محیط‌زیست را آلوده می‌کند یا ضررهای مشابه دارد، پس چراما تجربه‌ی دیگران را که اتفاقا شکست هم خورده است دوباره می‌خواهیم تجربه کنیم؟ آن‌ها به جای آنکه ازتولیدکننده مالیات سرسام‌آور بگیرند، مالیات را بر کالاهای وارداتی وضع کردندکه لااقل تولیدکننده داخلی توان رقابت با آنها را داشته باشد.ملاحظه کنید، نوع چینی هرنوع کالایی دربازار با پایین‌ترین قیمت وجود دارد.حالا دولت به‌جای آن‌که جلوی واردات این کالاها را بگیرد و یا برآن‌ها مالیات ببندد، برجنس داخلی که همین حالاـ هم قدرت رقابت را از نظر قیمت با کالای چینی ندارد،مشمول هفت‌درصدمالیات می‌کند،آیا با این وضع تولیدکننده می‌تواند دوام بیاورد یا فقط باید تولید کند ودرانبار نگه‌دارد، به امید روزی که بتواند بفروشد؟شنیده می شود بعضاً می‌گویند اگر نرخ بهره را کم کنیم، به بازار شوک وارد می‌شود و این شوک قابل کنترل نیست. پس چطورمالیات هفت‌درصدی که گاهی با جرایم عدم وصول آن به ۱۲درصد هم می‌رسد،شوک به بازار وارد نمی‌کند؟در مالیات برارزش افزوده وصول مالیات را برعهده‌ی مؤسسات تولیدی گذارده‌اند؛آیا این مؤسسات نباید برای وصول این مالیات‌ها،هزینه کنند که این هزینه‌ها هم برآن هفت‌درصدمالیات، اضافه می‌شود؟ تازه جرایم هم برای عدم وصول آن درنظر گرفته شده است، درحالی که جمع‌آوری مالیات به عهده‌ی مردم نیست بلکه برعهده‌ی دولت است.با این همه این همه فریاد می‌زنیم و می‌گوییم که این کار اشتباه است، اما کسی گوش نمی‌کند ولی فردا که کمر تولید زیر بار مالیات خم شد، آن‌وقت دنبال راه چاره می‌گردند و می‌گویند که ای‌کاش راهی را که دیگران رفته وامتحان کرده بودند،ما نمی‌پیمودیم که حالا بخواهیم تاوان آن راپس بدهیم! این اظهارنظرها و کشمکش‌ها منجر به برگزاری دو همایش در رابطه با مالیات بر ارزش افزوده گردید که خانه‌ی صنعت با پرچم‌داری دکترغنیمی‌فرد مجری آن بود تا بلکه بتوانند در این همایش‌ها با کالبدشکافی این نوع مالیات توسط تولیدکنندگان ، صنعت‌گران صاحب‌نظران و نمایندگان مجلس به جمع‌بندی مناسبی در این مورد برسند .وضع مالیات برارزش افزوده به یکی از دغدغه‌های صنعت‌گران و تولیدکنندگان تبدیل شده است . این‌که صنایع به‌عنوان نهادهای پشت ویترین و جلوی چشم، همیشه در صف مقدم گرفتن مالیات بوده‌اند و این‌که آزمایش‌های اولیه درمورد هرنوع گرفتن مالیات ابتدا روی این صف‌مقدم انجام می‌گیرد باعث شد تا خانه‌ی صنعت تهران در حرکتی درخور توجه همایشی یک‌روزه را در محل باشگاه وزارت کار با حضور صاحب‌نظران، نمایندگان مجلس و دست‌اندرکاران صنعت کشور برگزار کند تا از این‌طریق به کالبدشکافی این نوع مالیات بپردازد .بی شک مالیات از منابع مهم درآمدهای دولت است . ثبات و تداوم وصول مالیات موجب ثبات در برنامه‌ریزی دولت برای ارائه‌ی خدمات موردنیاز کشور در زمینه‌های گوناگون می‌شود . تغییر وتحول در اقتصاد کشور، و درنتیجه تغییر در نحوه‌ی تولید و توزیع ثروت و درآمد مستلزم بازنگری و تجدیدنظر در انواع مالیات‌ها و نحوه‌ی وصول آن‌هاست .اما این‌که صنایع کشور و تولیدکنندگان در شرایط فعلی توان پرداخت چنین مالیاتی را دارند یا خیر ، مطلبی است که در این همایش به آن پرداخته شده است .د) دفتر اجرای طرح مالیات بر ارزش افزودهاما برای آن‌که یک طرفه به قاضی نرفته باشیم، ابتدا ضرورت اجرای مالیات بر ارزش افزوده را از نگاه دفتر اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده بررسی می‌کنیم و سپس به سخنان حاضران در همایش می‌پردازیم و درنهایت قضاوت را به خوانندگان گرامی می‌سپاریم . دفتر اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده در ضرورت اجرای این طرح عنوان می‌کند که درآمد حاصل از مالیات بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه‌ی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد و در کشورهایی که مالیات از نظام قانونی و هرمی برخوردار است بیش از ۶۰درصد بودجه‌ی عمومی را تشکیل می‌دهد .و عنوان شده است که : در اقتصاد ایران متناسب با رهنمودهای کلی سند برنامه‌ی سوم توسعه به منظور کاهش اتکای بودجه‌ی دولت به درآمد نفت مقرر شد تا سهم درآمدهای مالیاتی در ترکیب منابع درآمدی دولت با گسترش پایه‌های مالیاتی از طریق وضع مالیات برارزش افزوده افزایش‌یابد . از این رو متناسب با مفاد ماده‌ی ۵۹ قانون برنامه‌ی سوم توسعه ، سازمان امور مالیاتی کشور زیر نظر وزارت اموراقتصادی ودارایی تأسیس شد . ازجمله وظایف این سازمان در راستای اصلاح و تحول نظام مالیاتی و مکانیزه‌کردن نظام مالیاتی کشور ، اجرای مالیات برارزش افزوده است .این دفتر می‌گوید که دلایل انتخاب مالیات برارزش افزوده در بین کشورهای مختلف متفاوت بوده است . لیکن تجربه‌ی کشورهای استفاده کننده این مالیات حاکی از موارد عدیده‌ی زیر به‌عنوان مزایا و ضرورت اجرای این نوع مالیات استمالیات برارزش افزوده روش و تفکری است که چندین‌دهه از تجربه‌ی مثبت آن در سایر کشورها گذشته و مورد تأکید اکثر صاحب‌نظران است .این مالیات در بسیاری از کشورها ضمن تامین بیشتر عدالت‌اجتماعی نسبت به سایر مالیات‌ها و بدون از بین‌بردن انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری و تولید، به‌عنوان منبع درآمد جدیدی، در جهت افزایش درآمدهای دولت به‌کار برده شده است .از آن‌جایی که روش مالیات بر ارزش افزوده یک روش خوداجراست و همه‌ی مؤدیان نقش مأمور مالیاتی را ایفا می‌کنند ، هزینه‌ی وصول آن پایین است .با توجه به این‌که دراین مالیات، مؤدیان برای استفاده از اعتبار مالیاتی ملزم به ارائه‌ی فاکتورند، زمینه برای شناسایی خودبه‌خودی میزان معاملات مؤدیان فراهم می‌شود . در نتیجه یک سیستم اطلاعاتی کامل از معاملات و مبادلات تجاری ایجاد می‌شود که علاوه بر شفاف‌سازی مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی موجب سهولت اعمال مالیات‌های دیگر از قبیل مالیاتبردرآمد و مالیاتبراشتغال می‌گردد.مالیات بر ارزش افزوده یک منبع درآمد باثبات و در عین‌حال انعطاف‌پذیراست .به‌دلیل مقطوع بودن نرخ این مالیات زمان قطعیت آن بسیار کوتاه است و مشکلات طولانی‌بودن قطعیت مالیاتبردرآمدوثروت را ندارد . بنابراین تأخیر در وصول درآمدهای مالیاتی به حداقل می‌رسد .از آن‌جایی که مالیات برارزش افزوده یک مالیات مدرن است اجرای آن به بهبود فن‌آوری و بهره‌وری از طریق خودکارکردن اداری در نظام مالیاتی و حساب‌داری مالیاتی کمک شایانی می‌کند .گذری بر تاریخچه طرح مالیات بر ارزش افزوده در ایران از دیدگاه دفتر اجرای طرح:در ۱۳۷۰بخش امور مالی صندوق‌بین‌المللی‌پول در راستای اصلاح نظام مالیاتی ایران ، اجرای سیاست مالیات بر ارزش افزوده را به عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش کارایی و اصلاح نظام مالیاتی پیشنهاد کرد . با توجه به نظرات کارشناسان صندوق‌بین‌المللی‌پول ، مطالعات و بررسی‌های متعددی دراین زمینه در وزارت اموراقتصادی‌ودارایی صورت پذیرفت و اجرای مالیات بر ارزش افزوده در سمینارها و کمیته‌های مختلف علمی با حضور کارشناسان داخلی و خارجی مورد تأکید قرار گرفت ، اما درعمل به‌اجرا درنیامد . وزارت اموراقتصادی‌ودارایی درراستای طرح ساماندهی اقتصادی کشور ، انجام اصلاحات اساسی در سیستم مالیاتی ازجمله حذف انواع معافیت‌ها، حذف انواع عوارض و گسترش پایه‌ی مالیاتی را با تأکید خاص بر کارایی نظام مالیاتی شروع کرد و مطالعات جدید امکان‌سنجی دراین زمینه به‌عمل آورد . با توجه به اهمیت بسط پایه‌ی مالیاتی به‌عنوان یکی از اصول اساسی سیاست‌های مالی طرح ساماندهی اقتصاد کشور ، معاونت درآمدهای مالیاتی وزارت اموراقتصادی‌ودارایی، مطالعات علمی متعددی را با درنظرگرفتن خصوصیات فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی کشور در زمینه‌ی اجرای مالیات برارزش افزوده از دی۱۳۷۶ آغاز کرد . لایحه‌ی مالیات بر ارزش افزوده، اکنون با درنظرگرفتن اثرات اقتصادی ناشی از اجرای این مالیات با اصطلاحات و بازنگری‌های متعدد به مجلس ارائه شده است .مواردی که بهتر است در اجرای این طرح مورد توجه قرار گیرند :درمورد لایحه‌ی معروف به مالیات برارزش افزوده مطالب زیر باید مورد توجه قرار گیرد آمادگی مردم از نظر فرهنگی برای پرداخت این مالیات ، آمادگی مردم از نظر اقتصادی برای پرداخت این مالیات ،آمادگی سازمان امور مالیاتی برای جمع‌آوری این مالیات ،آمادگی واحدهای اقتصادی درگیر برای جمع‌آوری این مالیات ، که تقریباً می‌توان گفت تنها گروهی از نخبگان وزارت اموراقتصادی‌ودارایی با تماس با مشاوران

خارجی درمورد برقراری طرح مزبور قانع شده‌اند که چنین مالیاتی قابل وصول است.در پیاده‌کردن لایحه پس از تصویب مجلس ، گرفتاری‌های حقوقی متعددی وجود دارد که بایستی قبل از اجرا، راه‌حل آن‌ها کاملاً مشخص شود که چندمورد آن در زیر آورده شده است.تاریخ تعلق مالیات به کالای مورد معامله با توجه به موجودی‌های اولین‌دوره‌ی اجرا ،تأثیر برگشتی‌ها ، فروش اعتباری ، تخفیف‌های تجاری و تفاوت‌قیمت‌های خرید با تفاوت قیمت‌های فروش برای محاسبه‌ی مالیات متعلقه . مثال‌های آورده شده در دفترچه‌ی توجیهی طرح هیچ‌یک، از مصداق عملی برای ادامه‌ی کار برخوردار نیستند.درگیربودن بخش فعال اقتصادی با ایرادهای سنتی مأمورین مالیاتی نسبت به ثبت دفاتر و صدور اسناد و جریمه‌های سنگین این لایحه ، تعهد اجباری فعالان اقتصادی برای وصول و ایصال مالیات (که با مفاد متن بندچهاراصل۴۳قانون اساسی مباینت دارد.) ،هزینه‌بربودن تجهیزات و گروه محاسبه و وصول و ایصال مالیات‌ها و ایراداتی که در جلسات مشترك با گروه محترم وزارت امور اقتصادی‌ودارایی و کمیسیون اقتصادی مجلس درمیان گذارده شده است .مالیات برارزش افزوده از دیدگاه کارشناسان از نتایج مهم اجرای سیستم مالیات برارزش افزوده کاهش فرارهای مالیاتی است ● مستخدمین حسینی: کالاهای اساسی از شمول مالیات برارزش افزوده معاف شده‌اند. کسانی که مصرف بالاتر دارند باید مالیات بیشتری بدهند ●دلخوش : روش مالیات بر ارزش افزوده در ۱۳۵ کشور دنیا در حال اجراست. مالیات بر ارزش افزوده، از فرار مالیاتی جلوگیری می‌کند ●خرسندیان: مالیات برارزش افزوده یک‌بار برای همیشه تورم به‌همراه دارد● پژویان: اجرای سیستم مالیات برارزش افزوده محدوده مالیات کشور را گسترش می‌دهدمحمد کردبچه در گفت و گو با فارس، اظهار داشت: با اجرای سیستم مالیات بر ارزش افزوده، نظام مالیاتی کشور بسیار شفاف‌تر از شرایط کنونی خواهد شد و جلوی بسیاری از فرارهای مالیاتی گرفته خواهد شد. مدیر کل دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت با بیان این که اجرای این سیستم نیاز به وقت زیادی دارد، گفت: در صورت تصویب جزییات، حداقل تا پایان سال مهیا کردن بسترهای اجرایی آن طول خواهد کشید. کردبچه افزود: طبق برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است در سال دوم اجرای برنامه مالیات بر ارزش افزوده را به اجرا درآورد. وی با بیان این که با اجرای مالیات بر ارزش افزوده درآمدهای دولت افزایش خواهد یافت، گفت: طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته، سیستم مالیات بر ارزش افزوده باعث خواهد شد تا بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی، به‌صورت مالیات اخذ شود. کردبچه از دیگر نتایج اجرای سیستم مالیات بر ارزش افزوده را کاهش فرارهای مالیاتی ذکر کرد و اظهار داشت: شرط تحقق این مهم، درست اجرا کردن آن است.معاون حقوقی و پارلمانی وزارت امور اقتصادی و دارایی تصریح کرد: به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی و با هدف این که کسانی که مصرف بیشتری در جامعه دارند، مالیات بیشتری بپردازند، لایحه مالیات بر ارزش افزوده ارایه شده است.حیدر مستخدمین حسینی اظهار داشت: معافیت‌های لایحه مالیات بر ارزش افزوده نیز از همین دریچه مورد توجه قرار گرفته است. وی یادآور شد: مالیات بر ارزش افزوده، مالیاتی است که به مصرف تعلق می‌گیرد و نوعی مالیات غیرمستقیم محسوب می‌شود. معاون وزیر اقتصاد گفت: براساس لایحه پیشنهادی دولت، کالاهای اساسی از شمول مالیات برارزش افزوده معاف شده اند. مستخدمین حسینی توضیح داد: معافیت‌های این مالیات در ماده ۱۲ لایحه تبیین شده و کالاهایی مانند شکر، برنج، روغن، گندم، کالاهای مرتبط با دام، طیور، زنبور عسل و همچنین خدماتی مانند چاپ روزنامه، خدمات بانکی، کتاب و نشریه فعالیت‌های کشاورزی و موارد بسیار دیگری را در بر می‌گیرد. وی تاکید کرد: یعنی بر نیازهای اساسی و روزمره مردم مالیات بر ارزش افزوده تعلق نمی‌گیرد. به گفته معاون وزیر اقتصاد، مالیات بر ارزش افزوده جایگزین بند هـ ماده ۳ لایحه تجمیع عوارض می‌شود که ۲ هزار قلم کالاـ و خدمات را در بر می‌گیرد و در حال حاضر نیز مالیات بر این اقلام را مصرف کننده می‌پردازد. مستخدمین حسینی گفت: تمامی سازوکارهای لازم برای اجرای مالیات بر ارزش افزوده در وزارت اقتصاد پیش‌بینی شده و گزارش آن را نیز به مجلس داده‌ایم. نماینده صومعه سرا در مجلس شورای اسلامی نیز گفت: در صورت تصویب و اجرای لایحه مالیات بر ارزش افزوده، جلوی فرار مالیاتی گرفته می‌شود.سید کاظم دلخوش افزود: یکی از محاسن روش مالیات بر ارزش افزوده، جلوگیری از گسترش اقتصاد زیرزمینی و افزایش درآمد مالیاتی دولت است. وی افزود: لایحه مالیات بر ارزش افزوده که از سوی دولت تقدیم مجلس شده است، بر اساس کار کارشناسی تهیه شده است. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: روش مالیات بر ارزش افزوده در ۱۳۵ کشور دنیا از فقیر تا غنی در حال اجرا است و در برخی کشورها سابقه ۴۰ ساله دارد. وی با اشاره به این که هم اکنون در بهترین شرایط فقط ۵۸ درصد مالیات کشور جذب می‌شود، گفت: بخش عمده‌ای از درآمد مالیاتی دولت، درآمد نفت و مواد نفتی است، در حالی‌که با اجرای روش مالیات بر ارزش افزوده، درآمد مالیاتی دولت افزایش می‌یابد. دلخوش ادامه داد: اجرای روش مالیات بر ارزش افزوده یک مشکل دارد که وضع اقتصادی جامعه به هم ریخته است و اگر بتوان ساماندهی کرد، در آینده مشکلی در روش مالیاتی جدید وجود نخواهد داشت. نماینده صومعه سرا در مجلس گفت: هم اکنون صاحبان چک‌های بانکی که با آن معاملات کلان انجام می‌دهند و فرار مالیاتی دارند، شناسایی نشده‌اند و در روش جدید مالیاتی این افراد شناسایی می‌شوند. دلخوش ادامه داد: با شناسایی صاحبان صنایع مختلف با درآمدهای گوناگون می‌توان مالیات را از آنها گرفت. وی گفت هم اکنون مغازه داران و کارمندان که در دسترس دولت هستند، مالیات می‌پردازند، ولی برخی افراد که اقتصاد زیرزمینی دارند، از دادن مالیات طفره می‌روند. از سوی دیگر مدیر کل دفتر پولی وزارت امور اقتصاد و دارایی گفت: مالیات بر ارزش افزوده در میان مدت می تواند در ایجاد عدالت اجتماعی و رفع شیوه‌های تبعیض آمیز، موثر باشد. علی خرسندیان اظهار داشت: جلوگیری از فرار مالیاتی از جمله نقاط قوت مالیات بر ارزش افزوده است که در صورت مهیا بودن الزامات جانبی آن از جمله سیستم‌های مکانیکی حسابداری و نرم‌افزاری و مخابراتی می‌توانند به عنوان درآمدی قابل اتکا مورد توجه قرار گیرد. وی خاطر نشان کرد: معمولا "در شروع اخذ مالیات بر ارزش افزوده اولویت را به سطوح اولیه تولید می‌دهند و سپس مالیات به سوی توزیع حرکت می‌کند. این استاد دانشگاه تصریح کرد: از این طریق می‌توان بنا به نوع کالاـ از افراد غنی‌تر مالیات بیشتری گرفت به این صورت که درصد مالیات بیشتری بر روی کالاهای تجملی و لوکس که بیشتر مورد تقاضای دهک‌های بالای درآمدی است وضع نمود و در عوض مالیات کمتری از درآمدهای پایین گرفت. وی یادآور شد: این نوع مالیات یکبار برای همیشه تورم به همراه دارد و از این رو بهتر است اخذ مالیات طیف به طیف اجرا شود تا پیامد تورمی آن کمتر شود. همچنین جمشید پژویان اظهار داشت: یکی از اشکالات مهمی که در شرایط کنونی اقتصاد کشور را رنج می‌دهد کوچک بودن حیطه‌ای است که از آن مالیات اخذ می‌شود. وی افزود: این مشکل باعث شده تا درآمدهای مالیاتی سهم بسیار ناچیزی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص دهد. پژویان با بیان این که سیستم مالیات بر ارزش افزوده این محدوده را گسترده‌تر خواهد کرد، گفت: گسترده شدن این محدوده باعث خواهد شد تا بسیاری از فرارهای مالیاتی که در شرایط کنونی اقتصادما را رنج می‌دهد، از بین برود. عضو هیات علمی دانشگاه علامه با رد این ادعا که اجرای سیستم مالیات بر ارزش افزوده، موجب افزایش قیمت کالاـ می‌شود، گفت: برعکس نظر فوق سیستم مالیات بر ارزش افزوده به گونه‌ای است که افزایش قیمت کالاها تنها یک بار آن هم درحد ۴ تا ۵ درصد خواهد بود. وی مساله مهم در پیاده کردن این سیستم را نحوه اجرا دانست و اظهار داشت: باید هرچه زودتر تشکیلات سازمانی جهت اجرای دقیق این سیستم ایجاد شود.پیشنهاداتلذا پیشنهادات زیر جهت اجرایی‌شدن لایحه‌ی مزبور ارائه می گردد: ۱. مسکوت‌ماندن این لایحه برای مدت اقلاً ۶سال تا در این مدت فرهنگ‌سازی برای مؤدیان و برای مأموران انجام گردد واین به‌شرط آن است که قسمتی از سازمان امور مالیاتی با پی گیری، فرهنگ‌سازی مزبور را عملی کند.۲. تنظیم سازمان توزیع در کشور، به‌نحوی که پرداخت‌کنندگان مالیات بتوانند مالیات‌های پرداخت‌شده‌ی خود را از دست‌های بعدی دریافت کنند .۳. تجهیز فروش‌گاه‌ها به‌نظام کاربری ماشین‌های الکترونیک فروش‌گاهی .۴. ضمناً باید شرایطی به‌وجود آید تا دست‌کم مالیات در پای صندوق فروش‌گاه‌ها از خریداران نهایی (مصرف‌کنندگان) گرفته شود تا آن‌چه را وصول می‌شود بتوان به عنوان درآمد قطعی دولت به‌حساب آورد .اجرای خام این لایحه، پس از قانونی شدن باعث ایجاد تورم معادل نرخ مالیات مصوبه به علاوه‌ی دو درصد هزینه‌های جمع‌آوری و نگه‌داری محاسبات آن برروی قیمت کالاها می‌شود که متعاقباً درآمد قشر حقوق‌بگیر باید به تبع این گرانی به‌همان نرخ بالاـ برده شود که این روی قیمت‌ها اثر می‌گذارد و در شرایطی که آثار این گرانی‌ها برای حقوق‌بگیران ترمیم نشود به همان نسبت فروش کاهش می‌یابد و باعث افت میزان تولید و گسترش بی کاری می‌شود سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک ارزش باید نهادینه شود و برای آن فرهنگ‌سازی شود. ریشه‌ی فقر، بی کاری است و به‌جرأت می‌توان

گفت که ۹۵درصد جرایم ریشه در بی کاری دارد و فقط پنج‌درصد ریشه در عوامل دیگر دارد.بی کاری را نمی‌توان با یارانه کمیته امداد ، بهزیستی و ... حل کرد . ما، همه باید به هرطریق ممکن سرمایه‌گذاری را تبلیغ کنیم . این درحالی است که سرمایه‌گذار اگر پولش را در بانک بگذارد، سود کلانی دریافت می‌کند. درحالی که سرمایه‌گذاری در صنعت در بهترین و عالی‌ترین وضعیت، فقط ۱۰درصد سود دارد. هرچند که در اغلب موارد سرمایه‌گذاری در صنعت پایاپای هم نمی‌شود و واقعاً رسیک است . ولی سرمایه‌گذار فقط به این امید به میدان پا می‌گذارد و پولش را می‌آورد که به او احترام بگذارند و بدانند که او می‌توانسته پولش را در راه بی خطرتر و بدون ریسک به کار ببرد اما آمده و اشتغال‌زایی کرده، ریسک کرده و در صنعت سرمایه‌گذاری کرده است . درست است، مشکلات هست اما الان فرقی که با گذشته وجود دارد این است که حرف شما به گوش مسؤولان می‌رسد . اغلب مقامات ترازاول کشور عقاید خوبی درباره‌ی سرمایه‌گذاری دارند و به نظرات کارشناسی گوش می‌دهند، حتی رییس قوه‌ی‌قضاییه عقاید بسیار خوبی درباره‌ی سرمایه‌گذاری دارد .ه) شاهی‌عربلو از کمسیون اقتصاد مجلس :مجلس تصویب کرده است که هر صنعتی که حسابرس قانونی داشته باشد هرچه آن حسابرس نوشت همان قبول است و همان ملاک است و ممیز حق دخالت ندارد و باید آن را قبول کند. این مصوبه‌ی مجلس این است که ممیز به صنایع مراجعه کنند و دفتر بخواهند و براساس همان مدرک و دفتری که مؤدی ارائه می‌دهد و اظهار می‌کند، مالیات بگیرند و تنها درصورتی که دفتر و دستک وجود نداشته باشد ممیز وارد می‌شود و بگوید چه‌کار کردی .این قضیه را خیلی محدود شده و مدیران مملکتی می خواهند راهی پیدا کنند که صاحبان صنایع با راحتی خیال سرمایه‌گذاری کنند و کار کنند و صنعتگران مطمئن باشند هیچ قانونی را بدون‌نظر صنعت‌گران و کارشناسان به تصویب نمی‌رسد.چ) دکتر عدالتیان، رییس اتاق بازرگانی تهرانمالیات بر ارزش افزوده سوق‌دادن مالیات از تولیدبه‌مصرف است یا به‌تعبیری از بنگاه‌های اقتصادی به سمت خانوار است . خوب اگر قرار است این‌گونه شود باید مالیات با عنوان ارزش افزوده اضافه شود .باید هفت‌درصد از مالیات‌بردرآمد کم شود. به تعبیر بهتر، به‌جای آن‌که مالیات‌بردرآمد کم شود از ۲۵به۱۸درصد کاهش یابد .وی افزود : دولت این مالیات را به‌چشم یک منبع درآمد نگاه می‌کند. درحالی که باید ببینیم آیا وضع این نوع مالیات که در واقع مالیات‌برخانوار است واقعاً عدالت‌اجتماعی است؟ اما چرا می گوییم عدالت اجتماعی به‌خاطر آن‌که از زمان اجرایی‌شدن این قانون، هر خانوار محروم هم باید مالیات برارزش افزوده را پرداخت کند یعنی در جاهایی که حتی تولید از مالیات معاف است خانوار باید این مالیات را پرداخت کند .ادعای این‌که ارزش افزوده عدالت اجتماعی است حرف بی موردی است. چراکه خانواده‌ها از فردای وضع این قانون باید هفت‌درصد کمتر مصرف کند درحالی که به نان و بنزین همین افراد داریم یارانه می‌دهیم ، بعد می‌خواهیم هفت‌درصد مالیات اضافه‌تر بگیریم اگر این‌ها می‌توانند این مالیات را بدهند، پس چرا به آن‌ها یارانه می‌دهیم؟وب همین یارانه را قطع کنید، درآمدش هم خیلی بیشتر از مالیات است .از نظر رییس اتاق بازرگانی تهران ،مالیات برارزش افزوده زمانی مفهوم پیدا می‌کند که همه‌چیز مثل یارانه و ... مفهوم درست پیدا کند . یعنی باید اول تکلیف بنزین و یارانه‌ی آن را مشخص کنیم بعد به سراغ مالیات بر ارزش افزوده برویم .باید به این نکته هم توجه کنیم که تا امروز دولت بدون هیچ شریکی سر سود تولید نشسته بود و ۲۵درصد سود را می‌گرفت و حالا دولت با این مالیات بر سرسفره‌ی خانواده‌ها هم می‌نشیند و از هر لقمه هفت‌درصد مالیات می‌گیرد . این درحالی است که قرار بود نفت را به سر سفره‌ها ببریم تا کمکی کرده باشیم نه اینکه هفت‌درصد هم از سفره‌ی آن‌ها مالیات بگیریم .همچنین اگر قرار است این مالیات گرفته شود بایستی خیلی‌چیزها نظم پیدا کند یعنی تولید باید منظم باشد ، کارگر باید بتواند پول رفت‌وآمد ، خریدهای خانه و ... را از دولت پس بگیرد یعنی هرگونه مخارجی که برای رفتن به سرکار هزینه کرده است باید بتواند پس بگیرد مثل آلمان .از نظر ایشان مردم کشورما هم‌اکنون هم به‌طرق زیر مالیات‌برمصرف سنگینی می‌پردازند تفاوت قیمت واقعی ارز مورد معامله در بانک‌های دولتی بانک جهانی ۲۳۰ تومان(متوسط نرخ در زمان یکسان‌شدن نرخ ارز ۵۳۲ تومان - بهای ارز ارائه‌شده برای فروش ۸۹۵-۹۱۰ تومان)نتیجه گیری:قانون جدید مالیاتهای مستقیم که از سال ۱۳۶۸ به اجراء درآمد، متأسفانه در انطباق با شرایط اقتصادی کشور، به ویژه شرایط خاتمه جنگ تحمیلی با عراق که سازندگی و بازسازی را اقتضا می کرد، با کاستی ها و نارسائیهائی روبرو بود. خاصه اینکه موانع و محدودیتهای بیشتری را برای بخش صنعت و تولید در مقایسه با قانون قبلی مالیاتهای مستقیم بوجود آورده بود. هرچند با اصلاحاتی که در سال ۱۳۷۱ در اثر نیک اندیشی و دقت نظر مصلحت جویانه مسئولان اقتصادی کشور در قانون فوق به عمل آمد،تاحدی محدودیتها کاهش یافت اما بهرحال،برای رسیدن به یک قانون حمایت کننده بخش تولید، کوششی دیگر لازم بود تا راه برای توسعه صنعتی کشور هموارگردد و اقتصاد ما بتواند از طریق ورود فرآورده های صنعتی کشور به بازارهای جهانی، تعادل لازم را در مبادلات و تجارت خارجی بدست آورد. منابع:۱-اقتصاد توسعه :گیلیس، پرکینز، رومر، اسنودگراس/ ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)۲- منبع:فصلنامه حوزه ،شماره ۳۹-اقتصادبخش عمومی(مالیات ها)/دکترپژویان/انتشارات جنگل۴-سایت اقتصاد۵-سایت مردمان

سهام عدالت از دیدگاه متخصصان علم اقتصاد

الهام پرستش

پیشگفتار سهام عدالت نوعی یارانه است که طبق نظر دولت نهم، از طریق شرکت‌های تعاونی عدالت استانی به مشمولان آن واگذار می‌شود. دولت، هدف از عرضه سهام عدالت را گسترش سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران اعلام کرده است. در روزهای انتخابات ریاست جمهوری ، وعده هایی از سوی دکتر احمدی نژاد، بری سهامدار کردن همه مردم ایران و یا همه خانوارهای ایرانی مطرح شد که هرچند این ایده در آن زمان تنها در حد یک شعار انتخاباتی بود، اما اکنون به نظر می رسد این شعار و حرف به واقعیت نزدیکتر می شود. هیات دولت به ریاست محمود احمدی نژاد رییس جمهور مقرر کرده است تا پایان سال جاری واگذاری" سهام عدالت "ابتدا به خانوار های فقیر ایرانی شروع شود. مطابق این مصوبه، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شده تا بر پایه گزارش وزارت رفاه و تامین اجتماعی درباره شناسایی خانوارهای فقیر، واگذاری دو میلیون تومان سهام شرکت های دولتی را به ازای هر فرد فقیر به عنوان نمونه در یک استان ایران تا پایان سال اجرایی کند. این سهام در حقیقت همان سهام شرکت های دولتی است که هم اکنون منبع درآمد دولت می باشند و دولت بدین طریق می خواهد بخشی از درآمدهای خود را بلا عوض به مردم واگذار کند.بر اساس آیین نامه اجرایی طرح " سهام عدالت "مقرر شده است تا پایان سال جاری این طرح در یکی از استان های کشور بطور کامل اجرا شود و بازخورد آن الگویی برای اجرای طرح در سراسر کشور باشد.سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نیز موظف است، حداکثر تا دو ماه دیگر فهرست اولویت بندی شده افراد مشمول این طرح را از بین افراد تحت حمایت کمینه امداد ، سازمان بهزیستی ، بنیاد شهید ، سازمان بازنشستگی ، جامعه ایثارگران و کارمندان تهیه کند. بدین ترتیب به هر یک از افراد مشمول که کم ترین درآمد ها را دارند با اولویت یثارگران، خانواده‌هی تحت پوشش کمیته امداد و بازنشستگان حداکثر ۲ میلیون تومان سهام واگذار می‌شود و سقف پرداخت بری هر خانواده نیز ۱۰ میلیون تومان است .تعداد افراد خانواده در این طرح ۵ نفر در نظر گرفته شده است و در صورتی که تعداد افراد خانواده بیش از این تعداد باشد، سهام تخصیصی بین همه افراد خانوار توزیع خواهد شد و از این بابت سهام اضافه ی تعلق نخواهد گرفت.واگذاری سهام «عدالت» به افراد مشمول نیز حداکثر با اقساط ۲۰ ساله خواهد بود. وجه اقساط واگذار شده ترجیحاً از محل سود سهام پرداخت می شود و امکان فروش این سهام در کوتاه مدت امکان پذیر نیست.در پاسخ به این پرسش که آیا این سهام پولی است که نقدا به دست مردم می رسد یا درآمدی است که در آینده نصیب آنها خواهد شد، نیز باید گفت نویسندگان این طرح پیش بینی کرده اند که دارایی مالی این اوراق سهام به شرکت هی واسطه ی، تعاونی یا سهامی عام داده شود، مردم سهامدار این شرکت هی تعاونی شوند و این سهام به شرکت ها یی که امین مردم محسوب می شوند ، واگذار شود. در واقع مردم به صورت غیرمستقیم سهامدار شرکت هی دولتی می شوند. در حقیقت می توان سهام عدالت را چون وامی ۲ میلیون تومانی دانست که دولت از محل درآمدهای عمومی خود مثل شرکت های دولتی و درآمد های نفتی به هر فرد ایرانی کم درآمد می دهد. اما نه بصورت یک جا بلکه بصورت اقساط ماهانه که حداکثر ۲۰ سال طول خواهد کشید. بیان مسئله: با توجه به گذشت دوران فعالیت دولت نهم و برنامه چهارم توسعه کشور آیا دولت محمود احمدی نژاد خواهد

توانست شاخص های هدف برنامه را محقق سازد؟شاخص هایی که به عنوان هدف در برنامه چهارم تعیین شده است لزوما شاخص هایی نیستند که مبتنی بر واقعیت های کشور یا معطوف به ملا حظات علمی تهیه شده باشند به علا وه این که طی این مدت تغییراتی در احکام برنامه به وجود آمده است. بنابراین اصولا هدف گرفتن آن شاخص ها با توجه به ملا حظاتی که مطرح شد نادرست است و حتی اگر آن اهداف حاصل شوند بیشتر شبیه یک تصادف است. به دلیل این که احکام به سمت شاخص هایی می رود که با منابع موجود در برنامه سازگاری ندارند. در برنامه چهارم به وسیله مجلس هفتم و دولت نهم تغییراتی ایجاد شده است که این تغییرات شاخص ها را متاثر نموده است و نمی توان بدون تاثیر این تغییرات در شاخص های هدف برنامه از نائل شدن به اهداف برنامه صحبت کرد. در حالی که برنامه چهارم توسعه در مجلس ششم تهیه و تدوین شد ولی در نهایت مجلس هفتم با بازنگری مجدد برنامه را به تصویب نهایی رسانید، با در نظر گرفتن تغییراتی که در مجلس هفتم صورت گرفته است شاخص های برنامه را غیرواقعی و غیرقابل دسترس می دانید؟نهایی شدن برنامه در مجلس هفتم معطوف به مواردی است که شورای نگهبان ایراد گرفته بود و عمده احکام برنامه همان طور که مجلس ششم تصویب کرد حفظ شد. ولی ماده ۳ برنامه مربوط به حامل های انرژی می شد و چون تحقق یا عدم تحقق آن دربرگیرنده مبالغ زیادی پول بود آن ماده در شاخص های برنامه تغییراتی ایجاد می کرد و البته بعدها توسط لوایحی از همان جنس پول نفت تغییراتی حاصل شد. بنابراین شاید تغییرات ایجاد شده در مواردی از اهداف برنامه فراتر برود و در مواردی هم نتواند هدف های برنامه را محقق سازد حال برای روشن شدن موضوع سئوالاتی مطرح کرده وبه پاسخگویی می پردازیم. ۱-تاثیرات تورمی سهام عدالت براقتصاد ۲-تاثیرسهام عدالت برخرج کرد ذخایرارزی ۳-نقش سهام عدالت بربیکاری ۴-چگونگی تامین منابع مالی سهام عدالت بدون زیرساخت های اقتصادی اهمیت موضوع: این طرح ازاین نظرحائزاهمیت است می باشدکه: باتوجه به این که طرح درسطح کشورودرمیان کلیه اقشارجامعه درحال اجرامی باشدبایدنقاط قوت وضعف آن شناسایی وموردبرسی قرارگید.زیراچنین تصمیماتی می تواندبرآینده اقتصادی اریان ومردم آن اثرات مثبت ویامنفی برجای گذارد. اهداف تحقیق: الف:هدف کلی بررسی میزان تاثیرطرح سهام عدالت دربهبودوضع اقتصادی افرادجامعه ب:اهداف جزئی ۱-بررسی این که به چه کسانی سهام عدالت تعلق می گیرد ۲-برسی میزان تاثیراین طرح براقشارکم درآمدوپردرآمد طرح سئوال: سئوال اصلی: آیابرقراری طرح سهام عدالت دربهبودوضع اقتصادی افرادکم درآمدموثراست؟ سئوال فرعی: آیاسهام عدالت بین افرادخاصی قابل تقسیم است؟ فرضیات تحقیق: فرضیه اصلی: سهام عدالت منجربه بال رفتن قدرت اقتصادی اقشارکم درآمدمی شود. فرضیه های فرعی ۱-سهام عدالت سطح درآمدی مردم رامعتدل ترمی کند. ۲-سهام عدالت باعث توزیع عادلانه ثروت درسطح جامعه می شود. فصل دوم ادبیات موضوعی سازوکار اجرایی طرح سهام عدالت سهام عدالت درمیان طرح‌های اقتصادی دولتی که با شعار حمایت از قشر کم‌بضاعت جامعه سکاندار بالاترین رکن اجرایی ایران شده، اهمیت بسیاری یافته و به کرات دست گرم حمایت مسئولان را بر شانه‌های خود احساس کرده است. نوشته پیش‌رو که با دیدگاهی نقادانه تنظیم شده، در گام اول شناخت جامع طرح سهام عدالت را هدف قرار داده و با استناد به مصوبات مربوط، به تشریح اهداف، ساختار و مراحل اجرایی پروژه مورد بحث پرداخته است. نقد منصفانه طرح سهام عدالت که به دو دسته تبعات ساختاری و تبعات اجرایی تفکیک شده است، دومین بخش متن پیش‌رو را شکل داده و در انتها نگارنده به جمع‌بندی تحقیق خود و ارایه پیشنهاد برای رفع نقایص وارد بر طرح، پرداخته است. ۱- مقدمه توزیع سهام شرکت‌های دولتی در میان جامعه و به‌ویژه اقشار کم بضاعت آن در اواخر دوره دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی مطرح شد و در کوران رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در برنامه‌های اقتصادی تعدادی از نامزدها جای گرفت. با پیروزی آقای دکتر احمدی‌نژاد بر دیگر رقبا، اجرای طرح سهام عدالت با جدیت بیشتری مورد تأکید مسئولان جدید قرار گرفت و سرانجام «آیین‌نامه اجرایی افزایش ثروت خانوارهای ایرانی از طریق گسترش سهم بخش تعاون براساس توزیع سهام عدالت» در تاریخ ۹/۱۱/۸۴ و پس از اصلاح متن اولیه که خود در ۲۳/۸/۸۴ مصوب هیأت وزیران شده بود، به تصویب این هیأت رسید. تصویب اساسنامه شرکت کارگزاری سهام عدالت در همین روز بر عزم راسخ دولت جدید در عملی ساختن این پروژه صحه گذاشت و سهام مزبور پیش از آغاز سال ۸۵ مطابق ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی پیش گفته، در چهار استان به تعدادی از مشمولان طرح اعطا شد. طرح مورد بحث که بنا به اساسنامه شرکت کارگزاری سهام عدالت و به گفته مسئولان آن اهدافی همچون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در بین اقشار کم درآمد، کاهش خطرات ناشی از تمرکز دولت، بهبود توزیع ثروت و درآمد و تسریع در روند خصوصی‌سازی را نشانه رفته، با نقد منتقدان و تأیید حامیان روبه‌رو شد و بحث‌های فراوان برانگیخته است. متن پیش‌رو می‌کوشد تا با معرفی و نقد منصفانه طرح سهام عدالت گامی در راستای کمک به توزیع همگون‌تر ثروت ایرانی در میان ایرانیان بردارد. ۲- معرفی طرح سهام عدالت ۲-۱- اهداف طرح اهداف طرح براساس اساسنامه سهام عدالت، اساسنامه تیپ تعاونی‌های عدالت استانی و گفته‌های دست‌اندرکاران، مشتمل بر موارد زیر است: ۱- توزیع متعادل‌تر ثروت و درآمد ۲- تسریع در روند خصوصی‌سازی ۳- استفاده از روش‌های سالمتر و شفاف‌تر در واگذاری سهام شرکت‌های دولتی ۴- افزایش ثروت و ایجاد درآمد دائمی برای خانوارهای ایرانی ۵- کاهش تمرکز مالکیت دولت و انتقال مالکیت به عموم مردم ۶- افزایش کارایی بنگاه‌های دولتی ۷- گسترش سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور. شاید بتوان اهداف دیگری را نیز از میان سخنان مسئولان برای طرح مورد بحث متصور شد، لکن تحقق اهداف هفت‌گانه فوق به خودی خود بر بار گرانی که این پروژه بر دوش دارد دلالت دارد و بر ظرافت‌ها و دقایق مورد نیاز در امر طراحی سازوکار پیچیده‌اش صحه می‌گذارد. ۲-۲- ساختار اجرایی طرح ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت، عالی‌ترین نهاد فعال در پروژه مورد بحث است. این ستاد از ۱۸ عضو تشکیل شده که ۱۲ عضو آن دارای حق رأی و ۶ عضو دیگر حق رأی ندارند. ریاست این ستاد برعهده بالاترین مقام اجرایی کشور است و ۹ وزیر هیأت دولت در کنار رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران ۱۲ عضو دارای حق رأی این ستاد را تشکیل می‌دهند.[۱] ستاد مرکزی که با هدف برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر فرآیند واگذاری سهام عدالت تشکیل شده است از اختیاراتی همچون واگذاری سهام عدالت، تعیین اولویت استان‌ها و مشمولان طرح، تصویب ضوابط اجرایی، تعیین وظایف ستادهای استانی و نظارت بر عملکرد آنها و انجام هرگونه اقدامات اجرایی لازم در چارچوب مقررات مربوطه، برخوردار است.[۲] ستادهای استانی را شاید بتوان دومین نهاد مؤثر در فرآیند اجرای پروژه سهام عدالت دانست. این ستادها که با توجه به استان‌های مشمول طرح باید به ۳۰ ستاد بالغ شوند، از ۱۵ عضو متناظر با اعضای مرکزی در سطح استان تعیین می‌شوند که ۵ عضو از اعضا بدون حق رأی در جلسات شرکت خواهند کرد. وظایف و اختیارات ستادهای استانی مواردی نظیر مدیریت جمع‌آوری اطلاعات مشمولان طرح، پیگیری ثبت و راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی عدالت استانی، ارسال فراخوان به مشمولان برای عضویت در تعاونی‌های عدالت، نظارت بر انتخابات نمایندگان اعضای تعاونی‌های مزبور، رسیدگی به شکایات واصله و بررسی و ارائه گزارش عملکرد مرحله‌ای برنامه توزیع سهام عدالت را شامل می‌شود. مسئولیت حسن اجرای تصمیمات ستاد استانی که به ریاست استاندار تشکیل می‌شود برعهده رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان است.[۳] در صورتی که ستاد مرکزی و ستادهای استانی را نهادهای نظارتی پروژه سهام عدالت بدانیم، شرکت کارگزاری سهام عدالت مهمترین رکن اجرایی این پروژه خواهد بود. اهداف این شرکت برمبنای اساسنامه‌ای که در تاریخ ۹/۱۱/۸۴ به تصویب هیأت وزیران رسیده است مواردی نظیر گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در میان اقشار کم درآمد، کاهش خطرات تمرکز مالکیت دولت، تجهیز پس‌اندازها و بهبود توزیع ثروت و درآمد را در بر می‌گیرد. دامنه فعالیت شرکت بسیار گسترده و فراگیر است و اولین بند آن که بر دریافت و اداره هرگونه سهام و حقوق مالکانه متعلق به دولت دلالت دارد و آخرین بند که به انجام هرگونه فعالیت مجاز و نافع برای شرکت اشاره کرده، مؤید فراخی بسیار حوزه عمل این شرکت است. از دیگر موارد فعالیت شرکت می‌توان به انجام کلیه امور واسطه‌گری مالی از انجام خدمات کارگزاری تا پذیره‌نویسی اوراق بهادار، انجام هرگونه عملیات و خدمات مالی و تسهیلات بازرگانی و همچنین فروش سهام عدالت به تعاونی‌های عدالت استانی و جمع‌آوری وجوه فروش اقساطی، اشاره کرد.[۴] سرمایه این شرکت در زمان تأسیس پانصد میلیون ریال است که صددرصد آن به وزارت اقتصاد و دارایی تعلق دارد و سهام طبقه الف (ممتاز) نامیده می‌شود. سهام شرکت به تدریج به تعاونی‌های عدالت استانی واگذار شده و به سهام طبقه ب (عادی) تنزل می‌یابد. در انجام مراحل افزایش سرمایه، حق‌تقدم از سهامداران طبقه ب سلب می‌شود و کلیه حقوق آن

به سهامدار طبقه الف تعلق می‌گیرد. تصمیمات مجامع عمومی این شرکت نیز در صورت حضور و موافقت سهامدار طبقه الف یا وکیل وی معتبر خواهد بود، که این خود نشان از جایگاه ویژه وزارت اقتصاد و دارایی (دولت) در اداره شرکت کارگزاری سهام عدالت دارد.[۵] شرکت‌های تعاونی عدالت استانی دیگر نهاد اجرایی درگیر در طرح سهام عدالت هستند. در اساسنامه تیپ این شرکت‌ها از دریافت سهام شرکت‌های دولتی از طریق شرکت کارگزاری سهام عدالت، کمک به توزیع مجدد ثروت و ترویج و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی، به عنوان اهداف سه‌گانه تعاونی‌های مزبور سخن به میان آمده است. موضوع فعالیت شرکت‌های تعاونی مذکور نیز در اساسنامه پیش گفته به خرید سهام عدالت، بازپرداخت اقساط سهام مزبور و توزیع سود این سهام میان اعضا منحصر شده است. شرایط عمومی عضویت در تعاونی تابعیت جمهوری اسلامی، عدم ممنوعیت قانونی و عدم عضویت در تعاونی‌های مشابه و شرط اختصاصی عضویت براساس مصوبه ۴۲۳۸۹ هیأت وزیران، مشمول طرح سهام عدالت بودن است. کلیه اعضا مکلف‌اند به وظایف و مسئولیت‌های قانونی خود که محدود به سهم آنان که حداکثر یک صدم درصد کل سهام تعاونی است، عمل کنند. خروج اعضا از تعاونی اختیاری است و هیأت مدیره، بازرسان و مجمع عمومی عادی می‌توانند در صورت از دست دادن شرایط عمومی یا اختصاصی، عدم رعایت مقررات و ارتکاب اعمال زیان‌آور برای شرکت، اقدام به اخراج عضو از تعاونی کنند. اعضا در اولین مجمع عمومی نمایندگانی را در حوزه‌های انتخاباتی برمی‌گزینند که در مجامع بعدی به وکالت از ایشان حضور یابند. وظایفی همچون انتخاب هیأت مدیره و بازرسان، تعیین خط‌مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری و سرمایه‌گذاری و اعتبارات و وام‌های درخواستی، تصویب آیین‌نامه وظایف، اختیارات و حقوق و مزایای مدیرعامل و هیأت مدیره، بر دوش مجمع عمومی عادی نهاده شده و تغییر مواد اساسنامه، تصمیم‌گیری نسبت به گزارش بازرس در مورد تخلفات هیأت مدیره و عزل یا قبول استعفای هیأت مدیره و انحلال یا ادغام شرکت به مجمع عمومی فوق‌العاده واگذار شده است. بازرسان تعاونی که توسط مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند به نظارت مستمر به اداره تعاونی، رسیدگی به حساب‌ها و دفاتر، رسیدگی به شکایات اعضا و تذکر نسبت به تخلفات در اداره امور تعاونی همت خواهند گماشت و حق‌الزحمه و پاداش خود را براساس مصوبه مجمع عمومی عادی دریافت خواهند کرد. سازمان خصوصی‌سازی و هیأت عالی واگذاری نیز از دیگر نهادهای فعال در اجرای طرح سهام عدالت هستند که به‌طور خاص در فرآیند واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به شرکت کارگزاری سهام عدالت و واگذاری سهام شرکت کارگزاری به تعاونی‌های استانی، نقش پررنگی دارند. ۲-۳- مراحل اجرایی طرح مراحل انجام پروژه سهام عدالت را می‌توان به سه مرحله اصلی واگذاری (فروش اقساطی) شرکت‌های دولتی به شرکت کارگزاری سهام عدالت و واگذاری (فروش اقساطی) سهام شرکت کارگزاری مزبور به تعاونی‌های عدالت استانی و در گام آخر توزیع سهام تعاونی‌های مذکور به مشمولان طرح تقسیم کرد؛ هر چند هر یک از این سه مرحله به نوبه خود سازوکارهای اجرایی ویژه‌ای را می‌طلبند. انتخاب و ارزش‌گذاری شرکت‌های قابل‌واگذاری به شرکت کارگزاری، شناسایی مشمولان به عنوان اعضای تعاونی‌های عدالت استانی، ارزش‌گذاری سهام واگذار شده به هر مشمول و تعیین و دریافت اقساط سهام واگذار شده، در اولین گام اجرا نمودن سه مرحله پیش گفته خودنمایی می‌کنند. وزارت اقتصاد و دارایی وظیفه واگذاری شرکت‌های دولتی به شرکت کارگزاری را برعهده دارد.[۶] این شرکت‌ها پس از تأیید وزرای عضو ستاد مرکزی طرح با اقساط حداکثر ۲۰ ساله که از محل سود آتی خودشان تأمین خواهد شد، به شرکت کارگزاری سهام عدالت فروخته می‌شوند و سازمان خصوصی‌سازی مسئولیت وصول اقساط و واریز به حساب مربوطه را برعهده داشته و بدین‌منظور قراردادی به قائم‌مقامی سهامداران دولتی با شرکت کارگزاری منعقد می‌کند. در گام بعدی سهام شرکت کارگزاری سهام عدالت با تأیید ستاد مرکزی با اقساط حداکثر ۲۰ ساله که از محل سود آتی آن تأمین خواهد شد، به شرکت‌های تعاونی استانی واگذار خواهد شد. ارزش معامله در هر یک از مراحل یاد شده بدون احتساب سود فروش اقساطی منظور خواهد شد. از سوی دیگر سهام واگذار شده در وثیقه سازمان خصوصی‌سازی خواهد بود و معادل اقساط تسویه شده به شرکت‌های تعاونی استانی تحویل خواهد شد. اعطای وکالتنامه رسمی و غیرقابل عزل از سوی تعاونی‌های عدالت استانی به سازمان خصوصی‌سازی تا زمان تسویه کامل بدهی‌ها به عنوان ضمانت اجرایی پرداخت اقساط در نظر گرفته شده است.[۷] نکته در خور تأمل در فرآیند مزبور، واگذاری بلوک حداکثر ۲۰ درصدی سهام هر بنگاه قابل واگذاری به اشخاص دولتی یا غیردولتی حایز صلاحیت به‌منظور اطمینان از حفظ و تداوم فعالیت شرکت‌های واگذار شده است.[۸] اولویت استان‌ها و مشمولان طرح به صلاحدید ستاد مرکزی تعیین خواهد شد و مدیریت جمع‌آوری اطلاعات مشمولان و ارسال فراخوان به آنان برای عضویت در تعاونی‌های عدالت استانی از جمله وظایف و اختیارات ستادهای استانی به شمار می‌رود. در این میان واحدهای استانی کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی کشور و نیروی مقاومت بسیج منطقه تحت نظارت دبیرخانه ستاد استانی اطلاعات افراد مشمول را در قالب برنامه طراحی شده توسط دبیرخانه ستاد مرکزی جمع‌آوری می‌کنند و از همکاری و مساعدت سازمان ثبت احوال کشور نیز یاری می‌گیرند.[۹] همه چیز از سهام عدالت شاید در سال‌های اخیر کمتر موضوعی بوده است که به اندازه واگذاری عمومی سهام بین مردم مورد اتفاق نظر همه بازیگران عرصه سیاست داخلی قرار گرفته باشد. نقطه اوج این اشتراک دیدگاه، را همگان در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و دوران پس از آن شاهد بودند، به‌طوری که دو رقیب اصلی انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۸۴ یعنی آقایان محمود احمدی‌نژاد و اکبر هاشمی‌رفسنجانی هر یک به شکلی چنین پیشنهادی را ارائه دادند. در ضلع سوم این اتفاق نظر میمون می‌توان دولت سیدمحمد خاتمی را گنجاند، زیرا در واپسین روزهای فعالیت این دولت، طرح واگذاری سهام به‌عموم مردم به تصویب رسید تا جلوه‌ای دیگر از این اشتراک دیدگاه به نمایش گذاشته شود. دولت نهم نیز پس از استقرار و همچنین انجام کارشناسی‌های دقیق در بهمن ماه سال ۸۴ آیین‌نامه اجرایی افزایش ثروت خانوارهای ایرانی را با نام سهام عدالت به تصویب رساند و هدف از آن را گسترش سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران اعلام کرد. براساس این آیین‌نامه، وزارت امور اقتصادی و دارایی مسئول اجرای بند «ز» ماده (۷) قانون برنامه چهارم خواهد بود و اعمال حق مالکیت دولت در شرکت‌های مادر تخصصی، به استثنای شرکت‌هایی که ریاست مجمع عمومی آن با رئیس جمهور است، از طریق وزارتخانه یاد شده اعمال می‌شود. همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شده با رعایت قوانین و مقررات مربوط و سیاست‌های کلی مربوط به اصل چهل و چهارم قانون اساسی و پس از تشکیل شرکت واسط نسبت به واگذاری سهام قابل واگذاری دولتی به شرکت واسط اقدام کند. اعضای ستاد مرکزی سهام عدالت هم شامل رئیس جمهوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزیر کشور، وزیر صنایع و معادن، وزیر تعاون، وزیر جهاد کشاورزی، وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر دادگستری، وزیر رفاه و تأمین اجتماعی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج، سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)، رئیس سازمان بهزیستی کشور، رئیس دفتر امور مناطق محروم کشور، رئیس سازمان ثبت احوال کشور و رئیس سازمان خصوصی‌سازی است. اختیارات ستاد مرکزی به شرح زیر است: ۱- واگذاری سهام عدالت با رعایت ماده (۱۴) قانون برنامه سوم، تنفیذی در ماده (۹) قانون برنامه چهارم (حداکثر به تعداد ۴۹۹۹۹۷ سهم) ۲- تعیین اولویت مشمولان طرح ۳- تعیین اولویت استان‌ها ۴- تصویب ضوابط اجرایی و دستورالعمل‌های لازم ۵- تعیین وظایف ستادهای استانی و نظارت بر عملکرد آنها ۶- انجام هرگونه اقدامات اجرایی دیگر برای توزیع سهام عدالت در چارچوب این آیین‌نامه. به این ترتیب تصویب آیین‌نامه برقراری نظام اقساطی فروش سهام (شرکت کارگزاری سهام عدالت) به شرکت‌های تعاونی عدالت استانی، به وزرای عضو ستاد مرکزی سهام عدالت واگذار می‌شود. ملاک تصمیم‌گیری درخصوص اختیار یاد شده موافقت اکثریت وزیران عضو ستاد سهام عدالت است و مصوبات مزبور در صورت تأیید رئیس جمهوری با رعایت آیین‌نامه داخلی هیأت دولت قابل صدور است. براین اساس جلسات ستاد مرکزی سهام عدالت به ریاست رئیس جمهوری برگزار می‌شود. در غیاب رئیس‌جمهوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان نایب رئیس جلسات را اداره می‌کند. فرماندهی نیروی مقاومت بسیج، سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)، رئیس سازمان بهزیستی کشور، رئیس دفتر امور مناطق محروم کشور، رئیس سازمان ثبت و احوال و رئیس سازمان خصوصی‌سازی بدون حق رأی در جلسه شرکت می‌کنند. همچنین رئیس سازمان خصوصی‌سازی به عنوان دبیر ستاد مرکزی تعیین می‌شود و اعضای ستاد استان متناظر با اعضای مرکزی در سطح استان تعیین می‌شود. استاندار هم به‌عنوان مقام متناظر رئیس جمهوری استان خواهد بود و جلسات ستاد

استان به ریاست استاندار تشکیل می‌شود. اعضای ستاد استان که دارای حق رأی هستند متناظر با ستاد مرکزی تعیین می‌شوند. رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان به عنوان دبیر ستاد استان تعیین می‌شود. طبق مصوبه دولت، میزان واگذاری سهام دولتی به شرکت واسط متناسب با امکانات دولت تعیین می‌شود. همچنین میزان واگذاری سهام شرکت واسط به تعاونی‌های عدالت استانی متناسب با تعداد اعضای تعاونی تعیین شده است. حداکثر افراد مورد احتساب در یک خانوار برای توزیع سهام عدالت پنج نفر است. درصورتی‌که تعداد خانوار بیش از پنج نفر باشد، سهام تخصیص یافته بین همه اعضای خانوار توزیع خواهد شد و از این بابت سهام اضافه‌ای تعلق نخواهد گرفت. هر یک از افراد خانوارهای بیش از پنج نفر، یک عضو مستقل در تعاونی عدالت استانی محسوب می‌شوند (حتی با میزان سهام کمتر)، میزان برخورداری این نوع اعضا از سود تعاونی مناسب با میزان سهام آنها خواهد بود. شرکت واسط موظف است با انعقاد قراردادی با شرکت‌های تعاونی عدالت استانی که ضمانت اجرایی لازم در آن پیش‌بینی شده باشد، پس از طی دوره تقسیط که حداکثر ۲۰ سال است، متناسب با میزان دریافتی از مردم و بلافاصله پس از آن نسبت به تسویه حساب اقساط سهام واگذاری اقدام کند. بهای سهام موضوع این ماده شامل احتساب سود فروش اقساطی نخواهد بود. به منظور حفظ و تداوم فعالیت بنگاه‌هایی که بخشی از سهام آنها واگذار می‌شود، هیأت عالی واگذاری از طریق نظارت و کنترل برفرایند واگذاری تدابیری اتخاذ می‌کند که حداکثر ۲۰ درصد سهام هر بنگاه به صورت بلوک در اختیار اشخاص واجد شرایط که صلاحیت اداره بنگاه را داشته باشند، قرار گیرد. بلوک سهام مذکور می‌تواند در اختیار اشخاص دولتی (از قبیل شرکت‌ها و مؤسسات دولتی) و یا اشخاص غیردولتی قرار داده شود. دولت براساس این مصوبه وزارت اقتصاد را موظف کرد هر سه ماه یک بار گزارش پیشرفت اجرای آن را به هیأت وزیران ارایه کند. چه کسانی سهام عدالت می‌گیرند هیأت دولت فروردین ماه سال ۸۵ در مصوبه‌ای دیگر نحوه شناسایی مشمولان طرح سهام عدالت را مشخص کرد. براین اساس مشمولان مرحله اول واگذاری سهام عدالت عبارت‌اند از: تمام افراد نیازمند مشمول طرح شهید رجایی و عایله تحت تکفل آنها، تمام افراد خانواده‌های مشمول طرح مددجویی کمیته امداد امام خمینی (ره) که قادر به تأمین مخارج اولیه زندگی خود نیستند و تحت حمایت معیشتی مستمر این نهاد قرار دارند و تمام کودکان و زنان بی‌سرپرست موضوع قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست که تحت حمایت معیشتی مستمر سازمان بهزیستی کشور قرار دارند. همچنین تمام کودکان بی‌سرپرست که تحت حمایت معیشتی مستمر سازمان بهزیستی کشور قرار دارند، تمام معلولان نیازمند که تحت حمایت معیشتی مستمر سازمان بهزیستی کشور قرار دارند، تمام آسیب‌دیدگان اجتماعی که تحت حمایت معیشتی مستمر سازمان بهزیستی کشور قرار دارند و رزمندگانی که براساس گواهی نیروی مقاومت بسیج حداقل مدت شش ماه به صورت داوطلب در جبهه‌های دفاع مقدس حضور داشته‌اند و فاقد شغل و درآمد بوده و مشمول قانون حالت اشتغال نیستند و افراد تحت تکفل آنها شامل دریافت سهام عدالت می‌شوند. در این آیین‌نامه تصریح شده، حداکثر افراد مورد احتساب در یک خانوار برای توزیع سهام عدالت پنج نفر است و در صورتی‌که تعداد افراد خانوار بیش از پنج نفر باشد سهام تخصیصی بین همه اعضای خانوار توزیع خواهد شد و از این بابت سهام اضافه‌ای تعلق نخواهد گرفت. این‌گونه افراد که تحت پوشش خدمات حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور قرار گرفته‌اند مشمول مرحله اول واگذاری سهام عدالت می‌شوند. واحدهای استانی کمیته امداد امام‌خمینی (ره)، سازمان بهزیستی کشور و منطقه مقاومت بسیج موظف شده‌اند تحت نظارت دبیرخانه ستاد استانی، اطلاعات تمام افراد مشمول طرح را، در قالب نرم‌افزار رایانه‌ای شده از سوی دبیرخانه ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت، ارایه کنند. دبیرخانه ستادهای استانی هم موظف‌اند فراخوان عضویت در تعاون استانی برای دریافت سهام عدالت را براساس فهرست نهایی ابلاغی از طریق پست، با اخذ رسید از مشمول، ارسال کنند. فراخوان مذکور در این ماده، نامه رسمی است که در قالب الگوی ارایه شده از سوی دبیرخانه ستاد مرکزی تنظیم و با امضای رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان صادر می‌شود. شرکت پست موظف است در اجرای این ماده حداکثر همکاری و مساعدت لازم را به عمل آورد. پس از پایان مهلت یک ماهه مذکور در فراخوان و انجام مراحل پذیرش اعضا، تعاونی‌ها موظف‌اند حداکثر تا ۱۵ شهریور ۸۵، فهرست افرادی که اصل برگه‌های فراخوان (که توسط تعاونی جمع‌آوری شده است) و یک نسخه از برگه پذیرش عضویت، به دبیرخانه ستاد استان ارسال کنند و دبیرخانه ستاد استان موظف است حداکثر طی هفته سوم شهریور ۸۵ این اطلاعات را در پایگاه اطلاعاتی ثبت و به دبیرخانه ستاد مرکزی اعلام کرده و مدارک دریافتی از تعاونی‌ها را در بایگانی دبیرخانه نگهداری کند. شرکت تعاونی موظف است با مراجعه مشمولان برای عضویت در تعاونی، در قبال دریافت فراخوان و انجام مراحل عضویت، برگه پذیرش عضویت را در سه نسخه صادر کند و به امضای مشمول برساند. یک نسخه از برگه مزبور به مشمول داده می‌شود. یک نسخه در دبیرخانه ستاد استانی و یک نسخه نیز در تعاونی نگهداری می‌شود. ارزیابی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها در اجرای این دستورالعمل به صورت مرکزی برعهده دبیرخانه ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت و در استان‌ها برعهده دبیرخانه ستادهای استانی است. قیمت‌گذاری سهام عدالت نحوه قیمت‌گذاری سهام عدالت از همان ابتدای طرح این بحث، محل مناقشه کارشناسان بود تا این‌که هیأت دولت با تأیید پیشنهاد وزارت اقتصاد اعلام کرد. در مصوبه هیأت وزیران آمده است: نحوه قیمت‌گذاری شرکت‌های مادرتخصصی با مصاحبه حقوق صاحبان سهام پس از کسر ارزش دفتری سرمایه‌گذاری‌ها، به‌علاوه ارزش روز سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در سایر شرکت‌ها، تعیین می‌شود. در این مصوبه تأکید شده که نحوه قیمت‌گذاری سایر شرکت‌ها به روش‌های مصوب دیگری محاسبه می‌شود. بر این اساس، شرکت‌های بورسی که نماد معاملاتی آنها در بورس باز باشد، معادل آخرین قیمت تابلوی بورس در روز قبل از تصویب واگذاری توسط هیأت عالی واگذاری، قیمت‌گذاری می‌شوند. اگر نماد معاملاتی شرکت‌های بورسی کمتر از ۶ ماه نیز بسته باشد به شرطی که آن شرکت جزو شرکت‌های سودده قرار گیرد، نحوه قیمت‌گذاری آن با استفاده از این فرمول یعنی: حاصل تقسیم میانگین سود قبل از کسر مالیات سه سال آخر سال قبل از واگذاری یا سود سال آخر، هر کدام که بیشتر باشد، به نرخ سود مورد انتظار معادل ۲۰ درصد، به علاوه ارزش دفتری طرح‌های قبل از بهره‌برداری و افزایش سرمایه در سال واگذاری مشروط به این‌که از محل آورده نقدی یا مطالبات صاحبان سهام محاسبه می‌شود. براساس این مصوبه: نحوه قیمت‌گذاری شرکت‌های سودده غیربورسی نیز با استفاده از این فرمول محاسبه می‌شود. مصوبه هیأت وزیران سازمان خصوصی‌سازی را مکلف کرده قیمت سهام شرکت‌های مورد واگذاری را تعیین و برای تصویب به هیأت عالی واگذاری ارایه کند. توزیع ثروت، توزیع کار آن‌چنان‌که از نص آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران برمی‌آید، دولت در این طرح ضمن اهتمام به توزیع ثروت، توزیع کار را نیز مدنظر داشته به‌طوری که با توجه به تشکیل ستادهای استانی بخش بزرگی از کار واگذاری سهام عدالت در خود هر استان انجام می‌پذیرد و در اقدامی جالب توجه بخش بزرگی از یک اقدام ملی به مسئولان محلی سپرده شده است. با چنین دیدگاهی در ۲۰ فروردین ماه ۸۵، ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت دستورالعمل نحوه تشکیل و وظایف ستادهای استانی توزیع سهام عدالت را تصویب کرد. باتوجه به این مصوبه، ستاد استانی توزیع سهام عدالت متشکل از استاندار، رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، رئیس سازمان صنایع و معادن استان، مدیرکل تعاون استان، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان، رئیس سازمان کار و آموزش فنی و حرفه‌ای استان، رئیس کل دادگستری استان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی مرکز استان و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران است. جلسات ستاد استانی با دعوت رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان به عنوان دبیر ستاد استانی و به ریاست استاندار در محل استانداری تشکیل می‌شود. جلسه با حضور دو سوم اعضا دارای حق رأی، رسمیت می‌یابد. تصمیمات ستاد با اکثریت رأی اعضا دارای حق رأی اتخاذ می‌شود. فرمانده منطقه مقاومت بسیج استان، مدیرکل کمیته امداد امام‌خمینی (ره) استان، مدیرکل بهزیستی استان، مدیر کل ثبت احوال استان و مسئول دبیرخانه مناطق محروم استان بدون حق رأی در جلسات شرکت می‌کنند. همچنین برای پشتیبانی و اجرای وظایف ستاد استانی، دبیرخانه ستاد در سازمان امور اقتصادی و دارایی استان مستقر می‌شود. درمورد وزارتخانه‌های عضو ستاد مرکزی که در استان‌ها چندین نمایندگی دارند، مانند وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، انتخاب عضو ستاد استانی به عهده وزیر مربوط خواهد بود. وظایف و اختیارات ستاد استانی عبارت از مدیریت جمع‌آوری اطلاعات مشمولان طرح، بررسی و نظارت بر جمع‌آوری اطلاعات مشمولان طرح براساس معیارهای دستورالعمل مصوب ستاد، پیگیری ثبت و راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی عدالت استانی، ارایه پیشنهاد به ستاد مرکزی سهام عدالت در موضوع‌های مختلف از جمله اولویت مشمولان و

اولویت استان ذی‌ربط، ارسال فراخوان به افراد مشمول طرح برای عضویت در تعاونی‌های عدالت، تطبیق فهرست اعضای تعاونی‌ها با فهرست افراد فراخوان شده، رسیدگی به شکایات واصله درمورد معرفی مشمولان و عضوپذیری تعاونی‌ها و نظارت بر انتخابات نمایندگان اعضای تعاونی برای شرکت در دارایی استان است. رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان مسئول حسن اجرای تصمیمات ستاد استانی خواهد بود. دبیرخانه ستاد استانی مسئول تهیه دستور جلسات، خلاصه مذاکرات و ابلاغ مصوبات ستاد است. سازمان امور اقتصادی و دارایی استان موظف است برای موضوع‌هایی که تصمیم‌گیری ستاد استانی درخصوص آنها ضروری است اطلاعات لازم و نظرات سازمان‌های ذی‌ربط را جمع‌آوری کرده و گزارش حاوی خلاصه اطلاعات مزبور و نظرات دستگاه‌ها و پیش‌نویس ابلاغیه تصمیم مورد نظر را تهیه و به ضمیمه دعوت‌نامه جلسه ستاد استانی برای اعضای ستاد ارسال کند.

معتقدان و منتقدان سهام عدالت چه می‌گویند اشاره: شاید کمتر طرح اقتصادی را بتوان یافت که به اندازه «سهام عدالت» در موردش بحث، نقد و ابراز نظر شده باشد. نگاهی به سابقه موضوع نشان می‌دهد: ظرف ماه‌های گذشته تقریباً همه مقام‌ها و مسئولان بلندپایه اقتصادی دیدگاه‌های خود را درباره طرح سهام عدالت اعلام کرده‌اند. این موضوع اگرچه نکته‌ای مثبت تلقی می‌شود، اما در یک نمای کلی موجب تشتت فکری مخاطبان هدف طرح سهام عدالت شده است، زیرا در این میان هر کس از ظن خود به بیان جزییات طرح مزبور پرداخته و طبعاً یافتن اصل ماجرا در میان این همه آرا و عقیده کمی دشوار است. لذا سعی شده است در ادامه بخش‌هایی از این ابراز نظرها در کنار هم، برای رفع برخی ابهامات موجود ارایه شود. وزیران اقتصاد و تعاون و همچنین مسئولان فعلی و قبلی سازمان خصوصی‌سازی از جمله کسانی هستند که بیشترین علاقه‌مندی را به پیگیری طرح سهام عدالت و ارایه دیدگاه‌ها و انتقادهای خود، در این‌باره نشان داده‌اند. دیدگاه‌های وزیر اقتصاد داود دانش‌جعفری، وزیر اقتصاد، دیدگاهی جالب توجه دارد، او می‌گوید: کسانی که معتقدند طرح سهام عدالت نباید انجام شود، مخالف خصوصی‌سازی بوده و همیشه در برابر اصلاح ساختار اقتصادی مقاومت کرده‌اند و تلاش دارند بخش دولتی کماکان در اقتصاد مقتدر بماند. او سهام عدالت را یکی از سیاست‌های دولت برای سهامدار کردن دهک پایین جامعه می‌داند و می‌افزاید: امیدواریم این طرح با تکمیل اساسنامه‌ها و اتمام کارها از سوی سازمان‌های دیگر هرچه زودتر به پایان برسد. اتفاق نظر دانش‌جعفری می‌گوید: برای اجرای طرح سهام عدالت همه اتفاق نظر دارند اما عرضه سهام عدالت چند مرحله دارد یکی تعیین مشمولان طرح با بررسی‌های اولیه که اولویت اول، ایثارگران، مددجویان بخشی از کارمندان دولت و بازنشستگان را شامل می‌شود، در این خصوص برای شناسایی آنها کمیته‌ای در وزارت رفاه تشکیل شده و دفتر مناطق محروم و چند جای دیگر هم عضو آن هستند و قرار است اعلام کنند چه اقشاری باید در اولویت واگذاری سهام عدالت باشند. مرحله دیگر تعیین میزان سهام قابل واگذاری است. وزیر اقتصاد می‌گوید: واگذاری امور دولتی به مردم به‌ویژه کارهایی که تاکنون انجام آنها تنها از سوی بخش دولتی میسر بود، به بخش خصوصی از مفاهیم کلی خصوصی‌سازی است و برای تحقق این امر سازمان خصوصی‌سازی باید تقویت شود تا علاوه بر امکان واگذاری و انتقال سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، زمینه افزایش توانایی بخش خصوصی نیز در کشور فراهم شود. او ادامه می‌دهد: واگذاری سهام بخش دولتی به بخش عمومی، خصوصی‌سازی نیست. باید از این پس در اجرای برنامه خصوصی‌سازی به واگذاری امور به بخش خصوصی بیش از پیش توجه شود تا بتوانیم سهم بخش‌های خصوصی و تعاون را در اقتصاد متناسب با پیش‌بینی برنامه چهارم توسعه، بالا ببریم. وزیر امور اقتصادی و دارایی، دلایل ناکامی در تحقق اهداف خصوصی‌سازی را به فرایند انتقال مربوط می‌داند و می‌افزاید: با وجود آن‌که بیشتر واگذاری‌ها به بخش عمومی صورت گرفته، این بخش نیز نتوانسته تحول اساسی در اقتصاد کشور ایجاد کند، بنابراین نمی‌توان مدعی شد خصوصی‌سازی به اهداف خود دست‌یافته است، زیرا این امر موجب بزرگ‌تر شدن حجم دولت شده است. دانش‌جعفری می‌گوید: خصوصی‌سازی و سیاست توانمندسازی همواره باید به صورت مستمر وجود داشته باشد، زیرا شاید کاری که در حال حاضر بخش غیردولتی نمی‌تواند انجام دهد در سال‌های آینده با توانمند شدن بخش خصوصی بتوان به این بخش واگذار کرد و تصدی‌گری دولت را به حداقل رساند. وزیر اقتصاد مشکل خصوصی‌سازی را در گذشته توسعه حوزه نفوذ بخش دولتی می‌داند و می‌افزاید: از یک‌سو بخشی از بنگاه‌های دولتی واگذار شده اما از سوی دیگر با سرمایه‌گذاری‌های جدید دولتی، حوزه نفوذ بخش دولتی توسعه یافته است. سعی داریم از محل سود شرکت‌های دولتی به عنوان سود دولت استفاده کرده و ضمن واریز این مبلغ به خزانه، آن را در قالب وجوه اداره شده در اختیار بانک‌ها قرار دهیم تا بانک‌ها بتوانند به بخش خصوصی تسهیلات ارایه دهند. براین اساس تا جایی که بتوانیم سعی می‌کنیم از سود شرکت‌های دولتی برای توسعه بخش دولتی استفاده نکنیم. دیدگاه‌های وزیر تعاون محمد ناظمی اردکانی هم هدف از توزیع سهام عدالت را افزایش ثروت خانواده‌های ایرانی از طریق گسترش سهم بخش تعاون می‌داند و می‌افزاید: مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی، دارایی‌های دولت در قالب این اصل قابل واگذاری خواهد بود. وی ادامه می‌دهد: واگذاری سهام از استان‌های کمتر توسعه‌یافته و با انتخاب محروم‌ترین اقشار اجتماعی کشور شروع می‌شود. آیین‌نامه واگذاری سهام عدالت در ۱۳ ماده در آبان‌ماه سال گذشته به تصویب رسید که بعداً با اصلاحاتی همراه و اجرایی شد. طبق ماده چهار این آیین‌نامه تشکیل ستاد مرکزی تدوین سیاست‌های مورد نیاز اجرایی کردن واگذاری سهام عدالت به ریاست احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری و ۹ وزیر و هشت سازمان مرتبط پیش‌بینی شده است. طبق اساسنامه طرح واگذاری سهام عدالت یک شرکت کارگزاری در وزارت اقتصاد تشکیل شده که قرار است به‌صورت سبد سهام عمل کند. همه سهام مورد نیاز برای واگذاری به این سبد ریخته خواهد شد و سود سهام به‌صورت یکنواخت بین سهامداران توزیع می‌شود. پس از ایجاد این شرکت کارگزاری، تعاونی‌های عدالت در مراکز استان‌های دارای اولویت‌دار تشکیل شد. ناظمی، استان‌های ایلام، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد را استان‌های اولویت‌دار مرحله اول توزیع سهام عدالت نام می‌برد و می‌افزاید: مجامع اولیه این شرکت‌های تعاونی برگزار و اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل این شرکت‌ها تعیین شده است. وی پیش‌بینی می‌کند، توزیع سهام عدالت در مرحله اول تا خردادماه سال ۸۵ به‌طول بینجامد و واگذاری سود در نیمه دوم ۸۵ براساس میزان سهام بین شرکت‌های تعاونی عدالت توزیع شود. وزیر تعاون می‌گوید: برگه‌های سهام در رنگ‌های قهوه‌ای (۵۰۰ سهم) سبز رنگ (یک هزار سهم)، آبی (دو هزار سهم)، و زرد رنگ (پنج هزار سهم) خواهد بود که قیمت هر سهم یک هزار ریال است. وی تأکید می‌کند: خرید و فروش سهام فقط بین اعضای شرکت‌های تعاونی صورت خواهد گرفت و دارای محدودیت است. خرید و فروش سهام باید به تصویب مجمع و هیأت مدیره شرکت‌های تعاونی برسد. طبق اساسنامه، پس از شرکت‌های تعاونی عدالت پنج درصد سود سهام به‌صورت اندوخته درنظر گرفته شده که قابل برداشت نیست. ناظمی پیش‌بینی می‌کند: برای واگذاری سهام عدالت هر فرد خانوار حداقل ۴۰ و حداکثر ۱۰۰ هزار تومان درآمد کسب کند. تصمیم شجاعانه وزیر تعاون می‌گوید: سیاست‌های اقتصادی دولت نهم بر ایجاد و گسترش اقتصادی مردمی مبتنی است، اقتصادی که در آن مردم، محور فعالیت‌های اقتصادی باشند. محمد ناظمی می‌افزاید: در اصل ۴۴ قانون اساسی اجازه واگذاری بنگاه‌های اقتصادی دولتی به مردم داده شده تصمیم واگذاری سهام عدالت مهم‌ترین و شجاعانه‌ترین تصمیم دولت نهم بود که از طریق آن اهداف عدالت‌جویانه دولت اجرایی می‌شود. وزیر تعاون تأکید دارد: دولت برای بالا- بردن سطح زندگی اقشار کم‌درآمد جامعه اقدام به عرضه سهام کرده است و در سال جاری شرکت‌های تعاونی سهام عدالت در سراسر کشور ایجاد خواهد شد. به هر حال ایده‌آل این است که همه مردم سهام عدالت را دریافت کنند. دیدگاه وزیر رفاه پرویز کاظمی وزیر رفاه می‌گوید: آیین‌نامه «سهام عدالت» یکی از اقدامات پسندیده و آینده‌نگر برای مردم کشور است. «سهام عدالت» به مدت ۲۰ سال در اختیار گروه‌های دارای اولویت برای دریافت این سهام قرار می‌گیرد، اولویت‌های شناسایی شده حدود هشت میلیون نفر هستند، بر اساس ماده ۴ آیین‌نامه «سهام عدالت» تعیین اولویت‌های دریافت سهام برعهده وزارت رفاه است و با توجه به آمارهای موجود افراد تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی و بنیاد شهید، در اولویت‌های نخست قرار گرفته‌اند و بر این اساس به هر یک از افراد دارای اولویت دریافت «سهام عدالت» دو میلیون تومان سهام پرداخت می‌شود که باید در عرض ۲۰ سال قیمت آن بازپرداخت شود. زمان اجرای طرح اما در این میان برخی معتقدند، طرح سهام عدالت در زمان اجرا با یک‌سری موانع و مشکلات پیش‌بینی نشده مواجه خواهد شد. ابراهیم سلیمانی خوشرو، مدیر واگذاری سازمان خصوصی‌سازی، در این زمینه می‌گوید: برای سهام عدالت باید بسترسازی‌های لازم صورت گیرد. در حال حاضر وظیفه هر دستگاه دولتی است، که این کار را

انجام دهـد، اما پیش‌بینی می‌شود این طرح در زمان اجرا به موانع زیادی برخورد خواهد کرد، بنابراین دولت باید موانع را از سر راه بردارد. البته هیـچ‌کس نمی‌توانـد بگوید ما در دو سال و یا ۶ ماه آینده همه ایرانیان را سـهامدار می‌کنیم. خوشـرو با بیان این‌که اگر دولت می‌خواهـد به خانواده‌های ایرانی کمک کنـد باید به جز واگذاری سـهام عدالت گام‌های مکمل دیگری هم بردارد می‌افزاید: زمان اجرا بسـیاری از موانع سر راه قرار می گیرد بایـد میزان هزینه و زمان، پیش‌بینی شود. منتقد صـریح دکتر فرشاد مؤمنی از جمله منتقـدان صـریح‌الهجه طرح سـهام عدالت است او در عین حال که در اقتصاد بحث عدالت‌خواهی را به‌صورت پیگیر دنبال می‌کند و اجرای طرح سهام عدالت از سوی دولت را اقدامی در جهت توزیع رانت می داند. استاد دانشگاه علامه طباطبایی می گوید: اقداماتی مانند عرضه سـهام عدالت هیچ نسبتی با اشتغال‌زایی و رشد ندارد و طرحی با رویکرد اعانه‌ای و از موضع توزیع رانت است می‌توان گفت موضع دولت در قبال عدالت اجتماعی یا از منظر پایداری دچار نقصان جدی است مانند طرح سهام عدالت و یا این‌که به کلی مغایر با سیاست‌های گفته شـده است. سـهام بازنشسـتگان از زمان تصویب آیین‌نامه سـهام عدالت موج وعده‌ها به اقشار مختلف در زمینه واگذاری سـهام عدالت به‌راه افتاد. در این میان، بازنشسـتگان و معلمان بیش از همه در معرض این هدف قرار گرفته‌اند. فرهاد رهبر رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می گوید: سـهام عدالت در میان بازنشسـتگان نیز توزیع خواهد شد و سعی می کنیم توزیع آن در بین اقشار مورد نظر به صورت هدفمند انجام شود. دیدگاه رئیس سابق خصوصی‌سازی عبدالله پوری‌حسینی- مدیرعامل سابق سازمان خصوصـی‌سازی درباره سـهام عـدالت می گویـد: شـرکت‌های قابل واگذاری از طریق سـهام عدالت شـرکت‌های متفاوتی به لحاظ سوددهی هسـتند، اگر قرار باشد سـهامی را با سوددهی پایین به افراد بدهیم، شاید ۲۰ سال که سهل است ۱۰۰ سال دیگر هم صبر کننـد و از محـل سودشـان نتواننـد ثمن معـامله را پس بدهنـد، برای این‌که سـهام مستقیم به دست افراد داده شود قرار است که شرکت‌های واسط شکل بگیرند و همگن‌سازی، توزیع ریسک و سود در این شرکت‌ها انجام بپذیرد. او در پاسخ به برخی که نسبت به زود ابلاغ شدن سـهام عدالت معترضـند توضیح می‌دهد: واگذاری سهام عدالت کار بسیار بزرگی است، متأسفانه بین پنج تا شش میلیون نفر تحت پوشـش کمیته امداد و حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر تحت پوشـش سازمان بهزیستی هسـتند که با جمع این دو بالای شش میلیون نفر ما تحت پوشـش کمیته امداد و سازمان بهزیستی را داریم. اما گروه هایی همچون بازنشسـتگان، افراد تحت پوشـش تأمین اجتماعی، کارگران و ایثارگران هم هسـتند که اساساً تحت پوشـش سازمان بهزیستی و کمیته امداد نیستند وقتی طرحی مطرح می‌شـود کـه بخواهـد چنـد میلیـون نفر را تحت پوشــش قرار دهـد آن هـم سـهام دولـتی کـه واگـذاری، قیمت‌گـذاری و مـدیریت شرکت‌هـای مادرتخصصـی همه آنها جای بحث دارد کار بسیار بزرگی است، بنابراین برخی نسبت به این موضوع انتقاد می‌کننـد. پوری‌حسینی بـا بیان این‌که متناسب با عظمت کار چکش‌کاری لازم صورت نپـذیرفته خاطر نشان می‌کنـد: نه می توانیم بگوییم که هیچ کاری انجام نشده و نه یک ایده خاصی بوده که تبدیل به آیین‌نامه شده است. این‌طور نیست، ایده‌ای بوده کار کارشناسـی هم تا حدودی روی آن انجام شده اما متناسب با شأن و اهمیت موضوع باز هم جای کار دارد. پوری‌حسینی درباره شناسایی افراد هدف و این‌که لااقل بین شـش تا هفت میلیون نفر تحت پوشـش کمیته امداد و سازمان بهزیستی، می گوید: اولویت‌بندی این افراد مقداری فرق می‌کند. به عنوان مثال اگر قرار باشد به یک میلیون نفر سـهام داده شود در فاز اول شناسایی یک میلیون از شش تا هفت میلیون نفر، در دستور کار وزارت رفاه قرار می‌گیرد. منتهی خارج از افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی همچون کمیته امداد حضرت امام (ره) و سازمان بهزیستی ما هیـچ شـناسه دیگری در جامعه نداریم، اگر قرار باشد که همه افراد جامعه با یک نگاه نگریسـته شوند در آن زمان کار بسیار زیادی را پیش رو خواهیم داشت. مـدیرعامل سازمان خصوصـی‌سازی در پاسخ به این پرسـش که این سـهام به همه افراد داده می‌شود؟ گفت: این امر بسـتگی به سـهام قابل واگـذاری دارد. اگر این سـهام این‌قـدر حجیم باشد که دهک پایین تا سومین و چهارمین دهک همه را پر کنـد، همه ایرانیان مشـمول این آیین‌نامه خواهنـد شد و مجوز این کار در آیین‌نامه داده شده اما این‌که این مقدار سـهام قابل واگذاری وجود دارد یا خیر باید بررسـی شود. اگر سـهام قابل واگذاری وجود داشته باشد، به تک‌تک ایرانیان باید سـهم واگذار شود، منتهی با اولویت‌بندی‌های متفاوت. به گفته او یقیناً کسـی که در دهک پایین جامعه از نظر درآمدی قرار دارد بـا کسـی که در دهـک دوم یـا سـوم و یـا پنجم قرار دارد حتماً بایـد از نظر تسـهیلات و حجم سـهام که دریـافت می‌کنند متفاوت باشـند، تا عـدالت برقرار شود. اما اگر قرار باشد به همه یک امتیاز بدهیم بحث عدالت به آن مفهوم محقق نمی‌شود، بدیهی است که باید تفاوت‌هایی وجود داشـته باشد که بتوان این فواصل را کمتر کرد. پوری‌حسینی در پاسخ به این پرسش که تا چند سال دیگر می‌توان انتظار داشت که همه مردم سـهامدار شوند؟ می گوید: باید اجازه دهیم که اعطای سـهام شروع شود یک مقداری جلو برویم زمـانی که توانستیم یـک دهـک را پر کنیم سپس درمورد دهک‌هـای بعـدی تصـمیم گرفته خواهـد شـد. وی ادامه می‌دهـد: آن‌طور نیست که همه چیز باید آماده باشد و فقط منتظر پیشـنهاد باشیم. وقتی یک شرکت مادر تخصصی مشکل اساسنامه‌ای دارد تا زمانی که این مشـکل حل نشود قابل واگـذاری نیست. اما از بین شـرکت‌های مادر تخصصـی قابل واگذاری هم ما مشـکل اصل ۴۴ قـانون اساسـی را داریم. تـا زمـانی که بنـد (ج) سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قـانون اساسـی ابلاـغ نشود، امکان واگـذاری برخی از شرکت‌های مادر تخصصـی هم فراهم نیست. او درباره فرایند حمایتی در سهام توضیح می‌دهد: اگر شرکت‌های واسط تأسیس شوند ضعفی که متوجه شـرکت‌ها خواهد شد تا حدود زیادی قابل جبران است. سـهام شـرکت‌های مادر تخصصی به این شرکت‌ها تزریق می‌شود و سـهام شـرکت‌های واسـط در اختیـار مردم قرار می گیرد. امـا اگر نقش شـرکت‌های واسط گرفته شود و قرار باشـد که این سهام مستقیم به مردم داده شود مشکل برای شـرکت‌ها به جای خود باقی می‌ماند. یعنی زمانی که دو میلیون تومان سـهمش پر شد، سهم دیگری به آن داده نمی‌شود. وی درخصوص توانایی انجام کار از سوی سازمان خصوصـی‌سازی گفت: سازمان مالی گسترش مالکیت واحـدهای تولیدی که به سازمان خصوصـی‌سازی تغییر یافته این تجربه را دارد اگر نقش شـرکت‌های واسط به سازمان داده شود نزدیـک‌ترین سازمان دولتی که بتوانـد چنین مأموریت بسیار سـنگینی انجام دهـد، سازمان خصوصـی‌سازی است. منتهی نه در شرایـط فعلی، بلکه، حتمـاً بایـد این سازمـان تقویت و تجهیز شود. اگر این کارهـا صورت گیرد، نرم‌افزار برای این کـار وجود دارد، منتهی بایـد مقـداری مورد حمـایت قرار بگیرد تـا بتوان چنین کـار حجیمی را انجام داد. ایرادات وارد بر طرح تبعات ساختار طرح – تمرکز: هر چند یکی از اهداف طرح سـهام عدالت کاهش خطرات ناشـی از تمرکز دولت ذکر شده است، لکن مراحل اجرایی طرح مزبور نه تمرکززدا که تمرکززا است. تجمیع مـالکیت و مـدیریت قریب به ۵۰۰ شـرکت دولتی در شرکت کارگزاری سهام عدالت، چیزی جز افزودن بر نهادهـای اقتصـادی بسیار بزرگ دولتی و شـبه دولتی در برنـدارد. اگرچه واگـذاری سـهام شـرکت کارگزاری مزبور به تعاونی‌های عدالت استانی در بلندمدت (پس از ۲۰ سال و اتمام فروش اقساطی) بر سهامداران این شرکت خواهد افزود، اما ریالی از دارایی‌های آن نخواهد کاست و در مالکیت شـرکت‌های واگذار شده خللی ایجاد نخواهد کرد. این مسأله با توجه به ممتاز بودن سـهام دولت در شـرکت کارگزاری مورد بحث وجه تازه‌ای می‌یابد و قدرت مدیریتی که سـهامدار ممتاز از آن سود می‌جوید (برخلاف قانون تجارت) بر عـدم واگـذاری مـدیریت شـرکت‌های دولتی به بخش خصوصـی صـحه می‌گذارد. بنابراین اجرای طرح سهـام عـدالت بـا ساختـار فعلی نه تنهـا کمکی به خرد شـدن مـالکیت و به‌ویژه مـدیریت در میـان مردم نمی‌کنـد که با تشـکیل نهاد اقتصـادی عظیمی به‌نـام شــرکت کـارگزاری سـهام عـدالت، بر مشـکلات اقتصـادی و مـدیریتی کشـور خواهـد افزود و افزون بر آن زمامـداری چنیـن شـرکت معظمی می‌توانـد رؤیـای هر گروه سیاسـی باشـد و منازعـاتی برانگیزد. تشـکیل نهادهـای اداری بزرگ و بروکراتیک جـدا از شـرکت کارگزاری سـهام عـدالت که نهاد اقتصادی عظیم و تأثیرگـذاری خواهـد بود، در فرآینـد اعطای سـهام شرکت‌هـای دولتی به مردم کم‌بضـاعت، نهادهـای اداری بسـیار فربهی حضور خواهنـد یافت که انتظار چالاکی از آنها بیهوده است. ستاد مرکزی با ۱۸ عضو که در بردارنـده رئیس جمهور و ۹ وزیر است و چنین به نظر می‌رسـد که عمـده کار اجرایی آن برعهده ۶ عضو بدون حق رأیش باشد و همچنین ستادهای استانی نیز که با اعضایی متناظر واحد مرکزی خود تشکیل خواهند شد، نهادهایی با اعضایی بلنـد مرتبه‌تر از حـد و اندازه این طرح هسـتند و تصور تشـکیل جلسات آن با وقفه‌های طولانی و بدون حضور تمامی اعضا، کـار دشواری نیست. از دیگر سو تشـکیل و تأسیس شـرکت‌های تعـاونی اسـتانی از توجیه قابـل ملاحظه‌ای برخودار نیست. موضوع فعالیت دراساسـنامه تیپ این تعاونی‌ها به خریـد سـهام عـدالت، بازپرداخت اقساط و توزیع سود آن در میان اعضا منحصـر شـده، در حـالی که تمامی این سه فعالیت توسط سـتاد اسـتانی یا خود شـرکت کارگزاری سـهام عـدالت انجام‌پـذیر است. تشـکیل ۳۰ تعاونی

استانی با اعضایی فراتر از ۳۰ میلیون نفر که هر یک نمایندگان، اعضای هیأت مدیره، مدیرعامل، بازرس و دیگر مستخدمان اجرایی خود را خواهند داشت، هزینه بسیار بر طرحی تحمیل خواهد کرد که حمایت از اقشار کم بضاعت را به عنوان اصلی‌ترین هدف خود برگزیده و این در حالی است که فعالیت تعاونی‌های مزبور توسط دیگر نهادهای درگیر در این طرح به‌راحتی قابل‌انجام است. تبعات اجرایی طرح اخلال در فرآیند خصوصی‌سازی با وجود آن که در مواردی بعضی از مسئولان طرح، سهام عدالت را یگانه راه خصوصی‌سازی دانسته‌اند، نگارنده بر این باور است که نه تنها چنین نیست که سهام عدالت مخل خصوصی‌سازی نیز خواهد بود. خصوصی‌سازی بر واگذاری مالکیت و نیز مدیریت شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی می‌پردازد در حالی‌که در پروژه سهام عدالت مالکیت بسیاری از شرکت‌های دولتی به شرکت کارگزاری و سپس سهام شرکت واسط به تعاونی‌های استانی و سپس سهام تعاونی‌ها به مردم واگذار خواهد شد که در این میان شاید بتوان با اطلاق تعاونی‌سازی به طرح مزبور انتقال مالکیت شرکت‌های دولتی را با وجود یک واسطه به بخش تعاونی و پس از ۲۰ سال پذیرفت، لکن انتقال مدیریت به مردم با توجه به ممتاز بودن سهام دولت در شرکت کارگزاری، واگذاری بلوک‌های ۲۰ درصدی سهام شرکت‌های قابل‌واگذاری به اشخاص دولتی و همچنین اعطای تنها ۴۹ درصد سهام شرکت‌ها به شرکت واسط (براساس سخنان مسئولان) در این طرح محقق نخواهد شد. از دیگر سو ورود نزدیک به ۵۰۰ شرکت دولتی به پرتفوی کارگزاری سهام عدالت از آن رو که با مالکی حداقل ۴۹ درصدی همراه خواهد بود، می‌تواند مانعی در ورود آنان به بورس اوراق بهادار باشد. دامنه زمانی بلندمدت دامنه زمانی طرح ۲۰ سال در نظر گرفته شده که این مدت زمانی طویل می‌تواند نقطه ضعفی برای اجرای طرح مزبور در سرزمینی باشد که در اجرای برنامه‌های چهار ساله‌اش درمانده است. واگذاری تدریجی در دامنه زمانی ۲۰ ساله بدون احتساب سود فروش اقساطی که رقم قابل‌توجهی در این دامنه فراخ زمانی خواهد بود، به نوبه خود قابل تأمل است. از دیگر سو اخراج اعضای تعاونی با از دست دادن شرایط عمومی و اختصاصی در مدت زمان یاد شده و دیگر مواردی که اداره تعاونی‌ها و ستادها را با مشکلات گوناگون رودررو کند، خارج از تصور نیست. تعداد بسیار اعضا گستره شمول طرح مورد بحث چند ده میلیون نفر را در برخواهد داشت، که هر یک به عنوان عضوی از یک تعاونی استانی خود را در تصمیمات مربوط به اداره تعاونی یا شاید شرکت کارگزاری معظم سهام عدالت محق بدانند. برگزاری مجامع عمومی شرکت‌هایی با چند ده میلیون عضو امری بسیار دشوار است که طراحان پروژه سهام عدالت با برگزاری انتخابات نمایندگان اعضا در صدد رفع آن برآمده‌اند، لکن انجام چنین انتخاباتی نیز دشواری خاص خود را خواهد داشت. از دیگرسو پاسخ‌گویی به خیل افرادی که به خوبی از حقوق و وظایف خود آگاه نیستند و ممکن است با برداشت نادرست از وعده‌های داده شده، انتظاراتی فراتر از حدود طرح داشته باشند، بر مشکلات اجرای پروژه خواهد افزود. نتیجه آن‌چنان‌که در ابراز دیدگاه‌های مسئولان و کارشناسان هم دیده می‌شود، نظر بیشتر مسئولان دولتی در حال حاضر بیشتر معطوف به اجرای سریع‌تر این طرح است، در حالی‌که منتقدان معتقدند دولت باید برای دوران پس از واگذاری سهام عدالت و ایجاد سازوکارهای حمایتی، چاره‌ای بیندیشد. فصل سوم روش تحقیق: درگردآوری این پروژه ازروش تحقیق کتابخانه ای استفاده شده است.بامراجعه به کتب مربوطه وهم چنین سایت های اینترنتی موجودواظهارنظرهای متخصصان علم اقتصاددراین باره این مطالب گردآوری شده است. شایان ذکراست که درمطالب موجوددراین تحقیق تماماجنبه پژوهشی داشته وجهت آنهادرمرحله اجرای این طرح مشخص می شود. جامعه آماری : نظرمتخصصان ازطریق پرسشنامه می باشد. نمونه آماری وحجم آن: حجم نمونه شامل کلیه کسانی می باشد که شامل این طرح می گردند. می باشد. روش نمونه گیری: روش نمونه گیری دراین تحقیق تصادفی خوشه ای است زیراگروهی یاخوشه ای ازجامعه به عنوان نمونه انتخاب می شود.کلیه کسانی که به عنوان نمونه آماری به صورت تصادفی خوشه ای نمونه گیری می شود. ابزارنمونه گیری: گفتگو وبررسی اقدامات انجام شده ،جمع آوری نظرات کارشناسان ومنتقدان وپرسشنامه خودساخته. فصل چهارم روش تحلیل اطلاعات: دراین پژوهش برای اندازه گیری بررسی میزان تاثیرطرح سهام عدالت دربهبود وضع اقتصادی آحادجامعه ازآماراستنباطی(ضریب همبستگی پیرسون)استفاده می شود.برای خلاصه کردن داده هاو اطلاعات ازجداول آمارتوصیفی استفاده می شود. هدف در این تحقیق، بررسی موانع ازدواج جوانان و ارایه راهکارهایی برای رفع این موانع می‌باشد. جهت بررسی دقیق‌تر و شناخت صحیح از موانع موجود ۵۰ تایی از بین جوانان ۱۸ تا ۳۴ ساله به صورت تصادفی ساده انتخاب کرده‌ایم و پرسشنامه‌ای ۱۰ سؤالی به همراه برخی مشخصات فردی جهت اخذ نظریات ایشان تهیه و تکمیل شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات توسط پرسشنامه، اطلاعات کدگذاری و وار نرم‌افزار spss شده و گزارشات توصیفی و تحلیلی از آن استخراج شده است. نمودارهای مختلف آماری نیز توسط نرم‌افزار Excel رسم شده‌اند. حال به بررسی نتایج تحقیق می‌پردازیم: در نمونه مورد بررسی ملاحظه گردید که میانگین سن افراد حدود ۲۴ سال و انحراف معیار سن آنها حدود ۵/۴ سال گزارش می‌شود. سایر شاخص‌های آماری مربوط به سن افراد در جدول زیر گزارش شده است: شاخص (سال) میانه مد واریانس بیشترین کمترین دامنه تغییرات مقدار شاخص ۲۴ ۲۸ ۸/۱۹ ۳۴ ۱۸ ۱۶ با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌گردد، بیشترین افراد دارای سن ۲۸ سال و اختلاف بین مسن‌ترین و جوان‌ترین فرد ۱۶ سال می‌باشد و بیانگر این نکته است که توقع آنان ازدولت بالا رفته و در این تحقیق کلیه دامنه سنی در معرض بررسی قرار گرفته است. وضعیت توزیع جنسی افراد در نمونه مورد بررسی در جدول ذیل آمده است: فراوانی درصد مرد ۲۷ ۱/۵۵ زن ۲۲ ۹/۴۴ ملاحظه می‌شود توزیع جنسی افراد در نمونه مورد مطالعه به طور متعادل انتخاب شده است و نتایج تحقیق می‌تواند به گونه‌ای مجزا بدون تأثیر از نوع جنسیت افراد پاسخگو باشد. توجه داریم که یک نفر وضعیت جنسیت خود را مشخص نکرده است. جدول توزیع فراوانی وضعیت تأهل افراد در نمونه مورد بررسی وضعیت تأهل فراوانی درصد مجرد ۳۸ ۷۶ متأهل ۱۲ ۲۴ در این تحقیق ۷۶ درصد افراد مجرد و ۲۴ درصد متأهل بوده‌اند. جدول توزیع فراوانی وضعیت اشتغال افراد پاسخگو در نمونه مورد بررسی وضعیت اشتغال فراوانی درصد محصل ۹ ۱۸ دانشجو ۱۰ ۲۰ کارمند ۱۰ ۲۰ آزاد ۲۰ ۴۰ سایر مشاغل ۱ ۲ ملاحظه می‌گردد بیشتر افراد در نمونه تحت بررسی دارای شغل آزاد (۴۰ درصد کل افراد) می‌باشند و پس از آن مشاغل کارمند و دانشجو (با ۲۰ درصد کل افراد) دیگر مشاغل دارای بیشترین فراوانی در نمونه تحت بررسی می‌باشند. جهت بررسی دقیق‌تر در سؤال فوق جدول (توافقی) ذیل را داریم: جدول توزیع فراوانی وضعیت اشتغال با توجه به وضعیت تأهل افراد در نمونه مورد بررسی وضعیت اشتغال محصل دانشجو کارمند آزاد سایر مشاغل فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد وضعیت تأهل مجرد ۸ ۱/۲۱ ۹ ۷/۲۳ ۷ ۴/۱۸ ۱۳ ۲/۳۴ ۱ ۶/۲ متأهل ۱ ۳/۸ ۱ ۳/۸ ۳ ۲۵ ۷ ۳/۵۸ ۰ ۰ با توجه به جدول ملاحظه می‌شود بیشترین افراد مجرد، دارای شغل آزاد (با ۲/۳۴ درصد) بوده‌اند و پس از آن دانشجویان و محصلان دارای بیشترین فراوانی می‌باشند (به ترتیب با ۷/۲۳ و ۱/۲۱ درصد). همچنین بین افراد متأهل نیز، شغل آزاد دارای بیشترین فراوانی می‌باشد. (با ۳/۵۸ درصد) جدول توزیع فراوانی میزان تحصیلات افراد در نمونه مورد بررسی مقاطع تحصیلی فراوانی درصد ابتدایی و راهنمایی ۱۱ ۲۲ دیپلم ۲۳ ۴۶ کارشناسی ۱۵ ۳۰ بالاتر از کارشناسی ۱ ۲ ملاحظه می‌شود افراد با میزان تحصیلات در سطح دیپلم (۴۶ درصد) دارای بیشترین فراوانی و افراد با میزان تحصیلات بالاتر از کارشناسی (۲ درصد) دارای کمتری فراوانی در نمونه تحت مطالعه می‌باشند. ضمن آن که در مجموع ۶۸ درصد افراد (بیش از نیمی از افراد) دارای میزان تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم می‌باشند و تنها ۳۲ درصد دارای میزان تحصیلات کارشناس و بالاتر از آن می‌باشند. در جدول ذیل به طور کلی در بررسی پاسخ سؤالات ۱ تا ۱۳ می‌پردازیم: جدول توزیع فراوانی پاسخ افراد به سؤالات یک تا ۱۳ در نمونه مورد بررسی پاسخ سؤال شماره سؤال خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد ۱ ۸ ۱۶ ۱۱ ۲۲ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴ ۲ ۱۴ ۲۸ ۱۳ ۲۶ ۱۱ ۲۲ ۷ ۱۴ ۵ ۱۰ ۳ ۱۹ ۳۸ ۱۰ ۲۰ ۱۳ ۲۶ ۶ ۱۲ ۲ ۴ ۴ ۱۳ ۲۶ ۶ ۱۲ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴ ۵ ۸ ۱۶ ۹ ۱۸ ۸ ۱۶ ۹ ۱۸ ۱۶ ۳۲ ۶ ۱۰ ۲۰ ۹ ۱۸ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴ ۷ ۱۱ ۲۲ ۴ ۸ ۱۹ ۳۸ ۹ ۱۸ ۷ ۱۴ ۸ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۱۰ ۲۰ ۱۳ ۲۶ ۳ ۶ ۹ ۲۴ ۴۸ ۱۹ ۳۸ ۵ ۱۰ ۲ ۴ ۰ ۱۰۰ ۱۸ ۳۶ ۱۱ ۲۲ ۱۴ ۲۸ ۴ ۸ ۳ ۶ ۱۱ ۱۸ ۳۶ ۱۹ ۳۸ ۹ ۱۸ ۳ ۶ ۱ ۲ ۱۲ ۲۰ ۴۰

۲۵ ۵۰ ۳ ۶ ۱ ۲ ۱ ۱۳۲ ۹ ۱۸ ۱۱ ۲۲ ۱۵ ۳۰ ۹ ۱۸ ۶ ۱۲ حال به بررسی پاسخ سؤالات با توجه به جدول فوق می‌پردازیم: سؤال یک: حدود ۶۰ درصد افراد پاسخ متوسط و بالاتر را به اثرگذاری اوضاع بداقتصادی، بیکاری وتورم وخشکسالی نیازمنددریافت کمک های دولتی می باشند و این می‌توانند دامنه شمول پذیری کمک های دولتی راافزایش داده وخودمانع اجرای آن گردد. مطرح باشد. سؤال دو: حدود ۷۶ درصد افراد پاسخگو، جواب متوسط و بالاتر به این سؤال داده‌اند. بدان معنی که رسیدن به مدارج علمی بالاتر می‌تواند یکی از اهداف آنها در هنگام تصمیم‌گیری برای ازدواج باشد. سؤال سه: ۸۴ درصد افراد به میزان متوسط و بالاتر معتقدند، باورهای اعتقادی و عدم تطابق بین میزان اعتقادات ایشان و شرایط موجود، سبب تأخیر در ازدواج می‌شود. سؤال چهار: پاسخ به این سؤال به صورت متعادل بین گزینه‌ها توزیع شده و به همین دلیل شرایط اقتصادی نمی‌تواند عامل مؤثری در تزلزل برای تصمیم‌گیری در ازدواج باشد. سؤال پنج: ۶۶ درصد افراد پاسخ متوسط و پایین‌تر به این سؤال داده‌اند و رعایت مراتب سنی در بین اعضاء خانواده برای ازدواج را ضروری نمی‌دانند. سؤال شش: با توجه به نتایج امکانات مادی و مهریه سنگین و... ملاکی برای ازدواج پاسخگویان نبوده است. سؤال هفت: با توجه به نتایج مراسم تجملی و تشریفات نمی‌تواند عاملی جهت بروز مشکل در امر ازدواج شود. سؤال هشت: ۶۸ درصد افراد معتقدند سردرگمی و نداشتن اعتماد به نفس در انتخاب همسر در حد متوسط و بالاتر به عنوان عاملی مشکل‌آفرین در امر ازدواج است. سؤال نه: افراد پاسخگو در حد متوسط و بالاتر ۹۶ درصد معتقدند که برخورداری از مسکن مناسب می‌تواند به عنوان مشکلی در هنگام ازدواج مطرح شود. سؤال ۱۰: میزان تحصیلات طرف مقابل در هنگام ازدواج با ۹۳ درصد در حد متوسط و بالاتر به نظر پاسخگویان می‌تواند به عنوان عاملی مهم در انتخاب همسر به عنوان ملاک باشند. پرسشنامه پاسخگوی محترم پرسشنامه‌ای که در اختیار شماست یک تحقیق دانشجویی به منظور شناخت فواید وموانع اجرای طرح سهام عدالت می‌باشد. در این پرسشنامه درجه، نام و نام خانوادگی شما الزامی نیست. از شما درخواست می‌شود در ارایه اطلاعات خود صادقانه ما را یاری فرمایید. قبلاً از همکاری شما متشکریم. سن: جنسیت: مرد( ) زن( ) وضعیت تأهل: مجرد( ) متأهل( ) وضعیت شغلی: محصل( ) دانشجو( ) کارمند( ) آزاد( ) سایر موارد( ) میزان تحصیلات شما: خواندن و نوشتن( ) ابتدایی و راهنمایی( ) دیپلم( ) کارشناسی( ) بالاتر( ) ۱- آیا تا چه اندازه توجه با به درخواست دریافت کمک های دولتی ازسوی آحادمردم طرح سهام عدالت می توانند تأثیر داشته باشد؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۲- چه میزان اوضاع بداقتصادی می تواننددردریافت افرادازاین طرح مؤثر باشد؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۳- آیا میزان بیکاری می تواندبرتوزیع طرح مؤثر باشد؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۴- آیا تا چه میزان وجود فقر مادی درافرادجامعه دردریافت طرح می توواندموثرباشد؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۵- تا چه اندازه به این عقیده که فقرآغازانحرافات می تواندباشدمعتقدهستید؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۶- تا چه اندازه وجود مشکلات اقتصادی،فقرشدیدمی تونداجرای طرح رابااشکال مواجه سازد؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۷- آیا میزان پایبندی دولت به اجرای صحیح این طرح می تواندرموفقیت آن موثرباشد؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۸- سردرگمی و نداشتن منابع مالی قوی تا چه میزان توانسته در امر اجرای طرح موانع ایجادکنند ؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۹- آیا برخوردار بودن ازبرنامه ریزی قوی،پشتوانه مالی ورضایت مردم چه میزان موفقیت طرح راتضمین می کند ؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) ۱۰-چه میزان نظرات منتقدان می تواننددراصلاح ساختارطرح موثرباشد؟ خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) فصل پنجم ۴- نتیجه‌گیری و پیشنهاد طرح سهام عدالت از تناقض اهداف و برنامه در رنج است. این پروژه کاهش تمرکز مالکیت دولت و گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در میان اقشار مردم را نشانه گرفته، لکن با تأسیس شرکتی به فربهی نیمی از پانصد شرکت دولتی که مجموعه‌ای از فعالیت‌های مالی را برای خود مجاز می‌شمارد و سهامدار ممتاز دولتی نیز دارد، به تجمیع و متمرکز کردن مدیریت و فعالیت پرداخته و تولد این نهاد معظم شبه دولتی را به جشن نشسته است. طراحان این پروژه به تأسیس نهادها و ادارات بزرگ و بروکراتیکی همت گماشته‌اند که لزوم و نحوه تشکیل هر یک از آنان می‌تواند محل پرسش‌های فراوان باشد. به راستی حضور رئیس‌جمهور به عنوان مدیر ارشد و همراهی ۹ وزیر با وی در پروسه اعطای سهام شرکت‌های دولتی به مردمان کم‌بضاعت در پی چه ضرورتی پدید آمده است و مگر نه آن که سازمان خصوصی‌سازی و نهادهای حمایتی همچون دفتر امور مناطق محروم، سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) از توانایی به سرانجام رساندن چنین طرحی برخوردارند. از سوی دیگر آیا خرید سهام عدالت، بازپرداخت اقساط و توزیع سود آن در میان مشمولان می‌تواند توجیه‌گر تأسیس ۳۰ تعاونی استانی که هر یک هیأت مدیره، بازرس، مدیرعامل و دیگر مستخدمین اجرایی و اداری را در بطن خود دارند و هزینه فراوانی در پی می‌آورند، باشد و مگر نه این که ستادهای استانی، خود قادر به ساماندهی این سه مهم هستند. واگذاری مستقیم سهام شرکت‌های دولتی قابل واگذاری به مشمولان طرح، می‌تواند با هزینه بسیار قلیل‌تر و عدم تولید و بازتولید نهادهای واسط که تنها بر بار هزینه‌ها می‌افزایند، جایگزین مناسبی برای روش فعلی طرح سهام عدالت باشد. هم‌اکنون هیأت وزیران شیوه قیمت‌گذاری شرکت‌های دولتی قابل‌واگذاری را مصوب کرده است و با استناد به این مصوبه شرکت‌های مزبور قابل ارزش‌گذاری هستند. نهادهای حمایتی با شناسایی مشمولان و سازمان خصوصی‌سازی با انتخاب و تعیین ارزش شرکت‌ها، از توانایی واگذاری مستقیم سهام شرکت‌های دولتی با سقف ریالی مشخص به افراد مشمول طرح برخوردارند. سهام واگذار شده می‌تواند در وثیقه سازمان خصوصی‌سازی یا خود شرکت باشد و به صورت اقساطی به مشمولان واگذار گردد. بدین‌ترتیب و پس از پایان اقساط فروش، مشمولان نه مالک سهام تعاونی‌های استانی که سهامداران شرکت هستند و از توان اعمال نظرات خود در اداره شرکت و به میزان سهم خود برخوردارند. با چنین شیوه‌ای خصوصی‌سازی و تمرکزگریزی به مفهوم واقعی آن اعمال خواهد شد و شرکت‌ها از شانس به مراتب بیشتری برای پذیرش در بورس برخوردار خواهند شد. منابع: http://www.sena.ir/portal.aspx?tabid=۱۰۷۱ http://www.iranroshd.org/index.php?option=com_content&task=view&id=۶&Itemid=۸ ماهنامه شماره ۵۱ بورس (خرداد ۱۳۸۵)

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه ها

تحقیق میدانی؛ بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه ها و نقش آن بر بهبود زندگی اقشار آسیب پذیر – محققین: حامد نصیر – مهدی خرم پژوه مقدمهدر اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، به دلایل اقتصادی جای هیچ تردیدی نیست، زیرا کلیدی‌ترین بخش اصلاحات بخش ساختاری مورد نظر چند برنامه پنج‌ساله توسعه، وارد عمل می‌شود. به این ترتیب امکان کاهش اتکای صرف به نفت را در بودجه‌های سالیانه دولت فراهم می‌کند، به احتمال قوی مصرف برخی از کالاهای انرژی‌زا را بهبود می‌بخشد و به اصلاح ساختار آن دسته از تولیداتی که مصرف بالای انرژی دارند و ... اصلاح رویکردها و نگرش‌های اقتصادی دیگری منجر خواهد شد. اما به رغم آن‌که در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، افزایش قیمت حامل‌های انرژی ظرف مدت سه سال تبیین شده است، اما براساس گزارش‌های غیر رسمی مقامات دولتی به نظر می‌رسد سطح قیمت‌گذاری دولت به گونه‌ای است که افزایش قیمت‌ها را برای همه حامل‌ها و به صورت هم‌زمان و یکباره از ابتدای سال ۱۳۸۸ قطعی می‌داند و علاوه بر آن مالیات هم اخذ می‌شود.ذکر این نکته ضروری است که در اثر اجرای طرحی که اصلاح دفعی، یکباره و هم‌زمان قیمت کل حامل‌ها را در نظر دارد و می‌خواهد در گستره وسیعی، یارانه‌ها را به صورت نقدی پرداخت کند، هیچ مدل و الگویی نمی‌توان مشخص کرد که در عرصه اقتصادی کشور با قطعیت بتواند پیش‌بینی کند که چه روی خواهد داد. لایحه مزبور هیچ‌گونه اسناد پشتیبان مکتوبی که به صورت رسمی و با مهر دولت منتشر شده باشد، ضمیمه ندارد که لااقل مفروضات و مبانی نظری محاسبات خود را تبیین کرده و همراه لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده باشد. برای مثال در ماده (۲) لایحه با احکامی کلی و مبهم، مجوز مالیات‌ها و عوارضی از مجلس درخواست شده است که نه تنها هیچ‌گونه تعریفی از آن به عمل نیامده، بلکه نرخ‌های مالیاتی مزبور نیز مشخص نبوده و قرار است با اخذ این مجوز کلی، نرخ‌های مالیاتی موردنظر را بعداً احتمالاً خود تعیین کند.به این ترتیب فقدان اسناد و پشتیبان مکتوب، رسمی و

منتشـر شـده، بسـیاری از سؤالات مـورد نیاز برای سـیاست گذاری را بـدون پاسـخ گذاشـته اسـت.فصل اولبیـان مسـئلهباتوجه به ساختاراقتصـادی جهـان که همه کشورهـارابه یکدیگروابسـته نمـوده است،اگربحران اقتصـادی بوجودآیـددامنه اثراتش همه رادرمی نورد.دراین سونامی اقتصادی که اثراتش برهمه آشـکاراست،کشورهایی که ازنظرزیرساخت های اقتصادی برپایه صحیح بنانگردیده است،بیشترتحت تاثیرآثارزیانبارآن قرارمی گیرند.ایران ازجمله آن کشورهامیباشد.فاصـله طبقاتی درایرانرروزبیشترمیشود،مهاجرت روسـتاییان به شـهرهاجهت دریـافت خـدمات روبه افزایشاست،تورم وبیکاری بیـدادمی نمایـد،درنتیجه دولت نهم تصـمیم گرفت که یارانه های،سوخت،آب وبرق وگازرادرجهت هدفمنـدکردن آنهاحذف نموده ومبلغ تعیینی رامسـتقیم به سـبدخانواراضافه نماید.این تصـمیم بامخالف های اصولی همراه است وبرای دولت درآمـدزامی باشد.ودرمجلس باچالش های اساسـی روبروگردیده است.حال برای روشـن موضـوع بـه طرح سـئوالاتی می پردازیـم:۱-آیـا طرح هدفمنـدکردن یـارانه درجهـت یـاری رسانـدن بـه اقشارآسیب پذیراززیرساخت های محکمی برخوردارمیباشد؟۲-آیااین طرح بیشترسیاسی میباشدتااقتصادی؟۳-آیااین طرح همانطورکه درمجلس مطرح است تورمی،آنهم ازنوع بالا-میباشـد؟۴-آیـااین طرح تورمی باعث رکودشدیـداقتصادی نمی شود؟۵-آیاطرح هدفمندکردن یارانه هافاصله طبقاتی تشدیدنخواهدکردکه درنتیجه ناراضایتی اجتماعی رابدنبال خواهدداشت؟۶-آیااین طرح باعث مهاجرت های بیشتری ازروسـتابه شهررابدنبال نخواهدداشت؟۷-آیااین طرح باعث فرارمغزهاوسـرمایه هانخواهدگردید؟اهمیت موضوعطبق توصیه هـای بانـک جهـانی بایـددولت هامصـدراموررابه بخش خصوصـی واگذارنمایندوبسـته هـای حمـایتی رااز کالاهـا وخـدمات بردارندتاواجدشـرایط عضـویت درسازمـان تجارت جهانی قرارگیرنـدوایران نیزازایـن موضـوع مسـتثنی نیسـت.دولـت نهـم طرح هدفمنـدکردن یـارانه رابه مجلس ارائه نمودکه باچـالش هـای اساسی همراه است ومجلس درقبـال آن موضع گیری نموده وآن رابه صلاـح نمی دانـد.بـه عقیـده دولت ایـن طرح درجهـت پشتیبـانی ازاقشـارکم درآمدمیباشـدوبه آنهاکمـک می کنـدتابه ترمیم سبدخانوارخودبپردازنـد.اهمیت موضـوع ازآن جهت است که پس ازاجرای این طرح قیمت خـدمات دولتیـدربخش هـای،آب وبرق وگـازافزایش چشـمگیری خواهـدداست که به طبع آن سایرخـدمات وکالا-افزایش خواهنـدیافت واین برای اقشـارکم درآمـدفاجعه آمیزخواهـدبود،ونیازبه کمک خواهنـداشت که موضوع این طرح میباشد.فرضـیه های تحقیق۱-طرح هدفمنـدکردن یارانه هادرجهت کمک به اقشارآسیب پـذیرجامعه طراحی شده است.۲-این طرح درجهت همسـان سـازی واقعی قیمت هامیباشـد.۳-این طرح تورم زابـوده بـاعث افزایش قیمت هاخواهدشـد.۴-ایـن طرح بـاعث افزایش بیکـاری،فاصـله طبقـاتی ودرنـتیجه نارضـایتی اجتمـاعی خواهدشد.۵-بـه گفتـه مخالفـان،ایـن،هدفمنـدکردن یـارانه هابیشترسیاسـی اسـت تااقتصـادی.اهـداف تحقیقـالف: هـدف کلیبررسـی تاثیرهدفمنـدکردن یارانه هاونقش آن برزندگی اقشارکم درآمدجامعهب: اهداف جزئی۱-اجرای طرح هدفمندکردن یارانه هاباعث پشتیبانی ازاقشارکم درآمدمیشود.۲-اجرای طرح هدفمندکردن یارانه هاباعث واقعی شدن قیمت هاگردیده درنتیجه مشکلات دولت کاهش خواهدیافت.۳-این طرح تورمی است وبـاعث افزایش فاصـله طبقاتی خواهدشـد.۴-این طرح بیشترسیاسـی است تایـک طرح اقتصادی،واین باعث بوجودآمـدن چالش هایی درجامعه خواهدگردیـد.واژگان گلیدی۱-هدفمندکردن یارانه۲-اقشارکم درآمد۳-تورم۴-چالش های اقتصادی وسیاسـی۵-نارضایتی اجتماعی۶-فاصـله طبقاتیفصـل دومادبیات تحقیقطی یکسال گذشـته آقای دکتر احمـدی نژاد رئیس جمهوری اسـلامی ایران دو تصـمیم مهم اتخاذ کرده است اولی مربوط به سـهمیه بندی بنزین و به نوعی حرکت بسـمت قیمت واقعی آن و دیگری هدفمنـد کردن یـارانه هـا است. اگرچه بسیاری از هواداران محیط زیست ایران از هدفمنـد نبودن تصمیمات رئیس جمهور که وسیله سازمان تحت مدیریت مستقیم ایشان یعنی سازمان حفاظت محیط زیست ایران در رابطه با مسایل منابع طبیعی و محیط زیست صورت می گیرد، گله مندند و بارها نیز انتقادات خود را به صور مختلف ابراز داشته اند، اما معتقدم که از تصـمیمات هدفمنـد کشوری با لحاظ بررسـی های همه جانبه و کارشناسـی بایـد بدرستی حمایت کرد. سالهای سال است که می بینیم و می دانیم که در بسـیاری از تولیدات ما چه در زمینه برق، بنزین ، آب، نان و سایر محصولات کشاورزی اسرافهای غیر منطقی و غیر معقول صورت می گیرد محصولا-تی که بـا مشـقت و مرارت تولیـد می شود اما به راحتی هـدر می رود. فعلا به مسایل برق و بنزین مصـرفی شـهروندان کاری ندارم و این معضل را فقط از جنبه تولیدات و ضایعات کشاورزی پی می گیرم چرا که تامین امنیت غـذایی در کشور آنهم در زمانه حاضـر ، که غذا بعنوان یک اسـلحه و اهرم در دست برخی قدرت ها بشـمار می رود از ضـروریات کـار است. یکی از مهمترین بخش هـایی که در تـامین امنیت غـذایی نقش اساسـی دارد بخش کشاورزی است، زیرا به منظور تامین غـذای مورد نیاز جامعه بایـد غذا به میزان کافی و با کیفیت خوب و سالم وجود داشـته باشد. در این راسـتا کاهش ضایعات یکی از عوامل مهم در افزایش تولید و کاهش واردات محسوب می شود.شاید بسـیاری از افراد مصاحبه چهارشنبه شب(۱۲/۴/۸۷) خبرنگار سیمـای جمهوری اسـلامی ایران را بـا مسئول آرد و نان کشور دیـده باشـند آماری که از وضـعیت ضایعات نان در کشور ارایه شـد حقیقتـا تاسف بار است ایشان بصـراحت و تاکیـد اعلام کرد که ۳۰درصـد نان تولیدی که از طریق ۵۵ هزار نانوایی کشور به دسـت مصـرف کننـده ها می رسـد ضایع شده و دور ریخته می شود یعنی هر سال از ۳۰۰۰ میلیارد یارانه نان حـدود هزار میلیارد تومان آن هدر می رود. توجه داشـته باشـید که این هدر رفت فقط مربوط به محصول خالصی است که بصورت نان و مستقیما تحویل مصرف کننـده می شود چنـانچه ضایعـات مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات نیز به این رقم اضافه شود آه از نهاد هر ایرانی دلسوز بلنـد می شود. هرچنـد آمـار ضایعـات بخش کشاورزی و دامپروری متفاوت است، ولی برآوردهای کارشناسـی حاکی از اینست که این ضایعـات بطور متوسـط در بخش کشـاورزی و زیر بخش‌هـای زراعی، باغی، دام و طیور، شـیلات و آبزیان بطور متوسط حـدود ۸/۱۷ درصـد می‌باشد. زیر بخش باغبانی با ۱/۲۸ درصـد بالاترین و زیر بخش دام و طیور با ۱/۶ درصد کمترین ضایعات را به خود اختصـاص می‌دهنـد. چنـانچه آمـار کـل تولیـدات بخش کشاورزی ۸۵ میلیـون تـن در نظر گرفتـه شـود و میـانگین ضایعـات سالانـه کشـاورزی در ایران همان ۸/۱۷ درصـد در نظر گرفته شود، هر سال ۳/۱۵ میلیون تن محصول به دلیل کشاورزی سـنتی، نبود صنایع تبـدیلی و تکمیلی کافی، انبار و سـردخانه و روشـهای نوین نگهداری، ضایع می‌شود که این رقم (بدون در نظر گرفتن ضایعات نان) می‌تواند تامین کننده غذای حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر در کشور باشـد. چنانچه ارزش میانگین هر کیلوگرم محصول ۱۵۵ تومان در نظر گرفته شود، ارزش ضایعات محصول هر سال ۲ تریلیون و ۳۴۵ میلیارد تومان (۶/۲ میلیارد دلار در سال) خواهد بود[۱]. تازه این یک روی سـکه است. باید بدانیم که بیش از ۹۰ درصد آب اسـتحصالی برای ابیاری این محصولات را بیش از ۶۰۰ هزار حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق از دل سـفره های اب زیرزمینی بالا می کشند (جدای از آبهای سطحی) چاههایی که بطور شبانه روزی سهم قابل توجهی از انرژی برق و نفت و گاز این کشور را مصـرف می کنند تا فقط آب را از دل زمین بالا بکشـند و تاسف بار تر اینکه ۶۰ تا ۶۵ درصـد این آب اسـتحصالی تـا رسـیدن به مزرعه از طریق تبخیر و نفوذ از دسـترس خـارج می شود و در نتیجه محصولا-تی که با راندمان ابیاری ۳۰ تا ۳۵ درصـد تولیـد می شونـد به این سادگی از گردونه تولید و مصـرف بهینه خارج می شوند. جان کلام اینکه اگر قرار باشد فقط به گرانی تولیدات برای مصرف بهینه یا پرداخت سهم هر کس بفراخور درآمدش توجه شود و فکری برای بهبود سیسـتمهای کشاورزی، صـنایع تبدیلی و تکمیلی ، انبار و سردخانه و روشهای نوین نگهداری و بالاخره روشهای پخت نان با کیفیت بهتر که مسـتقیما به دست خانوارها می رسد، توجه نشود این ضایعات تولید و مصـرف همچنان وجود خواهد داشت.از این روسـت که سازمـان خوار و بار و کشاورزی (۲] (FAO] راهها‌یی را برای جلوگیری از ضایعات مواد غـذایی به مسـئولان و تامین کنندگان مواد غـذایی دولت هـای عضو ارایه داده است. یکی مربوط به بالا-بردن سـطح آگـاهی عمومی در کـاهش ضایعات از طریق روش های جلو گیری از ضایعات است که البته این راهکار در درازمـدت به بار خواهـد نشـست و دیگری مربوط به تدوین سـیاست ها از طرف دولتهـا است که اجرای این سیاست ها بعـد از تـدوین اثرگـذاری سـریعتری در کاهش ضایعات خواهـد داشت. یافته‌های این پژوهش همـان‌گونه کـه در متن این گزارش نیز ذکر شـده است، براسـاس جـدول داده ـ سـتانده (IO) حاصل شـده است. علی‌رغم آن‌که در کارایی و توانمندی‌های جدول (IO) معمولاً نظریات غلوآمیزی ابراز شده است، به گونه‌ای که آن را تقریباً حلال بسیاری از مجهولا-ت و نادانسـته‌های اقتصـادی تلقی می‌کننـد، امـا واقعیت امر آن است که جـدول IO دارای نارسایی‌ها و محـدودیت‌های عمـده‌ای اسـت (که برای وقـوف از این نارسایی‌هـا، مأخـذ لازم در بخش مربـوط پـانوشت شـده است) آنچه در مـورد جـدول IO می‌توان گفت این‌که صـرفاً یک تکنیک آماری است که به طور تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد و این گزارش نیز در همین حد،

یافته‌های خود را بیان کرده است که آن‌ها را با واژه‌هایی مانند «احتمالاً»، «انتظار می‌رود» و نظایر آن مطرح می‌کند که عبارتند از:[۱]– ۲] ۱۹۰۶۰?http://sharifnews.com/] – ماهنامه کشاورز شماره ۳۳۳، تیرماه ۱۳۸۷تورم ناشی از فشار هزینهالف) به صورت دفعی و یکباره چنانچه سناریوی افزایش قیمت کلیه کالاهای انرژی‌زا به صورت هم‌زمان، دفعی و یکباره (آن‌طور که از طریقه قیمت‌گذاری مستفاد می‌شود) انتخاب شود، درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده، احتمالاً ۶/۴۸ درصد بوده که به سطح درصد تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده اضافه می‌شود و انتظار می‌رود درصد افزایش شاخص تولیدکننده ۶/۶۳ درصد باشد که به سطح درصد تغییر در شاخص هزینه تولیدکننده در سال ۱۳۸۶ افزوده می‌شود. ب) به صورت پلکانی در این گزینه، آثار تورمی ناشی از افزایش قیمت کلیه حامل‌ها، به صورت تدریجی و تقسیط افزایش قیمت‌ها طی ۴ سال به صورت برنامه‌ریزی شده و با شیب ملایم محاسبه شده‌اند. رشد متوسط سالیانه تورم در گزینه افزایش پلکانی قیمت حامل‌ها به صورت تقسیط (با اعمال متوسط سالیانه تورم پایه) احتمالاً ۵/۱۰ درصد خواهد بود که به سطح درصد تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال ۱۳۸۶ اضافه می‌شود و در مجموع از آثار تورمی دفعی و هم‌زمان همین کالاها کمتر خواهد بود.تورم ناشی از فشار تقاضا در ماده (۵) لایحه موردنظر، مقرر شده است که ۶۰ درصد خالص مانده وجوه مزبور به منظور پرداخت‌های نقدی یارانه‌ها به گروه‌های هدف مصروف شود. تورم ناشی از فشار تقاضا از همین ماده نشئت می‌گیرد. زیرا یارانه‌ها که تا دیروز به تولیدکنندگان پرداخت می‌شد (عدم‌النفع) از امروز همان یارانه‌ها به مصرف‌کنندگان پرداخت خواهد شد. براساس محاسباتی که مورد استفاده قرار گرفته است ۶۰ درصد مانده وجوه مزبور به ۱۸۰۰۰۰ میلیارد ریال (معادل ۱۸ میلیارد دلار) برآورد می‌شود. این رقم (که با ماهیت درآمدی در دست بخشی از دهک‌ها قرار می‌گیرد)، هرچند درآمد است، اما در ذات خود همان نقشی را ایفا می‌کند که افزایش حجم نقدینگی ایفا می‌کند (فشار تقاضای ناشی از دو مؤلفه پول و کالا). نظر به این‌که جامعه هدف، هفت دهک (۱ تا۷) هستند و دهک‌های مزبور، میل نهایی به مصرف بالایی دارند، از این جهت انتظار می‌رود که حداقل ۵۰ درصد از ۶۰ درصد پرداخت نقدی یارانه‌ها (۹۰ میلیارد دلار) با احتمال بالا با افزایش میل نهایی به مصرف، به تقاضا تبدیل شود.به این ترتیب انتظار می‌رود که تورم ناشی از فشار تقاضا، با اجرای پرداخت نقدی یارانه‌ها به هفت دهک اول، در گام اول ۷/۲ درصد که با عملکرد ضریب فزاینده پولی (۵/۱) حدود ۴ درصد باشد. انتظارات تورمیانتظارات تورمی قابل محاسبه نیست (اما محتمل‌الوقوع است)، لذا یافته‌های این پژوهش می‌تونند به عنوان حداقل احتمالی بار تورمی مورد انتظار (که بر سطح قیمت‌های پایه اضافه می‌شود) در نظر گرفته شود.۴. در این گزارش برخی از حوزه‌های چالشی و وخیم طرح پرداخت کردن نقدی یارانه‌ها نیزبیان شده و به عنوان توصیه‌های سیاستی، پیشنهاد شده است که اصلح است پرداخت یارانه‌ها به گروه‌های هدف، به جای پرداخت‌های نقدی، از نظام اعطای سهام استفاده شود. با پرداخت نقدی یارانه‌ها، هیچ‌گونه سازوکارهای اقتصادی فراهم نمی‌شود، زیرا مهم‌ترین مؤلفه آن این است که افراد بدون انجام فعالیت اقتصادی، می‌توانند مزد بگیرند و در نتیجه طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها علاوه بر زیان‌های اقتصادی و سیاسی، به وجود آورنده یک بنگاه بزرگ خیریه و مخاطبان اعانه‌بگیر خواهد بود.بخش اول ـ برخی از حوزه‌های چالشی طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها۱. اصلاح قیمت حامل‌های انرژی یکی از اصلی‌ترین محورهای باقی‌مانده از سیاست‌های اصلاح ساختاری برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است. این بخش باقی‌مانده و لاینحل سبب افزایش شدید مصرف، قاچاق، فقدان تجهیز منابع کافی برای سرمایه‌گذاری، بروز کسری‌های شدید بودجه، حجیم شدن غیر متعارف نقدینگی و افزایش نرخ تورم بوده است.مضاف بر این‌ها، تأخیر شدید در اصلاح قیمت حامل‌های انرژی سبب نزول بهره‌وری، استقرار فناوری‌های قدیمی و ناکارآمد و ترویج الگوهای غیر بهینه مصرف در زندگی ایرانیان شد.با توجه به این‌که اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، منابع مالی جدیدی را برای دولت فراهم می‌آورد، یکی از سیاست‌های متخذه در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها آن است که منابع مالی مکتسبه به عنوان پروژه نقدی کردن یارانه‌ها در اختیار مردم قرار گیرد.۲. حساسیت این تصمیم بزرگ استراتژیک نیز اجرای همین سیاست اتخاذی است، زیرا پرداخت نقدی یارانه‌ها به لحاظ آثار بلند مدت آن (که تعهد مالی فوق‌العاده سنگین و غیر قابل بازگشتی را برای دولت‌های فعلی و آینده فراهم می‌کند) باید مستقل از آثار و تبعات آن (نظیر تورم، کاهش رشد اقتصادی، غیرقابل توجیه شدن بسیاری از طرح‌های سرمایه‌گذاری، ... و نظایر آن) بررسی شود. به‌راستی مشخص نیست که آیا دولت به خوبی واقف است که اتخاذ هر نوع سیاستی که در حال حاضر پیاده نماید، تغییر و اصلاح آن سیاست در آینده، فوق‌العاده دشوار و شاید غیر ممکن باشد؟ لذا سیاست پرداخت نقدی یارانه‌ها نه تنها دولت فعلی، بلکه دولت‌های آینده را نیز مکلف و متعهد به انجام آن خواهد کرد. شاید در آینده هیچ دولتی نتواند از ایفای این تعهد شانه خالی کند.۳.خطر تقبل چنین تعهد سنگینی، آن‌جاست که منابع حاصل برای پرداخت نقدی یارانه‌ها، نوسانات فوق‌العاده شدیدی دارد، نه فقط در این ایام، بلکه در همه دوران تاریخ نفت. بنابراین اصلح است که دولت به خطرات تقبل تعهدات ثابت و پایدار از منبعی که بسیار در نوسان است، دقیق‌تر بیاندیشد. شایان اشاره است که متولدین جدید در کل کشور در هر سال، در دریافت این حق، ذی‌حق می‌شوند. از این جهت، طرح نقدی‌کردن یارانه‌ها یک پتانسیل خودافزا و خودجوش در درون خودش دارد و مداوماً خود را توسعه می‌دهد، زیرا دریافت‌کنندگان افزایش می‌یابند، اما منابع حاصله دائماً در حال نوسان است، زیرامنبع اصلی آن (نفت) یک کالای فوق‌العاده آسیب‌پذیر است.۴. با پذیرش طرح نقدی کردن یارانه‌ها، بدعت جدیدی در اقتصاد متولد می‌شود که سریعاً «نهادینه» می‌شود. زیرا در بین آحاد جمعیت، انتظارات جدیدی را خلق می‌کند که سریعاً به «حقوق مکتسبه» مبدل می‌شود. در این طرح هیچ‌گونه سازوکارهای اقتصادی فراهم نمی‌شود، زیرا مهم‌ترین مؤلفه آن این است که افراد بدون انجام فعالیت اقتصادی، می‌توانند مزد بگیرند.۵. تشویق به افزایش جمعیت باید یکی از دغدغه‌های پرداخت نقدی یارانه‌ها تلقی شود.۶. در اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، به دلایل متعدد، تردیدی نیست، زیرا قیمت‌های کاذب فعلی، سال‌هاست که موجب نزول کارایی اقتصادی شده است، اما یک حوزه چالشی آن اتخاذ سیاست اصلاح قیمت‌ها به صورت دفعی، یکباره و هم‌زمان کل حامل‌های انرژی است، ضمن آن‌که در نظر دارد تا در گستره وسیعی، یارانه‌ها را نقدی پرداخت کند.۷. موضوع اساسی دیگر این است که عدم تعادل‌های موجود در بازار کالاـ و انرژی را به بازار کار منتقل می‌کند.بخش دوم ـ متدولوژی استفاده شده برای محاسبه بار تورم‌زایی اصلاح قیمت حامل‌های انرژیالف) الگوی متدولوژی تحقیق۱. ساختار متدولوژی استفاده شده در این گزارش برای محاسبه بار تورم‌زایی تغییرات قیمت یک یا چند حامل انرژی، جدول داده ـ ستانده بهنگام شده سال ۱۳۸۳ (که در سال ۱۳۸۶ ارائه شده است) مورد استفاده قرار گرفته است.۱جدول داده ـ ستانده (IO) یک تکنیک آماری بالنسبه مؤثر است که مبانی نظری آن بر نظریه عمومی لئون والراس بنا شده است. در این نظریه اقتصاد به عنوان یک پیکره واحد و به هم پیوسته تعریف می‌شود که تغییرات در یکی از محورهای آن موجبات تغییر در سایر اجزای اقتصاد را فراهم می‌سازد.جدول OI تجزیه و تحلیل بالنسبه قابل قبولی را از میزان به هم پیوستگی بین فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصادی فراهم می‌سازد.۲. روابط طولی ـ عرضی افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز (حامل‌های انرژی) از راه حساب‌های داده ـ ستانده قابل استنباط و استخراج است. در این حساب‌ها:۱ـ۲. تعداد (n) بخش در اقتصاد وجود دارد.۲ـ۲. هر بخش به نهاده‌های اولیه یا واسطه‌ای که از طرف سایر بخش‌ها تولید می‌شود، نیازمند است (کالاـ یا محصول ۳.(cـ۲. هر بخش قیمتی به نام (p) دارد.۴ـ۲. قیمت (p) در هر بخش تابعی از قیمت آن بخش‌هایی است که فراهم‌کننده نهاده‌های اولیه یا واسطه‌ای برای آن بخش هستند.طبیعتاً هر اندازه استفاده و به کارگیری از نهاده‌های یک بخش در مقایسه با سایر بخش‌ها بیشتر باشد، لاجرم افزایش قیمت آن نهاده فزاینده‌تری بر قیمت بخش مصرف‌کننده می‌گذارد.۱. ماتریس سهم هزینه‌ای هریک از حامل‌های انرژی در بسته مصرفی انرژی چهار بخش عمده اقتصاد (صنعت، کشاورزی، خدمات و حمل‌ونقل است) به این ترتیب سطرهای ماتریس، همان بخش‌های اقتصادی و هریک از حامل‌ها نیز ستون‌های آن در سبد هزینه انرژی هستند. حاصل ضرب ماتریس مذکور در بردار شاخص بهای حاماهای انرژی (p) تغییرات شاخص قیمت انرژی در هر بخش نسبت به قیمت‌های پایه را نشان می‌دهد.۲. در تمامی محاسبات انجام شده، فرض بر این بوده است که به جای قیمت‌های رایج در جدول IO، قیمت‌های موردنظر در سال هدف به عنوان برونزا (درصد تغییر شاخص‌بها) محاسبه می‌شود. الگوی IO در عین حال دارای محدودیت‌هایی است که بعداً به آن اشاره می‌شود.ب) رفع خطاهای مورد انتظار حامل‌های انرژی در سبد انرژی یکی از خطاهای متداول در محاسبه تورم مورد انتظار از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به‌طور هم‌زمان و یکباره آن است که کل کالاها

(حامل‌ها) در یک سبد انرژی در یک زمان واحد و یکپارچه محاسبه می‌شوند و حال آن‌که انجام چنین محاسبه‌ای، خطاست. در
محاسبه افزایش قیمت به طور هم‌زمان و یکباره باید در هر بار محاسبه، یکی از کالاها (حامل‌ها) از سبد انرژی خارج شوند، زیرا هر
حامل در صورت افزایش قیمت، ضمن آن‌که خودش به تنهایی دارای آثار تورمی است، اثر افزایش قیمت سایر حامل‌ها نیز بر روی
آن منعکس می‌شود. لذا در محاسبه سبد انرژی، هر بار باید یکی از حامل‌ها از سبد خارج شوند تا اختلاف تورم «تک‌تک آن‌ها» با
«تورم هم‌زمان آن‌ها» محاسبه شوند.پس در هر بار محاسبه، یک قلم از حامل‌ها باید از سبد انرژی خارج و دوباره در سبد انرژی
گذارده شوند. برای مثال با افزایش قیمت نفت گاز، نفت کوره، یا گاز بهای برق قاعدتاً افزایش می‌یابد پس در این حالت باید
حامل برق (به عنوان یک حامل انرژی) از سبد انرژی خارج شده، تا افزایش قیمت برق ناشی از افزایش قیمت نفت گاز یا گاز مورد
مصرف نیروگاه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد و مجدداً حامل برق در سبد انرژی وارد شده و اینک افزایش مستقیم خود برق مورد
محاسبه قرار گیرد. همین‌طور در مورد سایر حامل‌ها ... به همین جهت است که آثار تورمی مستقیم و غیر مستقیم حاصله به مراتب
بالاتر از نرخ‌های تورمی تک‌تک آن‌ها خواهد بود.ج) محدودیت‌ها و نارسایی‌های الگوی داده ـ ستانده۱. باید این حقیقت را
پذیرفت که در کارایی و توانمندی‌های جدول IO، معمولاً اظهارات غلوآمیزی ابراز می‌شود و آن را حلال بسیاری از مجهولات و
نادانسته‌ها تلقی می‌کنند ادعا می‌شود. این الگو سبب شده است تا سیاست‌گذاران اقتصادی روزبه‌روز نیاز بیشتری به آمار و
اطلاعات و نتایج یافته‌های آن داشته باشند. باز هم این‌طور ادعا می‌شود که جدول داده ـ ستانده از اهمیت قابل توجهی برای تحلیل
ساختار اقتصادی کشور و برنامه‌ریزی اقتصادی، بررسی تغییرات فناوری و اثر آن بر محیط بهره‌وری، پیش‌بینی سرمایه‌گذاری به
تفکیک بخش‌ها برای کشور یا یک منطقه، بررسی آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی و ... برخوردار است.۲. اما واقعیت این
استکه در توانمندی و کارآمدی جدول داده ـ ستانده به طرز غیر متعارفی، غلو و اغراق وجود دارد. جدول IO دارای نارسایی‌ها و
محدودیت‌های عمده‌ای است که بحث مفصل آن خارج از هدف اصلی این گزارش است. برای وقوف ازاین نارسایی‌ها و
محدودیت‌ها می‌توان به منبع مندرج در این پانویس رجوع کرد.۱در استفاده از جدول داده ـ ستانده، صرفاً می‌توان گفت که یک
تکنیک آماری است که به طور تجربی مورد استفاده قرار می گیرد و می‌تواند پرتوی هرچند کم‌رنگ را برای وقوع تبعات ناشی از
اصلاح قیمت حامل‌های انرژی ترسیم کند. نتایج و یافته‌های آن به صورت «احتمال دارد» قابل تبیین است و لذا سیاست‌گذاری و
برنامه‌ریزی نمی‌تواند به صورت قطعی و صددرصد متکی به آن اتخاذ شود.بخش سوم ـ یافته‌های پژوهش در سناریوی دوم
پیشنهادی دولتالف تورم ناشی از فشار هزینه۱. افزایش قیمت کلیه حامل‌ها به صورت هم‌زمان و یکباره علی‌رغم آن‌که در لایحه
هدفمند کردن یارانه‌ها، افزایش قیمت حامل‌های انرژی ظرف مدت سه سال تبیین شده است، مع‌الوصف سطح قیمت‌گذاری‌های
دولت به‌گونه ای است که افزایش قیمت‌ها را برای همه حامل‌ها و به صورت هم‌زمان و یکباره و از ابتدای سال ۱۳۸۸، قطعی
می‌داند. با توجه به این وضعیت، تحولات ناشی از افزایش قیمت کلیه حامل‌ها به طور دفعی و یکباره از بعد درصد افزایش شاخص
قیمت مصرف‌کننده و درصد افزایش شاخص هزینه تولیدکننده در قالب جدول ۱ پیش‌بینی می‌شود.جدول ۱ـ تبعات گزینش این
سناریو را برای هر یک از حامل‌ها به طور جداگانه نمایش می‌دهد. در این حالت، چنانچه سناریوی افزایش قیمت کلیه حامل‌ها به
صورت هم‌زمان و یک‌باره انتخاب شوند درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده معادل ۶/۴۸ درصد و درصد افزایش شاخص
هزینه تولید کننده ۶/۶۳ درصد خواهد بود که به سطح قیمت‌های پایه اضافه می گردد.جدول ۱. برآورد آثار تورم احتمالی ناشی از
افزایش قیمت حامل‌های انرژیحامل‌ها گزینه تغییر قیمت (ریال) نتایج حاصل از افزایش قیمت‌ها بر از وضعیت موجود به
وضعیت پیشنهادی در لایحه دولت درصد افزایش درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده درصد افزایش شاخص هزینه
تولیدکنندهبنزین۱ ۱۰۰۰ ۴۰۰۰ ۳۰۰ ۷/۱۴ ۵/۸نفت گاز۲ ۱۶۵ ۲۷۰۰ ۱۵۳۶ ۸/۶ ۰/۱۲نفت کوره۳ ۹۵
۱۶۰۰ ۱۵۸۴ ۸/۱ ۰/۱۶نفت سفید۴ ۱۶۵ ۲۷۵۰ ۱۵۶۶ ۱/۴ ۸/۱گاز مایع۵ ۵۷ ۱۵۰۰ ۲۵۳۱ ۲/۲ ۵/۳گاز
طبیعی۶ ۱۲۰ ۷۵۰ ۵۲۵ ۱/۸ ۵/۱۰برق۷ ۱۶۷ ۸۰۰ ۳۷۹ ۱/۹ ۳/۱۱اثر افزایش هم‌زمان و یکباره کل حامل‌های
انرژی ـــــ ـــ ٪۶/۴۸ ٪۶/۶۳آثار افزایش قیمت برخی از محصولات انرژی‌زا بر سطح عمومی تورم پایه، مرکز پژوهش‌ها،
دفتر مطالعات اقتصادی، شماره ۹۱۵۱، شهریور ۱۳۸۷. ۱. حمل‌ونقل، کشاورزی، صنعت، تجاری، عمومی. ۲. خانگی، صنعت،
کشاورزی، حمل‌ونقل، تجاری، عمومی. ۳. صنعت، حمل‌ونقل، تجاری، عمومی. ۴. خانگی، صنعت، کشاورزی، تجاری،
عمومی. ۵. خانگی، صنعت، حمل‌ونقل، تجاری. ۶. خانگی، صنعت، حمل‌ونقل، تجاری، عمومی. ۷. خانگی، صنعت،
کشاورزی، تجاری، عمومی. ۲. افزایش قیمت کلیه حامل‌های انرژی به طور هم‌زمان به صورت پلکانی در این گزینه، آثار تورمی
ناشی از افزایش قیمت حامل‌ها به صورت تدریجی و تقسیط افزایش قیمت‌ها طی چهارسال به صورت برنامه‌ریزی شده با شیب
ملایم محاسبه شده است. در این روش محاسبه، فرض شده است که قرار است طی یک برنامه زمان‌بندی شده، قیمت کلیه حامل‌ها
به صورت تدریجی افزایش یافته و از قیمت فعلی در سال پایه (۱۳۸۷) به قیمت‌های موردنظر در سال هدف (۱۳۹۱) افزایش یابد
برای تحقق چنین هدفی، رشد متوسط سالیانه بین قیمت‌های پایه و قیمت‌های هدف محاسبه می‌شود۱ و در عین حال معادل متوسط
نرخ تورم پایه در هر سال ۲۰ درصد (و در چهارسال ۸۰ درصد) برخوردار باشد. با اتخاذ این روش سطح آثار تورمی سالیانه ناشی
از این افزایش قیمت به مراتب کمتر از آثار تورمی افزایش قیمت به صورت دفعی و یکباره خواهد بود. جدول ۲ فرایند و برنامه
اتخاذ چنین گزینشی را برای همه حامل‌ها نشان می‌دهد و جدول ۳ خلاصه شده یافته‌های جدول ۲ را نمایش داده است. چنانچه
گزینه افزایش قیمت کلیه حامل‌ها به صورت هم‌زمان با اتخاذ روش پلکانی انتخاب شود، در این حالت سطح آثار تورمی آن به
مراتب کمتر از آثار تورمی افزایش قیمت کلیه حامل‌ها به صورت دفعی، هم‌زمان و یکباره خواهد بود. جدول ۲. تصویر نتایج
حاصله از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به صورت پلکانیحامل‌ها سال پایه و سال هدف قیمت در سال پایه و سال هدف
افزایش قیمت به صورت پلکانی قیمت پیشنهادی در هر سال (ریال) تغییر در شاخص ۱۰۰-۱۳۸۷ رشد متوسط سالیانه تورم
(درصد) رشد متوسط سالیانه (درصد) متوسط سالیانه نرخ تورم (درصد) متوسط کل اصلاح قیمت (درصد) بنزین
۱۳۸۷ ۱۰۰۰ --- --- --- ۱۰۰۰ ۱۰۰ ۱۳۸۸ ۰/۳ --- ۴/۴۱ ۲۰ ۴/۶۱ ۱۶۱۰ ۱۰۳ ۱۳۸۹ ---
۴/۴۱ ۲۰ ۴/۶۱ ۲۶۰۰ ۱۰۶ ۱۳۹۰ --- ۴/۴۱ ۲۰ ۴/۶۱ ۴۲۰۰ ۱۰۹ ۱۳۹۱ ۴۰۰۰ ۴/۴۱ ۲۰ ۴/۶۱
۶۸۰۰ ۱۱۲ نفت گاز ۱۳۸۷ ۱۶۵ --- --- --- ۱۶۵ ۱۰۰ ۱۳۸۸ ۵/۱ --- ۲/۱۰۱ ۲۰ ۲/۱۲۱ ۳۶۵
۵/۱۰۱ ۱۳۸۹ --- ۲/۱۰۱ ۲۰ ۲/۱۲۱ ۸۰۷ ۱۰۳ ۱۳۹۰ --- ۲/۱۰۱ ۲۰ ۲/۱۲۱ ۱۷۸۰ ۵/۱۰۴ ۱۳۹۱
۲۷۰۰ ۲/۱۰۱ ۲۰ ۲/۱۲۱ ۳۹۵۰ ۱۰۶ نفت کوره ۱۳۸۷ ۹۵ --- --- --- ۹۵ ۱۰۰ ۱۳۸۸ ۵/۰ ---
۶/۱۰۲ ۲۰ ۶/۱۲۲ ۲۱۱ ۵/۱۰۰ ۱۳۸۹ --- ۶/۱۰۲ ۲۰ ۶/۱۲۲ ۴۷۰ ۰/۱۰۱ ۱۳۹۰ --- ۶/۱۰۲ ۲۰
۶/۱۲۲ ۱۰۴۷ ۵/۱۰۱ ۱۳۹۱ ۱۶۰۰ ۶/۱۰۲ ۲۰ ۶/۱۲۲ ۲۳۳۰ ۱۰۲ نفت سفید ۱۳۸۷ ۱۶۵ --- --- --
- ۱۶۵ ۱۰۰ ۱۳۸۸ ۰/۱ --- ۱۰۲ ۲۰ ۱۲۲ ۳۶۶ ۱۰۱ ۱۳۸۹ --- ۱۰۲ ۲۰ ۱۲۲ ۸۱۳ ۱۰۲ ۱۳۹۰
--- ۱۰۲ ۲۰ ۱۲۲ ۱۸۰۰ ۱۰۳ ۱۳۹۱ ۲۷۵۰ ۱۰۲ ۲۰ ۱۲۲ ۴۰۰۰ ۱۰۴ گاز مایع ۱۳۸۷ ۵۷ --- -
-- ۵۷ ۱۰۰ ۱۳۸۸ ۴/۰ --- ۵/۱۲۶ ۲۰ ۵/۱۴۶ ۱۴۰ ۴/۱۰۰ ۱۳۸۹ --- ۵/۱۲۶ ۲۰ ۵/۱۴۶
۳۴۶ ۸/۱۰۰ ۱۳۹۰ --- ۵/۱۲۶ ۲۰ ۵/۱۴۶ ۸۵۳ ۲/۱۰۱ ۱۳۹۱ ۱۵۰۰ ۵/۱۲۶ ۲۰ ۵/۱۴۶ ۲۱۰۰
۶/۱۰۱ گاز طبیعی ۱۳۸۷ ۱۲۰ --- --- --- ۱۲۰ ۱۰۰ ۱۳۸۸ ۹/۱ --- ۵۸ ۲۰ ۷۸ ۲۱۳ ۹/۱۰۱
۱۳۸۹ --- ۵۸ ۲۰ ۷۸ ۳۸۰ ۸/۱۰۳ ۱۳۹۰ --- ۵۸ ۲۰ ۷۸ ۶۷۶ ۷/۱۰۵ ۱۳۹۱ ۷۵۰ ۵۸ ۲۰ ۷۸
۱۲۰۰ ۵/۱۰۹ برق ۱۳۸۷ ۱۶۷ --- --- --- ۱۶۷ ۱۰۰ ۱۳۸۸ ۲/۲ --- ۴۸ ۲۰ ۶۸ ۲۸۰ ۲/۱۰۲
۱۳۸۹ --- ۴۸ ۲۰ ۶۸ ۴۷۰ ۴/۱۰۴ ۱۳۹۰ --- ۴۸ ۲۰ ۶۸ ۷۹۰ ۶/۱۰۶ ۱۳۹۱ ۸۰۰ ۴۸ ۲۰ ۶۸
۱۳۳۰ ۸/۱۰۸ جدول ۳. برآورد رشد متوسط سالیانه تورم در گزینه افزایش پلکانی قیمت حامل‌ها به صورت تقسیط در سناریوی
دوم دولتنوع حامل‌های انرژی درصد رشد متوسط سالیانه تورم(در طول دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۱)بنزین ۰/۳نفت گاز ۵/۱نفت
کوره ۵/۰نفت سفید ۰/۱ گازمایع ۴/۰گاز طبیعی ۹/۱برق ۲/۲اثر افزایش قیمت پلکانی حامل‌های انرژی (تورم شاخص

قیمت مصرف‌کننده) ۵/۱۰ درصدمأخذ: یافته‌های پژوهش (تلخیص شده جدول ۳).در جدول ۴، ضریب تأثیر افزایش قیمت هر یک از حامل‌ها بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت، نمایش داده شده‌اند. جدول ۴. ضریب تأثیر افزایش قیمت حامل‌ها بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصدحامل‌ها فرایند واحد درصدبنزین ضریب تأثیر افزایش قیمت بنزین بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت ۵/۰نفت گاز ضریب تأثیر افزایش قیمت نفت گاز بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت ۰۶/۰نفت کوره ضریب تأثیر افزایش قیمت نفت کوره بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت ۰۱/۰نفت سفید ضریب تأثیر افزایش قیمت نفت سفید بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت ۰۴/۰گازمایع ضریب تأثیر افزایش قیمت گازمایع بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت ۰۲/۰گازطبیعی ضریب تأثیر افزایش قیمت گازطبیعی بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت ۲/۰برق ضریب تأثیر افزایش قیمت برق بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت ۲/۰مأخذ: یافته‌های تحقیق.ب) تورم ناشی از «فشار تقاضا» ۱. شاید در یک رویکرد شتابزده بتوان ادعا کرد که طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها (پرداخت ۶۰ درصد از وجوه منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به هفت دهک) دارای آثار تورمی نیست، زیرا این پرداخت‌ها از محل افزایش نقدینگی صورت نمی‌گیرد. اصلاح قیمت حامل‌های انرژی سبب می‌شود که مبالغ ناشی از افزایش قیمت‌ها از حجم نقدینگی موجود جامعه برداشت شده و ۶۰ درصد آن مجدداً (با اتخاذ مکانیسم‌های لازم) به برخی از گروه‌ها (جامعه هدف)، بازتوزیع می‌گردد. بنابراین جریان دریافت‌ها (منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌ها) و جریان پرداخت‌ها (توزیع مجدد به برخی از گروه‌های هدف) تماماً در چارچوب حجم نقدینگی موجود صورت می‌پذیرد و لذا ادعا می‌شود طرح مزبور از این رویکرد دارای آثار تورمی نیست. شایان اشاره است که تورم ناشی از افزایش تقاضا، به لحاظ فشارهای نشئت گرفته از اضافه تقاضا در بازار پدیدار می‌شود، به عبارت بهتر فزونی تقاضا بر عرضه و فشار ایجاد شده از طرف تقاضا در اقتصاد، یکی از دلایل اصلی تورم شناخته می‌شود. منتهی طرف تقاضا در اقتصاد از دو مؤلفه «بازارپول» و «کالا» تشکیل می‌شود که اقتصاددانان مکتب پولی، دلیل تورم ناشی از فشار تقاضا را افزایش حجم پول می‌دانستند، اما کینز، تغییرات حادث شده در هر دو بازار پول و کالا را از جمله مصادیق تغییر تقاضای کل و فزونی آن بر عرضه قلمداد می‌کند. بنابراین در اقتصاد کینزی، تورم ناشی از فشار تقاضا، تورمی است که در اثر وجود زیادتی تقاضای جمعی به وجود می‌آید و اضافه تقاضا از بخش‌های حقیقی اقتصاد منبعث می‌شود. ۲. نتیجه بحث آن است که هر چند پرداخت‌های مربوط به طرح نقدی کردن یارانه‌ها، از محل افزایش نقدینگی صورت نمی‌گیرد و از این جهت ظاهراً آثار تورمی در بر ندارد. اما مهم‌ترین مؤلفه طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها آن است که درآمدهای حاصل از طرح عمدتاً از مصرف‌کنندگان عمده انرژی‌ها که در زمره طبقات مرفه می‌باشند گرفته می‌شود و به دهک‌های پایین و متوسط بازتوزیع می‌شود و در این میان با توجه به آنکه دهک‌های متوسط و پایین، میل نهایی به مصرف بالایی دارند، از این جهت مبالغ نقدی یارانه‌ها را به «تقاضا» تبدیل می‌کنند، در این حالت تورم ناشی از فشار تقاضا در بازار کالا و خدمات بروز می‌کند، بدون آنکه حجم نقدینگی افزایش یافته باشد.۳. بر اساس برآوردهای انجام شده در مرکز پژوهش‌ها،۱ منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی (مابه‌التفاوت درآمد ناشی از قیمت‌های فعلی حامل‌ها و درآمدهای ناشی از قیمت‌های پیشنهادی دولت در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها) بالغ بر ۰۰۰/۴۰۰ میلیارد ریال (معادل ۴۰ میلیارد دلار) پیش‌بینی شده است.۲ ۴. به دنبال افزایش قیمت حامل‌های انرژی، دولت با دو جبهه اقتصادی جدید مواجه خواهد شد: الف) به لحاظ آنکه، دولت به نوبه خود، یکی از بزرگ‌ترین نهادهای مصرف کننده اقلام هشت‌گانه حامل‌های۳ انرژی است، لذا کالاهای مزبور را باید به قیمت‌های بالاتری خریداری کند. ب) به لحاظ آنکه دولت در اجرای وظایف و تکالیف خود بزرگ‌ترین خریدار کالاهای سرمایه‌ای و نیز کالاها و خدمات مصرفی است، از این جهت ناگزیر سایر کالاها و خدمات موردنیاز را به قیمت‌هایی که با تورم ظهوری جدید، ارائه می‌شوند باید خریداری کند. به عبارت بهتر نخستین مرجع تورمی جدید توسط خود دولت پدیدار خواهد شد که متعاقب آن بنگاه‌ها و نهادهای اقتصادی دولت که خود تولیدکننده کالاها و خدمات هستند، کالاها و خدمات خود را گران خواهند کرد. ج) بر اساس برآوردهای بانک مرکزی، اثر کسری بودجه دولت و یارانه کالاهای اساسی، ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سناریوهای مختلف، به طور میانگین ۰۰۰/۱۰۰ میلیارد ریال (معادل ۱۰ میلیارد دلار) پیش‌بینی شده است۱ این مبلغ ۲۵ درصد از ۰۰۰/۴۰۰ میلیارد اشاره شده در بند «۳» است که دولت به موجب ماده (۸) لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها قرار است آن را به منظور کاهش وابستگی اعتبارات هزینه‌ای دولت به نفت و جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، هزینه کرد. ۵. به این ترتیب مانده، پس از جبران کسری بودجه برای اجرای سایر سیاست‌ها معادل ۰۰۰/۳۰۰ میلیارد ریال (۳۰ میلیارد دلار) خواهد بود. ۶. به این ترتیب ۶۰ درصد خالص مانده وجوه مزبور یعنی ۰۰۰/۱۸۰ میلیارد ریال (معادل ۱۸ میلیارد دلار) به منظور پرداخت‌های نقدی یارانه‌ها به گروه‌های هدف، مصروف می‌شود. تورم ناشی از فشار تقاضا از همین ماده، نشئت می‌گیرد، زیرا یارانه‌ها تا دیروز به تولیدکنندگان پرداخت می‌شد (با ارزان‌فروشی از نفع ممکن چشم‌پوشی می‌شد) و از امروز همان یارانه‌ها به مصرف‌کنندگان پرداخت خواهد شد، به همین جهت ۱۸ میلیارد دلار مزبور درآمدی است که به جامعه تزریق می‌شود (فشار تقاضای ناشی از دو مؤلفه پول و کالا). با توجه به اینکه دهک‌های متوسط و پایین، میل نهایی به مصرف بالایی را دارند، از این جهت انتظار می‌رود که حداقل در دهک‌های مزبور، با افزایش میل نهایی به مصرف، مبالغ نقدی یارانه‌ها را به عنوان درآمد به تقاضا تبدیل کنند. می‌توان چنین پیش‌بینی کرد که چون جامعه مورد هدف، هفت دهک (۱ تا ۷) هستند، حداقل ۵۰ درصد از ۱۸ میلیارد دلار مزبور با احتمال بالا با افزایش میل نهایی به مصرف، به «تقاضا» تبدیل شود. ۷. انتظار می‌رود، تورم ناشی از فشار تقاضا با اجرای پرداخت نقدی یارانه‌ها به هفت دهک اول (با فرض آنکه ۵۰ درصد آن به تقاضا تبدیل شود)، احتمالاً ۷/۲ درصد باشد که با تأثیر ضریب فزاینده پول (۵/۱) به ۴ درصد بالغ شود. ج) انتظارات تورمی انتظارات تورمی قابل محاسبه نیست (اما قابل وقوع است). لذا با توجه به عدم امکان محاسبه یا برآورد «انتظارات تورمی»، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان حداقل بار تورمی مورد انتظار (که بر سطح عمومی قیمت‌های پایه اضافه می‌شود) در نظر گرفته شود. بخش چهارم ـ نتیجه‌گیری در این پژوهش، «آثار مستقیم» و «غیرمستقیم» بار تورمی مورد توجه بوده‌اند، زیرا افزایش قیمت کالاهای انرژی‌زا با توجه به سهم آن در بودجه خانوار و هزینه تولیدکننده قاعدتاً منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش هزینه تولیدکننده می‌شود. اما کالاهای مزبور در عین حالی که کالاهای نهایی مصرف‌کننده هستند، مضاف بر آن در زمره کالاهایی هستند که از بازارهای در هم تنیده برخوردار بوده و لذا علاوه بر آثار مستقیم، افزایش قیمت این محصولات به علت تعامل و روابط پسین و پیشینی که با سایر کالاها و خدمات دارد، منجر به افزایش قیمت بقیه کالاها و خدمات نیز می‌شوند. طبیعی است که سایر کالاها و خدمات نیز در تعامل با سهمی که در هزینه تولیدکننده و بودجه خانوار دارند، منجر به افزایش بالاتری از افزایش ناشی از آثار مستقیم در سطح عمومی قیمت‌ها می‌شوند (آثار غیرمستقیم). در این پژوهش، تعدیلات مربوط به نیروی کار و سرمایه محاسبه نشده‌اند. یافته‌های این پژوهش با توجه به قیمت‌های موردنظر دولت ایجازاً عبارت‌اند از: ۱. در صورت انتخاب گزینه افزایش قیمت کلیه حامل‌های انرژی به صورت هم‌زمان، دفعی و یکباره تورم ناشی از فشار هزینه عبارت خواهد بود از: ـ درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده ۶/۴۸ درصد که با افزوده شدن آن به سطح تورم ۴/۱۸ درصدی سال ۱۳۸۶ به ۶۷ درصد بالغ می‌شود و انتظار می‌رود درصد افزایش شاخص تولیدکننده ۶/۶۳ درصد باشد، که با افزودن آن به سطح ۸/۱۶ درصد تغییر شاخص بهای تولیدکننده در سال ۱۳۸۶ به ۴/۸۰ درصد بالغ می‌شود. ـ اما چنانچه گزینه افزایش قیمت کلیه حامل‌ها به صورت تدریجی و پلکانی در طی ۴ سال با شیب ملایم و برنامه‌ریزی شده انتخاب شود، رشد متوسط سالیانه تورم در این گزینه انتظار می‌رود ۵/۱۰ درصد باشد، که با افزوده شدن به سطح تورم ۴/۱۸ درصدی سال ۱۳۸۶ به ۹/۲۸ درصد بالغ می‌شود. ۲. تورم ناشی از فشار تقاضا (پرداخت نقدی یارانه‌ها به دهک‌های ۱ تا ۷ که میل نهایی به مصرف آنها بالاست) با توجه به فروضی که سبب خواهد شد افزایش میل نهایی به مصرف آنها به تقاضا تبدیل شود و این افزایش تقاضا همان نقشی را ایفا نماید که افزایش حجم نقدینگی ایفا می‌کند، احتمالاً ۷/۲ درصد خواهد بود که با تأثیر ضریب فزاینده پولی (۵/۱) به ۴ درصد بالغ می‌شود. ۳. انتظارات تورمی، قابل محاسبه نیست (اما قابل وقوع است) لذا یافته‌های اشاره شده در بالا، می‌توانند به عنوان حداقل احتمالی بار

تـورمی مـورد انتظـار (که بر سـطح قیمت‌هـای پـایه اضـافه می‌شـود) در نظر گرفته شـود. بخش پنجم ـ توصیه‌های سیاسـی ۱. نتایج یافته‌هـای پژوهشـی این گزارش مؤیـد این حقیقت است که سـطح آثـار تورمی سالیـانه ناشـی از افزایش قیمت کالاهـای انرژی‌زا به سطوح قیمت‌های مورد نظر دولت به صورت تقسـیط و پلکانی به حالت شیب‌دار و زمان‌بنـدی شـده، به مراتب کمتر از آثار تورمی افزایش قیمت محصولات مزبور به صورت دفعی، یکباره و هم‌زمان خواهـد بود. با توجه به اینکه آثار تورمی سـطوح بالای ناشـی از افزایش دفعی و هم‌زمان قیمت حامل‌ها به وجود آورنده شـکست ساختار و ظهور حوزه‌های چالشی وخیم‌تر و جدیدی خواهد شد و مضاف بر آن، تمام طرح‌های سـرمایه‌گذاری اعم از دولتی و خصوصی (و مهم‌تر از همه قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴) را از کلیه توجیحات اقتصادی خود ساقط خواهد کرد. لذا ارجح و اصلح خواهد بود که گزینه دفعی و هم‌زمان کلیه کالاهای انرژی‌زا در اولویت اول نباشـد. ۲. پیشـنهاد می‌شود که چنانچه دولت، علاقمنـد به گزینه افزایش قیمت به طور دفعی و یکباره تا سـطح مورد نظر خود است، در گام اول دو کالای بنزین و گازوئیل را انتخاب و افزایش دفعی سایر کالاهای انرژی را به تدریـج به سال‌های بعد موکول کند. ۳. اصلح است که پرداخت یارانه‌ها به گروه‌های هدف، به جای پرداخت‌های نقدی، از نظام اعطای سهام استفاده شود. پرداخت نقدی یارانه‌ها از حوزه‌های چالشـی پردغدغه‌ای برخوردار است که در این گزارش، برخی از زوایای آن روشن شده است. بخش شـشم ـ برآورد آثار تورمی افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سـناریوی سوم دولت در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، دولت، ضمیمه‌ای را الحـاق کرده است که تمرکز خود را روی گزینه‌هـای قیمتی ۲ و ۳ معطوف کرده است. در صـفحات قبل گزینه قیمتی دوم مورد بحث قرار گرفت و در این بخش گزینه قیمتی سوم مورد برآورد قرار می‌گیرد. در اینجـا نیز به طوری که ملاحظه می‌شود آثـار افزایش پلکـانی قیمت حامل‌ها با رشـد متوسط سالیانه ۵/۱۳ درصـد به مراتب کمـتر از افزایش دفعی و یکبـاره و هم‌زمـان کل حامل‌ها (که ۶/۵۹ درصـد است) خواهد بود. جدول ۵. مقـایسه کلان آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سـناریوی دوم و سوم
دولتحامل‌هـا　سـناریوی دوم قیمتی　سـناریوی سوم قیمتی تغییرات قیمت (ریال)　درصـد افزایش شاخص قیمت مصـرف‌کننده
درصـد افزایش شاخص هزینه تولیدکننـده　تغییرات قیمت (ریال)　درصـد افزایش شاخص قیمت مصـرف‌کننده　درصـد افزایش
شاخص هزینه تولیدکننـدهبنزین　۴۰۰۰　۷/۱۴　۵/۸　۴۰۰۰　۷/۱۴　۵/۸نفت گاز　۲۷۰۰　۸/۱۶　۰/۱۲　۳۵۰۰　۰/۸
۰/۱۴نفت کـوره　۱۶۰۰　۸/۱　۰/۱۶　۲۰۰۰　۱/۲　۰/۱۸نفت سفید　۲۷۵۰　۱/۴　۸/۱　۳۵۰۰　۰/۶　۲/۲گاز مایع
۱۵۰۰　۲/۲　۵/۳　۲۰۰۰　۱/۳　۸/۳گـاز طبیعی　۷۵۰　۱/۸　۵/۱۰　۱۳۰۰　۷/۱۴　۸/۱۶برق　۸۰۰　۱/۹　۳/۱۱
۱۰۰۰　۰/۱۱　۵/۱۲اثر افزایش هم‌زمـــان ویکبـــاره کل‌حامل‌هـــای‌انرژی　---　۶/۴۸ ٪　٪۶/۶۳　---　٪۶/۵۹
٪۸/۷۵شاخص‌هـای پایه در سال ۱۳۸۶　---　٪۴/۱۸　٪۸/۱۶　---　٪۴/۱۸　٪۸/۱۶کل　---　٪۰/۶۷　٪۴/۸۰　---
٪ ۰/۷۸　٪۶/۹۲مأخـذ یافته‌هـای پژوهش. جـدول ۶. تصـویر آثـار تـورمی افزایش قیمت حامل‌هـای انرژی در سـناریوی سـوم
دولتحامل‌ها　تغییرات قیمت (ریال)　نتایج حاصل از افزایش قیمت‌ها بر از وضعیت موجود　به سناریوی سوم پیشنهادی　درصد
افزایش　درصـد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده　درصد افزایش شاخص هزینه تولیدکنندهبنزین۱　۱۰۰۰　۴۰۰۰　۳۰۰
۷/۱۴　۵/۸نفت گاز۲　۱۶۵　۳۵۰۰　۲۰۲۱　۰/۸　۰/۱۴نفت کوره۳　۹۵　۲۰۰۰　۲۰۰۵　۱/۲　۰/۱۸نفت سفید۴
۱۶۵　۳۵۰۰　۲۰۲۱　۰/۶　۲/۲گاز مایع۵　۵۷　۲۰۰۰　۳۴۰۸　۱/۳　۸/۳گاز طبیعی۶　۱۲۰　۱۳۰۰　۹۸۳　۷/۱۴
۸/۱۶برق۷　۱۶۷　۱۰۰۰　۴۹۸　۰/۱۱　۵/۱۲اثر افزایش هم‌زمـان و یکبـاره کـل حامل‌هـای انرژی　ـــ　ـــ　ـــ　۶/۵۹
۸/۷۵مأخـذ یافته‌های پژوهش: ۱.　حمل‌ونقل، کشاورزی، صـنعت، تجاری، عمومی. ۲.　حمل‌ونقل، کشاورزی، صـنعت، خانگی، تجـاری، عمومی. ۳.　حمل‌ونقـل، صـنعت، تجـاری، عمـومی. ۴.　خـانگی، کشـاورزی، صـنعت، تجـاری، عمومی. ۵.　خانگی، صنعت، حمل‌ونقل، تجاری. ۶.　خانگی، صـنعت، حمل‌ونقل، تجاری، عمومی. ۷.　خانگی، صنعت، کشاورزی، تجاری، عمومی.
جدول ۷. تصویر نتایج حاصـله از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به صورت پلکانی در سناریوی سوم دولتحامل‌ها　سال پایه و سال هدف　قیمت در سال پایه و سال هدف　افزایش قیمت به صورت پلکانی　قیمت پیشنهادی در هر سال (ریال)　تغییر در شاخص ۱۰۰–۱۳۸۷　رشـد متوسط سالیانه تورم (درصـد) رشـد متوسط سالیانه (درصـد)　متوسط سالیانه نرخ تورم (درصد)　متوسط کل
اصـلاح قیمت (درصـد)　　بنزین　۱۳۸۷　۱۰۰۰　---　---　---　۱۰۰۰　۱۰۰　۰/۳ ۱۳۸۸　---　۴/۴۱　۲۰
۴/۶۱　۱۶۱۰　۱۰۳　۱۳۸۹　---　۴/۴۱　۲۰　۴/۶۱　۲۶۰۰　۱۰۶　۱۳۹۰　---　۴/۴۱　۲۰　۴/۶۱　۴۲۰۰　۱۰۹
۱۳۹۱　۴۰۰۰　۴/۴۱　۲۰　۴/۶۱　۶۸۰۰　۱۱۲　نفت گاز　۱۳۸۷　۱۶۵　---　---　---　۱۶۵　۱۰۰　۹/۱ ۱۳۸۸
---　۶/۱۱۴　۲۰　۶/۱۳۴　۳۸۷　۹/۱۰۱　۱۳۸۹　---　۶/۱۱۴　۲۰　۶/۱۳۴　۹۰۸　۸/۱۰۳　۱۳۹۰　---　۶/۱۱۴
۲۰　۶/۱۳۴　۲۱۳۰　۷/۱۰۵　۱۳۹۱　۳۵۰۰　۶/۱۱۴　۲۰　۶/۱۳۴　۵۰۰۰　۶/۱۰۷　نفت کوره　۱۳۸۷　۹۵　---　--
-　---　۹۵　۱۰۰　۵/۰ ۱۳۸۸　---　۲/۱۱۴　۲۰　۲/۱۳۴　۲۲۲　۵/۱۰۰　۱۳۸۹　---　۲/۱۱۴　۲۰　۲/۱۳۴
۵۲۱　۱۰۱　۱۳۹۰　---　۲/۱۱۴　۲۰　۲/۱۳۴　۱۲۲۰　۵/۱۰۱　۱۳۹۱　۲۰۰۰　۲/۱۱۴　۲۰　۲/۱۳۴　۲۸۶۰
۰/۱۰۲　نفت سفید　۱۳۸۷　۱۶۵　---　---　---　۱۶۵　۱۰۰　۴/۱ ۱۳۸۸　---　۶/۱۱۴　۲۰　۶/۱۳۴　۳۸۷
۴/۱۰۱　۱۳۸۹　---　۶/۱۱۴　۲۰　۶/۱۳۴　۹۰۸　۸/۱۰۲　۱۳۹۰　---　۶/۱۱۴　۲۰　۶/۱۳۴　۲۱۳۰　۲/۱۰۴
۱۳۹۱　۳۵۰۰　۶/۱۱۴　۲۰　۶/۱۳۴　۵۰۰۰　۶/۱۰۵　گـاز مـایع　۱۳۸۷　۵۷　---　---　---　۵۷　۱۰۰　۷/۰
۱۳۸۸　---　۳/۱۴۳　۲۰　۳/۱۶۳　۱۵۰　۷/۱۰۰　۱۳۸۹　---　۳/۱۴۳　۲۰　۳/۱۶۳　۳۹۵　۴/۱۰۱　۱۳۹۰　---
۳/۱۴۳　۲۰　۳/۱۶۳　۱۰۴۰　۱/۱۰۳　۱۳۹۱　۲۰۰۰　۳/۱۴۳　۲۰　۳/۱۶۳　۲۷۴۰　۸/۱۰۳　گاز طبیعی　۱۳۸۷　۱۲۰
---　---　---　۱۲۰　۱۰۰　۴/۳ ۱۳۸۸　---　۴/۸۱　۲۰　۴/۱۰۱　۲۴۰　۴/۱۰۳　۱۳۸۹　---　۴/۸۱　۲۰
۴/۱۰۱　۴۸۶　۸/۱۰۶　۱۳۹۰　---　۴/۸۱　۲۰　۴/۱۰۱　۹۸۰　۲/۱۱۰　۱۳۹۱　۱۳۰۰　۴/۸۱　۲۰　۴/۱۰۱　۲۰۰۰
۶/۱۱۳　برق　۱۳۸۷　۱۶۷　---　---　---　۱۶۷　۱۰۰　۶/۲ ۱۳۸۸　---　۴/۵۶　۲۰　۴/۷۶　۲۹۵　۶/۱۰۲
۱۳۸۹　---　۴/۵۶　۲۰　۴/۷۶　۵۲۰　۲/۱۰۵　۱۳۹۰　---　۴/۵۶　۲۰　۴/۷۶　۹۱۶　۸/۱۰۷　۱۳۹۱　۱۰۰۰
۴/۵۶　۲۰　۴/۷۶　۱۶۰۰　۴/۱۱۰　جدول ۸. برآورد رشـد متوسـط سالیـانه تورم در گزینه افزایش پلکـانی قیمت حامل‌هـا در سنـاریوی قیمتی سوم دولتنوع حامل‌هـای انرژی　درصـد رشـد متوسـط سالیانه تورم(در طول دوره ۱۳۸۷–۱۳۹۱) بنزین　۰/۳نفت گاز　۹/۱نفت کـوره　۵/۰نفت سفید　۴/۱گازمایع　۷/۰گاز طبیعی　۴/۳برق　۶/۲اثر افزایش قیمت پلکـانی حامل‌های انرژی (تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده)　۵/۱۳ مأخذ: یافته‌های پژوهش. پیامدهای احتمالی طرح هدفمند کردن یارانه ها بخش اصلی و چـالش برانگیز طرح تحول اقتصادی دولت، هدفمنـدکردن یارانه هاست که آنهم چیزی نیست جزتبـدیل پرداخت یارانه ها از حالت غیر مسـتقیم به حـالت مسـتقیم و احیانـاً حـذف تـدریجی آن در مراحل بعـدی. این همان سیاستی است که یکی از پایه های اصـلی سیاست تعـدیل اقتصادی در دولت سازنـدگی و سیاسـتهای پیشـنهادی بانک جهانی بود. بسیاری از دست اندرکاران جناح حاکم و قریب به اتفاق آنانکه در کارگروه تحول اقتصای دولت حضور دارند، ازمخالفان سرسـخت سیاست مذکور در زمان مطرح شدن در دوران برنامه اول توسعه و مدتها بعد از آن بودند ولی امروز نظر بسیاری از آنان عوض شده و دیگر با سیاستهای آن دوران مخالفت نمی ورزنـد امـا برخی از آنـان کـه در رأسـشان رئیس دولت قرار دارد همچنـان سیاسـتهای آن دوره را سیاسـتهای غربی و شکسـت خورده بر می شـمرند ولی درعین حال و با افتخار تمام نوید اجرای همان برنامه ها را به مردم می دهند و در واقع، هم نان مخالفت با دولت آنزمان را می خورنـد و هم قصـد دارنـد نان اجرای همان سیاسـتها را بخورنـد! رئیس دولت فرد باهوشـی است و لذا به چنین تناقضـهائی در رفتـار و گفتـار خود آگاه است ولی بخاطر مهارت فوق العاده ای که در زمینه سـخنوری باب طبع بسـیاری از ایرانیان دارد، که در غیاب آزادی نقـد مجال بروز پیدا می کند ،این تناقضـها را بخوبی پوشـش می دهد پس نباید همه چیز را به بی تدبیری او واطرافیانش حواله داد و به صداقت آنان شک نکرد. پیش بینی دقیق اثرات انتقال یارانه ها از حالت غیر مسـتقیم به مستقیم، کاری بس پیچیـده و سـخت و شایـد هم غیرممکن است چرا که انجـام چنین کاری نیازمنـد یک بانک اطلاعات دقیق و گسترده از صـدها متغیر اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی از یک سو و یک مدل اقتصادی و اجتماعی کلان از سوی دیگر است تا رفتار متغیرهای گونـاگون اقتصـادی و اجتمـاعی را در ارتبـاط بـا یکـدیگر بتوان شـناسائی نموده وبه شبیه سـازی ارتبـاط میـان آنهـا برای زمان پس

ازنقدی کردن یارانه ها پرداخت. اما چون چنین امکانی در شرایط موجود در دسترس نیست و شاید هم هیچگاه در دسترس قرار نگیرد لذا ناچاریم به روشهای نظری و کلی روی بیاوریم و صرفاً چشم اندازی مات از آنچه که ممکن است به وقوع بپیوندد ارائه دهیم. الف- آثار حذف یارانه های غیرمستقیم۱)با حذف سوبسیدهای پرداختی به تولید کنندگان و یا عدم عرضه ارزان قیمت مواد اولیه به آنان(مثل نفت خام و سایر حاملهای انرژی)، هزینه های تولید بنگاههای اقتصادی شدیداً افزایش یافته وبالنتیجه، سطح عمومی قیمتها افزایش، تولید جامعه کاهش، میزان بیکاری افزایش و برخی از فعالیتهای اقتصادی و یا فعالیت برخی از تولیدکنندگان به تعطیلی کشیده خواهد شد ۲)با افزایش قیمتهای داخلی، مزیت رقابتی کالاهای داخلی در بازارهای داخلی و خارجی شدیداً کاهش یافته و واردات افزایش و صادرات کاهش می یابد و این خود منجر به کاهش بیشتر تولید و اشتغال خواهد شد ضمن آنکه این امر منجر به افزایش نرخ ارز میشود که اگر دولت بخواهد مانع آن شود(با توجه به وفور درآمدهای نفتی و دیدگاههای اقتصادی خاص دولت موجود چنین چیزی محتمل هم هست)، نقدینگی رشد کرده و سطح عمومی قیمتها افزایش بیشتری خواهد یافت ۳)افزایش قیمت و کاهش تولید در مورد فعالیتهای انرژی بر نظیر حمل و نقل و تولید محصولات فلزی، مصالح ساختمانی و محصولات شیمیائی بیشتر از بقیه فعالیتها خواهد بود. کشش قیمتی تقاضا نیز در این زمینه مؤثر است و در مورد کالاهائی که کشش قیمتی تقاضای پائینی دارند مانند نان، مسکن و دارو، افزایش قیمت بیشتر و کاهش تولید کمتر خواهد بود۴)با توجه به اینکه صنایع انرژی بر عمدتاً سرمایه برند و از سوئی نیز نیروی کار تا حدی جانشین انرژی است لذا در وهله اول شاید چنین بنظر بیاید که درنتیجه حذف یارانه های غیر مستقیم با رشد اشتغال مواجه خواهیم بود اما باید گفت با توجه به اینکه تغییر تکنولوژی تولید از سرمایه بری به کاربری به سختی و با اینرسی بالائی صورت خواهد گرفت لذا پدیده بیکاری محتمل تر است)درموردکالاهائی که تقاضای آنها نسبت به تغییرات قیمت بی کشش است مانند کالاهای ضروری چون نان و بنزین و دارو و همچنین درموردکالاهائی که عرضه آنها نسبت به تغییرات قیمت باکشش است مانند مواردی که تغییر خط تولید در مورد آنها آسان است، مصرف کنندگان بیشتر از تولید کنندگان متضرر میشوند۶)تخصیص منابع بهبود یافته و اتلاف آن شدیداً کاهش می یابد و فرصت برای بهره برداری بیشتر از سایر مزیتهای رقابتی کشور البته با اینرسی قابل توجهی مهیا می شود و لذا ساختار تولیدی کشور تدریجاً تغییرات اساسی در جهت مثبت پیدا می کند و قدرت رقابتی و کیفیت کالاهای تولید داخل در مسیر بهبود قرار می گیرد۷)تدریجاً روندجابجائی های جمعیتی درکشور تغییر یافته و تمرکز جمعیت و فعالیت در کلانشهرها متوقف و در مورد برخی از آنها حتی معکوس می گردد۸)مصرف حاملهای انرژی کاهش یافته و آلودگیهای زیست محیطی تخفیف می یابد.ب - آثار پرداخت یارانه های غیرمستقیم حذف شده بصورت مستقیم۱)باپرداخت نقدی یارانه ها، تقاضای کل افزایش یافته و منجر به رشد سریع سطح عمومی قیمتها و افزایش بطئی تولید واشتغال میشود. رشدتولیدبه سمت توسعه فعالیتهای کاربر و انرژی اندوز گرایش داشته و از این جهت نیز تأثیر مثبتی بر رشد اشتغال خواهد گذاشت۲)افزایش تقاضا به احتمال زیاد به سمت کالاهای وارداتی بادوام و همچنین کالاهای غیرقابل مبادله بخصوص مسکن گرایش بیشتری خواهد داشت و ضمن تأثیر کاهنده بر تولید و اشتغال و فشار مضاعف بر خانوارهای کم درآمد به جهت تأثیر افزایشی بر قیمت آن کالاها، بازار ارز را متلاطم نموده و منجر به افزایش نرخ ارز شده و احتمالاً به رشد نقدینگی و افزایش دوباره قیمتها منتهی می گردد۳)نکته بسیار مهمی که کمتر مورد توجه قرار میگیرد آن است که بخش قابل توجهی از ۹۰ هزار میلیارد تومانی که از آن به عنوان یارانه نام برده میشود وجود خارجی ندارد بلکه صرفاً میزان"عدم النفعی "است که بابت عرضه ارزان نفت خام و سایر حاملهای انرژی در مقایسه با قیمتهای خلیج فارس محاسبه میشود و قطعاً چنین رقمی با حذف یارانه ها، نصیب دولت نخواهد شد که عین آنرا بصورت مستقیم و نقدی توزیع کند. پس رقم آزاد شده در این مورد بسیار کمتر از ۹۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود چرا که با حذف یارانه ها، اولاً میزان مصرف حاملهای انرژی شدیداً کاهش خواهد یافت و ثانیاً فروش حاملهای انرژی به قیمت خلیج فارس در داخل لزوماً امکانپذیر نمی باشد. در اینصورت اگر دولت بخواهد این کسری را با فروش نفت خام بیشتری جبران نماید بیماری هلندی دامن کشور را در ابعادی وسیع تر از وضع موجود خواهد گرفت ضمن آنکه یکی از هدفهای اصلی طرح که غیر نفتی کردن اقتصاد کشور عنوان میشود زیر سؤال خواهد رفت۴)بروز فساد در فرآیندهای مربوط به توزیع نقدی یارانه ها، بسیار محتمل، گسترده و ویرانگر خواهد بود و توزیع درآمد را به شدت به ضرر دهکهای مورد هدف به هم خواهد زد. ج- جمعبندی(برآیند شرایط الف و ب(۱)رشد شدید سطح عمومی قیمتها حتمی است و هرچند که این امر لزوماً به معنی بدتر شدن وضعیت مردم نخواهد بود ولی احتمال بروز چنین وضعیتی زیاد است۲)حتی اگر پرداخت نقدی بلافاصله پس از حذف یارانه ها صورت گیرد رشد ناشی از پرداخت نقدی یارانه ها درتولید احتمالاً در کوتاه مدت کمتر از کاهش ناشی از حذف یارانه های غیرمستقیم در تولید خواهد بود و لذا رشد بیکاری محتمل است. دلیل این امر، وجود امکان واردات ارزان قیمت، اینرسی جایگزینی تکنولوژیهای تولید قبلی با ساختارهای تولیدی جدید و زمانبری تصمیم گیری فعالان اقتصادی جهت تطبیق با شرایط جدید می باشد۳)رشد واردات و کاهش صادرات در نتیجه کاهش مزیتهای رقابتی کالاهای داخلی در بازارهای داخلی و خارجی به رشدبیکاری، افزایش نرخ ارز و به دنبال تلاش احتمالی دولت برای جلوگیری از افزایش نرخ ارز به رشد نقدینگی و نهایتاً رشد بیشتر قیمتها منجر خواهد شد۴)دولت به منظور جبران کسری اعتبار ناشی از حذف یارانه ها نسبت به رقم اعلام شده(۹۰ هزار میلیارد تومان)، احتمالاً برای مدتی به فروش ارز روی آورده و بدین ترتیب باعث رشد نقدینگی و لذا رشد مجدد قیمتها خواهد گردید۵)افزایش در قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به ویژه مسکن و سایر کالاهای بادوام جدی خواهد بود۶)بار روانی حاصل از افزایش قیمتها، وقفه احتمالی میان اجرای مراحل اول و دوم طرح وتغییر تصمیمات درحین اجرای طرح، می تواند به جو بی اطمینانی دامن زده و پول را داغ کند و ضمن افزایش دادن سرعت گردش پول به رشد قیمتها منجر شود و رشد قابل توجهی نیز در تقاضای کالاهای بادوام و غیر قابل مبادله مثل مسکن ایجاد کرده و قیمت آنها را بازهم بالاتر برد۷)اعمال تبعیض در توزیع نقدی یارانه ها، بخاطر فساد خیزی شدید احتمالاً به تشدید نابرابری در درآمدها منجر شده و در نهایت به زیان دهکهای پائین تمام خواهد شد۸)بروز تنشهای سیاسی و اجتماعی از دیگر پیامدهای احتمالی تغییر در شیوه توزیع یارانه ها خواهد بود. د- خارج از متن۱)مناسب است که طراحان طرح تحول اقتصادی دولت و به ویژه مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام به این سؤال پاسخ گویند که این طرح چه ارتباطی با برنامه چهارم، چشم انداز بیست ساله و سیاستهای کلی اصل ۴۴ که آنهمه تبلیغات درمورد آنها صورت گرفته است دارد؟آیااین طرح جایگزین آنهاست یا بخشی از آنها؟ ۲)طرح تحول اقتصادی دولت در بخش یارانه ها به لحاظ اقتصادی، سیاستگذاری درستی است ولی دولتی که در فضائی عاری از سرمایه اجتماعی قابل ملاحظه فعالیت می کند و تنشهای گوناگون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در کنار بی تدبیری مفرط او را محاصره کرده است به نظر میرسد که صلاحیت و بسترهای لازم برای اجرای چنین سیاستی را در اختیار نداشته باشد۳)طرح مورد نظر دولت، آنچیزی را که ما در سایت آینده دنبال می کردیم و آن به حاشیه راندن استقلال مالی دولت از مردم بود در پی نخواهد داشت و اتفاقاً چنین به نظر می آید که هدف طرح در لایه های پنهان آن دقیقاً برعکس این خواسته بوده و قصد دارد کسانی را به دولت وابسته کرده و بالا بیاورد تا پشتوانه آرای دوره بعدی آن باشند۴)برخی از دست اندرکاران امور به جهت ترس از پیامدهای خطرناک قابل پیش بینی و غیر قابل پیش بینی طرح، با اجرای آن مخالفند ولی برخی دیگر علی رغم نگرانی از این موضوع، به نظر میرسد که هدف حذف دولت فعلی به دست خود آن را پیگیری میکنند۵)برخی نیز یارانه را مشکل نظام می دانند و پیش خود می گویند که احمدی نژاد که سوخته، بگذار این مشکل را نیز حل کند و بعد برود۶)به نظر میرسد که برخی نیز در این شلوغی منتظرند اوضاع به هم بریزد و به بهانه ناتوانی دولت در اداره امور مربوط به نفت، آنرا از چنگ قوه مجریه در آورده و در اختیار نهادهای دیگری قرار دهند۷)ظاهراً کم اهمیت ترین هدف طرح، همانی است که پراهمیت ترین هدف آن تبلیغ میشود و آنهم چیزی نیست جز هدفمند کردن یارانه ها و افزایش رفاه جامعه.فصل سومروش تحقیقاین پژوهش ازنوع پژوهشهای همبستگی است ومنظورازپژوهش همبستگی این است که ارتباط بین۲متغیریعنی تاثیرهدفمندکردن یارانه ها به عنوان متغیرمستقل نقش آن درزندگی اقشارکم درآمد به عنوان متغیروابسته درجامعه ایرانی می باشد.جامعه آماری:جامعه آماری من شامل کلیه اقشاری که دردایره دریافت یارانه هاقرارمی گیرند. نمونه آماری وحجم آن:چون این طرح هنوزتصویب نشده،شامل کلیه افرادشامل دریافت یارانه درایران میباشد.ابزارنمونه گیری:معرفی:پرسشنامه

موجوددراین تحقیق میباشد.روش تحلیل اطلاعات:دراین پژوهش برای اندازه گیری میزان رابطه وتاثیرهدفمندکردن یارانه هاونقش آن برزندگی اقشارآسیب پذیر ازآماراستنباطی(ضریب همبستگی پیرسون)استفاده می شود.برای خلاصه کردن داده هاو اطلاعات ازجداول آمارتوصیفی استفاده می شود.پرسشنامه:دانشجویان گرامی پرسشنامه ای که در اختیار شما قرار گرفته است جهت یک تحقیق درسی می باشد، و هدف از آن بررسی تاثیرهدفمندکردن یارانه هاونقش آن برزندگی اقشارکم درآمدجامعه می باشد، کلیه اطلاعات این پرسشنامه محرمانه بوده و ذکر نام و نام خانوادگی اختیاری می باشد.از شما که با دقت و تامل به پرسشها پاسخ می دهید صمیمانه قدردانی و تشکر می کنیم.سن: جنسیت: مرد( ) زن( )وضعیت تأهل: مجرد( ) متأهل( )وضعیت شغلی: محصل( ) دانشجو( ) کارمند( ) آزاد( ) سایر موارد( )میزان تحصیلات شما: خواندن و نوشتن( ) ابتدایی و راهنمایی( ) دیپلم( ) کارشناسی( ) بالاتر( )۱- تا چه اندازه طرح هدفمندکردن یارانه هامی تواندوضاع اقتصادی مردم رابهبودبخشد ؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۲- چه میزان اوضاع بداقتصادی می توانددردریافت افرادازاین طرح مؤثر باشد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۳- آیا میزان بیکاری می تواندبرموردقبول واقع شدن طرح مؤثر باشد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۴- آیا تا چه میزان وجود فقر مادی درافرادجامعه دردریافت طرح می تواندموثرباشد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۵- تا چه اندازه به این عقیده که فقرآغازانحرافات می تواندباشدمعتقدهستید؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۶- تا چه اندازه وجود مشکلات اقتصادی،فقرشدیدمی تواند‌اجرای طرح رابااشکال مواجه سازد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۷- آیا میزان پایبندی دولت به اجرای صحیح این طرح می تواند‌درموفقیت آن موثرباشد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۸- سردرگمی و نداشتن منابع مالی قوی تا چه میزان توانسته در امر اجرای طرح موانع ایجادکند ؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۹- آیا برخوردار بودن ازبرنامه ریزی قوی،پشتوانه مالی ورضایت مردم چه میزان موفقیت طرح راتضمین می کند ؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۱۰-چه میزان نظرات منتقدان می تواند‌دراصلاح ساختارطرح موثرباشد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )فصل چهارمتجزیه وتحلیلدراین پژوهش برای اندازه گیری بررسی میزان تاثیرطرح سهام عدالت دربهبود وضع اقتصادی آحادجامعه ازآماراستنباطی(ضریب همبستگی پیرسون)استفاده می شود.برای خلاصه کردن داده هاو اطلاعات ازجداول آمارتوصیفی استفاده می شود.هدف در این تحقیق، بررسی تاثیرهدفمندکردن یارانه هاونقش آن بربهبودزندگی اقشارآسیب پذیرجامعه می باشد.پس از جمع‌آوری اطلاعات توسط پرسشنامه، اطلاعات کدگذاری و وار نرم‌افزار spss شده و گزارشات توصیفی و تحلیلی از آن استخراج شده است. نمودارهای مختلف آماری نیز توسط نرم‌افزار Excel رسم شده‌اند. حال به بررسی نتایج تحقیق می‌پردازیم:در نمونه مورد بررسی ملاحظه گردید که میانگین سن افراد حدود ۲۴ سال و انحراف معیار سن آنها حدود ۵/۴ سال گزارش می‌شود. سایر شاخص‌های آماری مربوط به سن افراد در جدول زیر گزارش شده است:شاخص (سال) میانه مد واریانس بیشترین کمترین دامنه تغییراتمقدار شاخص ۲۴ ۲۸ ۸/۱۹ ۳۴ ۱۸ ۱۶با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌گردد، بیشترین افراد دارای سن ۲۸ سال و اختلاف بین مسن‌ترین و جوان‌ترین فرد ۱۶ سال می‌باشد و بیانگر این نکته است که توقع آنان ازدولت بالا رفته و در این تحقیق کلیه دامنه سنی در معرض بررسی قرار گرفته است. وضعیت توزیع جنسی افراد در نمونه مورد بررسی در جدول ذیل آمده است: فراوانی درصدمرد ۲۷ ۱/۵۵زن ۲۲ ۹/۴۴ ملاحظه می‌شود توزیع جنسی افراد در نمونه مورد مطالعه به طور متعادل انتخاب شده است و نتایج تحقیق می‌تواند به گونه‌ای مجزا بدون تأثیر از نوع جنسیت افراد پاسخگو باشد. توجه داریم که یک نفر وضعیت جنسیت خود را مشخص نکرده است.جدول توزیع فراوانی وضعیت تأهل افراد در نمونه مورد بررسیوضعیت تأهل فراوانی درصدمجرد ۳۸ ۷۶متأهل ۱۲ ۲۴ در این تحقیق ۷۶ درصد افراد مجرد و ۲۴ درصد متأهل بوده‌اند.جدول توزیع فراوانی وضعیت اشتغال افراد پاسخگو در نمونه مورد بررسیوضعیت اشتغال فراوانی درصدمحصل ۹ ۱۸دانشجو ۱۰ ۲۰کارمند ۱۰ ۲۰آزاد ۲۰ ۴۰سایر مشاغل ۱ ۲ ملاحظه می‌گردد بیشتر افراد در نمونه تحت بررسی دارای شغل آزاد (۴۰ درصد کل افراد) می‌باشند و پس از آن مشاغل کارمند و دانشجو (با ۲۰ درصد کل افراد) دیگر مشاغل دارای بیشترین فراوانی در نمونه تحت بررسی می‌باشند.جهت بررسی دقیق‌تر در سؤال فوق جدول (توافقی) ذیل را داریم:جدول توزیع فراوانی وضعیت اشتغال با توجه به وضعیت تأهل افراد در نمونه مورد بررسیوضعیت اشتغال محصل دانشجو کارمند آزاد سایر مشاغل فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصدوضعیت تأهل مجرد ۸ ۱/۲۱ ۹ ۷/۲۳ ۷ ۴/۱۸ ۱۳ ۲/۳۴ ۱ ۶/۲ متأهل ۱ ۳/۸ ۱ ۳/۸ ۳ ۲۵ ۷ ۳/۵۸ ۰ ۰با توجه به جدول ملاحظه می‌شود بیشترین افراد مجرد، دارای شغل آزاد (با ۲/۳۴ درصد) بوده‌اند و پس از آن دانشجویان و محصلان دارای بیشترین فراوانی می‌باشند (به ترتیب با ۷/۲۳ و ۱/۲۱ درصد).همچنین بین افراد متأهل نیز، شغل آزاد دارای بیشترین فراوانی می‌باشد. (با ۳/۵۸ درصد)جدول توزیع فراوانی میزان تحصیلات افراد در نمونه مورد بررسیمقاطع تحصیلی فراوانی درصدابتدایی و راهنمایی ۱۱ ۲۲دیپلم ۲۳ ۴۶کارشناسی ۱۵ ۳۰بالاتر از کارشناسی ۱ ۲ ملاحظه می‌شود افراد با میزان تحصیلات در سطح دیپلم (۴۶ درصد) دارای بیشترین فراوانی و افراد با میزان تحصیلات بالاتر از کارشناسی (۲ درصد) دارای کمتری فراوانی در نمونه تحت مطالعه می‌باشند.ضمن آن که در مجموع ۶۸ درصد افراد (بیش از نیمی از افراد) دارای میزان تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم می‌باشند و تنها ۳۲ درصد دارای میزان تحصیلات کارشناس و بالاتر از آن می‌باشند.جدول توزیع فراوانی پاسخ افراد به سؤالات یک تا ۱۳ در نمونه مورد بررسیپاسخ سؤالشماره سؤال خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد۱ ۸ ۱۶ ۱۱ ۲۲ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴۲ ۱۴ ۲۸ ۱۳ ۲۶ ۱۱ ۲۲ ۷ ۱۴ ۵ ۱۰۳ ۱۹ ۳۸ ۱۰ ۲۰ ۱۳ ۲۶ ۶ ۱۲ ۲ ۴۴ ۱۳ ۲۶ ۶ ۱۲ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴۵ ۸ ۱۶ ۹ ۱۸ ۸ ۱۶ ۹ ۱۸ ۱۶ ۳۲۶ ۱۰ ۲۰ ۹ ۱۸ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴۷ ۱۱ ۲۲ ۴ ۸ ۱۹ ۳۸ ۹ ۱۸ ۷ ۱۴۸ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۱۰ ۲۰ ۱۳ ۲۶ ۳ ۶۹ ۲۴ ۴۸ ۱۹ ۳۸ ۵ ۱۰ ۲ ۴ ۰ ۰۱۰ ۱۸ ۳۶ ۱۱ ۲۲ ۱۴ ۲۸ ۴ ۸ ۳ ۶۱۱ ۱۸ ۳۶ ۱۹ ۳۸ ۹ ۱۸ ۳ ۶ ۱ ۲۱۲ ۲۰ ۴۰ ۲۵ ۵۰ ۳ ۶ ۱ ۲ ۱ ۲۱۳ ۹ ۱۸ ۱۱ ۲۲ ۱۵ ۳۰ ۹ ۱۸ ۶ ۱۲ حال به بررسی پاسخ سؤالات با توجه به جدول فوق می‌پردازیم:سؤال یک: حدود ۶۰ درصد افراد پاسخ متوسط و بالاتر معتقدندکه طرح اززیرساخت های قوی برخوردارنیستسؤال دو: حدود ۷۶ درصد افراد پاسخگو، جواب متوسط و بالاتر به این سؤال داده‌اند. بدان معنی که این طرح بیشترسیاسی است تااقتصادی سؤال سه: ۸۴ درصد افراد به میزان متوسط و بالاتر معتقدند، که این طرح آثارتورمی بالادارد.سؤال چهار: پاسخ به این سؤال به صورت متعادل بین گزینه‌ها توزیع شده و به همین دلیل آنهامعتقدندکه این طرح رکوداقتصادی بدنبال دارد.سؤال پنج: ۶۶ درصد افراد پاسخ متوسط و پایین‌تر به این سؤال داده‌اند ممکن است اجرای این طرح فاصله طبقاتی راافزایش دهد.سؤال شش: با توجه به نتایج وعدم امکانات مادی محقق ممکن است اجرای بدون برنامه این طرح باعث افزایش مهاجرت ازروستابه شهرگردد.سؤال هفت: با توجه به نتایج حاصله ممکن است اجرای طرح باعث فراربیشترمغزهاوسرمایه هاگردد.سؤال هشت: ۶۸ درصد افراد معتقدند اجرای این طرح باعث بهبوداوضاع اقتصادی وهمچنین کاهش کسربودجه دولت می شود.سؤال نه: افراد پاسخگو در حد متوسط و بالاتر ۹۶ درصد معتقدند که برخورداری از برنامه ریزی صحیح وچشتوانه قوی مالی باعث موفقیت طرح خواهدشد.سؤال ۱۰: ۹۳ درصد در حد متوسط و بالاتر به نظر پاسخگویان اجرای این طرح بیشتردرجهت حمایت ازاقشارآسیب پذیرجامعه می باشدتاسایراقشار. فصل پنجمنتیجه گیری وپیشنهاداتپیامدهای خارجی مثبت تنها توجیه پرداخت یارانه به برخی کالاهاست و غیر از این، توجیه دیگری ندارد، این پیامد خارجی مثبت عبارت است از برخورداری فقرا (گروه هدف در پرداخت یارانه‌ها) از یک حداقل معیشت تعریف شده، به عبارت دیگر هدف گروه خاصی از مصرف‌کننده هستند که زیر خط فقر به سر می‌برند. در مورد یارانه‌ها تقسیم‌بندی‌های متعددی وجود دارد. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها این است که یارانه‌ها را به یارانه باز و هدفمند تقسیم می‌کنند. یارانه باز برای همه خیرداران یک کالا به طور یکسان اعمال می‌شود و یارانه را متوجه بازار می‌کند. مثل یارانه بنزین و نان. نوع توزیع این یارانه

مستقیما به خرید برمی‌گردد به‌طوری‌که هر کس در بازار بیشتر خرید کند، بیشتر یارانه خواهد گرفت. از اشکالات این نوع از یارانه‌ها بهره‌مندی بیشتر خانوارهای ثروتمند از این نوع یارانه‌هاست. البته منوط به اینکه کالای مورد نظر کالای معمولی یا لوکس باشد چراکه در صورتی که کالای مورد نظر پست باشد، یارانه باز موجب تحقق هدف ما یعنی حمایت از اقشار فقیر می‌شود. در مواقع پرداخت یارانه باز به مسئله جانشینی نیز توجه داشته باشیم یعنی اگر به یک کالایی یارانه باز دهیم تقاضای آن افزایش یافته و این افزایش در حدی خواهد بود که جانشین کالاهای دیگر می‌شود. از دیگر انواع یارانه‌ها، یارانه سرانه و هدفمند می‌باشد. کالاهای اساسی که به صورت کوپن عرضه می‌شود از این نوع یارانه‌هاست. این نوع از یارانه؛ نسبت به یارانه باز از لحاظ توزیع درآمد بهتر بوده و توزیع درآمد را به نفع خانوار فقیر تغییر می‌دهد. بنابراین با این تعاریف یارانه هدفمند یارانه‌ای است که افراد فقیر کاملا شناسایی شده و به آنها پرداخت شود. اما مکانیسم شناسایی گروه‌های هدف (خانوارهای فقیر) چگونه است؟ در اینجا دو نوع خطا معروف به خطاهای یک و دو مطرح می‌شود.خطای یک این است که یارانه به افراد غیرفقیر داده شود و خطای دو این است که افراد فقیر به‌طور کامل شناسایی و تحت پوشش یارانه هدفمند قرار نگیرند.برای شناسایی اینکه کدام یارانه کارآمدتر است، می‌بایست خطای یک و دو حداقل شود. (در این مورد در ایران مطالعاتی صورت گرفته بوده است)برای شناسایی گروه‌های هدف نیاز به استفاده از روش مددکاری می‌باشیم یعنی گروهی خود را به عنوان فقیر معرفی کرده و گروهی دیگر تحقیق کنند که آیا اینها فقیرند یا نه. برای این امر یک سری علائم قابل اثباتی (به‌صورت شاخص) باید داشته باشیم که فقرای مستحق دریافت یارانه را شناسایی کند. برای هدفمند کردن یارانه exclude و include لازم است به‌طور مثال گفته می‌شود خانوارهای دارای سرپرست زن از سطح فقر جامعه هم پایین‌تر هستند حال این امر دلیل نمی‌شود تا به همه سرپرستان زن یارانه داده شود چراکه سرپرست زن‌هایی وجود دارند که از همه ثروتمندترند.یارانه سرانه و هدفمند هم می‌توانند به شکل نقد باشد و هم جنسی. هر دو شکل پرداخت، محسناتی را نسبت به همدیگر دارند. از طریق نمودار مطلوبیت و محدودیت بودجه به راحتی می‌توان نشان داد که یارانه نقدی رفاه خالص را افزایش می‌دهد و فرد هر کالایی را می‌تواند انتخاب کند و مطلوبیت او افزایش می‌یابد. اما در مواردی مثل تورم یارانه جنسی بهتر از یارانه نقدی می‌باشد همچنین در مواردی مانند آموزش، بهداشت، غذاهای ضروری مانند شیر و... پرداخت یارانه جنسی ضروری است. بنابراین پرداخت یارانه نقدی به جای یارانه جنسی حد و مرز خاصی دارد و در همه موارد نمی‌توان یارانه‌ها را نقدی کرد.در مورد اقتصاد ایران در مواردی همچون انرژی، نقدی کردن یارانه به نفع رفاه جامعه می‌باشد. برای این مورد دو حسن را مطرح می‌کنیم. اول اینکه افرادی که حامل‌های انرژی همچون بنزین را مصرف نمی‌کنند (مانند افرادی که در روستا زندگی می‌کنند) به حقشان که سهمی از این منابع است می‌رسند و ثانیا از قاچاق بنزین جلوگیری می‌شود.همچنین به دلیل عدم تطبیق حداقل دستمزد با نظام مالیاتی موجود و نظام بیمه و پرداخت ناکارا، کسانی که در چرخه تولید هستند را نمی‌توان بالای خط فقر دانست و این امر شناسایی افراد زیر خط فقر را مشکل‌تر می‌کند در حالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته شناسایی افراد زیر خط فقر به دلیل کارا بودن نظام بیمه و پرداخت به‌راحتی صورت می‌گیرد.پیشنهاد یارانه ایهدفمند کردن یارانه ها و تجدید نظر در نحوۀ ارائه آن، سال هاست که مورد بحث قرار گرفته و ضرورت آن به نحوی که توزیع آن عادلانه گشته و از بار مالی سنگین دولت کاسته شود بر هیچ کس پوشیده نیست ولی هرگونه اقدام برای تغییر در این زمینه باید با بررسی های کارشناسی و توجه به تاثیرات اقتصادی آن به خصوص بر اقشار آسیب پذیر صورت پذیرد.با توجه به گزارش اخیر رییس جمهور محترم به مردم، موارد زیر پیشنهاد می گردد. امید است دولتمردان ما توجه لازم را به نظرات کارشناسی ارائه شده داشته باشند.۱- مایحتاج عمومی که به صورت کالابرگ توزیع می شود بایستی مورد تجدید نظر قرار گرفته و صرفاً به اقشار کم درآمد و تحت پوشش نهادهای حمایتی محدود گردد تا بتوانند تاثیرات اقتصادی خود را بر جمعیت آسیب پذیر بیشتر نمایند. چنانچه پرداخت نقدی ما به التفاوت کالا یا یارانۀ آن صرفاً به اقشار کم درآمد باشد، به نحوی که مبلغ مستمری آنان افزایش یابد، تاثیر آن بر تورم محدود خواهد بود. هرگز نبایستی پرداخت سایر یارانه ها به صورت نقدی به کل اقشار جامعه تسری یابد که تورم وحشتناکی را به کل کشور تحمیل خواهد نمود.۲- در مورد یارانه نان و گندم به دلیل عمومیت مصرف آن و استفاده بیشتردهک پایین جامعه از مصرف نان و گندم باید با احتیاط بیشتری برخورد کرد زیرا کاهش یارانه و یا حذف و پرداخت نقدی آن مشکلات زیادی را به وجود می آورد. بایستی با اجرای برنامه صنعتی کردن پخت نان به جای پخت سنتی که هزینه های آن را کاهش می دهد و نیز توسعه نانوایی های فانتزی که اقشار متوسط از آن استفاده می کنند، نسبت به عدم افزایش بار مالی یارانه نان اقدام نمود و یارانه گندم را نیز به دلیل استراتژیک بودن این کالای کشاورزی به کشاورزان پرداخت نمود .۳- در مورد یارانه بنزین و گازوئیل باید با اجرای مصوبه مجلس ششم مبنی بر افزایش تدریجی سالیانه به رسیدن به قیمت منطقی آن و متناسب با آن توسعه طرح ناوگان حمل و نقل عمومی، مترو و گازسوز کردن خودروها در یک برنامه ۵ ساله اقدام نمود.۴- یارانه برق و آب راباید با تشویق و بخشودگی کم مصرف ها و جریمه و محاسبه تصاعدی پرمصرف ها و پرداخت ریالی یارانه انرژی به صنعت و کشاورزی مشکل یارانه برق و آب حل کرد. پرداخت ریالی یارانه انرژی به هیچ وجه به مصلحت کشور نیست.۵- در مورد شیر لازم است یارانه آن به جای شیوۀ کنونی (که شیر یارانه ای در بعضی از شهرها توزیع می شود و توزیع آن نیز نمی تواند عادلانه باشد)،به دامداران یا صنایع وابسته یارانه شیر پرداخت شود تا بتوانند قیمت محصولات لبنی خود را افزایش ندهند و بدین ترتیب مردم در سراسر کشور بتوانند از محصولات مختلف لبنی بهره مند شوند.۶- به طور کلی بهتر است یارانه ها به تولید به جای مصرف پرداخت شوند . پرداخت نقدی به جز در موارد خاصی (نظیر پرداخت به کشاورز، دامدار و یا اقشار آسیب پذیر تحت پوشش سازمانها ی حمایتی) کار صحیحی نیست و تورم بسیار زیادی را موجب می گرددو تنها در یک مقطع کوتاهی احساس شادمانی زودگذری را به مردم القاء خواهد نمود ولی پس از مدت کوتاهی مردم قدرت خرید خود را از دست خواهند داد.منابع۱- آثار افزایش قیمت برخی از محصولات انرژی‌زا (بنزین و گازوئیل بر سطح عمومی تورم پایه)، مرکز پژوهش‌ها، شماره مسلسل ۹۱۵۱، شهریور ۱۳۸۷.۲-ارزیابی الگوها و مدل‌های به کار گرفته شده برای بررسی آثار اقتصادی کاهش یارانه حامل‌های انرژی، مرکز پژوهش‌ها، شماره مسلسل ۹۳۲۸، آبان ۱۳۸۷. ۳-جدول منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی، دفتر مطالعات انرژی، صنایع و معادن مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دی‌ماه ۱۳۸۷.۴- ماهنامه کشاورز شماره ۳۳۳، تیرماه ۱۳۸۷[۱]- http://sharifnews.com/?۱۹۰۶۰ جدول شاخص‌های عملکرد اقتصادی در دوره ۱۳۸۱-۱۳۸۶، بانک مرکزی، آبان ۱۳۸۷

اندیشه های اقتصادی امام موسی صدر

محقق : محمد روح بخش

مقدمه اندیشه های اقتصادی امام موسی صدر از دیدگاه اقتصاددان ها و علمای دینی: این نوشتار تلاشی است برای شناختن، استنباط و ارائه آراء و دیدگاههای امام موسی صدر در دوران اقامت در ایران و لبنان با استفاده از مقالات منتشر شده، سخنرانی های ایراد شده و اقدام های صورت گرفته و بالاخره مؤسسات و سایر آثار و یادگارهای باقیمانده از ایشان این منابع در مجموع نشان می دهند که امام موسی صدر دین اسلام را آئین زندگی تلقی میکند که به همه جوانب حیات بشر نظر و برای آن برنامه دارد از جمله مکتب اقتصادی اسلام برای از میان برداشتن فقر و برقرار ساختن عدالت راه و روشی دارد که متفاوت از مکاتب سرمایه‌دارای و سوسیالیستی است اگرصاحبان عوامل تولید را برای سهولت به دو گروه کارگران و سرمایه داران تقسیم کنیم ، امام صدر نشان می دهد که حقوق و امتیازاتی که مکتب اسلام هنگام بستن قراردادهای استخدام با بنگاه ها برای ایشان وضع کرده موجب فزونی امتیازات و حقوق مکتسبه نیروی کار بر صاحب سرمایه می شود با تداوم فعالیت های اقتصادی و بستن مکرر این قراردادها ، امتیازات حقوقی نیروی کار هنگام توزیع مجدد درآمد مزیتی نسبی برای او فراهم می آورد شهید محمد باقر صدر نیز همین امتیاز را هنگام توزیع قبل از تولید و توزیع بعد از تولید برای نیروی کار قایل هستند به علاوه، برنامه زکاتی که در اسلام پیش بینی شده ، به تعبیر امام موسی صدر، یک برنامه مالیاتی برای تأمین مخارج فعالیت ها و مدیریت دولت نیست ، بلکه روشی است برای ایجاد توازن درآمد درجامعه تا جائی که برای همه افراد رفاه نسبی تأمین شود . علاوه براین نظریه به نظر می رسد که امام موسی صدر

برای توسعه اقتصادی مسلمانان راهی مستقل و متفاوت از مکاتب سرمایه داری و سوسیالیستی پیشنهاد می کنند که بر هدایت و پرورش استعدادهای انسانی و افزایش انباره آن در اقتصاد کشور مبتنی است انباشت و تراکم سرمایه انسانی درمکتب اسلام موجب تداوم رشد اقتصادی و اشتغال منابع بشری و محافظت از محیط زیست می شود و مآلاً رفاه و سعادت کل جامعه را تأمین می کند این راه توسعه اقتصادی در سیره مبارك پیامبر اسلام برای پیشبرد اقتصاد مسلمانان نیز مشاهده می‌شود . طرح تحقیقاهمیت و فایده تحقیق : آشنایی با مواردی همچون تفکرات اقتصادی امام موسی صدر، دیدگاه های برخی از اقتصاددان ها و علمای اسلام ، و تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری از مباحث موجود در تحقیق از اهداف این تحقیق میباشد . با توجه به اینکه موضوع تحقیق اینجانب شامل جامعه آماری نمی باشد لذا از ارائه پرسش نامه و مصاحبه خودداری شد . مروری بر ادبیات موضوع : حوزه علمیه قم از بدو تأسیس شاهد تحولات سیاسی و اجتماع عظیمی در عرصه کشور و منطقه بوده است . برخی از این تحولات چون تحکیم حاکمیت رضاخان و اقدامات ضد دینی او مانند کشف حجاب و حمله مسلحانه به مسجد گوهرشاد برای موجودیت حوزه و دینداری مردم تهدیدی مستقیم بود و برخی دیگر مانند بروز جنگ جهانی دوم ، سقوط رضا شاه و ورود متفقین به ایران امنیت کل کشور را به خطر انداخت چندی از روی کار آمدن محمدرضا پهلوی نگذشت که نهضت ملی شدن نفت آغاز و کشور با تحول سیاسی درونی و مآلاً دخالت آشکار بیرونی مواجه شد این تغییر و تحولات همچنان ادامه داشت تا قیام ۱۵خرداد برپا شد و سپس با گسترش و همه گیر شدن مبارزات مردم به رهبری امام خمینی به پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجامید . طبیعی است که مؤسس حوزه علمیه قم ، مرحوم آیت الله عظمی حائری و وصی ایشان مرحوم آیت الله عظمی صدر و سایر مراجع ، مستقیم یا غیر مستقیم ، در تحولات یاد شده مشارکت داشتند و رسالت حساس دینی خود را ایفا می کردند بالطبع سایر علما ، مدرسان و طلاب حوزه علمیه قم نیز در معرض این تحولات قرار می گرفند و در برابر آنها مواضعی پیدا میکردند .علاوه بر تحولات سیاسی یاد شده ، حرکت های فکری و آرمانی چندی از غرب و شرق وارد ایران شد که حکومت پهلوی پیرو و مجری حرکت نخست و حزب توده و گروه های دیگر خواستار به قدرت رسیدن مکتب کمونیستی بودند این مرام ها و تفکرات نیز اندیشمندان و علمای حوزه را متأثر می‌کرد و برای تبیین و روشنگری دین اسلام و جلوگیری از گمراهی مردم فعالیت های فکری ، تربیتی ، و تبلیغی میکردند .در این حوزه علمیه ، سید موسی صدر به تحصیل علوم دینی پرداخت و مدارج علمی را طی کرد تا به مرحله اجتهاد رسید درهمین دوران ایشان و شهید بهشتی تصمیم می گیرند که وارد دانشگاه شوند و تحصیلات دانشگاهی را نیز تجربه کنند ایشان نخستین طلاب حوزه علمیه بودند که وارد دانشگاه شدند با این تفاوت که امام موسی در رشته اقتصاد تحصیل کرد و شهید بهشتی رشته معقول و منقول را انتخاب کرد پس از تمام کردن رشته اقتصاد ، و همچنین دروس خارج قم ، امام موسی و جمعی از همفکران او در صدد انتشار مجله‌ای بر می آیند که دیدگاه حوزه و یا دست کم چیزی را عرضه کنند که ایشان از مکتب اسلام شناخته و دریافت کرده اند چنان که گفته شد ، تحولات سیاسی و فکری که در قرن اخیر کشور دچار تنش ها و نهضت های زیادی کرده و موجب مطرح شدن مکاتب سرمایه داری و سوسیالیستی شده بود ، برای ارائه دیدگاه ها و مواضع مکتب اسلام نیاز مبرمی را پدید آورده بود مجله مکتب اسلام با این هدف به معرفی دیدگاه های دین اسلام درباره این تحولات سیاسی و فکری پرداخت سلسله مقالاتی که امام موسی صدر در این مجله نوشت ، به معرفی اقتصاد در مکتب اسلام اختصاص داشت چند گاهی که از انتشار مجله مکتب اسلام گذشت ، مجله مکتب تشیع نیز بیرون آمد دراین مجله که از اصحاب فکر حوزه علمیه قم تقاضای مشارکت شده بود ، امام موسی باز به اقتصاد اسلام و شیوه رفع اختلاف طبقاتی از دیدگاه اسلامی پرداخت درسال های نخست هجرت به لبنان ، آموزش های دینی و احیای سنت های مذهبی مد نظر و اهتمام قرار می‌گیرد ولی به مجرد این که امکاناتی فراهم می شود ، رهبر شیعیان لبنان مدرسه فنی و حرفه‌ای جبل عامل را تأسیس می کند تا جوانان شیعه ضمن آموزش دین ، حرفه‌های مهندسی ، کشاورزی و هنری را یاد بگیرند و فنون مختلف شوند سال بعد، که امام موسی مجلس اعلای شیعیان در لبنان را تأسیس کرد ، خود نیز به مباحث اقتصاد اسلامی در آن پرداخت . فرضیه های امام موسی صدرآنچه به اختصار تشریح شد نشان دهنده دیدگاه های اسلامی رهبر شیعیان لبنان است تحولاتی که در ایران رخ داد و خطرهایی که برای حوزه علمیه قم پیش آمد، هر صاحب نظری را در حوزه به چاره اندیشی وا می داشت در زمینه‌های حقوقی و فلسفی ، حوزه علمیه پیوسته پیشگام و صاحب موضع بود و صاحب‌نظران چندی به تحلیل مسائل مربوطه می پرداختند درسیاست نیز حکما با عرضه حکمت علمی و سیاست مدن اندیشه هایی را مطرح کرده بودند آنچه تدوین و تبینش بسیار مورد نیاز بود، به ویژه پس از انتشار افکار اشتراکی ، مواضع اقتصادی اسلام بود بی دلیل نیست که امام صدر به شرکت در دانشگاه و تحصیل در رشته اقتصاد مصمم شد این قرائن نشان میدهد که وی دین اسلام را آئین زندگی برای بشر می داند که قادر است پیوسته انسان را راهنمایی و مشکلاتش را حل کند و او را به طریق صواب پیش براند اسلام از نظر وی رابطه انسان و پروردگار و طبیعت را نشان می دهد و نقش و رسالت انسان را در حیات دنیوی و سرانجام او را درحیات اخروی آشکار می کند به علاوه ، راه و رسم زندگی را در این جهان از طریق نظریه و مواضع خود به انسان نشان می دهد از جمله ، مکتب اقتصادی اسلام چگونگی فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی و رسیدن به عدالت اقتصادی را نشان می دهد .پس ، از نظر امام صدر، اسلام دین عبادی صرف نیست ؛ بلکه فرهنگ ، آئین و رسالتی برای زندگی است این مذهب برای تمام ابعاد زندگی انسان برنامه و دستورالعمل دارد و نظام اسلامی هنگامی که استوار می شود که همه ابعاد فکری و اجتماعی آن در همه شئون زندگی انسان حاکم گردد درعین حال ، اگر چنین شرایطی پیش نیای ، هر بخشی از نظام اسلامی که اجرا شود ، آثار خود را به ارمغان خواهد آورد ، گرچه این آثار آنگاه کامل خواهد شد که بقیه بخش های نظام اسلامی نیز پدید آیند . به علاوه ، مکتب اقتصادی اسلام ، مکتبی است که از جهان بینی اسلام سرچشمه می گیرد و راه حلی که برای شکوفایی زندگی اقتصادی بشر ارائه می کند مستقل و متفاوت از مکاتب مادی و ادیان دیگر است به نظر می رسد که دست کم از هنگامی که امام صدر به تحصیل علم اقتصاد در دانشگاه پرداخت ، در پی کشف و تدوین و عرضه این مکتب بوده و هرگاه در ایران و لبنان فرصت مقتضی یافته ، به معرفی آن پرداخته است . توزیع درآمد میان صاحان نهادهای تولید می دانیم که در تحلیل های اقتصادی ، برای سهولت ، دست اندرکاران در فعالیت های اقتصادی را به دو گروه تولیدکنندگان و مصرف کنندگان تقسیم می کنند تولید کننده کسی است که دانش و مهارت انتخاب نهاده‌های تولید و استفاده از آن ها را به منظور تولید محصول یا کالاهایی معین دارد کشاورزان و صنعتگران جزو این گروهند ؛ ایشان نحوه استفاده از آب و زمین را برای تولید غلات و حبوبات و یا نحوه ترکیب مواد خام را به کمك ابزار برای تولید پوشاك و مسکن و غیره می دانند از طریق فروش کالا و پرداخت هزینه نهاده‌های به کار رفته ، به کسب سود می پردازند مصرف کنندگان این توانایی را ندارند، بنابراین برای کسب در آمد، نهاده‌هایی را که در مالکیت خود دارند به تولیدکنندگان عرضه می کنند مصرف کنندگان غالباً می توانند از نیروی کار خویش استفاده کنند ؛ بنابراین ، در مقابل استخدام و کار کردن برای بنگاه ها ، دستمزدی می گیرند و معیشت خود را تأمین می کنند برخی دیگر از مصرف کنندگان صاحب زمین و مستغلاتند و با اجاره دادن آنها درآمد کسب می کنند بالاخره ، برخی دیگر ابزار یا تجهیزات سرمایه‌ای مانند خودرو، تراکتور یا ادوات برقی و مکانیکی دارند و باز از طریق کرایه دادن آن ها تأمین معاش می کنند .در علم اقتصاد چند سؤال مطرح است:۱- تولید کنندگان چه محصولاتی را تولید کنند که مورد نیاز مصرف کنندگان باشد و رفاه ایشان تأمین شود؟۲- چگونه محصولات تولید شده میان مصرف کنندگان توزیع شود تا درمجموع همه آنان برآورده شود؟۳- بنگاه ها عوامل تولید را چگونه برگزینند و چقدر از هر کدام به کار برند تا بتوانند کالاهای مورد نیاز جامعه را تأمین کنند؟در نظام سرمایه داری خالص و نه مختلط این مهم را دستگاه بازار به تنهایی عهده دار است و در نظام سوسیالیستی خاص ، دولت با نظام برنامه ریزی به تأمین نیازهای جامعه می‌پردازد اقتصاددانان نشان داده اند که هر دو نظام در شرایط مفروض خود می‌توانند به اهداف خویش برسند لیکن درعمل ، هر دو نظام با ناکامی های فراوان روبه رو و به تجدیدنظر در اهداف ، آرمان ها ، فرض ها و روش های کاربردی خود ناگزیر شدند نظام سرمایه داری پس از کینز به سرمایه‌داری و در چین به ورود سرمایه‌داری و رونق بخش خصوصی و به تعبیر دولتمردان آن جا به وجود یک سرزمین و دو نظام رضایت داد . یکی از مسائل طرف توجه هر دو نظام ، رفاه نسبی صاحبان عوامل تولید یا گروه های مختلف مصرف کننده از یک سو و از سوی دیگر مشارکت ایشان در پیشبرد تولید و رشد اقتصادی هر چه بیشتر استاقتصاددانان کلاسیک

رشد و توسعه را مدیون افزایش فعالیت سرمایه‌گذاری می دانستند گسترش این فعالیت موجب ازدیاد حجم سرمایه های مادی چون ماشین، ساختمان ها، سدها، نیروگاه ها و پالایشگاه ها می شود که خود عامل گسترش فعالیت های تولیدی بیشتر در آینده خواهد بودبنابراین عامل رشد اقتصادی دراین مکتب تراکم یا انباشت سرمایه است . شرط لازم برای سرمایه گذاری، وجود ذخایر پس انداز است آن دسته از مصرف کنندگان که می توانند پس‌انداز کنند و آن را در اختیار سرمایه گذاری قراردهند، صاحبان سرمایه‌های مادی اند، نه کارگران؛ زیرا، گروه اخیر طبق نظر کلاسیک ها دستمزدی دارند که فقط کفایت حداقل معیشت ایشان را خواهد کرد اگر وضع کارگران بهبود یابد، به علت بهتر شدن وضع معیشتی و یفاهی ایشان، مرگ و میر کم و جمعیت زیاد می شود این افزایش که عرضه نیروی کار را بالاـ می‌برد، مجدداً باعث پائین آمدن میزان دستمزد می گردد در وضعیت اخیر کارگران به تأمین نیازهای اساسی خود قادر نیستند و به فقر و تنگدستی دچار می شونداین پدیده تکرار می شود تا دستمزدی را که بازار تعیین می کند فقط برای تأمین حداقل معیشت کارگران کافی باشد بنابراین تنها گروه از مصرف‌کنندگان که می توانند پس‌انداز و جریان سرمایه‌گذاری را تقویت می کنند و موجب انباشت سرمایه در اقتصاد می شوند سرمایه دارانندریکاردو هیچ مشارکتی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی برای زمین داران، قائل نیست اجاره‌ای که بابت زمین های محدود کشاورزی نصیب ایشان می شود به علت گران شدن قیمت غذا و محصولات کشاورزی است، نه به سبب فعالیت ایشان در احیای زمین یا افزایش بهره وری آن به زعم ریکاردو عرضه زمین های کشاورزی و حاصلخیزی آن ها ثابت است وافزایش نمی یابد بنابراین ، افزایش تقاضا صرفاً موجب به کارگیری زمین می شود؛ منتهی زمین های حاصلخیز زودتر از بقیه به زیر کشت رفته و به تدریج که زمین های نامرغوب به کار گرفته می شوند، زمین های حاصلخیز نسبت به آن ها درآمدی مازاد به نام اجاره پیدا می‌کنند پس درآمد زمین‌داران ناشی از کار و کوشش نیست و از این رو ریکاردو پیشنهاد کرد که دولت این در آمد باد آورده را با وضع مالیات بر زمین از ایشان پس بگیرد پس در تحلیل اقتصاددانان کلاسیک تنها گروه فعال و مؤثر در پیشبرد اقتصاد سرمایه دارانند . دیدگاه مارکس ، اقتصاددان مطرح غرب : مارکس نظریه کلاسیک ها را مبنی بر ضرورت انباشت سرمایه برای رشد اقتصادی پذیرفت، لیکن ابزار و تجهیزات سرمایه را محصول دسترنج کارگران به حساب می آوردو آنها را کار متراکم تلقی می کرد . مارکس همانند سایر کلاسیک ها ارزش محصول را مارکس معلول کار می دانست بنابراین کارگران عامل اصلی رشد محصول ملی در اقتصادند . وضع معیشتی کارگران هنگامی از آنچه کلاسیک ها ترسیم کردند بهتر می شود که بر سرمایه‌داران غلبه کنند و نهاده سرمایه را خود به کار گیرند؛ گرچه این غلبه بدون انقلاب و قهر پدیدار نخواهد شد و رهایی کارگران از فرآیند استثمار بدون آن محقق نخواهد شد در نهایت دولتی که نماینده طبقه کارگران است زمام امور اقتصادی و سیاسی را به دست خواهد گرفت و با ملی کردن عوامل تولید ریشه غصب حقوق و استثمار کارگران را قطع خواهد کرد . ملاحظه می شود که مکتب سرمایه داری کلاسیک ها که عامل رشد اقتصادی را در سرمایه گذاری و انباشت سرمایه می داند از میان کل مصرف‌کنندگان برای سرمایه‌داران نقش و اهمیت قائل است و مکتب سوسیالیستی مارکس کارگران را سرمنشاء تولید کل و تداوم آن به حساب می‌آورد به همین علت مازاد اقتصادی حاصل از فعالیت های تولیدی را مکتب سرمایه داری از آن سرمایه دار و مکتب سوسیالیستی متعلق به نیروی کار می داند برخلاف فیزیوکرات ها، زمین در فرآیند تولید و توسعه و بالطبع سهم شاخصی برای صاحبان نهاده‌های تولید در هر دو مکتب مبنای مکتبی و ارزشی دارد و نه پایه علمی و بی طرف هنوزهم در علم اقتصاد برای توزیع محصول نظریه‌ای اثباتی داده نشده است مدت کوتاهی نظریه تولید کرانه‌ایتوزیع مطرح شد، ولی بزودی مشخص شد که اگر تابع تولید یعنی رابطه ظاهری نهاده‌های تولید با حداکثر محصول درخور وصول همگن خطی نباشد، یعنی اگر عوامل تولید به نسبت معینی تغییر کردند، محصول هم درست به همان نسبت تغییر کند، نه بیشتر و نه کمتر، این نظریه کاربرد ندارد . نظریه توزیع درمکتب اقتصادی اسلام از دیدگاه علمای دینی هرفعالیت تولیدی یا مبادله‌ای در اقتصاد یک کشور باید صورت قانونی داشته باشد لذا سهم و امتیازاتی که صاحبان عوامل تولید در فعالیت های تولیدی به دست می آورند تابع حقوقی است که قانون برای در نظر می‌گیردامآام موسی صدر در نخستین مقالات خود در مجله مکتب اسلام، نشان می‌دهد که امتیازاتی که مکتب اسلام برای بستن قرارداد و مشارکت نیروی کار منظور کرده است بیشتر از سرمایه است. در فعالیت های تولیدی نیروی کار هم می تواند مزد معین درخواست کند و هم به در سود یا درآمد حاصل از آن فعالیت مشارکت کند چنانچه فعالیت موردنظر با خطر همراه باشد و نیروی کار مایل نباشد که در آن سهیم شود، می‌تواند با درخواست دستمزد معین به استخدام درآید برعکس، اگر محصول از بازار خوبی برخوردار و احتمال سودآوری آن زیاد باشد، کارگر می تواند که در تولید آن شریک شوداحکام و قراردادهای اسلامی اختیار هردوشکل قرارداد را به نیروی کار می دهنداما صاحب سرمایه مادی فقط می تواند کرایه معینی طلب کند و نمی‌تواند شریک شوداین امتیازی که نظام حقوقی اسلام به نیروی کار می دهد موجب بهره‌مند شدن این عامل و یافتن مزیت هنگام بستن قراردادهای مختلف می‌شود ازآن جا که این اختیارات در کلیه فعالیت های اقتصادی برای نیروی کار محفوظ می ماند، درآمد حاصل از تولید میان کار و سرمایه به نفع نیروی کار توزیع می شود، به شرطی که سایر عوامل ثابت باشد امام موسی صدر نشان می‌دهد که حقوق و مزایایی که مکتب اسلام برای نیروی کار در نظر گرفته به مراتب بیشتر ازمکاتب سرمایه داری و اشتراکی است عوامل دیگری که بر توزیع درآمد مؤثر است، عبارت است از نوع فناوری و کمیابی عوامل تولید اگر فنون مورد استفاده در صنایع کاربر باشد، با افزایش تولید، نیروی کار به نسبتی بیشتر از سرمایه به استخدام درخواهد آمد و بالطبع سهم آن نیز در درآمد ملی افزایش خواهد یافت چنانچه صنایع، سرمایه بر باشند، جریان توزیع درآمد به نفع عامل سرمایه خواهد بودفراوانی و کمیابی عوامل تولید به ویژه منابع طبیعی تابع اوضاع محیطی و جغرافیایی اقتصاد است .پیشرفت فناوری در اقتصاد یکی تابع فراوانی و کمیابی عوامل تولید است و دیگری بودجه‌های تحقیقاتیمعمولاً فن و تکنیک در جهتی پیش می رود که نهاده‌های فراوان را بتوان جانشین عوامل کمیاب کرد و از این طریق موجب صرفه‌جویی اقتصادی شداز سوی دیگر با بودجه‌ای که دستگاه دولت برای تحقیقات معین می کند می‌تواند مسیر علم و صنعت را نیز جهت بخشد از آن جا که تأمین امکانات برای یک زندگی مرفّه حق همگی خانوارها و وظیفه دولت در یک نظام اسلامی است بر اساس نظر امام موسی صدر دولت می تواند از بودجه زکات برای این مهم ، استفاده کندبودجه مزبور ممکن است برای تحقیقات در زمینه کاربر کردن فناوری مورد استفاده قرارگیرد تا بدون دخالت دولت، متقاضیان کار همگی به استخدام در آیند پس از برقراری شرایط اشتغال کامل، دولت می‌تواند از بودجه زکات برای بارور کردن بهبود سازمان و کیفیت نیروی کار کمک گیرد .پس مکتب اقتصادی اسلام جریان توزیع درآمد حاصل از تولید میان کار و سرمایه را در مرحله اول به کمک احکام قانونی و حقوقی خود به نفع نیروی کار هدایت می‌کند در مرحله بعد، اگر تناسب لازم در وضع معیشتی کارگران پیش نیاید، از بودجه زکات استفاده خواهد کرد طبق شواهدی که امام موسی از آیات و روایات در مقاله اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی عرضه میکند، نتیجه می‌گیرد که تا حد تأمین رفاه کامل برای شاغلان از این بودجه می توان استفاده کردبودجه مزبور شامل خمس نیز می شود؛ ولی چنانچه کفاف رفع نیاز خانوارها را نکند دولت می تواند که از وجوه برای تحقیقات فن آوری استفاده کند و زمینه اشتغال نیروی کار را در اقتصاد پدید آورد .پس ملاحظه می شود که راه و رسم مکتب و نظام اسلامی برای توزیع درآمد شاید متفاوت از نظام های سرمایه داری و سوسیالیستی است نظام حقوقی و سیاستگذاری دولت اسلامی و در عین حال وضعیت طبیعی و جغرافیایی و به تعبیر دیگر امکانات تولیدی در هر اقتصاد، در تقسیم مازاد اقتصاد میان عوامل تولید مؤثر است نظام حقوقی و سیاستگذاری دولت به هنگام لزوم امتیازهای نیروی کار را برای بهره‌مند شدن از این مازاد افزایش می دهد سیاست توسعه فنون کاربر را دولت تا جایی ادامه می دهد که بتواند مشکل بیکاری غیر اختیاری‌را در جامعه حل کند از این طریق مسأله فقر نیز خود به خود رفع می شود، چه تمامی جویندگان کار اشتغال لازم را پیدا میکنند نهادهای کمیاب، به خاطر همین ویژگی، خود نیز از مازاد اقتصادی سهمی خواهند برد ، همین پدیده همراه با سیاست تحقیقاتی دولت موجب می شود که در فرآیند تولید به تدریج عوامل فراوان جانشین نهاده‌های کم نظیر و یا حتی مستهلک شدنی بشوند جانشین شدن نهادهای تجدید پذیربه جای عوامل تجدیدناپذیر که یکی از شرایط لازم توسعه اقتصادی پایدار است و به تحقیق و تفحص نیاز دارد، یکی از مصادیق فرآیند جانشین کردن عوامل کمیاب است سیاست تحقیقاتی دولت می‌تواند این فرآیند را هم جهت دهد و هم تسریع کند پس روش نظام اسلامی برای مبارزه با فقر، مصادره اموال اغنیا و در

اختیار گرفتن ابزار تولید یا گرفتن مالیات از گروه پر درآمد و پرداختن آن به فقرا نیست؛ بلکه از بین بردن منشاء فقر است با افزایش اشتغال و مهارت و تخصص نیروی کار نظام اسلامی عوامل موجد فقر را از میان می برداین جهاد علیه فقر به برکت شیوه توزیع درآمد میان کار و سرمایه و توسعه فنون کاربر صورت می گیرد این عوامل موجب می شوند که بخش عمده‌ای از مازاد خالص اقتصادی که در فرایندهای تولید ایجاد می شود به نیروی کار تعلق گیردشیوه توزیع درآمد میان صاحبان نهاده‌های تولید در مکتب اسلام بدین گونه از سایر مکاتب متفاوت می شوداین فرایند توزیع، چنان که گفته شد، تحت تأثیر حقوق مالکیت، نوع فناوری توسعه یافته در اقتصاد و کمیابی عوامل تولید است در مکتب اسلام دولت جانشین بخش خصوصی نمی شود تا جریان توزیع درآمد را عادلانه کند، بلکه با نقشی که در هدایت فناوری تولید و تأمین اجتماعی و توازن درآمد میان صاحبان عوامل تولید ایفا می کند این جریان را جهت می بخشدبر این محمد باقر صدر نقشها به ویژه تأمین اجتماعی و توازن درآمد تأکید می ورزد و آن ها را طریقه‌ای برای عادلانه کردن توزیع در آمد در مکتب اسلام معرفی می کندامام موسی صدرنیز می رسد به همین وظیفه دولت اشاره داردهنگامی که درباره اختیارات دولت برای استفاده از بودجه زکات بحث می کنند شهید صدر بر جنبه توازن میان درآمدها علاوه بر تأمین حداقل معیشت تأکید می ورزد و امام موسی به استفاده از زکات برای تأمین رفاه همه صاحبان عوامل تولید نظر دارد؛ و به همین ویژگی وسعت و توانایی بودجه زکات توجه دارد هنگامی که میگوید زکات صرفاً مالیات نیست .از بحث های این بزرگان می‌توان فهمید که دولت توازن درآمد را می‌تواند از طریق جهت بخشیدن به فناوری تولید، محقق و یا با استفاده از بودجه زکات آن را هدایت کندبدین طریق نظام حقوقی و سیاستگذاری در نظام اسلامی جریان توزیع در آمد را شکل می دهد . فرضیه های مکتب اسلام درباره فرآیند توسعه اقتصادی :آنچه مکتب اسلام عامل توسعه اقتصادی تلقی می کند و تجربه مسلمانان صدر اسلام آن را گواهی میدهد باز از نظریات مکاتب سرمایه داری و سوسیالیستی متفاوت است که در قسمت قبل تشریح شد با توجه به مقامی که انسان در جهان بینی اسلام دارد، خلیفهٔ الله از ایشان است، و تمام نعمت های الهی به خاطر بهره مندی او خلق شده و هدف از نبوت و تنزیل وحی برقراری قسط در زندگی دنیایی و رستگاری او در آخرت است، عامل رشد و توسعه اقتصادی نیز در وجود او نهفته و ذخیره سرمایه انسانی او است در ادبیات اقتصادی امروز، مهارت و تخصصی که انسان با آموزش و کارآموزی پیدا میکند سرمایه انسانی خوانده می شود، زیرا این عامل همانند سرمایه مادی موجب افزایش تولید و بهره‌وری است مراد از نیروی کار، کار ساده و بدنی است که همه افراد به درجات مختلف توانایی های جسمی و بدنی دارندالبته کسانی که نقص عضو دارند، یا سالمندند، این توانایی و بنابراین نیروی کار را ندادندولی سرمایه انسانی توانائی های ذهنی و مهارت های شغلی است که صرفاً با تحصیل و ممارست به دست می‌آید و صاحبان مشاغل و حرفه‌های گوناگون و نیز متخصصان و دانشمندان و هنرمندان دارای این سرمایه اند پزشکان، مهندسان، مدیران، هنرمندان، و ورزشکاران همه صاحبان این نهاد تولیدی اند در واقع سرمایه انسانی حاصل شکوفا ساختن استعدادهای انسانی استاز آن جا که همه استعدادهای مختلف به طور تصادفی در میان افراد بشر توزیع شده است، بارور کردن و از قوه به فعل رساندن آن ها موجب می شود که همه افراد بشر اعم از مرد و زن به این عامل تولیدی مجهز شونددر مکتب اقتصادی اسلام همین عامل منشاء رشد و توسعه اقتصادی معرفی می شود و افزایش انباره آن در هر اقتصادی باعث رشد اقتصادی می گردد .در قسمت قبل تشریح شد که احکام حقوقی اسلام برای نیروی کار در مرحله توزیع درآمد امتیاز خاصی قایل است شهید محمد باقر صدر نشان می دهد که همین اولویت هنگام توزیع ثروت های طبیعی اولیه و نیز هنگام استخدام آن ها در فرآیندهای مختلف تولیدی نیز وجود داردسیاست تأمین اجتماعی که به نظر شهید صدر یکی از وظایف دولت در نظام اسلامی است به تقویت و بارور شدن همین عامل در اقتصاد می انجامد وجوب زکات به معنی کلی آن که خمس و انفاق را هم در بردارد، طبق برداشت امام موسی صدر فقط مالی نیست؛ صاحبان حرفه و فن و دانش نیز باید از سرمایه انسانی خود زکات بپردازند یا انفاق کنندزکات العلم نشره امام موسی در یکی از درس های اقتصاد اسلامی خود در مجلس الشیعی الاعلی در لبنان روایتی را از پیامبر اکرم نقل می کنند که حضرتش از مردم می‌پرسند آیا می‌خواهید راه بهشت را به شما نشان دهم؟ سپس می فرمایند : صنعواالافرق به مهارت شغلی ندارند، فن و حرفه بیاموزیدپس راه بهشت، راهی که طبق آن فقر و جهل و بیماری و بی سوادی از میان برداشته می‌شود و زمینه غصب و ظلم و استثمار از بین می رودزیرا مردم به توسعه اقتصادی دست می‌یابند و رزق حلال نصیبشان می شود و به خیرات و مبرات توفیق پیدا می کنندروشی است که استعدادهای بالقوه مسلمانان را از طریق تعلیم و تربیت، کارآموزی، پژوهش، برنامه ریزی مدیریت نیروی انسانی به فعلیت می رساند و انباره سرمایه انسانی ایشان را افزایش می دهد از آن جا که رشد اقتصادی نیازمند سرمایه گذاری است و حجم تولیدات در هر اقتصادی به برکت آن رشد می کند، اندوخته سرمایه انسانی باعث افزایش ابتکار در شیوه‌های تولید و ابداع در به کارگیری عوامل تولید می شوددر نتیجه کارایی فعالیت های تولیدی بالا رفته و میل به سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش می یابدافزایش جریان سرمایه گذاری خود موجب تراکم سرمایه های جسمانی و انسانی جدید و بیشتر شدن حجم تولید و اشتغال و مآلاً توسعه اقتصادی می شودپس راه توسعه اقتصاد است شکوفاکردن این ذخیره که در وجود همه انسان ها به ودیعه گذاشته شده موجب توسعه‌ای فراگیر، مردمی و عادلانه می شودهر کس بیشتر برای بارور کردن استعدادهای خود و آموزش حرفه و صنعت تلاش کند، به شایستگی ها و توانمندی های بیشتری برای کسب درآمد در فعالیت های مختلف اقتصادی دست می‌یابد و خود به خود نصیب بیشتری می بردافزایش جریان توسعه اقتصادی که از یک طرف با افزایش ظرفیت سرمایه های انسانی و به تبع آن سرمایه‌های مادی در اقتصاد موجب افزایش تولید و درآمد کل در اقتصاد و از سوی دیگر موجب توزیع بهینه آن میان شرکت کنندگان در این جریان می‌شود . هر کس با زحمت و تلاش بیشتر، از ارزش کل حاصل شده در فعالیت های تولیدی سهم بیشتری به دست می‌آوردپس این روند توسعه ، درآمد ملی را به گونه‌ای میان افراد و گروههای انسانی توزیع می کند که به هر کس سهمی به اندازه تلاش، کوشش و مشارکت او در تولید می رسد، و به عبارت دیگر پاداش هر کس به اندازه حق او می شود؛ حقی که در اثر کار و تلاش و آموزش و تجربه به دست می آید، مصداق اعطاء کل ذی حق حقه قرار می گیرد و یک جریان اقتصادی پایدار و عادلانه در مکتب اسلام محسوب می شود .به نظرمی رسد که آن راه توسعه اقتصادی که هم از نظر فلسفه و هم از جنبه عمل و سیاستگذاری از الگوهای مکاتب سرمایه داری و سوسیالیستی متفاوت است، شیوه‌ای است که مد نظر امام موسی صدر قرار دارد با تکیه بر عامل انسانی و هدایت ، بارور و تجهیز کردن همین نیرو است که پیامبر اکرم اقتصاد مسلمانان صدر اسلام را از وضع دشوار و سخت سال های اولیه هجرت در مدینه درآورند و در کمتر از هشت سال آن را اقتصادی شکوفا و توسعه یافته کردند تا جایی که جانشینان پیامبر اکرم همین سیاست را دنبال کردند، توانستند فرهنگ، تمدن، و توسعه را برای کشورهای تازه گشوده شده به ارمغان بیاورندبا الهام از همین راه توسعه اقتصاد اسلامی است که مشاهده می شود که در اولین فرصتی که رهبر شیعیان در لبنان پیدا می کند به تأسیس مدرسه حرفه‌ای جبل عامل که می پردازد در آن رشته های برق، مکانیک، صنایع غذایی، تجاری، و حتی قالی بافی آموزش داده شود و پس از چندی برای دختران مدرسه پرستاری، و صنایع و هنرهای دستی ایجاد می کندتأسیس همین نوع مدارس بعدها از جنوب به بیروت گسترش پیدا می کند و سیاستی می شود که حتی پس از غیبت او نیز دنبال می شود .در مقاله اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی پس از آن که امام موسی صدر نشان می‌دهد که منشاء اختلاف طبقات اقتصادی توزیع درآمد به شکل های ناپذیرفتنی در اسلام است به یک اختلاف درآمد می پردازد که مورد تأیید مکتب است و ناشی از تفاوت در انباره سرمایه انسانی است در پایان مقاله یاد شده می گوید.اکنون اختلافات دیگر مردم را از قبیل اختلاف در قوای بدنی، فکری، تفاوت در عواطف و اخلاق و استعداد صنعتی و هنری مطالعه می کنیم در این مورد، نه تنها در دین اسلام برای برطرف کردن این اختلافات کوششی دیده نمی شودبرخلاف روش مارکسیسم بلکه از پاره‌ای کلمات بزرگان اسلام استفاده می شود که وجود این تفاوت ها لازم و رحمت است همین تفاوت ها سبب می شود که وظایف گوناگون اجتماع را هر کس بر حسب استعداد خود به عهده بگیرد و هیچ وظیفه‌ای زمین نماندچه هر کس بر حسب ذوق و تخصص و تفاوت نیروی فکری و علمی خود کاری را متعهد می شود و جامعه از تخصص و تفاوت نیروی فکری و هنری و صنعتی او با دیگران بهره‌مند می شودو برای این که این تفاوت‌ها کدورتی ایجاد نکند و سبب تفاخری نشود و صمیمیت یک جامعه که به اعضای گوناگون نیازمند است به هم نخورد، برای وظایف افراد خانواده نسبت به یکدیگر و نسبت به همسایه و دوستان و استاد، دستورات اخلاقی بسیار وسیعی داده شده است و

برای تعاون و همکاری و جلوگیری از هر نوع سوءتفاهم تأکیدات بلیغی شده که خود در خور بحثی مشروح و دامنه دار است .نگاهی بردیدگاه میلتون فریدمن منتقد اقتصادی :پل کراگمن استاد دانشگاه اقتصاد پرینستون و نویسنده کتاب " اقتصاد بین الملل : نظریه و سیاست " که یکی از مشهورترین کتب موجود در زمینه اقتصاد بین الملل بدون توسل به محاسبات ریاضی است ، در سال ۱۹۹۱ جایزه جان بتیس کلارک را از سوی انجمن اقتصادی آمریکا دریافت کرد . فلسفه اقتصادی کراگمن می تواند در مکتب نئوکینزی قرار گیرد . وی همچنین یکی از منتقدین سیاست های داخلی و خارجی جورج بوش است . نوشته زیر که حدود یک ماه پیش توسط کراگمن منتشر شده است ضمن تجلیل از فریدمن و بیان توانایی های علمی و اقتصادی او به انتقاد از برخی نظرات وی پرداخته و معتقد است همانطور که فریدمن علیه کینز قیام کرد و دست به انجام اصلاحات زد درحال حاضر نیز علم اقتصاد نیازمند یک اصلاح طلب دیگر است. تاریخ تفکر اقتصادی قرن بیستم بی شباهت به تاریخ مسیحیت قرن شانزدهم نیست. پیش از انتشار کتاب تئوری عمومی اشتغال ، بهره و پول توسط جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۶، مذهب رسمی علم اقتصاد – به خصوص در زبان انگلیسی- تفکر بازار آزاد بود . اگر چه گهگاه ارتدادهایی در این مذهب صورت می گرفت اما این موارد همیشه ناکام مانده و متوقف می شد . کینز در سال ۱۹۳۶ نوشت که اقتصاد کلاسیک " همچنانکه تفتیش عقاید مقدس، اسپانیا را تحت سلطه خویش درآورده- انگلستان را تسخیر کرده است . "ادعای اصلی اقتصاد کلاسیک این بود که تقریبا پاسخ همه مسائل و مشکلات باید به نیروهای عرضه و تقاضا واگذار شود . ما در زمان وقوع رکود بزرگ ، اقتصاد کلاسیک هیچگونه تفسیر و راه حلی برای گذار از رکود ارائه نکرد. در اواسط دهه ۱۹۳۰ چالش های پیش روی مذهب مرسوم اقتصاد تاحدی زیاد بود و نمی توانست بیش از این به درازا بکشد . در این هنگام کینز نقش مارتین لوتر را ایفا نمود و با نگاه تیزبینانه خود ارتداد قابل احترامی را از مذهب رایج علم اقتصاد انجام داد . اگر چه کینز به معنای واقعی یک چپ گرا نبود اما برای نجات سرمایه داری قیام کرد، نه برای تسخیر آن بلکه نظریه او بیان می کرد بازارهای آزاد متضمن دسترسی به اشتغال کامل نیستند و بدین ترتیب منطق دخالت گسترده دولت در اقتصاد را فراهم نمود. کینزینیسم یک اصلاح بزرگ در تفکر اقتصادی بود و به طور غیر قابل اجتنابی توسط یک ضد انقلاب بنیان گذاری شد . اما در این میان تعداد زیادی از اقتصاددانان در فاصله سال های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ تلاش های زیادی برای احیا ، بقا و زنده نگه داشتن اقتصاد کلاسیک ایفا نمودند ، اما هیچیک از آنها به اندازه میلتون فریدمن تاثیرگذار نبودند . اگر کینز مارتین لوتر بود، فریدمن هم ایگناتیوس لویولا ، موسس یسوعیون بود. همانند یسوعیون ، پیروان فریدمن نیز همانند یک ارتش وفادار به آرمان های او عمل کردند و بهتر بگوییم – به طور ناقص – در برابر ارتداد کینزینیسم جنگیدند. با پایان قرن بیستم اقتصاد کلاسیک دوباره بسیاری از نواحی تحت قلمرو سلطنتی خود را باز پس گرفت و به راستی بخش اعظم این اعتبار را مدیون میلتون فریدمن بود. غایت آرزوی اقتصاد این است که علم باشد نه الهیات ؛ چرا که اقتصاد مربوط به زمین است نه آسمان. نظریه کینز در ابتدا به طور گسترده ای انتشار یافت چرا که بهتر از اقتصاد کلاسیک به شناسایی جهان اطراف ما پرداخت و در این راه نیز موفق بود . انتقاد فریدمن از کینز نیز کاملا موثر واقع شد بدلیل اینکه به درستی نقاط ضعف کینزینیسم را شناسایی نمود . در این نوشته به برخی از اشتباهات فریدمن نیز اشاره خواهیم کرد . برای مثال در مواردی چنین به نظر می رسد که فریدمن با خوانندگان خود رو راست نبوده است. اما من او را همانند یک اقتصاددان بزرگ می ستایم .میلتون فریدمن سه نقش عمده را در اندیشه اقتصادی قرن بیستم ایفا نمود . فریدمن اقتصاددان بود ، مطالب خود را به صورت تکنیکی می نوشت و تحلیل های وی در خصوص رفتار مصرف کننده و تورم کمتر سیاسی بود . فریدمن کارآفرین سیاستی بود و حاصل چند دهه تلاش او اکنون به نام مانیتاریسم)پول گرایی (شناخته می شود که سرانجام فدرال رزرو و بانک مرکزی انگلستان در اواخر دهه ۱۹۷۰ این رویکرد را در اجرای سیاست پولی خود پذیرفتند و البته چند سال بعد نیز آن را کنار گذاشتند . فریدمن یک ایدئولوگ هم بود، مروج بزرگ دکترین بازار آزاد. فریدمن تمامی این نقش ها را با ایمان به واقعیت های کلاسیک اقتصاد بازار ایفا نمود. تاثیرگذاری فریدمن به عنوان یک مروج و مبلغ بازار آزاد تا حدی به دلیل شهرت او به عنوان یک نظریه پرداز اقتصادی با بینشی عمیق و دقیق بود . اما تفاوت های عمده ای میان دقت کارهای او به عنوان یک اقتصاددان حرفه ای و دمدمی مزاج وجود دارد و همین امر گاهی اوقات منطق نوشته های او را در جایگاه یک متفکر عمومی با سوال روبه رو می سازد . در حالی که کارهای نظری فریدمن توسط اقتصاددانان جهان مورد ستایش واقع شده است اما یک دو سویه گرایی در نظرات سیاستی و به ویژه ترویجی او در خصوص بازار آزاد وجود دارد.که عبارت است از : ۱ – ابتدا به بررسی نظریه های اقتصادی فریدمن می پردازیم . در طی دو قرن گذشته تفکر علم اقتصاد همواره تحت سیطره مفهوم انسان اقتصادی (Homo economicus) بوده است . انسان اقتصادی فرضی ، می داند که چه می خواهد و ترجیحات او می تواند در قالب تابع مطلوبیت و به شکل ریاضی بیان می شود و انتخاب های او در نتیجه محاسبات عقلایی ناشی از حداکثر ساختن تابع مطلوبیت به دست می آید. مصرف کننده تصمیم می گیرد که کدام کالا را مصرف نماید، سرمایه گذاران تصمیم می گیرند که پول خود را در کجا سرمایه گذاری نمایند: به بازار سهام بروند یا اوراق قرضه دولتی بخرند . بنابراین تصمیمات همه آنها بر پایه این فرض اتخاذ می شود که آنها به مقایسه مطلوبیت نهایی گزینه های مختلف در دسترس خود می پردازند ". به راحتی می توان به این قصه خندید. " هیچکس و نه حتی برندگان نوبل اقتصاد واقعا تصمیمات خود را بر مبنای این روش اتخاذ نخواهند کرد . اما بیشتر اقتصاددانان و حتی خود من ، معتقدند که فرضیه انسان اقتصادی بسیار مفید است ، چرا که انسان اقتصادی مورد نظر اقتصاددانان ، شکل ایده آل آن چیزی است که به آن فکر می کنند . افراد ترجیحاتی دارند، حتی اگر ترجیحات آنها واقعا به طور دقیق توسط تابع مطلوبیت بیان نشود و حتی اگر آنها مطلوبیت خود را نیز حداکثر نکنند با اینحال معمولا تصمیمات معقولی اتخاذ می کنند . البته ممکن است این سوال پیش آید که چرا اقتصاددانان انسان را آنگونه که هست مطالعه نمی کنند ؟ پاسخ این است که انتزاع و ساده سازی استراتژیک تنها روشی است که اقتصاددانان می توانند برخی نظم های فکری را بر پیچیدگی زندگی اقتصادی واقعی تحمیل نمایند و در این راه فرضیه رفتار عقلایی یک ساده سازی کاملا پر ثمر است. اما سوال این است که چگونه باید این فرضیه را به کار گرفت ؟ کینز به طور همه جانبه انسان اقتصادی را مورد حمله قرار نداد و به جای اینکه نظریه پردازی خود را بر مبنای تحلیل دقیق آنچه یک تصمیم گیر عقلایی انجام می دهد ، بنابر این نظریه خود را بر اساس فروض روانشناسانه معقولی بنا کرد. از دیدگاه کینز تصمیمات تجاری از روحیات حیوانی (animal spirits) ناشی می شدند از جمله اینکه تصمیمات مصرف کننده بر اساس یک مبنای روانشناسانه اتخاذ می شود و مصرف کننده تنها بخشی از افزایش درآمد و نه همه آن را به مصرف اختصاص می دهد. اما آیا واقعا ایده کینز برای کاهش نقش انسان اقتصادی مفید بود ؟ پاسخ فریدمن این بود که خیر، در مقاله ۱۹۵۳ خود با نام " روش شناسی اقتصاد اثباتی " بحث کرد که " نظریه های اقتصادی " باید مورد قضاوت قرار گیرند اما نه با واقع گرایی روانشناسانه بلکه با توانایی آنها برای پیش بینی رفتار عوامل اقتصادی . دو مورد از بزرگترین پیروزی های فریدمن به عنوان یک نظریه پرداز اقتصادی از کاربرد فرضیه رفتار عقلایی و مباحثه با اقتصاددانانی که در ماورای این فرضیه می اندیشیدند بدست آمده است .فریدمن در کتاب ۱۹۵۷ خود به نام " نظریه تابع مصرف " بحث می کند که بهترین روش برای پس انداز و مصرف ، روش کینز یعنی توسل به نظریه پردازی روانشناسانه نیست بلکه بهترین روش این است که افراد را به گونه ای در نظر بگیریم که ببینیم آنها ثروت خود را در طول زندگی چگونه هزینه می کنند و در این مسیر تصمیمات عقلایی اتخاذ می کنند . این ایده لزوما ضد کینزی نبود در واقع بزرگترین اقتصاددان کینزی یعنی فرانکو مودیگلیانی به همراه آلبرت آندو همزمان و مستقل از فریدمن ایده مشابهی را ارائه کرد که حتی در مورد رفتار عقلایی محتاط تر از نظریه فریدمن بود ". فرضیه درآمد دائمی "فریدمن و " الگوی سیکل زندگی " مودیگلیانی چندین پارادوکس آشکار در مورد رابطه میان درآمد و مخارج را حل نمودند و در واقع به عنوان بنیان و پایه تفکر اقتصاددانان در خصوص مسائل مربوط به مصرف ، مخارج و پس انداز تا به امروز باقی مانده اند. تلاش فریدمن در مورد رفتار مصرفی فرد عقلایی به خودی خود باعث شهرت آکادمیک وی شد . با این حال پیروزی بزرگتر او از کاربرد فرضیه انسان اقتصادی در خصوص نظریه پردازی در مورد تورم بدست آمد . در سال ۱۹۵۸ فیلیپس اقتصاددان متولد نیوزلند اشاره کرد که یک همبستگی تاریخی میان بیکاری و تورم وجود دارد به گونه ای که تورم بالاتر با بیکاری کمتر همراه بوده و هست. مدتی اقتصاددانان این رابطه را به عنوان یک رابطه باثبات و قابل اعتماد پذیرفتند . بر اساس مباحث اصلی مطرح در

مورد منحنی فیلیپس دولت ناگزیر از یک انتخاب سیاستی بود . برای مثال دولت باید تورم بالاتر را در ازای دستیابی به بیکاری کمتر بپذیرد ؟ در سال ۱۹۶۷ فریدمن در یکی از جلسات انجمن اقتصادی آمریکا عنوان کرد حتی اگر طبق داده های اقتصادی، وجود رابطه میان تورم و بیکاری تائید شود، در بلند مدت چنین رابطه ا ی وجود ندارد. او گفت " همواره یک مبادله موقت میان تورم و بیکاری وجود دارد اما این یک مبادله همیشگی و دائمی نیست . " به عبارت دیگر اگر سیاست گذار بخواهد از طریق سیاستی که تورم بالاتری ایجاد می کند بیکاری کمتری به دست بیاورد تنها در کوتاه مدت و به طور موقت موفق به انجام این کار خواهد بود . بر اساس نظرات فریدمن بیکاری دوباره افزایش خواهد یافت حتی اگر تورم همچنان در سطح بالایی باقی بماند . به عبارت دیگر اقتصاد چنانکه بعدها ساموئلسن آن را نام گذاری کرد در شرایط رکود تورمی قرار (stagflation) دارد. فریدمن چگونه به این نتیجه رسید؟)البته ادموند فلپس که جایزه نوبل اقتصاد را در سال ۲۰۰۶ برد همزمان و به طور مستقل از فریدمن به همین نتیجه دست یافته بود) درمورد نظریه مصرف ، فریدمن فرضیه رفتار عقلایی را به خدمت گرفت . او معتقد بود که بعد از یک دوره تورم دائمی ، افراد انتظارات تورمی خود را در تصمیمات آینده خود دخیل نموده و تمامی اثرات مثبت تورم بر اشتغال را خنثی می کنند. برای مثال ، یکی از دلایلی که تورم ممکن است منجر به اشتغال بیشتر شود این است که زمانیکه قیمت ها سریعتر از دستمزدها افزایش می یابند استخدام بیشتر کارگران سودمندتر خواهد بود. اما کارگران می دانند که قدرت خرید دستمزدهای حقیقی آنها با توجه به وجود تورم کاهش خواهد یافت ، بنابراین آنها دستمزدهای بالاتر و متناسب با رشد قیمت ها را مطالبه می کنند . در نتیجه بعد از افزایش تورم، اشتغال افزایش نخواهد یافت. در زمانی که فریدمن و فلپس ایده های خود را مطرح نمودند ، آمریکا تا حدی تورم دائمی را تجربه می کرد. تورم پایدار دهه ۱۹۷۰، آزمونی را برای فرضیه فریدمن فلپس فراهم نمود. با اطمینان کامل همبستگی تاریخی میان تورم و بیکاری براساس پیش بینی فریدمن – فلپس نقض شد : در دهه ۱۹۷۰ در حالی که برخلاف ثبات قیمتی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نرخ تورم دو برابر شد ، نرخ بیکاری بالا و بالاتر رفت . اما تورم بعد از یک دوره بیکاری شدید یعنی رکود بزرگ ، تنها در دهه ۱۹۸۰ تقریبا تحت کنترل بود . فریدمن و فلپس با پیش بینی پدیده رکود تورمی یکی از بزرگ ترین موفقیت های اقتصاد بعد از جنگ را بدست آوردند. این موفقیت و پیروزی بیش از هر چیز وضعیت میلتون فریدمن را به عنوان یک اقتصاددان بزرگ تثبیت کرد. نکته جالب توجه اینکه اگرچه فریدمن با به کارگیری فرضیه عقلانیت فردی گام های بزرگی در اقتصاد کلان برداشت اما او می دانست که در کجا توقف نماید . در دهه ۱۹۷۰ برخی اقتصاددانان تحلیل فریدمن را جلوتر بردند و چنین بحث کردند که حتی در کوتاه مدت نیز رابطه ای میان تورم و بیکاری وجود ندارد به دلیل اینکه عاملان اقتصادی، رفتار دولت را پیش بینی می کنند و انتظارات خود را بر مبنای آن شکل می دهند. این دکترین اکنون با نام انتظارات عقلایی (از سوی مکتب کلاسیک جدید) شناخته می شود. اما فریدمن هرگز به سوی این گروه نرفت . احساس واقعی او این بود که دکترین انتظارات عقلایی ایده انسان اقتصادی را در حالت حدی آن به کار گرفته است . فریدمن در سال ۱۹۶۷ آزمون زمان را متوقف نمود در حالی که بینش های وسیع تری در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ توسط نظریه پردازان انتظارات عقلایی مطرح شد . در طی چندین دهه تصویر و شهرت میلتون فریدمن تحت تاثیر بیانات او در زمینه سیاست پولی و دکترین او یعنی پولگرایی)مانیتاریسم(بود . البته اکنون تا حدی عجیب می نماید که مانیتاریسم و همینطور برخی از نکاتی که فریدمن در مورد پول و سیاست مطرح می کرد ، اکنون به عنوان یک شکست مورد توجه می باشد. برخلاف آنچه او در مورد مصرف یا تورم گفته بود ، آشکار است که پول گرایی گمراه کننده بوده و شاید هم این امر عمدی بوده است . برای درک اینکه بدانیم مانیتاریسم چه بود در ابتدا لازم است بدانیم که تعریف پول در اقتصاد چیست ؟ زمانی که اقتصاددانان در مورد عرضه پول صحبت می کنند منظور آنها ثروت افراد نیست . منظور آنها تنها بخشی از ثروت است که به طور مستقیم می تواند برای خرید کالا و خدمات مورد استفاده قرار گیرد. پول رایج در گردش کاغذهای سبزی که عکس فرد محبوب در هر کشور یا رییس جمهور متوفی بر روی آن حکاکی شده است پول است و همچنین سپرده های بانکی که شما می توانید با چک آنها را سریعا مورد استفاده قرار دهید. اما سهام ، اوراق قرضه و دارایی های واقعی پول نیستند چرا که آنها قبل از اینکه بخواهند برای خرید مورد استفاده قرار گیرند باید به یکی از دو مورد قبل تبدیل شوند. اگر عرضه پول صرفا از پول نقد در گردش تشکیل شده باشد در این صورت عرضه پول تحت کنترل دولت ، یا به عبارتی همان بانک مرکزی قرار دارد . واقعیت این است که عرضه پول شامل سپرده های بانکی نیز می شود و همین امر موضوع را پیچیده تر می سازد . بانک مرکزی پایه پولی – مجموعه پول در گردش ، پول موجود در بانک ها و سپرده های بانک ها در بانک مرکزی را تحت کنترل دارد که البته شامل سپرده های بانکی افراد نمی شود. در شرایط عادی کنترل مستقیم بانک مرکزی بر پایه پولی به منظور کنترل عرضه پول، کافی است. پیش از کینز اقتصاددانان عرضه پول را به عنوان ابزار مدیریت اقتصادی بررسی می کردند . اما کینز معتقد بود که در شرایط رکود زمانی که نرخ های بهره خیلی پایین هستند تغییر در عرضه پول اثر ناچیزی بر اقتصاد دارد . منطق کینز چیزی شبیه این بود: اگر نرخ های بهره ۴ یا ۵ درصد باشد هیچ کس پول نقد بلا استفاده نمی خواهد . اما در شرایطی شبیه به سال ۱۹۳۵ که نرخ بهره اوراق قرضه خزانه داری آمریکا تنها ۱۴ درصد بود انگیزه برای به کارگیری پول در هیچ کاری وجود ندارد . بانک مرکزی سعی می کند تا با چاپ گسترده پول اقتصاد را نجات دهد. سیاست پولی کاملا فن شناختی است و تا حد زیادی شکل غیرسیاسی دخالت دولت در اقتصاد است. اگر بانک مرکزی تصمیم به افزایش عرضه پول بگیرد به ازای آن اوراق قرضه دولتی از بانک های خصوصی خریداری می کند و در مقابل آن اعتباری در اختیار بانک ها قرار می دهد و از این طریق پایه پولی افزایش می یابد و در مقابل، سیاست مالی باعث دخالت بیشتر دولت در اقتصاد می شود . اگر سیاستمداران تصمیم بگیرند که فعالیت های عمومی را برای گسترش اشتغال مورد استفاده قرار دهند آنگاه باید تصمیم گیری کنند که این کار را کجا و چگونه انجام دهند. اقتصاددانان متمایل به بازار آزاد اعتقاد دارند که همواره سیاست پولی مورد نیاز است و آنهایی که دوستدار نقش بیشتر دولت هستند معتقد به اجرای سیاست مالی هستند . تفکر اقتصادی بعد از پیروزی انقلاب کینزی اولویت را به سیاست مالی داد در حالی که سیاست پولی به کناری رانده شده بود. همچنانکه فریدمن در سال ۱۹۶۷ در انجمن اقتصادی آمریکا بیان کرد ":پذیرش بینش های کینزی در اقتصاد بدین معنی بود که سیاست پولی به کنار گذاشته شد و گویا پول مهم نبود . اگر چه این رویکرد تاحدی مبالغه آمیز بود، سیاست پولی در طی دو دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ بسیار کم مورد توجه قرار گرفت " . با این حال فریدمن برای احیای اهمیت پول قیام کرد و تلاش او با انتشار مقاله تاریخ پولی ایالات متحده ۱۹۶۰-۱۸۶۷ با همکاری آنا شوارتز به اوج رسید . اگر چه کار تاریخ پولی فریدمن فوق العاده بود و یک قرن از توسعه پولی آمریکا را در بر می گرفت در عین حال بیشترین بحث و جدل را در مورد رکود بزرگ ایجاد کرد . بر اساس این تحقیق تغییرات در حجم پول نقش مستقلی در نوسانات ادواری ایفا می کرد . در این مطالعه آنها نشان دادند که هر چند حجم پول چه در دوره های انبساطی و چه در دوره های انقباظی رو به افزایش بوده است اما نرخ رشد عرضه پول در طی انقباض سطح فعالیت های اقتصادی کندتر از انبساطها بوده است . فریدمن و شوارتز معتقدند که عواملی که انقباض پولی را در رکودهای عمده آمریکا بوجود آوردند عمدتا مستقل از تغییرات همزمان یا قبلی در درآمد پولی و قیمت ها بوده است . در تحلیل فریدمن و شوارتز رکود بزرگ فقط به خاطر ناتوانی فدرال رزرو در جلوگیری از کاهش شدید حجم پول عمیق تر شد که در فاصله بین اکتبر ۱۹۲۹تا ژوئن ۱۹۳۳ حجم پول حدود یک سوم کاهش پیدا کرد . آنها می گویند که سیستم فدرال رزرو می توانست با اتخاذ سیاست های دیگری از فرو ریختن بانکداری و به دنبال آن از کاهش حجم پول و رکود شدید اقتصاد جلوگیری کند . اما منظور آنها از این کار چه بود ؟ از همان آغاز مقاله موقعیت فریدمن– شوارتز کمی بی ثبات است و در گذر زمان ارائه مساله خام تر می شود نه ماهرانه و تقریبا چنین به نظر می رسد که یک بی صداقتی روشنفکرانه در کار آنها دیده می شود. در اینجا ممکن است یک قیاس مفید باشد. فرض کنید که نوعی آنفولانزا شیوع می یابد و پس از آن با ارائه تحلیل و از طریق فعالیت های مناسب مراکز کنترل بیماری، اپیدیمی می توانست کنترل شود . در این جا رفتار عادلانه این است که مقامات دولتی را برای شکست در انجام فعالیت مناسب مقصر بدانیم ؟ اما این تنها کش دادن مساله است که بگوییم دولت در شیوع بیماری مقصر بوده است و شکست مراکز کنترل بیماری نشاندهنده اولویت بازارهای آزاد بر دولت بزرگ است . هنوز بسیاری از اقتصاددانان و خوانندگان غیر متخصص با استفاده

از ایـده فریـدمن و شوارتز بانک مرکزی آمریکا را عامل رکود بزرگ می داننـد و به عبارت دیگر معتقدند که رکود بزرگ نشانگر دخالت گسترده دولت در اقتصاد است و در سال های بعد من گفته ام که ادعای فریدمن به طور خام رد می شود و این شکل تحلیل رکود بزرگ سوء تعبیر و عـدم درک درست مطلب را تغـذیه می کنـد .در سـال ۱۹۷۶ فریـدمن در گفت وگو بـا مجله نیوزویک گفت ": حقیقت این است که رکود بزرگ در نتیجه سوء مـدیریت دولت بوجود آمـده است " . این گفته باعث شـد تا خوانندگان سریعـا نـتیجه گیری کننـد که اگر دولت وارد عمـل نشـده بود رکود اتفـاق نمی افتـاد . امـا در حقیقت آنچه فریـدمن و شوارتز ادعا کردند این بود که دولت باید بیش از پیش در اقتصاد دخالت کند. چرا اهمیت مباحث مربوط به نقش سیاست پولی در دهه ۱۹۳۰ بیش از ۱۹۶۰ بود ؟ این موضوع تا حـدی بدین دلیل بود که آنها برنامه ضد دولتی گسترده فریدمن را پذیرفتند . در حالی که مهم ترین دلیل این موضوع طرفـداری فریدمن از پول گرایی بود . بر اساس این دکترین، دولت باید رشد عرضه پول را به طور یکنواخت ادامه دهد و نباید هیچگونه انحرافی در آن صورت پذیرد حال آنکه مهم نیست که در اقتصاد چه اتفاقاتی رخ می دهد ؟ مکتب پول گرایی سیاست پولی را در جایگـاه خلبـان اتوماتیک اقتصاد قرار می دهـد. به عبارت دیگر هر گونه تشـخیص در بخش دولتی را از چرخه سیاسـتگذاری حـذف می نماید .حوزه علمیه قم از بدو تأسـیس شاهد تحولات سیاسـی و اجتماعی عظیمی در عرصه کشور و منطقه بوده استبرّخی از این تحولات چون تحکیم حاکمیت رضاخان و اقدامات ضد دینی او مانند کشف حجاب و حمله مسلحانه به مسـجد گوهرشاد برای موجودیت حوزه و دینداری مردم تهدیدی مستقیم بود و برخی دیگر مانند بروز جنگ جهانی دوم، سقوط رضـا شـاه و ورود متفقین به ایران امنیت کـل کشور را به خطر انـداخت چنـدی از روی کار آمـدن محمـدرضا پهلوی نگـذشت که نهضت ملی شـدن نفت آغاز و کشور با تحول سیاسـی درونی و مآلاً دخالت آشکار بیرونی مواجه شـداین تغییر و تحولات همچنان ادامه داشت تـا قیام ۱۵خرداد برپـا شـد و سـپس با گسترش و همه گیر شـدن مبارزات مردم به رهبری امام خمینی به پیروزی انقلاب اسـلامی ایران انجامید .طبیعی است که مؤسس حوزه علمیه قم، مرحوم آیت الله عظمی حائری و وصی ایشان مرحوم آیت الله عظمی صـدر و سـایر مراجع، مسـتقیم یـا غیر مسـتقیم، در تحولاـت یـاد شـده مشـارکت داشـتند و رسـالت حسـاس دینی خـود را ایفا می‌کردنـدبالطبع سـایر علمـا، مـدرسان و طلاـب حـوزه علمیـه قم نیز در معرض این تحولاـت قرارمی‌گرفتنـد ودربرابرآنهـا مواضـعی پیدامی‌کردند .علاوه بر تحولات سیاسـی یاد شده، حرکت های فکری و آرمانی چندی از غرب و شـرق وارد ایران شد که حکومت پهلوی پیرو و مجری حرکت نخست و حزب توده و گروه های دیگر خواسـتار به قدرت رسیدن مکتب کمونیستی بودنداین مرام ها و تفکرات نیز اندیشمندان و علمانی حوزه را متأثر می‌کرد و برای تبیین و روشنگری دین اسلام و جلوگیری از گمراهی مردم فعالیت هـای فکری، تربیتی، و تبلیغی می‌کردنددر این حوزه علمیه، سید موسـی صدر به تحصیل علوم دینی پرداخت و مدارج علمی‌را طی کرد تا به مرحله اجتهاد رسیددر همین دوران ایشان و شهید بهشتی تصمیم می‌گیرند که وارد دانشگاه شوند و تحصیلات دانشگاهی را نیز تجربه کننـدایشان نخستین طلاـب حوزه علمیه بودنـد که وارد دانشـگاه شدنـدبا این تفـاوت که امـام موسـی در رشـته اقتصـاد تحصـیل کرد و شـهید بهشتی رشته معقول و منقول را انتخاب کردپس از تمام کردن رشته اقتصاد، و همچنین دروس خارج قم، امام موسی و جمعی از همفکران او در صدد انتشار مجله‌ای بر می آیند که دیدگاه حوزه ویا دست کم چیزی را عرضه کنند که ایشان از مکتب اسلام شناخته و دریافت کرده اندچنان که گفته شد، تحولات سیاسی و فکری که در قرن اخیر کشور دچار تنش ها و نهضت های زیادی کرده و موجب مطرح شدن مکاتب سـرمایه داری و سوسـیالیستی شده بود، برای ارائه دیدگاه ها و مواضع مکتب اسـلام نیـاز مبرمی را پدیـد آورده بودمجله مکتب اسـلام . بـا این هـدف به معرفی دیـدگاه های دین اسـلام درباره این تحولات سیاسـی و فکری پرداخت سلسله مقالاـتی که امـام موسـی صـدر در این مجله نوشت، به معرفی اقتصاد در مکتب اسـلام اختصاص داشت چند گـاهی که از انتشـار مجله مکتب اسـلام گـذشت، مجله مکتب تشیع نیز بیرون آمـددر این مجله که از اصـحاب فکر حوزه علمیه قم تقاضای مشارکت شـده بود، امام موسـی باز به اقتصاد اسـلام و شـیوه رفع اختلاف طبقاتی از دیدگاه اسـلامی پرداخت در سال های نخست هجرت به لبنان، آموزش های دینی و احیای سـنت های مـذهبی مد نظر و اهتمام قرار می‌گیرد ولی به مجرد این که امکاناتی فراهم می شـود، رهبر شیعیان لبنـان مـدرسه فنی و حرفه‌ای جبـل عامـل را تأسیس می کنـد تـا جوانـان شیعه ضـمن آموزش دین، حرفه‌های مهندسی، کشاورزی و هنری را یاد بگیرند و فنون مختلف شوندسال ها بعد، که امام موسی مجلس اعلای شیعیان در لبنان را تأسـیس کرد، خود نیز به مبـاحث اقتصاد اسـلامی در آن پرداخت . خلاصه و نتیجه گیری به نظر می رسـد که سـرمایه انسانی زیر بنای تمام نظریات اقتصادی برداشت شـده از مکتب و نظام اسـلامی است امام موسـی صدر نقش کار را در توزیع درآمد و امتیازات آن را در مقابـل سـرمایه به وضوح نشـان می‌دهـد شـهید محمـد باقر صـدر علاوه بر توزیع درآمـد ، اهمیت آن را هنگام توزیع اولیه ثروت و نیز در فرآینـد تولیـد نشـان می دهـد پیـداست کـه نیروی کـاری که می‌توانـد زمین مـواتی را احیـا و یـا معـدنی را کشف و بهره‌برداری کند یا در یک سـفره زیرزمینی با حفر چاه آب حیازت کند نیروی کار ساده‌ای نیست ، بلکه صاحب کاری است دارای علم و تجربه و مهارت و مدیریت ؛ یعنی آنچه سبب احیای در انفال و حیازت در مشترکات می شود سـرمایه انسانی اشـخاص است که در نیروی کارشـان ، اعم از کار عملی یا فکری متبلور می شودپس عامل اصـلی و مهم در نظام اسـلام هنگام توزیع اولیه ثروت ، تخصـیص عوامل تولید ، و توزیع مجدد درآمد سـرمایه انسانی است . انگارکه منشاء رشد و توسـعه اقتصادی نیز در نظر امام صدر و شهیـد صـدر همین عامـل است ، چه بـا افزایش انبـاره آن در اقتصاد ابـداعات و اختراعات زیاد می شود و سـرمایه‌گذاری‌های مادی تـوجیه اقتصـادی پیـدا می‌کنـد و صاحبـان سـرمایه انسـانی آن هـا را اجرا می کنند جقـوقی که مکتب اسـلام برای دسـت‌انـدرکاران فعالیتهای اقتصادی وضع کرده ونظام ارزشـی و اخلاقی که برای هـدایت ایشان تدوین کرده است مطابق با آنچه امام موسـی صدر و شهیـد صـدر برداشت کرده انـد به توسـعه و تقویت انبـاره سـرمایه انسانی مسـلمانان می‌انجامدعـدالتی که مورد نظر مکتب اقتصادی اسـلام است و شـهید صـدر در اقتصـاد مـا وشـهید مطهری در آثـار خود آن را تبیین کرده‌انـد و مبتنی بر رسـیدن حق به حق دار در فعـالیت هـای اقتصـادی معرفی کرده است . مشاهـده می‌شود که نظریـات اقتصادی تولیـد و توزیع و توسـعه نه فقط از جنبه مکتبی و ارزشـی با نظریات مشابه در مکاتب سـرمایه داری و اشتراکی متفاوتند ، بلکه ابزارها ونهادهایی هم که نظام اسـلامی برای تحقق آن هـا به کـار می‌برد جـامع تر و کامل تر از کاربرد تنها یک نهاد بازار یا بیت المال است که مکاتب یاد شـده بـدان تکیه می کننـد در واقع تفـاوت نظریـات اقتصـادی در مکتب اقتصـادی اسـلام با مکاتب سـرمایه‌داری و اشتراکی موضوعی است که امام موسـی صـدر تلاـش کرده است تـا بـا قلم و قـدم خـود از ایران تـا لبنـان به شـیعیان مولاـی خـود بنمایانـد . منـابع و مآخـذنام خـانوادگی : حجـتی کرمـانی نـام : علینـام کتـاب : اقتصـاد در مکتب اسـلام نـام ناشـر : جهـان آرامحـل نشـر : تهران نام خانوادگی : تفضـلینام : فریدوننام کتاب : تاریخ عقاید اقتصادینام ناشر : نشر نیمحل نشر : تهران

نقش اقتصاد بخش تعاون در فرایند توسعه

دکتر غلامرضا علی زاده

مقـدمه: پس از انقلاـب صـنعتی و شـکلگیری اقتصـاد بازار و یا به تعبیری اقتصاد آزاد و آزادی اقتصادی اندیشـمندانی نیز به تئوریزه کردن نظـام بـازار و قـوانین حـاکم بر عرضـه و تقاضـا پرداختنـد کـه مبـانی نظری و چـارچوب نظری مکتبهـایی چـون کلاسـیک و نئوکلاسـیک را فراهم ساختند. در چارچوب این پارادایم دولتها از دخالت در امور اقتصادی منع شدند زیرا که در این «الگوی مادر» دولت تـاجر خوبی تلقی نمیگشت و وجودش با تعبیر «بـد و ضـروری» توجیه میشـد، آزادی عبور و آزادی جریان (بگـذار بگـذرد و بگذار جریان یابد) از جمله گزارههای بسترساز برای روند اقتصاد آزاد بود. دست نامرئی آدام اسمیت یا مکانیسم خود مصحح او از جمله تئوریپردازهـایی بود که تمـامی فراینـدهای اقتصـادی را به قانون «تار عنکبوتی عرضه و تقاضا» احاله می‌کرد و یا قانون ظروف مرتبطه اندیمشـندی چـون ژان باتیسـتسه نیز توجیهگر این وضـعیت بود و دیگرانی چنـد، که برای جلوگیری از اطـاله کلاـم به همین میزان بسنده میشود و از نظرات آنها چشمپوشی میگردد. این تئوریپردازیها و اندیشههای اقتصادی که در لیبرالیسم اقتصادی یا مکتب کلاسـیکها مطرح بود عملاً در سه عرصه ناتوانی نشان داد و منجر به نگرشـهای جدیـد از جمله شـکلگیری اقتصاد بخش تعاون شـد برای روشن شدن بحث مختصری به این سه حوزه ناکارآمدی در اندیشههای اندیشمندان کلاسیک میپردازیم. این سه عرصه عبارت

بودند از: ۱. اتلاف و نابودی منابع طبیعی که با گسترش اندیشه لیبرالیسم اقتصادی و عملیاتی شدن آنها به طور شدید و فزاینده لطمه جبرانناپذیری بر منابع طبیعی وارد کرد. ۲. این اندیشه زمانی که در هستی اجتماعی واقعیت یافت و در کارگاهها و کارخانهها به اجرا درآمد شدیداً به عامل استثمار و بهرهکشی از نیروی کار تبدیل شد و روز به روز به دشواریهای زندگی کارگران و شرایط بد زیستی و مادون انسانی آنها دامن زد. ۳. دست نامریی آدام اسمیت و یا قانون بازار و مکانیزم خود مصحح هرگز نتوانست در شکلگیری انحصارات و شبه انحصارات که با تبانی و همدستی بنگاههای اقتصادی بر جامعه و قدرت خرید نیروهای کار آثار منفی میگذاشت مؤثر واقع شود. به طوری که انسان دوستان و اندیشمندانی که بر انسانی کردن اقتصاد باور داشتند این برهه از تاریخ زندگی انسان و کارگران را از سیاهترین دورههای زندگی بشر نام بردهاند. تعاونیهای رسمی یا اقتصاد بخش تعاون زاییده وضعیت پیش آمده در حوزه اقتصاد و منابع انسانی بعد از انقلاب صنعتی بود و راهی میانی و وسط بود که در بادی امر از طریق تعاونیهای مصرف و تأمین نیازمندیها از منابع اصلی تولید و امکان و توانایی بهبود اثربخش در سبد هزینههای خانوار کارگران را از طریق اصلاح «ضریب اِنگل» (Engel Coefficient) (که نشاندهنده درصدی از درآمد که صرف تأمین مواد غذایی خانواده میشود) واقعیت میبخشید و با افزودن بر توان حداقل قدرت خرید نیروی کار بدون وارد شدن در ساز و کارهای پولی و مالی، اثربخشی و کارایی خود را در عمل به اثبات رسانید. تعاونیهای مصرف در مرز گستری (Boundary Spanning) وارد حوزههای تولیدی، اعتباری، مسکن و خدمات شدند آنگونه که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه چون هند و مصر و .... اقتصاد بخش تعاون به عنوان هدف توسعه و در بخشی دیگر از کشورهای جنوبگان از جمله ایران به مثابه اصلیترین ابزار و وسایل و الزامات توسعه به کار گرفته شدند که در این مقاله به آنها میپردازیم. برای شفافیت بیشتر موضوع و نقش تعاونیها و یا اقتصاد بخش تعاون به عنوان هدف توسعه و یا به مثابه اصلیترین و مؤثرترین الزامات و ابزارها و وسایل توسعه ذکر این موضوع را نیز ضروری میدانم که به عرض حضّار محترم برسانم که اقتصاد بخش تعاون بر پایه چهار اصل اساسی استوار است که وجود این اصول مایههای اثربخشی و توسعهآفرینی تعاونیها را رقم میرند ضمن اینکه این چهار سازه در رابطهای بهمافزایی "Synergy" به تقویت کارآیی یکدیگر نه براساس رابطهای عددی و توانی بلکه بر پایه لگاریتمی اقدام میکنند که عبارتند از:

۱. اصل انضباط ارادی و اختیاری و درونزا ۲. اصل فداکاری به نفع دیگران (ارجحیت و تقدم نفع اجتماعی بر منافع فردی)

۳. اصل ثبات در راهبردها با پذیرش سپهر جهانی ناشناخته (chaos Theory) تئوری آشوب یا اثر پروانهای که بیانگر تغییرات سریع و شتابنده در ساختها، کارکردها و الگوهای سازمانی است. ۴. اصل نوع دوستی و همگامی حسّی، عاطفی و عقلی در زمینههای اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و بهداشتی با مجموعه هستی اجتماعی جامعه. اصول فوق توانمندی و تواناسازی را برای توسعه کشورها به روش تعاونی امکانپذیر میسازد؛لیکن قبل از ورود به بحث توسعه لازم است اشاره مختصری به تعریف مفهوم توسعه شود تا در پیگیری موضوع شاکله و ابعاد قضیه از نظر دور نشود. بنابراین در این بخش به تعاریفی که از مفهوم توسعه توسط اندیشمندان اقتصادی و اجتماعی شده اشارهای میکنم و سپس دیدگاههای خود را در این زمینه معروض میدارم. تعریف توسعه: در معنای عام، توسعه فرایند تحولی پیچیده و همهجانبه است که در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ میدهد و آن را از وضع موجود عقبماندگی به وضع مطلوب (توسعه یافته) هدایت میکند که با پذیرش ویژگیهای عصر عقلانیت و خردورزی همراه است و در آن کنش منطقی، حسابگری و برنامهریزی نهفته است. در تعریفی دیگر توسعه را تغییر درازمدت، مستمر و مثبت در تمامی تجارب انسانی میدانند. همچنین، ترقی، پیشرفت، تجدد، تمدن، نوسازی و رشد اصطلاحات نزدیک و مشابه توسعه هستند. نظریه دادلی سیرز (DudleySeers) در مورد توسعه این متفکر توسعه را درک نیروی بالقوه در شخصیت انسان تعریف میکند که از طریق کاهش « فقر، بیکاری و نابرابری » قابل تحقق است. دیدگاه شومپیتر در مورد توسعه این اندیشمند تغییرات مداوم و خود به خودی در کشورهای در حال توسعه را که بعد از استقلال سیاسی، تعادل اقتصادی موجود در اقتصاد را از دست دادهاند توسعه مینامد و در تعریف رشد میگوید که تغییرات آرام و تدریجی در شرایط اقتصادی در بلندمدت که در نتیجه افزایش تدریجی در نرخ پساندازها وجمعیت ایجاد میشود معنای رشد را میسازد. نظریات کیند برگر این متفکر توسعه اقتصادی را شامل تولید بیشتر و تغییرات در نحوه سازمان تولید تلقی میکند و آن را نمودار تغییر در ترکیب تولید و تخصیص مطلوبتر منافع تولید بین بخشهای مختلف تولید بیان میکند و در تعریف رشد اقتصادی آن را به معنای تولید بیشتر مطرح میکند که هم از طریق افزایش در استفاده از مواد اولیه و هم افزایش در کارایی و میزان تولید تأمین میشود. دیدگاه مدیسون این اندیشمند افزایش درآمدها را در کشورهای پیشرفته عموماً رشد اقتصادی تعریف میکند و پیدایش چنین فرایندی را در کشورهای در حال توسعه، توسعه اقتصادی میداند. خانم هیکس نیز نظریه مشابهی دارد. ایشان نیز مشکلات کشورهای توسعه نیافته را به توسعه منابع اقتصادی استفاده نشده معطوف میسازد و مشکلات کشورهای توسعه یافته را مربوط به رشد اقتصادی قلمداد میکند. نگرش فریدمن به توسعه فریدمن توسعه را به معنی روندی خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی تعریف میکند و رشد را گسترش سیستم در جهات مختلف بدون تغییر در زیربناهای آن به حساب میآورد. بنابراین رشد اقتصادی به افزایش کمی و مداوم در تولید، درآمد سرانه، مصرف، سرمایه و حجم تجارت و نیروکار گفته میشود و توسعه اقتصادی حاوی تغییرات کیفی در خواستههای اقتصادی، نوع تولید، انگیزهها و سازمان تولید است. دیدگاه اکون و ریچاردمن در مورد توسعه این بزرگان توسعه اقتصادی را جریانی میدانستند که در روند آن میران مصرف کالا و خدمات افزایش مییابد و بهبود مستمر، مداوم و نسبی در شرایط زندگی مادی انسانها از نظر ارزشگذاری پدیدار میگردد. به نظر راقم سطور روند فزاینده مستمر و مداوم در شاخصهای کمی جامعه را رشد اقتصادی مینامیم و این روند را در مؤلفههای کیفی آن رفاه اجتماعی میگوییم. پایه و مایه سطح توسعه هر کشوری با روند پایدار پیوسته و یکپارچه شاخصهای کمی و کیفی اندازهگیری میشود. به تعبیری بهتر، بعد کمی توسعه یا رشد اقتصادی با سنجههایی چون افزایش پایدار (درآمد سرانه، رشد تولید ناخالص ملی، رشد تولید ناخالص داخلی، درآمد ملی و....) اندازهگیری میشود و بعد کیفی آن یا رفاه اجتماعی نیز با افزایش مستمر و پایدار و روند مثبت شاخصهایی چون، امید زندگی، آموزش، سواد و تأمین بهداشت، دسترسی به آب سالم، توزیع فرصتها و امکانات اجتماعی، تحرک اجتماعی و طبقاتی و نقش و تأثیرگذاری افراد جامعه بر تصمیمیابیها، تصمیمسازیها و تصمیمگیریهای سرنوشت ساز اجتماعی محاسبه میشود هر یک از این دو وجه توسعه ضمن اینکه به مجموعهای از زیربخشها قابل تجزیه میباشند با شاخصهای فقر انسانی و توسعه انسانی نیز ملازمه مییابند که برای کاهش از حجم سطور با همین میزان اشاره از آنها میگذریم. قبل از اینکه به نقش تعاونیها و یا اقتصاد بخش تعاون در توسعه کشورها و مورد ویژه آن یعنی ایران بپردازیم چنین استنباط میشود که لازم باشد به پارهای از الگوهای توسعه که کشورهایی در مراحل مختلف رشد و سطح توسعه آن را به کار بستهاند و آثار (Externality) مثبت و منفی آن را در عمل و اجرا مشاهده کردهاند اشاره نماییم. البته در این بخش از بحث نیز سعی به موجز کردن مطالب به منظور کاستن از حجم مباحث فنی مقاله است. بنابراین راههای مختلف والگوهای توسعه تعدادی از کشورها را به طور خلاصه به استحضار عزیزان میرسانم. قبل از شروع ذکر این نکته لازم است که همانطوریکه در مقدمه بحث مطرح شد، نارساییهایی و مشکلاتی که در پیادهشدن اندیشههای کلاسیکها به وقوع پیوست، با دو رویکرد مواجه شد که رویکرد اول که رشد تعاونی بود آورده شد. رویکرد دوم دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی بود که علیرغم تئوریزه شدن منع دخالت دولت در دیدگاه کلاسیکها، زمینه رشد و گسترش یافت و به تأسیس و تشکیل دولتهای رفاه در اروپا انجامید با ذکر این مقدمه به بحث الگوهای توسعه در پارهای از کشورها باز میگردیم. طبقهبندی جوامع براساس مراحل توسعه و ویژگیهای هر مرحله براساس دیدگاه روستو ۱. جامعه در مرحله سنتی و ویژگیهای آن ۱-۱- بالا بودن نسبت نیروی کار در کشاورزی (حدود ۷۵درصد) ۱-۲- تحرک اجتماعی ضعیف ۱-۳- تقسیم بیش از حد ثروت ۱-۴- قدرت سیاسی نامتمرکز این نوع جوامع در سطح جهان بسیار اندک هستند برخی مستملکات بریتانیا دارای این ویژگی بودهاند. ۲. جامعه در مرحله میانی (پیش از خیز و جهش) نظام خانخانی و ویژگیهای آن ۲-۱- در این نوع جوامع سرمایهگذاری تا حدود ۱۰ درصد درآمد ملی بالا میرود. ۲-۲- سمت و سوی اصلی سرمایهگذاری در حمل و نقل و سایر سرمایه سرانه اجتماعی صرف ساخت زیرساختهای اجتماعی میشود. ۲-۳- بهرهگیری انسان از تواناییها و اراده انسانی برای کارآفرینی و ابداع امکانپذیر میشود.

۲-۴- اراده معطوف به هدف جامعه به نظام اقتصادی دارای پیوند با کارخانه وتقسیم کار است. ۲-۵- جامعه به تولید و تربیت برگزیدگان و نخبگان تازهای برای ساخت نهادهای صنعتی میپردازد. ۲-۶- در این مرحله محصول اضافی توسط نخبگان جدید از کشاورزی به صنعت منتقل میشود. ۲-۷- تمایل به ریسکپذیری و پاسخگویی به انگیزهها در جامعه رشد میکند و ایجاد میشود. ۲-۸- لزوم استقرار دولت لایق در این مقطع انتقال ضرورت مییابد. ۲-۹- سرعتگیری نوجویی، نوخواهی با استفاده از استعدادها، نیروها و منابع محلی و توقف و دورانـدازی روشهای قدیمی ۳. جامعه در مرحله خیز و جهش و ویژگیهای آن ۳-۱- رشد اقتصادی در این مرحله خود القا میشود. ۳-۲- سرمایهگذاری در حد لزوم افزایش مییابد. ۳-۳- سرمایهگذاری به بالاتر از ده درصد درآمد ملی میرسد تا درآمد سرانه برای تضمین سطح پسانداز و سرمایهگذاری در آینده کافی باشد. ۳-۴- بخشهای پیشرو اقتصادی بنیانگذاری میشود. ۳-۵- تأمین منابع مالی از دو طریق انجام میشود. الف: از سهم محصول کشاورزی به وسیله اصلاحات ارضی ب: از طریق سرمایهگذاری داوطلبانه وجوه اجاره بها در بازرگانی و صنعت ۳-۶- صنایع صادراتی توسعه مییابد ۳-۷- شرایط ورود سرمایههای بزرگ به کشور فراهم می گردد. ۴. جامعه در مرحله بلوغ و ویژگیهای آن ۴-۱- شناخت و کاربرد فناوریهای نوین در مجموعه منابع محقق می شود. ۴-۲- جایگزین کردن بخشهای پیشرو نوین به جای بخشهای کهنه و قدیمی عملی می‌گردد. ۴-۳- صنایع فولاد توسعه می یابد. ۴-۴- تغییرات در نحوه توزیع نیروی کار ایجاد می شود. ۴-۵- جمعیت شهری افزایش می یابد. ۴-۶- نسبت کارگران یقه سفید افزایش می یابد. ۴-۷- مسیر رهبری صنعتی تغییر می‌کند (از جمله در کارآفرینان و مدیران) ۴-۸- اعتماد به نفس در ملتها رشد می کند. ۴-۹- گزینش بنیادهای سیاسی عملی می شود. ۴-۱۰- سرمایهگذاری برای استفاده ارزان از ثروت برای مصرف انبوه افزایش می یابد. ۴-۱۱- ساخت بنیادهای رفاهی آغاز می شود. ۵. جامعه در مرحله مصرف انبوه که نمونه این نوع جوامع کشورهای پیشرفته و فراصنعتی میباشند. الگوها و راههای مختلف توسعه در کشورها ۱. انگلستان در نیمه قرن بیستم نظریه دولت رفاه برای تحقق اهداف توسعه در انگلستان استقرار یافت در این مقطع اقتصاد انگلستان ترکیبی از اقتصاد خصوصی و تعاونی بود. منابع دستگاههای خصوصی از راه اخذ مالیات بر درآمد و ارث سنگین تعدیل میشد و صرف زیر ساختهای توسعه میگشت. سوسیالیسم لیبرال همراه با آزادی شخصی و سیاسی تحت قوانین حکومتی و از طریق انتخابات آزاد به مسئولیت دولت در مقابل ملت جامه عمل میپوشاند. ۲. آلمان در آلمان نقش دولت در مراحل اولیه توسعه و نوسازی نسبت به انگلستان بیشتر بود، اگرچه مؤسسات غیردولتی و خصوصی بیشتر فعالیتهای واقعی و توسعه تجارت و صنعت ر انجام میدادند ولی دولت صنعت را به راه میانداخت و پیش میبرد و بسترسازی لازم را فراهم میساخت. ۳. آمریکا در آمریکا توسعه براساس انگیزه سودجویی خصوصی و ابتکار فردی انجام شد ضمن آنکه دولت فدرال در توسعه اقتصادی برنامهریزیها و سیاستگزاریهای زیر را برای تسریع و تسهیل امور توسعه اقتصادی بکار گرفت. ۱-۳- توسعه زمینهای قابل سکونت با ایجاد ساختمانها، کانالها و راهآهن ۲-۳- تصویب قانون واگذاری Home Stead Act که بر طبق آن اراضی بایر مناطق غربی را به رایگان در اختیار کسانی قرار می‌داد که آن اراضی را آباد کرده و به زراعت مشغول شوند. ۳-۳- واگذاری زمینهای دولتی برای تأسیس دانشگاهها و دانشکدههای کشاورزی برای آموزش علوم و فنون کشاورزی و انتقال آن توسط مروجین به کشاورزان. ۴-۳- گسترش آموزش عمومی و رایگان ۴. ژاپن توسعه ژاپن با اصلاحات دوران میجی در سال ۱۸۶۸ آغاز شد و با شیوههای زیر پیگیری شد. ۱- اعزام محصلین به خارج از کشور ۲- وارد کردن کمکهای فنی ۳- ایجاد نهادها و دستگاههای دولتی آموزشی ۴- سرمایهگذاری مستقیم در تأسیسات صنعتی ۵- ایفای نقش قابله برای طرحهای مهم صنعتی ۶- کمکهای مالی و حمایتهای فنی به صنایع به منظور تسریع و تسهیل امور صنعت ۷- فراهم ساختن امکان توسعه امور مجموعههای بزرگ صنعت که به خانوادههای قدرتمند تعلق داشت برای ایجاد وسعت نظر در آنها در حد و اندازه دولت ۸- فراهم ساختن زمینه فعالیت دهها هزار مؤسسه خصوصی کوچک که در تولید و صادرات روزافزون ژاپن سهم بسزایی داشتند. نقش اقتصاد بخش تعاون در فرایند توسعه اقتصاد بخش تعاون ضمن تأثیرپذیری از پدیده جهانی شدن (Globalism) و فرایند کامل شدن چرخه سازمان تجارت جهانی [۱](W.T.O) بر روندها و فرایندهای آن نیز اثرگذار بوده است و به نوعی کنش متقابل و تعامل با آن داشته است گسترش تعاونیها در حوزهها و شاخههای مختلف و گوناگون مصرف تولید، اعتبار، مسکن و خدمات و یا در نوعی طبقهبندی بر حسب گرایشهای بخشی در کشاورزی، صنعت و خدمات، با اجرایی و عملیاتی شدن این نوع از فعالیتهای اقتصادی در کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه موقعیت نظام تعاونی را در میان نظامهای اقتصادی به عنوان راه سوم، راه وسط و یا موج سوم مطرح کرد به طوری که بسیاری از اندیشمندان و محققان حوزههای توسعه و اقتصاد با مطالعات و تحقیقاتی که در فرایند توسعه و روند اقتصادی کشورها انجام دادهاند به این نتیجه دست یافتهاند که اگر در آلمان، آمریکا، سوئد، فرانسه، انگلیس، سنگاپور و هند و.... بخش تعاون وجود نداشت چرخ اقتصادی این کشورها از حرکت باز میایستاد. «روماتو پرودی» یکی از اندیشمندان و مدیران ارشد جهانی و رئیس کمیسیون اروپا در گردهمایی تعاون در روز ۱۳ فوریه سال ۲۰۰۱ در بروکسل اعلام داشت که ظرفیت و استعداد تعاونیها در یکپارچه کردن رویکرد کارآفرینی با ارزشها و مسئولیتپذیری بخش دولتی و جامعه مدنی، آن را به یکی از ضروریات الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی اروپا تبدیل کرده است وبدون بخش تعاون تحقق الگوهای مذکور امکانپذیر نمیباشد. در تأیید بیانات روماتوپرودی میتوان به وجود ۱۸۰هزار تعاونی فعال، با تنوع و تعدد حوزههای فعالیتی اشاره کرد که بیش از ۸۰ میلیون عضو دارند و متجاوز از ۲/۳ میلیون اشتغال توسط این بخش در جامعه اروپا ایجاد شده است. اثربخشی، کارایی و بهرهوری بخش تعاون در سایر کشورها برای دریافت اهمیت و جایگاه بخش تعاون در اقتصاد کشورها و تأثیر آن در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی آنان با اشاره مختصری به پارهای از آمارهای مربوط به سال ۲۰۰۱ موضوع را پی میگیریم. ۱. در کشور نروژ تعاونیهای فرآوردههای شیری، ۹۹ درصد شیر کشور را تولید میکنند ۲. در کشور نروژ تعاونیهای شیلات و جنگل جمعاً ۸۵ درصد شیلات و تولید الوار را مدیریت میکنند. ۳. در کشور فنلاند گروه تعاونی پله روو ۷۴ درصد تولید گوشت را در اختیار دارند. ۴. در کشور فنلاند تعاونیهای مصرف ۲۵ درصد بازار را در اختیار دارند. ۵. در کشور فنلاند تعاونیهای تولید شیر ۹۶ درصد شیر کشور را تولید میکنند. ۶. در کشور فنلاند تعاونیهای جنگلداری ۳۴ درصد تولید جنگل را در اختیار دارند. ۷. در کشور فنلاند بانکهای تعاونیهای اعتباری ۲/۳۴ درصد سپردههای بانکها را دراختیار دارند. ۸. در کشور بولیوی تعاونیهای اعتبار «نازارانو» ۲۵درصد پساندازهای کشور را در اختیار دارند. ۹. در کشور کره فدراسیون تعاونیهای صیادی ۷۱درصد سهم بازار صیادی را در اختیار دارند. ۱۰. در قبرس بانکهای تعاونی اعتبار ۳۰درصد پساندازهای بانکی را در اختیار دارند. ۱۱. در قبرس تعاونیهای بازاریابی محصولات کشاورزی، ۳۵درصد کل بازاریابی محصولات را مدیریت میکنند. ۱۲. در کویت تعاونیهای مصرف ۸۰درصد تجارت خردهفروشی را در اختیار دارند. ۱۳. در کانادا تعاونیهای فروش محصولات کشاورزی، ۴۰درصد درآمد نقدی محصولات کشاورزی را تأمین میکنند. ۱۴. در کلمبیا تعاونیهای خدمات پزشکی ۲۵درصد امور بهداشتی و درمانی را در اختیار دارند. ۱۵. در آمریکا ۱۰۰ تعاونی بزرگ ۷۵میلیارد دلار درآمد داشتهاند. ۱۶. در کشور کنیا ۲۰ میلیون نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق بخش تعاون امرار معاش میکنند. ۱۷. تعاونیها در سطح جهان ۱۰۰میلیون شغل ایجاد کردهاند که بسیار بیشتر از شغلهای ایجاد شده توسط شرکتهای چند ملیتی است. ۱۸. در ایران حدود ۷۰هزار شرکت تعاونی ۱۰ میلیون نفر عضو و بیش از ۴/۱ میلیون شغل ایجاد کردهاند. با بررسی آمارهای فوق این واقعیت آشکار میشود که بخش تعاون در تولید و فروش محصولات کشورها حضور فعال و مستقیم دارد و امرار معاش نزدیک به ۳ میلیارد نفر (نیمی از جمعیت جهان) را برعهده دارند و متجاوز از ۸۰۰ میلیون نفر در جهان عضو تعاونیها هستند و از مزایای اقتصادی و اجتماعی آن بهرهمند میشوند ضمن اینکه تعاونیها در جهان بیش از صد میلیون شغل به طور مستقیم ایجاد کردهاند. شواهد مستند سازی شده نشان میدهد (همانطوریکه قبلاً اشاره رفت) اگر در کشورهای پیشرفتهای چون آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه و کشورهای آسیای جنوب شرقی اقتصاد بخش تعاون نباشد گردش اقتصادی این کشورها شدیداً مختل میشود و بر همین اساس است که پارهای از اندیشمندان، اقتصاد کشورهای صنعتی را به ساعتی تشبیه کردهاند که بخش تعاون در موتور ساعت (که به آن کارخانه نیز گفته میشود) رقاصک آن را تشکیل میدهد. (این اصطلاح ساعت سازهای شریف را از ما بپذیرید) این بخش از ساعت تنظیمکننده حرکت کلیه چرخدندهها و به تبع آن عقربکهای ساعت است که اعلام دقیق زمان از فعالیتهای آن منتج میشود با این تعبیر توسعه موزون و کارکرد هماهنگ و پایدار با

حضور فعال تعاونیها در گردش اقتصادی معنا میابد و راه حل کشورهای در حال توسعه و جهان سومی (جنوبگان) که دارای قشرهای آسیبپذیر و کم بضاعت هستند از طریق توسعه انواع تعاونیهای واقعی است که در ادبیات اقتصادی و اجتماعی امروزین به موج سوم موسوم است و بر همین اساس است که برای افزایش ظرفیتهای همکوشی و همپوشی در شرایط نوین اقتصاد جهانی و تأمین یکپارچگی و هماهنگی در برنامهریزیها و اجرایی کردن راهبردهای بخش تعاون در بستر جهانی شدن، اتحادیه بینالمللی ترویج و توسعه تعاونیها در سال ۱۹۷۱ تأسیس شده است که اعضای آن را اتحادیه بینالمللی تعاون (I.C.A-International Cooperation Alliance)، سازمان بینالمللی کار (I.L.O-International Labour Organization)، سازمان خواروبار جهانی (F.A.O-Food Agriculture Organization) ، سازمان ملل متحد (U.N-United Nation) و فدراسیون بینالمللی تولیدکنندگان محصولات کشاورزی (IP.AP- International Producer of Agriculture Productions) تشکیل میدهند. کمیته بینالمللی ترویج و توسعه تعاونیها با چنین اعضایی مهم و جهانی و با استفاده از قانون اعداد بزرگ به دنبال ایجاد زمینههای لازم برای افزایش مزیت نسبی از طریق مهندسی ارزش در تعاونیها میباشد و زمینههای زیر را جز راهکارهای راهبردی برای تحقق اهداف به کار میبرد. ۱. ترویج اصول و حقوق بنیادی کار از طریق (احترام به آزادی صنوف) اتحادیهها و مردمسالاری در محیط کار ۲. ایجاد فرصتهای برتر برای زنان و مردان به منظور تضمین اشتغال مولد و تأمین درآمد از طریق توانمندسازی اعضای تعاونیها برای استفاده از منابع، مهارتها و استعدادهای آنان ۳. ارتقاء میزانکارایی با حمایتهای اجتماعی و از طریق تأمین اجتماعی ضروری برای قشرهای محروم ۴. تقویت مشارکت، گفتگو و تعامل اجتماعی از طریق حمایت از منافع گروههای فقیر روستایی و کارگران آسیبپذیر ۵. توسعه منابع انسانی، اشتغالزایی، فقرزدایی و توسعه اقتصادی محلی در کشورها از طریق همکاریهای فنی در بخش تعاون که این امر در توصیهنامه سازمان بینالمللی کار مصوب سال ۲۰۰۲ (شماره ۱۹۳) آمده است. بنابر آنچه گذشت اقتصاد بخش تعاون نقش محوری در توسعه کشورها دارد که در این مقطع از بحث نقش توسعهآفرین آن را در حوزههای اشتغالزایی و تولید از نظر میگذرانیم و از کشورهایی با سطح متفاوت پیشرفت بهره میگیریم تا نقش تعاونیها در روند توسعه آنها بارزتر شود. نقش اقتصاد بخش تعاون در زمینه اشتغال ف: نقش اقتصاد بخش تعاون در اشتغال کشورهای اروپایی ۱. در فدراسیون روسیه تعاونیهای مصرف طی سال ۱۹۹۸ تعداد ۵۱۱،۳۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۲. در جمهوری چک تعاونیها در سال ۱۹۹۷ تعداد ۹۲،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۳. اتحادیه اروپایی تعاون EU در سال ۱۹۹۵ تعداد ۳،۰۰۰،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۴. شورای عمومی تعاونیهای کشاورزی در اتحادیه (CODECA) اروپایی در سال ۲۰۰۲ تعداد ۷۲۰،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۵. اتحادیه تجار و خردهفروشان اروپا (UGAL) در سال ۲۰۰۲ تعداد ۷۱۹،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۶. تعاونیهای توریستی در اروپا «شورای اروپایی توریسم» ۲/۷ میلیارد دلار درآمد و ۳/۳ میلیون تخت برای اسکان توریستها تدارک دیده است. ۷. در فرانسه تشکیلات سازمانی معروف به Groupement dintere technomigue حدود (۱۰۰۰) گروه صنعتگر خردهفروش و دستاندرکار امور حمل و نقل را در قالب ۱۱۰،۰۰۰ بنگاه اقتصادی تعاونی با ۱۸۰،۰۰۰ کارگر و کارمند در خود جای داده است. ۸. در ایتالیا با به کارگیری اصول تعاون تعداد ۱۳۰۰ کارگر در هر واحد تعاونی با مسئولیت محدود وظیفه ایجاد ۵۰،۰۰۰ شغل را در محدوده فعالیتهای خود بر عهده دارند. ۹. در آلمان تعاونیها طی سال ۱۹۹۴ تعداد ۴۸۷، ۳۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۱۰. در بریتانیا تعاونیها طی سال ۱۹۹۸ تعداد ۱۱۳،۴۰۰ شغل تمام وقت و حدود ۷۱،۶۰۰ شغل پارهوقت ایجاد کردهاند. ۱۱. در اروپا ۱۸۰هزار تعاونی با ۸۰ میلیون نفر عضو بیش از ۲/۳ میلیون شغل ایجاد کردهند از طرفی ظرفیت اشتغالزایی تعاونیها به سرعت افزایش میابد به طوری که در اروپا در سال ۱۹۹۶ تعاونیها بیش از ۵ میلیون شغل ایجاد کردهاند. ب: نقش اقتصاد بخش تعاون در اشتغال کشورهای افریقایی ۱. در بخش بزرگی از کشورهای افریقایی تعاونیها بعد از دولت در رده دوم اشتغالزایی قرار دارند. ۲. در افریقای جنوبی تعاونیهای کشاورزی در سال ۱۹۹۶ حدود ۱۰۰،۰۰۰ شغل ایجاد کردهند. ۳. در مراکش تعاونیها در سال ۱۹۹۶ حدود ۴۲،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ج: نقش اقتصاد بخش تعاون در اشتغال کشورهای آمریکایی ۱. در برزیل سازمان مرکزی تعاونیها (COB) تاکنون ۲۹۶،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۲. در برزیل تعاونیهای بهداشت (unimed de Brazil) ۱۴۸،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۳. در ایالت متحده آمریکا طی چند سال گذشته حدود ۵۰ شاخه و رشته جدید به فعالیتهای تعاونی اضافه شده است. مهاجرت مجدد به مناطق روستایی حاصل همین گرایش است. فقط ۴۰۰۰ نفر در داکوتای شمالی اسکان یافتهاند و به موطن خود بازگشتهاند. درآمد کشاورزان عضو تعاونی بین سالهای ۹۴ – ۹۰ حدود ۱۱درصد افزایش یافته است. علاوه بر آن در داکوتای شمالی ۳۵۰۰ شغل جدید ایجاد شده است و الگوی توسعه تعاونیها از داکوتای شمالی به مینوسیتا، دیسکانسین، کالیفرنیا، داکوتای جنوبی، آیوا و کانادا گسترش یافته است. همچنین طی سالهای ۱۹۹۰ حدود ۳۰درصد جمعیت آمریکا در مؤسسات و کارخانههایی کار میکنند که بیش از ۱۵درصد سرمایه آن متعلق به خودشان میباشد ۱۰۰۰ واحد تعاونی تولید با ۱۰۰هزار کارگر عضو آن در کنار ۱۲ میلیون کارمند و کارگر حقوق و مزدبگیر در فعالیت میباشد. ۴. در آرژانتین تعاونیهای برق رسان با ۵۰۰ واحد تعاونی حدود ۱۹ درصد برق مورد نیاز کشور را تأمین میکنند و به ۲/۱ میلیون خانوار مصرفکننده برق ارایه میدهند همچنین در این کشور ۱۳۰ تعاونی مخابراتی و ۳۲۰ واحد تعاونی تأمین آب وجود دارد. د: نقش اقتصاد بخش تعاون در اشتغال کشورهای آسیایی ۱. در هند تعاونیها در رشتههای مختلف حدود ۱۴ میلیون شغل ایجاد کردهاند. ۲. در ژاپن در سال ۱۹۹۷ تعاونیهای مصرف ۵۸،۰۰۰ شغل تمام وقت و ۹۵،۰۰۰ شغل نیمهوقت ایجاد کردهاند. نقش تعاونیها در تولید و اقتصاد ملی کشورها ۱. در کنیا ۱۰ درصد تولید پنبه و ۸۷درصد تولید گیاه گاوچشم و ۵۲درصد تولید قهوه توسط تعاونیها ایجاد میپذیرد. ۲. در بورکینافاسو تعاونیها بزرگترین تولیدکننده میوه و سبزیجات هستند. ۳. در ساحل عاج ۷۷درصد تولید پنبه توسط تعاونیها انجام میشود. ۴. در اروگویه ۹۰ درصد شیر مورد نیاز داخلی توسط تعاونیها تولید و تأمین میشود. ۵. در آمریکا ۱۴۰ تعاونی در بین ۵۰۰ واحد تولیدی نمونه کشور جای دارند. ۵-۱- در آمریکا بیش از نیمی از خطوط برق روستایی (برق مورد نیاز ۲۵ میلیون نفر در ۴۶ ایالت) را تعاونیها تأمین میکنند. ۶. در دانمارک طی سالهای ۱۹۹۷ حدود ۹۴ درصد محصولات شیری و ۶۹درصد محصولات کشاورزی و ۶۶درصد گوشت قرمز توسط تعاونیها تولید و تأمین شده است. ۷. در سوئد شرکت تعاونی خدمات بیمه موسوم به (Folksam) حدود ۹/۴۸ درصد بیمه خانوار و ۵۰درصد بیمه حوادث مجتمعهای مسکونی را پوشش میدهد. ۸. در استونی ۱۴۱۰ فروشگاه و ۴۰۲ رستوران به صورت تعاونی اداره میشوند. ۹. در فیلیپین سهم تعاونیها در تولید ناخالص داخلی (G.O.P) طی سال ۱۹۹۷ حدود ۱۶ درصد بوده است. ۱۰. در کره تولید و بازاریابی ۴۰درصد محصولات کشاورزی توسط تعاونیها انجام میشود. ۱۱. در ژاپن تعاونیهای بازاریابی محصولات کشاورزی حدود ۹۵درصد برنج مصرفی داخل کشور را تأمین میکند همچنین در سال ۱۹۹۴ تعداد ۱۹۹۵ تعاونی با بیش از ۳۵۰هزار عضو حدود ۷۰درصد کل تولید فرآوردههای ماهی را در اختیار داشتهاند. ۱۲. در هند نهضت (Anand) در برگیرنده ۵۷۰۰۰ تعاونی فرآوردههای شیری با ۶ میلیون نفر عضو میباشد و ۴۳درصد کودشیمیایی مورد نیاز اعضا توسط تعاونیها تأمین میشود. وضعیت عضویت در تعاونیها ۱. تا پایان سال ۱۹۹۴ حدود ۳/۳۹ درصد جمعیت ۶۰ تا ۱۵ سال در اروپای شرقی عضو تعاونیها بودهاند. تعاونیهای مصرف جامعه اروپایی" Euro coop "با تعداد ۲۵۵۶ تعاونی عضو به ۲۱،۳۶۷،۰۰۰ نفر عضو خدمات رسانی کرده اند و ۳۵۹۰۰۰ نفر کارمند داشته اند، مجموع درآمد تعاونی مصرف جامعه اروپایی ۴۶ میلیارد دلار آمریکا بوده است. ۲. تعاونیهای خردهفروشی وابسته به اتحادیه اروپایی با تشکیل اتحادیهای موسوم به UGAL تعداد ۲۰۳،۰۰۰ واحد مستقل در فعالیتهای تجاری و بازرگانی را تحت پوشش قرار دادهاند و به (۷۱۰ هزار) کارمند و کارگر خدماترسانی کردهاند و درآمدی معادل ۳۰ میلیارد دلار کسب کردهاند. ۳. در ژاپن گروه تعاونیهای مصرف متشکل از ۱۴ میلیون عضو در واقع تأمین نیازهای ۹ میلیون خانوار را بر عهده دارند و در سال ۱۹۹۶ فروش سالانه آنها رقمی معادل ۳۰۰ میلیارد ین ژاپن بوده است تقریباً برابر با ۸/۲ میلیارد دلار بوده است. نقش اقتصاد بخش تعاون در تعامل توسعه کشاورزی و صنعت عدهای ار اندیشمندان توسعه معتقدند که رشد بخشهای کشاورزی و صنعت لازم و ملزوم یکدیگرند پیشرفت سریع یکی از آن دو بدون توجه به دیگری باعث خواهد شد برنامهریزیها در اجرا با شکست مواجه شوند و نتوانند به هدفهای پیشبینی شده دست یابند. این واقعیت را باید بپذیریم که تقریباً هیچ موردی مشاهده نشده است که بدون توسعه صنعت

توسعه کشاورزی دوام یافته باشد و یا بخش صنعت بدون توسعه کشاورزی رشد درونزا داشته باشد و چنانچه بر این تحلیل شاخص عمومی نوسازی و فناوری در بخش کشاورزی را بیفزاییم که به کاهش نسبت نیروی کار در کشاورزی میانجامد، نیروهای کار آزادشده این بخش باید در بخش صنعت جایابی شوند. از سوی دیگر تجربیات اخیر نشان میدهد که توسعه صنایع شهری از یک طرف برای فروش محصولات و تولیدات خود و از سویی دیگر برای تأمین غذا وپوشاک نیروی کار خود نیاز به یک بخش کشاورزی مرفه و در حال توسعه دارد. این امر کوششهایی را میطلبد که منابع موجود در هر دو بخش را با عدالت معقول توزیع کند تا قابلیت تولید ملی افزایش یابد برای تحقق این امر تأسیس، گسترش و تنوعبخشی به تعاونیهای صنایع کوچک، تعاونیهای صنایع تبدیلی و تکمیلی، از مؤثرترین راههای توسعه است که واجد ویژگیهایی به شرح زیر میباشد: ۱. تعاونیهای صنایع کوچک براساس آمایش سرزمین و با استفاده از امکانات و ظرفیتهای اقتصادی، اجتماعی و زیستمحیطی میتواند سرریز نیروهای کار بخش کشاورزی را که با ورود تکنولوژی و یا تحت تأثیر قانون بازده نزولی از این بخش خارج میشوند جذب کند. این اقدام ضمن کاستن از آثار سوء گسترش حاشیهنشینی و گتوهای شهری که هزینههای اجتماعی بسیار سنگینی را بر جامعه تحمیل میکند ارتباط نیروی کار را با زادبوم خویش تقویت کرده موجبات توسعه موزون مناطق محروم و کمتر برخوردار، با دیگر مناطق برخوردار و مجموعه کشور میشود. ۲. تعاونیهای صنایع تبدیلی با استفاده از محصولات کشاورزی و باغی و جالیزی به عنوان ماده اولیه، ضمن تعادل بخشی به عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی که عمدتاً به دلیل فسادپذیری نگهداری آن برای مدت طولانی امکانپذیر نیست و عرضه همزمان آن نیز به کاهش قیمت و اشباع بازار میانجامد و سرانجام به نابودی بخشی از محصولات کشاورزی منجر میشود که به دلیل بالاتر بودن هزینههای برداشت از قیمت بازار از جمع آوری آن صرفهنظر میگردد. تعاونی های صنایع تبدیلی با بهرهگیری از این قبیل محصولات ضمن جلوگیری از هدررفتن محصولات باغی و جالیزی ارزش افزودهای حدود ۱۵۰درصد ایجاد میکند که ضمن افزایش قدرت خرید خانوادههای روستایی موجبات رشد بازار برای بخش صنعت و خدمات میشود و به اشتغالزایی از طریق جذب نیروهای جداشده از بخش کشاورزی کمک میکند. ۳. تعاونیهای صنایع تکمیلی این قبیل تعاونیها ضمن بهرهگیری از خروجیها و ضایعات فرایندی در صنایع کوچک و صنایع تبدیلی به عنوان ماده اولیه، چرخه فعالیت را در فرایند و سیستم تکمیل میکند. از سویی با بازیافت ضایعات با نوعی برهمافزایی به اشتغالزایی و افزایش توان قدرت خرید مجدد مجموعه میافزاید و رابطه تعاملی بین بخش کشاورزی و صنعت و ارتباط خلاق میان آنها راهماهنگ و متوازن میسازد که روند آن توسعهآفرینی و کارآفرینی را رقم میزند. در بررسی نقش تعاونیها در توسعه کشور ذکر این نکته نیز ضروری به نظر میرسد که پرداختن به صنایع بزرگ ضمن نیاز به سرمایهگذاریهای کلان که در شرایط موجود امکان تأمین منابع برای این قبیل سرمایهگذاریها مشکل میباشد و از سویی دیگر ساخت و سازهای این قبیل صنایع و نصب و راهاندازی تجهیزات و تأسیسات آن زمان بر" Time Intensive "میباشد و به نیازهای عاجل اشتغال در کوتاه مدت پاسخ نمیدهد لذا برای برونرفت از تله بحران بیکاری به ویژه در میان فارغالتحصیلان دانشگاهی بهرهگیری از صنایع کوچک، تبدیلی و تکمیلی به روش و با ساز و کارهای تعاونی ضمن معنا بخشیدن به سرمایههای کوچک و آوردههای نیروهای جویای کار، زمینههای تحقق بخشی به رسالت و مأموریت اقتصاد بخش تعاون به عنوان قطب نما، نقشه و گرهسنج کشتی اقتصاد کشور، فراهم میگردد. زیرا این نظام به مثابه «شیوه سوم» مؤثرترین ابزار و وسایل برای خروج از دور باطل (vicious circles) میباشد. ضمن اینکه همانطوریکه در مباحث قبلی اشاره رفت تعاونیها در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی از جمله در کشور هند و مصر به عنوان هدف توسعه مطرح شده است و نهضت پیشرفته تعاونی به صورت زیربنای محکم بسیاری از رشتههای اقتصادی خصوصاً کشاورزی، آبیاری، صنایع کوچک، تبدیلی، بازاریابی، توزیع، تدارک، روشنایی روستاها، احداث خانه و تأسیسات روستایی بوده است و به عنوان بوجودآورنده روح مشارکت جویی و همکاری مطرح است و به کار برده شده است که آثار مثبت عملکرد آن را به عنوان هدف توسعه میتوان در واقعیتهای پیشرفت این کشورها مشاهده کرد. در سایر کشورهایی هم که بخش تعاون به عنوان یکی از مؤثرترین و مهمترین ابزارهای توسعه به کار برده شده است آثار آن را در کاهش مؤثر بیکاری، فقر و توزیع عادلانهتر فرصتها، درآمدها و امکانات و اصلاح ضریب جینی و تعدیل ثروت میتوان دید که روند مثبت و بهبود نسبی آنها از شاخصهای بسیار اساسی و اصلی فرایند توسعه است. چنانچه نقش اقتصاد بخش تعاون را در زمینه اشتغالزایی آن مورد توجه قرار دهیم که موجبات افزایش درآمد و به تبع آن افزایش قدرت خرید میشود تأثیر آن را در خروج از چرخهٔ دور باطل میتوان به خوبی دریافت که ضمن ترسیم چرخه دوره باطل و نقش تعاونیها را در گشودن زنجیره آن توضیح خواهیم داد استفاده نامطلوب از منابع عقب افتادگی کمبود سرمایه گذاری کم پس انداز کم تقاضای کم درآمد کم بهره وری کم چرخه دور باطل به طوریکه در چرخه نشان داده شده است برای برون رفت از این وضعیت که از ویژگیهای توسعه نیافتگی و یا در حال توسعه بودن است. افزایش درآمد محوریترین عامل تلقی میشود و برای تأمین آن ایجاد اشتغال از مهمترین و مؤثرترین وسایل و الزامات میباشد و تعاونیها دارای این ظرفیتهای بسیار بالای اشتغالزایی هستند به طوری که با سرمایهگذاری برای اشتغال در بخشهای دیگر میتوان در بخش تعاون اشتغال ایجاد کرد یعنی ظرفیت اشتغالزایی تعاونیها سه برابر بخشهای دیگر میباشد و این امر قدرت و سرعت شتابان موتور بخش تعاون را برای طی کردن مسیر توسعه نسبت به سایر بخشها نشان میدهد. از سویی گستره فعالیتهای بخش تعاون براساس گرایشهای آن در شاخههای کشاورزی، صنعتی، معدنی، خدماتی، مسکن، فرش دستباف، تأمین کنندگان نیاز تولیدکنندگان، تأمینکننده نیاز مصرفکننده، اعتبار، حمل و نقل، چند منظوره، آموزشگاهی این توان، استعداد و ظرفیت را به آن میدهد که در تمامی زمینهها پوششهای همهجانبه ایجاد نماید و بردارهای سختافزاری، مغزافزاری و نرمافزاری توسعه را یکجا ارائه نماید. در بعد مغزافزاری براساس نظرات (راجرز - لوفر) شرط تحقق توسعه مشارکت برانگیخته و اختیاری از طریق تعاونیهاست و نوسازی جامعه از طریق سازمانهای مشارکتی و با زیرساختهای تعاونی از الزامات آن میباشد به تعبیری در بعد مغزافزاری تعاونیها به دنبال تغییر رفتار گروههای اقتصادی ملخگونه به گروههای راهبردی و کاربردی گروههای اقتصادی مورچهسا برای توسعه میباشند یعنی تبدیل وضعیت یکی برای یکی به موقعیت یکی برای همه و همه برای یکی میباشد.

نقش اقتصاد بخش تعاون در زمینه اشتغال

نقش اقتصاد بخش تعاون در زمینه اشتغال

الف: نقش اقتصاد بخش تعاون در اشتغال کشورهای اروپایی ۱. در فدراسیون روسیه تعاونیهای مصرف طی سال ۱۹۹۸ تعداد ۵۱۱،۳۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۲. در جمهوری چک تعاونیها در سال ۱۹۹۷ تعداد ۹۲،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۳. اتحادیه اروپایی تعاون EU در سال ۱۹۹۵ تعداد ۳،۰۰۰،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۴. شورای عمومی تعاونیهای کشاورزی در اتحادیه (CODECA) اروپایی در سال ۲۰۰۲ تعداد ۷۲۰،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۵. اتحادیه تجار و خردهفروشان اروپا (UGAL) در سال ۲۰۰۲ تعداد ۷۱۹،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۶. تعاونیهای توریستی در اروپا «شورای اروپایی توریسم» ۲/۷ میلیارد دلار درآمد و ۳/۳ میلیون تخت برای اسکان توریستها تدارک دیده است. ۷. در فرانسه تشکیلات سازمانی معروف به Groupement dintere technomigue حدود (۱۰۰۰) گروه صنعتگر خردهفروش و دستاندرکار امور حمل و نقل را در قالب ۱۱۰،۰۰۰ بنگاه اقتصادی تعاونی با ۱۸۰،۰۰۰ کارگر و کارمند در خود جای داده است. ۸. در ایتالیا با به کارگیری اصول تعاون تعداد ۱۳۰۰ کارگر در هر واحد تعاونی با مسئولیت محدود وظیفه ایجاد ۵۰،۰۰۰ شغل را در محدوده فعالیتهای خود بر عهده دارند. ۹. در آلمان تعاونیها طی سال ۱۹۹۴ تعداد ۴۸۷،۳۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۱۰. در بریتانیا تعاونیها طی سال ۱۹۹۸ تعداد ۱۱۳،۴۰۰ شغل تمام وقت و حدود ۷۱،۶۰۰ شغل پارهوقت ایجاد کردهاند. ۱۱. در اروپا ۱۸۰هزار تعاونی با ۸۰ میلیون نفر عضو بیش از ۲/۳ میلیون شغل ایجاد کردهند از طرفی ظرفیت اشتغالزایی تعاونیها به سرعت افزایش مییابد به طوری که در اروپا در سال ۱۹۹۶ تعاونیها بیش از ۵ میلیون شغل ایجاد کردهاند. ب: نقش اقتصاد بخش تعاون در اشتغال کشورهای افریقایی ۱. در بخش بزرگی از کشورهای افریقایی تعاونیها بعد از دولت در رده دوم اشتغالزایی قرار دارند. ۲. در افریقای جنوبی تعاونیهای کشاورزی در سال ۱۹۹۶

حدود ۱۰۰،۰۰۰ شغل ایجاد کردهند. ۳. در مراکش تعاونیها در سال ۱۹۹۶ حدود ۴۲،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ج: نقش اقتصاد بخش تعاون در اشتغال کشورهای آمریکایی ۱. در برزیل سازمان مرکزی تعاونیها (COB) تاکنون ۲۹۶،۰۰۰ شغل ایجاد کردهاند. ۲. در برزیل تعاونیهای بهداشت (۱۴۸،۰۰۰ (unimed de Brazil شغل ایجاد کردهاند. ۳. در ایالت متحده آمریکا طی چند سال گذشته حدود ۵۰ شاخه و رشته جدید به فعالیتهای تعاونی اضافه شده است. مهاجرت مجدد به مناطق روستایی حاصل همین گرایش است. فقط ۴۰۰۰ نفر در داکوتای شمالی اسکان یافتهاند و به موطن خود بازگشتهاند. درآمد کشاورزان عضو تعاونی بین سالهای ۹۴ – ۹۰ حدود ۱۱درصد افزایش یافته است. علاوه بر آن در داکوتای شمالی ۳۵۰۰ شغل جدید ایجاد شده است و الگوی توسعه تعاونیها از داکوتای شمالی به مینوسیتا، دیسکانسین، کالیفرنیا، داکوتای جنوبی، آیوا و کانادا گسترش یافته است. همچنین طی سالهای ۱۹۹۰ حدود ۳۰درصد جمعیت آمریکا در مؤسسات و کارخانههایی کار میکنند که بیش از ۱۵درصد سرمایه آن متعلق به خودشان میباشد ۱۰۰۰ واحد تعاونی تولید با ۱۰۰هزار کارگر عضو آن در کنار ۱۲ میلیون کارمند و کارگر حقوق و مزدبگیر در فعالیت میباشد. ۴. در آرژانتین تعاونیهای برق رسان با ۵۰۰ واحد تعاونی حدود ۱۹ درصد برق مورد نیاز کشور را تأمین میکنند و به ۲/۱ میلیون خانوار مصرفکننده برق ارایه میدهند همچنین در این کشور ۱۳۰ تعاونی مخابراتی و ۳۲۰ واحد تعاونی تأمین آب وجود دارد. د: نقش اقتصاد بخش تعاون در اشتغال کشورهای آسیایی ۱. در هند تعاونیها در رشتههای مختلف حدود ۱۴ میلیون شغل ایجاد کردهاند. ۲. در ژاپن در سال ۱۹۹۷ تعاونیهای مصرف ۵۸،۰۰۰ شغل تمام وقت و ۹۵،۰۰۰ شغل نیمهوقت ایجاد کردهاند. نقش تعاونیها در تولید و اقتصاد ملی کشورها ۱. در کنیا ۱۰ درصد تولید پنبه و ۸۷درصد تولید گیاه گاوچشم و ۵۲درصد تولید قهوه توسط تعاونیها ایجاد میپذیرد. ۲. در بورکینافاسو تعاونیها بزرگترین تولیدکننده میوه و سبزیجات هستند. ۳. در ساحل عاج ۷۷درصد تولید پنبه توسط تعاونیها انجام میشود. ۴. در اروگویه ۹۰ درصد شیر مورد نیاز داخلی توسط تعاونیها تولید و تأمین میشود. ۵. در آمریکا ۱۴۰ تعاونی در بین ۵۰۰ واحد تولیدی نمونه کشور جای دارند. ۵-۱- در آمریکا بیش از نیمی از خطوط برق روستایی (برق مورد نیاز ۲۵ میلیون نفر در ۴۶ ایالت) را تعاونیها تأمین میکنند. ۶. در دانمارك طی سالهای ۱۹۹۷ حدود ۹۴ درصد محصولات شیری و ۶۹درصد محصولات کشاورزی و ۶۶درصد گوشت قرمز توسط تعاونیها تولید و تأمین شده است. ۷. در سوئد شرکت تعاونی خدمات بیمه موسوم به (Folksam) حدود ۹/۴۸ درصد بیمه خانوار و ۵۰درصد بیمه حوادث مجتمعهای مسکونی را پوشش میدهد. ۸. در استونی ۱۴۱۰ فروشگاه و ۴۰۲ رستوران به صورت تعاونی اداره میشوند. ۹. در فیلیپین سهم تعاونیها در تولید ناخالص داخلی (G.O.P) طی سال ۱۹۹۷ حدود ۱۶ درصد بوده است. ۱۰. در کره تولید و بازاریابی ۴۰درصد محصولات کشاورزی توسط تعاونیها انجام میشود. ۱۱. در ژاپن تعاونیهای بازاریابی محصولات کشاورزی حدود ۹۵درصد برنج مصرفی داخل کشور را تأمین میکند همچنین در سال ۱۹۹۴ تعداد ۱۹۹۵ تعاونی با بیش از ۳۵۰هزار عضو حدود ۷۰درصد کل تولید فرآوردههای ماهی را در اختیار داشتهاند. ۱۲. در هند نهضت (Anand) در برگیرنده ۵۷۰۰۰ تعاونی فرآوردههای شیری با ۶ میلیون نفر عضو میباشد و ۴۳درصد کودشیمیایی مورد نیاز اعضا توسط تعاونیها تأمین میشود. وضعیت عضویت در تعاونیها ۱. تا پایان سال ۱۹۹۴ حدود ۳/۳۹ درصد جمعیت ۶۰ تا ۱۵ سال در اروپای شرقی عضو تعاونیها بودهاند. تعاونیهای مصرف جامعه اروپایی " Euro coop "با تعداد ۲۵۵۶ تعاونی عضو به ۲۱،۳۶۷،۰۰۰ نفر عضو خدمات رسانی کرده اند و ۳۵۹۰۰۰ نفر کارمند داشته اند، مجموع درآمد تعاونی مصرف جامعه اروپایی ۴۶ میلیارد دلار آمریکا بوده است. ۲. تعاونیهای خردهفروشی وابسته به اتحادیه اروپایی با تشکیل اتحادیهای موسوم به UGAL تعداد ۲۰۳،۰۰۰ واحد مستقل در فعالیتهای تجاری و بازرگانی را تحت پوشش قرار دادهاند و به (۷۱۰ هزار) کارمند و کارگر خدماترسانی کردهاند و درآمدی معادل ۳۰ میلیارد دلار کسب کردهاند. ۳. در ژاپن گروه تعاونیهای مصرف متشکل از ۱۴ میلیون عضو در واقع تأمین نیازهای ۹ میلیون خانوار را بر عهده دارند و در سال ۱۹۹۶ فروش سالانه آنها رقمی معادل ۳۰۰ میلیارد ین ژاپن بوده است تقریباً برابر با ۸/۲ میلیارد دلار بوده است.

فاینانس خودگردان

اسفندیار کریم زادگان

پیشگفتار مترجم: موضوع تامین منابع مالی (فاینانس) پروژه های توسعه ای به طور اعم و بحث تامین منابع مالی به اتکاء پروژه «فاینانس خودگردان» (PROJECT FINANCE) به طور اخص در سالهای اخیر موردتوجه دست اندرکاران و متولیان برنامه های توسعه اقتصادی و صنعتی ایران قرار گرفته است. مع ذالک منابع اطلاعاتی در این زمینه به زبان فارسی محدود و کمیاب بوده و اصولاً واژه ها و برگردانهای مناسبی برای تعابیر و مفاهیم رایج در مقوله تامین منابع مالی در زبان فارسی موجود نیست، پانوشتهای متعدد این مقاله گواهی بر این ادعا است. درعین حال به لحاظ محتوایی نیز بجز معدود دست اندرکاران و کارشناسان سیستم بانکی کشور و بخشهای توسعه منابع نفت و گاز و پتروشیمی و نیرو اصولاً آشنایی کمتری با مفاهیم و اصول و کلیات مسائل تامین منابع مالی و بویژه فاینانس خودگردان در بنگاههای اقتصادی اعم از بخشهای دولتی و یا غیردولتی وجود دارد. برنامه های گسترده توسعه اقتصادی در بخشهای مختلف، محدودیت تامین منابع مالی (ازطریق روشهای متعارف) و مشارکت سرمایه گذاران خارجی در توسعه بخشهای مختلف اقتصادی، ضرورت رویکرد به روشهای تامین منابع مالی به اتکاء پروژه یا اشکال مختلف فاینانس خودگردان را ایجاب می کند. این مقاله در این راستا و به منظور آشنایی کارشناسان بخشهای مختلف اقتصادی و صنعتی با موضوع فوق ترجمه و تنظیم شده است، امید است نگارش مقالاتی از این دست بتواند به جریان پیدایش واژه ها، تعابیر و برگردانهای مناسب فارسی برای مفاهیم و اصطلاحات متداول و رایج در مقوله تامین منابع مالی (فاینانس) و بویژه فاینانس خودگردان یاری رساند.۱ – سابقه تاریخیفاینانس خودگردان(۱) اسلوب ویژه ای برای تامین اعتبار پروژه هاست که ابتدا در سالهای دهه ۱۹۳۰ در ارتباط با توسعه چاههای نفتی در ایالت تکزاس آمریکا در دورانی که حفاری برای استخراج و بهره برداری از چاههای نفت عملاً به ابزار و تجهیزات بسیار ساده ای متکی بود، متداول و رایج گشت. در آن ایام بانکهای شهر دالاس (در ایالت تکزاس) آماده بودند که اعتبارات مالی موردنیاز حفاری چاههای نفت را برمبنای بازپرداخت ازطریق نقدینگی حاصل از فروش نفت چاههای مذکور تامین کنند.امروزه که هزینه توسعه منابع هیدروکربوری به علاوه هزینه های فراوری جهت بهره برداری از منابع مذکور در فلات قاره و در مناطق دوردست دنیا، سربه میلیاردها دلار می زند، اصولی که طی سالهای دهه ۱۹۳۰ پایه گذاری شد هنوز هم پابرجا بوده و شیوه ها و اسلوب فاینانس خودگردان کماکان چارچوبهای قابل اتکاء و انعطاف پذیری را برای تامین سرمایه موردنیاز طرحهای بزرگ توسعه میادین نفت و گاز و حتی فراتر از آن طرحهای مجتمعهای بزرگ پتروشیمی (در سرمایه گذاریهای مشترک) و طرحهای زیربنایی توسعه منابع آب، تولید انرژی و حتی طرحهای زیربنایی ساختمانی نظیر احداث بزرگراهها، پلهای ارتباطی و بیمارستانها و غیره تشکیل می دهد.۲ – فاینانس خودگردان چیست؟مشخصه و ویژگی اصلی فاینانس خودگردان واقعی (۲)، ماهیت عدم اتکاء(۳) و یا اتکا محدود آن به حامیان (SPONSORS =متولیان، صاحبان یا سرمایه گذاران)(۴) پروژه است. به عبارت دیگر، اصل زیربنایی و مشخصه فاینانس خودگردان آن است که تامین اعتبار صرفاً به اتکاء دارایی و اموال پروژه و نقدینگی و عواید حاصل (فروش محصولات و یا عرضه خدمات) از پروژه بوده و بدون اتکاء به سرمایه گذاران پروژه انجام می گیرد، معذالك باید توجه داشت که درعمل موارد بسیار محدودی فاینانس خودگردان بدون هیچ گونه «اتکاء» (به سرمایه گذاران) انجام می گیرد و میزان اتکاء بستگی به شرایط و عوامل گوناگون نظیر توجیه پذیری اقتصادی و مالی پروژه، اعتبار و تجربه صاحبان پروژه، اعتبار و صلاحیت پیمانکاران، شرایط و نوع قرارداد پیمانکاری، خریداران محصول (محصولات) پروژه داشته و بویژه نوع و ماهیت محصولات، چشم انداز عرضه و تقاضای کالای مذکور، و اینکه خریداران آن چه کسانی هستند و تحت چه شرایطی این محصول خریداری خواهدشد (طول دوره و شرایط قرارداد، مبانی قیمت و...) از اهمیت بالایی برخوردار است، به این ترتیب، ملاحظه می شود که در حقیقت هر فاینانس خودگردان مشخصات خاص خود را داشته ساختارهای آن می بایست متناسب با شرایط و ویژگیهای آن طراحی و تنظیم گردد.تاکنون ما از «پروژه» در کلیت و تعبیر عمومی آن استفاده کرده ایم، معذالك در طرحهای

توسعه منابع هیدروکربوری هریک از عناصر در زنجیره توسعه منابع مذکور از حفاری و استخراج گرفته، تا ذخیره سازی (ساخت مخـازن)، فـراوری و انتقال به مصـرف کننـدگان نهایی می تواند جهت تامین منابع مالی ازطریق فاینانس خودگردان مناسب باشد.۳ – چرا فاینانس خودگردان؟طی ۳۰ سال گذشـته، گرایش به سوی اجرای پروژه های هیدروکربنی بزرگ روند روبه گسترشی را در بسیاری از کشورهـای موسـوم به «اقتصادهـای نوظهور (EMERGING ECONOMIES) داشـته است، این پروژه هـا معمـولاً تـوسط شـرکتهای چندملیتی (با زمینه های فعالیت متنوع) و تحت امتیازهای اعطایی توسط کشور میزبان و یا شرکتهای دولتی وابسته (که غالبـاً در پروژه نیز مشارکت دارنـد) اجرا می گردد. مزیت و سـرشت واقعی «فاینانس خودگردان» از دیـدگاه سـرمایه گـذار آن است که تامین اعتبار «خارج از ترازنامه»(۵) صورت می گیرد. درحالی که معمولاً غولهای نفتی چنـدملیتی از ترازمالی قابل توجهی برخوردارنـد، ولی شـرکاء آنهـا در فعالیتهـای توسـعه منـابع هیـدروکربنی در کشورهـای درحـال توسـعه ممکن است لزوماً از چنین موقعیتی برخوردار نباشـند. از همین جاست که جـذابیت فاینانس خودگردان آشـکار می شود.زیرا روش مذکور این امکان را فراهم می سازد که حتی سـرمایه گذارانی با تراز مالی ضعیف تر نیز بدون نیاز و «اتکاء» به تراز مالی خود و یا کشورشان به اعتبارات مالی دسترسی پیدا کنند.بنابراین، جای شگفتی نیست که طی بیش از ۲۰ سال گذشته بسیاری از پروژه های توسعه منابع هیدروکربوری از قبیل پروژه هایLNG (گاز طبیعی مایع شده) در کشورهای اندونزی، مالزی، عمان، نیجریه و یا قطر و یا پروژه های پتروشیمیایی در چین، ترینیـداد و عربسـتان سـعودی ازطریق «فاینانس خودگردان» تامین اعتبار شـده اند. فاینانس خودگردان در حقیقت نوعی «حلقه حفـاظ مـالی» برای این پروژه هـا محسـوب می شـود، حفـاظی که این پروژه هـا را از سـایـر فعـالیتهـای سـرمایه گـذاران و سـرمایه گـذاران را از خطرات شـکست پروژه هـا مصون نگه می دارد، به گونه ای که ساختـار (حقوقی – قراردادی) پروژه ممکن است آن چنان طراحی گردد که درجه بندی اعتباری پروژه (۵) از درجه بندی اعتبار برخی از سهامداران پروژه و نیز کشور میزبان بالاتر بوده و این امر به کـاهش هزینه های تامین اعتبار منجر گردد. فی الواقع چنین موقعیتی در ارتباط با تامین اعتبار یکی از پروژه های LNG قطر فراهـم شـد کـه ازطریـق انتشـار اوراق قرضـه (BOND) انجـام گرفت.تـامین منـابع مـالی ازطریـق فاینـانس خودگردان همچنین کشورهای میزبان را قادر می سازد که بدون زیرپا گذاشـتن تعهداتی که در قبال محدودیتهای اعمال شده از طرف موسـساتی نظیـر بـانک جهـانی و صـندوق بین المللی جهانی پول سپرده انـد به منابع مالی قابل توجهی دسترسـی پیـدا کنند و به علاوه به شـرکتهای چنـدملیتی امکان می دهد که با سـهولت بیشتری به اهداف گسترش در سـطح جهانی نائل آیند به گونه ای که کل منابع مالی که از این طریق تـامین می کننـد به مراتب بیش از منـابعی است که قادرنـد مسـتقیماً و ازطریق دریـافت اعتبـار به «اتکاء» تراز مالی خود به دست آورند. این امر به موازات دوره طولانی بازپرداخت اعتبارات که معمولاً در فاینانس خودگردان عملی است، امکان دستیابی به منابع گسترده و نیز بازگشت سرمایه بالاتر را برای این شرکتهای چندملیتی فراهم می سازد.۴ – ساختار فاینانس خودگردانحال ببینیم فاینانس خودگردان واقعاً چیست و چه عناصـری دربردارد؟ بـدیهی است که فاینانس خودگردان اعتبار لازم برای اجرای پروژه ها را تامین می کنـد، اما ساختار فاینانس خودگردان به مراتب پیچیده تر از این مفهوم کلی است. به عبارت دیگر، در فاینانس خودگردان مجمـوعه ای از ساختارهـای قراردادی بـه گـونـه ای در یکـدیگـر تلفیـق می شونـد کـه اطمینـان خـاطر لازم را به اعتباردهنـدگان درمورد بـازپرداخت اعتبـارات فراهم مـی سازد، بایـد توجه داشت وقتی که وام دهنـدگان منابع اعتباری را دراختیار شـرکت مجری پروژه قرار می دهنـد، آنچه دراختیار دارند شامل وثائق (۶) دارائیهـای پروژه، به علاوه مجموعه ای از اسـناد قراردادی است، درواقع حصول اطمینان از اینکه مجموعه اسـناد و مدارک مورداشاره قابل اتکاء و اطمینان بوده و بازپرداخت تعهدات را تضمین می کند به عهـده مشـاوران حقوقی اعتباردهنـدگان است. این حقوق قراردادی بسـتگی به ماهیت پروژه موردنظر دارد. به عنوان مثال، در پروژه های توسـعه صـنایع بالادستی نفت و گاز تاکیـد بر قراردادهای مشارکت در محصول، برنامه های اکتشاف و حفاری شامل تجهیزات (دکلهـای حفـاری) خطوط لوله و قراردادهـای فروش نفت خـام، مـایعـات گـازی و انتقـال گـاز است. در پروژه های LNG معمولاً نگاههـا به قراردادهـای تامین گاز (و نتیجتاً وضـعیت پروژه بالادستی) و نیز قرارداد احـداث تجهیزات واحـد LNG و قرارداد فروش LNG معطوف است.در قرارداد پروژه های تولیـد مواد پتروشـیمیایی، معمولاً موضوع تامین خوراک، قرارداد اجرای پروژه و قرارداد فروش محصولات مـدنظر قرار می گیرنـد.بدیهی است هر قرارداد ویژگیها و مشـخصات خاص خود را داشـته و فاینانس خودگردان می بـایست خود را بـا شـرایط مـذکور تطبیق دهـد، به عنوان مثـال در به کارگیری روشـهای فاینانس خودگردان با اتکاء محـدود(به سرمایه گذاران) در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه باتوجه به محدودیتهای مربوط به اعمال بهره و نیز اعطای وثیقه که هر دو از اجزای اصـلی روشـهای نوین فاینانس خودگردان هستند، ازطریق بکارگیری و سازگاری روشهای متداول رهن و عدل (شخص قابل وثـوق)، ساختارهـای متـداول در بانکـداری بین المللی طراحی و پیـاده شـده است.نمـودار شـماتیک اصول و چارچوبهـای فاینـانس خودگردان طرحهای توسـعه منابع هیـدروکربوری را نشان می دهد، بدیهی است نمودار مذکور اصول و چارچوبهای کلی قراردادی و ساختـار عمومی فاینـانس خودگردان را نشان می دهـد و بسته به ماهیت پروژه، نوع قراردادها ممکن است متفاوت باشـد (قرارداد اعطـای امتیاز، عـدم نیاز به قراردادهای تامین یوتیلیتی (۷) و یـا بهره برداری و...) امـا اصول کلی همان است که در نمودار شـماره ۱ نشان داده شـده است.جای شـگفتی نیست که اعتبار دهنـدگان معمولاً، توجه خـاصـــی بـــه نحوه اجرا و بهره برداری از پروژه نشان می دهنـد، معمولاًـ بانکهـای اعتباردهنـده طی یـک فراینـد کنکـاش(۸) قـــراردادهـــای مـــوردبحث را از جنبـه هـــای فنی و حقـوقی مـوردتجزیه وتحلیـل و ارزیـابی قرار می دهنـد، درواقع قرار اسـت بـه اتکـای این قراردادهـا اعتبـارات پرداختـی بانکهـا بـازپرداخت شود.درعین حـال پس از تنظیم و نهـایی شـدن قراردادهـای مـذکور، اعتباردهنـدگان درمقابل هرگونه تغییر در مفاد قرارداد که قبلاً موردتوافق قرار گـرفته است، مقاومت و ایسـتادگی نشان می دهند.اصولاً در مقایسه با اعتباراتی که از ضـمانت دولتی و یا ضـمانت شرکتهـای سـرمایه گـذار برخوردارنـد. در فاینـانس خودگردان اعتباردهنـدگان حق نظـارت و کنـترل به مراتب بیشـتری را در روند اجرای پروژه برای خود قائـل هسـتند، به گونه ای که گـاهی اینگونه به نظر می رسـد که گویـا این بانکهای اعتباردهنـده هسـتند که پروژه را اجرا می کننـد، به طوری که نظـارت منظم بر فعالیتهـای مهندسـی پروژه و اعمـال محـدودیت در دریـافت اعتبارات جدیـد، ازطرف بانکهـای مـذکور کاملاًـ رایـج و متـداول است. درعین حـال ورود به حیطه فعالیتهـای تجاری جدیـد، تغییر تامین کننـدگان (مـواداولیه و قطعـات) و یـا مشتریـان محصولاـت و یـا انحراف از برنـامه اولیـه فعـالیت تجـاری معمولاًـ مسـتلزم کسـب مـوافقت اعتباردهنـدگان است. معـذالک بانکهای اعتباردهنده تمایلی به اینکه به عنوان مجری پروژه شـناخته شوند ندارند، به دلیل اینکه این امر مسـئولیت خسارات ناشی از مسائل زیست محیطی را متوجه آنها می کند، به علاوه صاحبان سهام (شرکت مجری پروژه) در قبال دخـالت بیش از انـدازه اعتباردهنـدگان تحت لـوای صیـانت از سـرمـایه گـذاری خود، عکس العمـل نشان داده و مایل نیسـتند که اعمال محدودیتهای اعتباردهندگان، حرکتهای شرکت مجری پروژه را به گونه ای کند سازد که امکان انجام واکنشهای به موقع و یا بهره برداری از شـرایط جدید (که لزوماً توجیه پذیری پروژه را تهدید نمی کند)از شـرکت مجری پروژه سلب گردد، این امر بخشی از فرایند ایجاد شـرایط متعادل و متوازنی است که می بایست توسط مشاوران حقوقی دست اندرکاران اجرای پروژه، اعتباردهندگان و متولیـان پروژه فراهم گردد.درعین حـال شـرکت مجری پروژه ملزم خواهـدبود که تعهـداتی را تقبـل کنـد که طبق آنها نحوه بهره برداری از واحـد صـنعتی (معمولاً طبق اسـتانداردهای بین المللی) تعریف شـده باشد. همچنین چـارچوبهای قرارداد (بهره برداری)، چگونگی تنظیم بودجه های سالانه و چگونگی اطلاع رسانی از زمره سایر تعهدات شـرکت مجری پروژه خواهدبود.اسناد و مدارک قرارداد همچنین به اعتباردهنـدگان این اختیـار را می دهـد، درصورتی که شـرکت مجری پروژه قـادر به ایفـای تعهـدات مـالی خود (بـــازپرداخت اعتبـــارات) طبـق برنـامه نبـود و یـا در صـورت نقض هریـک از تعهـــدات فـوق، اعتبـار ارائـه شـــده تســـریع (ACCELERATION) و اعتباردهندگان می توانند نسبت به دریافت یک جای آن اقدام و در این ارتباط وثائق و ضمانت نامه ها را به جریان اندازنـد. خاطرنشان می سازد جنبه های روانی آسودگی خیال اعتباردهنـدگان از اینکه درهر لحظه ای که احساس خطر کننـد، می تواننـد پروژه را در اختیـار گرفته و تحت کنـترل خـود درآورنـد به مراتب بیش از جنبه عینیت پـذیری آن است. فاینـانس خودگردان یک تعهد درازمـدت برای تامین منابع عظیم مالی بوده و به ندرت ممکن است که درصورت شـکست پروژه، منابع مالی مذکور به طور کامل بازیابی گردد.لذا اصـلی ترین دغدغه اعتباردهندگان آن است که قبل از اینکه خود را متعهد به پرداخت کنند،

مجموعه سازوکار قراردادی و ایجاد جریان نقدینگی پروژه تنظیم و تکمیل شده باشد. توافق کامل درمورد ساختار و چارچوب قرارداد اجرای پروژه ازجمله دیگر نکات کلیدی است. این مهم معمولاً ازطریق قراردادهای خدمات مهندسی، خرید و ساخت در قالب قراردادهای کلید دردست با پیمانکاران معتبر بین المللی تحقق می یابد. در پروژه های فراورش مواد هیدروکربوری، تنظیم قراردادهای مستحکم درخصوص تامین خوراك و نیز قراردادهای فروش محصولات نهایی پروژه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به علاوه اعتباردهندگان می خواهند مطمئن باشند که بهره برداری از واحد صنعتی تکمیل شده توسط پرسنل بهره برداری مجرب انجام خواهدگرفت.واقعیت آن است که سهامداران شرکت مجری پروژه نیز در بسیاری از دغدغه های فوق با اعتباردهندگان وجوه اشتراک دارند، بنابراین، در بسیاری از جهات، صاحبان پروژه و اعتباردهندگان اهداف مشترکی را تعقیب می کنند. به گونه ای که در برخی از موارد، در مذاکرات صاحبان پروژه با پیمانکاران ساختمانی، شرایط خاصی با این توجیهات که شرایط مذکور موردنظر بانکهای اعتباردهنده بوده و بانکهای مذکور به هیچ وجه حاضر به کوتاه آمدن از خواسته های خود نیستند، گنجانیده می شود.۵ - توزیع ریسکمیزان ریسکی که بانکهای تجاری می توانند بپذیرند محدود بوده و یکی از اصول بارز فاینانس خودگردان عبارت است از تخصیص ریسکهای مختلف به دست اندرکاران مختلف پروژه براساس قابلیت هریک برای پذیرش ریسک مربوطه، به نحوی که به عنوان مثال ریسکهای تجاری نظیر تاخیر در تکمیل پروژه، افزایش هزینه های پروژه و کاهش فروش (کاهش عواید حاصل از فروش محصولات در مقایسه بر ارقام برآورد شده) می تواند توسط دست اندرکاران اجرای پروژه جذب گردد. این مقصود می تواند ازطریق پیش بینی دریافت خسارات نقدی (LIQUATED DAMAGE) در قراردادهای اجرای پروژه (ارزیابی ضرر و زیان نقدی ناشی از تاخیر در راه اندازی پروژه) و یا تعهدات صاحبان پروژه برای تامین سرمایه نقدی اضافی حاصل شود، قراردادهای فروش درازمدت که در آنها ضرورت پرداخت حتی درصورت عدم دریافت محصول(۹) ازطرف خریدار، پیش بینی شده است از دیگر ابزار مهم در این ارتباط است. بنابراین، ملاحظه می شود اعتبار صاحبان پروژه، پیمانکاران و خریداران محصولات پروژه از عوامل مهم برای تامین منابع مالی موردنیاز پروژه محسوب می شود.معذالك باید توجه داشت که انتقال ریسکهای سیاسی به دست اندرکاران پروژه، حتی در مواردی که کشور میزبان (ازطریق بنگاههای اقتصادی وابسته) به عنوان یکی از صاحبان سهام در اجرای پروژه مشارکت دارد، امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر، امکانات شرکای محلی برای پوشش اعتباردهندگان (جبران خسارت بانکها) درقبال تغییرات در قوانین و مقررات، ملی شدن و یا سلب مالکیت، عدم وجود ارز خارجی یا ناآرامیهای سیاسی بسیار محدود است، و لذا به طور معمول اینگونه ریسکها تحت پوشش ریسکهای سیاسی و توسط موسسه های بیمه اعتبارات صادراتی در چارچوب برنامه های توسعه صادرات از کشورهای متبوعه قرار می گیرد.۶ - تضمینها، وثیقه ها و سایر تعهدات(۱۰)به عنوان بخشی از سازوکار ضمانت تامین منابع مالی، اعتباردهندگان خواهان وثیقه گذاری اموال و دارائیهای پروژه نزد خود هستند. ماهیت واقعی سازوکار ضمانتهای مذکور بسته به نوع پروژه و قوانین محلی (کشور میزبان) دارد، به طور متعارف سازوکار ضمانتی متشکل از گروگذاری (رهن) زمین و کارخانه، واگذاری حقوق قرارداد احداث کارخانه و قراردادهای بیمه های حمایتی پروژه بوده به علاوه افتتاح یک حساب ویژه ارزی (معمولاً خارج از کشور میزبان) جهت حصول اطمینان از واریز عواید حاصل از فروش محصولات پروژه به حساب مذکور و واگذاری حق استفاده از عواید مذکور به بانکهای اعتباردهنده از عناصر اصلی سیستم ضمانتی پروژه محسوب می شود. در برخی از قلمروهای قضایی شرکت مجری پروژه مالك زمین نبوده و زمین را به صورت اجاره ای دراختیار دارد، در این موارد قرارداد اجاره به اعتباردهندگان واگذار (ASSIGNMENT) می‌شود.در برخی موارد نیز به دلائل تعهدات کشور میزبان درقبال بانک جهانی تحت عنوان گروگذاری منفی(۱۱) امکان واگذاری اموال و دارائیها وجود ندارد. در تمامی این موارد صاحبان پروژه و اعتباردهندگان به دنبال راه حلهای عملی می روند که ضمن رعایت محدودیتها و سعی در عدم تحمیل هزینه های گزاف به صاحبان پروژه، اعتباردهندگان تحت پوشش ضمانتی کافی قرار گیرند.به عنوان بخشی از سازوکار سیستم ضمانت، در برخی از موارد اعتباردهندگان وارد قراردادهایی با کشور میزبان و سایر طرفهای قرارداد نظیر پیمانکاران اجرای پروژه و پیمانکاران خرید محصولات پروژه می شوند به گونه ای که در شرایطی که شرکت مجری پروژه قادر به ایفای تعهدات خود نباشد، اعتباردهندگان نسبت به جبران قصور شرکت مجری پروژه اقدام و محق خواهند بود که بدون اینکه در قراردادهای موجود اختلالی ایجاد شود پروژه را تحت مدیریتی جدید اجرا کنند.۷ - نتیجه گیریفاینانس خودگردان به عنوان ابزار مناسبی برای تامین منابع مالی موردنیاز پروژه های توسعه منابع هیدروکربوری (نفت، گاز و پتروشیمی) در کشورهای بسیاری موردتوجه قرار گرفته است، مع ذالک باید توجه داشت که فاینانس خودگردان نسخه از قبل پیچیده ای نیست که بتواند تحت هر شرایطی و برای تمامی پروژه ها به کار گرفته شود، در هر صورت اعتباردهندگان خواهان آن هستند که پروژه از توجیه پذیری اقتصادی قابل توجهی برخوردار بوده، صاحبان پروژه با اراده ای استوار مصمم به اجرای پروژه بوده و از اعتبار کافی برخوردار باشند. وجود ساختارهای قراردادی جامع (تامین خوراك، قرارداد اجرا و ساخت پروژه، قرارداد فروش محصولات و...) به علاوه سازوکارهای ضمانتی مستحکم و اساسی، ازدیگر خواسته های بانکهای اعتباردهنده و از عناصر اصلی جهت تضمین موفقیت فاینانس خودگردان است. ضمن اینکه باید توجه داشت فاینانس خودگردان محدود به پروژه های توسعه منابع نفت و گاز نبوده و سایر بخشهای صنعتی، تولید برق، توسعه شبکه های حمل و نقل عمومی، پروژه های ساختمانی (بزرگراهها، پلهای ارتباطی، هتلها و غیره) نیز می توانند برای تامین منابع مالی موردنیاز خود از ساختارهای مشابه در چارچوب انواع قراردادهای ساخت، بهره برداری (و انتقال) استفاده کنند.پانوشتها:۱ - متاسفانه معادلهای فارسی مناسبی برای اصطلاحات مرتبط با تامین اعتبار FINANCE به طور اعم و بویژه در ارتباط با فاینانس خودگردان وجود ندارد. به گونه ای که واژه فاینانس کم کم جای خود را در نوشته های فارسی و در مکاتبات رسمی و مکالمات باز کرده است و اخیراً نیز عبارت فاینانس خودگردان به عنوان معادلی در مقابل PROJECT FINANCE به کار می رود، نگارنده معتقد است هرچند فاینانس خودگردان برگردان مناسبی از عبارت انگلیسی آن نبوده و به دلائل گوناگون ایراد بر آن وارد است و اینکه اصولاً فاینانس خودگردان طیف وسیعی از روشهای تامین اعتبار را دربرمی گیرد که برخی لزوماً PROJECT FINANCE محسوب نمی شوند، مع ذالک به نظر می رسد تا یافتن و جایگزینی معادل مناسب، به ناگزیر از بکارگیری عبارت فاینانس خودگردان باشیم.۲ - باتوجه به اشکال بسیار متنوع ومتفاوت ساختارهای حقوقی - قراردادی و روشهای تامین اعتبار که هرچند منبع بازپرداخت آنها عواید حاصل از فروش محصولات و یا خدمات پروژه است ولی PROJECT FINANCE به مفهوم حقیقی و ماهوی آن محسوب نمی شوند، در اینجا عبارت فاینانس خودگردان با قید واژه واقعی» متمایز گردیده است.۳ - عدم اتکاء یا اتکاء محدود LIMITED RECOURSE و NON-RECOURSE هرچند واژه فارسی اتکاء معادل دقیقی از واژه انگلیسی RECOURSE (به معنی لغوی توسل - رجوع) نیست و باتوجه به اینکه در فرهنگهای اصطلاحات حسابداری، مالی که دردسترس بود معادل فارسی واژه انگلیسی RECOURSE مشاهده نشد، بناگزیر و تا پیدا شدن معادل فارسی مناسب به واژه «اتکاء» در مفهوم موردنظر آن اکتفاء می شود. نگارنده آگاهانه از بکارگیری کلماتی نظیر (ضمانت، تعهد و...) اجتناب و جهت ایجاد انگیزه و جرقه های ذهنی درخواننده، واژه احتمالاً نامانوس اتکاء را به کار گرفته است.۴ - برای این واژه معادلهای دیگری در فارسی نظیر صاحبان پروژه، صاحبان سهام، سهامداران، متولی پروژه یا شرکاء به کار رفته است.۵ - OFF BALANCE SHEET FINANCING مقصود آن است که در روش فاینانس خودگردان، تعهدات مالی پروژه در زمره تعهدات مالی سرمایه گذاران محسوب نشده و درصورت حسابهای سود و زیان و ترازنامه سالیانه منعکس نمی گردد.درجه بندی اعتبار CREDIT RATING کشورها و بنگاههای اقتصادی براساس معیارها و شاخصهای مختلف اقتصادی - مالی توسط موسسات ویژه ای در دنیا انجام می گیرد، این درجه بندی معیار و مبنای مهمی برای موسسات مالی جهت اتخاذ تصمیم درخصوص تامین اعتبار و شرایط پوشش بیمه اعتبار است.۶ - در اینجا وثیقه به عنوان برگردان واژه انگلیسی SECURITY به کار گرفته شده است. درحالی که واژه SECURITY معنای وسیعتری داشته و می تواند دربرگیرنده انواع ضمانت نامه ها، وثیقه ها، رهن، تعهدات گوناگون و به علاوه سایر اوراق و اسناد بهادار تجاری باشد.۷ - UTILITIES منظور تاسیسات و تجهیزات تامین انواع آب صنعتی، بخار، برق و هوا (اکسیژن، ازت) است، متاسفانه واژه یوتیلیتی در مکاتبات و مکالمات روزمره در سطح بنگاههای اقتصادی

ایران جا افتاده است.۸ – DUE DILIGENCE در برخی از فرهنگ نامه های اصطلاحات مالی – حسابداری این عبارت دقت عمل و جدیت ترجمه شده است. نگارنده تعبیر فرایند بازبینی موشکافانه را به عنوان برگردان مفهومی این اصطلاح مناسب می داند.۹ – TAKE OR PAY AGREEMENTS قراردادهایی که خریدار را موظف می سازد حتی در صورت عدم تحویل کالا (یا خدمات) قیمت آن را بپردازد.۱۰ – مجموعه واژه های فوق برگردان واژه انگلیسی SECURITY می باشد، معذالک هریک از واژه های فوق به تنهایی مفهوم وسیعی را که از واژه مذکور در متن انگلیسی استنباط می شود به خواننده فارسی زبان انتقال نمی دهد.۱۱ – گروگذاری منفی NEGATIVE PLEDGE تعهد کشورهای میزبان درقبال اعتباراتی که از بانک جهانی دریافت می کند درمورد عدم گروگذاری اموال و دارائیهای دولتی (اموال عمومی). تهیه و تنظیم: پایگاه مقالات مدیریت منبع: HYDROCARBON ENGINEERING JUNE, ۲۰۰۲

اقتصاد دانش محور

بسیاری از هنجارهای مرتبط به امور مردم با آمدن ICT در حال تغییر است و می‌رود تا دنیای جدیدی را در جهان بسازد.یکی از مهمترین تحولات در جهان آینده بحث توسعه جهان آینده مبتنی بر اقتصاد دانش محور است که تا کمتر از یک دهه دیگر فراگیر خواهد شد و شکل جدیدی از اقتصاد نوین را در جامعه بشری بوجود خواهد آورد. با توجه به فاصله شدید اقتصاد سنتی روستایی به اقتصاد پویای جهانی و حضور فناوریهای جدیدی که هر روز در اقتصاد جهانی تاثیر می‌گذارند و اقتصاد جدیدی که تحت عنوان اقتصاد دانش محور مطرح است، نقش اقتصاد روستاها چگونه خواهد بود؟ اگر ما برنامه چهارم توسعه کشور را با شعار دانائی محور آغاز می‌کنیم، باید بدانیم که باید اقتصاد دانش محور را به عنوان چشم‌انداز اقتصادی کشورمان در آینده ببینیم و در تعامل با آن برنامه‌ریزی کنیم و بدانیم که اقتصاد دانش محور انتگرال ICT بعلاوه استراتژیهای مناسب تجاری و بازاریابی است. بنابراین هر توسعه‌ای که محور حرکت آن ICT نباشد و با روشهای علمی تهیه و اجرا نشود عملا در جهان آینده موفق نخواهد بود. سئوال اساسی آن است که نقش روستاها در این اقتصاد پیچیده کجا است. جایگاه توسعه روستاها در چشم‌انداز ۲۰ سال آینده در کجا است؟ آیا اقتصاد روستاها نیز از شکل سنتی به اقتصاد دانش محور مبدل خواهد شد؟ بهتر است ابتدا اقتصاد دانش محور را بشناسیم و سپس به تبعات آن بخصوص در روستاها بپردازیم. اقتصاد دانش محور چیست؟ چگونه بوجود آمده و به کجا می‌رود؟ اقتصاد دانش محور آن است که تولید، توزیع و استفاده از دانش در آن نقش اصلی و غالب برای تولید ثروت باشد. تا سال ۱۹۶۰ میلادی که تولید بیشتر اقتصاد تولیدی را حاکم کرده بود بازوی کارگر و سرمایه نقش اساسی را در صنعت داشت. از سال ۱۹۶۰ تا اکنون جهان اقتصاد شکلی سینوسی بخود گرفته و شاهد صعود و نزول موقعیت اقتصادی در جهان هستیم. شاید دلیل عمده این وضعیت تغییرات سریع فناوری‌های نوین هستند که در کنار رایانه، اینترنت و توسعه دانش وضعیت جدیدی را به جهان حاکم کرده و شکل رفتارهای اقتصادی سنتی را عوض کرده‌اند. گفته می‌شود این وضعیت تا سال ۲۰۱۰ میلادی ادامه خواهد داشت و بعد از آن اقتصاد دانش محور جایگزین می‌شود و شکل سینوسی اقتصاد به وضع باثباتی می‌رسد. از سال ۲۰۱۰ به بعد فقط کسانی که بتوانند با علم و دانش فضای خلاقیت و نواوری را در جامعه خود گسترش دهند شانس داشتن اقتصاد قوی را خواهند داشت. امروزه بسیاری از مردم، ارتباط اقتصاد دانش محور را مرتبط با صنعت تکنولوژی پیشرفته مانند ارتباطات و سرویسهای مالی مانند بانکداری الکترونیکی، کارت اعتباری و تجارت الکترونیکی می‌دانند. استفاده از فناوری اطلاعات، رایانه، اینترنت در تمام تولیدات و بخشهای اقتصادی کاربرد دارد و دانش مهمترین فاکتور تولید در کنار سرمایه، کارگر، زمین و سازمان اقتصادی جای گرفته است. در روستاها که به ظاهر اقتصاد آرامی دارند شاید این پیچیدگی خوب دیده نشود اما واقعیت آن است که اقتصاد پروسه‌ای پویا است و هر حرکتی در اقتصاد ملی تاثیر خود را در اقتصاد روستا نیز نشان می‌دهد. بعضی از عوامل موثر در توسعه اقتصاد دانش محور که برای شهر و روستا تاثیر یکسانی دارد بشرح ذیل است •: اینترنت عامل هم‌افزائی دانش جهانی می‌باشد و در آینده ابزار مهم توسعه دانائی محور خواهد بود که از طریق آموزشهای مستقیم و غیرمستقیم کاربران در جهان توسعه خواهد یافت •. دولت الکترونیکی و تجارت الکترونیکی وجوه غالب در اقتصاد دانش محور می‌باشند •. بهبود دائم فناوری و خلاقیت باعث توسعه اقتصادی و دانش می‌باشد •. فشارهای جهانی شدن اقتصاد دانش محور، و فناوریهای جدید باعث افزایش رقابت و خلاقیت می‌شود. عوامل فوق مهم بوده و شهری و روستایی ندارند. چرا باید به اقتصاد دانش محور توجه کنیم •؟ فرصت استفاده و پشتیبانی از منابع اقتصادی جهان را خواهیم یافت •. از تجربه کشورهای پیشرو در این زمینه استفاده خواهیم کرد که بعضا مانند کره جنوبی در گذشته شرایط اقتصادی بهتر از کشور ما نداشته‌اند و امروزه بعد از گذشت فقط حدود۲۰ سال موفقیتهای خوبی را در اقتصاد جهانی بدست آورده‌اند•. هرچه زودتر وارد اقتصاد دانش محور شویم شانس بدست آوردن تجربه بیشتر و توان رقابت بهتر را خواهیم داشت •. شناخت سریعتر ما از اقتصاد دانش محور باعث می‌شود در برنامه توسعه چهارم کشور استراتژیهای مناسب با نیاز زمان را در اقتصاد کشور انتخاب کنیم •. باز شدن درهای کشور بر اثر فشار اقتصاد دانش محور امری اجتناب ناپذیر است، لذا هرچه زودتر آنرا درک و با آن آشنا شویم و بتوانیم مزایای آنرا تشخیص داده و استفاده کنیم به نفع کشور است. اقتصاد مبتنی بر دانش خدمات مناسب با زمان کمتر و سود بیشتر را درپی خواهد داشت و لذا اجتناب از آن ممکن نیست. قبل از بحث در مورد ارتباط تجارت الکترونیکی و اقتصاد دانش محور به تعریف دانش و انواع آن می‌پردازیم: دانش چیست •؟ دانش فرم پایه سرمایه است. حرکت و رشد اقتصادی با جمع شدن دانش انجام می‌شود •. برعکس سرمایه و کارگر (در اقتصاد سنتی)، دانش می‌کوشد (در اقتصاد دانش محور) تا یک کالای عمومی شود •. وقتی دانش کشف شد و عمومی شد، هیچ خرجی برای شریک شدن آن با دیگران وجود ندارد •. کسی که دانش تولید کند سخت است که بتواند آنرا از دسترس دیگران دور نگهدارد. بعضی از قوانین مانند مالکیت معنوی و ثبت اختراع ممکن است کمی در این راه مفید باشند. انواع دانش •: انواع مختلفی از دانش قابل تشخیص وجود دارد •. Know-what : یا دانش درباره حقایق که این روزها اهمیت کمی دارد •! Know-why: دانشی که درباره طبیعت جهان، اجتماع و فکر بشر است. •Know-who : مربوط به روابط اجتماعی در جهان، و درباره دانشی که چه کسی چه می‌داند و چه کسی چه کاری می‌تواند انجام دهد است. شناخت افراد کلیدی بعضی وقتها از دانستن اصول علمی نوع‌آوریهای دانشمندان هم مهمتر است •. Know-where and know-when: در یک اقتصاد پویا و انعطاف پذیر بسیار مهم هستند •. Know-how: به حرفه مربوط می‌شود، توانمندی انجام کاری در سطح عملیاتی و اجرایی ’•. Tacit knowledge‘ دانشی که از طریق تجربه حاصل شده است و به آموزش و یا دوره‌های رسمی مربوط نیست ’•. Explicit knowledge‘ که از طریق آموزشهای و دوره‌های رسمی بدست می‌آید. :Learning Economy مطابق نظر اقتصاددانان نوین، کشوری می‌تواند ظرفیت استفاده از اقتصاد دانش محور را داشته باشد که بتواند با سرعت به یک مجموعه ’learning economy‘ تبدیل شود. learning نه تنها به معنی استفاده از تکنولوژی برای دسترسی به دانش جهانی است بلکه جهت ارتباط با سایر مردم جهان درباره خلاقیت و نوآوری نیز می‌باشد. بوسیله Learning Economy افراد، سازمانها و کشورها می‌توانند با شریک شدن در نوآوریها ثروت زیادی بدست آورند. باید بجای آموزش در دروش اقتصادی، نحوه چگونه آموختن در دستور کار اقتصاد دانان قرار گیرد. ارتباط تجارت الکترونیکی و اقتصاد دانش محور: تجارت الکترونیکی مقدمه اقتصاد دانش محور است. با حضور ICT در سازمانهای اقتصادی هم شکل فیزیکی، هم ماهیت رویه‌های کاری و هم نحوه برخورد دولت با بخش خصوصی عوض خواهد شد. باید آمادگی لازم را در این زمینه ایجاد کنیم. بررسی تجربه چند کشور در این زمینه در قسمت ذیل آمده است: استرالیا: در سال ۱۹۹۸ استرالیا یکی از سریعترین رشدهای اقتصادی معادل ۹/۴ درصد GDP را داشت. یک دلیل عمده آن استفاده مناسب دولت از فناوری و بخصوص نوآوری در توسعه ICT و بکارگیری اینترنت بوده است. دولت استرالیا علاقمند است آنجا مرکز پیشرفته اقتصاد دیجیتالی دنیا باشد. دولت استرالیا با تشویق شرکتهای کوچک و متوسط به تحقیق و پژوهش و تخفیفهای مالیاتی راه آنها را به تجارت الکترونیکی هموار نموده است. دولت تلاش دارد ارتباط اقتصادی آنها را با جهان برقرار نماید. آموزش عمومی حرفه‌ای در سطح وسیع بصورت on-line از طریق سایت skill.net و دهها برنامه آموزشی دیگر شرایط استرالیا را برای استفاده مناسب از ICT و اقتصاد دانش محور آماده

کرده است. فنلانـد: در ۵۰ سال گذشته مشاغل فنلانـد از ۷۰٪ به ۶٪ کـاهش یـافته است. برنامه‌هـای توسـعه را با موفقیت بر اساس توسعه ICT به جلو می‌برند. درصد صـنایع پیشـرفته در GNP تا ۵ برابر در عرض ۱۰ سال رشد داشته است. در آمد سـرانه در این کشور بـا سـرعت بالاـ می‌رود. ایرلنـد: تجربه ایرلنـد نشـان می‌دهـد که این کشور توانسـته است در یـک دهه خود را از یـک کشور ورشکسته از نظر اقتصـادی به یکی از سـریعترین کشورهـا از نظر رشـد اقتصادی و اقتصاد ویا در بین کشورهای توسـعه یافته تبـدیل کنـد. بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ که رشـد اقتصادی کشورهای اروپایی حـداکثر ۲٪ بود ایرلند توانست با توسـعه صـنعت ICTرشد اقتصادی ۷٪ داشـته باشد. سنگاپور: جزیره کوچک سنگاپور که فقط ۶۰۰ کیلومتر مربع وسـعت دارد و هیچ منبع طبیعی نیز ندارد با مـدیریت درست اقتصـادی توانسـته است به ترمینـال بـانکی و مـالی، محل توزیع اطلاعات و انتقال کالا و لوجستیک جهان در آیـد. سنگاپور اولین کشوری است که حرکت به سوی اقتصاد دانش محور را آغاز کرده است. با اتخاذ تصـمیم سـنگاپور به عنوان جزیره هوشمند IT در سال ۲۰۰۰ عملا راه درست انتخاب شده است. در سال ۱۹۸۱ سنگاپور اولین کشوری بود که خدمات رایانه‌ای را به شهرونـدان شـروع کرد. در سال ۱۹۸۶ صنایع IT سـنگاپور قیمتی معادل ۳/۷ میلیارد دلار داشـتند. ۹۸٪ مردم سـنگاپور دسترسی به شبکه‌های پرسرعت با پهنای باند زیاد دارند. که از این نظر در جهان اول می‌باشند. تمام سرویسهای دولت بصورت on-line است و عملاـ دولت الکترونیکی در آنجـا به مراحـل یکپـارچگی نزدیـک می‌شود. در آنجـا تجـارت الکترونیک بیش از ۵۰٪ عملی شده است. مـالزی: استراتژی توسـعه مالزی بر اساس جامع اطلاعات است. با پیش بینی بودجه ۴۰ میلیاردی و پروژه پی‌بستر چنـدرسانه‌ای سوپرکریدور عملا فاز رسیدن به اقتصاد دانش محور را با توسعه ICT شروع کرده‌اند و برنامه مشخصی تا سال ۲۰۲۰ دارند. اقتصاد دانش محور را خوب درک کرده و نقطه اتصـال خود با جهان را بر اساس این محور تعریف کرده‌انـد. استراتژی اقتصاد دانش محور ملی •: ایجـاد شـبکه ارتبـاطی ملی مـوثر و ارزان • بالاـ بردن کیفیت کالاهـا از طریق کسب دانش و ارزش افزوده منـاسب • ارتقـاء رقـابت در صـنعت و تجـارت به عنوان یـک اصـل • پشتیبـانی از مراکز تولیـد اطلاعـات و سرویسـهای روی خـط • اهمیت دادن به آموزش، کـارآموزی، بالاـ بردن حرفه فارغ‌التحصـیلان و برنـامه‌ریزی آموزش در طول عمر •. بالاـ بردن فرهنـگ سیاسـی جامعه در مشارکت در امور اجتماعی تا رسیدن به دمکراسـی منطقی و مناسب •. پشتیبانی از ارزشـهای فرهنگی استراتژی ایجاد اقتصاد دانش محور •: تهیه و تبیین چشم‌انداز، راهبرد، سیاست و طرحهای نسـبتا مناسب تحت عنوان سند راهبردی ایجاد اقتصاد دانش محور ملی مبتنی بر تجربیات جهانی و امکانات داخلی •. ایجاد جامعه‌ای اقتصادی با مردم خلاق، متخصـص، انعطاف‌پـذیر • ایجاد پی‌بستر پویا برای توسـعه فنـاوری اطلاعـات •. ایجـاد سیسـتم موثر برای رشـد خلاقیتهـا و نوآوریهـا در زمینه اقتصـادی •. ایجـاد مرکز تحقیقات پیشـرفته اقتصـاد دانش محور • رعـایت اسـتانداردهای جهـانی و مشارکت فعال در کمیته‌های بین‌المللی در این زمینه. تاثیر ICT در اقتصـاد دانش محـور •: ICT موتـور محرکه اقتصـاد دانش محور است •. تجـارت الکـترونیکی گـام نخست فرهنگ‌سـازی جـامعه بسمت اقتصاد دانش محور است •. ICT در هر شـش منبع اقتصاد: نیروی انسانی، ابزار، نقدینگی، مواد اولیه، مدیریت و تبلیغات اثر موثر دارد •. آیا صـفحات وب WWW واسـطه و عامل مسـتقیم ارتباطات اقتصادی جهان نیستند؟ آیا آنها بازار کالا و خدمات را جهانی نکرده‌انـد •. رایانه و اینترنت شـریک ساکت بازرگانان و تولیـد کنندگان هسـتند و علاوه بر محاسـبات در تصـمیم‌گیریها به صـاحب خود کمـک می‌کننـد. اقتصـاد دانش محور چیست •؟ در ۲۰۰ سال گذشـته دو عامل اصـلی تولیـد، کارگر و سـرمایه بوده است. دانش، آموزش، سـرمایه هوشـمندی فاکتورهـای اقمـاری خارج سیسـتم اقتصادی بوده‌انـد •. ICT در هر شـش منبع اقتصـاد: نیروی انسـانی، ابزار، نقـدینگی، مواد اولیه، مـدیریت و تبلیغات اثر موثر دارد •. آیا صـفحات وب WWW واسـطه و عامل مستقیم ارتباطات اقتصادی جهان نیسـتند؟ آیا آنها بازار کالا و خـدمات را جهانی نکرده‌انـد •. رایانه و اینترنت شـریک ساکت بازرگانان و تولیـد کننـدگان هسـتند و علـاوه بر محاسـبات در تصـمیم‌گیریها به صـاحب خود کمک می‌کننـد. چطور اقتصاد دانش محور را در کشور بسازیم •: تهیه سـند راهبردی توسـعه تجارت الکترونیکی کشور • تسریع در توسعه بانکداری الکترونیکی، کارتهای اعتباری و تهیه قوانین و مقررات مربوطه •. رعـایت اسـتانداردهای جهـانی و مشـارکت در تولیـد آنهـا •. اطمینـان از رعـایت اسـتانداردهای تجـارت الکترونیـک در تولیـد نرم‌افزارهـا کشور و رعایت قانون مالکیت معنوی •. رعایت نکات امنیتی در پرداختهای الکترنیکی• ایجاد سیسـتم قیمت گذاری کالاهای دیجیتالی • ایجاد سیستمی برای اخذ مالیات روی خط • ایجاد شبکه‌های سرعت بالای مطمئن بـا تکنولـوژی پیشرفته در سازمانهـای اقتصـادی • تولیـد اطلاعـات و داده‌هـای دیجیتـالی در امور اقتصـادی اقتصـاد دانش محور•: آمـوزش: آمـوزش رابطه مستقیم در اقتصـاد دانش محـور دارد. سـنگاپور و کره جنوبی موفقیت خود را در آن می‌داننـد •. تحقیق، پژوهش و توسـعه نوآوریها: برای گذر از اقتصاد سـنتی به اقتصاد دانش محور نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین در پژوهش باید صورت گیرد •. نقش دولت: نقش دولت می‌توانـد بـا توسعه منطقی ICT و هـدایت بخش خصوصـی از طریق تسـهیلات در بوجود آمدن اقتصـاد دانش محور موثر باشـد •. کار فرهنگی در تغییر سـنتها: بایـد با کار فرهنگی اقتصاد سـنتی را به اقتصاد دانش محور هـدایت کرد •. افزایش اقتصـاد روی خط: افزایش نقـل و انتقالاـت مالی و داده‌های دیجیتالی بایـد انجام شود. اینترنت رابطه بین شـرکتهای کوچک و بزرگ را در سـطح جهان برقرار می‌کند. پنج مرحله دولت الکترونیک از دیدگاه سازمان ملل می‌تواند در سـند راهبردی توسـعه اقتصـاد دانش محـور هم کـاربری داشـته باشـد •: مرحله اول: پیـدایش • مرحله دوم: ارتقـاء • مرحله سـوم: تعامـل • مرحله چهارم: تراکنش • مرحله پنجم: یکپارچگی نقاط قوت و ضـعف کشور در ایجاد اقتصاد دانش محور •: نقاط قوت • داشـتن نیروی انسانی جوان و نسـبتا تحصـیل کرده • تجربه خوب در موفقیتهای علمی و فنی • امکان ایجاد پی‌بستر نسـبتا مناسب ارتباطی و فنی• بـاز بودن دربهـای کشور برای سـرمایه‌گزاری خـارجی و اسـتفاده از بالاترین تکنولوژیها • موقعیت مناسب جغرافیایی به عنوان هاب اقتصـادی منطقه • نقاط ضـعف • تحقیقات ضـعیف و عـدم توجه کافی به تحقیقات و پژوهش • نداشـتن تکنولوژیهای بالا و عـدم توان در استفاده مناسب از آنها • کم بودن متخصصان فناوری اطلاعات در مراجع تصمیم سازی کلیدی اقتصادی کشور • کم بودن دسترسـی به اینترنت و کم بودن تعداد رایانه نسبت به متوسط جهانی • متنوع بودن مراجع تصمیم‌سازی اقتصادی در کشور و ضعف فرهنگی در تشـخیص واقعیتهای اقتصاد جهانی نتیجه‌گیری: با توسـعه و بکارگیری ICT چشم انـداز جهانی شـدن و رقابت جدی در امور اقتصـادی به حقیقت نزدیـک شـده است. تجـارت الکترونیکی مقـدمه اقتصاد دانش محور است. با حضور ICT در سازمانهای اقتصـادی هم شـکل فیزیکی، هم مـاهیت رویه‌هـای کـاری و هم نحـوه برخورد دولت بـا بخش خصوصـی عوض خواهـد شـد. بـاید آمادگی لازم را در این زمینه ایجاد کنیم. جهان بسـرعت در حال تغییر است، تجارت الکترونیک راه ورود ما به اقتصاد دانش محور می‌باشـد، بـا تهیه سـند راهبردی توسـعه تجارت الکترونیکی با چشم انـداز ورود به اقتصاد دانش محور از فرصـتهای جهانی اسـتفاده کنیم. روسـتاها نقش مسـتقلی از شـهرها در توسـعه اقتصادی ندارند. شاید نیاز روسـتاها به استفاده از ICT حتی بیشتر از شـهرها نیز باشـد. همـایش کـاربرد فنـاوری اطلاعـات و ارتباطات در روسـتا فرصت مقتنمی است تا با این پدیـده‌های جدیـد آشـنا شویم. منبع: http://iranwsis.org

مالیات بر ارزش افزوده و مفاهیم فراموش شده

پویا نعمت الهی

بانک جهانی ذیل تعریف سـیاست‌های مالیاتی، اساسا چند وظیفه را برای اصـلاح و تعدیل سـیاست‌های مالیاتی برشمرده است که از آن جمله می‌توان به برقراری جریـان درآمـدی کـافی (بـا هـدف بهبود کسـری‌های تراز پرداخت و تـامین مالی هزینه‌های دولت‌ها)، کاهش تاثیرگذاری هزینه‌ای مالیات(به شـیوه‌ای که باعث اختلال در فرآیند رشد و رفاه نشود و کاهش چشم‌گیری را به درآمدهای واقعی افراد تحمیـل نکنـد)، کاهش‌پـذیر بودن بـار مالیـات در نزد خانوارهای صاحب درآمـد انـدک‌تر و بالاخره ساده بودن ساختار مالیات‌گیری در عین نظام‌منـد بودن آن، اشاره کرد.موضوع «مالیات بر ارزش افزوده» و همچنین واکنش شدید برخی اقشار کشور از جمله بازاریان نسـبت به آن، به روشـنی نشان داد که چه دیدگاهی در باره مفاهیم اقتصادی نزد فعالان اقتصادی در کشور (خصوصا همان قشـری که بیشترین اعتراض را به این مسئله داشتند) وجود دارد. این یادداشت با این هدف نگاشته شده که شاید بتواند تصویر دقیق‌تری از مالیات را در اذهان خوانندگان ایجاد کند.اساسا کاهش رقم دریافتی مالیات در کشور، باعث افزایش شیب تقاضای کل

می‌شود به این معنا که مصرف‌کنندگان در واقع بخش کمتری از درآمد خود را از دست می دهند و از این منظر، قاعدتا درآمد شخصی کل جامعه نیز بیشتر خواهد شد). به همین خاطر است که مقوله مالیات را یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای سیاست مالی در اقتصاد می‌دانند (ابزار دیگر سیاست مالی، مخارج دولت است).مثلا در دوره‌های رکود و کسادی، دولت اقدام به کاهش مالیات و همچنین افزایش مخارج خود می کند. البته در اقتصاد کشور هم تا حدود زیادی شاهد تاثیر این متغیرها بوده‌ایم، مثلا هرگاه درآمد دولت از محل مالیات‌ها کاهش پیدا کرده، به طور همزمان درآمد سرانه هم دچار کاهش شده است. البته بگذریم از دوران‌های افزایش قیمت نفت که عملا دولت برای جمع‌آوری مالیات‌ها، از حساسیت لازم برخوردار نبوده است.چنین وضعی برای کشورهای توسعه‌یافته مصداق ندارد. ضریب کشش مالیاتی این کشورها، عموما از رقم «یک» بیشتر و بالطبع این ضریب از افزایش سریع‌تری به نسبت GNP برخوردار است. همچنین میزان کشش‌پذیری مالیات‌های مستقیم در مقایسه با مالیات‌های غیر مستقیم هم بیشتر است. اما در ایران، چنین موقعیتی برقرار نیست. بدین معنا که مالیاتهای مستقیم به خاطر سهل‌الوصول بودن جمع‌آوری، از محبوبیت بیشتری نزد سیاست‌گزاران برخوردار است و اتفاقا نقش مهم‌تری را در تامین مخارج دولت ایفا می کند. از سوی دیگر، تعدد نرخ‌های مالیاتی و خصوصا ویژگی تصاعدی بودن دریافت مالیات (یعنی مؤدیان مالیاتی با افزایش کمتر درآمد؛ ناگزیر از پرداخت بیشتر مالیات هستند) هم از دیگر مشخصه‌های مشکوک سیستم مالیاتی کشور است و همان‌گونه که گفتیم، ماحصل وابستگی انحصاری دولت به مالیات‌های مستقیم است. این مالیات تصاعدی داری ضریب کششی بیشتر از یک است وبه همین خاطر است که هنوز بر روی این مسئله که آیا این شیوه مالیات‌گیری می‌تواند منویات عدالت اجتماعی را برآورده سازد یا خیر، شاهد اجماع کارشناسی نبوده‌ایم. به بیان دیگردر ساختار فعلی، افزایش در درآمدها یا افزایش در GNP، موجب می شود که مالیات‌دهندگان به سطح بالاتری از پرداخت مالیات منتقل شوند. دقیقا به همین خاطر است که کارشناسان معتقدند بهبود سیستم مالیات‌گیری منجر به تحرک مطلوب منابع در راستای مصارف عمومی دولت خواهد شد.آنچه مسلم است این‌که عمیق‌تر شدن شکاف بین هزینه‌ها و درآمدهای دولت در پروسه انتقال توسعه، نتیجه‌ای جز تشدید معضلات تورمی نخواهد داشت؛ چون فرآیندهای غیرتورمی عملا یا ناشناخته هستند یا محبوبیت ندارند یا در مقابل برقراری آن مقاومت می‌شود (نمونه‌اش مقاومت اخیر در برابر مالیات بر ارزش افزوده).کشورمان در حال حاضر هیچ گزینه‌ای جز افزایش سهم مالیات در تولید ناخالص ملی ندارد.برقراری انواع معافیت‌های مالیاتی، مآلا تاثیر مهمی در تصمیم برای سرمایه‌گذاری ندارد و فقط به عنوان یک فاکتور در کنار ده‌ها و صدها فاکتور دیگر معنی پیدا می کند (اگر این معافیت‌ها تاثیری داشت، عملا باید شاهد سرمایه‌گذاری باارزش و مهمی در نقاط محروم می‌بودیم که البته چنین اتفاقی نیفتاده است). یک سرمایه‌گذار به دنبال کسب درآمد و سود است و هرجا که احساس مطلوب‌تری مبنی بر احتمال کسب سود داشته باشد، راسا اقدام به سرمایه‌گذاری می کند. از سوی دیگر باید به این نکته مهم توجه داشت که بهره‌مندی برخی از صنایع (و ایضا برخی مکان‌های کشور) از مزایای معافیت‌های مالیاتی، این انتظار را برای مکان‌ها و صنایع دیگر مبنی بر تسری این معافیت‌ها برای آنان بوجود می‌آورد که در نهایت باعث تخصیص غیربهینه منابع خواهد شد؛ گو آنکه این معافیت‌ها موجب کم‌رنگ‌تر شدن ماهیت وجودی مالیات بر ارزش‌افزوده هم می‌شود.در این خصوص باید به تعدد نرخ‌های مالیات در سیستم مالیات‌گیری کشور اشاره کرد که نتیجه اصلی آن، غیرواقعی بودن و تشتت ارقام بودجه‌ای است. بدین معنا که در هنگام تنظیم بودجه، قانون‌گزار به درستی و به شفافیت نمی‌داند که قرار است چه میزانی از منابع در شکل بالقوه خود و با چه نرخ‌هایی، تبدیل به منابع بالفعل شود. هرچند نوعا در مقاطعی از سال شاهد انتشار گزارش تحقق اهداف مالیاتی (و مقایسه آن با ارقام پیش‌بینی شده) هستیم، ولی بدیهی است که این گزارش، نوعا ناظر به سرجمع کلی ارقام است. به عبارت دیگر، سازمان متولی مالیات قادر نیست در ابتدای هر سال مشخص کند که از کدام گروه‌های هدف (یا کدام صنایع و کدام گروه اشخاص)، چه میزان مالیات باید بگیرد. به همین خاطر است که شیوه مالیات‌گیری علی‌الراس، اکنون تبدیل به رویه متداولی شده است که علاوه بر توسل مؤدیان به حاشا وانکار و مخفی‌سازی، عملا راه را برای هرگونه تبانی باز می کند. ازیاد نبریم که دلیل اصلی این امر، عدم اطلاع کافی مقامات مالیاتی از همه فعالیتهای اقتصادی (و بالطبع گردش مالی پول و درآمد در بخشهای فوق) باشد. مثلا اینکه چه افرادی و از چه طرقی به تحصیل درآمد مشغولند. بر این میزان باید آمار رسمی و غیر رسمی اقتصاد زیرزمینی را هم اضافه کرد.مورد بسیار مهم دیگر را باید مقوله کاهش ارزش پول مالیات‌ها دانست. بارها مشاهده شده که برخی مؤدیان مالیاتی با اعتراض به مالیات متعلقه خود و کشاندن موضوع به مراجع حل اختلاف و تشکیل پرونده‌هایی که گاه چندین سال تا صدور رای به طول انجامیده، متوسل به دفع‌الوقت شده‌اند. دقت کنیم که با تورم موجود در کشور، ارزش «ریال» در هر سال دچار کاهش می‌شود. چه بسا اگر در سال اول توافقی بین طرفین (یعنی مؤدی و وزارت دارایی) مبنی بر پرداخت یک مبلغ کمتر صورت می گرفت، نتیجه مطلوب‌تری حاصل می‌شد. مثلا۔ اگر تورم سالانه را معادل ۲۰ درصد بگیریم، آنگاه اگر شخصی در حال حاضر مبلغ ۱۰۰ ریال بپردازد، دقیقا معادل آن است که سال آینده ۱۲۰ ریال بپردازد (یعنی ارزش ۱۲۰ ریال سال آینده، معادل ارزش ۱۰۰ ریال امسال است). در سال بعد از آن هم ارزش ۱۴۴ ریال، معادل همین ارزش ۱۰۰ ریال امسال است و به همین ترتیب می‌توان ارزش آتی (future value) مبالغ دریافتی را با توجه به ارزش فعلی (present value) همان مبالغ محاسبه کرد (که به آن در علوم مالی اصطلاحا تنزیل می گویند).در چند ساله اخیر با وجود اهتمام دولت، سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه کل کشور به زحمت از مرز ۳۵ درصد بالاتر رفته است. در عین حال، سود حاصل از فعالیت‌های سفته‌بازی در کشور، چندین برابر سود حاصل از تولید است (که یکی از دلایل پرسود بودن سفته‌بازی عدم تخصیص مالیات مناسب به آن فعالیت‌ها است). در این وضعیت است که شیوه کاسبی در نزد مردم و فعالان اقتصادی به صورت یک مسلک درمی‌آید. در این کاسبی‌ها، حجم بسیار زیادی درآمد حاصل می‌شود که عمده آنها از پرداخت مالیات، خارج یا مشمول مالیاتهای اندک می‌شود. ناتوانی دولت در دریافت مالیات از بخش تجاری، ناخودآگاه فشار زیادی را بر بخش تولید و صنعت وارد می کند که در نهایت باعث رونق فعالیت‌های غیر مولد کاسبکارانه می گردد.نیاز به ذکر نیست که هم‌اکنون یک کارمند معمولی عمدتا بیشتر از یک کاسب مغازه‌دار ، مالیات می‌دهد. کارمندان قبل از اینکه حقوق خود را دریافت کنند، مالیاتش را پرداخته‌اند. ولی مغازه‌داران با توسل به راههای مختلف ابتدا به تقلیل رقم مالیات خود اقدام می کنند و آنگاه پس از قطعی شدن ارقام خواهان تقسیط مالیات می‌شوند.

http://faraznews.ir/newsdetail-۳۱۳۴-fa.html

ریسک در گزارشگری مالی

عدم اطمینان یکی از ویژگی‌های بارز هر محیط اقتصادی است. اساساً رویکرد شرکت‌ها نسبت به ریسک تصمیمات، معاملات و قیمت‌های بازار را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تصمیمات درست و عاقلانه بر مبنای اطلاعاتی گرفته می‌شوند

که ریسک و شرایط عدم اطمینان را تشریح می‌کند و یا حداقل به شناخت آنها کمک می‌نماید. مهمترین جز یک سیستم اطلاعاتی در هر اقتصاد، گزارشگری مالی آن است. هنگامی‌که یک شرکت، اطلاعاتی را در خصوص شرایط و عملکرد مالی خود به استفاده‌کنندگان بیرونی ارایه می‌دهد، خواسته یا ناخواسته اثر انواع ریسک بر شاخص‌های ارزیابی، سود خالص و جریانات نقدی خود را جهت‌دهی می کند. شاید بتوان گفت در سالهای اخیر آنچانکه باید، به مقوله گزارشگری مالی پرداخته نشده است. این در حالی است که باید توجه داشت بررسی چالش‌های گزارشگری مالی، عامل اساسی رفع اختلاف نظرهای موجود بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات‌گذاران است. ضمناً این امر موجب می‌شود ساختار و محتوای گزارشات مالی نیز تبیین گردد و خلاصه اینکه نتیجه نهایی آن ارایه یک سیستم گزارشگری مالی است که با مفاهیم مدیریت ریسک و اصول اندازه‌گیری آن سازگار می‌باشد و زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان بیرونی فراهم می‌آورد. به اعتقاد اکثر کارشناسان، داشتن یک استراتژی مناسب شامل ارکان زیر تا حدود زیادی می‌تواند به رفع اختلاف‌نظر بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات‌گذاران کمک نماید. ۱-تفکیک مفهوم بی‌طرفی از گرایش به سمت گزارشگری محافظه‌کارانه، به‌عنوان یک هدف بلندمدت عدم جانبداری در ارایه تصویری شفاف از شرایط و عملکرد مالی شرکت، هدف اصلی

حسابداری است که می‌بایست در بلندمدت از مقوله تمایل به گزارشگری محافظه‌کارانه به‌موجب برخی مقررات متمایز شود. به عبارت دیگر قاعده‌مندی ابزارهای قانونی احتیاط‌آور نقطه شروع ارزیابی‌هایی است که مشمول محافظه‌کاری عمدی نمی‌شوند. ۲- رفع برخی سو تفاهمات طی فرآیندی همسو با هدف اول به این منظور مقررات‌گذاران با توجه به ابزارهای کنترلی که در اختیار دارند، در مواجهه با بخشی از مفاهیم" ثبات مالی تغییرات در استانداردهای گزارشگری مالی "که غیر قابل اجتناب هستند، سیاست بی‌طرفی را در پیش می‌گیرنـــد. ۳- اجماع بر سر گزارش اطلاعات غنی‌تر در مورد شاخص‌های مالی شرکت البته این مهم در چارچوب رویه‌های حسابداری سنتی و با استفاده از گزارشگری وضعیت جاری شرکت از طریق صورتهای مالی (اطلاعات درجه یک) امکان‌پذیر نیست، بلکه می‌بایست برآوردهایی از ریسک (اطلاعات ریسک) و درصد عدم اطمینان هر یک از برآوردها (اطلاعات خطای اندازه‌گیری) نیز ارایه شود. تشریک مساعی بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و نهادهای نظارتی علاوه بر بهبود مجموعه نهایی اطلاعات گزارش شده، ضمانت اجرایی آن را نیز در پی خواهد داشت. در این مقاله بیشتر سعی شده است به رابطه بین حسابداری، مدیریت ریسک و اندازه‌گیری آن پرداخته شود. به این منظور قابلیت‌های مختلف اندازه‌گیری ریسک و رابطه آن با تعیین ارزش بررسی می‌شود. همچنین از دو جنبه دیگر نیز به مساله خواهیم پرداخت. نخست آنچه که تحت عنوان بی‌طرفی شناخته می‌شود بطور مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت بحث بدان جهت است که نخستین اثر ریسک بر محاسبات ارزش‌گذاری به تفسیری که از مفهوم بی‌طرفی می‌شود، بستگی دارد. در ادامه به ارتباط بین ارزش‌گذاری بی‌طرفانه و قیمت‌های بازار نیز پرداخته می‌شود. از بُعد دیگر چالش‌های موجود بین اندازه‌گیری ریسک و رویکرد جاری نسبت به گزارشگری مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بویژه توجه خاص خواهیم داشت به امکان‌سنجی این مساله که آیا ممکن است استانداردهای حسابداری ارزش‌یابی‌ها را تحریف کنند و یا اینکه صورتهای مالی شرکت را به‌طور مصنوعی متورم نشان دهند؟ و یا حتی در نتیج ?این آثار به انحا مختلف وضعیت اعتباری شرکت را تحت تاثیر قرار دهند. نخست، در جهانی که مشخصه اصلی آن اطلاعات ناقص و هزینه‌بر است، ارزش‌یابی به‌صورت منحصربه‌فرد و عینی قابل تعریف نیست. به‌عنوان یک نتیجه مهم می‌توان گفت مفهوم بی‌طرفی می‌بایست محتاطانه تفسیر شود. اصولاً در چنین شرایطی، ارزش بدست آمده مبتنی بر میثاقهای حسابداری اعم از اینکه در بازار مشاهده می‌شود یا خیر، ارزش بازار شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به‌علاوه در بررسی اصول حسابداری نیز باید اثر متقابل عوامل اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. دوم، نقش اصول اندازه‌گیری ریسک در تعیین ارزش بسیار اساسی است. از آنجاکه ارزش‌یابی مستلزم پیش‌بینی است بنابراین باید ریسک‌های ممکن اندازه‌گیری و قیمت‌گذاری شوند. حتی زمانیکه بحث پیش‌بینی در حسابداری سنتی نیز مطرح می‌شود، اندازه‌گیری ریسک اهمیت می‌یابد، مثل محاسبات مربوط به استهلاک وام‌ها. به‌علاوه در سایر روش‌های حسابداری مانند ارزش متعارف یا ارزش ویژه، نقش اندازه‌گیری ریسک گسترده تر است که این خود زمینه‌ای برای پیشرفت‌های آتی از قبیل عمیق شدن بازارها، توسعه و تنوع ابزارهای مالی جدید و نوآوری‌های مالی می‌باشد. سوم، اولویت دادن به قابلیت تایید در گزارشگری مالی به‌ویژه این امر هنگامی اهمیت می‌یابد که ارزیابی و سایر اطلاعات گزارش شده، با استفاده از مدل‌هایی پیش‌بینی شوند که مستقیما به قیمت‌های بازار متکی نیست. خطا در برآوردهای یک مدل، بطور قابل توجهی به درصد خطای مدل و اشتباهات عمدی در گزارشگری مربوط می‌شود. قابلیت تایید، مهمترین معیار برای انتخاب یک رویه حسابداری از بین رویه‌های موجود است. اعتبار درونی و دقت نتایج مدلهای اندازه‌گیری نیز برای ارزیابی عملکرد و تعمیم آنها بسیار مهم است. بعلاوه تا زمانی‌که مدیریت ریسک بعنوان محافظی در برابر اشتباهات عمدی گزارشگری از اهمیت خاصی برخوردار است، اصول اندازه گیری ریسک نیز نقش اساسی و مشابهی در امر ارزش‌گذاری دارد. چهارم، اولویت دادن به مفهوم شفاف‌سازی در گزارشگری مالی اهمیت این مساله در عکس‌العمل بازار نسبت به ارزیابی و اطلاعات ارایه شده است که بدون توجه به روش ارزیابی ممکن است تفسیر بهتری داشته باشد. در برخی رویکردها اهمیت شفاف‌سازی به آسانی قابل درک است. بدین‌ترتیب که قیمت‌های بازار کاملا مات و شُبه برانگیزاند، و بطور کامل در برابر عواملی که آنها را تحریک می‌کند بی‌توجه و خاموش می‌باشند. برای مثال، در چنین شرایطی این سوال مطرح می‌شود که آیا تغییر قیمت‌های بازار انعکاس تغییرات در نرخ بهره است یا درجه اعتبار؟ بعلاوه بجز دارایی‌های قابل معامله در بازارهای پرعمق و نقدشونده در سایر موارد، تشریح خطای اندازه‌گیری در ارزش برآورد شده بسیار اهمیت دارد. این امر به سرمایه‌گذاران بالقوه بیرونی امکان می‌دهد همچون نهادهای نظارتی، کیفیت برآوردها را ارزیابی نموده و بر اساس آن در تصمیمات یا رفتارشان تجدید نظر کنند. پنجم، ضرب‌المثل معروفی هست که می گوید نیاز باعث اختراع است. زمینه‌های بسیار مناسبی برای ایجاد هماهنگی بین ارزشیابی‌های حسابداری و اقتصاد وجود دارد. البته عوامل زیادی نیز هستند که موجب اختلاف بین این دو نوع ارزشیابی می‌شوند. عواملی از قبیل مفهوم دارایی یا بدهی و تفاسیر آن، فلسفه وجودی اصول مختلف حسابداری (سیستم‌های خاص و پیچیده) در قالب استانداردهای مختلف برای قابلیت تایید برآوردهای آتی. در هر حال بخشی از این اختلاف غیر قابل اجتناب و بخشی دیگر قابل رفع می‌باشد. توجه بیشتر به الزامات مدیریت ریسک، رهنمود مفیدی برای رفع این اختلاف است. مواردی مثل نحوه برخورد با سپرده‌های دیداری خط‌مشی تمدید بیمه و محاسبات مربوط به استهلاک وام. بنابراین راه‌های زیادی وجود دارد که مدیریت ریسک و اصول اندازه‌گیری آن بتوانند به رفع اختلاف نظرهای موجود بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات‌گذاران کمک کنند. نقش اصول اندازه‌گیری ریسک در گزارش اطلاعات مورد نیاز به منظور عملکرد مناسب بازارهایی که می‌بایست به اطلاعات ریسک و خطای اندازه‌گیری توجه خاص داشته باشند، بسیار اساسی است. همچنین اصول اندازه‌گیری ریسک عامل بسیار مهمی در اندازه‌گیری، قابلیت تایید و اثبات ارزیابی‌ها است. مدیریت ریسک نیز بعنوان مرکز ثقل تهیه و وضع استانداردهای حسابداری، می‌توانند ابزاری مفید برای حذف شکاف بین ارزیابی‌های حسابداری و اقتصاد باشد. بیش از دو دهه است که به موازات رشد بی‌سابقه بازارهای سرمایه، پیشرفت‌های چشم‌گیری در اصول اندازه‌گیری ریسک رخ داده که سیستم‌های مالی را متحول نموده است. چارچوب‌های احتیاط‌آور هم تغییراتی داشته‌اند و به نظر می‌رسد در آینده نزدیک، تحولات دیگری نیز در گزارشگری مالی بوجود آید.

http://www.daneshju.ir/forum/archive/t-۴۵۱۵۷.html

لیزینگ ؛ پدیده ای نو

ر ۱۳۸۸ ، ۰۸:۳۰

سایه روشن هایی از کاربردهای لیزینگ در صنعت و اقتصادمهرانگیز یقین لو - فرانک جواهردشتی

اشاره: تحولات وسیعی که در عرصه تولید و عرضه و تقاضا، طی نیم قرن اخیر رخ داده است، موجب شده است تا دست اندرکاران سیاستهای اقتصادی درکشورها، برنامه های لازم را بـــرای تاسیس شرکتهای جدید که می توانند ابزارهای اعتباری درجهت رشد صنایع و اقتصاد آنها محسوب شوند، در دستور کار خود قرار دهند. واحدهای لیزینگ (LEASING) ازجمله چنین شرکتهایی هستند که چنانچه آئین نامه ها و مقررات فعالیت آنها به خوبی تدوین و تصویب شود می توانند سهم خوبی در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور داشته باشند. از لیزینگ تعابیر و تعاریف مختلفی شده است برخی آن را اجاره داری که نوعی قرارداد و توافق میان دو نفر اعم از فرد حقیقی و حقوقی است، تعریف کرده اند و گروهی آن را به صورت اجاره به شرط تملیک می دانند. درهـــــرحال آنچه اهمیت دارد بهره برداری از منفعت کالای سرمایه ای و مصرفی که قابلیت اجاره دارد، است.اهمیت اجرای شیوه لیزینگ در کشورها برای رشد اقتصاد و صنایع تا آنجاست که امروز نزدیک به سه میلیون شرکت در جهان به فعالیتهای گوناگون لیزینگ مشغول می باشند. بسیاری به اشتباه تصور می کنند این پدیده نو تنها در صنعت خودرو قابل اجرا بوده و کاربرد دارد. درحالی که از آن در زمینه های اقتصادی، پزشکی، عملیاتی، کمک خرید برای انواع قطعات و لیزینگ برون مرزی استفاده گسترده می شود.بنابراین می توان گفت، لیزینگ، کاربردهای وسیعی در اقتصاد جوامع دارد. در ایران کاربرد لیزینگ بیشتر در سرمایه و مسایل مالی می باشد. برطبق آمارهای جدید تا پایان سال ۱۳۸۲ تعداد شرکتهای لیزینگ در کشورمان بیش از ۶۰ شرکت بوده است.به طورکلی شرکتهای لیزینگ مستقیماً با مشتریان سروکار دارند و سعی بر این دارند تا انتظارات مشتریان را درمورد

ویژگیهای کالای مورد درخواست آنها تامین نمایند. اما اینکه در این راه تا چه اندازه موفق بوده و هستند، هدف اصلی این گزارش است.اینکه لیزینگ چیست و تدوین آئین نامه ها و مقررات مربوط به آن تا چه حد به نفع شرکتهای لیزینگ و مخاطبانشان که همان مشتریان یا مصرف کنندگان هستند، می باشد و یا اینکه، چقدر در توسعه حرکتهای اقتصادی و چرخش چرخهای صنعتی کشورمان نقش موثر ایفا می کند، از محورهای مهمی است که در این گزارش به آنها پرداخته شده است.لیزینگ از بدو پیدایشسابقه اجاره داری در تمام جوامع به قرنها پیش برمی گردد و نمی توان اذعان داشت که محصول هزاره جدید است اما می توان گفت که امروز به صورت یک صنعت آن هم به شکل جهانی یا بیـــــن المللی، مورداستفاده قرار می گیرد. یعنی اجاره داری درموردهر نوع دارایی در هر کشور که قابل تصرف و خریداری باشد، قابل اجرا است. این دارایی ها می تواند شامل زمین، نیروگاه، صنایع، رایانه ها، تجهیزات کارخانه ای، نرم افزارها، خودرو و هر نوع اموال منقول و غیرمنقول دیگر باشد که بتوان منافع آنها را به دیگری واگذار کرد.آقای مرتضی کاووسی دبیرکل انجمن شرکتهـــــای لیزینگ ایران و مدیر امور سرمایه گذاری شرکت پارس لیزینگ، تاریخچه لیـزینگ درجهان را این گونه بیان می کند، همان طور که اشاره شد لیزینگ دارای تاریخ و سابقه ای کهن و چندهزار ساله است. شاید نتوان زمان دقیق و مشخصی برای سرآغاز کاربرد عملیات اجاره در زندگی بشر یافت. ولی برمبنای آنچه که از متون باستانی بدست داده شده است، اقوام ایلامی و سومری در حدود (۲۰۰۰) سال قبل از میلاد مسیح به نوعی اجاره داری ساده زمین، گاو، آب و تجهیزات کشاورزی می پرداخته اند. تقسیم بندی دوگانه لیزینگ به عملیاتی و مالی اولین بار در دوران رم باستان و حکومت (JUSTINIAN) صورت گرفت. در قرون وسطی اجاره داری کشتی های تجاری به عنوان یک رشته مهم در مبادلات اعتباری بین مردم مرسوم گردید. در اروپای قرون میانه، لیزینگ زمین و مستغلات باتوجه به قوانین سخت گیرانه زمین داری و محدودیتهای شدید خصوصی سازی رونق چشمگیری یافت و به سرعت به ایالات متحده آمریکا منتقل شد. در یادداشتهای روزانه جورج واشنگتن در دهه (۱۸۴۰) موارد متعددی در زمینه لیزینگ کارخانجات و واگنهای راه آهن به چشم می خورد. درهمین اوان، لیزینگ واگنهای راه آهن در انگلستان نیز مرسوم گردید و اولین شرکت ثبت شده لیزینگ در ماه مارس (۱۸۵۵) با نام شرکت واگن بیرمنگهام تاسیس شد و به اجاره واگن به معدن داران ذغال و فلزات پرداخت. در اوایل قرن بیستم، لیزینگ ماشین آلات تولید یک محصول خاص نظیر کفش و تجهیزات تلفن خصوصی در انگلستان و آمریکا گسترش یافت. اولین شرکت مدرن و مستقل صنعت لیزینگ در سال (۱۹۵۲) در شهر سانفرانسیسکو تاسیس شد که هنوز هم تحت نام شرکت بین المللی لیزینگ ایالات متحده به فعالیت اشتغال دارد. تاسیس این شرکت را باید سرآغاز تشکیل موسسات مستقل لیزینگ (غیروابسته به بانکها و یا موسسات مالی) در آمریکا به حساب آورد.زیرا بانکها، طبق قانون فدرال کمیسیون ارز، تا اوایل دهه (۱۹۶۰) از فعالیت لیزینگ به صورت موجر ممنوع بودند.به هرحال رسوخ و رونق لیزینگ در اقتصاد ایالات متحده در شروع دهه (۱۹۵۰) را که با رونق اقتصادی این کشور در سالهای بعداز جنگ جهانی دوم مقارن گردیده بود، باید سرآغاز تحولات همه جانبه و فراگیر این صنعت به حساب آورد. به همین ترتیب لیزینگ از اوایل دهه (۱۹۶۰) در سرتاسر اروپای غربی گسترش یافت و مقارن با همین سالها به ژاپن رسید. خوشبختانه رونق و پویایی لیزینگ خیلی زود از محدوده جهان توسعه یافته فراتر رفت و به آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا اشاعه یافت. اولین شرکت لیزینگ در آفریقا در سال (۱۹۶۵) در زیمبابوه تاسیس شد و نخستین آن در هندوستان در سال (۱۹۷۳) به وجود آمد و در این کشور پهناور به آنچنان شکوفایی رسید که در پایان سال (۱۹۸۴) تعداد این شرکتها به بیش از هفتصد شرکت بالغ شد. همگی این شرکتها به اجاره داری اموال منقول نسبتاً کم بها نظیر چرخهای خیاطی اشتغال ورزیدند.شرکت مالی بین المللی (INTERNATIONAL FINANCE CORPORATION یا (IFC) وابسته به بانک جهانی که باهدف تشویق سرمایه گذاری و رونق اقتصادی در کشورهای جهان سوم تاسیس گردیده است، به سهم خود کوششهای ذیقیمتی برای توسعه لیزینگ در کشورهای درحال توسعه به عمل آورد. کره جنوبی اولین کشوری بود که IFC به مشارکت در صنعت لیزینگ آن کشور پرداخت و شرکت توسعه لیزینگ کره جنوبی را در سال ۱۹۷۷ با حمایتهای عملیاتی و دانش فنی شرکت ژاپنی لیزینگ شرق (ORIENT LEASING OF JAPAN) بنیان نهاد. متعاقب این اقدام صنعت لیزینگ در کشورهای درحال رشد آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا با بهره گیری از حمایتهای مالی و مشورتی (IFC) به سرعت گسترش یافت.موسسه فوق الذکر، طبق آمار اعلام شده از جانب شرکت (EUROMONEY) از سال (۱۹۷۷) تا پایان سال (۲۰۰۳) بیش از (۱۰۰۶) میلیون دلار، در (۵۴) کشور درحال توسعه و در (۱۰۳) شرکت لیـــــزینگ این کشورها سرمایه گذاری کرده است. گفتنی است که این موسسه در سال ۱۳۸۲ مذاکراتی را با شرکت بانک کارآفرین برای تاسیس یک شرکت لیزینگ برای اجاره اقلام سنگین راهسازی و ساختمانی به عمل آورده که طبق اطلاعات اعلام شده، قرارداد این سرمایه گذاری منعقد گردیده و مراحل اولیه اجرای طرح آغاز شده است.طبق آخرین ارقامی که موسسه پول اروپایی (EUROMONEY) به عنوان یکی از بزرگترین و معتبرترین مرکز مطالعاتی لیزینگ در جهان منتشر نموده است، حجم عملیات لیزینگ در پایان سال (۲۰۰۲) فقط در پنجاه کشور منتخب مرکز مذکور، به رغم رشد پایداری که طی دهه گذشته داشته اند، با تاثیرپذیری از تحولات منفی اقتصاد جهانی ناشی از واقعه سپتامبر (۲۰۰۱) با (۳/۱) درصد رشد منفی به رقم (۴۶۱/۶) میلیارد دلار بالغ گردید. در این میان ایالات متحده آمریکا با بیش از (۲۰۰) میلیارد دلار، نیمی از مبادلات جهانی لیزینگ را به خود اختصاص داده و پس از آن به ترتیب ژاپن ، آلمان، فرانسه و انگلستان بزرگترین سهم از بازار لیزینگ جهان را دراختیار داشته اند.به گفته آقای داود جدید بناب، مدیرعامل شرکت رایان سایپا، اجاره داری یا لیزینگ تامین منابع مالی (اعطای تسهیلات) درقالب قراردادهای اجاره به شرط تملیک به منظور تامین نیازهای سرمایه ای متقاضیان است. این نیازهای سرمایه ای و نیازهای سرمایه در گردش با ابزار لیزینگ تامین می شوند. در اصل گسترش فرایند فعالیتهای کسب و کار و نیز ضرورت تحـــــول در روشهای معمول کسب و کار موجب پیدایش شیوه لیزینگ در جوامع بویژه جوامع صنعتی شده است.صنعت لیزینگ به عنوان یک صنعت مدرن مالی امروزه با حجم وسیع مالی، کشورهای صنعتی درحال توسعه را دربرگرفته است. شرکت لیزینگ ایران در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی توسط فرانسویها در ایران تاسیس گردیده است. از حدود دو سال پیش باتوجه به وضعیت بازار، در بخش خودرو، شرکتهای لیزینگ فعالیتهای گسترده ای را شروع کردند که با توجه به نیاز بازار، حجم فعالیت آنها روز بروز گسترده تر می گردد.در بخش غیرخودرویی نیز فعالیتها شروع شده است که احتمالاً قبل از پایان سال فعالیت لیزینگ آنها نیز شروع خواهدشد. درحال حاضر انجمنی نیز به نام انجمن لیزینگ ایران تشکیل گردیده که حدوداً ۵۰ شرکت بزرگ و کوچک در آن عضویت دارند.به هرحال نیاز به تامین منابع مالی، همانطور که در دنیا متداول است در ایران هم وجـــود دارد و طبیعتاً ما هم در کشورمان همان طوری که از اختراعات و اکتشافات به عمل آمده استفاده می کنیم از این پدیده مالی نیز بهره می بریم.در ایران باتوجه به قوانین بانکی بدون ربا، لیزینگ تقریباً با عقد اجاره به شرط تملیک همخوانی دارد.آقای محمد آزادی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و کارشناس سازمان مدیریت صنعتی لیزینگ را روشی می داند که امکاناستفاده از دارایی ها را بدون نیاز به مالکیت آنها فراهم می آورد. وی معتقد است این پدیده جدید برای اولین بار در کشاورزی و توسط سومری ها مورد استفاده قرار گرفته و در طی قرون وسطی از لیزینگ برای استفاده از زمین و ساختمان نیز استفاده شده است.لیزینگ پس از بحران سال ۱۹۲۹ در آمریکا و به منظور مقابله با مشکلات مالی و اقتصادی حاکم بر آن کشور به کار گرفته شد و اولین شرکت لیزینگ در سال ۱۹۵۲ در آمریکا تاسیس شد و به تدریج بکارگیری این روش طی سالهای دهه ۱۹۶۰ در اروپا و ژاپن آغاز شد.از نگاه آمار در سال ۲۰۰۱ میلادی بیش از ۵۵۰ میلیارد دلار تجهیزات در سراسر دنیا از طریق لیزینگ مبادله شده است که سهم ایالات متحده از این رقم ۲۲۰ میلیارد دلار می باشد. امروزه بیش از ۳۵ درصد از کل تجهیزات سرمایه ای ازطریق لیزینگ تامین می شود و از هر ۱۰ شرکت، ۸ مورد این روش را بکـــار می گیرند که از میان آنها می توان شرکتهای IBM و XEROX را نام برد.به طورکلی می توان گفت، لیزینگ ابزار مهمی بـــرای تشویق و ترغیب در امر سرمایه گذاری می باشد و در توسعه اقتصادی کشورها بسیار موثر است، به گونه ای که تا حدود ۳۰ درصد از سرمایه گذاری های انجام شده در کشورهای پیشرفته ازطریق لیزینگ انجام می شود.اینکه لیزینگ براساس چه نیازها و چارچوبهایی وارد ایران شده است را از زبان آقای محمدعلی نوح پیشه مدیرعامل و عضو هیأت مدیره شرکت لیزینگ پارسیان می خوانیم وی می گوید، بطورکلی لیزینگ ازسویی وسیله ای است جهت افزایش قدرت خرید به صورت تامین منابع

مالی موردنیاز طرف تقاضا و از سوی دیگر ابزاری است جهت توسعه فروش کالاهای سرمایه ای و بادوام، توضیح آنکه در روابط اقتصادی معمولاً حداقل دو طرف و یا به عبارت بهتر دو مبادله گر نقش اساسی دارنـــد که به طرف عرضه یا عرضه کنندگان و طرف تقاضایا متقاضیان تعبیر می شوند. وقتی محصولی عرضه می شود و برای تبادل آن قیمتی تعیین می گردد مبادله اقتصادی تحقق نمی یابد مگرآنکه اولاً برای آن محصول، متقاضی وجود داشته باشد (محصول عرضه شده واقع نیاز باشد)، ثانیاً متقاضی قیمت تعیین شده را متناسب با محصول عرضه شده بداند و ثالثاً توانایی پرداخت قیمت محصول را داشته باشد.لیزینگ ابزاری است که عمدتاً شرط سوم را محقق می کند و یا زمینه تحقق آن را فراهم می کند.به عبارت دیگر لیزینگ می تواند متقاضیان یک کالا و یا محصول را به لحاظ کمّی افزایش دهد تا از این طریق فاصله بین عرضه زیاد و تقاضای کمتر از عرضه را پوشش دهد. این عبارت بیانگر زمینه های اقتصادی و اجتماعی پدیده لیزینگ است. به این معنی که وقتی تناسب بین عرضه و تقاضا دچار اختلال می شود و عرضه بر تقاضا فزونی می گیرد اتخاذ سیاستهای مالی و پولی مناسب جهت رفع اختلال پیش آمده ضرورت می یابد. لیزینگ در این مواقع ابزاری جهت جلوگیری از رکود اقتصادی و انباشت کالاـو محصول در انبار عرضه کنندگان است. تغییر بازارهای انحصاری به بازارهای رقابتی از دیگر عواملی است که فعالیت لیزینگ را به عنوان ابزاری جهت ایجاد مزیت رقابتی اجتناب ناپذیری می نماید.خروج از شرایط انحصاری در تولید و عرضه محصول و تفوق عرضه نسبت به تقاضا به هر دلیل (افزایش تولید و یا کاهش قدرت خرید و...) و توسعه رقابت بین تولیدکنندگان زمینه ساز ظهور لیزینگ در اقتصاد می باشد. اگرچه پدیده لیزینگ در ایران (به صورت رسمی و در ابعاد بسیار محدود) قدمت چندین ساله دارد و حتی تاسیس اولین شرکت لیزینگ به قبل از انقلاب برمی گردد (شرکت لیزینگ ایران) لکن پس از انقلاب رشد و توسعه این پدیده به اواخر دهه ۱۳۷۰ و اوائل دهه ۱۳۸۰ مربوط می شود که اقتصاد ایران از اقتصاد نسبتاً بسته قبل به اقتصاد بازتری تغییر شکل داد و رقابت بین تولیدکنندگان در عرصه های مختلف نیز افزایش یافت.آقای رضا کاویانی مشاور مدیریت ریسک در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی نیز در این باره اعتقاد دارد، امروز لیزینگ به معنای اجاره دادن نوعی فعالیت اعتباری شامل تامین منابع مالی از بانکها و موسسات مالی و نیز کالا از تولیدکنندگان یا عرضه کنندگان کالا و اجاره و فروش کالا به مصرف کنندگان یا متقاضیان است. در چنین حالتی شرکت لیزینگ (موجر) مالک کالاـو استفاده کننده از کالاـ (مستاجر) می باشد که با دریافت تسهیلات از شرکت لیزینگ از چنین حقی برخوردار شده است.درواقع مستاجر حق استفاده از کالایی را در زمان حال دارد که با وجوه مالی خود بدون استفاده از تسهیلات لیزینگ توانایی لازم جهت تهیه آن را نداشته باشد و بدین ترتیب با استفاده از این روش، مستاجر می تواند در هر زمان نسبت به تامین تجهیزات و ابزار کار جدیدتر و مدرن تر بپردازد. افزون بر آن بهای سنگین تکنولوژی روز را با شرایط مناسب تر تحمل خواهد نمود. درواقع مستاجر بهای کالایی را که درمقطع کنونی محاسبه گردیده در آینده و با سطح درآمد آتی خود می پردازد. اداره و سازماندهی مناسب، کنترل و نظارت جدید بر وقوع عملیات فوق منجر به کاهش تورم در جامعه خواهد گردید.تعاریف و واژه های مرتبط با لیزینگلیزینگ از نگاه آقای کاووسی یک ابزار است ابزاری با زمینه های گسترده کاربردی که مهمتریـــن آن حرکت دادن تولید و مصرف به سوی تعادل است. از آنجا که بدون شک دیپلماسی اقتصادی کلیه جوامع امروزه برمبنای پاسخگویی تولید به مصرف و افزایش متوازن هر دو این عوامل و جلوگیری از بروز تورم یا کسادی در اقتصاد و مآلاً رفاه عامه استوار است، بنابراین وجود ابزاری تاثیرگذار در تحقق مطلوب این استراتژی، اهمیت کاربردی آن را نمایان می سازد و به همین دلیل لیزینگ در اقتصاد جهانی معاصر، باتوجه به ویژگیهای آن از جایگاه رفیعی برخوردار گردیده و در همه عرصه های تولید، حضوری فعال و موثر دارد. بخش عظیمی از عملیات مالی و تامین اعتبار درجهـــان با استفاده از این صنعت صورت می پذیرد. لیزینگ را امروزه به عنوان صنعت می شناسند، زیرا لیزینگ ابزار تولید مشتری (تقاضا) است.تقویت و ارتقای قدرت خرید در بازار مصرف و تبدیل هر رغبت به خرید به یک تقاضای موثر، رل اصلی لیزینگ است. ازسوی دیگر لیزینگ مکانیزمی سهل و ممتنع است. ازنظر سهولت وبه تعریف عام می توان آن را وسیله ای دانست برای کسب منافع حاصل از استفاده از هر نوع کالا و یا خدمت، برای یک دوره زمانی معین و درقبال پرداخت هزینه مربوط. ولی ازمنظر تکنیک های روزآمد، ابداعات جدید و روشهای گوناگونی که در کشورهای مختلف در این صنعت صورت پذیرفته، لیزینگ پیشرفته را با آنچه که در کشور ما جریان دارد، تا اندازه ای پیچیده و متفاوت جلوه گر می سازد. مبادلات لیزینگ طی سه دهه گذشته تا امروز، باتوجه به مفاهیم حقوقی، حسابداری، مالی، مالیاتی، تجاری و بازاریابی دارای تعاریف گوناگونی گردیده است ولی همه آنها تلاش کرده اند تا این مفهوم را درعمل اثبات کنند که لیزینگ یک مبادله تجاری است که در آن مالک کالا (مـــوجره LESSOR) حق استفاده و بهره برداری از کالای مورداجاره را در برابر اقساط اجاره و برای یک دوره معین به مستاجر (LESSEE) واگذار می نماید.کمیته بین المللی استانداردهای حسابداری که در سال (۱۹۸۲) استانداردهای حسابداری لیزینگ را تحت عنوان (IAS.۱۷) تدوین و منتشر نمود، عملیات لیزینگ را تحت دو سرفصل کلی تقسیم بندی کرده است: لیزینگ مالی (FINANCIAL LEASE) و لیزینگ عملیاتی (OPERATIONAL LEASE) .طبق تعریف استاندارد (IAS.۱۷) هرگونه عملیات لیزینگ، به غیر از لیزینگ مالی، عملیاتی خوانده می شود. در این روش، اختیار تملک کالا برای مستاجر وجود ندارد و دوره اجاره کوتاه مدت و یا میان مدت بوده و هر کالا می تواند طی عمر اقتصادی خود چندین بار مورد اجاره واقع شود.آقای نوح پیشه نیز لیزینگ را این گونه تعریف می کند: باتوجه به نکات فوق می توان بیان نمود که لیزینگ نوعی معاملـــه است که اساس آن را اجاره تشکیل می دهد و ارتباط بین مالک و متقاضی مبتنی بر ارتباطات تعریف شده در حوزه موجر و مستاجر می باشد.به طورخلاصه می توان بیان نمود که لیزینگ فراهم آوردن شرایط تسهیلات اجاره از سوی موجر است که طی آن حق استفاده و یا مالکیت محصول یا کالای سرمایه ای و با دوام در ازای دریـــافت اجاره و تحت شروط توافق شده ای در طی دوره اجاره (در مواردی که حق استفاده به مستاجر واگذار می شود) یا پایان دوره اجاره (در مواردی که حق مالکیت انتقال می یابد) به مستاجر واگذار می گردد، که در صورت انتقال مالکیت به آن اجاره به شرط تملیک می گویند.درحال حاضر دو نوع اجاره به صورت عمده جاری است که نوع اول آن اجاره عملیاتی و نوع دوم اجاره سرمایه ای است که اصطلاحاً به صورت اجاره به شرط تملیک در قوانین کشور ما نیز تعریف و تبیین شده است.خانم آناهیتا خزاعی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی و یکی دیگر از کارشناسان سازمان مدیریت صنعتی، تعاریفی از واژه های مهم از لیزینگ، مراحل اولیه آن و مزایای لیـــزینگ را ارائه کردند که با هم می خوانیم:LESSEE (اجاره کننده): فرد یا شرکتی که حق استفاده از مورد اجاره را در ازای پرداخت مبلغ اجاره تعیین شده در قرارداد دارد.LESSOR (اجاره دهنده): مالک قانونی مورداجاره، که حق استفاده از آن را در ازاء دریافت مبلغ تعیین شده در قرارداد به فرد یا شرکتی منتقل می کند.CONTRACT (قرارداد): توافق کتبی بین طرفین که تمامی شرایط و موارد مرتبط با انتقال حق استفاده از مورداجاره و پرداخت مبلغ اجاره به LESSOR (اجاره دهنده) را دربردارد.SUPPLIER (عرضه کننده): تولیدکننده یا شرکتی که مورد اجاره را تهیه می کند.RENTAL (مبلغ اجاره): مبالغی که به صورت دوره ای از طرف LESSEE (اجاره کننده) به LESSOR (اجاره دهنده) پرداخت می شود و در قرارداد معین شده است.مراحل اولیه لیزینگ۱ - قرارداد لیزینگ بین دو طرف امضا می شود.۲ - LESSOR (اجاره دهنده)، مبلغ خرید را به تامین کننده پرداخت می کند.۳ - مورد اجاره به (اجاره کننده) تحویل داده می شود.۴ - LESSEE (اجاره کننده)، مبلغ تعیین شده را طبق قرارداد به LESSOR (اجاره دهنده) پرداخت می کند.مزایای لیزینگ۱ - نحوه پرداخت باتوجه به شرایط (اجاره کننده) ازنظر جریان نقدینگی تعیین می گردد. مبلغ اجاره به صورت ماهانه، دو ماه یک بار و یا چهار ماه یک بار قابل پرداخت است همچنین می توان این مبلغ را (در طی زمان پرداخت) اضافه و یا کم نمود.۲ - در پایـــان مدت قرارداد (اجاره کننده) می تواند مورد اجاره را به قیمت تعیین شده در قرارداد خریداری نماید، قرارداد را تجدید کند و یا مورد اجاره را UPGRADE یا افزایش دهد.۳ - علاوه بر حق استفاده از مورد اجاره خدمات دیگری نیز مانند پشتیبانی فنی، گارانتی و یا امکان تعویض مورداجاره برای استفاده از تکنولـــوژی پیشرفته تر نیز به مشتری ارائه می گردد. هزینه این گونه خدمات ممکن است به مبلغ اجاره افزوده شود و یا به صورت جداگانه محاسبه گردد.۴ - هزینه خرید مورداجاره از عرضه کنندگان ازطریق منابع مالیLESSOR و یا با مشارکت سرمـــــایه گذاران و موسسات مالی تامین می شود.۵ - بـــــرطبق قوانین هر کشور، دو طرف می توانند از مزایای مالیاتی مرتبط با لیزینگ استفاده کنند.۶ - لیزینگ

ممکن است بـا هـدف خریـد و یـا تنهـا بـا هـدف استفاده از مورد اجاره در زمـان مشخص، انجام گیرد.تاثیر لیزینگ بر صـنعت و اقتصادآقـای کاویـانی، بـا نگـاهی مثبت به تـاثیر و نقش لیـــزینـگ بر اقتصاد و صـنایع جامعه می گویـد، لیزینگ درصورتی که به روش صـحیح و بـا نرخ منـاسب سود در اختیـار همگـان قرار گیرد، امکـان بهره گیری از مواهب زنـدگی را نه در آینـده دور، بلکه درحال برای آحاد مردم فراهم می آورد. ایجاد اشتغال پایدار در واحدهای کوچک خودکفا و مردمی از مزایای بکارگیری لیزینگ در جامعه می باشـد. این امر به خودی خود باعث بلوغ و اعتماد به نفس شده و فرد را در مسیر رشد و تعالی مادی و معنوی قرار می دهد. لیزینگ در کوتاه مدت باعث ایجاد اشتغال و افزایش GNP خواهدشد. ازجمله تاثیرات لیزینگ به اختصار می توان به صـرفه جویی در مصرف سرمایه مستاجر، ایجاد منابع مالی جدید برای شرکتهای بازرگانی و صنعتی، امکان انعکاس یا عدم انعکاس معامله در ترازنامه، گردش نقدینگی بیشتر در شـرکتها، ایجاد مانعی در راه افزایش تورم و نیز مسـتاجر را از خطر تغییرات تکنولوژی و لزوم جـایگزین کردن ماشـین آلاـت قـدیمی و یـا سـایر شـرایطی کـه بـه علـت ابهـام وضـع آتی می تـوانـــد او را از نقطه نظر اقتصـادی موردتهدید قرار دهــد مصون نگه می دارد و حمایت می کند. لیزینگ همچنین امکان تنظیم بودجه مطمئن را به شـرکتها می دهد و از آنجایی که منابع مالی شـرکتهای لیزینگ ازطریق اعطای تسهیلات، صرف تامین تجهیزات موردنیاز موسسات تولیدی و صنعتی یا خـدماتی می گردد و به بیـانی منـابع پولی، صـرف امور معین می شود و معمولاًـ در بـازار سـرمایه نیز این اتفـاق یعنی انتقال مالی از دست یک ســــرمایه گذار به دست سـرمایه گذار دیگر به وفور یافت می شود. نقش پراهمیت شرکتهای لیزینگ در بهبود ساختار اقتصادی جوامع با تاثیر در افزایش رقابت میان منابع مالی ضـمن تقلیل هزینه تامین منابع مالی در سـرمایه گذاریها، مضافاً در کاهش ریسک ها یا کنترل ریسک ناشی از آن قابل تامل است. لیزینگ می تواند در افزایش اشتغال، کاهش نرخ تورم، افزایش درآمد ملی و سـرانه و کاهش نرخ بهره و افزایش سـرعت گردش پول نقش اساسـی ایفا کنـد.بطورکلی، توسعه فراینـدی بحرانی است که قطعاً خودبه خود اتفـاق نمی افتـد بلکه دخالت موثر علمی، حرفه ای و سـنجیده نهادهای دولتی و مردم را می طلبـد.چنین دخالتی ازطریق نهادها و فراینـدهای مناسب امکان پـذیر است.یکی از اصلی ترین نمادها و ابــزارهای این مهم، بانکـداری توسعه ای و سازمانهای وابسته به آن می باشـد. دلایل نیاز به بانکهای توسعه ای و سازمانهای وابسته آن ازجمله شـرکتهای لیزینگ عبارتند از: محدودیت بـازار، عوامـل خـارجی، مقیـاس اقتصـادی، تضاد در منافع اجتماعی و فردی و خطرگریزی بخش خصوصـی.در فیزیک مبحثی به نام پروکلاسـیون است که موظف به پاسخگویی به یک سوال اساسـی است، مبنی بر اینکه تحت چه شرایطی یک خاصیت فیزیکی در یـک شـبکه منتشر می شود به عنـــوان مثـال مبحث پروکلاسـیون به مـا می گویـد چه تعـداد سیم در یک کابل می توانـد به طور تصـادفی قطع باشـد ولی جریـان برقی که از یـک طرف شـبکه وارد می شود به طرف دیگر برسـد، که در این مبحث حـد آسـتانه و محاسـبه ریاضـی آن نقش اساسـی دارد. حـد آسـتانه حـداقل شـرایط لازم برای تسری یا عدم تسری یک پدیده در کل شـبکه می باشـد.اگر و فقـط اگر توسـعه یـافتگی در یـک جامعه از چنین قوانینی تبعیت کنـد ساده اندیشـی است اگر تصور کنیم می توان تنها بخشـی از جامعه را در راه توسعه انداخت و انتظار تسری آن را داشت. بنابراین توسعه نیاز به عزم ملی دارد و در این راه لیزینگ می تواند نقش ابزار پروکلاسـیون توسـعه اقتصادی را بازی می کند.لیزینگ بسته به وضعیت منطقه ای و جغرافیایی یا ملی، می تواند در ابعـاد گونـاگونی ظـاهر شـود و سازمانـدهی گردد. برای مثـال لیزینـگ خودرو در استانهای ترانزیت از قبیـل سیسـتان و بلوچسـتان، خراسـان، اصـفهان، فـارس، آذربایجـان و تهران می توانـد تحولی در امر حمل و نقل جاده ای فراهم کنـد و همچنین لیزینگ کشتی هـای صـیادی یـا لنجهـا می توانـد تحولی در امر صـیادی و کشتیرانی به وجود آورد و لیـــزینگ ماشـینهای راهسازی و جاده سازی انقلابی در امر اشـتغال و ایجاد راههای ارتباطی خواهدبود. و درکل لیزینگ در هر صنعتی که وارد شود و به صورت مطالعه شده و صحیح به اجرا درآید می تواند آن صـنعت را به مظاهر توسـعه نزدیک تر کند و صنعت لیزینگ نیز می بایستی با روشهای صحیح و باتوجه به شـرایط موجود در صنایع مختلف و آحاد جامعه وارد شود تا امکان تسری توسعه اقتصادی درکل بدنه جامعه فراهم گردد. و این نیازمند توجه بیشتر به اهمیت نقش لیزینگ به عنوان یک مدل از پروکلاسـیون توسعه اقتصادی می باشد.درباره توسعه صنعت و اقتصاد توسط لیزینگ آقای نوح پیشه، معتقد است؛ همچنان که مطرح شد لیزینگ می تواند ابزاری باشد در متعادل کردن عرضـه و تقاضا ازطریق افزایش قدرت خرید متقاضـی، لذا در صورتی که بین اعطاکنندگان تسهیلات و عرضه کنندگان کالا تعاملی برقرار شود می توان بیـان نمود که لیـزینـگ می توانـد مانع از انباشت کالا نزد عرضه کننـده و سازنـده گردد و از بروز بحرانهای ناشـی از رکود اقتصـادی جلوگیری نمایـد. البته این امر وقتی محقق می گردد که سـهم لیزینـگ در مبادلاـت اقتصادی قابل توجه باشـد. تاثیر دیگر لیزینگ آن است که از فشار مراجعه متقاضـی به سیستم بانکی جهت اخذ تسهیلات می کاهد و طیف وسیعتری از مردم که به هر دلیلی اسـتفاده از تسهیلات بانکی برای آنها مقدور نیست را در زمره استفاده کنندگان از تسهیلات قرار می دهد.باتوجه به نکات فوق می توان بیـان نمود که لیزینگ از یک سو می توانـد رافع رکود اقتصادی ازطریق فعال کردن طرف تقاضا باشـد و از این طریق زمینه های اقتصادی و مالی لازم را جهت رشد تولیدات و افزایش ظرفیت تولید کارخانجات سازنده محصولاتی را که فروش آنها از طریق لیزینگ انجام می شود فراهم نمایـد که پیامـد این امر نیز افزایش اشـتغال و کاهش نرخ بیکاری است و از سوی دیگر با فراهم نمودن امکانات مالی برای مصـرف کننده، رفاه بیشتری را نصـیب اسـتفاده کنندگان از تسهیلات می نماید.انتظار می رود که باتوجه به شـرایط اقتصـادی روبه رشـد کشور، لیزینگ نیز بتدریـج به جایگاه واقعی و مناسب خود در عرصه فعالیتهای اقتصادی نائل گردد. براساس آمار موجود درکشورهای پیشـرفته صنعتی سهم لیزینگ در حدود ۲ درصد تولید ناخالص داخلی است. این سهم در کشور مـا به کمتر از ۰/۵درصـد (نیم درصـد) بالغ می گردد. لـذا چنانچه رفع موانع موجود در سر راه توسـعه و تعمیم فرهنگ لیزینگ در کشور موردعنـایت مراجع قانونگـذاری، سیاسـتگذاری و نظـارت پولی و مالی قرار گیرد می توان امیـدوار بود که در آینـده نزدیک شاهد ایفای نقش تعیین کننده و رسالت اصـلی لیزینگ در توسـعه اقتصادی کشور باشیم.درباره تاثیر لیزینگ بر اقتصاد و صـنایع نیز آقای جدیـدبناب نظریات خود را این گونه بیان کرد، صددرصـد، اجرای لیزینگ درکشورمان بر صـنعت و اقتصاد کشور تاثیرگذار است و آن هم تـاثیر مثبت. لیزینـگ به عنوان الگویی جدیـد در تجـارت از یک طرف تامین کننـده نیازهای مالی و پولی متقاضـیان کـــالا و از طرف دیگر فراهم کننده ابزار تولید انبوه و همچنین وسایل و ابزار بخش خدمات ازجمله لوازم پزشکی، آزمایشگاهی و بیمارســتانی در اقتصـاد خردوکلاـن خواهـدبود.لیزینـگ برای متقاضـیان، مـوجب افزایش قـدرت خریـد، کـاهش فشـار نقـدینگی و برخــورداری از امکانـات آینـده در زمان حال می گردد. برای عرضه کننـدگان، موجب بازارسازی (MARKET MAKING) و تسـریع در گــردش فروش کالاـ ازطریـق بسترسـازی بـازار می شـود و نهایتـاً در اقتصـاد ملی، موجب افزایش تقاضـا، افزایش تولیـد، افزایش اشـتغال، تعـادل قیمتهـا و رونق اقتصادی می گردد.به عنوان نمونه، شـرکت جنرال موتورز با اسـتفاده از اختیار خریـد توسـط متقاضـی توانسـته است در پایان قرارداد و درصورت تمایل متقاضـی، خودرو اولی را با یک خودرو جدید و مدرن جایگزین نماید. در ضـمن در نگهـداری مشتریـان اولیه در بـازار خودروهـای دست دوم نیز تـاثیر بسـزایی بگـذارد.به اضافه اینکه، اگر در کشورمان تسـهیلات مالی دراختیار مصـرف کننده قرار گیرد و مصرف کننده حق انتخاب داشته باشد، باعث افزایش کیفیت کالای تولیدی نیز می گردد.انواع لیزینگلیزینـگ اقتصـادی، عملیـاتی، خودرو، لیزینـگ تجهیزات پزشـکی، کمـک فروش، اهرمی و برون مرزی، انواع گوناگون لیزینگ می باشـد که در ادامه این گزارش نوع عملیاتی و مالی آن را آقای آزادی بیان کرده است:۱ – لیزینگ عملیاتیتنها با هـدف استفاده از مورد اجاره تا زمانی که ازنظر لیزکننـده دارای مطلوبیت است، صورت می گیرد و لزوماً به مالکیت مورد اجاره منجر نمی شـود.مـدت قرارداد در این نوع لیزینگ از عمر اقتصـادی مورداجـاره کوتـاه تر می باشـد. قراردادهـای مربوط به لیزینگ عملیاتی قابل فسـخ شـدن از جانب اجاره کننـده است. در این نوع لیزینگ ارزش خالص فعلی، مجموع مبالغ پرداخت شـده کمتر از هزینه مورداجـاره است.در لیزینـگ عملیـاتی هزینه هـایی ماننـد تعمیرات ونگهـداری و بیمـــــه برعهـده اجاره دهنـده می باشـد که بخشـی از این هزینه هـا را می تـوان در مبلغ پرداختی توسط اجـاره کننـده منظور نمود. این نوع لیزینـگ معمولاًـ در بازارهـایی که مـراحـل توسعه را به طور کامـل پشت سر گذاشـته انـد، انجام می گیرد و لاـزم است که اجـاره دهنـده در زمینه گروه خاصـی از تجهیزات، تخصـص داشـته باشـند.لیزینـگ عملیـاتی به طور گسترده درمورد تجهیزاتی که در معرض تغییرات سـریع تکنولوژی قرار دارنـد، ازجمله زیردریـایی، هواپیمـا و ماشـین آلاتی که عمر اقتصادی طولانی دارنـد، انجام می گیرد.لیزینگ مالیاز لیزینگ مالی به

عنوان لیزینگ سرمایه ای (CAPITAL LEASING) هم یاد می شود. در لیزینگ مالی مورداجاره در انتهای مدت قرارداد توسط اجاره کننده خریداری می شود.برخلاف لیزینگ عملیاتی، مدت قراردادها در این نوع لیزینگ برابر با عمر اقتصادی مورداجاره است و قرارداد معمولاً قابل فسخ نمی باشد.در لیزینگ مالی اجاره کننده، مواردی مانند: نوع، مدل و سایر ویژگیهای مورداجاره را تعیین می کند و همچنین درمورد مسائلی چون قیمت، زمان و نحوه پرداخت با تامین کنندگان، مذاکره می کنند.در این نوع لیزینگ، هزینه های مربوط به تعمیرات و نگهداری و بیمه توسط اجاره کننده پرداخت می شود. در لیزینگ مالی، ارزش خالص فعلی مجموع مبالغ پرداخت شده بیشتر از هزینه مورداجاره می باشد. ازسوی دیگر ارزش باقی مانده مورداجاره، که پیش بینی شده است تا در انتهای مدت قرارداد توسط اجاره کننده پرداخت شود، مبلغی نمادین است.دلایل ورود لیزینگ به ایرانمعمولاً هر پدیده براساس نیازها و چارچوبهایی در جامعه شکل می گیرد و یا به سایر جوامع وارد می شود. ما نیز از لیزینگ براساس نیازهایی که ناشی از تغییرات جدید در اقتصاد کشور بوده است، استقبال کرده و چند سالی است آن را مورد استفاده قرار می دهیم. آقای کاویانی در این باره چنین می گوید: نتایج حاصل از مطالعات و بررسی های انجام شده از نیازهای اقتصادی کشور به گونه ای است که توجه کارشناسان و صاحبنظران را به سایر پتانسیل های موجود در اقتصاد جهانی، به منظور دسترسی به منابع جدید، بیش از پیش معطوف نموده است، ازجمله توجه به کاربری روشهای لیزینگ در بخش فروش کارخانجات و موسسات بزرگ صنعتی، تجاری، با هدف افزایش توانایی خرید مصرف کنندگان و تهیه منابع مالی جدید برای موسسات صنعتی به جهت افزایش بهره وری و استمرار جریان تولید، کاهش قیمت تمام شده محصولات و ارتقای کیفیت به نحوی که شرایط لازم را برای رقابت و جذب سهم های جدید از بازار جهانی، برای آن عملی باشد. این شاید یکی از مطلوبترین روشها در متاثر نمودن سایر متغیرهای اقتصادی باشد.وضعیت لیزینگ در ایرانلیزینگ در ایران، مقارن با اشاعه آن در اقتصاد کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین، در اواسط دهه (۱۹۷۰) پدیدار شد. به این ترتیب سال (۱۹۷۵) را باید سال آغاز فعالیت لیزینگ در ایران دانست.این مطلب توسط آقای کاووسی بیان شد. به گفته ایشان، فرانسویان اولین پایه گذاران این صنعت در ایران بوده اند. به این گونه که برادران آیسه که در قالب شرکت سیتروئن به تولید محصولات آن شرکت در ایران و دادوستد با فرانسویان مشغول بودند، با مشارکت موسسه (SOCIETE GENERALE) فرانسه، بانک اعتبارات ایران وقت و بعضی سرمایه داران خصوصی، اولین سنگ بنای لیزینگ را با تاسیس شرکت لیزینگ ایران در ۱۹۷۵/۷/۱۳ پایه گذاری نمودند. دو سال بعد دومین شرکت نیز باز با مشارکت فرانسویان و چند بانک داخلی، به نام شرکت آریا لیزینگ که درحال حاضر لیزینگ صنعت و معدن نامیده می شود راه اندازی شد.محدودشدن عملیات لیزینگ به وجود تنها دو شرکت فوق و عدم امکان گسترش و رونق آن، به رغم مشروعیت یافتن در قانون عملیات بانکی بدون ربا (تحت عنوان اجاره به شرط تملیک) تا سال (۱۳۷۳) ادامه داشت. در این سال اولین هسته تشکیلاتی خصوصی لیزینگ که در اواخر سال (۱۳۷۰) تاسیس شده بود، وارد چرخه فعالیت شد ولی هنوز هم لیزینگ طبعاً نتوانسته بود که جایگاه واقعی خود را در بازار تشکیل سرمایه و عرصه تولید محصولات صنعتی بیابد و دربرابر وجود شرایط انبساطی در اقتصاد کشور بعداز جنگ تحمیلی و هدف گذاری های استراتژیک دولت و ارکان سیاست گذاری های اقتصادی در برنامه های عمرانی برای تحکیم جایگاه بخش غیردولتی و کاهش نقش تصدی گری دولت که زمینه های لازم را برای افزایش نقش سرمایه گذاری های خصوصی فراهم آورد، سهم صنعت لیزینگ در اقتصاد کشور بسیار ناچیز بود. جهش شدید و تحول محسوس و یکباره در این مقوله، پس از ۲۵ سال سکوت، انزوا و محدودیت از نیمه دوم سال (۱۳۷۹) اتفاق افتاد و شرکتهای لیزینگ یکی پس از دیگران وارد بازار شدند. شرکتهای خودروسازی و تعدادی از صاحبان صنایع و افراد مطلع و باتجربه از پیشگامان این تحول بودند. رشد کمّی (و نه کیفی) لیزینگ در سالهای ۸۲ – ۱۳۸۰ تداوم یافت به طوری که در پایان سال (۱۳۸۲) تعداد شرکتها به ۶۳ فقره و جمع سرمایه گذاری در تاسیس آنها به حدود ۶۰۰ میلیارد ریال رسید.جالب توجه آنکه روند تاسیس این شرکتها در سال جاری نیز کماکان حفظ گردیده و تاسیس ۲۴ شرکت فقط در پنج ماهه اول سال جاری مجموع تعداد شرکتها را در کشور به ۸۷ شرکت و جمع سرمایه ثبتی آنها را به حدود ۶۵۰ میلیارد ریال بالغ گردانید. بدیهی است درصورت ادامه این وضع، در آینده ای نه چندان دور شاهد تاسیس صدها شرکت لیزینگ خواهیم بود.لیزینگ ها در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان به عنوان موسسات اعتباری تخصصی غیربانکی شناخته شده و تحت نظر مستقیم بانک مرکزی کشورها فعالیت می نمایند. بنابراین ارتباط سیستم بانکی، به مثابه اصلی ترین منبع تامین اعتبار شرکتهای لیزینگ، با این شرکتها، ازطریق نظارت تعریف شده بانک مرکزی و اعمال سیاستهای حمایتی آن بانک برقرار می گردد.در کشور ما ضوابط و مقررات لیزینگ برون مرزی (CROSS-BORDER) وجود ندارد. این روش یکی از مکانیزمهای بسیار موثر در ورود سرمایه و تکنولوژی از خارج به داخل کشور است. بکارگیری این روش خود مستلزم تدوین ضوابط و مقررات خاص حقوقی، بانکی، پولی و مالی، گمرکی، مالیاتی و اعمال سیاستهای تشویقی و حمایتی است. توفیق در اجرای این عملیات یکی از شاخصه های اصلی رونق و امنیت اقتصادی در هر کشوری محسوب می گردد.وجود نرخهای گوناگون بهره در بازار، بالابودن هزینه تمام شده پول برای شرکتهای لیزینگ مستقل و حمایتهای نابرابر سیستم بانکی از شرکتهای لیزینگ وابسته و یا متعلق به آنها، امکان رقابت سالم را دراین صنعت از بین برده و موجودیت شرکتهای مذکور را باتوجه به اتکا شدید اینگونه شرکتها به اعتبارات سیستم بانکی با مخاطرات جدی روبرو می نماید.شرکتها طبعاً در سطوح متوازن نرخ بهره قادر به رقابت خواهندبود.قراردادهای اجاره شرکتهای لیزینگ باید ازنظر قانونی در مراجع ذیصلاح از حمایت و ضمانت اجرایی لازم برخوردار باشند. استحکام قراردادها و امکان بازیافت سریع مطالبات و استرداد مورداجاره، موجبات کاهش هرچه بیشتر ریسک سرمایه گذاری شرکتهای لیزینگ را مهیا و طبعاً خدمات رسانی آنها را برای جامعه پویاتر و مطلوبتر خواهدساخت. شایان ذکر است که لیزینگ فقط برای خودرو نیست و باید به تمام بخشهای صنعتی تسرّی یابد.اجرای مناسب لیزینگ در ایران، بررسی مشکلاتبی شک اجرای درست و صحیح هر پدیده در هر جامعه مستلزم وجود شرایط مناسب و فرهنگ نزدیک به آن پدیده است. اگرچه نه صددرصد، اما درهرحال باید شیوه های اجرایی پدیده لیزینگ نیز با فرهنگ اجتماعی و اقتصادی جامعه ما، تطابق لازم را داشته باشد در غیر این صورت مانند سایر پدیده هایی که خواسته و ناخواسته وارد جامعه ما شده اند و به بیراهه رفته اند، این نیز به مسیرهای دیگری کشانده خواهدشد.آقای جدید بناب نیز در این باره می گوید: اولاً، شرکتهای لیزینگ با مشکل تامین منابع مالی مواجه هستند. براساس مقررات حاکم بر بانکداری، در تقسیم منابع، تسهیلات بانکی، بیشتر به طرف تولید سوق داده می شود و کمتر بخش خدمات را دربرمی گیرد و نرخ تسهیلات این بخش نیز نسبت به بخشهای دیگر بالاتر است.ثانیاً، باتوجه به نظرات و مقررات بانک مرکزی، امکان تامین منابع ارزان قیمت از خارج از کشور نیز مشکل می باشد. برای ارائه محصولات لیزینگ با روشهای جدید، نیاز به تامین منابع مالی ارزان قیمت است که فعلاً باتوجه به نرخ سود بانکی و... در داخل کشور، امکان ارائه وجود ندارد ولی اجباراً باتوجه به بازشدن مرزها و پیوستن به WTO (سازمان تجارت جهانی) و... ارائه روشهای نوین و محصولات مالی جدید لیزینگ اجتناب ناپذیر خواهدبود.آقای کاویانی نیزاز زوایای دیگر این مساله را موردبررسی قرار می دهد ایشان معتقدند: چنانچه دغدغه های عظیم اقتصادی از قبیل: بیکاری، تورم، سطح نازل پس انداز و سرمایه گذاری، کاهش قیمت نفت، کاهش بهره وری بخش خصوصی طی دو دهه اخیر، ضعف در کارآفرینی، توسعه نیافتگی بخش خصوصی، گستردگی حوزه تصدی دولت و عقب ماندگی فنی و تکنولوژیک را در مقابل روندهای اقتصاد جهانی، نظیر رشد مستمر اقتصادهای توسعه یافته و درحال توسعه، جهانی شدن، انقلاب انفورماتیک و ورود به عصر فراصنعتی بگذاریم شاید بتوان نتیجه گرفت که یکی از دلایل مهم وضعیت اقتصادی موجود، سهل انگاری در بهره گیری از نمادهای توسعه ای ازجمله لیزینگ بوده است. با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و تطبیق عملیات لیزینگ با عقد اجاره به شرط تملیک و به جهت محدودیتهای موجود، شرایط لازم جهت بهره گیری جامعه از مزایای لیزینگ به نحو مناسب حاصل نشده است. از آنجایی که اجرای عقد اجاره به شرط تملیک کلاً برعهده سیستم بانکی بود لذا حجم عملیات سپرده بانکها، ضعف تخصص لیزینگ، بوروکراسی موجود، عدم شناخت بازار، عوامل تاثیرگذار درعدم موفقیت اعمال روش لیزینگ (اجاره به شرط تملیک) توسط بانکها انجام گردید.لذا در شرایط فعلی باتوجه به سیاستهای اقتصادی دولت در راستای کاهش هزینه ها و کوچک نمودن پیکره موسسات اقتصادی وابسته به دولت، به منظور افزایش

نقش بخش خصوصی در اقتصاد پیش بینی می شود که در کمترین زمان ممکن صنعت لیزینگ در کنار بانکها که بهترین مراجع تامین کننده منابع مالی جهت تحقق اهداف توسعه اقتصادی می باشند، به پویایی رسیده و با ایجاد هسته های تشکیلاتی جدید لیزینگ توسط بانکها، شرایط رقابتی مطلوب ایجاد شود.توجه شرکتهای لیزینگ به تخصص، طراحی روشهای مختلف اعطای تسهیلات و افزایش سرعت عمل، کاهش هزینه های اداری و تشکیلاتی، انجام عملیات بازاریابی، انعطاف پذیری باتوجه به شرایط مصرف کنندگان، عدم محدودیت در تخصیص تسهیلات، کنترل به موقع مصرف اعتبارات، برخی عواملی هستند که آنها را برای بانکها جذاب می کنند.با گسترش بانکداری خصوصی و فراهم شدن امکان مناسب برای جذب سرمایه گذاری های خصوصی مطمئناً شرایط مناسبی برای فعالیت لیزینگ ایجاد خواهدشد.بررسی مشکلات و تنگناهای اجرای لیزینگ در ایران از زبان آقای نوح پیشه، وی اعتقاد دارد؛ بخشی از مشکلات و تنگناهای موجود در رابطه با لیزینگ در ایران منشا فرهنگی دارد و بخش دیگر منشا اقتصادی، عدم آشنایی مردم با لیزینگ و ضعف موجود در نحوه استفاده از آن یکی از موانع موجود در رشد و توسعه فعالیت لیزینگ است.لیزینگ درعین حالی که می تواند قدرت خرید مصرف کننده را افزایش دهد می تواند منابع مالی دردسترس آن دسته از مصرف کنندگان را نیز که امکان بهره برداری مناسب تر و یا بازده بیشتر از نرخ قابل پرداخت تسهیلات لیزینگ را دارند جهت دهی کند و به سمت فعالیتهای پربازده تر سوق دهد. لذا نباید لیزینگ را صرفاً در رابطه با افرادی تلقی کرد که فاقد امکانات مالی موردنیاز جهت خرید خود می باشند بلکه افراد واجد امکانات مالی که می توانند از سرمایه خود استفاده مطلوبتری نسبت به تخصیص آن برای خرید کالای موردنظر خود نمایند را نیز شامل می شود که این امر درحال حاضر تا حدودی از نظر دور مانده است. منشا اقتصادی مشکلات موجود در راه فعالیت موسسات و شرکتهای لیزینگ تامین منابع موردنیاز آنها از یک سو و نرخهای سود تسهیلات ازسوی بانکها است که مردم نسبت به آن تصور درستی ندارند.معمولاً درهمه جای دنیا نرخهایی که ازطریق لیزینگ اعمال می شود، درصدی بیشتر از نرخهای اعطای تسهیلات توسط بانکهاست و این امر نیز به دلیل ریسک بیشتر ناشی از حذف برخی الزامات و مقررات بوروکراتیک است که باعث اعطای اینگونه از تسهیلات می شود.مراجعه کنندگان به موسسات لیزینگ افرادی هستند که از سقف تسهیلات قابل استفاده بانکها بهره مند شده اند و یا به هر دلیلی بانکها از اعطای تسهیلات به آنها خودداری نموده اند، اما اگر بخواهیم نرخهای قابل اعمال در موسسات لیزینگ را با نرخ پول در بازار موردمقایسه قرار دهیم به تفاوت عمده موجود در نرخهای لیزینگ در مقایسه با نرخهای مذکور پی می بریم.نکته دیگری که درخصوص مشکلات صنعت لیزینگ در کشور قابل ذکر است، تعریف و تبیین جایگاه این فعالیت در عرصه قوانین جاری است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا و حتی کشورهای جهان سوم نظیر پاکستان، ترکیه و... لیزینگ از طریق وضع قوانین به عنوان یک فعالیت اقتصادی کاملاً تعریف شده، با همه سازوکارهای مرتبط با آن نظیر مسائل حقوقی، انتظامی و... نیز هماهنگ می باشند. هرچند که در قوانین جاری خصوصاً قانون مدنی و مبانی فقه اسلامی عقد اجاره و اجاره به شرط تملیک بیان شده است، اما نوع فعالیت خاص لیزینگ فاقد تعریف و جایگاه مشخص قانونی است. علاوه بر آن باتوجه به اینکه لیزینگ نوعی فعالیت سرمایه گذاری و پولی و مالی است باتوجه به عدم تصویب قوانین مرتبط با بازار سرمایه و پول تاکنون، مختصات اینگونه فعالیتها و مرجع نظارتی بر عملکرد موسسات لیزینگ و شرایط ایجاد و تشکیل اینگونه موسسات موردتوجه قانونگذار قرار نگرفته است. لذا شاهد آن هستیم که افراد و موسساتی که هیچگونه آشنایی و تخصصی با اینگونه فعالیتها ندارند با عنوان لیزینگ اقدام به درج آگهی در جراید و خریدوفروش کالاهای سرمایه ای نموده که می تواند آثار مخرب اقتصادی و اجتماعی ایجاد کنند.انجمن شرکتهای لیزینگ ایران در سال ۱۳۸۱ با هدف ساماندهی فعالیتهای لیزینگ در کشور و قانونمند کردن آن، توسعه و تعمیم فرهنگ لیزینگ، استانداردسازی روشهای عملیاتی و بسط و گسترش این صنعت در کشور تاسیس گردید که امیدواریم نتایج تلاشهای آن با همکاری و مساعدت مراجع قانونگذاری و نظارتی پولی و مالی (نظیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شورای اقتصاد، و...) هرچه زودتر به ثمر نشیند.خاطرنشان می سازد که یکی دیگر از موانع موجود در سر راه تحقق مطلوب این فعالیت در کشور، عدم اشاعه کافی فرهنگ لیزینگ در جامعه است.باتوجه به اینکه برخی شرکتها و موسسات لیزینگ فعالیت عمده خود را بر لیزینگ انواع خودروهای سواری متمرکز نموده اند لذا عمدتاً این تصور در جامعه رواج یافته که لیزینگ صرفاً وسیله ای جهت تامین خودرو می باشد.درحالی که نقش عمده تر لیزینگ در اقتصاد فراهم سازی امکانات تامین ابزار کار برای متقاضیان است که بویژه در بخشهای مختلف اقتصادی نظیر کشاورزی، صنعت و معدن، عمران و مسکن، پزشکی و بهداشت و درمان و حمل و نقل بسیار کارگشا بوده و می تواند به عنوان یکی از ابزارهای توسعه اقتصادی نقش عمده ایفا نماید. تامین ماشین آلات کشاورزی و تجهیزات کشت و صنعت مکانیزه، ماشین آلات صنعتی و تجهیزات سنگین معدنی و ساختمانی (انواع لودر، بلدوزر، گریدر و...)، تجهیزات پزشکی (یونیتهای دندانپزشکی، رادیولوژی، سونوگرافی و...)، انبوه سازی مسکن، خودروهای کار (حمل و نقل جاده ای، ریلی، هوایی و شناورهای دریایی و...) ازجمله کالاهای سرمایه است که در کشورهای جهان عمدتاً از طریق لیزینگ به متقاضیان عرضه می گردد.نتیجه گیریهدف از این گزارش به دست دادن شمایی از وضعیت حال حاضر لیزینگ در ایران است به همین دلیل آقای کاووسی در بخش نتیجه گیری، می افزاید، رشد شدید و بی رویه لیزینگ درسه سال گذشته، باتوجه به فقدان فرهنگ سازی های لازم و ضوابط راهگشا و تسهیل کننده که بتواند مسیر فعالیت این شرکتها را با هدف بهره مندی عادلانه و منطقی صنایع مختلف و مهمتر از آن، اقشار جامعه به عنوان مصرف کنندگان نهایی از مزایای آن هموار سازد، موجد مشکلاتی در آینده خواهدگردید و از اثرگذاری درست این ابزار نوین و پیشرفته اعتباری در ساختار اقتصادی کشور، خواهدکاست. بنابراین ملاحظات، علاوه بر تامین شرایط مالی لازم و عادلانه برای تداوم فعالیت شفاف و بهینه شرکتهای لیزینگ، موضوع اعمال حمایتهای قانونی و تدوین سیاستهای مناسب پولی و مالی به منظور تشویق و پشتیبانی از موسسات و شرکتهایی که در بخش لیزینگ به فعالیت می پردازند، از اهمیت درخور ویژه ای بهره مند است. مضافاً برای فراهم شدن شرایط مطلوب، مشخص شدن متولی و ارگان ناظر و هماهنگ کننده برای هموارسازی موانع و تسهیل مسیر فعالیت این شرکتها، لازم و غیرقابل اجتناب به نظر می رسد. توجه به مسائل و معضلات اقتصادی و اجتماعی شرکتهای لیزینگ ازسوی دولت و ارگانهای مسئول و سیاست گذار پولی و مالی، نه تنها موجب تشویق و ترغیب موسسات سرمایه گذاری و اشخاص برای ورود به عرصه لیزینگ می گردد، بلکه بدون شک این امر با توسعه فرهنگ و گستره لیزینگ و افزایش حجم فعالیت در این صنعت، اثرات اجتناب ناپذیر و موثری در تحقق اهداف و برنامه های توسعه اقتصادی دولت، در چارچوب برنامه های عمرانی کشور به جای خواهد گذارد.منبع: استفاده از وب سایت اینترنت در بخشهایی از گزارش*تدبیر

روش های پیشگیری از اتلاف پول

محمد لشکری-استادیاردانشگاه پیام نور

چکیده: پول در فعالیتهای اقتصادی نقش مهمی بازی میکند. پول مانند هر کالایی دو طرف عرضه و تقاضا دارد. عرضه پول توسط مقامات پولی کشور صورت میگیرد. چنانچه عرضه پول بیشتر از حجم کالاها و خدمات تولید شده باشد مشکلات اقتصادی از جمله تورم در جامعه افزایش میابد. تقاضای پول توسط عوامل اقتصادی با سه انگیزه معاملاتی، احتیاطی و سوداگری صورت میگیرد. اگر تقاضای پول بیش از میزان عرضه آن باشد نرخ بهره افزایش میابد. افزایش نرخ بهره با شرط ثابت بودن سایر عوامل موجب کاهش سرمایه گذاری و نهایتاً کاهش تولید می شود.مقاله حاضر تلاش میکند راههایی را برای پیشگیری از اتلاف پول در هر دو طرف عرضه و تقاضا پیشنهاد نماید. یکی از راههایی که میتواند مانع اتلاف پول گردد ارائه پول الکترونیکی است. پول الکترونیکی نیاز به جابجایی پول کاغذی، محافظت از آن و هزینههای دریافت و پرداخت را کاهش می دهد.واژه های کلیدی: پول، عرضه پول، تقاضای پول، پول الکترونیکی، اتلافمقدمه علت پیدایش علم اقتصاد را محدودیت امکانات دردسترس بشر و نامحدود بودن نیازها و خواسته های بشر ذکر میکنند. علم اقتصاد نیازها را اولویت بندی میکند و امکانات محدود را طوری تخصیص می دهد تا حداکثر نیازها با قید محدودیت امکانات برآورده شود. یکی از منابع محدود پول است. پول هم در سطح خرد برای خانوارها و بنگاهها و

هم در سطح کلان برای دولت و نهادهای ملّی محدود است. در مقاله حاضر از پول به عنوان یکی از عوامل اقتصادی استفاده می شود. یکی از مهمترین دلایل اتلاف پول در سطح خرد و کلان عدم اطمینان از وقایع آتی است. مقاله حاضر به صورت زیر سازماندهی شده است. در بخش دوم تعریف مفاهیم و اصطلاحات ارائه می شود. در بخش سوم وظایف پول مورد بررسی قرار میگیرد. بخش چهارم عرضه پول تبیین می شود. در بخش پنجم تقاضای پول ارائه می شود. در بخش ششم به اتلاف پول و روشهای پیشگیری از آن در سطح خرد اشاره می شود. بخش هفتم به اتلاف پول و روشهای پیشگیری از آن در سطح کلان می پردازد. بخش هشتم به نتیجه گیری نهایی مربوط میشود.تعریف مفاهیم و اصطلاحاتاصطلاحات و واژههای تخصصی که در این مقاله مورد استفاده قرار میگیرد صرفاً به مفهوم زیر است: ۱- پول: منظور از پول عبارت از هر چیزی است که وسیله مبادله و یا معیاری برای سنجش ارزش بوده و علاوه برآن از نقدینگی زیادی نیز برخوردار باشد.(مجتهد،۱۳۸۰) . ۲- حجم پول: مجموع اسکناسها، مسکوکات و مانده حسابهای جاری بخش خصوصی نزد بانکها حجم پول درگردش را تشکیل میدهند و در اقتصاد با ۱Mنشان داده میشود. ۳- حجم نقدینگی : حجم پول درگردش به اضافه شبه پول(مانده حسابهای مدتدار بخش خصوصی نزد بانکها) که با ۲M نشان داده میشود. ۴- اتلاف پول : استفاده ناصحیح از منابع پولی در دسترس. ۵- سرعت گردش پول: نرخ گردش پول یا تعداد دفعاتی که در فاصله زمانی معین یک واحد پول برای مبادله کالا مورد استفاده قرار میگیرد.(تقوی،۱۳۸۱) ۶- بهره : هزینه وام یا قیمتی که بابت اجاره پول پرداخت میشود بهره نامیده میشود. (میشکین، ۱۳۷۸) ۷- پایه پولی : مجموع اسکناسها و مسکوکات نگه داری شده به سویله مردم به علاوه ذایر بانکها پایه پولی نامیده میشود. (تقوی،۱۳۸۱)وظایف پول پول همانند هر کالای اقتصادی دیگر به دو عامل زمان و مکان بستگی دارد. در حال حاضر پول معنای وسیعی دارد و شامل اسکناسها، مسکوکات، مانده حسابهای جاری بخش خصوصی نزد بانکها، چکهای مسافرتی، کارتهای اعتباری و پول الکترونیکی میشود. پول در هریک از شکلهای آن سه وظیفه مهم را برعهده دارد : ۱- وظیفه مبادلاتی : پول به عنوان وسیله مبادله عمل میکند. خانوارها و بنگاههای تولیدی کالاها و خدمات تولیدی خود را می فروشند و در مقابل آن پول دریافت میکنند و سپس کالاها و خدمات مورد نیاز خود را با پول خریداری میکنند. ۲- وظیفه ذخیره ارزش : پول نقش وسیله ذخیره ارزش را بازی میکند ، افراد میتوانند مقداری از پول خود را برای خرید کالاها و خدمات در آینده پس انداز کنند. ۳- واحدحساب : قیمتها بر حسب پول سنجیده میشوند علاوه برآن بدهیها برحسب پول سنجیده میشوند.عرضه پولتقوی (۱۳۸۱)عرضه پول را شامل آن گروه از داراییهای مالی می داند که سه وظیفه فوق را انجام می دهند. عرضه پول به وسیله مقامات پولی صورت میگیرد. ولی نهادهای مالی و مردم نیز نقش بالقوهای در تعیین عرضه پول دارند. توتونچیان(۱۳۷۵) عرضه پول را ترکیبی از مجموع مقادیر اسکناس و مسکوک در گردش به علاوه حجم سپرده های دیداری مردم نزد بانکها ذکر می کند. افزایش در عرضه پول را سیاست پولی انبساطی و کاهش آن را سیاست پولی انقباضی میگویند. مقامات پولی برای اتخاذ سیاستهای پولی از ابزارهای ذخیره قانونی، نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز استفاده میکنند. افزایش در عرضه پول بدون توجه به حجم تولیدات جامعه آثار تورمی دارد. لذا توصیه میشود که دولت ترکیبی از سیاست مالی و پولی را به طور همزمان اتخاذ نماید تا از آثار تورمی آن جلوگیری کند.عوامل مؤثر بر عرضه پولعرضه پول تحت تأثیر ضریب افزایش پول و پایه پولی قرار می گیرد پایه پولی خود از دو جزء اسکناسها و مسکوکات مردم و ذخایر بانکها تشکیل شده است بنابراین عرضه پول به طور کامل در اختیار بانک مرکزی نیست. تقاضا برای پولدر موردتقاضا برای پول نظریه های زیادی وجود دارد در این بخش به دو نظریه مهم تقاضای پول اشاره میکنیم ابتدا به نظریه اقتصاددانان کلاسیک در مورد تقاضای پول می پردازیم و سپس نظریه کینز در مورد تقاضای پول را بررسی میکنیم.نظریه تقاضای پول کلاسیکها کلاسیکها اعتقاد داشتند که حجم پول تقاضای کل و در نتیجه سطح عمومی قیمتها را تعیین می کند.(تقوی،۱۳۸۱) نظریه تقاضای پول کلاسیکها به نظریه مقداری پول موسوم است کلاسیکها فرض میکنند سرعت گردش پول و حجم مبادلات در یک دوره ثابت است زیرا سرعت گردش پول تابع تکنولوژی پرداخت و عادات مصرفی مردم است که این دو در کوتاه مدت تغییر نمی کنند. حجم مبادلات نیز به تولید بستگی دارد که تولید نیز در کوتاه مدت ثابت است. بنابراین هرگونه تغییر در حجم پول در گردش منتهی به تغییر در سطح عمومی قیمتها در همان جهت و به همان نسبت می شود لذا پول خنثی است و تغییر آن متغیرهای حقیقی مثل اشتغال و تولید را تحت تأثیر قرار نمی دهد و فقط موجب تغییر در نرخهای تورم می شود.نظریه تقاضای پول کینزی کینز تقاضا برای پول را به سه انگیزه مرتبط میکند و معتقد است افراد به سه دلیل پول نزد خود نگه می دارند در زیر به بررسی آن سه انگیزه می پردازیم: ۱- انگیزه معاملاتی : چون زمان دریافتها و پرداختها متفاوت است افراد مقداری پول برای انجام معاملات خود نگه میدارند این انگیزه تابع مستقیمی از سطح درآمد است. ۲- انگیزه احتیاطی : برای مقابله با هزینههای پیشبینی نشده و حوادث غیرمترقبه افراد مقداری پول نزد خود نگه میدارند این انگیزه به درجه نااطمینانی اقتصاد و درجه احتیاط افراد بستگی دارد و از نظر کینز مهمترین متغیری که آن را تحت تأثیر قرار میدهد درآمد است. این انگیزه نیز تابع مستقیمی از سطح درآمد است. ۳- انگیزه سوداگری : افراد علاوه بر پولی که برای انجام معاملات و احتیاط نزد خود نگه می دارند مقداری هم پول برای سوداگری نگه می دارند تا با انجام معاملات(خرید و فروش کالاها) سود کسب نمایند. به نظر کینز این انگیزه با نرخ بهره رابطه معکوس دارد. زیرا اگر نرخ بهره بالا باشد افراد پول خود را پس انداز میکنند ولی اگر نرخ بهره پایین باشد ترجیح میدهند مقداری پول برای استفاده از فرصتهای بازار نگه دارند تا سود کسب کنند.اتلاف پول و روشهای پیشگیری از آن در سطح خرداتلاف پول در سطح خرد خانوارها از منابع مختلف مثل دستمزد ، بهره مالکانه، اجاره و سود کسب درآمد می کنند، درآمد هر خانوارها محدود است و نیازهای خانوارها معمولاً متناسب با درآمد آنها نیست. بنابراین باید برای برطرف کردن نیازهای خود علاوه بر درآمد جاری از پس انداز گذشته که به ثروت تبدیل شده استفاده کند یا قرض بگیرد، ثروت افراد محدود است، اعتبار افراد برای استقراض نیز محدود است. بنگاههای کوچک اقتصادی نیز منابع محدودی دارند و برای تأمین مالی خود وام می گیرند اعتبار بنگاهها برای استقراض نیز محدود است.علل اتلاف پول در سطح خرد اتلاف پول در سطح خرد دلایل درونزا و قابل کنترل توسط افراد و بنگاهها و دلایل برونزا و غیر قابل کنترل دارد. دلایل برونزا مربوط به جامعه میشود که در بخش بعد به آن می پردازیم. اما دلایل درونزا عباتند از: ۱- نداشتن برنامهریزی دقیق، ۲- عدم تطبیق نیازها و منابع پولی، ۳- اتلاف سایر منابع که با پول تهیه می شود.روشهای پیشگیری از اتلاف پول در سطح خرد چون متغیرهای برونزا بر اتلاف پول افراد مؤثرند برای پیشگیری در اتلاف پول افراد در زندگی شخصی یا اجتماعی، هم جامعه باید برنامهریزی نماید هم خود افراد سعی کنند پول خود را تلف نکنند. در این بخش به چند روش پیشگیری از اتلاف پول در سطح خرد که توسط خود افراد   امکانپذیر است اشاره میکنیم در بخش بعدی به روشهای پیشگیری از اتلاف پول در سطح کلان اشاره میکنیم که میتواند پول افراد و جامعه را در سطح وسیعی ذخیره نماید.برای جلوگیری از اتلاف پول پیشنهاد می شود : ۱- افراد و بنگاهها نیازهای خود را اولویت بندی کنند ، جمع منابع پولی خود را محاسبه کنند و با توجه به نیازهای موجود منابع پولی خود را طوری اختصاص دهند تا ابتدا نیازهای ضروری آنها بر طرف شود و برای نیازهای غیر ضروری برنامه ریزی کنند و با کاهش مصرف و افزایش پس انداز آنها را در دوره بعدی برآورده نمایند. ۲- خانوارها و نظام آموزشی از سنین اولیه استفاده صحیح از منابع در دسترس از جمله پول را به کودکان آموزش دهند. برای این کار لازم است از سنین پایین به کودکان پول توجیبی بدهیم تا بعضی از نیازهای کوچک خود را برآورده سازند و از ابتدای کودکی با کمبود منابع و زیاد بودن نیازها مواجه شوند. همچنین آنها را با مفهوم پس انداز آشنا نماییم و برای آنها حساب پس انداز افتتاح نماییم.اتلاف پول و روشهای پیشگیری از آن در سطح کلاناتلاف پول در سطح کلان اتلاف پول افراد در زندگی اجتماعی ناشی از متغیرهای درونزا و برونزا است متغیرهای درونزا فردی است و در سطح خرد بررسی شد متغیرهای برونزا برای فرد در سطح کلان درونزا است و جامعه بر آنان کنترل دارد و می تواند از اتلاف پول جلوگیری نماید یا لااقل آن را کاهش دهد. اتلاف پولی را که مسؤولان کشور چه در برنامه ریزی چه در اجرا موجب آن می شوند اتلاف پول در سطح کلان می نامیم نمونه هایی از اتلاف پول در سطح کلان عبارت است از: ۱- تشریفات زاید در افتتاح پروژههای عمرانی ۲- برگزاری مراسم افطاری و ضیافتهای شام و ناهار به صورت اسراف آمیز ۳- کندی انجام امور اداری و اتلاف منابع متعدد از جمله منابع پولی افرادعلل اتلاف پول در سطح کلان اتلاف پول درسطح کلان علل مختلفی دارد که برخی از

آنها ساختاری است و ریشه تاریخی- فرهنگی دارد و در عرف جامعه ما نهادینه شده است. برخی از آنها ناشی از شیوه اداره کشور است. دراین بخش بدون تفکیک آنها به علل اتلاف پول در سطح کلان اشاره می کنیم. ۱- عدم شفافیت بازارهای کالا، خدمات، ارز، سرمایه، کار و پول موجب اتلاف پول می شود. ۲- نامشخص بودن بسیاری از برنامه های دولت از جمله نامشخص بودن اینکه اتومبیل خارجی وارد خواهد شد یا نه؟ سربازی خریداری می شود یا نه؟ پاداش پایان خدمت پرداخت خواهد شد یا نه ؟ و بسیار بلی یا خیر دیگر. ۳- بالا- بردن قیمت بسیاری از خدمات دولت به صورت خودسرانه توسط مؤسسات دولتی خارج از ضوابط و قوانین مصوب ۴- کارایی نسبتاً پایین سیستم بانکی در دریافت و پرداختها ۵- عدم تعهد کارخانه های سازنده لوازم خانگی و ماشین آلات به خدمات پس از فروش ۶- عدم تعهد شرکتهای بیمه انجام تعدات قانونی خود در حدی که قانون مشخص نموده است.روشهای پیشگیری از اتلاف پول در سطح کلان پیشگیری از اتلاف پول در سطح کلان نیاز به برنامه ریزی و نظارت دقیق دارد به این منظور پیشنهادات سیاستی زیر ارائه می شود: ۱- گسترش استفاده از کارتهای اعتباری؛ این امر نرخ بهره را کاهش میدهد و تقاضای سرمایه گذاری را افزایش میدهد. ۲- استفاده از پول الکترونیکی؛ که موجب کاهش هزینههای مبادله و عدم جابجایی پول کاغذی و صرفه جویی در وقت و محاسبات بانکی می شود. ۳- تثبیت دستمزدها و قیمتها؛ که نیاز روانی استفاده از پول بیشتر را کاهش میدهد بنابراین تقاضای پول را کاهش میدهد. ۴- ایجاد فرصتهای متنوع پس انداز و سرمایه گذاری؛ که موجب میشود پولهای سرگردان در بخشهای اقتصادی به گردش درآید و از اتلاف آنها جلوگیری شود. ۵- تسهیل در امر تولید؛ که موجب پیشگیری از اتلاف منابع پولی می شود. ۶- تسهیل در اموری مانند ثبت نام کنکور، دریافت کوپن، پرداخت قبوض آب ، برق، تلفن ، گاز و موارد مشابه آن تا حد زیادی منابع پولی را ذخیره می نماید.نتیجه گیری پول یکی از منابع مهم اقتصادی است. اتلاف آن موجب افزایش هزینه فرصت منابع اقتصادی دیگرمی شود. اتلاف پول یک پدیده چند بعدی است هم در سطح خرد توسط افراد و هم در سطح کلان توسط مسؤولان جامعه وجود دارد. پیشگیری از آن نیاز به برنامه ریزی فردی و اجتماعی دارد. در سطح خرد خانوارها باید به فرزندان خود از دوران کودکی آموزش دهند تا در استفاده از همه منابع از جمله پول صرفه جویی کنند. در سطح کلان مقامات پولی باید تلاش کنند سطح عرضه پول را متناسب با حجم تولیدات جامعه تنظیم کنند و برای جلوگیری از هزینه های اضافی برای انتقال وجوه استفاده از کارتهای اعتباری و پول الکترونیکی را گسترش دهند.

منابع ۱- بوردو، مایکل دی و احسان چودری،۱۳۸۲،" جانشینی پول و تقاضا برای پول: شواهدی از کانادا "، ترجمه محمد لشکری و اسداله فرزینوش؛ منتشر نشده. ۲. پژویان، جمشید،۱۳۷۴، اقتصاد خرد، انتشارات دانشگاه پیام نور. ۳. پژویان، جمشید،۱۳۷۴،پول، ارز و بانکداری، انتشارات دانشگاه پیام نور. ۴. تقوی ،مهدی،۱۳۸۱، اصول علم اقتصاد(۲)، انتشارات دانشگاه پیام نور. ۵. توتونچیان،ایرج،۱۳۷۵، اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقات پولی بانک مرکزی ج.ا.ا. ۶. جلالی نائینی،۱۳۷۳، سیاست پولی ،انتظارات، تورم و عرضه کل، طرح تحقیقاتی، پژوهشکده پولی بانک مرکزی ج.ا.ا.قدیری اصلی، باقر،۱۳۶۸، پول، انتشارات دانشگاه تهران . ۷- فرجی، یوسف، ۱۳۸۰،پول، ارز و بانکداری، چاپ و ویرایش پنجم، شرکت چاپ و نشر بازرگانی. ۸. فرزین وش، اسداله و محمدلشکری، ۱۳۸۲،"جانشینی پول و تقاضابرای پول: شواهدی از ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره۲۹، صص۱-۵۱ . ۹. لشکری ، محمد ، ۱۳۸۳، " روشهای پیشگیری از اتلاف وقت"، مجموعه مقالات روشهای پیشگیری از اتلاف منابع ملّی، فرهنگستان علوم .ج.ا.ا، ص۳۶۳-۳۷۳. ۱۰- لشکری، محمد و اسداله فرزینوش،۱۳۸۲،" تخمین حجم دلارهای در گردش و اندازهگیری درجه جانشینی پول "؛ مجله تحقیقات اقتصادی ؛ ویژه نامه. ۱۱- مجتهد، احمد و علی حسن زاده،۱۳۸۰،پول و بانکداری، پژوهشکده پولی بانک مرکزی ج.ا.ا. ۱۲- میشکین، فردریک،۱۳۷۸، پول، ارز و بانکداری، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسایان، سمت.
۱۳-Duca, J. V., and W. C. Whitesell(۱۹۹۵) Credit cards and money demand: A cross-sectional studyJournal of Money, Credit, and BankingVol.۲۷ (May)pp.۶۰۴–۲۳.۱۴-Hicks, J. R(۱۹۴۶)Value and capital ۲nd ed Oxford: Clarendon.۱۵-Mundell, R(۱۹۶۳)Inflation and real interestJournal of Political EconomyVol.۷۱ (June)pp.۲۸۰–۸۳.۱۶-Patinkin, D(۱۹۶۵)Money, interest,and prices۲nd ed New York:Harper & Row.۱۷(۱۹۸۹) Money, interest, and prices ۲nd edabridged Cambridge, MassThe MIT Press.۱۸- Steindl , Frank G (۲۰۰۰)" Credit Cards, Economization of Money, and Interest Rates" Journal of Economic Educationpp.۲۷۱-۲۷۹.۱۹ (۱۹۸۶)General equilibrium models of inflation and interest rates:Specification considerationsCredit and Capital ۱۹ (Heft ۲)pp.۲۵۲–۷۰.

جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن درایران

پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن دراقتصادایران دکترمحمد لشکری

چکیده: جانشینی پول به پدیده ای اطلاق میشود که مردم یک کشور در پرتفوی دارایی خود، ترجیح می دهند بهجای پول داخلی، پول خارجی نگهداری کنند. این امر دلایل متعددی دارد که مهمترین آنها کاهش مداوم ارزش پول ملی، تداوم تورم شدید داخلی، بیثباتی اقتصادی، منفی بودن نرخهای واقعی بهره، خروج سرمایه به علت مهاجرتهای

قانونی و غیرقانونی و گسترش فعالیتهای قاچاق کالا است. این پدیده هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای درحال توسعه مشاهده شدهاست. در کشورهای پیشرفته جانشینیپول به صورت متقارن و دوطرفهاست، ولی در کشورهای درحال توسعه به صورت یک طرفه است و بر سیاستهای پولی این کشورها تأثیرگذاشته و اثر بخشی سیاستها را کاهش داده است. در این مقاله تلاش شده است حجم جانشینی پول با روش کمین و اریکسون(۲۰۰۳) اندازهگیری شود و به این سؤال پاسخ داده شودکه روند درجه جانشینی پول در ایران چگونه بوده و با کدام متغیرهای اقتصادی ارتباط داشته است؟ نتایج تحقیق نشان میدهد که:۱. در اقتصاد ایران روند درجه جانشینی پول صعودی بوده است؛ ۲. درجهجانشینی پول در ایران با نرخ تورم داخلی رابطه مستقیم داشته است؛ ۳. درجه جانشینی پول با نرخ ارز در بازار موازی/$(R)رابطه مستقیم داشته است و ۴. درجه جانشینی پول در ایران با تولید ناخالص داخلی رابطه معکوس داشته است. عواملی که بر درجه جانشینی پول در ایران مؤثر بودهاند عبارتند از: اختلاف بین نرخ بهره داخلی و خارجی؛ نرخ تورم داخلی؛ نرخ ارز در بازار موازی؛ حجم واردات. برای جلوگیری از گسترش این پدیده پیشنهاد میشود:۱. سیاست مهار تورم در اولویت قرارگیرد؛۲. فرصتهای مناسبتری برای سرمایهگذاری ایجاد شود تا پولهای مازاد به جای تبدیل به دلار و سایر پولهای خارجی در بخشهای اقتصادی سودآور سرمایهگذاری شوند؛ ۳. تا حد امکان نوسانات نرخ ارز کاهش یابد تا انگیزه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی کاهشیابد و۴. تدابیری اندیشیده شود که نرخ سود در سیستم بانکی با توجه به نرخ تورم مثبت باشد. واژگان کلیدی: جانشینی پول، دلاری شدن، درجه جانشینی پول، حجم دلارهای درگردش، ایرانمقدمه در این مقاله، رابطه درجه جانشینی پول با متغیرهای کلان اقتصادی اندازهگیری می شود. نظریه جانشینی پول، درجه جانشینی پول را تابع متغیرهایی نظیر تفاوت نرخ بهره داخلی و خارجی و تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی میداند. در این پژوهش با توجه به ساختار اقتصادی ایران، رابطه درجه جانشینی پول با متغیرهایی که در ادبیات نظری و تجربی پول بیان شدهاست، سنجیده میشود. مقاله به این شکل سازماندهی شده است: بخش اول، مروری برادبیات جانشینی پول دارد. در بخش دوم، مدل رابطه جانشینی پول با متغیرهای کلان بیان می شود. در بخش سوم، مدلهای برآورد شده، آزمون میشود. در بخش چهارم، ضرایب مدلها تفسیر میشود و بخش پنجم به نتایج تحقیق اختصاص دارد.۱. مروری بر ادبیات موضوع به طور معمول در بررسی عوامل مؤثر بر پدیده جانشینی پول، ابتدا پژوهشگر نسبت حجم پول خارجی به پول داخلی را محاسبه می کند. سپس این نسبت که در ادبیات جانشینی پول از آن به درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی۲ یاد میشود؛ به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای کلان اقتصادی نظیر نرخ بهره داخلی، نرخ بهره خارجی، نرخ تورم داخلی، نرخ تورم خارجی، حجم تجارت خارجی و سایر متغیرها را به عنوان متغیر مستقل در نظر میگیرد. چنانچه CS نسبت به متغیرهای کلان حساس باشد؛ بیانگر وجود جانشینی پول است. ابتدا در این بخش به بررسی و

تحلیـل ادبیـات موجـود در ایـن زمینـه می پردازیـم. کـالوو و رودریگز (۶۲۵،۱۹۷۷–۶۱۷) برای یـک اقتصـاد کوچـک بـا قیمتهای انعطافپـذیر، یک مـدل دو بخشـی تعیین نرخ ارز تحلیل کردهاند. آنها فرض کردهاند که ساکنین کشور، پول داخلی و پول خارجی نگهـداری میکننـد و انتظارات عقلایی دارنـد؛ همچنین فرض کردهاند که تابع رجحان نقدینگی افراد به اختلاف بازده انتظاری پول داخلی و پول خـارجی بسـتگی دارد. در مطـالعه آنها اختلاف بین پول داخلی و خارجی به شـکل نرخ کاهش ارزش پول داخلی در نظر گرفته شـده است. مـدل آنها نشان داده است که افزایش عرضه پول به وخیمترشدن همزمان نرخ واقعی ارز منتهی میشود. نسبت مطلوب بین دو پول داخلی و خارجی که ساکنین نگهداری میکنند به وسیله یک تابع رجحان نقدینگی به اختلاف بین نرخ انتظاری بازده آنها بسـتگی دارد. در بیشتر مدلها طی دوره انتقال، افزایش در نرخ انبساط پولی موجب کاهش خالص موجودی ارز می شود. در این مدل با وجود جانشینی پول و نرخ ارز شناور انبساط پولی موجب انباشت خالص موجودی ارز میشود. میلز(۱۸۳،۱۹۷۸ـ۱۷۰) بـه جـای اسـتفاده از روش مسـتقیم انـدازهگیری درجه جانشـینی پـول خـارجی به جـای پـول داخلی، روش دیگری را برای آزمـون جانشـینی پول پیشنهاد کردهاست. رویکرد میلز بر این فرض بنا شده است که ماندههای حقیقی پول داخلی و خارجی، دادههای تابع تولیـد هسـتند و محصول همـان جریان خـدمات پولی می باشـد. میلز فرض کرده است تابع تولیـد به صورت تابع CES و همگـن از درجه یـک است و بـازار ارز توسـط معاملات ارز با بهره کامل مشـخص میشود. میلز جریان خـدمات پولی را با توجه به محـدودیت دارایی، حـداکثر میکنـد و درجه جانشـینی پول را فقط تابعی از لگاریتم نسبت نرخ بهره خارجی به نرخ بهره داخلی میدانـد. اسپینل (۱۰۳،۱۹۸۰–۸۳) تقاضـا برای پول در ایتالیـا را با اسـتفاده از دادههای دوره ۱۹۶۵ ـ ۱۸۶۷ تحلیـل کرده است و بیان میکنـد که تابع تقاضای پول در ایتالیا، تابع باثباتی از دو متغیر کلیـدی درآمـد دایمی و نرخ بهره است و نتیجه گرفته است که در بلنـد مـدت، تحت نظـام نرخ ارز ثابت، سـطح قیمت به صورت برونزا تعیین میشود و فقط سـیاست پولی داخلی، بر تراز پرداختها مؤثر است. تحت نظام نرخهـای شـناور ارز، بـازار ارز تسویه میشود و سـطح قیمتهـا و مقـدار پول، تحت کنترل بانـک ایتالیـا قرار میگیرد و سیاسـتهای پولی تبدیل به ابزاری قدرتمند میشوند. میلز و اسـتوارت(۶۲۵،۱۹۸۰–۶۱۳) نیز پدیده جانشینی پول را بررسـی کرده اند و درجه جانشینی پـول را تـابعی از لگـاریتم نسـبت نرخ بهره خـارجی بـه نرخ بهره داخلی و ریسـک میداننـد. آرنگـو و نـدیری (۸۳،۱۹۸۱–۶۳)نشان دادهانـد هنگـامی که پول داخلی ضـعیف میشود یـا به عبارت دیگر، نرخ ارز افزایش مییابـد؛ به احتمال زیاد تقاضا برای پول داخلی افزایش خواهد یافت. البته به این نکته توجه داشته اند که افزایش نرخ ارز ممکن است موجب کاهش تقاضا برای پول داخلی شود؛ زیرا مردم ترجیح می دهند پول خارجی را جانشین پول داخلی کنند یعنی قانون گرشام معکوس می شود و پول خوب، پول بد را از بازار خارج می کنـد. فیشر(۳۱۳،۱۹۸۲–۲۹۵) اقتصـاد کشورهـایی که نرخ تـورم بالاـیی داشته و درآنهـا به طور معمول، گرایش به اسـتفاده از پول خارجی وجود دارد، بررسـی کرده است. او هزینه ها و منافع اسـتفاده از پول داخلی را با تأکیـد بر حقالضّـرب تحلیل کرده است. به نظر او اگر برای یـک کشـور نرخ ارز ثـابت، مطلـوب باشـد و از پول خودش اسـتفاده نکنـد، حق الضّـرب او کـاهش مییابـد. به طور معمول بـا افزایش نرخ تورم در یـک کشور، گرایش به پول خـارجی و انتخاب آن به عنوان واحـد سـنجش و وسـیله مبادله وجود دارد. این فرآیند دلاری شدن نامیده میشود. فیشر در این مقاله روی حقالضّرب و مالیات تورمی بهینه، تأکیدکرده است. مکینن(۳۳۳،۱۹۸۲–۳۲۰) تقاضـای پول جهـان را به طور نسبی، باثبـات بیـان کرده است. به نظر وی جانشینی پول درسـطح بینـالملل مـوجب کـاهش کنترلهـای پولی میشود. بیشـتر دارنـدگان پول، تحت تـأثیر تغییرات نرخ بهره قرار میگیرنـدکه شـکلی غیرمسـتقیم از جانشـینی پول است و از نظر مقدار بسـیار مهم است. در کشورهایی که درجه باز بودن اقتصاد رو به افزایش است، ریسـک تغییر نرخ ارز نسـبت به دلار زیاد میشود. بنابراین، امکان جانشینی پول به نفع یا به ضرر پول ملی وجود دارد. بوردو و چودری(۵۷،۱۹۸۲–۴۸) ضمن انتقاد از مقاله سال ۱۹۷۸میلز، تصریح تابع او را اشتباه دانسته اند و با استفاده از دادههای میلز و با روش شناسی دیگری، نتایج متفـاوتی به دست آوره انـد و درجه جانشـینی پول را تـابعی ازgdp وتفـاوت نرخ بهره خـارجی و نرخ بهره داخلی، بیـان کرده انـد. اورتیز(۱۸۵،۱۹۸۳–۱۷۴) واژه دلاـری شـدن را درجه معاملاـت واقعی و مـالی که به جـای پول داخلی بـا دلاـر انجام میشود و درجه دلاـری شـدن اقتصـاد را نسـبت دلارهای درگردش به پول داخلی در گردش در هر لحظه از زمان، تعریف کرده است. اورتیز درجه جانشـینی پول را تابعی از تفاوت نرخ تورم خارجی و داخلی، نرخ ارز و متغیر باوقفه درجه جانشـینی پول،تعریف کرده است. رامیرز روِیاس(۶۶۷،۱۹۸۵–۶۲۶) نسبت CS را درجه جانشـینی پول خارجی به جای پول ملی در نظر گرفته است. رامیرز رویاس، سه مـدل برای درجه جانشـینی پول معرفی کرده است. ۱. مـدلی که درجه جانشـینی پول را فقـط تابعی از تفاوت نرخ تورم خارجی و داخلی میداند؛ ۲. مدلی که درجه جانشینی پول را تابعی از تفاوت نرخ تورم خارجی و داخلی و متغیر باوقفه درجه جانشینی پول میداند؛ ۳. مـدلی کـه درجـه جانشـینی پـول را تـابعی از نرخ ارز و متغیر بـاوقفه درجه جانشـینی پـول می دانـد. ال ارین (۱۰۳،۱۹۸۸–۸۵) برای بررسـی عوامل مؤثر بر جانشـینی پول، سه مدل برای درجه جانشینی پول معرفی میکند. ۱. مدلی که درجه جانشـینی پول را تابعی از نسبت نرخ بهره خارجی به داخلی میداند. ۲. مدلی که درجه جانشینی پول را تابعی از نسبت نرخ بهره خارجی به داخلی، نرخ ارز و متغیر باوقفه درجه جانشینی پول میداند. ۳. مدلی که درجه جانشـینی پول را تابعی از نرخ ارز و متغیر باوقفه درجه جانشینی پول می داند. وگ(۱۴۹،۱۹۸۹–۱۳۹) موضوع مالیـات تورمی بهینه را در یـک اقتصـاد بـاز کوچک که هم پول داخلی و هم پول خارجی به عنوان وسیله مبادله درگردش هسـتند، بررسی کرده است. وی نشان داده است حضور پول خارجی، دولت را قادر می سازد با ایجاد نرخ بهره واقعی مثبت داخلی بـا اختلالاتی که به دلیل نرخ بهره واقعی مثبت خارجی در اقتصاد ایجاد شـده است، مبارزه کنـد. نتیجه مقـاله وی در مورد ادبیـات تورمی بهینه این بوده است که اگر پول به عنوان کـاهش دهنـده هزینههـای مبادلاتی در نظر گرفته شود، نرخ بهره اسمی بهینه صفر است. بهمنی اسکویی و ملکسی(۳۸۴،۱۹۹۱–۳۷۷) نشان دادهاند، کاهش نرخ برابری ارز در کوتاه مدت ممکن است تقاضا برای پول را افزایش یا کاهش دهـد؛ ولی در بلند مدت، این امر منجر به کاهش تقاضا برای پول داخلی می شود. ملوین و لاـدمن(۷۶۳،۱۹۹۱–۷۵۲) برای بررسـی پدیـده دلاـری شـدن اقتصـاد بولیوی به علت عـدم دسترسـی به دادههـای مربوط به پولهـای خـارجی درگردش در اقتصـاد ملی، الگوهـای طرف تقاضـا را رهـا کرده و دلاـری شـدن اقتصـاد را در طرف عرضـه بررسـیکردهاند. به نظر آنها چون فعالیتهای غیرقانونی با پول نقد (و در آمریکای لاتین با دلار) تأمینمالی میشود، بسیاری از دلارهای درگردش در اقتصاد کشورهایی مانند بولیوی، پرو و کلمبیا از راه فروش غیرقانونی مواد مخدر به دست میآید؛ بنابراین میتوان دلاری شـدن اقتصاد برخی از کشورهای آمریکای لاتین را با تجارت مواد مخـدر در آن کشورها همسو دانست. رویاس سوارز(۲۷،۱۹۹۰–۱) مدلی در نظر گرفته که پول، تنها شـکل ثروت است و ساکنان کشور میتوانند ترکیبی از پول داخلی و پول خارجی را در پرتفوی خود جای دهنـد. کلمنتس و شوارتز(۱۹۹۲) از مـدلهای رامیرز رویاس و ارین استفاده کرده انـد و برای نشان دادن پایداری فرآیند جانشـینی پول خارجی به جای پول داخلی، یک متغیر رونـد به آن افزودهانـد. آنها درجه جانشـینی پول را تابعی از تفاوت نرخ بهره خـارجی و داخلی، تفـاوت نرخ تـورم خـارجی و داخلی، نرخ ارز و متغیر بـا وقفه درجه جانشـینی پول، بیـان کرده انـد. گویـدوتی و رودریگز(۵۴۴،۱۹۹۲–۵۱۸) به بررسـی اقتصاد برخی از کشورهای آمریکای لاتین که نرخهای تورم بالایی داشته و دلاری شـدن را تجربهکردهاند، پرداختهاند. مدل آنها پدیده جانشـینی پول را با ترکیب پرتفوی در شـرایطی که تحرک سرمایه وجود دارد، بررسی کرده است. آنها دو مـدل برای درجه جانشـینی پول معرفی کرده اند. ۱. مـدلی که درجه جانشـینی پول را فقط تابعی از تفاوت نرخ تورم خارجی و داخلی میداند؛ ۲. مدلی که درجه جانشـینی پول را تابعی از تفاوت نرخ تورم خارجی و داخلی و متغیر روند میداند. راجرز(۳۱۸،۱۹۹۲–۳۰۰) پدیـده جانشـینی پول را بین مکزیـک و کانـادا بررسـی کردهاست. راجرز درجه جانشینی پول را تابعی از نرخ بهره داخلی، نرخ ارز و متغیر بـا وقفه درجه جانشـینی پول،بیان کرده است. رامیرز رویاس(۴۱،۱۹۹۶–۳۵) وضعیت جانشینی پول در ۱۶ کشور درحال توسعه را بررسی کرده و جانشینی پول را تقاضا برای پول خارجی توسط ساکنین داخلی تعریف کرده است. او عوامل مؤثر بر جانشـینی پول را عوامل نهادی، مثل ثروت واقعی، اختلاف بین نرخ بازده واقعی و انتظاری، سـرمایهگذاریهای داخلی و خـارجی بیـان کرده است. به نظر او عوامـل نهـادی که پدیـده جانشـینی پول را درکشورهـای در حـال توسـعه به وجود آورده اند عبـارت است از: سـطح معاملاـت بینـالمللی، محـدودیت دسترسـی به سـرمایهگذاری داخلی و هزینههـای معاملاـتی تعـویض پولهـا. مونگاردینی و مولر(۲۳،۱۹۹۹–۱) نیز به بررسـی پدیده دلاری شدن و جانشینی پول پرداخته اند. آنها درجه جانشینی پول را تابعی از

تفاوت نرخ بهره خارجی و داخلی، نرخ ارز و متغیر باوقفه درجه جانشینی پول بیان کرده اند. استرزینگر(۱۹۹۷،۴۱۵–۳۹۱) مدلی از جانشینی پول را معرفی کرده است که در آن، عوامل اقتصادی خریدهای خود را با پول داخلی و خارجی انجام میدهند. در اقتصادی که عوامل اقتصادی، اجازه استفاده از سایر ابزارهای پرداخت را داشته باشند، رفاه افزایش مییابد. وی با استفاده از قواعد مالیات رمزی، نشان داده است که جانشینی پول، بار تورمی را به تقاضای کالاهای بیکشش انتقال میدهد. سپس نشان داده است که تورم، آثار توزیعی قوی دارد. وقتی جانشینی پول وجود دارد؛ عوامل اقتصادی با درآمد بالا، سود و عوامل اقتصادی با درآمد پایین، زیان می برند. ادواردز و مگندزو(۲۰۰۱،۲۱–۱) تأثیر دلاری شدن برتورم و رشد اقتصادی را با رویکرد کلان بررسی کرده اند. سؤال اصلی آنها این بوده است که: آیا دلاری شدن موجب تورم کمتر و رشد سریعتر میشود؟ نتایج تحقیق آنها دلالت دارد که: ۱. تورم در کشور دلاری شده نسبت به کشور دلاری نشده کمتر است. ۲. کشورهای دلاری شده رشد کندتری نسبت به کشور های دلاری نشده دارند. سامرز (۱۹۹۹،۶–۱) قائم مقام وزارت خزانه داری آمریکا اظهار کرده است: مسأله مهمی که پس از بحرانهای سالهای اخیر مطرح شده است، مشکل حفظ نظام ارز ثابت و یا شبه ثابت میباشد. در تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین، مسأله قبول دلار آمریکا به عنوان پول رایج درکشور(دلاریکردن اقتصاد) مطرح شدهاست. برای هر کشور، انتخاب پول کشور دیگر به عنوان پول رایج، تصمیم مهمی محسوب میشود و باید هزینهها و منافع بالقوّه آن به دقت بررسی شود. به نظر او دولتیکه قصد دارد دلار را جایگزین پول ملی خود کند، باید از دست دادن درآمد حاصل از ضرب سکه و نشر اسکناس(حق الضّرب) را بپذیرد. اگر کشوری دلار را به عنوان پول رایج خود بپذیرد، باید انتظار داشت که آمریکا از این اقدام سود ببرد. آشکارترین و کم اهمیت ترین آنها در درازمدت این است که در واقع کشورهای دیگر با قبول دلار به عنوان پول رایج خود، یک وام بدون بهره به دولت امریکا میدهند. اولین پژوهش نظری فارسی در زمینه جانشینی پول، مقالهای از خلعتبری(۱۳۶۸،۲۹–۲۴) بوده است. خلعتبری در مقاله خود فقط به بحث نظری در زمینه جانشینی پول پرداخته و ویژگیهای دلاری شدن را بیان کرده است و فرمول محاسبه جانشینی پول خارجی به جای پول ملی را ارایه کرده است. خلعتبری درجه جانشینی پول را تابعی از نرخ ارز و gdp می داند. دومین پژوهش نظری فارسی، مقاله لشکری (۱۳۸۲) است. لشکری در مقاله خود پژوهشهای برجسته نظری و کارهای تجربی انجام شده در کشورهای مختلف را بررسی کرده است و نقاط عطف نظریه جانشینی پول را نشان داده است. زالپور(۱۳۷۳) در پایاننامه کارشناسی ارشد خود به کارکردها و نقش پول ملی پرداخته است. او علت اصلی دلاری شدن اقتصاد ایران را درسالهای پس از انقلاب، تفاوت چشمگیر نرخ رسمی ارز با نرخ بازار سیاه آن و افزایش نااطمینانی و ناپایداری اقتصاد ایران درسالهای پس از انقلاب اسلامی میداند. زال پور برای تعیین عوامل مؤثر بر درجه جانشینی پول، دو مدل معرفی کرده است. ۱. مدلی که درجه جانشینی پول را تابعی از شاخص برتری نرخ بازار موازی ارز از نرخ رسمی آن ، عامل نااطمینانی(که از انحراف معیار پسماندهای فرآیند خود رگرسیون لغزان مرتبه اول نرخ تورم داخلی در یک دوره یکساله، برای دادههای ماهانه و در یک دوره دو ساله، برای دادههای فصلی به دست آمده است) و متغیر روند (برای نشان دادن تأثیر سیاست تزریق ارز به بازار موازی از سوی مقامات پولی از ۱۳۶۸به بعد) بیان می کند. ۲. مدلی که درجه جانشینی پول را تابعی از شاخص برتری نرخ بازار موازی ارز از نرخ رسمی آن ، عامل نااطمینانی (که از انحراف معیار پسماندهای فرآیند خود رگرسیون لغزان مرتبه اول نرخ تورم داخلی در یک دوره یکساله، برای دادههای ماهانه و در یک دوره دو ساله، برای دادههای فصلی به دست آمده است) و شاخص تولید صنعتیکارگاههای بزرگ کشور بیان می کند. لشکری و فرزینوش (۱۳۸۲) حجم دلارهای درگردش و درجه جانشینی پول را به صورت سری زمانی برآورد کرده اند. در این مقاله نیز با استفاده از سری زمانی درجه جانشینی پول محاسبه شده توسط آنها، رابطه درجه جانشینی پول با متغیرهای کلان اقتصادی اندازهگیری می شود و عوامل مؤثر بر آن را شناسایی و بیان می کنیم.۲. دادهها دادههایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته مربوط به دوره ۱۳۳۸–۱۳۸۰می باشد. منبع دادهها، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامهریزی کشور است. نرخ ارز مورد استفاده، نرخ بازار موازی است. تولید ناخالص داخلی و واردات با شاخص قیمتهای سال ۱۳۶۱ واقعی شده و برحسب ریال است.۳. برآورد مدلهافرضیههای مورد نظر در این مقاله عبارت است از؛ ۱. در اقتصاد ایران روند درجه جانشینی پول صعودی بوده است ؛ ۲. درجه جانشینی پول در ایران با نرخ تورم داخلی، رابطه مستقیم دارد؛ ۳. درجه جانشینی پول با نرخ ارز در بازار موازی (پول خارجی برحسب پول داخلی)رابطه مستقیم دارد و ۴. درجه جانشینی پول در ایران با تولید ناخالص داخلی، رابطه مستقیم دارد. با توجه به نظریههای موجود، برای آزمون این فرضیهها مدلهای زیر برآورد شده است.۳–۱. برآورد مدل اولباتوجه به فرضیههای پژوهش، مدلی شامل متغیرهای نرخ ارز در بازار موازی۳، تولید ناخالص داخلی۴، نرخ تورم داخلی۵ و روند(T) و همچنین متغیرهای مجازی 2D برای شوک نفتیسال ۱۳۵۲ و 3D برای شکست ساختاری سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ را به روشOLS برآورد میکنیم.CS=۰۸۴/۰ + (۵۰/۱E–۰۵) pex –(۰۳/۴E–۰۶) gdp+ ۰۰۲/۰ rcpii + ۰۰۴/۰T+ ۰۸/۰D۲
(۴۹۵/۲)Your browser may not support (۰۴/۵) (۲۶۲/۴) (۴۱۳/۲) (–۸۳۹/۱) (۸۲۴/۵) (۹۵/۷) ۰۴/۰+D۳t
display of this image. ۲ = ۹۷/۰ n=۴۲ D.W=۳۴/۱ F= ۶۳/۱۸۳ (۱۳۸۰–۱۳۳۸) (۳–۱)۴–۲. برآورد مدل دومدر مدل دیگر، متغیر واردات۶)که نشاندهنده حجم معاملات بینالمللی است و بخش مهمی از تقاضای پول خارجی را با انگیزه معاملاتی نشان میدهد) ومتغیرهای مجازی1D (برای انقلاب اسلامی سال۱۳۵۷) و 2D (برای شوک نفتیسال ۱۳۵۲) را وارد مدل میکنیم. در برآورد مدل به روش OLS برای سالهای ۱۳۸۰– ۱۳۳۸ نتایج زیر به دست آمده است.

CS=۰۹۹/۰ + (۵۱/۳E–۰۵) im–(۵۹/۳E–۰۶) gdp+ ۰۱۷/۰ rcpii + (۹۰/۲E–۰۵) pex ۰۶۴/۰+D۱ ۰۴۸/۰+D۲t (۶۴/۱۱)
(۰۰۴/۳)Your browser may not support display of this image. ۲ (۶۸/۶) (۶۹/۴) (۹۵/۲) (–۵۶/۱) (۷۸/۲)
۹۷/۰ = n=۴۲ D.W=۳۴/۱ F= ۶۳/۱۸۳ (۱۳۸۰–۱۳۳۸) (۴–۲)۴–۳ برآورد مدل سوم

در مدل سوم علاوه بر متغیر واردات ، متغیر روند۷ و تفاوت نرخ بهره داخلی و خارجی۸ (که نشاندهنده هزینه نگهداری پول خارجی در مقایسه با هزینه نگهداری پول داخلی است) را نیز وارد مدل میکنیم. با برآورد مدل به روشOLS و با دادههای سالهای ۱۳۳۸–۱۳۸۰ نتایج زیر به دست میآید.pex (۳۳/۴E–۰۵) + rcpii ۰۰۱۹/۰ + gdp (۳۵/۱E–۰۵)–im (۷۱/۵E–۰۵) + ۰۱/۰=CS
(۴/۴) (–۳۸/۳) D۳ +۰۵۷/۰ D۲ + ۰۴۲۷/۰ (if –id) –۰۰۲۷/۰ (۹۶/۵) (۸۸/۵) (۴۱/۳) (–۶۶/۴) (۴/۴) (۷۲/۱۲) T.t +۰۰۴۸/۰
(۲۹/۵)Your browser may not support display of this image. ۲ = ۹۸/۰ n=۴۲ D.W=۸۷/۱ F= ۳۸/۱۹۴
(۵–۵ (۱۳۳۸–۱۳۸۰))در این مدل، ضرایب از درجه معنی داری بالاتری برخوردارند و مقدار ۲Your browser may not support display of this image. نیز از دو مدل قبل بیشتر است بنابراین مدل سوم را به عنوان مدل نهایی می پذیریم و نتایج آن را تفسیر میکنیم. ۴. بررسی اعتبار برآوردآزمونهای انجام شده بیانگر آن است که هیچکدام از متغیرهای توضیحی پایا نبوده و اغلب آنها(۲)I میباشند. ولی جملات اختلال تمام رگرسیونها پایا و (۰)I میباشند؛ بنابراین هیچکدام از رگرسیونها کاذب نمیباشند و میتوان ضرایب رگرسیونها را به روش حداقل مربعات معولی برآورد نمود. در تمام مدلهای برآورد شده از دادههای سری زمانی استفاده شده است؛بنابراین باید آزمون خود همبستگی انجام شود. آماره دوربین– واتسون عدم وجود خود همبستگی بین متغیرهای توضیحی را درتمام مدلها تأیید میکند. لذا نگرانی درمورد خود همبستگی متغیرهای توضیحی وجود ندارد. تمام مدلها از ضریب تعیین نسبتاً بالایی برخوردارند، در مدل(۵–۳)، ۹۷/۰=۲Your browser may not support display of this image. ؛ درمدلهای (۵–۴)و (۵–۵)، ۹۸/۰=۲Your browser may not support display of this image. است. با توجه به ۲Your browser may not support display of this image. نسبتاً بالای مدلهای مذکور، متغیرهای توضیحی تا حد زیادی تغییرات درجه جانشینی پول را در ایران نشان میدهند. در تمام مدلها آمارهF بسیار بالا بوده است و به طور کلی مقایسه آن با مقادیر بحرانی، نشانگر آن است که رگرسیونها معنی دار می باشند. آماره t مربوط به ضرایب نشان میدهد ضریب تمام متغیرهای توضیحی با احتمال ۹۵درصد و ضریبgdp با احتمال ۹۰ درصد معنیدار می باشند. ۵. تفسیرضرایبعرض از مبدأ مدل، مثبت میباشد؛ یعنی اگر همه متغیرهای توضیحی صفر باشند، هنوز درجهای از جانشینی پول وجود دارد. به بیان دیگر در ساختار اقتصادی ایران، بدون توجه به نرخ ارز، نرخ بهره داخلی و خارجی، نرخ تورم داخلی، حجم واردات و

سایر عوامل هنوز حداقلی از پول خارجی در پرتفوی ساکنین کشور وجود دارد. ضریب نرخ تورم داخلی۹، مثبت است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول با نرخ تورم داخلی رابطه مستقیم دارد؛ یعنی با فرض ثابت بودن سایر عوامل هرچه نرخ تورم داخلی افزایش یابد، درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی به طور متوسط افزایش مییابد؛ زیرا تقاضا برای پول خارجی با نرخ تورم داخلی رابطه مستقیم دارد. درهمه مدلها ضریب نرخ ارز در بازار موازی ۱۰ مثبت است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول با نرخ ارز در بازار موازی، رابطه مستقیم دارد؛ یعنی با فرض ثابت بودن سایر عوامل هرچه نرخ ارز در بازار موازی افزایش یابد، درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی به طور متوسط افزایش می یابد؛ زیرا انگیزه نگهداری پول داخلی کاهش و انگیزه نگهداری پول خارجی افزایش مییابد. در همه مدلها ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی واقعی۱۱ منفی است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول با تولید ناخالص داخلی واقعی رابطه معکوس دارد. افزایش gdp نشان دهنده بهبود وضعیت اقتصادی کشور میباشد؛ پس تقاضای پول داخلی را افزایش و تقاضای پول خارجی را کاهش میدهد. در نتیجه درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی کاهش مییابد. با افزایش تولید ناخالص داخلی، تقاضا برای پول داخلی و خارجی افزایش می یابد؛ ولی افزایش تقاضا برای پول خارجی نسبت به افزایش تقاضا برای پول داخلی کمتر است. ضریب متغیر واردات،۱۲ مثبت است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول با واردات رابطه مستقیم دارد؛ یعنی با فرض ثابت بودن سایر عوامل با افزایش واردات، نسبت پول خارجی در گردش به کل پول داخلی و خارجی در گردش به طور متوسط افزایش می یابد. این ضریب دلیل نظری دارد زیرا با افزایش واردات، تقاضا برای پول خارجی افزایش می یابد. ضریب متغیر تفاوت نرخ بهره خارجی و نرخ بهره داخلی۱۳، منفی است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول با تفاوت نرخ بهره خارجی و نرخ بهره داخلی رابطه معکوس دارد؛ یعنی هرچه نرخ بهره خارجی افزایش یابد، درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی کاهش مییابد و هرچه نرخ بهره داخلی افزایش یابد، درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی افزایش مییابد. ضریب متغیر روند،۱۴ مثبت است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول با متغیر زمان رابطه مستقیم دارد؛ یعنی در طول زمان درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی افزایش می یابد. ضریب متغیر مجازی شوک نفتی،۱۵ مثبت است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول با افزایش درآمدهای نفتی پس از سال ۱۳۵۲ افزایش یافته است. درهمه مدلها، ضریب متغیر مجازی انقلاب اسلامی۱۶ مثبت است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول پس از انقلاب اسلامی نسبت به سالهای قبل از انقلاب به طور متوسط افزایش یافته است. ضریب متغیر شکست ساختاری۱۷ مثبت است. این ضریب نشان میدهد که درجه جانشینی پول درسالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ ـ که اقتصاد ایران دچار شکست ساختاری شدهاست ـ نسبت به سالهای دیگر، بیشتر افزایش یافته است. ۶. آزمون فرضیه های تحقیق ضریب متغیر روند۱۸، نشان میدهد که در طول زمان، درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی افزایش یافتهاست. بنابراین فرضیه اول تحقیق یعنی « در اقتصاد ایران روند درجه جانشینی پول صعودی بوده است.» تأیید می شود. ضریبrcpii نشان میدهد که درجه جانشینی پول با نرخ تورم داخلی رابطه مستقیم دارد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق یعنی «درجه جانشینی پول در ایران با نرخ تورم داخلی (شاخص قیمت مصرفکننده) رابطه مستقیم دارد.» تأیید میشود. ضریبpex نشان میدهد که درجه جانشینی پول با نرخ ارز در بازار موازی رابطه مستقیم دارد. بنابراین فرضیه سوم تحقیق یعنی « درجه جانشینی پول با نرخ ارز در بازار موازی (پول خارجی برحسب پول داخلی) رابطه معکوس دارد.» رد می شود. ضریبgdp نشان میدهد که درجه جانشینی پول با تولید ناخالص داخلی واقعی رابطه معکوس دارد. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق یعنی «درجه جانشینی پول در ایران با تولید ناخالص داخلی رابطه مستقیم دارد.» رد می شود. ۷ . عوامل مؤثر بر پدیده جانشینی پولپدیده جانشینی پول هم بر متغیرهای کلان اقتصادی مؤثر است و هم خود تحت تأثیر برخی از متغیرهای کلان اقتصادی قرار میگیرد. عوامل مؤثر بر جانشینی پول که در ادبیات موضوع به آنها اشاره شده است، عبارتند از؛ ۱. محدود بودن بازارهای سرمایه و کنترلهای ارزی که موجب انتقال منابع مالی از پول داخلی به پول خارجی می شود؛ ۲. هراندازه عوامل نهادی مثل ثروت واقعی و امکانات بیشتر باشد، جانشینی پول خارجی به جای پول ملی، جدیتر گرفته میشود؛ ۳. هراندازه انتظار تضعیف ارزش رسمی پول ملی بیشتر باشد، برشدت میل به داشتن پول خارجی می افزاید. زیرا نرخ مورد انتظار تضعیف پول ملی در واقع به صورت هزینه فرصت جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی، عمل میکند؛ ۴. انتظارکاهش ارزش پول ملی که به بازده نسبی انتظاری و ریسک نگهداری دو پول (داخلی و خارجی) مربوط میشود؛ ۵. اختلاف بین نرخ بازده واقعی انتظاری سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی؛ ۶. آگاهی از ریسک سیاسی؛ ۷. سطح معاملات بین المللی؛ ۸. محدودیت دسترسی به سرمایهگذاری داخلی و ۹. هزینههای معاملاتی تعویض پولها. عواملی که بر درجه جانشینی پول در ایران مؤثر بوده و به وسیله این پژوهش آزمایش شدهاند عبارتند از؛ ۱. اختلاف بین نرخ بهره داخلی و نرخ بهره خارجی؛ ۲. نرخ تورم داخلی؛ ۳. نرخ ارز در بازار موازی؛ ۴. واردات و ۵. تحولات متعدد در طول دوره بعد از انقلاب . ۸ . خلاصه و نتیجه گیرینسبت حجم پول داخلی درگردش به مجموع پول داخلی و پول خارجی درگردش، درجه جانشینی پول گفته میشود. درجه جانشینی پول در هر کشوری هم تابع متغیرهای داخلی نظیر نرخ بهره، نرخ تورم، تولید ناخالص داخلی و هم تابع متغیرهای خارجی نظیر نرخ بهره، نرخ تورم، نرخ ارز در بازار موازی و شوکهایی نظیر انقلاب و شوک نفتی است. طبق مدلهای برآورد شده ملاحظه میشود درجه جانشینی پول با برخی متغیرهای بیان شده مرتبط بوده و علامت ضرایب متغیرها به لحاظ نظری، صحیح است. از میان چهار فرضیه پژوهش، سه فرضیه تأیید و یک فرضیه رد شد. فرضیههایی که تأیید شد عبارتند از؛ ۱. در اقتصاد ایران روند درجه جانشینی پول صعودی بوده است؛ ۲. درجه جانشینی پول در ایران با نرخ تورم داخلی رابطه مستقیم دارد؛ ۳. درجه جانشینی پول با نرخ ارز در بازار موازی (پول خارجی برحسب پول داخلی) رابطه معکوس دارد. و فرضیهایی که رد شد عبارت است از؛ ۴. درجه جانشینی پول در ایران با تولید ناخالص داخلی رابطه مستقیم دارد. دستاورد علمی این مقاله این است که در اقتصادهای باز کوچک (مانند ایران) به دلایل ساختاری و نهادی و بدون در نظر گرفتن متغیرهایی نظیر نرخ بهره داخلی و خارجی، نرخ تورم داخلی و خارجی، مقداری پول خارجی درگردش است. بنابراین وجود درجهای از جانشینی پول طبیعی به نظر میرسد. متغیرهایی نظیر نرخ تورم داخلی، نرخ ارز در بازارموازی، و حجم واردات، درجه جانشینی پول را افزایش میدهند. جدول (۱) منابع داده ها یا نحوه محاسبه آنهامنبع اطلاعات یا نحوه محاسبه متغیرنمادنسبت دلارهای درگردش برحسب ریال به مجموع کل پول داخلی وخارجی در گردش برحسب ریال درجه جانشینی پول CSاز سال۱۳۵۶به بعد برابر۱و بقیه سالها برابرصفراست متغیر مجازی شوک انقلاب D۱از سال۱۳۵۲به بعد برابر۱و بقیه سالها برابرصفراست متغیر مجازی شوک نفتیD۲سالهای۱۳۵۸و۱۳۵۹ برابر۱و بقیه سالها برابرصفراست متغیر مجازی شکست ساختاری D۳مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال۱۳۷۵ سازمان برنامه و بودجه۱۳۷۶تولید ناخالص داخلی به قیمتثابت سال gdp۱۳۶۱جمع آوری شده از گزارشهای مختلف بانک مرکزی ج.ا.انرخ بهره داخلی(سود سپردههای بلند مدت) idنرم افزارIFS صندوق بین المللی پول نرخ بهره خارجی(مورد آمریکاسود سپردههای بلند مدت) ifجمع آوری شده از گزارشهای مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا ارزش واردات واقعی im تعداد نمونه nجمع آوری شده از گزارشهای مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا نرخ دلار آمریکا در بازار موازی Pexجمع آوری شده از گزارشهای مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا نرخ تورم۱۳۸۰=۴۳ ,...,۱۳۳۸=۱rcpii روند Tجدول(۲) نتایج آزمون ریشه واحدنماد متغیر نتایج آزمون I(۱) در برابر(۰)I(۲) I دربرابر(۱)I(۳) I دربرابر(۲)ICS درجه جانشینی پول رد (۳)IGdp(۲) Iتولید ناخالص داخلی واقعی(۱۰۰=۱۳۶۱) رد (۳)Iid(۲) I نرخ سود سپرده های بلند مدت بانکی داخلی رد (۳)Iif(۲) I نرخ سود سپرده های بلند مدت بانکی خارجی (موردآمریکا) رد (۳)IIm(۲) I لگاریتم حجم دلارهای در گردش بر حسب پول داخلی رد (۳)Ipex(۲) I نرخ ارز در بازار موازی رد (۳)IRcpii(۲) I نرخ تورم رد (۳)IT(۲) Iروندرد (۳)I(۲) I فهرست منابعالف. فارسی؛

۱. بیدآباد، بیژن و سهیلا خوشنویس(۱۳۷۸) «الگویی برای تبیین بازار موازی ارز در ایران» ؛ نهمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی «پژوهشکده» بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره گزارش COY۷۸۰۶، صص۳۴-۱. ۲. بهمنی اسکویی، محسن(۱۳۷۲) « اثرات کلان اقتصادی کاهش ارزش خارجی ریال ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی»؛ گزارش سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲،صص ۸۷-۱۲۰. ۳. بهمنیاسکویی، محسن(۱۳۸۰) « نرخ ارز بازار سیاه و تقاضا برای پول در ایران»؛ پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی، شماره۱۹،صص۹-۳. ۴. بیدرام ، رسول(۱۳۸۱) Eviews همگام با اقتصاد سنجی؛ انتشارات منشور بهره وری. ۵. پورمقیم،جواد(۱۳۷۸) «عوامل تعیین کننده نرخ ارز در بازار سیاه ارز درایران»؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۴، صص۸۳-۱۰۴. ۶. توکلی، احمد(۱۳۷۶) «تحلیل سری های زمانی همگرایی و همگرایی یکسان»؛ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. ۷. خلعت بری، فیروزه(۱۳۶۸) « اقتصاد دلاری و سپردههای ارزی: بحث نظری و مفاهیم آن از دید اقتصاد کلان» ؛ اقتصاد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره۱، صص۴۹-۲۹. ۸. خلعت بری، فیروزه(۱۳۶۹)« اقتصاد زیرزمینی»؛مجله رونق، سال اول، شماره۱، صص۵-۱۱ و شماره۲ ،صص۱۱ - ۱۸ . ۹. خلیلی،شیوا(۱۳۷۸)«تحولات بازارهای مالی و جریانهای سرمایه»؛ روند شماره۶و۱۷، صص ۸۰-۱۱۰. ۱۰. «دلاری شدن اقتصاد: نگاهی به تجربه کشورهای امریکای لاتین» (۱۳۷۱) گزارش تحقیقی شرکتسرمایهگذاری سازمان صنایع ملّی ایران،قسمت پژوهش و مشاوره،شماره۲۳،صص۱-۱۱. ۱۱. زالپور،غلامرضا(۱۳۷۸) «جانشینی ارز به جای پول ملّی دراقتصادایران»؛پایاننامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس. ۱۲. ژهان لیندگرن،کارل (۱۳۷۸) «انتقال از ابزارهای مستقیم به ابزارهای غیرمستقیم سیاست پولی»؛ مترجم مهناز بهرامی؛روند؛دوره۹،شماره های۲۶و۲۷،صص۱۰۹-۱۳۹ . ۱۳. سامرز،لورنس(۱۹۹۹) «دلاری شدن اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین»؛خبرگزاری رویتر ؛ ترجمه اداره مطالعات و سازمانهای بینالمللی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صص۱-۶ ۱۴. ساهای راتنا و کارلوس وگ(۱۳۸۰)»دلاری شدن اقتصاد کشورهای درحال گذر؛ ترجمه کورش معدلت؛مجله اقتصادی،معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی،دوره دوم،سال اول،شماره دوم، صص۲۶-۳۰. ۱۵. عرب مازار یزدی، علی(۱۳۸۰) «اقتصاد سیاه در ایران: اندازه،علل و آثار آن در سه دهه اخیر» ؛ مجله برنامه و بودجه شماره ۶۲و۶۳ ، صص۳-۶۰ ۱۶. عسکری، منوچهر و تیمور محمدی(۱۳۷۷) «هم انباشتگی:مفاهیم،اهمیت اقتصادی و نقاط قوت و ضعف» ؛فصلنامه پژوهش های اقتصادی،شماره سوم،صص۲۷- ۵۷. ۱۷. اسداله فرزین وش و محمدلشکری(۱۳۸۲) «جانشینی پول و تقاضا برای پول: شواهدی از ایران»؛ پژوهشنامه بازرگانی،شماره۲۹،صص۱-۵۲. ۱۸. کمیجانی،اکبر و رافیک نظریان(۱۳۷۰) «سنجش درجهجانشینی میان پول و شبهپول در اقتصاد ایران » ؛ اقتصاد و مدیریت، شماره های ۱۰و ۱۱، صص۱۵-۴۲. ۱۹. کمیجانی، اکبر و علی اصغر اسماعیل نیا(۱۳۷۶) «سنجش حق الضرب پول با استفاده از تخمین تابع تقاضای پول در اقتصاد ایران»؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۰، صص۱-۳۹ . ۲۰. لشکری، محمد(۱۳۸۲)« تحلیل پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن(مورد ایران)»؛ رساله دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس. ۲۱. لشکری، محمد و اسداله فرزین وش(۱۳۸۲) «تخمین حجم دلارهای در گردش»؛ مجله تحقیقات اقتصادی،ویژه نامه. ۲۲. لشکری، محمد(۱۳۸۲) «مبانی نظری و سوابق تجربی جانشینی پول»؛ در حال چاپ. ۲۳. نوفرستی، محمد(۱۳۷۴)« رابطه تقاضا برای پول با نرخ برابری ارز و نرخ تورم»؛ برنامه و توسعه ، دوره ۲، شماره ۱۱ ،صص۱-۱۳ . ۲۴. نوفرستی،محمد(۱۳۷۸) «ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی»؛ مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. ۲۵. والکر، مارتین(۱۳۷۸)«رام کردن دلار»؛ نامه اتاق بازرگانی؛ شماره۱، صص ۴۰-۴۳ . ۲۶. والکر، مارتین(۱۳۷۸)«رام کردن دلار»؛ نامه اتاق بازرگانی، شماره۲،صص۳۲-۳۵ . ۲۷. یزدان پناه،احمد و ناصرخیابانی(۱۳۷۵)« جایگزینی پول ملّی (دلاری شدن اقتصاد ایران)»؛ مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صص۳۳۵- ۳۵۹. ب. لاتین؛

Arango, Sebastian and M. Ishaq Nadiri (۱۹۸۱) « Demand for Money in Open Economies» .۱ Journal of Monetary Economics :Vol.۷pp۶۹-۸۳. ۲. Bahmani-Oskooee,Mohsen and Margaret Malixi(۱۹۹۱) «Exchange Rate Sensitivity of Demand for Money in Developing Countries»Applied Economics,Vol.۲۳,pp۱۳۷۷-۱۳۸۴. ۳. Bordo, Michael D and Ehsan Choudri(۱۹۸۲)«Currency Substitution and the Demand for Money:Some Evidence for Canada»Journal of Money Credit and Banking, Vol.۱۴, February ,pp.۴۸-۵۷. ۴. Calvo, Guillermo A and C.A.Rodriguez(۱۹۷۷)«A Model of Exchange Rate Determination Under Currency Substitution and Rational Expectations»Journal of Political Economy,Vol.۸۵,June,pp ۶۱۷-۲۵. ۵. Clements,Bendedict and Gerd Schwartz,(۱۹۹۲)«Currency Substitution:The Recent Experience of Bolivia»,IMF Working Paper,Wp/۹۲/۶۵,Aug. ۶. Edwards, Sebastian(۲۰۰۱),«Dollarization and Economic Performance:an Empirical Investigation»Working Paper ۸۲۷۴,National Bureau of Economic Research,May. ۷. «Dollarization Myths and Realities»Journal of Policy Modeling, Vol .۲۳,pp.۲۴۹-۲۶۵. ۸. El-Erian, Mohamed A(۱۹۸۸) «Currency Substitution in Egypt and Yemen Arab Republic»IMF Staff Papers,Vol.۳۵,no.۱, pp.۸۵-۱۰۳. ۹. Fisher, Stanley(۱۹۸۲) «Seigniorage and the Case for a National Money»Journal of Political Economy,Vol.۹۰, no. ۲April,pp. ۲۹۵-۳۱۳. ۱۰. Guidotti, Pablo E and Carlos A .Rodriguez(۱۹۹۲) «Dollarization in Latin America, Gresham`s Law in Reverse?»IMF Staff Papers,Vol.۳۹, no.۳Septemberpp. ۵۱۸-۵۴۴. ۱۱. Guillermo A Calvo and C.A.Rodriguez(۱۹۷۷) «A Model of Exchange Rate Determination Under Currency Substitution and Rational Expectations» Journal of Political Economy,Vol.۸۵,June,pp.۶۱۷-۲۵. ۱۲. ۱۲-Kamin Steven B and Neil R.Ericsson(۲۰۰۱) «Dollarization in Post- Hyperinflationary Argentina» Journal of International Money and Finance,Revised: November. ۱۳. McKinnon, Ronald I(۱۹۸۲) «Currency Substitution and Instability in the World Dollar Standard»American Economic Review,Vol.۷۲, June,pp.۳۲۰-۳۳. ۱۴. Melvin, Michael and Jerry Ladman(۱۹۹۱) «Coca Dollar and Dollarization of South America»Journal of Money, Credit and Banking, Vol.۲۳, no.۴, November, pp.۷۵۲-۷۶۳. ۱۵. Miles, Marc A (۱۹۷۸)«Currency Substitution, Flexible Exchange Rates and Monetary Independence»American Economic Review no.۶۸Junepp.۴۲۸-۳۶. ۱۶. Miles, Marc A (۱۹۷۸) «Currency Substitution: Perspective, Implications, and Empirical Evidence»In Bluford H. Putnam and D. Sykes Wilford(Eds.),The Monetary Approach to International Adjustment, praegerpp.۱۷۰-۱۸۳. ۱۷. Miles, Marc A and Marion B,Stewart (۱۹۸۰) «The Effects of Risk and Return on the Currency Composition of Monet Demand»Weltwlrtschaftliches Archiv, Bd.CXVI, Heft ۴,pp.۶۱۳-۶۲۵. ۱۸. Mongardini, Joannes and Johannes Muller(۱۹۹۹)«Ratchet Effects in Currency Substitution:An Application to the Kyrgyz Republic» IMF WP/۹۹/۱۰۲, Julypp.۱-۲۳. ۱۹. Ortiz,Guillermo(۱۹۸۳) «Currency Substitution in Mexico : The Dollarization Problem» Journal of Money, Credit and Banking, Vol.۱۵ no.۲ May pp.۱۷۴-۸۵. ۲۰. Ramirez-Rojas,C.Luis(۱۹۹۶)«Monetary Substitution in Developing Countries» Finance and Development Juneno .۴pp.۳۵-۴۱. ۲۱. (۱۹۸۵) «Currency Substitution in Argentina, Mexico and Uruguay»IMF Staff Papers ,December ,Vol.۳۲,no .۴,pp.۶۲۶-۶۶۷. ۲۲. Rogers, John H(۱۹۹۲) «The

Currency Substitution Hypothesis and Rlative Money Demand in Mexico and Canada،Journal of Money, Credit and Banking, Vol.۲۴ no.۳, August [A],pp.۳۰۰-۳۱۸. ۲۳. Rojas, Suarez,Liliana(۱۹۹۰) ،Currency Substitution and Inflation in Developing Countries،IMF Working Paper,WP/۹۰/۶۴,Julypp.iii&۱-۲۷. ۲۴. Spinell, Franco(۱۹۸۰) ،The Demand for Money in the Italian Economy:۱۹۶۷-۱۹۶۵، Journal of Money Economics,Vol.۶pp.۸۳-۱۰۴. ۲۵. Sturzenegger, Federico A(۱۹۹۷) ،Understanding the Welfare Implications of Currency Substitution، Journal of Economic Dynamics and Control,Vol.۲۱,pp.۳۹۱-۴۱۶. ۲۶. Vegh, Carlos A ۱۹۸۹) ،The Optimal Inflation Tax in the Presence of Currency Substitution، Journal of Monetary Economics,Vol. ۲۴pp.۱۳۹-۱۴۶.
Abstract Using the currency substitution theory, this paper attempts identify the determinants of currency substitution degree in Iran.The hypotheses of this paper are: ۱.In Iranian economy the trend of currency substitution has been ascending. ۲.There is a direct relationship between the degree of currency substitution and domestic inflation rate of the country (CPI). ۳.The degree of currency substitution has an indirect relationship with the foreign exchange rate in the parallel market. ۴. The degree of currency substitution in Iran has a direct relationship with GDP. The results reveal that the first and second hypotheses were proved and the third and fourth ones were rejected. Despite the reduction in the volume of dollar in some years, the trend of currency substitution has been increasing. Key Words: Currency Substitution, -.Dollarization, Demand for Domestic Money, Demand for Foreign Money, Iran

بیکاری تعادلی شیوه منظم کردن کارگران

بیکاری تعادلی به عنوان شیوه منظم کردن کارگراندکترمحمد لشکری
چکیده: بیکاری به وضعیتی اطلاق میشود که بخشی از نیروی فعال جامعه که قادر و مایل به کار هستند شغل مناسبی در شأن اجتماعی خود پیدا نمی کنند. در این مقاله سطح بیکاری تعادلی و وضعیت کمبیکاری کارگران مورد بررسی قرار می گیرد. کار فرمایان هم سطح دستمزد و هم سطح بیکاری را تعیین می کننـد. آنها دستمزد بالاتر از دستمزد تعادلی می پردازنـد تا تعدادی از کارگران بیکار بمانند و کارگران شاغل به خاطر ترس از اخراج و از دست دادن کار خود کم کاری نکنند. سود کارفرمایان مستقیم و غیر مستقیم به دستمزد بستگی دارد، زیرا پرداخت دستمزد بالاتر موجب کاهش کم کاری و نهایتاً افزایش سود می شود. واژگان کلیدی: بیکاری، نرخ بیکاری، نظم، کم کاری۱. مقدمه در مقاله حاضر بیکاری به عنوان وسیلهای برای نظم بخشیدن به کارگران و جلوگیری از کمکاری تعریف میشود. کارفرمایان برای جلوگیری از کمکاری کارگران شاغل دستمزهای بالاتر از دستمزدهای تعادلی می پردازنـد و سطح بیکاری را بالاـ نگه میدارنـد تـا کـارگران شاغل به خاطر ترس از بیکاری کمکاری نکننـد. بعضـی از متغیرهـاماننـد افزایش حقوق بیکـاری موجب افزایش کمکاری کارگران شاغل میشود و لـذا کارفرمایان مجبورنـد دستمزد بالاتری بپردازند. مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است. در بخش دوم ادبیات بیکاری و اشتغال بررسی میشود. در بخش سوم بیکاری تعادلی به عنوان شیوه منظم کردن کارگران در نظرگرفته میشود. بخش چهارم مـدل شپیرو و استیگلیتز ارائه می شود. بخش پنجم به خلاصه و نتیجهگیری مربوط میشود.۲. مروری بر ادبیات موضوع صادقی و همایونیفر(۱۳۸۰:۱۷-۳۴)نشان دادهاند که در ایران سهم اشتغال در بخش کشاورزی در حال کـاهش است و در عین حـال بهرهوری نیروی کار در این بخش به سمت بهبود پیش میرود. عمادزاده(۱۳۸۱: ۲۹-۵۰) تحصیلات را به عنوان علایم راهنما در بازار کار معرفی میکنـد. به نظر وی تحصیلات بالاتر نشاندهنـده ظرفیتهـای فردی، اقتـدار، انگیزه، علاقه و پشتکار است، بنابراین کارفرمایان برای استخدام نیروی کار تحصیلات بالاتر را به عنوان قابلیت بیشتر در نظر میگیرنـد. قوامی(۱۳۸۲:۶۳-۹۱) به تحولات خود اشتغالی طی دوره ۱۳۳۵- ۱۳۷۵ پرداخته و نـتیجه گرفته خود اشـتغالی در نقـاط روسـتایی ایران از ۶۱ درصـد در سـال ۱۳۳۵ بـه ۲۱ درصـد در سـال ۱۳۷۵ کـاهش یـافته است. رضـوی و مشرفی(۱۳۸۳:۱-۳۷) با طراحی درون زای سیستم جمعیتی و اقتصادی کشور در قالب یک الگوی پویای سیستمی، عرضه و تقاضای نیروی کار و بیکاری را محاسـبه نموده انـد. محاسبه آنها نشان میدهد که سالهای ۱۳۸۳و۱۳۸۴ سالهـای اوج بیکاری کشور است، و در سال۱۳۸۴ نرخ بیکاری به ۲۲درصد می رسد. صفوی(۱۳۸۳:۱۴۳-۱۶۷) به بررسـی قابلیت های اشتغال زایی بخش صنعت ایران می پردازد. وی به بررسـی توان نفر- شـغل ایجاد شده صنعت و پتانسیل اشتغالزایی غیرمستقیم هریک از زیر بخشهای صنعتی کشور مطابق طبقهبندی ISIC پرداخته و نتیجه گرفته است که بخش صنایع پوشاک و سپس بخش نساجی به ترتیب با ۱۳و۱۲ نفر- شغل بزرگترین ضریب اشـتغال را داشـته و بیشترین شـغل را به ازای ارزش یک میلیون ریال تولیـد ناخالص خود ایجاد میکنند و ضـرایب غیرمستقیم اشتغال آنها نیز از سایر بخش ها بزرگتر است. میرمعزی(۱۳۸۳: ۱۰۳-۱۳۳) به بررسی نظریهٔ رفتار تولید کننده و تقاضای کار در اقتصاد اسـلامی می پردازد و نتیجه میگیرد در اقتصاد اسـلامی در وضعیت مساوی به دو دلیل سطح اشتغال و تولید، بالاتر از اقتصاد متعارف است:۱- وجود بنگاههایی که با انگیزه حداکثر کردن تولید فعالیت میکنند. ۲- وجود بازارهای مشارکت نیروی کار در سود میر معزی(۱۳۸۳: ۹-۳۰) تعادل در بازار کار و اسـتخراج عرضهٔ کل در اقتصاد اسـلامی را بررسـی میکند و نتیجه میگیرد در اقتصـاد اسـلامی منحنی عرضهٔ کـل هماننـد الگوی کلاسـیک عمودی است و قیمتها به دلیل دخالت دولت و تعیین حـداقل دسـتمزد توسط دولت جهت دفاع از حقوق کارگران و تحقق عدالت اقتصادی چسبنده است. در کشورهای پیشرفته صنعتی، یکی از عوامل مهم تعیین کننده تقاضای آموزش عالی شـرایط بازارکار و سطح حقوق و دستمزد در رشتههای مختلف است.(فرجادی،۱۳۸۳: ۵۵-۶۲) به نظر وی در ایران بـا وجود افزایش میزان بیکاری تحصـیل کردههای دانشـگاهی به ویژه در رشـتههای علوم انسانی- اجتماعی عطش ادامه تحصـیل در آموزش عـالی نه تنها علائمی از کاهش را نشان نمیدهـد، بلکه به طور مـداوم در حال افزایش است. هرچه میزان بیکاری فارغ التحصیلان دبیرستانی بیشتر باشد، هزینه فرصت برای آموزش عالی کمتر و انگیزه برای ادامه تحصیل د ردانشگاه بیشتر از سایر مقاطع آموزشـی خواهد بود. در حال حاضر ۵/۱۳ درصد از نیروی کار کشور به طور آشکار بیکارند. این درصد برای برخی از اسـتانها از جمله کرمانشاه، خوزسـتان، سیسـتان و بلوچسـتان و لرستان از مرز ۲۰ درصـد می گـذرد. میزان بیکاری پنهان یا اشـتغال ناقص در سـطح ملّی حدود ۷/۱۸ درصداست.(علیزاده،۱۳۸۳: ۴۵-۵۳) سالیانه حـدود ۷۰۰ تا۸۰۰ هزار فرصت شـغلی جدید مورد نیـاز است. علیزاده علت اصـلی بیکاری را گسترش نظام مـدیریت اجرایی ناکارآمـد ذکر می کنـد. لشـکری(۱۳۸۳) به بررسـی وضـعیت اشـتغال دانشجویان دانشگاه پیام نور در حال تحصیل می پردازد. وی نتیجه می گیرد که تحصیل در دانشگاه به دانشجویان مایل به کار کمک میکند تا فرصـتهای شغلی مناسبتری پیدا کنند.۳. بیکاری تعادلی به عنوان شـیوه منظم کردن کارگران بنگاههای اقتصـادی برای به انزوا کشانـدن نیروی کـار از ابزار بیکـاری اسـتفاده می کننـد. برای جلوگیری از رفتار بـد کارگران در کمکاری۲ بنگاههای اقتصادی سـطح بیکاری جامعه را کنترل می کنند. نیروی کار نیاز به کنترل دارد و این کنترل هزینه دارد. اگر ابزاری باشد که کارگر را از کم کاری باز بدارد و هزینه نداشـته باشد، کارفرمایان از این ابزار اسـتفاده خواهند کرد. این ابزار بیکاری است، این نوع بیکاری تعادلی است زیرا سطح آن را بنگاههای اقتصادی تعیین میکنند. اگر نرخ بیکاری در جامعه بالا باشد، کارگر برای ترس از پیـدا کردن کار جدیـد سـعی میکند رفتار خود را متناسب با رضایت کارفرما تنظیم نماید. بنگاهها هرچه کنترل بیشتری در جامعه برای بیکاری داشـته باشـند بهتر کارگران را کنترل میکنند، پس بنگاهها هم سـطح بیکاری و هم سطح مزد را تعیین میکنند. البته این نوع بیکـاری کاملاًـ غیرارادی است چون کـارگران تمایـل ندارنـد بیکـار باشـند ولی کارفرمایـان برای منظم کردن کـارگران سـطح

بیکاری را بالا نگه میدارند. یکی از دلایلی که در اقتصاد چسبندگی دستمزد وجود دارد و بنگاهها حاضر نیستند دستمزد را کاهش دهند این است که بنگاهها میخواهند در کارگر نظم ایجاد کنند. اگر سطح بیکاری درجامعه زیاد باشد این ابزار مؤثر است. ولی بنگاهها حاضر نیستند سطح بیکاری خیلی افزایش یابد زیرا باید دستمزد بسیار بالایی بپردازند. بیکاری تعادلی به عنوان ابزاری برای نظم بخشیدن به کارگران مورد استفاده قرار میگیرد. سود بنگاه نه تنها مستقیم بلکه غیرمستقیم نیز به دستمزد بستگی دارد، زیرا دستمزد بالاـ موجب کاهش کمکاری و کاهش هزینه کنترل و نهایتاً افزایش سود می شود. دستمزد به طور مستقیم در هزینه و به طور غیرمستقیم در درآمد کل می آید. دو تن از اقتصاددانان به نام شپیرو و استیگلیتز مدلی را ارائه مینمایند و به صورت ریاضی نشان میدهند، که سطح بیکاری توسط کارفرمایان تعیین میشود کارفرمایان سطحی از بیکاری را تعیین می کنند که برایشان حداکثر سود را ایجاد نماید. در زیر به بررسی مدل آنها می پردازیم. محور افقی اشتغال و محور عمودی دستمزد را نشان میدهد درسطح دستمزد تعادلیW** سطح اشتغال E**است و کمکاری هم وجود دارد. قسمت هاشور خورده شرط عدم کمکاری است، اگر دستمزد ازW* بیشتر باشد اشتغال کمتر از E* است و نیروی کار به علت اینکه میداند سطح بیکاری نسبتاً بالا است لذا کمکاری نمیکند. اگر دستمز کمتر از W* باشد کمکاری افزایش میابد. بنگاهها به اندازه(E–*E=U**) بیکاری ایجاد میکنند و دستمزد بالاتر (Your browser may not support display of this image.) می پردازند تاکارگران کمکاری نکنند. هرکدام از پارامترها یا متغیرها تغییرکنند منحنی ها جابهجا میشوند و سطح اشتغال و دستمزد تعادلی و دستمزد لازم برای جلوگیری از کمکاری تغییر میکند. بنگاهها به خاطر اینکه میخواهند حداکثر کارایی را حفظ کنند دستمزد را بالا نگهمیدارند. ۵- خلاصه و نتیجهگیری سود بنگاه هم مستقیم و هم غیرمستقیم به دستمزد بستگی دارد و بنگاه برای کاهش کمکاری مجبور است دستمزدی بالاتر از دستمزد تعادلی بپردازد. افزایش حقوق بیکاری موجب افزایش کم کاری میشود و دستمزد لازم برای عدم کم کاری(NSC) را افزایش میدهد. بتابراین کارفرمایان هم دستمزد و هم سطح بیکاری را کنترل می کنند.فهرست منابع و مآخذالف.

فهرست فارسی: رضوی، مهدی و رسام مشرفی(۱۳۸۳")؛ تحلیل دینامیکی اشتغال در اقتصاد ایران؛ "پژوهشهای اقتصادیایران، شماره۱۸،صص۱-۳۷.صادقی،حسین و مسعودهمایونی فر(۱۳۸۰")؛ نقش کشاورزی در تأمین اشتغال و کاهش بیکاری ؛" پژوهشهای اقتصادی، سال اول ، شماره اول،صص ۱۷-۳۴.صفوی، بیژن(۱۳۸۳")؛ بررسی قابلیت های اشتغال زایی بخش صنعت ایران،"پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره۱۹، صص ۱۴۳-۱۶۷.عمادزاده، مصطفی(۱۳۸۱")؛تحصیلات، علایم راهنما در بازارکار،" پژوهشهای اقتصادی، سال دوم ، شماره چهارم،صص ۲۹-۵۰.قوامی،هادی(۱۳۸۲")؛بررسی تحولات خوداشتغالی با استفاده از روش شناسی تجزیه، "پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره۱۵،صص ۶۳-۹۱.لشکری، محمد(۱۳۸۳)؛ طرح پژوهشی در حال اجرا با عنوان؛ بررسی وضعیت اشتغال دانشجویان دانشگاه پیام نور در حال تحصیل.میر معزی، سیدحسین(۱۳۸۳ ")؛تعادل در بازار کار و استخراج عرضهُ کل در اقتصاد اسلامی؛ "فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۵،صص۹-۳۰.میر معزی، سیدحسین(۱۳۸۳ ")؛نظریهُ رفتار تولید کننده و تقاضای کار اقتصاد اسلامی؛ "فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳،صص۱۰۳-۱۳۳.فرجادی، غلامعلی(۱۳۸۳ ")؛آموزش عالی و بیکاری تحصیلکره ها؛"درکتاب بررسی مسائل اجتماعی ایران،دانشگاه پیام نور،صص۵۵-۶۲.فرجادی، غلامعلی(۱۳۸۳")؛ آموزش عالی و بیکاری تحصیلکره ها؛"درکتاب بررسی مسائل اجتماعی ایران،دانشگاه پیام نور،صص۵۵-۶۲.گروه مؤلفان(۱۳۸۳)؛بررسی مسائل اجتماعی ایران،دانشگاه پیام نور.الف .فهرست لاتین:

Alchian, Armen A. and Demsetz, Harod(۱۹۷۲),"Production, Information Costs, and-۱ Economic Organization",American Economic Review,December,۶۲,۷۷۷-۹۵.۲-Shapiro,Cari and Josef E.Stiglitz(۱۹۷۹),"Equilibrium as a worker Discipline Device",Journal of Politcal Economy, Vol.۸۸. no۴. pp. ۴۵-۵۵. Equilibrium Unemployment as a Worker Discipline DeviceM.Lashkari Ph.DAbstract Unemployment is workers don't Work. This paper analysis equilibrium unemployment and shirking. Involuntary unemployment can explain as equilibrium phenomenon. To induce its workers not to shirk, the firm attempts to pay more than the "going wage". When employers raise their wages the incentive not to shirk again disappears. But as a all firms raise their wages, their demand for labor decreases, .and unemployment results

جانشینی پول و ملاحظات اقتصاد اسلامی

جانشینی پول: برخی ملاحظات اقتصاد اسلامی دکتر محمد لشکری

چکیده : جانشینی پول به پدیدهای اطلاق میشود که مردم یک کشور ترجیح میدهند در پرتفوی دارایی خود به جای پول داخلی پول خارجی نگهداری کنند. این امر دلایل متعددی دارد که مهمترین آنها کاهش مداوم ارزش پول ملی، تداوم تورم شدید داخلی، بیثباتی اقتصادی، منفی بودن نرخهای واقعی بهره، خروج سرمایه به علت مهاجرتهای قانونی و غیرقانونی وگسترش فعالیتهای قاچاقکالا است. این پدیده هم درکشورهای پیشرفته و هم درکشورهای درحال توسعه مشاهده شده است، البته درکشورهای پیشرفته جانشینیپول به صورت متقارن و دوطرفه است ولی درکشورهای در حال توسعه به صورت یک طرفه است و سیاستهای پولی این کشورها را تحت تأثیر قرار داده و اثر بخشی سیاستها را کاهش داده است. هدف تحقیق حاضر این است تا پدیده جانشینی پول را در صدر اسلام با زمان حاضر و عملکرد اقتصاد ایران مقایسه نماید. در صدر اسلام و در زمان حیات پیامبر(ص) سرزمینهای اسلامی برای انجام معاملات خود از پول خارجی استفاده میکردند و پول داخلی وجود نداشت بنابراین پول درگردش صددرصد خارجی بود. بعدها در زمان خلفا دولت اسلامی مبادرت به ضرب سکه کرد و به مرور پول داخلی را جانشنین پول خارجی نمود. درحال حاضر اغلب کشورهای مستقل دارای پول ملی هستند اما در کنار پول ملی به دلایل کاهش ارزش پول ملی، تورم شدید داخلی، اختلاف در نرخهای بهره داخلی و خارجی و حجم گسترده معاملات خارجی مردم در سبد دارایی مالی خود مقداری پول خارجی نگهداری میکنند. در اغلب کشورهای اسلامی این پدیده مشاهده شده است. در میان ۲۷کشور درحال توسعه از نظر درجه جانشینی پول خارجی به جای پول ملی ایران رتبه ۱۲، عربستان رتبه ۱۴، ترکیه رتبه ۱۸ وکویت رتبه ۲۳ را دارا می باشند. روند درجه جانشینی پول در ایران صعودی بوده است. لذا پیشنهاد میشود برای جلوگیری از گسترش آن ۱- سیاست مهار تورم در اولویت قرار گیرد. ۲- فرصتهای مناسبتری برای سرمایهگذاری ایجاد شود تا پولهای مازاد به جای تبدیل شدن به دلار و سایر پولهای خارجی در بخشهای اقتصادی سودآور سرمایهگذاری شوند. ۳- تا حد امکان نوسانات نرخ ارز کاهش یابد تا انگیزه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی کاهشیابد. ۴- تدابیری اندیشیده شود که نرخ سود درسیستم بانکی با توجه به نرخ تورم مثبت باشد.واژگان کلیدی:پول، پول داخلی، پول خارجی،جانشینی پول، درجه جانشینی پول، اسلام، ایران ۱- مقدمه موضوع این مقاله جانشینی پول: برخی ملاحظات اقتصاد اسلامی است. هدف از این پژوهش مقایسه پدیده جانشینی پول خارجی به جای پول ملی در صدر اسلام و زمان حاضر است. نظریه جانشینی پول فرض میکند که تقاضا برای پول داخلی نه تنها به متغیرهای نرخ بهره داخلی، درآمد داخلی و نرخ تورم داخلی بستگی دارد بلکه به متغیرهایی نظیر نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی و نرخ ارز نیز بستگی دارد. اولین بار کینز(Keynes۱۹۳۶p.۳۵۸) در کتاب " نظریه عمومی، اشتغال، بهره و پول" نوشت: اگر وضعی پیشآید که پول رایج یک کشور خاصیت نقدینگی خود را از دست دهد، جانشینهای فراوانی پای خود را درکفش پول میکنند، مثل بدهیهای کوتاهمدت، پولخارجی، جواهرات، انواع فلزات گرانقیمت و جریانات اعتباری بانک که خلق پول است بدون اسکناس و به آن پول اعتباری میگویند. موضوع جانشینی پول حدود سه دهه است که وارد ادبیات اقتصادی شدهاست. البته پدیده دلاری کردن اقتصاد سابقهای طولانیتر دارد. به عنوان مثال درکشور مکزیک حتی پیش از آنکه بانک مکزیک در سال ۱۹۲۵ تأسیس یابد، شهروندان می توانستند سپردههای ارزی داشته باشند (Ortiz۱۹۸۳p.۱۷۵). این مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است. در بخش دوم

مسأله جانشینی پول طرح می شود. در بخش سوم ضرورت انجام تحقیق میآید. بخش چهارم به معرفی مفاهیم و اصطلاحات می پردازد. جایگاه جانشینی پول در علم اقتصاد در بخش پنجم بررسی میشود. در بخش ششم مبانی نظری و تجربی موضوع جانشینی پول مورد بررسی قرار میگیرد. بخش هفتم پژوهشهای نظری و تجربی انجام شده در ایران بررسی میشود. پول در اقتصاد صدر اسلام در بخش هشتم میآید. بخش نهم به مقایسه پدیده جانشینی پول در نظریه اقتصاد اسلامی و عملکرد اقتصاد ایران میپردازد. پیشنهادات سیاستی در بخش دهم میآید. بخش یازدهم به خلاصه و نتیجه گیری میپردازد. فهرست منابع شامل مآخذی که مستقیم و غیر مستقیم از آنها استفاده شده است در پایان مقاله آمده است.۲- تعریف مسأله به طورکلی برای پول در اقتصاد سه وظیفه مبادلاتی، سنجش و ذخیره ارزش فرض میشود. اگر پول ملی در یک کشور به علل مختلف از جمله تورم، کاهش ارزش پول ملی و بیثباتی اقتصادی وظایف خود را به خوبی ایفا نکند و پول خارجی عهده دار تمام یا بخشی از این وظایف شده باشد میگویند اقتصاد دلاری شده یا جانشینی پول صورت گرفته است. پدیده جانشینی پول اثرات متفاوتی بر اقتصاد کشورهای مختلف داشته است. مطالعات تجربی نشان داده است که این پدیده چه به صورت رسمی و با اراده دولت، چه به صورت غیررسمی و بدون اراده دولت موجب تضعیف پول ملی در داخل و خارج کشور میشود. جانشینی پول در یک کشور موجب میشود که مردم نسبت به آینده اقتصاد کشور خود بدبین باشند. این پدیده موجب میشود تا بانک مرکزی کنترل خود را بر بخشی از پول که به صورت ارز نگهداری میشود از دست بدهد و قدرت استفاده از حقالضّرب و مالیات تورمی کاهشیابد. لذا تأثیر سیاستهای پولی بر متغیرهای واقعی اقتصاد تضعیف میشود. از نظر تئوریک جانشینی پول به علّت تورم داخلی شدید، کاهش ارزش پول داخلی نسبت به ارزهای معتبر و بیثباتی اقتصادی صورت میگیرد. صرف وجود پول خارجی در دست افراد یک کشور یا به صورت سپردههای بانکی جانشینی پول تلقی نمیشود چون ممکن است این پولهای خارجی به دلایل نهادی یا تاریخی در یک کشور وجود داشتهباشد. شرط لازم برای جانشینی پول وجود سطحی از پول خارجی در پرتفوی افراد است. شرط کافی برای وجود این پدیده آن است که سطح این پولها متأثر از متغیرهای اقتصادی مانند نرخ بازده واقعی پول، نرخ تورم، نرخ ارز و درآمد باشد. ۳- ضرورت انجام تحقیق با توجه به اینکه به نظر میرسد این پدیده در جمهوری اسلامی ایران رخ داده است و هنوز هم درحال افزایش است. و تاکنون تحقیقات قابل توجهی روی آن صورت نگرفته است. لذا بررسی و تحلیل ابعاد و آثار مختلف آن ضروری به نظر میرسد.۴- معرفی مفاهیم و اصطلاحات اصطلاحات و واژههای تخصصی که دراین پژوهش مورد استفاده قرار میگیرد صرفاً به مفهوم زیراست : ۱- ارزان شدن پول ملی۲ : منظور از ارزان شدن پول ملی این است که در سیستم نرخ ارز شناور یا در سیستم دوگانه نرخ ارز، نرخ ارز (یک واحد پول خارجی بر حسب پول داخلی) در بازار موازی افزایش یابد. ۲- ارزان کردن پول ملی۳ : منظور از ارزان کردن پول ملی این است که در سیستم نرخ ارز ثابت یا در سیستم دوگانه نرخ ارز، نرخ ارز رسمی (یک واحد پول خارجی برحسب پول داخلی) افزایش یابد. ۳- پول گسترده۴ : منظور از پول گسترده مجموع پول داخلی و پول خارجی در گردش است. ۴- جانشینی پول۵ : هرگاه پول ملی به علت تورم و کاهش ارزش نتواند از عهده انجام وظایف سنتی خود برآید و پول خارجی تمام یا بخشی از این وظایف را بر عهده گیرد جانشینی پول صورت گرفته است. ۵- جانشین سازی پولی۶ : در صورت فقدان محدودیتهای دولت بر افراد در انتخاب پرتفوی خود، در یک حالت حدی ممکن است پول داخلی به طور کامل از گردش خارج شود و پول خارجی جای آن را بگیرد. به این پدیده جانشین سازی پولی گفته میشود. ۶- جانشینی پول یک طرفه۷ : وقتی ساکنین کشور" الف"میخواهند پول رایج درکشور" ب"را نگهداری کنند ولی دیگران تمایلی به نگهداری پول کشور" الف" ندارند، جانشینی پول یک طرفه است.۸ ۷- جانشینی پول متقارن۹ : جانشینی ارز به جای پول ملی هنگامی متقارن است که خارجیان نیز خواهان نگهداری پول ملی باشند. ۸- درجه جانشینی پول۱۰ : منظور از درجه جانشینی پول نسبت حجم پول خارجی در گردش در داخل کشور بر حسب ریال به کل حجم پول داخلی و خارجی در گردش برحسب ریال است. ۹- دلاری شدن رسمی۱۱ : منظور از دلاری شدن رسمی این است که دولت یک کشور رسماً پول خارجی را به عنوان واحد سنجش و ذخیره ارزش می پذیرد. به عنوان مثال دولت یک کشور می پذیرد که دلار آمریکا در کنار پول ملی آن کشور وظایف پول را انجام دهد. در این صورت بانکها در کنار سپردههای پول ملی سپردههای ارزی نیز می پذیرند و دلار نیز در کنار پول ملی در بازار وسیله مبادله کالاها قرار میگیرد. ۱۰- دلاری شدن غیر رسمی۱۲ : بدون آنکه دولت یک کشور رسماً پول خارجی را به عنوان وسیله مبادله و ذخیره ارزش بپذیرد. مردم کشور به خاطر تورم شدید و کاهش مداوم ارزش پول ملی تمایلی به نگهداری پول داخلی ندارند، و بخشی از پول خود را تبدیل به پول خارجی مینمایند، یعنی به علت کاهش ارزش پول ملی ساکنین داخلی پول خارجی را جانشین پول ملی میکنند. ۱۱- نرخ ارز۱۳ : بهای یک واحد پول خارجی به پول داخلی در بازار موازی (مانند بهای یک دلار آمریکا برحسب ریال ایران در بازار موازی). ۱۲- نرخ ارز رسمی۱۴ : بهای یک واحد پول خارجی به پول داخلی به نرخ اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (مانند بهای یک دلار آمریکا برحسب ریال ایران به نرخ اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران). ۱۳- نرخ تورم داخلی۱۵ : درصد افزایش سالیانه شاخص قیمت مصرف کننده در داخل. ۱۴- نرخ تورم خارجی۱۶ : درصد افزایش سالیانه شاخص قیمت مصرف کننده در خارج . ۱۵- نرخ بهره داخلی۱۷ : نرخ سود سپردههای بلند مدت بانکی کشور. ۱۶- نرخ بهره خارجی۱۸: نرخ بهره سپردههای بلند مدت بانکی در خارج. ۱۷- وظیفه سنجش پول: ارزش کالاها و خدمات با پول سنجیده میشود.۱۸- وظیفه مبادلاتی پول: کالاها و خدمات با پول مبادله میشوند.۱۹- وظیفه ذخیره ارزش پول: ارزشهای اقتصادی به وسیله پول ذخیره میشوند.۵- جایگاه جانشینی پول در ادبیات اقتصادیبحث جانشینی پول در حوزه اقتصاد کلان، اقتصاد پول و اقتصاد بینالملل قرار میگیرد. ادبیات جانشینی پول از اقتصاد پولی داخلی و همچنین از اقتصاد پولی بینالمللی نشأت میگیرد، زیرا پدیده جانشینی پول تحت تأثیر متغیرهای کلان و متغیرهای پولی و بینالمللی قرار دارد. و بعضی از آن متغیرها را تحت تأثیر قرار میدهد. در ادبیات اقتصادی دوکلمه جانشینی پول و دلاری شدن اقتصاد به یک مفهوم به کار میروند، بعضی از پژوهشگران بین این دو کلمه تفکیک قائل شدهاند و دلاری شدن را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه ذخیره ارزش و جانشینی پول را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه معاملاتی به کاربردهاند. چون اندازهگیری حجم دلارهای درگردش کار مشکلی است و روش واحد و دقیقی برای آن وجود ندارد و معمولاً به صورت برآورد انجام میشود، لذا تفکیک حجم دلارها با انگیزه ذخیره ارزش و انگیزه معاملاتی با اطلاعات موجود مشکل است. ۶- مروری بر مبانی نظری و تجربی جانشینی پول با توجه به این که ادبیات جانشینی پول سیر تاریخی داشته است. در این مقاله مسیر تاریخی مبانی نظری و تجربی جانشینی پول تجزیه و تحلیل میشود و نقاط عطف بحث جانشینی پول مشخص میشود. کالوو و رودریگز(Calvo&Rodrigues۱۹۷۷pp.۶۱۷-۲۵) فرض میکنند که تابع رجحان نقدینگی افراد به اختلاف بازده انتظاری پول داخلی و پول خارجی بستگی دارد. آنها نشان می دهند که تقاضا برای پول داخلی با اختلاف بین نرخ بازده پول داخلی و خارجی رابطه معکوس دارد.به نظر میلز(Miles۱۹۷۸pp۴۲۸-۳۶) شخصی که خواهان خرید کالا یا خدمت از کشور خارجی است، انگیزه معاملاتی برای نگهداری پول خارجی دارد. صادرکنندگان، واردکنندگان، بازرگانانی که به خارج سفر میکنند، توریستها و ساکنین مناطق مرزی همه انگیزههایی برای تنوع بخشیدن به بالانسهای پولی خود دارند. زیرا با نگهداری پول خارجی هزینه معاملاتی خریدهای خارجی آنها کاهش میابد. صرف وجود پول خارجی بیشتر نسبت به پول داخلی در یک کشور شرط کافی برای جانشینی پول نیست. به دلایل نهادی یا تاریخی ممکن است مقداری پول خارجی در یک کشور وجود داشته باشد. برای وجود جانشینی پول نه تنها باید پول خارجی وجود داشته باشد بلکه سطح این پولها باید در پاسخ به متغیرهای اقتصادی تغییر کند.میلز و استوارت(Miles & Stewart۱۹۸۰pp.۶۱۳-۲۵) میزان بهینه نگهداری پول داخلی و پول خارجی را تابعی از ریسک انتظاری و بازده نسبی دو پول میدانند. به نظر آنها ساکنان کشور برای حداکثرسازی خدمات پولی با توجه به هزینه فرصت نگهداری دو نوع پول با مسأله حداکثر سازی بالا روبرو هستند. گیرتون و راپر(Girton & Roper۱۹۸۰pp.۱۳۵-۱۵۹) اظهار میدارند در اغلب مناطق مرزی کشورهای کمتر توسعه یافته جهان چند پول مورد استفاده قرار میگیرد. نتیجه تحقیق آنها این است که جانشینی پولها دقیقاً متضاد قانون گرشام است زیرا پول خوب پول بد را از میدان خارج میکند. گیرتون و راپر(Girton & Roper۱۹۸۱pp.۱۲-۲۹) یک مدل با دو تابع تقاضا برای پول، با عرضه برونزای پول و یک دارایی غیر پولی ارائه میکنند. در

مـدل آنها تقاضا برای هر دو پول داخلی و خارجی تابعی از متغیرهای نرخ بازده واقعی هر دو پول، نرخ بازده واقعی دارایی غیرپولی و متغیر مقیاس ثروت میباشـد.آرنگو و ندیری(Arango & Nadiri۱۹۸۱pp.۶۹-۸۳) نشـان دادهانـد که افزایش نرخ ارز موجب کـاهش تقاضـا برای پول داخلی میشود زیرا مردم ترجیـح خواهنـد داد پول خـارجی را جانشـین پول داخلیکننـد یعنی قـانون گرشـام معکوس خواهـد شـد و پول خوب پول بـد را از بازار خارج خواهد کرد.بوردو و چودری(Bordo & Chodri۱۹۸۲pp.۴۷-۴۸) اشاره میکنند که جانشـینی پول کاربردهای مهمّی برای کارکرد نرخهای شـناور ارز دارد. اگر درجه جانشـینی پول بالا باشد تغییرات کوچک در عرضه پول داخلی، تغییرات بزرگی در نرخ ارز ایجاد خواهد کرد. جانشینی پول اثرات اختلالزای پولی را از یک کشور به کشور دیگر منتقل میکنـد. اگر جانشـینی پول عمـده باشد، تغییر انتظاری در نرخ ارز میتواند یکی از عوامل تعیینکننده مهم تقاضـا برای پول داخلی باشد.اورتیز(Ortiz۱۹۸۳pp.۸۵-۱۷۴)واژه دلاری شدن را به عنوان درجه معاملات واقعی و مالی که با دلار انجام میشود نسبت به معاملاـتی که با پول داخلی صورت میگیرد تعریف میکنـد. او انـدازه درجه دلاری شـدن اقتصاد را نسبت دلارهای درگردش بـه پـول داخلی در گردش در هر لحظـه از زمـان تعریـف میکنـد. وی ذکر می کنـد که در کشورهـایی که پـول خـارجی جانشـین پول داخلی میشود، سیاستهای پولی بیتأثیر است.کادینگتون(Cuddington۱۹۸۳pp.۱۱۱-۱۳۳) یک مدل مانده پرتفوی عمومی ارائه کرد که درآن تقاضـای سـاکنین داخلی برای پول خـارجی را از تقاضای آنها برای داراییهای غیرپولی خارجی تفکیک میکنـد. سـرمایهگذاران از میان چهار نوع دارایی؛ پول داخلی، پول خارجی، اوراققرضـهداخلی، اوراققرضه خارجی انتخاب میکننـد. کادینگتون فرض میکند چهار نوع دارایی جانشـین ناخالص میباشـند. سؤالکلیدی این است که آیا پول خارجی ابتدائاً برای معاملات یا به منظور پرتفوی نگهـداری میشود؟ کادینگتون میگویـد تقاضا برای پول داخلی و خارجی همراه با افزایش درآمد داخلی افزایش مییابـد. اگر همراه بـا افزایش متغیر معاملاـتی درآمـد تقاضـا برای پول خـارجی افزایش یابـد جانشـینی پول صورت گرفته است. اگر تقاضا برای پول خارجی با تغییرات درآمد رابطه معکوس داشـته باشد ملاحظات پرتفوی بر ملاحظات معاملاتی غالب است. بنابراین اقتصـاد دلـاری شـده است. توماس(Thomas۱۹۸۵pp.۳۴۷-۵۷) فرض میکنــد در طرف تقاضـای پـول، عوامـل اقتصـادی انگیزه نگهـداری پـول خـارجی و داخلی را به طـور همزمـان دارنـد، بنـابراین متغیرهـای نرخ بهره خـارجی، نرخ تـورم خـارجی، تغییرات انتظـاری نرخ ارز در تابع تقاضای پول داخلی مؤثر هسـتند. کانتو و نیکلزبرگ(Canto & Nickelsburg۱۹۸۷) در کتابی به نام "جانشینی پول: نظریه و شواهدی از آمریکای لاتین" به بررسی مسائل پولی زیر در آمریکای لاتین می پردازند:۱- ارتباط بین پول و تورم؛۲- گرایش برنامههـای تثبیت به افزایش نرخ تورم به جای کاهش آن؛۳- همزیستی پولهای داخلی و خارجی در کشورهایی با نرخهـای تورم بالاـ و نرخهـای بهره واقعی منفی بالاـ؛ رویکرد آنها فرمول بنـدی مجـدد نظریه پولی برای اقتصادهایی است که تعادل پولی دارنـد و این نظریه را برای چهار کشور در آمریکای لاتین به کار میبرند(Ibidpp۱-۲). نقطه آغاز این بررسی نظریه جانشینی پول است، مفهومیکه مؤلفین ماننـد سایر نویسـندگان هرگز تعریف دقیقی از آن ارائه نکردهانـد. درعین حال این کتاب برای مطالعه پدیده جانشـینی پول مفید است. زیرا تلاش میکند پایه نظری برای وجود جانشینی پول فراهم کند. نتیجه نهایی تحقیق آنها این است که آزاد سـازی نرخ ارز به کـاهش هزینه کـاربرد پولهـای خـارجی در مبادلات داخلی، ارزان شـدن پول ملی، و دلاری شـدن بیشتر اقتصاد ملی انجامیده است.به نظر الارین(El-Erian۱۹۸۸pp.۸۵-۱۰۳) هرگاه پول خارجی به عنوان ذخیره ارزش، واحد سنجش و واسـطه معاملاتی جانشـین پول داخلی شود و این روند صعودی باشد فرآیند جانشینی پول رخ داده است. او عوامل مؤثر بر جانشینی پول را کـاهش انتظـاری ارزش پول داخلیکه به علت فشارهـای تورمی داخلی صورت میگیرد، انتظـارات کـاهش نرخ ارز و کـاهش نرخهـای بهره واقعی پرداختی بـه سپردههـای داخلی می دانـد. ملـوین(Melvin۱۹۸۸pp.۵۴۳-۵۵۸) بـا رویکرد تـابع مطلـوبیت به بررسـی پدیـده جانشـینی پول در کشورهای بولیوی و مکزیک میپردازد. وی دلاری شـدن را یک فرآینـد بهسازی پولی برخاسـته از طرف تقاضـا میدانـد که به هنگام ناتوانی بانک مرکزی در فراهم آوردن اعتماد به پول ملی پدیـدار میشود. ملوین، با در نظر گرفتن سبـد داراییهـای مالی افراد و بنگاهها، فرض میکنـد که آنها موجودی سبـد داراییهای مالی خود را براساس میزان مطلوبیت به دست آمـده از پول داخلی و پول خارجی بهینه میکنند.وگ (Vegh۱۹۸۹pp.۱۳۹-۱۴۶) موضوع مالیـات تورمی بهینه را در یک اقتصاد باز کوچک که هم پول داخلی و هم پول خارجی به عنوان وسیله مبادله در گردش هستند، بررسی میکند و نشان میدهد که حضور پول خـارجی دولت را قـادر میسـازد تـا از طریق ایجـاد نرخ بهره واقعی مثبت داخلی بـا اختلالاتی که به دلیل نرخ بهره واقعی مثبت خـارجی در اقتصاد ایجاد شـده است مبارزه کنـد. روياس سوارز(Rojas Suarez۱۹۹۰pp.۱-۲۷) مـدلی ارائه میکند که درآن، پول تنهـا شـکل ثروت است، و ساکنـان کشور میتواننـد ترکیبی از پول داخلی و پول خارجی را در پرتفوی خود جای دهنـد. در این مـدل، هر مصـرفکننده تـابع مطلوبیت خود را برای یـافتن ترکیب بهینه پولهـای داخلی و خارجی، با توجه به محـدودیت بودجه خود حـداکثر میکنـد. از حل مسأله حـداکثرسازی، نسبت نگهـداری پول ملی به پولهای خارجی در حالت پایـدار، تابعی از نرخ انتظاری کـاهش ارزش پـول ملی بـه دسـت میآیـد. بهمنی اسـکویی و ملکسـی(Bahmani-Oskoee & Malixi۱۹۹۱۱۳۷۷-۸۴)نشان دادهاند که در کوتاه مدت کاهش نرخ برابری ارز ممکن است تقاضا برای پول را افزایش یا کاهش دهد، ولی در بلند مدت این امر منجر به کـاهش تقاضـا برای پول داخلی خواهـد شـد.ملوین و لاـدمن(Melvin & Ladman۱۹۹۱pp.۷۵۲-۷۶۳) برای بررسـی پدیـده دلـاری شـدن اقتصـاد بولیـوی به علت در دسـترس نبـودن دادههـای مربـوط به پولهـای خـارجی در گردش در اقتصـاد ملی، الگوهای طرف تقاضا را رها کرده و دلاری شـدن اقتصاد را درطرف عرضه بررسـی کردهاند. بهنظرآنها چون فعالیتهای غیرقانونی با پول نقـد(و درآمریکـای لاتین با دلار) تأمین مالی میشود، بسـیاری از دلارهای درگردش در اقتصاد کشورهایی ماننـد بولیوی، پرو و کلمبیا از راه فروش غیرقانونی مواد مخـدر به دست میآید. بنابراین، دلاری شدن اقتصاد برخی از کشورهای آمریکای لاتین را میتوان با تجارت مواد مخدر در آن کشورها همسو دانست. نتیجه تحقیق آنها این است که دلاری شدن اقتصاد کشورهایی مانند بولیوی که به طور غیرقانونی در زمینه مواد مخـدر فعالیت دارند، به میزان زیادی با تولید و فروش این فرآوردهها ارتباط داشـته است.کلمنتس و شوارتز(Clements & Schwartz۱۹۹۲) نشـان دادهانـد که رابطه همسویی بین جانشـینی پول خـارجی به جـای پول داخلی با نرخ انتظـاری کـاهش ارزش پول ملی و تفـاوت نرخهـای بهره پرداختی به سپردههـای ارزی و سپردههای برحسب پول داخلی وجود دارد.راجرز (Rogers۱۹۹۲pp.۳۰۰-۳۱۸) نشان داده است که تحلیل پدیده جانشـینی پول نسبت به دادهها بسیار حسّاس است.به نظر بوفمن و لیدرمن(Bufman & Leiderman۱۹۹۳pp.۱۱۲-۱۱۶) تغییر در درجه جانشـینی پول به تغییر در تأثیر سیاسـتهای پولی و مـالی و بهینه بودن تغییر رژیم نرخ ارزی بسـتگی دارد. برای مثـال، اگر درجه جانشـینی پول بالاـ باشـد، تغییرات کوچک در عرضه پول تغییرات بزرگی در نرخ ارز ایجاد خواهد کرد. آنها همچنین افزایش جانشینی پول را مستلزم تعدیل سیاست مالی میدانند زیرا جانشـینی پول پـایه مالیـات تورمی را کـاهش میدهـد.رامیرز رویـاس (Ramirez-Rojas۱۹۹۶pp.۳۵-۴۱)جانشـینی پول را تقاضا برای پول خارجی توسط ساکنین داخلی تعریف میکند. تقاضا برای پول خارجی اشکال گوناگونی دارد .اسکناسهای خارجی در گردش در داخل یک کشور، سپردههای داخلی یا خارجی که توسط ساکنین بر حسب پول خارجی نگهداری میشود. به نظر وی عوامـل مؤثر بر جانشـینی پول عوامـل نهادی مثل ثروت واقعی، و اختلاف بین نرخ بازده واقعی انتظاری سـرمایه گـذاریهای داخلی و خـارجی است.اگنور و خان(Agenor & Khan۱۹۹۶pp.۱۰۱-۱۱۸) جانشـینی پـول را به صورت فرآینـدی که پول خـارجی به عنوان ذخیره ارزش، واحـد حساب و وسـیله مبادله جایگزین پول داخلی میشود تعریف میکننـد. به نظر آنها این پدیده در کشورهای درحـال توسـعه درحـال گسترش است. این پدیـده که دلـاری شـدن اقتصـاد نیز نامیـده میشود در کشورهایی مشاهـده میشود که در سطـــوح توســـعه مـــالی، درجـــه یکپـــارچگی و رژیـــم ارزی خـــود بـــا باقیمانـــده جهـــان اختلاـــف دارند.استرزینگر(Sturzenegger۱۹۹۷pp.۳۹۱-۴۱۶) نشان میدهد که جانشینی پول بار تورمی را به تقاضای کالاهای بیکشش انتقـال میدهـد زیرا تـورم آثـار تـوزیعی قوی دارد، وقـتی جانشـینی پول وجود دارد عوامـل اقتصـادی بـا درآمـد بالاـ سود و عوامل اقتصادی با درآمد پایین، زیان می برند.به نظر سامرز(۱۹۹۹؛صص۱-۶) اگر کشوری دلار را به عنوان پول رایج بپذیرد میتوان انتظار داشت که امریکا از این اقـدام سود می برد. آشـکارترین ولی کم اهمیتترین آنها در درازمدت این است که کشورهای دیگر با قبول دلـار بـه عنـوان پـول رایـج خـود در واقـع یـک وام بـدون بهره به دولت امریکـا میدهنـد.مونگـاردینی و مـولر (Mongardini &

Muller۱۹۹۹pp.۱-۲۳)جانشینی پول(CS)را به عنوان نسبت سپردههای ارزی به کل سپردهها تعریف میکنند. به نظر آنها نااطمینانی اقتصادی، افزایش انتظارات تورمی، فشارهای گسترده بر نرخ ارز موجب جانشینی پول گردیده است. آنها دلاری شدن اقتصاد و جانشینی پول را در کشورهای تازه استقلالیافته شوروی سابق به ویژه قرقیزستان بررسی میکنند. و نتیجه میگیرند در تمام کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق جانشینی پول به سرعت افزایش یافتهاست. ادواردز و مگندزو(Edwards & Magendzo۲۰۰۱pp.۱-۲۱) به بررسی تأثیر دلاری شدن بر تورم و رشد اقتصادی میپردازند، مطالعه آنها با رویکرد کلان صورت گرفته است، سؤال اصلی آنها این است که: آیا دلاری شدن موجب تورم کمتر و رشد سریعتر میشود؟ برطبق این نظریه دلاری شدن دو اثر مثبت عمده بر عملکرد اقتصاد دارد:۱- اینکه تورم در کشور دلاری شده نسبت به کشور دلاری نشده کمتر است.۲- اینکه کشورهای دلاری شده رشد سریعتری نسبت به کشورهای دلاری نشدهدارند. یافتههای تجربی آنها نشان میدهد که کشورهای دلاری شده نسبت به کشورهای دلاری نشده هم تورم و هم نرخ رشد اقتصادی پایینتری دارند. عالمی(Alami۲۰۰۰pp.۴۷۳-۴۷۹) با ذکر اینکه مدلهای گسترشیافته و تعدیل شده توابع تقاضای پول داخلی و خارجی، بین جانشینی پول (پول خارجی به عنوان وسیله مبادله) و دلاری شدن(پول خارجی به عنوان ذخیره ارزش) تفکیک قائل هستند، فرآیندی را که سود مربوط به سپردههای خارجی به صورت قابل توجهی افزایش مییابد به عنوان جانشینی پول تعریف میکند. وی جانشینی پول را به استفاده از پولهای مختلف به عنوان وسیله مبادله محدود میکند. سایر نویسندگان تعریف خود را به وظیفه ذخیره ارزش پول محدود می کنند. کمین و اریکسون (Kamin & Ericsson۲۰۰۳pp.۱۸۵-۲۱۱) نشان میدهند که تقاضای پزو در آرژانتین با تورم یک رابطه برگشت ناپذیر منفی دارد. آنها اندازه جدیدی از دلاری شدن را بر پایه دادهها ارائه میکنند، و خطای اندازهگیری مرتبط با آن را مورد توجه قرار میدهند. مدل آنها اندازه ضمنی تقاضای بلند مدت داراییهای دلاری مربوط به اثر برگشت ناپذیر را به دست میدهد، و نشان میدهد که مقادیر اندازهگیری شده با دادههای واقعی اندوختههای دلاری تشابه زیادی دارد. بنابراین، برگشت ناپذیری ممکن است جایگزینی برای موجودی دلارها باشد، که فرض قاطع برگشت ناپذیری حقیقی را تحقق میبخشد.۷- بررسی کارهای نظری و تجربی در ایران در این بخش ابتدا تاریخچه جانشینی پول در ایران را بررسی میکنیم و سپس کارهای نظری و تجربی انجام شده را مرور میکنیم.۷-۱ تاریخچه جانشینی پول در ایران روند حجم دلارهای درگردش برآورد شده نشان میدهد که تاریخچه جانشینی پول در ایران به اوایل دهه ۱۳۵۰که درآمدهای نفتی تقریباً چهار برابر شد بر میگردد پس از انقلاب نیز از اواخردهه ۱۳۶۰و اوایل دهه ۱۳۷۰که خرید و فروشهای دلاری و به طور کلی ارزی به پیشنهاد سازمانها و مؤسسات دولتی مختلف آغاز گشت و به تدریج در بیشتر فعالیتهای اقتصادی از جمله فروش بلیت هواپیما رسوخ نمود شدت دلاری شدن رو به افزایش گذاشت(لشکری ۱۳۸۲الف).۷-۲ پژوهشهای نظری و تجربی انجام شده در ایران اولین

پژوهش نظری فارسی در زمینه جانشینی پول مقالهای است که به خلعتبری(۱۳۶۸؛صص۲۹-۴۹) تعلق دارد. خلعتبری در مقاله خود صرفاً به بحث نظری در زمینه جانشینی پول میپردازد. ویژگیهای دلاری شدن را بر میشمارد فرمول محاسبه جانشینی پول خارجی به جای پول ملی را ارائه مینماید و در پایان به معایب دلاری شدن اقتصاد میپردازد و بر جنبههای تخریبی عارضه دلاری شدن از دیدگاه اقتصاد ملی تأکید میکند. خلعتبری بدون انجام کار تجربی دلاری شدن اقتصاد ایران را در اواخر دهه ۱۳۶۰رو به رشد میداند. دومین پژوهش نظری فارسی در زمینه جانشینی پول مقالهای است که به لشکری(۱۳۸۲د) تعلق دارد. لشکری در مقاله خود رویکردهای مطالعه جانشینی پول را به چهار نوع : ۱- رویکرد پرتفوی؛۲- رویکرد کلان؛ ۳- رویکرد تابع مطلوبیت؛ ۴- رویکرد تابع تولید تقسیم میکند. سپس به اغلب کارهای انجام شده در غالب چهار رویکرد فوق اشاره نموده و با دو رویکرد کلان و پرتفوی که در مقالههای(لشکری و فرزین وش ۱۳۸۲الف و۱۳۸۲ب) انجام شده است، روند درجه جانشینی پول را در ایران صعودی میداند. تحقیقات تجربی که در این زمینه در ایران صورت گرفته بسیار محدود است و به طور خلاصه در اینجا مورد بررسی قرار میگیرد: اولین پژوهش تجربی در این زمینه پایاننامه کارشناسی ارشد زالپور(۱۳۷۳) است. در پایاننامه وی جانشینی ارز به جای پول ملی به این صورت تعریف شدهاست: هنگامی که پول ملی از پس کارکردهای سنتیاش برنمیآید و به ناچار حوزه نفوذ خود را در اقتصاد ملی به پولهای خارجی میسپارد جانشینی پول صورت میگیرد. بر اثر جانشینی ارز به جای پول ملی اجرای سیاستهای پولی، بودجهای و ارزی در اقتصاد ملی نافرجام میماند. جانشینی ارز به جای پول ملی در دهههای اخیر موجب بحرانهایی درکشورهای درحال توسعه شدهاست. زالپور درپایان نامه خود به کارکردها و نقش پول ملی میپردازد. او علت اصلی دلاری شدن اقتصاد ایران را در سالهای پس از انقلاب تفاوت چشمگیر نرخ رسمی ارز با نرخ بازار سیاه ارز و افزایش نااطمینانی و ناپایداری اقتصاد ایران در سالهای پس از انقلاب اسلامی میداند. زالپور حجم دلارهای درگردش را از تفاوت ارقام واردات و صادرات که توسط گمرک و بانک مرکزی گزارش شده به دست آوردهاست و آنها را جایگزین حجم دلارهای درگردش کردهاست استدلال او این است که تمام وجوه حاصل از صادرات به حساب بانک مرکزی واریز نشدهاست و ارقام واردات بیشتر صورت داده شدهاست. زالپور پس از محاسبه دلارهای درگردش و درجه جانشینی پول (CS)، درجه جانشینی پول را تابعی از متغیر روند، نااطمینانی و نرخ بازار سیاه ارز گرفتهاست. دوره مورد بررسی زالپور سالهای۱۳۶۴تا۱۳۷۱و دادههای نمونه او ماهیانهاست.نتایج تحقیق زالپور عبارتست از: ۱- افزایش نرخ انتظاری ارزان کردن پول ملی به افزایش جانشینی ارز به جای پول ملی انجامیده است. ۲- افزایش نااطمینانی و ناپایداری اقتصاد ملی، جانشینی ارز به جای پول ملی را افزایش داده است. ۳- افزایش مبادلات اقتصادی با جانشینی ارز به جای پول ملی رابطهای همسو داشته است. ۴- با گذشت زمان، جانشینی ارز به جای پول ملی در اقتصاد ایران بیش از پیش افزایش یافته است. انتقادی که به تحقیق زالپور وارد است این است که تفاوت ارقام بانک مرکزی و گمرک در مورد صادرات و واردات ناشی از تفاوت در زمان ثبت ارقام و تفاوت شیوه محاسبه آنها است زیرا گمرک در زمان صادرات و واردات فیزیکی کالاـ مقدار و ارزش آنها را ثبت میکند ولی بانک مرکزی در زمان واریز مبالغ صادرات و واردات آنها را ثبت میکند و نمیتواند مبنای محاسبه دلارهای درگردش باشد. بیشتر مأخذ حجم دلارهای درگردش کانالهای غیررسمی صادرات و واردات است که در محاسبه زالپور منظور نشده است. زالپور هیچ گزارشی از محاسبات خود در مورد دلارهای درگردش و درجه جانشینی پول ارائه نکردهاست. دومین پژوهش تجربی مقاله نوفرستی(۱۳۷۴؛صص۱-۱۳) است که به مطالعه تجربی تقاضای پول در محدوده سالهای۱۳۳۸تا۱۳۷۱پرداخته و به این نتیجه میرسد که دراقتصاد ایران، هم افزایش نرخ برابری ارز، و هم افزایش نرخ تورم موجب کاهش تقاضا برای پول داخلی میشود. البته چگونگی اثر گذاری تغییرات نرخ برابری ارز و همچنین نرخ تورم بر تقاضای پول، چه از نظر مبانی تئوریک و چه از نظر شواهد تجربی، همچنان مورد اختلاف نظر اقتصاددانان است. سومین کار تجربی مقاله یزدان پناه و خیابانی(۱۳۷۵؛صص۳۳۵-۳۵۹) است که دلایل دلاری شدن اقتصاد را ذکر میکنند و علت دلاری شدن اقتصاد ایران در سالهای پس از انقلاب را کاهش ارزش ریال، محدودیتهای بازارهای مالی و سرمایه، ممنوعیت انتشار اوراق قرضه، کم رونق بودن بازار بورس و تورم میدانند. آنها با تلفیق روشکمین و اریکسون (۱۹۹۳) و روش بردار همجمعی جوهانسون جوسیلیوس (۱۹۹۰ و۱۹۹۴) دلارهای در گردش را برای سه دوره۱۳۵۹-۱۳۶۴و۱۳۶۵-۱۳۶۸و۱۳۶۹-۱۳۷۲برآورد کرده و پس از تقسیم آن برحجم نقدینگی به اضافه دلارهای برآورد شده درجه دلاری شدن را به دست آوردهاند. آنها درجه دلاری شدن اقتصاد ایران را برای سه دوره فوق به ترتیب ۱و۴ و۷ درصد محاسبه نموده و نتیجه میگیرند که درجه دلاری شدن طی دورههای مورد بررسی افزایش یافته است. انتقادیکه به کار یزدان پناه و خیابانی وارد است این است که آنها به جای متغیر اصلی مدل کمین و اریکسون یعنی حداکثر نرخ تورم تا زمان مورد بررسی(Pmax) از نسبت لگاریتم CPI ایران به CPI آمریکا استفادهکردهاند و متغیرهای نرخ ارز و نرخ بهره را نیز از مدل حذف کردهاند که این امر موجب بزرگ شدن عرض از مبدأ میشود و اثر ضرایب متغیرهای حذف شده به ضرایب متغیرهای باقی مانده از جمله نسبت لگاریتم CPIایران بهCPI آمریکا، GDP و LCPIمنتقل شدهاست و چون ضریب نسبت لگاریتم CPIایران بهCPI آمریکا درمعادله برآورد حجم دلارهای درگردش به صورت توان عدد نپرین ظاهر میشود حجم دلارهای درگردش را از میزان واقعی آن کمتر نشان دادهاست. یزدان پناه و خیابانی دادههای برآورد شده در مورد دلارهای

درگردش و درجه جانشینی پول را درمقاله خود گزارش نکردهاند. چهارمین پژوهش تجربی مقاله لشکری و فرزینوش(۱۳۸۲الف)است. آنها با استفاده از روش کمین و اریکسون (Kamin & Ericsson۲۰۰۳pp.۱۸۵-۲۱۱) ابتدا حجم دلارهای در گردش را به صورت سری زمانی بر آورد نموده و سپس به محاسبه درجهجانشینی پول بهصورتسریزمانیمیپردازند. فرضیه آنها این بودهاست که دراقتصاد ایران روند درجه جانشینی پول صعودی بودهاست. نتایج تحقیق آنها نشان میدهد که علیرغم کاهش حجم دلارهای درگردش در بعضی از سالها درطول دوره مورد بررسی، روند درجه جانشینی پول صعودی بودهاست، بنابراین فرضیه تحقیق آنها تأیید میشود. تفاوت پژوهش آنها با پژوهشهای قبلی این است که در پژوهش آنها حجم دلارهای درگردش و درجه دلاری شدن اقتصاد ایران به صورت سری زمانی برآورد شده است.۱۹ پنجمین پژوهش تجربی مقاله فرزینوش و لشکری(۱۳۸۲ب) است. آنها با استفاده از روش بوردو و چودری (Bordo & Chodri۱۹۸۲pp.۴۸-۵۷) و با استفاده از حجم دلارهای در گردش که در مقاله قبلی برآورد کردهاند دو تابع تقاضا برای پول داخلی و خارجی تخمین میزنند. آنها تقاضا برای پول داخلی و خارجی را تابعی از متغیرهای نرخ بهره داخلی و خارجی، نرخ تورم داخلی و خارجی، نرخ ارز و ارزش واردات و تولید ناخالص داخلی در نظر میگیرند. و با توجه به ضرایب متغیرهای مستقل پدیده جانشینی پول را در ایران آزمون میکنند. آنها نشان میدهند که جانشینیپول عامل مهمی در توابع تقاضای پولهای داخلی و خارجی توسط ساکنین است. چون تقاضا برای پول خارجی با متغیر مقیاس(gdp) رابطه مستقیم دارد لذا طبق نظریه کادینگتون اقتصاد ایران وارد مرحله جانشینی پول شده و از مرحله دلاری شدن عبور کرده است زیرا انگیزههای معاملاتی بر انگیزههای پرتفوی غالب شدهاست. این پژوهش اولین پژوهشی است که تابع تقاضا برای پول خارجی توسط مردم ایران را برآورد کرده است. ششمین پژوهش تجربی مقاله لشکری(۱۳۸۲الف) است. لشکری در مقاله خود با رویکرد کلان عوامل مؤثر بر درجه جانشینی پول در ایران را شناسایی نموده و برای جلوگیری از افزایش آن سیاستهایی را پیشنهاد میکند. عوامل مؤثر بر درجه جانشینی پول در ایران در دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۰به نظر وی عبارتند از: ۱- شوک نفتی سال۱۳۵۲؛ ۲- عوامل متعدد بعد از انقلاب اسلامی سال۱۳۵۷؛۳- حجم بالای واردات قانونی و غیر قانونی؛ ۴-نرخ بالای تورم؛ ۵- اختلاف در نرخ بهره داخلی و خارجی؛ ۶- افزایش نرخ ارز در بازار موازی. هفتمین پژوهش تجربی رساله دکتری لشکری(۱۳۸۲ب) است. لشکری در رساله دکتری خود مرور گستردهای برادبیات نظری و تجربی پول مینماید، پژوهشهای نظری و تجربی انجام شده در ایران را نقد و بررسی مینماید سپس با استفاده از مدل کمین و اریکسون(۲۰۰۳) حجم دلارهای درگردش و درجه جانشینی پول را به صورت سری زمانی از سال۱۳۳۸تا۱۳۸۰برآورد نموده سپس عوامل مؤثر بر تقاضای پول خارجی توسط ساکنین داخلی و همچنین عوامل مؤثر بر درجه جانشینی پول را شناسایی کرده عوارض منفی جانشینی پول را معرفی میکند. هشتمین پژوهش تجربی مقاله لشکری(۱۳۸۲ج)است. لشکری در مقاله خود به رتبه درجه جانشینی پول ایران در میان ۲۷ کشور در حال توسعه می پردازد. در میان ۲۷کشور مورد بررسی بولیوی با۵/۸۳ درصد درجه جانشینی پول مقام اول، ایران با۴/۳۸ درصد درجه جانشینی پول مقام دوازدهم، عربستان با۰/۳۶ درصد درجه جانشینی پول مقام چهاردهم، ترکیه با۳/۲۳ درصد درجه جانشینی پول مقام هفدهم، کویت با۹/۱۶ درصد درجه جانشینی پول مقام بیست وسوم، و آنگولا- با۳/۶ درصد درجه جانشینی پول مقام بیست وهفتم را دارا است. به طورکلی همه تحقیقات انجام شده وجود پدیده جانشینی پول را در ایران تأیید میکنند و تمام آنها روند آن را صعودی میدانند. علت اصلی این پدیده نرخ بالای تورم و کاهش ارزش پول ملّی گزارش شده است. ۸- پول در اقتصاد صدر اسلام اقتصاد جزیرۀ العرب پیش از اسلام تجارت بود. شرط تحقق داد و ستد وجود وسیله مبادله معتبر میباشد. جزیره العرب و مناطق همسایه آن یا مستقیماً در قلمرو حکومتهای ایران وروم بودند و یا تحت نفوذ ایشان قرار داشتند. واحد پول دولتهای مزبور درهم و دینار بود(بلاذری؛۴۵۲؛به نقل از صدر؛۱۳۷۴؛۱۴۸). در اقتصاد جزیرهالعرب نیز این دو نوع پول مورد قبول بود، زیرا علاوه بر قدرت سیاسی دولتهای مزبور که وسیله مبادله را در قلمرو حکومت ایشان اعتبار میبخشید، طرفهای بازرگانی اعراب، در نهایت، ایرانیان و رومیان بودند که خرید و فروش خود را با درهم و دینار انجام میدادند. طبعاً در معاملات کشورهای شام یا مصر دینار و در مبادلاتی که در عراق یا ایران صورت می گرفت درهم رد و بدل میشد. گسترش فتوحات اسلامی در قلمرو دولتهای ایران(عراق، ایران، بحرین و ماوراءالنهر) و روم(شام، مصر و اندلس) بر رواج سکههای یاد شده افزود، به خصوص که تا زمان حکومت حضرت علی(ع) سکه جانشین یافت نمیشد. معذالک، درهم متداولتر از دینار بوده است زیرا تقریباً تمام کشور ایران در همان صدر اسلام به تصرف نیروهای اسلام درآمد؛ درحالیکه همه قلمرو دولت روم از تصرف آن خارج نشد. دیگر اینکه اداره بیتالمال مسلمانان از زمان حکومت عمربن الخطاب به اختیار ایرانیان درآمد؛ چه، عمر عده زیادی از دفترداران و حسابدارانی را که با دیوانداری آشنا بودند استخدام کرد و حساب دخل و خرج بیتالمال را به ایشان سپرد. طبعاً ایرانیان حسابهای یاد شده را برحسب درهم ارائه می دادند. خود این امر به رواج آن کمک می کرد. (صدر؛۱۳۷۴؛۱۴۸) ۸-۱ عرضه و تقاضای پول در اقتصاد صدر اسلام در اینجا مراد از پول همان درهم و دینار است، که واحد پول روم و ایران بود. در طول دوران حکومت پیامبر اسلام(ص) و اقامت ایشان در مدینه، دینار از روم و درهم از ایران وارد می شد. بسته به حجم کالاهای صادراتی به این دو کشور یا مناطق تحت نفوذ آنها دینار و درهم و یا کالا به اقتصاد صدر اسلام وارد میشد. چنانچه در بازار داخلی، تقاضا برای پول بیشتر بود، پول به جای کالا و در غیر این صورت، کالا وارد میشد. شایان توجه است که وارد کردن پول هیچ محدودیتی نداشت، چون تقاضای داخلی حجاز برای دینار و درهم تأثیری برتقاضا یا عرضه پول در اقتصاد روم و ایران، به علت کمی حجم نسبی آن، نمیگذاشت. با این وصف، پول در دوران حکومت پیامبر اسلام توسط بیتالمال عرضه نمیشد؛ بلکه مبادلات بازرگانی خارجی تأمین کننده آن بود. به علت فقدان هرگونه مانعی از قبیل تعرفه یا گمرک واردات، پول به اندازهای به حجاز وارد میشد که تقاضای داخلی را تأمین میکرد. از طرفی چون دینار و درهم معادل ارزش خود نقره و طلا داشتند، قابل تبدیل به سایر جواهرات و زینت آلات بودند. از اینرو، میتوان عرضه پول را در اقتصاد صدر اسلام نسبت به سطح درآمد کاملاً با کشش تلقی کرد. در زمان زمامداری عمر، ایران به تصرف او درآمد. از این زمان به بعد، گرچه دولت مستقلی در ایران وجود نداشت که سکه ضرب کند، ولی نهادهای اقتصادی و ضرابخانهها تعطیل نشد(حسن الزمان؛ ۳۳۷ ؛به نقل از صدر؛۱۳۷۴؛ ۱۵۰). از طرفی، خود مسلمانان رفته رفته با تکنولوژی ضرب سکه آشنا شدند؛ به طوری که در زمان خلافت حضرت علی(ع) بیتالمال رسماً به ضرب سکه به نام حکومت اسلامی مبادرت ورزید(کتانی؛ ج۲؛۴۱۳-۴۲۸؛به نقل از صدر؛۱۳۷۴؛۱۵۱). برخی مورخین احتمال میدهند که حتی در دوران عمر یا عثمان نیز سکه ضرب شدهاست؛ ولی، آنچه مسلم است سکههای باقیمانده از آن دوران حکایت از آغاز ضرب سکه از زمان زمامداری حضرت علی(ع) دارد(مرتضی؛ ۱۲۷-۱۳۷؛به نقل از صدر؛۱۳۷۴؛۱۵۱). پس اگر پیش از این بیتالمال بر کیفیت سکههایی که وارد میشد نظارت میکرد،۲۰ از این پس مستقیماً، به عرضه پول می پرداخت. البته دوران خلافت حضرت علی بسیار کوتاه بود، چون پس از چهار سال و اندی خلافت به شهادت رسید و به علت رویدادها و تنشهایی، که در هرسال از حکومت حضرت رخ داد،۲۱ سکه مضروب بیتالمال رایج نشد. لذا، عرضه پول در صدر اسلام را میتوان به همان شکل موجود در زمان پیامبر اکرم(ص) تلقی کرد. مطالعه وضعیت مسلمانان در سالهای پس از هجرت نشان میدهد که تا سال ششم هجرت و پیش از صلح حدیبیه، جامعه مسلمانان پیوسته با خطر براندازی توسط قریش و سایر دشمنان ایشان مواجه بود. به همین علت در دوران حکومت رسول خدا(ص) و خلافت ابوبکر ، عمر و عثمان سکه ضرب نشد. پیش از فتح مکه فعالیتهای اقتصادی مسلمانان محدودتر از آن بود که ضرورت ضرب سکه و عرضه وسیله مبادله را ایجاد کند. اما پس از فتح مکه و گسترش حکومت اسلام، پیامبر اکرم به اقداماتی اساسی نظیر سرشماری عمومی مبادرت ورزید(آیتی؛۱۳۵۹؛۴۴۵-۴۵۰؛ به نقل از صدر؛۱۳۷۴؛۱۵۲).متأسفانه، رحلت پیامبر اکرم مانع تکمیل سرشماری و آغاز هرگونه اقدامی در زمینه ضرب سکه گردید. باید دانستکه تا آن تاریخ مسلمانان با فن زرگری و اسلحه سازی و احتمالاً ضرب سکه آشنا شده بودند (صدر؛۱۳۷۴؛۱۵۲).حال به تشریح تقاضای پول در صدر اسلام می پردازیم. اقتصاد صدر اسلام، مبتنی بر بازرگانی بود. کثرت معاملات و خدمات تجاری تقاضا برای پول را پدید آورد. لذا، تقاضای عمده و اصلی تقاضای معاملاتی پول بود. البته به علت بروز جنگهای متعدد، برای رفع نیازهای پیش بینی نشده و رعایت احتیاط نیز مقداری تقاضای احتیاطی برای پول پدید آمد. به علت تحریم کنز و نهی از تلقی رکبان پول، مصرفی جز معاملات و احتیاط نداشت بنابراین پول فقط دو وظیفه معاملاتی و احتیاطی

داشت. چون عرضه پول کاملاً با کشش بود و تقاضای آن محدود به میزان معاملات بود ارزش پول نسبتاً با ثبات بود لذا انگیزهای برای جانشینی پول وجود نداشت. ۹- مقایسه پدیده جانشینی پول در نظریه اقتصاد اسلامی و عملکرد اقتصاد ایراندر اقتصاد صدر اسلام، در زمان حیات پیامبر(ص) و برخی از خلفا پول در گردش صد در صد خارجی (درهم ایران و دینار روم) بوده است. شخص رسولالله(ص) به علت درگیریها، جنگها و مشکلات متعدد دیگر فرصت ضرب سکه و انتشار پول داخلی پیدا نکردند. عمربن خطاب و عثمان تلاشهایی برای انتشار پول داخلی انجام دادند ولی چندان گسترده نبود. علی(ع) با وجود کوتاهی دوران حکومتشان به ضرب سکه اسلامی اقدام فرمودند. با توجه به اینکه انتشار پول نشاندهنده قدرت حکومت میباشد فرمانروایان اسلامی به مرور تلاش کردهاند تاپول داخلی را جانشین پول خارجی نمایند.براساس شواهد تجربی عملکرد اقتصاد ایران به خصوص از سال۱۳۵۳پس از شوک نفتی و بعد از انقلاب از اواخر دهه ۱۳۶۰و اوایل دهه ۱۳۷۰در جهت افزایش جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی بوده است.(خلعتبری۱۳۶۹؛زالپور۱۳۷۳؛یزدانپناه وخیابانی۱۳۷۵؛لشکری۱۳۸۲؛لشکری و فرزین وش۱۳۸۲) ۱۰- پیشنهادات سیاستی با توجه به اینکه نظریه اقتصاد اسلامی در پی تقویت پول داخلی و گسترش دامنه ترویج آن میباشد و عملکرد اقتصاد ایران در جهت افزایش درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی بوده است واین امر در نهایت موجب تضعیف حاکمیت ملی و تضعیف بینالمللی قدرت دولت می شود برای جلوگیری از افزایش این پدیده پیشنهاد می شود:۱- سیاست مهار تورم در اولویت قرار گیرد.۲- ریسک سرمایهگذاری را با اتخاذ سیاستهای مدبّرانه کاهش دهند.۳- تدابیری اندیشیده شود که نرخ سود درسیستم بانکی با توجه به نرخ تورم مثبت باشد.۴- تا حد امکان نوسانات نرخ ارز را کاهش دهند تا انگیزه جانشینی پول خارجی به جای پولداخلی کاهش یابد.۵- برای جبران کسری بودجه دولت از انتشار اسکناس جدید خود داری کنند و از سیاستهای مؤثر دیگر ازجمله انتشار اوراق مشارکت استفاده نمایند.۶- فرصتهای مناسبتری برای سرمایهگذاری ایجاد نمایند تا پولهای مازاد به جای تبدیل شدن به دلار و سایر پولهای خارجی در بخشهای اقتصادی سودآور سرمایهگذاری شوند. ۱۱ - خلاصه و نتیجه گیریجانشینی پول به پدیدهای اطلاق میشود که مردم یک کشور ترجیح میدهند در پرتفوی دارایی خود به جای پول داخلی پول خارجی نگهداریکنند. این امر دلایل متعددی دارد که مهمترین آنها کاهش مداوم ارزش پول ملی، تداوم تورم شدید، بیثباتیاقتصادی، منفیبودن نرخهای واقعی بهره، خروج سرمایه به علت مهاجرتهای قانونی و غیرقانونی و گسترش فعالیتهای قاچاق کالا است. به نظر میرسد که علت اصلی افزایش درجه جانشینی پول نرخهای تورم بالا، منفی بودن نرخ واقعی بهره داخلی نسبت به نرخ بهره خارجی و سیر نزولی ارزش پول ملی میباشد. در صدر اسلام جانشینی پول برعکس شرایط حاضر بودهاست. در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر(ص) کل پول درگردش پول خارجی بوده، مسؤلین حکومت اسلامی در طول تاریخ تلاش نمودهاند تا پول داخلی را جانشین پول خارجی نمایند. در حال حاضر به علت تحولات بینالمللی اغلب کشورها در معاملات بینالمللی و گاهی داخلی از پولهای خارجی استفاده میکنند. در اقتصادهای باز و بزرگ جانشینی پول دو طرفه است و این پدیده برای آنها مشکلی ایجاد نمیکند. ولی در اقتصادهای باز و کوچک جانشینی پول یک طرفه است و به مرور پول خارجی جانشین پول داخلی شده یعنی قانون گرشام معکوس است زیرا:«پول خوب پول بد را از میدان خارج می کند » Geresham´s Law in Revers: “Good Money Displaces bad” پیشبرد علمی این مقاله چنین است: که اقتصادهای باز کوچک مثل ایران در تابع تقاضای پول داخلی خود علاوه برمتغیرهای نرخ بهره داخلی، نرخ تورم و درآمد داخلی باید متغیرهای نرخ ارز بازار موازی و نرخ تورم خارجی و نرخ بهره خارجی را نیز وارد نمایند. کشورهای اسلامی با توجه به تمدن بزرگی که دارند باید طوری عمل کنند که پول آنها در سطح بینالملل تقویت شده و جریان جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی را معکوس نمایند.

فهرست منابعالف. فارسی۱- آیتی، محمد ابراهیم(۱۳۵۹)؛ تاریخ پیامبر اسلام؛ به کوشش ابوالقاسم گرجی؛ انتشارات دانشگاه تهران.۲- بلاذری، احمد بن یحیی(۱۹۷۸م)؛فتوح البلدان؛ علق علیه رضوان محمد رضوان؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه.۳- بهمنیاسکویی، محسن(۱۳۷۲)؛ " اثراتکلان اقتصادی کاهش ارزش خارجی ریال ایران در دوران پس از انقلاباسلامی" ؛ گزارش سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ صص۸۷-۱۲۰.۴- بهمنیاسکویی، محسن(۱۳۸۰)؛ " نرخ ارز بازار سیاه و تقاضا برای پول در ایران" ؛ پژوهشها و سیاستهای اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ شماره۱۹؛ صص۳-۹.۵- بیاتی، ملکزاده(۱۳۷۰)؛ تاریخ سکه از قدیمترین ازمنه تا دوره ساسانیان؛ چاپ چهارم؛ انتشارات دانشگاه تهران.۶- توتونچیان، ایرج(۱۳۷۹)؛ پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایهداری؛انتشارات مؤسسه فرهنگی- هنری توانگران.۷- خلعتبری، فیروزه(۱۳۶۸)؛ " اقتصاد دلاری و سپردههای ارزی: بحث نظری و مفاهیم آن از دید اقتصاد کلان" ؛ اقتصاد مدیریت؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ شماره۱؛ صص۲۹-۴۹.۸- خلعتبری، فیروزه(۱۳۶۹)؛" اقتصادزیرزمینی"؛مجلهرونق؛سالاول؛شماره۱؛صص۵-۱۱و شماره۲ ؛صص۱۱ - ۱۸.۹-"دلاری شدن اقتصاد: نگاهی به تجربه کشورهای امریکای لاتین" (۱۳۷۱)؛ گزارش تحقیقی شرکت سرمایهگذاری سازمان صنایع ملّی ایران؛ قسمت پژوهش و مشاوره؛ شماره۲۳؛ صص۱-۱۱.۱۰- زال پور، غلامرضا(۱۳۷۳)؛ جانشینی ارز به جای پول ملّی در اقتصادایران؛ پایاننامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت مدرس.۱۱- سامرز، لورنس(۱۹۹۹)؛ "دلاری شدن اقتصاد کشورهایآمریکای لاتین" ؛ خبرگزاری رویتر؛ ترجمه اداره مطالعات و سازمانهای بینالمللی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ صص۱-۶.۱۲- ساهای، راتنا و کارلوس وگ(۱۳۸۰)؛ "دلاری شدن اقتصاد کشورهای درحالگذر"؛ ترجمه کورش معدلت؛ مجله اقتصادی معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ دوره دوم؛ سال اول؛ شماره دوم؛ صص۲۶-۳۰.۱۳- صدر، سیدکاظم(۱۳۷۴)؛ اقتصاد صدر اسلام؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.۱۴- صدر، سیدکاظم(۱۳۶۹)؛ پول و سیاستهای پولی در صدر اسلام؛ مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران؛ صص۱-۲۳ .۱۵- طباطبایی، محمدحسین(۱۳۶۲)؛ سنن النبی؛ ترجمه محمد هادی فقهی؛ تهران؛ اسلامیه.۱۶- عربمازاریزدی، علی(۱۳۸۰)؛ "اقتصاد سیاه درایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر " ؛ مجله برنامه و بودجه شماره ۶۲ و۶۳ ؛ صص۳-۶۰.۱۷-الکتانی، عبدالحی(بی تا)؛ نظام الحکومه النبویه؛ المسمی التراتیب الاداریه؛ بیروت؛ داراحیاء التراث العربی.۱۸-کمیجانی، اکبر و رافیکنظریان (۱۳۷۰) ؛ "سنجش درجه جانشینی میان پول و شبه پول در اقتصاد ایران"؛ اقتصاد و مدیریت؛ شمارههای ۱۰و۱۱.۱۹- لشکری، محمد و اسدااله فرزین وش(۱۳۸۲الف)؛ تخمین حجم دلارهای در گردش و اندازهگیری درجه جانشینی پول درایران؛ مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران؛ ویژهنامه.۲۰- فرزینوش، اسدااله و محمد لشکری (۱۳۸۲ب)؛ جانشینی پول و تقاضا برای پول: شواهدی از ایران؛ در حال چاپ.۲۱- لشکری، محمد(۱۳۸۲الف)؛ تحلیل پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن در ایران؛ در حال چاپ.۲۲- لشکری، محمد(۱۳۸۲ب)؛ تحلیل پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن (مورد ایران)؛ رساله دکتری علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت مدرس.۲۳- لشکری، محمد(۱۳۸۲ج)؛ رتبه درجه جانشینی پول ایرا و سایر کشورها ؛ منتشر نشده.۲۴- لشکری، محمد(۱۳۸۲د)؛ مروری بر مبانی نظری و تجربی پدیده جانشینی پول ؛ در حال چاپ.۲۵- مرتضی، جعفر(۱۴۰۰ق)؛ در اسارت و بحوث فی التاریخ والاسلام،بی م؛ ناشر مؤلف.۲۶- نوفرستی، محمد(۱۳۷۴)؛" رابطه تقاضا برای پول با نرخ برابری ارز و نرخ تورم"؛ برنامه و توسعه ؛ دوره۲؛ شماره۱۱؛صص۱-۱۳ .۲۷- والکر، مارتین(۱۳۷۸)؛"رام کردن دلار"؛ نامه اتاق بازرگانی؛ شماره۱؛ صص۴۰-۴۳.۲۸- والکر، مارتین(۱۳۷۸)؛"رام کردن دلار"؛ نامه اتاق بازرگانی؛ شماره۲؛صص۳۲-۳۵.۲۹-یزدانپناه،احمد و ناصرخیابانی(۱۳۷۵)؛" جایگزینی پول ملّی (دلاری شدن اقتصادایران)"؛ مجموعهمقالات ششمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ صص۳۳۵- ۳۵۹. ب .انگلیسی

Agenor,Pierre-Richard and Mosin S. Khan(۱۹۶۶)“Foreign Currency Deposits and the-۱ Demand for Money in Developing Countries”Journal of Development Economics Vol.۵۰ pp.۱۰۱-۱۱۸.۲-Alami,Tarik H(۲۰۰۱)“Currency Substitution Versus Dollarization a Portfolio Balance Model” Journal of Policy Modeling Vol.۲۳pp.۴۷۳-۴۷۹۸. ۳-Arango, Sebastian and M. Ishaq Nadiri(۱۹۸۱)“Demand for Money in Open Economies”Journal of Monetary Economics :Vol.۷pp.۶۹-۸۳.۴-Bahmani-Oskooee,Mohsen and Margaret

Malixi(۱۹۹۱)"Exchange Rate Sensitivity of Demand for Money in Developing Countries"Applied EconomicsVol .۲۳pp.۱۳۷۷-۱۳۸۴.۵-Bahmani-Oskooee,Mohsen(۱۹۹۶)"The Black Exchange Rate and Demand for Money in Iran"Journal of MacroeconomicsWinterVol .۱۸pp.۱۷۱-۱۷۶.۶-Bordo, Michael D and Ehsan Choudri(۱۹۸۲)"Currency Substitution and the Demand for Money:Some Evidence for Canada"Journal of Money Credit and Banking Vol.۱۴ February pp.۴۸-۵۷.۷-Bufman, Gil and Leonardo Leiderman(۱۹۹۳)"Currency Substitution under Nonexpected Utility : Some Empirical Evidence" Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۵ no.۳ August pp.۱۱۲-۱۱۶.۸-Calvo, Guillermo A and Carlos A.Vegh(۱۹۹۲)"Currency Substitution in Developing Countries and C.A.Rodriguez(۱۹۷۷)"A Model of ________-: An Introduction"IMFWP/۹۲/۴۰ May .۹ Exchange Rate Determination Under Currency Substitution and Rational Expectations"Journal of Political EconomyVol.۸۵Junepp.۶۱۷-۲۵.۱۰-Calvo, Guillermo A(۱۹۸۵)"Currency Substitution and Real Exchange Rate:The Utility Maximization Approach" Journal of International Money and Finance Vol.۴ pp.۱۷۵-۸۸.۱۱- Canto,Victor A and Gerald Nickelsburg(۱۹۸۷)Currency Substitution:Theory and Evidence from Latin AmericaKluwer Academic

ostonMassachusetts.

۱۲-Clements,Bendedict and Gerd Schwartz,(۱۹۹۲)"Currency Substitution:The Recent Experience of Bolivia"IMF Working PaperWp/۹۲/۶۵Aug.۱۳-Cuddington,John T(۱۹۸۳)"Currency Substitution, Capital Mobility and Money DemandJournal of International Money and FinanceVol.۲pp.۱۱۱-۱۳۳.۱۴-El-Erian, Mohamed A(۱۹۸۸)"Currency Substitution in Egypt and Yemen Arab Republic"IMF Staff PapersVol.۳۵no.۱ pp.۸۵-۱۰۳.۱۵-Girton, Lance and Don. Roper(۱۹۸۱)"Theory and Implications of Currency Substitution " -Journal of Money, Credit and BankingVol.۱۳ no.۱Februarypp. ۱۲-۲۹.۱۶ Theory of Currency Substitution and Monetary "(۱۹۸۰)________________ Unification " Economie Appliqueepp.۱۳۵-۱۵۹.۱۷-Guidotti, Pablo E and Carlos A .Rodriguez(۱۹۹۲)"Dollarization in Latin America, Gresham`s Law in Reverse?"IMF Staff PapersVol.۳۹ no.۳Septemberpp. ۵۱۸-۵۴۴.۱۸-Kamin Steven B and Neil R.Ericsson(۲۰۰۳)"Dollarization in Post-Hyperinflationary Argentina" Journal of International Money and FinanceVol.۲۲pp.۱۸۵-۲۱۱.۱۹-Keynes,John Maynard(۱۹۳۶)The General Theory of Employment, Interest and MoneyNew York:Harcourt, Brace and Company.۲۰-Marquez,Jaime(۱۹۸۷)"Money Demand in open Economies:A Currency Substitution Model for Venzurla"Lournal of International Money and Finance Vol.۶pp.۱۶۷-۱۷۸.۲۱-McKinnon, Ronald I(۱۹۸۲)"Currency Substitution and Instability in the World Dollar Standard "American Economic ReviewVol.۷۲ Junepp.۳۲۰-۳۳.۲۱-Melvin, Michael and Jerry Ladman(۱۹۹۱)"Coca Dollar and Dollarization of South America"Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۳ no.۴ November pp.۷۵۲-۷۶۳.۲۲-Miles, Marc A(۱۹۷۸)"Currency Substitution, Flexible Exchange Rates and Monetary Independence"American Economic Review no.۶۸Junepp.۴۲۸-۳۶.۲۳-Miles, Marc A(۱۹۷۸)"Currency Substitution: Perspective, Implications, and Empirical Evidence"In Bluford H. Putnam and D. Sykes Wilford(Eds.),The Monetary Approach to International Adjustment, praegerpp.۱۷۰-۱۸۳.۲۴-Monadjemi,M(۲۰۰۲)"Implications of Changes in International Capital Mobility" The۱۲th Conference on Monetary and Exchange Policies Monetary and Banking Research Academy Central Bank Of Islamic Republic of IranMaypp.۲۰-۲۱ .۲۵-Mongardini, Joannes and Johannes Muller(۱۹۹۹)"Ratchet Effects in Currency Substitution:An Application to the Kyrgyz RepublicIMFWP/۹۹/۱۰۲Julypp.۱-۲۳.۲۶-Ortiz,Guillermo(۱۹۸۳)"Currency Substitution in Mexico:The Dollarization Problem" Journal of Money, Credit and BankingVol.۱۵no.۲Maypp.۱۷۴-۸۵.۲۷-Ramirez-Rojas,C.Luis(۱۹۸۵)"Currency Substitution in Argentina, Mexico and Uruguay"IMF Staff Papers December Vol.۳۲no .۴pp.۶۲۶-۶۶۷.۲۸-Rogers, John H(۱۹۹۲)"The Currency Substitution Hypothesis and Rlative Money Demand in Mexico and Canada"Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۴ no.۳ August [A]pp.۳۰۰-۳۱۸. ۲۹-Rojas, Suarez,Liliana(۱۹۹۰)"Currency Substitution and Inflation in Developing Countries"IMF Working Paper,WP/۹۰/۶۴Julypp.iii&۱-۲۷.۳۰-Sturzenegger, Federico A(۱۹۹۷)"Understanding the Welfare Implications of Currency -Substitution"Journal of Economic Dynamics and ControlVol.۲۱pp.۳۹۱-۴۱۶.۳۱ Currency Substitution and the Regressivity of Inflationary"(۱۹۹۲) ________________ Taxation"Department of Economics University of California, Los Angeles WP/۶۵۶Aprilpp.۱- Hyperinflation with Currency Substitution :" (۱۹۹۴)________________-۱۵.۳۲ Introducing an Indexed Currency " Journal of Money,Credit and BankingVol.۲۶no.۳ August pp.۳۷۷-۳۹۵.۳۳-Thomas,Lee R(۱۹۸۵)"Portfolio Theory and Currency Substitution"Journal of Money, Credit and BankingVol. ۱۷no.۳pp.۳۴۷-۵۷.۳۴-Vegh, Carlos A(۱۹۸۸)"Inflationary Finance and Currency Substitution in a Public Finance Framework"Journal of The" (۱۹۸۹)____________-International Money and FinanceVol.۱۴.no.۵pp.۶۷۹-۶۹۳.۳۵ Optimal Inflation Tax in the Presence of Currency Substitution" Journal of Monetary .EconomicsVol.۲۴pp.۱۳۹-۱۴۶

مقایسه دلاری شدن ایران و آرژانتین

دکتر محمدلشکری-استادیار دانشگاه آزاد اسلامی چکیده: این مقاله از طریق تخمین حجم دلارهای در گردش و درجه جانشینی پول به مقایسه دلاری شدن ایران و آرژانتین می پردازد. مقایسه دلاری شدن دو کشور نشان میدهد که دلاری شدن اقتصاد ایران و

اقتصاد آرژانتین یک طرفه است یعنی پول خارجی جانشین پول داخلی شده ولی در خارج ایران و آرژانتین تقاضایی برای پول داخلی(ریال ایران و پزو آرژانتین) وجود ندارد.

واژگان کلیدی: جانشینی پول، دلاری شدن، تقاضای پول، تورم، ایران، آرژانتین۱. مقدمهموضوع این مقاله مقایسه دلاری شدن ایران با دلاری شدن آرژانتین است. هدف از این مقاله مقایسه میزان جانشینی پول خارجی به جای پول ملی در دو کشور ایران و آرژانتین است. یعنی بهطور متوسط حجم دلارهای در گردش نزد ساکنین کشورهای ایران و آرژانتین به کل حجم پول در گردش (پول خارجی بعلاوه پول داخلی) چقدر است؟ نظریه جانشینی پول فرض میکند که تقاضا برای پول داخلی نه تنها به متغیرهای نرخ بهره داخلی، درآمد داخلی و نرخ تورم داخلی بستگی دارد بلکه به متغیرهایی نظیر نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی و نرخ ارز نیز بستگی دارد. لشکری با استفاده از نظریه جانشینی پول حجم دلارهای در گردش و درجه جانشینی پول در ایران و آرژانتین را برآورد نموده است(لشکری، ۱۳۸۵). در این مقاله روند حجم دلارهای در گردش و درجه دلاری شدن ایران و آرژانتین مقایسه می شود.فرضیههایی که در این مقاله مد نظر بوده است عبارتند از: ۱. روند درجه جانشینی پول در ایران و آرژانتین صعودی است. ۲. جانشینی پول در ایران وآرژانتین نامتقارن(یک طرفه) است.این مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است. در بخش دوم ادبیات موضوع دلاری شدن مروری می شود. در بخش سوم تفاوت دلاری شدن رسمی و غیر رسمی بحث می شود. در بخش چهارم روش تخمین حجم دلارهای در گردش بررسی می شود و سپس روند حجم دلارهای درگردش در ایران و آرژانتین مقایسه می شود. بعد از آن روند درجه جانشینی پول در ایران و آرژانتین تحلیل و مقایسه می شود. در بخش پنجم برگشت ناپذیری دلاری شدن در ایران و آرژانتین بحث می شود. بخش ششم برگشت ناپذیری و تقاضای پول در ایران و آرژانتین می آید. بخش هفتم تحلیل پدیده جانشینی پول در ایران و آرژانتین صورت می گیرد. بخش هشتم فرضیهها آزمون خواهد شد. بخش نهم به نتایج پژوهشمربوط می شود.۲. مروری بر ادبیات موضوع اوّلین بار در سال ۱۹۳۶ کینز درکتاب " نظریه عمومی، اشتغال، بهره و پول" نوشت: اگر وضعی پیشآید که پول در جریان کشور خاصیت نقدینگی خود را از دست دهد، جانشین های فراوانی پای خود را در کفش پول میکنند مثل بدهی های کوتاهمدت، پول خارجی، جواهرات، انواع فلزات گران قیمت و جریانات اعتباری بانک که خلق پول است بدون اسکناس و به آن پول اعتباری میگویند.(John Maynard Keynes,۱۹۳۶ p.۳۵۸) موضوع جانشینی پول حدود سه دهه است که وارد ادبیات اقتصادی شده است. البته پدیده دلاری شدن اقتصاد سابقهای طولانیتر دارد. به عنوان مثال درکشور مکزیک حتی پیش از آنکه بانک مکزیک در سال ۱۹۲۵ تأسیس یابد، شهروندان میتوانستند سپردههای ارزی داشتهباشند.(Ortiz,۱۹۸۸pp.۱۷۸-۸۵) با توجه به این که ادبیات جانشینی پول سیر تاریخی داشته است. در این بخش مسیر تاریخی مبانی نظری و تجربی جانشینی پول تجزیه و تحلیل میشود و نقاط عطف بحث جانشینی پول مشخص میشود. در ادبیات اقتصادی دوکلمه جانشینی پول و دلاری شدن اقتصاد به یک مفهوم به کار میروند، بعضی از پژوهشگران بین این دو کلمه تفکیک قائل شدهاند و دلاری شدن را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه ذخیره ارزش و جانشینی پول را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه معاملاتی به کاربردهاند. چون اندازهگیری حجم دلارهای درگردش کار مشکلی است و روش واحد و دقیقی برای آن وجود ندارد و معمولاً به صورت برآورد انجام میشود، لذا تفکیک حجم دلارها با انگیزه ذخیره ارزش و انگیزه معاملاتی با اطلاعات موجود تقریباً غیرممکن است. به این علت در این مقاله واژه جانشینی پول و دلاری شدن به یک معنی مورد استفاده قرار میگیرد. در این مقاله پدیده جانشینی پول با رویکرد سبد دارایی مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. رویکرد سبد دارایی، پدیده جانشینی پول را با استفاده از تابع تقاضای سنتی پول مورد بررسی قرار میدهد با این تفاوت که در تابع تقاضای پول داخلی، متغیرهایی نظیر نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی یا شاخص قیمت های مصرفکنندگان خارجی را به عنوان هزینه فرصت نگهداری پول داخلی در مقایسه با پول خارجی وارد میکند. مارکوویتز (Markowitz,۱۹۵۲ pp۷۷-۹۱) در مقالهای تحت عنوان " انتخاب سبد دارایی" فرآیند انتخاب سبد دارایی را به دو مرحله تقسیم می کند:۱. مرحله اول که با مشاهده و تجربه شروع میشود و با باور درباره عملکرد آینده اوراق بهادار در دسترس پایان مییابد.۲. مرحله دوم که با باورهای مربوط به عملکرد آینده آغاز میشود و با انتخاب سبد دارایی پایان مییابد.مقاله فوقالذکر به مرحله دوم مربوط میشود. فرضیه مقاله این است که سرمایهگذار تمام وجوه خود را در اوراقی سرمایهگذاری میکند که بالاترین ارزش تنزیل شده را داشته باشند. سپس فرض میکند سبد دارایی وجود دارد که هم بازده انتظاری آن حداکثر و هم واریانس آن حداقل است. تنوع نمیتواند تمام واریانس را حذف کند. زیرا در دنیای واقعی سبد دارایی که حداکثر بازده انتظاری را دارد لزوماً حداقل واریانس را ندارد. نرخی وجود دارد که سرمایهگذار میتواند بازده انتظاری را با در نظر گرفتن واریانس معین افزایش دهد، یا با کاهش واریانس، بازده انتظاری معینی را به دست آورد. لینتر (Linter,۱۹۶۵:pp.۵۸۷-۶۱۵) در مقالهای تحت عنوان "سهام، ریسک و حداکثر کردن منافع تنوع گرایی" به بررسی ارزش سهام در سبد دارایی افراد میپردازد. از نظر لینتر ارزش سهام در سبد دارایی افراد به سادگی با یک رابطه خطی به انحراف از بازده آن مربوط نمیشود. سرمایهگذاران تلاش میکنند دارایی های ریسکی خود را متنوع سازند. از نظر او هدف از متنوع کردن سبد دارایی به حداقل رساندن ریسک نیست بلکه بهترین سبد دارایی ترکیب بهینه ریسک و بازده انتظاری است. گروبل(Grubel,۱۹۶۸: pp.۱۲۹۸-۱۳۱۵) در مقالهای تحت عنوان " تنوع سبد دارایی بینالمللی: منافع رفاهی و جریان های سرمایه" منافع رفاهی حاصل از تنوع سبد دارایی بینالمللی را که از منافع تجارت سنتی و افزایش بهرهوری نیروی کار در اثر مهاجرت حاصل میشود مورد بررسی قرار میدهد. مدل وی نشان میدهد که حرکت های بینالمللی سرمایه نه تنها تابعی از اختلاف نرخهای بهره، بلکه تابعی از رشد کل دارایی هایی است که در دو کشور نگهداری میشود. ممکن است اختلاف نرخ بهره صفر و حتی منفی باشد ولی سرمایه بین دو کشور جریان یابد۲، و یا ممکن است اختلاف نرخ بهره مثبت باشد ولی سرمایه بین دو کشور جریان نیابد. جریان خالص اوراق قرضه بین دو کشور تابعی از نرخ رشد میزان موجودی اولیه در هر دو کشور است. جریان ناخالص سرمایه حتی اگر اختلاف نرخ بهره در تمام زمانها صفر باشد میتواند بین دو کشور رخ دهد. میلز(Miles,۱۹۷۸ pp.۴۲۸-۳۶): درمقالهای تحت عنوان "جانشینی پول، نرخهای ارز انعطافپذیر و استقلال پولی" موضوع نگهداری پول خارجی و هزینههای مبادلاتی خریدهای خارجی را مورد بررسی قرار میدهد. به نظر او نگهداری پول خارجی هزینههای مبادلاتی خریدهای خارجی را کاهش داده و اختلاف بین نرخ تورم کشورها درجه جانشینی پولها را تعیین میکند. گیرتون و راپر ۱۵۹-Girton and Roper,۱۹۸۰ : pp.۱۳۵)) در مقاله خود با عنوان "نظریه جانشینی پول و اتحاد پولی" ابتدا نظریه سنتی پولی را که فرض میکند در هر کشور (منطقه) تنها یک پول واحد استفاده میشود مورد بررسی قرار میدهند. سپس اظهار میدارند که در اغلب مناطق مرزی کشورهای کمتر توسعه یافته جهان چند پول مورد استفاده قرار میگیرد. با وجود پولهای جانشین، ناشرین پول باید پولهای جذّاب تری با توجه به نرخ بازده آنها عرضه کنند. با حضور جانشینی پول نرخهای ارز شناور استقلال پولی را تضمین نمیکند. نتیجه تحقیق آنها این است که جانشینی پولها دقیقاً متضاد قانون گرشام است زیرا پول خوب پول بد را از میدان خارج میکند. گیرتون و راپر :Girton and Roper,۱۹۸۱ pp.۱۲-۲۹)) در مقاله خود با عنوان "نظریه و پیامدهای جانشینی پول" یک مدل با دو تابع تقاضا برای پول، با عرضه برونزای پول و یک دارایی غیرپولی ارائه میکنند. در مدل آنها تقاضا برای هر دو پول داخلی و خارجی تابعی از متغیرهای نرخ بازده واقعی هر دو پول، نرخ بازده واقعی دارایی غیر پولی و متغیر مقیاس ثروت میباشد. در مقاله آنها دو تابع تقاضای پول، با عرضه برونزای پول برای تحلیل نرخ ارز مورد استفاده قرار میگیرد و دارایی غیر پولی دیگری به صورت ضمنی در مدل وجود دارد. بوردو و چودری(Bordo and Choudri,۱۹۹۹: pp.۴۸-۵۷) در مقاله خود تحت عنوان "جانشینی پول و تقاضا برای پول" ضمن انتقاد از مقاله ۱۹۷۸ میلز تصریح تابع او را اشتباه میدانند و با استفاده از دادههای میلز و با متدولوژی دیگری نتایج متفاوتی به دست میآورند. مطالعه آنها نشان میدهد که نرخ ارز عامل مهمی در تقاضای پول کانادا نیست. بنابراین برای یک کشور مهم(کانادا) که مبالغ زیادی پول خارجی نگهداری میکند، جانشینی پول عامل مهمی در تابع تقاضای پول نیست. تقاضای پول درکانادا تابعی از درآمد و نرخهای کوتاهمدت و بلندمدت است. در مطالعه آنها در دوره شناوری نرخ ارز تأثیر بازده انتظاری پول خارجی روی تقاضا برای پول داخلی ناچیز بودهاست.تانزی و بلیجر (Tanzi and I.Blejer,۱۹۸۲: pp.۷۸۱-۹۰) در مقالهای تحت عنوان "

تورم، سیاست نرخ بهره، و جانشینی پول در کشورهای درحال توسعه" به بررسی سیاستهای نرخ بهره و جانشینی پول می پردازند. به طورکلی فرض میشود که تقاضا برای پول علاوه بر متغیرهای مقیاس مانند ثروت و درآمد به نرخ بازده اندوختههای پولی نسبت به بازده سایر داراییها نیز بستگی دارد. انتظار بر این است که نرخ بازده نسبتاً بالاتر سایر داراییها از جمله پول خارجی تقاضا برای پول داخلی را کاهش دهد. بنابراین پول خارجی طرفهای عمده تجاری احتمالاً یک جزء مهم در سبد داراییداخلی است.کادینگتون(Cuddington,۱۹۸۳:pp.۱۱۱-۱۳۳) در مقالهای تحت عنوان "جانشینی پول، تحرک سرمایه و تقاضای پول" یک مدل مانده سبد دارایی عمومی ارائه کرد که در آن تقاضای ساکنین داخلی برای پول خارجی را از تقاضای آنها برای داراییهای غیر پولی خارجی تفکیک میکند. سرمایهگذاران از میان چهار نوع دارایی؛ پول داخلی (dM) ، پول خارجی(fM)، اوراق قرضه داخلی(dB)، اوراق قرضه خارجی(fB) انتخاب می کنند. کادینگتون فرض میکند چهار نوع دارایی جانشین ناخالص میباشند. به نظر کادینگتون انتظار بر این است که تقاضا برای پول داخلی و خارجی همراه با افزایش درآمد داخلی(PY) افزایش یابد. اگرهمراه با افزایش متغیر معاملاتی درآمد(PY) تقاضا برای سپردههای خارجی افزایش یابد جانشینی پول صورت گرفته است. اگر تقاضا برای پول خارجی با تغییرات درآمد (PY) رابطه معکوس داشته باشد ملاحظات سبد دارایی بر ملاحظات معاملاتی غالب است. بنا بر این اقتصاد دلاری شده است. دانیل و فراید (Daniel and .Fried,۱۹۸۳: pp.۶۱۲-۶۲۳) در مقالهای تحت عنوان "جانشینی پول، اعتصابات پستی، و تقاضا برای پول در کانادا" برای بررسی پدیده جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی تقاضا برای پول داخلی را تابعی از حجم مبادلات(Y) و هزینه فرصت نگهداری پول(i) به صورت زیر نشان میدهند:

$$M/P=L(Y,i) \qquad (۱)$$

از طرف دیگر، به نظر آنها اگر تأثیر اعتصابات پستی در برآورد تقاضای پول منظور نشود؛ در دوره اعتصاب، برآورد تقاضای پول کمتر از حد واقعی به دست میآید؛ زیرا در دوره اعتصاب، بنگاه هاییکه پرداخت های مربوط به اوراق قرضه را از طریق پست دریافت نکرده باشند، برای پرداخت هزینههایشان به استفاده از وام روی میآورند؛ و افزایش تقاضای وام به افزایش عرضه پول از طرف مقامات پولی منتهی میشود. همچنین پس از دوره اعتصاب بر اثر بزرگ شدن مقدار متغیر وابسته با تأخیر، برآوردی بیش از حد واقعی به دست میآید. آنها نهایتاً به کمک متغیرهای مجازی تأثیر عوامل فصلی(D۱) و اعتصابهای پستی (D۲)را به صورت الگوی زیر نشان دادند:

$$mt=f(mt-۱,Y,i,D۱,D۲) \qquad (۲)$$

و با استفاده از دادههای فصلی سالهای ۱۹۷۰ تا۱۹۸۲ (دوره شناوری نرخهای ارز) تقاضای پول را برای کانادا برآورد کردهاند. در مجموع ضرایب به دست آمده، وجود جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی(از طریق ضریب منفی نرخ بهره خارجی)، و تأثیر اعتصابهای پستی را بر تقاضای پول کانادا تأییدکرده است. توماس(Thomas,۱۹۸۵pp.۳۳۷-۵۷) در مقالهای تحت عنوان " نظریه سبد دارایی و جانشینی پول" فرض میکند در طرف تقاضای پول، عوامل اقتصادی انگیزه نگهداری پول خارجی و داخلی را به طور همزمان دارند، بنا بر این متغیرهای نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی، تغییرات انتظاری نرخ ارز در تابع تقاضای پول داخلی مؤثر هستند. در مدل وی فرض میشود که به پول ها هیچ بهرهای تعلق نمی گیرد، اوراق قرضه بدون ریسک اسمی قابل خرید و فروش با هر دو پول داخلی و خارجی وجود دارد و هزینه واسطهای وجود ندارد. بنا بر این نرخ قرض گرفتن و قرض دادن برابر است، او نتیجه می گیرد که فقط زمانی پولها جانشین هستند که کشش متقاطع تقاضای پول داخلی(خارجی) نسبت به نرخ بهره خارجی(داخلی) منفی باشد. این مقاله نتیجه میگیرد وقتی معامله کنندگان هر دو پول را نگه میدارند نیازی به جانشینی پول خارجی و داخلی نیست. ملوین(Melvin,۱۹۸۵: pp.۷۹-۹۱) در مقالهای تحت عنوان "جانشینی پول و اتحاد پولی اروپای غربی" با رویکرد سبد دارایی به بررسی پدیده جانشینی پول در برخی از کشورهای اروپای غربی می پردازد. وی معتقد است برآورد ضریب نرخ بهره خارجی در تابع تقاضای پول داخلی چنانکه باید جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی را نشان نمیدهد. زیرا در این حالت نمیتوان جانشینی پول را از مفهوم گسترده تر تحرک سرمایه که جانشینی بین اوراق قرضه و پول را نیز در بر می گیرد تفکیک نمود. ملوین کیفیت پول (میزان اطمینان به ارزشآینده آن) را به عنوان معیار جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی در نظر گرفته است. در مدل وی نرخهای بهره داخلی و خارجی به عنوان فرصت نگهداری پول در نظر گرفته شده است و افزایش هر کدام از آنها به ترتیب به کاهش و افزایش تقاضا برای پول داخلی منتهی میشود. لذا علامت انتظاری ضریب نرخ بهره خارجی مثبت است. به نظر ملوین، بدون توجه به واکنش نرخهای بهره خارجی، پدیده جانشینی پول را میتوان به کمک متغیرهای مربوط به کیفیت پول آزمون کرد. از طرف دیگر، با وارد کردن نرخ بهره خارجی، اثر عوامل تعیینکننده جانشینی بین پول (دارایی های پولی بدون بهره) و دارایی های بهرهدار ثابت نگه داشته می شود. وی به کمک دادههای مربوط به دورههای شناوری نرخهای ارز بین سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۰ معادله زیر را برای کشورهای آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه برآورد کرده است. بر پایه نتایج به دست آمده، جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی را در هیچیک از این کشورها نمی توان نادیده گرفت. نتیجه پایانی او این است که در نظام شناوری نرخهای ارز، کشورهای اروپایی برای دستیابی به استقلال پولی ناگزیر از تن دادن به اتحادپولی هستند.گویدوتی و رودریگز(Guidotti and .Rodriguez, ۱۹۹۲: pp.۵۱۸-۵۴۴) در مقالهای تحت عنوان "دلاری شدن در آمریکای لاتین، آیا قانون گرشام معکوس است؟" به بررسی تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین که دارای نرخهای تورم بالا بوده و دلاری شدن را تجربه کردهاند، می پردازند. مدل آنها اساساً پدیده جانشینی پول را با ترکیب سبد دارایی در شرایطی که تحرک سرمایه وجود دارد بررسی می کند. فرض اساسی آنها این است که توابع تقاضای معاملاتی پول همان ویژگی توابع تقاضای مشتق شده از ملاحظات سبد دارایی را دارند. تفاوت مقاله گویدتی و رودریگز با تحلیل های سنتی پدیده جانشینی پول در این است که آنها دلاری شدن آمریکای لاتین را محصول آزاد سازی مالی می دانند. گویدتی و رودریگز چنین نتیجه گرفتهاند که دلاری شدن اقتصاد ممکن است یک سری زمانی ناپایا۳ باشد ولی تفاوت بین نرخهای تورم داخلی و خارجی یک فرآیند پایا به نظر می رسد. به عبارت دیگر، شوک های سطح دلاری اقتصاد اثری دایمی دارد، اما شوک های تفاوت بین نرخهای تورم داخلی و خارجی دارای یک اثر آنی است. رویاس سوارز (Rojas Suarez,۱۹۹۰:pp.۱-۲۷) در مقالهای تحت عنوان " جانشینی پول و تورم در پرو" مدلی را در نظر میگیرد که در آن، پول تنها شکل ثروت است، و ساکنان کشور می توانند ترکیبی از پول داخلی و پول خارجی را در سبد دارایی خود جای دهند. در این مدل، هر مصرف کننده تابع مطلوبیت خود را برای یافتن ترکیب بهینه پول های داخلی و خارجی، با توجه به محدودیت بودجه خود حداکثر می کند. از حل مسأله حداکثر سازی، نسبت نگهداری پول ملی به پول های خارجی در حالت پایدار، تابعی از نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی به دست میآید. وی با استفاده از دادههای ماهانه سالهای۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰، برای سریهای زمانی موجود نتایج زیر را به دست آورد:۱. ضرایب به دست آمده، دارای علامت انتظاری بوده، و به گونهای معنی دار، بر فرآیند جانشینی پول تأثیر میگذارد.۲. همسو بودن تغییرات متغیر جایگزین درآمد ملی با فرآیند جانشینی پول، نشاندهنده دلاری شدن اقتصاد پرو درسالهای مورد بررسی است.۳. فرآیند تعدیل جانشینی پول در پرو نسبتاً کند بوده است. عالمی(Alami, ۲۰۰۱: pp.۴۷۳-۴۷۹) در مقالهای تحت عنوان "جانشینی پول در مقابل دلاری شدن: یک مدل تراز سبد دارایی" با ذکر اینکه مدل های گسترش یافته و تعدیل شده توابع تقاضای پول داخلی و خارجی، بین جانشینی پول (پول خارجی به عنوان وسیله مبادله) و دلاری شدن (پول خارجی به عنوان ذخیره ارزش) تفکیک قائل هستند، فرآیندی را که سود مربوط به سپردههای خارجی به صورت قابل توجهی افزایش میابد به عنوان جانشینی پول تعریف می کند. مقاله فوق تلاش می کند بین انگیزههای معاملاتی نگهداری پول خارجی و تنوع در سبد دارایی تمایز قائل شود. به طور کلی رویکرد سبد دارایی اشاره دارد که عوامل اقتصادی سعی می کنند بهترین ترکیب بهینه ریسک و بازده انتظاری را از میان دارایی های در دسترس انتخاب نمایند. در این رویکرد پول داخلی و پول خارجی دو انتخاب در دسترس افراد می باشند. اختلاف بین نرخ تورم و نرخ بهره کشورها موجب جانشینی پول بین آنها میشود. جانشینی پول ها دقیقاً متضاد قانون گرشام است زیرا پول خوب پول بد را از میدان خارج می کند. اگر دو پول در طرف تقاضا جانشین کامل باشند نرخ ارز آنها نامتعین است. پول خارجی طرف های عمده تجاری یک جزء مهم در سبد دارایی داخلی است. همانند سایر دارایی ها اندازه جانشینی بین پول داخلی و پول خارجی به ریسک مبادله و نرخ بازده نسبی آنها بستگی دارد. نسبت بین نگهداری دو نوع پول علاوه بر درجه نقدینگی آنها به نرخ

انتظاری بازده آنها بستگی دارد. جانشینی پول در دورههای تورمی افزایش می یابد زیرا هزینه نگهداری پول داخلی افزایش و قدرت خرید آن کاهش می یابد و نرخ ارز تعدیل می شود. ۳. تفاوت دلاری شدن و جانشینی پولبه طور کلی برای پول در اقتصاد سه وظیفه مبادلاتی، سنجش و ذخیره ارزش فرض میشود. اگر پول ملی در یک کشور به علل مختلف از جمله تورم، کاهش ارزش پول ملی و بی ثباتی اقتصادی وظیفه ذخیره ارزش خود را به خوبی ایفا نکند و پول خارجی عهدهدار این وظیفه شود، میگویند اقتصاد دلاری شده است ولی چنانچه پول ملی یک کشور هیچکدام از وظایف پول را به طور کامل انجام ندهد یعنی پول خارجی هم در معاملات داخلی و هم برای سنجش کالاها مورد استفاده قرار گیرد جانشینی پول صورت گرفته است به طوری که یک یا چند پول خارجی جای پول ملی را گرفتهاست. پدیده جانشینی پول اثرات متفاوتی بر اقتصاد کشورهای مختلف داشته است. مطالعات تجربی نشان داده است که این پدیده چه به صورت رسمی و با اراده دولت، چه به صورت غیر رسمی و بدون اراده دولت موجب تضعیف پول ملی در داخل و خارج کشور میشود. جانشینی پول در یک کشور موجب میشود که مردم نسبت به آینده اقتصاد کشور خود بدبین باشند. این پدیده موجب میشود تا بانک مرکزی کنترل خود را بر بخشی از پول که به صورت ارز نگهداری میشود از دست بدهد و قدرت استفاده از حقالضّرب و مالیات تورمی کاهش یابد. لذا تأثیر سیاستهای پولی بر متغیرهای واقعی اقتصاد تضعیف می شود. این موضوع با چهار رویکرد مورد مطالعه قرارگرفته است: ۱. رویکرد سبد داراییهای مالی ۲. رویکردکلان ۳. رویکرد تابع تولید ۴. رویکرد حداکثرکردن مطلوبیتمقاله حاضر با رویکرد اول(سبد داراییهای مالی) موضوع را مورد بررسی و تحقیق قرار می دهد. مقاله حاضر به دنبال آن است تا پاسخ سئوالات زیر را بیابد: ۱. روند جانشینی پول در اقتصاد ایران و آرژانتین چگونه بوده است؟ ۲. آیا پدیده جانشینی پول در آرژانتین و ایران متقارن یا نامتقارن است؟با استفاده از رویکرد اول میتوان پاسخ سئوالات فوق را تعیین کرد. ۳ . دلاری شدن رسمی و غیر رسمیدلاری شدن به دو صورت رسمی و غیر رسمی رخ می دهد، منظور از دلاری شدن رسمی این است که دولت یک کشور رسماً پول خارجی را به عنوان وسیله مبادله، واحد سنجش و ذخیره ارزش میپذیرد. به عنوان مثال دولت یک کشور می پذیرد که دلار آمریکا در کنار پول ملی آن کشور وظایف پول را انجام دهد. در این صورت بانکها در کنار سپردههای پول ملی سپرده های ارزی نیز می پذیرند و دلار نیز در کنار پول ملی در بازار وسیله مبادله کالاها قرار می گیرد. دلاری شدن غیر رسمی به این صورت است که بدون آن که دولت یک کشور رسماً پول خارجی را به عنوان وسیله مبادله و ذخیره ارزش و واحد سنجش بپذیرد. مردم کشور به خاطر تورم شدید و کاهش مداوم ارزش پول ملی تمایلی به نگهداری پول داخلی ندارند، و بخشی از پول خود را تبدیل به پول خارجی می نمایند، یعنی به علت کاهش ارزش پول ملی ساکنین داخلی پول خارجی را جانشین پول ملی می کنند. این پدیده اثرات متعددی بر اقتصاد کشوری که در آن جانشینی پول صورت گرفته است دارد. این آثار عبارتند از: ۱. بانک مرکزی بر بخشی از پول که به صورت ارز نگهداری می شود کنترل ندارد و لذا تأثیر سیاست های پولی به اندازه پیش بینی شده نخواهد بود. ۲. قدرت حقالضّرب کشور داخلی و استفاده از مالیات تورمی کاهش می یابد و حقالضّرب کشور خارجی افزایش می یابد و مثل این است که کشور داخلی یک وام بلند مدت بدون بهره به کشور خارجی پرداخته است. ۳. انتظارات تورمی بیش از پیش افزایش می یابد.با توجه به نتایج پژوهش حاضر به نظر می رسد این پدیده در ایران به صورت غیر رسمی و بدون اراده دولت و در آرژانتین هم به صورت رسمی و هم به صورت غیر رسمی رخ داده است به همین دلیل درجه جانشینی پول در آرژانتین بیشتر از ایران است. لشکری و عرب مازار نشان داده اند که در سال ۲۰۰۰ درجه جانشینی پول در آرژانتین ۵/۶۸ درصد و در ایران ۴/۳۸ درصد بوده است. این روند در هر دو کشور هنوز هم در حال افزایش است(لشکری و عرب مازار، ۱۳۸۳؛ ۲۵-۴۴). ۴ . روش تخمین حجم دلارهای در گردشدلاری شدن غیر رسمی بنابر طبیعتش آشکار نیست امّا علل و آثاری دارد که لزوماً همانند خود آن پنهان نیستند و قابل مشاهدهاند. برای اندازهگیری حجم دلارهای در گردش معمولاً- از یکی از متغیرهای زیر استفاده می شود: ۱. حجم سپردههای ارزی ساکنین در بانکهای داخلی ۲. حجم سپردههای ارزی ساکنین در بانکهای خارجی ۳. برآوردی از حجم دلارهای در گردش که همانند اسکناس و مسکوک داخلی در دست مردم است.برای کشور آرژانتین که بانکها قانوناً سپرده ارزی می پذیرند از متغیر اول به عنوان جایگزین۴ حجم دلارهای در گردش استفاده میشود. مؤسسات بین المللی برای بعضی از کشورها برآوردهایی از حجم سپردههای ارزی ساکنین در خارج کشور ارائه کردهاند. چون در ایران آمار سپرده ارزی به عنوان پسانداز به صورت سری زمانی وجود ندارد و آمار حجم سپردههای ارزی ساکنین داخلی در خارج از کشور نیز وجود ندارد، به ناچار از متغیر سوم یعنی برآورد حجم دلارهای در گردش استفاده شد. کمین و اریکسون در سال ۱۹۹۳ و مجدداً در سال ۲۰۰۳ برآوردی از حجم دلارهای در گردش آرژانتین را انجام دادهاند. لشکری حجم دلارهای در گردش را به صورت سری زمانی برای ایران از سال۱۳۳۸ تا سال ۱۳۸۴ برآورد کرده و سپس با استفاده از حجم دلارهای در گردش و حجم اسکناس و مسکوک ریالی درجه جانشینی پول را محاسبه نموده است(لشکری، ۱۳۸۵). با توجه به اینکه کلیه محققین این موضوع اذعان دارند که هیچکدام از سه روش بالا مقدار واقعی دلارهای در گردش را نشان نمی دهد اما تلاش آنها ناشی از این امر است که اطلاعات اندک و غیر واقعی از یک پدیده بهتر از نادیده گرفتن و بی اطلاعی از آن است. قطعاً برآورد حجم دلارهای در گردش در این پژوهش نیز میزان دقیق دلارهای در گردش را نشان نمیدهد و تنها بخشی از آنها را به عنوان متغیر جایگزین نشان میدهد.۴. ۱ روند حجم دلارهای درگردش در ایران و آرژانتیندر پژوهش لشکری برای اندازهگیری حجم دلارهای درگردش از روش کمین و اریکسون استفاده شده است.(Kamin and Ericsson,۲۰۰۳ pp.۱۸۵-۲۱۱) آنها فرض میکنند که تقاضا برای کل پول داخلی و خارجی تابعی از نرخ بهره، شاخص قیمت مصرف کننده، نرخ ارز و حداکثر نرخ تورم تا تاریخ مورد بررسی (pmax) میباشد. مدل آنها در(لشکری، ۱۳۸۲ و لشکری ، ۱۳۸۵) به طور کامل توضیح داده شد ه است. جدول (۱) حجم دلارهای در گردش را در ایران و آرژانتین به طور سالیانه و تجمعی نشان می دهد. در هر دو کشور این روند صعودی است. طی سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳ در آرژانتین حجم دلارها بیش از چهار برابر و در ایران ۵/۱ برابر شده است.جدول۱ نتایج تحقیق حاضر در مورد حجم دلارهای درگردش در ایران و آرژانتین(میلیارد دلار (سال متوسط ورود دلارهابه آرژانتینطی یک سال حجم دلارهایدرگردشبه صورت تجمعیدر آرژانتین متوسط ورود دلارهابه ایرانطی یک سال حجم دلارهایدرگردشبه صورت تجمعیدر ایران۱۹۸۸ ۴/۱ ۸ ۱/۰- ۹/۲۱۹۸۹ ۷/۲ ۴/۹ ۲۰/۰ ۸/۲۱۹۹۰ ۷/۶ ۱/۱۲ ۶۱/۰ ۰۹/۳۱۹۹۱ ۸/۶ ۸/۱۹ ۵/۰ ۷/۳۱۹۹۲ ۱/۷ ۲۶ ۶/۰ ۲/۴۱۹۹۳ - ۱/۳۳ - ۸/۴بر اساس نتایج پژوهش درجه جانشینی پول در سال ۱۳۳۹ حدود ۱۰ درصد بوده است یعنی ۱۰ درصد از کل حجم پول گسترده را پول خارجی تشکیل می داده است. این نسبت در سال ۱۳۵۲ به ۱۴ درصد و در سال ۱۳۵۳ به ۱۸ درصد و در سال ۱۳۵۶ به ۲۵ درصد رسیده که بالاترین رقم قبل از انقلاب اسلامی را به خود اختصاص دادهاست. تغییرات درجه جانشینی پول نسبتاً کند بوده است، این شاخص بعد از انقلاب اسلامی یعنی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۵، ۲۵ درصد، در سال ۱۳۶۶، ۲۷ درصد، از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۳، ۲۸ درصد، از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۰، ۳۸ درصد بودهاست. همان طور که مشاهده میشود علی رغم کاهش حجم دلارهای در گردش در بعضی از سالهای دوره مورد بررسی از جمله سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ روند درجه جانشینی پول در کل دوره مورد بررسی صعودی بودهاست. علت آن این استکه زمانی که تقاضا برای دلار کاهش یافته تقاضا برای ریال نیز کاهش یافتهاست، چون تقاضا برای هر دو پول تابعی از متغیر مقیاس یعنی درآمد ملی و هزینه فرصت نگهداری پول است لذا با اینکه تقاضا برای هر دو پول در زمان تورم شدید سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ کاهش یافتهاست باز هم درجه دلاری شدن اقتصاد صعودی بوده که این امر نشان دهنده این است که تقاضا برای دلار نسبت به تقاضا برای ریال کمتر کاهش یافته زیرا هزینه فرصت نگهداری دلار نسبت به ریال کمتر بودهاست.جدول ۲ درجه جانشینی پول را در ایران و آرژانتین در سالهای ۱۹۹۲ و۲۰۰۰ نشان می دهد. نمودارهای ۳ و ۴ روند درجه جانشینی پول را در ایران و آرژانتین در سالهای مختلف نشان می دهد. در آرژانتین درجه جانشینی پول در سال ۱۹۹۲، ۵۰ درصد و در سال ۲۰۰۰، ۵/۶۸ درصد شده این بدان معنی است که مردم آرژانتین در انجام معاملات خود فقط ۵/۳۱ درصد از پول داخلی(پزو) استفاده میکنند. این نسبت در ایران ۶۲ درصد است زیرا درجه جانشینی پول در ایران ۳۸ درصد می باشد با اینکه روند درجه جانشینی پول در هر دو کشور صعودی می باشد به علت تفاوت در ساختار اقتصادی دو کشور در ایران درجه دلاری شدن

اقتصاد پایینتر است. علت کمتر بودن این درجه در ایران این است که دلاری شدن در ایران غیر رسمی و در آرژانتین رسمی است. علاوه بر آن در آرژانتین آمار دقیقی از سپرده های دلاری وجود دارد ولی در ایران چنین آماری گزارش نشده است. به همین دلیل با احتیاط باید تحلیل کرد زیرا این محاسبات فقط بخشی از واقعیت را نشان می دهد.جدول۲ نتایج تحقیق حاضر در مورد درجه جانشینی پول در ایران و آرژانتین) درصد(سال درجه جانشینی پولدر آرژانتین درجه جانشینی پولدر ایران۱۹۹۲ ۵۰ ۳۲۲۰۰۰ ۵/۶۸ ۳۸۵ . برگشت ناپذیری دلاری شدن در ایران و آرژانتین اثر برگشت ناپذیری در تورم برای تقاضای پول وجود دارد، وقتی تورم افزایش مییابد تقاضای پول کاهش می یابد، اما وقتی تورم کاهش می یابد این تقاضا کمتر افزایش می یابد. این امرکاهش تقاضای۱ M و ۳M در آرژانتین و ایران را در کل دوره مورد بررسی توجیه میکند، با وجود این اخیراً سطوح تورم به صورت تاریخی کاهش یافته است. این امر توضیح می دهد چگونه جریان اندوختههای دلاری ممکن است به میخکوب کردن تورم طی سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، در آرژانتین و سال ۱۳۷۴(۴۹درصد) در ایران پاسخ دهند. این رویدادها که زیانهای شدیدی را بر دارندگان داراییها بر حسب پول محلی تحمیل میکند، انگیزه زیادی برای انتقال عمده به سمت داراییهای دلاری ایجاد میکند. اغلب برای تمام اهداف اقتصادی، همانند کارکرد داخلی داراییهای پزویی و ریالی، ممکن است برای بازگشتن به پزو و ریال در آینده انگیزه کمی وجود داشته باشد. ۶ . برگشت ناپذیری و تقاضای پول در ایران و آرژانتین هم اندوختههای پزویی و ریالی و هم اندوختههای دلاری برای بررسی اقتصادسنجی برگشت ناپذیری دلاری شدن مفید است. با وجود برگشت ناپذیری، افزایش در تورم باید کاهش دائمی در داراییهای پزویی و ریالی و افزایش دائمی در اندوختههای دلاری را تهییج نماید. دادههای مربوط به موجودی دلارهای در گردش در آرژانتین و ایران اثر برگشت ناپذیر تورم را تأیید میکند. تقاضای بلند مدت داراییهای دلاری اثر برگشت ناپذیری دلاری شدن را به خوبی نشان میدهد، بنابر این، برگشت ناپذیری ممکن است جایگزینی برای موجودی دلارها باشد، که فرض قاطع برگشت ناپذیری حقیقی را تحقق می بخشد.۷ . تحلیل پدیده جانشینی پول در ایران و آرژانتینجانشینی پول پدیده گستردهای در بسیاری از کشورهای درحال توسعه مخصوصاً در آمریکای لاتین است، وجود سطوح تورم بالا و انتظارات کاهش نرخ ارز، ساکنین این کشورها را واداشته است تا برای حفظ ارزش واقعی ثروتشان نگهداری از پول خارجی را در سبد دارایی مالی خود افزایش دهند. تمام پژوهشگرانی که در زمینه دلاری شدن اقتصاد و جانشینی پول تحقیق کردهاند اذعان دارند که این پدیده در ایران و آرژانتین اتفاق افتاده است، اختلاف نظر در درجه جانشینی پول و روند آن است.۵ بسیاری از دست اندرکاران در سال ۱۳۶۹ حجم بازار ارز را بیش از ۲ میلیارد دلار درسال میدانستند(خلعت بری ، ۱۳۶۹: ۵). برآورد پژوهش حاضر از حجم دلارهای در گردش نشان میدهد که از سال ۱۳۵۷ تاکنون میانگین حجم دلارهای در گردش حدود ۵ میلیارد و ۱۷۷ میلیون دلار بوده است. عارضه دلاری شدن اقتصاد، منابع ریالی گستردهای را به جانب خرید دلار سوق میدهد و درصدی از مردم پس انداز خود را به جای ریال به دلار نگاه میدارند. حتی اگر ۱۰ درصد از انتقالات بازار جنبه پساندازی داشتهباشد، سالانه ۵۱۸ میلیون دلار پسانداز دلاری وجود دارد که با نرخ برابری ۹۰۰۰ ریال بابت هر دلار، معادل ۴۶۶۲ میلیارد ریال نقدینگی خارج از بخش پولی رسمی کشور را به وجود میآورد. بررسی این بازار، موجب طرح این سئوال میشود که این نقدینگی چگونه حاصل و به چه ترتیب ثبت میشود؟ تردیدی نیست که وجود این نقدینگی خارج از کنترل مقامات پولی، قدرت عمل سیاستهای پولی را به شدت کاهش میدهد. بالا ـ رفتن درجه جانشینی پول میتواند عاملی در گسترده شدن نسبی حجم اقتصاد زیر زمینی در برابر اقتصاد رسمی کشور باشد. همان طورکه نمودارهای ۱ و ۲ نشان میدهند روند حجم دلارهای در گردش و درجه جانشینی پول در هر دو کشور در طول دوره مورد بررسی صعودی بوده است. به علت تفاوتهای ساختاری از جمله دلاری شدن رسمی در آرژانتین و دلاری شدن غیر رسمی در ایران سرعت دلاری شدن در ایران نسبت به آرژانتین کمتر است. ۸ . آزمون فرضیههای تحقیق فرضیههایی که در این مقاله مد نظر بوده است عبارتند از: ۱. روند درجه جانشینی پول در ایران و آرژانتین صعودی است. ۲. جانشینی پول در ایران و آرژانتین نامتقارن (یک طرفه) است.نتایج فصول سوم و ششم طرح پژوهشی نشان می دهد که هر دو فرضیه تأیید می شوند زیرا هم روند درجه جانشینی پول در ایران و آرژانتین صعودی و در حال افزایش است و همچنین این جانشینی به صورت یک طرفه است و ریال ایران و پزو آرژانتین در هیچ کشوری جانشین پول داخلی نشده است. ۹. نتیجه نتیجه پژوهش حاضر این است که" روند درجه جانشینی پول در ایران و آرژانتین صعودی بوده است. "به نظر میرسد که علت اصلی افزایش درجه جانشینی پول نرخهای تورم بالا، منفی بودن نرخ واقعی بهره داخلی نسبت به نرخ بهره خارجی و سیر نزولی ارزش پول ملی در هر دو کشور می باشد. دستاورد علمی این مقاله چنین است: که اقتصادهای باز و کوچک مثل ایران و آرژانتین در تابع تقاضای پول داخلی خود علاوه بر متغیرهای نرخ بهره داخلی، نرخ تورم و درآمد داخلی باید متغیرهای نرخ ارز بازار موازی و حداکثر نرخ تورم تا زمان مورد بررسی را وارد نمایند. متغیر اخیر موجب کاهش تقاضا برای پول داخلی و انتقال منابع به سمت تقاضا برای پول خارجی می شود. در این گونه کشورها جانشینی پول یک طرفه و نامتقارن است و کشورهای دیگر از پول این کشورها در مبادلات داخلی خود استفاده نمی کنند.

فهرست منابع و مآخذ الف. فهرست فارسی: ۱. بهمنیاسکویی، محسن(۱۳۷۲)؛ " اثراتکلان اقتصادی کاهش ارزش خارجی ریال ایران در دوران پس از انقلاباسلامی"؛ گزارش سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ صص۸۷-۱۲۰. ۲. بهمنیاسکویی، محسن(۱۳۸۰)؛ " نرخ ارز بازار سیاه و تقاضا برای پول در ایران"؛ پژوهشها و سیاستهای اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ شماره۱۹ ؛صص۳-۹. ۳. پورمقیم،جواد(۱۳۷۸)؛ "عوامل تعیین کننده نرخ ارز در بازار سیاه ارز در ایران"؛ مجله تحقیقات اقتصادی؛ شماره ۵۴ ؛ صص۸۳-۱۰۴. ۴. خلعتبری، فیروزه(۱۳۶۸)؛ " اقتصاد دلاری و سپردههای ارزی: بحث نظری و مفاهیم آن از دید اقتصادکلان" ؛ اقتصاد مدیریت؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ شماره۱؛ صص۲۹-۴۹. ۵. زال پور، غلامرضا(۱۳۷۳)؛ جانشینی ارز به جای پول ملّی در اقتصادایران؛ پایاننامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت مدرس. ۶. سامرز، لورنس(۱۹۹۹)؛ "دلاری شدن اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین"؛ خبرگزاری رویتر؛ ترجمه اداره مطالعات و سازمانهای بینالمللی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ؛ صص۱-۶. ۷. ساهای، راتنا و کارلوس وگ(۱۳۸۰)؛ "دلاری شدن اقتصاد کشورهای در حالگذر"؛ ترجمه کورش معدلت؛ مجله اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ دوره دوم؛ سال اول؛ شماره دوم؛ صص۲۶-۳۰. ۸. عربمازاریزدی، علی(۱۳۸۰)؛"اقتصاد سیاه درایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر"؛ مجله برنامه و بودجه شماره ۶۲و۶۳ ؛ صص۳-۶۰. ۹. فرزینوش، اسدااله و محمد لشکری(۱۳۸۲)؛ "جانشینی پول و تقاضابرای پول: شواهدی از ایران"؛ پژوهشنامه بازرگانی؛ شماره۲۹؛ صص۱-۵۱. ۱۰. کمیجانی، اکبر و رافیکنظریان (۱۳۷۰) ؛ "سنجش درجه جانشینی میان پول و شبه پول در اقتصاد ایران" ؛ اقتصاد و مدیریت؛ شمارههای ۱۰ و ۱۱ ؛ صص۱۵-۴۲. ۱۱. لشکری، محمد (۱۳۸۳)؛ " تحلیل پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن در ایران"؛ پژوهشنامه اقتصادی؛ شماره۹و۱۰؛ صص۸۹-۱۱۰. ۱۲. لشکری، محمد(۱۳۸۲)؛ تحلیل پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن (مورد ایران)؛ رساله دکتری علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳. لشکری، محمد(۱۳۸۵)؛ جانشینی پول ؛ انتشارات دانشگاه پیام نور. ۱۴. لشکری، محمد (۱۳۸۵)؛ طرح پژوهشی با عنوان "دلاری شدن اقتصاد ایران و مقایسه آن با دلاری شدن آرژانتین پس از ابر تورم و دلاری شدن کانادا؛ "دانشگاه آزاد اسلامی- واحدنیشابور. ۱۵. لشکری، محمد و عباس عرب مازار(۱۳۸۳)؛ "رتبه درجه جانشینی پول ایران در میان ۲۷ کشور جهان"؛ نامه مفید؛ شماره۴۵؛ صص۲۵-۴۴ . ۱۶. لشکری، محمد(۱۳۸۲)؛ مروری برمبانینظری و تجربی پدیدهجانشینی پول؛ منتشر نشده. ۱۷. لشکری، محمد و اسدااله فرزینوش(۱۳۸۲)؛ تخمین حجم دلارهای در گردش و اندازهگیری درجه جانشینی پول در ایران؛ مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران؛ ویژهنامه. ۱۸. نوفرستی، محمد(۱۳۷۴)؛"رابطه تقاضا برای پول با نرخ برابری ارز و نرخ تورم"؛ برنامه و توسعه ؛ دوره۲؛ شماره۱۱؛ صص۱-۱۳. ۱۹. والکر، مارتین(۱۳۷۸)؛"رام کردن دلار"؛ نامه اتاق بازرگانی؛ شماره۱؛ صص ۴۰-۴۳. ۲۰. یزدانپناه، احمد و ناصرخیابانی(۱۳۷۵)؛ بررسی پدیده جانشینی خارجی به جای پول ملّی در ایران (دلاری شدن اقتصاد)؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۲۱. یزدانپناه، احمد و ناصرخیابانی(۱۳۷۵)؛" جایگزینی پول ملّی (دلاری شدن اقتصادایران)"؛ مجموعهمقالات ششمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ صص۳۳۵-۳۵۹.الف .فهرست لاتین:

Agenor, Pierre-Richard and Mosin S. Khan (۱۹۹۶) " Foreign Currency Deposits and the.۱ Demand for Money in Developing Countries"Journal of Development Economics Vol.۵۰ pp.۱۰۱-۱۱۸.۲.Alami,TarikH(۲۰۰۱)"Currency Substitution Versus Dollarization a Portfolio Balance Model"Journal of Policy Modeling Vol.۲۳ pp.۴۷۳-۴۷۹. ۳-Arango, Sebastian and M . Ishaq Nadiri (۱۹۸۱) " Demand for Money in Open Economies" Journal of Monetary Economics :Vol.۷ pp.۶۹-۸۳.۴-Bahmani-Oskooee,Mohsen and Margaret Malixi (۱۹۹۱) " Exchange Rate Sensitivity of Demand for Money in Developing Countries" Applied EconomicsVol .۲۳pp.۱۳۷۷-۱۳۸۴.۵-Berg,Andrewand Eduardo Borensztein(۲۰۰۰)"The Choice of Exchange Rate Regime and Monetary Target in Highly Dollarized Economies" IMF Wp/۰۰/۲۹ February pp.۱-۲۹.۶-Blejer, Mario I(۱۹۷۸)"Black-Market Exchange Expectations and the Domestic Demand for MoneySome Empirical Results" Journal of Money EconomicsVol.۴pp.۷۶۷-۷۷۳.۷-Bordo, Michael.D and Ehsan Choudri(۲۰۰۰)"Currency Substitu-tion and the Demand for Money: Some Evidence for Canada" Journal of Money Credit and Banking Vol.۱۴ February pp.۴۸-۵۷.۸-Brillembourg, Arturo and Susan M.Schadler (۱۹۸۰)"A Model of Currency Substitution in Exchange Determination,۱۹۷۳-۷۸" IMF Staff PapersVol.۲۶ Sep pp.۵۱۳-۴۲.۹-Calvo, Guillermo A and Carlos A . Vegh (۱۹۹۲) " Currency Substitution in Developing Countries:An Introduction" IMF WP/ ۹۲/ ۴۰ May .۱۰-Calvo, Guillermo A(۱۹۸۵)"Currency Substitution and Real Exchange Rate: The Utility Maximization and __________-Approach" Journal of International Money and Finance Vol.۴ pp.۱۷۵-۸۸.۱۱ C.A.Rodriguez(۱۹۷۷)"A Model of Exchange Rate Determination Under Currency Substitution and Rational Expectations" Journal of Political Economy Vol.۸۵ June pp.۶۱۷-۲۵.۱۲-Canto,Victor A and Marc.A.Miles(۱۹۸۴)"Exchange Rates in a Global Monetary Model with Currency Substitution and Rational Expectations" In Bhandari,Jagdeep and Bluford H.Putnam With Jay H.LevinEconomic Interdependence and Flexible Exchange Rates M.I.T and Gerald Nickelsburg (۱۹۸۷)____________________-Press Second Printing January.۱۳ Currency Substitution: Theory and Evidence from Latin AmericaKluwer Academic ostonMassachusetts.

۱۴-Cohen , Benjamin J (۲۰۰۰) " Dollarization : Pros and Cons " Paper Prepared for the Workshop Los Angeles,CA Maypp.۱-۱۳.۱۵-Cuddington,John T(۱۹۸۳)"Currency Substitutability, Capital Mobility and Money Demand Journal of International Money and FinanceVol.۲pp.۱۱۱-۱۳۳.۱۶-Dean James W (۲۰۰۰) De Facto Dollarization Prepared for a Conference, To Dollarize: Exchange -Rate Choices for the Westwrn Hemisphere, Sponsored by the North-South Institute, Ottawa, Canada,Ocober ۴-۵.۱۷-Dornbusch,Rudiger(۱۹۷۵)"A Portfolio Balance Model of The Open Economy" Journal of EconomicsVol.۱pp.۳-۲۰.۱۸-Feldman, Robert A(۱۹۸۵)"Foreign Currency Options"Finance & Development December no.۳ pp.۳۸-۴۱.۱۹-Fisher , Stanley (۱۹۸۲) "Seigniorage and the Case for a National Money" Journal of Political EconomyVol.۹۰ no. ۲Aprilpp. ۲۹۵-۳۱۳.۲۰-Frenkel, Jacob A and Carlos A. Rodriguez(۱۹۸۰)"Portfolio Equilibrium and the Balance of Payment:A Monetary Approach" The American Economic Review Vol.۶۵ no.۴May pp. ۶۷۵-۶۸۸.۲۱-Grubel Hebret G (۱۹۶۸)" Internationally Diversified Portfolios: Welfare Gains and Capital Flows " The American Economic Review Vol.۵۸no.۵pp.۱۲۹۸-۱۳۱۵.۲۲-Guidotti , Pablo E and Carlos A . Rodriguez (۱۹۹۲) " Dollarization in Latin America, Gresham` s Law in Reverse?"IMF Staff Papers Vol.۳۹ no.۳Septemberpp.۵۱۸-۵۴۴.۲۳-Kamin Steven B and Neil R.Ericsson (۱۹۹۳)" Dollarization in Argentina" Board of Governors of the Federal Reserve System International Finance Discussion paper۴۶۰.۲۴-------------------- ۲۰۰۳)"Dollarization in Post - Hyperinflationary Argentina" Journal of International Money and Finance Vol.۲۲ pp.۱۸۵-۲۱۱.۲۵-Marquez,Jaime(۱۹۸۷)"Money Demand in open Economies:A Currency Substitution Model for Venzurla"Lournal of International Money and Finance Vol.۶pp.۱۶۷-۱۷۸.۲۶-McKinnon, Ronald I(۱۹۸۲) " Currency Substitution and Instability in the World Dollar Standard " American Economic Review Vol.۷۲ Junepp.۳۲۰-۳۳.۲۷-Miles, Marc A(۱۹۷۸)"Currency Substitution, Flexible Exchange Rates and Monetary Independence"American Economic Review no.۶۸ Junepp.۴۲۸-۳۶.۲۸-Poloz, Stephen S(۱۹۸۴)"The Transactions Demand for Money in A Two-Currency Economy"Journal of Monetary EconomicsVol .۱۴ pp.۲۴۱-۲۵۰.۲۹-Vegh, Carlos A(۱۹۹۸)"Inflationary Finance and Currency Substitution in a Public Finance Framework " Journal of International Money and Finance Vol.۱۴no.۵pp.۶۷۹-۶۹۳. Comparing of Dollarization In Iran's Economy with Dollarization in Argentina AbstractsThis Paper examines Currency Substitution phenomenon in Iran's economy and Argentina's economy through estimating Volume of Dollars and Degree of Currency Substitution in Iran and Argentina. The results implies that Currency Substitution in Iran and Argentina is one-way. Key Words: Currency Substitution, Dollarization, Degree of Currency Substitution, Iran, Argentina

ابزارهای اجرای عدالت اقتصادی اسلامی

درایران دکترمحمد لشکری

چکیده: دولت اسلامی برای اجرای عدالت اقتصادی ابزارهای متعددی در اختیار دارد. حوزه اختیارات دولت اسلامی بسیار وسیع است. دولت اسلامی ابزار قانونگذاری، اجرایی و نظارتی بسیار زیادی دارد. در این مقاله انواع ابزارهایی که دولت اسلامی برای تحقق عدالتاقتصادیاسلامی در اختیار دارد مورد بررسی قرار میگیرد.این ابزارها عبارتند از: ۱. تأمین اجتماعی ۲. توازن اجتماعی ۳. فعالیتها و اختیارات قانونی بخش دولتی دولت اسلامی علاوه بر ابزارهایی که نظریه اقتصاد اسلامی به آن اشاره نموده از ابزارهای جدیدیکه دراقتصاد متعارف مورداستفاده قرار میگیرد و مغایرتی با مبانی اعتقادی اسلام ندارد نیز میتواند استفاده نماید. واژگان

کلیدی: عدالت اقتصادی، اسلام، ایران، احساس عدالت۱. مقدمهآیت الله مطهری عدالت اجتماعی را ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان تعریف میکند (مطهری, ۱۳۵۹ : ۳۱). برای عدالتاقتصادی تعاریف متعددی ارائه شدهاست. موسویان عدالت اقتصادی را رفاه عمومی و ایجاد تعادل و توازن در ثروتها و درآمدها تعریف میکند(موسویان، ۱۳۸۰: ۳۶). عیوضلو عدالتاقتصادی را یافتن راهکارهایی که براساس آنها حقوق اقتصادی افراد، گروهها و حتی اموال تعیین میشود، تعریف میکند(عیوضلو، ۱۳۸۴: ۲۲۸) به نظر نگارنده عدالت اقتصادی ایجاد فرصتهای برابر آموزشی، شغلی، رفاهی برای آحاد مردماست تا در سایه برابری فرصتها تعادل در زمینههای مختلف براساس کوشش و تلاش افراد جامعه برقرار شود. دولت اسلامی در ایران برای اجرای عدالت اقتصادی اسلامی ابزارهای متعددی در اختیار دارد، حوزه اختیارات دولت اسلامی بسیار وسیع میباشد. دولت اسلامی ابزارهای قانونگذاری، اجرایی و نظارتی بسیار زیادی در اختیار دارد. تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی در جامعه از دیدگاه اسلام، بر اساس دو محور استوار است:۱. همکاری همگانی(تکافل عام)، ۲. توازن اجتماعیهمکاری همگانی در اسلام، دعوت حاکمان از مردم برای کمک به همنوعان و دفع فقر و تحقق عدالت به صورت مردمی است(صدر، ۳۰۴ : ۱۳). مددکاری و حس تعاون اجتماعی یکی از ابزارهایی است که دولتاسلامی از طریق دعوت مردم به انجام آن میتواند نیازهای بینوایان را تا مرز خود کفایی آنان بر طرف نمایند. منظور از توازن اجتماعی، ایجاد یک نظام عادلانه برای توزیع درآمد و رفاه است.این مقاله به صورت زیر سازماندهی شدهاست. در بخش دوم ابزارهای اجرای عدالتاقتصادی مورد بررسی قرار میگیرد. در بخش سوم قلمرو اختیارات قانونی دولت اسلامی و در بخش چهارم وضعیت عدالت اقتصادی در ایران بررسی میشود. در بخش پنجم ابزارهای جدید برای اجرای عدالت اقتصادی اسلامی بررسی میشود. بخش ششم به نتیجهگیری و بخش هفتم به پیشنهادات سیاستی مربوط میشود.۲. ابزارهای اجرای عدالت اقتصادیدولتاسلامی موظفاست وسایل زندگی عمومی مردم را تأمینکند. برای انجام این وظیفه دولت دوگونه اقدام میتواند انجام دهد:۱. دولت اسلامی مستقیماً در اموراقتصادی دخالت میکند و واحدهای مختلفاقتصادی را تأسیس و هدایت مینماید.۲. دولتاسلامی میتواند از طریق اعطای تسهیلات و داراییهای لازم امکانات و وسایل فعالیتهای مولد و مفید اقتصادی را در اختیار افراد قرار دهد. به عبارت دیگر، دولتاسلامی زمینه رفع مشکلات مردم را فراهم می آورد(دادگر، ۱۳۷۹: ۱۷۰). اقدام اول از طریق تأمین اجتماعی و اقدام دوم از طریق توازن اجتماعی صورت می گیرد.۱. تأمین اجتماعیدر مکتب اقتصادی اسلام، تأمین اجتماعی بر دو پایه استوار است، اول اصل همکاری و سرپرستی همگانی، دوم حق مردم در درآمدهای بخش دولتی. اصل اول مربوط به مسئولیت متقابل عموم مردم نسبت به یکدیگر است و تنها ضرورت تأمین نیازهای اساسی مردم را در نظر میگیرد ولی اصل دوم سطح بالاتری از نیازهای اساسی را مورد توجه قرار میدهد. دین اسلام همه انسانها را موظف ساخته که از مازاد درآمد خود به نیازمندان کمک کنند. در مکتب اقتصادی اسلام، تأمین اجتماعی هم جنبه اخلاقی دارد و هم از راهگرفتن مالیات صورت میگیرد. یعنی اصل اخلاقی با اصل اجرایی(قانونی)هماهنگ هستند. وظیفه دولت اسلامی در مورد اصل اول، الزام مردم به انجام تکالیف شرعی است. در مورد اصل دوم، دولتاسلامی موظف است به طور مستقیم زندگی مناسبی برای افرادی که سطح زندگی آنها پایینتر از حد متعارف جامعه می باشد را تأمین نماید(دادگر، ۱۳۷۹ :۱۷۱).۲. توازن اجتماعیمنظور از توازن اجتماعی، ایجاد یک نظام عادلانه برای توزیع درآمد و رفاه است. انسانها از لحاظ پایداری در برابر مشکلات، قدرت اتخاذ تصمیم، هشیاری، خلاقیت و دیگر تواناییهای شخصی دارای تفاوتهای فردی هستند و این تفاوتهای فردی موجب تفاوت در درآمد و ثروت افراد میشود اما انسانها نیازهای اولیه (مسکن، خوراک، پوشاک،بهداشت،آموزش و امنیت) مشابهی دارند. در اسلام کار مبنای مالکیت و حقوق مالکانه می باشد(دادگر، ۱۳۷۹: ۱۷۲). با توجه به تفاوتهای فردی همه افراد قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نیستند. چون تمامی افراد نمیتوانند از طریق کار نیازهای اولیه خود را بر طرف کنند لذا بر دولت اسلامی است که نیازهای اولیه را برای تمام افراد جامعه که امکان تأمین آن را ندارند، تأمین نماید.ابزارهای اجرای توازن اجتماعیتوازن اجتماعی در برگیرنده سطح زندگی عمومی یکسانی برای همه مردم میباشد. دولت اسلامی برای اجرای توازن اجتماعی ابزارهایی در اختیار دارد که عبارتند از:الف. مالیاتهای ثابتب. سرمایه گذاری و سایر فعالیتهای بخش دولتیپ. اختیارات قانونی دولت اسلامیالف. مالیاتهای ثابتمنظور از مالیاتهای ثابت، خمس و زکات است. خمس و زکات جنبه عبادی دارد و باید با نیت خالص و قصد قربت پرداخت شوند.پرداخت این مالیاتها برمسلمانان واجباست درآمدهای ناشی از این نوع مالیات فقط برای بر طرف ساختن نیازهای اساسی نیست، بلکه برای مبارزه با فقر و بالا بردن سطح زندگی فقیران جامعه و تحقق توازن اجتماعی نیز می باشد.ب. سرمایه گذاری و سایر فعالیتهای بخش دولتیدولت اسلامی مستقیماً در امور اقتصادی دخالت میکند و واحدهای مختلفاقتصادی را تأسیس و هدایت می نماید. علاوه بر آن دولت اسلامی برای رفع فقر می تواند از منابع زکات استفاده کند از مجموع روایات استنتاج میشود که اگر منابع زکات برای رفع فقر کافی نباشد دولت برای تحقق توازن اجتماعی میتواند از سایر منابعی که در اختیار دارد استفاده نماید.   یکی از آن ابزارها فیءاست، فیء به ثروتهایی

گفته میشود که بدون جنگ، از کفار به دست میآید و در اختیار پیامبر(ص) و امام(ع) به اعتبار منصب آنان و نه به اعتبار شخص آنان، قرار میگیرد(دادگر، ۱۳۷۹: ۱۷۹).

یکی دیگر از ابزارهای توازن اجتماعی طسق است. طسق نوعی مالیات است که دولت اسلامی میتواند آن را از افرادی که به احیای زمین بایر و بهرهبرداری از آن میپردازد، دریافت نماید و آن را برای تأُمین مالی هزینههای بخش عمومی به کار برد(صدر، ۱۳۵۸: ۵۶۱) طسق جزء انفال است و یکی از مهمترین اهداف وضع انفال، تأمین اجتماعی و حفظ توازن عمومی است (دادگر، ۱۳۷۹: ۱۸۰). پ. اختیارات قانونی دولت اسلامیسومین ابزار توازن اجتماعی، اختیارات قانونی بخش دولتی در اقتصاد اسلامی است. مقررات مربوط به ممنوع بودن بهره پول، ممنوع بودن زراندوزی و مقررات مربوط به ارث و مانند آنها سبب قانونمندشدن فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی می شود. لغو بهره برداری از ثروتهای صبیعی به صورت سرمایهداری و تکیه بر اولویت کار مستقیم در اسلام موجب عدم انباشت ثروت در دست عدهای خاص و تحقق بیشتر توازن اجتماعی می شود.۳. قلمرو اختیارات قانونی دولت اسلامییکی از مبانی اقتصاد اسلامی دخالت دولت در اقتصاد است. دولت اسلامی اختیارات فراوانی برای کنترل و نظارت فعالیتهای اقتصادی دارد. قوانین و مقررات اسلامی به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می شود. قوانین ثابت همیشگی هستند. در صورتی که قوانین متغیر تابع شرایط اجتماهی هستند و با توجه به دو عنصر زمان و مکان متحول می شوند. این قوانین توانایی بالقوه پویای را به نظریه اقتصاد اسلامی عطا می نمایند.۴. وضعیت عدالت اقتصادی درایراندراصل سوم قانوناساسی جمهوریاسلامی ایران، دولت برای اجرای عدالتاقتصادی موظف شدهاست همه امکانات خود را برای ایجاد آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی بهکارگیرد. آموزش و پرورش منشأ اجرای عدالت درتمام زمینهها است، زیرا آموزش و پرورش موجب رشد آگاهی، توانمندی و پیدا کردن فرصت برای سایر امور از جمله اشتغال، درآمد و ثروت میشود. در نظام کنونیآموزش و پرورش دو بخش دولتی و غیردولتی(به اصطلاح غیرانتفاعی) وجود دارد. بخش دولتی رایگان بوده و به جز موارد استثنایی که مدارسی با شرایط خاص و برای افراد خاص با کیفیت بالا در بخش دولتی وجود دارد بقیه آموزشگاههای دولتی از کیفیت مناسبی برخوردار نیستند. بخش غیردولتی از امکانات خوبی برخوردار است و چون شهریههای نسبتاً بالایی دریافت میکنند دارای کیفیت بهتری هستند. معلمین این آموزشگاهها با انگیزه بیشتری کار میکنند و بر کار آنها به طور مستمر نظارت میشود و در صورت پایین بودن کیفیت تدریس به مدارس دولتی انتقال میابند. بدیهیاست که تمام مردم امکان استفاده از مدارس غیردولتی را ندارند و تنها بخش کوچکی از مردم از چنین سیستم آموزشی بهرهمند میشوند. فارغالتحصیلان این دو بخش(دولتی و خصوصی) در مقاطع بالاتر از جمله دانشگاه با هم رقابت میکنند درشرایط معمول(به جزاستثناها) دانشگاهها و رشتههای خوب اغلب توسط فارغالتحصیلان مدارس خصوصی پر میشوند. پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه درگرفتن مشاغل بهتر و پردرآمدتر نیز این دوگروه رقیب هم بوده و قطعاً افراد فارغالتحصیل مدارس خصوصی که در دانشگاههای خوب دولتی و در رشته های خوب تحصیل کرده اند شانس بیشتری دارند این موضوع موجب طبقاتیتر شدن جامعه شده و در تمام فرصتها بین این دو طبقه شکاف وجود دارد. دولت برای اجرای عدالتاقتصادیاسلامی باید شرایط یکسان تحصیل را در تمام مقاطع برای تمام مردم فراهم نماید. بازگشت به عقب و

دولتی کردن آموزشگاههای خصوصی درحالحاضر امکانپذیر نیست و هزینههای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زیادی دارد که انجام آن در شرایط کنونی عقلایی به نظر نمیرسد. راه مناسبتر بالابردن کیفیت آموزشگاههای دولتی، رسیدگی به امور معیشتی معلمان و کارکنان زحمتکش آموزش و پرورش و توزیع عادلانه امکانات آموزشی درتمام نقاط کشور و رسیدگی بیشتر به مناطق محرومتر است. برای بالابردن کیفیت تدریس معلمان دربخش دولتی دولت باید علاوه بر رسیدگی بر امور معیشتی معلمان بر کار آنان نظارت مسمتر و صحیح داشتهباشد. بیعدالتی در نظام آموزشی زمینه بیعدالتی در تمام بخشها را فراهم میکند همینطور اجرایعدالت در نظام آموزشی زمینه اجرایعدالت را در سایر بخشها فراهم مینماید. بنابراین مهمترین ابزاری که دولت درایران برای اجرای عدالتاقتصادیاسلامی دارد استفاده از منابع درآمدی نفتی برای اصلاح و تقویت آموزش و پرورش است. اگر بخش آموزش و پرورش تقویت و اصلاح شود و با افتخار بگوییم آموزش و پرورش قوی و پیشرفته داریم، آن وقت بخش صنعت، کشاورزی، ارتباطات، حمل ونقل و بیمه نیز پیشرفته خواهدبود.۵. ابزارهای جدید برای اجرای عدالت اقتصادیاسلامیدولت اسلامی با توجه به اختیاراتی که دارد میتواند از ابزارهای جدید اقتصاد متعارف نظیر درآمدهای مالیاتی، عوارض گمرکی، درآمدهای نفتی و گاز، درآمدهای ناشی از فعالیتهای ارتباطی و حمل و نقل و پرداخت یارانه به طبقات پایین جامعه منابع ثروت و درآمد را از طبقات بالا به طبقات پایین منتقل نموده و شرایط اجرای عدالتاقتصادیاسلامی را فراهم نماید. به این منظور دولت با استفاده از یافتههای علم اقتصاد و برتری شرایط رقابت بر شرایط انحصار میتواند در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی رقابت سالم را جایگزین فعالیتهای انحصاری و شبه انحصاری نماید.۶. نتیجهگیریدولت اسلامی برای اجرای عدالتاقتصادیاسلامی سه ابزار ۱- قانونگذاری، ۲- اجرایی ، ۳- نظارتی را در اختیار دارد. دولت اسلامی با استفاده از ابزار قانونگذاری میتواند قوانین را به نحوی تنظیم نماید که عدالت اقتصادی بین اقشتار مختلف اجتماعی برقرار شود. با استفاده از ابزار اجرایی می تواند عدالت اقتصادی را مطابق با قوانین تصویب شده اجرا نماید. با استفاده از ابزار نظارتی میتواند بر حسن اجرای عدالت اقتصادی نظارت نماید. دولت اسلامی اختیارات وسیعی برای اجرای عدالت اقتصادی دارد. تنها اعتقاد راسخ بر اجرای عدالت اقتصادی لازم است تا دولت با استفاده از ابزارهای وسیعی که در اختیار دارد در اجرای عدالت اقتصادی موفق شود. آموزش و پرورش منشأ اجرای عدالت درتمام زمینهها است، زیرا آموزش و پرورش موجب رشد آگاهی، توانمندی و پیدا کردن فرصت برای سایر امور از جمله اشتغال، درآمد و ثروت میشود. دولت برای اجرای عدالتاقتصادیاسلامی باید شرایط یکسان تحصیل را در تمام مقاطع برای تمام مردم فراهم نماید. برای بالابردن کیفیت تدریس معلمان دربخش دولتی دولت باید علاوه بر رسیدگی بر امور معیشتی معلمان بر کار آنان نظارت مسمتر و صحیح داشتهباشد. بیعدالتی در نظام آموزشی زمینه بیعدالتی در تمام بخشها را فراهم میکند همینطور اجرایعدالت در نظام آموزشی زمینه اجرایعدالت را در سایر بخشها فراهم مینماید.۶. پیشنهادات سیاستی۱. فراهم کردن شرایط رقابت در فعالیتهای اقتصادی و جلوگیری از شرایط انحصاری و تسلط اقلیتی از فعالان اقتصادی بر منابع اقتصادی.۲. استفاده از تمام ظرفیتهای در دسترس نظیر ابزارهای قانونگذاری، اجرایی، نظارتی و احکام حکومتی و استفاده از ابزارهای جدید اقتصاد متعارف.۳. ایجاد شرایط یکسان تحصیل را در تمام مقاطع آموزشی برای تمام مرد.۴. بالابردن کیفیت آموزشگاههای دولتی.۵. رسیدگی به امور معیشتی معلمان و کارکنان زحمتکش آموزش و پرورش.۶. توزیع عادلانه امکانات آموزشی در تمام نقاط کشور و رسیدگی بیشتر به مناطق محروم تر۷. نظارت مسمتر و صحیح برنحوه تدریس معلمان دربخش دولتی درجهت بالابردن کیفیت آموزش دراین بخش.فهرست منابع ۱. دادگر، یداله و سیدمحمدباقرنجفی(۱۳۷۹)، مبانی فقهی پیشرفته اقتصاداسلامی، کرمانشاه: دانشگاه رازی. ۲. صدر، سید محمد باقر(۱۳۵۸)، اقتصاد ما، ترجمه موسوی بجنوردی، انتشارات جهاد دانشگاهی. ۳. عیوضلو، حسین(۱۳۸۴ ")،گستره قاعده عدالت، " مجموعه مقالات چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، چالشهای اقتصاد ایران و راهکارهای اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس. ۴. مطهری، مرتضی(۱۳۶۰)، عدل الهی، انتشارات صدرا. ۵. موسویان، سید عباس(۱۳۸۰ ")، عدالت محور آموزههای اقتصادی اسلام، "فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره چهارم، صص۳۵-۵۹.

مقایسه دلاری شدن ایران و کانادا

دکتر محمدلشکری

چکیده: این مقاله از طریق تخمین توابع تقاضای پول داخلی و خارجی به مقایسه دلاری شدن ایران و کانادا¬ می پردازد. برای مقایسه دلاری شدن دو کشور، توابع تقاضای پول داخلی و تقاضای پول خارجی توسط ساکنین دو کشور برآورد شده است. نتایج تحقیق نشان می¬دهد که دلاری شدن اقتصاد ایران یک طرفه است یعنی پول خارجی جانشین پول داخلی شده ولی در خارج ایران تقاضایی برای پول داخلی(ریال ایران) وجود ندارد. در حالی که دلاری شدن اقتصاد کانادا دو طرفه است یعنی پول خارجی جانشین پول داخلی شده و در خارج کانادا هم تقاضا برای پول داخلی(دلار کانادا) وجود دارد. واژگان کلیدی: جانشینی پول، دلاری شدن، تقاضای پول داخلی، تقاضای پول خارجی، کانادا، ایران۱. مقدمههدف این مقاله مقایسه جانشینی پول در ایران و کانادا از طریق تخمین توابع تقاضای پول داخلی و پول خارجی است. جانشینی ¬پول¬ آثار مهمی¬ برای کارکرد نرخهای ارز شناور دارد. اگر درجه جانشینی پول بالا باشد، تغییرات کوچک در عرضه پول موجب تغییرات بزرگ در نرخ ارز می¬گردد. بعلاوه، جانشینی پول آثار اختلالات پولی را از یک کشور به کشور دیگر انتقال خواهد داد. جانشینی پول توانایی نرخهای شناور ارز را برای فراهم کردن استقلال پولی از بین می¬ برد. در مقاله حاضر اهمیت تجربی جانشینی پول در چار چوب تقاضا برای پول را در ایران و کانادا آزمون می¬کنیم. اگر جانشینی پول مهم باشد، تغییر انتظاری در نرخ ارز باید یک تعیین کننده مهمی در تقاضای پول داخلی باشد. در این مقاله چنین آزمونی را برای تقاضای پول ایران و کانادا انجام می¬دهیم. شواهد قابل ملاحظه¬ای وجود دارد که نرخ بازار موازی ارز اندازه خوبی از نرخ انتظاری ارز است. آزمونهای تحقیق این نتایج را برای داده¬های ایران از سال ۱۳۵۷ که فاصله نرخ رسمی ارز و نرخ بازار موازی ارز زیاد شده¬ ا¬ست تأیید می¬کند. با استفاده از اندازه نرخ بازار موازی ارز دریافتیم که تغییر انتظاری نرخ ارز (دلار آمریکا به ریال ایران) عامل معنی¬داری در تقاضای پول ایران است.(لشکری،۱۳۸۲ و لشکری،۱۳۸۴) با استفاده از نظریه جانشینی پول حجم دلارهای در گردش را برای سالهای۱۳۳۸-۱۳۸۴ برآورد نموده است. در این مقاله با استفاده از حجم دلارهای برآورد شده و حجم ریال های در گردش دو تابع تقاضای پول داخلی و خارجی برای ایران تخمین می زنیم و سپس با استفاده از داده های بورددو و چودری(۱۹۹۹) دو تابع تقاضای پول داخلی و خارجی برای کانادا را با ایران مقایسه نموده و وجود پدیده جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی را در چار چوب تقاضا برای پول با رویکرد سبد دارایی در دو کشور آزمون می کنیم. رویکرد سبد دارایی، پدیده جانشینی پول را با استفاده از تابع تقاضای سنتی پول مورد بررسی قرار می¬دهد با این تفاوت که در تابع تقاضای پول داخلی، متغیرهایی نظیر نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی یا شاخص قیمتهای مصرف کنندگان خارجی را به عنوان هزینه فرصت پول وارد تابع می نماید. با استفاده از معیار نرخ بازار موازی ارز دریافتیم که تغییر انتظاری نرخ ارز/$ (R) عامل معنی¬داری در تقاضای پول ایران است. این مقاله به صورت زیر سازماندهی ¬شده است. در بخش دو، مروری بر ادبیات موضوع جانشینی پول داریم. در بخش سه مدل تقاضای پول داخلی و خارجی ارائه می¬شود. بخش چهار جانشینی پول در تابع تقاضای پول داخلی و بخش پنج جانشینی پول در تابع تقاضای پول خارجی در ایران و کانادا را مورد بررسی قرار می¬دهد. در بخش شش آزمون مدل ها انجام می¬شود. تفسیر ضرایب و مقایسه آنها در بخش هفت خواهد آمد. در بخش هشت آزمون فرضیه¬های تحقیق می آید.در بخش نهایی خلاصه و نتیجه گیری مقاله ارائه می شود.۲. مروری بر ادبیات موضوع اوّلین بار در سال ۱۹۳۶ کینز درکتاب " نظریه عمومی، اشتغال، بهره و پول" نوشت: اگر وضعی پیش¬آید که پول در جریان کشور خاصیت نقدینگی خود را از دست¬ دهد، جانشین های فراوانی پای خود را در کفش پول می¬کنند مثل بدهی های کوتاه¬مدت، پول ¬خارجی، جواهرات، انواع فلزات گران قیمت و جریانات اعتباری بانک که خلق پول است بدون اسکناس و به آن پول اعتباری می¬گویند.(John Maynard Keynes,ı□□□ p.□□□) موضوع جانشینی پول حدود سه¬ دهه¬ است که وارد¬ ادبیات اقتصادی شده ¬است. البته پدیده دلاری شدن اقتصاد سابقه¬ای

طولانی¬تر دارد. به عنوان مثال درکشور مکزیک حتی پیش از آنکه بانک مکزیک در¬ سال ۱۹۲۵ تأسیس یابد، شهروندان می¬توانستند سپرده¬های ارزی داشته¬باشند.(Ortiz,I□□□pp.I□□-□□) با توجه به¬ این که ادبیات جانشینی پول سیر تاریخی ¬داشته¬ است. در این بخش مسیر ¬تاریخی مبانی نظری و تجربی جانشینی پول تجزیه و تحلیل می¬شود و نقاط عطف بحث جانشینی پول مشخص می¬شود. در ادبیات ¬اقتصادی دوکلمه¬ جانشینی پول و دلاری¬ شدن¬ اقتصاد به یک مفهوم به کار می¬روند، بعضی از پژوهشگران بین این دو کلمه تفکیک قائل شده¬اند و دلاری شدن را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه ذخیره ارزش و جانشینی پول را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه معاملاتی به کاربرده¬اند. چون اندازه¬گیری حجم دلارهای درگردش کار مشکلی است و روش واحد و دقیقی برای آن وجود ندارد و معمولاً به صورت برآورد انجام می¬شود، لذا تفکیک حجم دلارها با انگیزه ذخیره ارزش و انگیزه ¬معاملاتی با اطلاعات موجود تقریباً غیرممکن است. به این علت در این مقاله واژه جانشینی پول و دلاری شدن به یک معنی مورد استفاده قرار می¬گیرد. در این ¬مقاله پدیده جانشینی پول با رویکرد سبد دارایی مورد تجزیه و تحلیل قرار می¬گیرد. رویکرد سبد دارایی، پدیده جانشینی پول را با استفاده از تابع تقاضای سنتی پول مورد بررسی قرار می¬دهد با این تفاوت که در تابع تقاضای پول داخلی، متغیرهایی نظیر نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی یا شاخص قیمت های مصرف¬کنندگان خارجی را به عنوان هزینه فرصت نگهداری پول داخلی در مقایسه با پول خارجی وارد می¬کند.

مارکوویتز (Markowitz,۱۹۵۲ pp۷۷-۹۱) در مقاله¬ای تحت عنوان " انتخاب سبد دارایی" فرآیند انتخاب سبد دارایی را به دو مرحله تقسیم می کند:۱. مرحله اول که با مشاهده و تجربه شروع می¬شود و با باور درباره عملکرد آینده اوراق بهادار در دسترس پایان می¬یابد.۲. مرحله دوم که با باورهای مربوط به عملکرد آینده آغاز می¬شود و با انتخاب سبد دارایی پایان می¬یابد. مقاله فوق¬الذکر به مرحله دوم مربوط می¬شود. فرضیه مقاله این است که سرمایه¬گذار تمام وجوه خود را در اوراقی سرمایه¬گذاری می¬کند که بالاترین ارزش تنزیل شده را داشته¬ باشند. سپس فرض می¬کند سبد دارایی وجود دارد که هم بازده انتظاری آن حداکثر و هم واریانس آن حداقل است. تنوع نمی¬تواند تمام واریانس را حذف ¬کند. زیرا در دنیای واقعی سبد دارایی که حداکثر بازده انتظاری را دارد لزوماً حداقل واریانس را ندارد. نرخی وجود دارد که سرمایه¬گذار می¬تواند بازده انتظاری را با در نظر گرفتن واریانس معین افزایش دهد، یا با کاهش واریانس، بازده انتظاری معینی را به دست آورد. لینتر (Linter,۱۹۶۵:pp.۵۸۷-۶۱۵) در مقاله¬ای تحت عنوان "سهام، ریسک و حداکثر کردن منافع تنوع گرایی" به بررسی ارزش سهام در سبد دارایی افراد می¬پردازد. از نظر لینتر ارزش سهام در سبد دارایی افراد به سادگی با یک رابطه خطی به انحراف از بازده آن مربوط نمی¬شود. سرمایه¬گذاران تلاش می¬کنند دارایی های ریسکی خود را متنوع سازند. از نظر او هدف از متنوع کردن سبد دارایی به حداقل رساندن ریسک نیست بلکه بهترین سبد دارایی ترکیب بهینه ریسک و بازده انتظاری است. گروبل(Grubel,۱۹۶۸: pp.۱۲۹۸-۱۳۱۵) در مقاله¬ای تحت عنوان " تنوع سبد دارایی بین¬المللی: منافع رفاهی و جریان های سرمایه" منافع رفاهی حاصل از تنوع سبد دارایی بین¬المللی را که از منافع تجارت سنتی و افزایش بهره¬وری نیروی کار در اثر مهاجرت حاصل می¬شود مورد بررسی قرار می¬دهد. مدل وی نشان می¬دهد که حرکت های بین¬المللی سرمایه نه تنها تابعی از اختلاف نرخهای بهره، بلکه تابعی از رشد کل دارایی هایی است که در دو کشور نگهداری می¬شود. ممکن است اختلاف نرخ بهره صفر و حتی منفی باشد ولی سرمایه بین دو کشور جریان یابد ، و یا ممکن است اختلاف نرخ بهره مثبت باشد ولی سرمایه بین دو کشور جریان نیابد. جریان خالص اوراق قرضه بین دو کشور تابعی از نرخ رشد میزان موجودی اولیه در هر دو کشور است. جریان ناخالص سرمایه حتی اگر اختلاف نرخ بهره در تمام زمانها صفر باشد می¬تواند بین دو کشور رخ دهد.

میلز(Miles,۱۹۷۸ :pp.۴۲۸-۳۶) درمقاله¬ای تحت عنوان "جانشینی پول، نرخهای ارز انعطاف¬پذیر و استقلال پولی" موضوع نگهداری پول خارجی و هزینه¬های مبادلاتی خریدهای خارجی را مورد بررسی قرار می¬دهد. به نظر او نگهداری پول خارجی هزینه¬های مبادلاتی خریدهای خارجی را کاهش داده و اختلاف بین نرخ تورم کشورها درجه جانشینی پولها را تعیین می¬کند.

گیرتون و راپر ۱۵۹-Girton and Roper,۱۹۸۰: pp.۱۳۵)) در مقاله خود با عنوان "نظریه جانشینی پول و اتحاد پولی" ابتدا نظریه سنتی پولی را که فرض می¬کند در هر کشور (منطقه) تنها یک پول واحد استفاده می¬شود مورد بررسی قرار می¬دهند. سپس اظهار می¬دارند که در اغلب مناطق مرزی کشورهای کمتر توسعه یافته جهان چند پول مورد استفاده قرار می¬گیرد. با وجود پولهای جانشین، ناشرین پول باید پولهای جذّاب تری با توجه به نرخ بازده آنها عرضه کنند. با حضور جانشینی پول نرخهای ارز شناور استقلال پولی را تضمین نمی¬کند. نتیجه تحقیق آنها این است که جانشینی پولها دقیقاً متضاد قانون گرشام است زیرا پول خوب پول بد را از میدان خارج می¬کند. گیرتون و راپر Girton and Roper,۱۹۸۱: pp.۱۲-۲۹)) در مقاله خود با عنوان "نظریه و پیامدهای جانشینی پول" یک مدل با دو تابع تقاضا برای پول، با عرضه برونزای پول و یک دارایی غیرپولی ارائه می¬کنند. در مدل آنها تقاضا برای هر دو پول داخلی و خارجی تابعی از متغیرهای نرخ بازده واقعی هر دو پول، نرخ بازده واقعی دارایی غیر پولی و متغیر مقیاس ثروت می¬باشد. در مقاله آنها دو تابع تقاضای پول، با عرضه برونزای پول برای تحلیل نرخ ارز مورد استفاده قرار می¬گیرد و دارایی غیر پولی دیگری به صورت ضمنی در مدل وجود دارد. بوردو و چودری۵۷-Bordo and Choudri,۱۹۹۹: pp.۴۸)) در مقاله خود تحت عنوان "جانشینی پول و تقاضا برای پول" ضمن انتقاد از مقاله ۱۹۷۸ میلز تصریح تابع او را اشتباه می¬دانند و با استفاده از داده¬های میلز و با متدولوژی دیگری نتایج متفاوتی به دست می¬آورند. مطالعه آنها نشان می¬دهد که نرخ ارز عامل مهمی در تقاضای پول کانادا نیست. بنابراین برای یک کشور مهم(کانادا) که مبالغ زیادی پول خارجی نگهداری می¬کند، جانشینی پول عامل مهمی در تابع تقاضای پول نیست. تقاضای پول درکانادا تابعی از درآمد و نرخهای کوتاه¬مدت و بلندمدت است. در مطالعه آنها در دوره شناوری نرخ ارز تأثیر بازده انتظاری پول خارجی روی تقاضا برای پول داخلی ناچیز بوده¬است. تانزی و بلیجر (Tanzi and I.Blejer,۱۹۸۲: pp.۷۸۱-۹۰) در مقاله¬ای تحت عنوان " تورم، سیاست نرخ بهره، و جانشینی پول در کشورهای درحال توسعه" به بررسی سیاستهای نرخ بهره و جانشینی پول می پردازند. به¬ طورکلی فرض می¬شود که تقاضا برای پول علاوه بر متغیرهای مقیاس مانند ثروت و درآمد به نرخ بازده اندوخته¬های پولی نسبت به بازده سایر داراییها نیز بستگی دارد. انتظار بر این است که نرخ بازده نسبتاً بالاتر سایر داراییها از جمله پول خارجی تقاضا برای پول داخلی را کاهش دهد. بنابراین پول خارجی طرفهای عمده تجاری احتمالاً یک جزء مهم در سبد داراییداخلی است. کادینگتون۱۳۳-Cuddington,۱۹۸۳:pp.۱۱۱)) در مقاله¬ای تحت عنوان "جانشینی پول، تحرک سرمایه و تقاضای پول" یک مدل مانده سبد دارایی عمومی ارائه کرد که در آن تقاضای ساکنین داخلی برای پول خارجی را از تقاضای آنها برای دارایی¬های غیر پولی خارجی تفکیک می¬کند. سرمایه¬گذاران از میان چهار نوع دارایی؛ پول داخلی (dM) ، پول خارجی(fM)، اوراق ¬قرضه¬¬ ¬¬¬¬¬¬¬¬¬داخلی(dB)، اوراق¬ قرضه خارجی(fB) انتخاب می¬ کنند. کادینگتون فرض می¬کند چهار نوع دارایی جانشین ناخالص می¬باشند. به نظر کادینگتون انتظار بر این است که تقاضا برای پول داخلی و خارجی همراه با افزایش درآمد داخلی(PY) افزایش¬ یابد. اگرهمراه با افزایش متغیر معاملاتی درآمد(PY) تقاضا برای سپرده¬های خارجی افزایش یابد جانشینی پول صورت گرفته¬ است. اگر تقاضا برای پول خارجی با تغییرات درآمد (PY) رابطه معکوس داشته باشد ملاحظات سبد دارایی بر ملاحظات معاملاتی غالب است. بنا بر این اقتصاد دلاری شده است. دانیل و فراید (Daniel and .Fried,۱۹۸۳: pp.۶۱۲-۶۲۳) در مقاله¬ای تحت عنوان "جانشینی پول، اعتصابات پستی، و تقاضا برای پول در کانادا" برای بررسی پدیده جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی تقاضا برای پول داخلی را تابعی از حجم مبادلات(Y) و هزینه فرصت نگهداری پول(i) به صورت زیر نشان می¬دهند: ۱) $M/P=L(Y,i)$ از طرف دیگر، به نظر آنها اگر تأثیر اعتصابات پستی در برآورد تقاضای پول منظور نشود؛ در دوره اعتصاب، برآورد تقاضای پول کمتر از حد واقعی به دست می¬آید؛ زیرا در دوره اعتصاب، بنگاه هایی¬که ¬پرداخت های مربوط به اوراق قرضه را از طریق پست دریافت نکرده¬ باشند، برای پرداخت هزینه¬هایشان به استفاده از وام روی می¬آورند؛ و افزایش تقاضای وام به افزایش عرضه پول از طرف مقامات پولی منتهی می¬شود. همچنین پس از دوره اعتصاب بر اثر بزرگ شدن مقدار متغیر وابسته با تأخیر، برآوردی بیش از حد واقعی

به دست می¬آید. آنها نهایتاً به کمک متغیرهای مجازی تأثیر عوامل فصلی(D۱) و اعتصابهای پستی (D۲)را به صورت الگوی زیر نشان دادند:۲) (mt=f(mt-۱,Y,i,D۱,D۲) و با استفاده از داده¬های فصلی سالهای ۱۹۷۰ تا۱۹۸۲ (دوره شناوری نرخهای ارز) تقاضای پول را برای کانادا برآورد کرده¬اند. در مجموع ضرایب به دست آمده، وجود جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی(از طریق ضریب منفی نرخ بهره خارجی)، و تأثیر اعتصابهای پستی را بر تقاضای پول کانادا تأییدکرده است. توماس(Thomas,۱۹۸۵pp.۳۳۷-۵۷)) در مقاله¬ای تحت عنوان " نظریه سبد دارایی و جانشینی پول" فرض می¬کند در طرف تقاضای پول، عوامل اقتصادی انگیزه نگهداری پول خارجی و داخلی را به¬ طور همزمان دارند، بنا بر این متغیرهای نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی، تغییرات انتظاری نرخ ارز در تابع تقاضای پول داخلی مؤثر هستند. در مدل وی فرض می¬شود که به پول ها هیچ بهره¬ای تعلق نمی¬ گیرد، اوراق قرضه بدون ریسک اسمی قابل خرید و فروش با هر دو پول داخلی و خارجی وجود دارد و هزینه واسطه¬ای وجود ندارد. بنا بر این نرخ قرض ¬گرفتن و قرض دادن برابر است، او نتیجه می ¬گیرد که فقط زمانی پولها جانشین هستند که کشش متقاطع تقاضای پول داخلی(خارجی) نسبت به نرخ بهره خارجی(داخلی) منفی باشد. این مقاله نتیجه می¬گیرد وقتی معامله کنندگان هر دو پول را نگه می¬دارند نیازی به جانشینی پول خارجی و داخلی نیست. ملوین(Melvin,۱۹۸۵: pp.۷۹-۹۱) در مقاله¬ای تحت عنوان "جانشینی پول و اتحاد پولی اروپای غربی" با رویکرد سبد دارایی به بررسی پدیده جانشینی پول در برخی از کشورهای اروپای غربی می¬ پردازد. وی معتقد است برآورد ضریب نرخ بهره خارجی در تابع تقاضای پول داخلی چنانکه باید جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی را نشان نمی¬دهد. زیرا در این حالت نمی¬توان جانشینی پول را از مفهوم گسترده¬¬ تر تحرک سرمایه که جانشینی بین اوراق قرضه و پول را نیز در بر ¬می¬ گیرد تفکیک نمود. ملوین کیفیت پول (میزان اطمینان به ارزش¬آینده آن) را به عنوان معیار جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی در نظر گرفته¬ است. در مدل وی نرخهای بهره داخلی و خارجی به عنوان فرصت نگهداری پول در نظر گرفته شده¬ است و افزایش هر کدام از آنها به ترتیب به کاهش و افزایش تقاضا برای پول داخلی منتهی می¬شود. لذا علامت انتظاری ضریب نرخ بهره خارجی مثبت است. به¬ نظر ملوین، بدون توجه به واکنش نرخهای بهره خارجی، پدیده جانشینی پول را می¬توان به کمک متغیرهای مربوط به کیفیت پول آزمون ¬کرد. از طرف دیگر، با وارد کردن نرخ بهره خارجی، اثر عوامل تعیین¬کننده جانشینی بین پول (دارایی های پولی بدون بهره) و دارایی های بهره¬دار ثابت نگه داشته می¬ شود. وی به کمک داده¬های مربوط به دوره¬های شناوری نرخهای ارز بین سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۰ معادله زیر را برای کشورهای آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه برآورد کرده¬ است. بر پایه نتایج به¬ دست آمده، جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی را در هیچیک از این کشورها نمی ¬¬¬توان نادیده¬ گرفت. نتیجه پایانی او این است که در نظام شناوری نرخهای ارز، کشورهای اروپایی برای دستیابی به استقلال پولی ناگزیر از تن دادن به اتحادپولی هستند. گویدوتی و رودریگز (Guidotti and .Rodriguez, ۱۹۹۲: pp.۵۱۸-۵۴۴) در مقاله¬ای تحت عنوان "دلاری شدن در آمریکای لاتین، آیا قانون گرشام معکوس است؟" به¬ بررسی تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین که دارای نرخهای تورم بالا بوده و دلاری شدن را تجربه کرده¬اند، می¬ پردازند. مدل آنها اساساً پدیده جانشینی پول را با ترکیب سبد دارایی در شرایطی که تحرک سرمایه وجود دارد بررسی می¬ کند. فرض اساسی آنها این است که توابع تقاضای معاملاتی پول همان ویژگی توابع تقاضای مشتق شده از ملاحظات سبد دارایی را دارند. تفاوت مقاله گویدتی و رودریگز با تحلیل های سنتی پدیده جانشینی پول در این است که آنها دلاری شدن آمریکای لاتین را محصول آزاد سازی مالی می¬ دانند. گویدتی و رودریگز چنین نتیجه گرفته¬اند که دلاری شدن اقتصاد ممکن است یک سری زمانی ناپایا باشد ولی تفاوت بین نرخهای تورم داخلی و خارجی یک فرآیند پایا به¬ نظر می¬ رسد. به¬ عبارت دیگر، شوک های سطح دلاری اقتصاد اثری دایمی دارد، اما شوک های تفاوت بین نرخهای تورم داخلی و خارجی دارای یک اثر آنی است. رویاس سوارز Rojas (Suarez,۱۹۹۰:pp.۱-۲۷) در مقاله¬ای تحت عنوان " جانشینی پول و تورم در پرو" مدلی را در نظر می¬گیرد که در آن، پول تنها شکل ثروت است، و ساکنان کشور می¬ توانند ترکیبی از پول داخلی و پول خارجی را در سبد دارایی خود جای دهند. در این مدل، هر مصرف کننده تابع مطلوبیت خود را برای یافتن ترکیب بهینه پول های داخلی و خارجی، با توجه به محدودیت بودجه خود حداکثر می ¬کند. از حل مسأله حداکثر سازی، نسبت نگهداری پول ملی به پول های خارجی در حالت پایدار، تابعی از نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی به دست می¬آید. وی با استفاده از داده¬های ماهانه سالهای۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰، برای سریهای زمانی موجود نتایج زیر را به دست آورد:۱. ضرایب به ¬دست ¬آمده، دارای علامت انتظاری بوده، و به¬ ¬گونه¬ای معنی¬ دار، بر فرآیند جانشینی پول تأثیر می¬گذارد. ۲. همسو بودن تغییرات متغیر جایگزین درآمد ملی با فرآیند جانشینی پول، نشان¬دهنده دلاری شدن اقتصاد پرو درسالهای مورد بررسی است.۳. فرآیند تعدیل جانشینی پول در پرو نسبتاً کند بوده است. عالمی(Alami, ۲۰۰۱: pp.۴۷۳-۴۷۹) در مقاله¬ای تحت عنوان "جانشینی پول در مقابل دلاری شدن: یک مدل تراز سبد دارایی" با ذکر اینکه مدل های گسترش یافته و تعدیل شده توابع تقاضای پول داخلی و خارجی، بین جانشینی پول (پول خارجی به عنوان وسیله مبادله) و دلاری شدن (پول خارجی به عنوان ذخیره ارزش) تفکیک قائل هستند، فرآیندی را که سود مربوط به سپرده¬های خارجی به صورت قابل توجهی افزایش می¬یابد به عنوان جانشینی پول تعریف می ¬کند. مقاله فوق تلاش می ¬کند بین انگیزه¬های معاملاتی نگهداری پول خارجی و تنوع در سبد دارایی تمایز قائل شود. به طور کلی رویکرد سبد دارایی اشاره دارد که عوامل اقتصادی سعی می ¬کنند بهترین ترکیب بهینه ریسک و بازده انتظاری را از میان دارایی های در دسترس انتخاب نمایند. در این رویکرد پول داخلی و پول خارجی دو انتخاب در دسترس افراد می باشند. اختلاف بین نرخ تورم و نرخ بهره کشورها موجب جانشینی پول بین آنها می¬شود. جانشینی پول ها دقیقاً متضاد قانون گرشام است زیرا پول خوب پول بد را از میدان خارج می¬ کند. اگر دو پول در طرف تقاضا جانشین کامل باشند نرخ ارز آنها نامتعین است. پول خارجی طرف های عمده تجاری یک جزء مهم در سبد دارایی داخلی است. همانند سایر دارایی ها اندازه جانشینی بین پول داخلی و پول خارجی به ریسک مبادله و نرخ بازده نسبی آنها بستگی دارد. نسبت بین نگهداری دو نوع پول علاوه بر درجه نقدینگی آنها به نرخ انتظاری بازده آنها بستگی دارد. جانشینی پول در دوره¬های تورمی افزایش می¬ یابد زیرا هزینه نگهداری پول داخلی افزایش و قدرت خرید آن کاهش می¬ یابد و نرخ ارز تعدیل می ¬شود.۳. تغییر نرخ انتظاری ارز و تقاضا برای پول در ایران و کانادا طبق فرمول استاندارد تقاضا برای پول تابعی از یک متغیر مقیاس نشان دهنده درآمد یا ثروت و مجموعه¬ای از متغیرهای نشان دهنده هزینه فرصت نگهداری پول است. در این چارچوب اگر پول خارجی جانشین پول داخلی باشد نرخ بازده پول خارجی عامل مؤثری بر تقاضای پول داخلی خواهد بود. با فرض اینکه به مانده¬های پول خارجی هیچ بهره¬ای پرداخت نشود، نرخ بازده انتظاری پول خارجی برابر نرخ انتظاری افزایش نرخ ارز (که به عنوان قیمت پول خارجی تعریف می شود) است. بنا بر این امکان جانشینی پول می تواند از طریق اینکه آیا تغییر انتظاری نرخ ارز تعیین کننده معنی¬داری در تقاضای پول داخلی است آزمون شود. ۳. ۱ مقیاس نرخ سلف ارز در کانادا و مقیاس نرخ بازار موازی ارزفرضیه بازارهای کارا بیان می¬کنند که نرخ سلف مقیاس خوبی از نرخ انتظاری ارز است. یک وجه ساده از این فرضیه که فرض می¬کند افراد ریسک خنثی بوده و هزینه مبادله وجود ندارد اشاره دارد که با توجه به تمام اطلاعات موجود، نرخ¬های سلف پیش بینی بهینه¬ای از نرخ¬ های نقدی آینده ارائه می¬ کنند. این فرضیه به وسیله شواهد قابل ملاحظه¬ای برای محدوده گسترده¬ای از کشورها و دوره¬ها حمایت می¬شود و نشان می¬ دهد که نرخ¬های سلف یک پیش بینی بدون تورشی از نرخ ¬های نقدی آینده ارائه می¬ کنند و خطای پیش بینی از اطلاعات موجود در مورد نرخ ¬های نقدی و آینده مستقل است. با وجود این"، فرضیه ساده کارا "به خوبی از عهده تمام آزمونها و داده¬هایی که شواهدی علیه آن ارائه می¬ کنند بر نمی¬ آید. حتی اگر وجه ساده برقرار نباشد و نرخ سلف با مقداری خطای سیستماتیک (احتمالاً به دلیل عوامل ریسک و / یا هزینه¬های مبادله) نرخ نقدی انتظاری را اندازه بگیرد، اگر خطا کوچک باشد نرخ سلف می ¬تواند هنوز به عنوان یک نماینده خوب مورد استفاده قرار گیرد. در مورد کانادا از نرخ سلف استفاده شد اما تصدیق می¬کنیم که اگر مقداری انحراف از فرضیه رخ دهد، این اندازه در معرض خطا می¬ گیرد. برای برخورد با چنین امکانی از

روش متغیر ابزاری استفاده می¬کنیم. در آزمون های زیر در فاصله نسبی از نرخهای سلف و نقدی ۹۰ روزه برای اندازه¬گیری نرخ انتظاری افزایش نرخ ارز استفاده می¬ کنیم. برای ایران آمار نرخ سلف ارز وجود ندارد. بهمنی اسکویی(۱۳۸۰: ۳-۹) در مقاله¬ای تحت عنوان "نرخ بازار سیاه ارز و تقاضا برای پول در ایران " دستاورد علمی خود را چنین ذکر می¬کند: در کشورهایی که بازار موازی برای ارز خارجی وجود دارد، نرخ بازار موازی ارز، و نه نرخ رسمی ارز، باید در تابع تقاضا برای پول لحاظ شود. چون ضریب نرخ رسمی ارز در تابع تقاضای پول معنی¬دار نیست. چون در اقتصاد ایران نرخ سلف ارز وجود ندارد و تغییرات نرخ رسمی ارز بطیء است لذا تقاضا برای پول داخلی و خارجی بیشتر تحت تأثیر نرخ بازار موازی ارز قرار می گیرد لذا در مقاله حاضر از نرخ بازار موازی ارز به عنوان جایگزین استفاده می¬کنیم.۳. ۲ شواهدی از تقاضای پول در ایران و کانادابا استفاده از داده¬های سالیانه برای دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۴ تقاضا برای پول در ایران را تخمین¬ زده ایم. توابع تقاضا برای M۱ و M۲ تخمین را تخمین زدیم. ابتدا چند متغیر مقیاس را مورد بررسی قرار داده و نهایتاً از مقدار gdp واقعی استفاده کرده¬ایم. نرخهای بهره داخلی و خارجی هر دو سود سپرده¬های بلند مدت بانکی می باشند که به عنوان هزینه فرصت نگهداری پول در نظر گرفته شده است. شکل تابع لگاریتم خطی، لگاریتم مضاعف نسبت به gdp واقعی و نیمه لگاریتمی نسبت به متغیرهای هزینه فرصت فرض می شود. با استفاده از داده¬های فصلی دوره اخیر نرخ ارز انعطاف پذیر از ۳/۱۹۹۰ تا ۳/۱۹۹۹ تقاضای پول کانادا تخمین زده شد. تابع تقاضا برای ۱M و همچنین ۲M تخمین زده¬ شد. چند متغیر مقیاس را مورد بررسی قرار دادیم نهایتاً تصمیم گرفتیم از مقدار درآمد واقعی استفاده کنیم. نرخ های بهره با دو متغیر کوتاه مدت و بلند مدت ارائه شده¬اند. در مورد ۲M ما نیز نرخ بهره سپرده¬های پس ¬انداز را به عنوان اندازه¬ای از نرخ خودش استفاده می¬کنیم. شکل تابع لگاریتم خطی، لگاریتم مضاعف نسبت به درآمد و نیمه لگاریتمی نسبت به متغیرهای هزینه فرصت فرض می شود. تأخیر تعدیلی در تقاضا برای پول می¬تواند برحسب ذخایر اسمی یا واقعی تصریح شود. تصمیم در مورد اینکه کدام مکانیزم مرجح است بر عهده داده¬ها¬ گذاشته شده است. نهایتاً در معادلات رگرسیونی¬که احتمال¬ همبستگی سریالی خطای پسماند آنها می¬ رود از تعدیل کوکران- اورکات استفاده¬کردیم. در جدول (۵) برای هر تعریف پول ابتدا بهترین برازش تقاضای پول را بدون نرخ انتظاری افزایش نرخ ارز ($\hat{E}$) نشان دادیم. و سپس $\hat{E}$را برای آزمون تأثیر جانشینی پول در معادله معرفی کردیم. همان طوری که از جدول پیداست، بهترین تابع برازش شده برای ۱M بر اساس مکانیسم تعدیل حقیقی است که فقط شامل نرخ کوتاه¬ مدت می¬ باشد. از طرف دیگر بهترین برازش تابع برای ۲M از مکانیزم تعدیل اسمی استفاده نموده و شامل نرخ بهره بلند مدت است. جدول همچنین بهترین برازش تابع تقاضا برای ترازهای (۲M-۱M)که نشان دهنده سپرده¬های پس ¬انداز شخصی می باشد را نشان می¬دهد. شکل تابع تقاضا برای این ترازها همانند تابع تقاضای ۲M است. در هر سه مورد وقتی $\hat{E}$ معرفی می¬شود بی ¬معنی¬ است. بنابر این شاهدی برای جانشینی پول در تقاضا برای ۲M ، ۱M ، یا (۲M-۱M) وجود ندارد. همان طورکه در بالا بحث شد، ممکن است $\hat{E}$ با خطا اندازه¬گیری شود و بنابر این ضریب آن با تورش باشد. برای مقابله با منشأ این تورش با استفاده از متغیر رتبه¬ای دوربین (رتبه $\hat{E}$ در مرتبه بالا رونده) به عنوان ابزاری برای $\hat{E}$ دوباره (با وارد کردن $\hat{E}$) رگرسیون را تخمین می¬ زنیم که در جدول(۵) نشان ¬داده شده است. در تمام موارد ضریب $\hat{E}$ بی¬معنی باقی می ¬ماند. برای مثال، در رگرسیون های توضیح دهنده ۱M و۲M ارزش های ضرایب t به ترتیب ۲۵/۱- و ۶۰/۰- بودند.۴. مدلدر تابع تقاضای سنتی پول متغیرهای نرخ بهره داخلی و نرخ تورم یا شاخص قیمت مصرف کننده داخلی به عنوان متغیرهای هزینه فرصت نگهداری پول، و متغیر درآمد یا تولید ملی به عنوان متغیر مقیاس وارد تابع تقاضا می¬شود. در حاضر با استفاده از مدل بوردو و چودری(Ibid) علاوه بر متغیر نرخ بهره داخلی، نرخ بهره خارجی را برای آزمون وجود پدیده جانشینی پول وارد تابع تقاضای پول داخلی¬ نمودیم. در تابع تقاضای پول خارجی نیز نرخ بهره داخلی را وارد می ¬کردیم. سپس علاوه بر متغیرهای نرخ بهره داخلی و خارجی از متغیرهای شاخص قیمت داخلی و خارجی، نرخ ارز و متغیر وابسته با وقفه نیز برای تخمین تقاضای پول داخلی و خارجی استفاده کردیم. مدل بوردو و چودری به صورت زیر است : log md = □۰ + □۱ logy + □۲i d+ □۳ i f

(۱) log mf = □۰ + □۱ logy + □۲id + □۳if (۲) که در آن dm= dP/dM تقاضای حقیقی برای پول داخلی(با تعریف M۲ و M۱)، fm = EMf /Pd تقاضای حقیقی برای پول خارجی، dP سطح قیمت داخلی و y درآمد حقیقی داخلی است. چون در شرایط معاملات ارز با آربیتراژ کامل بهره id و if نشان دهنده قیمت نگهداری (هزینه فرصت) dm و fm برای یک دوره هستند، معادلات بالا را می¬ توان به سادگی این چنین تفسیر کرد. که تقاضای هر کدام از پول ها به متغیر مقیاس، قیمت خودش و قیمت پول جانشین بستگی دارد. در ضمیمه نشان¬ داده ایم که این¬گونه توابع تقاضا می¬ تواند به سادگی از یک مدل حداکثرسازی مطلوبیت به دست آید. اگر جانشینی پول بین dm و fm وجود نداشته باشد ضرایب □۳ و □۲ (که اثر متقاطع جانشینی را نشان می¬دهند) در معادله¬های(۱) و (۲) برابر صفر خواهند بود. نتایج بوردو و چودری با مطالعه میلز(Miles, ۱۹۷۸: pp.۱۷۰-۱۸۳) که درجه ¬بالایی از جانشینی پول را در کانادا گزارش نموده¬است کاملاً متضاد است. آنها نشان می¬دهند که نتایج میلز بر مدلی با تصریح اشتباه بنا شده¬است. آنها با استفاده از داده¬های میلز نشان می دهند که در کانادا جانشینی پول به صورت نامتقارن و یک طرفه وجود ندارد.۴. ۱ جانشینی پول در تابع تقاضای پول داخلی در ایران و کانادادر جدول شماره (۱) برای هر تعریف پول در ایران ابتدا بهترین برازش تقاضای پول داخلی در ایران را بدون نرخ بازار موازی ارز (PEX) نشان¬ دادیم. سپس PEXرا برای آزمون تأثیر جانشینی پول در معادله معرفی¬ کردیم. مدل (۱) و سایر مدل های جدول (۱) تابع تقاضا برای پول داخلی توسط ساکنین کشور ایران را نشان می¬ دهند. در تمام مدل ها تقاضای پول داخلی در ایران با تعریف M۱ یا M۲ توسط ساکنین کشور با متغیر مقیاس(gdp واقعی) رابطه مستقیم, با نرخ بهره داخلی و با شاخص قیمت داخلی رابطه معکوس، با نرخ بهره خارجی و با شاخص قیمت خارجی رابطه مستقیم دارند. (۳) (۸۱۸/۱) (-۰۱۹/۵) (۳۶۵/۱۵) (-۴۴/۳) t

(۱۳۸۴-۱۳۳۸ F=۱۱۷۸ D.W=۷۵/۱ n=۴۶ ۲=۹۹/۰ (۸۶۶/۶) (۸۲۸/۱۵)) چون تقاضای پول داخلی با نرخ بهره داخلی رابطه معکوس و با نرخ بهره خارجی رابطه مستقیم دارد، لذا جانشینی پول در تابع تقاضای پول داخلی ایران وجود دارد. یعنی با افزایش هزینه فرصت نگهداری پول داخلی مردم ترجیح می¬دهند که پول داخلی را به پول خارجی تبدیل کنند. علامت ضریب نرخ ارز در تابع تقاضای پول داخلی یک مسأله تجربی است و از نظر تئوریک نمی ¬توان از قبل دقیقاً علامت آن را مشخص کرد چون تاحدی افزایش نرخ ارز موجب کاهش تقاضای پول داخلی و افزایش تقاضای پول خارجی می¬ شود ولی اگر نرخ ارز خیلی افزایش یابد همانند هر کالای دیگری تقاضای آن (ارز) کاهش می ¬یابد برآیند این افزایش و کاهش است که ضریب آن را تعیین می¬ کند. صرف حسّاسیت تقاضای پول داخلی نسبت به نرخ ارز مؤید جانشینی پول است. من حیث المجموع تمام مدل ها فرضیه جانشینی پول را در تابع تقاضای پول داخلی ایران تأیید می¬ کنند. در جدول شماره (۵) برای هر تعریف پول در کانادا ابتدا بهترین برازش تقاضای پول را بدون نرخ انتظاری تغییر ارز ($\hat{E}$) نشان¬ دادیم. سپس $\hat{E}$را برای آزمون تأثیر جانشینی پول در معادله معرفی¬ کردیم. مدل (۲) و سایر مدل های جدول (۵) تابع تقاضا برای پول داخلی توسط ساکنین کشور را نشان می¬دهند. در تمام مدل ها تقاضای پول داخلی با تعریف M۱ یا M۲ توسط ساکنین کشور با متغیر مقیاس(gdp واقعی) رابطه مستقیم, با نرخ بهره داخلی رابطه معکوس دارند. (۴) (-۳۵/۴) (۷۲/۲) (-۱۳/۱) t

F=۱۱۲ D.W=۷/۱ n=۶۰ ۲=۸۳/۰ (۵۹/۰) ضریب نرخ بهره آمریکا در تابع تقاضای پول داخلی کانادا معنی دار نیست. بنابر این تقاضا برای دلار کانادا در داخل کانادا نسبت به نرخ بهره آمریکا حساس نیست بنابراین جانشینی پول در کانادا متقارن است و دلار کانادا هم در سایر کشورها از جمله آمریکا نقش پول را بازی می کند. ۴. ۲ جانشینی پول در تابع تقاضای پول خارجی ایران کانادا در مدل های(۷) و (۸) جدول (۲) لگاریتم تقاضای پول خارجی را بر حسب دلار و مدل های (۹) و (۱۰) لگاریتم تقاضای اسمی پول خارجی را بر حسب ریال و مدل های (۱۱) و (۱۲) لگاریتم تقاضای واقعی پول خارجی را بر حسب ریال در ایران نشان می ¬دهند. معادله زیر و سایر مدل های جدول(۲) توابع تقاضا برای پول خارجی توسط ساکنین کشور را نشان می¬ دهند. (۵) (۲-/۲۷۶) (۵/۳۱) (۲/۹۳۸) (-۸۲۷/۲) t

(۱۳۸۴-۱۳۳۸)　F=۲۶۳　D.W=۱۳۷/۱　n=۴۶　۲=۹۷/۰　(۲/۶۰۲)　(۸/۰۰۵)) در تمام مـدل هـا تقاضـای پول خـارجی توسط ساکنین ایران با متغیر مقیاس (gdpواقعی) رابطه مسـتقیم, بـا نرخ بهره داخلی و بـا شاخص قیمت داخلی رابطه مستقیم، با نرخ بهره خارجی و با شاخص قیمت خارجی رابطه معکوس دارند. چون تقاضای پول خارجی با نرخ بهره داخلی رابطه مسـتقیم و با نرخ بهره خارجی رابطه معکوس دارد، لذا جانشینی پول در تابع تقاضای پول خارجی نیز وجود دارد. یعنی با افزایش هزینه فرصت نگهـداری پول داخلی مردم ترجیـح می¬دهنـد که پول داخلی را به پول خارجی تبدیل کنند. لگاریتم تقاضـای پول خارجی را بر حسب دلار آمریکا برای کانادا برآورد شـد معادله زیر و سایر مـدل های توابع تقاضا برای پول خارجی توسط ساکنین کانادا نشان می¬ دهنـد که تقاضای پول خارجی در کاناد وجود دارد. (۶)

t　(۵۴/۰-)　(۲/۱۵)　(-۲/۷۱)　(۰-/۰۳)　۲=۸۲/۰　n=۲۸　D.W=۸۴/۱

F=۱۲۶　در تمـام مـدل ها تقاضای پول خارجی توسط ساکنین کانادا با متغیر مقیاس (gdp جاری) رابطه مستقیم, با نرخ بهره داخلی و بـا نرخ بهره خـارجی رابطه معکـوس دارنـد. چـون تقاضـای پـول خـارجی بـا نرخ بهره داخلی رابطه معکوس دارد، و ضریب نرخ بهره خارجی معنی دار نیست. لـذا با وجود اینکه برای پول خارجی (دلار آمریکا) تقاضا وجود دارد ولی جانشـینی پول در تابع تقاضای پول خارجی کانادا وجود ندارد. به عبارت چون تقاضا برای دلار آمریکا در داخل کانادا نسبت به نرخ بهره آمریکا حسـاس نیست بنـا بر این جانشـینی پول در کانادا متقارن است و دلار کانادا هم در سایر کشورها از جمله آمریکا نقش پول را بازی می کند.۵. آزمون مدل هاآزمون مدل ها انجام شد با اینکه هیچ کدام از متغیرهای مستقل و وابسـته پایا نیستند و درجه جمعی آنها متفـاوت و بیشـتر از صـفر است. جملاـت اخلال کلیـه رگرسـیونها جمعی از مرتبـه صـفر(۰)I اسـت. گرنجر(Ibid) و انگل گرنجر(Ibid) نشـان داده¬انـد کـه اگر دو سری زمـانی هر کـدام جمعی از مرتبه¬ای باشـند ولی ترکیب خطی ¬آنهـا جمعی از مرتبه¬ای کمتر باشـد بین دو سـری فوق رابطه تعادلی بلنـد مـدت وجود دارد. به همین منظور در تحقیق حاضـر برای آزمون پایایی متغیرها از آزمون دیکی فولر تعمیم¬ یافته استفاده شد نتایج آزمون نشان می¬دهد کلیه متغیرها ناپایا و دارای ریشه¬ واحد هستند با توجه به اینکه پسماند مدل ها جمعی از مرتبه صفر می باشند بنابراین کل متغیرهای مدل ها هم جمع می ¬باشند و بین آنها رابطه تعادلی بلند مدت وجود دارد. لذا تمامی رگرسـیون ها حقیقی بوده و ضـرایب آنها مطابق تئوری های تقاضای پول سنتی و جانشینی پول می¬ باشـد. برای آزمون ریشه واحـد ابتـدا جمعی بودن متغیرهـا از مرتبه ۳ در برابر ۲ و سـپس جمعی از مرتبه ۲ در برابر ۱ و سپس جمعی از مرتبه ۱ در برابر ۰ آزمون¬ شد. برای رگرسـیون هایی که متغیر وابسته با وقفه وارد مدل شده آزمون h دوربین نیز انجام شد که عدم وجود خود همبسـتگی را در این مدل ها تأیید می¬ کند. ۶. تفسیر ضرایب۶. ۱ مقایسه ضریب لگاریتم تولید ناخالص¬داخلی(lngdp) درتقاضـای پـول داخلی ¬و ¬پول¬خـارجی در ایران و کانـادادر تـابع تقاضـای پول داخلی بـا تعریف M۱وM۲ در تمـام مـدل هـا و در هر دو کشور علامت ضـریب lngdp مثبت می باشـد بنـابراین با مبانی نظری تقاضای پول سـنتی سازگار است. در مورد علامت ضریب lngdp در تابع تقاضای پول خارجی کادینگتون(Cuddington,۱۹۸۳: pp.۱۱۱-۱۳۳) در مقاله¬ای تحت عنوان " جانشـینی پول، تحرک سرمایه و تقاضای پول" ذکر نموده است که اگر همراه با افزایش متغیر معاملاتی درآمد (PY) تقاضـا برای پـول خـارجی افزایش یابـد جانشـینی پول صورت گرفته است. اگر تقاضـا برای پول خـارجی بـا تغییرات درآمد (PY) رابطه معکوس داشته باشـد ملاحظـات سبد دارایی بر ملاحظـات معاملاتی غالب است، بنا بر این اقتصاد دلاری شـده ¬است. در تـابع تقاضـای پول خـارجی ایران برحسب دلار(mf)، برحسب ریال اسـمی(mfr) و برحسب ریـال واقعی(mfr۶۱) در تمام مدل ها علامت ضـریب lngdp مثبت می ¬باشـد لـذا با تحلیل کادینگتون اقتصاد ایران وارد مرحله جانشینی پول شـده و از مرحله دلاری شدن عبورکرده است زیرا انگیزه¬های معاملاتی بر انگیزه¬های سبد دارایی غالب شده است. در کانادا نیز جانشینی پول به طور دو طرفه صورت گرفته است. ۶. ۲ مقایسه ضریب نرخ بهره داخلی (id) در تقاضای پول داخلی و پول خارجی در ایران و کاناداعلامت ضریب نرخ بهره داخلی (id) در تمام مدل های توابع تقاضای پول داخلی دو کشور منفی و در تمام مدل های توابع تقاضـای پول خـارجی ایران مثبت است که هم با نظریه¬های پولی سـنتی و هم با نظریه¬های جانشینی پول سازگار است ولی در کانادا ضـریب نرخ بهره داخلی (id) معنی دار نیست بنـابر این نرخ بهره داخلی در ایران افزایش می ¬یابـد تقاضـا برای پـول داخلی کـاهش و تقاضـای برای پـول خـارجی افزایش می¬ یابـد. زیرا بـا فرض ثـابت بـودن سـایر عوامـل افزایش نرخ بهره داخلی هزینه نگهـداری پول داخلی را نسبت به نگهـداری پول خارجی افزایش می دهد. ولی تقاضای پول خارجی در کانادا نسبت به نرخ بهره داخلی حسـاس نیست پس جانشینی پول دو طرفه است.۶ . ۳ مقایسه ضـریب نرخ بهره خارجی (if) در تقاضـای پول داخلی و پول خـارجی در ایران و کاناداعلامت ضـریب نرخ بهره خارجی (if) در تمـام مـدل هـای تابع تقاضای پول داخلی ایران مثبت و در تمام مدل های توابع تقاضای پول خارجی ایران منفی است ک هم با نظریه¬های پولی سنتی و هم با نظریه¬های جانشینی پول سازگار است زیرا وقتی نرخ بهره خـارجی افزایش می¬یابـد تقاضـا برای پول داخلی افزایش و تقاضـای برای پول خـارجی در ایران کاهش می¬یابـد زیرا افزایش نرخ بهره خارجی هزینه نگهداری پول داخلی را نسبت به نگهداری پول خارجی کاهش می¬دهد. ولی در کانادا ضریب نرخ بهره خاجی معنی دار نیست و تأثیری بر تقاضای پول داخلی و خارجی کانادا ندارد.۶ . ۴ مقایسه ضریب لگاریتم نرخ ارز(ln pex) در تقاضـای پول داخلی و پول خارجی در ایران و کاناداعلامت ضـریب نرخ بازار موازی ارز(ln pex) در تابع تقاضـای پول داخلی و خـارجی یک مسأله تجربی است و با تئوری های پولی سـنتی و جانشـینی پول نمی توان علامت آن را از قبل مشـخص نمود زیرا وقتی نرخ ارز شـروع به افزایش می¬کنـد تقاضا برای پول داخلی کاهش و تقاضا برای پول خارجی افزایش می یابـد. اما وقتی نرخ ارز خیلی افزایش یابـد تقاضا برای ارز هماننـد هر کالای اقتصادی دیگر کاهش می¬ یابد. برآیند این افزایش و کاهش ها است که علامت آن را تعیین می کنـد. همین که تقاضای پول داخلی نسبت به نرخ ارز حساسیت داشته باشد و ضـریب نرخ ارز در تابع تقاضای پول داخلی معنی دار باشد پدیده جانشـینی پول اتفاق افتاده است. ضریب این متغیر در تمام مدل های توابع تقاضـای پول داخلی و پول خارجی در ایران معنی دار و منفی است که نشان دهنـده وجود پدیـده جانشینی پول است. ولی ضـریب این متغیر در توابـع تقاضـای پـول داخلی و پـول خـارجی در کانـادا معنی دار نیست که نشـان دهنـده وجـود جانشـینی پول دو طرفه است.۷. آزمون فرضیه¬های تحقیق فرضیه¬ای که در این مقاله مد نظر بوده است عبارتند از: ۱. جانشینی پول در ایران نامتقارن (یک طرفه) است. ۲. جانشینی پول در کانادا متقارن (دو طرفه) است. نتایـج تحقیق نشان می دهد که هر دو فرضـیه تأیید می شوند زیرا جانشـینی پول در ایران یک طرفه و در کانادا دو طرفه است.۸. خلاـصه و نتیجه گیری در این پژوهش تأثیر بازده پول خارجی بر تقاضا برای پول داخلی در ایران در دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۴ آزمون شـد و معلوم گردید این تأثیر معنی¬دار است. بنابراین، در کشور مـا که مبـالغ زیـادی پول خـارجی نگهـداری می¬شود، جانشـینی پول عامـل مهمی در تـابع تقاضـای پول داخلی و خارجی توسـط سـاکنین است. چون تقاضا برای پول خارجی با متغیر مقیاس(gdp) رابطه مسـتقیم دارد لذا طبق نظریه کادینگتون اقتصاد ایران وارد مرحله جانشینی پول شـده و از مرحله دلاـری شـدن عبور کرده است زیرا انگیزه¬های معاملاتی بر انگیزه¬های سـبد دارایی غالب شـده است. در ایـن پژوهش تـأثیر بـازده انتظاری پـول خـارجی بر تقاضـا برای پـول داخلی در دوره انعطـاف¬پـذیری نرخ ارز (دهه۱۹۹۰) درکانـادا آزمون شـد و معلوم گردیـد این تـأثیر نـاچیز است. بنـابر این، حـداقل برای یک کشور مهم (کانادا) که مبالغ زیادی پول خارجی نگهداری می¬کند، جانشینی پول عامل مهمی در تابع تقاضای پول نیست. همان طورکه تقاضا برای پول عامل کلیدی در ساختن مدل های نرخهای انعطاف¬پذیر ارز می باشد، نتایج بر نقش بی¬ معنی جانشینی پول در تعیین نرخ های شناور ارز دلالت دارد. این شواهد همچنین از این امر که جانشـینی پول توانایی یک کشور را با نرخ های شـناور ارز برای پیگیری سیاست پولی مسـتقل محدود می کند، حمایت نمی کند. بنابر این جانشـینی پول در کشور کانادا دو طرفه و متقارن است و کانادا مشکلی به نام داری شـدن اقتصاد ندارد. دسـتاورد علمی اینمقاله این است که تقاضای پول داخلی در ایران نسبت به نرخ بهره خارجی حساس است و در تابع تقاضای پول داخلی باید علاوه بر نرخ بهره داخلی نرخ بهره خارجی نیز وارد شود. همچنین تقاضا برای پول خارجی توسط مردم ایران نسبت به نرخ بهره داخلی نیز حساس است و در تابع تقاضای پول خارجی توسط ساکنین ایران بایـد علاوه بر نرخ بهره خارجی، نرخ بهره داخلی نیز وارد شود. ولی تقاضای پول داخلی و خارجی در کانادا نسبت به نرخ بهره خارجی حساس نیست

و جانشینی پول در این کشور مشکلی برای اقتصاد آن ایجاد نمی کند. جدول ۱ جانشینی پول در تقاضا برای پول داخلی (ریال):
داده¬های سالیانه۱۳۳۸-۱۳۸۴(۶) (۵) (۴) (۳) (۲) (۱) مدلمتغیرLn Ln m۱ Ln m۱ Ln m۲ Ln m۲
Ln m۱ m۱ وابسته-۵/۸۱۷(-۱۲/۲۳۴) -۴/۸۳۳(-۱۱/۳۲۱) -۱/۴۱۵(-۱/۵۲۰) -۲/۴۴۵(-۶/۰۹۹) -۲/۴۳۶(-۵/۸۸۵)
-۱/۵۵۲(-۳/۳۴۴) ۰/۳۷۶(۶/۶۰۵) ۰/۵۴۸(۷/۶۶۲) ۰/۷۶۹(۶/۷۳۱) ۱/۳۷۸(۲۵/۲۵۰) C۱/۲۵۸(۲۰/۹۰۸)
-۰/۰۱۴(- -۰/۰۱۲۲(-۱/۹۶۹) -۰/۰۵۱(-۳/۲۴۰) -۰/۰۳۸(-۶/۴۴۸) Ln gdp-۰/۰۲۴(-۲/۹۴۷) ۰/۹۱۵(۱۵/۳۶۵)
If- ۰/۰۰۹(۱/۸۱۸) ۰/۰۰۷(۱/۴۸۴) ۰/۰۵۵(۴/۸۸۷) ۰/۰۲۰(۳/۶۷۷) Id۰/۰۱۶(۲/۹۳۲) -۰/۰۳۳(-۵/۰۱۹) ۲/۲۲۷)
Ln cpiu ۰/۸۲۸(۳/۹۴۴) ۰/۵۸۷(۲/۸۹۱) Ln cpii۰/۶۶۷(۳/۴۴۷) ۰/۱۱۰(-۲/۹۷۰)
۰/۴۷۶(۴/۸۸۹ Ln pex ۰/۴۰۲(۴/۰۹۴) -۰/۰۶۷(-۲/۷۱۲) -۰/۱۰۳(-۴/۷۴۸) (۰/۲۲۷(۵/۹۸۹) متغیر
وابستهباوقفه۰/۳۸۱(۴/۳۴۶) ۰/۵۷۹(۱۱/۸۵۴) ۰/۳۶۱(۴/۹۴۹) ۰/۸۴۱(۱۵/۸۲۸) D۱۰/۱۶۹(۲/۳۱۲)
۰/۹۹ D۳۰/۹۹ ۰/۲۲۰(۴/۵۰۵) D۲ ۰/۲۸۶(۲/۰۷۴) ۰/۴۸۰(۶/۸۶۶) ۰/۷۹۱(۶/۳۷۵) ۰/۳۲۴(۵/۰۷۵)
-۰/۱۷۹۵ D-W ۱/۷۴۷ ۱/۷۴ ۲/۰۴ ۱/۵۷۶ ۱/۱۵۶ ۱/۸۷۳ ۲۱/۵۴۲ ۰/۹۹ ۰/۹۹ ۰/۹۹ ۰/۹۷ دوربین h
ملاحظات: ۱- ارقام داخل پرانتز مقادیرt را نشان می دهد. ۲- متغیرهای وابسته لگاریتم تقاضای واقعی پول داخلی را بر حسبm۱ وm۲ واقعی نشان می¬دهند. ۳- سایر متغیرها درجدول۳ معرفی می¬شود. جدول ۲ جانشینی پول درتقاضا برای پول خارجی(دلار): داده¬های سالیانه۱۳۳۸-۱۳۸۴(۱۲) (۱۱) (۱۰) (۹) (۸) (۷) مدلمتغیرLn Ln mfr۶۱ Ln mfr۶۱
Ln mf Ln mf Ln mfr mfr وابسته-۷/۶۴۱(-۰/۳۱۳) -۹/۰۱۵(-۲/۷۵۷) -۹/۱۹۹(-۲/۹۳۹) -۹/۵۴۹(-
(۳/۰۶۵ -۱۱/۱۱۱(-۸/۱۹۹) -۸/۱۷۶(-۱۵/۷۲۹) ۱/۲۹۳(۳/۲۶۱) ۱/۲۱۲(۲/۹۳۹) ۱/۲۱۱(۲/۹۲۳) C۰/۵۵۴(۶/۴۳۶)
۰/۲۰۸(۵/۰۱۱) ۰/۲۲۵(۵/۳۱۰) ۰/۲۲۷(۵/۳۱۸) Ln gdp۰/۰۴۵۸(۳/۰۵۷) ۰/۲۳۶(۳/۰۷۱) ۰/۹۴۴(۵/۴۷۸)
- -۰/۱۴۳(-۲/۹۶۷) -۰/۰۸۹(-۲/۲۷۶) -۰/۰۸۹(-۲/۲۶۷) id-۰/۰۲۲(-۲/۴۴۵) ۰/۰۲۴(۲/۰۱۲) ۰/۰۵۷(۳/۱۷۶)
Ln cpii-۱/۸۵۰(-۸/۳۷۴) ۱/۵۴(۱۵/۰۴) if۰/۴۵۰(۳/۳۸۰) -۰/۰۱۷(-۲/۳۹۳) ۰/۰۹۵(-۴/۵۴۸)
Ln pex ۰/۸۲۷(۱۱/۸۹۲ -۱/۲۷۱(-۱۵/۴۳۷) Ln cpiu-۰/۳۳۳(-۲/۰۳۹)) وابستهباوقفه ۲/۸۱۳(۷/۹۷۶)
۲/۸۵۸(۸/۵۴۵) ۲/۸۰۷(۸/۰۰۵) ۰/۶۸۰(۴/۶۷۸) ۱/۲۴۴(۲/۷۸۵) ۱/۲۱۹(۲/۶۰۶) D۱۰/۴۳۳(۳/۲۵۱)
۰/۹۷ D۳۰/۹۹ ۰/۳۴۲(۴/۸۵۷) D۲۰/۴۳۵(۴/۸۱۹) ۰/۵۳۷(۵/۷۲۰) ۱/۵۰۹(۷/۷۶۷) ۱/۲۱۲(۲/۶۰۲)
D-W ۰/۸۷۸۷ ۱/۹۷۵ ۱/۴۸۱ ۱/۱۶۴ ۱/۱۶۴ ۱/۱۳۸ ۲۱/۳۱۲ ۰/۹۹ ۰/۹۸ ۰/۹۷ ۰/۹۸ دوربین h ملاحظات:
۱- ارقام داخل پرانتز مقادیرt را نشان می دهد. ۲- متغیرهای وابسته لگاریتم تقاضای پول خارجی را بر حسب دلار(mf)، ریال(mfr) و ریال واقعی(mfr۶۱) نشان می¬دهند. ۳- متغیرها در جدول ۳ معرفی می شود.جدول ۳ منابع داده های ایران یا نحوه محاسبه آنهامنبع اطلاعات یا نحوه محاسبه متغیر نماد بردار ضرایب β بردار ضرایب γجمع¬آوری¬ شده از ¬گزارش¬های مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا شاخص بهای کالاها وخدمات مصرفی در مناطق شهری ایران(۱۰۰=۱۳۶۱)
cpiiنرم افزارIFS صندوق بین المللی پول شاخص بهای کالاها وخدمات مصرفی در مناطق شهری آمریکا(۱۰۰=۱۳۷۴)
cpiuاز سال۱۳۵۶به بعد برابر۱و بقیه سالها برابرصفراست متغیر مجازی شوک انقلاب D۱از سال۱۳۵۲به بعد برابر۱و بقیه سالها برابرصفراست متغیر مجازی شوک نفتی D۲سالهای۱۳۵۸و۱۳۵۹ برابر۱و بقیه سالها برابرصفراست متغیر مجازی شکست ساختاری D۳مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال۱۳۷۵ سازمان برنامه و بودجه۱۳۷۶ تولید ناخالص داخلی به قیمتثابت سال ۱۳۶۱ gdpجمع آوری شده از گزارش¬های مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا نرخ بهره داخلی(سود سپرده¬های بلند مدت) idنرم افزارIFS صندوق بین المللی پول نرخ بهره خارجی(مورد آمریکاسود سپرده های بلند مدت) if لگاریتم نپرین Lnجمع آوری شده از گزارش¬های مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا حجم پول داخلی برحسب میلیاردریال m۱جمع آوری شده از گزارش¬های مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا حجم نقدینگی داخلی برحسب میلیاردریال
m۲محمد لشکری (۱۳۸۴) طرح پژوهشی مقایسه دلاری شدنایران، آرژانتین و کانادا حجم پول خارجی درگردش برحسب میلیارد دلار fmحاصل ضرب حجم دلارهای درگردش در نرخ ارز در بازار موازی حجم دلارهای درگردش برحسب ریال
mfrحاصل ضرب حجم دلارهای درگردش در نرخ ارز در بازار موازی که با شاخص قیمتهای داخلی تعدیل شده است حجم دلارهای درگردش واقعی برحسب ریال mfr۶۱ تعداد نمونه nجمع آوری شده از گزارش¬های مختلف بانک مرکزی

برابر (۴ ۲) I در Pexنتایج آزمون I(۳)

I(۲) در برابر ۱)I (۱)I در برابرI(۰)Ln m۱ لگاریتم حجم پول واقعی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد I(۳)Ln I(۲)
m۲ لگاریتم حجم نقدینگی واقعی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد I(۳)Ln mf I(۲) لگاریتم حجم دلارهای در گردش
ردI(۲)Ln mfr I(۳) لگاریتم حجم دلارهای در گردش بر حسب پول داخلی رد I(۲)Ln I(۳)
mfr۶۱ لگاریتم حجم دلارهای در گردش واقعی بر حسب پول داخلی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد I(۲)Ln cpii I(۳)
لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده داخلی(۱۳۶۱=۱۰۰) ردI(۲)Ln cpiu I(۳) لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده خارجی(موردآمریکا)(۱۳۷۴=۱۰۰) رد I(۲)Ln gdp I(۳) لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد I(۲)Ln pex I(۳) لگاریتم نرخ ارز در بازار موازی ردI(۲)id I(۳) نرخ سود سپرده های بلند مدت بانکی داخلی ردI(۲)if I(۳) نرخ سود سپرده های بلند مدت بانکی خارجی (موردآمریکا)
رد I(۲) I(۳) جدول ۵ جانشینی پول در تقاضای پول کانادا: ۴/۱۹۹۰- ۴/۱۹۹۹مورد ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶متغیر وابستهX=M۲-M۱ X=M۲-M۱ X=M۲ X=M۲ X=M۱ X=M۱ Log(Xt/Pt)نوع رگرسیون OLSQ
CORC CORC CORC CORC OLSQجمله ثابت -۱/۱۹(-۱/۹۲)** -۱/۴۹(-۲/۲۷)* -۱/۳۹(-۱/۷۲)** -
۱/۵۸-(۱/۸۷)** -۲/۳۳(-۷/۷۹)** -۲/۳۸(-۲/۷۳)** **(۱/۷۵)۰/۱۱ *(۲/۲۱)۰/۱۱ **(۱/۸۶)۰/۰۸ Log y
- *(۲/۷۱-)۰/۹۱- il *(۴/۳۶-)۰/۶۷- *(۴/۲۰-)۰/۶۵- is*(۲/۷۰)۰/۱۹ (۲/۷۷)۰/۱۹ **(۱/۸۹)۰/۱۳
*(۴/۵۶)۱/۱۱ *(۳/۲۷)۰/۶۵ *(۴/۰۷)۰/۷۲ io**(۱/۹۳)۰/۹۶- *(۲/۲۴-)۱/۰۱- *(۲/۰۵)۰/۷۶
(۱۲/۸۴)۰/۸۷ Log(Xt-۱/Pt-۱)(۰/۲۳-)۰/۰۳- (۰/۸۹-)۰/۰۸- (۱/۲۶-)۰/۲۱- Ê(۴/۰۴)۱/۰۸
۰/۹۲۶ R۲(۲۰/۲۰)۰/۸۵ (۲۰/۹۸)۰/۸۶ (۱۵/۴۷)۰/۸۷ (۱۶/۳۴)۰/۸۸ Log)Xt-۱/Pt) (۱۲/۳۰)۰/۸۵
D-W۰/۰۰۸۵ ۰/۰۰۸۴ ۰/۰۰۶۴ ۰/۰۰۶۴ ۰/۰۱۴۸ ۰/۰۱۴۹ SEE۰/۹۹۸ ۰/۹۹۸ ۰/۹۹۷ ۰/۹۹۷ ۰/۹۳۰
h۱/۷۹ ۱/۷۹ ۱/۷۰ ۱/۷۱ ۲/۳۹ ۲/۳۲ دوربین -۱/۰۷ -۱/۳۱ ۰/۲۸۲ ۰/۲۳۵ ۰/۲۲۴ Rho
۰/۲۹۵ملاحظات: M۱= تعریف محدود پول ،M۲ =تعریف گسترده پول، P= سطح قیمت،y = درآمد واقعی، is= نرخ بهره کوتاه مدت،il= نرخ بهره بلند مدت، io=نرخ خودش، Ê=نرخ انتظاری تغییر نرخ ارز؛ تمام نرخها سالیانه هستند. برای توضیحات بیشتر ضمیمه را ببینید. *معنی دار بودن را درسطح ۵ درصد نشان می دهد. **معنی دار بودن را درسطح ۱۰درصد نشان می دهد.
ضرایب متغیرهای وابسته (ارقام داخل پرانتز مقادیرt رانشان می دهد)جدول۶ آزمون مجدد تخمینهای میلز از کشش جانشینی پولiu- ic ic Log y R۲ D-W RhO SEE جمله ثابت دوره۰/۱۳۲۳ ۰/۸۸ ۱/۴۷ ۰/۷۸
۴/۹۸(۲/۴۰)* ۲/۵۶(۱۸/۳۴)* ۱۹۸۰/۴-۱۹۹۵/۴ ۱۰/۱۱۶۴ ۰/۸۵ ۱/۷۰ ۰/۸۳ ۰/۷۸(۱/۷۴) -۱۱/۴۰(-۴/۳۵) -
۱/۳۹(۰/۵۹) -۵/۷۲(-۱/۱۳) ۰/۱۴۷۶ ۰/۷۸ ۱/۴۵ ۰/۷۶ ۶/۶۷(۲/۴۵)* ۲/۷۵(۲۱/۱۵)* ۱۹۸۰/۴-۱۹۸۲/۲
اضافه به۱۹۹۰/۳-۱۹۹۵/۴ ۲۰/۱۲۴۰ ۰/۷۸ ۱/۸۴ ۰/۸۲ ۰/۵۴(۱/۱۵) -۱۰/۵۲(-۲/۷۱)* -۰/۱۱(-۰/۰۳) -۲/۸۳(-
۰/۵۴) ملاحظات : /log(Mc) (EMuمتغیر وابسته است. تمام تخمینها بر روش کوکران اورکات بنا شده است. ارقام داخل پرانتز مقادیرt را نشان می¬دهد. برای تعریف واژه¬ها و منابع به ضمیمه مراجعه کنید. *معنی دار بودن را در سطح ۵ درصد نشان می دهد. **معنی دار بودن را در سطح ۱۰ درصد نشان می دهد. ۹. تعریف داده ها و منابع کاناداجدول ۵ :M۱= پول و

سپرده¬های تقاضا (داده¬های فصلی تعدیل شده، متوسط فصلی داده¬های ماهانه)M۱ =M۲ به اضافه پس اندازهای شخصی و سپرده¬های غیرشخصی (داده¬های فصلی تعدیل شده، متوسط فصلی داده¬های ماهانه) با قیمت ثابت = P تعدیل کننده قیمت ۱۹۹۱=(۱۰۰)GNP، داده¬ها فصلی است) GNP y =با قیمت ثابت سال ۱۹۹۱ (داده¬ها فصلی است) is = نرخ تأمین مالی ۹۰ روزه (نرخ سالانه، متوسط فصلی داده¬های ماهانه)it = نرخ گواهینامه¬های سرمایه¬گذاری تضمین شده ۵ ساله (نرخ سالانه، متوسط فصلی داده¬های ماهانه)=i۰ نرخ سپرده¬های پس¬انداز غیر دیداری (نرخ سالانه، متوسط فصلی داده¬های ماهانه)، که S/(F-S)۴ = Ê ، که F نرخ ارز سلف ۹۰ روزه و S نرخ ارز نقدی است (دلار کانادا برحسب دلار آمریکا، نرخهای پایانی، متوسط فصلی داده¬های ماهانه)جدول ۶ : =Mu انواع سپرده¬های ساکنین کانادا که برحسب دلار آمریکا در بانکهای کانادا و آمریکا نگهداری می¬کنند (داده¬های پایان فصل) = Mc انواع سپرده¬ها و پولهایی که برحسب دلار کانادا (برابرM۲ به اضافه سپرده¬های مدت¬دار غیرشخصی، داده¬های پایان ربع ماهانه) =ic نرخ ۳ ماهه خزانه کانادا (درصد سالانه، داده¬های پایان ماه آخرفصل) =iu نرخ ۳ ماهه اسناد خزانه آمریکا (درصد سالانه، برای اینکه با نرخهای کانادا قابل مقایسه باشد بر پایه ۳۶۵ روز تعدیل شده¬است، داده¬های پایان ماه آخر فصل) E = نرخ ارز (دلار کانادا برحسب دلار آمریکا، داده¬های پایان فصل)y GNP =با قیمت ثابت سال ۱۹۹۱(داده¬ها فصلی است) منبع: منبعP و y آمارهای کانادا است. Muتوسط مارک میلز ارائه شده¬است. منبع سایر داده¬ها بانک کانادا است.۱۰. ضمیمه: یک مدل ساده تقاضا برای پول داخلی و پول خارجیبه عنوان یک شق دیگر به رویکرد میلز که پولهای داخلی و خارجی به عنوان داده در تابع خدمات پولی وارد می¬شوند، فرض¬کنید دو پول در کنار کالاها به صورت زیر وارد تابع¬مطلوبیت می¬شوند کلین¬ رویکرد مشابهی را برای بدست آوردن تقاضا برای پول دریک اقتصاد بسته استفاده می¬کند.(Klein,۱۹۷۴: pp.۹۳۱-۹۴) U=f(md, fm,g)

(A۱) که درآن md و fm ترازهای حقیقی داخلی وخارجی را برحسب ریال همان طورکه در معادلات (۱) و (۲) متن تعریف شد و gکالاها را نشان می¬دهد. فرض¬کنید ثروت مالی شامل اوراق¬ قرضه داخلی(dB)، اوراق قرضه خارجی(fB)، پول داخلی و پول خارجی است، ارزش واقعی ثروت مالی، w، برابر است با: (A۲ + mdfm +bf+ W=bd) که در آن bd dB /dP = و bf =fP/fEB است.

بعلاوه فرض¬کنید که در هر دوره تمام درآمد خرج می¬شود، محدویت بودجه می¬تواند به صورت زیر نوشته شود: + r = g

(A۳ Ê mf + Ê)bf +if)+id bd) که r جریان درآمد حقیقی حاصل از سایر منابع ثروت مالی را نشان می¬دهد.

محدودیت بودجه بالا تحت شرایط معاملات ارز با بهره کامل می¬¬تواند به صورت زیر ساده شود: فرض کنید= Ê if –id با جانشین کردن مقدار (bf+ bd) از(A۲) در(A۳) و با ساده¬کردن آن معادله(A۳) می¬تواند به صورت زیر نوشته شود: +g= y

(A۴ mf if+ id md) که id = y w + r است. با حداکثر کردن U در(A۱) نسبت به محدودیت(A۴) ، تقاضا برای md و mfمی¬تواند به عنوان تابعی از id ، y و if به دست آید. توجه کنید که yمی¬تواند به عنوان درآمد واقعی که به طور گسترده شامل (+id md if mf) تعریف می¬شود تفسیر شود، مقدار نسبت جریان خدمات بوسیله پولهای داخلی و خارجی بدست می آید. (با وجود این، این نسبت در کار تجربی ما که GNP واقعی را برای اندازه گیری y استفاده می کنیم حذف می شود.)

فهرست منابع و مآخذالف. فهرست فارسی:۱. بهمنی¬اسکویی، محسن(۱۳۷۲)؛ " اثرات¬کلان اقتصادی کاهش ارزش خارجی ریال ایران در دوران پس از انقلاب¬اسلامی"؛ گزارش سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ صص۸۷-۱۲۰.۲. بهمنی¬اسکویی، محسن(۱۳۸۰)؛ " نرخ ارز بازار سیاه و تقاضا برای پول در ایران"؛ پژوهش¬ها و سیاست¬های اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ شماره۱۹ ؛صص۳-۹.۳. پورمقیم،جواد(۱۳۷۸)؛ "عوامل تعیین کننده نرخ ارز در بازار سیاه ارز در ایران"؛ مجله تحقیقات اقتصادی؛ شماره ۵۴ ؛ صص۸۳-۱۰۴.۴. خلعت¬بری، فیروزه(۱۳۶۸)؛ " اقتصاد دلاری و سپرده¬های ارزی: بحث نظری و مفاهیم آن از دید اقتصادکلان" ؛ اقتصاد مدیریت؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ شماره۱؛ صص۲۹-۴۹.۵. زال پور، غلامرضا(۱۳۷۳)؛ جانشینی ارز به جای پول ملّی در اقتصادایران؛ پایان¬نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت مدرس.۶. سامرز، لورنس(۱۹۹۹)؛ "دلاری ¬شدن¬ اقتصاد کشورهای¬ آمریکای¬ لاتین"؛ خبرگزاری رویتر؛ ترجمه اداره مطالعات و سازمانهای بین¬المللی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ؛ صص۱-۶.۷. ساهای، راتنا و کارلوس وگ(۱۳۸۰)؛ "دلاری ¬شدن ¬اقتصاد کشورهای در حال¬گذر"؛ ترجمه کورش معدلت؛ مجله اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ دوره دوم؛ سال اول؛ شماره دوم؛ صص۲۶-۳۰.۸. عرب¬مازاریزدی، علی(۱۳۸۰)؛"اقتصاد سیاه درایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر"؛ مجله برنامه و بودجه شماره ۶۲و۶۳ ؛ صص۳-۶۰.۹. فرزین¬وش، اسدااله و محمد لشکری(۱۳۸۲)؛ "جانشینی پول و تقاضابرای پول: شواهدی از ایران"؛ پژوهشنامه بازرگانی؛ شماره۲۹؛ صص۱-۵۱.۱۰. کمیجانی، اکبر و رافیک¬نظریان (۱۳۷۰) ؛ "سنجش درجه جانشینی میان پول و شبه پول در اقتصاد ایران" ؛ اقتصاد و مدیریت؛ شماره¬های ۱۰ و ۱۱ ؛ صص۱۵-۴۲.۱۱. لشکری، محمد (۱۳۸۳)؛ " تحلیل پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن در ایران"؛ پژوهشنامه اقتصادی؛ شماره۹و۱۰؛ صص۸۹-۱۱۰.۱۲. لشکری، محمد(۱۳۸۲)؛ تحلیل پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر برآن (مورد ایران)؛ رساله دکتری علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت مدرس.۱۳. لشکری، محمد(۱۳۸۵)؛ جانشینی پول ؛ انتشارات دانشگاه پیام نور.۱۴. لشکری، محمد (۱۳۸۵)؛ طرح پژوهشی با عنوان "دلاری شدن اقتصاد ایران و مقایسه آن با دلاری شدن آرژانتین پس از ابر تورم و دلاری شدن کانادا؛ "دانشگاه آزاد اسلامی- واحدنیشابور.۱۵. لشکری، محمد و عباس عرب مازار(۱۳۸۳)؛ "رتبه درجه جانشینی پول ایران در میان ۲۷ کشور جهان"؛ نامه مفید؛ شماره۴۵؛ صص۲۵-۴۴.۱۶. لشکری، محمد(۱۳۸۲)؛ مروری برمبانی¬نظری و تجربی پدیده¬جانشینی پول؛ منتشر نشده.۱۷. لشکری، محمد و اسدااله فرزین¬وش(۱۳۸۲)؛ تخمین حجم دلارهای در گردش و اندازه¬گیری درجه جانشینی پول در ایران؛ مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران؛ ویژه¬نامه.۱۸. نوفرستی، محمد(۱۳۷۴)؛"رابطه تقاضا برای پول با نرخ برابری ارز و نرخ تورم"؛ برنامه و توسعه ؛ دوره۲؛ شماره۱۱؛ صص۱-۱۹.۱۳. والکر، مارتین(۱۳۷۸)؛"رام کردن دلار"؛ نامه اتاق بازرگانی؛ شماره۱؛ صص ۴۰-۴۳.۲۰. یزدان¬پناه، احمد و ناصرخیابانی(۱۳۷۵)؛ بررسی پدیده جانشینی خارجی به جای پول ملّی در ایران (دلاری شدن اقتصاد)؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.۲۱. یزدان¬پناه، احمد و ناصرخیابانی(۱۳۷۵)؛" جایگزینی پول ملّی (دلاری شدن اقتصادایران)"؛ مجموعه¬مقالات ششمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ صص۳۳۵-۳۵۹.

الف .فهرست لاتین:

Agenor, Pierre-Richard and Mosin S. Khan (۱۹۹۶) " Foreign Currency Deposits and the.۱ Demand for Money in Developing Countries"Journal of Development Economics Vol.۵۰ pp.۱۰۱-۱۱۸.۲.Alami,TarikH(۲۰۰۱)"Currency Substitution Versus Dollarization a Portfolio Balance Model"Journal of Policy Modeling Vol.۲۳ pp.۴۷۳-۴۷۹. ۳-Arango, Sebastian and M . Ishaq Nadiri (۱۹۸۱) " Demand for Money in Open Economies" Journal of Monetary Economics :Vol.۷ pp.۶۹-۸۳. ۴-Bahmani-Oskooee,Mohsen and Margaret Malixi (۱۹۹۱) " Exchange Rate Sensitivity of Demand for Money in Developing Countries" Applied EconomicsVol .۲۳pp.۱۳۷۷-۱۳۸۴.۵-Berg,Andrewand Eduardo Borensztein(۲۰۰۰)"The Choice of Exchange Rate Regime and Monetary Target in Highly Dollarized Economies" IMF Wp/۰۰/۲۹ February pp.۱-۲۹. ۶-Blejer, Mario I(I□□□)"Black-Market Exchange Expectations and the Domestic Demand for MoneySome Empirical Results" Journal of Money EconomicsVol.□pp.□□□-□□□.۷-Bordo, Michael.D and Ehsan Choudri(۲۰۰۰)"Currency

Substitu- tion and the Demand for Money: Some Evidence for Canada" Journal of Money Credit and Banking Vol.۱۴ February pp.۴۸-۵۷.۸-Brillembourg, Arturo and Susan M.Schadler (۱۹۸۰)"A Model of Currency Substitution in Exchange Determination,۱۹۷۳-۷۸" IMF Staff PapersVol.۲۶ Sep pp.۵۱۳-۴۲.۹-Calvo, Guillermo A and Carlos A . Vegh (۱۹۹۲) " Currency Substitution in Developing Countries:An Introduction" IMF WP/ ۹۲/ ۴۰ May .۱۰-Calvo, Guillermo A(۱۹۸۵)"Currency Substitution and Real Exchange Rate: The Utility Maximization and_ -Approach" Journal of International Money and Finance Vol.۴ pp.۱۷۵-۸۸.۱۱ C.A.Rodriguez(۱۹۷۷)"A Model of Exchange Rate Determination Under Currency Substitution and Rational Expectations" Journal of Political Economy Vol.۸۵ June pp.۶۱۷-۲۵.۱۲-Canto,Victor A and Marc.A.Miles(۱۹۸۴)"Exchange Rates in a Global Monetary Model with Currency Substitution and Rational Expectations" In Bhandari,Jagdeep and Bluford H.Putnam With Jay H.LevinEconomic Interdependence and Flexible Exchange and Gerald Nickelsburg (۱۹۸۷) Currency _-Rates M.I.T Press Second Printing January.۱۳ Substitution: Theory and Evidence from Latin AmericaKluwer Academic PublishersBostonMassachusetts. ۱۴-Cohen , Benjamin J (۲۰۰۰) " Dollarization : Pros and Cons " Paper Prepared for the Workshop Los Angeles,CA Maypp.۱-۱۳.۱۵-Cuddington,John T(۱۹۸۳)"Currency Substitutability, Capital Mobility and Money Demand Journal of International Money and FinanceVol.۲pp.۱۱۱-۱۳۳. ۱۶-Dean James W (۲۰۰۰) De Facto Dollarization Prepared for a Conference, To Dollarize: Exchange -Rate Choices for the Westwrn Hemisphere, Sponsored by the North-South Institute, Ottawa, Canada,Ocober ۴-۵.۱۷-Dornbusch,Rudiger(۱۹۷۵)"A Portfolio Balance Model of The Open Economy" Journal of EconomicsVol.۱pp.۳-۲۰.۱۸-Feldman, Robert A(۱۹۸۵)"Foreign Currency Options"Finance & Development December no.۳ pp.۳۸-۴۱.۱۹-Fisher , Stanley (۱۹۸۲) "Seigniorage and the Case for a National Money" Journal of Political EconomyVol.۹۰ no. ۲Aprilpp. ۲۹۵-۳۱۳.۲۰-Frenkel, Jacob A and Carlos A. Rodriguez(۱۹۸۰)"Portfolio Equilibrium and the Balance of Payment:A Monetary Approach" The American Economic Review Vol.۶۵ no.۴May pp. ۶۷۵-۶۸۸.۲۱-Grubel Hebret G (۱۹۶۸)" Internationally Diversified Portfolios: Welfare Gains and Capital Flows " The American Economic Review Vol.۵۸no.۵pp.۱۲۹۸-۱۳۱۵.۲۲-Guidotti , Pablo E and Carlos A . Rodriguez (۱۹۹۲) " Dollarization in Latin America, Gresham`s Law in Reverse?"IMF Staff Papers Vol.۳۹ no.۳Septemberpp.۵۱۸-۵۴۴.۲۳-Kamin Steven B and Neil R.Ericsson (۱۹۹۳)" Dollarization in Argentina" Board of Governors of the Federal Reserve System International Finance Discussion paper۴۶۰.۲۴-۲۰۰۳)"Dollarization¬ in Post - Hyperinflationary Argentina" Journal of International Money and Finance Vol.۲۲ pp.۱۸۵-۲۱۱.۲۵-Marquez,Jaime(۱۹۸۷)"Money Demand in open Economies:A Currency Substitution Model for Venzurla"Lournal of International Money and Finance Vol.۶pp.۱۶۷-۱۷۸.۲۶-McKinnon, Ronald I(۱۹۸۲) " Currency Substitution and Instability in the World Dollar Standard " American Economic Review Vol.۷۲ Junepp.۳۲۰-۳۳.۲۷-Miles, Marc A(۱۹۷۸)"Currency Substitution, Flexible Exchange Rates and Monetary Independence"American Economic Review no.۶۸ Junepp.۴۲۸-۳۶.۲۸-Poloz, Stephen S(۱۹۸۴)"The Transactions Demand for Money in A Two-Currency Economy"Journal of Monetary EconomicsVol .۱۴ pp.۲۴۱-۲۵۰. ۲۹-Vegh, Carlos A(۱۹۹۸)"Inflationary Finance and Currency Substitution in a Public Finance Framework " Journal of International Money and Finance Vol.۱۴no.۵pp.۶۷۹-۶۹۳.Comparing of DollarizationIn Iran's Economy with Dollarization in CanadaAbstracts This Paper examines Currency Substitution phenomenon in Iran's economy and Canada's economy through estimating domestic and foreign money demand over period ۱۹۵۹-۲۰۰۴. The results implies that Currency Substitution in Iran is one-way and in Canada it is two-way.Currency Substitution, Dollarization, Degree of Currency Substitution, Iran, Canada

دلاری شدن آرژانتین بعد از ابر تورم

دلاری شدن آرژانتین بعد از ابر تورم

نوشته: استیون ب.کمین و نیل آر. اریکسون ترجمه: دکتر محمد لشکری- چکیده: این مقاله دلاری شدن مداوم اقتصاد آرژانتین را که کاهش سریع تورم را از ابر تورم دهه ۱۹۸۰ خود تجربه کرده¬است، تحلیل می کند. اولاًـ اندازه¬گیری حجم دلارهای درگردش در آرژانتین نسبت به مطالعات پیشین که فقط روی سپرده¬های دلاری متمرکز می¬شدند بهبود یافته است. ثانیاً تحلیل همگرایی تقاضای پزو

در آرژانتین با تورم یک رابطه برگشت ناپذیر منفی دارد. کاهش در تقاضای پزو قابل استناد بر بازتابهای برگشت ناپذیر موجودی برآورد شده تمام داراییهای دلاری که توسط ساکنین داخلی آرژانتین نگهداری می¬شود، با فرضیه برگشت ناپذیری دلاری شدن سازگار است. واژگان کلیدی: آرژانتین، پول گسترده، همجمعی، جانشینی پول، دلاری شدن، تصحیح خطا، ابر¬تورم، برگشت ناپذیری، تقاضای پول، اثر چرخ دنده¬ای

۱- مقدمه

استفاده درحال افزایش از پول خارجی در بسیاری از کشورها به ادبیات نظری و تجربی قابل توجهی منتهی شده¬است. عموماً استفاده فاحش از پول خارجی درکشورهای با نرخهای تورم بالاـ و متغیر که در نتیجه نرخ کاهش ارزش پول داخلی بالا و متغیر می¬باشد رخ داده¬است. در چنین اقتصادهایی، اغلب هزینه نگهداری پول داخلی بالا و نامعلوم است، که این امر موجب می شود پول خارجی نه تنها برای پس انداز بلکه برای معاملات نیز مورد استفاده قرار گیرد. بررسی مدلهای پرتفوی تقاضای دارایی نشان می دهد که ادبیات جانشینی پول روی این امر متمرکز شده¬است که اندازه جانشینی پول به هزینه فرصت نگهداری پول داخلی و پول خارجی بستگی دارد. اورتیز(Ortiz;۱۹۸۳)، رامیرز- رویاس(Ramirez-Rojas;۱۹۸۵)، مارکوئز(Marquez;۱۹۸۷)، ملوین(Melvin;۱۹۸۸)، رویاس- سوارز(Rojas-Suarez;۱۹۹۲)، کلمنتس و شوارتز(Clements and Schwartz;۱۹۹۳)، و اگنور و خان(Agenor and Khan;۱۹۹۶) نشان داده¬اند که رابطه مستقیمی بین کاهش نرخ ارز و

گسترش پدیده دلاری شدن مخصوصاً در آمریکای لاتین و اروپای شرقی وجود دارد.

در طول دهه گذشته کشورهای گوناگون آمریکای لاتین شامل آرژانتین، بولیوی، و پرو کاهش در نرخ تورم و نرخ ارز را نسبت به سطوح ثبت شده قبلی تجربه کرده¬اند. با وجود این علی رغم کاهش تورم در این کشورها دلاری شدن افزایش یافته¬¬است که این امر تناقض آشکاری بر اساس مدل جانشینی پول را نشان می¬دهد. برای توضیح این پدیده گویدوتی و رودریگز(Guidotti and Rodriguez; ۱۹۹۲)، پییرس و راس(Peirs and Wrase;۱۹۹۲) ، استرزینگر (Sturzengger; ۱۹۹۷) ، و یوریب(Uribe;۱۹۹۷) مدلهای نظری را گسترش داده، و بر امکان برگشت ناپذیری فرآیند دلاری شدن اشاره کرده¬اند.یک بار دیگر دلاری شدن در پاسخ به افزایش در تورم رخ داده¬است، تورم به عوامل خصوصی یارانه می¬دهد و ممکن است لزوماً به استفاده از پول داخلی بازگشت نکند. زیرا تبدیل پولها برای اهداف معاملاتی یا سایر اهداف هزینه دارد. این نظریه تداوم دلاری شدن را در کشورهایی مثل آرژانتین و بولیوی توضیح می¬دهد، زیرا همچنان افراد تقاضای خود را برای پول محلی کاهش می¬دهند. با وجود این بخش تجربی برگشت ناپذیری در جانشینی پول هنوز در بسیاری از جاها آزمون نشده¬است. این مقاله با تمرکز روی پیش و پس از تجربه ابر تورم آرژانتین طبیعت تجربی برگشت ناپذیری فرآیند دلاری شدن را با سه روش آشکار می¬سازد؛ اول اینکه حجم جدید دلارهای درگردش در آرژانتین افزایش یافته¬است، که بر جریان تاریخی پول ایالات متحده بین آرژانتین و ایالات متحده آمریکا بنا شده¬است. این حجم نشان می¬دهد که ساکنین آرژانتین مقادیر قابل توجهی، خیلی بیشتر از آنچه که تصور عمومی است دلار نگهداری می¬کنند. دلارهای نگهداری شده نیز خیلی متفاوت با سپرده¬های دلاری در بانکهای آرژانتین رفتار می¬کنند. همه داده¬های مربوط به سپرده¬های دلاری در بانکهای داخلی تقریباً بر پایه مطالعات پیشین جانشینی پول بنا شده¬است، چون آنها فقط مقادیر جانشینی پول در دسترس را اندازه می¬گیرند. بنابراین، این داده¬ها می¬تواند شاخص گمراه کننده¬ای از دلاری شدن باشد.

دوم، این مقاله به طور تجربی دلاری شدن آرژانتین را به تورم که موجب کاهش در تقاضای پزو می¬شود، مربوط می¬سازد. اریکسون و کمین((Ericsson and Kamin;۱۹۹۴یک مدل تصحیح خطای تقاضای پول برای پزو در آرژانتین را بسط دادند و شاهد آماری قوی پیدا کردند که تورم بالا اثر منفی بر تقاضای پزو دارد، اما وقتی تورم کاهش می¬یابد این رابطه معکوس وجود ندارد. مقاله حاضر نشان می¬دهد که کاهش تقاضای پزو به اثر برگشت ناپذیری نسبت داده می¬شود که متناظر متغیری است برای تخمین موجودی کل داراییهای دلاری (هم سپرده و هم در جریان)که ساکنین داخلی آرژانتین نگهداری می¬کنند. این امر دلالت دارد که کاهش تقاضای پزوی افراد منعکس کننده جانشینی دلار به جای پزو است به جای آنکه افراد مانده های پزو را به سایر شکلهای دارایی مالی تبدیل کنند.

سوم تحلیل ما از دلاری شدن غیر رسمی می¬تواند به بحث دلاری شدن رسمی کمک کند، زیرا در عمل دلاری شدن غیر رسمی سابقه طولانی¬تری از دلاری شدن رسمی دارد. دلاری شدن رسمی اخیراً درگزارشها و بحثهای سیاسی دوباره مطرح شده¬است. در سال ۲۰۰۰ اکوادور و تیمور شرقی(East Timor) دلار آمریکا را به عنوان پول رسمی خود پذیرفتند؛ و کارلوس منم(Carlos Menem) رییس جمهور سابق آرژانتین تلاش زیادی کرد تا آرژانتین نیز دلار آمریکا را به عنوان پول رسمی خود بپذیرد. منافع دلاری شدن رسمی شامل کاهش هزینه اعتبار خارجی و افزایش اعتبار سیاست دولت داخلی است. زیانهای دلاری شدن شامل کاهش موارد زیر است: حق¬الضّرب، نقش بانک مرکزی به عنوان وام دهنده نهایی، کنترل داخلی سیاست پولی، نرخ ارز به عنوان مکانیزم تعدیل، و علامت قدرت سیاسی. بوگتیک(Bogetic;۲۰۰۰)، چنگ(Change;۲۰۰۰)، لبارون و مک کولوچ(LeBaron and McCulloch;۲۰۰۰)، و نویسندگان مقاله¬های دیگر دیدگاههای مختلفی را در مورد هزینه¬ها و منافع دلاری شدن رسمی با منظر تاریخی ارائه می¬کنند. ولد و وراسیرتو(Velede and Veracierto;۲۰۰۰)نتایج دلاری شدن رسمی آرژانتین را تحلیل می¬کنند. کنگره آمریکا بهره ویژه¬ای را برای دلاری شدن رسمی در نظر گرفته است، همانطور که در مجلس سنا آمریکا(۱۹۹۹) و در مجلس نمایندگان آمریکا (۲۰۰۰) و در سنای آمریکا (۲۰۰۰) برای تشویق تثبیت پولی بین¬المللی و تسهیم حق¬الضّرب در کشورهایی که رسماً دلاری شده اند پیشنهاداتی صورت گرفته است.

این مقاله به صورت زیر سازماندهی شده¬است. بخش۲تحول وقایع اقتصاد کلان در آرژانتین را خلاصه می¬کند، و زمینه¬ای را برای بخشهای باقیمانده فراهم می¬کند. بخش۳رفتار اندوخته¬های دلاری شده را توضیح می¬دهد، در حالیکه بخش۴توضیحات لازم برای این روندها را مورد توجه قرار می¬دهد. بخش۵ فرضیه برگشت ناپذیری را به تقاضای پزو و دلار در آرژانتین از طریق مدل تصحیح خطای اریکسون و کمین(۱۹۹۴) برای تقاضای پزو مرتبط می¬کند. بخش۶اختلاف بین رفتار دلارهای درگردش و سپرده¬های دلاری را مورد توجه قرار می¬دهد، و بخش۷ به نتیجه¬گیری مربوط می شود. ضمیمه منابع داده ها را ذکر می¬کند.

برای راحتی سه تفسیر زیر را می¬پذیریم. اول، منظور از داخلی آرژانتین است. دوم، بخش۲-۴ به پول آرژانتین به عنوان استرال(Ostral)یا پزو با زمینه¬های تاریخی بر می¬گردد، درحالیکه بخشهای باقیمانده به پزو به طور ویژه نگاه می¬کند زیرا تخمین مدل از داده¬ها به طور معکوس برحسب پزو(پول جاری آرژانتین) استفاده می¬کند. سوم ما از کالو و وگ(Calvo and Vegh's; ۱۹۹۲ & ۱۹۹۶) به صورت ادراکی(اما نه به صورت زبانشناسی) در تمایز بین دو وضعیت زیر پیروی می¬کنیم.

الف)نگهداری پول خارجی به جای پول داخلی؛

ب)ارزش گذاری داراییها برحسب پول خارجی به جای پول داخلی.

کالوو و وگ این دو شرط را با تأکید بر پول به صورت اسکناس و مسکوک و دلار به عنوان واحد اندازه¬گیری، جانشینی پول و دلاری شدن نامیدند. درحالیکه در نگاه اول این اصطلاح تا حد زیادی جذّاب است،ولی در عمل غامض است. زیرا اغلب درادبیات هر دو واژه به جای همدیگر و با یک مفهوم به کار می¬روند. برای مثال به ملوین و لادمن(Melvin and Ladman;۱۹۹۱)، کلمنتس و شووارتز (Clements and Schwartz ; ۱۹۹۳)، اگنور و خان (Agnor and Khan ; ۱۹۹۶)، و گیو وانینی و ترتلبوم(Giovannini and Turtelboom;۱۹۹۴)، که به طور متنوع از این دو واژه استفاده کرده¬اند نگاه کنید. هم زبان و هم عمل در این ابهام نقش دارند. از نظر زبانشناسی پول همانند اسکناس و مسکوک می¬تواند به واحد اندازه¬گیری نسبت داده¬شود، و دلارها همانند واحد اندازه¬گیری به اسکناسهای بانک مرکزی نسبت داده¬شود. ازنظر تجربی داده¬های مربوط به نگهداری پول خارجی به ندرت دردسترس است، بنابراین تحقیقات تجربی علی رغم مفهومی که دارند معمولاً بر داراییهای دلاری بانکها متکی است. با تمام مطالبی که در بالا گفته شده است مقاله حاضر دو تفاوت (الف) و (ب) فوق الاشاره را دارد. راه حل ما بر مفهوم لفظی که به طور ضمنی مفهوم را آشکار می¬کند متکی¬است. همچنین اغلب ¬مراجعه آشکار به ابزارهای مالی مثل دلارهای درگردش، سپرده¬های دلاری، یاتمام داراییهای دلاری مشکل است. ۱- پیشرفت اقتصاد کلان در آرژانتین

از اوایل دهه ۱۹۸۰افزایش نرخ تورم و کاهش نرخ ارز سیاست¬گذاران و شهروندان خصوصی را در آرژانتین به یک اندازه نگران ساخته¬است. نمودار۱نرخ تورم ماهیانه را که به صورت۱ - Δ t Pt/P محاسبه شده¬است، نشان می¬دهد که در آن Ptشاخص قیمت مصرف¬کننده در زمان tاست و Δعملگر تفاضل است. شتاب قیمتها طی اوایل دهه ۱۹۸۰در اواسط سال۱۹۸۵با انجام برنامه استرال که ترکیب دستمزد، قیمت و نرخ ارز با بعضی تعدیلهای مالی ثابت نگهداشته شد، به شدت معکوس شد. با وجود این، درحالیکه کسری مالی متعاقب آن کاهش یافت، کاهش آن برای حذف فشارهای تورمی که در۱۹۸۷به طور جدی ادامه یافت کافی نبود.

برنامه دوم کاهش تورم (برنامه بهار) درآگوست۱۹۸۸اجرا شد. پیش¬بینی شده بود با توافقی که با رهبران بخش خصوصی برای محدود کردن رشد قیمتهای عمومی، قیمتهای خصوصی و نرخ ارز شده است، تورم به۴ درصد در ماه محدود شود. همانند برنامه استرال برنامه بهار ابتدا تورم را کاهش داد؛ اما نرخ ارز واقعی به شدت افزایش یافت و وضعیت مالی بدتر شد، زیرا برای حمایت از نرخهای ارز افزایش یافته نرخهای بهره بالاتری مورد نیاز بود، لذا هزینه خدمات بدهی داخلی دولت افزایش یافت. در فوریه۱۹۸۹

بانک مرکزی نرخ ارز را برای معاملات مالی شناور کرد، که بلافاصله موجب کاهش نرخ ارز شد، و نرخ تورم به سرعت افزایش یافت و به۱۹۸ درصد در ماه در جولای۱۹۸۹رسید.

درهمان ماه پیرو افتتاح رییس جمهور منم، مسئوولان یک برنامه جدید گسترده مشابه با برنامه استرال اعلام کردند. ابتدا تورم به سرعت کاهش یافت؛ اما در اکتبر، سرعت اصلاحات مالی کاهش یافت درحالیکه تورم ادامه یافت و نرخ ارز واقعی افزایش یافت. انتظارات تصحیح تضعیف ارزش پول موجب خروج سرمایه شد که بانک مرکزی مجبور شد نرخ ارز بازرگانی را شناور نماید، که به سرعت نرخ ارز و به دنبال آن تورم افزایش یافت.

در ژانویه۱۹۹۰، مسؤولان تلاش کردند برای مهار تورم با تثبیت سپرده¬های مدت¬دار بانکی که برحسب استرال است و آنها را به اوراق قرضه۱۰ساله برحسب دلار که به عنوان بانکس() شناخته می¬شود برگردانند. ارزش این اوراق قرضه فوراً به کمتر از۳۰ درصد ارزش قبلی کاهش یافت. برنامه¬ای که بانکس نامیده می¬شد اثر فوری برتورم گذاشت، اما آن درکاهش بیشتر اعتقاد ضعیف مردم آرژانتین در سیستم مالی خودشان موفقیت آمیز بود. درمارس۱۹۹۰، وقتی تورم به۵/۹۵ درصد در ماه رسید، پول گسترده (M) به۱/۳درصدGDP کاهش یافت.

سپس، باتوجه به کاهش انتشار پول و تلا شهای مربوط به موفقیت تعدیل مالی تورم به سطوح یک رقمی رسید. کسری مالی از حدود۲۰ درصد در۱۹۸۹ به حدود۳ درصد در۱۹۹۰و۲ درصد در۱۹۹۱ کاهش پیدا کرد. درمارس۱۹۹۱ دولت برنامه قابلیت تبدیل را اعلام کرد که نرخ ارز نسبت به دلار ثابت است و بانک مرکزی ملزم شد به اندازه پایه پولی ذخایر بین المللی نگهداری کند. بنابراین نرخ تورم به سطوح خیلی پایین¬تر کاهش یافت. ۳- موجودی دلارهای آرژانتین

این بخش اندازه جدیدی از دلاری شدن را بر پایه داده¬ها ارائه می¬کند، و خطای اندازه¬گیری مرتبط با آن را مورد توجه قرار می¬دهد.

۱-۳ اندازه جدیدی از دلاری شدن

تقریباً تمام مطالعات جانشینی پول و دلاری شدن درکشورهای درحال توسعه با اتکا بر داده¬های سپرده¬های دلاری درسیستم بانکی داخلی گسترش دلاری شدن را نشان می¬دهد. درحالیکه این مطالعات ممکن است شواهد قابل ملاحظه¬ای از استفاده گسترده از دلار را درکشورهای خاص نشان دهد، به طور کلی داده¬های مربوط به مقدار دلارهای درگردش آمریکا در این کشورها در دسترس نیست.

مطالعه ما علاوه بر سپرده های دلاری، دلارهای در گردش آرژانتین که بر جریانهای ثبت شده دلار آمریکا بین آرژانتین و آمریکا بنا شده¬است را تخمین می¬زند. داده¬های گزارش¬های اسناد پولی و پولهای درگردش جمع آوری شده توسط بخش خزانه¬داری آمریکا بدست آمده¬است. این گزارشها باید توسط افراد یا نهادهایی که مبالغ۱۰۰۰۰ دلار یا بیشتر را از ایالات متحده خارج یا به آن وارد می¬کنند تکمیل شود. تخمینهای جریانهای پولی از این منبع به صورت فصلی از ۱۹۸۸در دسترس است. این داده¬ها که در جدول A۱ضمیمه لیست شده¬است جریان خالص دلار آمریکا به آرژانتین را۴/۱ میلیارد دلار در سال۱۹۸۸ و۷/۲ میلیارد دلار در سال۱۹۸۹نشان می¬دهد که در سال۱۹۹۰به۷/۶ میلیارد دلار و درسال۱۹۹۱به۸/۶ میلیارد دلار بالغ شده¬است. درحالیکه این داده¬ها در فاصله زمانی معین(۱۹۸۸-۱۹۹۲) در دسترس هستند، تحلیل زیر نشان می¬دهد چگونه آنها بینش قوی و بی¬نظیری در باره دلاری شدن آرژانتین قبل، هنگام و بعد از ابر تورم ارائه می¬کنند.

برای تخمین موجودی دلارهای درگردش در آرژانتین، جریان خالص پول به آرژانتین انباشته شده¬است، سیرتدریجی تخمین این موجودی در جدول۲ نشان داده شده¬است. دلارهای درگردش و سپرده¬های دلاری و مجموع آنها (برای داراییهای دلاری) به ترتیب بهC،D وA نشان داده شده¬است. با استفاده از ابزارهای غیر مستقیم، مشاهدات محلی مقدار دلارهای درگردش در آرژانتین در اواسط دهه۱۹۸۰در حدود۵ میلیارد دلار بوده¬است. بنابر این، این رقم در پایان۱۹۸۷ به عنوان نقطه آغاز محاسبه مورد استفاده قرار گرفته¬است. ورود دلارها حدود۸/۲۰ میلیارد دلارطی۱۹۸۸-۱۹۹۲ دلالت دارد که در پایان۱۹۹۲ در آرژانتین حدود۱۱ درصدGDP یعنی۲۶ میلیارد دلار وجود داشته¬است.

در مقایسه، اندوخته¬های سپرده¬های دلاری درسیستم بانکی داخلی فقط۱۱میلیارد دلار در دسامبر ۱۹۹۲ بود. ارزش دلاری پزوM۱ ، که شامل تمام سپرده¬های بانکی(پزو) می¬باشد، فقط ۱/۲۰میلیارد دلار است. بنابراین، بر پایه تخمینهای جریانهای خالص پول، دلار در پایان سال۱۹۹۲ مهمترین پول را در آرژانتین تشکیل داده و میزان آن برابر تمام سپرده¬های دلاری و تمام پزوها است. ۳-۲ اندازه¬گیری پولهای منتشره

داده¬های C.M.I.R در مورد جریانهای پول به منابع گوناگون خطا محدود می¬شود. اول اینکه داده¬های جریانهای قانونی پول در مرز آمریکا که کمتر از۱۰۰۰۰ دلار است را پوشش نمی¬دهد. دوم اینکه بسیاری از جریانهای غیرقانونی پول اظهار نمی¬شود. نهایتاً داده¬های C.M.I.R جریانهای دلار بین آرژانتین و کشورهای سوم(غیر از آمریکا) را که بر موجودی دلارهای نگهداری شده در آرژانتین مؤثر است، در بر نمی¬گیرد. همانگونه که این زیر بخش بحث می¬کند، احتمالاً خطاها برای محاسبه بخش معنی¬دار بودن این است که نگهداری پول در آرژانتین افزایش یافته است یا برای تغییر مراجعات اساسی داده¬های C.M.I.Rکافی است.

یک منبع تورش جریان دلارهای خارج از آرژانتین مرتبط با مسافرتهای خارج از کشور آرژانتین شامل خرید کالاهایی است که در داخل در دسترس نیست، یا در داخل گران¬تر است. باوجوداین، این فعالیتها طی دوره مورد بررسی حدود۱میلیارد دلار در سال و جریان خالص پول برای هرکدام از سالهای۱۹۹۰و۶،۱۹۹۱ میلیارد دلار تخمین زده شده¬است. بعلاوه، روشن نیست که چرا این فعالیتها در این سالها شتاب گرفته¬است.

منبع دیگرتورش بالقّوه بوسیله جریانهای بزرگ مرتبط با قاچاق بین المللی داروها و پولشویی مطرح می¬شود. برای فروش داروهای غیرقانونی در داخل آمریکا، اغلب پول نقد به کشورهای خارجی انتقال می¬یابد. و درسیستم بانکی داخلی این کشورها- که ممکن است سیستم نظارت کامل درآنها کمتر از آمریکا باشد- پس¬انداز یا پولشویی می¬شود. بانکها این سپرده¬های دلاری را دریافت می¬کنند سپس بیشتر این پولها را به ایالات متحده بر می¬گردانند. جریانهای غیرقانونی پول از ایالات متحده ثبت نمی¬شود، درحالیکه جریانهای قانونی پول به ایالات متحده بر می¬گردد: نتایج پولشویی گزارش شده درخروج خالص دلار از کشورهای خارجی به ایالات متحده بیشتر از خروج خالص واقعی است. با وجود این، آرژانتین ورود خالص ثبت شده دلار را تجربه کرده¬است، چنانکه قاچاق دارو و پولشویی نمی¬تواند رشد اندوخته¬های دلاری آرژانتین را توضیح دهد.

امکان نهایی این است که ورود دلار به آرژانتین دوباره به کشورهای سوم رفته و گزارش نشود. شواهد کمی وجود دارد که دلار آمریکا از آرژانتین به برزیل، ایسلند و خاورمیانه انتقال یافته¬است. باوجود این، هیچ داده¬ای در مورد این جریانها وجود ندارد. و آنها احتمالاً به اندازه کافی برای توضیح انتقال واقعی به آرژانتین در۱۹۹۲-۱۹۹۰ بزرگ هستند.

درحالیکه تخمین موجودی دلار آرژانتین ممکن است بزرگ به نظر برسد، آنها مطابق تقاضای سایر کشورها هستند. جدول۱موجودی سرانه پول آرژانتین(هم پول محلی و هم دلار) را با موجودی پول محلی سایر کشورها مقایسه می¬کند. موجودی سرانه پول محلی آرژانتین نسبت به موجودی سرانه پول سایر کشورها کمتر است. در مقایسه، موجودی سرانه پول آرژانتین شامل دلار، به طور معنی¬داری با سطح استاندارد بین المللی متفاوت نیست.

جدول۱ نیز نسبت پول بهGDPکشورهای مورد بررسی را مقایسه می¬کند. بامقیاسGDP موجودی پول(پزو و دلار) آرژانتین بیشتر از استاندارد جهانی به نظر می¬رسد. با وجوداین، همانطور که در زیر بحث می¬شود، موجودی دلار به همان اندازه که جانشین پول (پزو)های در گردش می¬شود جانشین سپرده¬های بانکی برحسب پزو نیز می¬شود. نسبت به خیلی از کشورها، به¬طور کلی آرژانتینی¬ها نسبت به سایر خدمات پولی برای معاملات مالی خود بیشتر بر پول در گردش متکی هستند. و ابر تورم به جانشینی دلار به جای پزو برای فعالیتهایی که در سایر کشورها معمولاً با سپرده¬های بانکی مرتبط هستند منتهی می¬شود. این

نظریه با محاسبات ستون آخر جدول ۱ که نسبت پول گسترده بهGDP برای چند کشور را نشان می¬دهد حمایت می¬شود. موجودی پزو آرژانتین فقط ۵/۱۱ درصدGDP یعنی کمتر از این نسبت در کشورهای نمونه است. وقتی که هم دلارهای درگردش و هم سپرده¬های دلاری در پول گسترده آرژانتین در نظر گرفته شود این نسبت به۳/۲۴ درصد افزایش می¬یابد، که هم سطح سایر کشورهای آمریکای لاتین و هنوز کمتر از سهم کشورهای آسیایی و کشورهای صنعتی است.

موجودی دلارهای تخمین زده شده برای آرژانتین نیز در مقایسه با میزان دلارهای تخمین زده شده آمریکا که درخارج نگهداری می¬شود قابل قبول به نظر می¬رسد. با استفاده از بررسیهای مربوط به استفاده از حسابهای معاملات و پول نقد در ایالات متحده اوری، الیهاسن، کنیکل و اسپیندت(AE.Elliehausen , A.B.Kennickell,and P.A.Spindt;۱۹۸۷:۱۷۹-۱۹۶) تخمین زده¬اند که فقط۱۱ درصد از موجودی اسکناس و سکه درگردش خارج از بانکها برای اهداف معاملاتی توسط ساکنین آمریکا نگهداری می¬شوند. آنها تخمین زده¬اند که نگهداری پول داخلی توسط تجّار و نوجوانان برای فعالیتهای غیرقانونی احتمالاً سهم پول داخلی نگهداری شده در گردش را به۲۰ درصد افزایش داده¬است. این به بدان معنی است که تقریباً ۸۰ درصد از پولهای آمریکا می¬تواند در خارج از آمریکا درگردش باشد. در دسامبر ۱۹۹۲،۸۰ درصد حدود ۲۳۰ میلیارد دلار بود، که معادل تخمین پورتر و جودسون(Porter and Judson’۱۹۹۶;s) با روش فصلی است؛ همچنین به اسپرینکل (Sprenkle; ۱۹۹۳) مراجعه کنید. بنابراین در پایان ۱۹۹۲، ساکنین آرژانتین حدود یک دهم تمام دلارهای خارج از آمریکا را نگهداری می¬کردند. با توجه به وضعیت بی¬ثباتی شدید مالی آرژانتین در اواخر دهه ۱۹۸۰، این میزان مطمئناً امکان¬پذیر است. این امر توسط پورتر و جودسون(Porter and Judson;۱۹۹۶:۸۸۶) که طی دوره ۱۹۹۱-۱۹۸۸ آن را محاسبه کرده¬اند حمایت می¬شود، همانطور که توسط بانکهای بازرگانی به بانک مرکزی نیویورک گزارش شده¬است، آرژانتین حدود یک سوم از کل انتقال خالص پول از آمریکا به بقیه جهان را دریافت کرده¬است. ۴- جانشینی پول

این بخش فرضیه جانشینی پول برای آرژانتین را با استفاده از داده¬های جدید در مورد دلار مورد بحث قرار می¬دهد. برای آزمونهای اولیه جانشینی پول در آرژانتین به فاسانو- فیلهو(Fasano-Filho ;۱۹۸۶a,۱۹۸۶b) و کانتو و نیکلزبرگ(Canto and Nickelsburg;۱۹۸۷)مراجعه نمایید. ۴-۱ انتقال از داراییهای پزویی به داراییهای دلاری

اگر جریان خروج دلارها از آرژانتین از رابطه خاصی پیروی نکند، احتمال دارد افزایش ورود دلارها به افزایش تقاضا برای دلار توسط ساکنین آرژانتین نسبت داده شود. این نظریه با شواهد قابل ملاحظه¬ای سازگار است. به طور مشهوری، معاملات در داراییهای واقعی و تقریباً تمام اقلام بزرگ با دلار آمریکا صورت می¬گیرد. هر روز دلارها برای معاملات کوچکتر نیز به¬طور فزاینده¬ای پذیرفته می¬شود. اگر چه ما بررسی دقیقی در مورد موجودی دلارها درآرژانتین انجام نداده¬ایم بسیاری از آرژانتینی¬ها وجود مبالغ قابل ملاحظه¬ای دلار را تصدیق می¬کنند.

افزایش در دلارها می¬تواند منعکس کننده این باشد که یا تقاضا برای کل داراییهای پولی افزایش یافته¬است و یا جانشینی بیشتری در داراییهای دلاری به جای داراییهای پزویی درسطح معینی از موجودی پول صورت گرفته¬است. نمودار۳ با فرضیه اخیر سازگار است. نمودار۳ تحول مجموع پول درطول۱۵سال را که با پزو واقعی ارزیابی شده¬است نشان می¬دهد.M۱ شامل پزوهای درگردش و سپرده¬های تقاضا استM۳(دراینجا و در زیر با M نشان داده می¬شود) تمام سپرده¬های بانکی پزو باقیمانده را اضافه می¬کند، و مجموع یعنی تمام داراییهای پولی شاملM۳، تخمین موجودی دلارها، و موجودی اندک اما درحال رشد سپرده¬های بانکی دلاری است. نمودار۳ انتقال عمده خروج از داراییها برحسب پول محلی و ورود به داراییها برحسب دلار را درسالهای ۱۹۹۰و۱۹۹۱ نشان می¬دهد. مقدار کل داراییهای مالی آرژانتین خیلی کمتر از داراییها برحسب پول محلی کاهش یافته¬است، و در۱۹۹۳ به¬طور کامل به سطوح قبل از ابر تورم برگشته¬است. آن همچنین دلالت دارد که ورود دلارها ابتدا به جای سپرده¬های بانکی بر حسب استرال بیشتر از خود پول محلی صورت گرفته¬است. درحالیکه کاهشی درنسبتM۱بهGNPدرتمام نمونه رخ داده¬است، فقطM۳ کاهش معنی¬داری را نشان می¬دهد، همزمان با سرعت داراییهای دلاری ایجاد شده¬است. نمودار۴ تحول سپرده¬های دلاری را در بانکهای آرژانتین نشان می¬دهد، و آنها را با دلارهای در گردش و M۳ داخلی(معکوس دلارها با نرخ ارز در بازار موازی E)مقایسه می¬کند. در ابتدا، این سپرده¬های دلاری مورد علاقه نبودند، به طوریکه آنها به۱۰۰ درصد ذخایر لازم در بانک مرکزی محدود بودند و برای مقابله با مشکلات تراز پرداختها آسیب¬پذیر به نظر می¬رسیدند. در آگوست ۱۹۸۹، نوع جدیدی از سپرده دلاری ایجاد شد، که برای نگهداری در یک بانک خارجی ذخیره کمی لازم داشت. از آوریل ۱۹۹۰، این سپرده¬ها رشد بسیار زیادی را نشان می¬دهند و از دسامبر ۱۹۹۲ به حدود۱۱میلیارد دلار یعنی تقریباً معادل سپرده¬های پزویی بانکها رسید. این روند دلالت دارد که ورود دلارها بخشی از جریان عمومی¬تر تقاضا برای داراییهای دلاری هستند. با وجود این، همانگونه که در بخش۶ بحث شد، جریان سپرده¬های دلاری تقریباً بعد از افزایش ورود پول که منعکس کننده اختلافات مهمی در رفتار دو نوع دارایی است آغاز شد. ۴-۲جانشینی پول و فرار سرمایه به نظر می رسد افزایش موجودی دلارها بوسیله خروج سرمایه و انحرافات مداوم دریافتهای دلاری از بازار ارز تأمین مالی شده¬است. در پایان سال۱۹۸۹ سهم خروج سرمایه بین ۳۰ میلیارد دلار و ۵۹ میلیارد دلار تخمین زده شده¬است. بنابراین باورکردنی¬است که میلیاردها دلار برای سرمایه¬گذاری در بازار سهام، داراییهای واقعی، و سایر فرصتها به آرژانتین برگردد. بعضی از این ورود سرمایه ها با داراییهایی برحسب پول محلی مبادله شده¬است، همانطور که در افزایش عمده ذخایر بین المللی بانک مرکزی بعد از۱۹۸۹ منعکس شده¬است. با وجود این، احتمال دارد که این ورودها نیز با انباشت داراییهای دلاری تأمین مالی شده باشد.

در این زمینه، تمایز بین خروج سرمایه و جانشینی پول مهم است. طی دهه ۱۹۸۰، نا اطمینانی سیاسی- اقتصادی کلان انتقال داراییهای دلاری به جای داراییهای داخلی(جانشینی پول) و جایگزینی داراییهای عمده خارجی (خروج سرمایه) را موجب شد. در۱۹۹۰و۱۹۹۱، کاهش ریسک سیاسی- اقتصادی موجب بازگشت جریان خروج سرمایه به آرژانتین شد. به دلایل بحث شده در زیر، بسیاری از این داراییها به شکل دلار نگهداری شد. یک دلالت این پدیده این است که تخمینهای رایج خروج سرمایه، که تفاوت ورود بین تراز پرداختهای رسمی و تغییر در ذخایر بین¬المللی را اندازه¬گیری می¬کند ممکن است گمراه کننده باشد.

۴-۳ مسائل مربوط به نظریه رایج جانشینی پول

درحالی که نمودارهای۳ و۴ موردی از صورت اولیه جانشینی پول و دلاری شدن را به عنوان توضیحی برای ورود دلارهای زیادی به آرژانتین نشان می¬دهد، زمانبندی وقایع کلان یک احتمال درمدل سنتی جانشینی پول است. در این مدل، عوامل اقتصادی اندوخته¬های خود را از پول داخلی و خارجی بر اساس نرخهای بازده جاری و پیش بینی شده پولها تغییر می¬دهند. بنابراین کاهش نرخ ارز، که به طورکلی به نرخهای بالای تورم داخلی مربوط می¬شود، باید موجودی دلارها را نسبت به پول داخلی افزایش دهد. به طور معکوس، کاهش تورم و افزایش نرخ ارز باید دلاری شدن را معکوس کند و موجودی نسبی پول داخلی را اگر چه ممکن است با تأخیر افزایش دهد.

اگر مدل رایج جانشینی پول به کار گرفته شود، موجودی دلارهای آرژانتین به بالاترین سطح خود در اواسط ۱۹۸۹ و اوایل ۱۹۹۰ یعنی دوره¬های ابرتورم و کاهش سریع و خیلی زیاد نرخ ارز خواهد رسید؛ نمودار۵ را ببینید. بنابراین موجودی دلارها به¬طور عجیبی باید کاهش یافته باشد، که با کاهش نرخ تورم به ۱۹ درصد برای۱۲ ماهه منتهی به جولای ۱۹۹۲ یعنی پایینترین نرخ از اوایل دهه ۱۹۷۰ سازگار است. بعلاوه، نرخ ارز اسمی از ژانویه۱۹۹۱ واقعاً بدون تغییر باقی مانده¬است. حرکت واقعی اندوخته¬های دلاری با این پیش بینی خیلی متناقض است. نمودار۵ و۶ حرکتهای کاهش نرخ ارز و تورم را در مسیر سهم اندوخته¬های دلاری درکل داراییهای مالی مقایسه می¬کند. نمودار۶ به¬طور ضمنی نشان می¬دهد که علی رغم تثبیت اقتصاد کلان این سهم در۱۹۹۱و۱۹۹۲ خیلی بیشتر از۱۹۸۸است.

جریان ورود دلارها نمی¬تواند در رابطه با شکست برنامه تثبیت توضیح داده¬شود. اول اینکه، سهم دلارها درکل موجودی پول

در ۱۹۹۱ تقریباً بالا بود- وقتی نرخهای تورم به شدت در حال کاهش بود- همانند سال۱۹۸۹، وقتی ترس از ابرتورم کنترل نشده اساسی شده¬بود. دوم اینکه، نرخهای بهره سپرده¬های پول داخلی به۱ درصد در ماه در اوایل۱۹۹۲ یعنی کمترین سطح خود در دهه¬های گذشته کاهش یافت. این دلالت دارد که اطمینان قابل ملاحظه¬ای در برنامه تثبیت وجود دارد، و اینکه دلاری شدن ترسی از ابرتورم آینده را منعکس نمی¬کند. ۴-۴ برگشت ناپذیری دلاری شدن

پدیده مداوم دلاری شدن همراه با تثبیت موفقیت آمیز اقتصاد کلان برای آرژانتین بی نظیر است. در بولیوی، سهم سپرده های خارجی در اندوخته های پول گسترده به طور یکنواخت از حدود۱۰ درصد در آغاز۱۹۸۶ بعد از ابر تورم به تقریباً۸۰ درصد در سپتامبر ۱۹۹۱ افزایش یافت؛ به کلمنتس و شوارتز(Clements and Schwartz;۱۹۹۳) نگاه کنید. علی رغم تثبیت موفقیت آمیز تورم به زیر۲۰ درصد در سال این امر رخ داد. بهبودهای مشابهی در پرو صورت گرفته است، که نسبت سپرده های دلاری به پول گسترده در اوایل دهه۱۹۹۰ به سرعت رشد کرد و به حدود ۶۵ درصد رسید، با وجود اینکه همزمان کاهش عمده ای در تورم رخ داد.

برای توضیح این روند، گویدتی و رودریگز(Guidotti and Rodriguez;۱۹۹۲)روی نقش هزینه¬های ثابت در استفاده از پول محلی برای معامله با استفاده از پول خارجی تمرکز کردند؛ همچنین به استرزینگر(Sturzenegger;۱۹۹۷) و یوریب (Uribe; ۱۹۹۷) نگاه کنید. این هزینه¬ها از مشکلات (مسائل هماهنگی، هزینه فهرست بها و غیرو) ناشی می¬شود که طی انتقال از استفاده از یک پول به استفاده از پول دیگر افزایش می¬یابد، وقتی عوامل مجبور می¬شوند به طور همزمان با هر دو پول معامله نمایند. به عنوان نتیجه این هزینه¬ها، افزایشهای کوچک در هزینه فرصت نگهداری پول داخلی(مربوط به افزایش تورم و/یا کاهش نرخ ارز) ممکن است موجب تشویق تبدیل پول داخلی به دلار نشود. به طور معکوس، دوباره عوامل شروع به استفاده از پول خارجی می¬کنند زیرا هزینه نگهداری پول داخلی به شدت افزایش یافته¬است، کاهش متعاقب در تورم ممکن است برگشت به پول محلی را تشویق نکند. پییرس و ریس(Peiers and Wrase;۱۹۹۷) را ببینید. انزلر، جانسون، و پالاس(Enzler, Johnson, and Paulus;۱۹۷۶) و سایمپسون و پورتر(Simpson and Porter;۱۹۸۰) مدلهای مشابهی را با انتخاب بین داراییها با یک پول واحد با هزینه های فرصت متفاوت توسعه دادند.

مدل گویدتی و رودریگز نقطه آغازی برای توضیح این روندها در تقاضای پول آرژانتین فراهم می کند. این امر دلالت دارد که اثر برگشت ناپذیری در تورم برای تقاضای پول وجود دارد، وقتی تورم افزایش می¬یابد تقاضای پول کاهش می¬یابد، اما وقتی تورم کاهش می¬یابد این تقاضا کمتر افزایش می¬یابد. این کاهش تقاضای۱M و ۳M در آرژانتین را در کل نمونه توجیه می¬کند، با وجود این اخیراً سطوح تورم به صورت تاریخی کاهش یافت. آن نیز توضیح می¬دهد چگونه جریان اندوخته های دلاری ممکن است به میخکوب کردن تورم طی سالهای۱۹۸۹و ۱۹۹۰، همانند مصادره سپرده¬های بانکی برنامه بانکس پاسخ دهند. این رویدادها که زیانهای شدیدی را بر دارندگان داراییها بر حسب پول محلی تحمیل می¬کند، انگیزه زیادی برای انتقال عمده به سمت داراییهای دلاری ایجاد می¬کند. زیرا اینها داراییهای دلاری هستند، اغلب برای تمام این اهداف، همانند کارکرد داخلی داراییهای پزویی، ممکن است برای بازگشتن به پزو در آینده انگیزه کمی وجود داشته باشد. ۵- برگشت ناپذیری و تقاضای پول هم اندوخته¬های پزویی و هم اندوخته¬های دلاری برای بررسی اقتصادسنجی برگشت ناپذیری دلاری شدن مفید است. با وجود برگشت ناپذیری، افزایش درتورم باید کاهش دائمی در داراییهای پزویی و افزایش دائمی در اندوخته¬های دلاری را تهییج نماید. متأسفانه، داده¬های مربوط به موجودی دلارهای درگردش فقط برای۱۹۸۸-۱۹۹۲و به صورت فصلی موجود است، هرچند داده¬های مربوط به پزو از سال۱۹۷۷ به صورت ماهیانه در دسترس هستند. بنابراین، مدل تقاضا برای پول گسترده برحسب پزو ۱۹۹۴ اریکسون و کمین، اثر برگشت ناپذیر تورم را تأیید می¬کند. آنها دریافتند که تقاضای پول مشاهده شده به طور مستدلی به عنوان مدل تصحیح خطای پارامتر ثابت با یک اثر برگشت ناپذیر معنی¬دار مشخص می¬شود. این بخش راه¬حل بلندمدتی را برای مدل آنها توضیح می¬دهد، اندازه ضمنی تقاضای بلندمدت داراییهای دلاری مربوط به اثر برگشت¬ناپذیر را به دست می¬دهد، و نشان می¬دهد که اندازه¬گیری عددی با داده¬های واقعی اندوخته¬های دلاری مشابهت دارد. بنابراین، برگشت¬ناپذیری ممکن است جایگزینی برای موجودی دلارها باشد، که فرض قاطع برگشت¬ناپذیری حقیقی را تحقق می¬بخشد.

۱-۵ تقاضای بلند مدت برای داراییهای پزویی

اریکسون و کمین در سال۱۹۹۴تابع تقاضای پول بلند مدت خطی زیر را مورد ملاحظه قرار دادند:

(۱) M p-m=γ۰ +γ۱R+γ۲ pΔ +γ۳ eΔ+γ۴ maxpΔ داده های۳M داخلی، P شاخص قیمت مصرف کننده داخلی ، R نرخ بهره سپرده های بانکی داخلی۳M و Eنرخ ارز را نشان می دهند، و متغیرهایی که با حروف ریز نوشته شده است به صورت لگاریتمی هستند. تمام داده ها ماهیانه و فصلی تعدیل نشده برای ژانویه۱۹۷۷- ژانویه ۱۹۹۳است. برای جزئیات بیشتر ضمیمه را نگاه کنید.

معادله (۱) از مدل تقاضای پول استاندارد با دو مفهوم به دست می آید. اول، همانند مدل تقاضای پول کیگان(Cagan;۱۹۵۶) برای اقتصادهای ابر تورمی متغیر مقیاس مانندGNP حذف می شود. دوم به پیروی از انزلر، جانسون و پالاس(Enzler, Johnson, and Paulus;۱۹۷۶)، سیمپسون و پورتر(Simpson and Porter;۱۹۸۰)، پیترمن(Piterman;۱۹۸۸)، ملنیک (Melnik; ۱۹۹۰)و آهمادا(Ahumada;۱۹۹۲) در میان سایر اشخاص معادله (۱) شامل یک متغیر برگشت ناپذیر است که حداکثر نرخ تورم در تاریخ نمونه را دارد و با Δ maxpنشان داده می شود. علائم پیش بینی شده ضرائب γ۳>۰ ،γ۲۰ و γ۴≤۰ است، متغیرهای p ، R Δو e Δبازده۳M ، کالا ها و دلارها را اندازه می گیرند. زیرا Δ maxpدر سرتاسر نمونه به طور یکنواخت افزایش می یابد، γ۴ اکیداً منفی بر کاهش برگشت ناپذیر تقاضای پول نسبت به افزایشهای اولیه تورم دلالت دارد.

اریکسون و کمین(۱۹۹۴) آزمون همگرایی متغیرهای معادله (۱) را انجام دادند و نتیجه گرفتند که متغیرهای فوق همگرا هستند. سپس آنها به طور صرفه جویانه مدل تصحیح خطای شرطی تک معادله ای برای تقاضای پول را توسعه دادند. همانطور که هر دو به وسیله تخمین رگرسیون و به وسیله آزمونهای پایداری در یک نقطه انفصال مجهول نشان داده شده اند، پارامترهای مدل در عمل به طور قابل توجهی ثابت هستند، مخصوصاً وقتی شکستهای کلان آن دوره را ملاحظه کنیم. تخمین مدل بلند مدت آنها به صورت زیر است:

(۲= maxpΔ ۰/۹۸- eΔ ۱/۲۶- pΔ ۱۳/۳۷v- R۱۰/۹۳+۳/۱۰ p-m)

که تمام کششها از نظر آماری معنی دار هستند. ورود Δ maxpبه اثر دائمی دقیق بعضی شوکهای تورمی بر تقاضای پول دلالت دارد، و چنین تداومی غیر محتمل است. باوجود این، برای مثال موجود، اثر تجربی تورم چنان مداوم به نظر می رسد که کاهش اثر در طول زمان آشکار نمی شود. تفسیرهای مجدد زیر بخش زیر اثر برگشت ناپذیری را با روشی که گذشته را نادیده می گیرد، اما دلاری شدن برگشت پذیر می باشد را بررسی می کند.

۲-۵اندازه ساختگی تقاضا برای داراییهای دلاری

از اثر برگشت ناپذیری تورم در (۲)، این زیر بخش اندازه تقاضای ضمنی برای داراییهای دلاری را می سازد. موجودی واقعی دلارهای در گردش و داراییهای دلاری آرژانتین برای۱۹۸۸-۱۹۹۲ از داده های خزانه آمریکا می تواند تخمین زده شود. برای آن دوره، اثر متغیر برگشت ناپذیر روی تقاضا برای داراییهای پزویی موجودی کل داراییهای دلاری را تقریباً به طور یک به یک پوشش می دهد.

ملاحظه کنید که اگر Δ maxtpهیچ اثری بر تقاضای پول نداشته باشد موجودی پول چه خواهد بود؟ یک راه حل کامل این است که تمام ضرایب Δ maxtpو تأخیرهای آن را در متغیرهای توضیحی سیستم (۲) برابر صفر قرار دهیم، و برای سریهای جدید p-m دوره به دوره آنرا حل کنیم. راه حل ساده تر، روش تقریبی تفریق اثر بلند مدت Δ maxtpاز موجودی پول مشاهده شده

است:

-maxtpΔ۰/۹۸) mta -pt =mt-pt) (۳)

که mta ارزش تعدیل شده mtاست، و در محاسبه (۳) از راه حل بلند مدت (۲) استفاده می شود. در حالیکه (۳) اثرات زودگذر Δ maxtpرا حذف می کند، mtaباید هنوز رفتار کلی تقاضا برای پول را تحت موقعیت این فرضیه نشان دهد. نمودار ۷ نشان می دهد که بدون اثر برگشت ناپذیر تقاضا برای ۳M تا پایان سال ۱۹۸۸ به سطح واقعی پول بستگی دارد. اما در سالهای بعدی خیلی بیشتر از سطح واقعی آن است. در پایان نمونه، موجودی پزوها تقریباً ۳۰۰ درصد ارزش واقعی آنها بوده است. شق دیگری که اظهار شده است این است که، ارزش واقعی پزوئی ۳M در اوایل دهه ۱۹۹۰ تقریباً برابر ارزش مشاهده شده آن در پایان ۱۹۷۰ بوده است. تفاوت بین ۳M واقعی و ارزشهای محاسبه شده از (۳) ممکن است به دو عامل نسبت داده شود: جانشینی دلارها، و ابزارهای دیگر صرفه جویی اقتصادی در بالانسهای پولی که به طور کلی ممکن است به نوآوری مالی نسبت داده شود؛ به ارو، د گرگوریو، رینهارت و ویکهام(Arrau, De Gegorio Reinhart ,and Wickham;۱۹۹۵) مرا جعه کنید. با داده های در دسترس، هیچ روش قطعی برای تجزیه پولهای ناپیدا به این دو جزء وجود ندارد. نمودار ۸کل داراییهای دلاری (tA) و ارزش دلاری اثر برگشت ناپذیر (tQ) را نشان می دهد. tQ عبارتست از ارزش دلاری تفاوت بین ۳M واقعی و ارزش محاسبه شده آن از (۳)، و به صورت زیر محاسبه می شود:

maxtpΔ۰/۹۸]exp)*)tE/tM(=tQ] -۱) (۴)

متغیری که اثر برگشت ناپذیری را در (۲) تخمین می زند لگاریتم تقاضای پول واقعی برحسب پزو است. با دو برابر شدن حجم پول واقعی در پایان۱۹۹۲ در بخش زیادی از نمونه، tQ بخش عمده tA است. این نتایج با بیشترین کاهش در ۳M که منعکس کننده جانشینی دلار است سازگار می باشد، و آنها نظریه موجودی زیاد و مداوم داراییهای دلاری را از ۱۹۹۰ که پاسخ بلند مدت به پیش بینی ابر تورم می باشد تقویت می کنند. تشابه tQ و tA نیز بر تفسیر مجدد(۲) دلالت دارد، یعنی اثر برگشت ناپذیر را جایگزین موجودی دلار tA می کند. چنین فرمولی اجازه می دهد که دلاری شدن بدون برگشت ناپذیری مدت طولانی ادامه یابد. بدین معنی که برگشت ناپذیری واقعی موضوع خیلی جدی است.

۶- سپرده های دلاری در مقابل موجودی دلارهای در گردش

سپرده های دلاری و موجودی دلارهای در گردش تا حدی ویژگیهای متفاوتی را در طول زمان نشان می دهند. این بخش به پیروی از رویکرد توماس(Tomas;۱۹۸۵)، کالوو و وگ(Calvo and vegh;۱۹۹۲) بعضی از دلایل این ویژگیهای متفاوت را توضیح می دهد. زیرا سریهای سپرده های دلاری و مخصوصاً موجودی دلارهای در گردش خیلی کوتاه است، تحلیل به جای اقتصاد سنجی، هندسی است، و به هم حرکتی سپرده های دلاری با داراییهای پزویی و موجودی دلارهای در گردش محدود است.

۱-۶ رفتارسپرده های دلاری

اغلب مطالعات پیشین دلاری شدن، با استفاده از داده های مربوط به موجودی داراییهای داخلی و سپرده های دلاری بر مدلهای رگرسیون جانشینی پول بنا شده اند. به طور کلی این تحلیلها یافته اند که سپرده های دلاری همانگونه که به وسیله مدل جانشینی پول رایج پیش بینی شده است رفتار می کنند: تورم بالاتر و کاهش نرخ ارز بیشتر موجب افزایش تقاضا برای سپرده های دلاری نسبت به موجودی پول داخلی در گردش می شود. همانطور که نمودار۹ نشان می دهد، نسبت سپرده های دلاری به۳M بر حسب پزو در آرژانتین از این الگو پیروی می کند،این طی ابر تورم ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ افزایش می یابد و پس از هر کدام از آنها کاهش می یابد. آن نیز اثر برگشت ناپذیر را نشان می دهد، چون در سرتاسر دوره۱۹۹۱ تا۱۹۹۲ وقتی تورم کاهش می یابد این نسبت بالا باقی می ماند.

با وجود این، نگاه کردن صرف به این دو مجموعه تشابهات عمده در رفتار این دو مجموعه را مبهم می سازد. نمودار۱۰ نشان می¬دهدکه از سال۱۹۸۹، سپرده های دلاری و۳M بر حسب پزو به طور موازی حرکت کرده اند. هر دو در پاسخ به افزایش تورم کاهش پیدا کردند، و هر دو با کاهش های بعدی تورم افزایش یافتند. هرکدام از آنها به پایین ترین مقدار خود طی ابرتورمهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ رسیدند، سپس دوباره افزایش یافتند. نمودار۹ انتقال مطلق از ۳M بر حسب پزو به سپرده های دلاری را نشان می دهد اما تشابهات کوتاه مدت تر که در نمودار۱۰ آشکار شده است را نشان نمی دهد.

همبستگی نزدیک سپرده های دلاری با ۳M بر حسب پزو، و همبستگی منفی آنها با تورم و کاهش نرخ ارز، ممکن است منعکس کننده ترس از ورشکستگی و مصادره باشد. دو کاهش رسمی در سپرده های دلاری در اواسط۱۹۸۹ و اوایل ۱۹۹۰ با دوره های ابر تورم، کمیابی ارز، و تحولات اقتصاد کلان همزمان شده است. این عوامل سپرده های دلاری را همراه با ریسک می نماید، به این علت که ممکن است این سپرده ها مصادره شده باشند، یا بوسیله دولت غیر قابل پرداخت اعلام کردند، و به این علت که بانکهای دارنده سپرده ممکن است تعطیل شده باشند. در واقع، فقط سپرده های پزویی تحت برنامه بانکس غیر قابل پرداخت شد، اما در آن زمان معلوم نبود که سپرده های دلاری صدمه ندیده باشد. در حالیکه سپرده های دلاری آرژانتین ممکن است پاسخهای مثبت دلارهای در گردش به تورم و کاهش نرخ ارز را در بلند مدت تسیهم کند، سپرده های دلاری نیز ممکن است به همان عوامل در کوتاه مدت پاسخهای انحرافی بدهند. ۶-۲ ترکیب داراییهای دلاری

نمودار ۲ بالاـ کل داراییهای دلاری را به دو بخش دلارهای در گردش و سپرده های دلاری می شکند. بعد از ابرتورم۱۹۹۰ نه تنها سپرده های دلاری به شدت افزایش یافته است، بلکه به تدریج توسط ساکنین آرژانتین جانشینی موجودی دلارهای در گردش شده است.

نمودار ۱۱ بخش سپرده های دلاری را در کل داراییهای دلاری نشان می دهد. با وجود مصون بودن سپرده های دلاری و دلارهای در گردش از کاهش نرخ ارز در ابتدا سهم سپرده های دلاری در کل داراییهای دلاری با تورم رابطه معکوس داشت. از مارس۱۹۹۰ تا دسامبر۱۹۹۲، این نسبت به طوریکنواخت از ۸٪ به ۳۰٪ افزایش یافت، این امر شاید منکعس کننده این باشد که موجودی دلارهای در گردش مشمول بهره نمی شود، درحالیکه به سپرده های دلاری بالغ بر۳۰۰ نقطه اساسی بالاLIBOR پرداخت شده است. چنین حرکتی واقعاً می تواند تقاضای دلارهای در گردش را به طور مطلق کاهش دهد و به جریان خالص برگشت پول به ایالات متحده منتهی شود.

بنابراین، افزایش بیشتر در سپرده های دلاری آرژانتین نباید به عنوان منعکس کننده کاهش در اعتبار برنامه تثبیت آرژانتین تفسیرشود. درمقایسه، اینکه آرژانتینی ها قبلاً تصمیم گرفتند بیشتر داراییهای مالی خود را به شکل دلار نگهدارند، جانشینی از دلارهای در گردش به سپرده های دلاری ممکن است منعکس کننده افزایش اطمینان در تثبیت سیستم مالی آرژانتین و وضعیت عمومی اقتصاد کلان باشد.

۷- نتایج

نتایج اصلی هم متدولوژیک و هم حقیقی هستند. اول اینکه، داده های خزانه ایالات متحده اندازه جدیدی از حجم دلارهای در گردش در کشورهای خارجی ارائه می کند، و آن باید توانایی ما را برای تحلیل دلاری شدن و جانشینی پول افزایش دهد. برای آرژانتین به طور خاص، این اندازه نشان می دهد که موجودی دلارهای درگردش خیلی بیشتر از آن چیزی است که بسیاری از افراد تصور می کنند.

دوم، سپرده های دلاری و موجودی دلارهای در گردش در آرژانتین پاسخهای متفاوتی به شوکهای اقتصادی کلان داده است. با ابرتورم و با مصادره سپرده های بانکی پزویی، موجودی دلارهای در گردش به شدت افزایش می یابد درحالیکه سپرده های دلاری به شدت کاهش می یابد. سپرده های دلاری نسبت به این بهبودها (هرچند با تأخیر) فقط وقتی پاسخ مثبت نشان می دهند که وضعیت اقتصادی شروع به تثبیت می کنند. سپرده های دلاری و دلارهای در گردش نیز احتمالاً متفاوت عمل می کنند زیرا یکی بهره دریافت می کند و دیگری دریافت نمی کند. این تمایز توسط کالوو و وگ(Calvo and Vegh;۱۹۹۲) تأکید شده است.

ممکن است عوامل شرطی در طول دوره ۱۹۸۸-۱۹۹۲ اهمیت داشته اند. مخصوصاً، سپرده های دلاری به ریسک مصادره و ورشکستگی بانک بستگی داشتند در حالیکه موجودی دلارهای در گردش به آنها بستگی نداشتند.

اندازه معمولی جانشینی پول- نسبت سپرده های دلاری به پول محلی- در طول این دوره همبستگی مثبت انتظاری با تورم نشان داده است.این همبستگی خیلی ضعیفتر از وقتی است که موجودی دلارهای در گردش شامل کل دلارها هستند.سپرده های دلاری نیز ممکن است برای استنتاج در مورد الگوهای کوتاه مدت دلاری شدن گمراه کننده باشد، زیرا موجودی دلارهای در گردش و سپرده های دلاری ممکن است به شوکهای کوتاه مدت به صورت متفاوت پاسخ دهند.

سوم، درجه دلاری شدن با وجود کاهش در تورم نسبت به کاهشهای ثبت شده در ۱۹۹۱ و۱۹۹۲ به صورت تاریخی در سطوح بی سابقه ای افزایش یافته، و باقی می ماند. عدم کاهش موجودی دلارها با وجود کاهش تورم بر برگشت ناپذیری اثر تورم بر موجودی دلارها دلالت دارد. کاهش بلند مدت در تقاضای پزو که به اثر برگشت ناپذیر اریکسون و کمین (۱۹۹۴) نسبت داده می شود مشابه تغییر در موجودی داراییهای دلارهایی است که توسط ساکنین آرژانتین در داخل کشور نگهداری می شود و اعتماد به فرضیه برگشت ناپذیری دلاری شدن (حداقل در گذشته) را افزایش می دهد.

سپاسگزاری

مؤلفان به ترتیب قائم مقام و پرسنل اقتصاد ی بخش مالی بین المللی، هیأت مدیره فدرال ریزرو، واشینگتن دی سی۲۰۵۵۱ ایالات متحده آمریکا هستند. دسترسی به آنها از طریق آدرس اینترنتی زیر امکان پذیر است:

vgo.ericsson@frb and kamins@frb.gov

مسؤولیت نظریه ارائه شده در این مقاله صرفاً بر عهده مؤلفان است و نباید به عنوان منعکس کننده نظر اعضای هیأت مدیره سیستم فدرال ریزرو یا سایر اعضای پرسنل آن تلقی شود. تمام نتایج عددی با استفاده از نرم افزار پی سی گیو ورژن۹ حرفه ای(PcGive Professional Version۹) به دست آمده است، دورنیک و هندری را ببینید.(Doornik and Hendry;۱۹۹۶) از آمی مور و جان ایرونز برای کمکهای محققانه بسیار عالی آنها؛ از جورگن دورنیک و دیوید هندری برای ارائه پیش نویس ورژن حرفه ای پی سی گیو؛ و از هیلبرت آهمادا، جولی کمپوس، جوش فینام، دیل هندرسون، دیوید هندری، دیوید هاوارد، رابرت کیمان، اندریو لیوین، دب لیندر، جیم مارکوز، مایکل ملوین، جان مولین، بتی پییرس، پاتریک روبیتیل، چارلی سیگمن، جان ولچ، کن وست، تیم ویلسون، یک داور ناشناس، و اعضای کارگاه مالی بین المللی برای توضیحات و پیشنهادات مفیدشان تشکر می کنیم.

ضمیمه . داده ها

منابع . منابع داده ها عبارتست از:

بانک مرکزی آرژانتین(A . R . C . B)

نامه های اقتصادی، نشریات گوناگون (E . C)

پول و گزارش مؤسسه پولی، خزانه ایالات متحده، خلاصه اسناد داخلی(R .I .M .C)

مؤسسه تحقیقات پولی آرژانتین (L . E . I .F)

شاخصهای اقتصادی، نشریات گوناگون (E . I)

آمار های مالی بین المللی(S .F .I)

داده هایی که از بانک مرکزی آرژانتین بدست آمده هم از نشریات منتشره استخراج شده و هم ازخود بانک دریافت شده است. نامه های اقتصادی یک نشریه بازرگانی است.(بونوس آیرس) و یک مرکز آمارهای اقتصادی در آرژانتین. داده های مؤسسه تحقیقات پولی آرژانتین از خود مؤسسه در بونوس آیرس دریافت شده است. شاخصهای اقتصادی به وسیله بانک مرکزی آرژانتین منتشرشده است، و آمارهای مالی بین المللی به وسیله صندوق بین المللی پول(واشینگتن دی سی)منتشر شده است.

در جدول ۱ ضمیمه، عدد در یک منبع صفحه مربوطه را نشان می دهد اغلب داده های اخیر از نامه های اقتصادی از نشریه۱۹۹۳ بدست آمده است، و اعداد صفحات در جدول۱ ضمیمه به این موضوع مربوط می شود. تعریف عنوان در اول منبع می آید. مواردی که به انگلیسی ترجمه شده در پرانتز آورده شده است.

واحدها . به جز مواردیکه ذکر شده است، تمام داده ها ماهیانه و فصلی تعدیل شده است. هر جا لازم بوده تبدیلهای واحدهای اصلی صورت گرفته است. در ۱ ژوئن۱۹۸۳، ۱۰۰۰۰ و برابر۱ پزو آرژانتین شد. در۱۴ ژوئن ۱۹۸۵،۱۰۰۰ پزوی آرژانتین برابر۱ استرال شد. در۱ ژانویه ۱۹۹۲،۱۰۰۰۰ استرال برابر۱ پزوی جدید آرژانتین شد.

تعدیلها. برای ژانویه – مارس ۱۹۹۰ سری نرخ بهرهR مربوط به حسابهای پس انداز است زیرا هیچ نرخ عمومی دیگری گزارش نشده است. بعضی پیوندهای دیگر سریهای نرخ بهره برای ارزشهای اولیه لازم است. همچنین قبل از۱۹۸۹،M و ۱M فقط شامل بالانسهای نگهداری شده توسط بخش خصوصی غیر مالی بود.

داده های پول و گزارش مؤسسه پولی، خزانه ایالات متحده، خلاصه اسناد داخلی مربوط به جریانهای پولی ایالات متحده فصلی هستند، درحالیکه اغلب داده های باقیمانده (شامل سپرده های دلاری) ماهیانه هستند. برای ایجاد مجموع مانند تمام داراییهای دلاری(A)، هر مشاهده جریان پول فصلی تقسیم شده بود به ماههای انتخاب شده، و یک موجودی ماهیانه تخمینی از دلار(C) از رابطه جریان موجودی معمول ساخته شده بود.

سپاسگزاری. از خزانه ایالات متحده برای اینکه داده های مربوط به جریانهای پول را در اختیار ما قرار دادند و در جدول ۲ ضمیمه دوبار تولید شده است. (الف) داده ها از آمارهای مالی بین المللی، صندوق بین المللی پول، آوریل۱۹۹۲(اکثر کشورها)، آمارهای مالی بین المللی، اکتبر۱۹۹۳ (برای آرژانتین و مکزیک، با تأخیر گزارش می شود)، و آمارهای مالی، بانک مرکزی چین، اکتبر۱۹۹۲(برای تایوان). پول، نرخ ارز، جمعیت، GDP، و پول گسترده(پول+شبه پول)برای تمام کشورها ازI.F.S به دست آمده است. به استثناء اینکه موجودی پول در گردش فقط پول داخلی است، برحسب دلار آمریکا با نرخ ارز منتخب. استثناء پول در دلار و پزو برای آرژانتین است، که ارزش پزو از I.F.S به دست آمده است، محاسبات موجودی دلارهای در گردش توسط مؤلفین صورت گرفته است. پول گسترده دلار و پزو برای آرژانتین عبارتست از مجموع سطرهای۳۴ و۳۵ I.F.S که به موجودی دلارهای درگردش اضافه شده است. نسبت پول گسترده به برزیل برای سال۱۹۸۷ گزارش شده است.

(ب) نمودارها برای ایالات متحده ممکن است موجودی واقعی پول توسط ساکنین آمریکا را اغراق آمیز نشان دهد، زیرا بخش عمده دلارهای آمریکا برای نگهداری در خارج پدیدار می شود. References

۱- Agenor, Pierre-Richard and Mosin S. Khan (۱۹۹۶) ; " Foreign Currency Deposits and the Demand for Money in Developing Countries";Journal of Development Economics; Vol.۵۰; pp.۱۰۱-۱۱۸.

۲- Calvo, Guillermo A and Carlos A.Vegh (۱۹۹۲);"Currency Substitution in Developing Countries:An Introduction"; IMF; WP/۹۲/۴۰; May.

۳- Canto,Victor A and and Gerald Nickelsburg (۱۹۸۷);Currency Substitution:Theory and Evidence from Latin America;Kluwer Academic Publishers;Boston; Massac- husetts.

۴- Clements, Bendedict and Gerd Schwartz (۱۹۹۲) ; " Currency Substitution:The Recent Experience of Bolivia"; IMF Working Paper;WP/۹۲/۶۵;Aug.

۵- Guidotti, Pablo E and Carlos A .Rodriguez(۱۹۹۲);"Dollarization in Latin America, Gresham`s Law in Reverse?";IMF Staff Papers; Vol.۳۹; no.۳;September;pp.۵۱۸-۵۴۴.

۶- Kamin Steven B and Neil R.Ericsson(۱۹۹۳);" Dollarization in Argentina"; Board of

Governors of the Federal Reserve System International Finance Discussion paper۴۶۰.

۷-Marquez,Jaime(۱۹۸۷);"Money Demand in open Economies:A Currency Substitution Model for Venzurla";Lournal of International Money and Finance ; Vol.۶;pp.۱۶۷-۱۷۸.

۸-Melvin, Michael and Jerry Ladman(۱۹۹۱);"Coca Dollar and Dollarization of South America"; Journal of Money, Credit and Banking; Vol.۲۳; no.۴; November; pp.۷۵۲-۷۶۳.

۹-Ortiz,Guillermo(۱۹۸۳);"Currency Substitution in Mexico:The Dollarization Problem"; Journal of Money, Credit and Banking; Vol.۱۵; no.۲;May;pp.۱۷۴-۸۵.

۱۰-Ramirez-Rojas,C.Luis;"Currency Substitution in Argentina, Mexico and Uruguay";IMF Staff Papers ;December ;Vol.۳۲; no.۴; pp.۶۲۶-۶۶۷.

۱۱-Rogers, John H(۱۹۹۲);"The Currency Substitution Hypothesis and Rlative Money Demand in Mexico and Canada";Journal of Money, Credit and Banking; Vol.۲۴;no.۳; August [A];pp.۳۰۰-۳۱۸.

۱۲-Rojas, Suarez,Liliana(۱۹۹۰);"Currency Substitution and Inflation in Developing Countries";IMF Working Paper, WP/۹۰/۶۴; July; pp.iii&۱-۲۷.

۱۳-Sturzenegger, Federico A(۱۹۹۷);"Understanding the Welfare Implications of Currency Substitution";Journal of Economic Dynamics and Control;Vol.۲۱;pp.۳۹۱-۴۱۶.

۱۴- (۱۹۹۲);"Currency Substitution and the Regressivity of Inflationary Taxation";Department of Economics University of California, Los Angeles; WP/۶۵۶;April;pp.۱-۱۵.

۱۵- (۱۹۹۴);"Hyperinflation with Currency Substitution: Introducing an Indexed Currency"; Journal of Money, Credit and Banking ; Vol.۲۶; no.۳; August; pp.۳۷۷-۳۹۵.

۱۶-Thomas, Lee R(۱۹۸۵);"Portfolio Theory and Currency Substitution";Journal of Money, Credit and Banking;Vol. ۱۷; no.۳; pp.۳۴۷-۵۷.

۱۷-Vegh, Carlos A(۱۹۹۸);"Inflationary Finance and Currency Substitution in a Public Finance Framework"; Journal of International Money and Finance; Vol.۱۴; no.۵; pp.۶۷۹-۶۹۳.

جانشینی پول ایران در میان ۲۷ کشور جهان

محمد لشکری-عباس عرب

چکیده: جانشینی پول به پدیده‌ای گفته میشود که مردم یک کشور ترجیح میدهند در پرتفوی دارایی خود به جای پول داخلی پول خارجی نگهداریکنند. این امر دلایل متعددی دارد که مهمترین آنها کاهش مداوم ارزش پول ملی، تداوم تورم شدید داخلی، بیثباتی اقتصادی، منفی بودن نرخ‌های واقعی بهره، خروج سرمایه به علت مهاجرت‌های

قانونی و غیرقانونی و گسترش فعالیت‌های قاچاقکالا است. این پدیده هم درکشورهای پیشرفته و هم درکشورهای درحال توسعه مشاهده شدهاست. درکشورهای پیشرفته جانشینیپول به صورت متقارن و دوطرفه است، ولی درکشورهای درحال توسعه به صورت یک طرفه است و با اثر گذاری برسیاست‌های پولی این کشورها اثر بخشی سیاست‌های پولی را کاهش داده است. مقاله حاضر درجه جانشینی پول در ایران را با درجه جانشینی پول۲۶کشور دیگر مقایسه نمودهاست. نتایج تحقیق نشان میدهد که درمیان۲۷کشور بررسی شده بولیوی با ۵/۸۳ درصد درجه جانشینی رتبه اول، ایران با۴/۳۸ درصد درجه جانشینی رتبه دوازدهم وآنگولا با ۳/۶ درصد درجه جانشینی رتبه بیست و هفتم را دارا میباشند. برای جلوگیری از گسترش این پدیده پیشنهاد میشود:۱_ سیاست مهار تورم در اولویت قرارگیرد.۲ _فرصتهای مناسبتری برای سرمایهگذاری ایجاد شود تا پولهای مازاد, به جای تبدیل شدن به دلار و سایر پولهایخارجی در بخشهای اقتصادی سودآور سرمایهگذاری شوند. ۳ _تا حد امکان نوسانات نرخ ارزکاهش یابد تا انگیزهٔ جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی کاهشیابد. ۴ _تدابیری اندیشیده شود که نرخ سود درسیستم بانکی با توجه به نرخ تورم مثبت باشد.واژگان کلیدی:جانشینیپول، دلاری شدن، درجه جانشینی پول، رتبه درجه جانشینی پول، ایران۱ _مقدمه موضوع این مقاله مقایسه رتبه درجه جانشینی پول ایران در میان ۲۷ کشور جهان است. هدف این مقاله بررسی جایگاه ایران در اقتصاد جهان از نظر پولی و ارزی است. نظریه جانشینی پول فرض میکند که تقاضا برای پول داخلی نه تنها به متغیرهای نرخ بهرهٔ داخلی، درآمد داخلی و نرخ تورم داخلی بستگی دارد, بلکه به متغیرهای نرخ بهرهٔ خارجی، نرخ تورم خارجی و نرخ ارز نیز وابسته است. در این مقاله با استفاده از نتایج به دست آمده در مقالههای پیشین(لشکری و فرزینوش،۱۳۸۲و فرزینوش و لشکری، ۱۳۸۲) درجه جانشینی پول ایران با سایر کشورها مقایسه میشود. ۲ _تعریف مسأله به طور کلی در اقتصاد برای پول سه وظیفه مبادلاتی، واحد مبادله و ذخیره ارزش فرض میشود. اگر پول ملی در یک کشور, به علل مختلف از جمله تورم، کاهش ارزش پول ملی و بیثباتی اقتصادی وظایف خود را به طور کامل ایفا نکند و پول خارجی عهده دار تمام یا بخشی از این وظایف شده باشد، میگویند اقتصاد دلاری شده یا جانشینی پول صورت گرفته است؛ به طوری که یک یا چند پول خارجی جای پول ملی را گرفته است. پدیدهٔ جانشینی پول اثرات متفاوتی بر اقتصاد کشورهای مختلف داشته است. مطالعات تجربی نشان داده است که این پدیده, چه به صورت رسمی و با ارادهٔ دولت، چه به صورت غیر رسمی و بدون ارادهٔ دولت, موجب تضعیف پول ملی در داخل و خارج کشور میشود. این پدیده موجب می‌شود تا بانک مرکزی کنترل خود را بر بخشی از پول که به صورت ارز نگهداری میشود از دست بدهد و قدرت استفاده از حقالضّرب و مالیات تورمی کاهش یابد. از این رو تأثیرسیاست‌های پولی بر متغیرهای واقعی اقتصاد تضعیف می‌شود. از نظر تئوریک جانشینی پول به علّت تورم شدید داخلی، کاهش ارزش پول داخلی نسبت به ارزهای معتبر و بیثباتی اقتصادی صورت میگیرد. صرف وجود پول خارجی در دست افراد یک کشور یا به صورت سپرده‌های بانکی, جانشینی پول تلقی نمیشود, چون ممکن است این پول‌های خارجی به دلایل نهادی یا تاریخی در یک کشور وجود داشته باشد. شرط لازم برای جانشینی پول, وجود سطحی از پول خارجی در پرتفوی افراد است. شرط کافی برای وجود این پدیده آن است که سطح این پولها متأثر از متغیرهای اقتصادی مانند نرخ بازده واقعی پول، نرخ تورم، نرخ ارز و درآمد باشد. این موضوع با سه رویکرد مورد مطالعه قرارگرفته است: ۱ _رویکردپرتفوی(Portfolio Approach) : در این رویکرد پول خارجی به عنوان یکی از داراییهای نقدی در سبد دارایی مالی افراد و در تابع تقاضای آنها برای پول مورد مطالعه قرار میگیرد. ۲ _رویکرد تابع تولید(Production Function Approach): که خدمات پولی را به منزلهٔ محصول و دو نوع پول داخلی و خارجی را به عنوان عوامل تولید تلقی میکند. ۳ _رویکرد حداکثرکردن مطلوبیت(Utility Maximization Approach): که پول خارجی و داخلی را وارد تابع مطلوبیت افراد میکند و با توجه به قید بودجه پس از حداکثرکردن مطلوبیت میزان پول داخلی و خارجی لازم برای حداکثر کردن مطلوبیت را به دست میآورد و از نسبت آنها درجه جانشینی پول را حساب میکند. ۳ _مبانی نظری و سوابق تجربی جانشینی پول اولین بار کینز در کتاب «نظریه عمومی، اشتغال، بهره و پول» نوشت: اگر وضعی پیشآید که پول رایج یک کشور خاصیت نقدینگی خود را از دست دهد، جانشین‌های فراوانی پای خود را درکفش پول میکنند، مثل بدهیهای کوتاهمدت، پولخارجی، جواهرات، انواع فلزات گرانقیمت و جریانات اعتباری بانک که خلق پول است بدون اسکناس و به آن پول اعتباری میگویند (Keynes,۱۹۳۶:۳۵۸). موضوع جانشینی پول حدود سه دهه است که وارد ادبیات اقتصادی شده است. البته پدیده دلاری کردن اقتصاد سابقهای طولانیتر دارد. به عنوان مثال در کشور مکزیک حتی پیش از آنکه بانک مکزیک در سال ۱۹۲۵ تأسیس یابد،

شهروندان می توانستند سپردههای ارزی داشته باشند.(– ۸۵ Ortiz,۱۹۸۳:۱۷۴). به نظرگیرتون و راپر بـا وجود پول‌های جانشین، ناشرین پول باید پول‌های جذّابتری با توجه به نرخ بازده آنها عرضه کنند. نتیجه تحقیق آنها این است که جانشینی پولها دقیقاً متضاد قانون گرشام است, زیرا پول خوب پول بـد را از میدان خارج میکند. گیرتون و راپر یک مدل با دو تابع تقاضا برای پول، با عرضهٔ برونزای پول و یـک دارایی غیر پولی ارائه میکننـد. در مـدل آنهـا تقاضـا برای هر دو پول داخلی و خـارجی تـابعی از متغیرهای نرخ بـازده واقعی هر دو پول، نرخ بازده واقعی دارایی غیرپولی و متغیر مقیاس ثروت میباشـد. فرض میشود دارنـدگان پول، هر دو پول را متنـاسب با ثروت واقعی نگهـداری میکننـد (Roper,۱۹۸۰: ۱۳۵-۱۵۹&Girton) بـوردو و چـودری معتقدنـد که جانشـینی پول کاربردهای مهمّی برای کارکرد نرخهای شـناور ارز دارد. اگر درجه جانشینی پول بالا باشد تغییرات کوچک در عرضهٔ پول داخلی، تغییرات بزرگی در نرخ ارز ایجـاد خواهـد کرد. جانشـینی پول اثرات اختلالـلزای پولی را از یـک کشور به کشور دیگر منتقل میکند (Choudhri,۱۹۸۲: ۴۸-۵۷&Bordo). تـانزی و بلیجر بـه بررسـی سیاست‌های نرخ بهره و جانشـینی پـول میپردازنـد.آنهـا فرض میکننـد که تقاضـا برای پول علاـوه بر متغیرهـای مقیاس ماننـد ثروت و درآمـد به نرخ بازده انـدوختههای پولی نسبت به بازده سایر داراییهـا نیز بسـتگی دارد. این داراییها شامل ابزارهای مالی ماننـد اوراق قرضه، حسابهای پس انـداز و داراییهای واقعی مثل کالاهای بـادوام و املاـک و مستغلات می‌باشـد. انتظار بر این است که نرخ بازده نسبتاً بالاتر سایر داراییها از جمله پول خارجی, تقاضا برای پـول داخلی را کـاهش دهـد. بنـابراین پـول ملّی طرفهـای عمـدهٔ تجـاری, احتمالاًـ یـک جزء مهـم در پرتفوی داخلی اسـت (Blejer,۱۹۸۲: ۷۸۱-۹۰&Tanzi). کادینگتون یک مدل مانده پرتفوی عمومی ارائه کرد که درآن تقاضای ساکنین داخلی برای پول خـارجی را از تقاضـای آنهـا برای داراییهـای غیرپولی خـارجی تفکیـک میکنـد. سـرمایهگذاران از میان چهار نوع دارایی, پول داخلی، پول خـارجی، اوراققرضـهداخلی، اوراققرضه خـارجی انتخـاب میکننـد.کـادینگتون فرض میکنـد چهـار نوع دارایی جانشین ناخالص میباشـند. سؤال کلیدی این است که آیا پول خارجی به عنوان نخستین برای معاملات یا به منظور پرتفوی نگهداری میشود؟ کـادینگتون میگویـد تقاضـا برای پـول داخلی و خـارجی همراه بـا افزایش درآمـد داخلی افزایش مییابـد. اگر همراه بـا افزایش متغیر معاملاتی درآمـد، تقاضا برای پول خارجی افزایش یابد، جانشـینی پول صورت گرفته است. اگر تقاضا برای پول خارجی با تغییرات درآمـد رابطهٔ معکوس داشته باشـد, ملاحظات پرتفوی بر ملاحظات معاملاتی غالب است. بنابراین اقتصاد دلاری شده است (۱۱۱- Cuddington,۱۹۸۳:۱۳۳). توماس فرض میکنـد در طرف تقاضای پول، عوامل اقتصادی انگیزه نگهـداری پول خارجی و داخلی را به طور همزمـان دارنـد، بنـابراین متغیرهـای نرخ بهره خـارجی، نرخ تورم خـارجی، تغییرات انتظاری نرخ ارز در تابع تقاضای پول داخلی مؤثر هستند (Thomas,۱۹۸۵: ۵۷-۳۴۷). ملوین با رویکرد پرتفوی به بررسی پدیدهٔ جانشینی پول میپردازد. ملوین کیفیت پول ــ میزان اطمینـان به ارزش آینـده آن ــ را به عنوان معیـار جانشـینی پول خـارجی به جای پول داخلی در نظر گرفته است. نتیجه تحقیـق او این است که در نظـام شـناوری نرخ‌هـای ارز، کشورهـای اروپـایی برای دستیـابی به اسـتقلال پـولی نـاگزیر از تن دادن به اتحادپولی هستند (Melvin ,۱۹۸۸:۵۵۸-۵۴۳). گیدوتی و رودریگز به بررسی تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین که دارای نرخ هـای تورم بالا بوده و دلاری شـدن را تجربه کردهانـد، می‌پردازنـد. الگوی آنها اساساً پدیـدهٔ جانشـینی پول را با ترکیب پرتفوی در شرایطی که تحرک سـرمایه وجود دارد, بررسی میکند. فرض قاطع آنها این است که پول های داخلی و خارجی جانشین های ناقص هسـتند. این فرض دلالت دارد که توابع تقاضای معاملاتی پول همان ویژگی توابع تقاضای مشتق شده از ملاحظات پرتفوی را دارند (Guidott&Rodriguez ۱۹۹۲,.۵۴۴-۵۱۸:). رویـاس سوارز مـدلی را در نظر میگیرد که در آن، پول تنها شـکل ثروت است و ساکنان کشور می تواننـد ترکیبی از پول داخلی و پول خارجی را در پرتفوی خود جای دهنـد. در این الگو، هر مصـرف کننده, تابع مطلوبیت خود را برای یافتن ترکیب بهینهٔ پول‌های داخلی و خارجی، با توجه به محدودیت بودجه خود حداکثر میکند. از حل مسأله حـداکثرسازی، نسبت نگهـداری پول ملی به پول‌هـای خـارجی در حـالت پایـدار، تـابعی از نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی به دست می‌آید (Rojas ۲۷-۱ :۱۹۹۰,). کمین و اریکسون دلاری شدن مداوم اقتصاد آرژانتین را که کاهش سریع تورم را از ابر تورم دهه ۱۹۸۰ خود تجربه کرده است، تحلیـل میکننـد. انـدازهگیری حجم دلارهـای درگردش در آرژانـتین در پژوهش آنهـا نسبت به مطالعـات پیشـین که فقـط روی سپردههـای دلـاری متمرکز میشدنـد, پیشرفت قابل توجهی کرده است. تحلیل آنها نشان میدهـد که تقاضای پزو در آرژانتین با تورم, یک رابطه برگشت ناپـذیر منفی دارد. کاهش در تقاضای پزو قابل اسـتناد بر بازتاب‌های برگشت ناپذیر موجودی برآورد شده تمام دارایی‌های دلاری که توسط ساکنین داخلی آرژانتین نگهداری میشود، با فرضیهٔ برگشت ناپذیری دلاری شـدن سازگار است (Kamin &Ericsson,۲۰۰۳: ۱۸۵-۲۱۱). کـالوو و رودریگز یـک الگوی دو بخشـی تعیین نرخ ارز برای یک اقتصاد کوچک با قیمت‌های انعطاف پـذیر را تحلیل میکننـد. نتیجه تحقیق آنها نشان می‌دهد که تقاضا برای پول داخلی با اختلاـف بیـن نرخ بهره پـول داخلی و خـارجی رابطه معکـوس دارد (Rodriguez,۱۹۷۷&Calvo ۲۵-۶۱۷:). میلز موضـوع نگهداری پول خارجی و هزینه‌های مبادلاتی خریدهای خارجی را مورد بررسی قرار میدهد. میلز فرض میکند که پول خارجی برای انجام معامله، یا با انگیزه سوداگری یا هـدف احتیاطی نگهـداری نمیشود. در شـرایط بین المللی حاضـر, این فرض مورد شک است. شخصـی کـه خواهـان خریـد کالاـ یـا خـدمت از کشـور خـارجی اسـت، انگیزه معاملاـتی برای نگهـداری پـول خـارجی دارد. صادرکننـدگان، واردکننـدگان، بازرگانانی که به خارج سـفر میکنند، توریست‌ها و ساکنین مناطق مرزی همه انگیزه‌هایی برای تنوع بخشیـدن به مانـده پولی خود دارنـد. با نگهـداری پول خارجی هزینهٔ معاملاتی خریـدهای خارجی آنها کاهش مییابـد. میلز به جای اسـتفاده از روش مسـتقیم اندازهگیری درجه جانشـینی پول خارجی به جای پول داخلی، روش دیگری را برای آزمون جانشینی پول پیشـنهاد کردهـاست. در این روش شـدت جانشـینی پول را میتوان از واکنش نرخ ارز نسبت به تغییر در مـازاد عرضهٔ پول به دست آورد. به بیـان دیگر، اگر پول داخلی و پول خـارجی جانشـین یکـدیگر نباشـند، در نظام شـناوری نرخ‌های ارز و با فرض ثابت بودن سایر شـرایط، افزایش مازاد عرضهٔ پول داخلی به افزایش سـطح قیمت‌ها در اقتصاد ملی و ارزان شـدن پول ملی منتهی میشود (۱۷۰- Miles,۱۹۷۸ :۱۸۳). میلز و اسـتوارت میزان بهینهٔ نگهداری پول داخلی و پول خارجی را تابعی از ریسک انتظاری و بازده نسبی دو پول در نظر گرفتهانـد. در قدم بعدی، برای نشان دادن تأثیر نااطمینانی به ارزش آتی نرخ‌های برابری پول داخلی و پول‌های خارجی, رفتار عقلانی ساکنان را در این حالت، با حـداکثرسازی خالص سود انتظاری به دست آمـده از نگهداری پول داخلی و پول خارجی نشان میدهند (Stewart,۱۹۸۰: ۶۱۳-۶۲۵&Miles). آرنگو و ندیری نشان دادهاند که هنگامی که پول داخلی ضعیف میشود، تقاضا برای پول داخلی کاهش و تقاضا برای پول خارجی افزایش می یابـد. زیرا مردم ترجیح میدهنـد پول خارجی را جانشـین پول داخلیکننـد یعنی قانون گرشام معکوس می شود و پول خوب پول بـد را از بازار خارج میکنـد (Arango & Nadiri,۱۹۸۱: ۶۹– ۸۳).اورتیز انـدازهٔ درجهٔ دلـاری شـدن اقتصـاد را نسبت دلارهـای درگردش به پول داخلی در گردش در هر لحظه از زمان تعریف میکند. به گفته وی در کشورهایی که پول خارجی جانشین پول داخلی میشود، سیاست های پولی بیتأثیر است (Ortiz,۱۹۸۳: ۱۷۴ -۸۵).رامیرز رویـاس تـابع تقاضـای پول کشورهـای آرژانتین، مکزیـک و اوروگوئه را برآورد میکنـد. وی ابتـدا در پی یافتن عوامل تعیینکنندهٔ جانشـینی نامتقارن ارز به جای پول ملی در کشورهای در حال توسـعه، انتظار ارزان کردن پول ملی را از هر عامل دیگری کـه در ایـن بـاره ممکـن اسـت به چشم آیـد مهمـتر میشـمرد (Ramirez-Rojas,۱۹۸۵: ۶۲۶-۶۶۷)مارکز برای بررسـی پدیـدهٔ جانشـینی پول بـا رویکرد تـابع تولیـد, الگوی نظری سـاده ای را در نظر میگیرد که بر پایه آن، بنگاه‌ها به منظور حـداقل کردن هزینهٔ فراهم کردن یک سـطح مفروض خـدمات پولی، دربارهٔ ترکیب بهینهٔ تراز مبادلاتی پول داخلی و پول‌های خارجی تصـمیم میگیرند. وی فرض میکند، فعالیت تولیدی بنگاه در گرو سـطح مفروضی از خدمات پولی است که میتواند با ترکیبی از پول داخلی و خارجی بهـدست آید. تقاضای پول داخلی به نرخ‌های بهرهٔ داخلی و خارجی، نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی، و به میزان خدمات پولی مورد نیاز بسـتگی دارد. افزایش نرخ بهرهٔ داخلی یا نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی، هزینـهٔ دریافت وام را افزایش و مانـده بهینه پـول ملی را کـاهش میدهـد. از طرف دیگر، افزایش نرخ بهرهٔ خـارجی یـا میزان خـدمات پولی مورد نیـاز، مانـدهٔ بهینـهٔ پول ملی را افزایش میدهـد (Marquez,۱۹۸۷:۱۷۸-۱۶۷). رامیرز رویـاس بـه بررسـی وضـعیت جانشـینی پـول در۱۶کشور در حـال توسعه می‌پردازد. او جانشـینی پـول را تقاضـا برای پـول خـارجی توسـط سـاکنین داخلی تعریف میکنـد. تقاضـا برای پول خـارجی اشـکال

گوناگونی دارد .اسکناس‌های خارجی در گردش در داخل یک کشور، سپرده‌های داخلی یا خارجی که توسط ساکنین بر حسب پول خارجی نگهداری میشود. به نظر وی عوامل مؤثر بر جانشینی پول عوامل نهادی مثل ثروت واقعی و اختلاف بین نرخ بازده واقعی انتظاری سرمایه گذاری‌های داخلی و خارجی است (Ramirez-Rojas,۱۹۹۶:۴۱-۳۵).ال ارین عوامل مؤثر بر جانشینی پول را کاهش انتظاری ارزش پول داخلیکه به علت فشارهای تورمی داخلی صورت میگیرد، انتظارات کاهش نرخ ارز و کاهش نرخ‌های بهرهٔ واقعی پرداختی به سپرده‌های داخلی میداند (El-Erian,۱۹۸۸: ۱۰۳-۸۵).وگ موضوع مالیات تورمی بهینه را در یک اقتصاد باز کوچک که در آن هم پول داخلی و هم پول خارجی به عنوان وسیلهٔ مبادله در گردش هستند بررسی میکند. وی نشان میدهد که حضور پول خارجی دولت را قادر میسازد تا استفاده از نرخ بهرهٔ واقعی مثبت داخلی، با اختلالاتی که به دلیل نرخ بهرهٔ واقعی مثبت خارجی در اقتصاد ایجاد شده است، مبارزه کند (:۶۷۹-۶۹۳ Vegh,۱۹۸۹).ملوین و لادمن برای بررسی پدیدهٔ دلاری شدن اقتصاد بولیوی به علت در دسترس نبودن داده‌های مربوط به پول‌های خارجی در گردش در اقتصاد ملی، الگوهای طرف تقاضا را رها کرده و دلاری شدن اقتصاد را در طرف عرضه بررسی کردهاند. به نظر آنها چون فعالیت‌های غیرقانونی با پول نقد ـ و در آمریکای لاتین با دلار ـ تأمین مالی می شود، بسیاری از دلارهای درگردش در اقتصاد کشورهایی مانند بولیوی، پرو و کلمبیا از راه فروش غیرقانونی مواد مخدر به دست میآید. بنابراین، دلاری شدن اقتصاد برخی از کشورهای آمریکای لاتین را می توان با تجارت مواد مخدر در آن کشورها همسو دانست (Melvin &Ladman,۱۹۹۱:۷۶۳-۷۵۲).راجرز با استفاده از یک الگوی خود رگرسیون برداری(VAR)پدیده جانشینی پول بین مکزیک و کانادا را بررسی نمودهاست. وی ابتدا با استفاده از نمودار نسبت سپرده‌های دلاری به سپرده‌های برحسب پول داخلی نزد شبکه بانکی مکزیک نشان دادهاست که با وجود افزایش نرخ انتظاری ارزان کردن پول ملی، در سال ۱۹۸۲ نسبت مورد نظر به یکباره فرو افتاده است. یافتهٔ او با تجربه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی در کشورهای دیگرمطابقت ندارد. به نظر راجرز این ناهمسویی رفتار دلاری شدن اقتصاد مکزیک و نرخ انتظاری ارزان کردن پول ملی را میتوان به کمک خطر تبدیل ناپذیری سپرده‌های ارزی شرح داد (Rogers,۱۹۹۲:۳۱۸-۳۰۰).به نظر اگر کشوری تصمیم به قبول دلار به عنوان پول رایج خود بگیرد، می‌توان انتظار داشت که آمریکا از این اقدام سود ببرد. آشکارترین، ولی کم اهمیت ترین آن در درازمدت این است که کشورهای دیگر با قبول دلار به عنوان پول رایج خود در واقع یک وام بدون بهره به دولت آمریکا میدهند (سامرز،۱۹۹۶ :۱-۶).مونگاردینی و مولر بین دلاری شدن اقتصاد و جانشینی پول تمایز قائل میشوند. در ادبیات اقتصادی تجربی، جانشینی پول (CS) را به عنوان نسبت سپرده‌های ارزی به کل سپرده‌ها تعریف میکنند. به نظر آنها نااطمینانی اقتصادی، افزایش انتظارات تورمی، فشارهای گسترده بر نرخ ارز موجب جانشینی پول گردیده است. آنها دلاری شدن اقتصاد و جانشینی پول را در کشورهای تازه استقلال یافتهٔ شوروی سابق به ویژه قرقیزستان بررسی میکنند. یافته‌های آنها نشان میدهد که تورم در کشورهای دلاری شده نسبت به کشورهای دلاری نشده بطور معناداری کمتر است. یافته‌های آنها نیز نشان میدهد که کشورهای دلاری شده نسبت به کشورهای دلاری نشده نرخ رشد اقتصادی پایینتری دارند (-۱ :Muller,۱۹۹۹ ۲۳&Mongardini).ملوین با رویکرد تابع مطلوبیت به بررسی پدیدهٔ جانشینی پول در کشورهای بولیوی و مکزیک میپردازد. وی دلاری شدن را یک فرآیند بهسازی پولی برخاسته از طرف تقاضا میداند که در مواقع ناتوانی بانک مرکزی در فراهم آوردن اعتماد به پول ملی پدیدار میشود. ملوین با در نظر گرفتن سبد دارایی‌های مالی افراد و بنگاه‌ها، فرض میکند که آنها موجودی سبد دارایی‌های مالی خود را براساس میزان مطلوبیت به دست آمده از پول داخلی و پول خارجی بهینه میکنند و این مطلوبیت، خود به ارزش واقعی مصرف کالاها و خدمات و جریان خدمات پولی که توسط ترکیبی از مانده‌های واقعی پول داخلی و پول خارجی به دست می آید، بستگی دارد (Melvin,۱۹۸۸:۵۵۸-۵۴۳).به نظر بوفمن و لیدرمن که تغییر در درجهٔ جانشینی پول به تغییر در تأثیر سیاست‌های پولی و مالی و بهینه بودن تغییر رژیم نرخ ارزی بستگی دارد. برای مثال، اگر درجهٔ جانشینی پول بالا باشد، تغییرات کوچک در عرضه پول تغییرات بزرگی در نرخ ارز ایجاد خواهد کرد (Bufman & Leiderman,۱۹۹۳:۱۱۶-۱۱۲).تنها پژوهش نظری فارسی در زمینهٔ جانشینی پول مقالهای است که به(خلعت بری، ۱۳۶۸: ۲۹-۴۹) تعلق دارد. خلعت بری در مقالهٔ خود صرفاً به بحث نظری در زمینه جانشینی پول میپردازد. ویژگی‌های دلاری شدن را بر میشمارد فرمول محاسبه جانشینی پول خارجی به جای پول ملی را ارائه مینماید و در پایان به معایب دلاری شدن اقتصاد میپردازد و بر جنبه‌های تخریبی عارضهٔ دلاری شدن از دیدگاه اقتصاد ملی تأکید میکند. خلعت بری دلاری شدن اقتصاد ایران را در اواخر دهه۱۳۶۰رو به رشد میداند. ۶ ـبررسی کارهای تجربی در ایران در این بخش ابتدا تاریخچهٔ دلاری شدن در ایران را بررسی میکنیم و سپس کارهای تجربی انجام شده را مرور میکنیم.۶ـ۱ ـتاریخچه دلاری شدن در ایران روند حجم دلارهای درگردش برآورد شده (لشکری و فرزینوش،۱۳۸۲) نشان میدهد که تاریخچهٔ دلاری شدن در ایران به اواخر دهه۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ بر میگردد که خرید و فروش‌های دلاری و به طور کلی ارزی به پیشنهاد سازمان‌ها و مؤسسات دولتی مختلف آغاز گشت و به تدریج در بیشتر فعالیت های اقتصادی از جمله فروش بلیت هواپیما رسوخ نمود شدت دلاری شدن رو به افزایش گذاشت.

۶ـ۲ ـپژوهش‌های تجربی انجام شده درایرانتحقیقات تجربی که در این زمینه در ایران صورت گرفته بسیار محدود است و به طور خلاصه در اینجا بررسی میشود:اولین پژوهش تجربی در این زمینه پایان نامه کارشناسی ارشد «زالپور،۱۳۷۳» است. به نظر وی هنگامی که پول ملی از پس کارکردهای سنتیاش برنمیآید و به ناچار حوزهٔ نفوذ خود را در اقتصاد ملی به پول های خارجی می‌سپارد, جانشینی پول صورت میگیرد. زالپور علت اصلی دلاری شدن اقتصاد ایران را در سال‌های پس از انقلاب, تفاوت چشمگیر نرخ رسمی ارز با نرخ بازار سیاه ارز و افزایش نااطمینانی و ناپایداری اقتصاد ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی میداند (زال پور, ۱۳۷۳). دومین پژوهش تجربی مقاله «نوفرستی:۱۳۷۴» است که به مطالعهٔ تجربی تقاضای پول در محدوده سال‌های ۱۳۳۸ تا۱۳۷۱پرداخته و به این نتیجه میرسد که دراقتصاد ایران، هم افزایش نرخ برابری ارز و هم افزایش نرخ تورم موجب کاهش تقاضا برای پول داخلی میشود. البته چگونگی اثر گذاری تغییرات نرخ برابری ارز و همچنین نرخ تورم بر تقاضای پول، چه از نظر مبانی تئوریک و چه از نظر شواهد تجربی، همچنان مورد اختلاف نظر اقتصاددانان است (نوفرستی, ۱۳۷۴ : ۱۳ – ۱).سومین کارتجربی مقاله «یزدان پناه و خیابانی،۱۳۷۵» است آنها علت دلاری شدن اقتصاد ایران در سال‌های پس از انقلاب را کاهش ارزش ریال، محدودیت‌های بازارهای مالی و سرمایه، ممنوعیت انتشار اوراق قرضه، کم رونق بودن بازار بورس و تورم میدانند. چهارمین پژوهش تجربی مقاله «لشکری و فرزین وش،۱۳۸۲» است. آنها با استفاده از روش کمین و اریکسون, ابتدا حجم دلارهای در گردش را به صورت سری زمانی بر آورد نموده وسپس به محاسبهٔ درجهٔ جانشینی پول به صورت سری زمانی میپردازند. نتایج تحقیق آنها نشان میدهد که علیرغم کاهش حجم دلارهای درگردش در بعضی از سال‌ها درطول دوره مورد بررسی، روند درجه جانشینی پول صعودی بودهاست.پنجمین پژوهش تجربی مقاله «فرزین وش و لشکری،۱۳۸۲» است. آنها با استفاده از روش بوردو وچودری و با استفاده از حجم دلارهای در گردش که در مقاله قبلی برآورد کردهاند دو تابع تقاضا برای پول داخلی و خارجی تخمین میزنند. تقاضا برای پول داخلی و خارجی را تابعی از متغیرهای نرخ بهره داخلی و خارجی، نرخ تورم داخلی و خارجی، نرخ ارز و ارزش واردات و تولید ناخالص داخلی در نظر میگیرند و با توجه به ضرایب متغیرهای مستقل پدیده جانشینی پول در ایران را آزمون میکنند. آنها نشان میدهند که جانشینیپول, عامل مهمی در تابع تقاضای پول داخلی و خارجی توسط ساکنین است. چون تقاضا برای پول خارجی با متغیر مقیاس(GDP) رابطهٔ مستقیم دارد، طبق نظریهٔ کادینگتون اقتصاد ایران وارد مرحلهٔ جانشینی پول شده و از مرحله دلاری شدن عبور کرده است, زیرا انگیزه‌های معاملاتی بر انگیزه‌های پرتفوی غالب شدهاست. این پژوهش اولین پژوهشی است که تابع تقاضا برای پول خارجی توسط مردم ایران را برآورد کرده است.به طورکلی همهٔ تحقیقات انجام شده در ایران وجود پدیدهٔ جانشینی پول را در ایران تأیید میکنند و تمام آنها روند آن را صعودی میدانند. علت اصلی این پدیده نرخ بالای تورم و کاهش ارزش پول ملّی گزارش شده است. ۷ ـرتبه درجه جانشینی پول ایران در میان ۲۷ کشور جهاندین در مقالهای رتبه درجه جانشینی۲۶ کشور جهان را محاسبه نموده است. لشکری درجه جانشینی پول در ایران را درسال ۱۳۸۲، ۳۸ درصد محاسبه نموده است. با گنجاندن درجه جانشینی پول ایران در جدول محاسبه شده توسط دین مشاهده میشود که رتبه درجه جانشینی پول ایران,

۱۲, است. در حالی که بولیوی با ۵/۸۳ درصد درجه جانشینی پول رتبه اول و آنگولا با۳/۶ درصد درجه جانشینی پول رتبه ۲۷ را دارامی باشد. (لشکری, ۱۳۸۲) نشان داده است که درجهٔ جانشینی پول در ایران روند صعودی داشته و اگر تدبیری برای آن اندیشیده نشود, همچنان ادامه خواهد یافت. به طور مسلم هرچه حجم تجارت بین المللی یک کشور بیشتر باشد, درجه جانشینی پول در آن کشور بیشتر خواهد بود. بنابر این پایین بودن درجه جانشینی پول, پدیده مثبت و بالا ـ بودن آن پدیده منفی تلقی نمیشود, بلکه هر کدام از آنها می تواند خوب یا بد باشد. در کشورهای توسعه یافته درجه جانشینی پول بالا است, ولی چون به صورت متقارن و دو طرفه میباشد برای آنها مشکلی ایجاد ننموده است. درکشور ما و سایر کشورهای درحال توسعه جانشینی پول یک طرفه و نامتقارن بوده و مشکلات متعددی مانند تضعیف سیاست‌های پولی، کاهش حقالضّرب و مالیات تورمی را برای کشور میزبان پول خارجی ایجاد کرده است. زیرا مقامات پولی بر بخشی از پول که به صورت ارز خارج از سیستم بانکی در گردش است کنترلی ندارند (۴-۸:۵ .(Dean,۲۰۰۰ _نسبت حجم دلارهای واقعی درگردش به تولید ناخالص داخلی واقعیمحاسبات حجم اقتصاد سیاه در ایران نشان میدهدکه حجم اقتصاد سیاه - قاچاق کالا - در ایران حدود ۳۰ درصد است(عرب مازار،۱۳۸۰: ۳-۶۰) اگر بپذیریم که حداقل ۵۰ درصد اقتصاد سیاه با دلار مبادله میشود, برآورد (لشکری و فرزین وش،۱۳۸۲) از حجم دلارهای درگردش درست است, زیرا میانگین برآورد حجم دلارهای درگردش واقعی برحسب ریال از ۱ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۵/۳۸ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. جدول ۱ نشان میدهد که نسبت حجم دلارهای واقعی درگردش به تولید واقعی از۱درصد در سال۱۳۳۹به ۵/۱۳ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. جدول۱مقایسه رتبه دلاری شدن ۲۷کشور مختلف جهان در سال۲۰۰۰میلادی به ترتیب رتبهرتبه در بین کشورهای مختلف درجه جانشینی پول(دلاری شدن) نام کشور۱ ۵/۸۳ بولیوی۲ ۳/۷۷
نیکاراگوئه۳ ۲/۷۷ روسیه۴ ۵/۶۸ آرژانتین۵ ۸/۵۶ لتویا۶ ۰/۵۴ پرو۷ ۷/۵۰ یمن۸ ۰/۵۰ تانزانیا۹
۸/۴۹ بلغارستان۱۰ ۵/۴۵ موزامبیک۱۱ ۸/۴۰ کاستریکا۱۲ ۴/۳۸ ایران۱۳ ۱/۳۶ ارمنستان۱۴ ۰/۳۶
عربستان سعودی۱۵ ۹/۲۸ رومانی۱۶ ۷/۲۶ مجارستان۱۷ ۳/۲۶ اکراین۱۸ ۳/۲۳ ترکیه۱۹ ۹/۲۰
اندونزی۲۰ ۵/۱۹ لهستان۲۱ ۳/۱۹ اردن۲۲ ۶/۱۸ استونی۲۳ ۹/۱۶ کویت۲۴ ۰/۱۸ اسراییل۲۵ ۱/۱۸
قرقیزستان۲۶ ۲/۹ ونزوئلا۲۷ ۳/۶ آنگولا ۹ _حجم نقدینگی کشور طبق آخرین گزارش‌های بانک مرکزی, حجم نقدینگی کشور در سال۱۳۸۱با افزایش۵/۲۱ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۰ به ۳۸۹ هزار و ۹۲۲ میلیارد و ۲۰۰میلیون ریال رسید. در سال ۱۳۸۲ نسبت پول به نقدینگی ۴/۴۲ درصد و شبه پول ۶/۵۷ درصد از کل نقدینگی بود. در سال مذکور میزان اسکناس و مسکوک در دست اشخاص ۲ هزار و ۵۵۴ میلیارد ریال و۷۱۰۰ میلیون ریال بوده است. همچنین میزان پول موجود در کشور ۱۶۵ هزار و ۳۷۵ میلیارد و۲۰۰۰ میلیون ریال گزارش شده است که افزایش قابل توجهی برابر ۶/۲۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می دهد. درسال۱۳۸۲ میزان شبه پول موجود در جامعه نیز با افزایشی۵/۳۰ درصدی به ۲۲هزار و ۴۶۱ میلیارد و۷۰۰۰ میلیون ریال رسیده است.(بانک مرکزی ج.ا.ا,۱۳۸۱) رشد نقدینگی یکی از دلایل مهم افزایش تورم است و افزایش تورم خود موجب دلاری شدن بیشتر اقتصاد می شود. ۰.۰۴۰۴۲۵ Mfr۶۱/gdp۱۳۳۸ GDP MFR۶۱ MFR MF obs
۲۵۳۴.۸۰۰ ۲۸.۰۳۳۲۰ ۴.۶۵۳۵۱۱ ۰.۰۶۱۴۳۲ ۰.۰۱۰۴۳۲۱۳۳۹ ۲۳۲۱.۶۰۰ ۲۷.۲۶۱۴۳ ۴.۴۶۱۴۳۲
۴.۸۹۹۶۱۰ ۰.۰۶۴۶۸۱ ۰.۰۰۹۸۴۵۱۳۴۱ ۲۶۸۲.۵۰۰ ۲۶.۴۱۰۳۱ ۴.۴۶۳۳۴۳ ۰.۰۵۸۹۲۲ ۰.۰۱۱۰۵۹۱۳۴۰
۰.۰۱۰۵۰۸۱۳۴۳ ۳۰۳۲.۷۰۰ ۳۱.۸۶۸۰۱ ۵.۴۸۱۲۹۸ ۰.۰۷۲۳۶۰ ۰.۰۱۰۰۴۸۱۳۴۲ ۲۸۵۱.۶۰۰ ۲۸.۶۵۲۶۹
۳۷۳۸.۳۰۰ ۳۷.۵۳۶۳۳ ۶.۷۵۶۵۳۹ ۰.۰۸۳۸۰۷ ۰.۰۱۰۲۰۷۱۳۴۴ ۳۲۸۱.۹۰۰ ۳۳.۴۹۶۸۲ ۶.۰۲۹۴۲۸ ۰.۰۷۹۵۹۶
۸.۶۱۳۴۶۹ ۰.۱۱۳۱۰۰ ۰.۰۱۰۰۵۵۱۳۴۶ ۴۰۸۹.۶۰۰ ۴۱.۱۱۸۹۶ ۷.۴۸۳۶۵۰ ۰.۰۹۵۹۵۵ ۰.۰۱۰۰۴۱۱۳۴۵
۰.۰۱۰۳۴۵۱۳۴۸ ۵۱۰۴.۲۰۰ ۵۲.۸۰۴۲۶ ۹.۸۲۱۵۹۲ ۰.۱۲۸۰۱۹ ۰.۰۰۹۸۰۸۱۳۴۷ ۴۷۹۸.۹۰۰ ۴۷.۰۶۸۱۴
۶۳۳۳.۶۰۰ ۵۵.۸۷۴۲۵ ۱۰.۸۹۵۴۸ ۰.۱۳۷۵۹۹ ۰.۰۰۹۱۲۶۱۳۴۹ ۵۷۴۷.۹۰۰ ۵۲.۴۵۴۰۰ ۱۰.۱۲۳۶۲ ۰.۱۲۹۰۱۳
۱۷.۷۵۲۷۰ ۰.۲۳۲۱۵۲ ۰.۰۰۸۶۷۱۱۳۵۱ ۷۳۲۷.۵۰۰ ۶۳.۵۳۳۹۷ ۱۳.۰۸۸۰۰ ۰.۱۶۶۳۱۳ ۰.۰۰۸۸۲۲۱۳۵۰
۰.۰۱۳۹۳۷۱۳۵۳ ۹۶۶۶.۵۰۰ ۱۳۴.۷۲۳۵ ۳۲.۸۷۲۵۲ ۰.۴۷۰۳۹۴ ۰.۰۰۹۴۲۸۱۳۵۲ ۸۵۹۷.۸۰۰ ۸۱.۰۶۲۵۴
۱۱۲۵۲.۸۰ ۳۱۴.۷۸۰۳ ۹۷.۵۸۱۸۸ ۱.۱۲۵۹۷۹ ۰.۰۲۳۵۹۷۱۳۵۴ ۱۰۷۴۶.۳۰ ۲۵۳.۵۷۸۳ ۷۱.۵۰۹۰۷ ۱.۰۵۳۱۵۳
۲۶۸.۸۲۲۴ ۳.۶۴۶۷۳۱ ۰.۰۲۹۶۸۹۱۳۵۶ ۱۳۱۳۱.۴۰ ۳۸۹.۸۵۲۲ ۱۴۰.۷۳۶۶ ۱.۹۱۷۹۴۲ ۰.۰۲۷۹۷۴۱۳۵۵
۰.۰۷۴۱۰۰۱۳۵۸ ۱۱۴۴۰.۹۰ ۸۴۷.۷۶۶۱ ۴۲۰.۴۹۲۰ ۴.۹۷۰۶۴۸ ۰.۰۴۶۳۸۱۱۳۵۷ ۱۲۸۵۱.۳۰ ۵۹۶.۰۵۸۶
۹۲۲۸.۴۰۰ ۱۰۹۸.۶۳۴ ۷۴۹.۲۶۸۱ ۵.۴۲۹۴۷۹ ۰.۰۹۴۶۶۰۱۳۵۹ ۱۰۸۴۱.۳۰ ۱۰۲۶.۲۳۶ ۵۶۶.۴۸۲۴ ۴.۴۶۰۴۹۲
۱۱۸۴.۷۵۷ ۴.۷۳۹۰۲۸ ۰.۱۲۱۵۰۷۱۳۶۱ ۹۰۳۱.۷۰۰ ۱۰۹۷.۴۱۳ ۹۲۰.۷۲۹۵ ۶.۱۳۸۱۹۷ ۰.۱۱۹۰۴۹۱۳۶۰
۰.۰۹۹۵۲۴۱۳۶۳ ۱۱۵۱۷.۶۰ ۱۱۴۶.۲۷۲ ۱۳۱۵.۹۲۱ ۴.۱۱۲۲۵۲ ۰.۱۱۴۶۳۱۱۳۶۲ ۱۰۳۳۵.۴۰ ۱۱۸۴.۷۵۷
۱۱۷۲۳.۶۰ ۱۲۳۶.۵۹۶ ۱۶۷۴.۳۵۰ ۲.۷۲۷۶۹۷ ۰.۱۰۶۱۶۷۱۳۶۴ ۱۱۵۲۲.۱۰ ۱۲۲۳.۲۷۲ ۱۵۴۹.۸۸۶ ۴.۴۲۸۲۴۶
۲۵۳۸.۸۴۵ ۲.۵۶۲۲۰۴ ۰.۱۱۰۳۳۹۱۳۶۶ ۱۰۶۹۲.۵۰ ۱۱۷۹.۷۹۷ ۱۹۷۶.۱۵۹ ۲.۶۶۳۸۸۷ ۰.۱۰۵۴۷۹۱۳۶۵
۰.۱۰۵۷۳۶۱۳۶۸ ۱۰۳۶۰.۶۰ ۱۰۹۵.۴۹۱ ۳۰۲۰.۲۶۹ ۲.۹۶۴۶۸۱ ۰.۱۱۰۵۵۴۱۳۶۷ ۱۰۷۳۶.۲۰ ۱۱۸۶.۹۳۱
۱۲۰۴۵.۲۰ ۱۲۳۵.۳۶۰ ۴۳۵۸.۳۵۰ ۳.۰۹۱۰۲۸ ۰.۱۰۰۰۵۰۱۳۶۹ ۱۰۷۹۹.۹۰ ۱۰۸۰.۵۳۲ ۳۴۹۸.۷۶۴ ۲.۸۸۷۷۶۲
۶۳۷۲.۳۸۱ ۴.۲۵۳۹۲۶ ۰.۰۹۴۰۰۴۱۳۷۱ ۱۳۲۶۴.۱۰ ۱۲۴۶.۸۷۴ ۵۳۱۰.۴۳۴ ۳.۷۴۲۳۷۸ ۰.۱۰۲۵۶۰۱۳۷۰
۰.۰۹۰۹۵۸۱۳۷۳ ۱۴۷۴۲.۲۰ ۱۳۴۰.۹۲۲ ۸۷۲۵.۳۸۱ ۴.۸۲۰۶۵۲ ۰.۰۸۵۶۴۳۱۳۷۲ ۱۴۰۴۹.۵۰ ۱۲۰۳.۲۴۴
۱۵۴۵۴.۶۰ ۱۹۴۳.۹۶۹ ۲۵۵۳۹.۸۶ ۶.۱۷۸۹۷۴ ۰.۰۸۹۸۶۳۱۳۷۴ ۱۴۹۸۴.۶۰ ۱۳۴۶.۵۵۵ ۱۱۸۴۷.۲۶ ۴.۲۱۹۱۰۹
۳۹۴۶۴.۸۳ ۸.۲۴۷۶۱۴ ۰.۱۳۴۲۷۷۱۳۷۶ ۱۶۱۴۱.۱۰ ۲۱۶۷.۳۷۱ ۳۵۰۸۱.۰۶ ۸.۳۲۲۵۷۴ ۰.۱۲۵۷۸۶۱۳۷۵
۰.۱۲۰۰۱۵۱۳۷۸ ۱۷۰۴۶.۸۰ ۲۰۴۵.۸۷۲ ۴۶۶۲۲.۱۴ ۷.۲۰۷۷۲۲ ۰.۱۲۴۴۰۷۱۳۷۷ ۱۶۶۹۸.۲۰ ۲۰۷۷.۳۸۱
۱۸۲۵۱.۳۶ ۲۳۱۴.۸۱۳ ۷۱۳۳۲.۱۲ ۸.۷۱۱۴۶۸ ۰.۱۱۳۹۲۳۱۳۷۹ ۱۷۳۵۰.۲۲ ۱۹۷۶.۵۸۷ ۵۴۰۸۲.۳۷ ۶.۲۴۶۷۵۱
۰.۱۳۵۸۴۲ ۱۹۱۱۲.۲۴ ۲۵۹۶.۲۴۸ ۸۹۱۲۲.۱۷ ۱۱.۱۲۸۵۲ ۰.۱۲۶۸۳۰۱۳۸۰ جدول۲محاسبه نسبت حجم دلارهای درگردش به تولید ناخالص داخلی واقعی متغیرها در پایان مقاله معرفی میشوند ۱۰ _خلاصه و نتیجه گیری جانشینی پول به پدیدهای اطلاق میشود که مردم یک کشور در انجام معاملات داخلی خود از دلار استفاده میکنند، همچنین در پرتفوی دارایی خود به جای پول داخلی پول خارجی نگهداری میکنند. این امر دلایل متعددی دارد که مهمترین آنها کاهش مداوم ارزش پول ملی، تداوم تورم شدید، بیثباتی اقتصادی، منفی بودن نرخ‌های واقعی بهره، خروج سرمایه به علت مهاجرتهای قانونی و غیرقانونی و گسترش فعالیت‌های قاچاق کالاست. به نظر میرسد که علت اصلی افزایش درجه جانشینی پول نرخ‌های تورم بالا، منفی بودن نرخ واقعی بهره داخلی نسبت به نرخ بهره خارجی و سیر نزولی ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز) میباشد. در میان ۲۷ کشور مورد بررسی بولیوی با ۵/۸۳ درصد درجه جانشینی پول رتبه اول، آنگولاـ با ۳/۶ درصد درجه جانشینی پول رتبه ۲۷ و ایران با ۴/۳۸ درصد درجه جانشینی پول رتبه ۱۲ را دارا می باشند. ۱۱ _پیشنهادات سیاستی با توجه به روند درجه جانشینی پول در ایران و علل گسترش آن برای جلوگیری از افزایش روند آن پیشنهادمی شود: ۱ _سیاست مهار تورم در اولویت قرارگیرد. ۲ _تا حد امکان نوسانات نرخ ارزکاهش یابد تا انگیزهٔ جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی کاهشیابد. ۳ _جهت گیری سیاست‌های کلان به سمت بازار سرمایه باشد.معرفی متغیرها MF حجم پول خارجی برحسب دلار MFR حجم پول خارجی برحسب ریال MFR۶۱ حجم پول خارجی برحسب ریال (۱۰۰=۱۳۶۱) GDP تولید ناخالص داخلی واقعی(۱۰۰=۱۳۶۱) MFR۶۱/GDP نسبت حجم پول خارجی واقعی به تولید ناخالص داخلی واقعی(۱۰۰=۱۳۶۱) منابع و مآخذالف _ فارسی:۱ _خلعتبری، فیروزه؛ اقتصاد دلاری و سپرده‌های ارزی: بحث نظری و مفاهیم آن از دید اقتصادکلان؛ اقتصاد مدیریت؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ شماره۱؛ ۱۳۶۸.۲ _زال پور، غلامرضا؛ جانشینی ارز به جای پول ملّی در اقتصادایران؛ پایاننامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت مدرس,۱۳۷۳.۳_ سامرز، لورنس؛ دلاریشدناقتصاد کشورهایآمریکایلاتین؛ خبرگزاری رویتر؛ ترجمه اداره مطالعات و سازمان‌های بینالمللی بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران ؛ ۱۹۹۹.۴ _عربمازاریزدی، علی؛ «اقتصاد سیاه درایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر»؛ مجله برنامه و بودجه شماره ۶۲و۶۳؛ ۱۳۸۰.۵ _فرزین وش ،اسداله ومحمد لشکری، جانشینی پول و تقاضا برای پول: شواهدی از ایران, پژوهشنامه بازرگانی, زمستان ۱۳۸۲.۶ _گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ سال‌های مختلف.۷ _لشکری, محمد, تحلیل پدیده جانشینی پول و عوامل مؤثر بر آن (مورد ایران), رساله دکتری, دانشگاه تربیت مدرس, ۱۳۸۲.۸ _لشکری, محمد و اسداله فرزین وش, تخمین حجم دلارهای در گردش و درجه جانشینی پول در ایران, مجله تحقیقات اقتصادی؛ ویژه نامه, ۱۳۸۲.۹ _نوفرستی، محمد؛ «رابطه تقاضا برای پول با نرخ برابری ارز و نرخ تورم»؛برنامه و توسعه ؛ دوره۲؛شماره۱۱؛ ۱۳۷۴

۱۰ _یزدانپناه،احمد و ناصرخیابانی؛«جایگزینی پول ملّی (دلاری شدن اقتصادایران)»؛ مجموعه‌مقالات ششمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۷۵.ب _لاتین:

Arango, Sebastian and M. Ishaq Nadiri(۱۹۸۱)"Demand for Money in Open -۱ Economies"Journal of Monetary Economics :Vol.۷pp.۶۹-۸۳.۲_Bordo, Michael D and Ehsan Choudri(۱۹۸۲)"Currency Substitution and the Demand for Money:Some Evidence for Canada"Journal of Money Credit and Banking Vol.۱۴ February pp.۴۸_۵۷.۳-Bufman, Gil and Leonardo Leiderman(۱۹۹۳)"Currency Substitution under Nonexpected Utility : Some Empirical Evidence" Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۵ no.۳ August pp.۱۱۲-۱۱۶.۴_Calvo, Guillermo A(۱۹۸۵)"Currency Substitution and Real Exchange Rate:The Utility _-Maximization Approach" Journal of International Money and Finance Vol.۴ pp.۱۷۵_۸۸.۵ and C.A.Rodriguez(۱۹۷۷)"A Model of Exchange Rate Determination Under Currency Substitution and Rational Expectations"Journal of Political EconomyVol.۸۵Junepp.۶۱۷- and Carlos A.Vegh(۱۹۹۲)"Currency Substitution in Developing Countries : An_۲۵.۶ Introduction"IMFWP/۹۲/۴۰ May .۷_Cuddington,John T(۱۹۸۳)"Currency Substitutability, Capital Mobility and Money Demand Journal of International Money and FinanceVol.۲pp.۱۱۱_۱۳۳.۸_Dean James W (۲۰۰۰)De Facto DollarizationPrepared for a Conference, To Dollarize:Exchange_Rate Choices for the Westwrn Hemisphere, Sponsored by the North_South Institute, Ottawa, Canada,Ocober ۴_۵.۹_El-Erian, Mohamed A(۱۹۸۸)"Currency Substitution in Egypt and Yemen Arab Republic"IMF Staff PapersVol.۳۵no.۱ pp.۸۵_۱۰۳.۱۰_Girton, Lance and Don. Roper(۱۹۸۱)"Theory and Implications of Currency Substitution " Journal of Money, Credit and BankingVol.۱۳ no.۱Februarypp.۱۲_۲۹.۱۱_, (۱۹۸۰)"Theory of Currency Substitution and Monetary Unification " Economie Appliqueepp.۱۳۵_۱۵۹.۱۲_Guidotti, Pablo E and Carlos A .Rodriguez(۱۹۹۲)"Dollarization in Latin America, Gresham`s Law in Reverse?"IMF Staff PapersVol.۳۹ no.۳Septemberpp.۵۱۸_۵۴۴.۱۳_Kamin Steven B and Neil R.Ericsson(۱۹۹۳)" Dollarization in Argentina"Board of Governors of the Federal Reserve System International Finance Discussion paper۴۶۰.۱۴_"(۲۰۰۳)"Dollarization in Post_ Hyperinflationary Argentina" Journal of International Money and Finance Vol.۲۲pp.۱۸۵_۲۱۱.۱۵_Keynes,John Maynard(۱۹۳۶)The General Theory of Employment, Interest and MoneyNew York:Harcourt, Brace and Company.۱۶_Marquez,Jaime(۱۹۸۷)"Money Demand in open Economies:A Currency Substitution Model for Venzurla"Lournal of International Money and Finance Vol.۶pp.۱۶۷_۱۷۸.۱۷_Melvin, Michael and Jerry Ladman(۱۹۹۱)"Coca Dollar and Dollarization of South America"Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۳ no.۴ November pp.۷۵۲_۷۶۳.۱۸_Melvin, Michael(۱۹۸۸)"The Dollarization of Latin America as a Market_enforced Monetary Reform:Evidence and Implications"Economic Development and Cultural Change" Vol.۳۶ no.۳ April pp.۵۴۳_۵۵۸.۱۹_Miles, Marc A(۱۹۷۸)"Currency Substitution, Flexible Exchange Rates and Monetary Independence"American Economic Review no.۶۸Junepp.۴۲۸_۳۶.۲۰_Miles, Marc A(۱۹۷۸)"Currency Substitution: Perspective, Implications, and Empirical Evidence"In Bluford H. Putnam and D. Sykes Wilford(Eds.),The Monetary Approach to International Adjustment, praegerpp.۱۷۰_۱۸۳.۲۱_Miles, Marc A and Marion B,Stewart(۱۹۸۰)"The Effects of Risk and Return on the Currency Composition of Monet Demand"Weltwlrtschaftliches Archiv, Bd.CXVI, Heft ۴pp.۶۱۳_۶۲۵.۲۲_Mongardini, Joannes and Johannes Muller(۱۹۹۹)"Ratchet Effects in Currency Substitution:An Application to the Kyrgyz RepublicIMFWP/۹۹/۱۰۲Julypp.۱_۲۳.۲۳_Ortiz,Guillermo(۱۹۸۳)"Currency Substitution in Mexico:The Dollarization Problem" Journal of Money, Credit and BankingVol.۱۵no.۲ May pp.۱۷۴_۸۵.۲۴_Ramirez_Rojas,C.Luis(۱۹۹۶)"Monetary Substitution in Developing Currency Substitution in"(۱۹۸۵_).Countries"Finance and Development June no .۴pp.۳۵_۴۱.۲۵ Argentina, Mexico and Uruguay"IMF Staff Papers December Vol.۳۲no.۴pp.۶۲۶_۶۶۷.۲۶_Rogers, John H(۱۹۹۲)"The Currency Substitution Hypothesis and Rlative Money Demand in Mexico and Canada"Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۴no.۳ August [A]pp.۳۰۰_۳۱۸. ۲۷_Rojas, Suarez,Liliana(۱۹۹۰)"Currency Substitution and Inflation in Developing Countries"IMF Working Paper,WP/۹۰/۶۴Julypp.iii&۱_۲۷.۲۸_Tanzi, Vito and Mario I.Blejer(۱۹۸۲)"Inflation,Interest Rate Policy, and Currency Substitution in Developing Economies:A Discussion of Some Major Issues"World DevelopmentVol.۱۰ September pp.۷۸۱_۹۰.۲۹_Thomas,Lee R(۱۹۸۵)"Portfolio Theory and Currency Substitution"Journal of Money, Credit and BankingVol. ۱۷no.۳pp.۳۴۷_۵۷.۳۰_Vegh, Carlos A(۱۹۹۸)"Inflationary Finance and Currency Substitution in a Public Finance .Framework"Journal of International Money and Finance Vol.۱۴. no.۵ pp.۶۷۹_۶۹۳

دکترمحمدلشکری

چکیده : این مقاله ادبیات موجود در زمینه نظریه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی و عوامل مؤثر بر درجه جانشینی پول را بررسی میکند. با توجه به نوع تحقیق این پژوهش فرضیه ندارد. مقاله حاضر میتواند پیش زمینه پژوهشهای کاربردی در زمینه دلاری شدن و جانشینی پول در ایران و سایر کشورهایی که امکان وجود درجهای از جانشینی پول

خارجی به جای پول داخلی در آنها وجود دارد باشد.واژگان کلیدی: جانشینی پول، دلاری شدن، درجه جانشینی پول، حجم دلارهای درگردش، مرور ادبیات، ایران ۱- مقدمهموضوع این مقاله مبانی نظری و سوابق تجربی جانشینی پول است. هدف از این پژوهش بررسی ادبیات جانشینی پول خارجی به جای پول ملی است تا زمینه تحقیقات تجربی بیشتر درایران فراهم گردد. نظریه جانشینی پول فرض میکند که تقاضا برای پول داخلی نه تنها به متغیرهای نرخ بهره داخلی، درآمد داخلی و نرخ تورم داخلی بستگی دارد بلکه به متغیرهای نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی و نرخ ارز نیز بستگی دارد.اولین بار کینز۱ در کتاب " نظریه عمومی، اشتغال، بهره و پول" نوشت: اگر وضعی پیشآید که پول رایج یک کشور خاصیت نقدینگی خود را از دست دهد، جانشینهای فراوانی پای خود را درکفش پول میکنند، مثل بدهیهای کوتاهمدت، پولخارجی، جواهرات، انواع فلزات گرانقیمت و جریانات اعتباری بانک که خلق پول است بدون اسکناس و به آن پول اعتباری میگویند.موضوع جانشینی پول حدود سه دهه است که وارد ادبیات اقتصادی شده است. البته پدیده دلاری کردن اقتصاد سابقهای طولانیتر دارد. به عنوان مثال در کشور مکزیک حتی پیش از آنکه بانک مکزیک در سال ۱۹۲۵ تأسیس یابد، شهروندان می توانستند سپردههای ارزی داشته باشند.۲ این مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است. در بخش دوم مسأله جانشینی پول طرح می شود. بخش سوم ضرورت انجام تحقیق میآید. بخش چهارم به معرفی مفاهیم و اصطلاحات می پردازد. جایگاه جانشینی پول در علم اقتصاد در بخش پنجم بررسی میشود. در بخش ششم مبانی نظری و سوابق تجربی موضوع جانشینی پول مورد بررسی قرار میگیرد. ۲- تعریف مسأله به طور کلی برای پول در اقتصاد سه وظیفه مبادلاتی، سنجش و ذخیره ارزش فرض میشود. اگر پول ملی در یک کشور به علل مختلف از جمله تورم، کاهش ارزش پول ملی و بی ثباتی اقتصادی وظایف خود را به خوبی ایفا نکند و پول خارجی عهده دار تمام یا بخشی از این وظایف شده باشد، میگویند اقتصاد دلاری شده یا جانشینی پول صورت گرفته است به طوریکه یک یا چند پول خارجی جای پول ملی را گرفتهاست. پدیده جانشینی پول اثرات متفاوتی بر اقتصاد کشورهای مختلف داشته است. مطالعات تجربی نشان داده است که این پدیده چه به صورت رسمی و با اراده دولت، چه به صورت غیر رسمی و بدون اراده دولت موجب تضعیف پول ملی در داخل و خارج کشور میشود. جانشینی پول در یک کشور موجب میشود که مردم نسبت به آینده اقتصاد کشور خود بدبین باشند. این پدیده موجب میشود تا بانک مرکزی کنترل خود را بر بخشی از پول که به صورت ارز نگهداری میشود از دست بدهد و قدرت استفاده از حقالضّرب و مالیات تورمی کاهش یابد. لذا تأثیرسیاستهای پولی بر متغیرهای واقعی اقتصاد تضعیف می شود.از نظر تئوریک جانشینی پول به علّت تورم شدید داخلی، کاهش ارزش پول داخلی نسبت به ارزهای معتبر و بیثباتی اقتصادی صورت میگیرد. صرف وجود پول خارجی در دست افراد یک کشور یا به صورت سپردههای بانکی جانشینی پول تلقی نمیشود چون ممکن است این پولهای خارجی به دلایل نهادی یا تاریخی در یک کشور وجود داشته باشد. شرط لازم برای جانشینی پول وجود سطحی از پول خارجی در سبد داراییهای مالی افراد است. شرط کافی برای وجود این پدیده آن است که سطح این پولها متأثر از متغیرهای اقتصادی مانند نرخ بازده واقعی پول، نرخ تورم، نرخ ارز و درآمد باشد. این موضوع با چهار رویکرد مورد مطالعه قرارگرفته است:۱- رویکرد سبد داراییهای مالی ۲: در این رویکرد پول خارجی به عنوان یکی از داراییهای نقدی در سبد دارایی مالی افراد و در تابع تقاضای آنها برای پول مورد مطالعه قرار میگیرد.۲- رویکردکلان۳: که رابطه درجه جانشینی پول را با متغیرهای کلان اقتصادی مورد مطالعه قرار می دهد.۳ - رویکرد تابع تولید۴: که خدمات پولی را به منزله محصول و دو نوع پول داخلی و خارجی را به عنوان عوامل تولید تلقی میکند.۴- رویکرد حداکثرکردن مطلوبیت۵: که پول خارجی و داخلی را وارد تابع مطلوبیت افراد میکند و با توجه به قید بودجه پس از حداکثرکردن مطلوبیت میزان پول داخلی و خارجی لازم برای حداکثر کردن مطلوبیت را بدست میآورد و از نسبت آنها درجه جانشینی پول را حساب میکند. ۳- ضرورت انجام تحقیقبا توجه به اینکه به نظر میرسد این پدیده در ایران رخ داده است و هنوز هم درحال افزایش است. و تاکنون تحقیقات قابل توجهی روی آن صورت نگرفته است. لذا بررسی و تحلیل ابعاد و آثار مختلف آن ضروری به نظر می رسد. ۴- معرفی مفاهیم و اصطلاحاتاصطلاحات و واژههای تخصصی که دراین پژوهش مورد استفاده قرار میگیرد صرفاً به مفهوم زیراست :۱- ارزان شدن پول ملی۶ : منظور از ارزان شدن پول ملی این است که در سیستم نرخ ارز شناور یا در سیستم دوگانه نرخ ارز، نرخ ارز (یک واحد پول خارجی بر حسب پول داخلی) در بازار موازی افزایش یابد.۲- ارزان کردن پول ملی۷ : منظور از ارزان کردن پول ملی این است که در سیستم نرخ ارز ثابت یا در سیستم دوگانه نرخ ارز، نرخ ارز رسمی (یک واحد پول خارجی برحسب پول داخلی) افزایش داده شود.۳- پول گسترده۸ : منظور از پول گسترده مجموع پول داخلی وخارجی در گردش است.۴- جانشینی پول۹ : رامیرز رویاس۱۰ جانشینی پول را به صورت" تقاضا برای پول خارجی توسط ساکنین داخلی"تعریف میکند. در این طرح منظور از جانشینی پول این است که هرگاه پول ملی به علت تورم و کاهش ارزش نتواند از عهده انجام وظایف سنتی خود برآید و پول خارجی تمام یا بخشی از این وظایف را بر عهده گیرد جانشینی پول صورت گرفته است.۵- جایگزینیپولی۱۱ : در صورت فقدان محدودیتهای دولت بر افراد در انتخاب سبد داراییخود، در یک حالت حدی ممکن است پول داخلی به طور کامل از گردش خارج شود و پول خارجی جای آن را بگیرد. به این پدیده جایگزینیپولی گفته می شود.۶- جانشینی پول یک طرفه۱۲ : وقتی ساکنین کشور" الف"میخواهند پول رایج درکشور"ب"را نگهداری کنند ولی دیگران تمایلی به نگهداری پول کشور"الف" ندارند، جانشینی پول یک طرفه است.۱۳۷- جانشینی پول متقارن۱۴: جانشینی ارز به جای پول ملی هنگامی متقارن است که خارجیان نیز خواهان نگهداری پول ملی باشند.۸- درجه جانشینی پول۱۵ : منظور از درجه جانشینی پول نسبت حجم پول خارجی در گردش در داخل کشور بر حسب ریال به کل حجم پول داخلی و خارجی درگردش برحسب ریال است.۹- دلاری شدن رسمی۱۶ : منظور از دلاری شدن رسمی این است که دولت یک کشور رسماً پول خارجی را به عنوان واحد سنجش و ذخیره ارزش میپذیرد. به عنوان مثال دولت یک کشور می پذیرد که دلار آمریکا در کنار پول ملی آن کشور وظایف پول را انجام دهد. در این صورت بانکها درکنار سپردههای پول ملی سپرده های ارزی نیز میپذیرند و دلار نیز در کنار پول ملی در بازار وسیله مبادله کالاها قرار می گیرد. ۱۰- دلاری شدن غیر رسمی۱۷: بدون آنکه دولت یک کشور رسماً پول خارجی را به عنوان وسیله مبادله و ذخیره ارزش بپذیرد. مردم کشور به خاطر تورم شدید و کاهش مداوم ارزش پول ملی تمایلی به نگهداری پول داخلی ندارند، و بخشی از پول خود را تبدیل به پول خارجی می نمایند، یعنی به علت کاهش ارزش پول ملی ساکنین داخلی پول خارجی را جانشین پول ملی می کنند.۱۱- نرخ ارز۱۸ : بهای یک واحد پول خارجی به پول داخلی در بازار موازی (مانند بهای یک دلار آمریکا برحسب ریال ایران در بازار موازی). ۱۲- نرخ ارز رسمی۱۹ : بهای یک واحد پول خارجی به پول داخلی به نرخ اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (مانند بهای یک دلار آمریکا برحسب ریال ایران به نرخ اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران).۱۳- نرخ تورم داخلی۲۰ : درصد افزایش سالیانه شاخص قیمت مصرف کننده در داخل. ۱۴- نرخ تورم خارجی۲۱ : درصد افزایش سالیانه شاخص قیمت مصرف کننده درخارج .۱۵- نرخ بهره داخلی۲۲ : نرخ سود سپردههای بلند مدت بانکی کشور. ۱۶- نرخ بهره خارجی۲۳: نرخ بهره سپردههای بلند مدت بانکی در خارج.۵- جایگاه جانشینی پول در ادبیات اقتصادیبحث جانشینی پول در حوزه علم اقتصاد کلان، اقتصاد پول و اقتصاد بین الملل قرار میگیرد. ادبیات جانشینی پول از اقتصاد پولی داخلی و همچنین از اقتصاد پولی بین المللی نشأت می گیرد، زیرا پدیده جانشینی پول تحت تأثیر متغیرهای کلان و متغیرهای پولی و بین المللی قرار دارد. و بعضی از آن متغیرها را تحت تأثیر قرار میدهد. در ادبیات اقتصادی دوکلمه جانشینی پول و دلاری شدن اقتصاد به یک مفهوم به کار میروند، بعضی از پژوهشگران بین این دو کلمه تفکیک قائل شدهاند و دلاری شدن را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه ذخیره ارزش و جانشینی پول را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه معاملاتی به کاربردهاند. چون اندازهگیری حجم دلارهای درگردش کار مشکلی است و روش واحد و دقیقی

برای آن وجود ندارد و معمولاً به صورت برآورد انجام میشود، لذا تفکیک حجم دلارها با انگیزه ذخیره ارزش و انگیزه معاملاتی با اطلاعـات موجود تقریباً غیرممکن است.۶- مروری بر مبـانی نظری و تجربی جانشینی پول بـا توجه به این که ادبیات جانشینی پول سیر تاریخی داشته است. در این مقاله مسیر تاریخی مبانی نظری و تجربی جانشینی پول با ۴ رویکرد :۱- پرتفوی، ۲-کلان، ۳- تابع تولید،۴- تـابع مطلـوبیت؛ تجزیه و تحلیـل میشود و نقـاط عطـف بحث جانشینی پـول مشـخص میشود.۱-۶ مبـانی نظری و تجربی جانشـینی پول با رویکرد پرتفوی رویکرد پرتفوی، پدیـده جانشینی پول را با اسـتفاده از تابع تقاضای سـنتی پول مورد بررسـی قرار میدهـد بـا این تفـاوت که در تـابع تقاضـای پول داخلی، متغیرهـایی نظیر نرخ بهره خـارجی، نرخ تورم خـارجی یـا شاخص قیمتهای مصرف کنندگان خارجی را به عنوان هزینه فرصت نگهداری پول داخلی در مقایسه با پول خارجی وارد میکند.مارکوویتز۲۴ فرآیند انتخاب پرتفوی را به دو مرحله تقسیم می کند: ۱- مرحله اول که با مشاهده و تجربه شروع می شود و با باور در باره عملکرد آینده اوراق بهادار در دسترس پایان می یابـد. ۲- مرحله دوم که بـا باورهـای مربوط به عملکرد آینـده آغاز می شود و با انتخاب پرتفوی پایـان می یابـد. مقـاله وی بـه مرحلـه دوم مربـوط میشـود. فرضـیه او ایـن اسـت کـه سـرمایه گـذار تمـام وجـوه خـود را در اوراقی سرمایهگـذاری میکنـد که بالاترین ارزش تنزیل شده را داشـته باشـند. سپس فرض میکند پرتفویی وجود دارد که هم بازده انتظاری آن حـداکثر و هم واریانس آن حـداقل است. تنوع نمیتوانـد تمام واریانس را حـذف کند. زیرا در دنیای واقعی پرتفویی که حداکثر بازده انتظاری را دارد لزوماً حـداقل واریانس را نـدارد. نرخی وجود دارد که سرمایه گذار میتواند بازده انتظاری را با در نظر گرفتن واریـانس معین افزایش دهـد، یا با کاهش واریانس، بازده انتظاری معینی را به دست آورد. گیرتون و راپر۲۵ ابتدا نظریه سنتی پولی را که فرض میکنـد در هر کشور(منطقه) تنها یک پول واحد اسـتفاده میشود مورد بررسـی قرار میدهند. سپس اظهار میدارند که در اغلب منـاطق مرزی کشورهای کمتر توسعه یافته جهان چنـد پول مورد اسـتفاده قرار میگیرد. با وجود پولهای جانشین، ناشـرین پول بایـد پولهـای جـذّاب تری بـا توجه به نرخ بـازده آنها عرضه کننـد. نتیجه تحقیق آنها این است که جانشـینی پولها دقیقاً متضاد قانون گرشام است زیرا پول خوب پول بـد را از میدان خارج میکند. گیرتون و راپر۲۶ یک مـدل بـا دو تـابع تقاضـا برای پول، با عرضه برونزای پول و یک دارایی غیر پولی ارائه میکننـد. در مـدل آنها تقاضا برای هر دو پول داخلی و خـارجی تـابعی از متغیرهـای نرخ بـازده واقعی هر دو پول، نرخ بـازده واقعی دارایی غیرپولی و متغیر مقیاس ثروت میباشـد. آنها با انجام عملیات ریاضی کشش جانشینی بین دو پول و بین پول و دارایی غیرپولی را محاسبه نمودهاند. آنها نظریه پولی سنتی را که فرض میکند در هرکشور فقط یک پول در جریان است با نظریه جانشینی پولها که کاربرد چند پول در گردش در یک کشور را میپـذیرد مقـایسه میکننـد. در مقاله آنها دو تابع تقاضای پول، با عرضه برونزای پول برای تحلیل نرخ ارز مورد استفاده قرار میگیرد و دارایی غیرپولی دیگری به صورت ضـمنی در مـدل وجود دارد. فرض میشود دارنـدگان پول، هر دو پول را متنـاسب با ثروت واقعی نگهداری میکنند. بوردو و چودری۲۷ ضمن انتقاد از مقاله۱۹۷۸میلز۲۸ تصـریح تابع او را اشتباه میدانند و با استفاده از دادههای میلز و با متدولوژی دیگری نتایج متفاوتی بدست میآورند. آنها معتقدند که جانشینی پول کاربردهای مهمّی برای کارکرد نرخهای شناور ارز دارد. اگر درجه جانشینی پول بالا باشـد تغییرات کوچک در عرضه پول داخلی، تغییرات بزرگی در نرخ ارز ایجاد خواهد کرد. جانشـینی پول اثرات اختلالزای پولی را از یک کشور به کشور دیگر منتقل میکنـد. اگر جانشـینی پول عمده باشد، تغییر انتظاری در نرخ ارز می توانـد یکی از عوامل تعیین کننـده مهم تقاضا برای پول داخلی باشـد. این مطالعه نشان می دهد که نرخ ارز عامل مهمی در تقاضـای پول کانـادا نیست. بوردو و چودری چنـد متغیر مقیـاس را بررسـی میکننـد و نهایتاً برای سادگی میزان درآمـد جاری را انتخاب می کنند. شـکل تابع لگاریتم مضاعف نسبت به درآمد و نیمه لگاریتمی نسبت به متغیرهای هزینه فرصت فرض شدهاست. مـدل بوردو و چودری به صورت زیر است:

$$\log md = b_0 + b_1 \log Y + b_2 i_d + b_3 i_f \quad (1)$$

$$\log mf = g_0 + g_1 \log Y + g_2 i_d + g_3 i_f \quad (2)$$

که $md = dM/dP$ تقاضای واقعی برای پول داخلی، $mf = EMf/Pd$ تقاضای واقعی برای پول خارجی، dP سطح قیمت داخلی و Y درآمد واقعی داخلی است. چون در شـرایط معاملات ارز با بهره کامل di و fi نشان دهنده قیمت نگهداری dm و fm (هزینه فرصت) برای یک دوره هستند، معادلات بالا به سادگی میتواند برای تقاضای پول خارجی و داخلی که هرکـدام به متغیر مقیاس، قیمت خودش و قیمت یک پول جانشین بسـتگی دارد تفسـیر شود. اگر جانشینی پول بین dm و fm وجود نداشته باشد جملههای b_3 و g_2 که اثر متقاطع جانشینی را نشان میدهند در معادلههای(۱)و(۲) بیمعنی خواهنـد بود. آنهـا تـأثیر بـازده انتظـاری پول خـارجی روی تقاضا برای پول داخلی در دوره شـناوری نرخ ارز (دهه ۱۹۷۰) را آزمون کردنـد، و معلوم شـد این تـأثیر نـاچیز است. بنـابراین برای یـک کشور مهم(کانـادا)که مبـالغ زیـادی پول خارجی نگهـداری میکنـد، جانشینی پول عامـل مهمی درتـابع تقاضای پول نیست. تانزی و بلیجر۲۹به بررسـی سیاسـتهای نرخ بهره و جانشینی پول می پردازنـد. بهطور کلی فرض میشود که تقاضـا برای پول علاوه بر متغیرهای مقیاس ماننـد ثروت و درآمـد به نرخ بازده انـدوختههای پولی نسـبت به بـازده سـایر داراییهـا نیز بسـتگی دارد. این داراییهـا شامـل ابزارهـای مـالی ماننـد اوراق قرضه، حسابهای پس انـداز و داراییهـای واقعی مثـل کالاهای بادوام و املاک و مسـتغلات می باشـد. انتظار بر این است که نرخ بازده نسبتاً بالاتر سایر داراییها از جمله پول خـارجی تقاضـا برای پول داخلی را کـاهش دهـد. بنـابراین پول خارجی طرفهای عمـده تجاری احتمالاً یک جزء مهم در پرتفوی داخلی است. کادینگتون۳۰ یک مـدل مانـده پرتفوی عمومی ارائه کرد که درآن تقاضای ساکنین داخلی برای پول خارجی را از تقاضـای آنهـا برای داراییهـای غیرپـولی خـارجی تفکیـک میکنـد.سرمایهگذاران از میـان چهـار نوع دارایی؛ پول داخلی، پول خـارجی، اوراققرضـهداخلی، اوراققرضه خـارجی انتخـاب می کننـد.کـادینگتون فرض میکنـد چهـار نـوع دارایی جانشـین ناخـالص میباشـند. سؤال کلیـدی این است که آیا پول خارجی ابتـدائاً برای معاملات یا به منظور پرتفوی نگهـداری می شود؟ کادینگتون می گویـد تقاضـا برای پول داخلی و خارجی همراه با افزایش درآمـد داخلی افزایش مییابـد. اگر همراه با افزایش متغیر معاملاتی درآمد تقاضـا برای پـول خـارجی افزایش یابـد جانشـینی پـول صورت گرفته است. اگر تقاضا برای پول خـارجی بـا تغییرات درآمـد رابطه معکوس داشته باشد ملاحظات پرتفوی بر ملاحظات معاملاتی غالب است. بنابراین اقتصاد دلاری شده است. توماس۳۱ فرض میکند در طرف تقاضای پول، عوامل اقتصادی انگیزه نگهداری پول خارجی و داخلی را به طور همزمان دارند، بنابراین متغیرهای نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی، تغییرات انتظاری نرخ ارز در تابع تقاضای پول داخلی مؤثر هسـتند. مقالههای پیشـین فرض میکردند که پولها تنها نوع دارایی هستند؛ چنین مدلهایی نمیتوانند بین علل جانشینی پول و تحرک سرمایه تفکیک قائل شوند. دلالت عمده مدل جانشـینی پول این است که حتی وقتی سـاکنین داخلی پول خـارجی نگهـداری میکننـد نیز ممکن است کشـش متقاطع تقاضای پول داخلی (خـارجی) نسبت به نرخ بهره خارجی (داخلی) برابر صـفر باشـد. در این مـدل فرض می شود که به پولها هیـچ بهرهای تعلق نمیگیرد، اوراق قرضه بـدون ریسـک اسـمی قابل خرید و فروش با هر دو پول داخلی و خارجی وجود دارد و هزینه واسطه ای وجود نـدارد. او نتیجه میگیرد که فقـط زمـانی پولهـا جانشـین هسـتند که کشـش متقـاطع تقاضای پول داخلی(خارجی) نسـبت به نرخ بهره خارجی (داخلی) منفی باشد. ملوین۳۲ رویکرد پرتفوی به بررسـی پدیده جانشـینی پول میپردازد. وی معتقد است برآورد ضریب نرخ بهره خارجی در تابع تقاضای پول داخلی چنانکه باید جانشـینی پول خارجی به جای پول داخلی را نشان نمی دهد. زیرا در این حالت نمی توان جانشینی پول را از مفهوم گسترده تر تحرک سرمایه که جانشینی بین اوراق قرضه و پول را نیز در برمیگیرد تفکیک نمـود. ملـوین کیفیت پول (میزان اطمینـان به ارزش آینـده آن)را به عنوان معیـار جانشـینی پول خـارجی به جـای پول داخلی در نظر گرفته است. نتیجه پایانی او این است که در نظام شـناوری نرخهای ارز، کشورهای اروپایی برای دستیابی به استقلال پولی ناگزیر از تن دادن به اتحادپولی هستند. گویدوتی و رودریگز۳۳ به بررسـی تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین که دارای نرخهای تورم بالا بوده و دلاری شدن را تجربه کردهاند، می پردازند. مدل آنها اساساً پدیده جانشینی پول را با ترکیب پرتفوی در شرایطی که تحرک سرمایه وجود دارد بررسی میکند. مطالعات اخیر۳۴ بر نقش جانشینی پول در سطح تقاضای معاملاتی پول تأکید میکنند. فرض قاطع تمام این مطالعات این است که پولهای داخلی و خارجی جانشینهای ناقص هستند. این فرض دلالت دارد که توابع تقاضای معاملاتی پول همان ویژگی توابع تقاضای مشتق شده از ملاحظات پرتفوی را دارند. ویژگی مشترک مطالعات اولیه موضوع جانشینی پول این

است که همه آنها بر نظریه داراییهای مالی بنا شدهاند.۳۵ رویاس سوارز۳۶ مدلی را در نظر میگیرد که در آن، پول تنها شکل ثروت است، و ساکنان کشور می توانند ترکیبی از پول داخلی و پول خارجی را در پرتفوی خود جای دهند. در این مدل، هر مصرف کننده تابع مطلوبیت خود را برای یافتن ترکیب بهینه پولهای داخلی و خارجی، با توجه به محدودیت بودجه خود حداکثر میکند. از حل مسأله حداکثرسازی، نسبت نگهداری پول ملی به پولهای خارجی در حالت پایدار، تابعی از نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی به دست میآید. کمین و اریکسون۳۷ دلاری شدن مداوم اقتصاد آرژانتین را که کاهش سریع تورم را از ابر تورم دهه ۱۹۸۰ خود تجربه کردهاست، تحلیل میکنند. اندازهگیری حجم دلارهای درگردش در آرژانتین در پژوهش آنها نسبت به مطالعات پیشین که فقط روی سپرده های دلاری متمرکز میشدند پیشرفت قابل توجهی کرده است. تحلیل آنها نشان میدهد که تقاضای پزو در آرژانتین با تورم یک رابطه برگشت ناپذیر منفی دارد. کاهش در تقاضای پزو قابل استناد بر بازتابهای برگشت ناپذیر موجودی برآورد شده تمام داراییهای دلاری که توسط ساکنین داخلی آرژانتین نگهداری میشود، با فرضیه برگشت ناپذیری دلاری شدن سازگار است. اریکسون و کمین در مقاله خود اندازه جدیدی از دلاری شدن را بر پایه دادهها ارائه می کنند، و خطای اندازه گیری مرتبط با آن را مورد توجه قرار می دهند. تقریباً تمام مطالعات جانشینی پول و دلاری شدن در کشورهای در حال توسعه با اتکا بر دادههای سپردههای دلاری در سیستم بانکی داخلی گسترش دلاری شدن را نشان میدهد. این مطالعات ممکن است شواهد قابل ملاحظهای از استفاده گسترده از دلار را در کشورهای خاص نشان دهد، اما به طور کلی دادههای مربوط به مقدار دلارهای در گردش آمریکا در این کشورها در دسترس نیست. مدل آنها اندازه ضمنی تقاضای بلند مدت داراییهای دلاری مربوط به اثر برگشت ناپذیر را به دست میدهد، و نشان میدهد که مقادیر اندازهگیری شده با دادههای واقعی اندوختههای دلاری تشابه زیادی دارد. بنابراین، برگشت ناپذیری ممکن است جایگزینی برای موجودی دلارها باشد، که فرض قاطع برگشت ناپذیری حقیقی را تحقق می بخشد. عالمی۳۸با ذکر اینکه مدلهای گسترش یافته و تعدیل شده توابع تقاضای پول داخلی و خارجی، بین جانشینی پول (پول خارجی به عنوان وسیله مبادله) و دلاری شدن(پول خارجی به عنوان ذخیره ارزش) تفکیک قائل هستند، فرآیندی را که سود مربوط به سپردههای خارجی به صورت قابل توجهی افزایش مییابد به عنوان جانشینی پول تعریف میکند. وی جانشینی پول را به استفاده از پولهای مختلف به عنوان وسیله مبادله محدود میکند. سایر نویسندگان تعریف خود را به وظیفه ذخیره ارزش پول محدود می کنند. مقاله فوق تلاش می کند بین انگیزه های معاملاتی نگهداری پول خارجی و تنوع در پرتفوی تمایز قائل شود. ۲-۳-۲مبانی نظری و تجربی جانشینی پول با رویکرد کلان بررسی پدیده جانشینی پول با رویکرد کلان به این صورت است که پژوهشگر ابتدا نسبت حجم پول خارجی به پول داخلی را محاسبه مینماید. سپس این نسبت که در ادبیات جانشینی پول از آن به درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی(CS)یاد میشود را به عنوان متغیر وابسته در نظر میگیرند و متغیرهای کلان اقتصادی همچون نرخ بهره داخلی، نرخ بهره خارجی، نرخ تورم داخلی، نرخ تورم خارجی، حجم تجارت خارجی و سایر متغیرها را به عنوان متغیر مستقل در نظر میگیرد. چنانچه CS نسبت به متغیرهای کلان حساس باشد مؤید وجود جانشینی پول است. کالوو و رودریگز۳۹ یک مدل دو بخشی تعیین نرخ ارز برای یک اقتصاد کوچک با قیمتهای انعطاف پذیر را تحلیل میکنند. آنها فرض میکنند که ساکنین این کشور پول داخلی و پول خارجی نگهداری میکنند و دارای انتظارات عقلایی هستند. آنها همچنین فرض میکنند که تابع رجحان نقدینگی افراد به اختلاف بازده انتظاری پول داخلی و پول خارجی بستگی دارد. در مطالعه آنها اختلاف بین پول داخلی و خارجی به صورت نرخ کاهش ارزش پول داخلی در نظر گرفته شده است. نتیجه تحقیق آنها نشان می دهد که تقاضا برای پول داخلی با اختلاف بین نرخ بازده پول داخلی و خارجی رابطه معکوس دارد. میلز۴۰ به جای استفاده از روش مستقیم اندازهگیری درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی، روش دیگری را برای آزمون جانشینی پول پیشنهاد کردهاست. در این روش شدت جانشینی پول را می توان از واکنش نرخ ارز نسبت به تغییر در مازاد عرضه پول به دست آورد. به عبارت دیگر، اگر پول داخلی و پول خارجی جانشین یکدیگر نباشند، در نظام شناوری نرخهای ارز و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، افزایش مازاد عرضه پول داخلی به افزایش سطح قیمتها در اقتصاد ملی و ارزان شدن پول ملی منتهی میشود. اما در حالت جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی(در طرف تقاضا)، مازاد عرضه پول ملی می تواند به کشور دیگری انتقال یابد و با افزایش یکسان سطح قیمتها در هر دو کشور، نرخ ارز بدون تغییر میماند. آرنگو و ندیری۴۱ نشان دادهاند که هنگامی که پول داخلی ضعیف میشود، یا به عبارت دیگر، نرخ ارز افزایش مییابد، به احتمال زیاد تقاضا برای پول داخلی افزایش خواهد یافت. البته آنها توجه دارند که ممکن است افزایش نرخ ارز موجب کاهش تقاضا برای پول داخلی شود زیرا مردم ترجیح خواهند داد پول خارجی را جانشین پول داخلیکنند یعنی قانون گرشام معکوس خواهد شد و پول خوب پول بد را از بازار خارج خواهد کرد. اورتیز۴۲ واژه دلاری شدن را به عنوان درجه معاملات واقعی و مالی که با دلار انجام میشود نسبت به معاملاتی که با پول داخلی صورت میگیرد تعریف میکند. او اندازه درجه دلاری شدن اقتصاد را نسبت دلارهای درگردش به پول داخلی در گردش در هر لحظه از زمان تعریف میکند. وی ذکر می کند که در کشورهایی که پول خارجی جانشین پول داخلی میشود، سیاستهای پولی بیتأثیر است. کاربرد این فرضیه، این است که در دوره شناوری نرخ ارز کشش جانشینی بین پول داخلی و پول خارجی افزایش مییابد. اگر جانشینی پول یکی از عوامل تعیین کننده نرخ ارز شناور باشد استقلال پولی به صورت جدّی ضعیف خواهد شد. نتایج تحقیق اورتیز نشان می دهد که آثار پولی و واقعی دلاری شدن بر فعالیتهای اقتصادی به درجه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی بستگی دارد. اگر فرآیند جانشینی پول به حدی باشد که گردش پول داخلی را حذف کند یا به شدت کاهش دهد، کشوری که پول جانشین را منتشر میکند حق الضّرب پول را به خود اختصاص میدهد، و پایه مالیات تورمی در کشور داخلی کاهش خواهد یافت. انتقادی که به نتیجه نهایی اورتیز وارد است این است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه از جمله مکزیک، بخش مهمی از فرآیند دلاری شدن اقتصاد، در حجم پولهای خارجی در گردش نزد مردم نمود مییابد. از این رو، در نتیجه گیری نهایی باید توجه داشت، بخش مهمی از فرآیند دلاری شدن اقتصاد مکزیک در این برآورد نادیده گرفته شده است که میتواند نتیجه به دست آمده را تغییر دهد. رامیرز رویاس۴۳ تابع تقاضای پول کشورهای آرژانتین، مکزیک و اوروگوئه را برآورد میکند. وی ابتدا در پی یافتن عوامل تعیینکننده جانشینی نامتقارن ارز به جای پول ملی در کشورهای در حال توسعه، انتظار ارزان کردن پول ملی را از هر عامل دیگری که در این باره ممکن است به چشم آید مهمتر میشمرد. رامیرز رویاس۴۴ به بررسی وضعیت جانشینی پول در ۱۶ کشور در حال توسعه می پردازد. او جانشینی پول را تقاضا برای پول خارجی توسط ساکنین داخلی تعریف می کند. تقاضا برای پول خارجی اشکال گوناگونی دارد .اسکناسهای خارجی در گردش در داخل یک کشور، سپردههای داخلی یا خارجی که توسط ساکنین بر حسب پول خارجی نگهداری می شود. عوامل مؤثر بر جانشینی پول عوامل نهادی مثل ثروت واقعی، و اختلاف بین نرخ بازده واقعی انتظاری سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی است. رامیرز رویاس نشان میدهد که ۱۶کشور مبتلا به عارضه جایگزینی پول خارجی که وی آنها را مطالعه کرده است، با نوسان بسیار در حق الضّرب مواجه بوده اند و از طرفی نیز به دلیل نداشتن کنترل بر تورم نفعی هم از این حق عایدشان نشده است. کانتو و نیکلزبرگ۴۵ در کتابی به نام " جانشینی پول: نظریه و شواهدی از آمریکای لاتین " به بررسی مسائل پولی زیر در آمریکای لاتین می پردازند:۱- ارتباط بین پول و تورم؛۲- گرایش برنامه های تثبیت به افزایش نرخ تورم به جای کاهش آن؛۳- همزیستی پولهای داخلی و خارجی در کشورهایی با نرخهای تورم بالا و نرخهای بهره واقعی منفی بالا؛ رویکرد آنها فرمول بندی مجدد نظریه پولی برای اقتصادهایی است که تعادل پولی دارند و این نظریه را برای۴ کشور در آمریکای لاتین به کار میبرند.۴۶ نقطه آغاز این بررسی نظریه جانشینی پول است، مفهومی که مؤلفین مانند سایر نویسندگان هرگز تعریف دقیقی از آن ارائه نکرده اند. در عین حال این کتاب برای مطالعه پدیده جانشینی پول مفید است. کتاب فوق تلاش میکند پایه نظری برای وجود جانشینی پول فراهم کند. مدل ارائه شده یک مدل بهینه سازی بین زمانی خانوار است که فقط دو نوع دارایی(پول داخلی و پول خارجی)وجود دارد. این پولها فقط نقش ذخیره ارزش را بازی میکنند و تسهیل کننده معاملات نیستند. آنها فرض میکنند دو نوع پول یک نوع دارایی محسوب می شوند. مدل آنها دارای فروض معمول کلاسیک است که به نتیجه دو گانه می رسد، اگر فقط یک پول واحد وجود داشته باشد عرضه پول سطح قیمت را تعیین می کند. از طرف دیگر با حضور دو پول یکسان مادامی که

قیمت نسبی یک پول برحسب دیگری برونزا باشد سطح قیمتها نامتعین است. وقتی پولها جانشین کامل هستند نرخ ارز نامتعین است. نتایج تجربی آنها نشان می دهد که رابطه همزمان بین تغییرات عرضه پول و نرخ ارز منفی و معنیدار است. مدل آنها دوباره روی داراییهای پولی متمرکز میشود و داراییهای غیر پولی را حذف میکنند. وضعیت حدی را در نظر میگیرد که در آینده، در تمام کشورهای جهان پول خارجی بر پول داخلی غالب خواهد شد.۴۷ بنابراین در غیاب محدودیتهای دولت بر انتخاب پرتفوی، پول داخلی از گردش خارج خواهد شد. بعضی وقتها این پدیده به عنوان "جانشین سازی پولی " نامیده می شود که با "جانشینی پول" که همزمان هر دو پول داخلی و خارجی در گردش است متمایز است. . نتیجه نهایی تحقیق آنها این است که آزاد سازی نرخ ارز به کاهش هزینه کاربرد پولهای خارجی در مبادلات داخلی، ارزان شدن پول ملی، و دلاری شدن بیشتر اقتصاد ملی انجامیده است. ال ارین۴۸ پدیده جانشینی پول را اینگونه تعریف میکند: هرگاه پول خارجی به عنوان ذخیره ارزش، واحد سنجش و واسطه معاملاتی جانشین پول داخلی شود و این روند صعودی باشد فرآیند جانشینی پول رخ داده است. او عوامل مؤثر بر جانشینی پول را کاهش انتظاری ارزش پول داخلیکه به علت فشارهای تورمی داخلی صورت میگیرد، انتظارات کاهش نرخ ارز و کاهش نرخهای بهره واقعی پرداختی به سپرده های داخلی می داند. وگ۴۹ موضوع مالیات تورمی بهینه را در یک اقتصاد باز کوچک که هم پول داخلی و هم پول خارجی به عنوان وسیله مبادله در گردش هستند، بررسی میکند. این مقاله نشان میدهد که حضور پول خارجی دولت را قادر میسازد تا از طریق ایجاد نرخ بهره واقعی مثبت داخلی با اختلالاتی که به دلیل نرخ بهره واقعی مثبت خارجی در اقتصاد ایجاد شده است مبارزه کند. نتیجه مهم این مقاله در مورد ادبیات تورمی بهینه این است، که اگر پول به عنوان کاهش دهنده هزینههای مبادلاتی در نظر گرفته شود، نرخ بهره اسمی بهینه صفر است. بهمنی اسکویی و ملکسی۵۰ نشان دادهاند که در کوتاه مدت کاهش نرخ برابری ارز ممکن است تقاضا برای پول را افزایش یا کاهش دهد، ولی در بلند مدت این امر منجر به کاهش تقاضا برای پول داخلی خواهد شد. ملوین و لادمن۵۱ برای بررسی پدیده دلاری شدن اقتصاد بولیوی به علت در دسترس نبودن دادههای مربوط به پولهای خارجی در گردش در اقتصاد ملی، الگوهای طرف تقاضا را رها کرده و دلاری شدن اقتصاد را در طرف عرضه بررسی کردهاند. به نظر آنها چون فعالیتهای غیرقانونی با پول نقد(و در آمریکای لاتین با دلار) تأمین مالی می شود، بسیاری از دلارهای درگردش در اقتصاد کشورهایی مانند بولیوی، پرو و کلمبیا از راه فروش غیرقانونی مواد مخدر به دست میآید. بنابراین، دلاری شدن اقتصاد برخی از کشورهای آمریکای لاتین را می توان با تجارت مواد مخدر در آن کشورها همسو دانست. نتیجه تحقیق آنها این است که دلاری شدن اقتصاد کشورهایی مانند بولیوی که به طور غیر قانونی در زمینه مواد مخدر فعالیت دارند، به میزان زیادی با تولید و فروش این فرآوردهها ارتباط داشته است. کلمنتس و شوارتز۵۲ برای بررسی جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی بین سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۹۱درکشور بولیوی از مدلهای رامیرز روپاس و ارین استفاده میکنند و برای نشان دادن پایداری فرآیند جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی، یک متغیر روند به آن افزودهاند. آنها نشان داده ند که رابطه همسویی بین جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی با نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی و تفاوت نرخهای بهره پرداختی به سپردههای ارزی و سپردههای برحسب پول داخلی وجود دارد. راجرز۵۳با استفاده از یک الگوی خود رگرسیون برداری(VAR)پدیده جانشینی پول بین مکزیک و کانادا بررسی نمودهاست. وی ابتدا با استفاده از نمودار نسبت سپردههای دلاری به سپردههای برحسب پول داخلی نزد شبکه بانکی مکزیک نشان داده است که با وجود افزایش نرخ انتظاری ارزان کردن پول ملی، در سال۱۹۸۲نسبت مورد نظر به یکباره فرو افتادهاست. یافته او با تجربه جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی در کشورهای دیگرمطابقت ندارد. به نظر راجرز این ناهمسویی رفتار دلاری شدن اقتصاد مکزیک و نرخ انتظاری ارزان کردن پول ملی را میتوان به کمک خطر تبدیل ناپذیری سپردههای ارزی شرح داد. در مجموع نتایج به دست آمده از برآورد راجرز فرضیه وی را در مورد خطر تبدیل ناپذیری دلارهای سپرده شده به بانکهای مکزیک را تأیید می کند. نتیجه نهایی وی نشان میدهد که تحلیل پدیده جانشینی پول نسبت به داده ها بسیار حسّاس است . استرزینگر۵۴ یک مدل جانشینی پول معرفی میکند. در مدل او عوامل اقتصادی خریدهای خود را با پول داخلی و خارجی انجام می دهند. در اقتصادی که عوامل اقتصادی اجازه دارند از سایر ابزارهای پرداخت استفاده کنند، رفاه افزایش می یابد. وی با استفاده از قواعد مالیات رمزی نشان می دهد که جانشینی پول بار تورمی را به تقاضای کالاهای بی کشش انتقال می دهد. نویسنده نشان می دهد که تورم آثار توزیعی قوی دارد، وقتی جانشینی پول وجود دارد عوامل اقتصادی با درآمد بالا، سود و عوامل اقتصادی با درآمد پایین، زیان می برند. در آغاز نظریههای جانشینی پول به خاطر محدودیتهای تابع مطلوبیت فرض میکردند که جانشینی پولها ناقص است۵۵ در جهان دو کشوری لوکاس، کالاها در هر کشور فقط با پول داخلی معامله میشوند. در مقاله کارکن و والاس۵۶ فرض می شود که هر دو پول جانشین کامل هستند، فرض جانشینی کامل پولها به عدم تعیین نرخ ارز منتهی میشود. درکارهای جدیتر توسطاستوکمن۵۷، اسونسون۵۸وسایرین با پیروی از روش لوکاس۵۹ نااطمینانی و جزء احتیاطی تقاضای پول حذف شده است، هرچند هنوز محدودیت اینکه هر کالا با پول داخلی خریداری می شود وجود دارد. شباهت مدل استرزینگر با مدل لوکاس در این است که در هر دو مدل هم پول نقد و هم پول اعتباری وجود دارد، کالاهای دلاری شده نقش پول اعتباری را در مدل آنها بازی می کند با وجود این مدل استرزینگر با مدل لوکاس و استوکی این تفاوت را دارد که انتخاب اینکه کالا در کدام طبقه قرار می گیرد درونزا است. سامرز۶۰ قائم مقام وزارت خزانه داری آمریکا در ۲۲آوریل ۱۹۹۹در مجلس سنای آمریکا در سخنرانی خود میگوید: مسأله مهمی که پس از بحرانهای سالهای اخیر مطرح شده، مشکل حفظ رژیم ارز ثابت و یا شبه ثابت می باشد. در تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین مسأله قبول دلار آمریکا به عنوان پول رایج در کشور(دلاری کردن اقتصاد) مطرح شده است. برای هر کشوری انتخاب پول کشور دیگر به عنوان پول رایج، تصمیمی مهم محسوب می شود، و باید هزینه ها و منافع بالقوّه آن به دقت مورد بررسی قرار گیرد. غیر قابل برگشت بودن قبول دلار به عنوان پول رایج کشور، میتواند از طریق افزایش اعتبار و نظم سیاستهای اقتصادی و حرکت آن کشور به سوی ادغام در اقتصاد جهانی موجب امید به کاهش نرخهای بهره، افزایش ثبات و احتمالاً ـ ایجاد بازارهای مالی عمیقتر شود. از سوی دیگر کشور باید آماده باشد که به طور غیرقابل برگشتی سیاست پولی را در انقیاد آن نظم در آورد. علاوه بر آن دولتی که قصد دارد دلار را جایگزین پول ملی خود قرار دهد باید از دست دادن درآمد حاصل از ضرب سکه و نشر اسکناس(حق الضّرب) را بپذیرد. اگر کشوری تصمیم به قبول دلار به عنوان پول رایج خود بگیرد، می توان انتظار داشت که امریکا از این اقدام سود می برد. آشکارترین ولی کم اهمیت ترین آنها در درازمدت این است که کشورهای دیگر با قبول دلار به عنوان پول رایج خود در واقع یک وام بدون بهره به دولت امریکا می دهند. مونگاردینی و مولر۶۱ بین دلاری شدن اقتصاد و جانشینی پول تمایز قائل می شوند. در ادبیات اقتصادی تجربی، جانشینی پول (CS) را به عنوان نسبت سپرده های ارزی به کل سپردهها تعریف میکنند. به نظر آنها نااطمینانی اقتصادی، افزایش انتظارات تورمی، فشارهای گسترده بر نرخ ارز موجب جانشینی پول گردیده است. آنها دلاری شدن اقتصاد و جانشینی پول را در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق به ویژه قرقیزستان بررسی میکنند. و نتیجه میگیرند در تمام کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق جانشینی پول به سرعت افزایش یافتهاست. آنها برای محاسبه اثر برگشت ناپذیر(چرخ دندهای)۶۲ بالاترین مقدار گذشتهمتغیرهای نرخ بهره، نرخ تورم یا نرخ کاهش ارزش پول ملی را در نظر گرفتهاند. شواهد تجربی آنها نشان میدهد که برگشت ناپذیری در تابع تقاضای پول در کشورهای با تورم بالا به این شکل ظاهر میشود که وقتی تورم به سطح بیسابقه خود افزایش مییابد کشش تقاضا برای پول بالاتر از زمانی است که تورم کاهش مییابد. نتایج تحقیق آنها نشان میدهد که اختلاف نرخ بهره و کاهش ارزش پول ملی تعیین کنندههای معنی داری در فرآیند جانشینی پول در اقتصاد قرقیزستان هستند. در قرقیزستان پول خارجی نقش ذخیره ارزش را بازی میکند لذا در مرحله دلاری شدن قرار گرفته و هنوز وارد مرحله جانشینی پول برای انجام معاملات و سنجش کالاها نشدهاست. آنها برای کاهش درجه جانشینی پول این روش را پیشنهاد میکنند که داراییهای مالی از طریق طولانی کردن سررسید اوراق بهادار داخلی مخصوصاً اوراق بهادار و اوراق قرضه دولتی که میتواند پایه و مبنای اوراق بهادار خصوصی قرار گیرد گسترش یابد. ادواردز و مگندزو۶۳ به بررسی تأثیر دلاری شدن بر تورم و رشد اقتصادی میپردازند، مطالعه آنها با رویکرد کلان صورت گرفته است، سؤال اصلی آنها این است که: آیا دلاری شدن موجب تورم کمتر و رشد سریعتر می شود؟ درسال ۲۰۰۰اکوادور پول

خود را کنار گـذاشت و دلار آمریکا را به عنوان پول رایج پذیرفت. اسالوادور در طی سال ۲۰۰۱دلار را پذیرفت و در ماه می ۲۰۰۱ در گواتمالا دلار به عنوان پول رایج پذیرفته شد. حمایت کنندگان از دلاری شدن که میگویند که کشورها به این دلیل پول خود را کنار میگذارند که قادر نیستند مشکلات پولی کلان خود را حل کنند. برطبق این نظریه دلاری شدن دو اثر مثبت عمده بر عملکرد اقتصاد دارد:۱- اینکه تورم در کشور دلـری شـده نسبت به کشور دلاری نشـده کمتر است.۲- اینکه کشورهای دلاری شده رشـد سریعتری نسبت بـه کشـور هـای دلـری نشدهدارنـد. شاهـد موجـود آنهـا بر تجربـه پاناما بنـا شـدهاست، کشـوری کـه دلـر را از سال۱۹۰۴به عنوان پول رایـج پـذیرفتهاست. یافتههای ادواردز و مگنـدزو نشان میدهـد که تورم در کشورهای دلاری شده نسبت به کشورهای دلاری نشـده بطور معنیـداری کمتر است. یافتههای آنها نیز نشان میدهـد که کشورهای دلاری شـده نسبت به کشورهای دلاری نشده نرخ رشد اقتصادی پایینتری دارند. تنها پژوهش نظری فارسی در زمینه جانشینی پول مقالهای است که به خلعت بری۶۴ تعلق دارد. خلعت بری در مقاله خود صرفاً به بحث نظری در زمینه جانشینی پول می پردازد. ویژگیهای دلاری شدن را بر می شمارد فرمول محاسبه جانشینی پول خـارجی به جای پول ملی را ارائه می نمایـد و در پایان به معایب دلاری شـدن اقتصاد می پردازد و بر جنبه های تخریبی عارضه دلاری شـدن از دیـدگاه اقتصاد ملی تأکید میکند. خلعت بری بدون انجام کار تجربی دلاری شدن اقتصاد ایران را در اواخر دهه۱۳۶۰و اوایل دهه۱۳۷۰رو به رشد می داند.۲-۳-۳ مبـانی نظری و تجربی جانشـینی پول با رویکرد تابع تولید بررسـی پدیده جانشینی پول با رویکرد تابع تولید به این صورت است که پژوهشـگر پول داخلی و پول خارجی را به صورت عوامل تولیـد و خـدمات پولی را به عنوان محصول فرض می کنـد، سپس خـدمات پولی را نسبت به کل دارایی موجود حـداکثر میکند و مقدار پول خارجی حداکثر کننده تابع تولید را به دست میآورد. نسبت پول خارجی به داخلی را محاسبه مینماید و چنانچه این نسبت بزرگ باشـد نـتیجه میگیرد کـه جانشـینی پـول مسأله جـدی اسـت. میلز۶۵ موضـوع نگهـداری پول خـارجی و هزینههـای مبادلـتی خریـدهای خـارجی را مـورد بررسـی قرار میدهـد. به نظر میلز در منازعـات مـداوم نرخ ارز ثـابت در مقابـل نرخ ارز شـناور یکی از مهمـترین بحثهـا به نفـع نرخ ارز شـناور این است که نرخ ارز شـناورعرضه پـول کشـور را از گسـترش پولی باقیمانـده جهـان مصون میـدارد. تحت نرخهـای ارز ثـابت این اسـتقلال پولی وجود نـدارد، زیرا با تثبیت ارزش پول داخلی بر حسب پول خارجی، در طرف عرضه بانک مرکزی پول خارجی را به طور کامل جانشـین پول داخلی میکنـد. تحت نرخهای ارز شـناور تراز پرداختها همیشه صـفر است. نرخ شـناور ارز موجب میشود که پولها در طرف عرضه جانشـین کامل نباشـند. فقـدان دخالت بانک مرکزی، همراه با حـذف جانشـینی پولها در طرف عرضه به نوبه خود فرض می کند که جریان خالصی از پولها در میان کشورها وجود ندارد و استقلال پولی کامـل است. این فرض به طور ضـمنی اشـاره دارد که در طرف تقاضا نیز پولها جانشـین هم نیستند. فرض می شود که پول خارجی برای انجـام معـامله، یا با انگیزه سوداگری یا هـدف احتیاطی نگهـداری نمیشود. در شـرایط بین المللی حاضـر این فرض مورد شـک است. شخصـی که خواهـان خریـد کالاـ یـا خـدمت از کشـور خـارجی است، انگیزه معاملاـتی برای نگهـداری پـول خـارجی دارد. صادرکننـدگان، واردکننـدگان، بازرگانانی که به خارج سـفر میکننـد، توریسـتها و ساکنین مناطق مرزی همه انگیزههایی برای تنوع بخشـیدن به بالانسـهای پولی خود دارنـد. با نگهـداری پول خارجی هزینه معاملاتی خریدهای خارجی آنها کاهش می یابد. صـرف وجود پول خـارجی بیشتر نسبت به پول داخلی در یـک کشور شـرط کـافی برای جانشـینی پول نیست. به دلایـل نهـادی یـا تاریخی ممکن است مقداری پول خارجی در یک کشور وجود داشته باشد. برای وجود جانشـینی پول نه تنها باید پول خارجی وجود داشته باشـد بلکه سـطح این پولهـا بایـد در پاسخ به متغیرهای اقتصادی تغییر کنـد. ضـمناً شـرط لازم برای جانشـینی پول این نیست که هر شخصـی مقداری پول خارجی نگهداری کند. جانشینی پول به این معنی است که در سطح ارزش جاری متغیرهای اقتصادی هم پول خارجی و هم پول داخلی نگهـداری میشود و نگهدارنـده آنها نهایتاً بین پول داخلی بیشتر یا پول خارجی بیشتر بیتفاوت است. میلز و استوارت۶۶ به بررسـی پدیـده جانشینی پول میپردازنـد. آنهـا میزان بهینه نگهـداری پول داخلی و پول خـارجی را تـابعی از ریسـک انتظاری و بازده نسبی دو پول در نظر گرفتهانـد. در قـدم بعـدی، برای نشان دادن تأثیر نااطمینانی به ارزش آتی نرخهای برابری پول داخلی و پولهای خارجی؛ رفتار عقلانی ساکنان را در این حالت، با حـداکثرسازی خالص سود انتظاری به دست آمـده از نگهـداری پول داخلی و پول خـارجی نشـان می دهنـد. آنهـا میزان بهینه نگهـداری پول داخلی و پول خـارجی را تـابعی از ریسـک انتظاری و بازده نسبی دو پول در نظر گرفتهاند. بر پایه آنچه در الگوی پیشـنهادی میلز(۱۹۷۸) ملاحظه شد، ساکنان کشور برای حداکثرسازی خدمات پولی با توجه به هزینه فرصت نگهداری دو نوع پول با مسأله حداکثر سازی بالا روبرو هستند. مارکوئز۶۷برای بررسی پدیده جانشـینی پول بـا رویکرد تـابع تولیـد الگوی نظری سـاده ای را در نظر میگیرد که بر پایه آن، بنگاهها به منظور حـداقل کردن هزینه فراهم کردن یک سـطح مفروض خدمات پولی، درباره ترکیب بهینه تراز مبادلاتی پول داخلی و پولهای خارجی تصـمیم می گیرند. وی فرض میکند، فعالیت تولیدی بنگاه در گرو سـطح مفروضی از خدمات پولی است که میتواند با ترکیبی از پول داخلی و خارجی به دست آیـد. تقاضای پول داخلی به نرخهای بهره داخلی و خارجی، نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی، و به میزان خدمات پولی مورد نیاز بسـتگی دارد. افزایش نرخ بهره داخلی یا نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی، هزینه دریافت وام را افزایش، و مانـده بهینه پول ملی را کـاهش می دهـد. از طرف دیگر، افزایش نرخ بهره خـارجی یـا میزان خـدمات پولی مورد نیاز، مانـده بهینه پول ملی را افزایش می دهد. در این الگو، با توجه به شدت جانشینی بین پول ملی و پول خارجی در تولید خدمات پولی، افزایش هزینه خدمات فراهم شـده توسـط پولهـای خـارجی، نگهـداری مانـده پـول ملی را افزایش می دهـد. اگنور و خـان۶۸ جانشـینی پـول را به صورت فرآینـدی که پول خارجی به عنوان ذخیره ارزش، واحد حساب و وسیله مبادله جایگزین پول داخلی می شود تعریف میکنند. به نظر آنهـا این پدیـده در کشورهـای درحـال توسعه درحـال گسـترش است. این پدیـده که دلـری شـدن اقتصـاد نیز نامیـده می شود در کشورهـایی مشاهـده میشود که در سـطوح توسـعه مالی، درجه یکپارچگی و رژیم ارزی خود با باقیمانـده جهان اختلاف دارنـد. در بعضـی موارد، مخصوصـاً هنگـامی که نرخ تورم و نااطمینانی در مورد سیاسـتهای داخلی بالا می باشـد اسـتفاده از پول خارجی برای فروشها و قراردادهای داخلی نیز صورت می گیرد. اگنور و خان ترکیب بهینه نگهداری پول داخلی و پول خارجی را به کمک یک الگوی بهینه سـازی پویـای رفتار خانوار، و بر اساس فرضـیه انتظارات عقلایی با اسـتفاده از تابع تولیـد کاب- داگلاس طراحی کرده انـد. به نظر آنهـا اغلب مطالعات تجربی بر دو فرض محـدود کننـده زیر بنا شـده انـد: ۱- مـدلهایتجربی موجود فرض میکننـد عوامل اقتصادی ترکیب بهینه نگهـداری پول خود را بـدون توجه به آینـده تعیین میکننـد.۲- محـدودیت دوم مطالعات موجود ناشـی از این واقعیت است که معمولاًـ درجه جانشـینی پـول بـدون در نظر گرفتن آشـکار وجود انـدوختههای ارزی تخمین زده میشود. این مقـاله رابطه تقاضـا برای سپردههـای داخلی و خارجی توسط ساکنین کشورهای درحالتوسـعه را بررسـی میکنـد. مـدل بر فروض انتظارات عقلایی بنا شده است. ابتدا ترکیب بهینه نگهداری پول از یک مدل بهینه سازی رفتار خانوار بدست میآید سـپس دارایی واقعی پولی در چارچوب هزینههای تعدیل چند دورهای با رویکرد ذخیره اتکایی تعیین می شود. این مطالعه از نرخ بهره خارجی و ما بهالتفاوت نرخ ارز در بـازار رسـمی و بازار موازی اسـتفاده میکنـد. انتقادی که به لحاظ نظری بر رویکرد اگنور و خان وارد است این است که آنها دلاری شـدن را پـذیرفته اند و با تابع تولید خود می خواهند حجم بهینه پول داخلی و خارجی که تابع تولید آنها را حداکثر می کند به دست آورند. به طور کلی رویکرد تابع تولید جانشـینی پول به عنوان پیش فرض جانشـینی پول را پذیرفته است و پول داخلی و پول خـارجی را به عنوان عوامـل تولیـد میدانـد و فقـط به دنبال مقـدار بهینه هر کـدام از دو پول است. درتحقیقات با رویکرد تابع تولیـد کشورهای بنگلادش، برزیل، اکوادور، انـدونزی، مالزی، مکزیک، مورو کو، نیجریه، پاکسـتان و فیلیپین دلاری شـده محسوب شدهاند.۲-۳-۴ مبـانی نظری جانشـینی پول بـا رویکرد تـابع مطلوبیت بررسـی پدیـده جانشـینی پول بـا رویکرد تابع مطلوبیت به این صورت است که پژوهشـگر پول خـارجی و پول داخلی را وارد تـابع مطلوبیت می کنـد و باتوجه کل درآمـد جامعه تابع را حـداکثر نموده مقادیر پول داخلی و پول خارجی حـداکثر کننده مطلوبیت را به دست می آورد و از نسبت پول خارجی به پول داخلی درجه جانشـینی پول را محاسـبه می نماید، و از آن طریق فرضیه جانشینی پول را آزمون می کند. کالو۶۹ با استفاده از مدل سیدراسکی۷۰ تـابع مطلـوبیت جدیـدی پیشـنهاد میکنـد که علـاوه بر مصـرف و پـول داخلی، پول خـارجی نیز در تـابع مطلوبیت وارد میشود. کـالو دریـافت که اثر کامـل تغییر درسیاست پولی فقط به درجه جانشـینی بین مصـرف و خـدمات نقـدینگی بسـتگی دارد. نتایـج او نشان

میدهد که اینکهکاهش دائمی در رشد تقاضای پول داخلی به افزایش دائمی یا کاهش دائمی نرخ ارز منتهی می شود، بستگی دارد که آیا کشش جانشینی پول از کشش جانشینی بین مصرف و خدمات نقدینگی بزرگتر یا کوچکتر است. ملوین[۷۱] با رویکرد تابع مطلوبیت به بررسی پدیده جانشینی پول در کشورهای بولیوی و مکزیک میپردازد. وی دلاری شدن را یک فرآیند بهسازی پولی برخاسته از طرف تقاضا میداند که به هنگام ناتوانی بانک مرکزی در فراهم آوردن اعتماد به پول ملی پدیدار میشود. ملوین، با در نظر گرفتن سبد داراییهای مالی افراد و بنگاهها، فرض میکند که آنها موجودی سبد داراییهای مالی خود را براساس میزان مطلوبیت به دست آمده از پول داخلی و پول خارجی بهینه میکنند، و این مطلوبیت، خود به ارزش واقعی مصرف کالاها و خدمات، و جریان خدمات پولی که توسط ترکیبی از ماندههای واقعی پول داخلی و پول خارجی به دست می آید، بستگی دارد. بوفمن و لیدرمن[۷۲] چنین ذکر میکنند که تغییر در درجه جانشینی پول به تغییر در تأثیر سیاستهای پولی و مالی و بهینه بودن تغییر رژیم نرخ ارزی بستگی دارد. برای مثال، اگر درجه جانشینی پول بالاـ باشد، تغییرات کوچک در عرضه پول تغییرات بزرگی در نرخ ارز ایجاد خواهد کرد. آنها همچنین افزایش جانشینی پول را مستلزم تعدیل سیاست مالی میدانند زیرا جانشینی پول پایه مالیات تورمی را کاهش میدهد. بوفمن و لیزرمن یک عامل نماینده را با عمر نامحدود فرض میکنند که مطلوبیت خود را از مصرف یک کالای واحد و خدمات نقدینگی همراه با نگهداری پول داخلی و خارجی به دست می آورد.۲-۴ بررسی کارهای تجربی در ایران در این بخش ابتدا تاریخچه دلاری شدن در ایران را بررسی میکنیم و سپس کارهای تجربی انجام شده را مرور میکنیم.۲-۴-۱ تاریخچه دلاری شدن در ایران روند حجم دلارهای درگردش برآورد شده در این تحقیق نشان میدهد که تاریخچه دلاری شدن در ایران به اوایل دهه ۱۳۵۰که درآمدهای نفتی تقریباً چهار برابر شد بر میگردد پس از انقلاب نیز از اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ که خرید و فروشهای دلاری و به طور کلی ارزی به پیشنهاد سازمانها و مؤسسات دولتی مختلف آغاز گشت و به تدریج در بیشتر فعالیتهای اقتصادی از جمله فروش بلیت هواپیما رسوخ نمود شدت دلاری شدن رو به افزایش گذاشت.

۲-۴-۲ پژوهشهای تجربی انجام شده

درایران

تحقیقات تجربی که در این زمینه در ایران صورت گرفته بسیار محدود است و به طور خلاصه در اینجا مورد بررسی قرار میگیرد: اولین پژوهش تجربی در این زمینه پایان نامه کارشناسی ارشد زالپور[۷۳]است. در پایان نامه وی جانشینی ارز به جای پول ملی به این صورت تعریف شدهاست: هنگامی که پول ملی از پس کارکردهای سنتیاش برنمیآید و به ناچار حوزه نفوذ خود را در اقتصاد ملی به پولهای خارجی می سپارد جانشینی پول صورت میگیرد. بر اثر جانشینی ارز به جای پول ملی اجرای سیاستهای پولی، بودجهای و ارزی در اقتصاد ملی نافرجام میماند. جانشینی ارز به جای پول ملی در دهههای اخیر موجب بحرانهایی در کشورهای در حال توسعه شدهاست. زالپور در پایان نامه خود به کارکردها و نقش پول ملی میپردازد. او علت اصلی دلاری شدن اقتصاد ایران را در سالهای پس از انقلاب تفاوت چشمگیر نرخ رسمی ارز با نرخ بازار سیاه ارز و افزایش نااطمینانی و ناپایداری اقتصاد ایران در سالهای پس از انقلاب اسلامی میداند. زالپور حجم دلارهای درگردش را از تفاوت ارقام واردات و صادرات که توسط گمرک و بانک مرکزی گزارش شده به دست آوردهاست و آنها را جایگزین حجم دلارهای درگردش کردهاست استدلال او این است که تمام وجوه حاصل از صادرات به حساب بانک مرکزی واریز نشدهاست و ارقام واردات بیشتر صورت داده شدهاست. زالپور درجه جانشینی پول را از رابطه زیر به دست آوردهاست:نرخ ارز در بازار موازی*حجم دلارهای درگردش$M2$زالپور پس از محاسبه دلارهای درگردش و درجه جانشینی پول (CS)، درجه جانشینی پول را تابعی از متغیر روند، نااطمینانی و نرخ بازار سیاه ارز گرفتهاست. دوره مورد بررسی زالپور سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۱و دادههای نمونه او ماهیانهاست.نتایج تحقیق زالپور عبارتست از: ۱- افزایش نرخ انتظاری ارزان کردن پول ملی به افزایش جانشینی ارز به جای پول ملی انجامیده است. ۲- افزایش نااطمینانی و ناپایداری اقتصاد ملی، جانشینی ارز به جای پول ملی را افزایش داده است. ۳- افزایش مبادلات اقتصادی با جانشینی ارز به جای پول ملی رابطهای همسو داشته است.۴ - با گذشت زمان، جانشینی ارز به جای پول ملی در اقتصاد ایران بیش از پیش افزایش یافته است. انتقادی که به تحقیق زالپور وارد است این است که تفاوت ارقام بانک مرکزی و گمرک در مورد صادرات و واردات ناشی از تفاوت در زمان ثبت ارقام و تفاوت شیوه محاسبه آنها است زیرا گمرک در زمان صادرات و واردات فیزیکی کالا مقدار و ارزش آنها را ثبت میکند ولی بانک مرکزی در زمان واریز مبالغ صادرات و واردات آنها را ثبت میکند و نمیتواند مبنای محاسبه دلارهای درگردش باشد. بیشتر مأخذ حجم دلارهای درگردش کانالهای غیر رسمی صادرات و واردات است که در محاسبه زالپور منظور نشده است.زالپور هیچ گزارشی از محاسبات خود در مورد دلارهای درگردش و درجه جانشینی پول ارائه نکردهاست. دومین پژوهش تجربی مقاله نوفرستی[۷۴] است که به مطالعه تجربی تقاضای پول در محدوده سالهای ۱۳۳۸ تا۱۳۷۱پرداخته و به این نتیجه میرسد که دراقتصاد ایران، هم افزایش نرخ برابری ارز، و هم افزایش نرخ تورم موجب کاهش تقاضا برای پول داخلی میشود. البته چگونگی اثر گذاری تغییرات نرخ برابری ارز و همچنین نرخ تورم بر تقاضای پول، چه از نظر مبانی تئوریک و چه از نظر شواهد تجربی، همچنان مورد اختلاف نظر اقتصاددانان است. سومین کارتجربی مقاله یزدان پناه و خیابانی[۷۵] است که دلایل دلاری شدن اقتصاد را ذکر میکنند و علت دلاری شدن اقتصاد ایران در سالهای پس از انقلاب را کاهش ارزش ریال، محدودیتهای بازارهای مالی و سرمایه، ممنوعیت انتشار اوراق قرضه، کم رونق بودن بازار بورس و تورم میدانند. آنها با تلفیق روشکمین و اریکسون (۱۹۹۳) و روش بردار همجمعی جوهانسون جوسیلیوس (۱۹۹۰ و۱۹۹۴) دلارهای در گردش را برای سه دوره۱۳۵۹-۱۳۶۴و۱۳۶۵-۱۳۶۸ و ۱۳۶۹-۱۳۷۲ برآورد کرده و پس از تقسیم آن برحجم نقدینگی به اضافه دلارهای برآورد شده درجه دلاری شدن را به دست آورده اند. آنها درجه دلاری شدن اقتصاد ایران را برای سه دوره فوق به ترتیب ۱و۴ و۷ درصد محاسبه نموده و نتیجه میگیرند که درجه دلاری شدن طی دوره های مورد بررسی افزایش یافته است. انتقادیکه به کار یزدان پناه و خیابانی وارد است این است که آنها به جای متغیر اصلی مدل کمین و اریکسون یعنی حداکثر نرخ تورم تا زمان مورد بررسی(Pmax) از نسبت لگاریتم CPI ایران به CPI آمریکا استفادهکردهاند و متغیرهای نرخ ارز و نرخ بهره را نیز از مدل حذف کردهاند که این امر موجب بزرگ شدن عرض از مبدأ می شود و اثر ضرایب متغیرهای حذف شده به ضرایب متغیرهای باقی مانده از جمله نسبت لگاریتم CPIایران بهCPI آمریکا ،GDP و LCPI ومنتقل شدهاست و چون ضریب نسبت لگاریتم PIایران بهCPI آمریکا درمعادله برآورد حجم دلارهای درگردش به صورت توان عدد نپرین ظاهر میشود حجم دلارهای درگردش را از میزان واقعی آن کمتر نشان داده است. یزدان پناه وخیابانی دادههای برآورد شده در مورد دلارهای درگردش و درجه جانشینی پول را درمقاله خود گزارش نکردهاند. چهارمین پژوهش تجربی مقاله لشکری و فرزین وش است.[۷۶] آنها با استفاده از روش کمین و اریکسون[۷۷] ابتدا حجم دلارهای در گردش را به صورت سری زمانی بر آورد نموده وسپس به محاسبه درجهجانشینی پول بهصورتسریزمانیمیپردازند. فرضیه آنها این بودهاست که دراقتصاد ایران روند درجه جانشینی پول صعودی بودهاست. نتایج تحقیق آنها نشان میدهد که علیرغم کاهش حجم دلارهای درگردش دربعضی از سالها درطول دوره مورد بررسی، روند درجه جانشینی پول صعودی بودهاست، بنابراین فرضیه تحقیق آنها تأیید میشود. تفاوت پژوهش آنها با پژوهشهای قبلی این است که این پژوهش درجه دلاری شدن اقتصاد ایران را به صورت سری زمانی برآورد نموده است. پنجمین پژوهش تجربی مقاله فرزین وش و لشکری[۷۸] است. آنها با استفاده از روش بوردو وچودری[۷۹] و با استفاده از حجم دلارهای در گردش که در مقاله قبلی برآورد کردهاند دو تابع تقاضا برای پول داخلی و خارجی تخمین میزنند. تقاضا برای پول داخلی و خارجی را تابعی از متغیرهای نرخ بهره داخلی و خارجی، نرخ تورم داخلی و خارجی، نرخ ارز و ارزش واردات و تولید ناخالص داخلی در نظر می گیرند. و با توجه به ضرایب متغیرهای مستقل پدیده جانشینی پول را در ایران آزمون می کنند. آنها نشان می دهند که جانشینیپول عامل مهمی در تابع تقاضای پول داخلی و خارجی توسط ساکنین است. چون تقاضا برای پول خارجی با متغیر مقیاس(gdp) رابطه مستقیم دارد لذا طبق نظریه کادینگتون اقتصاد ایران وارد مرحله جانشینی پول شده و از مرحله دلاری شدن عبور کرده است زیرا انگیزههای معاملاتی بر انگیزههای پرتفوی غالب شدهاست. این پژوهش اولین پژوهشی است که تابع تقاضا برای پول خارجی توسط مردم ایران را برآورد کرده است. به طورکلی همه تحقیقات انجام شده در ایران وجود

پدیده جانشینی پول را در ایران تأیید میکنند و تمام آنها روند آن را صعودی میدانند. علت اصلی این پدیده نرخ بالای تورم و کاهش ارزش پول ملّی گزارش شده است.۳ -خلاصه ونتیجه گیری جانشینی پول به پدیدهای اطلاق میشود که مردم یک کشور ترجیح میدهند در پرتفوی دارایی خود به جای پول داخلی پول خارجی نگهداریکنند. این امر دلایل متعددی دارد که مهمترین آنها کاهش مداوم ارزش پول ملی، تداوم تورم شدید، بیثباتی اقتصادی، منفیبودن نرخهای واقعی بهره، خروج سرمایه به علت مهاجرتهای قانونی و غیرقانونی و گسترش فعالیتهای قاچاق کالا است. به نظر میرسد که علت اصلی افزایش درجه جانشینی پول نرخهای تورم بالا، منفی بودن نرخ واقعی بهره داخلی نسبت به نرخ بهره خارجی و سیر نزولی ارزش پول ملی میباشد. پیشبرد علمی این مقاله چنین است: که اقتصادهای باز کوچک مثل ایران در تابع تقاضای پول داخلی خود علاوه برمتغیرهای نرخ بهره داخلی، نرخ تورم و درآمد داخلی باید متغیرهای نرخ ارز بازار موازی و نرخ تورم و نرخ بهره خارجی را نیز وارد نمایند.

فهرست منابع و مآخذالف. فهرست فارسی:۱- بهمنیاسکویی، محسن(۱۳۷۲)؛ " اثراتکلان اقتصادی کاهش ارزش خارجی ریال ایران در دوران پس از انقلاباسلامی"؛ گزارش سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۷۲؛ صص۸۷-۱۲۰.۲- بهمنیاسکویی، محسن(۱۳۸۰)؛ " نرخ ارز بازار سیاه و تقاضا برای پول در ایران"؛ پژوهشها و سیاستهای اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ شماره۱۹؛صص۳-۹.۳- خلعتبری، فیروزه(۱۳۶۸)؛ " اقتصاد دلاری و سپردههای ارزی: بحث نظری و مفاهیم آن از دید اقتصادکلان" ؛ اقتصاد مدیریت؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ شماره۱؛ صص۴۹-۲۹.۴- خلعتبری، فیروزه(۱۳۶۹)؛" اقتصادزیرزمینی" ؛ مجله رونق؛ سال اول؛ شماره۱؛ صص۵-۱۱ و شماره۲ ؛صص۱۱- ۱۸.۵-"دلاری شدن اقتصاد: نگاهی به تجربه کشورهای امریکای لاتین" (۱۳۷۱)؛ گزارش تحقیقی شرکت سرمایهگذاری سازمان صنایع ملّی ایران؛ قسمت پژوهش و مشاوره؛ شماره۲۳؛ صص۱-۱۱.۶- زال پور، غلامرضا(۱۳۷۳)؛ جانشینی ارز به جای پول ملّی در اقتصادایران؛ پایاننامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت مدرس.۷- سامرز، لورنس(۱۹۹۹)؛ "دلاریشدناقتصاد کشورهایآمریکایلاتین"؛ خبرگزاری رویتر؛ ترجمه اداره مطالعات و سازمانهای بینالمللی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ؛ صص۱-۶.۸- ساهای، راتنا و کارلوس وگ(۱۳۸۰)؛ "دلاری شدن اقتصاد کشورهای درحالگذر"؛ ترجمه کورش معدلت؛ مجله اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ دوره دوم؛ سال اول؛ شماره دوم؛ صص۲۶-۳۰.۹- عربمازاریزدی، علی(۱۳۸۰)؛ "اقتصاد سیاه درایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر " ؛ مجله برنامه و بودجه شماره ۶۲و۶۳ ؛ صص۳-۶۰.۱۰-کمیجانی، اکبر و رافیکنظریان (۱۳۷۰) ؛ "سنجش درجه جانشینی میان پول و شبه پول در اقتصاد ایران"؛ اقتصاد و مدیریت؛ شمارههای ۱۰و۱۱.۱۱- نوفرستی، محمد(۱۳۷۴)؛" رابطه تقاضا برای پول با نرخ برابری ارز و نرخ تورم"؛ برنامه و توسعه ؛ دوره۲؛ شماره۱۱؛صص۱-۱۳ .۱۲- والکر، مارتین(۱۳۷۸)؛"رام کردن دلار"؛ نامه اتاق بازرگانی؛ شماره۱؛ صص ۴۰-۴۳.۱۳- والکر، مارتین(۱۳۷۸)؛"رام کردن دلار"؛ نامه اتاق بازرگانی؛ شماره۲؛صص ۳۲-۳۵.۱۴-یزدانپناه،احمد و ناصرخیابانی(۱۳۷۵)؛" جایگزینی پول ملّی (دلاری شدن اقتصادایران)"؛ مجموعهمقالات ششمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ صص۳۳۵-۹ ۳۵.

الف .فهرست لاتین:

Agenor,Pierre-Richard and Mosin S. Khan(۱۹۹۶)"Foreign Currency Deposits and the-۱ Demand for Money in Developing Countries"Journal of Development Economics Vol.۵۰ pp ۱۰۱-۱۱۸.۲-Alami,Tarik H(۲۰۰۱)"Currency Substitution Versus Dollarization a Portfolio Balance Model" Journal of Policy Modeling Vol. ۲۳pp۴۷۳-۴۷۹. ۳-Arango, Sebastian and M. Ishaq Nadiri(۱۹۸۱)"Demand for Money in Open Economies"Journal of Monetary Economics :Vol.۷pp۶۹-۸۳.۴-Bahmani-Oskooee,Mohsen and Ampa Techratanachai(۲۰۰۱)"Currency Substitution in Thailand"Journal of Policy Modeling"Vol.۲۳pp ۱۴۱-۱۴۵.۵-Bahmani-Oskooee,Mohsen and Margaret Malixi(۱۹۹۱)"Exchange Rate Sensitivity of Demand for Money in Developing Countries"Applied EconomicsVol .۲۳pp۱۳۷۷-۱۳۸۴.۶-Bahmani-Oskooee,Mohsen(۱۹۹۶)"The Black Exchange Rate and Demand for Money in Iran"Journal of MacroeconomicsWinterVol .۱۸pp۱۷۱-۱۷۶.۷-Blejer, Mario I(۱۹۷۸)"Black-Market Exchange Expectations and the Domestic Demand for MoneySome Empirical Results"Journal of Money EconomicsVol.۴pp. ۷۶۷-۷۷۳.۸-Bordo, Michael D and Ehsan Choudri(۱۹۸۲)"Currency Substitution and the Demand for Money:Some Evidence for Canada"Journal of Money Credit and Banking Vol.۱۴ February pp.۴۸-۵۷.۹-Bufman, Gil and Leonardo Leiderman(۱۹۹۳)"Currency Substitution under Nonexpected Utility : Some Empirical Evidence" Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۵ no.۳ August pp.۱۱۲-۱۱۶.۱۰- Calvo, and Carlos A.Vegh(۱۹۹۲)"Currency Substitution in Developing Countries : An Guillermo A and C.A.Rodriguez(۱۹۷۷)"A Model of Exchange Rate __Introduction"IMFWP/۹۲/۴۰ May .۱۱ Determination Under Currency Substitution and Rational Expectations"Journal of Political EconomyVol.۸۵Junepp ۶۱۷-۲۵.۱۲-Calvo, Guillermo A(۱۹۸۵)"Currency Substitution and Real Exchange Rate:The Utility Maximization Approach" Journal of International Money and Finance Vol.۴ pp.۱۷۵-۸۸.۱۳-Canto,Victor A and Marc.A.Miles(۱۹۸۴)"Exchange Rates in a Global Monetary Model with Currency Substitution and Rational Expectations"In Bhandari,Jagdeep and Bluford H.Putnam With Jay H.LevinEconomic Interdependence and Flexible Exchange Rates M.I.T Press Second Printing January .۱۴- and Gerald Nickelsburg(۱۹۸۷)Currency Substitution:Theory and Evidence from Latin AmericaKluwer ostonMassachusetts.

۱۵-Clements,Bendedict and Gerd Schwartz,(۱۹۹۲)"Currency Substitution:The Recent Experience of Bolivia"IMF Working PaperWp/۹۲/۶۵Aug.۱۶-Cuddington,John T(۱۹۸۳)"Currency Substitution, Capital Mobility and Money DemandJournal of International Money and FinanceVol.۲pp.۱۱۱-۱۳۳.۱۷-Edwards, Sebastian(۲۰۰۱)"Dollarization and Economic Performance:an Empirical Investigation"Working Paper ۸۲۷۴National Bureau of Economic ResearchMay.۱۸-El-Erian, Mohamed A(۱۹۸۸)"Currency Substitution in Egypt and Yemen Arab Republic"IMF Staff PapersVol.۳۵no.۱ pp.۸۵-۱۰۳.۱۹-Girton, Lance and Don. Roper(۱۹۸۱)"Theory and Implications of Currency Substitution " Journal of Theory of Currency"(۱۹۸۰) _-Money, Credit and BankingVol.۱۳ no۱Februarypp. ۱۲-۲۹.۲۰ Substitution and Monetary Unification " Economie Appliqueepp. ۱۳۵-۱۵۹.۲۱-Guidotti, Pablo E and Carlos A .Rodriguez(۱۹۹۲)"Dollarization in Latin America, Gresham`s Law in Reverse?"IMF Staff PapersVol.۳۹ no.۳Septemberpp. ۵۱۸-۵۴۴.۲۲-Kamin Steven B and Neil R.Ericsson(۱۹۹۳)" Dollarization in Argentina"Board of Governors of the Federal Reserve

System International Finance Discussion paper ۴۶۰.۲۳-(۲۰۰۱)"Dollarization in Post-Hyperinflationary Argentina" Journal of International Money and FinanceRevised: November.۲۴-Kareken, John and Neil Walace(۱۹۸۱)"Portfolio Autarky:A walfare Analysis" Journal of International EconomicsVol.۷pp.۱۹-۴۳.۲۵-Keynes,John Maynard(۱۹۳۶)The General Theory of Employment, Interest and MoneyNew York:Harcourt, Brace and Company.۲۶-Linter, John(۱۹۶۵)"Security, Risk, and Maximal Gains from Diversification" The Journal of FinanceVol.xx no.۴Decemberpp.۶۱۵-۵۸۷.۲۷-Lucas Robert E.Jr and Nancy L .Stokey(۱۹۸۷)" Money and Interest in a Cash-in-Advance Economy Econometrica,Vol.۵۵no.۳pp ۴۹۱-۵۱۳.۲۸-Markowitz, Harry(۱۹۵۲) "Portfolio Selection"The Journal of FinanceVol.۷ pp.۷۷-۹۱. ۲۹-Marquez,Jaime(۱۹۸۷)"Money Demand in open Economies:A Currency Substitution Model for Venzurla"Lournal of International Money and Finance Vol.۶pp.۱۶۷-۱۷۸.۳۰-McKinnon, Ronald I(۱۹۸۲)"Currency Substitution and Instability in the World Dollar Standard "American Economic ReviewVol.۷۲ Junepp.۳۲۰-۳۳.۳۱-Melvin, Michael and Jerry Ladman(۱۹۹۱)"Coca Dollar and Dollarization of South America"Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۳ no.۴ November pp.۷۵۲-۷۶۳.۳۲-Melvin,Michael(۱۹۸۵)"Currency Substitution and Western European Monetary Unification"EconomicaVol.۵۲February pp.۷۹-۹۱.۳۳-Melvin, Michael(۱۹۸۸)"The Dollarization of Latin America as a Market-enforced Monetary Reform:Evidence and Implications"Economic Development and Cultural Change"Vol.۳۶no.۳Aprilpp.۵۴۳-۵۵۸.۳۴-Miles, Marc A (۱۹۷۸)"Currency Substitution, Flexible Exchange Rates and Monetary Independence"American Economic Review no.۶۸Junepp.۴۲۸-۳۶.۳۵-Miles, Marc A (۱۹۷۸)"Currency Substitution: Perspective, Implications, and Empirical Evidence"In Bluford H. Putnam and D. Sykes Wilford(Eds.),The Monetary Approach to International Adjustment, praegerpp.۱۷۰-۱۸۳.۳۶-Miles, Marc A and Marion B,Stewart (۱۹۸۰)"The Effects of Risk and Return on the Currency Composition of Monet Demand"Weltwlrtschaftliches Archiv, Bd.CXVI, Heft ۴pp.۶۱۳-۶۲۵.۳۷-Monadjemi,M(۲۰۰۲) "Implications of Changes in International Capital Mobility" The۱۲ th Conference on Monetary and Exchange Policies Monetary and Banking Research Academy Central Bank Of Islamic Republic of Iranpp.۲۰-۲۱ May .۳۸-Mongardini, Joannes and Johannes Muller(۱۹۹۹)"Ratchet Effects in Currency Substitution:An Application to the Kyrgyz RepublicIMFWP/۹۹/۱۰۲Julypp.۱-۲۳.۳۹-Ortiz,Guillermo(۱۹۸۳)"Currency Substitution in Mexico:The Dollarization Problem" Journal and Solis Leopold(۱۹۷۹)"Financial _-of Money, Credit and BankingVol.۱۵no.۲Maypp.۱۷۴-۸۵.۴۰ Structure and Exchange Rate Experience:Mexico,۱۹۵۴-۱۹۷۷"Journal Development Economicsno.۶December pp.۵۱۵-۴۸.۴۱-Ramirez-Rojas,C.Luis(۱۹۹۶)"Monetary Substitution in Developing Countries" Finance and Development Juneno .۴pp.۳۵-۴۱.۴۲- (۱۹۸۵)"Currency Substitution in Argentina, Mexico and Uruguay"IMF Staff Papers December Vol.۳۲no .۴pp.۶۲۶-۶۶۷.۴۳-Rogers, John H(۱۹۹۲)"The Currency Substitution Hypothesis and Rlative Money Demand in Mexico and Canada"Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۴ no.۳ August [A]pp.۳۰۰-۳۱۸. ۴۴-Rojas, Suarez,Liliana(۱۹۹۰)"Currency Substitution and Inflation in Developing Countries"IMF Working Paper,WP/۹۰/۶۴Julypp.iii&۱-۲۷.۴۵-Sturzenegger, Federico A(۱۹۹۷)"Understanding the Welfare Implications of Currency Substitution"Journal of Economic Dynamics and ControlVol.۲۱pp.۳۹۱-۴۱۶.۴۶-(۱۹۹۲)"Currency Substitution and the Regressivity of Inflationary Taxation"Department of " (۱۹۹۴)_-Economics University of California, Los Angeles WP/۶۵۶Aprilpp.۱-۱۵.۴۷ Hyperinflation with Currency Substitution : Introducing an Indexed Currency " Journal of Money,Credit and Banking Vol.۲۶ no.۳ August pp.۳۷۷-۳۹۵.۴۸-Tanzi, Vito and Mario I.Blejer(۱۹۸۲)"Inflation,Interest Rate Policy, and Currency Substitution in Developing Economies:A Discussion of Some Major Issues"World DevelopmentVol.۱۰ September pp.۷۸۱-۹۰.۴۹-Tanzi, Vito(۱۹۷۸)" Inflation, Real Tax Revenue, and the Case for Inflationary Finance:Theory with Application to Argentina"IMF Staff PapersVol.۲۵pp.۴۱۷-۴۵۱.۵۰-Thomas,Lee R(۱۹۸۵)"Portfolio Theory and Currency Substitution"Journal of Money, Credit and BankingVol. ۱۷no. ۳pp. ۳۴۷-۵۷.۵۱-Vegh, Carlos A(۱۹۹۸)"Inflationary Finance and Currency Substitution in a Public Finance Framework"Journal of International Money The Optimal Inflation Tax in the Presence of " (۱۹۸۹) _-and FinanceVol.۱۴.no.۵pp.۶۷۹-۶۹۳.۵۲ .Currency Substitution" Journal of Monetary EconomicsVol. ۲۴pp.۱۳۹-۱۴۶

رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد

: مقایسه نظریه های مختلفدکتر محمد لشکری

چکیده: در هر کشوری برای عوامل تولید درآمد ایجاد میشود. مجموع درآمدهای کلیه عوامل تولید درآمد ملی خوانده میشود. درآمد ملی بین عوامل تولید توزیع می شود. توزیع درآمد یک موضوع ارزشی است و در اقتصاد اثباتی خیلی به آن پرداخته نمیشود. توزیع نابرابر درآمد از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب است. از نظر رشد اقتصادی نیز افزایش
نابرابری به علت اینکه موجب نارضایتی و خشم طبقات پایین اجتماعی میشود نامطلوب است. برخی از اقتصاددانان علت توزیع نابرابر درآمد را توزیع ناعادلانه ثروت و دارایی می دانند.در مورد اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد یا اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی سه دیدگاه وجود دارد. از هر دیدگاه تعداد زیادی از اقتصاددانان با استدلال دفاع میکنند.در دیدگاه اول رشد بر توزیع درآمد اولویت دارد. در دیدگاه دوم توزیع درآمد بر رشد اولویت دارد و در دیدگاه سوم هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. نظریه اقتصاد اسلامی با دیدگاه سوم مطابقت دارد.عوامل متعددی بر نابرابری توزیع درآمد مؤثرند برخی از اینعوامل نتیجه شرایط توارثی، ژنتیکی و تفاوتهای فردی بین افراد مختلف جامعه است و برخی از این عوامل نتیجه سیاستهای دولت و شرایط اجتماعی است. نظریه اقتصاداسلامی بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی رابطه متقابلی را برقرار می کند.کلید واژه: توزیع درآمد، توزیع عادلانه فرصتها، عدالت اجتماعی، رشداقتصادی، اقتصاداسلامی ۱. مقدمهدر هر کشوری برای عوامل تولید درآمد ایجاد

میشود. مجموع درآمدهای کلیه عوامل تولید درآمد ملی خوانده میشود برای اندازهگیری درآمد ملی چند روش وجود دارد که در کتابهای اقتصاد کلان در مورد آن بحث میشود این روشها عبارتند از: ۱. روش ارزش افزوده ۲. روش مجموع درآمدها ۳. روش مجموع هزینهها برخی از اقتصاددانان به توزیع از دید تولید مینگرند، دیوید ریکاردو از سایر اقتصاددانان در مورد توزیع درآمد بیشتر بحث کرده وی معتقد است که درآمد فئودالها و زمینداران در طول زمان افزایش و درآمد سرمایهداران کاهش میابد و درآمد کارگران ثابت است. توزیع درآمد یک موضوع ارزشی است و در اقتصاد اثباتی خیلی به آن پرداخته نمی شود در اقتصاد خرد بیش از ۹۰ درصد بحثها به تخصیص بهینه منابع مربوط میشود. آن بخشی از بحثها هم که به توزیع میپردازد با این نگاه که با حداقل سازی هزینه و حداکثر سازی سود تا حد امکان باید به فکر تولید باشیم، تولید درآمد ایجاد خواهد کرد، این درآمد مصرف خواهد شد مصرف هر فرد و هرگروه درآمد افراد و گروههای دیگر را افزایش میدهد و به این ترتیب درآمد طبقات پایین جامعه هم افزایش میابد. توزیع نابرابر درآمد از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب است. از نظر رشد اقتصادی نیز افزایش نابرابری موجب نارضایتی و خشم طبقات پایین اجتماعی که بار اصلی تولید را بر دوش میکشند، میشود و در نهایت به آشوبهای اجتماعی و جنگ داخلی و نابود شدن پایههای اجتماعی و سیاسی فعالیتهای اقتصادی منجر میشود (هایامی، ۱۳۸۰؛ ۲۱۶). تا دو دهه قبل اغلب کشورهای در حال گذر به دنبال رشد بیشتر اقتصادی بودند تجربه اخیر این کشورها نشان میدهد که علی رغم نرخ بالای رشد اقتصادی نرخ بیکاری و کم کاری افزایش یافته و شکاف بین درآمد ثروتمندان و فقرا هر روز بیشتر میشود. رشد اقتصادی که باید به هدف اصلی تمام نظریههای توسعه که نابودی فقر است منتهی شود، موجب فقر بیشتر مردم کشورهای در حال گذر شده است. نابرابری درآمدی تنها بخشی از نابرابریهای وسیع اجتماعی در کشورهای در حال گذر است. نابرابریهای درآمدی خود موجب نابرابریهای آموزشی، بهداشتی، منزلت اجتماعی، قدرت، اعتبار، رضایت شغلی، نرخ مشارکت، آزادی انتخاب، شرایط کار، اعتماد به نفس و سایر نابرابریها میشود. تقریبا تمامی اقتصاددانان شکوفایی اقتصادی را مرهون دخالت دولتهای در فعالیتهای اقتصادی میدانند. در حال حاضر یکی از مهمترین معیارهای توسعه اقتصادی توزیع مناسب و متعادل درآمد است. توزیع مناسب درآمد بدون دخالت دولت صورت نمیگیرد زیرا بخش خصوصی در کشورهای در حال گذر ناکارآمد بوده و تخصیصمنابع را به سمت اهداف سود آور کوتاهمدت هدایت میکند و توزیع درآمد را به شدت نابرابر مینماید. اقتصاد اسلامی مبتنی بر فعالیت بخش خصوصی در تولید و نظارت بخش عمومی بر توزیع است. کشورهای توسعه یافته صنعتی نسبت به کشورهای در حال گذر توزیع درآمد مناسبتری دارند. علت این امر وجود مالیاتهای مستقیم تصاعدی و سیستم تأمین اجتماعی شامل بیمه بیکاری، بیمه غرامت، حداقل دستمزد، بیمه درمانی و امنیت شغلی است. برخی از اقتصاددانان علت توزیع نابرابر درآمد را توزیع ناعادلانه ثروت و دارایی می دانند بنابراین پیشنهاد میکنند برای از بین بردن نابرابریهای درآمدی باید توزیع عادلانه ثروت و دارایی انجام گیرد تا به دنبال آن توزیع درآمد عادلانه شود. در کشورهای در حال گذر گروهی اقلیت بر جامعه تسلط دارند و منابع ثروت، قدرت و فرصتهای مناسب اجتماعی و اقتصادی را در دست دارند، در این جوامع اکثریت مردم زیر خط فقر زندگی میکنند و از امکانات اولیه زندگی محرومند. مشخصه جهان امروز نابرابری درآمدی بسیار گسترده میان کشورها در سطح بینالملل و میان گروههای اجتماعی در داخل کشورها است. بر اساس گزارش توسعه جهانی۱۹۹۲، بانک جهانی متوسط درآمد سرانه سالانه در سال ۱۹۹۰ از سطح حدود ۲۰۰۰۰ دلار آمریکا در کشورهای پر درآمد عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) تا سطح بسیار پایین حدود ۱۰۰ دلار در کشورهاییکه در انتهای گروه کشورهای کم درآمد قرار دارند، مانند موزابیک، تانزانیا و اتیوپی در جنوب صحرای آفریقا دامنه داشته است (هایامی، ۱۳۸۰: ۲۷). اندازه و وسعت فقر در هر کشور تابع دو عامل است: ۱. سطح متوسط درآمد ملی ۲. درجه نابرابری در توزیع درآمد (تودارو، ۱۳۷۷: ۵۱).در کشورهای در حال گذر سطح متوسط درآمد ملی نسبت به کشورهای صنعتی پایینتر و درجه نابرابری در توزیع درآمد بالاتر است. بنابراین وسعت فقر دراین کشورها بیشتر از کشورهای صنعتی است. این مفاله به صورت زیر سازماندهی شده است. در بخش دوم انواع معیارهای توزیع درآمد مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش سوم نحوه اندازه گیری توزیع درآمد ارائه می شود. تحلیل دیدگاههای مختلف در مورد رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در بخش چهارم می آید. در بخش پنجم نظریه اقتصاد اسلامی در مورد تقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد تحلیل می شود. عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد در بخش ششم بررسی می شود. در بخش هفتم نقش دولت در توزیع عادلانه درآمد و در بخش هشتم نتیجه بحث و پیشنهادات ارائه می شود.۲. انواع معیارهای توزیع درآمدمعیارهای مختلفی برای توزیع درآمد وجود دارد که به شرح مهمترین آنها میپردازیم.۲ . ۱ توزیع درآمد شخصیبرای درک مفهوم درآمد شخصی از یک مثال استفاده میکنیم. فرض کنید فرد "الف" ۱۰۰۰ واحد و فرد "ب" ۸۰۰ واحد درآمد دارند. این توزیع درآمد صرفاً با اشخاص یا خانوادهها و کل درآمدی که آنها دریافت میکنند سر و کار دارد و طریقه کسب درآمد در نظر گرفته نمیشود. درآمد ممکن است تماماً از اشتغال ناشی شود یا از منابع دیگری نظیر بهره، سود، اجاره، هدیه و ارث کسب شود. اگر دو فرد "ج" و"د" درآمد سالانه شخصی برابری داشته باشند هر دو در یک طبقه قرار میگیرند صرف نظر از اینکه فرد "ج" ممکن است روزی ۱۶ ساعت کار کند و شخص "د" اصلاً کار نکند و بهره سرمایهاش را دریافت نماید.۲ . ۲ توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولیددر این دیدگاه مقیاس توزیع درآمد درصدی از درآمد ملی است که نیروی کار به عنوان دستمزد دریافت میکند در مقایسه با درصدی از درآمد ملیکه به شکل سود، اجاره یا بهره توزیع میشود. به عنوان مثال فرض کنید ۱۰۰۰ واحد درآمد به صورت زیر توزیع شده است. این ارقام فقط میتوانند نشان دهند که سهم کارگران، سرمایهداران، زمینداران و وام دهندگان از تولید ملی چقدر است. چون تعداد هر طبقه مشخص نیست راجع به عادلانه بودن یا ناعادلانه بودن توزیع نمیتوان اظهار نظر کرد.جدول۱ توزیع فرضی درآمد ملی بین عوامل تولیدسهام بهره اجاره سود دستمزدارقام مطلق ۱۵۰ ۳۰۰ ۳۵۰ ۲۰۰درصد ۱۵ ۳۰ ۳۵ ۲۰ ۳ . نحوه اندازه گیری توزیع درآمدبرای محاسبه توزیع درآمد روشهای مختلفی وجود دارد که عبارتند از:روش اولگروههای اجتماعی را به سه طبقه ۱. درآمد بالا؛ ۲. درآمد متوسط؛ ۳. درآمد پایین تقسیم میکنند.روش دومگروههای اجتماعی را به پنج طبقه درآمدی ۱. بالا؛ ۲. متوسط رو به بالا؛ ۳. متوسط؛۴. متوسط رو به پایین، ۵. پایین تقسیم میکنند.روش سوم گروههای اجتماعی را به ده طبقه درآمدی تقسیم میکنند و هر طبقه را یک دهک می نامند.روش چهارمگروههای اجتماعی را به بیست طبقه درآمدی تقسیم میکنند. هر چه طبقات اجتماعی بیشتر شوند دقت بالا میرود ولی محاسبه مشکلتر میشود. روش معمول روش سوم یعنی دهکهای درآمدی است. برای اندازهگیری درجه نابرابری توزیع درآمد بین دهکهای مختلف از ابزارهای مختلف از جمله منحنی لورنز و ضریب جینی استفاده میکنند در بخشهای بعدی به توضیح هر یک از آنها می پردازیم.۳ . ۱ منحنی لورنز۱منحنی لورنز توزیعهای درصد تجمعی درآمد خانوارها (روی محور عمودی) را متناسب با توزیعهای درصد تجمعیتعداد خانوارها (روی محور افقی) رسم میکند که مطابق با درآمد خانوارها از پایین به بالا- مرتب شدهاند.منحنی لورنز رابطه کمّی واقعی بین درصد دریافتکنندگان درآمد و درصدکل درآمدی را که آنان در طول یک سال دریافت میدارند نشان میدهد (تودارو،۱۳۷۷: ۱۴۳). برای درک بهتر منحنی لورنز یک مثال فرضی در جدول۲ آمده است در این جدول فرضی سهم گروههای درآمدی پنج گانه و دهگانه به طور جداگانه ذکر شده است. فرض میشود ۱۰ نفر در این جامعه زندگی میکنند سهم گروههای درآمدی به صورت تجمعی محاسبه گردیده است.برای رسم منحنی لورنز باید جمعیت را به صورت تجمعی روی محور افقی و درصد درآمد را روی محور عمودی به صورت تجمعی نشان دهیم و برای هر طبقه درآمدی درصد درآمد را به صورت تجمعی یعنی درآمد طبقه مذکور به اضافه درآمد کلیه طبقات پایینتر از این طبقه را مشخص و نقطهیابی کنیم. از وصل نقاط به دست آمده منحنی لورنز به دست میآید. نمودار ۱ منحنی لورنز فرضی را با استفاده از اطلاعات جدول۲ نشان میدهد. طول هر دو محور مساوی است و به قطعات ۱۰ درصدی تقسیم شده است. قطر OZ مربع از سمت چپ به راست رسم شده است. در هر نقطه بر روی قطر OZ درصد دریافتکنندگان درآمد با درصد درآمدهای دریافت شده برابر است به همین دلیل OZ را خط برابری کامل در توزیع درآمد شخصی میگویند. زیرا هر درصد گروه درآمدی همان درصد از کل درآمد را دریافت میکند. برای مثال گروه ۳۰ درصد پایینترین طبقه ۳۰ درصد از درآمد را دریافت میکنند.نقطه A نشان میدهد که ده درصد پایینترین طبقه فقط ۸/۱ درصد از کل درآمد را دریافت میکند. نقطه B که ۲۰ درصد پایینترین طبقه را نشان میدهد ۵ درصد، نقطه C که ۳۰

درصد پایینترین طبقه را نشان میدهد ۹/۸ درصد و نقطه I که ۹۰ درصد پایینترین طبقه را نشان میدهد ۵/۷۱ درصد از کل درآمد را دریافت میکنند.جدول۲ توزیع درآمد شخصی بر حسب سهم گروههای درآمدیافراد درآمد شخصی(بر حسب واحد پول) سهم نسبی از درآمد کلگروههای پنج گانه گروههای ده گانه۱ ۸/۱ ۸/۱ ۹/۸ ۹/۳ B۳ ۵ ۵ ۲/۳ A۲
۴۹ ۱۳ G۸ ۳۶ ۰/۹ F۷ ۲۷ ۲۷ ۲/۷ E۶ ۸/۱۹ ۸/۵ D۵ ۱۴ ۱۴ ۱/۵ C۴
Z ۱۰۰ ۱۰۰ ۵/۲۸ I۱۰ ۵/۷۱ ۵/۲۲ H۹ ۴۹ تفسیر منحنی لورنزهر چه منحنی لورنز از خط برابری کامل دورتر باشد، درجه نابرابری درآمد بیشتر و هر چه به آن نزدیکتر باشد، درجه نابرابری درآمد کمتر است.دو حالت حدی وجود دارد: ۱. منحنی لورنز برخط برابری کامل درآمد (OZ) منطبق شود در این صورت توزیع درآمد کاملاً برابر است. ۲. منحنی لورنز بر خط (OXZ) منطبق شود در این صورت نابرابری کامل است و یک نفر تمام درآمد ملی را به خود اختصاص میدهد.در عمل هیچ کدام از دو حالت حدی اتفاق نمی افتد و منحنی لورنز بین خط برابری کامل و خط نابرابری کامل قرار می گیرد. نمودار ۲ دو منحنی لورنز نسبتاً برابر و نسبتاً نابرابر را نشان میدهد.۳ . ۲ ضریب جینی۲ آماردان ایتالیایی به نام جینی در سال ۱۹۱۲ با استفاده از منحنی لورنز مقیاس ساده و خلاصهای به نام ضریب جینی را معرفی کرد. از نظر هندسی، ضریب جینی برحسب منحنی لورنز بیان میشود.ضریب جینی نسبت مساحت بین قطر مربع و منحنی لورنز به کل مساحت نصف مربع است. در نمودار۳ این نسبت از ناحیه هاشور زده A به کل مساحت مثلث BCD به دست میآید. برای هر درصد دریافتکننده درآمد یک ضریب جینی به دست میآید مجموع ضرایب جینی کل دریافتکنندگان درآمد یک مقیاس اندازهگیری نابرابری درآمد جامعه است.ضرایب جینی میتواند از صفر (برابری کامل) تا یک (نابرابری کامل) تغییر کند. ضریب جینی بیش از ۵/۰ ناعادلانه و بیش از ۷۵/۰ غیرقابل تحمل است و ممکن است به جنگهای داخلی و سقوط یک حکومت منتهی شود.پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظّلم سرزمین (حکومت) با کفر باقی میماند ولی با ظلم باقی نمیماند.کاد الفقر ان یکون الکفرا نزدیک بود فقرشان به کفر مبدل شود.من لا معاش له لا معاد له کسی که معاش ندارد معاد ندارد.ظلم که از حد بگذرد نه ایمان باقی میماند و نه انصاف و هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. ۳ . ۳ مقایسه ضریب جینی و منحنی لورنزدر جامعهای که منحنی لورنز آن نقطه چین است در طبقات پایین، درآمد نسبتاً عادلانهتر و در طبقات بالاتر ناعادلانهتر است. در جامعهای که منحنی لورنز آن خط پر است در طبقات پایین درآمد نابرابرتر از طبقات بالا است. ۴ . تحلیل دیدگاههای مختلف در مورد رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمددر مورد اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد یا اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی سه دیدگاه وجود دارد. از هر دیدگاه تعداد زیادی از اقتصاددانان با استدلال دفاع میکنند. در دیدگاه اول رشد بر توزیع درآمد اولویت دارد. در دیدگاه دوم توزیع درآمد بر رشد اولویت دارد و در دیدگاه سوم هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. اکنون به تحلیل هر کدام از این سه دیدگاه می پردازیم.۴ . ۱ دیدگاه اول: اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمداین دیدگاه معتقد است که توزیع بسیار نابرابر درآمد شرط لازم برای رشد سریع اقتصادی است (تودارو، ۱۳۷۷؛۱۷۰). استدلال اقتصادی این نظریه این است که شرط لازم رشد اقتصادی نرخ بالای پسانداز است، برای افزایش نرخ پسانداز باید درآمد طبقات بالای اجتماعی افزایش یابد چون ثروتمندان نیازهای اولیه خود را بر طرف نموده و با افزایش درآمد میل نهایی به مصرف آنها کاهش و میل نهایی به پسانداز افزایش مییابد. ثروتمندان درآمدهای اضافی را پسانداز میکنند و رشد اقتصادی تسریع میشود. ایننظریه برای تقویت استدلال خود از اثرات رخنه به پایین استفاده میکند که به شرح آن میپردازیم.اثرات رخنه به پایین۳اگر تولید یک جامعه افزایش یابد در مراحل اولیه طبقات بالای جامعه از آن بهرهمند میشوند. در مراحل بعدی اثرات مصرف این طبقات به طبقات پایین سرایت میکند و آنها نیز از اثرات رشد تولید بهره مند میشوند. به اعتقاد نظریه پردازان این نظریه با افزایش درآمد ثروتمندان اثرات رخنه به پایین رشد اقتصادی در مرحله بعد درآمد فقرا را هم زمان با افزایش تولید افزایش میدهد و از فشارهای تورمی جلوگیری میکند. در صورتی که فقرا نیازهای اشباع نشده دارند و با افزایش درآمد تقاضای آنها برای کالاهای مصرفی افزایش مییابد و چون عرضه بی کشش است تنها قیمتها بالا میرود. این نظریه در عمل صحیح نیست زیرا جامعه میتواند رشد داشته باشد ولی توزیع مناسب درآمد نداشته باشد و آثار رشد به طبقات پایین سرایت نکند. ۴ . ۲ دیدگاه دوم: اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادینظریه پردازان این دیدگاه با دیدگاه اول به چهار دلیل مخالفند و توزیع درآمد را بر رشد اقتصادی در اولویت قرار میدهند استدلال و دلایل آنها به شرح زیراست: ۱. ثروتمندان کشورهای در حال گذر تمایلی به پسانداز و صرفهجویی ندارند اغلب آنها بخش عمدهای از درآمد خود را صرف خرید کالاهای لوکس وارداتی، خانههای بزرگ و بسیار گران قیمت، مسافرت به کشورهای دیگر، خرید جواهرات و طلا و مصرف کالاها و خدماتی که بیشتر جنبه تفاخر دارد مینمایند. بنابراین افزایش درآمد این طبقه تأثیری بر تولید ملی ندارد. ۲. افزایش درآمد اندک فقرا سطح زندگی آنها را از لحاظ، تغذیه مناسب، بهداشت و آموزش پایین نگه میدارد و لذا بهره وری اقتصادی آنها را کاهش میدهد که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر کند شدن رشد اقتصادی تأثیر می گذارد چون بار اصلی تولید را این قشر بر دوش میکشند. ۳. افزایش سطح درآمد طبقات پایین، تقاضا برای کالاهای ضروری نظیر غذا، پوشاک، مسکن، آب آشامیدنی سالم، آموزش و امنیت که عمدتاً در داخل تولید میشود را بالا میبرد و این امر به دنبال خود اشتغال و تولید ملی را افزایش میدهد. در صورتی که کالاهای مورد تقاضای ثروتمندان وارداتی بوده و موجب خروج ارز از کشور میشود و تولید ملی را کاهش میدهد. ۴. توزیع عادلانه درآمد از لحاظ روانی انگیزه نیرومندی برای افزایش نرخ مشارکت عموم مردم در فعالیتهای اقتصادی و همکاری با برنامههای توسعه اقتصادی ایجاد میکند. بیعدالتی عموم مردم و بالاخص اندیشمندان و آگاهان نوع دوست جامعه را علیه برنامههای اجرایی که موجب ظلم و شکاف طبقاتی شده بر میانگیزاند.به طور خلاصه بر اساس دیدگاه دوم توزیع عادلانه درآمد شرط لازم رشد سریع اقتصادی است.۴ . ۳ دیدگاه سوم: هم زمانی رشد اقتصادی و توزیع درآمددر این دیدگاه رشد سریع اقتصادی با توزیع عادلانه درآمد به عنوان اهداف اصلی توسعه ناسازگار نیستند و هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. هدف اصلی برنامههای توسعه اقتصادی باید ایجاد الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی باشد، همگانی شدن جریان رشد اقتصادی درآمد گروههای بسیار فقیر را هم زمان افزایش میدهد. ۵. نظریه اقتصاد اسلامی در مورد تقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمداقتصاداسلامی حتی قبل از تولید اعتقاد به توزیع عادلانه دارد. قبل از تولید کالا و خدمت عوامل تولید و منابع طبیعی باید براساس استحقاق افراد و مطابق با عدالت اجتماعی بین افراد جامعه توزیع شود. پس از تولید کالا و خدمت عواید حاصل از تولید باید براساس نسبت مشارکت در تولید تعیین و پرداخت شود. در نظریه اقتصاد اسلامی انسان خلیفه خداست بنابراین تولید برای وی و توسط وی صورت می گیرد لذا سهم نیروی کار نسبت به سایر عوامل تولید از اولویت برخوردار است. در نظریه اقتصاد اسلامی بین رشداقتصادی و توزیع عدلانه درآمد، ثروت و امکانات اجتماعی سازگاری وجود دارد و هم زمانی آنها موجب هم افزایی می شود. ۶ . عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمدعوامل متعددی بر نابرابری توزیع درآمد مؤثرند برخی از این عوامل نتیجه شرایط توارثی، ژنتیکی و تفاوتهای فردی بین افراد مختلف جامعه است و برخی از این عوامل نتیجه سیاستهای دولت و شرایط اجتماعی است.عوامل مؤثر بر توزیع درآمد را در دو بخش ۱.عوامل طبیعی؛ ۲.عوامل سیاسی طبقهبندی نموده و به توزیع هر کدام میپردازیم. ۱ . عوامل طبیعی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمدبین افراد مختلف تفاوتهای فردی جسمی، روحی، وراثتی، وجود دارد. چون افراد از لحاظ درجه هوش، تواناییهای جسمی ذاتی، مسئولیت پذیری، صبر و تحمل در مقابل مشکلات، قناعت و سازگاری با محیط تفاوت دارند لذا دو فرد با شرایط یکسان تحصیل و تجربه و سن دریافتی متفاوت دارند کاهش این تفاوتها بسیار مشکل بوده و در حوزه برنامههای توسعه نیست. ۲ . عوامل سیاسی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمدمسأله فقر و توزیع ناعادلانه درآمد منشأ سیاسی و نهادی دارد در کشورهای در حال گذر عوامل جبری شامل انواع تبعیضات نظیر تفاوت درحقوق زن و مرد، عدم رعایت حقوق کودکان و زنان سرپرست خانوار، تفاوت بین حقوق کارگران داخلی و خارجی و تفاوت بین افراد وابسته به مراکز قدرت سیاسی و افراد عادی و عوامل تصادفی نظیر خوش شانسی یا بد شانسی در زمینه پیدا کردن شغل مناسب، ادامه تحصیل، ازدواج و استفاده از امکانات بر توزیع درآمد مؤثرند. به طور خلاصه عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد عبارتند از: ۱. تواناییهای جسمی و فکری (درجه هوش، خلاقیت و قدرت جسمی) ۲. تعلیم و تربیت (آموزش رسمی و غیر رسمی) ۳. سطح تحصیلات ۴. ارث ۵. تجربه و دوران اشتغال ۶. ریسک پذیری یا ریسک ناپذیری یا بیتفاوتی نسبت به ریسک

۷. ویژگیهای فرهنگی، قومی و محلی ۸. عوامل جبری و تصادفی نظیر شانس۷ . نقش دولت در توزیع عادلانه درآمدبدون دخالت دولت درآمد حاصل از رشد اقتصادی به طور نامتعادل توزیع میشود و در جامعه شکاف عمیق طبقاتی ایجاد میشود و یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات بهره مند میشوند و جمع کثیری از افراد جامعه زیرخط فقر قرار میگیرند و از حداقل امکانات اولیه هم بهره مند نمیشوند، لذا دولت باید در امر توزیع درآمد ثروت و فرصتهای شغلی، آموزشی و بهداشتی دخالت نماید. دولت از چهار طریق میتواند بر توزیع درآمد تأثیر بگذارد:۱ . دریافت مالیات مستقیم و غیرمستقیم از درآمدهای بالاچون دولتها برای اجرای برنامههای توسعه خود نیاز به منابع مالی دارند این منابع مالی از طریق مالیات تأمین میشود. دریافت مالیات از درآمدهای بالا و از ثروتمندان هم منبع درآمدی برای دولت است و هم درآمدهای بالا را تعدیل میکند و شکاف طبقاتی را کاهش میدهد. تودارو معتقد است که نرخهای تصاعدی مالیات بر روی کاغذ تصاعدی و در عمل اغلب نزولی است (تودارو ۱۳۷۷: ۱۷۹). به این معنی که گروههای پایین درآمدی به طور نسبی سهم بالاتری از درآمد خود را نسبت بهگروههای بالای درآمدی به عنوان مالیات میپردازند. چون گروههای پایین درآمدی عمده درآمد خود را از دستمزد به دست میآورند که قطعاً دارای گزارش مالیاتی است ولی ثروتمندان درآمد خود را از بازده سرمایههای مادی بهدست میآورند که اغلب فاقد گزارش مالیاتی است. دولتهای کشورهای در حال گذر باید قدرت نظارتی و کنترل خود را بالا ببرند تا مالیات واقعاً به طبقات بالا تعلق گیرد تا توزیع درآمد را متعادل نماید.۲ . پرداخت یارانه و تأمین نیازهای اساسیگروههای درآمدی پایینااغلب گروههای درآمدی پایین فاقد امکانات لازم برای بر طرف کردن نیازهای اساسی نظیر مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش و امنیت هستند. به همین دلیل بازدهی آنها و در نتیجه درآمد آنها اندک است. دولتهای کشورهای در حال گذر میتوانند از درآمدهای مالیاتی خود کمکهای مستقیم و غیرمستقیم به قشرهای پایین اجتماعی کنند تا آنها نیازهای اولیه خود را برطرف نموده و بازدهی آنها افزایش یابد این امر موجب تعدیل درآمد میشود و گروههای پایین نیز از منافع حاصل از رشد اقتصادی بهره مند میشوند و توزیع درآمد تعدیل میشود. ۳ . اصلاح نظام مالکیت، قوانین ارث و ایجاد اشتغالدولت میتواند نظام مالکیت را از طریق اصلاحات ارضی و قوانین ارث را از طریق لایحه یا طرح در مجلس قانون گذاری تصحیح نماید و برای افراد مایل و قادر به کار شغل مناسبی در بخش خصوصی یا دولتی ایجاد نماید. هر کدام از موارد فوق موجب تعدیل درآمد و ثروت به نفع طبقات پایین میشود.۴ . تغییر قیمتهای نسبی عواملدر کشورهای در حال گذر قیمت تجهیزات سرمایهای به طور نهادی مصنوعاً در سطح پایین قرار دارد (تودارو، ۱۳۷۳: ۱۷۶). دلیل پایین بودن قیمت سرمایه در این کشورها سیاستهای متعدد دولت نظیر ایجاد انگیزه سرمایهگذاری، معافیت مالیاتی، نرخ بهره کمک شده از طرف دولت، نرخ ارز بیش برآورد شده برای صادرات و نرخ ارز ارزان برای واردات، تعرفه پایین گمرکی بر واردات کالاهای سرمایهای است. از طرفی نرخ دستمزد نیروی کار در نتیجه محدودیتهای نهادی و سیاستهای ناصحیح بالاتر از مقداری است که به وسیله عرضه و تقاضای کار تعیین میشود (همان، ۱۷۶). علت بالاـ بودن دستمزدها از دستمزدهای تعادلی وجود قدرت اتحادیههای کارگری، حزب کار و نهادهای مختلف حامی کارگران است لذا حداقل دستمزدها مصنوعاً بالا میباشد. در این کشور نرخ بیکاری بالا است ولی در عین حال دستمزدها نیز بالا میباشد. لشکری اشاره میکند که پرداخت دستمزدهای بالا و نرخ بالای بیکاری ابزاری است برای کنترل نیروی کار چون همیشه سطح بالای بیکاری تهدیدی برای کارگران شاغل است (لشکری، ۱۳۸۴: ۱۶۲–۱۶۵). قیمتهای تحریف شده سرمایه و کار موجب میشود تا کارفرمایان سرمایه را جانشین نیروی کار نمایند و همچنان سطح بیکاری را بالا نگه دارند. برای تصحیح قیمتهای تحریف شده پیشنهاد میشود دولت امتیازهای ویژه خود را به سرمایه بر طرف سازد تا قیمت سرمایه به سطح کمیابی واقعی آن افزایش یابد. پرداخت دستمزدهای پایین در بخش دولتی موجب میشود تا کارفرمایان در فعالیتهای تولیدی خود کارگر را جانشین سرمایه کنند چنین تغییر قیمتی سطح اشتغال را افزایش میدهد و درآمد فقرا را افزایش میدهد و چون قیمت نسبی سرمایه افزایش یافته، بازدهاقتصادی سرمایه کاهش مییابد و درآمدهای صاحبان سرمایه به طور نسبی کاهش مییابد چون فرض میشود که در هر اقتصادی قیمت عوامل تولید به عنوان علامت و انگیزه نهایی عمل میکند تصحیح این قیمتها نابرابری درآمدها را کاهش میدهد.مقایسه بازدهی نیروی کار و توزیع درآمداگر بازدهی نیروی کار را حداکثر کنیم توزیع درآمد نامتعادل خواهد شد اگر توزیع مناسب شود بازدهی نیروی کار کاهش می یابد، باید حد متعادل بین توزیع درآمد و بازدهی را رعایت کنیم.۸ . نتیجه بحث و پیشنهاداتتوزیع درآمد یک موضوع ارزشی است و در اقتصاد اثباتی خیلی به آن پرداخته نمیشود. توزیع نابرابر درآمد هم از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب است و هم از نظر رشداقتصادی. در مورد اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد یا اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی سه دیدگاه وجود دارد. از هر دیدگاه تعداد زیادی از اقتصاددانان با استدلال دفاع میکنند. در دیدگاه اول رشد بر توزیع درآمد اولویت دارد. در دیدگاه دوم توزیع درآمد بر رشد اولویت دارد و در دیدگاه سوم هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. نظریه اقتصاد اسلامی با دیدگاه سوم مطابقت دارد. اندازه و وسعت فقر در هر کشور تابع دو عامل است: ۱. سطح متوسط درآمد ملی ۲. درجه نابرابری در توزیع درآمد پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: الملک یبقی مع الکفر و لاـ یبقی مع الظّلم سرزمین (حکومت) با کفر باقی میماند ولی با ظلم باقی نمیماند.کاد الفقر ان یکون الکفرا نزدیک بود فقرشان به کفر مبدل شود.من لا معاش له لا معاد له کسی که معاش ندارد معاد ندارد.ظلم که از حد بگذرد نه ایمان باقی میماند و نه انصاف و هر اتفاقی ممکن است رخ دهد.اقتصاداسلامی حتی قبل از تولید اعتقاد به توزیع عادلانه دارد. قبل از تولید کالا و خدمت عوامل تولید و منابع طبیعی باید براساس استحقاق افراد و مطابق با عدالت اجتماعی بین افراد جامعه توزیع شود. پس از تولید کالا و خدمت عواید حاصل از تولید باید براساس نسبت مشارکت در تولید تعیین و پرداخت شود. در نظریه اقتصاد اسلامی انسان خلیفه خداست بنابراین تولید برای وی و توسط وی صورت می گیرد لذا سهم نیروی کار نسبت به سایر عوامل تولید از اولویت برخوردار است. در نظریه اقتصاد اسلامی بین رشداقتصادی و توزیع عدلانه درآمد، ثروت و امکانات اجتماعی سازگاری وجود دارد و هم زمانی آنها موجب هم افزایی می شود. بدون دخالت دولت درآمد حاصل از رشد اقتصادی به طور نامتعادل توزیع میشود و در جامعه شکاف عمیق طبقاتی ایجاد میشود و یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات بهره مند میشوند و جمع کثیری از افراد جامعه زیرخط فقر قرار میگیرند و از حداقل امکانات اولیه هم بهره مند نمیشوند، لذا دولت باید در امر توزیع درآمد ثروت و فرصتهای شغلی، آموزشی و بهداشتی دخالت نماید. پیشنهاد می شود دولت شرایط عادلانه امکان تحصیل، اشتغال و بهره برداری از امکانات و فرصتهای اجتماع را برای تمام آحاد مردم فراهم نماید تا هم زمان با رشد اقتصادی توزیع نیز عادلانه باشد زیرا توزیع عادلانه درآم تنها بخشی از عدالت اجتماعی است عدالت اجتماعی وقتی تحقق می یابد که تمام فرصتها عادلانه توزیع شود.

فهرست منابعالف. منابع فارسی: ۱. اوانز، پیتر(۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول: نقش دولت درتحول صنعتی، ترجمه: عباس زندباف و عباسمخبر، انتشارات طرح نو. ۲. باران، پل(۱۳۵۹)اقتصادسیاسیرشد، ترجمهکاوه آزادمنش. ۳. برنولی، جولیانو و دیگران(۱۳۸۰)، دولت رفاه در اروپا، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأميناجتماعی. ۴. برومند، محمدتقی(۱۳۸۴)، جامعه مدنی از دیدگاه کارل مارکس، انتشارات پازی تیگر. ۵. تافلر، الوین(۱۳۷۰)، جابهجایی درقدرت، ترجمه: شهیندختخوارزمی. ۶. تودارو، مایکل(۱۳۷۷)، توسعهاقتصادی درجهانسوم، ترجمهغلامعلیفرجادی، چاپششم، مؤسسهعالی پژوهش در برنامهریزی. ۷. جمالزاده، محمدعلی(۱۳۶۲)، گنجشایگان،کتابتهران. ۸. جیروند، عبداله(۱۳۶۸)، توسعهاقتصادی، چاپ دوم، مولوی. ۹. خطیب، محمدعلی(۱۳۷۳)، اقتصادتوسعه، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۰. خورشیدی(۱۳۷۰)، مقدمهای برتوسعهاقتصادی، انتشاراتپرهام. ۱۱. رئیسدانا، فریبرز(۱۳۸۱)، اقتصادسیاسیتوسعه، انتشارات نگاه. ۱۲. رابینسون، جون (۱۳۵۳) مقدمه ای بر نظریه اشتغال، ترجمه احمدشهشهانی. ۱۳. رزاقی، ابراهیم(۱۳۷۰) الگوییبرایتوسعهاقتصادیایران، چاپدوم، نشرتوسعه. ۱۴. روستو، والت ویتمن(۱۳۷۴)، نظریهپردازان رشداقتصادی: (کتاباول) از هیوم تا ۱۹۳۹، ترجمه مرتضیقرهباغیان، انتشارات دانشگاهشهیدبهشتی. ۱۵. سالیوان، آرتور(۱۳۸۰)،" آموزش بهصورت تابعتولید "، ترجمه محمدلشکری، مجله سلسله الذهب، شماره۳ و۴، صص۱۱۰–۱۲۱ . ۱۶. ستاریفر،محمد(۱۳۷۴)،درآمدیبرسرمایهانسانیوتوسعه،دانشگاهعلامهطباطبائی. ۱۷. شریعتی،علی(۱۳۶۱)،" آری اینچنین بود برادر"،مجموعهآثار۲۲، مذهب علیه مذهب، نشرسبز، صص۱۷۱–۱۹۲ . ۱۸. شریعتی،علی(۱۳۶۱)،"برسرعقلآمدنسرمایهداری"،مجموعهآثار۱۸،اسلامشناسی(۳)، نشرالهام، صص۱۷۹ – ۲۰۷ . ۱۹. شریعتی،

علی(بی تا)، "جهتگیری طبقاتیاسلام"، مجموعه آثار۱۰، نشرقلم. ۲۰. شمیم، احمد صدیقی(۱۳۸۲)، "یکروشپیشنهادی برای اقتصادسیاسی اسلام"، ترجمهمحمدلشکری، نامهمفید،سالنهم،شماره۳۵،فروردین و اردیبهشت، صص ۱۲۹–۱۵۸ . ۲۱. شوماخر، ای. اف(۱۳۶۵)، اقتصاد با ابعاد انسانی، کوچک زیباست ترجمه علی رامین، چاپ دوم ، سروش. ۲۲. عربی، هادی و علیرضالشگری(۱۳۸۳)، توسعه درآینه تحولات، تهران: سمت. ۲۳. عظیمی، حسین(۱۳۸۳)، ایران امروز در آینه مباحثتوسعه، چاپسوم، دفترنشر فرهنگاسلامی. ۲۴. عظیمی، حسین(۱۳۷۱)، مدارهای توسعه نیافتگی دراقتصادایران، نشرنی. ۲۵. فریدمن، میلتون و رز فریدمن(۱۳۷۸)، آزادیانتخاب، ترجمه: حسینحکیمزاده جهرمی، نشر و پژوهش فرزان روز. ۲۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۲)، سازمانچاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۲۷. قرهباغیان، مرتضی(۱۳۷۰)، اقتصاد رشد و توسعه، جلد۱، نشرنی. ۲۸. قوامی، هادی(۱۳۸۲")، بررسیتحولات خوداشتغالی با استفاده از روششناسی تجزیه، " پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره۱۵، صص۶۳–۹۱. ۲۹. کاتوزیان، محمدعلیهمایون(۱۳۷۲)، اقتصادسیاسیایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز. ۳۰. کاتوزیان، محمدعلیهمایون(۱۳۸۱)، آدام اسمیت و ثروت ملل، امیرکبیر. ۳۱. کانث، راجانی(۱۳۷۴)، الگوهای نظری در اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر دیدار. ۳۲. کوست، ایولا(۱۳۷۰)، کشورهای رو بهتوسعه، ترجمه نادری، انقلاب اسلامی. ۳۳. گالبرایت(۱۳۶۹)، ماهیت فقرعمومی، ترجمهعادلی، چاپ دوم، اطلاعات. ۳۴. گالبرایت، جانکنت(۱۳۸۱)، آناتومی قدرت، ترجمه محبوبه مهاجر، انتشارات سروش. ۳۵. لشکری، محمد(۱۳۷۶)، "استراتژیهای توسعه اقتصادی"، تعاون، شماره۱۶۳، صص ۴۳–۴۵ . ۳۶. لشکری، محمد(۱۳۷۷)، " الگوی رشدمناسب برای شاهرود" ، همایش شاهرود و توسعه، دانشگاه شاهرود، صص۴۰۵–۴۱۳ . ۳۷. لشکری، محمد (۱۳۷۷)،"بررسی مشکلات ازدواج جوانان و ارائه راه حلهای مناسب "، خلاصه مقالات همایش فرهنگ و خانواده، شاهرود ، صص۲۱–۲۲ . ۳۸. لشکری، محمد(۱۳۷۶)، "برنامهریزیاقتصادی"، تعاون، شماره۱۶۰، صص۴۵–۴۷ و ص۵۴ . ۳۹. لشکری، محمد(۱۳۸۴)،"بیکاریتعادلی:راهکاری برای بهنظمکشیدن کارگران"، اطلاعات سیاسی- اقتصادی ، شماره۲۲۰–۲۱۹، صص۱۶۲–۱۶۵. ۴۰. لشکری، محمد (۱۳۷۶)، " تأثیرمتقابل اعتیاد و مسائل اقتصادی"، صص۱–۱۳. ۴۱. لشکری، محمد(۱۳۷۶)،"جمعیت، توسعه و آثار متقابل آنها بر یکدیگر، "اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۲۳ – ۱۲۴، صص۱۷۲–۱۷۵ . ۴۲. لشکری، محمد(۱۳۷۹")، چشم انداز شاخصهای عمده توسعه انسانی در دهه ۱۳۸۰، "خلاصهمقالات اولینهمایش دوسالانه اقتصادایران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ص۹۷ . ۴۳. لشکری، محمد(۱۳۸۲")، روشهای پیشگیری از اتلافوقت درکشور"، کتاب مجموعهمقالات روشهای پیشگیری از اتلاف منابع ملّی، فرهنگستان علوم، صص ۳۶۳–۳۷۳. ۴۴. لشکری، محمد(۱۳۷۷)،"شاخصهای رفاه اجتماعی، "اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره۱۳۱–۱۳۲، صص ۲۱۴–۲۲۱ . ۴۵. لشکری، محمد(۱۳۷۸")، شاخصهایکمی و کیفی توسعهاجتماعی، "خلاصه مقالات همایش توسعه اجتماعی ، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، ص۴۷ . ۴۶. لشکری، محمد(۱۳۷۶)، "عوامل مؤثر درتعیینمرکزاستانهایجدید"، خلاصه مقالات همایش بررسی راهبرد های علمی و عملی تقسیماستان خراسان و نقش آن در توسعه ، دانشگاه تربیت معلم سبزوار ، ص۶۲. ۴۷. لشکری، محمد (۱۳۷۸)، " نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی "، اطلاعات سیاسی- اقتصادی ، شماره ۱۴۳–۱۴۴، صص۲۲۶–۲۳۱. ۴۸. لشکری، محمد و مهین رضائی(۱۳۷۸)، " مقایسه توزیع درآمد بینعواملتولید در نظریهسرمایهداری و اقتصاد اسلامی،" کتابمجموعهمقالاتاولینهمایش دو سالانه اقتصاداسلامی، پژوهشکدهاقتصاد دانشگاه تربیتمدرس ، صص۸۱–۱۰۰ . ۴۹. لشکری، محمد و مهینرضائی(۱۳۷۹)،"توزیعدرآمد بینعواملتولید، "اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۶۱–۱۶۲، صص۱۷۲–۱۸۱ . ۵۰. لوکاس، رابرت ای. جی آر(۱۳۷۹)،"چراسرمایه ازکشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر جریان نمییابد؟"، ترجمه کاظم یاوری و محمدلشکری، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۶، صص۱۵۱–۱۶۱. ۵۱. مارکس، کارل(۱۳۸۳)سرمایه، ترجمهایرجاسکندری، ۳جلد، انتشاراتفردوس. ۵۲. مارکس، کارل(۱۳۸۲)، " نابرابری به مشابه بازتاب مالکیت خصوصی بر رابطه اجتماعی"، توسعه و نابرابری، نوشته محمدجواد زاهدی، انتشارات دانشگاه پیام نور، صص۱۹۲– ۱۹۹. ۵۳. مارکس،کارل(۱۳۸۴)، کارمزدی و سرمایه ارزشقیمت و سود، ترجمه میرجواد سید حسینی و نفیسه نمدیان پور، انتشارت لحظه. ۵۴. مارکس، کارل (۱۳۸۳)، فقرفلسفه، ترجمهمارتین آراکل، انتشارت اهورا. ۵۵. مالئوو ، ادمون و همکاران(۱۳۷۹)، راهبردتوسعه و مدیریتبازار، ترجمه مهدی پازوکی و تیمور محمدی، جلد اول، انتشارات سازمان مدیریت و برنامهریزی کشور. ۵۶. متوسلی، محمود(۱۳۸۲)، توسعهاقتصادی، سمت. ۵۷. میرمعزی، سید حسین(۱۳۸۳ ")،نظریه رفتار تولید کننده و تقاضای کار اقتصاد اسلامی، "فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳، صص۱۰۳–۱۳۳. ۵۸. هایامی، یوجیرو(۱۳۸۰)، اقتصادتوسعه از فقر تا ثروت ملل، ترجمهغلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر نی. ۵۹. گروه مؤلفان(۱۳۸۳)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور. ب. لاتین:

Hirschman Albert O(۱۹۵۸)" The Strategy of Economic Devel-opment ", New Haven, Yale.۱ University Press.۲.Kindel Berger. C.P(۱۹۶۵)Economic Development, ۲rd Edition.۳.Lewis, A (۱۹۵۱) The Theory of Economic Growth.۴.Myrdal, G(۱۹۷۵)Against the Stream, Critical Essays on Econo- mics, The Macmillan press LTD.London.۵.Myrdal, G(۱۹۷۵)Economic Theory and Underdeveloped Regi- ons.۶.Nurkse. R(۱۹۵۳), Problems of Capital Formation in Underde- veloped Countries , Oxford : Basial and Black well.۷.Radhakrishnan. S (۱۹۶۸), Eastern Religion and Western Tho- ught.۸.Rosto, W(۱۹۶۰), The Stages of Economic Growth, Cam- brige: Cambrige University Press.۹.Schumpeter,J.A(۱۹۳۴),The Theory of Economic Devolpment۱۰.Smith, A.(۱۹۳۷), An Inquiry into the Nature and Causes of the wealth of .Nations, ed. E. Cannan.۶th edn,New York: Modern Library

جانشینی پول و تقاضا برای پول

: شواهدی از ایراندکتر محمدلشکری

چکیده: این مقاله از طریق تخمین توابع تقاضای پول داخلی و خارجی در دوره۱۳۳۸–۱۳۸۰وجود پدیده جانشینی پول را در ایران آزمون میکند. فرضیه این مقاله این است که تابع تقاضای پول داخلی نسبت به متغیرهای خارجی و تابع تقاضای پول خارجی توسط ساکنین نسبت به متغیرهای داخلی حسّاساست. نتایج تحقیق نشان میدهد که فرضیه تحقیق تأیید میشود یعنی پدیده جانشینی پول در تقاضای پول وجود دارد.۱- مقدمه جانشینی پول آثار مهمی برای کارکرد نرخهای ارز شناور دارد. اگر درجه جانشینی پول بالا باشد، تغییرات کوچک در عرضه پول موجب تغییرات بزرگ در نرخ ارز میگردد. بعلاوه، جانشینی پول آثار اختلالات پولی را از یک کشور به کشور دیگر انتقال خواهد داد. جانشینی پول توانایی نرخهای شناور ارز را برای فراهم کردن استقلال پولی از بین میبرد. اوّلین بار درسال۱۹۳۶کینز درکتاب "نظریه عمومی، اشتغال، بهره و پول" نوشت: اگر وضعی پیشآید که پول در جریان کشورخاصیت نقدینگی خود را از دستدهد، جانشینهای فراوانی پای خود را درکفش پول میکنند مثل بدهیهای کوتاهمدت، پولخارجی، جواهرات، انواع فلزات گرانقیمت و جریانات اعتباری بانک که خلق پول است بدون اسکناس و به آن پول اعتباری میگویند.۲ موضوع جانشینی پول حدود سه دهه است که وارد ادبیات اقتصادی شدهاست. البته پدیده دلاری کردن اقتصاد سابقه ای طولانیتر دارد. به عنوان مثال در کشور مکزیک حتی پیش از آنکه بانک مکزیک در سال ۱۹۲۵تأسیس یابد، شهروندان میتوانستند سپردههای ارزی داشته باشند.۳ در مقاله حاضر اهمیت تجربی جانشینی پول در چارچوب تقاضا برای پول را آزمون میکنیم. اگر جانشینی پول مهم باشد، تغییر انتظاری در نرخ ارز باید یک تعیین کننده مهمی در تقاضای پول داخلی باشد. در بخش دو این مقاله چنین آزمونی را برای تقاضای پول ایران طی دوره ۱۳۳۸–۱۳۸۰انجام میدهیم. شواهد قابل ملاحظهای وجود دارد که نرخ بازار موازی ارز اندازه خوبی از نرخ انتظاری ارز است. آزمونهای ما این نتایج را برای دادههای ایران از سال۱۳۵۷که فاصله نرخ رسمی ارز و نرخ بازار موازی ارز زیاد شدهاست تأیید میکند. با استفاده از اندازه نرخ بازار موازی ارز دریافتیم که تغییر انتظاری نرخ ارز

(دلار آمریکا به ریال ایران) عامل معنیداری در تقاضای پول ایران است.۴ این مقاله به صورت زیر سازماندهی شدهاست. در بخش دو مروری بر ادبیات موضوع خواهیم داشت. در بخش سه تغییر نرخ انتظاری ارز و تقاضا برای پول بررسی می شود. در بخش چهار مدل تقاضای پول داخلی و خارجی ارائه میشود. بخش پنج جانشینی پول در تابع تقاضای پول داخلی و بخش شش جانشینی پول در تابع تقاضای پول خارجی را مورد بررسی قرار میدهد. در بخش هفت آزمون مدلها انجام میشود. در بخش هشت نتیجهگیری انجام خواهد شد. بخش نه ضمیمه یک مدل ساده تقاضا برای پول داخلی و خارجی را از تابع مطلوبیت استخراج مینماید. ۲- مروری برادبیات موضوع با توجه به این که ادبیات جانشینی پول سیر تاریخی داشتهاست. در این بخش مسیر تاریخی مبانی نظری و تجربی جانشینی پول تجزیه و تحلیل میشود و نقاط عطف بحث جانشینی پول مشخص میشود. درادبیات اقتصادی دوکلمه جانشینی پول و دلاری شدن اقتصاد به یک مفهوم به کار میرونـد، بعضـی از پژوهشگران بین این دو کلمه تفکیک قائل شدهاند و دلاری شدن را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه ذخیره ارزش و جانشینی پول را برای استفاده از پول خارجی با انگیزه معاملاتی به کاربردهاند. چون اندازهگیری حجم دلارهای درگردش کار مشکلی است و روش واحد و دقیقی برای آن وجود ندارد و معمولاً به صورت برآورد انجام میشود، لذا تفکیک حجم دلارها با انگیزه ذخیره ارزش و انگیزه معاملاتی با اطلاعات موجود تقریباً غیرممکن است. به این علت دراین مقاله واژه جانشینی پول و دلاری شدن به یک معنی مورد استفاده قرار میگیرد. در این مقاله پدیده جانشینی پول با رویکرد پرتفوی مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. رویکرد پرتفوی، پدیده جانشینی پول را با استفاده از تابع تقاضای سنتی پول مورد بررسی قرار میدهد با این تفاوت که در تابع تقاضای پول داخلی، متغیرهایی نظیر نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی یا شاخص قیمتهای مصرفکنندگان خارجی را به عنوان هزینه فرصت نگهداری پول داخلی در مقایسه با پول خارجی وارد میکند. مارکوویتز۵ در مقالهای تحت عنوان "انتخاب پرتفوی" فرآیند انتخاب پرتفوی را به دو مرحله تقسیم می کند: ۱- مرحله اول که با مشاهده و تجربه شروع میشود و با باور در باره عملکرد آینده اوراق بهادار در دسترس پایان مییابد. ۲- مرحله دوم که با باورهای مربوط به عملکرد آینده آغاز میشود و با انتخاب پرتفوی پایان مییابد. مقاله فوقالذکر به مرحله دوم مربوط میشود. فرضیه مقاله این است که سرمایهگذار تمام وجوه خود را در اوراقی سرمایهگذاری میکند که بالاترین ارزش تنزیل شده را داشتهباشند. سپس فرض میکند پرتفویی وجود دارد که هم بازده انتظاری آن حداکثر و هم واریانس آن حداقل است. تنوع نمیتواند تمام واریانس را حذفکند. زیرا در دنیای واقعی پرتفویی که حداکثر بازده انتظاری را دارد لزوماً حداقل واریانس را ندارد. نرخی وجود دارد که سرمایهگذار میتواند بازده انتظاری را با در نظر گرفتن واریانس معین افزایش دهد، یا با کاهش واریانس، بازده انتظاری معینی را به دست آورد. لینتر۶در مقالهای تحت عنوان "سهام، ریسک و حداکثرکردن منافع تنوع گرایی" به بررسی ارزش سهام در پرتفوی افراد میپردازد. از نظر لینتر ارزش سهام در پرتفوی افراد به سادگی با یک رابطه خطی به انحراف از بازده آن مربوط نمیشود. سرمایهگذاران تلاش میکنند داراییهای ریسکی خود را متنوع سازند. از نظر او هدف از متنوع کردن پرتفوی به حداقل رساندن ریسک نیست بلکه بهترین پرتفوی ترکیب بهینه ریسک و بازده انتظاری است. گروبل۷ درمقالهای تحت عنوان "تنوع پرتفوی بینالمللی: منافع رفاهی و جریانهای سرمایه" منافع رفاهی حاصل از تنوع پرتفوی بینالمللی را که از منافع تجارت سنتی و افزایش بهرهوری نیروی کار در اثر مهاجرت حاصل میشود مورد بررسی قرار میدهد. مدل وی نشان میدهد که حرکتهای بینالمللی سرمایه نه تنها تابعی از اختلاف نرخهای بهره، بلکه تابعی از رشد کل داراییهایی است که در دو کشور نگهداری میشود. ممکن است اختلاف نرخ بهره صفر و حتی منفی باشد ولی سرمایه بین دو کشور جریان یابد۸ و یا ممکن است اختلاف نرخ بهره مثبت باشد ولی سرمایه بین دو کشور جریان نیابد. جریان خالص اوراق قرضه بین دو کشور تابعی از نرخ رشد میزان موجودی اولیه در هر دو کشور است. جریان ناخالص سرمایه حتی اگر اختلاف نرخ بهره در تمام زمانها صفر باشد میتواند بین دو کشور رخ دهد. میلز۹ درمقالهای تحت عنوان "جانشینی پول، نرخهای ارز انعطافپذیر و استقلال پولی" موضوع نگهداری پول خارجی و هزینههای مبادلاتی خریدهای خارجی را مورد بررسی قرار میدهد. به نظر او نگهداری پول خارجی هزینههای مبادلاتی خریدهای خارجی را کاهش داده و اختلاف بین نرخ تورم کشورها درجه جانشینی پولها را تعیین میکند. گیرتون و راپر ۱۰ درمقاله خود با عنوان "نظریه جانشینی پول و اتحاد پولی" ابتدا نظریه سنتی پولی را که فرض میکند درهرکشور(منطقه) تنها یک پول واحد استفاده میشود مورد بررسی قرار میدهند. سپس اظهار میدارند که در اغلب مناطق مرزی کشورهای کمتر توسعه یافته جهان چند پول مورد استفاده قرار میگیرد. با وجود پولهای جانشین، ناشرین پول باید پولهای جذّاب تری با توجه به نرخ بازده آنها عرضه کنند. با حضور جانشینی پول نرخهای ارز شناور استقلال پولی را تضمین نمیکند. نتیجه تحقیق آنها این است که جانشینی پولها دقیقاً متضاد قانون گرشام است زیرا پول خوب پول بد را از میدان خارج میکند. گیرتون و راپر ۱۱ در مقاله خود با عنوان "نظریه و پیامدهای جانشینی پول" یک مدل با دو تابع تقاضا برای پول، با عرضه برونزای پول و یک دارایی غیرپولی ارائه میکنند. در مدل آنها تقاضا برای هر دو پول داخلی و خارجی تابعی از متغیرهای نرخ بازده واقعی هر دو پول، نرخ بازده واقعی دارایی غیرپولی و متغیر مقیاس ثروت میباشد. در مقاله آنها دو تابع تقاضای پول، با عرضه برونزای پول برای تحلیل نرخ ارز مورد استفاده قرار میگیرد و دارایی غیرپولی دیگری به صورت ضمنی در مدل وجود دارد. بوردو و چودری۱۲ در مقاله خود تحت عنوان "جانشینی پول و تقاضا برای پول" ضمن انتقاد از مقاله۱۹۷۸میلز تصریح تابع او را اشتباه میدانند و با استفاده از دادههای میلز و با متدولوژی دیگری نتایج متفاوتی بدست میآورند. مطالعه آنها نشان میدهد که نرخ ارز عامل مهمی در تقاضای پول کانادا نیست. بنابراین برای یک کشور مهم(کانادا) که مبالغ زیادی پول خارجی نگهداری میکند، جانشینی پول عامل مهمی در تابع تقاضای پول نیست. تقاضای پول درکانادا تابعی از درآمد و نرخهای کوتاهمدت و بلندمدت است. درمطالعه آنها در دوره شناوری نرخ ارز تأثیر بازده انتظاری پول خارجی روی تقاضا برای پول داخلی ناچیز بودهاست. تانزی و بلیجر۱۳ درمقالهای تحت عنوان "تورم، سیاست نرخ بهره، و جانشینی پول در کشورهای درحال توسعه" به بررسی سیاستهای نرخ بهره و جانشینی پول می پردازند. بهطورکلی فرض میشود که تقاضا برای پول علاوه بر متغیرهای مقیاس مانند ثروت و درآمد به نرخ بازده اندوختههای پولی نسبت به بازده سایر داراییها نیز بستگی دارد. انتظار بر این است که نرخ بازده نسبتاً بالاتر سایر داراییها از جمله پول خارجی تقاضا برای پول داخلی را کاهش دهد. بنابراین پول خارجی طرفهای عمده تجاری احتمالاً یک جزء مهم در پرتفوی داخلی است. کادینگتون۱۴ در مقالهای تحت عنوان "جانشینی پول، تحرک سرمایه و تقاضای پول" یک مدل مانده پرتفوی عمومی ارائه کرد که درآن تقاضای ساکنین داخلی برای پول خارجی را از تقاضای آنها برای داراییهای غیر پولی خارجی تفکیک میکند. سرمایهگذاران از میان چهار نوع دارایی؛ پول داخلی(dM)، پول خارجی(fM)، اوراققرضه داخلی(dB)، اوراققرضه خارجی(fB) انتخاب میکنند. کادینگتون فرض میکند چهار نوع دارایی جانشین ناخالص میباشند. به نظرکادینگتون انتظار براین است که تقاضا برای پول داخلی و خارجی همراه با افزایش درآمد داخلی(PY) افزایشیابد. اگرهمراه با افزایش متغیر معاملاتی درآمد(PY) تقاضا برای سپردههای خارجی افزایش یابد جانشینی پول صورت گرفتهاست. اگر تقاضا برای پول خارجی با تغییرات درآمد(PY) رابطه معکوس داشته باشد ملاحظات پرتفوی بر ملاحظات معاملاتی غالب است. بنابراین اقتصاد دلاری شده است. دانیل و فراید۱۵ در مقالهای تحت عنوان "جانشینی پول، اعتصابات پستی، و تقاضا برای پول در کانادا" برای بررسی پدیده جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی تقاضا برای پول داخلی را تابعی از حجم مبادلات(Y) و هزینه فرصت نگهداری پول(i) به صورت زیر نشان میدهند:

۱) $M/P=L(Y,i)$

از طرف دیگر، به نظر آنها اگر تأثیر اعتصابات پستی در برآورد تقاضای پول منظور نشود؛ در دوره اعتصاب، برآورد تقاضای پول کمتر از حد واقعی به دست میآید؛ زیرا در دوره اعتصاب، بنگاههاییکه پرداختهای مربوط به اوراق قرضه را از طریق پست دریافت نکردهباشند، برای پرداخت هزینههایشان به استفاده از وام روی میآورند؛ و افزایش تقاضای وام به افزایش عرضه پول از طرف مقامات پولی منتهی میشود. همچنین پس از دوره اعتصاب براثر بزرگ شدن مقدار متغیر وابسته با تأخیر، برآوردی بیش از حد واقعی به دست میآید. آنها نهایتاً به کمک متغیرهای مجازی تأثیر عوامل فصلی(D_1) و اعتصابهای پستی (D_2)را به صورت الگوی زیر نشان دادند:

۲) $m_t=f(m_{t-1},Y,i,D_1,D_2)$

و با استفاده از دادههای فصلی سالهای ۱۹۷۰تا۱۹۸۲(دوره شناوری نرخهای ارز) تقاضای پول را برای کانادا برآورد کردهاند. در مجموع ضرایب

به دست آمده، وجود جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی(از طریق ضریب منفی نرخ بهره خارجی)، و تأثیر اعتصابهای پستی را بر تقاضای پول کانادا تأییدکرده است. توماس۱۶ درمقالهای تحت عنوان "نظریه پرتفوی و جانشینی پول" فرض میکند در طرف تقاضای پول، عوامل اقتصادی انگیزه نگهداری پول خارجی و داخلی را بهطور همزمان دارند، بنابراین متغیرهای نرخ بهره خارجی، نرخ تورم خارجی، تغییرات انتظاری نرخ ارز درتابع تقاضای پول داخلی مؤثرهستند. در مدل وی فرض میشود که به پولها هیچ بهرهای تعلق نمیگیرد، اوراق قرضه بدون ریسک اسمی قابل خرید و فروش با هر دو پول داخلی و خارجی وجود دارد و هزینه واسطهای وجود ندارد. بنابراین نرخ قرضگرفتن و قرض دادن برابراست، او نتیجه میگیرد که فقط زمانی پولها جانشین هستند که کشش متقاطع تقاضای پول داخلی(خارجی) نسبت به نرخ بهره خارجی(داخلی)منفی باشد. این مقاله نتیجه میگیرد وقتی معامله کنندگان هر دو پول را نگه میدارند نیازی به جانشینی پول خارجی و داخلی نیست. ملوین۱۷ درمقالهای تحت عنوان "جانشینی پول و اتحاد پولی اروپای غربی" با رویکرد پرتفوی به بررسی پدیده جانشینی پول در برخی از کشورهای اروپای غربی میپردازد. وی معتقد است برآورد ضریب نرخ بهره خارجی در تابع تقاضای پول داخلی چنانکه باید جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی را نشان نمیدهد. زیرا در این حالت نمیتوان جانشینی پول را از مفهوم گستردهتر تحرک سرمایه که جانشینی بین اوراق قرضه و پول را نیز در بر میگیرد تفکیک نمود. ملوین کیفیت پول (میزان اطمینان به ارزشآینده آن)را به عنوان معیار جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی در نظر گرفتهاست. در مدل وی نرخهای بهره داخلی و خارجی به عنوان فرصت نگهداری پول در نظرگرفته شدهاست و افزایش هرکدام از آنها به ترتیب به کاهش و افزایش تقاضا برای پول داخلی منتهی میشود. لذا علامت انتظاری ضریب نرخ بهره خارجی مثبت است. به نظر ملوین، بدون توجه به واکنش نرخهای بهره خارجی، پدیده جانشینی پول را میتوان به کمک متغیرهای مربوط به کیفیت پول آزمونکرد. از طرف دیگر، با واردکردن نرخ بهره خارجی، اثر عوامل تعیینکننده جانشینی بین پول(داراییهای پولی بدون بهره) و داراییهای بهرهدار ثابت نگه داشته میشود. وی به کمک دادههای مربوط به دورههای شناوری نرخهای ارز بین سالهای۱۹۷۳ تا۱۹۸۰معادله زیر را برای کشورهای آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه برآورد کردهاست. برپایه نتایج به دست آمده، جانشینی پول خارجی به جای پول داخلی را درهیچیک از این کشورها نمیتوان نادیده گرفت. نتیجه پایانی او این است که در نظام شناوری نرخهای ارز، کشورهای اروپایی برای دستیابی به استقلال پولی ناگزیر از تن دادن به اتحادپولی هستند. گویدوتی و رودریگز۱۸ درمقالهای تحت عنوان "دلاری شدن درآمریکای لاتین، آیا قانون گرشام معکوس است؟" بهبررسی تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین که دارای نرخهای تورم بالا بوده و دلاری شدن را تجربه کردهاند، میپردازند. مدل آنها اساساً پدیده جانشینی پول را با ترکیب پرتفوی در شرایطی که تحرک سرمایه وجود دارد بررسی میکند. فرض اساسی آنها این است که توابع تقاضای معاملاتی پول همان ویژگی توابع تقاضای مشتق شده از ملاحظات پرتفوی را دارند. تفاوت مقاله گویدتی و رودریگز با تحلیلهای سنتی پدیده جانشینی پول دراین است که آنها دلاری شدن آمریکای لاتین را محصول آزاد سازی مالی میدانند. گویدتی و رودریگز چنین نتیجه گرفتهاند که دلاری شدن اقتصاد ممکن است یک سری زمانی ناپایا۱۹ باشد ولی تفاوت بین نرخهای تورم داخلی و خارجی یک فرآیند پایا بهنظر میرسد. بهعبارت دیگر، شوکهای سطح دلاری اقتصاد اثری دایمی دارد، اما شوکهای تفاوت بین نرخهای تورم داخلی و خارجی دارای یک اثر آنی است. روياس سوارز ۲۰ در مقالهای تحت عنوان " جانشینی پول و تورم در پرو" مدلی را در نظر میگیرد که در آن، پول تنها شکل ثروت است، و ساکنان کشور میتوانند ترکیبی از پول داخلی و پول خارجی را در پرتفوی خود جای دهند. در این مدل، هر مصرف کننده تابع مطلوبیت خود را برای یافتن ترکیب بهینه پولهای داخلی و خارجی، با توجه به محدودیت بودجه خود حداکثر میکند. از حل مسأله حداکثرسازی، نسبت نگهداری پول ملی به پولهای خارجی در حالت پایدار، تابعی از نرخ انتظاری کاهش ارزش پول ملی به دست میآید. وی با استفاده از دادههای ماهانه سالهای۱۹۷۸ تا۱۹۹۰، برای سریهای زمانی موجود نتایج زیر را به دست آورد: ۱- ضرایب به دست آمده، دارای علامت انتظاری بوده، و به گونهای معنی دار، بر فرآیند جانشینی پول تأثیر میگذارد. ۲- همسو بودن تغییرات متغیر جایگزین درآمد ملی با فرآیند جانشینی پول، نشاندهنده دلاری شدن اقتصاد پرو درسالهای مورد بررسی است. ۳- فرآیند تعدیل جانشینی پول در پرو نسبتاً کند بوده است. عالمی۲۱ در مقالهای تحت عنوان "جانشینی پول در مقابل دلاری شدن: یک مدل تراز پرتفوی" با ذکر اینکه مدلهای گسترش یافته و تعدیل شده توابع تقاضای پول داخلی و خارجی، بین جانشینی پول (پول خارجی به عنوان وسیله مبادله) و دلاری شدن(پول خارجی به عنوان ذخیره ارزش) تفکیک قائل هستند، فرآیندی را که سود مربوط به سپردههای خارجی به صورت قابل توجهی افزایش میابد به عنوان جانشینی پول تعریف میکند. مقاله فوق تلاش میکند بین انگیزههای معاملاتی نگهداری پول خارجی و تنوع در پرتفوی تمایز قائل شود. به طورکلی رویکرد پرتفوی اشاره دارد که عوامل اقتصادی سعی میکنند بهترین ترکیب بهینه ریسک و بازده انتظاری را از میان داراییهای دردسترس انتخاب نمایند. دراین رویکرد پول داخلی و پول خارجی دو انتخاب در دسترس افراد می باشند. اختلاف بین نرخ تورم و نرخ بهره کشورها موجب جانشینی پول بین آنها میشود. جانشینی پولها دقیقاً متضاد قانون گرشام است زیرا پول خوب پول بد را از میدان خارج میکند. اگر دو پول در طرف تقاضا جانشین کامل باشند نرخ ارز آنها نامتعین است. پول خارجی طرفهای عمده تجاری یک جزء مهم در پرتفوی داخلی است. همانند سایر داراییها اندازه جانشینی بین پول داخلی و پول خارجی به ریسک مبادله و نرخ بازده نسبی آنها بستگی دارد. نسبت بین نگهداری دو نوع پول علاوه بر درجه نقدینگی آنها به نرخ انتظاری بازده آنها بستگی دارد. جانشینی پول در دورههای تورمی افزایش میابد زیرا هزینه نگهداری پول داخلی افزایش و قدرت خرید آن کاهش میابد و نرخ ارز تعدیل میشود.۲- تغییر نرخ انتظاری ارز و تقاضا برای پول طبق فرمول استاندارد تقاضا برای پول تابعی از یک متغیر مقیاس نشاندهنده درآمد یا ثروت و مجموعهای از متغیرهای نشاندهند هزینه فرصت نگهداری پول است. دراین چارچوب اگر پول خارجی جانشین پول داخلی باشد نرخ بازده پول خارجی عامل مؤثری برتقاضای پول داخلی خواهد بود. با فرض اینکه به ماندههای پول خارجی هیچ بهرهای پرداخت نمیشود، نرخ بازده انتظاری پول خارجی برابر نرخ انتظاری افزایش نرخ ارز (که به عنوان قیمت پول خارجی تعریف میشود)است. بنابراین امکان جانشینی پول میتواند از طریق اینکه آیا تغییر انتظاری نرخ ارز تعیینکننده معنیداری در تقاضای پول داخلی است آزمون شود.الف . مقیاس نرخ بازار موازی ارز بهمنی اسکویی۲۲ در مقاله"نرخ بازار سیاه ارز و تقاضا برای پول در ایران " دستاورد علمی خود را چنین ذکر میکند: درکشورهایی که بازار موازی برای ارز خارجی وجود دارد، نرخ بازار موازی ارز، و نه نرخ رسمی ارز، باید در تابع تقاضا برای پول لحاظ شود. چون ضریب نرخ رسمی ارز در تابع تقاضای پول معنیدار نیست. فرضیه بازارهای کارا بیان میکند که نرخ سلف مقیاس خوبی از نرخ انتظاری ارز است. یک وجه ساده این فرضیه که فرض میکند افراد ریسک خنثی بوده و هزینه مبادله وجود ندارد اشاره دارد که با توجه به تمام اطلاعات موجود، نرخهای سلف پیش بینی بهینهای از نرخهای نقدی۲۳ آینده ارائه میکنند. این فرضیه بوسیله شواهد قابل ملاحظهای برای محدوده گستردهای از کشورها و دورهها حمایت میشود که نشان میدهد نرخهای سلف یک پیش بینی بدون تورشی از نرخهای نقدی آینده ارائه میکنند و خطای پیش بینی از اطلاعات موجود در مورد نرخهای نقدی آینده مستقل است. با وجود این،" فرضیه ساده کارایی"۲۴ به خوبی از عهده تمام آزمونها و دادههایی که شواهدی برعلیه آن ارائه میکنند برنمیآید. حتی اگر وجه ساده برقرار نباشد و نرخ سلف با مقداری خطای سیستماتیک (احتمالاً به دلیل عوامل ریسک و/ یا هزینههای مبادله) نرخ نقدی انتظاری را اندازه بگیرد، اگر خطا کوچک باشد نرخ سلف میتواند هنوز به عنوان یک نماینده خوب مورد استفاده قرار گیرد.۲۵ چون دراقتصادایران نرخ سلف ارز وجود ندارد و تغییرات نرخ رسمی ارز بطیء است، تقاضا برای پول داخلی و خارجی بیشتر تحت تأثیر نرخ بازار موازی ارز قرار میگیرد. لذا درتحقیق حاضر از نرخ بازار موازی ارز به عنوان جایگزین استفاده میکنیم.ب. شاهدی از تقاضای پول ایران با استفاده از دادههای سالیانه دوره۱۳۳۸تا۱۳۸۰تقاضابرای پول در ایران را تخمین میزنیم.۲۶ تابع تقاضا برای۱M و۲M تخمین زده میشود. چند متغیر مقیاس را مورد بررسی قرار دادیم و نهایتاً از مقدارgdp واقعی استفاده کردهایم. نرخهای بهره داخلی و خارجی هر دو سود سپردههای بلند مدت بانکی می باشند که به عنوان هزینه فرصت نگهداری پول در نظرگرفته شده است. شکل تابع لگاریتم خطی، لگاریتم مضاعف نسبت بهgdp و نیمه لگاریتمی نسبت به متغیرهای هزینه فرصت فرض میشود. ۳- مدل در تابع تقاضای سنتی پول متغیرهای نرخ بهره داخلی و نرخ تورم یا شاخص قیمت مصرف کننده

داخلی به عنوان متغیرهای هزینه فرصت نگهـداری پول و متغیر درآمد یا تولید ملی به عنوان متغیر مقیاس وارد تابع تقاضا میشود. در پژوهش حاضر با استفاده از مدل بوردو و چودری۲۷ علاوه بر متغیر نرخ بهره داخلی، نرخ بهره خارجی را برای آزمون وجود پدیده جانشـینی پول وارد تـابع تقاضـای پول داخلی مینمـاییم. در تـابع تقاضـای پول خارجی نیز نرخ بهره داخلی را وارد میکنیم. دسـتاورد علمی این مقـاله این است که علاـوه بر متغیرهـای نرخ بهره داخلی و خـارجی از متغیرهای شاخص قیمت داخلی و خارجی، نرخ ارز در بـازار موازی و متغیر وابسـته با وقفه نیز برای تخمین تقاضای پول داخلی و خارجی اسـتفاده شـده است. مـدل بوردو و چودری به صورت زیر است :۱log mf = g۰ + g(۳ (log md = b۰ + b۱ logy + b۲i d+ b۳ i f

۴) logy + g۲id + g۳if(که در آن dm= dP/dM تقاضـای حقیقی برای پول داخلی(با تعریفM۲ و EMf /Pd fm = ،(M۱ تقاضای حقیقی برای پول خارجی، dP سطح قیمت داخلی و y درآمد حقیقی داخلی است. چون در شرایط معاملات ارز با آربیتراژ کامل بهره i d وif نشان دهنده قیمت نگهداری (هزینه فرصت) dm و fm برای یک دوره هسـتند، معادلات بالا را میتوان به سادگی این چنین تفسـیر کرد که تقاضای هر کدام از پولها به متغیر مقیاس، قیمت خودش و قیمت پول جانشـین بسـتگی دارد. در ضـمیمه نشان میـدهیم که اینگونه توابع تقاضا میتواند به سادگی از یک مدل حداکثرسازی مطلوبیت بدست آید. اگر جانشـینی پول بین dm و fm وجود نداشـته باشد ضرایب ۳b و ۲g (که اثرمتقاطع جانشـینی را نشان میدهند) در معادلههای (۳) و (۴) برابر صـفر خواهند بود. نتایج بوردو و چودری با مطالعه اخیر میلز (۱۹۷۸) که درجه بالایی از جانشینی پول را در کانـادا گزارش نمودهاست کاملاً متضاد است. آنها نشان میدهنـد که نتایـج میلز برمـدلی با تصـریح اشـتباه بنا شـدهاست. آنها با اسـتفاده از دادههـای میلز نشان میدهنـد که درکانادا جانشـینی پول وجود نـدارد.۴- جانشـینی پول در تـابع تقاضـای پول داخلی در جدول شماره (۱) برای هر تعریف پول ابتـدا بهترین برازش تقاضای پول را بـدون نرخ بازار موازی ارز (PEX) نشان میدهیم. سپس PEXرا برای آزمون تـأثیر جانشـینی پول در معـادله معرفی میکنیم. تمامی مـدلهای جـدول(۱)نشـان میدهـد که تقاضای واقعی پول داخلی بـا تعریف۱M یا۲M با متغیرمقیاس(gdp واقعی) رابطه مسـتقیم و بـا نرخ بهره خـارجی و شـاخص قیمت خـارجی نیز رابطه مستقیم دارد؛ در مدلهای۲و۳تقاضای واقعی پول داخلی(۱M) بـا نرخ ارز رابطه معکوس و در مـدل ۴با نرخ ارز رابطه مستقیم دارد علت آن این است که در مدل۴سطح قیمت خارجی و متغیر مجازی شوک نفتی(D۱) حذف شده و بهجای آن متغیر مجازیD۳که شکست ساختاری سالهای۵۷ و۵۸را نشـان میدهـد اضافه شـدهاست علامت ضـریب نرخ ارز درتابع تقاضای پول داخلی یک مسأله تجربی اسـت و از نظر تئوریـک نمیتـوان از قبـل دقیقاً علامـت آن را مشـخص کرد چـون تاحـدی افزایش نرخ ارز مـوجب کـاهش تقاضـای پـول داخلی و افزایش تقاضـای پول خـارجی میشود ولی اگر نرخ ارز خیلی افزایشـیابد هماننـد هرکالاـی دیگری تقاضـای آن(ارز)کاهش مییابد برآیند این افزایش و کاهش است که ضـریب آن را تعیین میکند. من حیثالمجموع تمام مدلها فرضیه جانشینی پول را در تابع تقاضای پول داخلی تأییـد میکننـد. تمام مـدلها با اسـتفاده از نرم افزارEviews با روشOLS برآورد شده است.۵- جانشـینی پـول در تـابع تقاضـای پـول خـارجی مـدلهای۷و۸جـدول (۲)لگـاریتم تقاضـای پـول خـارجی را برحسـب دلاـر و مدلهای۳و۴لگـاریتم تقاضای اسـمی پول خارجی را برحسب ریال و مـدلهای ۹و۱۰لگاریتم تقاضای واقعی پول خارجی را برحسـب ریال نشان میدهنـد. درتمام مدلها تقاضای پول خارجی توسط ساکنین کشور با متغیر مقیاس (gdpواقعی)رابطه مستقیم, با نرخ بهره داخلی و با شاخص قیمت داخلی رابطه مستقیم، با نرخ بهره خارجی و با شاخص قیمت خارجی رابطه معکوس دارند. تمام ضـرایب تأیید میکنند که جانشینی پول درتابع تقاضای پول خارجی نیز وجود دارد. یعنی با افزایش هزینه فرصت نگهداری پول داخلی مردم ترجیـح میدهنـد که پول داخلی را به پول خارجی تبدیل کنند.جدول(۱) جانشینی پول در تقاضـا برای پول داخلی(ریال): داده های سالیانه ۱۳۳۸-۱۳۸۰۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ مدل۱Ln m۱ Ln m۱ Ln m۱ Ln m۱ Ln m۲ Ln m۲ متغیر وابسته- ۵/۸۱۷(-۱۲/۲۳۴) -۴/۸۳۳(-۱۱/۳۲۱) -۱/۴۱۵(-۱/۵۲۰) -۲/۴۴۵(-۶/۰۹۹) -۲/۴۳۶(-۵/۸۸۵) -۱/۵۵۲(-۳/۳۴۴) جمله ثابت-(C۱/۲۵۸(۲۰/۹۰۸) ۱/۳۷۸(۲۵/۲۵۰) ۰/۷۶۹(۶/۷۳۱) ۰/۵۴۸(۷/۶۶۲) ۰/۳۷۶(۶/۶۰۵) ۰/۹۱۵(۱۵/۳۶۵) Ln gdp-۰/۰۲۴ (۲/۹۳۲)id۰/۰۱۶ (-۵/۰۱۹)۰/۰۳۳- (-۲/۲۲۷)۰/۰۱۴- (-۱/۹۶۹)۰/۰۱۲۲- (-۳/۲۴۰)۰/۰۵۱- (-۶/۴۴۸)۰/۰۳۸- (۲/۹۴۷ (۲/۸۹۱)۰/۵۸۷ (۳/۴۴۷)Ln cpii۰/۶۶۷ (-۲/۹۷۰)if-۰/۱۱۰ (۱/۸۱۸)۰/۰۰۹ (۱/۴۸۴)۰/۰۰۷ (۴/۸۸۷)۰/۰۵۵ (۳/۶۷۷)۰/۰۲۰ (۴/۸۸۹)۰/۴۷۶ (۴/۰۹۴)۰/۴۰۲ Ln pex (-۲/۷۱۲)۰/۰۶۷- (-۴/۷۴۸)۰/۱۰۳- (۵/۹۸۹)۰/۲۲۷ Ln cpiu (۳/۹۴۴)۰/۸۲۸ متغیر وابستهباوقفه۰/۳۸۱(۴/۳۴۶) ۰/۵۷۹(۱۱/۸۵۴) ۰/۳۶۱(۴/۹۴۹) ۰/۸۴۱(۱۵/۸۲۸) ۰/۷۹۱(۶/۳۷۵) ۰/۳۲۴(۵/۰۷۵) (۲/۳۱۲)D۱۰/۱۶۹ ۱/۱۵۶ ۱/۸۷۳ ۱/۵۴۲R۲ ۰/۹۹۴ ۰/۹۹۷ ۰/۹۹۷ ۰/۹۷۷ ۰/۹۹۵ ۰/۹۹۷D۳ (۴/۵۰۵)۰/۲۲۰ (۲/۰۷۴)۰/۲۸۶ D۲ (۶/۸۶۶)۰/۴۸۰ h ۰/۱۷۹۵- ۱/۷۴۷ D-W ۱/۷۴ ۲/۰۴ ۱/۵۷۶ دوربینملاحظات: ۱- ارقـام داخل پرانتز مقادیرt را نشان میدهد.۲- متغیرهای وابسته لگاریتم تقاضای پول داخلی را برحسب۱m و۲m واقعی نشان میدهند.۳- سایرمتغیرها درپایان مقاله معرفی میشود.۶- آزمون مدلها برای تخمین مـدلهای تقاضای پول داخلی و خارجی چنـدین مـدل تخمین زده شـد که مدلهای حاضـر(جدولهای (۱)و (۲)) از پس آزمونهای مختلف برآمدند و با اینکه هیچکدام از متغیرهای مسـتقل و وابسته پایا نیستند و درجه جمعی آنها متفاوت و بیشتر از صفر است (به جـدول۵ضمیمه که درجه جمعی متغیرهـا را نشـان میدهـد مراجعه کنیـد) جملاـت اخلاـل کلیه رگرسـیونها جمعی از مرتبه صفر(۰)I است و لذا تمامی رگرسـیونها حقیقی بوده و ضـرایب آن مطابق تئوریهای تقاضای پول سنتی و جانشینی پول میباشد. برای رگرسـیونهایی که متغیر وابسته با وقفه وارد مدل شده آزمونh دوربین نیز انجام شد که عدم وجود خود همبسـتگی را در این مدلها تأییـد میکند. ضـرایب متغیرهای مجازی شوک نفتی(D۱) و انقلاب اسـلامی(D۲) مؤیـد این امراست که تقاضـا برای پـول داخلی و خارجی بعـد از شوک نفتی سال۱۳۵۳ و بعد از انقلاب اسـلامی سال۱۳۵۷افزایشیافته و این افزایش برای تقاضای پول خارجی بیشتر است لـذا درجه دلاـری شـدن اقتصـادایران نیز پس از دو رخـداد مهم فـوق افزایش یـافته است.۷- تفسیر ضرایب۷- ۱تفسیر ضریب لگاریتم تولید ناخالص داخلی(lngdp) درتقاضـای پول داخلی و پول خـارجی در تابع تقاضای پول داخلی با تعریف ۱Mو۲M در تمام مدلها علامت ضریب lngdp مثبت می باشد بنابراین با مبانی نظری تقاضای سنتی پول سازگار است. در مورد علامت ضریب lngdp در تـابع تقاضـای پول خـارجی توسـط ساکنین کادینگتون۲۸ در مقالهـای تحت عنـوان "جانشـینی پـول، تحرک سـرمایه و تقاضای پول" ذکر نمودهاست که اگر همراه با افزایش متغیر معاملاتی درآمـد (PY) تقاضا برای پول خارجی افزایش یابد جانشینی پـول صـورت گرفتهـاست. اگر تقاضـا برای پول خـارجی بـا تغییرات درآمـد(PY) رابطه معکـوس داشـته باشـد ملاحظـات پرتفوی برملاحظـات معاملاـتی غـالب است، بنـابراین اقتصـاد دلاری شـده است. درتابع تقاضای پول خارجی برحسب دلار (mf)، برحسب ریال اسمی(mfr) و برحسب ریال واقعی(fr۶۱) در تمام مدلها علامت ضریبlngdp مثبت جدول(۲)جانشینی پول در تقاضا برای پول خارجی(دلار): دادههای سالیانه ۱۳۳۸-۱۳۸۰۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ مدلLn mf Ln mfr Ln mfr Ln mfr۶۱ Ln mfr۶۱ Ln mf متغیر وابسـته-۷/۶۴۱(-۱۰/۳۱۳) -۹/۰۱۵(-۲/۷۵۷) -۹/۱۹۹(-۲/۹۳۹) -۹/۵۴۹(-۳/۰۶۵) -۱۱/۱۱۱(-۸/۱۹۹) -۸/۱۷۶(-۱۵/۷۲۹) جمله ثـابتC۰/۵۵۴(۶/۴۳۶) ۱/۲۱۱(۲/۹۲۳) ۱/۲۱۲(۲/۹۳۹) ۱/۲۹۳(۳/۲۶۱) ۰/۹۴۴(۵/۴۷۸) ۰/۲۳۶(۳/۰۷۱) Ln gdp۰/۰۴۵۸(۳/۰۵۷) ۰/۲۲۷(۵/۳۱۸) ۰/۲۲۵(۵/۳۱۰) ۰/۲۰۸(۵/۰۱۱) ۰/۰۵۷(۳/۱۷۶) ۰/۰۲۴(۲/۰۱۲) id-۰/۰۲۲(-۲/۴۴۵) - (۱۵/۰۴)۱/۵۴ (۳/۳۸۰)if۰/۴۵۰ (-۲/۳۹۳)۰/۰۱۷- (-۴/۵۴۸)۰/۰۹۵- (-۲/۹۶۷)۰/۱۴۳- (-۲/۲۷۶)۰/۰۸۹- (-۲/۲۶۷)۰/۰۸۹ Ln ۰/۸۲۷(۱۱/۸۹۲ Ln pex (-۱۵/۴۳۷)۱/۲۷۱- (-۲/۰۳۹)Ln cpiu-۰/۳۳۳ (-۸/۳۷۴)cpii-۱/۸۵۰ متغیر وابسـتهباوقفه ۲/۸۱۳(۷/۹۷۶) ۲/۸۵۸(۸/۵۴۵) ۲/۸۰۷(۸/۰۰۵) ۰/۶۸۰(۴/۶۷۸) ۱/۲۱۲(۲/۶۰۲) ۱/۲۴۴(۲/۷۸۵) ۱/۲۱۹(۲/۶۰۶) (۳/۲۵۱)D۱۰/۴۳۳ ۱/۱۳۸ ۱/۳۱۲R۲ ۰/۹۹۸ ۰/۹۸ ۰/۹۷۳ ۰/۹۸ ۰/۹۷۳ ۰/۹۹۶D۳ (۴/۸۵۷)۰/۳۴۲ (۴/۸۱۹)D۲۰/۴۳۵ (۵/۷۲۰)۰/۵۳۷ (۷/۷۶۷)۱/۵۰۹ ۰/۸۷۸۷ D-W ۱/۹۷۵ ۱/۴۸۱ ۱/۱۶۴ ۱/۱۶۴ دوربیـن hملاحظات: ۱- ارقـام داخـل پرانتز مقادیرt را نشـان میدهـد. ۲- متغیرهای وابسته لگاریتم تقاضای پول خارجی را بر حسب دلار (mf) ، ریال(mfr) و ریال واقعی (mfr۶۱) نشان میدهند. ۳- سایر متغیرها در پایان مقاله معرفی میشود.می باشـد لـذا با تحلیل کادینگتون اقتصاد ایران وارد مرحله جانشـینی پول شـده و از مرحله دلاری شدن عبـور کرده است زیرا انگیزههـای معاملاـتی برانگیزههـای پرتفوی غـالب شـدهاست. ۷-۲ تفسـیر ضـریب نرخ بهره داخلی (id) در تقاضای پول داخلی و پول خارجی علامت ضـریب نرخ بهره داخلی (id)در تمام مـدلهای توابع تقاضای پول داخلی منفی و درتمام

مدلهای توابع تقاضای پول خارجی مثبت است که هم با نظریههای پولی سنتی و هم با نظریههای جانشینی پول سازگار است زیرا وقتی نرخ بهره داخلی افزایش مییابد تقاضا برای پول داخلی کاهش و تقاضای برای پول خارجی افزایش مییابد زیرا افزایش نرخ بهره داخلی هزینه نگهداری پول داخلی را نسبت به نگهداری پول خارجی افزایش میدهد. ۷-۳ تفسیر ضریب نرخ بهره خارجی (if) در تقاضای پول داخلی و پول خارجی علامت ضریب نرخ بهره خارجی (if) در تمام مدلهای تابع تقاضای پول داخلی مثبت و در تمام مدلهای توابع تقاضای پول خارجی منفی است که هم با نظریههای پولی سنتی و هم با نظریههای جانشینی پول سازگار است زیرا وقتی نرخ بهره خارجی افزایش مییابد تقاضا برای پول داخلی افزایش و تقاضای برای پول خارجی کاهش مییابد زیرا افزایش نرخ بهره خارجی هزینه نگهداری پول داخلی را نسبت به نگهداری پول خارجی کاهش میدهد. ۷-۴ تفسیر ضریب لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده داخلی (lncpii) درتقاضای پول داخلی و پول خارجی علامت ضریب لگاریتم شاخص قیمت مصرفکننده داخلی(lncpii) درتمام مدلهای توابع تقاضای پول داخلی منفی و درتمام مدلهای توابع تقاضای پول خارجی مثبت است که با نظریههای جانشینی پول سازگار است زیرا وقتی شاخص قیمت مصرفکننده داخلی افزایش مییابد تقاضا برای پول داخلی کاهش و تقاضای برای پول خارجی افزایش مییابد زیرا با فرض ثابت بودن سایر عوامل از جمله شاخص قیمت مصرفکننده خارجی، افزایش شاخص قیمت مصرفکننده داخلی هزینه نگهداری پول داخلی را نسبت به نگهداری پول خارجی افزایش میدهد. ۷-۵ تفسیر ضریب شاخص قیمت مصرف کننده خارجی (lncpiu) در تقاضای پول داخلی و پول خارجی علامت ضریب لگاریتم شاخص قیمت مصرفکننده خارجی(lncpiu) درتمام مدلهای توابع تقاضای پول داخلی مثبت و در مدل تابع تقاضای پول خارجی منفی است که هم با نظریههای پولی سنتی و هم با نظریههای جانشینی پول سازگار است. وقتی شاخص قیمت مصرفکننده خارجی افزایش مییابد تقاضا برای پول داخلی افزایش و تقاضای برای پول خارجی کاهش مییابد زیرا افزایش شاخص قیمت مصرفکننده خارجی هزینه نگهداری پول داخلی را نسبت به نگهداری پول خارجی کاهش میدهد. ۷-۶ تفسیر ضریب لگاریتم نرخ بازار موازی ارز (ln pex) در تقاضای پول داخلی و پول خارجی علامت ضریب لگاریتم نرخ بازار موازی ارز(ln pex) در تابع تقاضای پول داخلی و خارجی یک مسأله تجربی است و با تئوریهای پولی سنتی و جانشینی پول نمیتوان علامت آن را از قبل مشخص نمود زیرا وقتی نرخ ارز شروع به افزایش میکند تقاضا برای پول داخلی کاهش و تقاضا برای پول خارجی افزایش مییابد. اما وقتی نرخ ارز خیلی افزایش یابد تقاضا برای ارز همانند هرکالای اقتصادی دیگر کاهش مییابد. برآیند این افزایش و کاهشها است که علامت آن را تعیین میکند. همینکه تقاضای پول داخلی نسبت به نرخ ارز حساسیت داشته باشد و ضریب نرخ ارز در تابع تقاضای پول داخلی معنیدار باشد پدیده جانشینی پول اتفاق افتادهاست. ضریب این متغیر درتمام مدلهای توابع تقاضای پول داخلی و پول خارجی معنیدار و منفی است که نشاندهنده وجود پدیده جانشینی پول است. ۷- ۷تفسیر ضریب لگاریتم متغیر وابسته با وقفه در تقاضای پول داخلی و پول خارجی علامت ضریب لگاریتم متغیر وابسته درتمام مدلهای توابع تقاضای پول داخلی و خارجی مثبت است که هم با نظریههای پولی سنتی و هم با نظریههای جانشینی پول سازگار است و نشان میدهد که تقاضای پول داخلی در هر دوره به دوره قبلی خود بستگی دارد. معمولاً به سه دلیل متغیر با وقفه را در مدلهای اقتصاد سنجی وارد میکنند:۱ - دلایل روانی: بنا به جبر عادات و سنن، مردم عادات مصرفی خود را به دنبال یک کاهش قیمت و یا افزایش درآمد فوراً تغییر نمیدهند، شاید به این علت که فرآیند تغییرممکن است مطلوبیت منفی (نارضایتی) ببارآورد. ۲- دلایل فنی (تکنولوژیکی): اگر قیمت سرمایه نسبت به نیروی کارکاهش یابد در این صورت جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار از نظر اقتصادی مناسب خواهد بود. البته افزودن سرمایه نیاز بهزمان دارد (دوران باروری). علاوه براین اگر این کاهش موقتی تلقی شود، ممکن است بنگاههای اقتصادی برای جایگزین کردن عامل کار بوسیله سرمایه شتاب نکنند. ۳- دلایل نهادی: برای مثال، الزامات ناشی از عقد قرار داد، ممکن است بنگاهها را از تغییرات در نیروی کار و یا استفاده از منابع دیگر مواد اولیه منع کند.۲۹ در مورد تقاضای پول داخلی و خارجی نیز مردم یک عادت مصرفی دارند که خیلی زود تغییر نمیکند. همچنین تبدیل پول خارجی به پول داخلی دارای هزینه معاملاتی است، علاوه برآن ممکن است قرار دادهایی برحسب پول داخلی یا برحسب پول خارجی منعقد شده باشد که با تغییر یک متغیر مثل نرخ بهره داخلی یا خارجی نمیتوان قرار داد را لغو کرد و با پول دیگر خارجی(داخلی) منعقد نمود بنابراین تقاضای پول داخلی و خارجی به سطح این تقاضاها در دوره گذشته بستگی دارد. ۷- ۸تفسیر تأثیر شوک نفتی بر تقاضای پول داخلی و پول خارجی متغیرمجازی(D۱) که نشان دهنده شوک نفتی سال۱۳۵۳است در ردیف۱۱جدولهای(۱) و(۲) نشان میدهد که شوک نفتی هم تقاضای ریال و هم تقاضای دلار را افزایش دادهاست ضریب متغیر D۱درمدلهای۹و۱۰و۱۱جدول (۲) نشان میدهد که افزایش ریالی تقاضای پول خارجی نسبت به افزایش پول داخلی بر اثر شوک نفتی حدود۵برابر بیشتر بوده است. به دلیل افزایش ناگهانی قیمت نفت و عدم امکان پاسخگویی به تقاضای داخلی توسط صنایع داخلی تقاضا برای واردات افزایش یافت که موجب افزایش تقاضا برای پول خارجی گشت. افزایش درآمدهای نفتی اقتصاد کشور را تقویت نموده و لذا تقاضا برای پول داخلی و خارجی را افزایش داده ولی چون حجم مبادلات خارجی نسبت به مبادلات داخلی افزایش یافته تقاضای پول خارجی بیش از تقاضای پول داخلی افزایش یافته است. ۷-۹ تفسیر تأثیر انقلاب اسلامی بر تقاضای پول داخلی و پول خارجی مقایسه ضرایب متغیر مجازی(D۲) در دو تابع تقاضای پول داخلی و خارجی که نشان دهنده تأثیرانقلاب اسلامی سال۱۳۵۷برتقاضای پول داخلی و خارجی میباشد در ردیف۱۲جدولهای (۱) و(۲) بیانگر این امر است که بعد از انقلاب اسلامی تقاضای پول داخلی و تقاضای پول خارجی افزایش یافته است ولی تقاضای پول خارجی بر اثر انقلاب اسلامی حدود ۲برابر تقاضای پول داخلی افزایش یافته است که این امر نشان دهنده بیثباتی اقتصادی و نااطمینانی نسبت به آینده و خروج سرمایه و گسترش اقتصاد زیرزمینی است که تقاضا برای دلار را بیش از پیش افزایش داده است. هر دو مقایسه فوق(بندهای۷-۸ و۷-۹) براساس تقاضای واقعی پول داخلی(M۱) و پول خارجی برحسب ریال(mfr) صورت گرفته است.۷-۱۰تفسیر تأثیر شکست ساختاری سالهای۱۳۵۷و۱۳۵۸برتقاضای پول داخلی و پول خارجی مقایسه ضرایب متغیر شکست ساختاری سالهای۱۳۵۷و۱۳۵۸(D۳) در دو تابع تقاضای پول داخلی و خارجی نشان میدهد در سالهای فوق تقاضای پول داخلی و پول خارجی افزایش یافته است اما تقاضا برای پول خارجی حدود ۵/۱تا ۲برابر تقاضای پول داخلی افزایش یافته است.۸- نتیجه دراین پژوهش تأثیر بازده پول خارجی برتقاضا برای پول داخلی در دوره۱۳۳۸-۱۳۸۰ آزمون شد و معلوم گردید این تأثیر معنیدار است. بنابراین، در کشور ما که مبالغ زیادی پول خارجی درآن نگهداری میشود۳۰، جانشینیپول عامل مهمی در تابع تقاضای پول داخلی و خارجی توسط ساکنین است. چون تقاضا برای پول خارجی با متغیر مقیاس(gdp) رابطه مستقیم دارد لذا طبق نظریه کادینگتون اقتصاد ایران وارد مرحله جانشینی پول شده و از مرحله دلاری شدن عبور کرده است زیرا انگیزههای معاملاتی بر انگیزههای پرتفوی غالب شدهاست. ۹- ضمیمه ۱یک مدل ساده تقاضا برای پول داخلی و پول خارجی بهعنوان یک شق دیگر به رویکرد میلز که پولهای داخلی و خارجی بهعنوان داده در تابع خدمات پولی وارد میشوند، فرضکنید دو پول در کنار کالاها به صورت زیر وارد تابعمطلوبیت میشوند کلین رویکرد مشابهی را برای بدست آوردن تقاضا برای پول در یک اقتصاد بسته استفاده میکند.۳۱ U=f(md, fm,g)

(A۱) که درآن md و fm ترازهای حقیقی داخلی و خارجی را همانطورکه در معادلات (۱)و(۲) متن تعریف شد و gکالاها را نشان میدهد. فرضکنید ثروت مالی شامل اوراققرضه۳۲ داخلی(dB)، اوراق قرضه خارجی(fB)، پول داخلی و پول خارجی است، ارزش واقعی ثروت مالی،w، برابر است با:(A۲ W=bd+ bf+ mdfm+) که درآن bd dB /dP =و bf =fB/fP

است. بعلاوه فرضکنید که در هر دوره تمام درآمد خرج میشود، محدویت بودجه میتواند بهصورت زیر نوشته شود: g =r+id

(A۳ bd+(if+Ê)bf +Êmf) کهr جریان درآمد حقیقی حاصل از سایر منابع ثروت مالی را نشان میدهد. محدودیت بودجه بالا تحت شرایط معاملات ارز با بهره کامل میتواند به صورت زیر ساده شود: فرضکنید= Ê id-if با جانشین کردن مقدار (bd+bf) از(A۲) در(A۳) و با سادهکردن آن معادله(A۳) میتواند به صورت زیر نوشته شود: +if md =g+id y

(A۴   r + w y = که (mf

id است. با حـداکثر کردن U در(A۱) نسبت به محدودیت(A۴) ، تقاضـا برای md و mf میتوانـد به عنوان تابعی از id ، y و if
بهدست آید. توجهکنید که y میتواند به عنوان درآمد واقعی که بهطور گسترده شامل (+id md if mf) تعریف میشود تفسیر شود،
مقـدار نسبت جریان خـدمات بوسیله پولهای داخلی و خارجی بـدست میآید. (با وجود این، این نسبت در کار تجربی ما که GNP
واقعی را برای اندازه گیری y استفاده میکنیم حذف میشود.)جدول۵منابع داده ها یا نحوه محاسبه آنهامنبع اطلاعات یا نحوه محاسبه
متغیر نماد بردار ضرایب β بردار ضرایب γ جمعآوری شده از گزارشهای مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا شاخص بهای کالاها وخدمات
مصرفی در مناطق شهری ایران(۱۰۰=۱۳۶۱) cpii نرم افزار IFS صـندوق بین المللی پول شاخص بهای کالاها وخدمات مصرفی در
مناطق شـهری آمریکا(۱۰۰=۱۳۷۴) cpiu از سال۱۳۵۶به بعـد برابر۱و بقیه سالهـا برابرصـفراست متغیر مجـازی شوک انقلاب D۱ از
سال۱۳۵۲به بعد برابر۱و بقیه سالها برابرصفراست متغیر مجازی شوک نفتی D۲ سالهای۱۳۵۸و۱۳۵۹ برابر۱و بقیه سالها برابرصفراست
متغیر مجـازی شـکست ساختـاری D۳ مجموعه آمـاری سـری زمـانی آمارهـای اقتصـادی، اجتمـاعی تـا سال۱۳۷۵ سازمـان برنـامه و
بودجه۱۳۷۶ تولید ناخالص داخلی به قیمتثابت سال ۱۳۶۱ gdp جمع آوری شده از گزارشهای مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا نرخ بهره
داخلی(سود سپردههای بلند مدت) Id نرم افزار IFS صـندوق بین المللی پول نرخ بهره خـارجی(مورد آمریکاسود سپرده های بلند
مدت) If لگاریتم نپرین Ln جمع آوری شده از گزارشهای مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا حجم پول داخلی برحسب میلیاردریال((m۱
m۱ جمـع آوری شـده از گزارشـهای مختلـف بانـک مرکزی ج.ا.ا حجم نقـدینگی داخلی برحسب میلیاردریـال(۱۳۸۲)m۲ (m۲)
لشکری و فرزین وش حجم پول خارجی درگردش برحسب میلیارد دلار fm حاصل ضرب حجم دلارهای درگردش در نرخ ارز در
بازار موازی حجم دلارهای درگردش برحسب ریال mfr حاصل ضـرب حجم دلارهای درگردش در نرخ ارز در بازار موازی که با
شاخص قیمتهای داخلی تعـدیل شده است حجم دلارهای درگردش واقعی برحسب ریال mfr۶۱ تعداد نمونه n جمع آوری شده از
گزارشـهای مختلف بانـک مرکزی ج.ا.ا نرخ دلـر آمریکـا در بـازار موازی Pex جـدول نتایـج آزمون ریشه واحـد نماد متغیر نتایج
آزمون۳)I) دربرابر ۲)I (۲)I) دربرابر ۱)I (۱)I) دربرابر۱ I(۰)Ln m۱ لگـاریتم حجـم پـول واقعی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد
۱-)I(۳) Ln m۱ (۲)I) لگـاریتم حجم پول واقعی بـا یک وقفه زمانی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد I(۲)Ln mfr (۳)I لگاریتم
حجم دلارهـای در گردش بر حسب پول داخلی رد I(۲)Ln mfr۶۱ (۳)I لگـاریتم حجم دلارهای در گردش بر حسب پول
داخلی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد I(۲)Ln pex (۳)I لگـاریتم نرخ ارز در بـازار موازی رد I(۲)Ln gdp (۳)I لگاریتم تولید
ناخـالص داخلی واقعی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد I(۲)Ln cpii (۳)I لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننـده داخلی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد
I(۲)Ln cpiu (۳)I لگاریتم شاخص قیمت مصـرف کننده خارجی(موردآمریکا)(۱۳۶۱=۱۰۰) رد I(۲)id (۳)I نرخ سود
سپرده های بلنـد مـدت بانکی داخلی رد۲)I (۳)I)ادامه جـدول نتایـج آزمون ریشه واحد نماد متغیر نتایج آزمون۳)I) دربرابر
۲)I (۲)I) دربرابر ۱)I (۱)I) دربرابر I(۰)if نرخ سود سپرده های بلنـد مـدت بانکی خارجی (موردآمریکا) رد (۲)I (۳)I
Ln mf لگاریتم حجم دلارهای در گردش رد I(۲)Ln mfr (۳)I لگـاریتم حجم دلارهای در گردش بر حسب پول داخلی رد
I(۲)CS (۳)I درجه جانشینی پول در ایران رد I(۲)Ln m۲ (۳)I لگاریتم حجم نقدینگی واقعی(۱۳۶۱=۱۰۰) رد
۳)I (۲)I)فهرست منابع و مآخـذالف. فهرست فارسـی: ۱- ادواردز، سباتیان(۱۳۷۳)؛ مشکل تنظیم نرخ ارز در کشورهـای در
حال توسـعه؛ ترجمه اسداله فرزین وش؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی. ۲- اسلاملوئیان،کریم(۱۳۸۱)؛ "جهانی سازی، رژیم ارزی،
رشـد تولیـد و گسترش پولی در دیگر کشورهـا و مقـایسه آن بـا ایران" ؛ دوازدهمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی؛ مؤسسـه
تحقیقـات پولی و بانکی.۳- بیـدآباد، بیژن و سـهیلا خوشـنویس(۱۳۷۸)؛" الگـویی برای تـبیین بـازار مـوازی ارز در ایران" ؛ نهمین
کنفرانس سیـاست های پولی و ارزی؛ مؤسـسه تحقیقات پولی و بانکی" پژوهشـکده "بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ شماره
گزارش COY۷۸۰۶؛ صص ۱-۳۴ .۴- بهمنی اسکویی، محسن(۱۳۷۲)؛ " اثرات کلان اقتصـادی کاهش ارزش خارجی ریال ایران
در دوران پس از انقلاب اسـلامی"؛ گزارش سومین سـمینار سیاسـتهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی
جمهوری اسـلامی ایران؛ ۱۳۷۲؛ صص۸۷-۱۲۰.۵- بهمنی اسـکویی، محسن(۱۳۸۰)؛ " نرخ ارز بـازار سـیاه و تقاضـا برای پـول در
ایران"؛ پژوهشـها و سیاسـتهای اقتصـادی؛ معـاونت امـور اقتصـادی وزارت دارایی؛ شـماره۱۹؛صص۳-۹.۶- پـورمقیم، جواد(۱۳۷۸)؛
"عوامـل تعییـن کننـده نرخ ارز در بـازار سیاه ارز درایران"؛ مجلـه تحقیقـات اقتصـادی؛ شـماره ۵۴ ؛ صـص۸۳-۱۰۴.۷- توتونچیان،
ایرج(۱۳۷۵)؛ اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی .۸- توکلی، احمد(۱۳۷۶)؛ تحلیل سریهای زمانی همگرایی و
همگرایی یکسان؛ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.۹- جلالی نائینی، سید احمدرضا(۱۳۷۶ب)؛ بررسی روند تورم ، سیاست
هـای پولی ، ارزی و اعتباری؛ اقتصاد ایران؛ مؤسـسه پژوهش در برنامه ریزی و توسـعه.۱۰- خالصی، مجتبی(۱۳۷۹)؛ "علل نوسانات
قیمت های نسبی و نرخ واقعی ریال و نرخ دلار آمریکا، اهمیت شوکهای واقعی و اسـمی"؛ گزیده؛ مؤسـسه تحقیقات پولی و بانکی؛
سال چهارم؛ شماره ۱۱.۱۱- خلعتبری، فیروزه(۱۳۶۸)؛ " اقتصـاد دلاری و سپردههای ارزی: بحث نظری و مفاهیم آن از دیـد اقتصاد
کلان" ؛ اقتصاد مدیریت؛ دانشـگاه آزاد اسـلامی؛ شـماره۱؛ صص۴۹-۲۹.۱۲- خلعتبری، فیروزه(۱۳۶۹)؛" اقتصـادزیرزمینی" ؛ مجله
رونق؛ سال اول؛ شماره۱؛ صص۵-۱۱و شماره۲ ؛صص۱۱- ۱۸.۱۳- " دلاریشـدن اقتصاد: نگاهی به تجربه کشورهای امریکایلاتین"
(۱۳۷۱)؛ گزارش تحقیقی شـرکت سـرمایهگذاری سازمان صنایع ملّی ایران؛ قسمت پژوهش و مشاوره؛ شماره ۲۳؛ صص۱-۱۱.۱۴-
زالپور، غلامرضـا(۱۳۷۳)؛ جانشـینی ارز به جای پول ملّی در اقتصاد ایران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی؛ دانشگاه تربیت
مدرس.۱۵- سامرز، لورنس(۱۹۹۹)؛ "دلـاری شـدن اقتصـاد کشورهای آمریکای لاتین"؛ خبرگزاری رویتر؛ ترجمه اداره مطالعات و
سازمانهای بینالمللی بانک مرکزی جمهوری اسـلامی ایران ؛ صـص۱-۶.۱۶- ساهـای، راتنا و کارلوس وگ(۱۳۸۰) ؛ "دلاری شـدن
اقتصاد کشورهای درحالگـذر"؛ ترجمه کورش معـدلت؛ مجله اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی؛ دوره دوم؛ سال اول؛
شماره دوم؛ صص۲۶-۳۰.۱۷- عرب مازار، عباس(۱۳۶۹)؛ اقتصاد سـنجیعمومی ؛ انتشارات کویر.۱۸- عربمازار یزدی، علی(۱۳۸۰)؛
"اقتصـاد سیاه در ایران: انـدازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر" ؛ مجله برنامه و بودجه شـماره ۶۲و۶۳ ؛ صص۳-۶۰.۱۹- عسکری،
منوچهر و تیمور محمدی(۱۳۷۷)؛ "هم انباشتگی: مفاهیم، اهمیت اقتصادی و نقاط قوت و ضعف " ؛فصلنامه پژوهش های اقتصادی؛
شماره سوم؛ صـص۲۷ - ۵۷.۲۰- قیاسوند، بهزاد(۱۳۷۴)؛ "تعیین نرخ واقعی ارز در کشورهـای درحـال توسـعه"؛ تازههـای اقتصاد ؛
شماره۴۵؛ صص۴۹-۵۱ .۲۱-کمیجـانی، اکبر و رافیـک نظریان(۱۳۷۰) ؛ "سـنجش درجه جانشـینی میـان پـول و شـبه پـول در
اقتصادایران"؛ اقتصاد و مدیریت؛ شـمارههای ۱۰و ۱۱؛ صص۱۵-۴۲.۲۲- کمیجانی ، اکبر و علی اصـغر اسماعیلنیا(۱۳۷۶) ؛"سنجش
حقالضـرب پول بـا استفاده از تخمین تـابع تقاضـای پول در اقتصـاد ایران"؛ مجله تحقیقـات اقتصـادی؛ شـماره۵۰؛ صص۱-۳۹.۲۳-
کینز،جانمینارد(۱۳۴۸)؛ نظریهعمومی، اشـتغال، بهره و پول؛ ترجمه منوچهرفرهنـگ؛ انتشـارات مؤسـسه تحقیقات اقتصادی دانشـکده
اقتصاد دانشگاه تهران.۲۴- نوفرستی، محمد(۱۳۷۴)؛" رابطه تقاضـا برای پول با نرخ برابری ارز و نرخ تورم"؛ برنامه و توسـعه ؛ دوره
۲؛ شماره۱۱ ؛صص۱-۱۳ .۲۵- نوفرستی، محمد(۱۳۷۸)؛ ریشه واحـد و همجمعی در اقتصادسـنجی؛ مؤسـسه خدمات فرهنگی رسـا
.۲۶- مسـجدی، فرخ(۱۳۷۵)؛ مهنـوش عبـداله میلانـی و تیمورمحمـدی؛ "بررسـی رابطـه نرخ ارز بـا برخی متغیرهـای کلاناقتصـادی
درایران"؛ مجله برنامه و بودجه ؛ شماره۱۰؛ سالاول؛ صص۵۷-۹۳.۲۷- والکر، مارتین(۱۳۷۸)؛"رام کردن دلار"؛ نامه اتاق بازرگانی؛
شماره۱؛ صـص ۴۰-۴۳.۲۸- والکر، مـــارتین(۱۳۷۸)؛"رام کردن دلاـــر"؛ نـــامه اتـــاق بازرگـــانی؛ شـــماره۲؛صص۳۲-۳۵.۲۹-
هژبرکیانی،کامبیز(۱۳۷۸)؛"بررسـی ثبـات تقاضـای پول وجنبه هـای پویـای آن در ایران"؛ تازههـای اقتصـاد،شـماره ۸۱ ؛ صـص۷۱-
۷۳.۳۰- هژبرکیانی، کامبیز و ایرج رحمانی(۱۳۷۹)؛" بررسـی رابطه بین حجم پول تورم های بالا و مالیات تورمی در اقتصاد ایران"؛
فصـلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران؛ شماره ۷؛ صص۴۳-۶۵.۳۱- یزدانپناه،احمد و ناصرخیابانی(۱۳۷۵)؛"جایگزینی پول ملّی (دلاری
شـدن اقتصـادایران)"؛ مجموعه مقالـات ششـمین کنفرانس سیاسـتهای پولی و ارزی؛ مؤسسه تحقیقـات پولی و بانکی بانک مرکزی
جمهـوری اسـلامی ایران؛ صـص۳۳۵-۹ .۳۵ الـف .فهرسـت لـاتین: ۱-.Agenor,Pierre-Richard and Mosin S
Khan(۱۹۹۶)"Foreign Currency Deposits and the Demand for Money in Developing

Countries"Journal of Development Economics Vol.۵۰ pp.۱۰۱-۱۱۸.۲-Alami,Tarik H(۲۰۰۱)"Currency Substitution Versus Dollarization a Portfolio Balance Model " Journal of Cointegration Analysis of Dollarization in"ـ-Policy Modeling Vol. ۲۳pp.۴۷۳-۴۷۹.۳ Egypt"Working Paper ۹۹۲۳pp.۱-۲۰.۴-Arango, Sebastian and M. Ishaq Nadiri(۱۹۸۱)"Demand for Money in Open Economies"Journal of Monetary Economics :Vol.۷pp.۶۹-۸۳.۵-Bahmani-Oskooee,Mohsen and Ampa Techratanachai(۲۰۰۱)"Currency Substitution in Thailand"Journal of Policy Modeling"Vol.۲۳pp.۱۴۱-۱۴۵.۶-Bahmani-Oskooee,Mohsen and Margaret Malixi(۱۹۹۱)"Exchange Rate Sensitivity of Demand for Money in Developing Countries"Applied EconomicsVol .۲۳ pp.۱۳۷۷-۱۳۸۴.۷-Bahmani-Oskooee,Mohsen and Raymond Chi Wing Ng(۲۰۰۲)"Long-Run Demand for Money in Hong Kong:An Application of the ARDL Model" International Journal of Business and EconomicsVol .۱no.۲pp.۱۴۷-۱۵۵.۸-Bahmani-Oskooee, Mohsen(۱۹۹۶)"Source of Stagflation in an Oil-producing Country : evidence from Iran" Journal of Post Keynesian Economics Summer Vol .۱۸ no.۴ pp. ۶۰۹-۶۲۰.۹-Bahmani-Oskooee,Mohsen(۱۹۹۶)"The Black Exchange Rate and Demand for Money in Iran"Journal of MacroeconomicsWinterVol .۱۸pp۱۷۱-۱۷۶.۱۰-Blejer, Mario I(۱۹۷۸)"Black-Market Exchange Expectations and the Domestic Demand for MoneySome Empirical Results"Journal of Money EconomicsVol.۴pp. ۷۶۷-۷۷۳.۱۱-Bordo, Michael D and Ehsan Choudri(۱۹۸۲)"Currency Substitution and the Demand for Money:Some Evidence for Canada"Journal of Money Credit and Banking Vol.۱۴ February pp.۴۸-۵۷.۱۲-Brillembourg, Arturo and Susan M.Schadler (۱۹۸۰)"A Model of Currency Substitution in Exchange Determination,۱۹۷۳-۷۸" IMF Staff PapersVol.۲۶ Sep pp.۵۱۳-۴۲.۱۳-Bufman, Gil and Leonardo Leiderman(۱۹۹۳)"Currency Substitution under Nonexpected Utility : Some Empirical Evidence" Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۵ no.۳ August pp.۱۱۲-۱۱۶.۱۴-Calvo, Guillermo A(۲۰۰۱)"Capital Market and the Exchange Rate with Special Reference to the Dollarization Debate in Latin America"Journal of Money, Credit and BankingVol.۳۳ and Carlos A.Vegh(۱۹۹۲)"Currency Substitution in Developing_-no.۲Maypp.۳۱۲-۳۳۵.۱۵ and C.A.Rodriguez(۱۹۷۷)"A Model of _-Countries : An Introduction"IMFWP/۹۲/۴۰ May .۱۶ Exchange Rate Determination Under Currency Substitution and Rational Expectations"Journal of Political EconomyVol.۸۵Junepp ۶۱۷-۲۵.۱۷-Calvo, Guillermo A(۱۹۸۵)"Currency Substitution and Real Exchange Rate:The Utility Maximization Approach" On " (۱۹۹۹) ـــJournal of International Money and Finance Vol.۴ pp.۱۷۵-۸۸.۱۸ Dollarization"University of Maryland, April ۲۰.۱۹-Canto,Victor A and Marc.A.Miles(۱۹۸۴)"Exchange Rates in a Global Monetary Model with Currency Substitution and Rational Expectations"In Bhandari,Jagdeep and Bluford H.Putnam With Jay H.LevinEconomic Interdependence and Flexible Exchange Rates M.I.T Press Second Printing January .۲۰- and Gerald Nickelsburg(۱۹۸۷)Currency Substitution:Theory and Evidence from Latin AmericaKluwer Academic ostonMassachusetts.

۲۱-Chodry ,T(۱۹۹۸)"Another Visit to the Cagan Model of Money Demand:the Latest Russian Experience"Journal of International Money and Finance Vol.۱۷ pp.۳۵۵-۳۷۶.۲۲-Civcir,Irfan(۲۰۰۱)"Broad Money Demand, Financial Liberalization and Currency Substitution in Turkey"Faculty of Political Sciences, Ankara University,۰۶۵۹۰ Cebci, Ankara, Turkey pp.۱-۳۱.۲۳-Clements,Bendedict and Gerd Schwartz,(۱۹۹۲)"Currency Substitution:The Recent Experience of Bolivia"IMF Working PaperWp/۹۲/۶۵Aug.۲۴-Crockett, Andrew D and Owen J.Evans(۱۹۸۰)"Demand for Money in Middle Eastern Countries"IMF Staff PapersVol.۲۷pp.۵۴۳-۵۷۷.۲۵-Cuddington,John T(۱۹۸۳)"Currency Substitutability Capital Mobility and Money DemandJournal of International Money and FinanceVol.۲pp.۱۱۱-۱۳۳.۲۶-Daniel, Betty C and Harold O.Fried(۱۹۸۳)"Currency Substitution, Postal Strikes, and Canadian Money Demand"Canadian Journal of EconomicsVol.۱۶no.۴pp.۶۱۲-۶۲۴.۲۷-Day A.Edward"Money Substitution and its Effect Upon the U.S Demand for Money"University of Central FloridaUnpublishedpp.۱-۱۳.-۲۸Dornbusch,Rudiger(۱۹۷۵)"A Portfolio Balance Model of The Open Economy" Journal of EconomicsVol.۱pp.۳-۲۰.۲۹-Dutton, Dean S(۱۹۷۱)"The Demand for Money and the Price Level"Journal of Political EconomyVol.۷۹ Sep/Octpp.۱۱۶۰-۱۱۷۰.۳۰-El-Erian, Mohamed A(۱۹۸۸)"Currency Substitution in Egypt and Yemen Arab Republic"IMF Staff PapersVol.۳۵no.۱ pp.۸۵-۱۰۳.۳۱-Fisher, Stanley(۱۹۸۲)"Seigniorage and the Case for a National Money"Journal of Political EconomyVol.۹۰ no. ۲Aprilpp. ۲۹۵-۳۱۳.۳۲-Freitas, Miguel Lebre de(۲۰۰۱)"Revisiting the Dollarization Puzzle:Evidence from Bolivia, Turkey and Indonesia"August pp۱-۱۸.۳۳-Frenkel, Jacob A and Carlos A. Rodriguez(۱۹۸۰)"Portfolio Equilibrium and the Balance of Payment:A Monetary Approach"The American Economic Review Vol.۶۵ no.۴May pp. ۶۷۵-۶۸۸.۳۴-Frenkel, Jacob A(۱۹۸۰) " Exchange Rate, Prices, and Money:Lessons from the ۱۹۲۰'s" American Economic AssociationVol.۷۰no.۲Maypp.۲۳۵-۲۴۲.۳۵-Fridman, Milton(۱۹۶۸)" The Role of Monetary Policy "The American Economic ReviewVol .LviiiMarchpp.۱-۱۷.۳۶-Girton, Lance and D. Roper(۱۹۸۱)"Theory and Implications of Currency Substitution " Journal of Money, Credit and BankingVol.۱۳ no۱Februarypp. ۱۲-۲۹.۳۷-(۱۹۸۰)"Theory and Implications of Currency Substitution and Monetary Unification"EconomieAppliqueepp. ۱۳۵-۱۵۹.۳۸-Granger C.W.J(۱۹۸۸) " Some Recent Development in a Concept of Causality" Journal of EconomicsVol.۳۹ pp.۱۹۹-۲۱۱.۳۹-Grubel Hebret G(۱۹۶۸)"Internationally Diversified Portfolios:Welfare Gains and Capital Flows"The

American Economic ReviewVol.۵۸no.۵pp. ۱۲۹۸-۱۳۱۵.۴۰-Guidotti, Pablo E and Carlos A .Rodriguez(۱۹۹۲)"Dollarization in Latin America, Gresham`s Law in Reverse?"IMF Staff PapersVol.۳۹ no.۳Septemberpp. ۵۱۸-۵۴۴. ۴۱-Hamburger, Michael J(۱۹۹۶)"The Demand for Money by Housholds, Money Substitutes, and Monetary Policy"Journal of Political EconomyVol.۷۵no.۶December pp.۶۰۰-۶۲۳.۴۲-Heller,H.Robert and Mohsin S.Khan(۱۹۷۹)"The demand for Money and Term Structure of Interest Rates"Journal of Political Economy Vol.۸۷no.۱pp.۱۰۹-۱۲۹.۴۳-Jonsson,Gunnar(۲۰۰۱)"Inflation, Money Demand, and Purchasing Power Parity in South Africa"IMF Staff PapersVol.۴۸ no.۲.۴۴-Kamin Steven B and Neil R.Ericsson(۱۹۹۳)" Dollarization in Argentina"Board of Governors of the Federal Reserve Dollarization in Post-"__(System International Finance Discussion paper ۴۶۰.۴۵-(۲۰۰۱ Hyperinflationary Argentina" Journal of International Money and FinanceRevised: November.۴۶-Kareken, John and Neil Walace(۱۹۸۱)"Portfolio Autarky:A walfare Analysis" Journal of International EconomicsVol.۷pp.۱۹-۴۳.۴۷-Keynes,John Maynard(۱۹۳۶)The General Theory of Employment, Interest and MoneyNew York:Harcourt, Brace and Company.۴۸-Klein, Benjamin(۱۹۷۴)"Competitive Interest Payments on Bank Deposits and the Long-Run Demand for Money"The American Economic ReviewVol.۶۴no.۶pp.۹۳۱-۹۴۹.۴۹-Lily I . Daniel (۲۰۰۱)"Dollarization in Argentina" Duke University Durham, NC April,pp.۱-۸۲.۵۰-Markowitz, Harry(۱۹۵۲) "Portfolio Selection"The Journal of FinanceVol.۷ pp.۷۷-۹۱. ۵۱-Marquez,Jaime(۱۹۸۷)"Money Demand in open Economies:A Currency Substitution Model for Venzurla"Lournal of International Money and Finance Vol.۶pp.۱۶۷-۱۷۸.۵۲-McKinnon, Ronald I(۱۹۸۲)"Currency Substitution and Instability in the World Dollar Standard "American Economic ReviewVol.۷۲ Junepp.۳۲۰-۳۳.۵۳-Melvin, Michael and Jerry Ladman(۱۹۹۱)"Coca Dollar and Dollarization of South America"Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۳ no.۴ November pp.۷۵۲-۷۶۳.۵۴-Melvin,Michael(۱۹۸۵)"Currency Substitution and Western European Monetary Unification"EconomicaVol.۵۲February pp.۷۹-۹۱.۵۵-Melvin, Michael(۱۹۸۸)"The Dollarization of Latin America as a Market-enforced Monetary Reform:Evidence and Implications"Economic Development and Cultural Change"Vol.۳۶no.۳Aprilpp.۵۴۳-۵۵۸.۵۶-Miles, Marc A (۱۹۷۸)"Currency Substitution, Flexible Exchange Rates and Monetary Independence"American Economic Review no.۶۸Junepp.۴۲۸-۳۶.۵۷-Miles, Marc A (۱۹۷۸)"Currency Substitution: Perspective, Implications, and Empirical Evidence"In Bluford H. Putnam and D. Sykes Wilford(Eds.),The Monetary Approach to International Adjustment, praegerpp.۱۷۰-۱۸۳.۵۷-Miles, Marc A and Marion B,Stewart (۱۹۸۰)"The Effects of Risk and Return on the Currency Composition of Monet Demand"Weltwlrtschaftliches Archiv, Bd.CXVI, Heft ۴pp.۶۱۳-۶۲۵.۵۸-Monadjemi,M(۲۰۰۲) "Implications of Changes in International Capital Mobility" The۱۲ th Conference on Monetary and Exchange Policies Monetary and Banking Research Academy Central Bank Of Islamic Republic of Iranpp.۲۰-۲۱ May .۵۹-Mongardini, Joannes and Johannes Muller(۱۹۹۹)"Ratchet Effects in Currency Substitution:An Application to the Kyrgyz RepublicIMFWP/۹۹/۱۰۲Julypp.۱-۲۳.۶۰-Nielsen, Hannah Giuseppe Tullio and Jurgen Wolters(۲۰۰۰) "Currency Substitution and the Stability of Italian Demand for Money before the Entry into the Monetary Union,۱۹۷۲-

۱۹۹۸Unpublished. ۶۱-

Ortiz,Guillermo(۱۹۸۳)"Currency Substitution in Mexico:The Dollarization Problem" Journal of Money, Credit and BankingVol.۱۵no.۲Maypp.۱۷۴-۸۵.۶۲-Poloz, Stephen S(۱۹۸۴)"The Yransactions Demand for Money in A Two-Currency Economy "Journal of Monetary EconomicsVol .۱۴pp.۲۴۱-۲۵۰.۶۳-Powell, Andrew and Federico Sturzengger(۲۰۰)"Dollarization:Link between Devaluation and Default Risk"October ۲۳pp.۱-۲۸.۶۴-Ramirez-Rojas,C.Luis(۱۹۹۶)"Monetary Substitution in Developing Countries" Currency Substitution in"(۱۹۸۵) __Finance and Development Juneno .۴pp.۳۵-۴۱.۶۵ Argentina, Mexico and Uruguay"IMF Staff Papers December Vol.۳۲no .۴pp.۶۲۶-۶۶۷.۶۶-Rogers, John H(۱۹۹۲)"The Currency Substitution Hypothesis and Rlative Money Demand in Mexico and Canada"Journal of Money, Credit and Banking Vol.۲۴ no.۳ August [A]pp.۳۰۰-۳۱۸. ۶۷-Rojas, Suarez,Liliana(۱۹۹۰)"Currency Substitution and Inflation in Developing Countries"IMF Working Paper,WP/۹۰/۶۴Julypp.iii&۱-۲۷.۶۸-Santomero, Anthony M(۱۹۷۹)"The Role of Transaction Costs and Rates of Return on the Demand Deposit Decision"Journal of Monetary EconomicsVol.۵pp.۳۴۳-۳۶۴.۶۹-Sawada, Yasuyuki and Pan A .Yotopoulos(۲۰۰۱) " Currency Substitution, Speculation and Crises : Theory and Empirical Analysis " Economic and Social Research Institute Cabinet Office Tokyo, Japan November pp.۱-۳۵.۷۰-Shapiro,A.A(۱۹۷۳)"Inflation, Lags and the Demand for Money"International Economic Review"Vol.۱۴ no.۱Februarypp.۸۱-۹۶.۷۱-Spinell, Franco(۱۹۸۰)"The Demand for Money in the Italian Economy:۱۹۶۷-۱۹۶۵" Journal of Money EconomicsVol.۶pp.۸۳-۱۰۴.۷۲-Tanzi, Vito and Mario I.Blejer(۱۹۸۲)"Inflation,Interest Rate Policy, and Currency Substitution in Developing Economies:A Discussion of Some Major Issues"World DevelopmentVol.۱۰Septemberpp.۷۸۱-۹۰.۷۳-Tanzi, Vito(۱۹۷۸)" Inflation, Real Tax Revenue, and the Case for Inflationary Finance:Theory with Application to Argentina"IMF Staff PapersVol.۲۵pp.۴۱۷-۴۵۱.۷۴-Thomas,Lee R(۱۹۸۵)"Portfolio Theory and Currency Substitution"Journal of Money, Credit and BankingVol. ۱۷no. ۴pp. ۳۴۷-۵۷.۷۵-Tullock, Gordon(۱۹۷۵)"Competing Monies" Journal of

Money, Credit and Banking Vol.۷Novemberpp.۴۹۱-۹۷.۷۶-Uribe, Martin(۱۹۹۷)“Hysteresis in a simple Model of Currency Substitution” Journal of Monetary EconomicsVol.۴۰ pp.۱۸۵-۲۰۲.۷۷-Vegh, Carlos A(۱۹۹۸)“Inflationary Finance and Currency Substitution in a Public _-Finance Framework”Journal of International Money and FinanceVol.۱۴.no.۵pp.۶۷۹-۶۹۳.۷۸ The Optimal Inflation Tax in the Presence of Currency Substitution” Journal of ” (۱۹۸۹) Monetary EconomicsVol. ۲۴pp.۱۳۹-۱۴۶. ۷۹-Yap,Josef T(۲۰۰۰)“Dollarization:Concepts and Implications for Monetary and Exchange Rate policy In the Philippines”Philippine Institute Development Studies February .۸۰-YU, Qiao and Albert K. TSUI(۲۰۰۰)“Monetary .Services and Money Demand in China” China Economic Review Vol.۱۱pp.۱۳۴-۱۴۸

قانون هدفمند کردن یارانه ها

مصوبه مجلس شورای اسلامی

متن کامل قانون هدفمند کردن یارانه ها به شرح زیر است. ماده ۱- دولت مکلف است با رعایت این قانون قیمت حاملهای انرژی را اصلاح کند: الف- قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات نفت، با لحاظ کیفیت حاملها و با احتساب هزینه‌های مترتب (شامل حمل‌ونقل، توزیع، مالیات و عوارض قانونی) به تدریج تا پایان برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوریاسلامیایران کمتر از نود درصد (۹۰٪) قیمت تحویل روی کشتی (فوب) درخلیج فارس نباشد.تبصره- قیمت فروش نفت خام و میعانات گازی به پالایشگاه‌های داخلی نود و پنج درصد (۹۵٪) قیمت تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس تعیین می‌شود و قیمت خرید فرآوردهها متناسب با قیمت مذکور تعیین میگردد.ب- میانگین قیمت فروش داخلی گاز طبیعی به گونه ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معادل حداقل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی پس از کسر هزینه‌های انتقال، مالیات و عوارض شود.تبصره- جهت تشویق سرمایه گذاری، قیمت خوراک واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی برای مدت حداقل ده سال پس از تصویب این قانون هر مترمکعب حداکثر شصت و پنج درصد(۶۵٪) قیمت سبد صادراتی در مبدأ خلیج فارس (بدون هزینه انتقال) تعیین میگردد.ج- میانگین قیمت فروش داخلی برق به گونه ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معادل قیمت تمام شده آن باشد.تبصره - قیمت تمام شده برق، مجموع هزینه‌های تبدیل انرژی، انتقال و توزیع و هزینه سوخت با بازده حداقل سی و هشت درصد (۳۸٪) نیروگاههای کشور و رعایت استانداردها محاسبه می شود و هر ساله حداقل یک درصد (۱٪) به بازده نیروگاههای کشور افزوده شود به طوری که تا پنجسال از زمان اجراء این قانون به بازده چهل و پنج درصد(۴۵٪) برسد و همچنین تلفات شبکههایانتقال وتوزیع تا پایان برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعیوفرهنگی جمهوریاسلامیایران به چهارده درصد(۱۴٪) کاهش‌یابد.دولت مکلف است با تشکیل کار گروهی مرکب از کارشناسان دولتی و غیر دولتی نسبت به رتبه بندی تولیدکنندگان برق از نظر بازده و توزیع کنندگان آن از نظر میزان تلفات، اقدام نموده و سیاستهای تشویقی و حمایتی مناسب را اتخاذ نماید. تبصره ۱ - درخصوص قیمتهای برق و گاز طبیعی، دولت مجاز است با لحاظ مناطق جغرافیایی، نوع، میزان و زمان مصرف قیمتهای ترجیحی را اعمال کند.شرکتهای آب، برق و گاز موظفند درمواردی که از یک انشعاب چندین خانواده یا مشترک بهره‌برداری می‌کنند، درصورتی که امکان اضافه کردن کنتور باشد، تنها با اخذ هزینه کنتور و نصب آن نسبت به افزایش تعداد کنتورها اقدام نمایند و درصورتی که امکان اضافه‌کردن کنتور نباشد مشترکین را به تعداد بهره‌برداران افزایش دهند.تبصره ۲ - قیمت حاملهای انرژی برای پس از سال پایه براساس قیمت ارز منظورشده در بودجه سالانه تعیین میگردد.تبصره ۳- قیمتهای سال پایه اجراء این قانون به گونهای تعیین گردد که برای مدت یکسال حداقل مبلغ یکصد هزار میلیارد (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و حداکثر مبلغ دویست هزار میلیارد (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال درآمد بدست آید.ماده ۲- دولت مجاز است برای مدیریت آثار نوسان قیمتهای حاملهای انرژی بر اقتصاد ملی قیمت این حاملها را در صورتی که تا بیست و پنج درصد (۲۵٪) قیمت تحویل در روی کشتی (فوب) خلیج فارس نوسان کند بدون تغییر قیمت برای مصرف کننده از طریق أخذ مابه التفاوت و یا پرداخت یارانه اقدام نماید و مبالغ مذکور را در حساب تنظیم بازار حاملهای انرژی در بودجه سنواتی منظور کند.در صورتی که نوسان قیمتها بیش از بیست و پنج درصد (۲۵٪) شود، در قیمت تجدید نظر خواهد نمود.ماده ۳ - دولت مجاز است، با رعایت این قانون قیمت آب و کارمزد جمعآوری و دفع فاضلاب را تعیین کند.الف- میانگین قیمت آب برای مصارف مختلف با توجه به کیفیت و نحوه استحصال آن در کشور به گونه ای تعیین شود که بهتدریج تا پایان برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معادل قیمت تمام شده آن باشد.تبصره ۱- دولت مکلفاست قیمت تمام شده آب را با در نظر گرفتن هزینه‌های تأمین، انتقال و توزیع با رعایت بازده تعیین کند. تبصره ۲- تعیین قیمت ترجیحی و پلکانی برای مصارف مختلف آب با لحاظ مناطق جغرافیایی، نوع و میزان مصرف مجاز خواهد بود.ب - کارمزد خدمات جمعآوری و دفع فاضلاب براساس مجموع هزینه‌های نگهداری و بهره برداری شبکه پس ازکسرارزش ذاتی فاضلاب تحویلی و کمکهای دولت در بودجه سنواتی (مربوط به سیاستهای تشویقی) تعیین میگردد. ماده ۴- دولت موظف است به تدریج تا پایان برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نسبت به هدفمند کردن یارانه گندم، برنج، روغن، شیر، شکر، خدمات پستی، خدمات هواپیمایی و خدمات ریلی (مسافری) اقدام نماید.تبصره- یارانه پرداختی به تولید کنندگان بخش کشاورزی نباید در هر سال کمتر از سال قبل باشد. ماده ۵- دولت موظف است یارانه آرد و نان را به میزانی که در لایحه بودجه سالیانه مشخص میشود با روشهای مناسب در اختیار مصرفکنندگان متقاضی قرار دهد.تبصره- سرانه یارانه نان روستاییان و شهرهای زیر بیست هزار نفر جمعیت و اقشار آسیب‌پذیر در سایر شهرها ماده ۶- دولت موظف است سیاستهای تشویقی و حمایتی لازم را برای ایجاد و گسترش واحدهای تولید نان صنعتی و نیز کمک به جبران خسارت واحدهای تولید آرد و نان که در اجراء این قانون ادامه فعالیت آنها با مشکل مواجه میشود اتخاذ نماید. آئیننامه اجرائی این ماده توسط وزارت بازرگانی و با همکاری دستگاههایذیربط تهیه و حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب اینقانون به تصویب هیأت وزیران میرسد. ماده ۷- دولت مجاز است حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) خالص وجوه حاصل از اجراء این قانون را در قالب بندهای زیر هزینه نماید: الف- یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیر نقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار نسبت به کلیه خانوارهای کشور به سرپرست خانوار پرداخت شود. ب - اجراء نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعه هدف از قبیل: ۱- گسترش و تأمین بیمههای اجتماعی، خدمات درمانی، تأمین و ارتقاء سلامت جامعه و پوشش دارویی و درمانی بیماران خاص و صعبالعلاج. ۲- کمک به تأمین هزینه مسکن، مقاوم سازی مسکن و اشتغال. ۳- توانمندسازی و اجراء برنامه‌های حمایت اجتماعی. تبصره ۱ - آئیننامه اجرائی این ماده شامل چگونگی شناسایی جامعه هدف، تشکیل و به هنگام سازی پایگاههای اطلاعاتی مورد نیاز، نحوه پرداخت به جامعه هدف و پرداختهای موضوع این ماده حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد وزراء امور اقتصادی و دارایی، رفاه و تأميناجتماعی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. تبصره ۲ـ دولت میتواند حساب هدفمندسازی یارانهها را بنام سرپرست خانوادههای مشمول یا فرد واجد شرایط دیگری که توسط دولت تعیین میشود افتتاح نماید. اعمال مدیریت دولت در نحوه هزینه کرد وجوه موضوع این حساب از جمله زمان مجاز، نوع برداشت هزینهها و برگشت وجوهی که به اشتباه واریز شدهاند مجاز است. ماده ۸- دولت مکلف است سی درصد (۳۰٪) خالص وجوه حاصل از اجراء این قانون را برای پرداخت کمکهای بلاعوض، یا یارانه سود تسهیلات و یا وجوه اداره شده برای اجراء موارد زیر هزینه کند: الف- بهینه سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی، خدماتی و مسکونی و تشویق به صرفه¬جویی و رعایت الگوی مصرف که توسط دستگاه اجرائی ذیربط معرفی میشود. ب- اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره وری انرژی، آب و توسعه تولید

برق از منابع تجدیدپذیر. ج- جبران بخشی از زیان شرکتهای ارائه دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده های نفتی و شهرداریها و دهیاریها ناشی از اجراء این قانون. د- گسترش و بهبود حمل و نقل عمومی در چهارچوب قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت و پرداخت حداکثر تا سقف اعتبارات ماده (۹) قانون مذکور. هـ - حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی. و - حمایت از تولید نان صنعتی. ز - حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی. ح- توسعه خدمات الکترونیکی تعاملی با هدف حذف و یا کاهش رفتوآمدهای غیر ضرور. تبصره - آئیننامه اجرائی این ماده شامل چگونگی حمایت از صنایع، کشاورزی و خدمات و نحوه پرداختهای موضوع این ماده حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد وزراء امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، جهادکشاورزی، بازرگانی، نفت، نیرو، کشور، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، اتاق تعاون و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران میرسد. ماده ۹- منابع موضوع مواد (۷) و (۸) این قانون اعم از کمکها، تسهیلات و وجوه اداره شده از طریق بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و غیر دولتی در اختیار اشخاص مذکور قرار خواهد گرفت. ماده ۱۰- دریافت کمکها و یارانههای موضوع مواد (۷) و (۸) این قانون منوط به ارائه اطلاعات صحیح میباشد. درصورت احراز عدم صحت اطلاعات ارائه شده، دولت مکلف است ضمن جلوگیری از ادامه پرداخت، درخصوص استرداد وجوه پرداختی اقدامات قانونی لازم را بهعمل آورد. اشخاص در صورتی که خود را برای دریافت یارانهها و کمکهای موضوع مواد (۷) و (۸) این قانون محق بدانند میتوانند اعتراض خود را به کمیسیونی که در آئیننامه اجرائی این ماده پیشبینی میشود ارائه نمایند. آئیننامه اجرائی این ماده حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این قانون توسط وزراء دادگستری، امور اقتصادی و دارایی، رفاه و تأمین اجتماعی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران میرسد. ماده ۱۱- دولت مجاز است تا بیست درصد (۲۰٪) خالص وجوه حاصل از اجراء این قانون را به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه ای و تملک داراییهای سرمایهای هزینه کند. ماده ۱۲- دولت مکلف است تمام منابع حاصل از اجرای این قانون را به حساب خاصی به‌نام هدفمندسازی یارانهها نزد خزانهداری کل واریز کند. صددرصد(۱۰۰٪) وجوه واریزی در قالب قوانین بودجه سنواتی برای موارد پیشبینی شده در مواد (۷) ، (۸) و (۱۱) این قانون اختصاص خواهد یافت. تبصره ۱- دولت مکلف است اعتبارات منابع و مصارف موضوع مواد مذکور را در چهار ردیف مستقل در لایحه بودجه سنواتی درج کند. تبصره ۲- کمکهای نقدی و غیرنقدی ناشی از اجراء این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی از پرداخت مالیات بر درآمد موضوع قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن معاف است. کمکهای مزبور به اشخاص مذکور بابت جبران تمام یا قسمتی‌از قیمت‌کالا یا خدمات عرضه‌شده توسط آنها مشمول حکم این‌تبصره نخواهدبود. تبصره ۳- دولت مکلف است گزارش تفصیلی این ماده را هر ششماه به دیوان محاسبات کشور و مجلس شورای اسلامی ارائه نماید. ماده ۱۳- تنخواه مورد نیاز اجراء این قانون در تنخواه بودجه سنواتی منظور و از محل منابع حاصل از اجراء این قانون در طول سال مستهلك می شود.ماده ۱۴- جا به جایی اعتبارات موضوع این قانون در مواد (۷)، (۸) و (۱۱) حداکثر ده واحد درصد در بودجه سنواتی مجاز است، به طوری که کل وجوه حاصل در موارد پیش بینی شده در این قانون مصرف شود. ماده ۱۵- به‌دولت اجازه داده می‌شود ظرف مدت یک ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، سازمانی با ماهیت شرکت دولتی به‌نام سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها با استفاده از منابع (امکانات، نیروی انسانی و اعتبارات) موجود، جهت اجراء این قانون با لحاظ قانون برنامه ایجاد کرده یا با اصلاح ساختار و ادغام شرکتهای موجود تأسیس نماید.دولت مجاز است وجوه حاصل از اجراء این قانون را که به خزانه واریز می‌شود، عیناً پس از وصول و کسر سهم دولت موضوع ماده(۱۱) به‌طور مستمر برداشت و به‌عنوان کمك صرفاً جهت اجراء اهداف و تکالیف مقرر در مواد (۷) و (۸) این قانون دراختیار سازمان قرار دهد تا برابر آن هزینه کند. سازمان به‌صورت متمرکز اداره می‌شود و صرفاً مجاز به داشتن واحدهای ستادی، برنامه‌ریزی و نظارت در مرکز می‌باشد. وزراء رفاه و تأمین اجتماعی، امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، راه و ترابری، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، نفت، نیرو و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور عضو مجمع عمومی سازمان می‌باشند. اساسنامه شرکت شامل ارکان، وظایف و اختیارات، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به‌تصویب هیأت‌وزیران می‌رسد. وجوه و اعتبارات موضوع این قانون از جمله مواد (۱۲) و (۱۵) مانند سایر شرکتهای دولتی در بودجه کل کشور منعکس می‌شود و به جز اختیارات و مجوزهای موضوع این قانون از جمله مواد (۲) و (۱۴) تغییر در سقف اعتبارات شرکت در طول سال با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس مجاز می‌باشد. وجوه مانده سازمان از هرسال در سال بعد قابل مصرف است و سازمان در هرسال می‌تواند برای سنوات بعد در چهارچوب این قانون تعهد ایجاد نماید. اعتبارات موضوع این قانون مشمول قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند- مصوب ۶/۱۱/۱۳۶۴- می‌باشد. سازمان مکلف است گزارش عملکرد، دریافت و پرداخت منابع حاصل از هدفمندسازی یارانه‌ها را به‌تفکیك مواد(۷)و(۸) در پایان هر شش ماه دراختیار کمیسیون برنامه و بودجه ومحاسبات و سایر کمیسیونهای ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی قرار دهد. دیوان محاسبات کشور مکلف است در مقاطع شش‌ماهه گزارش عملیات انجام‌شده توسط سازمان را براساس اهداف پیش‌بینی شده در این قانون به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید. ماده ۱۶- دولت مجاز است از ابتدای سال ۱۳۸۹معافیت مالیاتی موضوع ماده (۸۴) قانون مالیاتهای مستقیم را علاوه بر افزایش سالانه آن، متناسب با تغییر و اصلاح قیمتهای موضوع این قانون با پیشنهاد وزارت اموراقتصادی و دارایی طی پنجسال حداکثر تا دو برابر افزایش دهد. قانون فوق مشتمل‌بر شانزده ماده و شانزده تبصره درجلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم دی‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۸ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رفتار مالی؛ پارادایم حاکم بر بازارهای مالی

ابراهیم برجی دولت آباد یکی از حیاتی ترین برنامه های پژوهشی دانش مالی امروز که در رأس رد نظریه ازارهای کارا قرار دارد، نظریه رفتار مالی است که حاصل تشریک مساعی بین علوم مالی و علوم اجتماعی است و باعث ژرفتر شدن دانش ما، از بازارهای مالی شده است . در این مقاله به تشریح دو عنصر رفتار مالی، یعنی: روان شناسی شناختی و محدودیت های آربیتراژ، پرداخته شده است. در بخش بحث و نتیجه گیری، موانع و اشتباهاتی که ممکن است رفتار مالی سرمایه گذاران را تحت شعاع قرار دهد، تحلیل شده و راهکارهایی برای پیشگیری از بروز چنین اشتباهاتی، پیشنهادهایی ارائه شده است.

●مقدمه به نظر می رسد می توان تاریخچه نظریه های مالی پنجاه سال گذشته را در دو انقلاب و دگرگونی اصلی، خلاصه کرد. ابتدا انقلاب نئوکلاسیک در علوم مالی بود که با مدل قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای (CAPM) و نظریه بازارهای کارا (EMT) در دهه ۱۹۶۰ و مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای میان مدت و نظریه قیمت گذاری آربیتراژی (APT) در دهه ۱۹۷۰، آغاز شد. دومین دگرگونی اساسی، انقلاب رفتاری در مباحث مالی بود که در دهه ۱۹۸۰ با طرح پرسش پیرامون منبع نوسان در بازارهای مالی و با کشف ناهنجاریهای بی شمار و نیز تلاش در جهت یکپارچه کردن نظریه انتظار کاهنمن و تورسکی و دیگر نظریه های روانشناسی با نظریه مالی شروع شد. علت اصلی این تغییر و دگرگونی ها را شاید بتوان در یک جمله آقای اندرلو خلاصه کرد که معتقد است: به موازات تغییر بازارها و بروز و ظهور نیرو های تکاملی جدید برای ایفای نقش، دیگر برندگان و بازندگان امروز، برندگان و بازندگان دیروز و فردا نیستند. بنابراین ضرورت همه دگرگونی های نظری و عملی حفظ ماندگاری در این اقتصاد جهانی است. به دیگر سخن نظریه های نوی ابزاری جدید برای رویارویی با مسائل و مشکلاتی هستند که نظریات قدیمی از پاسخگویی به آنها عاجز بودند و در صورت استفاده نکردن از این ابزار و پارادایم های نوی، اقتصاد یک کشور، در خوشبینانه ترین حالت، موفق به حل مشکلات قدیمی خود خواهد شد و سهمی از بازارهای جهانی و البته آینده نخواهد نداشت. پارادایم حاکم بر مباحث مالی امروز که ما قصد توضیح، تشریح و مقایسه آن را داریم، رفتار مالی نام دارد، که به زبان ساده عبارت است از یک الگوی فکری که در آن بازارهای مالی با استفاده از الگوهای مرکب از علوم اجتماعی، روانشناسی، مالی و چند رشته

دیگر مطالعه می¬شوند و به عبارت بهتر عاملان اقتصادی در الگوهای رفتاری بر خلاف نظریه¬ های نئوکلاسیک منطقی نیستند، بلکه یا به خاطر ترجیحاتشان و یا به دلیل سوگیری های شناختی نرمال اند. این پارادایم نوبنیاد به اعتقاد رابرت شیلر یکی از حیاتی ترین برنامه های تحقیقاتی بوده و آشکارا در رد نظریه ¬بازار کارا قرار گرفته است. در بخش دوم این مقاله به تشریح و توضیح مفهوم رفتار مالی و عناصر سازنده آن خواهیم پرداخت و در پایان پس از بحث و نتیجه گیری، جدولی از توصیه ها ارائه خواهد شد. ۱) رفتار مالی در ادبیات اقتصاد غرب، ماهیت وجودی انسانها به عنوان موجودی منطقی که تحت شرایط کاملاً شفاف تصمیم گیری می کند، تعریف می شود. این موجود کامل که اغلب از آن به عنوان انسان اقتصادی یاد می شود، همواره در بهینه سازی منافع دلخواهش کامیاب است و تمام اطلاعاتی را که بر گزینه ها و تصمیماتش تأثیر دارند، جمع آوری می کند و موقعیتی آرمانی را که مطمئناً در دنیای واقعی بسیاری از سرمایه گذاران یافت نمی شود خلق می کند (FROMELT,۲۰۰۱). اما هربرت سایمون- پیشرو در رفتار مالی - انسان اقتصادی را موجودی غیر واقعی در نظریه های اقتصادی تشخیص داد. میر استتمن نیز در مقاله ای با عنوان: بازبینی تخصیص دارایی با استفاده از چالش رفتار مالی بیان کرد که افراد در نظریه ¬های سنتی منطقی هستند در حالی که رفتار مالی افراد را نرمال فرض می کند، یعنی یک سرمایه گذار ممکن است تصمیمی اتخاذ کند که از نظر اقتصادی توجیه نداشته باشد. رفتار مالی، به عنوان نوعی نظریه مطرح است که مباحث و مسائل مالی را با کمک گرفتن از نظریات روانشناسی شناختی تشریح می کند. این نظریه نه تنها پیش بینی های نظریه های مدرن مالی نظیر بازارهای کارا را مورد تردید قرار می د هد بلکه در سطح خرد نیز در مورد نظریاتی مانند: بیشینه سازی مورد انتظار و انتظارات عقلایی تردید دارد. بنابراین نظریه های رفتار مالی در دو سطح خرد و کلان تأثیر گذار هستند: ۱) رفتار مالی خرد (BFMI): به بررسی رفتارها یا سوگیری های سرمایه گذاران می پردازد و آنها را از عاملان اقتصادی منطقی که در نظریه اقتصاد کلاسیک متصوریم، باز می شناساند. ۲) رفتار مالی کلان (BFMA): شناسایی و تشریح ناهنجاری هایی در نظریه بازارهای کارا که الگوهای رفتاری، احتمالاً قادر به توضیح آن باشند. رفتار مالی شامل دو عنصر سازنده است که عبارت اند از: روان شناسی شناختی (افراد چگونه فکر می کنند) و محدودیت های آربیتراژ (چه زمانی بازار کارا خواهد بود)، ما در ادامه به تشریح این دو عنصر می پردازیم. ۱-۱) روانشناسی شناختی همان گونه که پیشتر گفته شد، این عنصر به بررسی طرز تفکر سرمایه گذاران می پردازد. رفتار مالی بر این باور است که تفکر افراد متأثر از ترجیحات و سوگیری های شناختی آنهاست. تفاوت اصلی بین این دو، در این است که در الگوهای رفتاری ترجیحات باید منعکس و لحاظ شوند، ولی سوگیری ها باید توسط الگوها حذف و یا کنترل شوند. ۱-۱-۱) ترجیحات یکی از اجزای اصلی هر الگویی که برای ارائه درک بهتر از رفتار قیمت ها و معاملات تلاش می¬کند، مفروضات ترجیحی سرمایه گذار است. اکثر سرمایه گذاران سه ترجیح مهم دارند که عبارت اند ▪: زیان گریزی: یکی از اصول اساسی رفتار مالی، این ایده است که سرمایه گذاران ریسک گریز نیستند، بلکه زیان گریزند. به عبارتی: نفرت افراد از عدم اطمینان چندان شدید نیست، بلکه آنها بیش از هر چیز از زیان کردن متنفرند (Nevins ۲۰۰۴). افراد اغلب برای زیان بیشتر از سود، حساسیت نشان می دهند، یعنی مجازات ذهنی که افراد برای یک سطح معین زیان در نظر می گیرند، بیشتر از پاداش ذهنی است که برای همان سطح سود(یک دلار سود) در نظر می گیرند. این پدیده برای نخستین بار در نظریه انتظار دانیل کاهنمن و آموس تورسکی مطرح شد و مبین این اصل بود که افراد زیان را قوی تر از سود درک می کنند و افراد زیان گریز حتی برای فرار از موقعیت زیانده حاضر به ریسک بیشتر هم هستند ▪. دژمان گریزی: این ترجیح در واقع ناشی از تمایل افراد به اجتناب از احساس تأسف و تنبهی است که در اثر یک تصمیم سرمایه ¬گذاری ضعیف در درونشان به وجود می¬آید. دژمان گریزی چیزی بیش از درد و زیان مالی صرف را مجسم می¬کند و شامل تأسف و احساس مسئولیت¬پذیری برای تصمیمی است که منجر به زیان شده است. این فرار از تأسف ممکن است افراد را به حفظ سهامی با عملکرد ضعیف وادار کند، به این امید که با اجتناب از فروش آنها از زیان متعاقب آن هم بگریزند.گذشته از این امکان دارد دژمان گریزی سرمایه ¬گذاران را با رفتار گله¬ای مواجه کند. برای مثال: افراد بیشتر در سهام شرکت هایی که مورد قبول دیگران هستند، سرمایه گذاری می کنند؛ زیرا این نوع خریدها یک ضمانت ضمنی در برابر دژمان گریزی دارند. (اگر شما پول خود را در این شرکتها از دست بدهید، چون افراد متعدد دیگر هم پول خود را از دست داده¬ اند، شما از تصمیم زیانده خود خیلی متأسف نخواهید شد▪).

محاسبه ذهنی: محاسبه ذهنی ، اصطلاحی است که معرف گرایش طبیعی افراد به سازماندهی اطرافشان در قالب حساب های ذهنی جداگانه است. به فرایندی که از طریق آن تصمیم گیرندگان مسائل را برای خودشان فرمول بندی می کنند محاسبه ذهنی گفته می ¬شود. یکی از مفاهیم محاسبه ذهنی شکل ¬گیری کوته¬ بینانه است، یعنی سرمایه ¬گذاران تمایل دارند تا به هر یک از عناصر سبد دارایی های خودشان، به طور جداگانه بپردازند که همین می ¬تواند منجر به اتخاذ تصمیم ناکارآمد شود. با اندکی توجه می توان دریافت که محاسبه ذهنی، به معنای داشتن نگرش چندگانه نسبت به ریسک است، همان گونه که میر استتمن معتقد است ما داراییهایمان را به داراییهایی با ایمنی بالا و دارایی هایی با ایمنی پایین تقسیم می ¬کنیم. به عنوان نمونه بسیاری از افراد به هزینه ¬های آموزشی فرزندان خود راحت ¬تر(و شاید غیر اقتصادی¬ تر) بودجه تخصیص می¬ دهند، در حالی که همین افراد برای برخی فرصتها حساب جداگانه¬ ای دارند و به دنبال کسب بالاترین بازده از آن فرصت ها هستند. ۱-۱-۲) سوگیری های شناختی روان شناسان به این نتیجه رسیده اند که، زمانی که عاملان اقتصادی باورهای ذهنی خود را به کار می ¬گیرند، در معرض برخی اشتباهات سیستماتیک هستند. همان گونه که پیشتر گفته شد، الگوهای رفتاری در جهت کاهش تأثیر این سوگیریها هستند و باعث کارآمدتر شدن بازارها¬ می¬شوند. شرح برخی از این اشتباهات سیستماتیک در زیر می¬آید ▪: بیش نمایی: این اشتباه را می¬توان به عنوان تمایل افراد به دادن اهمیت بیشتر به برخی گزارشها، پیشرفتها و اظهارات تعریف کرد، از اینرو به یک رویداد بیش از اندازه شایستگی¬ اش اهمیت داده می شود. به دیگر سخن، فرد در بیش نمایی، رویدادها را نماینده و نمونه یک طبقه ویژه بداند و به این ترتیب الگویی را که وجود خارجی ندارد، برای خودش متصور باشد. پیامد مهم این اشتباه برای بازارهای مالی این است که سرمایه ¬گذاران تمایل به این فرضیه دارند که رویدادهای اخیر در آینده نزدیک ادامه خواهد داشت، از اینرو در جستجوی خرید سهام چشمگیراند و سهامی را که به تازگی عملکرد ضعیفی داشته¬ اند، نمی¬ خرند ▪. اطمینان بیش از اندازه: این اشتباه قطعاً پر تکرارترین الگوی رفتار مالی است که تا کنون بحث شده است. شیلر این الگو را به زبان ساده این گونه بیان می ¬کند که : مردم فکر می ¬کنند که آنها بیشتر از آنچه که انجام می¬ دهند، می ¬دانند این اشتباه مربوط به حالتی است که در آن افراد برای اطلاعات محرمانه خود بیش از اندازه اهمیت قائل اند. سرمایه -گذارانی که اعتماد به نفس بیش از اندازه دارند، در مواجهه با رویداد عمومی جدید، ارزیابیهای شخصی خود را کندتر بازبینی و تجدید نظر می¬ کنند. اما جالب اینجاست که این سوگیری به هیچ وجه مختص سرمایه گذاران غیر حرفه¬ ای یا فردی نیست ▪. اثر قالبی: پژوهش ها درباره چگونگی تصمیم ¬گیری حاکی از این است که یک تفاوت کوچک در روش ارائه پرسش منجر به پاسخهای متفاوت می¬ شود. روزکوسکی این اثر را این گونه توضیح می¬ دهد: تحقیقی را در نظر بگیرید که در آن یک گروه از افراد مطلع می¬ شوند که در یک سرمایه¬گذاری ویژه ۵۰ درصد احتمال موفقیت دارند. به گروه دیگر گفته می شود که در همان سرمایه ¬گذاری ۵۰ درصد شانس شکست دارند. از نظر منطقی، باید تعداد برابری از افراد هر گروه علاقه مند به تحمل این ریسک باشند. اما این موضوع در این مورد صادق نبود. وقتی ریسک بر اساس احتمال موفقیت توصیف می شود، نسبت به حالتی که ریسک بر حسب احتمال شکست توصیف شود، افراد بیشتری متمایل به تحمل ریسک می شوند. این سوگیری بدین مفهوم است که پرسش های مربوط به ریسک باید خیلی با دقت بیان شود. حتی تخمینهای دقیق از میزان تحمل ریسک، می ¬تواند منجر به استراتژی انتخابی ضعیفی شود ▪. اثر تمایلی: اثر تمایلی در نظریه¬ های مدرن بخوبی شناخته شده است. این اشتباه بیانگر میل طبیعی به فروش سریع سهام برنده(سودآور) و نگه¬داشتن بیش از اندازه سهام سهام بازنده(زیان¬ده) است. توجه داشته باشید که بخش دوم اثر تمایلی می¬تواند موجبات زیانهای کلانی را فراهم کند (اجتناب از قطع زیان و معاملات نامطلوب). این اثر خودش را در سودهای کوچک پرتعداد و زیانهای کوچک کم ¬تکرار نشان می ¬دهد. در واقع حجم معاملات تحت تأثیر این اثر است بر این اساس، در بازار رو به رشد، حجم معاملات صعودی، و در بازار راکد، حجم معاملات نزولی است ▪. محافظه کاری: این اشتباه که به اصرار بر

باور نیز معروف است، مؤید این مطلب است که افراد برای تغییر عقاید خود حتی زمانی که اطلاعات جدیدی به دست می آورند، بی میل هستند. بر اساس مطالعات باربارِیس و ثلر دو اثر در این زمینه تأثیرگذارند: اول اینکه افراد برای تحقیق در جهت یافتن شواهدی که مغایر با باورهایشان است، بی میل اند و دوم اینکه اگر هم چنین شواهدی یافتند با شک و تردید مضاعفی به آن شواهد می نگرند (BARBERIS & THALER, ۲۰۰۱). نکته جالب توجه اینکه در بعضی اوقات محافظه کاری نقطه مقابل الگوی مکاشفه¬ ای بیش نمایی است. فهرست سو گیریهای شناختی تنها به این فهرست کوتاه محدود نمی شود و براحتی می توان به آن افزود، اما قدر مسلم این است که رفتار مالی، تنها در پی فهرست کردن اشتباهات نیست و سعی دارد بعد از شناسایی چرایی و چگونگی شکل گیری چنین سو گیری هایی، راهکارهایی برای اجتناب از آنها و در نتیجه کارا تر شدن بازارهای مالی ارائه کند. ۲ .۱) محدودیت های آربیتراژ در دهه ۱۹۷۰ راس نظریه قیمت گذاری آربیتراژ (APT) را پایه گذاری کرد. مفهوم اساسی در APT ، قانون وجود یک قیمت است. یعنی دو دارایی (سهمی) که در ریسک و بازدهی مشابه اند، نمی توانند درقیمتهای متفاوت فروخته شوند. با این تعریف، قیمت گذاری نادرست ورقه بهادار به طریقی که سود بدون ریسک ایجاد کند، آربیتراژ نامیده می شود. بر اساس نظریه قیمت گذاری آربیتراژی سرمایه گذاران را به دو دسته تقسیم می کنند: دسته اول معامله گران باهوش یا معامله گران نهایی یا منطقی هستند که توانایی جبران اشتباهات بسیاری از سرمایه¬ گذاران را دارند و دسته دوم معامله گران عادی یا غیر منطقی هستند که اغلب مرتکب اشتباه در تصمیم گیری می شوند. برای درک بهتر مفهوم آربیتراژ، مثالی می آوریم: فرض کنیم در بازار، برگه¬ ای نسبت به قیمت پایه¬ اش بالاتر قیمت گذاری شده و جانشین این برگه نیز در بازار در دسترس است. سرمایه گذاران منطقی از طریق فروش استقراضی برگه گرانتر و به طور هم¬زمان خرید برگه مشابه آن سهم، سود بدون ریسکی را کسب می کنند. به خاطر فعالیت رقابتی تعداد زیادی سرمایه گذار باهوش یا آربیتراژ¬کننده، دو قیمت به سمت یک قیمت واحد حرکت خواهند کرد و در حالت تعادل، سهامی که بالاتر از ارزش پایه قیمت ¬گذاری شده بود به قیمت پایه¬ ای خود باز خواهد گشت. بنابراین از طریق فرایند آربیتراژ، تا زمانی که سهم، جانشین نزدیکی داشته باشد، اثر معامله گران عادی حذف می شود. آربیتراژ به خاطر اینکه اثر آن موجب بازگشت قیمتها به ارزش پایه و حفظ کارایی بازار می ¬شود، نقش مهمی در تجزیه و تحلیل بازارهای اوراق بهادار ایفا می کند. یکی از یافته های اصلی رفتار مالی نظریه محدودیت آربیتراژ است. این نظریه نشان می¬ دهد که اگر معامله گران عادی باعث انحراف هر دارایی از ارزش پایه اش شوند، معامله گران باهوش اغلب نمی توانند کاری بکنند زیرا به دلایل گوناگون اغلب فرصت های آربیتراژی در بازارهای اوراق بهادار در دنیای واقعی بشدت محدود می شوند. اول از همه اینکه بازارهای دنیای واقعی از حالت آرمانی و کامل خود دور هستند. ناسازگاری های متعددی از قبیل: هزینه های معاملات، و نیز فقدان جانشین کامل یا مناسب برای بسیاری از اوراق بهادار، کار تکرار کامل هر دارایی را برای بازار بشدت سخت می کنند. در این حالت نیروهای آربیتراژی با خطر اساسی مواجه می شوند. به خاطر افق سرمایه گذاری کوتاه مدت و محدودیت های دیگری که نیروهای آربیتراژی با آن مواجه اند، آربیتراژ تبدیل به یک فعالیت ریسک دار می شود و برای همین، احتمالاً نیروهای آربیتراژی انجام آن را به عهده نخواهند گرفت ●. نتیجه گیری در این مقاله ابتدا به معرفی مفهوم نظریه های رفتار مالی پرداختیم و سپس در بخشهای بعدی درباره دو عنصر سازنده آن روان شناسی شناختی و محدودیتهای آربیتراژ- توضیح دادیم. تشریک مساعی بین علوم مالی و علوم اجتماعی که با عنوان رفتار مالی شناخته می شود، باعث ژرفتر شدن دانش ما از بازارهای مالی، شده است. حضور علوم نامبرده در مباحث مالی مشاوران مالی را تبدیل به پزشکان مالی کرده¬ است. میر استتمن به مشاوران مالی توصیه می ¬کند: الگوی پزشکان را پیروی کنید: بپرسید، گوش کنید، تشخیص دهید، آموزش دهید و معالجه کنید. مشاوران مالی که به عنوان پزشک عمل می ¬کنند، دانش مالی خود را با توانایی راهنمایی ارباب رجوع ترکیب می¬کنند. به دیگر سخن آنها درباره ریسک و بازده فکر نمی¬ کنند، بلکه درباره ترس، اشتیاق و اشتباهاتی که احتمالاً ارباب رجوع مرتکب خواهند شد، می اندیشند. همان گونه که پزشکان بهداشت و رفاه افراد را ارتقا می ¬بخشند، مشاوران مالی نیز ثروت و رفاه افراد را بالا می¬ برند». انقلاب الکترونیکی در ارتباطات، که مهمترین رویداد دوران ماست، باعث دگرگونی کامل نهادهای مالی در آینده خواهد شد، بنابراین قدر مسلم این است که ما باید از تمام ذخایر علمی خود استفاده کنیم تا مطمئن شویم که این دگرگونی منجر به زندگی بهتری برای همه ما می ¬شود و این بدین معنا است که ما باید هم نظریه ¬های رفتاری و هم نظریه¬ های نئوکلاسیک را به کار بگیریم. با توضیحی که درباره نظریه ¬های رفتار مالی ارائه شد، ناگفته پیداست که عامل تعیین کننده در اثربخش بودن یا نبودن این دسته نظریه ¬ها خود سرمایه¬ گذار است. میلتون فریدمن معتقد است تنها کسی که بدرستی می¬ تواند شما را متقاعد کند خود شما هستید و این خود شما هستید که باید مباحث را سرفرصت در ذهن خود تغییر دهید. بنابراین نظریه¬ های کمی و بسیار دقیق که در متون علمی و درسی دیده می¬ شوند، برای کاراتر شدن بازارها شرط لازم¬ اند، اما قطعا شرط کافی برای بازار کارا، سرمایه ¬گذاران کارا هستند؛ یعنی سرمایه گذارانی که سو گیر نیستند و مشاورانشان پزشکان مالی هستند.

منابع:۱ . Shiller J. Robert, “Tools for Financial Innovation: Neoclassical versus Behavioral Finance.” The Financial Review, No. ۴۱ (۲۰۰۶), pp. ۱–۸.۲. Bernstein, P.L, “Capital Ideas: From the Past to the Future.” Financial Analysts Journal, Vol ۶۱, No, ۶(۲۰۰۵) pp.۵۵-۵۹.۳. Ritter, R.J. “Behavioral finance.” Journal of Pacific - Basin Finance, Vol.۲۱, (۲۰۰۳), pp. ۴۲۹–۴۳۷.۴. Shiller J. Rober “From efficient markets theory to behavioral finance.” The Journal of Economic Perspectives Vol ۱۷ (Winter ۲۰۰۳), pp. ۸۳-۱۰۴.۵. Fromlet, H. “Behavioral finance theory and practical application.” Business Economics, Vol.۳۶ No.۳, (۲۰۰۱), pp. ۶۳-۶۹۶. Nevins, Dan. “Goals-based Investing: Integrating Traditional and Behavioral Finance.” The Journal of Wealth Management, Vol. ۶, No. ۴ (Spring ۲۰۰۴).۷. Koening, J. “Behavioral Finance: Examining thought processes for better investing.” Trust & Investments, No. ۶۹, (۱۹۹۹), pp. ۱۷-۲۳.۸. Thaler, Ricahrd. “Mental Accounting Matters.” Journal of Behavioral Decision Makin, No ۱۲, (۱۹۹۹), pp۱. ۸۳- ۲۰۶.۹. Shiller, Robert. “Irrational Exuberance.” Princeton: Princeton University Press (۲۰۰۰).۱۰. Roszkowski, Michael J. “Risk Tolerance in Financial Decisions.” In Readings in Financial Planning, chapter ۵. Edited by David M. Cordell. Bryn Mawr, PA: The American College, (۲۰۰۲).۱۱. Barberis N. and Thaler, R. “A survey of behavioral finance.” Handbook of the Economics of Finance (G.M. Constantinides, M. Harris, and R. Stulz, eds.), Elsevier, (۲۰۰۱).۱۲. Shiller, J. R. “The New Financial Order: Risk in the ۲۱st Century.” (Princeton University Press, Princeton, NJ). (۲۰۰۳.

پانویس:۱ . فروش استقراضی SHORT SELLING یعنی پیشنهاد فروش سهمی که مالک آن نیستیم

صنایع نیوز

منبع: تدبیر

تحلیلی برمسائل مالی شرکت جاسون اندجانسون

تحلیلی بر مسائل مالی شرکت جاسون اند جانسونعلیرضا فتحعلی

مقدمه: شرکت تولیدات جانسون یک تولید کننده ی محصولات آرایشی برای مصرف کنند گان سیاه پوست است که در سال

۱۹۵۴ به رسمی شروع به فعالیت کرد . شرکت در ابتدا تحت عنوان شرکت ایلینویز در سال ۱۹۵۷ سازماندهی شد ودر سال ۱۹۶۹ شرکت در اثر تلفیق ویکپارچه سازی به(دلاور) تغییر نام داد. جورج ای جانسون در ابتدا فعالیت کاری خود را به عنوان یک فروشنده ی خانه به خانه محصولات فولر در شیکاگو آغاز کرد که این شرکت یک شرکت تولید کننده محصولات آرایشی (پیرایشی) برای سیاه پوستان بود کمی بعد او این فرصت را به دست آورد که به عنوان همیار در امور شیمیایی با دکتر هربرت مارتینی در آزمایشگاه شرکت فولر کار کند . در طول ۱۰ سالی که جانسون با دکتر مارتینی کار کرد او پایه واساس تولید محصولات آرایشی و پیرایشی را آموخت .بر این اساس او فعالیت تجاری خود را در زمینه ی محصولات و وسایل آرایشی پایه ریزی کرد . در آغاز فعالیت محصولات جانسون ، جانسون جلساتی را در روز های ویژه تعیین کرد که در این جلسات او با یک آرایشگر ملاقات می کرد که این آرایشگر ،کسی بود که با مدیران شرکت فولر برای جستجوی راهی برای کمک به فرمول محصولات به منظور بهبود مرتب کردن مو ، ملاقات هایی را داشت .محصولات شرکت فولر مورد علاقه نبود اما محصولات شرکت جنسون بسیار مورد علاقه بود .جانسون با یک آرایسگر به نام اورویل نلسون درباره ی مشکلات محصولات صحبت کرد و بعدا از آرایشگاه او برای کاوش موضوعات دیگر دیدن کرد در آرایشگاه جانسون متوجه شد که مشتریان برای مرتب کردن موهایشان در صف می ایستند وانتظار می کشند .اما مرتب کردن موهای آنها به واقعا سادگی انجام نمی شد .جانسون وناسون یک شرکت تضامنی با سرمایه اولیه که هر یک به مبلغ ۲۵۰ $ تشکیل دادند .جانسون شغل همیاری دکتر مارتینی را برای بوجود آوردن یک محصول برای مرتب کردن مو در شرکت فولر ادامه داد و این در حالی بود که شرکت محصولات جانسون در مسیر تشکیل شدن بود . به منظور بدست آوردن مقدار زیادی اطلاعات درباره تقاضا برای مرتب کننده مو جانسون با تعداد زیادی از صاحبان آرایشگاه های زیبایی سیاه پوستان ملاقات کرد. ار دریافت که این مشکل یک مشکل جهانی است .سیاه پوستان از کارایی ضعیف مرتب کننده های موموجود ناراضی بودند. در مقاله ای از نیویورک تایمز به نقل از جانسون بیان می کند که جانسون گفت ":متخصصین زیبایی سیاه پوستان از شانه زدن سخت وگریس یا روغن مو برای مرتب کردن زنان سیاه پوست استفاده می کنند. دکتر مارتینی ومن متفق القول هستیم که همان طور که سیگار کشیدن (دوده زدن به مو) برای سلامتی بد است گریس هم برای سلامتی مو بد است پس بر روی فرآیندی که استعمال گریس و سیگار(دوده زدن به مو) را کنار بگذارد کار کردیم و کرم مالشی حالت دهنده ی مو و کرم شامپو، حالت دهنده ی Ultra Sheen را که در خانه هم قابل مصرف است را معرفی کردیم .جانسون در خلال دیدار از آرایشگاه های زیبایی متوجه شد که آنها از تکنیک شانه زدن استفاده می کنند واین عمل باید برای موهای هر فرد مرتبا انجام می شد مخصوصا زمانی که موهای افراد خیس یا مرطوب می شد وترتیب موها به هم می خورد. با ظهور ملیت سیاه پوست در سال ۱۹۶۰ که تحت عنوان Afro مشهور شد و وضعیت دشواری را برای تولید کنندگان محصولات مرتب کننده مو ایجاد کرد . (جانسون ") من اصلا نمی دانم که این مسئله زود گذز است یا نه . من فکر می کنم که تنها باید منتظر شد ودید که این گرایش تا کجا پیش خواهد رفت . من مطمئن بودم که آن یک تمایل و خواسته است ." پس ما Afro Sheen را از مواد طبیعی تولید کردیم اما همیشه احساس می کردم که استفاده از مواد طبیعی آخرین هدف نخواهد بود. این استفاده خیلی یکنواخت ومطمئنا کافی است زیرا بانوان از استفاده از آن خسته شده اند و از آن دوری می کنند .یک رقابت تاریخی در محصولات مراقبت ازمو و محصولات آ رایشی شرکت های تولید کننده وجود داشت و شرکت محصولات جانسون هم همچنین یک موئسسه مهم محصولات آرایشی سیاه پوستان است برای مثال شرکت محصولات جانسون یکی از نخستین شرکت ها با مالکیت سیاه پوستان در لیست اصلی بازار سهام بود. از طریق ارائه محصولات نوآورانه و تکنولوژی پیشرو به سرعت به عنوان یکی از داستان های موفقیت آمیز تاجران آمریکایی تبدیل شد. (به سرعث در بین دیگر شرکت های تجاری سرآمد شد) .داستان جانسون تقریبا در پایان یکی روزهای اکتبر ۱۹۶۴ ، زمانی که یک آتش ویران گر به کارخانه ای در خیابان Green Street در شیکاگو حمله ور شد وتقریبا تمامی تجهیزات و امکانات را نابود کرد آغاز شد .در این وضعیت بحرانی به جای ترک فعالیت ، جانسون وکارکنان او با آنچه در توان داشتند از این کار جلوگیری کردند و شرکت در عرض یک هفته از یک پایگاه موقت عملیات خود را به اجرا در آورد در طول دوران آتش سوزی رشد شرکت بطور یکنواخت بود اما تغییرات در واحد محصول غیر عادی بود و در سال ۱۹۶۵ به سوی یک دوره با رشد سریع هدایت شد .از سال ۱۹۷۱ تا سال ۱۹۷۵ افزایش بی سابقه ای در میزان فروش از ۱۳ میلیون دلار به ۳۹ میلیون دلار اتفاق افتاد و بعد از سال ۱۹۷۵به هر حال شرکت یک سری عقب نشینی و افت را تجربه کرد .شرکت تلاش کرد تا بازارهای خود را با تولید ادکلن مردانه گران قیمت ولباس های نیمه رسمی توسعه دهد که این کار یک فاجعه بود. این شکست به کانال های توضیع نامناسب و توضیع جغرافیایی نامناسب وبنگاه های خرده فروشی نسبت داده شد همزمان با این افت ها فشار هایی هم از سوی شرکت های اصلی رقیب به شرکت محصولات جانسون اعمال شد مانند شرکت Primarily Revlon که یک رشد سریع در بازار محصولات آرایشی سیاه پوستان را تجربه می کرد را به عنوان یک خط پایان خوب انتخاب کرد .سپس در فوریه ۱۹۷۵ زمانی که مدیریت الزام تعیین رسمی کردن رضایت صدور سفارش مشتری را به توسط کمسیون تجاری فدرال (FTC) که مستلزم قرار دادن برچسب هشدار (توضیحات محصول) بر روی بهترین محصولات قابل فروش مرتب کننده ی مو (مانند کرم نرم کننده دائمی Ultra Sheen) احساس کرد تصور عمومی شرکت بطور جدی آسیب دید. جانسون ادعا کردکه FTC تضمین کننده ی کیفیت محصولات او است و رقبا هم مجبور خواهند بود این برچسب را روی محصولات خود نسب کنند. به هر حال شرکت Revlon تقریبا تا دو سال این برچسب را فقط بر روی دو مورد از محصولات خود قرار داد .در سال ۱۹۸۵ شرکت محصولات جانسون یک برچسب اختصاصی را بر روی محصولات غیر بومی مراقبت از مو معرفی و ارائه کرد. این تلاش برای کاهش هزینه ها و استفاده کامل از امکانات کارخانه بود بعلاوه در سال ۱۹۸۶ شرکت مدرسه آموزش زیبایی Debbie"s beauty و دارایی های شرکت Ultra Precise Beauty Boutiqe را بر اساس گزارش مدیران به مبلغ ۲.۵ میلیون دلار فروخت .در سال ۱۹۸۶ کارخانه Excel متعلق به شرکت محصولات جانسون فعالیت خود را آغاز کرد و با معرفی یک ترکیب محصولات حلقه ای از ژلهای دارویی و لوسیون مو و پوست و محصولات مربوط به مراقبت از بچه را ارائه کرد . در سال ۱۹۸۷ نام Excel به نام Celex تغییر یافت و همچنین در سال ۱۹۸۷ شرکت یک مجوز برای تولید در کشور ترینیداد در یافت کرد .سال ۱۹۸۸ یک تغییر بزرگ را برای سازمان به همراه آورد Eric Johnson جانشین پدر خود جورج جانسون شد به عنوان رئیس ارشد شرکت محصولات جانسون .متصدیات و اداره کنندگان George E Johnson شرکت را در یال ۱۹۵۴ تاسیس کرد و به عنوان رئیس هیئت مدیره و رئیس اجرایی از سال ۱۹۵۷ خدمت کرد او رئیس ازشد شرکت از زمان تاسیس آن بود او همچنین عضو هیئت رئیسه شرکت مشترک المنافع Edison بود .Dorothy McConner به عنوان نایب رئیس اجرایی و منشی ودبیر شرکت از سال ۱۹۶۷ در شرکت خدمت کرد و به عنوان مدیر در سال ۱۹۷۹ انتخاب شد .Marilyn j. Cason در سال ۱۹۷۵ به عنوان مشاور به شرکت پیوست وهمچنین به عنوان نایب رئیس ارشد شرکت انتخاب شد و مجددا در سال ۱۹۷۷ به عنوان مشاور و در سال ۱۹۸۷ به عنوان معاون رئیس ارشد بین المللی انتخاب شد .شکل ۵.۲ نکات برجسته شرکت۱۹۵۴ – تاسیس شرکت۱۹۵۷– معرفی حالت دهنده ی Ultra Sheen پماد ترمیم کننده مو۱۹۵۸ – ورود محصولات گروه Ultra Sheen به بازار های حرفه ای زیبایی ۱۹۶۰ – معرف محصولات گروه Ultra Sheen به بازار های خرده فروشی۱۹۶۴ – آتش سوزی کلیه امکانات شرکت جانسون۱۹۶۵ – معرفی Ultra Sheen بدون پایه آرام کننده۱۹۶۶ – تکمیل نخستین مرحله از اداره مرکزی۱۹۶۸ – معرفی محصول Afro (اصلاح صورت)۱۹۶۸ – تثبیت سازمان جورج ای جانسون۱۹۶۹ – پشتیبانی از تخسستین تبلیغ تلویزیونی شرکت درباره زیبایی و ...۱۹۶۹ – تکمیل مرحله دوم اداره مرکزی۱۹۶۹ – پیشنهاد ارائه سهام عمومی شرکت در بازار بورس ۱۹۷۰– معرفی محصولات آرایشی Ultra Sheen۱۹۷۱ – آغاز حمایت از Soul train در شوی تلویزیونی اتحادیه های بین المللی ۱۹۷۱ – ورود شرکت محصولات جانسون به بازار بورس آمریکا۱۹۷۲ – تعیین سرمایه آموزشی از سوی جورج ای جانسون۱۹۷۳ – نکمیل مرحله سوم اداره مرکزی۱۹۷۴ – خرید ۱۱ جریب زمین مجاور هم به همراه یک ساختمان۱۹۷۵ – ورود به بازار عطر مردانه با محصولات Black Tie cologne و Splash – on۱۹۷۵ – آغاز صادرات به نیجریه۱۹۷۵ – بدست

آوردن مدرسه فرهنگی ۱۹۷۸ Debbie"s school Beauty - تعیین اولبن نمایندگی تولید محصولات شرکت در نیجریه۱۹۷۹ –تغییر فرمول گروه مواد آرایشی۱۹۷۹ – بدست آوردن توضیع کنندگان آزاد (کسانی که محصولات شرکت و رقبا را در سواحل شرقی (سان فرانسیسکو) می فروشند ۱۹۸۰ – تثبیت محصولات جانسون در نیجریه ۱۹۸۰ – معرفی Ultra Sheen precise و اولین گروه محصولات نوآورانه ۴۲ عددی ۱۹۸۱ – تعهد به توسعه نمایندگی ها با تاسیس مرکز فروش و خدمات Eastbourne انگلستان ۱۹۸۱ – معرفی محصولات جدید با عنوان ۱۹۸۲ Gentle Treatment,Tender Treatment, Bantu Curl– تعیین Debbie Howell Cosmetics برای اداره فروش در بازار مناطق ۱۹۸۲ Black key – معرفی ۱۹ محصول جدید۱۹۸۳ –تاسیس شرکت Mello Touch Labs برای تولید،فروش وتوضیع گروهی از محصولات به مشتریان۱۹۸۳ – معرفی ۲ گروه از محصولات آرایشی با نام Ultra Sheen و ۱۹۸۳ Moisture Formula – فروش امتیاز توضیع کنندگان آزاد۱۹۸۵ – معرفی برچسب خصوصی بر روی محصولات غیر بومی مراقبت از مو۱۹۸۶ – فروش مدرسه آموزش زیبایی Debbie"s beauty و دارایی های شرکت Ultra Precise Beauty Boutiqe را بر اساس گزارش مدیران به مبلغ ۲.۵ میلیون دلار۱۹۸۶ - در سال ۱۹۸۶ کارخانه Excel متعلق به شرکت محصولات جانسون فعالیت خود را آغاز کرد و با معرفی یک ترکیب محصولات حلقه ای از ژلهای دارویی و لوسیون مو و پوست و محصولات مربوط به مراقبت از بچه را ارائه کرد۱۹۸۷ – تغییر نام Excel به Manufacturing ۱۹۸۷ Celex – دریافت امتیاز تولید در کشور ۱۹۸۸ Trinidad - اجرای بازسازی اساسی در شرکت از طریق کنترول سخت بودجه ، کنترول مالی ، تمرکز زدایی مدیریت و کاهش کارکنان۱۹۸۸ – انتصاب جانسون پسر به جای پدر ،موفقیت پدر در ریاست ارشد ویکی از اعضای ۱۹۸۸ COO – فروش ۱۳.۵ هکتار زمین Chicago Warehouse در مقابل ۳ میلیون دلار و درآمد بالق بر ۱.۷ میلیون دلار برای کاهش هزینه وام های بزرگ Tehsel S. Dhaliwal از سال ۱۹۷۳ در شرکت فعالیت کرده از مدیر اجرایی و نایب رئیس ارشد و اجرا کننده ی عملیات اجرایی در سال ۱۹۸۳ بوده است ..Joan B. Johnson به همرا ه همسرش جورج ای جانسون موئسس شرکت در سال ۱۹۵۴ و دارای سمت خزانه داری از سال ۱۹۵۷ و خدمت به عنوان مدیر عملیات و همچنین دارنده ی پستی به عنوان اداره کننده ی شرکت Equimark بوده است ..Thomas P. Polk در سال ۱۹۸۱ به عنوان نایب رئیس ارشد مالی و رئیس امور مالی به شرکت پیوست در ۴ سال قبل او به عنوان سرممیز به همراه آرتور اندرسون با CPA همکاری می کرده است.Sylvia J. wynn از سال ۱۹۸۳ باشرکت همکاری می کرده وقبلا به عنوان مدیر گروه تولید محصولات مراقبت از مو واداره امور بازاریابی در شرکت خدمت کرده ، اوبه عنوان نایب رئیس ارشد بخش فروش و بازاریابی در سال ۱۹۸۶ انتخاب شد .Eric G. Johnson به زودی یک جای خالی در هیئت مدیره را پر کرد او به سمت ریاست ار شد در دسامبر ۱۹۸۸ منصوب شد و در پست امور اجرایی خدمت کرد، او قبلا نایب رئیس اجرایی در ژانویه ۱۹۸۸ بود و در اکتبر۱۹۸۷ نایب رئیس ارشد و رئیس فروش شرکت شد و از مارس ۱۹۸۶ تا سپتامبر ۱۹۸۷ به عنوان رئیس ارشد شرکت Celex و شرکت های تابعه خدمت کرد،او ۱۶ سال در شرکت فعالیت کرد .Gregory J. Andrews در آپریل ۱۹۸۷ به شرکت پیوست و به عنوان نایب رئیس ارشد و مدیر عمومی در شرکت خدمت کرد و در سپتامبر ۱۹۸۷به نایب رئیس اجرایی و مدیر عمومی ارتقای رتبه یافت او از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ به عنوان مدیر گروه و مدیر عمومی بخش لابلاتوار - Clairol"s Summit فعالیت می کرد وهمچنین مدیر بخش بازاریابی Clairol بود و در خلال سال های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ گروه رنگ مو را تشکیل داد .دیگر اداره کنندگان شامل :Alvine J. Boutt که از مدیران خطوط هوایی Midway . و J. lowry .مالکیتجورج جانسون و خانواده او به طود مستقیم یا غیر مستقیم ۶۱ درصد ار سهام مشترک شرکت دا کنترول می کردند برابر با گزارش قانونی بدست آمده از سازمان اوراق بهادار فدرال – جورج وجان را می توان به عنوان اشخاص کنترول کننده در شرکت مورد توجه قرار داد . جدول ۲- ۵ اطلاعات خلاصه شده ای را درباره سهام شرکت محصولات جانسون ارائه می کند . سهام

برجسته ۳.۹۸۸.۰۰۲ FYEمیزان سهام در دستان متصدیان و اداره

کنندگان ۲.۴۳۲.۹۶۸ تعداد تقریبی دارندگان

سهام ۱.۴۹۰ درصد تغییرات قیمت در ۵۲ هفته

آخر ۲۴-شاخص

Beta

۱.۰۵ اطلاعات در تاریخ ۸۸/۲۷/۱۲درصد قیمت هر

سهم ۱.۸۷۵$درصد قیمت به نسبت

درآمد ۲.۸۰-درصد قیمت بازار / در زمان انتشار کتاب

حاضر ۰.۸۷ جدول ۲- ۵ اطلاعات سهام شرکت محصولات جانسونصنعت ورقباکل فروش

لوازم آرایشی و مواد آرایشی زنانه و مردانه کارخانه برابر با ۷.۷۲۱.۹۰۰.۰۰۰ دلار بود وبعد از یک افت در سال ۱۹۸۷ برابر با ۷.۳۵۴.۸۰۰.۰۰۰ دلار بود با افزایش فروش به مبلغ ۹.۱۶۷.۶۰۰.۰۰۰ دلار رسید . تخمین میزان فروش در سال های ۱۹۸۸ . ۱۹۸۹ ترتیب ۱۰.۳۶۰.۰۰۰.۰۰۰ و ۱۱.۵۱۵.۰۰۰.۰۰۰ دلار است. رشد واقعی مورد انتظار در بخش حمل ونقل کارخانه مقداری در حدود۸/۲درصد در طی سال ۱۹۹۱ بود. این تخمین از سوی بخش تحقیقات تجاری اقتصادی شرکت انجام شده . جدول ۳- ۵ خلاصه ای از متغیر های مالی برای کارخانه را ارائه می کند اگر چه مواد آرایشی مردانه دارای یک بازار بالغ واشباع بود واحد اقتصادی رشد نسباتا کمی را در این بازار پیش بینی کرد .جدول ۳- ۵ اطلاعات مالی ار صنایع تولید موادآرایشی زنانه و مردانه

(مقادیر به هزار است)متغیر های مالی ۱۹۸۹ ۱۹۸۸ ۱۹۸۷ ۱۹۸۶ ۱۹۸۵ ۱۹۸۴

میزان فروش ۱۱.۵۱۵.۰ $۱۰.۳۶۰.۰ $ ۹.۱۶۷.۶ $۸.۵۳۵.۴ $ ۷.۳۵۴.۸ $۷.۷۲۱.۹ $درصد حاشیه اجرایی(

٪) ۱۶.۰ ۱۶.۰ ۱۶.۱ ۱۵.۸ ۱۵.۶ ۱۵.۳ سود ویژه ۷۵۰.۰ $

۷۰۵.۰ $۶۳۱.۹ $ ۵۴۷.۹ $۴۵۶.۹ $۴۳۸.۸ $ درصد حاشیه سود (٪) ۶.۵ ۶.۸ ۶.۹

۶.۴ ۶.۲ ۶.۲ درصدکل درآمد سرمایه(٪) ۲۱.۰ ۲۲.۰ ۱۶.۲ ۱۵.۵ ۱۳.۱

۱۴.۲ارزش درآمد ویژه (٪) ۳۳.۵ ۴۱.۰ ۲۳.۲ ۲۴.۲ ۱۶.۶ ۱۷.۵ نسبت درآمد به دارایی(

٪) ۲۱.۰ ۲۳.۵ ۱۲.۱ ۱۱.۲ ۵.۸ ۷.۲ تعداد زیادی از زنان وارد بازار کار شدند تخمین زده می شود که نیمی از زنان بالغ بیشتر زمان ها از مواد آرایشی برای گریم استفاده می کنند . محصولات بومی یکی از بخش ها با رشد سریع در صنعت مواد ولوازم آرایشی هستند ،فروش ها به سرعت افرایش می یابند و این رشد را به سوی سال های پیش رو ادامه می دهند . فرمول های خاص مواد آرایشی توسط سیاه پوستان (شرکت های تولید کننده مواد ولوازم آرایشی برای سیاه پوستان) به طور کامل به مبلغ ۲.۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ خریداری شد و انتظار می رود که این رشد ادامه یابد .مجموع ارتباطات سیاه پوستان بسیار سریع تر از این مورد در جمعیت سفید پوستان رشد می کند وشامل جوانان و بازارهای جوانگرا خواهد بود . براساس گفته بخش تخقیقات اقتصادی سیاه پوستان به طور عمده ۴ برابر زمان بیشتری از سفید پوستان برای کمک به زیبایی و سلامت خود صرف می کنند .مرطوب کنندهای مخصوص و دیگر محصولات مراقبت از پوست (به شکل کرم) ودیگر محصولات مرتبط به طور خاص برای سیاه پوستان در سال های اخیر طراحی وتولید شده است .تخمین ها نشان می دهدکه میزان مصرف سیاه پوستان از مبلغ ۴ میلیارد دلار در سال دهه ی ۱۹۹۰ فرا خواهد رفت .محصولات جانسون به طور مجازی یک سری محصولات بومی مراقبت از مو بوجود آورد اما دارای بازار بومی بود بسیاری از شرکت های بین المللی ومنطقه ای به این عرصه وارد شدند .گروه اصلی این تجار و شرکت های تجاری شامل : Alberto-culver, Clairol, Revlon, Gillette بودند وفضایی را برای محصولات مراقبت از موی سیاه پوستان (یک بخش اختصاصی از تولید)پیشنهاد کردند .این شرکت ها از بازارهای ، منابع وتوسعه بیشتر کانال های توضیع بهرمند شدند وسود زیادی بردند تعدادی از شرکت های منطقه ای کوچک مثل Soft Sheen, M & M Products در جمع آوری بخشی از سهم بازار شرکت جانسون موثر بودند . اخیرا رقبای عمده

شرکت جانسون ، تجار بین المللی هستند که توانایی بیشتری در بازار یابی وتعیین قیمت را به شکل تجاوزکارانه ای نسبت به شرکت جانسون و دیگر شرکت ها با مالکیت سیاه پوستان دارند . پیش بینی ها نشان میدهند که بازیگران بزرگ جذب سهم بازار شرکت جانسون و دیگر شرکت ها ی کوچک را از نظر هزینه ها ادامه می دهند .جدول ۴- ۵ اطلاعات مالی را درباره رقبای شرکت جانسون ارائه می دهد ....جدول ۴- ۵ اطلاعات مالی رقبا...محصولاتبراساس گفته نمایندگی های فروش در حال حاضر کارخانه های شرکت جانسون بیش از ۳۰۰ نوع محصول تولید می کنند . در یک تلاش برای افزایش کاربرد گیاهی در سال ۱۹۸۵ شرکت جانسون شروع به تولید محصولات غیر بومی با برچسب خصوصی کرد. شرکت مورد هدف قرار دادن هر دو بخش خرده فروشی و فروش حرفه ای را و با توجه بیشتر به نقش بخش خرده فروشی در افزایش حجم فروش محصولات مراقبت از مو ادامه داد .محصولات عمده مراقبت از مو شرکت عبارتند از : نرم کننده ها، حالت دهنده ها، پمادها ، فردهنده ها و شامپوها هستند . تمامی محصولات تحت عنوان و مارک تجاری Ultra Sheen فروخته می شوند . بعلاوه بازارهای شرکت همچنین شامل بخش بازار مواد آرایشی مانند لاک ناخن، کرم های گریم مایع (کرم پودر) ،کرم دور چشم(فوم دور چشم) ، ماتیک (رژها) و پودرها (فوم ها) و دیگر گروه های محصولات گریم صورت نیز هست .محصولات و مواد آرایشی تحت نام تجاری Ultra Sheen یا Moisture Formula فروخته شدند . از زمانی که در سال ۱۹۸۳ گروه محصولات آرایشی با اثرگذاری آرام معرفی شد شرکت جانسون هیچ محصول اصلی دیگری را در بازارهای حرفه ای یا خرده فروشی معرفی نکرد. به عبارت دیگر شرکت جانسون تلاش کرده بود که به طور فعال بازار را ازطریق محصولات الحاقی و توسعه رو به جلو و بهبود محصولات موجود تحت تاثیر قرار دهد .پذیرش مطلوب محصول غیر قلیایی Gentle به این معنا بود که دلیل افزایش، تقاضا برای محصولات با مواد شیمیایی و با اثر ملایم است . جدول ۵- ۵ گروه محصولات اصلی شرکت محصولات جانسون را در دهه ی گذشته معرفی می کند ....بازار و بازار یابیتلاش های فروش شرکت محصولات جانسون هنوز هم برای جستجوی مشتریان سیاه پوست هدایت می شوند و ادامه دارند . محصولات و خدمات شرکت به شکل استراتژیک برای نفوذ در دیگر بازارهای بومی سازمان یافته اند . شرکت جانسون تمرکز خود را بر تلاش برای فروش در مناطقی که تراکم زیادی از جمعیت سیاه پوستان وجود دارد و مشتریان خریدار محصولات Ultra Sheen و Afro ودیگر محصولات نوآورانه هستند(در شرق ، میانه غربی ، سواحل غربی و جنوب) ادامه می دهد .شرکت دو اداره فروش منطقه ای را برای سراسرکشور راه اندازی کرد . اداره آتلانتا مناطق جنوبی و غربی را پوشش می دهد و دفتر بالتیمور مناطق شمالی و میانه غربی را پوشش می دهد. به زودی نیروی فروشنده شرکت به ۳۵ نفر خواهد رسید که در واقع شامل ۱۲ درصد از کل نیروی مشغول به کار در شرکت خواهد بود . بعلاوه در سال ۱۹۸۶ اولین سالی بودکه نیروی فروشنده به صورت یکپارچه عمل کرد این فروش هم دربخش خرده فروشی و هم در بخش فروش حرفه ای برای گروه محصوات مراقبت از مو و مواد آرایشی بود .نگرش شرکت برای آموزش نیروی فروش در اولویت قرار دارد در نتیجه شرکت برنامه های آموزشی خود را در سال ۱۹۸۷ تشدید کرد و نتایج عملکرد مثبت فردی هر عضو را در تیم های فروش مشاهده کرد. کانال های توضیع شرکت محصولات جانسون در مسیر وخطوطی قرار دارند که همگام با صنعت هستند. محصولات به طور مستقیم به انبار های منطقه ای فزوخته می شود ، کسانی که محصولات را به فروشندگان اصلی توضیع می کنند . سپس به کل فروشندگان ، کسانی که محصولات را به خورده فروشان مستقیم و خورده فروشان فروشگاهی عرضه محصولات زیبایی و آرایشی توضیع می کنند و در آخر خورده فروشان کسانی هستند که محصولات را به مصرف کننده می فزوشند .تلاش های فروش شرکت برای مواجه با مشکلات اصلی در فرآیند توضیع ادامه می یابد که بر کل صنایع تولید محصولات بومی مراقبت از مو برای سال های زیادی موثر بوده . خرده فروشان منطقه ای و رشد منظم محصولات رقابتی برای افزایش تعداد رقابت کنندگان (فروشندگان شرکت) کافی نیست و به هر دوی بازار های عمومی تولید کننده و شرکت های منطقه ای نیاز است .... منبع: پایگاه مقالات علمی مدیریت www.SYSTEM.PARSIBLOG.com تهیه و تنظیم: پایگاه مقالات علمی مدیریت www.SYSTEM.PARSIBLOG.com

هدفمند کردن یارانه ها و زیر ساخت های اقتصادی

باقر زیدی

با نزدیک تر شدن زمان اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها مرور برخی تاثیرات مثبت اجرای این قانون بر ساختارهای اقتصادی در کشور ضروری به نظر می رسد. قانون هدفمند کردن یارانه های را می توان پل تغییر در وضع اقتصاد کنونی ایران قلمداد کرد. پلی که می تواند کشورمان را به سرعت از وضعیت فعلی عبور دهد. یکی از مهمترین اهداف قانون هدفمند کردن یارانه ها در کشور گسترش عدالت اقتصادی در جامعه است.در واقع هدف از اجرای این طرح توزیع به جا و صحیح یارانه ها در میان دهک های اجتماعی است.مع الاسف باید گفت پرداخت یارانه ها هم اکنون با بی عدالتی های گسترده ای همراه است .به عنوان مثال در بحث انرژی دهک دهم جامعه که غنی ترین افراد جامعه محسوب می گردند ۳۰ برابر دهک اول جامعه که ضعیف ترین افراد در جامعه هستند انرژی مصرف می کنند .از سوی دیگر یکی از مهمترین اهداف و تاثیرات هدفمند کردن یارنه ها بر اقتصاد کشور کاهش مصرف گرایی و به هدر رفتن سرمایه های مملکت است. یکی از اصلی ترین موضوعات در بحث نقدی کردن یارانه های بحث صرفه جویی در انرژی است.امروز باید به این واقعیت تلخ تن در دهیم که کشور ما یکی از کشورهای پرمصرف در بخش انرژی است به طوری که سرانه مصرف انرژی در داخل کشورمان اصلا با کشورهای پیشرفته و صنعتی قابل قیاس نیست و متاسفانه باید بگوییم که غالب این مصرف بی اندازه انرژی که امروز به عنوان نبض تپنده صنعت دنیا محسوب می شود درداخل کشورما در بخش خانگی است.امید است که با تحقق بحث نقدی کردن یارانه ها مصرف انرژی در کشورمان از وضعیت فعلی خارج شود. رشد مصرف انرژی درداخل کشورمان سرسام آور است و در صورتی که این رشد و در پی آن تقاضا همچنان افزایش یابد کشور در چند سال آینده با بحران مواجه خواهد شد . هم اکنون میزان یارانه ای که توسط دولت برروی حاملهای انرژی داده می شود چندین برابرکل بودجه عمرانی کشور است.از دیگر تاثیرات هدفمند کردن یارانه ها بر اقتصاد کشور ما را می بایست توسعه سریع خصوصی سازی در کشور قلمداد کرد. یکی از موانع اساسی در پیش روی خصوصی سازی شرکت های دولتی عدم اطمینان به شرکت های خصوصی و ریسک پذیری بالای واگذاری امور به آنهاست . برخی از صاحب نظران براین باورند که یکی از ابتدایی ترین بایسته های ورود به حوزه خصوصی سازی ایجاد بسترهای لازم در فضای کسب و کار جامعه است. مع السف باید گفت که صنایع خصوصی در ایران در طی سی سال اخیر به دلیل سیاست های اقتصاد متکی بر دولت همواره آسیب پذیر بوده اند و هیچ گاه نتوانسته اند به فضای رقابتی که در آن غول های اقتصادی مورد حمایت جدی دولت هستند وارد شوند .از این رو بخش های خصوصی غالبا نمی توانند سرمایه های کلان را جذب کنند و همین امر باعث خواهد شد تا این شرکت ها رشد چندانی نداشته باشند. اما باید گفت با هدفمند کردن یارانه ها بخش عمده ای از حمایت ها از شرکت های دولتی برداشته می شود و راه برای ورود شرکت های خصوصی به بازارهای اقتصادی کشور باز می شود. پس از هدفمند کردن یارانه ها به دلیل آزاد شدن قیمت حامل های انرژی دیگر تبعیضی میانبخش های خصوصی و دولتی وجود ندارد .از سوی دیگر شرکت های خصوصی به دلیل بهره وری بالا می توانند به سرعت گوی سبقت را از شرکت های دولتی بربایند و بازارهای کشور را به خود اختصاص دهند . در واقع هدفمند کردن یارانه های با عادلانه تر ساختن فضا های رقابتی در سطح اقتصاد راه را برای پویایی بخش های خصوصی هموار می سازد. ضمن آنکه دولت می تواند بخشی از درآمد های حاصل از حذف یارانه های حامل های انرژی به حمایت از بخش خصوصی تخصیص دهد که این امر بی شک می تواند موجب شکوفایی و توانمدی بیش از پیش بخش خصوصی در کشور باشد.با این حال از دیگر تاثیرات مثبت هدفمند کردن یارانه ها بر ساختار اقتصادی کشور اصلاح ساختار های تولیدی است. بهره وری بالا یکی از اساسی ترین راهکار ها برای افزایش نرخ رشد توسعه است.یکی از آسیب های اساسی اقتصاد ایران اتکای بیش از حد آن به در آمد های نفتی است . همین امر نیز باعث شده است که مدیران بنگاه های اقتصادی کمتر به مقوله بهره وری و افزایش کارایی

اهمیت بدهند زیرا در صورت عدم تحقق درآمد های حاصله می توان از درآمد های نفتی به جای آن استفاده کرد. از سوی دیگر همواره انرژی ارزان در اختیار مدیران بنگاه های اقتصادی دولتی وجود دارد و همین امر باعث کاهش قیمت تمام شده محصول می گردد. از این رو بی شک با آزاد شدن قیمت حامل های انرژی حرکت اقتصادی بنگاه های دولتی به سوی افزایش بهره وری و کاهش قیمت تمام شده خواهد رفت و همین امر باعث افزایش رشد و توسعه اقتصادی در کشور می شود.البته این نکات تنها بخشی از تاثیرات هدفمند کردن یارانه هایست و نباید از تاثیرات متعدد دیگر این طرح غافل شد . به هر حال باید دانست که امروز ضرورت دارد تا هرچه سریعتر این طرح در کشور اجرایی گردد. روزنامه رسالت باقر زیدی (www.resalat-news.com)

پیامدهای اجتماعی هدفمند کردن یارانه ها

چیست؟پنجره

پس از طرح تحول اقتصادی و هدفمند شدن یارانه‌ها، باید در قبال رسمی شدن حضور طبقات اقتصادی در جامعه تسلیم شد. به عبارت دیگر شاید در آن شرایط، این حقیقت تلخ، امری طبیعی شود که عده‌ای فقیرند و به هیچ وجه نمی‌توانند از موقعیت خود خارج شوند و گروهی آن‌قدر ثروتمند که از دولت مستغنی هستند و هیچ چیز موقعیت آن‌ها را دگرگون نمی‌کند. خود آگاهی طبقاتی در ایران، پس از این پروژه، تحقق یافته و جامعه طبقاتی، اقتضائات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را به‌دنبال خواهد داشت. شاید طرح تحول اقتصادی آغاز رسمی زندگی طبقاتی ایرانیان باشد. برای رفع معضلات چنان جامعه‌ای، چه تدابیری اندیشیده شده است؟طرح تحول اقتصادی، ضروری‌ترین اقدام اقتصادی تاریخ ایران است، کاری که ابعاد سیاسی و اجتماعیاش، کمتر از ابعاد اقتصادی آن نیست. البته ضرورت این کار همیشه احساس می‌شد؛ اما این دکتر احمدی‌نژاد بود که وظیفه سنگین و مأموریت خطیر اجرای آن را برعهده گرفت. پس وظیفه همه اجزاء تأثیرگذار جامعه است که از شجاعت او و دولتش، دفاع و حمایت کرده و برای برطرف ساختن مشکل تاریخی سیستم اقتصاد سوبسیدی، با او همراه شوند.در کنار اهمیت بسیار زیاد حرکت دولت، توجه به ابعاد و حاشیه‌های اجتماعی این اقدام نیز ضروری است. لازم است دولت خدمت‌گذار با تدبیری برای مواجهه با بی‌نظمی و ناهنجاری‌های محتمل اجتماعی پس از اجرای طرح، از اثرات منفی این کار سترگ بکاهد. در این‌جا ضروری است که بخشی از ملاحظات اجتماعی طرح هدفمند کردن یارنه‌ها را با هم مرور کنیم:۱- با پرداخت نقدی یارانه‌ها، مردم را بیش از هر زمان دیگر به دولت متکی خواهیم ساخت به‌گونه‌ای که می‌توانـد، حیات خصوصی مردم را تا حد زیادی تحت‌الشعاع خود قرار داده و حتی مختل کند. این اختلال به انتظارات زیاد و روبه رشد مردم از دولت خواهد انجامید. یعنی جامعه در قبال خدمات همه جانبه قوه مجریه (و بهتر بگوییم نظام)، باز هم متوقع خواهد بود. در این صورت ما با انتظارات فزاینده جامعه چه خواهیم کرد؟! آیا مردم در قبال افزایش قیمت‌ها، خواهان پول بیشتر نخواهند بود؟! برای کنترل این روحیه چه تدابیری اندیشده شده است؟!۲- پس از طرح تحول اقتصادی و هدفمند شدن یارانه‌ها، باید در قبال رسمی شدن حضور طبقات اقتصادی در جامعه تسلیم شد. به عبارت دیگر شاید در آن شرایط، این حقیقت تلخ، امری طبیعی شود که عده‌ای فقیرند و به هیچ وجه نمی‌توانند از موقعیت خود خارج شوند و گروهی آن‌قدر ثروتمند که از دولت مستغنی هستند و هیچ چیز موقعیت آن‌ها را دگرگون نمی‌کند. خود آگاهی طبقاتی در ایران، پس از این پروژه، تحقق یافته و جامعه طبقاتی، اقتضائات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را به‌دنبال خواهد داشت. شاید طرح تحول اقتصادی آغاز رسمی زندگی طبقاتی ایرانیان باشد. برای رفع معضلات چنان جامعه‌ای، چه تدابیری اندیشیده شده است؟۳- آیا فقرای جامعه از بین خواهند رفت؟! در سال ۱۳۸۸، شهرداری تهران فقط در منطقه ۱۷ و ۱۸ شهرداری، حدود ۲۱ میلیون تومان طلب نانوایی‌ها از مردم را پرداخت کرد تا نانواها هم‌چنان به مردم به‌صورت نسیه نان بدهند. یعنی ۲۱ میلیون تومان نان نسیه فروخته شده است که می‌توان نتیجه گرفت عده‌ای برای تأمین نان خود نیز محتاجند.در طرح تحول اقتصادی برای نجات این قشر از جامعه چه فکری شده است؟ برای دور نگهداشتن آن‌ها از ناهنجاری‌های اجتماعی چه می‌خواهیم بکنیم؟ در برابر افرادی که بهواسطه فقر شدید، به بزه روی می‌آورند، وظیفه حکومت چیست؟ تصور کنید در صورتی‌که به‌واسطه حذف یارانه‌ها، قیمت کالاها و خدمات افزایش یابد و هزینه حمل و نقل عمومی درون شهری و برون شهری، چندین برابر شود؛ در چنین شرایطی هیچ بعید نیست کار، تحصیل، درمان و انجام پروسه‌های اداری بخشی از مردم مختل شود. چقدر ناراحتکننده خواهد بود اگر خانواده‌ای به‌دلیل نداشتن هزینه رفت‌وآمد، فرزند خود را از تحصیل در مدرسه‌ای خوب محروم کند! باید تدبیری اندیشید تا نخبگان کم‌بضاعت جامعه، امکان رشد و بروز استعداد خود را داشته باشند.۴- با مرفهین جامعه چه می‌کنیم! خودمان خواسته‌ایم که مرفهین در طرح شرکت نکنند. گذشته از آن‌که بخشی از فقرا و اتباع کشورهای دیگر، نیز در طرح شرکت نکرده‌اند. حال در قبال این طبقه که داراست و از مزیت‌های آن هم بهره‌مند است، چه می‌کنیم؟ بخش قابل ملاحظه‌ای از این طبقه با آرمان‌ها و اندیشه‌های اساسی نظام، احساس همسویی ندارند و از این به بعد هم هیچ وابستگی نخواهند داشت. در قبال این وضعیت، آیا نظام آن‌ها را آن‌گونه که خود می‌خواهند به رسمیت خواهد شناخت؟ یا برای مقابله با عوارض اجتماعی و فرهنگی ظهور قشر ثروتمند در جامعه اسلامی، نظام چه تدبیر و فکری خواهد کرد؟۵- مهاجرت از حاشیه به مرکز، شدت خواهدیافت. از روستاها به شهرهای کوچک، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و در نهایت، مهاجرت به تهران. در این صورت هم وضعیت زندگی در تهران و شهرهای بزرگ با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود، و هم اگر دقیق پیش‌بینی و برنامه‌ریزی صورت نگیرد، حیات روستایی و پیرامونی کشور شاید قطع شود. اگر برای این مسئله فکری شده است، باید به‌طور وسیع آن را اطلاع‌رسانی کرد، چراکه امواج التهاب ذهنی و روحی مردم، پیش از اعمال تدابیر دولت، حیات جمعی را مختل خواهد کرد.۶- عده‌ای از جامعه‌شناسان بر این باورند که پیدایش پدیدههایی مانند زنان خیابانی، محصول سیاست‌های تعدیل اقتصادی دوران کارگزاران سازندگی است. پس از اجرای طرح تحول اقتصادی، در صورت بروز ناهنجاری‌های فرهنگی؛ برای بهتر شدن وضعیت چه خواهیم کرد؟ در شرایطی که در هر ساعت، چهارده زن در کشور بیوه می‌شوند، فشارهای اقتصادی و روانی طرح تحول با گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه نظیر کهنسالان، زنان و کودکان چه خواهد کرد؟ همه گروه‌های در معرض خطر و به‌عنوان مثال، خانوارهای تک سرپرست، نیازمند مراقبت‌هایی بسیار پیچیده‌تر و عمیق‌تر هستند که لازم است مسئولین برای آنها فکری کرده و ایده‌های خود را نیز از طریق رسانه‌ها به اطلاع مردم برسانند. یادمان باشد که جدی‌ترین عامل فحشاء همیشه فقر بوده است.۷- سازمان متولی این فرآیند، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی است. اختیارات و ساختار کنونی این وزارتخانه، چنان نیست که بتواند همه سنگینی این بار را بردوش بکشد. مدیریت طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، نیازمند تمرکز نهادهای برنامه‌ریز، اجرایی، ارزیابی، بازرسی و اعمال مدیریت در حین بحران است؛ امروز نیازمند تقویت جایگاه مدیران طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و این وزارتخانه به‌طور خاص هستیم.۸- نقش رسانه‌ها و گروه‌های مرجع در اطلاع‌رسانی و آماده‌سازی اذهان مردم برای روی آوردن به قناعت، صبر، برنامه‌ریزی در کارها و تحمل سختی‌های طرح، بسیار مهم و تأثیرگذار است. صداوسیما و رسانه‌های مکتوب در آماده‌سازی مردم نقش حساسی دارند و می‌توانند در تلطیف فضای اجتماعی، به‌طور مؤثر عمل کنند. راه‌اندازی یک ستاد، جهت انجام فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی طرح تحول اقتصادی، از ضروری‌ترین اقدامات این جراحی بزرگ در تاریخ اقتصاد کشور است.۹- جوامع هوشمند همیشه تلاش می‌کنند که بحران‌های اجتماعی و اقتصادی خود را به مسائل سیاسی بدل کنند و در چنین شرایطی فرهیختگان و احزاب سیاسی، متولی رفع معضلات می‌شوند. در سال ۸۸ یک بحران سیاسی، به معضلی اجتماعی بدل شد و هزینه‌های سنگینی را بر جامعه تحمیل کرد. برای پیش‌گیری از رخدادهای احتمالی در اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، نیازمند بسیج همه دلسوزان نظام و کشور هستیم تا این بار، مسئله‌ای اقتصادی به بحرانی اجتماعی تبدیل نشود. راه‌اندازی نهادهای متولی خدمات اجتماعی و مؤسسات مشاوره‌ای و تأمین اجتماعی از نیازهای ضروری کشور است. در کنار این‌گونه مؤسسات؛ نهادهای انتظامی، امنیتی و قضایی نیز باید آماده مواجهه با ابعاد مختلف این اتفاق تاریخی باشند. شاید لازم باشد در شورای امنیت ملی یا وزارت کشور و با محوریت اجزای سیاسی و اقتصادی دولت، ستادی جهت تمشیت این‌گونه مسائل طرح ایجاد شود.منبع: هفته نامه پنجره/ شماره ۵۸

آشنایی با مالیات بر ارزش افزوده

سازمان امور مالیاتی کشور

مقدمه: مالیات از منابع مهم درآمد دولتها است. ثبات و تداوم وصول مالیات موجب ثبات در برنامه ریزی دولت برای ارائه خدمات مورد نیاز کشور در زمینه های گوناگون میشود. تغییر و تحول در اقتصاد کشور و در نتیجه تغییر در نحوه تولید و توزیع ثروت و درآمد، مستلزم بازنگری و تجدید نظر در انواع مالیاتها و نحوه وصول آنهاست. اجرای مالیات بر ارزش افزوده در بیش از ۱۲۰ کشور جهان نشان دهنده مقبولیت و کارایی این نظام در فراهم کردن یک منبع درآمد قابل اتکا و مطمئن برای دولتهاست. اجرای این مالیات با نرخ ثابت و یکسان از یکسو پیش بینی میزان درآمد دولت و در نتیجه امکان برنامه ریزی بهتر را فراهم مینماید و از سوی دیگر، دوره های کوتاه مدت وصول آن، تداوم تأمین تقدینگی خزانه دولت را تضمین میکند. فصل اول : ضرورت اجرای مالیات بر ارزش افزودهیکی از منابع اصلی درآمد دولتها مالیات است که تحت عناوین مختلف وصول میشود. درآمد حاصل از مالیات، بخش قابل ملاحظه ای از بودجه دولتها را تشکیل میدهد و درکشورهایی که مالیات از نظام قانونی و مردمی برخوردار است، بیش از ۶۰٪ بودجه عمومی را تشکیل میدهد.دراقتصاد ایران، متناسب با رهنمودهای کلی سند برنامه سوم توسعه، به منظور کاهش اتکای بودجه دولت به درآمد نفت مقرر شد تا سهم درآمدهای مالیاتی در ترکیب منابع درآمدی دولت با گسترش پایه های مالیاتی از طریق وضع مالیات بر ارزش افزوده افزایش یابد.از اینرو، متناسب با مفاد ماده ۵۹ قانون برنامه سوم توسعه، سازمان امور مالیاتی کشور زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی تاسیس شد. از جمله وظایف این سازمان در راستای اصلاح و تحول نظام مالیاتی و مکانیزه نمودن سیستم مالیاتی کشور، اجرای مالیات بر ارزش افزوده میباشد. دلایل انتخاب مالیات بر ارزش افزوده در بین کشورهای مختلف متفاوت بوده است، لیکن تجربه کشورهای استفاده کننده این مالیات حاکی از موارد عدیده ذیل به عنوان مزایا و ضرورت اجرای این نوع مالیات میباشد:۱. مالیات بر ارزش افزوده متدولوژی و تفکری است که چندین دهه از تجربه مثبت آن در سایر کشورها گذشته و مورد تاکید اکثر صاحبنظران و کارشناسان اقتصادی و مالیاتی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول میباشد.۲. این مالیات در بسیاری از کشورها ضمن تامین بیشتر عدالت اجتماعی نسبت به سایرمالیاتها، و بدون از بین بردن انگیزه سرمایه گذاری و تولید، به عنوان منبع درآمد جدیدی درجهت افزایش درآمدهای دولت بکار برده شده است.۳. از آنجایی که سیستم مالیات بر ارزش افزوده یک سیستم خود اجراست و همه مودیان نقش مامور مالیاتی را ایفا مینمایند، هزینه وصول آن پائین است.۴. با توجه به این که در این مالیات، مودیان برای استفاده از اعتبار مالیاتی ملزم به ارائه فاکتور خواهند بود، زمینه برای شناسایی خود به خود میزان معاملات مودیان فراهم میشود. در نتیجه، یک سیستم اطلاعاتی کامل از معاملات و مبادلات تجاری ایجاد میشود که علاوه بر شفاف سازی مبادلات و فعالیتهای اقتصادی موجب سهولت اعمال مالیاتهای دیگر از قبیل مالیات بر درآمد و مالیات بر مشاغل میگردد.۵. مالیات بر ارزش افزوده یک منبع درآمد باثبات و در عین حال انعطاف پذیر است.۶. به دلیل مقطوع بودن نرخ این مالیات، زمان قطعیت آن بسیار کوتاه بوده و مشکلات طولانی بودن قطعیت مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت را ندارد. بنابراین، تاخیر در وصول درآمدهای مالیاتی به حداقل میرسد.۷. از آنجایی که مالیات بر ارزش افزوده یک مالیات مدرن است، اجرای آن به بهبود فن آوری و بهره وری از طریق اتوماسیون اداری در سیستم مالیاتی و حسابداری مالیاتی کمک شایانی خواهد کرد.فصل دوم : تعریف مالیات بر ارزش افزودهمالیات بر ارزش افزوده نه تنها مالیات نسبتا ساده ای است بلکه رایجترین مالیات در دنیای امروز نیز محسوب میشود. لذا قبل از هر موضوعی باید دید تعریف ارزش افزوده و مالیات بر ارزش افزوده چیست. از دیدگاه اقتصادی، ارزش افزوده مابه التفاوت ارزش ستانده و ارزش داده است. اما در تدوین قانون, به لحاظ ارائه نگرش مطلوب اجرایی, این تعریف بر اساس استانداردهای حسابداری و با تکیه بر روش صورتحساب ارائه میگردد. بر این اساس، ارزش افزوده را تفاوت بین ارزش کالاها و خدمات عرضه شده با ارزش کالاها و خدمات خریداری شده یک شخص در یک دوره معین تعریف میکنند.با توجه به تعریف مذکور، مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات چند مرحله ای است که در مراحل مختلف زنجیره تولید و یا خدمات ارائه شده اخذ میگردد. این مالیات در واقع نوعی مالیات بر فروش چند مرحله ای است که خرید کالاها و خدمات واسطه ای را از پرداخت مالیات معاف میکند.فصل سوم : تاریخچه مالیات بر ارزش افزودهاین مالیات نخستین بار توسط فون زیمنس در سال ۱۹۵۱ به منظور فائق آمدن بر مسائل مالی کشور آلمان طرح ریزی گردید ، لیکن به رغم علاقه و تمایل شدید کشورهایی نظیر آرژانتین و فرانسه در خصوص آگاهی از چگونگی ساختار آن ، این مالیات بطور رسمی تا سال ۱۹۵۴ به مرحله اجرا در نیامد. از سال ۱۹۵۴به بعد، برزیل ، فرانسه ، دانمارک و آلمان در زمره نخستین کشورهایی بودند که این مالیات را در نظام مالیاتی کشور خود معرفی نمودند . کره جنوبی نخستین کشور آسیایی است که درسال ۱۹۷۷ با کمک صندوق بین المللی پول توانست این مالیات را در نظام مالیاتی خود پیاده نماید و بدنبال آن کشورهای ترکیه ، پاکستان ، بنگلادش و لبنان نیز اقدام به اجرای این مالیات نمودند . هم اکنون بیش از ۱۲۰ کشور جهان از سیستم مالیات بر ارزش افزوده بهره مند هستند .به منظور اجرای این مالیات در کشور جمهوری اسلامی ایران، لایحه آن برای اولین بار در دی ماه ۱۳۶۶ تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید . لایحه مزبور در کمیسیون اقتصادی مجلس مورد بررسی قرار گرفت و پس از اعمال نظرات موافق و مخالف به صحن علنی مجلس ارائه گردید که پس از تصویب ۶ ماده از آن بنا به تقاضای دولت و به دلیل اجرای سیاست" تثبیت قیمتها "به دولت مسترد گردید .درسال ۱۳۷۰ بخش امور مالی صندوق بین المللی پول، در راستای اصلاح نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران ، اجرای سیاست مالیات بر ارزش افزوده را بعنوان یکی از عوامل اصلی افزایش کارایی و اصلاح نظام مالیاتی پیشنهاد نمود . با توجه به نظرات کارشناسان صندوق بین المللی پول ، مطالعات و بررسیهای متعددی در این زمینه در وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت پذیرفت و اجرای مالیات بر ارزش افزوده در سمینارها و کمیته های مختلف علمی با حضور کارشناسان داخلی و خارجی مورد تاکید قرار گرفت ، اما در عمل به مرحله اجرا در نیامد . وزارت امور اقتصادی و دارایی در راستای طرح ساماندهی اقتصادی کشور ، انجام اصلاحات اساسی در سیستم مالیاتی از جمله حذف انواع معافیتها ، حذف انواع عوارض وگسترش پایه مالیاتی را با تاکید خاص بر کارایی نظام مالیاتی ، شروع نمود و مطالعات جدید امکان سنجی در این زمینه به عمل آورد . با توجه به اهمیت بسط پایه مالیاتی بعنوان یکی از اصول اساسی سیاستهای مالی طرح ساماندهی اقتصاد کشور ، معاونت درآمدهای مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی مطالعات علمی متعددی را با در نظر گرفتن خصوصیات فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی کشور در زمینه اجرای مالیات بر ارزش افزوده ، از دی ماه ۱۳۷۶ آغاز کرد . لایحه مالیات بر ارزش افزوده، اکنون با در نظر گرفتن اثرات اقتصادی ناشی از اجرای این مالیات با اصلاحات و بازنگری های متعدد، به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است .فصل چهارم : شیوه اجرایی مالیات بر ارزش افزودهدر سیستم مالیات بر ارزش افزوده، هر فروشنده در هنگام فروش کالا ـ و خدمات، مالیات متعلقه را بر صورتحساب افزوده و آن را همراه با قیمت کالا و خدمات از مشتری دریافت می نماید. اولین فروشنده، مالیات را یکجا به دولت پرداخت کرده و درمراحل بعدی، هر فروشنده تنها مابه التفاوت مالیات (مالیات دریافتی پس از کسر مالیاتی که خود قبلاً پرداخت نموده) را به حساب سازمان امور مالیاتی واریز می کند. این عمل بر اساس لایحه پیشنهادی طی یک دوره دو ماهه انجام می گیرد.به منظور روشن شدن روش اجرایی مالیات بر ارزش افزوده به مثال ذیل توجه فرمائید:یک شرکت خودروسازی برای تولید محصولات خویش، قطعات مورد نیاز را از طریق بازار داخلی (قطعه سازان) و یا از طریق واردات تأمین می نماید. اگر فرض شود خرید از داخل به مبلغ ده میلیون ریال و خرید به صورت واردات به مبلغ پنج میلیون ریال بوده و با فرض این که نرخ مالیات ۱۰٪ باشد، این شرکت در مرحله خرید از داخل یک میلیون ریال (۱،۰۰۰،۰۰۰ = ۱۰٪ * ۱۰،۰۰۰،۰۰۰) و در مرحله واردات به اندازه پانصدهزار ریال (۵۰۰،۰۰۰ = ۱۰٪ * ۵،۰۰۰،۰۰۰) مالیات بر ارزش افزوده به سازمان مالیاتی کشور پرداخت می نماید . همچنین، اگر فرض شود این شرکت محصول تولیدی خود را به مبلغ چهل میلیون ریال بفروشد، موظف است هنگام صدور فاکتور، مالیات بر ارزش افزوده را جداگانه محاسبه و از خریدار دریافت نماید (۴،۰۰۰،۰۰۰ = ۱۰٪ * ۴۰،۰۰۰،۰۰۰).بدیهی است قیمت پرداختی خریدار چهل و چهار میلیون ریال خواهد بود. این شرکت موظف است مالیاتهای پرداختی در مراحل قبلی (خرید از داخل و واردات) را از مالیاتهای وصولی کسر

نمـوده و مـابقی را همراه بـا اظهارنـامه بـه سازمـان مالیـاتی پرداخـت نمایـد.۲/۵۰۰/۰۰۰ = (۵۰۰/۰۰۰ + ۱/۰۰۰/۰۰۰) – ۴/۰۰۰/۰۰۰مالیـات بر ارزش افزوده، مالیـات واردات، مالیـات خریـد داخلی، مالیـات دریافتی،قابل پرداخت به سازمان مالیاتیبنابراین مجمـوع مالیـات بر ارزش افزوده پرداخت شـده به سازمـان مالیـاتی برابرریـال ۴/۰۰۰/۰۰۰= (۲/۵۰۰/۰۰۰ + ۱/۵۰۰/۰۰۰) خـواهد بود.نمودار شـیوه اجرایی مالیـات بر ارزش افزودهفصـل پنجم : معـافیت هـا در مالیـات بر ارزش افزودهبطور کلی برخی از کالاهـا و خـدمات به سه دلیـل زیر از پرداخت مالیـات بر ارزش افزوده معاف میشونـد.۱- کـاهش خاصـیت تنازلی مالیات بر ارزش افزوده۲- کـاهش اثر تورمی و حمـایت از اقشـار کم درآمد۳- کـاهش هزینه هـای اجرایی و وصول مالیـاتموارد معـاف از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در مـاده ۱۲ لایـحه مالیات بر ارزش افزوده بطور مشـخص ذکر گردیـده است.فصل شـشم : آسـتانه معافیت با توجه به اینکـه مالیـات بر ارزش افزوده کلیـه کالاهـا و خـدمات تولیـد و یـا توزیـع شـده در اقتصـاد را در برمی گیرد، بـه لحـاظ اجرایی از گسترد گی خاصی برخوردار می باشد.در این راستا، ارزش افزوده ایجاد شده توسط بنگاههای کوچک و فعالان بخش خرده فروشی در مقـایسه بـا تعـداد زیـاد آنهـا بسیار نـاچیز بوده و درنتیجه مالیـات بر ارزش افزوده قابل وصول مالیات ، قابل توجیه نیست . به این ترتیب معـاف نمـودن موسـسات اقتصـادی بـا ارزش افزوده پـایین در جهت افزایش کـارایی سازمـان امور مالیـاتی از اهمیت خاصـی برخودار می باشـد.بررسـی تجربه سـایر کشورهـا نشـان می دهـد که اغلب آنهـا در مراحـل اولیه اجرای این نوع مالیات برای کاهش هزینه های اجرایی وصول و تمکین مودیان از آسـتانه معافیتی استفاده کرده اند که تعدادزیادی از بنگاههای کوچک و فعالان بخش خرده فروشـی را معـاف نموده است. تعیین آسـتانه معـافیت، این امکـان را به سازمان امور مالیاتی می دهـد که جهت تحقق اهـداف درآمـدی نظام مالیاتی، به میزان قابل توجهی در هزینه های اجرایی و وصول صـرفه جویی نماید. کاهش حجم کار اجرایی حاصـله، میزان توفیق در وصول مالیات بر ارزش افزوده بالقوه را افزایش خواهـد داد.با توجه به مطالب فوق و با توجه به مطالعات و تحقیقات بعمـل آمـده توسط کارشـناسان اقتصادی، سـطح آسـتانه معافیت برای اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ایران مبلغ یک میلیارد ریال درآمـد سالانه در نظر گرفته شده است.فصل هفتم : رابطه مالیات بر ارزش افزوده با قانون تجمیع عوارضدر راسـتای اصـلاح و بهبود سیسـتم مالیـاتی، قانون تجمیع عوارض معرفی و از ابتـدای سال ۱۳۸۲ توسـط سازمان امور مالیاتی کشور به مورد اجرا گذاشـته شـده است. هـدف از اجرای این قـانون، علاوه بر شـفاف سازی و یکپارچه نمودن وصول عوارض، کسب تجربه عملی و آموزش ممیزین برای اجرای مالیات بر ارزش افزوده در آینـده نیز می باشد.فصل هشـتم : تاریخ اجرای مالیات بر ارزش افزودهچون اجرای مالیات بر ارزش افزوده ، نیـاز به فراهم نمودن زمینه اجرایی از لحاظ جا و مکان ، تجهیزات ، آموزش پرسـنل مورد نیاز ، تهیه فرمها و آموزش مودیان دارد؛ در لایحه پیشنهادی ، به دستگاه مجری ۲۴ ماه از تاریخ تصویب قانون فرصت داده می شود تا خود را جهت اجرای آن مجهز و مهیا کند .امید است مجلس ششم با تصویب این لایحه، برگ زرین دیگری به کارنامه خود در جهت اصلاح ساختار مالی و اقتصادی کشور اضافه نماید.

http://www.vat.ir/ConceptVAT_htm_f.htm

پارادوکس مدیریت اقتصاد کلان

غ. بشاری

هرچنـد که از دوران اقتصـاد کلاسـیک، تمـام تعـاریف درباره علم اقتصاد گرد محور «استفاده از منابع کمیاب تولیـد برای برآورده کردن بیشترین نیازهای بشـری» دور می زده است، ولی تا چنـد دهه پیش اقتصاددانان برای افزایش تولیـد کالاها و خـدمات در یک جامعه، به مراتب بیش از آنکه بر بهره برداری بهینه از منابع موجود تاکید ورزند، به بالابردن حجم کاربرد

عوامل تولید اشاره می کردند. شاید بتوان گفت که عمدتاً در نیمه دوم سده بیستم بود که تاکید بر بهره وری عوامل تولید دوچندان شـد و به عنوان شـیوه اصـلی افزایش تولیـد کالاها و خدمات تجلی پیدا کرد. در این شـرایط، پیوند بین اقتصاد و مدیریت تکامل می یابـد و نزدیکتر می‌شود.در این مرحله از تکامل اقتصادی درحقیقت، نقش و اهمیت مـدیریت به عنوان هنر به کارگیری بهینه عوامل تولید به منظور دستیابی پایدار به بیشترین حد از تولید کالاها و خدمات کاملا بارزتر می شود. این مدیریت هم در سطح خرد مطرح است و نقش و اهمیت خود را در تولیـد و توزیع کالاها و خـدمات نشان می دهد و هم در سـطح کلان یعنی در سـطح یک کشور، اگرچه هریک درعمل وظایف متمایز (ولی مکملی) را برعهـده دارنـد. بدین معنی که در سـطح خرد (یا یک بنگاه) مدیریت وظیفه به‌کـارگیری عوامل تولیـد را به منظورهای گوناگونی ماننـد بیشـینه سازی سود، افزایش درآمـد ذی‌نفعان و بویژه کارکنان، بالابردن تولیـد دارد؛ درحـالی که در سـطح کلاـن جـامعه دولت به عنوان مـدیراجرایی کشور وظیفه آمـاده سـازی محیـط کلاـن اقتصادی را برعهده دارد به گونه ای که فعالان اقتصادی بتوانند در محیطی پویا و نسبتا پایدار به تولید و توزیع بپردازند. مدیریت کلان اقتصادی کشور اگرچه به طور مستقیم درگیر بالابـردن بهره وری عوامل تولیـد نیست، ولی اثری مسـتقیم و موثر بر آن دارد و به طور معمول حاصل اقدامات آن به صورت افزایش رشد اقتصادی، کاهش میزان بیکاری، افزایش صادرات، کاهش میزان تورم و مانند آنها بروز پیـدا می کنـد. بـدین ترتیب، ازطریق این شاخصـها می‌توان به کارآمـدبودن مـدیریت کلاـن اقتصـادی یـک کشور تا انـدازه ای پی برد.حال با این زمینه ذهنی می توان نگاهی به اقتصاد کلان ایران انداخت و از منظر یادشده تصویری از عملکرد آن به دست داد. در خبرهـای چنـد هفته اخیر می خوانیم که _:طبق برآوردهـای بانـک جهـانی رشـد اقتصـادی ایران در سال میلادی پیشـین ۸/۵ درصد بود _؛همین بانـک رشـد اقتصـادی ایران را در سال میلادی جاری ۵ درصـد برآورد می کنـد و صـندوق بین المللی پول آن را ۳/۵ درصـد می‌داند _؛این کاهش رشد در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت و به ترتیب ۷/۴ و ۵/۴ درصد خواهدبود _؛بانک جهانی همچنین نرخ تورم را در سـال جـاری درحـد ۶۱ درصـد برآورد می کنـد اگرچه در آمار رسـمی انـدکی پایین تر از آن اعلام شـده است _؛صـندوق بین المللی پول، اعلـام کرده است که از لحـاظ میزان رشـد اقتصـادی در منطقه خاورمیانه و آسـیای مرکزی، ایران چهـار پله نزول کرده و از مرتبه نوزدهم به مرتبه بیست وسوم رسـیده است.ولی ازسوی دیگر بـازهم در خبرها می خوانیم که _:طی دو سال اخیر حجم پول در گردش نزدیک به دوبرابر شـده است _؛طی دو سال اخیرحدود ۰۸ میلیارد دلار به نظام اقتصادی کشور، ارز تزریق شـده است _؛در سـطح استانها تسـهیلات مالی گسترده ای دراختیار مردم قرار گرفته است تا دست به سـرمایه گـذاری و بویژه سـرمایه‌گذاری‌های زودبازده بزنند _؛به منظور تشویق سـرمایه گذاری، نرخ تسـهیلات بانکی یک بار دیگر کاهش داده شد و از ۴۱ درصد به ۲۱ درصد رسید _؛دولت درپی خصوصی سازی بسیاری از شرکتهای دولتی است و قاطعانه آن را دنبال می کند_؛ بسیاری از صـنایع ایران تحت آماج حملات کالاهای خارجی (بویژه از چین و شـرق آسیا) قرار گرفته اند و شماری از آنها به وادی ورشکسـتگی و نابودی کشانـده شـده اند _؛واردات غیرقانونی کالاها جریان دارد و بسیاری از ارگانهای دولتی درگیر مقابله با این پدیده ناپسـند هستند تا از تولید داخل حمایت شود _؛انگیزه اصلی قاچاق کالاها به داخل عمدتاً ریشه در ارزانی کالاهای وارداتی دارد _؛شکاف قیمتی میان کالاهای وارداتی با تولیدات داخل که طی چندین سال اخیر باز و بازتر هم شده است، تا اندازه زیادی از ناهمخوانی میان نرخ تورم و تغییرات نرخ ارزها سرچشمه می‌گیرد.و خبرها و تفسیرهایی از این دست.رو در روقراردادن این خبرها و نیز خبرهای مشابه دیگری که به آسانی به‌دست می آیند، یک پرسـش جدی را درباره کارآیی مدیریت اقتصادی کشور و اثربخشی آن مطرح می‌کنـد: چگونه است که در دوسال اخیر سالانه ۰۴ میلیارد دلار هزینه شـده است؛ نقدینگی جامعه در حد تقریبی دوبرابر افزایش پیـدا کرده است، مبـارزه بـا ورود و خروج غیرقانونی کالاها قرین موفقیت بوده است، نرخ تورم به‌طور نسبی مهار شـده و در حد ۳۱ درصـد قرار گرفتـه است، هزینـه تسـهیلات بـانکی کـاهش داده شـده است؛ ولی بـااین وجـود رونـدهایی همچـون افزایش هزینه‌های تولید، وجود انواع کالاهای باکیفیت و بی‌کیفیت خارجی، کاهش رشد اقتصادی، نرخ تورم بالا، ناتوانی بسیاری از صنایع در رقابت با محصولات بیگانه و غیره ادامه دارنـد؟ آیا این مساله را می‌توان به فرهنگ مصرفی مردم نسبت داد؟ آیا می‌توان آن را ناشـی از کمبود یـا نبود سـرمایه انسانی در اقتصاد دانست؟ آیا می توان مشـکلات صـنایع را حاصل تحریم‌های نیم بنـد بین‌المللی به شمـار آورد؟به یقین پرسـش‌های گونـاگون دیگری را هم می توان مطرح کرد؛ ولی بی شـک بـا تکیه بر سازوکار «قانون اقتصادی» بایـد به یـک نکته اساسـی اشاره کرد که علی‌القاعـده سرچشـمه بسیاری از این رونـدهای اقتصادی و اجتماعی می باشـد: مـدیریت

اقتصادی کشور با هدف رونق بخشی به اقتصاد کشور، افزایش تولید، افزایش اشتغال، کاهش هزینه های سرمایه‌گذاری، افزایش توان خرید مردم و بویژه اقشار آسیب‌پذیر، و غیره، تسهیلاتی از طریق تزریق پول و ارز به نظام اقتصادی فراهم آورده است که در بافت کنونی جامعه و در چارچوب قواعدبازی حاکم بر آن، فرصتهای زرانـدوزی را برای گروههایی در اجتماع خلق می‌کند. این فرصتها که سرچشمه رانت در جامعه هستند با تولید و بهره‌وری عوامل تولید ستیز دارند اگرچه در بسیاری از موارد تحت لوای آن قرار می‌گیرند. بدین ترتیب اقدامات یا سیاستهایی که در سطح مدیریت کلان اقتصادی کشور با صداقت کامل و قاطعانه پیگیری می شود، در درون نظام اقتصادی کشور و تحت تاثیر سازوکار حاکم بر آن، به‌جای افزایش تولید و بهره وری به رانت و رانت‌خواری می انجامد؛ و در فرایند همین دگردیسی از اقتصاد رسمی خارج می شود و در درون اقتصاد غیررسمی جای می گیرد یعنی «مکانی» که نه تولید واقعی دارد، نه مالیات می پردازد، و نه در محاسبات ملی درج می گردد. پس از چندین سال تجربه در دهه های ۰۶۳۱ و ۰۷۳۱ و دو سال تجربه فشرده در این اواخر، به نظر می‌رسد که باید با نگاهی دیگر بر اقتصاد کشور مدیریت کرد.
http://bashari.blogfa.com/post-۳۲۰.aspx

ربا در اسلام

آیت الله دکتر شهید بهشتی

خلاصه کتاب: تلخیص: میثم احمدی – محمد علی عبداله زاده: چاپ نشر فرهنگ اسلامی– مقدمه: ربا در اسلام مجموعه گفتارهای آیت الله شهید بهشتی است که در اواخر ۱۳۵۲ و اوایل ۱۳۵۳ هجری شمسی در جلسات (مکتب قرآن) طی ۱۱ جلسه پیرامون آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره ایراد گردیده است .در مورد این مجموعه چند نکته قابل ذکر است : ۱- این گفتارها سالها پیش از انقلاب اسلامی ایراد شده و مسائل گفته شده در مورد نرخ ها ، دستمزدها و مهمتر از همه تبیین نقش مهم حکومت صالح در اقتصاد اسلامی باید با توجه به همان شرایط درنظر گرفته شود . ۲- چهار جلسه پایانی بحث به پرسشهای مختلف حضار و پاسخ های تیزبینانه ایشان اختصاص دارد ، که بخش مهم و قابل توجهی است . اقتصاد ربوی در محیط حجاز و جامعه ما: آیاتی که در اینجا مورد بحث و آرامی گیرند، آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره است. در این آیات اسلام و قرآن با یک جناح از اقتصاد ظالمانه و بی عدالتی اقتصاد مبارزه می کننده که آن جناح « ربا» است. در محیط نزول قرآن یعنی مجاز یک دسته ربا خوار حرفه ای آباد واجدادی وجود داشتند و آن گروهی از یهود مدینه بودند وکار آنها این بود که ببینند چه کسی نیاز به پول دارد تا با حداکثر سود ممکن به او طرحی بدهند. به دنبال اینها چندین از شرکان مکه و قریش هم رباخوار بودند. از جمله یکی از نزدیکان پیامبر به نام عباس که عموی پیامبر هم بود. اقتصاد ربوی یا اقتصاد همراه با ربا یعنی چه؟ اقتصاد همراه با ربا دستگاهی شبیه به دستگاههای تصفیه آب زغالی و ماسه ای است که در روی این دستگاه ، اقتصادی رنگ رنگ، شکوفا، پروانه، پرتحرک، پرزرق و برق. یک گروه به شکل کشاورزی، یک گروه به شکل کارگر، یک گروه به شکل کارمند و گروهی دیگر به شکل کارگران و مدیران هستند و همه از یک سو در تلاش و قشر وسیعی هم مصرف کننده خریدار ، فروشنده ، تولید کننده توزیع کننده و .... وجود دارد. در این روی جنجالی است و همه خود را صاحب همه چیز می دانند. کشاورز محصولات خود را خرمنکوبی می کند بار می کند. بار را به میدان می برد وخلاصه تلاشی است و پولی در می آورد. کارگر هم وقتی می بیند کار هست و اقتصاد شکوفا شده است و همچنین اضافه کار هم است به جای هشت ساعت ۱۲ و ۱۳ ساعت کار می کند و به خانه و وضعی زندگی خود تب و رنگی می دهد. کارمندان ومدیران و تاجران و به طور کلی عوامل داد و ستد هم خود را در تحرک وکسب فاید می بینند این روی دستگاه اینطور است ولی زیر این دستگاه پر زرق و برق دستگاه دیگری است که دارای شن ها و زغال هایی است که تا سطح آن بالا آمده و به همه جا نفوذ کره و این مویرگ ها حاصل و نتیجه ورمق نهایی این تلاش را می مکد و همه را در این دستگاه عبور دهند می آورند و بعد در زیر آن به صورت رودخانه ای به حرکت می افتد و همه به سمت سر نیرومند رباخوار حرکت می کند. این وضع واقعی اقتصاد ربوی است. در اقتصاد نه تنها کارگر و کشاورزی ناآگاهانه برای رباخوار کار می کنند، بلکه مدیران و کارکنان و حتی صاحبان سرمایه هم برای رباخوار کار می کنند. فقط شکل آن فرق می کند. درجامعه خودمان هم به این شکل است. اگر کارخانه و مجموعه های اقتصادی کشور را بررسی کنید و میدان اقتصادی آنها را زیر ذره بین بگیرید متوجه می شوید. درصد زیادی از سود و سرمایه آنها به صورت سود به بانکها پرداخت می شود. به شکل های مختلف: یا سفته هایشان را به پول تبدیل کرده یا وام گرفته و یا جنس خرید و فروش کرده یا جنس خود را مدت وار خریده ، همه اینها به سوی رباخورا ربا رفته است. امروزه رباخواری سیستماتیک رواج بیشتری دارد و بدین معنی است، رباخوار هر وقت احساس کند بازار در حال کساد است، جهتی به اقتصاد جامعه دنیا می دهد که دنیا ناچار شود به رباخوار پناه ببرد. درحال حاضر رباخواری بدین معنی نیست که ربا دهنده پولی آماده داشته باشد تا اگر فردی نیاز پیدا کرد، از او قرض کند و تنزیل و سود دهد. الان رباخواران بزرگ دنیا سرنخهای سیاست اقتصادی را طوری در دست دارنند که اقتصاد دنیا به سمت « اقتصاد ربائی» سوق داده می شود. امروزه همچنین کشورهای پیشرو دنیا به دنیای رباخواری ربا می دهند. به عنوان مثال در اخبار می بینید فلان قدرت با فلان قدرت آشتی کرد یا روابط خود را دوباره از سر گرفت. اگر کمی ریزتر شود و پشت پرده این روابط را دنبال کنید متوجه خواهید شد که آن مهره های توانانمای سیاست بین الملل، عبارتند از: بازیچه های هوشیار هوشمند زیرک کاردان و کارایی رباخواران بزرگ . بنابراین اگر به دقت بررسی کنیم: مشاهده می کنیم که در زیر سیستم اقتصادی حاکم بر جهان و دنیای امروز یک شاه لوله ـ لوله بزرگ قرار دارد و از ان لوله آب رسانی بزرگ، لوله های کوچک تر و رگ ها و مویرگها به تک تک سلولهای پیکر اقتصاد نفوذ کرده و آسیب رسانده. تفاوت میان بیع و ربا: فرق بین بیع و ربا این است که در بیع حتی با همان شرایط غیر منصفانه بالاخره تلاشی صورت گرفته، فکری به کار انداخته شده، حمل ونقلی صورت گرفته و از همه مهمتر سرمایه خود را به خطر انداخته (چون ممکن است قیمت ها نوسان داشته باشد) اما در ربا این طور نیست. در ربا مسئله این است که رباخوار پول را قرض می دهد. نه تنها کاری رخ نمی دهد بلکه حتی پول چه اسکناس چه نقره ای و طلای خود را از بردن و سوختن هم دور می کند. بنابراین ملاحظه میکنید که حتی بیع اجحافی هم در مقایسه با ربا، از این دید با هم تفاوت دارند. تفاوت دیگر: تفاوت دیگر در سرعت انتشار است. حتی بیع زیرکانه و غیر منصفانه با مدبرانه ترین برنامه ها و موفق ترین مدیران هم نمی توانند همانند رباخواری گسترش یابد. رشد ربا همانند سرطان است. بسیار سریع و چشم گیر است. به گونه ای که اگر ربا از دنیای سرمایه داری امروز حذف کنیم و تمام تجاوزات اقتصادی دیگر را سر جایش بگذاریم. شاید بیش از ۵۰ درصد از نابسامانیها فقط با حذف ربا از بین برود. به طور کل رباخوارن در اجتماع دارای اقتصاد ربا زده کسانی هستند که در شیوه اقتصادی آن جامعه را می مکند و همه مردم دیگر ، فعالان آن اقتصاد. بازار مسلمین: تنزل خواران کلاه شرعی درست کن فرقی طراحی می کردند به نام بازار مسلیمین که هیچ انسان عاقل و منصفی این فرق نپذیرفته و نمی پذیرد. آنها می گویند فرق در گفتن است یعنی اینکه شما ده میلیون تومان طلب پول می کنید. من هم ده میلیون تومان به شما می دهم ولی به شرط اینکه این قوطی کبیریت را هم یک میلیون تومان خریداری کنید. این دو معامله جدای از هم است. اگر ما شروط درستی معامله را داشتن عقل سلیم دو طرف بدانیم چنین معامله حرام است بدین علت که هیچ فرد سالمی فروش یک قوطی کبریت به قیمت ۱ میلیون تومان را نمی پذیرد. پس معامله با انسان بی عقل باطله است . ثانیاً هیچ وقت با لفظ این دو از یکدیگر جدا نمی شوند، ثالثاً اگر راست می گوید، بیاید چهار بار این کار را انجام دهد ، و هر بار ۱۰ میلیون تومان قرض بدهد و خرید قوطی کبریت به مبلغ ۱ میلیون تومان هم به اختیار گیرنده بگذارد. معنی خرید و فروش : اساساً معنی « خرید و فروش» چیست؟ خرید و فروش یعنی اینکه فرد یا جمعیتی کالای مورد نیازی را می سازند وبا این ساختن ، ماده خام، « ارزشی» پیدا می کند. خاک ، خاک است، ولی وقتی این خاک به آجر تبدیل می شود ارزش جدید پیدا می کند، چون حالا بدرد کاری می خورد که قبلاً بدرد آن کار نمی خورد. نرخ گذاری عادلانه وملاک های آن در توزیع: بالاخره در اینکه در بخشی از زندگی انسانها مسئله توزیع به عنوان یک عامل موثر در تنظیم زندگی جامعه، از نظر اقتصاد باید به حساب بیاید، شک و تردیدی وجود نداشته و حسابش بسیار روشن است. در یک نظام اقتصادی سالم، همانگونه که بر روی تولید، نرخ گذاری عادلانه می شود، بر روی توزیع هم نرخ گذاری

عادلانه می شود، چه فرقی می کند؟ مگر در تولید، چنین نیسته که برای ماده کاملاً خام ما نباید ارزشی قائل شویم؟ شما اگر یک کیلو گندم از دست کشاورزی می خرید، این مقدار گندم چه ارزشی دارد؟ باندازه کاری که برای به دست آوردن آن لازم بوده است، ولی خود آن کار که گندم درست نمی کرد!... این گندم از خاک تغذیه کرده است، آیا برای تغذیه ای که گندم از خاک کرده هم در قیمت گذاری ارزشی قائل می شوید؟ خیر، برای اینکه آنها منابع الهی است، کار بشر نیست. این گنم نور آفتاب هم گرفته است، و در درون آن مقداری از انرژی آفتاب وجود دارد، آیا بر روی آنهم قیمت می گذارید؟ نه، قیمت گذاری عادلانه این است که ببینید این (کشاورزی) چقدر کار کرده است و الا ـ آنچه گفته شد جزء منابع طبیعی عمومی است. اجاره: سوال اول این است که حالا ـ مسئله خرید را فهمیدیم، مسئله « اجاره» چه می شود؟ آنجا که دیگر « کار» نیست؟ فردی خانه ای را می خرد، اجاره می دهد و ماهانه از آن پولی می گیرد. حالا ـ چه آدم صد هزار تومان بدهد یک خانه بخرد و ماهانه هزار تومان به اجاره بدهد، یا صد هزار تومان را به نرخ هشت درصد ، نه درصد، به تنزل بدهد. آنهم (که اجاره داده است) ماهانه هزار تومان تنزیل می گیرد. چه تفاوتی دارد، در اینجا که دیگر کاری مطرح نیست، پس مساله « اجاره» چه می شود؟ پاسخ: اجاره، یعنی « اجرت گرفتن» ، « به اجرت دادن» و « در برابر اجرت چیزی را گرفتن» ولذا ابتدا وقتی به شما می گویند، « اجرت» شما « اجرت کار» را می فهمید. معنی صحیح اجاره این است که کسی با شما قراردادی می بندد، که برای شما کار معینی ـ مثلاً نوشتن دفاتر موسسه شما را روزی هشت ساعت به عهده بگیرد و ماهانه ۱۵۰۰ تومان از شما دریافت دارد به این « اجاره» می گویند. معنای اصلی اجاره این است این آقا « اجیر» است و «موجر» است یعنی خود را اجاره داده است، و شما هم « مستاجر» هستید. اصطلاح اولی مطلب اصلا اینجاست. یعنی « قرارداد مزد» بعد این مطلب به « اجرت المثل» و «اجرت استفاده از اشیاء» هم منتقل شده است، به طوریکه گفته می شود من ماشینم را کرایه می دهم به کرایه و اجرت روزی سی تومان ـ اینهم شده اجاره ـ ماشین اجاره ای. خانه را هم اجاره می دهیم. بنابراین اصل تشریع اجاره، به هیچ وجه مستلزم این نیست که مه بگوئیم از اسلام اینگونه فهمیده می شود که چون « اجاره» هست، بنابراین نظام فاسد مستغلاتی هم درست است. نه، هیچ چیزی بدست نمی آید، و هیچ نمی شود این را اثبات کرد، زیرا: اولاً ـ اجیر شدن یک انسان در برابر مزدن معین برای کار معین، امری طبیعی است و در هر سیستمی باید باشد. ثانیاً ، « اجاره دادن شئی» هم درست است و با این مبنائی که ما تا به حال گفتیم هیچ منافاتی ندارد. « مضاربه» یعنی چه؟ مضاربه یعنی: شرکت برای خرید و فروش باین صورت که سرمایه از یک نفر و دوندگی از نفر دیگر باشد. کلمهٔ « مضاربه» از ریشهٔ « ضرب» گرفته شده و یکی از معانی ضرب دوندگی و حرکت است. بنابراین قرارداد مضاربه این است که شما سرمایه ای دارید، این سرمایه را خودتان نمی توانید یا نمی خواهید بکار بیاندازید، یک آدم کارآمد،کاردان و متحرکی پیدا می شود، و می گوئید: ـ می آئی با هم شریک بشویم. ـ اما چگونه؟ ـ سرمایه از من، کار از تو، بعد هم آخر سال سود و زیان را با هم نصف می کنیم، یا نه ، ۲۰٪ از من، ۸۰٪ از تو، ۹۰٪ از من، ۱۰٪ از تو به هر حال روی توافق. با این معامله « مضاربه» می گویند. در مضاربه اینها که می گوینم شرط است. ۱ـ سرمایه از یک نفر و کار از نفر دیگر ۲ـ شرکت در سود و زیان . مشخص شدن سهم سود و زیان ۳ـ مشخص بودن مدت. این مضاربه است. و اصلاً وقتی مضاربه در اینجا قابل اجراست و درست از آب در می اید که برای « سرمایهم سهمی قائل باشیم. مزارعه: مصداق درست وصحیح « مزارعه» این است که یک کارگر کشاورزی ، زمینی را شخص می زند، مرزبندی وآماده می کند و آب را کانال کشی می کند، تا دم زمین و به فرد دیگری می گوید چون من در این فن خیلی ورزیده هستم وکارم خوب پیش می رود، تا اینجای کار با من. شنیده ام تو هم در تخم پاشیدن و وجین کردن و رسیدگی به کشت و زرع و برداشت محصول، خیلی ورزیده ای، بیا با هم قراری بگذاریم:آماده کردن زمین، رساندن آب به اینجا، کانال کشی و ... از من، و بقیه کارها از نو، آخر سال هم که شد بیست درصد، سی درصد مال من و هشتاد یا هفتاد درصد مال تو، اگرآخر سال هم آفت آمد و محصولی بدست نیامد ، هم کار من هدر رفته و هم کار تو. این می شود « مزارعه» مساقات: «مساقات» این است که انسان یک مزرعه ای یا یک جنگلی و یا یک درختستانی را درست می کند، نهالی می کارد، ولی نمی تواند مرتب آنرا آبیاری کند. مثلا باین دلیل که منزلش در آنجا نیست. به کسی نیاز دارد که مرتباً آنجا را آبیاری کند . مثلا هفته ای یکبار یا پانزده روز یکبار. یک وقت است که انسان با او اجرت می دهد. در این صورت « اجاره» است اما یک وقت است که با او شرکت می کند. می گوید من در این زمین نهال کاشته ام، درختها همن به این حد رسیده، اکنون تو تا آخر کار، آب دادن به اینجا را بر عهده بگیرد و هر چه محصول در آخر سال بدست آمد، یک پنجم از تو، چهارپنجم از من یا سه پنجم از تو، و دو پنجم از من، بر حسب اینکه (قرار) چگونه باشد. این مساقات است در اینجا هم باز شرکت « کار با کار» یا بهتر است بگوئیم تولید با تولید است. آیا اشکال به وجود می آورد؟ نه، پس ملاحظه می کنید که در اصل تشریع بیع و اجاره ، مضاربه و مزارعه و مساقات هیچ انحراف اقتصادی وجود ندارد، اگر انحرافی هست در نسبت (درصد) ها است. پول چگونه « کار انباشته شده» است؟ یکی از سوالاتی که در این زمینه پیش می آید این است که اگر پول عبارتست از نماینده کار انباشته شده، خوبل آدم ربا خوار همین کار را می کند، می گوید من یک میلیون تومان به تو می دهم، این یک میلیون هم مفت به چنگ من نیامده، این یک میلیون تومان یعنی یک میلیون واحد کار انباشته شده. تو می روی با آن کار می کنی، من هم از تو در آخر سال ده هزار تومان می گیرم. یعنی در حقیقت کار انباشته شده را اجاره می دهد. این اصطلاح هم اتفاقاً در دهان رباخواران هست که: ما پول مان را اجاره می دهیم. باید به این سوال هم پاسخ بدهیم و ببینیم آیا همینطور است یا نه؟ ـ این خلیی با آن فرق می کند، این پول منهای نیرو است ـ یک کوزه سفالی از خاک مصرف توسط کاری که بر روی آن انجام می شود ده برابر ارزشمند تر می گردد که این را اجتماع نرخگذاری می کند. ـ پس از این بر می گردد بر نرخگذاری. اگر یک جامعه ای آمد گفت کوزهٔ چینی شدهٔ هنرمند صحیح اینست که به جای اینکه یک میلیون تومان به فروش برود، با یک ضریب ـ ضریب اجرت ـ به فروش برسد. و بگوید کار هنرمند نست به کار آجر پز ضریب ـ ضریب اجرت ـ به فروش برسد. و بگوید کار هنرمند نسبت به کار آجر پز ضریب ۲۰۰٪ دارد. این بر می گردد به اینکه کارها از رش یکسان ندارند. نه اینکه « کار» و « غیر کار» نیست، هر دو« کار» است، آجر پز و نساج هر دو کار عادلانه است که ما همه را یکجور قیمت بگذاریم، خوب بگذاریم، و اگر می گوئد نه این درست نیست و به شکوفا شدن استعدادها لطمه می زند. خیلی خوب ، ضریب ها را عوض کنید. اما باز هم در چه جهتی ؟ در جهت حفظ تعادلی که بیان شده و بالاخره اینکار را چهتی؟ در جهت حفظ تعادلی که بیان شد وبالاخره این کار را چه کسی باید انجام بدهد؟ بحث به اینجا بر می گردد که: آیا تعیین ارزشها باید براساس اقتصاد آزاد یعنی عرضه و تقاضای آزاد باشد یا خیر؟ مسئله آنجاست. اگر ما عرضه وتقاضای آزاد را هست. اگر ما نرخ گذاری هدایت شده اقتصاد هدایت شده در چهارچوب مصلحت نه یک قشر بلکه عموم را محور قرار دادیم، مسئله حل است. و گرنه آن گروه سودبر، جلوی عرضه زیاد را هم می گیرد، جنس را احتکار می کند. یعنی حتی اگر عرضه زیاد هست، می آید و کالا را می خرد تا نرخها را به شکل مصنوعی بالا ببرد. پس بالاخره بر می گردد به یک نوع کنترل حکومت. کدام شکیبایی و چگونه انفاقی ؟ سرمایه به معنای کار انباشته، از نظر حقوق طبیعی و محاسبات عادی می تواند وحق دارد در بازده کار تازه و نتیجه کار جدیدی که با استفاده از آن کار انباشته صورت می گیرد، سهیم باشد، اما بحث بر سر مقدار آن است. این مقدار را اگر بخواهیم از نظر طبیعی بیان کنیم باید ببینیم این چه نوع وچقدر کار برده است و آن دیگری چه نوع وچه مقدار ، تا به آن یک تقسیم طبیعی وعادلانه بگوئیم. و اگر بخواهیم براساس رضایت بیان کنیم ـ آنهم آن رضایت کذائی آزاد در جامعه ای که عرضه و تقاضایش آزاد باشد ـ که دیگر حد و اندازه ندارد. گاهی می رسد به اینکه یک درصد مربوط به کار تازه و نود و نه درصد هم مربوط به کار انباشته می شود. هر دوی اینها ناقص است. تقسیم نوع دوم در واقع تقسیم ناقص ظالمی است که واکنش آن هم انقلابهای کور و چشم روی هم بگذار است. تقسیم اول ـ که طبیعی به نظر می رسد ـ فقط یک بعدی نگاه کردن و ابعاد دیگر را از نظر دور داشتن است. در جامعه ایکه دارای نظام صحیح حکومتی است، ضریبهای مناسب با زمان و مکان ـ با توجه به تمام واکنشها و آثار این تقسیم ـ برای هر یک معین می شود و به هر کدام سهمی داده می شود که با کمال متناسب با سمان زندگی اقتصادی اجتماعی باشد، و در این سامان به همه واکنشهای روحی، قلبی، معنوی، مادی و نیازها توجه می شود و این هم قانون یکنواخت ندارد. بلکه باید حکومت، متناسب با شرایط زمان و مکان این قانون را عرضه کند و چون قانون الهی هم نیست، خیلی راحت قابل نسخ است . با تمام این احوال، در

چنین اقتصادی باز گروهی با استعدادتر ، و بهره مند تر و گروهی کم توان و کم بهره تر به وجود خواهد آمد. پس باز فاصله ای در کار خواهد بود و در اینجاست که اسلام به انسان مسلمان می گوید: تو که بهره مندی، می تانی از این بهره مندی صرف نظر کنی و آن را به انسان کم بهره تر بدهی، برای رسیدن به رضای خدا، اما به صورت آزاد، یا برای رسیدن به پاداش اخروی درجه بالاتر، اما به صورت معامله کلی آزادانه، گرچه موظف به انجام آن نیستی. و به آن انسان کم بهره تر می گوید: تو می توانی قانع و صبور باشی و بدانی که تو در برابر این صبرت، بهمان پاداشی می رسی که او در برابر انفاق خود. پس در آنجا هر دوتان دسترسی دارید. این جالب است که در اسلام غنی و فقیر، هر دو باین شکل یعنی پس از تمام (رعایتها) و عدالتها که باز هم بالاخره پر بهره تر و کم بهره تر وجود خواهند داشت هر دوی ـ اینها وسیله دسترسی به ثواب آخرت را دارند او با اتفاقش و این با صبرش! اتفاقاً روایاتی که در این زمینه هست و آیاتی که تا حدی به انسان این معنای را به شکل اشاره و تلویح نشان می دهد جالب است. ولی به هر حال، سوء استفاده از توصیه اسلام به انفاق آزادانه این طرف، و مسئلهرا به صبر در برابر تمام بی عدالتیها و انفاق نجات بخش با وجود بی عدالیتها کشاندن، انحرافی از مسیر پاک اسلام است ودر تمام این مسائل ، یادمان نرود که انسان اسلام ، اگر به حد اعلای رشد برسد، به رضای خدا عشق می ورزد، اگر کمی از آن کمتر باشد، لااقل به ثواب آخرت دل می بندد و از عقاب آخرت پروا دارد. واگر باز هم این دو بر روح او حاکم نشود، می تواند در همان چارچوب بهره مندیهای نقد دنیا، اما در حصار نظام عادلانه اسلامی باشد و می تواند انگیزه های این دنیائی هم داشته باشد، اما بهای انگیزه های این دنیائی پائین است ـ البته منظور، انگیزه های حلال است نه حرامها ـ و انگیزه های آن دنیائی قیمتش بالاتر، و رضای معبود از همه بالاتر است. نقش پول: « پول» ، نماینده مقداری کار انباشته است. اگر ده هزار تومان پول در دست من باشد، این ده هزار تومان به معنی ده هزار واحدِ کار انباشته است. مثل این است ک که جامعه، یک حواله انبار صادر کرده و به دست من داده است. کار انباشتهٔ مرا گرفته، به انبار جامعه آورده، حواله ای بدست من داده وگفته است هر وقت این فرد مراجعه کرد، معادل ده هزار واحد کار انباشته از هر نوعی که خواست باو بدهید. پس پول چنین نقشی دارد و خود پول هم نمایشگر کار انباشته است. حالا همانطور که خانه، مقداری کار انباشته بود و می توانستیم از آن استفاده کنم و آنرا اجاره بدهم، می خواهم این نمایشگر کار انباشته را مثل خود آن کار به عنوان نماینده اش اجاره بدهیم یعنی این ده هزار تومان را که در دست دارم اجاره بدهم و ماهیانه هزار تومان بگیرم. چه تفاوتی دارد؟ چرا این کارحرام است؟ چرا اجاره دادن پول حرام است؟ بعضی از کسانی که ربا را آب می کشند و می خورند، یکی از طرق آب کشیدن شان همین است که می گویند: ما که ربا ندادیم! پولمان را اجاره داده ایم!» ولی به هر حال قصه باز همین است: « ذِلکَ بِأَنُهم اِنَّما البَیعُ مِثلُ الرَّبوا وَ اَحَلَّ اللهُ البَیعَ وَ حَرَّمَ الرِبّوا...» « آنها که گفتند که بیع مثل رباست، با آنکه خدا بیع را حلال و ربا راحرام کرده است» جمع بندی: «پول» هر چه باشد، خواه فلزی، خواه کاغذی، به هر حال به عنوان سنِد کار انباشته، پذیرفته شده و با اینکه ما استفاده از کار انباشته را به عنوان سرمایه ، چه به شکل سهیم و شریک شدن با کار در جریان ـ که در مساقات و مضاربه و مزارعه و اینها بود ـ چه به صورت خرید و فروش ـ که آن هم یک نوع سهیم شدن با کارِ توزیع است ـ و چه به صورت استفاده ماشین و امثال اینهاست ـ ما اینها را پذیرفتیم و تایید کردیم. اما پذیرفتن اینها هرگز مجبور پذیرفتن اینکه از سند هم چنین استفاده ای بشود، نیست. چون در هیچ جای دنیا و در میان هیچ گروهی از عقلای دنیا کسی سند خانه را به اجاره نمی دهد و کسی هم بابت آن مال الاجاره نمی پردازد. و رباخواری از طریق دادن پول، چیزی جز این نمی تواند باشد و کار یک اقتصادر ا بالمال به بهره مندی بدون کار می کشاند زیرا وقتی قرار شد خودپول هم مورد اجاره قرار بگیرد، پس در حقیقت یک کارکه باید ۲۰۰ تومان اجاره برود، به ۴۰۰ تومان اجاره رفته، یعنی آن ۲۰۰ تومان دیگر می شود ارزش اضافی کذایی و باید از آن پرهیز کرد ، لذاست که ما معتقدیم اگر ربا در اقتصاد دنیا تحریم شود، و نرخ گذاری صحیح در دنیا وجامعه ها بوجود بیاید، اصلاً با مشکلاتی که موجب پیدایش سیستم اقتصادی مارکسیستی شده، روبرو نخواهیم بود و چه عالیست تحریم ربا در همهٔ ادیان آسمانی، چون این تحریم مخصوص اسلام نیست. قرآن، قوم یهود را مذمت می کند، میگوید شما با اینکه ربا برایتان حرام بود، ربا خوار بودید. چه مذمت بجایی! چون امروز هم بزرگترین رباخواران دنیا یهود هستند، در زمان پیامبر اکرم (ص) هم در مدینه یهودی ها یکی از کارهایشان رباخواری بود. معاملات گوناگون بر روی پول : ۱ـ خرد و درشت کردن پول: شما یک اسکناس هزار تومانی دارید و می خواهید با آن خرید کنید. اگر صحبح که سوار تاکسی می شوید، به راننده یک اسکناس هزار تومانی بدهید، واکنش راننده معلوم است. حق هم دارد. او نه، هزار تومان پول خرد می تواند در تاکسی داشته باشد ـ که اگر داشته باشد باز هم پاسخگویی یک مشتری است. اگر مشتری دوم هم به او هزار تومانی داد کارش لنگ است ـ و هم نمی تواند ماشین را در جایی متوقف کند و بگوید صبر کن تا به بانک بروم یاد جای دیگر پول را خرد کنم. در هر سیستم پولی در دنیا، پول، خرد و درشت در دست مردم هست. همه جا نمی شود پول خرد را استفاده کرد و متقابلا همه جا هم نمی شود از پول درشت استفاده نمود. اگر شما قرار است یک خانه به قیمت پنجاه هزار تومان بخرید چنانچه صد هزار سکه پنج ریالی با خوتان به دفترخانه بردید، باز آنجاهم واکنش فروشنده معلوم است. و می گوید لطفا یک وانت خبر کنید تا اینها را به خانه ببرم و بعداً معامله را انجام بدهیم! پول خرد ودرشت همیشه در هر سیستم پولی وجود دارد، منتها در همه جا نمی شود از پول خرد یا درشت استفاده کرد. مبادله پول خرد و درشت به یکدیگر جزء لوازم سیستم پولی است. طلا و نقره باشد، پول کاغذی باشد، یا هر نوع سیستم پول دیگر، لازم است. این، یک نوع کار است. حال اگر کسی در یک جا نشسته با مقداری پول خرد و درشت تشکیلاتی درست کرد و کار خود را این قرار داد که به هر مراجعه کننده ای مطابق نوع احتیاجش پول داد، این هم کاری انجام می دهد که معادل کارش باید با واجرتی داد، اما در حد کارش. در حال حاضر در همه جا اینکار را مجاناً انجام می دهند. ولی اگر بانکهای ما این کار رامجانی انجام می دهند برای این است که حقوق این کار را از محل ربا تامین می کنند. اگر بانکی باشد که رباخوار نباشد و بخواهد پول خرد ودرشت تحویل مردم بدهد، خود به خود باید برای هر یک از این کارها اجرتی متناسب با این کار ـ یک نوع کارمزد ـ بگیرد؛ در حد کارمزد. تبدیل پول درشت به خرد بالعکس ، یک نوع معامله روی پول است. به این عمل، « صرافی» گفته می شود. این خود یک نوع کار است. ۲ـ معاملات ارزی: یک نوع کار دیگر هم می توان روی پول انجام داد و لازم است تا وقتی که همه دنیا دارای سیتم پولی واحد ـ واحد پولی یکسان ـ نشده باشد، مسئله « ارز» وجود دارد. مسئله ارز از ایام خیلی قدیم هم بود. پول شامات در حجاز رایج نبود و پول حجاز در شامات، پول یمن در هیچ جای دیگر رایج نبود وپول ایران در هیچ یک از آن سه جا . هر منطقه ای مثل حالا برای خودش امیر و حاکمی داشت که سکه می زد و آن سکه در قلمرو حکومت همان شخص رایج بود و اعتبار داشت. یک از کارهایی که درگردش اقتصاد و زندگی ضرورت داشت، خرید و فروش پول ها به یکدیگر بود وچون در اینجا ممکن بود ربائی پیش بیاید، آنقدر مسائل دقیق در مورد « صرف» و تبدیل پول در روایات و احکام مقرر شده که مبادا از این طریق باز سوء استفاده شود. معاملات ارزی به هر حال مسئله ای است که امروز همه به ضرورت آن آشنا هستند. شما مقداری ریال ایران دارید، به کشور کویت مسافرت می کنید که در آنجا ریال ایران پول رایج نیست، باید دینار و فلوس کویتی بخرید. آنجا ریال تان را باید به کسی بدهید و از او دینار و فلوس کویتی بخرید. این هم یک نوع « صرف» یعنی تبدیل یک پول به پول دیگر « معاملات ارزی» ـ بنابراین یکی از کارهای دیگر صراف ها، معاملات ارزی بود . این هم باز به اندازه کارمزدش اجرت میخواست ، البته در حال حاضر در مورد ارز، مسئله کارمزد در بانکها اجرا می شود. ۳ـ اعتبارات اما بانک یک کار دیگر هم انجام می دهد و آن « اعتبارات» است. در یک اقتصاد شکوفا ، اگر اعتبارات بانکی نباشد، اقتصاد پیش نمی رود و شکفته نمی شود. حال بررسی کنیم این اعتبارات برای چه لازمست؟ می گویند یکی از جهات لزوم اعتبار این است که اگر من کاسبکار یا مولد دارای یک دستگاه تولیدی ـ سرمایه ام برای گردش کارم کافی نبود، برای اینکه کارم ـ به خصوص کار تولید ام ـ فلج و راکد نشود باید بتوانم بروم از یک موسسه ای، اعتباری بگیرم و کارم را به گردش در آورم. برای این اعتبار دو حالت می توان در نظر گرفت: یک حالتش آن چیزی است که الان وجود دارد، یعنی به هر کسی امکان بدهد که پا ازگلیم خود بیرون بگذارد و سرمایه کاذب داشته باشد. این جز بیمار کردن زندگی اجتماعی و اقتصادی، سود دیگری برای جامعه ندارد. عملاً ـ هم اینطور است که دادن اعتبارات بانکی، یعنی نتیجه زحمات و شیوه کار کارگر، مصرف کننده و توزیع کننده را بکشند و بمکند و به دهنده اعتبار ـ رباخوار بزرگ ـ دو دستی و با یکدنیا تملق و چاپلوسی کنند ، و گیرنده، اعتبار گاهی با دادن

رشوه ـ رشوه لفظی ، رشوه پولی، رشوه عملی ـو تواضع و احترام گـذاری بی جـا از موسـسه ای ، اعتبار می گیرد، یعنی امکان اینکه به این موسسه ربا بدهد تملق می گوید که از او امکان این را بگیرد که باور با بدهد! اگر از تملق بالاتر برود و برای این که اعتباری بگیرد، کـار به حقه بـازی و نشان دادن اموالی که مال خودش نیست، به موسـسه اعتبار دهنـده بکشـد، که این دیگر بـدتر است. این یک بیماری است، یک انحراف روحی و انسانی و اخلاقی است. (تازه وقتی) اعتبار گرفت و با پول ربایی و ربوی معامله کرد دیگر نمی توانـد به سود کم اکتفا کنـد. بایـد آنقـدر روی جنس بکشـد که هم بتوانـد ربای رباخوار را بدهـد، هم چیزی بـدست خودش بیاید. بنابراین، این افزایش نابجا از دو سر، سرشکن می شود: یکی روی تولید کننده، سرشکن می شود تا دوز و کلک بچیند تا کار اورا هر چه می شـود به طور غیر منصـفانه و ارزانـتر بخرد. یکی هم روی مصـرف کننـده که بـاز همـان تولیـد کننـده بیچـاره است ـ سرشـکن می شود ، یعنی جنسـش را هر چه ارزانتر بخرد و هر چه گرانتر بفروشد. زمینه ای برای انحرافی خود به خود اجتناب ناپذیر در مساله قیمت هـا بوجود می آیـد. این اعتبار، نتیجه اش همین است. مگر جز این است؟ تبـدیل کردن اقتصاد به نوعی قمار که در آن هم برد هست و هم باخت. اعتباری به این منظور که انسان بتوانـد پایش را از گلیم خوددرازتر بکنـد. قرض الحسـنه: نوع دیگری از اعتبار هست که واقعاً راه انـدازی کار است. یک آدمی است که می تواند کاسـبکار باشد ـ یعنی کار توزیع را انجام بدهد. ـ ولی کاسبکار، بالاخره یک نوع سـرمایه می خواهد، یک موسسه ای باید باشد که به این شخص مقداری سرمایه بدهد و یکساله، یا دو ساله از او بگیرد، ما در اینجا جز «قرض الحسـنه» چیز دیگری را نمی توانیم تجویز کنیم. در یک جامعه اسـلامی واجبست، صـندوق های قرض الحسـنه ای یا مستقیماً بوسیله مردم و یا به وسیله حکومتی که نماینده واقعی مردم باشد، بوجود آید و این کمبود را بدون ربا تامین کنـد. این دیگر ربا نمی خواهد. در مورد تولید کننده هم همینطور است. فردی است که اگر برایش یک ماشـین را ندارد. تهیه این ماشـین واجب است. باید ماشینی برای او تهیه کرد و در اختیارش گذارد. ـ از چه طریقی؟ ـ از طریق صندوق قرض الحسنه. اما چه کسـی این همه پول را برای تشکیل صـندوق قرض الحسـنه که جوابگوی این همه تقاضای وام باشد ، در اختیار بگذارد؟ در این جا اسلام دو قانون گذاشته است که بسیار جالب است. یک تعلیم اسلامی این است که می گوید: قرض الحسنه نوع انفاق است و ثواب دارد، هر کس به ثواب آخرت علاقمنـد است، به دادن قرض الحسـنه اقـدام کنـد، خـدا چندین برابر به او عوض می دهد. با آنکه اصـل پول به خودت بر می گردد، امـا مثـل انفـاق است بلکه خود نوعی انفاق است. اما همه که به دنبال ثواب آخرت نیسـتند، بالاخره بعضی ها هستند که می گویند پولمان را به خطر نمی اندازیم و آنرا نگه می داریم. در اینجا یک فانون دیگر امده که خیلی جـالب است. می گویـد به پول راکـد، همه سـاله زکـات تعلق می گیرد. اگر پولت را نگه داشتی، همه ساله بایـد درصـدی از آن را بـدهی. یـک راه فرار از زکات وجود دارد، اما دیگر این کلاه نیست، این عین واقعیت است. چون همه راههای فرار که کلاه نیست. کلاه آنست که ما خودمان بـدست خودمان به سر خودمان می گذاریم. یک مقدار هم راه حل قانونی وجوددارد. یک راه حل قانونی علنی، که کلاه هم نیست، اینست: اگر کسـی می خواهد به پولش زکات تعلق نگیرد، پولش را در گردش بگذارد. به محض اینکه شـما پولتان را به صورت قرض الحسنه به شخصـی دادیـد که آن را به گردش انـداخت ، و با آن کار کرد، همینکه شـما به او قرض دادیـد، خود این گردش می شودو دیگر به پول شـما زکـات تعلق نمی گیرد. قـانون زکات، یعنی مالیات بر سـرمایه راکـد در مورد نقـدین، ضامنی و مشوقی است این دنیایی ، برای کسانیکه پول دارنـد تا پولشان را راکـد نگذارند و من به شـما قول می دهم، بازار ربا را حـذف کنیـد و کاری کنیـد که ربا در اجتماع ممنوع شود، کاری کنیـد که رباخوار دیگر رباخواریش را در طبل و دهل نزند، و بعد « قانون زکات» را هم اجرا کنید، آنوقت می بینید برای صـندوقهای قرض الحسـنه پول، اضافه هم می آید. بنابراین مسئله تامین سـرمایه برای صـندوقهای قرض الحسنه که عهده دار دادن وام به نیازمندان ـ یعنی کسانیکه نوعی نیاز دارند ول نیاز به سرمایه، برای تامین حـداقل زنـدگی ـ هسـتند در جامعه اسـلامی حل شـده است. جلو را باز بگذاریـد، متد و روش صـحیحی برای اداره کار داشـته باشـید، مشکلی به وجود نمی آیـد. مسـاله تـا اینجا از نظر حساب جاری، حساب پس انـداز ، معاملات ارزی، خرد و درشـت کردن پول، و امثـال اینهـا و همچنین دادن سـرمایه هـای کم و ضـروری، حل شـد. ولی یک مسـئله بزرگ دیگر هم هست و آن این است که برای پیشـرفت اقتصاد جامعه، به سرمایه گذاریهای بزرگ نیازمندیم. مسئله سرمایه گذاریهای بزرگ چگونه بایدحل شود؟ با چه سـرمایه ای کارخانه های صد میلیون تومانی تولید کنیم؟ با چه سـرمایه ای ساختمانهای پنجاه میلیون تومانی ـ نه برای یک نفر بلکه برای نیازهای اجتماعی ـ بسازیم با چه سرمایه ای نیازهای دیگر را که در جامعه وجود دارد و برای تامین آنها احتیاج به سرمایه گذاریهای بس بزرگ هست، تامین کنیم؟ اگر این هم حل شد آیا دیگر تا مسئله « بانک بدون ربا» به طور کلی ، حل شود، یعنی « بانک» داشـته باشـیم، اما « ربا» نداشـته باشـیم. محاسن وخوبیهای بانک را داشـته باشـیم و آفت ها و عیبها و آلودگیهایش را نداشـته باشـیم. بـا رعـایت قـانون تحریم ربـا و سایر قوانین اقتصادی اسـلام، ببینیم آیا مشـکل حل می شود؟ و اگر حل شـد اولاً: در بحثهای ایـدئولوژیک اساسـی، مشـکلی از این نظر برایمان پیش نخواهـد آمد و کسـی قوانین اقتصادی اسـلام را با این حربه، که بانک برای اقتصاد پیشـرفته لازمست، دیگر نخواهـد کوبیـد و نمی تواند هم بکوبد. وثانیاً از نظر عملی واجرائی موفق می شویم که از این نطریق تلاش بیشتری برای گسترش بانکهای بدون ربا در جامعه خود بکنیم و ببینیم آیا می شود از آن به عنوان یک سـکوی کوچک برای رسـیدن به هدفهای بزرگتر استفاده کرد؟ فصل ۶ : بانـک بـدون ربا : از یک طرف گفته میشود ربا از نظر اسـلام حرام است ولی از طرف دیگر در نظامهـا و جـامعه های اقتصادی که اقتصاد پیشـرفته ای دارنـد بانک یکی از موسـسات لازم است و بـدون ان نمیشود زندگی کرد زیرا مبادلات پولی با حجم بالا باید از طریق بانک باشد هزینه های جاری بانک : هزینه های جاری بانک اعم از کرایه محل , اسـتهلاک , اجرت و حقوق کارکنان , آب , برق , گاز و ... بـدون هیـچ گونه شـبهه اشـکال شرعی به صورت کارمزد باید گرفته شود . این مسـئله تازهای نیست . در قدیماگر کسـی میخواست به کسـی ده هزار تومان قرض الحسنه بدهد به او میگفت بعید نوشـته ای میان ما ردوبدل شود و به جایی برای سند نوشتن میرفتند و برای این نوشته پولی را پرداخت میکردند.این خرج تنظیم سند دین چیزی شبیه کارمزد کارهای بانک فعلی است.این مخارج را گیرنده وام بصورت کارمزد میدهد , این مسـئله هیچگونه شـبها ای در آن نیست و در مقوله ربا قرار نمیگیرد و اما مسئله سرمایه گذاری : بانکهایی که میخواهند برای مردم گره گشایی کنند و به افراد نیازمنـد وام میدهنـد , مردم درصـندوق ها و بانکها سـرمایه گـذاری میکنند و اینها به مردم قرض الحسـنه میدهند و از ثواب این کار خیر بهره منـد میشونـد و کسـی که پول پس انـدازش را در صـندوق قرض الحسـنه میگذارد بطور اتوماتیک از یک مالیات اسـلامی یعنی ((مالیات زکات بر نقدین))معاف میشوند . پس وضع این قانون مالیاتی یک ضامن اجرایی برای سرمایه گذاری در صندوقهای قرض الحسـنه است. حـل مشـکل سـرمایه گـذاریهای بزرگ: با پیشـرفت اقتصاد باسـرمایه گـذاری کوچک نمیتوان کارهای بزرگ اقتصـادی انجـام داد.شـما بـا تحریم ربا جامعه اسـلامی را از نظر اقتصاد,صـنایع پیشـرفته,کشاورزی صـنعتی و ... محروم کردیـدچون سرمـایه بزرگ بـدون ربابه این زودیها پیـدا نمیشود.پاسـخ: ۱.یکی از راههـای به دست آوردن واحـدهای قدرتمنـد اقتصـادی ایجاد شرکـت های سـهامی است.شرکتهای سهامی اگر در جامعه درست اداره شوند میتواند پس اندازهای مردم را به سوی خود جلب کند البته با سود و زیان و نه با ربا.اگر امروزه کشورها رو به سوی ربا رفته اند به علت عدم موفقیت در اداره شـرکـت های سهامی است و این عـدم موفقیت ناشـی از دو عمـل است : یکی نـادرستی و ضـعف در ایمـان و دیگر اینکه ربـاخواران بزرگ دنیـا جلوی کار این شرکتها را گرفته و در کارشان اختلال ایجاد کردنـد ۲.شـرکـت هالی تعاونی تولید که باز هم سـیاست های سرمایه داری استهمارگر دنیا که از طرف رباخواران تقویت میشدند سد راه پیشـرفت اینگونه شـرکتها شدند ۳.فرض کنیم نه شـرکـت سهامی وجود دارد و نه شـذکت تعاونی تولیـد , در این صورت سـرمایه گـذاری در صـنایع بزرگ ازحدود امکانات فرد , گروهها و ... بیرون است.حال که بیرون است به صورتی واجبی از واجبات حکومت اسـلامی در می آیـد وقتی این کار به دست حکومت نماینـده ملت باشد مشـکل نرخهـای ظالمـانه تجاوزکـارانه به مقـدار زیادی حل میشود مسائلی از قبیل تورم بالا رفتن مصـنوعی نرخها و ... نتیجه : اینکه از هیچ چیز نترسـیم و قـاطع بگوییم : ربـا بـا همه اقسـامش حرام است انواع ربا و مسـئله برخورد بعضـی از علما با آن: در کتب فقه ما در دو مبحث ربا مطرح میشود:یکی درمبحث بیع (خریدوفروش) و دیگری در مبحث دین (قرض و وام) ربا در مبحث دین که روشن است امـا در بحث بیع یعنی چه؟ کلیه کالاهـایی که از طریق وزن کردن انجـام گیرد,اگر حتی کمی هم اضـافه شود ربا است.چیزهایی که عـددی میفروشـند اشـکال نـدارد مثلا در مقابل شـش عـدد تخم مرغ درشت,هفت عـدد تخم مرغ ریز بدهیم اما هر چیزی که اندازه

گیری شود و یا پیمانه میکننـد اگر کم یا زیاد شوند ربا است و اما در مورد سلف خریدن و نسیه خریدن : اگر کسی ده من گندم نقد داد و همان ده من را سر یک ماه خواست از او بگیرد رباست.تفاوت بین نقد و نسیه بر طبق فتوای بسیاری از فقها مسئله را ربا میکنـد.یعنی بایـد نقـد باشـد و بـدون تفاوت در غیر این صورت اگر وزن یکی باشدنقـد یک طرف , نسیه هم یک طرف خود این معامله را ربوی میکنـد.در مورد سلف خریـدن هم,درجاتی است که با پول خریـده باشد,والا اگر باجنس خریده باشد مساوی بخرد رباست,نا مساوی هم بخرد به طرز دیگری رباست وظیفه علما: وظیفه عالم گفتن حق است,خواه حق با مردم کهنه پرست باشد خواه بـا مردم نو پرداز و نو پرست. عالم بایـد چهره حق را در پرتوی علمش بشناسد و بشناساند فصل ۷: انسان دارای بینش مادی: انسان دارای بینش ماتریـالیستی و مـادی گری بـا انسـان دارای بینش الهی از یکسو متصل به مبـدا و از سوی دیکر به معـاد خـود به خود معیارهـای فکری و مقیاسـهای بررسی شـان , نمیتوانـد کاملاـ و صددرصـد یکسـان باشـد حتی وقتی در یک مسئله مادی هم بحث میکنند باز معیارشان کما بیش با هم فرق دارد.اینها نمیتوانند از یک دیدگاه به مسائل بنگرند یعنی وقتی مثلا درباره مسئله اقتصاد یا سیاست و ... بحث میکننـد با اینکه زمینه بحث مشترک است اما نمیتوان گفت در این زمینه با مقیاس کاملا مشترک در حال بحث با یکدیگرنـد . این مسئله کاملاـ طبیعی و منطقی است. از نظر خواسته هـای شخصـی : انسـان ماتریالیست با تفکر و بینش مادی وقتی میخواهد درباره نظام اجتماعی , اقتصادی و ... فکر و مطالعه کند یک بار به این فکر می افتد که بشر موجودی است , خواسته هایی دارد و دلش خیلی از چیزهـا را میخواهـد. از نظر خواسته هـا حکم طبیغت اینست که رهایش کنیـد تا به سوی امیال خود برود . چرا جلوی اورا میگیریـد؟ به او آزادی و میـدان بدهیـد .بگذاریـد آنطور که میخواهـد زنـدگی کند , مگر انجایی که اصـطحکاک پیش بیاید یعنی این شخص بخواهد طبق خواسته دلش کاری را بکند , شـخص دیگری هم بخواهد کار دیگری را بکند و این دو کار با یکـدیگر اصـطحکاک پیـدا کند. . اما تا وقتی که اصـطحکاک پیش نیامده بگذارید هر طور که دوست دارد زندگی کند ! بنا براین دیگر به زندگی خصوصـی افراد کاری نداشته باشید از نظر اقتصادی : از نظر اقتصادی هر هنسان , توان , کشش و استعدادی دارد , اگر جلوی انسانها را باز بگذاریم تا هرکس ابتکار . استعداد و خلاقیتش را به کار اندازد انوقت نتیجه اش اینهمه اختراعات جالب و اینهمه صناعع نو میشود که زندگی انسان بر روی زمین را جالب تر کرده استو از سطح زندگی ساده حیوتنات فراتر برده , اینها آثار آن میدان دادن به تک تک انسانها است تلاشهایشان این همه امکانت صنعتی به وجود آورده است میماند مسئله قیمت ها. قیمت ها هم بـا عرضه و تقاضـای آزاد درست میشود. در نتیجه تولیـد کالا از روی رقابت میشود . کم کم تولیـد آنقـد زیاد میشود که سـطح تولیـد از سـطح مصـرف بالاـتر میرود در نتیجه تولیـد کننـده مجبور میشود قیمت ها را پایین بیاورد و مصـرف زیاد می شود.و انوقت دوبـاره زمینه دست تولیـد کننـده می آیـد که قیمت هـا را کمی بالاـ ببـرد . به این ترتیب روزی به نفع تولیـد کننـده و روزی به نفع مصـرف کننده است و در این نوسانات زندگی مذدم میچرخد از نظر سیاسـی : از نظر سیاسی هم وقتی عده ای از افراد در گوشه ای از دنیا زنـدگی میکننـد , به یک حکومتی نیاز دارنـد , بایـد کسـی باشـد که زنـدگی آنها را از نظر سیاسـی و اداری بچرخاند . این حکومت یا باید با زور سرکار بیاید که نتیجه اش آن میشود یک نفر یا دو نفر اراده خود را بر دیگران تحمیل میکنند یعنی حکومت دیکتاتوری یا اینکه یکنفر از بین خودشان به عنوان نماینده و رهبر انتخاب کنند که همه اورا قبول داشته باشند . اینکه همه افراد آن یـک نفر را قبول داشته باشـند محـال است , در نتیجه حق بـا اکثریت مردم است , یعنی کسـی که عـده ی زیـادی از افراد اورا قبول داشـته باشـند . آزادی : پس آزادی فردی و شخصـی , آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی و ... پس تکلیف دین و مذهب چه میشود؟ دین و مذهب آن قسـمتش که مربوط به اعتقادات قلبی و وظایف فردی است جزء همان آزادی های شخصی می باشد . کسی دلش میخواست دین داشـته باشـد , دلش هم نمیخواست دین نداشـته باشـد , خواست نماز بخوانـد یا نخواند , خواست مشـروب بخورد یا نخورد . در انجـا هم که مربوط به بخش اقتصـاد است , آزادی اقتصـادی مقـدم دانستیم لاذ دین در آنجا دخالت نداشـته باشـد . آن قسـمت هخـم که مربـوط به آزادی سیاسـی است بـاز دین دخـالت نداشـته باشـد. در قرن هجـده و اوایـل قرن نـوزده رویـا , آرزو , خوابهای طلایی و ... با همین شـعارها بدست نویسـندگان , گویندگان و ... آن زمان در کشورهای به اصطلاح مترقی آنچنان با آب و تاب و زرق و برق عرضه میشـد که دلها به سوی این کعبه آمال گرائیـده بود مثلا در این دیـدگاه انسان اجتماعی یک تعهـد بیشتر نـدارد ان هم : ((ایجـاد حکومت هـای آزاد)) . حکومت پارلمـانی , مشروطه یا به شـکل جمهوری . حکومت اکثریت : با پیشـرفت صنایع و پیدایش سـرما داری صـنعتی و تجاری , یک وقت مردم سر از خواب چندین ساله برداشتند . دیدند حکومتی که اکثریت به آن رای داده انـد , هست , امـا این حکومت در درجه اول در چنـگ یک اقلیت است . این اقلیت یک کلاه گشادی بر سـر اکثریت گذاشـته , کلاهی رو و چشم اکثریت را گرفته است ! دسـتگاه های جدید تبلیغاتی که استفاده از آنها برای یک تبلیغ چند سطری یا چنـد دقیقه ای نیازمنـد به پرداخت پول کلاـن است , در اختیـار چه کسـی است , اکثریت یا اقلیت ؟ اظهار عقیـده آزاد است نمتهی جنـاب عـالی که پول نداریـد برویـد در فلان گوشه یک پارک بالای کرسـی حنجره پاره کنیـد و این آقایی که میخواهـد از آزادی اسـتفاده کنـد بایـد به آنجا برود و عقیده اش را بگوید . این آقا حرفش را اینجا میزند و آن یکی حرفش را پشت تلویزیون و رادیو . رایش را در کجـا منعکس میکنـد ؟ در مطبوعـات , این آقا آزاد اسـتمیتواند حرفش را در یک بیانیه منتشر کنـد . حکومت اکثریت تبـدیل شـد به حکومت اقلیت. آزادی اقتصـادی : از نظر اقتصـادی گفتیم بـا قـانون عرضا و تقاضا قیمت ها خود به خود رو به تعادل میروند . ولی ایجاد کارتلها و تراسـتهای بزرگ , ایجاد موسـسات تولیدی و توزیعی بین المللی بهم پیوسته که حتی هتلداری آن هم بین المللی است دیگر مسئله اینکه با عرضه و تقاضا قیمتها خود به خود رو به تعادل میرونـد یک حرف روی کاغذ , سـر زبان شد ! کارتل و تراست جلوی تولیـد اضافه در دنیا را میگرفت . اگر هم تولیـد بالا میرفت مگر میگذاشت قیمت پایین بیاید؟ اصـلا مغزهای خلاـق نو آور بایـد نو آوریشان در جهت خواسته های این موسـسات بزرگ صنعتی باشـد , چرا؟ برای اینکه اختراعات , دیگر آن حالت ساده قبلی را نـداشت که ادیسون در عمرش بتواند با یک موسـسه کوچک که البته بعدها بزرگ شد نزدیک به ۱۲۰۰ اختراع بکنـد . بنابراین دیـدیم آنچه بعنوان آزادی مطبوع بشـر به او وعده دادیم همه اینها به یک سو سـرازیر شد , به سوی آن اقلیت , آنها انسانهـایی آزاد شدنـد و انسانهـا دیگر برده های آزاد نما ! دیکتاتوری پرولتاریا : لـذا گفتنـد این هم درست نیست , انره بهم بزنیـد . بیاییم این انسانهای رنجبر محروم را نـدا بدهیم و بگوییم : ((ای رنجبران جهان , با هم متحد شوید)) ! متحد شوید که علیه آن اقلیت اسـتثمارگر مبـارزه ای آشتی ناپـذیر آغاز کنیم برای آنکه جامعه بشـری را به سوی جامعه ای یکسان پیش ببریم و در راه رسـیدن به این منظور به طور موقت بایـد به نظام انقلابی دیکتاتوری هم تن در داد پس آزادیهای شخصـی . هر نوع آزادی دیگر را فدا کنیم تا جامعه به سوی این هـدف پیش رود و انسانها بتواننـد از بـدو تولد تا مرگ بدون دغدغه در کنار یکدیگر زندگی کنند یک سوال : در طول این مـدت که ما باید کار بکنیم , به چه انگیزه ای ما انسانها از این آزادیها و امکانات شخصـی صـرف نظر کنیم ؟ به انگیزه ((عشق به جـامعه , حب جـامعه و جمـاعت)) حب جماعت یعنی چه ؟ سیسـتم فکری و عقیـدتی ما , انسان فرد نگر را به انسان جمع نگر تبـدیل میکند . انسان فعلی در قالب های فکری (من) فکر میکند و انسان آینده در قالبهالی فکری (ما) تبدیل انسان (من نگر) به انسان (ما نگر) از چه راهی میسر است ؟ از راه تبدیل فرهنگ از راه تبدیل فرهنگ یعنی چه ؟ من این کودک را از ابتدا به یک جو ((ما نگر)) بزرگ میکنم به طوری که دیگر ((من)) را فراموش کند آیا به صرف تربیت میتوان چنین کاری کرد و اساسا تربیت یعنی چه ؟ تربیت یعنی استعدادهای فکری موجود در یک انسان را بار آوردن و رشد دادن . آیا در انسان استعداد فطری , ((من نگری)) وجود دارد یا ((ما نگری)) و یا هردو ؟ اگر بررسـی کردیم و فهمیدیم که استعداد فطری ((ما نگری)) در انسانها , یک نوع استعداد درجـه یـک نبـوده بلکه استعداد درجه دو است و اسـتعداد درجه یـک همـان ((من نگری)) است . ((مـا)) را آنجـا میخواهـد که به ((من)) کمـک کنـد. اگر واقعا بتوان ماهیت همه انسانها را با یک دگرگونی از ((من)) در آورد و به ((ما)) تبـدیل کرد , خیلی چیز جالبی است . اما فرمول آن چیست ؟ جوامع راهی جز این نداشـتند که بگوینـد ما انسانها را , با یک فرهنگ انقلابی عوض میکنیم , از من بـا مـا تبـدیل مینمـائیم اما تا به حال موفقیتی حاصل نشـده . اگر به مطالعه گذشـته جوامع بپردازیم می بینیم که که تاریـخ دنیا میدان تجلی ((من)) است . راهی دیگر جهت حل ((من)) و ((ما)) یک راه دیگر این است که ((من)) سر جایش محفوظ است و در عین حـال از نظر اپر , اثر ((مـا)) را نشـان میدهـد و میگویـد : ای انسـان خواسـتار خوشـی هـا و لـذتهای شخصـی ((من)) , ای آنکه حاضری در راه رسیدن به خواسته هایت تلاش کنی , دوران لذت و کامیابی , شادی و غم و اندوه همین چند سال زندگی تو نیست

. بدنبال این , تا بینهایت میمانی و در آن زندگی بی نهایت باز می توانی زندگی شاد و یا زندگی ناشاد و رنج آور داشته باشی . اکنون به تو میگویم : اگر میخواهی در آن زندگی جاوید , زندگی شاد ((من)) داشته باشی یک راه بیشتر ندارد و آن اینکه باید در راه رضای خدا و منطبق با آنچه خدا را خوش میآید زندگی کنی , میدانی خدا از چه انسانی راضی است : خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است آن ربا خوار هم ((من)) او کار میکرد اما با دیدگاه مادی ماتریالیستی . او خود به خود میگوید : هرچه پول بیشتر بهتر آنکه معتقد به خدا است میگوید : خیر , افزایش واقعی آنجاست که من نه تنها بهره نگیرم بلکه اگر طرف تنگدست است , از همان پول اصلی نیز صرف نظر کنم . بنابراین در این مکتب و در این زیربنای فکری , ((من)) و ((ما)) به یکی از دو صورت آشتی کردند , یا به این صورت عالی و ایده آل که انسان به آن حد از کمال برسد که که عاشق خدا و خلق خدا باشد و یا انسانی که آنقد اوج نگرفته که اکثریت هم همین طورند , درصدی که نمیتواند حاکم بر زندگی خویش باشد , گهگاهی انگیزه او میشود , اما غالبا ((من)) او جلو می آید . در آنجا به او مو گوید , هان ! یادت باشد که اینجا چند صباح زندگی داری , آنجا بی نهایت زندگی داریم , خودت انتخاب کن که کدام را میخواهی ؟ اگر انسان عاقل باشد لذت بی نهایت را بر لذت زود گذر ترجیح می دهد . بنابر این وقتی »ی آئیم در یک نظام اقتصادی درباره اینکه آزادی چطور است , ضرر میزند یا نمیزند , میشود آن را داشت یا نه , آزادی فردی , سیاسی , اقتصادی به هر سه قسم از این مکتب که بخواهیم بگوئیم واحدهای اندازه گیری مان فرق میکند . فصل ۸ : سوالات در زمینه ربا : قرآن کریم گرفتن بهره پول و اصولا- گرفتن بهره در وام دادن را با صراحت حرام میکند و میگوید میان وام دادن و خرید و فروش کردن تفاوت اساسی است . در خرید و فروش بابت کار , فروشنده اضافه بر قیمت خرید چیزی میگیرد که سود معامله میشود , ولی در وام قرار نیست کار تولیدی یا توزیعی انجام شود پس اگر چیزی گرفته شود , موجب بیماری اقتصادی و اجتماعی می شود . ما باید همه مسائل اقتصادی را در یک سیستم اسلامی در ارتباط با بینش زیر بنایی اسلام نسبت به زندگی بررسی کنیم . چون خاصیت یک سیستم که دارای ((جهان بینی)) است , این است که در هر نظام دارای جهان بینی , هر مسئله از دیدگاه آن جهان بینی باید مورد بررسی قرار گیرد . * تفاوت ما بین اجاره دادن منزل و گندمی که به کسی میدهیم و یک ماه بعد اضافه تر میگیریم که در اولی بلا اشکال و در دومی ربا است— در صورتی که هر دو کار فشرده اند- را شرح دهید . یکوقت کالایی پس از مدتی استفاده در جای خود محفوظ است و از بین نمیرود , ممکن است کهنه شود و در جای خود هست مانند خانه , اتومبیل , حتی لباس , کفش . ولی بعضی از کالاها بعد از استفاده کردن دیگر چیزی از اصل آن باقی نمیماند مانند نان , گندم و ... مثلا وقتی ۵۰ کیلو گندم دادیم همان ۵۰ کیلو را پس میگیریم و اگر ۵۲ کیلو گرفتیم— یعنی دو کیلو اضافه- این ربا است و دیگر نمی توان اسم اجاره را برروی آن گذاشت . * اگر من مقلد یک عالم دینی هستم که او قسمتی یا همه معاملات بانکی موجود را حلال میداند اما شخصا یقین کردم که اینها ربا و حرام است , آیا باز هم میتوانم به رای آن مقلد عمل کنم ؟ اگر شما صلاحیت علمی تحقیق درباره حکم ربا را داشته باشید و یا اینکه مسئله آنقدر روشن باشد که احتیاج به داشتن قدرت تحقیق ندارد در اینصورت نمیتواند به رای آن مقلد عمل کند . * بانکهای بدون ربا— قرض الحسنه- چاره ای ندارند که موجودی شان را به آن بانک های ربوی بسپارند و بانکهای ربوی هم از این امر سو استفاده می نمایند . اگر نزد بانک صد میلیون پول مردم است , از این صد میلیون چقدر نزد بانکها میماند ؟ فرض کنید ده میلیون آن , یعنی نود میلیون آن دست مردمی است که نیازمند هستند و بدون ربا از آنها استفاده میکنند . * آیا می شود سفته بدهکار را که مدت معینی دارد به دیگری به مبلغ کمتری به صورت نقد فروخت یا خیر ؟ ربا یعنی افزایش و تنزیل یعنی کاهش . ربا خوردن معمولا دو نوع است : یکوقت انسان پولی را به کسی میدهد و بعد میگوید سر مدت باید یک چیزی را روی آن بگذاری و به من بدهی , در این صورت تقاضای افزایش می کند . یک وقت ربا خوار با کسی روبروست که تقاضای کاهش می کند و میگوید کاهش که دیگر ربا نیست . کاهش و کم کردن هم حرام است ؟؟ کم کردن یعنی چه ؟ می گوید یک شخصی از من جنسی را سه ماهی به سه هزار تومان خریده و حالا به من می گوید آیا حاضری دو هزار و هفتصد تومان پول نقد از من بگیری و آن سند سه هزار تومانی را پس بدهی ؟ این رباست . چطور ؟ وقتی انسان کالایی را میفروشد , با دو , سه یا ده درصدی که به عنوان حق العمل برای خودش منظور میکند اما اگر خواست نسیه بفروشد حساب میکند که این سرمایه که باید فردا بدهم و دوباره جنس بخرم تا بفروشم همان فردا که به دست نمی آید . بنابراین پنج درصد , ده درصدی روی آن میکشد و با سود اضافه جنس را نسیه میفروشد . بنا براین جنابعالی که به مغازه دار مراجعه میکنید و از او کالایی را میخرید که سر مدت سه ماه به او سه هزار تومان بدهید , معمولا اگر همان وقت میخواستید این کالا را نقد بخرید کمتر از سه هزار تومان مثلا دو هزار و هشتصد تومان میخریدید . این شخص به خاطر نسیه بودن قیمت کالا را دویست تومان بالا برده است . حالا اگر شما به آن مراجعه کنید و بگویید من میخواهم همان دو هزار و هشتصد را به شما بدهم در حقیقت آن سود اضافی را که در معامله بابت فروش نسیه گرفته بود حذف کرده است . که این رباست * آیا میتوان دین و وام را به مبلغ کمتری به فرد دیگر فروخت و آیا این معامله متعارف است؟ خیر , از نظر عرف این خرید و فروش نیست , این همان مسئله داد و ستد وامی است که هزار برچسب دیگر هم که روی آن زده شود , از نظر دید تیز بین واقع بین عرف , این معاملات , معاملات دینی ربوی است . * آیا کسیکه دستبندی را از خانمی به عنوان رهن میگیرد و سیصد تومان به او میدهد حق دارد که در این دستبند تصرف کند ؟ یعنی مثلا اگر رهن گیرنده یک خانم دیگری است , آیا حق دارد این دستبند را دستش کند و به یک مهمانی برود ؟ بدون اجازه دهنده ی رهن چنین حقی را ندارد * منافع مال گروئی از آن چه کسی است ؟ شخصی نزد شما می آید و میگوید آیا به من دویست هزار تومان قرض داری بدهی ؟ میگوئید من حاضرم بدهم ولی چندان اعتمادی به شما ندارم , اگر چیزی دارید در قبال این دویست هزار تومان گرویی به من بدهید , میگوید من فقط یک گاو ماده دارم , شما حاضرید این گرویی را بردارید ؟ میگوییید بله اگر این گاو ماده بزاید یا شیر دهد , این گاو زائیده شده و شیر و هر چیز دیگر متعلق به صاحب گاو است و در این مدت که گاو نزد شماست حق ندارید یک قطره شیر هم بنوشید . * میگویند ربا در خانواده ایرادی ندارد , آیا این صحیح است ؟ ربا بین پدر و فرزندش و بین مرد و همسرش نیست . پس در خانواده تنها بین مرد و همسر و بین پدر و فرزند ربا نیست , این عین فتواست . و وجهش هم کما بیش معلوم است . * از آنجا که اقتصاد یک علم است که متناسب با تکامل و تغییر جامعه , رو به تکامل میرود بنابراین برای مطالعه در مسائل اقتصادی اسلام , آیا نباید آخرین نتایج اقتصادی موجود از جمله مسائل مارکسیستی مطالعه شود تا بتوان اصول اساسی اسلامی را در شرایط فعلی پیاده کرد ؟ بدون شک هر قدر مطالعات ما در زمینه مسائل گوناگون و در تمام زمینه های عقیدتی , اجتماعی , سیاسی و ... بیشتر باشد و با این آگاهی بیشتر به مآخذ مراجعه کنیم برداشتهای روشنتری از اسلام خواهیم داشت . به شرط آنکه نخواهیم اسلام را بر هیچ چیز دیگر تطبیق دهیم , اسلام را دست کاری نکنیم , مطابق سلیقه مان به قرآن و حدیث معنا ندهیم . * نظرتان درباره ی بیمه و موثر بودن آن در بالا بردن تولید و اینکه اصلا با توجه به در نظر گرفتن پول به عنوان کار فشرده , این کار یک عمل تولیدی است یا خیر ؟ بیمه اگر چه در متن نیست اما از لوازم تولید است , کاری است متمم مسائل مربوط به نقش کار و ارزش آن مانند توزیع که خودش کار است و اصلا تجویز بیع و اجاره و ... هیچ یک از اینها و معنایش سرمایه داری و امثال اینها نیست جون خود اینها کار است و به هر حال از این نظر میتوان گفت بیمه یک کار متمم یعنی در حول و حوش کارهای اصلی می اید . اما در هر نظامی فرق می کند و نمی توان گفت که در تمام نظامها از لوازم ارزش ایجاد کن است . * در خرید و فروش های مدت دار مانند خرید ماشین به قیمت بیشتر و با مدت— با توجه به اینکه در مدارک , ربح نوشته می شود- مقدار اضافی آن ربح حساب میشود یا خیر ؟ ((اسم)) اصل مطلب زا عوض نمی کند . اگر اسم ربا را کارمزد بگذاریم , کارمزد نمیشود . اگر اسم کارمزد را ربا بگذاریم , ربا نمیشود . اگر اسم سود را در معامله ربح بگذاریم , ربح نمی شود . یکی از بحثهای معاملاتی ما ((مرابحه)) است . یعنی انسان قیمت یک جنسی را میگوید و بعد میگوید ده درصد میگیرم . اگر برای ربا طلائی ترین اسمها را پیدا کردید , از آن فرار کنید . اما غیر ربا را اگر اسم ربا بر رویش گذاشتند این اسم مسئله را عوض نمی کند . بنابراین خرید ماشین بصورت مدت دار یا اقساط , یک مقدار هم اضافه به رویش به حساب اینکه امکانات گردش کار این فروشنده را کم میکند و خود به خود باید به صورت داشتن منفعت بیشتری برای مدت بیشتر آن را جبران میکند , اشکالی هم ایجاد نمیکند . * افتتاح حساب پس انداز بنام جوانان در بانک چه صورتی دارد ؟ و آیا به پولی

که در آنجا پس انداز میشود خمس تعلق میگیرد؟ در مورد سوال اول : اگر حقیقتا هیچ وسیله ای برای تامین این ضرورت زندگی کنونی وجود ندارد و باید پولش را یک جا بسپارد و جائی هم غیر از بانکها برای او نیست اشکالی ندارد . و گرنه پول سپردن ولو به عنوان پس انداز به بانکهای ربا خوار اعانت به اثم است . در مورد سوال دوم : اگر پول را برای خودتان پس انداز میکنید که سود ویژه سال می شود مالیات بیست در صد به آن تعلق می گیرد که همان خمس است . و اما اگر برای فرزندتان چنین کاری را می کنید اگر واقعا به او ببخشید , در این صورت به آن پول خمس تعلق نمی گیرد . آیا از نظر آن جوان خمس به آن پول تعلق میگیرد یا خیر , در این مسئله با به مرجع تقلید خود مراجعه کند . * آیا بانکهای اسلامی برای کارمزد درصد معینی وجود دارد یا خیر , و آیا به طور کلی درصد بالا را در اینجا می توان قبول کرد یا خیر ؟ اگر((بالا بودن)) به معنای غیر منصفانه بودن است , این حرام است . اما اگر برای اداره آن بانک و پرداخت حقوق کارکنان انجا و هزینه های آنجا و ... باشد بلا مانع است . حروف چینی : روز نامه جمهوری اسلامی چاپ دوم : ۱۳۷۱ , ۵ هزار جلد چاپ و نشر : دفتر نشر فرهنگ ا سلامی تهران – خیابان فردوسی , روبروی فروشگاه شهر و روستا مرکز پخش تهران : ۶۴۵۰۳۰۷ , مرکز پخش شهرستانها : ۳۱۲۱۰۰

فرابورس چیست

؟نویسنده:یاسر کارگری

چکیده: همانطور که می دانیم، سهام شرکت های سهامی خاص و عام و شرکت های تعاونی پس از تاسیس اگر محدودیتی در اساسنامه نداشته باشند، قابل نقل و انتقال است اما در کشور ما برای نقل‌وانتقال سهام شرکت ها و گردش این سرمایه ها در قالب سهام، تنها در یک بازار رسمی یعنی «بورس اوراق بهادار تهران» صورت می گیرد بنابراین

فقط سهام شرکت هایی که در آن عضو هستند (که به چهارصد شرکت هم نمی رسد) در آن قابل معامله بوده و حجم وسیعی از این بازار گردش مناسبی نخواهد داشت فرابورس چیست ؟همانطور که می دانیم، سهام شرکت های سهامی خاص و عام و شرکت های تعاونی پس از تاسیس اگر محدودیتی در اساسنامه نداشته باشند، قابل نقل و انتقال است اما در کشور ما برای نقل‌وانتقال سهام شرکت ها و گردش این سرمایه ها در قالب سهام، تنها در یک بازار رسمی یعنی «بورس اوراق بهادار تهران» صورت می گیرد بنابراین فقط سهام شرکت هایی که در آن عضو هستند (که به چهارصد شرکت هم نمی رسد) در آن قابل معامله بوده و حجم وسیعی از این بازار گردش مناسبی نخواهد داشت البته راه برای ورود سهام سایر شرکت ها به بازار بورس اوراق بهادار تهران بسته نیست اما به دلیل شرایط خاص و ویژه ورود به بازار بورس اوراق بهادار تهران همه شرکت ها توان یا علاقه ورود به این بازار را ندارند و ورود به آن زمان بر است.سهامداران بقیه شرکت ها چه باید انجام دهند؟در سایر کشورها و در ابتدای قرن بیستم و همزمان با گسترش و تنوع بنگاه های اقتصادی، فعالیت بازارهای خارج از بورس به صورت خودجوش و ابتدایی آغاز شد و به مرور زمان داد وستد اوراق بهادار شرکت هایی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته نشده بودند، ساختار نظام‌مندتری یافته و به سرعت گسترش یافته و با توجه به شرایط حاکم بر کسب و کار و نیازمندی های بازار سرمایه، شکل گرفته اند. انعطاف پذیری و شرایط ساده تر ورود و داد و ستد در بازارهای خارج از بورس موجب گسترش سریع آنها شده است، به گونه ای که در بسیاری موارد حجم داد وستد آنها جالب توجه می باشد بازارهایی نظیر NASDAQ آمریکا و JASDAQ در ژاپن نمونه هایی از بازارهای خارج از بورس موفق محسوب می شوند.اما در ایران نیز پس از مشکلات عدیده ای که از پذیره‌نویسی های بزرگ و کوچک (همچون پذیره نویسی بانک ها و شرکت های سرمایه گذاری جدیدالتاسیس طی چند سال اخیر) به وجود آمد و در اکثر موارد مشکلاتی چون: سردرگمی سهامداران در وضعیت سهامشان نقدشوندگی بسیار اندک و گاه غیر ممکن بوروکراسی اداری پیچیده در نقل و انتقال سهام و بالا بودن میزان مالیات نقل و انتقال به وجود می آورد، مسوولان امر در راستای ساماندهی این حوزه مهم در قانون جدید اوراق بهادار که در نهایت در سال ۱۳۸۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید قوانین لازم را لحاظ کنند.به هر حال در اجرای ماده ۲۸ این قانون که تاسیس بورس‌ها، بازارهای خارج از بورس و نهادهای مالی موضوع آن قانون منوط به ثبت نزد سازمان است و فعالیت آنها تحت نظارت سازمان انجام می شود و در راستای توسعه فعالیت بازار سرمایه در تاریخ ۲۲/۰۸/۱۳۸۷ با مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار اولین شرکت برای این منظور به نام شرکت فرابورس ایران به ثبت رسید. طبق مجوز فعالیت این شرکت، شرکت فرابورس ایران متولی راه اندازی و اداره بازارهای خارج از بورس است.به طور کلی با تاسیس این بازار جدید و با در نظر گرفتن ورود و خروج آسان سهام شرکت ها و سایر اوراق بهادار یک بازار رسمی دیگر برای سایر شرکت ها به وجود آمده است اکنون تمامی شرکت های سهامی عام به راحتی می توانند عضو فرابورس ایران شوند و مزایای فراوانی را برای خود و سهامدارانشان به وجود آورند مزایای بازار فرابورس چیست ؟بازار فرابورس ایران، بازاری منعطف و در عین حال تحت نظارت دقیق سازمان بورس و اوراق بهادار خواهد بود. حضور در این بازارها به معنای معرفی و شناخت شرکت ها در سطح ملی بوده و مزایای متعددی برای شرکت پذیرفته شده و سهامدارانش قابل ترسیم است:

۱- تامین مالی آسان و ارزان شرکت ها در راستای توسعه فعالیت: کارکرد اصلی بورس و فرابورس تجهیز جمع آوری و هدایت پس اندازهای کوچک مردم برای اجرای طرح های بزرگ اقتصادی، جهت فراهم آوردن ضریب نقد پذیری بیشتر سرمایه، شفافیت و امکان نظارت بیشتر. فرابورس نیز مانند بورس راهی برای تامین مالی ارزان قیمت شرکت ها است

۲ – بهره مندی از معافیت مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در فرابورس: بر این اساس شرکت های پذیرش شده در بازار فرابورس ایران مشمول مزایای مالیاتی قابل توجهی خواهند شد که مقدار آن بر اساس لایحه ای که توسط دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شده تا میزان ۱۰درصد تخفیف خواهد بود.

۳ – کاهش نرخ مالیات نقل و انتقال : مهمترین مزیت فرابورس برای سهامداران شرکت های سهامی کاهش مالیات نقل وانتقال سهام این شرکت ها از ۴ درصد ارزش اسمی به نیم درصد ارزش معامله همانند بورس اوراق بهادار تهران است این مزیت در حقیقت در معامله یک سهم در نرخ ۱۰۰۰ ریال از ۴۰ ریال برای هر سهم در خارج از بورس به ۵ ریال برای هر سهم در بازار فرابورس ایران منجر خواهد شد.

۴ – نقل و انتقال سهام به صورت آسان – سریع و کم هزینه: هم اکنون برای نقل و انتقال سهم شرکت های خارج از بورس فرآیند اداری پیچیده ای و وقت گیری وجود دارد و از حضور همزمان خریدار و فروشنده و پرداخت مالیات نقل‌وانتقال و دریافت مفاصا حساب مالیاتی برای هر مورد تا امضای دفاتر سهام شرکت و ... با فرآیند پیچیده ای انجام می شود، با شروع فعالیت فرابورس چه در رابطه با سهام شرکت های پذیرفته شده وچه در رابطه با معاملات عمده موردی این نقل و انتقال با سهولت انجام خواهدگرفت

۵ – شفافیت و اعتبار قیمت سهام بواسطه مبادله در فرابورس: با توجه به نظارت و شفافیت مکانیسم عرضه و تقاضا قیمت سهام شرکت ها در فرابورس مبین شرایط روشنی برای وضعیت مالی شرکت است و در همه معاملاتی که شرکت یا سهامداران آن انجام می دهند می تواند مبنای عمل قرار گیرد

۶- اطلاع رسانی هماهنگ و عادلانه به سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه: پس از پذیرش سهام شرکت ها در فرابورس مکانیسم های قانونی و مراجع رسمی برای اعلام اطلاعات شرکت وجود خواهد داشت و پس از آن ارائه اطلاعات و شفافیت بیشتر عملکرد مدیران خواهد شد ۷ – بهره گیری از امکان وثیقه گذاری سهام در شبکه بانکی و اخذ ساده تر تسهیلات بانکی و اخذ ساده تر تسهیلات: پس از پذیرش سهام شرکت در فرابورس با لحاظ اینکه یک مرجع اسمی برای انجام معاملات شرکت وجود دارد و در صورت و ثیقه شدن سهام امکان انجام معامله بر روی آن وجود ندارد. با توجه به اینکه هم اکنون بانک ها فقط سهام شرکت های بورسی را به عنوان وثیقه برای ارائه تسهیلات قبول می کنند با پذیرش سهام شرکت ها در فرابورس نیز امکان وثیقه گذاری سهام و اخذ تسهیلات بر روی سهام شرکت وجود خواهد داشت

۸ – معرفی شرکت و محصولات به طیف وسیعی از اقشار جامعه و افزایش اعتبار شرکت: با توجه به اینکه فرابورس و بازار سرمایه مخاطبین زیادی دارد، ورود شرکت به بازار سرمایه موجب آشنایی طیف وسیعی از مصرف کنندگان و خریداران کالا و خدمات

شرکت می شود و مخاطبین شرکت را افزایش خواهد داد. همچنین سهامداران شرکت خود می توانند زمینه های فعالیت های تجاری جدیدی را فراروی شرکت قرار دهند ۹ – پیش‌بینی فرآیند ساده خروج از فرابورس: در صورتی که به هر دلیل سهامداران عمده شرکتی تصمیم بگیرند شرکت خود را از فرابورس خارج کنند در دستورالعمل پذیرش ساز و کاری با این منظور در نظر گرفته شده است که طی فرآیند مشخصی امکان خروج از فرابورس و حتی تبدیل شرکت به شرکت سهامی خاص با سادگی امکان پذیر است

۱۰– معاملات خاص: در این بازار تنها نباید شرکتی عضو فرابورس باشد تا سهام آن معامله شود. طبق دستورالعمل پذیرش هر نقل و انتقال سهام در مورد شرکت های سهامی عام و خاص که به صورت عمده توسط سهامداران می تواند به صورت عرضه در بازار سوم صورت گیرد تا از مزایای شفافیت معامله کاهش مالیات نقل و انتقال و کاهش بوروکراسی نقل و انتقال بهره مند شوند. به‌طور کلی مخاطبان اصلی بازارهای فرابورس مطابق دستورالعمل پذیرش مصوب ۲۵/۰۱/۱۳۸۸ سازمان محترم بورس اوراق و بهادار ایران به شرح زیر است: شرکت های سهامی عام – شرکت های سهامی خاص در حال تبدیل به سهامی عام – عرضه های خاص– واحدهای سرمایه گذاری صندوق های سرمایه‌گذاری– واحدهای سرمایه گذاری صندوق های زمین و ساختمان – عرضه سهام بی‌نام شرکت های سهامی عام – گواهی سپرده بانکی– اوراق مشارکت– اوراق مشارکت رهنی – اوراق مشارکت اجاره– صکوک – حق تقدم شرکت های سهامی خاص برای تبدیل به سهامی عام.در نهایت فرابورس، بازار اوراق بهادار جدیدی است که با هدف پوشش خلاء موجود در بازار سرمایه تشکیل شده و دارای کارکردهای متعددی است. آمار موجود از شرکت های سهامی عام و خاص فعال، حکایت از فعالیت هزاران شرکت سهامی در عرصه گوناگون دارد که از این تعداد کمتر از ۵۰۰ شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده‌اند. همچنین به رغم وجود ده‌ها ابزار مالی تعریف شده در علوم مالی، تعداد بسیار اندکی از این ابزارهای مالی در کشور مورد بهره برداری قرار گرفته و در عمل پتانسیل، قابلیت ها و سودمندی‌های ابزار مشتقه برای صاحبان و استفاده کنندگان از منابع مالی بدون استفاده است. انواع قراردادهای آتی، اوراق اجاره، اوراق مشارکت رهنی، اوراق سفارش ساخت و .. نمونه های شناخته شده ابزارهای مالی قابل معامله در فرابورس هستند. علاوه بر صاحبان صنایع به عنوان قشر متقاضی منابع مالی، طیف وسیعی از صاحبان پس‌انداز که علاقمند به سرمایه گذاری در صنایع متنوع بوده و به‌تحلیلگری مالی نیز آشنا هستند. به دلیل وجود مشکلات متعدد در دسترسی به شرکت ها یا ابزار مالی مورد نظر، قیمت گذاری و در نهایت مقوله ضریب اندک نقدشوندگی هنگام خروج از سرمایه‌گذاری های ثبت نشده در بازاری همگانی، تمایل چندانی به ورود به اینگونه سرمایه‌گذاری ها ندارند. بنابراین وجود فضایی کارا و منصفانه که جریان منابع و منافع مالی را بین صاحبان و متقاضیان سرمایه ایجاد کند، ضرورتی انکارناپذیر است. از این منظر بنگاه های اقتصادی به عنوان متقاضیان منابع مالی و سرمایه گذاران به عنوان صاحبان منابع مالی در محیط فرابورس نقطه آغازی برای بازار سرمایه کشور و نوید بخش روزهای بهتری خواهد بود.

منبع: دنیای اقتصاد http://raznameh.com/itm۴۰۹۶.html

خلاصه کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم

توسعه اقتصادی در جهان سوم اثر: مایکل تودارو

ترجمه:دکتر غلامعلی فرجاد– تلخیص کننده: محسن جهانشاهلو– چاپ:سیزدهم: مقدمه: علم اقتصاد ومطالعه توسعه: مطالعه توسعه اقتصادی یکی از جدیدترین وهیجان انگیز ترین وبحث انگیز ترین شاخه های اقتصادواقتصاد سیاسی است.اگر چه می توان ادعا کرد که آدام اسمیت اولین " اقتصاد دان توسعه"بود وکتاب ثروت ملل وی که درسال ۱۷۷۶ نوشته شده است اولین رساله درباب توسعه اقتصادی است، ولی مطالعه منظم مسائل وجریانات توسه اقتصادی درجهان سوم فقط درخلال سه دهه گذشته آغاز شده است. معذلک،هنوز افرادی هستند که ادعا می کنند اقتصاد توسعه واقعا شاخه اقتصادی مجزایی،به همان مفهومی که مثلا اقتصاد خرد،اقتصاد کلان ویا مالیه عمومی واقتصاد پولی است،نیست.اینان اظهار می دارند که اقتصاد توصعه صرفا ملغمه ای هز کلیه این رشته های سنتی است ولی با تاکیدی خاص بر اقتصاد آفریقا،آسیا وآمریکای لاتین. ما بااین نظر موافق نیستیم،اگرچه اقتصاد توسعه ممکن است اصول ومفاهیم معینی را ازسایرشاخه های اقتصاد،درشکل سنتی ویاتعدیل شده،کسب کند ولی به طورکلی اقتصاد توسعه یک رشته مطالعه است که سریعا درحال تکمیل ساخت نظری وروش شناختی مشخص خود است.اقتصادهای کشورهای فقیر با جهت گیری های متفاوت ایدئدلوژیکی،زمینه های متنوع فرهنگی ومسائل مشابه ولی بسیار پیچیده اقتصادی اغلب نیاز به اندیشه های جدید وروشهای نو دارند.اعطای جایزه نوبل درسال۱۹۷۹به دو اقتصاددان برجسته توسعه،سرآرتور لوئیس ازدانشگاه پرینستون وتئودور شولتز ازدانشگاه شیکاگو،درواقع تایید موقعیت توسعه اقتصادی به عنوان یک رشته جداگانه دراقتصاد بود.بنابراین،بامقایسه اقتصاد جدید توسعه واقتصاد سنتی بررسی راآغاز می کنیم وسپس قسمت عمده ای ازاین فصل را به تحلیل عوامل اقتصادی،نهادی وساختی داخلی وبین المللی،که جزء اساسی هرگونه تحلیل مسائل ودورنمای توسعه است،اختصاص می دهیم. شاخصهای سنتی اقتصادی: برحسب اصطلاحات صرف اقتصادی ، توسعه دردهه گذشته به معنای توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخهای ۵تا۷درصد وبیشتر بوده است؛البته اقتصاد ملی که وضع اقتصادی اولیه اش برای مدت زمانی طولانی کم وبیش راکد مانده است.برای مثال،در قطعنامه سازمان ملل دهه های ۱۹۶۰و۱۹۷۰دهه های توسعه نامیده شد وتوسعه عمدتا برحسب نیل به هدف نرخ رشد سالانه ۹دصد درتولید ناخالص ملی تعریف شد.دیگر شاخص اقتصادی توسعه،نرخهای رشد تولید ناخالص ملی سرانه بوده است که یک کشور را درتوسعه تولیداتش برحسب نرخی سریعتر ازآهنگ رشد جمعت مشخص می کند.سطح ونرخ رشد تولید ناخالص ملی سرانه واقعی (یعنی رشد تولید ناخالص ملی سرانه پولی منهای نرخ تورم)معمولا درمفهومی وسیع برای اندازه گیری کل رفاه اقتصادی یک جمعیت به کار برده می شود–یعنی چه مقدار ازکالاها وخدمات واقعی برای مصرف وسرمایه گذاری دراختیار شهروند معمولی قرار می گیرد. توسعه اقتصادی درگذشته معمولا برحسب تغییر برنامه ریزی شده ساخت تولید واشتغال بررسی شده است؛به این ترتیب که سهم کشاورزی درتولید واشتغال کاهش می یابد،درحالی که برسهم بخشهای صنعت(صنایع کارخانه ای)وخدمات افزوده می شود.بنابراین،استراتژیهای توسعه معمولابرصنعتی شدن سریع شهری واغلب به زیان کشاورزی وتوسعه روستایی تاکید کرده اند.بالاخره،این شاخصهای اصلی اقتصادی توسعه اغلب با پذیرش کلی واشاره گذرا به شاخصهای اجتماعی غیر اقتصادی،مانند بهبود درسطح سواد،تعلیم وتربیت،شرایط بهداشت،خدمات وتامین مسکن،تکمیل شده است. نگرش اقتصادی جدید توسعه : متاسفانه تجربه دهه های ۱۹۵۰و۱۹۶۰ هنگامی که تعداد بسیاری ازکشورهای جهان سوم درمجموع به هدف رشد سازمان ملل دست یافتند ولی سطح زندگی توده های مردم در اکثر زمینه ها بدون تغییر باقی ماند،نشان داد که نواقص بسیاری دراین تعریف محدود توسعه وجود دارد،سروصدای زیادی درمورد کنار گذاشتن تولید ناخالص ملی ازطرف تعداد فزاینده ای از اقتصاددانان وتصمیم گیران سیاسی برخاست وحمله های مستقیم علیه فقر مطلق گسترده،توزیع ناعادلانه درآمدها وبیکاری فزاینده شدت گرفت.به طور خلاصه،درخلال دهه۱۹۷۰توسعه اقتصادی برحسب کاهش یا ازبین بردن فقر،نابرابری وبیکاری در چاچوب یک اقتصاد درحال رشد مجددا تعریف شد وتوزیع مجدد رشد شعاری عمومی شد.پروفسور دادلی سیرز سوالی اصلی را درباره معنای توسعه مطرح کرد واظهار داشت:سوالاتی که درباره توسعه یک کشور می توان کرد عبارتنداز اینکه فقر چه تغییری کرده است؟ بیکاری چه تغییری کرده است؟نابرابری چه تغییری کرده است؟وچنانچه کلیه سه پدیده فوق درطی یک دوره کم شده باشد بدون شک این دوره برای کشور مورد نظر یک دوره توسعه بوده است. اگر یک یا دو مورد از این مسائل اساسی بدت شده باشند وبه ویژه اگر هرسه مسئله بدتر شده باشند بسیار عجیب خواهد بود که نتیجه را توسعه بنامیم حتی درآمد سرانه دو برابر شده باشد. جمله بالازاده اندیشه ای بیهوده ویا تصویری خیالی از شرایط نیست.برای مثال،پاره ای ازکشورهای درحال توسعه باآنکه درخلال دهه ۱۹۶۰نرخهای درآمد سرانه شان نسبتا بالابود مع ذلک هیچگونه بهبودی دروضعیت اشتغال، برابری ودرآمدهای واقعی ۴۰درصد پایین جمعیتشان حاصل نشده است.طبق تعریف قبلی رشد،این کشورها دردهه ۱۹۶۰کشورهای درحال توسعه بودند،درحالی که بر طبق معیار جدیدتر فقر،برابری و اشتغال این کشورها هیچگونه توسعه ای

نداشته اند. پدیده توسعه یا وجود یک حالت مزمن توسعه نیافتگی تنها یک موضوع اقتصادی ویا صرف اندازه کمی درآمد، اشتغال ونابرابری نیست.توسعه نیافتگی برای بیش از۲میلیارد نفر ازمردم جهان واقعیت زندگی است وبه همان اندازه که یک وضعیت فقر ملی است یک حالت ذهنی نیز هست. به این ترتیب ، توسعه نیافتگی درمجموع حالت تجربه شده محرومیت است وبه ویژه وقتی که تعداد زیادتری ازمردم درباره توسعه جوامع خودآگاه می شوند وتشخیص می دهند که وسایل فنی ونهادی برای ازبین بردن فقر،بدبختی وبیماری وجود دارد توسعه نیافتگی غیر قابل تحمل می شود. توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییراتی اساسی درساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم ونهادهای ملی ونیز تسریع رشد اقتصادی ، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.توسعه دراصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی ، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی وخواسته های افراد وگروههای اجتماعی درداخل نظام ، ازحالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده وبه سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می یابد. هدفهای توسعه: می توان نتیجه گرفت که توسعه هم واقعیتی مادی است وهم حالت ذهنی که برحسب آن جامعه ازطریق ترکیب فرایندهای اجتماعی، اقتصادی ونهادی وسایلی را برای بدست آوردن زندگی بهتر تامین می کند.اجزاء خاص این زندگی بهترهرچه باشد ، توسعه درکلیه جوامع باید حداقل دارای سه هدف زیر می باشد: ۱)امکان دسترسی بیشتر به کالاهایتداوم بخش زندگی،مانند غذا ، مسکن ، بهداشت و امنیت وتوزیع گسترده تر این گونه کالاها ۲)افزایش سطح زندگی ، ازجمله درآمدهای بالاتر، تامین اشتغال بیشتر ، آموزش بهتر وتوجه بیشتر به ارزشهای فرهنگی وانسانی ، یعنی تمام آنچه که نه فقط به پیشرفت مادی کمک می کند ، بلکه احترام به نفس شخصی وملی بیشتری نیز ایجاد می کند. ۳)گسترش وامنه انتخاب اقتصادی و اجتماعی افراد و ملل ازطریق رهایی آنان از قید بردگی و وابستگی ،نه تناسب به سایر افراد وکشورها، بلکه همچنین نسبت به نیروی جهل وبدبختی بشری. ساختارهای گوناگون و ویژگیهای مشترک کشورهای درحال توسعه: عمومیت دادن بسیار زیاد مسائل۱۴۵ کشوری که کشورهای درحال توسعه را تشکیل می دهند خطرناک است. اگر چه تقریبا کلیه این کشورها ازنظر مالی فقیرند ولی دارای فرهنگ ، شرایط اقتصادی وساختهای اجتماعی وسیاسی متفاوتی هستند.به این ترتیب ، مثلا، کشورهای کم درآمد شامل هند که بیش از۹۰۰میلیون نفر جمعیت و۱۷ایالت دارد ونیز گرنادا که دارای جمعیتی کمتر از ۱۰۰۰۰۰نفر وکمتر ازبسیاری شهرهای بزرگ آمریکاست، می شود.اندازه بزرگ کشور اگرچه مسائل پیچیده انسجام ملی واداره کردن آن را به همراه دارد ولی فواید بازارهای نسبتا بزرگ ورشته وسیعی ازمنابع وامکانات برای خود کفایی وتنوع اقتصادی را نیز به همراه دارد.ازطرف دیگر ، بسیاری از کشورهای کوچک با مسائل کاملا متفاوتی مواجه هستند، ازجمله بازارهای محدود،کمبود مهارتها ، کمیابی منابع مادی ،قدرت ضعیف چانه زنی وامید کم به خود اتکایی مهم اقتصادی. در تلاش برای طبقه بندی کشورها،برخی از تحلیلگران با استفاده از نظام طبقه بندی سازمان ملل ترجیح می دهند که کشورهای در حال توسعه را به سه دسته تقسیم کنند: الف)۴۴کشورکه سازمان ملل آنها را کشورهای در پایین ترین سطح توسعه نامگذاری کرده است. ب) ۸۸ کشور درحال توسعه غیر نفتی . ج)سیزده کشور صادر کننده نفت(اوپک)درطبقه بندی دیگر که بوسیله سازمان همکاری وتوسعه اقتصادی اروپا ارائه شده است کشورهای درحال توسعه از۶۱کشور کم درآمد متوسط و۱۱کشور تازه صنعتی شده و۱۳کشور صادر کننده نفت تشکیل شده است.سرانجام ، بانک بین المللی بازسازی وتوسعه یابانک جهانی نظام طبقه بندی خاص خود دارد.دراین نظام طبقه بندی ۱۲۵کشور (توسعه یافته و در حال توسعه)با جمعیت بیش از یک میلیون نفر برحسب درآمد سرانه شان به چهار دسته تقسیم شده اند:کشورهای کم درآمد ، کشورهای میان درآمد ، کشورهای بادرآمد بالاتر ازمتوسط و کشورهای پر درآمد.کشورهای واقع دردسته اول تماما کشورهای درحال توسعه هستند(۱۰۱کشور)، درحالی که از۲۴کشور پردرآمد۱۹کشور توسعه یافته و۵کشور(هنگ کنگ ، کویت ، اسراییل ، سنگاپور وامارات متحده عربی)درحال توسعه هستند. درهرحال ، علی رغم چنین تفاوتهای آشکاری، اکثر کشورهای درحال توسعه دریک رشته ازهدفهای مشترک وکاملا روشن سهیم هستند.این هدفها شامل کاهش فقر ونابرابری وبیکاری ، تامین حداقل سطح آموزش وپرورش ، بهداشت ، مسکن وغذا برای افراد متبوع کشور ونیز گسترش امکانات اقتصادی، اجتماعی وایجاد همبستگی ملی می شود. درارتباط با این هدف های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مسائل مشترکی نیز وجود داردکه کشورهای درحال توسعه با درجات متفاوتی درآن سهیم هستند:ازآن جمله فقر مطلق گسترده و مزمن ، بیکاری وکم کاری زیاد و درحال رشد ، اختلافات زیاد ودرحال افزایش درتوزیع درآمدها،سطوح پایین و راکد بازدهی کشاورزی ، عدم توازن قابل ملاحظه ودرحال رشد بین سطوح زندگی وموفقیتهای اقتصادی شهر و روستا، نظامهای نامناسب آموزشی و بهداشتی ، وابستگی بسیار زیاد وفزاینده به تکنولوژی ها ، نهادها ونظامها ی ارزشی اغلب نامناسب بیگانه . بنابراین ، مفید ومیسر خواهد بود که درباره تشابهات مسائل اساسی وحاد توسه سخن بگوییم واین مسائل را ازدیدگاه وسیع جهان سوم تحلیل کنیم. ساختاراقتصاد کشورهای درحال توسعه: باتوجه به تنوع ساختی کشورهای درحال توسعه ، می توانیم هفت عامل مهم را فهرست کنیم.این عوامل عبارتند از: ۱)اندازه کشور(جغرافیایی ، جمعیت ، درآمد) ۲)تکامل تاریخی ۳)منابع مادی وانسانی ۴)اهمیت نسبی بخشهای عمومی خصوصی ۵)ماهیت ساخت صنعتی کشور ۶)درجه وابستگی کشور به قدرتهای اقتصادی و سیاسی خارجی ۷)توزیع قدرت وساخت نهادی وسیاسی درداخل کشور اکنون هریک از عوامل فوق را ، به طور خلاصه وبا توجه خاص به تشابهات وتفاوتها در آفریقا ، آسیا وآمریکای لاتین مورد بررسی قرار می دهیم. اندازه وسطح درآمد: اندازه جغرافیایی یک کشور،جمعیت و سطح درامد ملی سرانه آن به وضوح عوامل تعیین کننده مهمی دراقتصاد بالقوه کشور بوده وعامل مهمی درمتمایز کردن یک کشور از دیگر کشورهای جهان سوم به حساب می آید.از۱۴۵ کشور درحال توسعه ، که عضو کامل سازمان ملل متحدند ، ۹۰کشور کمتر از۱۵میلیون نفر و۸۳ کشور کمتر از۵میلیون نفر جمعیت دارند.کشورهای بزرگ وپرجمعیت مانند برزیل ، هند،مصر،ونیجریه درکنار کشور هایی مانند پاراگوئه ، نپال ،اردن و چاد قرار دارند.اندازه بزرگ کشور معمولا-فواید منابع متنوع،بازارهای بالقوه بزرگ ووابستگی کمتر به منابع خارجی مواد خام و محصولات را به همراه دارد:ولی درعین حال مسائل کنترل اداری ، انسجام ملی وعدم تعادلهای منطقه ای را به وجود می آورد. زمینه تاریخی: اکثر کشورهای آفریقایی و آسیایی روزگاری مستعمره کشورهای اروپای غربی ، عمدتا بریتانیا و فرانسه وهمچنین بلژیک ، هلند، آلمان ، پرتغال واسپانیا بوده اند.بنابراین ، ساخت اقتصادی آنها ونیز نهادهای آموزشی واجتماعی شان نوعا ازحاکمان قدیمی استعمارگرشان تقلید شده است.برخی ازکشورها مانند آن دسته ازکشورهای آفریقایی که درسالهای اخیر مستقل شده اند بیشتر علا قه مند به تحکیم وتکامل ساخت سیاسی واقتصادی خود هستند تا توسعه سریع اقتصادی.درنتیجه سیاستهای آنان (برای مثال آفریقایی کردن سریع مشاغل دولتی که سابقا درتصرف استعمارگران بوده) می تواند منعکس کننده توجه بیشتر به این مسائل سیاسی حاد باشد. درآمریکای لاتین ،تاریخ طولانیتر استقلال سیاسی همراه با میراث نسبتا مشترک استعماری (اسپانیا وپرتغال)موجب شده است که علی رغم تنوع جغرافیایی وجمعیت،کشورها دارای نهادهای نسبتا مشابه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی بوده بامسائل مشابهی رو به رو باشند. درآسیا ، میراثهای استعماری متفاوت و سنن متنوع فرهنگی مردم بومی با یکدیگر ترکیب شده است والگوهای کاملا متفاوت اجتماعی ونهادی را در کشورهایی مانند هند(مستعمره بریتانیاییها)، فیلیپین (اسپانیاییها و آمریکاییها)، لائوس (فرانسویان) واندونزی (هلندیها)به وجود آورده است. منابع مادی انسانی: امکانات بالقوه یک کشور برای رشد اقتصادی تاحدود زیادی تابع منابع مادی(زمین،معادن وسایر موادخام) ومنابع انسانی (تعدادافراد وسطح مهارتهای آنان)است.نمونه کاملا بارز موهبت منابع مادی ، کشورهای نفتی خلیج فارس است.درقطب مقابل این افراط درمنابع ، کشورهایی قرار دارند مانندتوگو، لاگوس، هائیتی و بنگلادش که منابع مواد خام و منابع زیر زمینی ونیز زمینهای قابل کشتشان تقریبا درکمترین سطح ممکن است. درزمینه منابع انسانی نه تنها تعداد افراد جمعیت وسطح مهارتهای آنان، بلکه دورنمای فرهنگی وطرز تفکر آنان درمورد کار وعلاقه آنانبه پیشرفت وترقی شخصی نیز اهمیت دارد.به علاوه،سطح مهارتهای اداری اغلب قدرت بخش دولتی را درتغییر ساخت تولید وزمان لازم برای تحقق چنین تغییری تعیین می کند.دران جا با مجموع روابط متقابل بسیار پیچیده بین فرهنگ ، سنت ، اخلاق ، چند پارگی یا انسجام قومی سروکار داریم.بنابراین ، ماهیت وخصوصیت منابع انسانی یک کشور عوامل تعیین کننده مهم ساخت اقتصادی آن کشور است و به نحو آشکاری از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است. اهمیت نسبی بخشهای دولتی و خصوصی: اکثر کشور های جهان سوم

نظامهای اقتصادی" مختلط "دارند ؛ مالکیت و بهره برداری منابع هم به صورت دولتی و هم خصوصی وجود دارد. تقسیم مالکیت و بهره براری منابع بین این دو بخش و اهمیت نسبی هر یک بیشتر تابع شرایط تاریخی و سیاسی است.به طور کلی ،کشور های امریکای لاتین بخشهای خصوصی بزرگتری دارند تا کشور های آسیایی و به ویژه افریقایی. میزان مالکیت خارجی در بخش خصوصی یکی دیگر از متغیر های مهمی است که باید در متمایز کردن کشورهای کمتر توسعه یافته مورد بررسی قرار گیرد.مالکیت خارجی زیاد در بخش خصوصی معمولا"امکانات اقتصادی و سیاسی به وجود می آورد ولی در عین حال مسائلی نیز به بار می اورد که در کشورهایی که سرمایه گذاری خارجی کمتر متداول است وجود ندارد.اغلب ، کشورهایی،مانند کشورهایی آفریقایی ، که با کمبود شدید نیروی انسانمی ماهر روبه رو هستند ،تاکید بیشتری بر فعالیتهای بخش عمومی می کنند و این تاکید بر پایه این فرض قرار دارد که نیروی انسانی ماهر و محدوشان ، با هماهنگ کردن به جای چند پاره کردن فعالیتهای اداری و تجاری ، بهتر می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد. سیاستهای اقتصادی ، به طور مثال ، سیاستهایی که به منظور بالا بردن سطح اشتغال طرح ریزی شده است طبیعتا " در کشورهایی که بخش های عمومی بزرگ دارند متفاوت از کشورهایی است که دارای بخشهای خصوصی قابل توجهی هستند.در اقتصادهایی که بخش دولتی ان مسلط است ، پروژهای سرمایه گذاری مستقیم دولتی و برنامه های بزرگ فعالیتهای روستایی اولویت دارند،در حالی که در اقتصادهایی که بخش خصوصی مسلط است یا در حال مسلط شدن است ،این گونه سیاستها یی دولت ، که به منظور تشویق سوداگران خصوصی به استخدام کاگر بیشتر از طریق دادن امتیازات مخصوص مالیاتی طرح ریزی می شود،ممکن است بیشتر متحمل باشد تا ایجاد اشتغال مستقیم دولتی.به این ترتیب ، اگر چه مسئله (بیکاری گسترده) ممکن است در کشورها مشابه باشد ولی راه حل می تواند با توجه به اختلاف اهمیت نسبی بخشهای عمومی و خصوصی آن کشورها متفوات باشد. ساخت صنعتی: اکثر کشورهای در حال توسعه از حیث اقتصادی ،اجتماعی و فرهنگی کشوارزی هستند.کشاورزی ، چه معشیتی وچه تجاری ، فعالیت عمده اقتصادی را ،اگر نه بر حسب داشتن سهم متناسب در تولید ناخالص ملی ، بلکه بر حسب توزیع حرفه ای نیروی کار ، تشکیل می دهد.کشاورزی نه تنها یک شغل بلکه یک شیوه زندگی برای اکثر مردم آسیا،آفریقا وآمریکای لاتین است.در زمینه اهمیت نسبی بخش صنایع کارخانه ای و خدمات است که ما شاهد وسیعترین گوناگونی ها بین کشوره ای در حال توسعه هستیم. اکثر کشورهای آمریکای لاتین با داشتن تاریخ طولانیتر استقلال و به طور کلی سطوح بالاتر درآمد ملی، در مقایسه با کشورهای آفریقایی ویا آسیایی ، دارای بخشهای صنعتی پیشرفته تری هستند.ولی در دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰ کشورهایی مانند تایوان ،کره جنوبی، هنگ کنگ و سنگاپور رشدتولید محصولات صنعتی خود را تاحد زیادی تسریع کردند و دو کشور اول به سرعت در خحال صنعتی شدن هستند.از حیث اندازه صرف ، هند یکی از بزرگترین بخشهای صنعتی را در جهان سوم داراست ، ولی ، در هر حال ، این بخش در مقایسه با جمعیت بسیار بزرگ روستایی آن کوچک است.بنابراین ، علی رغم مسائل مشترک ، استراتژیهای توسعه جهان سوم ممکن است بسته به ماهیت ، ساخت و درجه وابستگی متقبل بین بخشهای اول (کشارزی،جنگلداری،ماهیگیری)و بخشهای دوم (اغلب تولید صنعتی)و بخشهای سوم (تجارت ، مالیه ، حمل ونقل وخدمات)از کشوری بخش کشور دیگر تغییر کند. وابستگی خارجی:اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی درجه وابستگبی هرکشور به قدرتهای بیگانه اقتصادی،اجتماعی وسیاسی وعمدتا به اندازه میزان منابع وتاریخ سیاسی آن کشور بستگی دارد.برای اکثر کشورهای جهان سوم این وابستگی بسیار زیاد است.دربرخی موارد،این وابستگی تقریبا تمام جنبه های زندگی را دربر می گیرد.اکثر کشورهای کوچک درتجارت خارجی خود وابستگی شدیدی به کشورهای پیشرفته دارند.تقریبا تماما متکی به واردات تکنولوژیهای تولید اغلب نامناسب خارجی اند.این امر خود به تنهایی تاثیر فوق العاده ای درخصویت فرایند رشد کشورهای وابسته به جا می گذارد. ولی حتی بالاتر ازمظاهر وابستگی شدید اقتصادی به شکل انتقال بین المللی کالاها وتکنولوژیها ، انتقال بین المللی نهادها(عمدتا نظامهای آموزشی وبهداشتی)،ارزشها ، الگوهای مصرف ونیز تلقی افراد نسبت به کار ،زندگی وخودشان قرار دارد. پدیده انتقال ، فواید گوناگونی برای اکثر کشورهای درحال توسعه ، به ویژه کشورهایی که بیشترین امکان بالقوه را برای خود اتکایی دارند،به همراه می آورد.توانایی یک کشور در ترسیم سرنوشت اقتصادی واجتماعی خود تا حدود زیادی به درجه وابستگی کشور به این یا آن قدرت خارجی مربوط خواهد بود. ساخت سیاسی ، قدرت .وگروههای همسود: درتحلیل نهایی ، اغلب تنها درستی سیاستهای اقتصادی نیست که برخورد یک کشور را نسبت به مسائل حاد توسعه تعیین می کند.ساخت سیاسی ومنافع موجود واتحاد گروههای ممتاز نوعا تعیین می کند که چه استراتژیهای امکان پذیر است و موانع اصلی تحول موثر اقتصادی واجتماعی کجاست. مجموعه منافع وقدرت طبقات مختلف جمعیت دراکثر کشورهای درحال توسعه خود نتیجه تاریخ اقتصادی،اجتماعی وسیاسی آنهاست واحتمالا ازیک کشور به کشور دیگر متفاوت است . مذلک ، توزیع قدرت بین زمینداران بزرگ آمریکای لاتین ، سیاستمداران وکارمندان عالی رتبه دولت افریقا ، شیوخ صاحب نفت وغولهای مالی خاورمیانه ویا مالکین، صرافان وصاحبان ثروتمند صنایع آسیا هرچه باشد، اکثر کشورهای درحال توسعه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم تحت حاکمیت گروه کوچک ممتاز و قدرتمند ، درحدی بیشتر از کشورهای توسعه یافته ، قرار دارند. بنابراین ، تحولات موثر اقتصادی واجتماعی ایجاب می کند که یا پشتیبانی گروههای ممتاز از طریق تشویق ویا تهدید حاصل شود ویا آنکه به وسیله قدرتهای نیرومندتری کنار گذاشته شوند،درهرحال توسعه اقتصادی واجتماعی اغلب بدون تغییر همزمان نهادهای اجتماعی ، سیاسی ورقتصادی یک ملت ، امکان پذیر نخواهد بودواین نظر اغلب در سراسر کتاب تکرار خواهد شد. ویژگی های مشترک کشورهای درحال توسعه: بخشهای قبلی باید نشان داده باشد که چرا برخی اوقات خطرناک است که بیش از حد درباره یک رشته کشورهای متنوعی که در آفریقا ، آسیا و آمریکای لاتین قرار دارند عمومیت قایل شویم. معذلک ، ویژگی های اقتصادی مشترک کشورهای درحال توسعه به ما اجازه می دهد که این کشورها را درچارچوب مشابهی مورد بررسی قرار می دهیم.این ویژگی های مشترک را به شش گروه عمده دسته بندی می کنیم: ۱) سطح پایین زندگی ۲)سطح پایین بهره وری ۳)نرخ بالای رشد جمعیت وبار تکفل ۴)سطح بالا وفزاینده بیکاری وکم کاری ۵)وابستگی بسیار به محصولات کشاورزی وصادرات محصولات اولیه ۶)تسلط، وابستگی وآسیب پذیری در روابط بین المللی وابستگی به قدرتها: برای بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته ، عامل مهمی که به تداوم سطح پایین زندگی بیکاری فزاینده ونابرابری درحال رشد درآمدها کمک می کند توزیع بسیار نابرابر قدرت اقتصادی وسیاسی بین کشورهای ثروتمند وفقیر است. همان طور که بعدا خواهیم دید ، این نابرابری قدرت نه تنها درنیروی مسلط کشورهای ثروتمند درکنترل الگوی تجارت بین المللی نمودار می شود،بلکه در قدرت کشورهای ثروتمند در زمینه تحمیل شرایط انتقال تکنولوژی ، کمکهای خارجی وسرمایه های خصوصی ه کشورهای در حال توسعه نیز مشخص می شود.جنبه های دیگر جریان انتقال بین المللی نیز به همان اندازه مهمند و مانع توسعه کشورهای فقیر می شوند.یکی از عوامل بسیار مهم که به تداوم عقب ماندگی کمک می کند انتقال ارزشها، طرز تفکرات ، نهادها ومعیارهای رفتاری کشورهای توسعه یافته به کشورهای درحال توسعه است.فی المثل ، انتقال ساختهای نامناسب آموزشی ، نظامهای نامناسب آموزشی ، نظامهای نامناسب تحصیلی وتربیتی ؛ تشکیل اتحادیه های کارگری نوع غربی :تشکیلات وجهت گیری های خدمات بهداشتی که اغلب از الگوهای غربی پیروی می کند: و بالاخره ، ساخت و کارکرد نظام دیوان سالاری واداری که با نیازهایی که اولویت دارند ونیز با عرضه نیروی انسانی موجود درکشورهای درحال توسعه تباین دارند.ازجمله مسائلی که حتی به طور بالقوه اهمیت بیشتری ارند می توان ازنفوذ معیارهای اقتصادی واجتماعی کشورهای ثروتمند بر سطح حقوق وشیوه طبقات ممتاز وطرز تلقی عمومی نسبت به تراکم ثروت خصوصی درکشورهای درحال توسعه نام برد.چنین طرز تلقیی اغلب به رشوه خواریوغارت اقتصادی اقلیتی ممتاز منجر مسی شود.بالاخره نفوذ طرز تلقی ، ارزشها ومعیارهای کشورهای ثروتمند اغلب به ایجاد مسئله ای کمک می کند که کاملا به آن اذعان شده است.اثر عمده تمام این عوامل ، ایجاد وضعیت آسیب پذیری درکشورهای جهان سوم است که برحسب آن نیروهایی که عمدتا از کنترل آنان خارج اند می توانند تاثیر مهمی در رفاه کلی اقتصادی و اجتماعیشان داشته باشند. بسیاری از کشورها یقینا تعداد زیادی از چهل و دو کشوری که در زمره کم توسعه یافته ترین کشورهاهستند اقتصادشان کوچک ووابسته به است ودورنمای بسیار ضعیفی برای خود اتکایی دارند.بنابراین درواقع ، خروجشان از اقتصاد جهانی غیر ممکن است .ولی می توان امیدوار بود که این کشورخها بتواانند با متشکلکردن نیروهایشان از ظنر اقتصادی به

نوعی خود اتکایی دسته جمعی دست یابند .درضمن چنین همکاریی میتواند نیروی چانه زنی مشترک کشورهای کوچک کشورهای کوچک را تقویت می کند و آنان را قادر سازد تا روابط اقتصادی خود را دقیقتر بررسی کنند ودر انتخاب سرمایه گذاری خارجی وکمک فنی دقت بیشتری مبذول دارند. برای آن دسته از کشورهای جهان سوم که ثروت بیشتری دارند واز قدرت چانه زنی نسبتا بالاتری برخوردارند، پدیده تسلط اغلب در گرایش عمومی ثروتمندان به ثروتمند تر شدن ، آن هم اغلب به زیان فقرا ، نمودار می شود.اما باید توجه داشت که مسئله صرفا این نیست که کشورهای ثروتمند سریعتر از کشورهای فقیر رشد می کنند مسئله بخشها یا گروههای ثروتمند ومسلط در داخل اقتصاد کشورهای کمتر توسعه یافته نیز مطرح است که به زیان بخش بسیار بزرگتر جمعیت ، که همانا توده های قیرند و از نر سیاسی و اقتصادی قدرت کمتری دارند ، ثروتمند تر می شوند . این فرایند دو گانه کشورهای ثروتمند و گروهای قدرتمند کمتری دارند ، ثروتمند تر می شوند. این فرایند دو گانه کشورهای ثروتمند و گروههای قدرتمند در داخل کشورهای فقیر ، پدیده های جداگانه ای نیستند. نتیجه: پدیده عقب ماندگی را باید در چارچوب ملی و بین المللی بررسی کرد.نیروهای اقتصادی ، اجتماعی ، چه داخلی و چه خارجی ، مسئول فقر ، نابرابری وبهره وری پایینی هستند که معمولاـ مشخص کننده اکثر کشورهای جهان سوم است.پیگیری موفقیت آمیز توسعه ، اقتصادی و اجتماعی ، به منظور پاسخگویی به نیازهای توسعه کشور های فقیر ، نه تنها مستلزم تدوین استراتژیهای مناسب درداخل کشورهای جهان سوم ، بلکه همچنین نیازمند تعدیل نظام تعدیلات بین المللی لازم است که درک کاملا روشنی از مفاهیم توسعه و عقب ماندگی داشته باشیم .

نظری به نظام اقتصادی اسلام

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تلخیص: سید شهاب الدین سیدی و مهدی کریم زاده: مقدمه: الف:نظری به اقتصاد اسلامی: طبق نظریه اقتصاد اسلامی مسائل زندگی صلاح وفساد درهر یک از گشودن زندگی مجرد جدا ازدین نیست بلکه این دو(دین وزندگی)مکمل یکدیگرند وممکن نیست اجتماعی مثلافرهنگ یا سیاست یا قضاوت یا اخلاق و تربیت و یا اقتصادش فاسد باشد اما دینش درست باشد وبلعکس.دوگونه پیوند اسلام با اقتصاد:۱-پیوندمستقیم اسلام: از آن جهت است که مستقیما یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مباشرت، مالیاتها، ارث ومجازاتهایی درزمینه ثروت وغیره دارد.۲-پیوند غیرمستقیم اسلام : با اقتصاد ازطریق اخلاق است .اسلام مردم راتوصیه می کند به امانت ،عفت ، عدالت ،وایثار واحسان ......وهمه اینها درزمینه ثروت است وتازمانی که حدود مسائل افتصادی روشن نشود حدودعدالت وامانت وعفت و....روشن نمی شود.نظر اسلام راجع به ثروت:دراسلام مال وثروت هیچ وقت تحقیر ومطردد نشده است ،نه تولیدش ،ونه مبادله اش،ونه مصرف کردنش وبرای آنها شرایط وموازین مقررشده است . اما اسلام این عقیده راکه پول پرستی رابه خاطر خودپول ،برای ذخیره کردن واندوختن بخواهد که پول رابرای پرکردن شکم وعیاشی بخواهد که شهوترانی است محکوم کرده است .درواقع پول باید به عنوان وسیله ای برای فعالیت وعمل وتسهیل وتولیدات باشد دراین صورت پول تابع هدف کلی است که انسان پول را برای آن هدف می خواهد.آب درکشتی هلاک کشتی است

وربود زیرکشتی پشتی استاسلام که پول پرستی رامحکوم کرده است پول وثروت را محکوم نکرده است ،زیرا:الف)تولید ثروت،کشاورزی ،دامداری،صنعت ،وغیره توصیه شده استب)مبادله ثروت یعنی تجارت دادوستد توصیه شده است ج)مصرف رساندن از نظر شخصی درحدوداحتیاجات فردی خالی از هرنوع تجمل واسراف توصیه شده است .د)دفاع ازمال درحکم جهاد وکشته دراین راه شهید تلقی شده است .ه)خودثروت درکمال صراحت درقرآن کریم به عنوان(خیر)نامیده شده است.ب)اقتصادسالم:یکی ازاصول اولیه اقتصادسالم ،حیات وقابلیت رشد ونمو ثروت است ،همانطوری که ازشرائط اساسی یک اجتماع سالم اقتصاد سالم است ، اقتصادسالم یعنی اقتصادقائم به ذات وبی عیب وغیر قائم به غیر،ازنظراسلام هدفهای اسلامی بدون اقتصاد سالم غیر قابل تامین است.هرملتی که از لحاظ اقتصادی دستش به طرف ملت دیگر درازباشد اسیر وبرده و است به قول نهرو: (ملتی مستقل است که جهش اقتصادی داشته باشد)علی (ع)می فرمایند:محتاج هرکه شوی اسیراوخواهی بود ،بی نیاز ازهر که گردی بااوبرابرخواهی شدوهرکه راموردنیکی واحسان خودقراردهی فرمانروای اوخواهی شد.نتیجه اینکه ازنظراسلام (اقتصادمستقل ،یکی ازشرایط حیات ملی است.)نکته دوم اینکه :اسلام همیشه روش وسط ومتعادل راپیش میگیرد واین جهت گیری ناشی ازجنبه همه جانبه بودن اسلام است .روش تفریطی ازآن جهت که اساساارزش سلامت بنیه اقتصادی رادرک نمی کند وطرفدارفقراست.روش افراطی ازآن جهت که برارزش اقتصادپی برده وبطور افراطی باید ازهمه جهات میل بخریدوتقاضای فرد برآورده شود ومعتقد است که منبع درآمد تمایلات بشراست.نتیجه این که تزاسلام این است :«منبع درآمد،تمایلات وخواسته های مردم باشد،مصالح عمومی باشد»به تعبیر فقها ،خرید وفروش چیزی جایزاست که هدف منافع اجتماع باشدنه پرکردن جیب شخص ایناقتصاد، اقتصادی است واقع بنیانی ومرتبط به اخلاق وتربیت بشر.اما دراقتصادسرمایه داری محدودیتهایی که برای استفاده قانون ضررازثروت که وسیله تامین هدفهای عالی است خبری نیست واین رامی توان ازصادرات این گونه کشورها به کشورهای نیازمند مثل ایران که چه صادرمی کنندو چه می برند فهمید.نکته سوم:ازهر راهی نبایدبدنبال ثروت بود ونبایدسیستم اقتصادی به شکلی باشد که رشدونمو رافلج کند. ازجمله مواردی که به عقیده ما تز مانع رشد است(کاربه قدر استعدادومخارج به قدر احتیاج که لازمه اش اشتراک حریم در منافع یکدیگر است. معایب این عقیده:۱-برخلاف فطرت وطبیعت است چراکه پیوستگی طبیعی افراد بشربه حد اجزاءیک پیکرنیست.۲-نوعی استثماراست۳-منع فعالیت ونشاط است چراکه انسان زمانی نشاط کارپیدامی کند که بداند نتیجه کارش بخودش برمی گردد. خلاصه مطلب اینکه :اسلام طرفدار تقویت بنیه اقتصادی است امانه بعنوان اینکه اقتصادخودهدف است یانتها هدف است ،بلکه بعنوان اینکه هدفهای اسلامی بدون اقتصادسالم ونیروی مستقل اقتصادی میسرنیست.۴-اسلام طرفدار نظریه (سرچشمه درآمد،تقاضاها ،وتمایلات است،نیست)بلکه معتقد است باید تمایلات بامصالح عالی وهمه جانبه بشریت تطبیق بکندومکاسب محرمه دراسلام نیز ازاین جهت مطرح شده است (مثل فروختن بت وصلیب راحتی به غیر مسلمان تحریم می کند.(فروختن شراب وآلات قماروسائل گمراهی راحرام می کند) درآمدمشروع ازنظراسلام یعنی درآمدی که ازطرفی محصول فعالیت شخص باشد یا«اقل جنبه استثمارنداشته باشدوازطرف دیگر ازلحاظ مصرف ،قابلیت مصرف شدن مشروع ومفیدداشته باشد(به قول سوسیالیستها:هدف ،منافع اجتماع باشد نه پرکردن جیب شخصبخش ۱اقتصاد چیست؟انسان برای بقاءوحیات خود احتیاجاتی از قبیل:۱-احتیاجات خانوادگی– همسروفرزند۲-احتیاجات فرهنگی۳-احتیاجات معنوی ودینی۴-احتیاجات سیاسی(حکومتی)۵-احتیاجات اجتماعی از قبیل قضاوت۶-احتیاجات معاشبه نظر میرسد در تعریف اموراقتصادی وتمیزانهاازغیرانها،کافی نیست که گفته شود(احتیاجات مادی درمقابل احتیاجات معنوی)زیرا گذشته از این که تعیین مرز میان مادی و معنوی خالی از اشکال نیست،احتیاجات جنسی و زناشویی،مادی است و نه اقتصادی.ظاهرا اموراقتصادی اموری است که رابطه بشر با انها،رابطه مالکیت است،واجتماع به او اجازه مبادله می دهد.تنها مالکیت به معنی اختصاص و استفاده حداکثر منفعت هم کافی نیست در تعریف ،زیرا مالکیت زن و مالکیت مقام،گاهی به این حدمی رسدولی نمی توان ان را جزءمسائل اقتصادی به شمار اورد،همچهان که صرف تاثیر پول ،ولو به طور غیرمستقیم نیز کافی نیست ؛مثلا یک پولدار به واسطه پول زیباترین زنان را در اختیار میگیرد ،(اوناسیس)(ژاکلین)رابه یک معنی می خرد.یهودیان امریکارؤساءجمهوری را می خرند،و برعکس،یک خوشگل ویا صاحب یک زن خوشگل،آراء بیشتری می اوردواحیانا ثروت بیشتری تصاحب میکند.ممکن است گفته شود که ملاک ،اموری است که تولید و توزیع می شوند.جواب این است که بسیاری از ثروتها تولید انسان نیست ،مثل معادن زیرزمینی و حیوانات دریایی و شکاری .و به علاوه،تولید،در غیر موردثروت هم صادق است.تولید پسرو دختر ازنظراحتیاجات زناشویی بشر،تولید است و باید هم توزیع بشود.ممکن است گفته شوداگر ملاک ،مبادله باشد ،پس در کشورهای اشتراکی ،اقتصاد وجود ندارد.جواب این است که در این اجتماعات همه مالک اند و همه شریک اندو ثروت قابلیت مبادله داردولی میان اجتماع و طرف دیگر که فرضا فرد یا اجتماع دیگر است .و فرضا همه افرادبشر،یک جامعه را به وجود اورند،باز قابلیت مبادله ازمیان نمی رود.مهمترین واولین احتیاجات (اقتصادی) است واحتیاجات اقتصادی از زمان پدیدآمدن زندگی اجتماعی وتقسیم کاروظائف درمیان افراد این احتیاج

بوجودآمده است.در روابط اجتماعی مفاهیمی ازقبیل :۱-ریاست ۲-مرئوسیت۳-زوجیت۴-وجوب اطاعتروابط اقتصادی:۱-مالکیت ۲-مملوکیت۳-حق۴-مبادلهیعنی همین اشتراک مساعی وتقسیم کارضرورت پیدا کردویک سلسله اعتبارت ومفاهیم اعتباری وقانونی ضرورت پیدا می کند.نتیجه اینکه :آن سلسله ازمفاهیم اعتباری که مربوط است به تولید وتقسیم وتوزیع ثروت ووسائل معاشی،روابط اقتصادی نامیده می شود. تولید:دردنیای طبیعت حیوانات معاش خودراازطبیعت بصورت آمده دریافت می کندواستعداد انجام کاورزی موادطبیعی راندارند. اماانسان برای برآوردکردن احتیاجات معاش خوداز طریق کارروی طبیعت وداشتن استعدادوقدرت چنین کاری احتیاجات خودرابرآورده می کند. اما همین حیوانات هستند که وسائل معاش خودراباکار آماده می کنندومولد به شمارمی آیندمانندزنبورعسللذا به همین جهت است که روابط اقتصادی وقانونی در روابطی نظیرمزدبگیری وفروش ،کارومزرعه و....درتولیدبوجود می آید.روابط اقتصادی وقانونی دونوع:۱-روابط طبیعی وتکوینی۲-روابط اعتباری وقانونیا به عبارت دیگر(اقتصاد):۱-طبیعی۲- برنامه ای۱- روابط طبیعی عبارتست:از یک سلسله روابط علی ومعلولی که خواه ناخواه درامور اقتصادی پیش می آید مثل روابط مربوط به عرضه و تقاضا ،تورم پول ،افزایش و کاهش قیمتها- بیکاری بحران اقتصادی، مالیات ۲- روابط اعتباری وقراردادی عبارتست:از قوانین مربوط به حقوق ومالکیتهای شخصی واشتراکی تاثیرروابط طبیعی وقراردادی دریکدیگر:روابط طبیعی باکاروصنعت وتکامل ابزارتولیدورقابتها ومتمرکزها مرتبط است.و به عقیده مارکسیستها،تکامل ابزارتولید ،خواه ناخواه سبب می شود که قوانین اقتصادی تغییریابد.نتیجه اینکه :هم مقررات اجتماعی خاص ،جریانات طبیعی اقتصادی خاصی رابدنبال خود می آوردوهم روابط وآثار طبیعی ،خواه ناخواه یک سلسله مقررات جدیدی راایجاب می کند.مبادله:یکی از مسائل مربوط به اقتصاد ،مبادله است.اقتصاد مبادله ای یعنی اقتصاد مبنی بر مالکیت فردی ودر مالکیت اشتراکی همه مبادلات هست اما در میان اجتماع ها،نه میان افراد که با به وجود آمدن زندگی اجتماعی(فراتر از زندگی اجتماعی)و در اثر رشد وتوسعه اقتصاد واسطه ای(پول) برای مبادلات به وجود آمد. پول: یکی از مسائل اقتصادی پول است تا زمانی که زندگی اجتمایی بشر توسعه زیادی نداشت و تقسیم کارو تخصص زیان به میان نیامد وپول افراد احتیاجات خود از طریق مبادله کالا باکالا یعنی آنچه خود تولید میکردند در ازای آنچه احتیاج داشتند معاوضه می کردند.در نتیجه با توسعه احتیاجات و تنوع آنها لازم شد شیء خاصی که دارای ذاتی یا اعتباری و تضمینی باشد به میان بیاید که آن پول است.ارزش: یکی دیگر از مسائل مربوط به اقتصاد ارزش یا قیمت است که در اثر بالاـ وپایین رفتن قیمتها وغیره به وجود می آید.مراحل زندگی اجتماعی و اقتصادی: به عقیده سوسیالیست ها زندگی بشر از ابتدا تا عصر حاضر چهار مرحله طی کرده استالف- اشتراک اولیهب- فئوداليسمج - سرمایه داری د- سوسیالیسمعلم اقتصاد: از مطالعه نوشتهای علمای قدیم وقرون وسطی مراجعبه علم اقتصاد می توان چنین نتیجه گرفت که دردوره های مزبورعلم اقتصاد دارای خصوصیات زیر بوده است.علم اقتصاد،مجموعه ای از قوانین شبیه به قوانین علوم طبیعی ،مانندقوانین علم فیزیک وعلم شیمی که بتوان بوسیله تجربه وآزمایش آن رااثبات نمود و به وسیله آن وقوع قضایا راپیش بینی کرد ودر هرزمان ومکان صادق باشند نبوده ،بلکه عقایدی بوده است که باوضع اجتماعات وعادات مردم ودرجه تمدن آنان تغییرمی کرد. علم اقتصادی شعبه ای مجزا از سایرشئون زندگی بشر مانند سیاسی ،مذهبی و....اونبوده است.علم اقتصادی توصیف واقعی و بی منظور قضایای اقتصادی نیست بلکه عقاید اقتصادی برای منظورهای خاصی مثل (منظور مدنی ،منظوراخلاقی،ودفاع و...)ساخته شده است.ثروت یا مال: هرچیزی که یکی ازاحتیاجات طبیعی یا اعتباری ضروری یاتجملی بشررا برآوردمال یا ثروت است ثروت ممکن است منافعش به عموم تعلق گیرد(اوقاف)بنابراین لازمه ثروت بودن ومالیت مملوکیت نیست ازطرفی ممکن است مملوک باشد ولی به علت کافی نبودن برای رفع احتیاج بشر به واسطه فردی مال وثروت شمرده نشود مانند یک دانه گندمعامی تولیدکننده ثروت:۱- یک چیز:فقط طبیعت درتولیدآن دخالت دارند.مثل گیاهان دارویی ومیوه های جنگلی۲- دوچیز:طبیعت به علاوه کاروکوشش انسان درایجادآن دخالت دارند مانند درختی که به دست یک انسان کاشته میشود؛تخم یک دخت دیگر یاقلمه یک درخت دیگررادر زمین می کاردودرخت می گردد.این درخت محصولی است از قوای طبیعت و به کوشش انسانی که قصد تولید داشته است .ازاین قبیل است دامداری،مرغداری و امثال اینها.ولی تولیدفرزند حیوانات یا شیر انها را میتوان گفت که صرفامولودطبیعت است و انسان در تولید انها دخالت ندارد و در عین حال با قسم اول متفاوت است زیرا کوشش انسان در حفظ ونگهداری مولد دخیل است ،به خلاف قسم اول.۳-سه چیز:طبیعت +کار+سرمایه منظورابزارتولیدکه خودمحصولی ازکاروطبیعت است مثل کفش وقندوشکرونااندر(اینجا مقصود از سرمایه؛مطلق ابزار تولید است نه سرمایه به معنی اخص.)بخش دوم مالکیت ازنظرفلسفه ای بشرمیان خودوبعضی اشیاء رابطه خاصی قائل است که آن رابطه رامیان شخص دیگر وآن شیء قائل نیست معمولاـ این رایطه درجایی قائل است که خود آن شیءرابوجود آورده ویا ازچنگال طبیعت بیرون آمده ویا آن راپیداکرده است خود رااز دیگران نسبت به آن شیءاولی و مقدم میداند.انچه انسان در دنیای واقع ازلحاظ مالکیت دریافته است،مالکیتی است که میان خودو افعال و قوا واعضاءخود یافته است.انسان فکر خاصی رااز‌خود می داند،زیراواقعاوجودان فکر متکی و مستند به او است،اگر اونبودان فکرهم نبود.همچنین است رابطه ای که میان خود واعضاءخوددرک می کند.انسان نظیر این ارتباط رامیان خود و محصولاتی که صرفا محصول طبیعت است ،یا محصول کارو طبیعت است ،یامحصول کار وسرمایه و طبیعت است فرض می کند و درعالم فرض واعتبار،وجود خودراگسترش و توسعه می دهد و با قرارداداجتماعی ان را معتبر میشمارد.(اثر این اعتبار بهره بردن و استفاده کردن وبه مصرف رساندن است.بدیهی است که مالکیت ،حق بهره بردن و استفاده و به مصرف رساندن ثروت رابه مالک اختصاص می دهد.اینجاست که پای حیات و منافع دیگران،وبه عبارت دیگر پای عمل و زندگی به میان می اید!)پس از این فرض واین قرارداد،بشر برای خودنسبتی با بعضی ثروتها قائل می شودکه معتقداست این نسبت میان ان ثروت و دیگران نیست.به موجب این نسبت به خود اجازه میدهد که هرگونه تصرفی دران ثروت بکند،ان رابه مصرف خودیادیگران برساندویا احیانا انراتلف کندو معدوم نماید.ویک خصوصیت دیگر این است که این رابطه قابل سلب وتبدیل میداندانن طرز عمل وهمچنین وضع لغت خاص دراین زمینه دلیل برای است که بشرتصورخاصی دراین زمینه دارد واین جاست که جای تحقیق فلسفی درباره چگونگی این تصوراست. بعضی هامی گویندمالکیت یک امراعتباری است این است که ثابت شده اعتباربه معنی اینکه انسان تصوری را از خوداختراع کند محال است پس به چند دلیل اعتباری است : ۱) زیرا بشرباقراردادوقانون مالکیت را اثبات یا سلب یا تعویض می کند.دلیل براعتباری بودن آن است۲) حقیقت اعتبارچیست؟اموراعتباری همیشه به منزله پیکروفرد ادعایی حقایق می باشد.۳) مالکیت چگونه اعتبار شده است ؟ابتدا بایداینکه انسان درطبیعت چه مالکیت های حقیقی و واقعی رادریافته که از روی آن مالکیت اعتباری را اعتبارکرده است.انواع مالکیت:۱- فردی:یک نفر مالک ثروتی است وفقط اوحق داشته باشد ازآن استفاده ببرد.۲- جمعی:عده ای حق دارند ازآن استفاده کنند۳- اشتراکی :همه افراد بالا با اشتراک مالک ثروتی باشند وبا اشتراک ازآن بهره ببرند.نکته:اولویتی که انسان برای خود نسبت به اشیاء خاصی قائل است غریزه بشراست بعضی حیوانالت نیز چنین اولویتی را به حکم غریزه درک می کنند.حیواناتی که جفت زندگی می کنندواشیانه دارندنسبت به جفت دیگران احساس مخالف دارند.کودکان نیز نسبت به اسباب بازی های خودانیچنین هستند.اما درعین حال نمی توان گفت حیوانات رااعتبارکرده اند؛اعتبارازمختصات انسان است ؛انهاتصورکلی و مشخصی از مالکیت ندارند؛اعتباردرزمینه تصورات کلی است.تاحدودی که دامنه مالکیت محدودبه اشیایی است که انسان خود انهاراساخته است یا از طبیعت به دست اورده بحثی نیست ولی انسان موجود اجتماعی است؛این موجوداجتماعی از طرفی احتیاج به مبادله و معاوضه دارد(وبه قولابن سینا معارضه ومعاوضه)؛اشیاءازیکی به دیگری منتقل می شود؛ازطرف دیگر در طبیعت موادقابل استفاده زیاداست واگر فرضا در ابتدابه واسطه کمی جمعیت ووفور این اشیاءاحتیاج به تملک شخصی مثل زمین نیست بعدها تحت انحصار قراردادن این امور به میان می اید؛علیهذاتصاحب این سرمایه ها وهمچنین مبادلات لازم و ایجاب می کند مقرارتی راکه وظائف اشخاص رادرزمینه مالکیت وسائل عمومی معاش و درزمینه مبادلات روشن کند.اینجاست که پای حقوق موضوعه و موجبات قراردادی مالکیت به میان می اید .درابتداءامر حق مالکیت همان حق طبیعی و غریزی است و موجت ان نیز همان موجبات طبیعی وغریزی است.به عقیده ما موجب طبیعی و غریزی مالکیت،دوچیز است:یکی کار وایجاد،وبه عبارت دیگر ارتباط فاعلی است،ودیگر تملیک و بخشش وبه عبارت دیگر ارتباط غائی است .ولی اجتماع بشری انسان

مدنی بالطبع است ایجاب می کند یک سلسله مقررات موضوعه را،مشخص کند؛زیراغریزه وطبیعت کافی نیست که حدود وحقوق انسان رااازاین لحاظ مشخص کند.ازاین رو مالکیتها نیزمانند بسیاری از مسائل دیگر مربوط به زندگی اجتماعی باید با قانون مشخص شود.وقانون بایـد موجبات انرا تعیین کنـد.اری اگربه فرض محـال،انسـان قادر بود تنها با نیروی کار،بـدون دخالت طبیعت محطولی راتولیـد کنـد جـای این بودکه گفته شود صاحب ان محصول که تنها خالق و افریننـده ان محصول است از نظر تصـرف درمال ،فعال مایشـاءاست؛امـااینچنین نیست ،اوتنها خالق و افریننـده ان محصول نیست بلکه اگر تنها خالق و افریننـده محصول نیز می بود می توان گفت حق تضـییع و اسـراف نـداشت،زیرا او واجت الوجود بالـذات نیست،قـائم به ذات نیست،خودش هم خودش رابه وجود نیاورده است ؛اومخلوقی است اجتماعی؛اجتماع درنیروی علمی وذهنی وبدنی اوکه ان محصول رابه وجوداورده است سـهیم است؛اودرقوای جسـمی وروحی خودمـدیون اجتمـاع است؛ان قواونیروهـا تنهـا مـال خـوداو نیسـت،اجتمـاع درخودانهـاذیحق اسـت،علیهـذااجتماع درمحصول این نیروهـا نیز ذیحق است.پس به فرض محال اگر شخصـی می توانست محصولی رابـدون دخالت طبیعت به وجود اورد بـازهم حـق تضـییع واسـراف ان رانـداشت،تـاچه رسـد که چنین چیزی محـال است. خودکشـی جنبه حقوقی دارد یعنی جنبه حقوقی اجتماعی جایز نیست هیـچ کس نمی توانـد ازجنبه حقوقی ادعا کندکه اختیار خودم رادارم زیرا که اجتماع به او می گویدمن دراین ساختمـان مجهز سـهیم و مشترکیم ،سـرمایه هـای مـادی ومعنوی صـرف کرده ام تـااین ساختمـان کامـل رابوجوداورده ام وبایـد حق اجتماع رابه قـدر کافی پرداخت کنم. نظرالهی نیز چنین حقی صادرنیست زیراکه هرکسـی بیشتراز آن انـدازه که ازآن خودبشراسـت ازآن خـالقش اسـت. بخش سومـارزش:یکی ازمسائـل مهـم دراقتصـاد چـه از جنبـه نظری وفنی وچـه از جنبـه اخلاقـی مسـئله ارزش است.ارزش یا ارج هم ریشه است.انسان به بعضـی چیزهاارج می گذارد وبه آنها اهمیت می دهدآن چیزها همانها هسـتندکه به حال اونـافع ومفیـد باشـند.ارزش اقتصـادی: عبـارتست از ارجی که در یـک ماده معاشـی وجود داردویا ارج معاشـی وپولی که برای یک امرمادی یا معنوی نظیر تعلیم ،ویا یک امر هنری مثل خواندن اعتبارمی شود.ارزش:۱-اینکه چگونه است بعضی امور مادی این جهان برای انسـان ارزش ومـالیت دارد وثروت شـمرده می شود مثـل آب ،نـان، زمین وبعضـی ارزش مالیت نـدارد مثل هوا۲- منشا قیمتها وتفاوت ها چیست؟چرا دوچیز که هر دوبایک واحـد مثلا مترخریـدوفروش می شونـد یکی از دیگری گرانتر است؟توضـیح قیمت۱: مـالیت وارزش پیـداکردن یـک چیز تـابع این است که اولا-به حال بشـرمفید باشـد یعنی یکی از احتیاجات بشـر را رفع یا در رفع آن دخیل باشـد خواه آن حاجت مادی ومعاش باشـد یا غیرمادیمنفعت به اصـلاح فقر:یعنی چیزی که بـدون اینکه عین آن مصـرف شود انسان ازآن بهره ای برد مثل دیدن منظره ، شـنیدن آواز از نظر فقهی منفعت هرچند قابل مبادله به مال استن ولی خودش مال وثروت شمرده نمیشود مثـل جمـال یـاآواز یـا نطق ،ومسئله جلب مال وکسب مال وقابل معاوضه به مال می باشـدولی خود اینها مال وثروت شمرده نمی شود .نکته: شـرط مـالیت این است که خودعین باشدشـرط مالیت :۱-شیءمورد حاجت باشد۲-وافوروایگان نباشد مثل هوا۳- قابـل اختصـاص باشدتوضـیح قیمت۲:علـت تفـاوت قیمتهـادر«کتـاب اصـول علم اقتصـاد»نوشـنین ص می نویسـد: تعین قیمتها دربازاراگرچه ازعمل متقابل ومبارزه مالکین تولیدکننده کالا نتیجه میگرددولی مستقل از اراده هر یک ازآنها ونیز اداره کلیه اجتماع می باشدومانندقوانین طبیعت بانیروی شـکست ناپـذیری خود رابه تمام آنها تحمیل می نمایـد.مثلا ممکن است گاهی بهای چندنوع کالاـ صاحبـان آنهـا را ورشـکست کنـد.ولی مادام که شـرایطی که آن بها رابه یقین نموده ادامه دارد ،هیـچ کس وهیـچ کس وهیچ قـدرتی نمی توانـد دراقتصـاد مبادله ای— آن بها راتغییر دهـد.عواملی نظیر :جنس ،مفیـد بودن ،کارمتوسـطی که بروی تولیـد جنس صورت گرفته و... بسـتگی دارد.نتیجه اینکه:تحت عنوان (کار ،اساس ارزش است)نکاتی قابل برداشت است:۱-کلیه محصولاتی که به واسطه کاراجتماعی دررژیم مبادله ای ایجادمیشونـد،نام کالابه انهااطلاق می گردد.(اولاکلمه کالا اختصاص نداردبه رژیم مبادله ای ،ثانیاگفتیم که بعضـی کالاها درطبیعت بـدون دخالت انسان صورت کالایی دارنـد.)برای این که کالا بتواند دربازارقابلیت مبادله راپیداکنـد،بایـد قادربه مرتفع ساختن پاره ای احتیاجات باشـدیابه اصـطلاح علم اقتصاد بایـد دارای ارزش اسـتعمال باشد.۲-هرکالا- دررژیم مبـادله ای-دربـازار بایـک مقـدارمعین ازکالاهـای دیگربه واسـطه میـانجیگری پـول مبـادله میگردد.بـدین طریـق به هرکـالا مقـداری(بها)که پول معرف ومبین ان است تعلق میگیرد.بهای کالاخودبه خوددرجریان مبارزه بین تولیـد کننـدگان مسـتقل کالاوبین خریداروفروشـنده برقرار میگردد.نوسـان ترقی و تنزل بهادربـازار،فعـالیت مؤسـسات تولیـد کننـده متفرق راتنظیـم می کنـد و بین این فعـــالیت واحتیاجـــات مردم تعـــادلی برقرارمی ســـازد.۳-ارزش اســـتعمال یـــک کالاـــ ،یافایـــده ان،بســـتگی بـــه کیفیـــات طبیعی،فیزیکی،شیمیایی،ومکانیکی ان کالا دارد واول شـرط لازم برای فروش ان کالا است.ولی چنان که پیش ازاین گفتیم ،ارزش استعمال نمی توانـد مبین بها باشـد ،زیرا از انجا که بها در بازار درنتیجه روابط بین اعضای اجتماع مبتنی بر مبادله برقرارمیگردد،پس عواملی را که تعیین کننده بها می باشـند نباید درخصال طبیعی کالا ،بلکه باید درروابط بین مردم جستجو کرد.)ارزش استعمال یعنی مفیـد بـودن .مفیـدبودن ،هم به جنس بستگی دارد وهم به کـاری که روی ان جنس صـورت گرفته است.نـوع جنس ،بعنی خصـال طبیعی کالا در ارزش موثر می باشـد. بخش ۴ارزش اضـافی :طبق کتاب اصول علم اقتصاد تحت عنوان ارزش اضافی می گویـد:۱- درمطـالعه تجزیـه وتحلیـل قـانون ارزش ،فقـط سیسـتم اقتصادسـاده تجاری درنظر گرفتـه شـده است یعنی سیسـتمی کـه درآن تولیدکننـدگان کـم کـه مالـک وسائـل تولیـد هسـتندواز فروش محصـول کـارخود زنـدگی می کننـد درنظرگرفتـه شـد ودرواقع منظورازارزش کالا شامل کالاهای که احتیاجات آنها رابرآورده می کنـد.اینجا این پرسـش پیش می اید که درقدیم نیزازنیروی کار استفاده می شـد ،یعنی نیروی کار خرید و فروش می شد.اجیر گرفتن واسـتخدام برای کارهای خانه وبرای بنایی وعملگی و بالاخره مزددادن،خواه ان که اجیر به حسب زمـان و تمـام ووقت اجیرشـده باشـد،وخواه برای کار معین ،درقـدیم هم وجود داشته است.پس هرچندسـرمایه نبـوده ،ولی خریـد وفروش نیروی کـار بـوده است.جواب این است که درقـدیم خریـدنیروی کـار ازراه مزد،به منظور تجارت نبوده که مستلزم ارزش اضافی باشـد و بدون ارزش اضافی ،عمل لغو باشد،بلکه به منظور استفاده مستقیم از محصول عمل کارگر بوده است،ومزدبه اندازه ارزش نیروی کار نیز خلاف هدف و مقصدنبوده است.۲-اینکه به مطالعه قوانین اداره کننده اجتماع سرمـایه ای می پردازیم .اگرمبادلاـت راکه درجـامعه کنـونی صـورت می گیرد به دقت بررسـی کنیم درمی یـابیم که بامبادلاـتی که دراقتصادسـاده قـدیمی صورت می گرفت متغیر بسیاردارد .دراقتصادسـاده تجـاری: فرمـول مبـادله این بود «کالاـ— پول-کالاـ»ولی دراقتصـاد تجـاری سـرمایه داری جریـان مبـادله بـاپول شروع می شـودوبه پـول ختم می شود وفرمول کلی آن به این صورت درمی آیـد«پول— کالاـ-پول-»امـا پول دوم نمی توانـد مسـاوی پول اول باشـداولا سـرمایه دار اقـدام به چنین مبـادله ای نمی کنـد این پول +پول،پول اضافی همان سود است که با اضافه کردن به بهای اصـلی کالا بدست می آید.تجربه تحلیل قانون اساسی ارزش به ماثابت می کنـد که بهـای کالاـ درجریانـات نوسانـات خودآنقـدر بالاـ وپائین می رود تا خودرابه ارزش ویازمان که برای تولیـد آن کالا به کـاررفته است هـم سـطح نمایـد (قـانون عرضـه وتقاضـا).علـت ایجادمنـافع برای بازرگـانـان چگـونه اسـت؟بازرگـان بـه واسـطه درانحصارگرفتن بازارفروش وبا به واسطه عـدم قدرت مصـرف کننده برای خریدن بلا واسطه از تولیدکننده از قدرت خود ضـعف مصـرف کننده سوء استفاده نموده قیمت رادراختیار خود قرارداده به دوبرابرآنچه خریده است می فروشد.هرقدربه خودزحمت دهیم وبخواهیم باتجربه وتحلیل جریان مبادله سرچشـمه سودرابیابیم جز اتلاف وقت فایده دیگری نداردوبه کوچکترین نتیجه ای نخواهیم رسـید هیـچ فروشـنده یا بازرگانی همیشه فروشـنده نیست.نیروی کار — ارزش نیروی کاراگردربازار مبادله کالاهایی راپیدا کنیم که بهای آن درموقع فروش پائین تراز ارزش آن باشـدو هرکس آن رابخرد حتماسودخواهـد بردیابه عبارت دیگربایـد کالاهایی دربازار مبادله وجود داشـته باشد که قدرت ایجادارزش درآن نهفته باشدمادرفصلهای پیش گفتییم که«ارزشی»ایجادنمی گرددمگربه واسطه کـارودربین تمـام کالاهـایی که دربـازار مبـادله وجود دارد نیروی کاریگانه کالایی است که قـدرت کار درآن نهفته است .پس این کالاـ (نیروی کـارنه خودکـار)تنها متاعی است که می توانـد سرچشـمه ایجادارزش باشـد.برای آنکه نیروی کاربه شـکل کالا درآید دوشـرط اصـلی لاـم اسـت:۱- اول آنکـه کـارگر شـخصا ازادباشـد.۲- دوم اینکـه مالـک ابزارکـار نباشـدتامجبورشودنیروی کارخودرابفروشـدظاهراعلت این که قیمتها تـدریجادرطول تاریـخ بالا می شودوارزش پول کم می شود قـدرت طبیعت برتولیدبیشتر ازمقدارکاری است که صرف آن می شود که تدریجا برمحصول وقدرت خرید می افزاید(بایدتامل بیشتری شود).بخش پنجمسرمایه داری وسوســیالیسم از دیــدگاه اسلاممشـــخصه اصــلی ســرمایه داری جدیــد(کاپیتــالیسم)ازســرمایه داری قــدیم- یــابه

عبارتی(سوسیالیسم)این است که سرمایه دار،نیروی کار کارگر رابرای فروش می خرد نه برای آنکه شخصا به آن احتیاج دارد،بااین نیروی کار،اضافه ارزش ایجادمی کند.اضافه ارزش که مولدنیروی کارکارگر است وطبعا متعلق به خود اوست همان سودی است که کارفرما می برد واین است که می گویند سرمایه داری جدیدعین استثمارکارگراست.آنچه درقدیم بعنوان اجاره بود این بودکه کارگر ،محصول کاریانیروی کار خودرابه دیگری که به آن احتیاج داشت می فروخت ،وآن دیگری نیز آن کالا رابه قیمت واقعی بازاری می خرید مثلا- اورامستخدم خانه خودقرارمی دادامانیروی کاراوتجارت نمی کرد.مضاربه: می توان گفت هم سرمایه کارمیکند وهم عامل،وهرکدام به حسب قراردادسهم خودرا می برند.مزارعه:هم زمین عمل می کندوهم عامل ،هرکدام سهم خودرا می برند؛وبلاخره صاحب پول یازمین نمی خواهدونیروی کارگر رابخرد ومحصول کاراورابه قیمت بیشتر بفروشد.دوبرهان مشتمل براین زمینه:۱-ارزش هرچیز به واسطه مقدارکاری است که برروی آن صورت گرفته است یعنی اولا- ارزش ومالیت ،به واسطه کارپیدامی شودوثانیا مقدارومیزان ارزش تابع مقدارومیزان کاری است که روی یک کالا صورت می گیرد.۲- سودی که کارفرما می برد محصول کاری است که کارگر کرده وبه کارگر تعلق دارد این سودارزش اضافی برمزداست وبدون دلیل ،سرمایه دارآن رابه خود اختصاص دادهاست.نظریه اول توسط مکتب اقتصادکلاسیک (آدم اسمیت– ریکاردو)بیان شده .نظریه ارزش اضافی توسط کاری مارکس ارائه گردیده است.انواع نظریات راجع به منشاءارزش:الف)ارزش اشیاءذاتی آنهاست ،بعضی امورذاتا با ارزش اند. وبعضی ذاتا بی ارزش، امورباارزش نیز ذاتا بایکدیگرمتفاوت هستند.که این نظریه باطل چراکه ارزش اشیاءدر وزن وحجم و....نیست بلکه مربوط به آنکه به انسان مربوط است یا خیرب)ارزش اشیاءصرفا قراردادی واعتباری است .ارزش اشیاءبه هیچ نحومربوط به یکی ازصفات ذاتی اشیاءیاصفات عرضی وعارضی آنها-ازقبیل شکل وصورتی نیست بلکه بیشتر همانطوری که بسیاری از چیزهای دیگر رااعتبارمی کندمثلا ریاست ومرئوسیت و زوجیت وممکن است عکس آنها یاعدم آنها رانیز اعتبارکند،درموردارزش نیزچنین است.این نظریه باطل است ،هرچند درمورد پول وخصوصاپول کاغذی شایدبتوان گفت که ارزش اعتباری دارد.اما درمورد همه اشیاءنمی توان گفت که ارزش اعتباری وقراردای دارد.ج)ارزش تابع مفیدبودن است وهراندازه اشیاءمفیدتر باشند ارزش بیشتری پیدا می کننداین نظریه نیز باطل است چراکه بیشتراشیاءکه برای مامفیدترندشامل آب،نان،قیمت کمتری دارندشما بعضی چیزهای دیگر بااین که از تجملات زندگی است وچندان مورد احتیاج نیست صدها برابر نان قیمت دارد.د)منشا ارزش مفیدومورداحتیاج بودن است ،به علاوه دردسترس نبودن .(دردسترس نبودن همان قابلیت انحصاراست)بدین معنی که هردوکالاییی که به یک اندازه مورد احتیاج است وتقاضا دارد وبه یک اندازه دردسترس است دربازارعرضه شده است دارای یک قیمت باشداما اینطورنیست علت تفاوت درقیمت این دوکالا ناشی ازمقدارکاری است که روی آنها صورت گرفته است پس ارزش وبهاءبرروی عرضه ،تقاضا نیست.ه)منشاارزش فقط کاراست.میزان ارزش نیز بستگی داردبه مقداری کاری که روی اشیاءصورت می گیرد.(توسط آدم اسمیت وریکاردو ابرازشد)بطور خلاصه درباب ارزش چند جور می توان نظر داد:۱-ارزش اشیاء،یک صفت ذاتی است.۲-ارزش مربوط است به عمل و کاری که درایجاد انها صورت گرفته(علت)۳-مربوط است به اثری که بر اشیاءصورت گرفته(معلول)۴-مربوط است به اثر به علاوه دردسترس نبودن.۵-صرفا قراردادی واعتباری است،وچون مکتب سوداگران به مبادله ،زیاداهمیت میدادند تقریبا نظرانها این بود که مبادله ،ایجاد ارزش می کند.۶-فیزیوکراتها گفتند مبادله موجد ارزش نیست بلکه طبیعت موجد ارزش است.ایرادات این نظریه:۱- اگر کار صددرصد منشا ارزش است و ارزش درحقیقت عبارت است ازمقدارکاری که روی یک کالا صورت می گیرد، چراوبه چه علت عرضه وتقاضادرارزش نوسان ایجاد می کند؟آنها درمورد(ارزش=کار)می گویندنوسانات عرضه وتقاضا پیرامون سطح معینی رخ می دهد ولی هرگزخودآن سطح راتعیین نمی نمایدخودآن سطح راکارتعیین می کند.اگراینطورباشدکه طرفداران این نظریه می گویندپس بایدتعادل میان روابط تولید یامقادیرکالاها بهم نخورد،اما طبق قوانین طبیعی ارزش صددرصدبه مقدارکاربستگی ندارد.۲- ارزش هرشی ناشی ازاثری است که برآن شیءترتیب داده می شودنه ازعلتی آن را ایجادکرده است،خواه آن علت کارباشدیاغیرآننکته:اثرداشتن به تنهایی علت ارزش نیست، ندرت وتحت انحصاربودن هم دراصل ارزش وهم دردرجه ارزش دخیل است.۳- این که اگرارزش بستگی داردبه مقدارکارپس علت گرانی«احجارکریمه» چیست ؟یامثلا خودطلاکه پول اصلی است.چاره نقص نظریه «ارزش =کار»است۴- دونفربا هم وبه اندازه هم،کاری راصورت می دهند ولی یکی ازآنهابه واسطه ابتکارذاتی آن رابه نحواحسن صورت می دهدوکارش ارزش بیشتری پیدا می کند. ۵- دلیل دیگربراین که ارزش مربوط است به اثر کاریعنی قابلیت استفاده نه مقدارصرف کار،این است که ممکن است شخصی به واسطه وضع خاص ،برای کارکوچکی مجبورباشدانرژی زیادمصرف کند،ولی چون اثرکارش زیادنیست،کارش ارزش کمتری دارد مثل انسان معلول، مامورنامه رسانی ،ماموردیده بانی .مشخصه اصلی سرمایه داری: مشخصه اصلی سرمایه داری که درآن راموضوع جدیدی ازلحاظ فقه واجتهادقرارمی دهد دخالت ماشین است.ماشینیزم صرفاتوسعه آلت وابزارتولیدنیست که انسان ابزاربهتری برای کاری که بایدبکندپیداکرده است،بلکه تکنیک وصنعت جدیدماشین ،علاوه بربهتر کردن ابزارها،ماشین راجانشین انسان کرده است. ماشین مظهرتکامل اجتماع بشراست ،تجسم تمدن تاریخی بشری است .ماشین جانشین انسان است نه آلت وابزارانسان ،یک انسان مصنوعی است .درگذشته سرمایه دارفقط نیروی کارگرامی خریدوابزارساده ای دراختیاراوقرارمیدادوبامحصول کارکارگرتجارت می کرد،ولی امروزماشین می خردوماشین قدرت داردصدبرابرکارگرکاربکند.ماشین قادراست اضافه ارزش تولیدکند،صدهابرابرکاری که صرف تولیدوی شده است ارزش تولیدکند.نکته اساسی اینجاست که ماشین ،سرمایه متغیرتر از نیروی کارگراست ودرحین حال همین جهت پایه ومبناءاصل اساسی توجیه کننده سوسیالیسم است.مشخصه اصلی سرمایه دارای جدیداین است که سرمایه دارماشین راباقدرت عظیم دراختیار خودقرارمی دهددرصورتیکه اونه خالق ماشین است ونه مخترع آن.فقط خریدارومالک است.قسمت دوم:سخن دراین است که آیا ارزش هرچیزمساوی است باارزش اشیائی که صرف ایجادآنها نشده است.درواقع ارزش اشیاءبستگی نداردبه مقدارکاری که صرف ایجادآنهاشده است بلکه بستگی داردبه مقداراثری که ازآنهابرای انسان هست وبه علاوه ندرت وجودوقابلیت انحصار. قسمت سوم:به عقیده این کتاب کارل ماکس بیش ازآن اندازه که سرمایهداری راظالمانه جلوه بدهد،عادلانه جلوه داده است .درکتاب «عقایدبزرگترین علماءاقتصاد»که می گوید کارل ماکس نظریه ارزش=کاررا ازکلاسیکهاگرفت لیکن به عکس آنها علیه سرمایه داری به کاربرددرواقع اگرواقعا سرمایه دارنیروی کارگررابه قیمت عادلانه خریده است وسرمایه هم به شخص او تعلق دارد،قطعااضافه ارزش هم به اوتعلق دارد،خواه انکه ایجادکننده اضافه ارزش ،سرمایه باشدیانیروی کارگر،چون به هرحال اضافه ارزش راچیزی ایجادکرده که سرمایه دار به حق مالک آن بوده است درصورتی که مارکس ارزش هرچیزی راصددرصدبه مقدارکاری که صرف ایجادآن شده می داندوارزش واقعی نیروی کاررامعادل مخارجی که صرف ایجاد او شده می داندو می گویداضافه ارزش به سرمایه دارتعلق ندارد و به کارگرتعلق داردو نمی تواند مشخص کندکه سرمایه واقعابه شخص تعلق نداردبلکه به اجتماع تعلق دارد.قسمت چهارم: ۱- یک علت سودتقلیل فردهاست چراکه اگر(ارزش=کار)رادرنظربگیریم کارگرباید عالیترین حقوق بایدبه اوتعلق داشته باشد.۲-استثمارمصرف کنندگان،به وسیله انحصارقراردادن بازارهاویاتبانیهاوعدم نظارت دولتها ۳-علت دیگراین است کارخانه دارازوسیله ای استفاده می کندکه آن وسیله ،اضافه کارتولیدمی کند،یعنی ماشین نتیجتا اینکه هرچندسود سرمایه دارازطرفی مربوط است به کمی فردکارگر،یعنی طبقه تولیدکننده وازطرفی مربوط است به طبقه مصرف کننده ،ولی منبع اصلی سرمایه داری جدیدومشخص اصلی سرمایه داری جدیدماشین است.اگرسرمایه دارنه تولیدکننده رااستثمارکندونه مصرف کننده را،بازهم به واسطه دراختیارداشتن ماشین قادراست سودسرشارببرد،ولی چون ماشین مظهرپیشرفت اجتماع است، نمیتواندبه شخص تعلق داشته باشد.پس منبع اصلی واساسی سرمایه داری جدیدنامشروع است.مرز اشتراک اسلام وسوسیالیسم: قسمتی از سرمایه ها،یعنی سرمایه های عمومی بااشتراک باشد چراکه نظریه اسلام چنین است:اسلام درمالکیت فردی وشخصی رادرسرمایه های طبیعی می پذیرد ومالکیت راعمومی می داند.مالکیت اشتراکی را نمی پذیردیعنی نمی گوید همه ملزم هستندکه کارکنند ومحصول کارشان الزاما به اجتماع تعلق داردبلکه می گویند افراد می توانند بلااشتراک کارکنندوکاراشتراکی راانتخاب کنند(مثل کاراشتراکی دهقان وسالاروتقسیم محصول) اسلام مخالف این گفته است(هرکس به قدراستعدادکارکندوبه قدراحتیاج محصول

بردارد)اما اسلام برخالف سوسیالیسم ها مخالف این گفته است (کاربلاشتراک الزامی واجباری است) به استثناء موارد خاصی نظیر
(زمینهای عمومی وکارخانه های عمومی وطوری باشدکه کارفردی میسر نباشد واگر چنین باشد بازهم مالکیت فردی درکار است
یعنی محصول بطورمساوی میانشان تقسیم می شود وهرفردی مالک فردی سهم خودخواهد بود.خلاصه مطلب •:مشخصه اصلی
رژیم اقتصادی جدید(خریدوفروش تجارت بانیروی کارنیست بلکه ماشین است.شعارهای مارکس برضدسرمایه داری است ،اما
اصول ومنطق مارکس سرمایه داری را تقویت می کند •ماشین مظهرتکامل اجتماعی است وهیچ فردی رابه تنهایی نمی
تواندمخترع ومبتکرآن شمرد.ازاین جهت ،هم باابزارهای دستی متفاوت است وهم باآثارهنری وهم دفاتر شعرسوسیالیسم،به معنی
مالکیت اشتراکی سرمایه ازلحاظ ماشین،مخصوص عصر جدیداست ،ولی از لحاظ طبیعت ،درقدیم نیز می توانسته
وجودپیداکند.برخلاف نظرسوسیالیسم ها •.اشتراک درکاربه هیچ وجه صحیح نیست .اشتراک درکارهمان است که درفقه
،اشتراک درایران گفته شده است.شرکت ازنظرفقه اسلامانواع شرکت:الف)قهریب) عقدی:که به خودتقسیم می شوند:۱- شرکت
عنان۲- شرکت ابدال۳-شرکت وجوه ۴-شرکت مفاضهنکته:که فقها فقط شرکت اولی راصحیح می دانند علت صحیص بودن
شرکت عنان به شرکتهای دیگراین است که درشرکت عنان ،شرکت درواقع ایجادیک شکل جدیدکاربه واسطه افزایش سرمایه
است.افزایش سرمایه وتمرکزآن سبب می شود که توانائی مضائف شودمثل شرکتهای سهامی،سایرشرکتهای دیگرحالت قماری
دارند.بخش ششمرساله های اقتصادی ،مالکیت زمین ازنظر اسلام ،انفالمالکیت زمین ازنظراسلام:۱- زمین یابه نحوی است که
مردم مالکین اولیه آن بودن دراین صورت ملک شخصی آنهاست ومعامله مالکیت باآنها می شود ویاآنکه سرزمین ،عنوةً فتح می
آن شود ؛دراین صورت زمین به عموم مسلمین تعلق می گیرد ولی به شرطی که زمین حیاةً ودرحقیقت مملوک کفارباشد. این چنین
سرزمینی برخلاف سایرمملوکات کفارکه غنیمت برده می شودوتقسیم می شود ،تقسیم نمی گردد وبه عموم مسلمین تعلق می گیرد.
۲- اگر سرزمین فتح شده باشدطبق فقه شیعه به امام تعلق می گیرد.۳-زمینهایی که صاحبان آنها باصلح،اسلام اختیارکرده اند
مانندسرزمین مدینه به مالکین اصلی تعلق دارد وازاین جهت فرقی میان زمین وغیر زمین نیست .۴- زمینهایی که معموره است
واهلش جلاءوطن می کنندبدون آنکه لشکرکشی صورت گرفته باشد(نامیده می شود)این زمینها نه نظیر غنائم است نه میان افراد
تقسیم شود،ونه نظیر اراضی مفتوحهٔعنوةً است که به عموم مسلمین تعلق گیرد نظیراراضی اولیه است که تحت نظر ولی
امراست.نتیجه اینکه زمین •:مالک شخصی دارد •.به عموم مسلمین تعلق داردو ولی امرمتصدی تقسیم آنهاست مثل مسجدکه
هرکس تقدم پیداکردبه اوتعلق می گیرد •.نه به عموم تعلق دارد ونه به عموم مسلیمن بلکه به ولی امر مسلمین تعلق دارد.این گونه
زمینها یا موات است که بااجازه ولی امر باید احیاءشود،ویا محیاةاست،ازقبیل قطابع ملوک و زمینی که لارب لها.اینها نیز با نظر ولی
امر باید تقسیم شود و احیانا خراج گرفته شود .وهمچنین است اراضی صلح یا فیئ که لمّ یوجَف عَلَیها بخیل ولارکاب.۵-انفالاهل
تسنن ،انفال راباغنائم جنگی مساوی دانسته اند؛ولی ازنظرفقه شیعه ،انفال باغنائم جنگی مغایراست وفقط قسمتی ازغنائم جنگی است
که درردیف انفال واقع می شود غنائم به شرکت کنندگان درجنگ تعلق داردومیان آنها تقسیم می شود وانفال به ولی امر مسلمین
تعلق دارد.نکته: اول کسی که زمینهاراازوضع اصلی دراسلام خارج کردعثمان بود«اقطاعات عثمان » معروف است. مالکیت
فردی:مال ازنظراسلام همان طوری که به فردتعلق داردبه اجتماع نیزتعلق دارد.حق مالکیت نامحدودنیست ،شامل اسراف
وتبذیرنیست ؛بنابراین اسلام اجازه نمی دهدکه انسان برای بعدازمردن خودبه هرچه دلش می خواهدوصیت کند.رساله اقتصادی
(۲)مساله ارثارث ازتوابع مالکیت فردی است ؛یعنی اگرمالکیت فردی رابه هیچ نحوصحیح ندانیم ویاعملاوجودنداشته باشددرنتیجه
موضوع ارث نیز وجودندارد.لازمه نفی مالکیت فردی ،نفی ارث هست اما لازمه قبول مالکیت فردی ،قبول ارث نیست ؛زیرامکن
است کسی مالکیت راازنظراولویت طبیعی میان کارگروکاربپذیرد وغیرازکارموجبی برای مالکیت قائل نباشد،ودرعین حال ارث
راازلحاظ قطع رابطه میان کارومالکیت ردکند. طرفداران ارث مجموعابه دلیل برای مشروع بوده ارث ذکرکرده اند: الف)حق ارث
گذاشتن ،نتیجه منطقی حق مالکیت است.ب)ارث ازنقطه نظراخلاقی،مشروع بلکه ممدوح است ،زیراسبب تقویت رابطه خانوادگی
می شود.ج)ازنقطه نظراجتماعی ،ارث ، مفیدبلکه مرسوم است.اگرار ثمرسوم نبود،آدمیان همین که به سن معینی می رسیدند
دیگرکار نمی کردندوآنچه راکه قبلاتولید نموده بودندمصرف می کردند.سوسیالیستها ارث را نامشروع می دانند ارثیه آنها چنین
است:۱-قطع رابطه کارومالکیت،خلاف عدالت است.۲- ارث سبب می شود که ورثه ،مفتخوارودرنتیجه ازلحاظ تربیت عاصی
وباطل بمانند.۳- ارث سبب می شود که فاصله طبقاتی تدریجا زیادشود.نظراسلام راجع به ارث:(ردکردن نظریها)اولا:این که می
گوید :ارث سبب می شود که ثروت درنسلهای متوالی متمرکز گرددضداین استدلال است که می گویدارث باعث تنبل شدن
وفاسدشدن نسل می گردد. ثانیا:دراسلام مالیاتهایی بنام زکات وخمس وضع شده که خودبه خودفواصل طبقاتی راکم می
کند.ثالثا:ارث اسلامی تقسیم وکوچک کردن مال است ،برخلاف ارث مسیحی که دراختیارمورث است.رابعا:اصل دیگری دراسلام
است که به حکومت شرعی وقانونی حق می دهد مالیاتهایی طبق مصالح اجتماعی وضع کند.درباب ارث،یک مسئله دیگرکه هست
،ارث مناصب است.دردوران قدیم ،مناصب به ارث می رسید مثل مساجد برای پیشنمازها ارثی بود که درمیان عرب این خصوصیت
حاکم بود ،که دراسلام حتی امامت ،مورثی نیست. تعریف سوسیالیسم:سوسیالیم به معنی مالکیت مشترک زمین وسرمایه ،تحت
یک شکل دموکراتیک حکومت است ومستلزم آن است که تولید به منظور استفاده ونه به منظورسودجویی هدایت شود تقسیم
تولیدات بایستی بطورتساوی انجام گیرد ودرصورتی که این امر میسر نباشد،باید طوری باشدکه لاقل بتوان این تساوی رادرتوزیع
راباتامین منافع عمومی توجیه نمود.هدف سوسیالیسم این است که تولیدبه نفع عامه مردم ودرخدمت انسان وتمدن قرارگیردوتاکنون
سوسیالیسم نتوانسته این هدف راتامین کندچراکه گفته شده درهمه کشورهامحصول تولیدی یک محصول مصرفی است نه
سودجویی، صحیح نیست :زیرا که مقصود ازسودجویی اگرانباشتن درآمدها روی هم رااضافه کردن برمالکیت شخصی باشد این
گفته درست است اما سودجویی منحصربه این شکل نیست ؛تولیدبه نفع افرادمعینی وبرای تامین اغراض افرادخاصی ،خودنوعی
سودجویی است .به صرف اینکه نام مالکیت شخصی درکارنباشد ولی تولیدات به خاطراغراض افرادخاصی جریان پیدا کندنه به
خاطر مصالح و احتیاجات عمومی نمی توان گفت ریشه سودجویی ازبن کنده شده؛برعکس؛سودجویی واستثماربه شکل دیگری
حکومت می کند. نتیجه اینکه:خوشبختی اجتماع وریشه کن کردن استثمار،متوقف به دوشرط است:۱-سازمانصحیح اجتماعی
ومفررات قوانین عادلانه۲- حکومت یک قدرت معنوی تسلط یک نیروی غیرمادی بروجدانهابخش هفتم: اسلام واقتصاداصولی که
مردم جهان یاعقل صریع خودما آنهارا مسلم می شمارد:(۱عدل ومساوات (۲پرهیزازاستثمار(۳مسئله حقوق طبیعیوتکوینی که حق
،ریشه فاعلی ونمائی داردطبق بیانات ونظریات این کتاب:اصل(۳)مقدم است براصل عدالت واصل طرد استثمار:یکی ازاصولی که
دراقتصادبایددرنظرگرفت اصل تزییدثروت ملی وتکثیرتولیداست؛یعنی اقتصادسالم آن است که جریان ثروت ومنابع اولیه به نحوی
باشدکه برثروت که یگانه وسیله مادی وپایه ای ازپایه های زندگی است بیفزایدوقدرت ملی رادرتحصیل ومسائل مادی ومعنوی
زندگی مضاعف کند واین مشروط به دوشرط است:(۱منابع ثروت آزادباشد ودوچارتوقف وحبس نشود.(۲فعالیت ،آزادومحترم
باشد،یعنی ثمره فعالیت به فعال برگردد.معمولا اقتصادیون،تمایلات وخواسته های بشررا،ولوخواسته های مصنوعی را انحرافی می
دانند،حتی سرچشمه درآمدمی دانند.ولی اسلام مساله تقاضا رابه هرنحوکه باشدسرچشمه درآمدمشروع نمیداند،خودتقاضا رامشروع
نمی داندوکنترل می کندوبعلاوه پاسخ گفتن به این تقاضاها راغیرمشروع می داند.ولی مادیون اقتصادی حتی تقاضای نامشروع مثل
اعتیادبه موادمخدرایجادمی کندتا راه درآمدخودراباز کنند.اینجاست که زیان انفکاک اقتصادازاخلاق ومعنویت روشن می
شود.یکی ازچیزهایی که مانع رشدوافزایش ثروت عمومی می شودتصاحب سرمایه های عمومی بدست مالکین خصوصیدوعامل
مانع رشد ثروت:(۱حبس وتوقف مواداولیه معیشت که عمل سرمایه دراهاست(۲حبس ومتوقف ساختن فعالیت که عمل اشتراکیون
استآنچه ازرشته های درآمدمنع کرده است:الف)درآمدازطریق اغراءبه جهل وتثبیت جهالت مردم وتحکیم عقاید باطل وخرافی
نظیربت فروشی وصلیب فروشی،ومثا عمل ابراهیم بت شکن وموسی که گوساله سامری راآتش زد،وعمل رسول خداراکه بتها
راشکست تصویب می کنیم نه عمل ملکه انگلیس ویادولت انگلستان راکه بت پرستاها اجازه تاسیس بتخانه می دهدونام
آزادیخواهی ودموکراسی می گذارد.اینها ازلحاظ سیاست به مفهوم امروزصحیح استامااازلحاظ بشریت غلط.ب)تحصیل درآمد

ازطریق اغفال واضلال،امروز بنام آزادی عقیده وفکر،نشرهرکتابی وخریدوفروش هرکتابی راصحیح می دانند.امااسلام این راه درآمدرابه روی پیروان خودبسته است.ج) تقویت دشمنان به هرنحوی باشد،هرگونه خریدوفروشی که سبب شوددشمن قوی ودوست ضعیف شود دراسلام ممنوع است.د)بدست آوردن درآمد ازراه تولیدیا خریدوفروش ومبادله موادی که استعمال آنها بشرزیان داردوفائده ای نداردوازنوع هوسهای کودکانه است . ه)پای ماده مضری درکارنیست،بلکه نوع کاری که فرددرمقابل آن واقع میشودیامضرات مثل قمار و)نوع دیگریکاری است که ازنظراسلام فوق مساله اقتصادی است ازقبیل اجرت درقضاوت،تعلیم دین وقرآن ،اجرت براذانز)کارهایی که به تجمل پرستی تمام شودمثل ساختن یا ظروف طلاونقره(باعث می شود که پول ،نایاب وکارمبادله به سختی بکشد) نظراسلام درمورد اقتصاد:مبتنی است بریک اصل فلسفی وآن اینکه زمین ومنابع اولیه برای بشریعنی برای اینکه زمینه فعالیت وبهره برداری بشر قراربگیرد آفریده شده است :۱. ما وشما را از زمین پدیدآورد ودرآن به شما بهره آبادانی داد.۲. وزمین رابرای تمام جهانیان قرارداد.نباید کسی گمان کند که اگرمالک خصوصی مالی شد اختیار مطلق دارد،و می تواند آن راحبس کند زیراکه خداوند انسان فاعل ومنابع اولیه راقابل آفریده است ،واین قوه فاعلی خواسته که از آن ماده قابله استنتاج کند.امام علی (ع) می فرمایند:«اِنَّکُمْ مَسوؤلونَ حَتی عَنِ البقاعِ والبَهائِم»مسئله اضطرارراجع به اضطرار فقها می گویند اگرکسی مضطرشد.خانه خودرا بفروشد برای مصرفی که برایش پیش آمده است هرچند که باطناومایل نیست که ازآن خانه منتقل شود اما گاهی اضطراراًبه قیمت نازلتر می فروشدیعنی دیگری ازاضطرارسوءاستفاده می کند.اینجاست که باید گفت دیگری حق ندارد سوءاستفاده کندبرای خرید برای عمل نامشروع وحرامی صورت گرفته هرچندازنظرفروشنده عمل جایزی صورت گرفته است.مشخصات سرمایه داری: الف)مالکیت فردی (سوسیالیستها حتی مارکس به کلی بامالکیت فردی مطلق مخالف نیستند.)ب)مالکیت مورثی(بعضی ازسوسیالیستهاباارث به اولادمخالف هستند)ج)طبیعی بودن – نه ظالمانه بودن– اختلاف افراداز ثروت ومالکیتد)مالک شدن ثروت به وسیله ابزارتولید(به عبارت دیگر منفعت از طریق سرمایه)ه) مالک شدن ثروت به وسیله استخدام نیرویطبقه کارگرواجرت دادن به آنها وبرقرارنمودن نظام کارگر وکارفرما (این راکمونیستها ضالمانه می دانندلااقل درعصرماشین)و)مالکیت به وسیله ربامشخصات سوسیالیسم: الف)مالکیت فردی ابزارتولید راجایرنمی شمارد دراین را آلت جرم ووسیله استثمارمی شمارد دو راه جلوگیری ازاین استثمار راسلب مالکیت فردی از ابزارتولید می شمارد.ب)تفاوت طبقاتی افراداز لحاظ ثروت محکوم می کند چون همه چیزازآن همه است وباید ازاصل «کاربه قدراستعدادوخرج به قدراحتیاج» پیروی کند.ج)درجامعه سوسیالیستی قدرت اقتصادی مانند قدرت سیاسی دراختیار اجتماع است نه افراداد)نفی مالکیت موروثیه)نفی هرکه سودکارنکردو)اختلاف افراددرثروت ، مولود ظلم واجحاف استز) جایزنشمردن رباخواری

نقش اطلاع رسانی در توسعه اقتصادی

مؤسسه اقتصادی رضوی

در بحث تعادل اقتصادی می گوییم ، تعادل اقتصادی هنگامی تعادلی پایدار و مطلوب است -با تفکیکی که بین هر دو این مفاهیم قائلیم -که اطلاع اقتصادی برای طرفین معامله به میزان یکسان وجود داشته باشد. وقتی وارد بحث توسعه اقتصادی می شویم می گوییم اطلاع از امکا نات و عوامل لازمه برنامه ریزی برای استفاده بهینه از منابع است .در بحث پرجنجال اقتصاد سیاسی در اینکه عامل تعدیل یا توسعه دولت باشد یا مکانیزم بازار بحث بخش اطلاع آنجا هم اثر تعیین کننده خودش را دارد. سرانجام نهایت آنکه هر دو طرف (طرفداران نقش دولت و طرفداران عملکرد مکانیزم بازار) دعاوی ، داعیه ها و نقادی هایشان از طرف مقابل در چیست ؟ طرفداران نقش دولت به ناکافی و ناکارآمد بودن مکانیزم بازار در مورادی که شرایط بازار رقابت کامل وجود ندارد اشاره می کنند. آنها می گویند: بازار کفایت نمی کند (مقصود از بازار مکانیزم بازار و مکانیزم عرضه و تقاضاست) ما دارای ساختار های مختلف بازار هستیم و اگر ساختار بازار غیر از رقابت کامل بود، طبعاً آن عملکرد را نخواهد داشت در اینجا سوال می شود که عملکرد چه ؟ در پاسخ باید گفت که اصلی ترین فایده مکانیزم بازار که عبارت است از تخصیص بهینه منابع و اما طرفداران عملکرد مکانیزم بازار چه می گویند ؟ اینها می گویند که نقص و شکست صرفاً متعلق به مکانیزم بازار نیست شاید دخالت دولت در امور خیلی کامل نباشد و اشاره می کنند به مواردی که وقتی شما در مکانیزم مدیریت دولتی سیستم ارتباط مستقیم هزینه و نفع را ندارید اجحافها و اسرافهای فراوانی صورت می گیرد و تخصیص منابع به صورت بهینه انجام نمی شود لذا بعد از شکست بازار شکست دولت را هم این وظیفه تخصیص بهینه منابع داریم و در هر دو طرف (چه مکانیزم بازار و چه مدیریت دولتی و دخالت دولت) عامل اصلی شکست چیست ؟ یکی از عمده ترین عوامل ،بحث اطلاع است و در آن مواردی که اثبات می شود دخالت دولت ناکافی است، آن مکانیزم بازار به این دلیل شکست نخورده است که اطلاعات کافی یا برابر در اختیار عاملان اقتصادی وجود نداشته است همچنین چنانچه موارد شکست دخالت در دولت در تعدیل اقتصادی یا توسعه اقتصادی را ریشه یابی کنیم در بسیاری از موارد به این نتیجه میرسیم که مدیریت دولتی اطلاع لازم را از وضعیت اقتصادی یا شرایط اقتصادی به صورت بهنگام ندارد یعنی مکانیزم دخالت دولت ، خواستها و سیگنالهای اقتصادی را به موقع و به هنگام به تصمیم گیرندگان اقتصادی نمی رسانند طرفداران بازار می گویند: گرچه در بازار اشکال وجود دارد، اما حداقل در آنجا به لحاظ دخیل بودن منابع ، اطلاع سریعتر به تصمیم می رسد اما در سیستم دولتی ضرورت تعجیل در آن دیده نمی شود. کارمند دولتی در گوشه ای نشسته و شرایط را می بیند اما تا بتواند با وجود بوروکراسی اداری گزارش دهد به مرحله تصمیم گیری برسد ، آنجا آیا ضروری ببینند یا نبینند انگیزه ای داشته باشند یا نداشته باشند که تصمیم بگیرند و ... زمان زیادی صرف می شود و عملا رابطه بین شرایط دایم و متغیر اقتصادی و فرایند تصمیم گیری بسیار طولانی است لذا در درجه انعطاف پذیری بسیار پایین است .مشکل مشکل اطلاع است بنابراین اگر ما طرفدار هر یک از دو مکتب باشیم چه شعار حاکمیت و دخالت و اعمال نظر دولت در مسایل اقتصادی و چه شعار طرفداری از مکانیزم بازار را بدهیم یا بعضی از ما گاهی اوقات این شعار بدهیم ، گاهی آن شعار دیگر را یکی از اساسی ترین راه حل های مطلب ، حل مسأله نحوه رساندن سریع و بهنگام اطلاع به تصمیم گیرندگان اقتصادی است حال چنانچه این مسأله حل شد، چه دولتی باشد چه مکانیزم بازار خیلی فرق نمی کند . در بسیاری از تجربه های دنیا دیده شده است که مسئله مالکیت آنقدر مهم نیست که مسئله مدیریت مهم است .چنانچه شما در مسئله مدیریت تان توانستید۱- مدیریت انگیزشی ایجاد کنید۲- اطلاعات را بهنگام برسانید و انعطاف پذیری در تصمیم ایجاد کنید خیلی فرق نمی کند برای مثال مالک این کارخانه بزرگ یا پالایشگاه بزرگ دولت باشد یا بخش خصوصی اگر کارمندی که آنجا کار میکند انگیزه انتفاعی داشته باشد مدیریت آن مدیریت توجه به کارایی باشد در نهایت نحوه مالکیت چندان تفاوتی نمی کند .اگر مسئله اطلاع این قدر مهم است و در آن بحث اولیه و ابتدایی که مدرسان علم اقتصاد در کلاسهای اقتصاد تدریس می کنند بازار رقابت کامل را تشریح می کنند شرایط بازار رقابت کامل را توضیح می دهند نتایج خوب و رویایی حاصل از عملکرد بازار را هم میگویند نقطه تعادل را هم که منحنی های عرضه و تقاضا نشان می دهند، بیان می کنند و همه مشکلات عالم را حل می کنند و همه هم به رضایت می رسند و واقعا یک احساس رضاتی را در کلاس ایجاد می کند چه برای مدرس و چه برای دانشجو که مسایل و معضلات اقتصادی عالم با این چهار منحنی در هم متداخل حل می شود اما چرا در عمل و در واقعیت و عینیت این طور نیست، چون آن شرایط لازم وجود ندارد مگر یکی از شرایط لازمش این نیست که در شرایط بازار رقابت کامل، اطلاعات بین عاملان اقتصادی باید بطور یکسان و برابر توزیع شده باشد؟ آیا واقعا این طور است؟ در چند درصد از داد و ستدها اطلاعات خریدار با اطلاعات فروشنده برابر است؟ در چند درصد از معاملات، اطلاعات خریداران متعدد با هم برابر است یا اطلاعات فروشنده با هم یکسان است، آنچه که در واقعیت اقتصاد بیشترین فراوانی را دارد، محدودیت اطلاعات است و به لحاظ این محدودیت اطلاعات یا ما در بعضی از موارد اصلاً تعادل اقتصادی نداریم یا در تعادل های که داریم تعادل پایدار نداریم ، یا اگر هم پایدار باشد برای یک دوره زمانی، همراه با پدیده عدم کارایی است، یعنی استفاده بهینه از منابع در آن نداریم .معمولا در بحث اطلاع ۵ سوال را مطرح می کنند یکی اینکه اگر اطلاع محدود شد اثرش در کیفیت محصول چیست ؟ دوم اینکه اگر اطلاع محدود بود اثرش در قیمت چیست ؟ آیا اطلاع محدود قیمت را بالا می برد یا پایین

می آورد ؟ما باید برای این مطلب بصورت علمی ، تحلیلی و تجربی و کمی جواب داشته باشیم .سوال سوم این است که اگر برخی از مصرف کنندکان اطلاعات کامل داشتد، برخی اطلاعات محدود داشتند، آیا بازار با توجه به اطلاعات کامل آن عده که اطلاعات کامل دارند عمل می کند ؟قیمت کجا تعیین می شود؟ آیا بازار تابع سطح نازل اطلاعات است یا تابع سطح عالی اطلاعات ؟ سوال دقیقی است آیا اگر اطلاع مصرف کننده این قدر مهم است (اشاره خواهد شد که هم در قیمت مهم و مؤثر است و هم در کیفیت) آیا بنگاههای فروشنده در کاستن اطلاعات انگیزه ای دارند ؟ آیا در دراز مدت نفع بنگاهها در این است که اطلاعات کمتر در اختیار مشتریان قرار دهند یا اطلاعات بیشتر ؟ و سرانجام اینکه آیا این در همه شرایط مصداق دارد یا در هیچ یک از شرایط مصداق ندارد که اگر ما اطلاع بیشتر داریم ، قیمت برای مصرف کننده پایین می آید ؟ فرض کنیم شما می خواهید برنج بخرید ، اگر ندانید قیمت برنج در شمال پایین آمده یا بالا رفته ، شما در شرایطی هستید که به هر قیمتی که فروشنده به شما بدهد می خرید .طبعاً نکته مهم بدست آوردن قیمت اصلی است . اما کسب اطلاع هزینه دارد هزینه فرصت دارد شما برای اینکه قیمت را بدست بیاورید نا چارید از چند مغازه قیمت بگیرید . بعضی از آنها ممکن است بداخلاقی کنند و که شما قیمت کنید و نخرید ممکن است خجالت هم بکشید تازه قیمت چند مغازه یک خیابان بدستتان می آید قیمت بازار را که نمی دانند چقدر است. کسب این اطلاعات هزینه دارد . آیا صرفه ناشی از خرید کالا به قیمت پایین تر بیشتر است یا هزینه کسب اطلاع؟ بستگی دارد به اینکه موضوع خرید شما چیست ؟ اگر شما یک جارو می خواهید بخرید اگر جارو فروش به شما ۲۰درصد ، ۳۰ درصد یا ۵۰ درصد هم گرانتر بدهد ، اگر قرار باشد شما برای جارو هم بروید قیمت بگیرید وقتی که صرف می کنید هزینه فرصتش بیشتر است و نمی ارزد .چگونه باید هزینه کسب اطلاعات را اندازه گیری کرد؟ اینها مسایلی است که در این بحث مطرح است .پنج علت برای محدودیت اطلاع [اینکه چرا اطلاع در بازار محدود است] بیان کرده اند . یکی همین است که عرض شد که وقت هم هزینه دارد . دوم اعتبار اطلاع است . هر اطلاعی معلوم نیست که درست باشد شما به بسیاری از اطلاعات اطمینان نمی کنید شما وقتی می خواهید یک ماشین دست دوم بخرید سعی می کنید از دوستی آشنایی ، فامیلی که او را می شناسید ماشین بخرید ، اعتبار اطلاع برایتان خیلی مهم است .مسئله سوم این است که گاهی با انفجار اطلاعات مواجهیم شما قیمت یک یا دو یا سه کالا را ممکن است به ذهنتان بسپارید اما اگر ۵۰۰ ، ۷۰۰ و یا ۱۰۰۰ کالا شد ، دیگر قیمت ها یادتان نمی ماند . این هم امکان پذیرد نیست که شما فهرست قیمت ها را همیشه همراه داشته باشید و هنگام خرید آنها را با هم مقایسه کنید حتی اگر منبع اطلاع وجود داشته باشد تعدد انواع کالا ها استفاده از آن اطلاع را مشکل می کند.مطلب چهارم این است که در رستوران ها و فروشگاهای برخی از کشور ها قوانین و مقرراتی گذاشته اند که فروشنده ها مجبور هستند یک سری اطلاعات روی کالا ها در ج کنند. این امر بخصوص در مورد مواد خوراکی و دارویی مصداق دارد . اما آیا مصرف کنندگان در آن حد از آگاهی هستند که از این اطلاعات استفاده کنند ؟ کارخانه های تولید گاز را موظف کرده اند که کارایی محصولاتشان را یا به اصطلاح لومر آنها را روی آنها بنویسند اما چند درصد از مصرف کنندگان می دانند که معنی لومر چیست؟ یا در مورد مواد غذایی ، دارویی چند درصد از مردم می توانند با اصطلاح مواد تشکیل دهنده و نفع و ضررش را تشخیص بدهند؟ موضوع قدرت پردازش اطلاع نکته مهمی است .و علت پنجم این است که مصرف کننده باید بتواند آن اطلاع را به یک اطلاع اقتصادی تبدیل کند یعنی اطلاع از کیفیت، یک پردازشی را در ذهن می برد برای اینکه مقایسه بشود و تبدیل بشود به تصمیم اقتصادی که آن کالا را از آن فروشگاه بخرد یا نخرد . اینها عوامل پنجگانه ای است که ولو در مواردی که اطلاع در دسترس باشد باز مسئولیت اطلاع را (یعنی بازار را) با شرایط غیرکامل در بخش اطلاع مواجه می کند .بسیار خوب تا اینجا دو دیدگاه را بررسی کردیم یکی اینکه سوالات اصلی چیست ؟ دوم عوامل محدودیت اطلاع کدام است ؟ در نگاه سوم می خواهیم ببینیم اثر آن در تعادل چگونه است ؟ اگر شرایط محدودیت و نابرابری اطلاع بین خریدار و فروشنده وجود داشته باشد از نظر تحلیل اقتصادی چه مشکلی پیش می آید ؟ اول روی کیفیت بحث می کنیم و بعد روی قیمت .در صورتی که نابرابری اطلاع وجود اشته باشد، چه پیش می آید ؟ اثرش را روی کیفیت بیان می کنم اگر کسی که می خواهد فرضاً خمیردندان بخرد ، خوبی یا بدی خمیردندان را تشخیص ندهد عملا چه خواهد شد؟ در عمل کالای بد، کالاهای خوب را از بازار خارج خواهد کرد ممکن است کسی بگوید خمیر دندان خمیردندان است کافی است یک چیزی بخرم که کف کند . نهایتاً آن را که یک مقداری قیمتش پایین است می خرد در این صورت هیچ انگیزه ای برای تولید کننده کالاهای خوب باقی نمی ماند که کالای خوب تولید کند .بنابر این در این بحث در آن سوالی که طرح شد نشان می دهد که به نفع تولید کننده است که مصرف کننده سطح بالاتری از اطلاع داشته باشد . کدام تولید کننده تولید کننده ای است که کیفیت گراست شما می خواهید در بازار در میدان پر رقابت صادرات باشید، چاره ندارید جز اینکه کیفیت را بالا ببرید پس باید جهت گیری کل تولیدتان در اقتصاد کیفیت گرا باشد برای کیفیت گرایی باید در بازار آگاهی ایجاد کنید و این به نفع تولید کننده و به نفع تولید بیشتر است . یعنی شما باید تفاوتی را که بین بازده شخصی و بازده اجتماعی است با افزایش اطلاع سطح عمومی ، بردارید چون معمولا مصرف کننده با امید ریاضی احتمالات خودش عمل می کند . چیزی را که از آن امید ریاضی و آن میانگین بالاتر باشد نمی خرد به این سبب ، آن کسی که کالای باکیفیت و طبعاً گرانتر نسبت به آن میانگین تولید کرده است ضرر می کند مگر اینکه شما سطح توقع را که ناشی از سطح اطلاع است را بالا ببرید .اگر شما نتوانستید نا برابر اطلاعات راحل کنید آنچه خواهید دید، تبعیض در قیمت است در یک بازار واحد ، یک کالای واحد به دو مصرف کننده ، به دو قیمت فروخته می شود به دلیل اینکه اطلاعاتشان متفاوت است ، به دلیل اینکه شما قیمت دستتان هست ولی دیگری قیمت دستش نیست . شما می خرید و او نمی خرد اگر تعداد شماها زیاد باشد متوسط قیمت در بازار بالا می رود گاهی درصد قابل توجهی از ریشه تورم های افسارگسیخته را در ناآگاهی می یابیم. کافی است که سطح آگاهی را بالا ببرید ، میانگین قیمت را در بازار می توانید پایین بیارید .هنوز هم وقتی که ناگهان تب بررسی مسایل توزیع شدت می گیرد، گاهی بعضی از ما ذهنمان متمایل می شود به سمت راه حل هایی که باز هم واحدهای صنفی مان را بیشتر بکنیم شما آگاهی مصرف کننده را نسبت به قیمت و کیفیت افزایش دهید، خود آن عاملی می شود که واحدهای صنفی کم بشود. بعد از انقلاب باز بر اساس همین نیت خوب که همه باید به سمت تولید بروند ، مرتب هر کسی که یک خودکاری و یک کاغذی ، شبکه توزیع می کشید می خواستیم مشکل توزیع را حل کنیم ، می خواستیم درآمد توزیع کم شود در این راه الزام و اجبار هم می کردیم حاصل چه شد ؟ جز افزایش واحدهای توزیعی که به نحو و نام و عنوان دیگری عمل می کردند ؟ عملکردش چیست ؟ کار اقتصادی اش چیست ؟ بهر حال کارکرد اقتصادی اش امر توزیع است اگر شما واحد صنفی را زیاد کردید یعنی به هزینه این امر در جامعه افزوده اید در صورتی که اگر هدف که هدف درستی است (که باید تعداد آنها را کم کرد) مورد نظر باشد یکی از بهترین راهها ، بالا بردن آگاهی است ، چه در قیمت و چه در کیفیت .بحث قیمت در اقتصاد، چه در سیاست های تعدیل و چه در سیاست های توسعه مهم است اتفاقا در بینش اسلامی هم ما اشاره ها و نشانه هایی از اهمیت این نکته می بینیم شما. در فقه حرمت تلقی رکبان را می بینید اگر کاروانی می خواهد به تبریز بیاید ، حرام است یک کسی یا کسانی از تبریز بروند وسط راه این کاروان را ببیند و معامله کند بودن اینکه آن کاروان از قیمت بازار تبریز اطلاع داشته باشد مفهوم این مطلب چیست ؟ کجای آن با اصل تجارت و قواعد عمومی تجارت تعارض دارد که حرام شده است ما شاید نتوانیم فلسفه احکام را بطور کامل درک کنیم ، اما آثارش را می توانیم بررسی و ارزیابی نماییم . یکی از نکاتی که به نظر می رسد همین بحث اطلاع است ، چیزی جز این نیست .آن فروشنده خودش می باید آن اطلاعات را داشته باشد در شرایطی که غیر انحصاری است. شما می دانید که در احکام و آداب تجارت فروشنده منع شده است از اینکه عیب کالای خودش را بپوشاند. یعنی چی ؟ یعنی عنصر اطلاع . در بحث خیارات فسخ ، یکی از خیارات غبن است . غبن یعنی چه ؟ یعنی اینکه شما در هنگام معامله اطلاع نداشتید ، بعد اطلاع پیدا می کنید که مغبون شده اید .مغبون از چه لحاظ ؟ نه لزماً اشکال در کالا ، بلکه از قیمت فروشنده های دیگر ، میگوید من مغبون شده ام ، گران خریده ام . حالا من وارد جزئیات فقهی نمی خواهم بشوم، اشارات این چنینی نشان می دهد که بحث اطلاع چه در احکام و چه در آداب مورد توجه قرار گرفته است . اگر ما بخوهیم در حرکت توسعه اقتصادی ، توسعه صادرات ، عدالت اجتماعی و مبارزه با تورم افسار گسیخته موفق بشویم باید به عنصر اطلاع رسانی در سیاست ها توجه لازم و متناسب بکنیم .باید در این زمینه چند کار انجام شود

.باید فرهنگ تصمیم گیری اقتصادی بر اساس اطلاع ترویج بشود مصرف کننده باید یاد بگیرد که هرچیزی را که گفتند قیمتش این است ، نپذیرد ، مگر اینکه اطلاع داشته باشد . مصرف کننده شخصی یا مصرف کننده تصمیم بگیرد دولتی که می خواهد برای دولت معامله کند یا یک فروشنده، تولید کننده ، صادر کننده و وارد کننده در خرید یا فروش تصمیم اقتصادی نگیرد ، مگر با اطلاع ، چند درصد از صادرات و واردات ما بر اساس کسب اطلاعات کامل از بازارهای بین المللی است ؟چند درصد از درآمدهای تجاری ما ناشی از انحصار اطلاعات است نه ناشی از کارآمدی ؟ من یک اطلاعاتی دارم و به هیچکس نمی دهم ، حتی به برادرم چون توان تجاری من فقط این است که این اطلاع را دارم . یک شماره فاکس دارم و یک طرف تجاری را میشناسم اگر این اطلاع را دیگران داشتند، به احتمال زیاد کس دیگری می توانست با کارایی بیشتر با قیمت پایین تر این امکان را از آن خود کند و شاید برای کشور هم سود بیشتری داشت. اقدام دیگر ، تأمین اطلاعات است ما هم از باب رشد و توسعه ، هم به لحاظ عدالت اقتصادی و جلوگیری از ثروتهای بادآورده ، غیر ناشی از کارآمدی و کارایی ، موظف به گسترش اطلاعات تجاری در کشور هستیم تأمین اطلاعات لزوماً از هر کسی بر نمی آید . یکی از اصلی ترین وظایف بخش عمومی (دولت) انجام کارهایی است که از عهده بخش خصوصی خارج است قطعاً اگر ما به دنبال کارهایی که از عهده بخش خصوصی بر نمی آید، برویم ، اینقدر کار داریم که نمی رسیم کارهایی را که بخش خصوصی می تواند بکند ما هم انجام بدهیم .اشتغال دولت به کارهایی که ضرورت ندارد ، دولت را از انجام آنچه که وظیفه اوست باز می دارد .یکی از اصلی ترین وظایف ، تأمین اطلاع است ، تامین اطلاع یک مقوله عمومی است در سطح وسیع. تأمین چه اطلاعاتی؟ اطلاعاتی که هم وسیع و جامع و هم سریع باشد یعنی دسترسی من به آن اطلاع زیاد طول نکشد که بنده بخواهم به حسن بنویسم ، حسن به حسین بنویسد . حسین به تقی بنویسد تقی به نقی و نقی هم بگوید که فلان آقا موافقت کردند ، نکردند ، محرمانه است ، غیر محرمانه است و .... اطلاعات باید وسیع ، سریع و جامع و بهنگام باشد .اگر بخواهیم چنین اطلاعاتی را تأمین بکنیم دو کار لازم است: یکی تأمین شبکه اطلاعاتی و دیگر تجهیز بانکهای اطلاعاتی. شبکه اطلاعاتی بستر را تأمین می کند ، آن وقت دستگاههای مختلف، چه در داخل و چه در خارج ، بانکهای اطلاعاتی را متناسب با موضوع فعالیت شان باید درست بکنند که از طریق این شبکه و این جاده بروند از آن انبار، اطلاعات را بردارند . وزرات بازرگانی ، کشاورزی ، جهاد و ... در تجهیز این بانکهای اطلاعاتی ، اطلاع یابی و اطلاع رسانی امری است غیر از بانکهای اطلاعاتی .گاهی دیده ایم یکی از این دو با هم خلط می شود گاهی شما باید بعنوان دولت یک قدم هم بیشتر بردارید ، یعنی اطلاعات را به عامل اقتصادی برسانید . آن عامل اقتصادی ابتدا باید شیرینی این مطلب را حس کند که تجارت کردن با اطلاع چقدر فرق می کند با تجارت بی اطلاع ، بعد مشتریتان می شود . یک مدتی باید اطلاعات را بطور رایگان بدهید و بعد هم تصحیحی مستمر اطلاعات کنید که باز در این قسمت هم شما بازخوردهای میدانی داشته باشید، یعنی باید چنان رابطه ای با مصرف کنندگان اطلاعات داشته باشید که مرتباً اطلاعاتتان وسیع بشود و همچنین ارتباط لحظه ای با بانکهای اطلاعاتی داشته باشید .منبع: برگرفته از مقاله " نقش اطلاع رسانی در توسعه اقتصادی"به قلم" :دکتر محمد نهاوندیان"

چرا " جهاد اقتصادی؟"

، ۰۸:۴۲ چرا " جهاد اقتصادی ؟"

زهرا نظری مهر

متاسفانه در ادبیات رسمی جامعه ما ، فقر نه تنها به عنوان یک عامل منفی و بازدارنده مطرح نشده ، بلکه به عنوان یک "پز "و "افتخار "نیز عنوان شده و فلان مسوول ، برای این که بگوید چقدر انسان شریف و مردمی و متدینی است در مصاحبه هایش می گوید که "هنوز مستاجرم و پسرم بیکار است و همین ماه گذشته ۲ میلیون تومان قرض گرفته ام "...!

(و البته بماند پشت پرده چه خبر است!)اگر دقت کرده باشید ، در سالهای اخیر ، مقام معظم رهبری اسامی سال ها را با محوریت اقتصادی تعیین می کنند مانند اصلاح الگوی مصرف ، همت و کار مضاعف و جهاد اقتصادی.قطعاً این نامگذاری ها و استمرار وجه اقتصادی آن ، اتفاقی نیست و اندیشه ای پشت آن خوابیده است. هر چند حکومتداری وجوه مختلفی از اقتصاد و سیاست و هنر و اجتماع و روابط بین الملل را در بر دارد ، اما تردیدی نیست جامعه ای که پای اقتصادش بلنگد ، فقط از منظر اقتصادی عقب نخواهد بود بلکه در سایر حوزه های به هم پیوسته اش نیز لنگ خواهد زد و به سرمقصد نخواهد رسید.به عنوان مثال ، اگر از آمریکای امروز ، اقتصادش را منها کنیم ، نه پنتاگونی برایش باقی خواهد ماند تا در جهان قدرت نمایی کند، نه ناسایی خواهد داشت تا علم برترش را به رخ بکشد و نه حتی هالیوودی که سیطره فرهنگی ایالات متحده را در دنیا پیگیری کند.حتی در عرصه دین نیز اهمیت اقتصاد تا بدان اندازه است که بزرگان دین فرموده اند"کادالفقر ان یکون کفرا ("کم مانده است که فقر به کفر تبدیل شود) و" اذا دخل الفقر من باب خرج الایمان من باب آخر("هرگاه فقر از دری وارد شود ایمان از در دیگر خارج می شود).حضرت علی علیه السلام نیز از بین تمام دل نگرانی هایی که می توانستند برای فرزندشان محمد حنفیه داشته باشند ، این مهم را نیز متذکر می شوند: ای فرزند! من از تهیدستی بر تو هراسناکم ، از فقر به خدا پناه ببر ، که همانا فقر ، دین انسان را ناقص ، و عقل را سرگردان ، و عامل دشمنی است.متاسفانه در ادبیات رسمی جامعه ما ، فقر نه تنها به عنوان یک عامل منفی و بازدارنده مطرح نشده ، بلکه به عنوان یک "پز "و" افتخار "نیز عنوان شده و فلان مسوول ، برای این که بگوید چقدر انسان شریف و مردمی و متدینی است در مصاحبه هایش می گوید که "هنوز مستاجرم و پسرم بیکار است و همین ماه گذشته ۲ میلیون تومان قرض گرفته ام ("...!و البته بماند پشت پرده چه خبر است!)فقر زدایی ، پروسه ای است که نتیجه آن ، ایمان زایی ، اندیشه گستری ،رفاه عمومی ، زدودن بسیاری از تخلفات و جرم ها و عداوت ها و ... است و البته این مهم نیز با شعار و بخشنامه و دستورالعمل های بی پشتوانه میسر نمی شود.فقر زدایی ، جز با توسعه متوازن و عدالت محور اقتصاد میسر نمی شود . حکومت ها ، اگر نخواهند یا نتوانند توسعه اقتصادی مناسب با جاکعه خود تدارک ببینند ، یا دچار شکاف طبقاتی خواهند شد و یا در عادلانه ترین شکل ممکن ، فقر را به تساوی بین مردمانشان تقسیم خواهند نمود.ما ، ناگزیر از توسعه اقتصادی هستیم ، با این حال از آنجا که در عرصه اقتصاد ، سال ها از قافله کشورهای پیشروی اقتصادی عقبیم ، رسیدن به حد مطلوب ، با عملکردهای معمول اقتصادی میسر نیست بلکه اگر دیگران در مسیر توسعه اقتصادی" ، می روند "ما باید" بدویم "و چاره ای هم جز این نداریم . این دویدن ، همان" جهاد اقتصادی "است.

http://www.asriran.com

عادات صحیح اقتصادی برای جهاد اقتصادی

کیوان عزتی

پویایی اقتصادی فقط به زمانی که جیب هایتان پر از پول است، محدود نمی شود. هر چند در یک چنین مواقعی باید به شدت به آداب مالی خود توجه داشته باشید، اما به هر حال باید این توانایی را نیز داشته باشید که پول هایتان را همین حالا نیز به بهترین شیوه کنترل و سپس سرمایه گذاری نمایید. بنابراین به جای اینکه نفستان در سینه حبس کرده و منتظر از راه رسیدن آن روز رویایی باشید که یک چک مبلغ بالا نصیبتان شود، همین حالا شیوه های صحیح نظارت بر مسائل اقتصادی را یاد بگیرید تا بتوانید خودتان را دارنده آن چک پر بها بکنید. در این مقاله چند نمونه از تکنیک های صحیح آداب مالی را برای شما ذکر می کنیم.پرداخت خودکاربه جای اینکه انرژی خود را بیش از اندازه صرف کنید و به دنبال پاس شدن چک هایتان بروید و تمام مدت به آن فکر باشید که چگونه می توانید چند هزار تومان بیشتر پس انداز نمایید، اجازه دهید که سیستم های خودکار این کار را برای شما انجام دهند. چک حقوقتان را مستقیماً باید به حساب بخوابانید تا اولاً بیهوده به این بانک و آن بانک برای خورد کردن و یا نقد کردن پول ها نروید، و بعد هم بیش از اندازه اسکناس در جیبتان نباشد که در مواقع غیر ضروری هوس خرج کردنشان به سرتان بزند. می توانید به کارفرمای خود بگویید که حقوقتان را مستقیماً به حساب پس انداز و یا جاری شما بریزد. همچنین می توانید پول خود را در بازار بورس سرمایه گذاری کنید. بانک ها خدمات متفاوتی را برای شما فراهم آورده اند و به شما این اجازه را داده اند که پول

هایتان را هر طور که خودتان تمایل داشته باشید در آنها پس انداز کنید.از شعبه مرکزی بانک خود اطلاع داشته باشیدبه جای اینکه هر بار نیار به پول دارید کنار باجه های خودپرداز بایستید، در طول هفته برنامه ریزی کرده و در طول ساعات اداری سری به شعبه اصلی بانکی که در آن حساب دارید بزنید. این کار هم شما را به کارکنان بانک معرفی می کند و هم از خرج کردن بیش از اندازه پول جلوگیری می نماید. همچنین با مراجعه به بانک دیگر هزینه های سیستم هوشمند بر شما متحمل نمی شود.تنها یک کارت بانک را با خود حمل کنیدبا هجوم کارت های بیشمار و بالا رفتن میزان استفاده از آنها، هیچ شکی وجود ندارد که ممکن است هر یک از شما بیش از یکی از آنها را داشته باشید. به هر حال هر نوع کارتی برای مصرفی خاص است و می توایند در موارد مختلف، از مزایای هر یک از آنها بهرمند شوید؛ اما به جای اینکه همه آنها را در کیف خود بگذارید، سعی کنید که تنها یکی از آنها را در کیف خود قرار دهید، تا بی دلیل وسوسه نشوید و همه پول هایتان را یکجا خرج نکنید و زمانی هم که به خرج و مخارج خود نگاه میکنید، اگر تنها یک کارت در دست خود داشته باشید خیلی راحت تر میتوانید دخل و خرج خود را با هم تطبیق داده و تصمیمی صحیحی در مورد نحوه خرج کردن پول هایتان اتخاذ نمایید. به دنبال کارت هایی باشید که مزایای بیشتری را در اختیار شما قرار می دهند. اگر به بانک بدهکار هستید، همیشه قصدهایتان را سر موقع پرداخت کنید و به اصطلاح خوش حسابی کنید تا خدمات گسترده تری به شما ارائه گردد.حساب هایتان را تصفیه کنیدبیشتر افراد عادت ندارند که حساب های معوقه خود را چک کرده و آنها را تصفیه نمایند. این کار نه تنها شما را از نزدیک با بدهی ها و بستانکاری ها آشنا میکند، بلکه نوعی شیوه صحیح اقتصادی را به شما القا میکند که سبک بزرگان اقتصادی است. این حرکت یکی از تمرین های ابتدایی برای رساندن شما به درآمدزایی بیشتر است. همچنین این کار به شما کمک می کند که اگر بانک ها به طور ناخواسته هزینه های ناروایی را به شما تحویل کرده بودند، شما متوجه شده و جلوی آنها را بگیرید. حتی اگر هم هیچ گونه مشکلی را در مورد حساب های خود احساس نمی کردید، ما به شما پیشنهاد می کنیم که حساب های خود را به صورت ماهانه بررسی کنید تا همه چیز را در ذهنتان داشته باشید تا در صورت لزوم بتوانید به آنها استناد کنید.به بانک سر بزنیداز آنجایی که چندی است استفاده از بانک های الکترونیکی روی کار آمده است هیچ شکی وجود ندارد که بسیاری از افراد ترجیح می دهند تا از این طریق واریزی ها و کارهای بانکی خود را دنبال نمایند. اگر سرتان خیلی شلوغ است سعی کنید که حداقل یک مرتبه در ماه به شعبه بانکی که درآن حساب دارید سر بزنید. با این کار هم خدمه و هم مدیران بانک بهتر شما را می شناسند. البته این امر هیچ چیز را برای شما تضمین نمی کند، اما زمانیکه شما وارد بانک شده و با تحویلدار صحبت می کنید، او می تواند شما را بهتر راهنمایی کرده و گزینه هایی را در اختیار شما قرار بدهد که به واسطه آنها بتوانید سود کمتری را به بانک پرداخت نمایید. از این گذشته زمانیکه یک ارتباط اجتماعی سالم و صمیمی میان شما برقرار شود، می توایند کارهایتان را راحت تر و سریع تر و با صرف هزینه های کمتر انجام دهید.مراقب عملکرد اعتباری خود باشیداعتبار بانکی شما رقمی است که نزد بانک نگهداری می شود و شما نمی توانید از آن اطلاع دقیقی داشته باشید. البته روش هایی هم وجود دارند که شما می توانید از طریق آن اطلاعاتی در مورد میزان اعتبار خود بدست آورید. گاهی اوقات با ثبت نام در سرویس هایی که گزارشی از عملکرد حساب ها و میزان اعتبار شما می دهند، میتوانید به طور دائمی میزان اعتبار خود را چک کنید. البته اگر همه افراد بخواهند در کلیه بانک ها اعتبار بالایی داشته باشند که نمی شود، به هر حال چک های برگشتی و بدهکاری همه جا وجود دارد و همین مسائل از اعتبار افراد می کاهند. به هر حال بد نیست که به میزان اعتبار خود نگاهی داشته باشید و ببینید که چگونه با پرداخت های به موقع می توانید میزان اعتبار خود را افزایش داده و موقعیت اقتصادی خود را ارتقا بخشید.از نرم افزار استفاده کنیدامروزه نرم افزارهای بیشماری وارد عرصه های تجاری شده اند که به راحتی به شما کمک می کنند که بتوانید کلیه کارهایی که در بالا به آنها اشاره کردیم را در یک چشم به هم زدن انجام دهید. تخمین میزان بودجه، بررسی هزینه ها، تصفیه کردن، و برنامه ریزی بودجه بندی از جمله کارهایی می باشند که به راحتی با به گار گیری این نرم افزارها قابل انجام می باشند. نرم افزارهایی از قبیل Quicken هم برنامه های عظیم مدیریت اقتصادی را در اختیار علاقمندان قرا می دهند. بیشتر بانک ها و موسسه های مالی و اعتباری نیز به شما اجازه دانلود تراکنش هایی را می دهند که به واسطه آن بتوانید ذخیره کردن خسته کننده اطلاعات آماری و همچنین امکان بروز اشتباه را به طور کامل از بین می برند. برنامه های اینترنتی نیزمانند mint.com هم نیز انجام چنین کارهای را به عهده می گیرند و به راحتی به شما می گویند که با انجام چه کاری میتوانید پول بیشتری ذخیره کنید و یا چه کاری می تواند پول شما را زایل کند.پول شناس باشید و آنرا درست خرج کنیدبه جای اینکه انتظار داشته باشید که از آسمان برایتان پول برسد تا از وضعیت موجود نجات پیدا کنید، از چیزهایی کوچکی شروع کنید که فکر میکنید می توانید آنها راتحت کنترل خود در آورید، مانند این است که یک سکه ۱۰ ریالی پیدا کنید و بعد تلاش کنید تا به واسطه آن به بالاترین درجات برسید؛ اما به خاطر داشته باشید که زمانیکه یک چیز به صورت عادت در شما شکل بگیرد، دیگر انجام دادن آن نیز به تلاش و کوشش نیاز ندارد. تمرین کردن عادات صحیح اقتصادی چیزی است که شما می توایند به آن افتخار کنید و روی آن حساب باز کرده و زمانی هم که سود باد آورده به سوی شما جاری شود، خیلی بهتر از گذشته می توانید روی آن برنامه ریزی کرده و در راه مناسب تری از آن استفاده کنید.

http://chaei.blogfa.com/post-۴۷۵.aspx

مکانیسم های اقتصاد منطقه ای

۹۰ ، ۱۲:۳۸ مکانیسم های اقتصاد منطقه ای

حسن زاده مقیمی

مقدمه: برخی از تئوریهای توسعه منطقه ای ریشه در اقتصاد منطقه ای دارند. این بخش از علم نیز از شاخه های جوان علم اقتصاد محسوب می شود. در این خصوص تئوریها، مدلها و الگوهایی وجود دارند که از ارزش و اعتبار بالایی برخوردارند؛ در این مقاله سعی خواهیم کرد که خلاصه ای ازاین تئوریها را مورد بررسی قرار دهیم.اگر فرض کنیم در منطقه ای فقط دو واحد تجاری الف و ب وجود دارند که محصولی مشابه تولید می کنند و با قیمت برابر به فروش می رسانند، آنگاه منطقه بازار بطور مساوی بین این دو واحد تولیدی تقسیم می شود و مرز بازار آنها در نقطه ای خواهد بود که در آن هزینه تولید به اضافه هزینه های حمل و نقل برای هر دو واحد تولیدی برابر می باشد.تئوری محدوده بازارتئوری محدوده بازار با اندازه و شکل قلمروهای انحصاری هر واحد تجاری یا صنعتی ارتباط دارد. در این زمینه تئوریهایی را می توان مورد بررسی قرار داد که ارتباط متقابل تولیدکنندگان مختلف را مورد بررسی قرار داده اند.در تحلیل محدوده بازار، چها ر متغیر باید مورد توجه قرار گیرند که عبارتند از: هزینه های تولید هزینه های حمل و نقل مکان سیستم قیمت گذاریدر تئوری محدوده بازار نیز مانند بسیاری از تئوریهای منطقه ای دیگر با پیش فرضهایی مواجه هستیم. در این تئوری فرض می شود که :مشتریان بطور یکسان در منطقه توزیع شده اند.۱. هیچگونه تبعیضی در فروش محصول وجود ندارد.۲. هزینه های حمل و نقل بطور مستقیم به نسبت افزایش فاصله از مرکز فروش یا واحد تولیدی افزایش می یابد.برای فهم بهتر این تئوری اجازه دهید تا موضوع را با یک مثال روشن کنیم.اگر فرض کنیم در منطقه ای فقط دو واحد تجاری الف و ب وجود دارند که محصولی مشابه تولید می کنند و با قیمت برابر به فروش می رسانند، آنگاه منطقه بازار بطور مساوی بین این دو واحد تولیدی تقسیم می شود و مرز بازار آنها در نقطه ای خواهد بود که در آن هزینه تولید به اضافه هزینه های حمل و نقل برای هر دو واحد تولیدی برابر می باشد.اگر به متغیرهای تاثیرگذار در محدوده بازار که قبلا از آنها ذکری به میان آوردیم برگردیم و تاثیر آنها را بر محدوده بازار بررسی کنیم به نتایج جالب تر دست خواهیم یافت. اجازه دهید هریک از متغیرها را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار دهیم:هزینه های تولیداگر بنا به دلایلی نظیر پایین بودن قیمت داده ها، واحد تولیدی مورد نظر قادر باشد هزینه های تولید خود را کاهش دهد و سایر عوامل برابر باشد، این واحد قادر به بسط و گسترش محدوده بازار خود خواهد شد.هزینه های حمل و نقلتفاوت در هزینه های حمل ونقل نیز ممکن است موجب تغییر در محدوده بازار واحدهای تولیدی یا خدماتی گردند. زمانیکه هزینه های حمل و نقل بالا باشد پخش واحدهای تولیدی یا تجاری در منطقه برای پاسخگویی به نیازهای

محلی ترجیح داده می شود.، در حالیکه با هزینه های حمل و نقل پایین، به ویژه اگر با بررسی مقیاس اقتصادی همراه باشد گرایش به تمرکز بیشتر واحدهای اقتصادی افزایش می یابد، زیرا هردو حالت وضعیتی است که میزان سود واحد تولیدی را افزایش می دهد.مکانواحدهای تولیدی بزرگ گرایش به استقرار در مکان مرکزی دارند، جایی که امکان بسط مقیاس اقتصادی وجود دارد. اما واحدهای کوچکی که دارای هزینه های تولیدی بالایی هستند، باید در قسمتهایی از بازار استقرار یابند که از امیاز قیمت برخوردار باشند.این اصل سلسله مراتبی، پایه و اساس تئوری مکانی را تشکیل می دهد و اگر این پدیده در یک فضای شهری مد نظر قرار گیرد، این موضوع در قلب تئوری مکان مرکزی خواهد بود.قیمتدر این تجزیه و تحلیل فرض شد که هیچگونه تفاوتی بین قیمتها وجود ندارد و قیمتها تنها بر اساس هزینه تولید و مسافتی که باید حمل شوند تعیین می گردند. در مواقعی که فروشندگان بین مشتریان تفاوت قائل می شوند، قیمتها در مکانهای مختلف به صورت محلی تعیین می گردند. بنابراین در چنین مواقعی باید استراتژی قیمت گذاری فضایی مورد توجه قرار گیرد.تئوری قیمت فضاییقیمت محصولات مشابه ضرورتا در مناطق مختلف یکسان نمی باشد. چنانچه محدوده بازارهای مناطق از یکدیگر تفکیک شده باشند و اگر منحنی عرضه و تقاضای محلی، در قیمت بالاتر در محدوده بازار یک منطقه همدیگر را قطع کنند؛ در این صورت قیمت بالا در منطقه فوق تا زمانی می تواند پایدار باشد که امکان ورود کالاهای فوق از مناطق دیگر وجود نداشته باشد و مصرف کنندگان منطقه فوق نیز مجاز نباشند که نیاز خود را از مناطق دیگر تامین کنند. در چنین شرایطی هزینه های حمل و نقل یا محدودیتهای تجاری میتواند بازارهای جدا شده از همدیگر را به صورت جزیره درآورد. اگر سطح قیمتها بین بازارهای دو منطقه بیش از هزینه حمل و نقل یک واحد کالاـ از هم متفاوت باشد و اگر تجارت بطور کامل آزاد باشد در این صورت کالاها از بازارهای با قیمت پایین تر به بازارهای با قیمت بالاتر جریان خواهند یافت تا زمانی که تعادلی در قیمت کالاها در بین مناطق به وجود آید.مدل جاذبهاین مدل در واقع برگرفته از قانون جاذبه نیوتن می باشد که مدعی است قدرت جاذبه دو جسم با بزرگی جرم افزایش یافته و با افزایش فاصله کاهش می یابد. براساس این قانون، مدل جاذبه نیز بر این اصل استوار است که مبادلات اقتصادی بین این دو مرکز، با اندازه مراکز فوق ارتباط مستقیم و با فاصله آنها ارتباط عکس دارد. یعنی هر چه جمعیت این مراکز بیشتر، میزان مبادلات اقتصادی نیز بیشتر و برعکس هر چه مسافت بین آنها بیشتر، حجم مبادلات کمتر خواهد بود.به عبارت دیگر:میزان مبادلات بین دو مرکز الف و ب= (جمعیت مرکز الف * جمعیت مرکز ب)/ فاصله بین مرکز الف و بالبته متغیرهایی که به عنوان شاخص حجم و فاصله به کار می روند به ماهیت مسئله مورد مطالعه و آمار و ارقام قابل دسترس بستگی دارد. متغیرهایی چون جمعیت، اشتغال، درآمد و مصرف می توانند برای نشان دادن میزان حجم و متغیرهایی چون فاصله به کیلومتر، زمان سفر، هزینه حمل و نقل و غیره برای نشان دادن فاصله بکار روند.تئوری نقطه جدااییاولین اصلاح و تعدیل در تئوری جاذبه توسط تئوری نقطه جدایی انجام گرفت. این تئوری تلاش کرد تا مرز تجارت منطقه ای دو شهر غیر مساوی را پیش بینی کند. که توسط فرمول زیر انجام می گیرد:فاصله نقطه جدایی نقطه تجاری بزرگ از مرکز تجاری کوچکتر= فاصله بین دو مرکز تجاری/{۱+(مجذور (شهر بزرگتر/شهر کوچکتر))}البته محدوده تجاری هر مرکزی نه تنها تحت تاثیر فاصله و اندازه مرکز تجاری می باشد، بلکه تحت تاثیر قانون فیتر و عواملی چون شکل زمین، موقعیت مکانی مرکز، وضعیت جاده و مسیر ارتباطی، مرزهای سیاسی و غیره قرار دارد. اما اگر همه این عوامل برای دومرکز فوق ثابت باشد، در این صورت مدل جاذبه در زمینه خرده فروشی صادق خواهد بود.قانون جاذبه خرده فروشیدومین اصلاح و تعدیل در مدل جاذبه بوسیله قانون جاذبه خرده فروشی ریلی انجام گرفته است. بر اساس این مدل سعی گردید تا حجم مبادلات تجارت خرده فروشی مردم یک شهر از شهر دیگر پیش بینی و برآورد شود.به طور مثال، حجم معاملات تجاری مردم شهر ج با شهرهای الف و ب چقدر خواهد بود؟ برای محاسبه حجم معاملات تجاری مردم شهری از شهر دیگر، فرمولی به شرح زیر توسط ریلی ارائه شده است.حجم معملات تجاری و واردات شهر الف از ب/ حجم معملات تجاری و واردات شهر الف ازج= (جمعیت ب/جمعیت ج)*(فاصله بین الف و ب/ فاصله بین الف و ج)۲تئوری فیترتئوری دیگری که به تعیین محدوده فعالیت تجاری دو مرکز تجاری پرداخته است تئوری فیتر می باشد. این تئوری به منظور تعیین مرز فعالیت بین دو مرکز تولیدی یا تجاری الف و ب بکار می رود. برای تبیین بهتر مرز فعالیت این مراکز می توان سه حالت مختلف را بر اساس مفروضات متفاوت در نظر گرفت و بر اساس آنها محدوده فعالیت مراکز فوق را تعیین کرد. این حالتها عبارتند از:حالت اولفرض کنید دو مرکز الف و ب از نظر هزینه های تولید و حمل ونقل شبیه به هم باشند و هزینه حمل و نقل در تمام مسیرها در اطراف مراکز یکسان بوده و با افزایش فاصله با یک نرخ معینی هزینه حمل و نقل نیز افزایش یابد. در صورتیکه سایر شرایط برابر و ثابت باشد و اگر هزینه های تولید در هر دو مرکز مساوی باشد مرز فعالیت تجاری بین دو مرکز یک خط راست خواهد بود.حالت دوماگرهزینه های حمل ونقل در هردو مرکز با هم برابر باشند اما هزینه های تولید متفاوت باشد مرز منطقه فعالیت تجاری بصورت یک خط منحنی با خمیدگی آن به طرف مرکزی خواهد بود که هزینه های تولید در آن بیشتر می باشد.حالت سوماگر هزینه های تولید را ثابت و هزینه های حمل و نقل را متغیر فرض کنیم در این صورت خط مرزی منطقه تجاری بین دو مرکز بصورت منحنی درخواهد آمد و خمیدگی منحنی نیز به طرف مرکزی خواهد بود که در اطراف آن هزینه حمل و نقل بیشتر است.وردی نژادحسن زاده مقیمی

بایسته های جهاد اقتصادی

مهدی یاراحمدی خراسانی اشاره: نامگذاری سال ۹۰ با عنوان سال «جهاد اقتصادی» نشان دهنده اهمیت و وزن اصلاحات و تحولات اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری است. حال اگر بخواهیم به اختصار این رویکرد را واکاوی کنیم باید دقت در تعبیر به کار برده شده توسط ایشان با عنوان « جهاد اقتصادی» داشته باشیم. عبارت جهاد اقتصادی به دلیل استفاده از واژه «جهاد» در دو بعد دینی و وظیفه محور برای هر ایرانی حائز اهمیت است. بعد وظیفه محوری به لحاظ مردمی بودن آن و سهم توده مردم در این حرکت بسیار اهمیت دارد چرا که شکل گیری اصلاحات اقتصادی از یک موضوع دانشگاهی و نخبگی وارد فاز مردمی و به عنوان یک وظیفه عمومی ترسیم شده است.

نگاهی به مفهوم جهاد اقتصادی در باب مفهوم و نسبت دو کلمه جهاد و اقتصاد دو نکته حائز اهمیت است، نکته اول اینکه مفهوم جهاد اقتصادی و خصوصاً کلمه جهاد یک تعبیر استعاره گونه و دارای معانی و دلالت های خاصی است. کلمه جهاد به نوعی تلاش مقدس اطلاق می شود و یکی از کلماتی است که در گفتمان دینی ما معنا پیدا می کند و همیشه صبغه تقدس را در درون خودش دارد. این یکی از پیام های بزرگ انقلاب است که مسایل معنوی و مادی و یا به عبارتی حسنه دنیا و آخرت چگونه می توانند با هم، هم راستا شوند اگر مسئولان از ظرفیت های معنوی، انسانی و فرهنگی کشور به درستی استفاده کنند ما می توانیم از کلمه جهاد برکات زیادی را نصیب این مرز و بوم کنیم. نکته دوم : در گفتمان دینی ما کلمه جهاد در کنار کلماتی مانند هجرت ایمان ، عبادت و... پازل گفتمان و دینی را تکمیل می کنند. در برخی موارد مفاهیم دینی به ما اشاره می کند که باید موانع را دور زد اما کلمه جهاد همیشه برخورد با مانع و رفع مانع را مورد توجه دارد. در همین راستا یکی از استراتژیهای مهم در سال جهاد اقتصادی شناسایی موانع اقتصادی کشور است. نکته سوم: هرگونه جهادی نیازمند دیده بانی و رصد دقیق است در همین زمینه اقتصاد دانان کشور باید افق ۲۰ ساله آینده اقتصاد دنیا و همچنین مزیت های نسبی کشور را رصد کرده و شناسایی کنند. نکته چهارم : یکی دیگر از استعاره هایی که کلمه جهاد برای ما به ارمغان می آورد بحث نقشه و طرح است، هر جهادی نیازمند طراحی نقشه عملیاتی است و این امر در واقع خواسته ایست که از سوی مقام رهبری در نخستین نشست اندیشه های راهبردی مطرح شد. نکته پنجم : پنجمین نکته در خصوص مفهوم جهاد اقتصادی مسایل مربوط به آرایش جهادی است. دستگاه های اجرایی کشور، دستگاه‌های قانونگذار ، نهادهای قضایی ، بخش های مردمی ، بخش های غیر انتفاعی وخصوصی کشور باید با یک راهبردی که از سوی دستگاه های سیاستگذار مشخص می شود یک آرایش جهادی به خود بگیرد. آموزش نیروها نیز آخرین نکته در باب مفهوم جهاد اقتصادی است. اگر در هر عملیاتی آموزش نیرو نداشته باشیم و نیروهای اقتصادی کشور را آماده نکنیم در صحنه جهاد دچار مشکل خواهیم شد.

چرا جهاد اقتصادیانتخاب واژه جهاد اقتصادی به جای واژه های دیگر همچون تلاش ، جهش ، حرکت و... ، خود دارای پیام و معنای خاصی است، آنچه از این عنوان استنباط می شود حاوی دو نکته مهم است . ۱) تلاش های اقتصادی سال های گذشته قابل انکار نیست چرا که از پیروزی انقلاب تاکنون حرکت های اقتصادی بسیار زیادی را شاهد بوده‌ایم. ۲) تفاوت بین جایگاه و نقش اقتصاد در نظام مردم سالار دینی با نظام های غربی لازمست رعایت شود چرا که مبانی فکری نظام های سرمایه داری با مبانی اسلامی متفاوت است، جهان ، انسان ، ثروت ، طبیعت و در مجموع رفتار اقتصادی در منظر اسلام با منظر نظام سرمایه داری غربی کاملاً مغایر و متماز است. سود و سود پرستی زیاده‌خواهی، اسراف و تبدذیر ، ظلم و استثمار، طبیعت اولیه فعالیت های اقتصادی غیر اسلامی است در حالیکه فعالیت اقتصادی در نگاه اسلام به عنوان ابزاری در راستای ارتقاء و تعالی و کمال باید دارای صبغه و روح الهی و انسانی باشد. پاتک های احتمالی دشمن در جهاد اقتصادی یکی از ترفندهایی که دشمن در سال های اخیر در خصوص نظام اسلامی جامعه ما سرمایه گذاری کرده است ناکارآمد جلوه دادن نظام است. دشمن در واقع سعی کرده است تا نظام دینی و الگوی حکومت مردم سالارانه دینی ناکارآمد جلوه دهد که خوشبختانه در عرصه های مختلف که دشمن این امر را مطرح کرده است با شکست روبرو شده است. همچنین برنامه های دنباله دار و سریالی رسانه های خارجی دائماً تأکید داشته اند که تحریم های اقتصادی چه مشکلات عدیده ای را برای کشور ما به وجود آورده است. البته این تحریم ها برای ما عاری از مشکل نبوده اما هر تحریمی طبق تئوریهای اقتصاد بین الملل فرصت های مناسب و مزیت های نسبی را نیز به همراه دارد.

سخن پایانی امروز دنیای غرب قصد جلوگیری از پیشرفت ما را کرده است. آنها می خواهند با تحمیل تحریم و جلوگیری از پیشرفت ملت ایران ، استقلال و عزت ما را هدف قرار دهند. حال که رهبر انقلاب با ایستادگی های خود فضای جهادی جدیدی را برای جوانان و ملت ایران آماده کرده است باید قدر آن را دانسته و تمام همت و نیروهای خود را برای شکست طرح های ظالمانه غرب علیه کشور عزیزمان بسیج کنیم.

انفال، ابزاری برای تعادل ثروت در جامعه

عارف ایرانی

انفال سومین منبع از منابع مالی دولت اسلامی است. انفال جمع نفل است. نفل همان غنیمت است از آن حیث و لحاظ که با پیروزی به دست می آید و در واقع هدیه از ناحیه پروردگار عالم است. در تعریف نفل اتفاق نظر وجود دارد، بعضی ها می گویند انسان قبل از تقسیم غنیمت از آن به دست آورد. و طبعاً ظهور در غنایم جنگی که پس از پیروزی

به دست مسلمین می افتد دارد و بعضی ها گفته اند آن غنایمی که بدون قتال و جنگ به دست مسلمین می افتد. روی هم رفته از مجموع موارد استعمالی که این کلمه در قرآن و در اشعار عرب و در روایات وجود دارد این طور به دستمی آید که اعمال اضافی، اموال زاید، اولاد اضافی و هر چیزی که نوعی زیاده بر اصل دارد نفل و نافله و انفال نامیده می شود و اگر انفال به معنی غنیمت به کار برده شده است این معنی در آن مد نظر قرار گرفته است.غنایمی که در میدان نبرد به دست مسلمین می افتد نفل است. هر عمل خوب و نیک که با میل و رغبت به طور مستحب انجام می گیرد و واجب نمی باشد نیز نفل است زیرا که اعمال زاید بر فرایض و واجبات است. انفال عبارت از چیزها و اموالی است که مالک خاص از مردم نداشته باشد مانند قلل جبال و باطن دره ها و جاهایی که ویران گردیده و مالک مشخصی ندارد و شهرها و روستاهایی که صاحبان آنها از آنجا مهاجرت کردند و الان بلا صاحب است و ترکه افرادی که از دنیا رفته اند و الان وارث شرعی خاص ندارند و غیر از اینها از اموال زاید و اضافی که مالک شرعی نداشته باشد. به این نوع اموال انفال گفته می شود، به این اعتبار که اینها اضافه و زاید بر آن اموال است و از میان مردم، مالک معین و مشخص ندارند و مال خدا و رسول خدا (ص) هستند قران در اولین آیه از سوره مبارکه انفال این طور دارد": یسئلونک عن الانفال لله و لرسوله واتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم و اطیعواالله و رسوله ان کنتم مومنین. "آن چیزی که از این آیه به دست می آید این است که انفال و هر چیزی که نفل باشد و چه از اموال عمومی، اینها در مالکیت کسی نمی باشد و مالکیت آنها از خدا و رسول خدا (ص) می باشد. پس انفال یکی از عظیم ترین منابع مالی دولت اسلامی بوده و در مالکیت خدا،پیامبر اسلام (ص) و امام است و طبعاً در تأمین مصالح عمومی جامعه اسلامی باید صرف شود یکی از اهداف بسیار مهمی از انفال که مورد توجه قرآن قرار گرفته است ایجاد تعادل ثروت و امکانات موجود جامعه در میان اغنیا و محرومان است و برای تأمین مصالح اسلام از آن به نحو احسن بهره برداری نماید.در واقع انفال برای رفع نیاز یتیمان و مسکینان و درماندگان در راه، مصرف می شود برای اینکه مبادا اموال عمومی در دست عده ای معدود از ثروتمندان و اغنیاء قرار گیرد و در میان آنها دست به دست بگردد و اکثریت افراد جامعه در فقر و تهیدستی و تنگدستی واقع شوند. چون یکی از مهمترین عوامل سقوط جامعه و هلاکت آن تجمع اموال و امکانات جامعه در دست عده ای از اغنیاء می باشد. دولت اسلامی با در دست داشتن این همه امکانات و اموال باید طوری برنامه ریزی کند که این اموال عمومی امکان افراد زیادی را فراهم سازد و در اثر گردش این اموال در دست عموم جلوی تمرکز ثروت در دست یک عده بسیار اندک گرفته شود و به طور طبیعی جامعه به زندگی سالم اجتماعی و اقتصادی خویش ادامه دهد.

http://www.resalat-news.com/Fa/?code=۵۸۶۶۷

نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی

مؤلف : منذر قحف

مترجم : سیّدحسین میرمعزّی[۱] مقدمه: دین و اقتصاد، دو حوزه کاملاً نزدیک به هم هستند. از جهت تاریخی ملاحظه می‌کنیم که عالمان پیشین اقتصاد از طبقه راهبان و عالمان ربانی بودند.در قرون وسطا در اروپا، علم اقتصاد سکولاریستی را کشیشان مسیحی مثل توماس اکوئیناس، اگوستین و دیگران ایجاد کردند. فیزیوکرات‌ها در اوایل قرن هجدهم به مقدار فراوانی صبغهٔ دینی بر کتاب‌هایشان دادند. عقاید آنان دربارهٔ زمین و انسان مبتنی بر افکار مسیحیت بود. با حدوث انقلاب صنعتی و تولید انبوه، برخی عالمان اقتصاد شروع به تفکیک قلمرو تحقیقات خود از دین کردند. این پدیده‌ای استثنایی بود که به تاریخ فرهنگی و سیاسی اروپا ارتباط داشت؛ زیرا از نفوذ انقلاب افسارگسیخته ضد کلیسایی متأثر بود. به مقتضای این پدیده بحث از علم اقتصاد سیاسی به جای علم اقتصاد سکولار آغاز شد؛ ولی انقلاب ضد دینی به مرور زمان فروکش کرد و مردم از جمله اقتصادانان، به تعادل فکری خود بازگشتند.به اعتبار این‌که ما اقتصاددان هستیم، این نکته را درک می‌کنیم که همواره برای علم اقتصاد چارچوبی وجود دارد که دارای صبغهٔ دینی و اخلاقی و انسانی است و باید این چارچوب در آن ماده و مطالعهٔ علمی، دوباره داخل شود. انکار علاقه بین علم اقتصاد و ارزش‌های دینی و اخلاقی از سوی نسل پیشین اقتصاددانان اروپا مردود و خطا بود. اکنون درک می‌کنیم، چنان‌که میردال و دیگران نیز تأکید می‌کنند، طرح امکان جدایی علم اقتصاد از احکام ارزشی مخصوص بشر، چه در جایگاه اعضای اجتماع، چه در جایگاه افراد یا عالمان اقتصاد، محال است؛ از این‌رو در سال‌های اخیر شاهد بازگشت گسترده به گرایش انسانی‌تر بودیم. ایوجین لوفل، اقتصاددان اهل چکسلواکی که تحصیلات خود را در هاروارد به پایان رسانده، با تألیف کتابی به نام اقتصاد انسانی نمایندهٔ این گرایش شمرده می‌شود. وی اقتصاد انسانی را « اقتصاد به‌وسیلهٔ بشر و برای بشر» معرفی می‌کند؛ بنابراین، وقتی اقتصاددانان مسلمان اعلان می‌کنند که دین پیشینه اساسی علم اقتصاد را تشکیل می‌دهد، نباید تعجب کرد؛ زیرا این سخن از رابطه علم اقتصاد با نفس انسانی خبر می‌دهد.دین شامل معتقدات و رفتارهای مردم می‌شود و چون معتقدات مردم در رفتار اثرگذار است، و رفتار، افزون بر جوانب اجتماعی و عاطفی و جوانب دیگر، جوانب اقتصادی را نیز شامل می‌شود، باید هر دینی دارای موضع اقتصادی خاص خود باشد و باید هر دینی جهتگیری اقتصادی ویژه خود را داشته باشد.تعریفی از علم اقتصاد که بیشتر مورد پذیرش عالمان قرار گرفته، چنین است:علم اقتصاد بررسی رفتار انسانی در زمینهٔ تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است[۳]بدیهی است که این رفتار اقتصادیِ انسانی، فعّالیت‌های افراد و گروه‌های مردم را شامل می‌شود؛ در نتیجه، علم اقتصاد شامل بررسی رفتار فردی، همان چیزی که علم اقتصاد خرد نامیده می‌شود، و رفتار گروهی، همان چیزی که اقتصاد کلان نام می گیرد، می‌شود.دین، چنان‌که

دکتر محمّد دراز ذکر کرده، روش و راهی متضمن تبعیت است. این همان معنای کلمه «Religion» در لغت غرب است.[۴] بدین ترتیب، رفتاری که علم اقتصاد بررسی می‌کند، جزء یا جنبه‌ای از رفتاری است که در قلمرو دین داخل می‌شود. شاید به همین دلیل، معیارهای اقتصادی رایج در جاهلیت عرب وقت نزول وحی در عصر نبوت در قرآن کریم محکوم شده است. در ادامه، برخی از آیات که دربارهٔ محکومیت رفتار اقتصادی عرب جاهلی، بر پیامبر اسلام محمد نازل شده است، می‌آید:وَیْلٌ لِلْمُطَفِّفِینَ * الَّذِینَ إِذَا اکْتَالُوا عَلَى النَّاسِ یَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا کَالُوهُمْ أَو وَزَنُوهُمْ یُخْسِرُونَ * أَلَایَظُنُّ أُولئِکَ أَنَّهُم مَبْعُوثُونَ * لِیَوْمٍ عَظِیمٍ * یَوْمَ یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ[۵].همچنین می‌یابیم که حضرت شعیب در رسالتش تأکید می‌کند که التزام به دین و اطاعت خداوند، الگوی معیّنی از تعامل با اموال را اقتضا می‌کند و این امر شگفتی برخی از کافران قوم او را برانگیخت و چنین گفتند:قَالُوا یَا شُعَیْبُ أَصَلاتُکَ تَأْمُرُکَ أَن نَتْرُکَ مَایَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَو أَن نَفْعَلَ فِی أَمْوَالِنَا مَانَشَاءُ إِنَّکَ لأنتَ الْحَلِیمُ الرَّشِیدُ[۶].بدین ترتیب، ما می‌توانیم از این بحث چنین نتیجه بگیریم که «رفتار اقتصادی انسان و جامعه، جزئی از حوزهٔ عمل دین شمرده می‌شود» (نتیجه۱).اسلام و اقتصاددر ادامه، رابطه بین اسلام به‌طور خاص با علم اقتصاد را بررسی می‌کنیم.کسی که اسلام را بررسی کند، می‌یابد که این دین، در حلّ مسائل اقتصادی با ادیان دیگر تفاوت دارد. ادیان گوناگون گاهی دربارهٔ مسأله‌ای معیّن، به‌ویژه علم اقتصاد، مواضع متفاوت دارند؛ ولی می‌خواهیم بگوییم موضع اسلام به حدی با ادیان دیگر تفاوت دارد که به آن چهره‌ای ممتاز می‌بخشد. این چهره ممتاز دین اسلام با ملاحظهٔ دو مسألهٔ اجمالی برای ما روشن می‌شود. هر یک از این دو مسأله دارای فروع و تفصیلاتی است. که عبارتند از:أ. وجود مقدار بسیاری از مبادی و توجیهات و تشریعات و احکام که ناگزیر نظام اقتصادی ممتازی را پدید می‌آورد. این نظام چارچوب کاملی که بر رفتار اقتصادی محیط است، شمرده می‌شود و آن را در جهت معین و مطلوب سوق می‌دهد.ب. وجود سخنان متعددی که در مجموع، داده‌های عینی را ارائه می‌دهند که به فهم رفتار اقتصادی افراد و گروه‌ها کمک می‌کند.ما به این‌دو مسأله به تفصیل خواهیم پرداخت. این‌جا لازم است به اختصار شرح دهیم:دربارهٔ مسأله اوّل، یعنی این‌که اسلام در جایگاه دین، دارای نظام اقتصادی خاص خود است، می‌گوییم: محقق قرآن و سنت، در هر سطح علمی و رفتاری که باشد، درمی‌یابد که قرآن و سنّت شیوه رفتاری انسان در همه زمینه‌ها را در بردارد و بخش قابل توجهی از آن درباره رفتار اقتصادی است. این دو منبع اساسی دین اسلام، آن دسته از ارزش‌های اخلاقی و اصول اساسی را که ساختار انگیزه‌های ذاتی در انسان را می‌سازد، ارائه می‌کنند. همچنین این‌دو منبع چارچوب قانونی و نهادهای اجتماعی را که رفتار اقتصادی در درون آن‌ها شکل می‌گیرد، وضع می‌کنند. کل شریعت، این امور را بیان می‌کند؛ بنابراین، انسان برای درک کامل ژرفای شریعت در تبیین مؤلفه‌های عمومی نظام اسلام که شامل همه جوانب زندگی می‌شود، و مؤلفه‌های نظام اقتصادی اسلام، کافی است یکی از کتاب‌های فقهی اگرچه ابتدایی را ملاحظه کند.شاید اشاره به دو نکته اساسی که این معنا را تأکید می‌کنند و آن را در چارچوب ویژه خود قرار می‌دهند، به‌صورت مختصر مفید باشد. قرآن کریم به‌طور قاطع، اسلام را روشی برای همه ابعاد زندگی معرفی می‌کند، آن‌جا که از زبان پدر انبیا، حضرت ابراهیم می‌گوید:قُلْ إِنَّ صَلَاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحْیَایَ وَ مَمَاتِی لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ * لَاشَرِیکَ لَهُ و بِذلِکَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِینَ[۷].همچنین قرآن کریم تأکید می‌کند که دین به این سبب کامل و نعمت خداوند بر آفریدگانش تمام شد، که اسلام را برای آنان برگزید تا برحسب مقتضای اسلام در همهٔ فعالیّت‌های انسانی در این دنیا به تعامل بپردازند.نکته دوم این است که دین اسلام، رفتار انسانی را از طریق کار فعّال بر روی داده‌های مادی و اجتماعی که محیط و ابزار عمل را شکل می‌دهند، همزمان در جهت تحقق هدف عبادت خداوند سامان می‌دهد. به‌عبارت دیگر، تحقق اهداف آخرتی فقط با احسان در این دنیا میسّر است؛ هر آنچه کلمهٔ احسان آن را اقتضا می‌کند، همچون ساختن، و آبادکردن و اصلاح و تعمیر؛ بنابراین، کوشش انسانی در دنیا انحراف از رضایت خداوند نیست؛ بلکه اطاعت خداوند و راه وصول به خشنودی او است. اموری همچون ساختن زندگی مادی و تحسین آن و بهره‌برداری از آن، فی نفسه وسایل دستیابی به متاعی است که خداوند به ما بخشیده، و کناره‌گیری و عقب‌نشینی از زندگی، گناهی است که خداوند آن را در قرآن و پیامبر در سنت محکوم کرده است. بر این اساس، به‌رغم این‌که هدف زندگی توفیق در آخرت است، تحقق این توفیق بدون آبادکردن و شکوفاساختن این دنیا ممکن نیست. اصول اخلاقی اسلام، به ثروت به‌صورت وسیله‌ای برای ارضای انسانی و افزایش توان او برای تقرّب بیشتر به سوی خداوند می‌نگرد؛ بنابراین، اسلام نه تنها تلاش برای دستیابی به ثروت و بهره‌برداری از آن را محکوم نمی‌کند، بلکه شور و شوق دستیابی به درآمد بیشتر و اموال بیشتر و استفاده از آن‌ها را نیز رد نمی‌کند.[۸]اسلام در حقیقت از این هم فراتر رفته است؛ زیرا متاع حیات مادی را بخشش و نعمتی از جانب خداوند برشمرده که از طریق بهره‌مندی از آن‌ها، اطاعت خداوند تحقق می‌یابد، و امتناع از این‌کار را گناه و خروج از حدود بندگی می‌شمارد. پیامبر خدا در مقام ردّ کسی که از متاع دنیا پرهیز می‌کرد و زهد پیشه ساخته بود، فرمود:ولی من روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم و می‌ایستم و می‌خوابم و با زن‌ها ازدواج می‌کنم.شاید عدم استفاده انسان از منابع و امکانات و نیروهایی که خداوند به او بخشیده، مشابه گناه شمرده شود؛ از این‌رو، اسلام اعمالی همچون تولید، توزیع و مصرف را جزئی از عبادت می‌شمارد.قرآن و سنّت دربردارندهٔ بسیاری از گزاره‌های وصفی‌اند که به تحلیل اقتصادی کمک می‌کنند؛ گزاره‌هایی که در اقتصاد آن‌ها را قوانین علمی می‌نامیم. برخی از این آیات عبارتند از:زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِینَ وَ الْقَنَاطِیرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَیْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذلِکَ مَتَاعُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ[۹].وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَیْرِ لَشَدِیدٌ[۱۰].وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً رَجُلَیْنِ أَحَدُهُمَا أَبْکَمُ لَایَقْدِرُ عَلَى شَیْءٍ وَ هُوَ کَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَیْنَما یُوَجِّهْهُ لَایَأْتِ بِخَیرٍ هَلْ یَسْتَوِی هُوَ وَ مَن یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ[۱۱].یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ یُرْبِی الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَایُحِبُّ کُلَّ کَفَّارٍ أَثِیمٍ[۱۲]وَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِلَّذِینَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَوْ یَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِی ضَلَالٍ مُبِینٍ [۱۳].برخی از این احادیث عبارتند از:لو أنّ لابن آدم واد من ذهب لابتغی ثانیاً، و لو أنّ له وادیان لابتغی ثالثاً.اگر فرزند آدم، صحرایی پر از طلا داشته باشد، دومی را آرزو می‌کند و اگر دومی را داشته باشد، سومی را آرزو می‌کند (این روایت را ترمذی نقل کرده، بخاری و مسلم نیز همین مضمون را نقل کرده‌اند).خط رسول‌الله، خطّاً مربعاً و خطّ خطّاً من الوسط خارجاً منه و خطّ خططاً صغاراً إلی هذا الّذی فی الوسط فی جانبه الذی فی الوسط. فقال: هذا الانسان و هذا أجله محیط به، و هذا الذی خارج أمله، و هذه الخطط الصغار الأعراض فإن أخطأه هذا نهشه هذا.رسول خدا ابتدا خط مربعی کشید، و خطی از وسط به خارج آن کشید و خطوط کوچکی را به خطی که در وسط بود و به دو جانب آن وصل کرد و فرمود: «این انسان است و این اجلی است که محیط بر او است، و این خطی که خارج است، آرزوی اوست، و این خط‌های کوچک حوادثند. اگر یکی خطا کند، دیگری او را می‌گیرد (این روایت را بخاری و ترمذی نقل کرده‌اند).همه این آیات و روایات ما را به نتیجه دوم رهنمون می‌کند که برای اقتصاد اسلامی، دو تعریف وجود دارد:أ. اقتصاد اسلامی، بررسی نظام اقتصادی اسلام است.این تعریف شامل ویژگی‌ها و نهادهای اصلی اقتصاد اسلامی می‌شود که منابع اساسی اسلام یعنی قرآن و سنت به آن‌ها اشاره کرده است؛ چنان‌که حدود چارچوب قانونی آن را برنامه شریعت در اصول و احکامش بیان می‌کند و نیز حدود انگیزه رفتاری و الگوی شکل روانی آن را برنامه اخلاقی اسلام بیان می‌دارد.ب. اقتصاد اسلامی، همچنین بررسی رفتار اقتصادی انسان است که از دو مصدر معرفت، یعنی وحی و تجربه انسانی ناشی می‌شود. این همان چیزی است که ما تحلیل اقتصادی اسلامی می‌نامیم.در این بحث، تمرکز ما بر اقتصاد اسلامی در جایگاه نظام اقتصادی اسلام خواهد بود؛ امّا موقعیت اقتضا می‌کند که تحلیل اقتصادی اسلامی را نیز به‌صورت خلاصه توضیح دهیم.نظام اقتصادی اسلاماً. نظام اقتصادی چیست؟برای بررسی نظام اقتصادی اسلامی باید (نظام اقتصادی) را تعریف کنیم. نظام اقتصادی چیست؟ هر نظام اقتصادی، همواره در مجموعه‌ای از اصولی تجسم می‌یابد که زیربنای چارچوب خاص تنظیم فعالیت اقتصادی است. از سویی، این مجموعه از اصول بر بینش فلسفی ویژه‌ای درباره فعالیّت اقتصادی مبتنی است، و از جهت دیگر، تعامل این اصول چارچوب فعالیت اقتصادی را تشکیل داده آن را به مسیر مطلوب این نظام هدایت می‌کنند. بدین ترتیب، در هر نظام اقتصادی سه جزء وجود دارد: فلسفهٔ اقتصادی، مجموعهٔ اصول، و روش تحلیل عمل که متغیرات اقتصادی را تعیین می‌کند.فلسفهٔ اقتصادی، اساس فکری نظام را فراهم می‌کند؛ زیرا آرای آن نظام را دربارهٔ تولید، توزیع و مصرف در برمی‌گیرد و اصول و قواعد کارکرد آن نظام را در قالب نظریات معیّنی سامان می‌دهد. این فلسفه اقتصادی، براساس موضع مذهبی در برابر حیات، انسان و خداوند، نقش خود را ایفا می‌کند. فلسفه اقتصادی مارکسیسم در قالب اندیشه‌هایی چون مبارزه طبقات و تضاد منافع آن‌ها ظاهر می‌شود و همهٔ

اصول و قواعد مربوط به انقلاب پرولتاریا و دیکتاتوری طبقهٔ کارگر از همین فلسفه سرچشمه می گیرد. مبارزه و تضاد، همان تجلی فلسفه نزاع و درگیری است که در اراده‌ها و تمایلات خداوندان متعدد یونان و سپس رومیان وجود داشت، و نیز تعبیر دیگری از مفهوم خدایی است که به انتقام تمایل دارد که به فرهنگ یهودیت و مسیحیت منتسب می‌شود؛ خدایی که همواره زدن و ترساندن و قتل انسان را می‌خواهد و به او اجازه تحقق‌بخشیدن به مصالح و لذاتش را نمی‌دهد.در سرمایه‌داری، فلسفه اقتصاد در «آزادی عمل» و دست نامرئی تجسم می‌یابد. مفهوم آن این است که نباید هیچ مانعی از تلاش انسان برای تحقق مصلحت شخصی‌اش جلوگیری کند، و اگر مردم آزاد گذاشته شوند تا آنچه می‌خواهند انجام دهند، بین منافع اشخاص هماهنگی خواهد بود. بدین ترتیب، ملاحظه می کنیم که فلسفهٔ اقتصاد سرمایه‌داری براساس عدم توجه به خداوند است. در این فلسفه، اگر خدایی وجود نداشته باشد، دنیا به آفریدگار نیازی ندارد و اگر خدایی وجود داشته باشد، خدای «منعزل» است که دنیا را آفریده و آن را تنظیم کرده؛ سپس به عزلت و بازنشستگی گرایش یافته است و به هدایت آنچه خلق کرده نمی‌پردازد و در اعمال آفریدگان دخالت نمی کند.عنصر دوم هر نظام اقتصادی در مجموعه‌ای از قواعد و تنظیم‌ها و نهادهایی که چارچوب اجتماعی و قانونی و رفتاری نظام را پدید می‌آورند، ظاهر می‌شود. این عنصر شامل اموری از این قبیل می‌شود: تنظیم ملکیت، و تملک ابزار تولید به‌وسیلهٔ افراد به‌صورت مستقیم، و به‌وسیلهٔ عموم مردم به‌صورت مجموعی، یا به‌وسیلهٔ دولت به‌سبب حاکمیتش، مقرراتی که برای رفتار فرد وضع شده است، و حدود مجاز برای کالاها و خدماتی که امکان دستیابی به آن‌ها وجود دارد، و شکل‌ها و حدود معاملات اقتصادی که مردم می‌توانند انجام دهند، و این مجموعه از قواعد، معیارهای رفتار افرادی که تصمیم‌های اقتصادی می گیرند، یعنی تولیدکننده و مصرف کننده را نیز شامل می‌شود.در سرمایه‌داری، می‌بینیم که «آزادی عمل» مستلزم کمترین قدر ممکن از دخالت دولت و مستلزم حق ملکیت خصوصی مطلق و آزادی تصرف و آزادی همهٔ انواع روابط و معاملات اقتصادی است و معیارهای ویژه افراد از مکاتب اصالت فرد و اصالت نفع اخذ می‌شود. در این نظام، مادام که همهٔ کالای تولیدی از هر نوع، به فروش می‌رسد، مطابق با همهٔ معانی کلمهٔ مفید، اعم از اقتصادی و اخلاقی، این کالا مفید محسوب می‌شود.در مارکسیسم، حق ملکیت به‌صورت اساسی به طبقه پرولتاریا که نمایندگی آن به‌وسیلهٔ رهبری دیکتاتور آن انجام می‌شود، تعلق دارد. این نوع از ملکیت از طریق ملکیت دولت بر ابزار تولید و سلطه دولت بر تعیین آنچه باید تولید شود، چگونه تولید شود و به چه کسی داده شود (توزیع شود)، تجسم می‌یابد. مصلحت و منفعت عمومی معیاری اساسی شمرده می‌شود که این نظام برای افراد وضع کرده و به مقتضای آن، همهٔ روابط و معاملات اقتصادی مجاز را تعیین می کند.عنصر سوم نظام اقتصادی، روش عمل آن است. روش عمل هر نظام بر بنیان آن نظام مبتنی است و بنیان نظام نیز به‌وسیلهٔ اصول و قواعد اساسی ویژهٔ آن نظام شکل می گیرد. در هر نظام، مجموعه‌ای از قواعد وجود دارد که تبعیت از آن‌ها برای تضمین سیر عمل آن نظام لازم است.در نظام سرمایه‌داری اگر تعریف دقیق‌تری از آن بدهیم می‌توانیم این قواعد را بشناسیم.در رقابت کامل، قواعد اساسی، دربارهٔ با آزادی ورود و خروج به بازار، و آزادی اطلاعات و کوچک‌بودن اندازهٔ واحدهای اقتصادی است؛ امّا در سرمایه‌داری انحصاری یا سرمایه‌داری بزرگ، این قواعد در دادن فرصت به تولیدکنندگان برای تعیین قیمت‌ها به مقداری بیش از هزینه‌ها و گشوده‌بودن بازارهای مواد اولیه و بازارهای مدیریت کالاها در برابر آن‌ها و تعیین محدودیت بر سر راه انتقال فن آوری تجسم نمی‌یابند، مگر این که خلاف این‌ها به مصلحت تولیدکنندهٔ بزرگ باشد.در نظام مارکسیستی، قواعد عمل را در برنامه‌ریزی متمرکزی می‌یابیم که کارمندان اداری، تحت هدایت رهبری دیکتاتوری که مظهر حکومت کارگری است، انجام می‌دهند؛ در نتیجه، تولید از طریق این روش اجتماعی تنظیم می‌شود؛ روشی که انواع و مقدار کالاهای تولیدی و قیمت‌ها و مقدار دستمزد افراد را تعیین می کند.هر نظام اقتصادی در جهت تحقق نتیجه مطلوب عمل می کند و نتیجه مطلوب ارتباط فراوانی با فلسفه اساسی نظام دارد و بر آن متوقف است. همچنین بر اولویت‌های اجتماعی برگزیده، مانند افزایش رفاه یا عدالت در توزیع، آزادی فردی یا استقلال جامعه، رشد اقتصادی یا حفظ اصول اخلاقی و ... مبتنی است؛ به همین دلیل، هر نظامی براساس مقدار سازگاری فلسفه و اصول و روش‌های عمل آن با فطرت انسانی از یک سو، و مقدار کارایی آن در تحقق اولویت‌هایی که آن نظام نصب العین خود قرار داده است، از سوی دیگر، ارزیابی می‌شود.ب. ویژگی‌های عمومی نظام اقتصادی اسلامپس از آن‌که عوامل تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی را شناختیم، پیش از ارائهٔ عناصر نظام اقتصادی اسلام، توجه به چهار ویژگی اساسی همهٔ نظام‌ها که به خصوص در نظام اقتصادی اسلام اهمیت به‌سزایی دارد، ضرور است:۱. باید همه اصول نظام اقتصادی و قواعد آن به‌صورت کامل اجرا شود تا نتایجی که نظام به دستیابی به آن‌ها تمایل دارد، محقق شود. اجرای کامل هر نظام نیز مستلزم سازگاری همهٔ عرصه‌های فعالیت در جامعه با مطالبات نظام است؛ زیرا نظام اقتصادی، طبق تعریف آن، با وجوه متعدد حیات اجتماعی ارتباط دارد؛ برای مثال، نظام اقتصادی اسلام، خواهان تحریم ربا است. ربا باید از طریق تشریع و قانون حرام شود. همچنین اسلام خواهان جمع زکات و توزیع آن به‌وسیلهٔ دولت است، و دولت برای این کار باید مقررات ویژه‌ای را وضع کند؛ به همین دلیل، اجرای نظام اقتصادی اسلام مستلزم وجود هماهنگی بین روند کارکرد همه اجزای داخل در بنیان اجتماعی و سیاسی برای تحقق اهداف نظام است؛ البته مقصود این نیست که برای تحقق نظام اقتصادی اسلام، باید همزمان همه اجزای بزرگ و کوچک نظام‌های اسلامی اجرا شود. قوانین، مقررات، و قواعد اقتصادی را با صرف‌نظر از روش تنظیم برخی امور دیگر در جامعه که با تصمیم‌های اقتصادی ارتباط کمی دارند می توان اجرا کرد؛ برای نمونه، اگر جامعه، تحریم ربا را به‌صورت جزئی از اقتصاد اسلامی بپذیرد تحریم ربا اجرا خواهد شد؛ چه حرمت شراب‌خواری رعایت بشود یا نشود و چه افراد به حدود لباس اسلامی ملتزم باشند یا نباشند؛ پس اگر فقط زمینه‌های مرتبط با نظام اقتصادی اسلام وجود داشته باشد می‌توان آن را اجرا کرد. در این‌صورت، نظام اقتصادی اسلام خواهد توانست عمل کند و ثمره دهد؛ چه در جامعه، قابلیت اجرای همه اصول اسلام باشد یا نباشد.این نیز بدان مفهوم نیست جامعه‌ای که فقط نظام اقتصادی اسلام را می‌پذیرد، جامعهٔ اسلامی است؛ زیرا برای آن‌که جامعه، اسلامی شود، کافی نیست نظام اقتصادی اسلام به تنهایی تحقق یابد؛ بلکه باید همهٔ اعتقادات و ارزش‌ها، نهادها، تصمیم‌ها، و مقررات طبق آنچه در قرآن و سنت آمده است، تحقق یابد.۲. نظام اقتصادی اسلام سرشار از ارزش‌ها است؛ یعنی نظامی هدفدار شمرده می‌شود، و مجموعهٔ معیّنی از ارزش‌ها را برگزیده است و در برابر اخلاق بی‌طرف نیست. اسلام توسعهٔ ارزش‌های اخلاقی همچون برادری، صداقت، عدالت، احسان، محبت و مقدم‌داشتن دیگران و ارزش‌های دیگری که در آیات و روایات مورد تأکید قرارگرفته را هدف قرار داده است.۳. این که نظام اقتصادی اسلام، تحت تأثیر میزان عمل مردم به اخلاق و تعصب دینی آنان است، در عملکرد خود، بر افعال اختیاری تکیه نمی کند؛ برای نمونه، با وجود این حقیقت که نظام اقتصادی اسلام، گاه سطح بالایی از انفاقات اختیاری، یعنی صدقه را دارد چیزی که به‌صورت پرداخت‌های انتقالی اختیاری شناخته می‌شود؛ ولی ساختار و عملکرد آن بر صدقات متوقف نیست؛ بلکه بر اصول اساسی و قواعدی مبتنی است که در تنظیم فعالیت‌های اقتصادی به روشنی پدیدار می‌شود؛ به همین دلیل، رفتاری که نظام اقتصادی اسلام به آن دعوت می کند، رفتار دینی محض نیست؛ بلکه رفتاری دنیایی و مادی است که نهادهای قانونی و اجتماعی آن را سامان می‌دهند و قواعد و روش نظام، به آن رفتار منتهی می‌شوند.۴. نظام اقتصادی اسلام، نظامی پویا است؛ یعنی در آن، قانون ثابتی که همه جزئیات را شامل شود، وجود ندارد؛ بلکه فقط خطوط کلی و اصول اساسی را تعیین کرده، جزئیات دیگر را به جامعه وامی گذارد تا مطابق وضعیت، متغیر آن‌ها را به مرور زمان تعیین کند. اسلام، بسیاری از معاملات و روابط اقتصادی بین افراد را به عقل انسان واگذاشته تا در آن‌ها تأمل، و آن‌ها را براساس اصول منتشره در آیات و روایات تعیین کند، و بدین ترتیب، اسلام بخش‌های بسیاری را رها کرده است تا رسیدن به تصمیم دربارهٔ آن‌ها براساس ارزیابی و فهم مردم و نیازها و سطح تمدن آنان انجام شود؛۴[۱۴] به همین دلیل، برای مثال، نظام پیشه‌وری که در قرون وسطا در جامعه اسلامی، در شرق و غرب دریای مدیترانه، رایج بود، در مقایسه با نظام پیشه‌وری‌ای که بعد «صلیبیون» در اروپا ایجاد کردند، آزادی بسیار بیشتری داشت. نظام پیشه‌وری در کشورهای اسلامی آن زمان، سطوح تولید و سطوح زندگی را بهبود بخشید؛ در حالی که همین نظام را وقتی صلیبیون اخذ کرده، به اروپا بردند، سبب رکود اقتصادی شد؛ زیرا به روشی انعطاف‌ناپذیر تحقق یافت. این روش با آنچه در جامعهٔ اسلامی وجود داشت، بسیار متفاوت بود. روش اسلام به‌سبب اصول نظام، بسیار انعطاف‌پذیرتر و پویاتر بود؛ زیرا اصول اسلامی، محدودیت‌های اقتصادی را به اندازه‌ای که اروپائیان در قرون وسطا بین پیشه‌وران اعمال می کردند، اجازه نمی‌داد.ج نظام اقتصادی اسلاماکنون به تعریف اجزا و عناصر نظام اقتصادی اسلام باز می گردیم.

شاید بتوانیم نگرش اسلام را در امور ذیل خلاصه کنیم:۱. این جهان ملک خداوند متعالی است: همه مملوکات و ثروت‌ها و منابع، ملک خداوند شمرده می‌شود، و خداوند به هر روشی که بخواهد، آن‌ها را سامان می‌دهد؛ به همین دلیل، باید همهٔ انسان‌ها با وجود تسلط بر این منابع، فقط به اندازه خواست و ارادهٔ او در آن‌ها تصرف کنند. نظام اقتصادی اسلام در این مورد ممتاز است. این مفهوم از ملکیت با مفهوم ملکیت در سرمایه‌داری و مارکسیسم تفاوت دارد؛ زیرا مالکان حقیقی و نهایی در سرمایه‌داری، افراد، و در مارکسیسم، طبقه کارگر (پرولتاریا) هستند در جایگاه مجموعه‌ای که حکومت واحد نمایندهٔ آنان است؛ امّا در اسلام، معنای مستقیم مالکیت این است که حق انسان دربارهٔ اشیا غیرمطلق و محدود است. این مفهوم از ملکیت در اسلام، بر موضع اصولی اسلام دربارهٔ هستی و انسان، یعنی همان مکتب اساسی دین مبتنی است که می‌گوید: خداوند فقط خالق و مالک همه چیز و هر موجودی است که در هستی یافت می‌شود. افزون بر این، بیان خواهیم کرد که این مفهوم، زیربنای مجموعه‌ای از اصول و قواعد مربوط به فعالیت اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام است.محور دوم فلسفه اقتصاد اسلامی این است که خداوند، واحد، و همهٔ چیزهای دیگر، مخلوق اویند. بر این اساس، همهٔ مردم از اصل واحد سرچشمه گرفته با هم برابرند. هیچ طبقه‌ای از مردم، بالاتر از طبقهٔ دیگر نیست و هیچ شخصی از جهت حقوقش دربارهٔ اشیا یا در مقایسه با دیگران برتر نیست. همه مردم آزاد و مساوی‌اند و کسی که در انسانیت یا در حقوق و الزاماتش از دیگران برتر باشد، وجود ندارد.محور سوم، ایمان به روز حساب است. ایمان به روز حساب، تأثیر مهم و مستقیمی بر رفتار اقتصادی دارد؛ زیرا افقِ زمانی را برای هر عمل یا تصمیم اقتصادی یا هر گزینشی در رفتار، گسترش می‌دهد. مسلمان وقتی می‌خواهد کاری را انجام دهد، تأثیر آن را در آخرت در نظر می‌گیرد. به اصطلاح اقتصادی، معنای آن این است که او در هر گزینشی منافع و تکالیف را با هم می‌سنجد و ارزش فعلی را که در آینده به نتیجه بهتری می‌انجامد، برمی‌گزیند. این نتیجه، هم شامل آثار این گزینش رفتاری زمان قبل از مرگ می شود، و هم آثار آن را در آخرت در برمی‌گیرد.همچنین ایمان به آخرت برای محاسبهٔ نتایج تصمیم‌های اقتصادی و مسؤولیت‌های آن چارچوب زمانی فراتر از حیات دنیایی را قرار می‌دهد تا جایی که بعد از مرگ را نیز شامل شود. معنای آن این است که هر گزینشی برای اقدام به یک عمل معیّن فقط در آینده نزدیک مؤثر نیست؛ بلکه در زمانی که بعد از مرگ می‌آید نیز تأثیر دارد. نمونه‌های بسیاری از سنت و احادیث پیامبر، برخی از وجوه این تأثیر را تشریح می‌کنند. وقتی ابوبکر همه دارایی خود را برای مشارکت در تجهیزات جنگ تبوک داد، رسول خدا از او پرسید که برای خانواده‌اش چه باقی گذاشته است. گفت: برای آن‌ها خدا و رسول را گذاشته است. بی‌تردید، او به‌سبب درایتش ایمان داشت که با چشمپوشی از همهٔ دارایی‌اش در آینده وضع بهتری خواهد داشت. براساس ارزیابی‌اش، از خداوند تعالی اجر و ثوابی بیش از هزینه‌ای که با طیب خاطر پذیرفته بود، انتظار داشت.[۱۵]۵۲. جزء دوم نظام اقتصادی اسلام، اصول عامه است. نخستین اصل، دربارهٔ مفاد مفهوم ملکیت است.نوع ملکیتی که مردم دارند، چیست؟ ملکیتی که مردم از آن بهره‌مند هستند، نوعی ملکیت انتفاع شمرده می‌شود، و نوع مطلقی از تملک کامل نیست، و تا هنگامی که از شیء مملوک طبق اغراض وجودی آن انتفاع برده می‌شود، وجود دارد، و اگر از آن شی در جهت آن اغراض استفاده نشود، ممکن است حقی در ملکیت پدید نیاید.۶[۱۶] همچنین در اقتصاد اسلامی، اگر شخص از منابعی که تحت اختیار او قرار می‌گیرد استفاده نکند، بر استمرار تسلط بر ملکیتی که در دست او است، حقی ندارد.[۱۷]مدلول دوم مفهوم ملکیت از دیدگاه اسلام، محدودبودن آن به حیات مالک است. مالک حق ندارد تصرف بعد از مرگش را در ملکش تنظیم کند؛ زیرا توزیع ارث باید براساس آنچه در قرآن آمده است، انجام شود، و جایز نیست مالک، وصیتی کند که توزیع تعیین‌شده در قرآن را هتک کند. افزون بر این، هر وصیتی که با قرآن و توزیعی که خداوند تعالی در آن بیان کرده است، منافات داشته باشد، معتبر نیست. علت این امر مقیدبودن خود ملکیت است.مدلول سوم این است که تملک برخی اشیا برای افراد، حتی در دوران حیاتشان ممکن نیست. نمونه آن منابع طبیعی است؛ زیرا چنان‌که گفتیم، حق در ملکیت خصوصی حق مطلق نیست؛ پس منابع طبیعی از چیزهایی که می‌توانند در محدودهٔ مالکیت خصوصی قرار گیرد، نیست؛ بنابراین، باید همه آن به مصالح جامعه به‌صورت کل، اختصاص داده شود.[۱۸]اصل دوم از اصول نظام اقتصادی اسلام، آزادی اقتصادی است.[۱۹]مردم در فعالیت‌های اقتصادیشان آزادند انواع حرفه‌ها، صنایع و کارهایی را که می‌خواهند برگزینند، و خودشان مسؤول نتایج تصمیم‌ها و انتخاب‌های اقتصادیشان هستند. عوامل تولیدی را که مالکند یا کالاهایی را که می‌خواهند مبادله کنند، در بازار، خرید و فروش می‌کنند. کسی که فقط مالک عمل خود است، برای فروش خدمات خود به بازار می‌رود و با آنچه به‌دست می‌آورد، کالاها و خدماتی را که نیاز دارد، می‌خرد و کسی که دارایی‌ها و کالاهای تولیدی یا مصرفی یا ابزار تولید را مالک است، با آنچه مالک است، وارد بازار می‌شود و هیچ صاحب حقی از حق خود محروم نمی‌شود و واجب نیست ثروتمند با فقیر در مال برابر باشند. در عین حال، به ثروتمند اجازه داده نمی‌شود حتی از طریق ضوابط معلوم، قدرت انحصاری اعمال کند. «نباید حاضر به غایب چیزی بفروشد»، «به استقبال کاروان‌های تجاری نروید»، «قوی نزد شما، پیش من ضعیف است تا وقتی که حق را از او بگیرم». این آزادی در تولید، توسعه و خیر و احسان است؛ ولی در فساد یا اتلاف یا سوءاستفاده از نیروی مادی و سیاسی برای ایجاد منافع از حقوق دیگران آزادی نیست.باید این را بیفزاییم که نظام اسلامی، تعریف «فساد و اتلاف و سوءاستفاده از قدرت در جهت مصالح فردی» را به افراد وانگذاشته؛ بلکه خود شریعت آن را تعریف کرده است، حرام‌ها و حلال‌ها را بیان کرده و قواعد حفاظت و حمایت از آزادی‌ها و امتیازات مردم را نه تنها در برابر دیگران و بین خود مردم (برخی در برابر برخی دیگر) بلکه در برابر حکومت و قدرت سیاسی نیز تعیین کرده است. پیامبر اکرم فرمود:آگاه باشید که خون‌ها و اموال شما مانند این روز (روز عرفه) در زمینی که حریم خداوند است، بر شما حرام است.اصل سوم نظام اقتصادی اسلام، توازن است. توازن به شکلی روشن و صریح در جوانب گوناگون رفتار مسلمان آشکار است. همچنین منابع اسلامی اعم از قرآن و سنت آن را ترسیم کرده‌اند؛ مانند میانه‌روی، و پرهیز از اسراف و بخل شدید. حتی در برخی اوقات اسراف‌کنندگان در صدقه، به‌رغم این‌که گاهی اموال حرام را انفاق نمی‌کنند، سفیه خوانده شده‌اند. حتی دربارهٔ انفاق چیزهای مشروع، انسان باید معتدل باشد. اندیشه اعتدال مستلزم آن است که مصرف فی‌نفسه هدف نباشد؛ از این‌رو، انسان باید به مقداری که نیازمند است و با محیط مادی و اجتماعی‌اش تناسب دارد، مصرف کند.همچنین مظاهر اصل توازن را می‌توان در عمل به تعادل و توازن بین چیزهایی همچون آزادی و نظم اجتماعی، حقوق و واجبات، ترغیب به منفعت شخصی و منفعت دیگران و ایثار، و ملکیت فردی و اجتماعی یافت. با این‌که جامعه به‌صورت کل، مالک منابع طبیعی است و تملک اشیای دیگر از جمله ابزار تولید به افراد واگذار شده، در عین حال می‌بینیم که جهتگیری تفصیلی شریعت در موارد بسیاری به‌سمت ایجاد توازن بین مصالح جامعه و مصالح افراد است و هرگاه اخلالی در این توازن ایجاد شود، باید حتی از طریق انجام برخی اقدام‌های ساختگی اصلاح شود؛ مانند آنچه که خلیفه دوم گفت:اگر آنچه پشت کرده است به فرمان من بود، مازاد اموال ثروتمندان را می‌گرفتم و به فقیران برمی‌گرداندم.شاید او احساس می‌کرد که توازن نظام، دارد مختل می‌شود؛ از این‌رو می‌خواست آن را باز گرداند.[۲۰] همچنین می‌توان امکان ملّی‌کردن صنایع معیّن و فعالیت‌های تولیدی معیّنی را در اوضاع خاص معیّن و به شرط‌دادن عوض کامل آن، یکی از مدلولات اصل توازن به‌شمار آورد؛ زیرا برخی اوقات، این یگانه وسیله بازگرداندن توازن نظام است.اصل چهارم عدالت است. وقتی بدانیم کلمهٔ عدالت و مشتقات و مرادف‌های آن از حیث تکرار در قرآن کریم سومین کلمه است، شگفت‌زده خواهیم شد. نخستین کلمه اسم «الله» و دومین کلمه «المعرفه و العلم» و سومین کلمه «العداله و مرادف‌های آن» است. این کلمه بیش از صد بار تکرار شده است. در اسلام و در قلب انسان مومن مفهوم عدالت، مفهوم بسیار عمیقی شمرده می‌شود تا جایی که ابن‌تیمیه در کتابش «حسبه» می‌گوید:همان‌گونه که جلوگیری از تصرف مردم در دارایی‌های خود، آن‌گونه که می‌خواهند، ظلم به‌شمار می‌رود، همچنین این‌که به آنان اجازه داده شود از حدود خود تجاوز کنند و گسترش‌دادن دایره حقوق آنان به حدی که به حقوق دیگران تعدی شود نیز ظلم است.اصل عدالت در همهٔ مراحل فعالیت اقتصادی برحسب آنچه نظام اسلامی اقتضا می‌کند، وارد می‌شود. عدالت در تولید، قیمت‌گذاری متناسب برای عوامل تولید و تعیین متناسب درآمدی که به هر یک از آن‌ها می‌رسد را اقتضا می‌کند. گاهی عدالت اقتضا دارد که اقدام‌های معیّنی در جهت توزیع مجدد درآمد انجام شود تا به کسانی که قادر نیستند از طریق عملیات بازار به درآمد دست یابند، سهم عادلانه‌ای داده شود. این امر از طریق پرداخت‌های اجتماعی اجباری، مانند زکات و واجبات مالی مربوط به ثروتمندان، و نیز به‌وسیلهٔ پرداخت‌های اختیاری، مانند تبرعات و وقف و

سایر اعمال خیر و احسان، انجام می‌شود.نبی اکرم چنین اعلان فرمود:به خدا سوگند! ایمان نمی‌آورد، به خدا سوگند ایمان نمی‌آورد، به خدا سوگند ایمان نمی‌آورد کسی که با شکم سیر بخوابد؛ در حالی که می‌داند همسایه او کنارش گرسنه است.۳. جزء سوم نظام اقتصادی اسلام از قواعدی تشکیل می‌شود که بر جهت‌دهی به فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار است و روابط اقتصادی بین مردم را در جامعه تعیین می‌کند؛ زیرا این قواعد است که آن اصول را اجرایی می‌کند و باعث تکامل واحدهای اقتصادی متعدد می‌شود. نخستین قاعده در زکات تجسم می‌یابد. زکات، واجب معیّنی است که به منظور تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی معیّنی که به‌وسیله قرآن تعیین شده، واجب شده است؛ بنابراین، زکات مالیات نیست که دولت آن را بر درآمدهای عمومی خود بیفزاید. توزیع درآمدهای این واجب مالی باید در جهت یک یا بیشتر از مصارف هشتگانه‌ای باشد که قرآن کریم در این آیه ذکر کرده است:« إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ »[۲۱].زکات نقش بارزی در توزیع مجدد درآمد و ثروت بازی می‌کند[۲۲] و چون بر حق ملکیت واجب می‌شود، نه فقط درآمد، نسبت آن با درآمد بیش از نرخ اسمی آن، یعنی ۵/۲ درصد است؛ در نتیجه، زکات به منظور توزیع مجدد، جزئی از درآمد ملّی سالانه را مورد توجه قرار می‌دهد، به حدی که می‌توان گفت: در تاریخ، در هیچ امّتی، غیر از زکات، حق ثابت معیّنی برای فقیران در اموال ثروتمندان شناخته نشده است که هر سال تکرار شود و هیچ قدرتی حق کم‌کردن آن یا محروم‌کردن صاحبان حق از آن را نداشته باشد.قاعدهٔ دوم در نظام اقتصادی اسلام، تحریم ربا است. ربا هر فایدهٔ مادی است که در قرض شرط شود و شامل بهره بانکی به تمام انواع و اشکالش می‌شود. ربا فواید مادی دیگری را که از قرض‌دادن پول یا قرض‌دادن همه اشیای همجنس دیگر به‌دست آید، شامل می‌شود. بهره حرام است؛ چه نرخ آن زیاد و چه کم باشد، و چه از قرض‌های مصرفی و چه از قرض‌های تولیدی گرفته شود، و چه کوتاه‌مدّت و چه بلندمدّت باشد. تحریم ربا در حقیقتش ردّ هر نوع معاملهٔ اقتصادی است که مسؤولیت ریسک را به عهده یک طرف بیندازد؛ در حالی که بهرهٔ قطعی برای طرف دیگر تضمین شود؛ بنابراین، تحریم ربا بر اصل عدالت در توزیع مبتنی است که اقتضا دارد درآمد بالفعل تولید بین عوامل تولید توزیع شود، بدون این‌که هیچ عاملی به‌سبب تضمین درآمدِ مشروطِ معین، چه تولید سود داشته باشد و چه نداشته باشد، برتری یابد.قاعده سوم در نظام اقتصادی اسلام، قاعده‌ای است که تأمین مالی اسلامی را تنظیم می‌کند، و اساس فعالیت‌های مالی از جمله فعالیت‌های بانکی اسلامی را تشکیل می‌دهد. این قاعده عبارت است از ارتباط دائم تأمین مالی با بازار کالاها و خدمات، از جهت مبادله و تولید بدین معنا که تأمین مالی فقط برای کمک به تولید کالاها و خدمات یا تبادل آن‌ها در جامعه باشد. این امر از طریق انواع مشارکت‌ها از قبیل شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، انواع بیع‌ها مانند بیع نسیه، بیع تقسیط، بیع سلم، و بیع استصناع و انواع اجاره مانند اجارهٔ کار و اجارهٔ منتهی به تملیک و از جمله اجاره و اقتناع میسّر است.ویژگی قاعده تأمین مالی اسلامی، پرهیز یا منع هر نوع تأمین مالی است که با تولید یا معامله کالاها و خدمات ارتباطی نداشته باشد؛ از این‌رو بازگرداندن دیون همراه با هر نوع زیاده،[۲۳] تنزیل دیون همراه با کم‌کردن مقادیر آن‌ها به‌سبب کوتاه‌کردن مدّت آن‌ها[۲۴] و نیز تأمین مالی عمومی به قصد تقویت بودجه بدون این‌که تولید یا معاملهٔ کالاها یا خدمات انجام شود را منع می‌کند. همچنین تأمین مالی اسلامی از هر تأمینی که بدون هدف و فقط براساس قدرت بر وفا به دین باشد، جلوگیری می‌کند. مشهور است که این امور ممنوعه، همان اموری‌اند که سبب تراکم در بازار مالی و بزرگ‌شدن زیاد حجم آن در مقایسه با بازار حقیقی برای تولید کالاها و خدمات و معامله آن‌ها می‌شود. جلوگیری از این‌گونه امور، از احتمال وقوع بحران‌های مالی می‌کاهد؛ زیرا دیونی یافت نمی‌شود که به‌وسیله حرکت حقیقی در بازار مادی کالاها و خدمات پشتیبانی نشود. افزون بر این، تأمین مالی اسلامی از درون ملاکی اخلاقی عبور می‌کند که از تأمین مالی کلیه کالاها و خدماتی که دارای ضرر اجتماعی بهداشتی، محیطی و دینی‌اند نیز جلوگیری می‌کند؛ از این رو، نظام اقتصادی اسلامی به تأمین مالی برای کمک به تولید یا خرید و فروش شراب، مواد مخدر، سیگار، سلاح کشتار جمعی و طرح‌هایی که باعث آسیب‌رساندن به بهداشت عمومی یا محیط زیست یا محیط اجتماعی شود، اقدامنمی‌کند.قاعده چهارم در نظام اقتصادی اسلام، ضمان اجتماعی به معنای عام آن است. ضمان اجتماعی از دو طریق تحقق می‌یابد:یک. زکات، حد پایین سطح معیشت را برای همه کسانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، تضمین می‌کند و به‌طور طبیعی این حد پایین در پرتو درجه پیشرفت اقتصادی و روش زندگی مردم تعیین می‌شود.دو. اگر درآمدهای زکات کافی نبود، دولت اسلامی می‌تواند مقرری مالی بیشتری را بر ثروتمندان واجب کند.ضمان اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام بر اصل احترام و تکریم انسان با هر رنگ و نژاد و دین مبتنی است؛ زیرا خداوند سبحان چنان‌که در قرآن کریم به ما فرمود، بنی‌آدم را اکرام کرده است. همچنین نظام اجتماعی در اسلام با بیمه‌های اجتماعی در جوامع غربی که براساس مشارکت پیشین بیمه‌شونده است، تفاوت دارد و نیز با دیکتاتوری پرولتاریا که بر چپاول ثروتمندان و مخالفان مبتنی است و حق تملک آنان را نمی‌پذیرد و حتی در بیشتر اوقات حق حیات برای آنان قائل نیست، فرق می‌کند.زکات ضمانی است که دامنهٔ آن فقیر و مسکین و در راه مانده و نیازمندان دیگر را می‌گیرد و حتی شامل ادای قرض مقروضان، پرداخت غرامت طلبکاران، تحقق آزادی برای همهٔ مردم، و امداد قلوب به نور حق و تألیف قلوب نیز می‌شود. زکات فقط به شخص محدود نمی‌شود؛ بلکه نسل‌های بعد از او را نیز شامل می‌شود؛ چنان‌که سخنی از پیامبر (در جایگاه رئیس حکومت) که این نوع ضمان را اثبات می‌کند و آن را از چپاول اموال تحت هر اسم و شعاری جدا می‌سازد، گویای این مطلب است؛ سخنی که به تنهایی شایسته است در قیام امّت براساس عدل و رحمت و تلاش خستگی‌ناپذیر، شعار او باشد؛ آن‌جا که در حدیث صحیح می‌فرماید:هر کس مالی را به ارث گذارد، به اهل او می‌رسد و هر کس دین یا خسارتی را بر جای گذارد، بر عهدهٔ من است، و در روایت دیگر می‌فرماید: من ولیّ اویم.قاعده پنجم نظام ارث است که به‌صورت مستمر و پایدار سبب توزیع مجدّد ثروت و تقسیم آن بین اشخاص با توجه به نزدیکی آن‌ها به مورّث می‌شود بدون آن‌که هراس و نفرت ایجاد کند. باید توجه داشت که نقض این نظام به‌وسیله وصیت شخصی یا قانون بشری ممکن نیست. ارث اسلامی، در همهٔ قضایای اصلی و معظم قضایای تفصیلی‌اش در کلام خدا در قرآن کریم آمده است. آنچه از ارث در سنت آمده یا از اجتهاد مبتنی بر این نصوص از طریق استنباط یا قیاس به‌دست می‌آید، در مقایسه با آنچه در نصوص قرآن کریم آمده، کم است و در حیات واقعی نیز کمتر اتفاق می‌افتد.قاعدهٔ ششم و واپسین قاعده، نقش دولت در اقتصاد است. طبق نظام اقتصادی اسلام، دولت در جایگاه تولیدکننده و مالک و توزیع‌کننده منابع طبیعی و همچنین در مقام تنظیم‌کنندهٔ فعالیت بازار در چارچوب اصل آزادی و اخلاق، از طریق حسبه وارد بازار می‌شود. حسبه نهاد حکومتی است که جوامع اسلامی از زمان پیامبر آن را ایجاد کردند. حسبه در جهت تضمین عدم نقض قواعد اخلاقی در بازار و عدم رواج احتکار و عدم نقض حقوق مصرف‌کننده و مراعات قواعد بهداشت و مقررات ایمنی و حفظ محیط زیست و مانند آن عمل می‌کند و نهادی مستقل از قوّه قضائیه و مجریه است که در حکومت تجسم می‌یابند.علم تحلیل اقتصادی اسلامهدف علم تحلیل اقتصادی، بررسی پدیده اقتصادی و تلاش برای شناخت روابط اجزای آن با یک‌دیگر و روابط آن با سایر متغیرهای اطراف است. به‌عبارت دیگر، هدف تحلیل اقتصادی، شناخت قوانین اقتصادی است. بی‌تردید مهم‌ترین غرض محقق از چنین معرفتی، شناخت کیفیت تأثیر بر بعضی مقادیر مانند مصرف، سرمایه‌گذاری، درآمد مالیاتی و شناخت آثاری است که با تغییر، خواسته یا ناخواسته، یکی از عوامل مؤثر در کمیت اقتصادی حاصل می‌شود.آنچه ذکر کردیم، هدف علم تحلیل اقتصادی اسلام نیز هست. شواهد این علم در تاریخ اسلامی خیلی زود آشکار شد. نمونه این‌گونه شواهد، تحلیل ابویوسف در آخر قرن دوم هجری دربارهٔ آثار مخارج دولتی بر زیرساخت کشاورزی است. ابویوسف به هارون‌الرشید پیشنهاد کرد که برای اصلاح نهرها و احداث کانال‌های آبیاری و قنات، اصلاح راه‌های زراعی برای انتقال محصول و تجدید ساختار مالیات زراعی بر زمین‌های خراج،[۲۵] از طریق تغییر آن از مبلغ ثابت به نسبتی از تولید، هزینه کند. ابویوسف شرح می‌دهد که این‌گونه مخارج دولتی و اصلاح مالیاتی باعث افزایش و بهبود وضعیت زندگی کشاورزان و افزایش درآمد مالیاتی خواهد شد، زیرا این‌کار، کشاورز را بر افزایش تلاش تولیدی‌اش تشویق می‌کند، و کمک‌های تولید و بازاریابی را برای او میسّر می‌سازد؛ کمک‌هایی از قبیل آب برای آبیاری و راه برای انتقال محصول، افزون بر افزایش مساحت زمین‌های کشاورزی آبیاری شده. همهٔ این امور باعث افزایش کمّی تولید کشاورز خواهد شد. افزایش تولید کشاورزی از سویی سبب افزایش سطح زندگی و از سوی دیگر باعث افزایش درآمد مالیاتی می‌شود.شاهدِ تحلیلی دیگر، آرایی است که ابوحنیفه در نیمه اوّل قرن

دوم هجری آن‌ها را طرح، و ابن‌تیمیه در اواخر قرن هشتم هجری از او پیروی کرده است. این آرا دربارهٔ گرایش قیمت‌ها به افزایش در صورت وجود هر نوع قدرت انحصاری است؛ چه این قدرت از توافق تولیدکنندگان با یک‌دیگر سرچشمه گیرد یا از طبیعت پروژه یا کالا که به انحصار تولیدکنندهٔ واحد می‌انجامد و سبب افزایش هزینه‌های ثابتی که تولید آن کالا یا خدمت اقتضا می‌کند، می‌شود.غیر از این‌دو مثال، تحلیل‌های دیگری که دانشمندان مسلمان، به‌ویژه بین قرن دوم و دهم هجری ارائه کرده‌اند، بسیار است. مقصود ما از ذکر این دو مثال، بیان این مطلب بود که تحلیل اقتصادی اسلامی در تاریخ ما ریشه‌دار و مرتبط با رشد امّت است. در حقیقت، علم تحلیل اقتصادی معاصر، جزئی از پدیده جدید بازگشت امّت اسلامی به راه رشد خود است.روش بحث در تحلیل اقتصادی اسلامی، همان روش بحث علمی اسلامی است که دانشمندان اسلام از ابتدای اسلام آن را بنا گذاشته‌اند و آن عبارت است از روش ملاحظه توافق و تکامل بین منابع معرفت. وحی نخستین و مهم‌ترین منبع معرفت است؛ زیرا از جانب خداوند حکیم است. بررسی تاریخی، منبع دوم معرفت شمرده می‌شود. به این اعتبار که شکلی از اشکال تجربه است و نتیجه‌گیری از مقدمات تاریخی بررسی تاریخی را ثابت و کامل می‌کند. وحی، بسیاری از قضایا را شامل می‌شود؛ قضایایی که در قرآن و سنت می‌یابیم و حقایق اساسی در فهم رفتار انسانی را بیان می‌کنند؛ مانند حب فزونی و احترام منافع، ارتباط تجمّل با فساد، ارتباط نابودی اقتصادی با ربا، ربط عدالت توزیعی با رشد در آیه زکات، ارتباط محاسبهٔ منافع و هزینه‌ها با بعد زمانی که شامل دنیا و آخرت می‌شود، و امور دیگری که منبع مهمّی را برای مقولات تحلیل اقتصادی اسلامی تشکیل می‌دهند.تحلیل اقتصادی اسلامی به‌سبب اعتراف روشن آن به تأثیر عوامل فرهنگی و محیطی، و به‌سبب وجود مقولاتی از وحی آسمانی، قادر است پدیده‌های اقتصادی را که تحلیل اقتصادی مادی محض از تفسیر آن‌ها ناتوان است تفسیر کند. از جمله این امور، پدیده تبرّع، دیگرخواهی و ایثار، حبّ وطن و کشته‌شدن در راه آن، اقدام به اطاعت از آموزه‌های قانونی و دینی است؛ حتی اگر اطاعت‌کننده در وضعیتی باشد که قانون یا ناظر دینی به او دست نیابد... و تصمیم‌های اقتصادی دیگری که همه ما شب و روز می‌گیریم بدون این‌که از آن‌ها انتظار منافع یا درآمد اقتصادی یا مادّی داشته باشیم.[۱] . استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی[۲] . این مقاله ترجمه فصل اوّل از بخش دوم کتاب الاقتصاد الاسلامی علمٌ یا وهمٌ تألیف آقای دکتر منذر قحف است که حجت‌الاسلام و المسلمین آقای میرمعزّی ترجمه کرده و جاهایی که به توضیح نیاز داشته در پاورقی، مطلب را توضیح داده که داخل پرانتز مشخص است. شایان ذکر است که بخش اوّل کتاب تألیف دکتر غسان محمود ابراهیم می‌باشد.[۳] . گاه گفته می‌شود علم اقتصاد بررسی رفتار انسان دربارهٔ استفاده از منابع محدود برای تأمین نیازهای نامحدود است. این تعریف که تعریف روبینز است، شامل رفتار انسان در تولید و توزیع و مصرف می‌شود؛ بنابراین، مفاد هر دو تعریف یکی است.[۴] . ر.ک: فرهنگ‌نامه‌های فرانسوی و انگلیسی از جمله فرهنگ وبستر جدید. .[۵] سوره مطففین آیات ۱– ۶[۶] . سوره هود آیه ۸۷[۷] . سوره الانعام آیات ۱۶۲ و ۱۶۳[۸] . مقصود نویسنده از این کلام تأیید مال دوستی و دنیاپرستی نیست. در اسلام تشویق به دستیابی به ثروت و درآمد بیشتر به‌سبب ذات ثروت و درآمد نیست؛ بلکه به این دلیل است که انسان با ثروت و درآمد بیشتر می‌تواند از طریق صرف آن در راه‌های مورد رضایت خداوند، به او نزدیک‌تر شود و آخرت خود را آباد کند (مترجم).[۹] . سوره آل عمران آیه ۱۴[۱۰] .سوره عادیات آیه ۸[۱۱] . سوره نحل آیه ۷۶[۱۲] .سوره بقره آیه ۲۷۶.[۱۳] . سوره یس آیه ۴۷[۱۴] . بحث ثابتات و متغیرات در نظام اسلامی به‌طور کلّی و در نظام اقتصادی اسلام به‌طور خاص، بحثی مهم، بنیادی و معرکه آرای عالمان دین است که نویسندهٔ محترم به آن نپرداخته. اصل این ادعا که اسلام نظامی پویا است، صحیح است؛ امّا تبیین دقیق این پویایی و بیان عملی حدود ثابتات و متغیرات مسؤولیت علمی بزرگی است که بر دوش عالمان دین سنگینی می‌کند (مترجم).[۱۵] . شایان ذکر است که این‌گونه انفاق فقط در موردی همچون جهاد و دفاع از دین ستوده است که انفاق در آن‌ها واجب‌تر از انفاق بر خانواده است. در غیر این موارد، تأمین مخارج خانواده در حدّ کفاف واجب و توسعهٔ زندگی برای آنان بیش از این حدّ مستحب است (مترجم).[۱۶] . ظاهراً هیچ‌یک از فقیهان شیعه و عامّه چنین فتوایی نداده‌اند و این فقط یک احتمال است که به‌وسیلهٔ نویسندهٔ محترم مطرح شده است (مترجم).[۱۷] . این حکم با این اطلاق، با فتوای فقیهان منافات دارد. فقط دربارهٔ زمین برخی از فقیهان اهل تسنن و تعداد کمی از فقیهان شیعه چنین چنین حکم کرده‌اند (مترجم).[۱۸] . شایان ذکر است که بسیاری از منابع طبیعی، همچون آب‌ها، ماهیان، پرندگان، سنگ‌ها و معادن ظاهر، جزو مباحات عامه‌اند که به فتوای اکثر فقیهان با حیازت قابل تملّک هستند (مترجم).[۱۹] . چنان‌که از توضیحات بعدی پیدا است آزادی اقتصادی در اسلام در محدوده احکام شریعت است؛ یعنی همان چیزی که شهید آیت‌الله صدر در کتاب اقتصادنا آن را آزادی در کادر محدود می‌نامد.[۲۰] . از این کلام می‌توان استفاده کرد که خلیفهٔ دوم در پایان عمرش از تغییر سنّت پیامبر در تقسیم بیت‌المال پشیمان بود؛ زیرا سنّت پیامبر تقسیم مساوی بیت‌المال بود و خلیفهٔ دوم از این سنت عدول کرد و به کسانی که در اسلام یا خویشاوندی به پیامبر تقدم داشتند. سهم بیشتری داد و این امر باعث شد که در زمان او فقر و اختلافات درآمدی افزایش یابد (مترجم).[۲۱].سوره التوبه آیه ۶۰[۲۲] . در فقه اهل تسنن اموالی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد، اعم از طلا، نقره، معادن و کالاهای تجاری و حتی پول، صنایع و درآمد حاصل از کار است؛ از این‌رو نقش بارزی را در توزیع درآمد و ثروت بازی می‌کند؛ ولی در فقه تشیع، متعلّق زکات محدود است و این نقش را خمس ایفا می‌کند (مترجم).[۲۳] . در صورتی‌که در عقد فرض از ابتدا شرط زیاده شود (مترجم).[۲۴] . تنزیل دین نزد شخص ثالث به فتوای بسیاری از فقیهان شیعه و عامّه جایز است (مترجم).[۲۵] . اراضی خراج، اراضی مفتوحه‌ای هستند که حکومت اسلامی به‌منظور کمک بودجه‌ای به درآمدها، این اراضی را هنگام فتحشان وقف عام برای همه مسلمانان کرده است. این زمین‌ها به‌وسیلهٔ اجاره به کشاورزان به روش اجرت معیّن، در دست آن‌ها باقی ماند. ابویوسف تغییر اجرت معیّن به سهمی از تولید را پیشنهاد کرد؛ زیرا برای کشاورز مهربانانه‌تر و عادلانه‌تر بود، و در وضعیت رکود تولید، کمتر باعث نزاع می‌شد.

http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=۳۶۵۰۵

حکومت اسلامی و نقش انفال

استاد حسین نوری

از مطالعه سیره و تاریخ درخشان زندگی پیغمبر عالیقدر اسلام ,این موضوع به طور روشن به دست می آید که یکی ازاهداف مهم آن حضرت تاسیس حکومت اسلامی بوده است . فلسفه این موضوع نیز, واضح است زیراایجاد یک نظام اجتماعی مستقل و عزت بخش واصلاح کامل انسانها در راه جلب خشنودی خداوند و در صراط علم و عدالت و آزادی و تهذیب

اخلاق و ریشه کن ساختن ظلم و فحشاء و شکوفا ساختن استعدادها برای رسیدن به اوج ترقی و تکامل و نشر فرهنگ پویا و وسیع اسلامی و به وجود آوردن یک اقتصاد سالم و مترقی و پیاده کردن قوانین حقوقی و قضاپی و عقیم ساختن توطئه و تبلیغات دشمنان اسلام و مقابله با مستکبران و منافقان , که همواره , در برابر حقیقت جبهه گیری می کنند واحیانا درگیریها و جنگهایی به منظور تضعیف و یا خاموش کردن جبهه حق به وجود می آورند, بدون ایجاد یک حکومت مقتدر ممکن نیست.حضرتش , در راستای این هدف , پس ازاین که که نهال اسلام را دراعماق دلها و هم سطح جامعه خود تثبیت کرد و طرفداران فداکاری به دست آورد, مراکزی برای آشنائی مردم با علم و فضیلت تعیین و مبلغان و مربیانی به نواحی مختلف ,اعزام کرد و قضاتی را برای داوری و حکامی را برای فرمانروایی نصب نمود و ماموریتی را برای جمع آوری مالیات اسلامی و توزیع آن و سر و سامان بخشیدن به وضع اقتصادی مردم , به کار گماشت و به تجهیزز و ترتیب سپاه و تعیین فرماندهان اقدام نمود و به جهاد لشکرکشی برای از میان برداشتن کفر و نشراسلام پرداخت و سفیرانی به سوی دولتهااعزام کرد و مجالسی برای شورا درامور مملکتی ترتیب داد وافرادی را برای حفظ قرآن مجید و آثاراسلامی معین نمود و خود, شخصا,در راس چنین حکومتی که شعاع آن به طور روزافزون وسعت می یافت قرار گرفت.دراینجا,این نکته نیز لازم به تذکراست : کسانی که می پندارند: دین اسلام , تنها یک رشته تعلیمات اخلاقی و پند واندرزی است و دینداری به معنای انجام وظائف عبادی و فردی است , باید توجه کنند که سخت در اشتباهند و شناخت آنان از دین اسلام , هرگز درست نیست و لازم است یک دفعه دیگر با دقت بیشتر, تاریخ زندگی پیغمبر عزیزاسلام[ص] را مطالعه می

کنند. دین اسلام , مکتبی است جامع , که شامل همه ابعاد و جوانب زندگی انسانهاست و همانطور که تعلیمات اخلاقی و وظائف عبادی و فردی دارد سیاست در روابط اجتماعی و قضاوت و تجهیز لشکر و جهاد و ستیز وو پرخاشگری در برابر جباران و ستم پیشگان واقتصاد کامل و شورا نیز دارداین مسائل با حکومت و رهبری توام است .مساله حکومت و رهبری یکی از مسائل مهم انسانی است .از روزی که بشر در روی کره زمین در آغوش اجتماع و همزیستی گام برداشته است به این موضوع پی برده است که – مهمترین مساله زندگی مساله رهبری است .دین مقدس اسلام نیز, که بر پایه جمع گرایی استواراست ,این مطلب را قبول و راه صحیح تامین این هدف را نشان داده و به آن جامه عمل نیز پوشانیده است .پیغمبر بزرگ اسلام (ص), در حال حیات پربرکت خود, مساله رهبری پس از درگذشت خویش را مورد نظر قرار می داد و به طور مکرر رهنمود روشنی را برای این موضوع ارائه می کرد و یکی از شواهدی که که آن حضرت به بیان این مساله پرداخته و آن را روشن ساخته حدیث معروف و مشهوری است که علمای شیعه و سنی , در دهها, بلکه صدها کتاب , به طور متواتر نقل کرده اند و رهبر کبیرانقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی , حضرت امام خمینی ,اعلی الله مقامه , نیز, آن را در صدر وصیتنامه خود ذکر کرده است و آن حدیث این است .قال رسول الله صلی الله علیه و آله :انی تارک فیکم الثقلین : کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانهما لنیعنی : حضرت رسول الرم[ص] فرمودند: من در میان شما, دو چیز گرانقدر را که قرآن واهل بیت من می باشند می گذارم واین دو چیز, هرگزاز هم جدا نمی شود, تااین که در روز قیامت در کنار حوض بر من وارد شوند.از نظر قضاوت عقل نیز,این موضوع کاملا روشن است زیرا چگونه ممکن است پیامبری از جانب خداوند مبعوث گردد و رسالت خود را پس از آن همه رنج و تحمل مصائب و مشکلات به انجام برساند, ولی مساله جانشینی پس از خود را, که مهمترین مساله زندگی یک جامعه , مخصوصا آن جامعه نوبنیاد, مسکوت بگذارد یعنی تکلیف دین اسلام و سرپرست امت اسلامی را معین نکند!پیغمبری که اگر چند روزی برای عزیمت به جنگ و جهاد, مانند: جنگ تبوک ,از مدینه خارج می شد برای خود جانشین معین می کرد و مسلمانان را بدون سرپرست نمی گذاشت اماکنون که ازاین جامعه نوپا به کلی جدا می شود و جهان دیگری رحلت می کند, برای خویشتن جانشین تعیین نکند! هرگزاین مطلب را عقل سلیم هرگز نمی پذیرد.و بالاخره , در روز غدیر در میان دهها هزار نفر, که ازاطراف واکناف جهان اسلام , به مکه آمده و پس از انجام فریضه حج به مراکز زندگی خود بر می گشتند, حضرتش به امر پروردگار متعال حضرت امیرمومنان , علی بن ابی طالب , علیه السلام , را به عنوان رهبر بعداز خود نصب و معرفی کرد, ولی افسوس ... راستی اگر پس از درگذشت حضرت پیغمبر, صلی الله علیه و آله , سفارشهای روزغدیر مورد عمل قرار می گرفت اسلام جهانگیر می شد عدالت و دادگری و بالاخره فرهنگ عزت آفرین اسلامی آفاق تا آفاق سنگینی را فرا می گرفت .باید توجه داشت که : مساله غدیر مساله تاریخی نیست که دراعماق تاریخ مانند بسیاری از جریانهای تاریخی دفن شود, بلکه جوهراصلی این واقعه و سخنان گهربار پیغمبر[ص] در آن روز, تعیین شکل صحیح رهبری است واین مساله تا قیام قیامت سرنوشت سازاست . مساله , مساله دادن حق به صاحب حق و دادن زمان حکومت به شایستگان است . مساله , مساله سپردن زمان جامعه به دست کسی که قدرت نشر عدالت واحیای حق و سرکوب کردن باطل و مبارزه با ستم و جهل را به طور قاطع دارد می باشد. مساله , مساله لزوم ایمان داشتن به پیشوایی که عادل و شجاع و مدیر و مدبراست و بیعت کردن بااوست واطاعت ازاوست و سرپیچی و مخالفت با هر حکومت غیراسلامی و هر نظام ستمگری است که افراد بشر را به زنجیراستضعاف بکشد و جانب محرومین را رعایت نکند می باشد و بالاخره , مساله , مساله جانشینی پیغمبر خاتم النبیین[ص] منطق , منطق اسلام , آخرین ادیان الهی است .ازاین جهت حماسه غدیر مشعلی است جاویدان و جوهری است سیال که در کالبداعصار وازمنه , همیشه زنده و جاری است و گذشتن قرون واعصار نه تنها آن را کهنه نمی کند, بلکه بر ارزش و رونق آن می افزاید.قرنها بر قرنها رفت ای هماماین معانی برقرار و بر دوامشد مبدل آب این جو چند بارعکس ماه و عکس اختر برقرارچه این که این مطلب ثابت و روشن است که دین اسلام , چون با معارف اساسی و آسمانی خود, همیشه باقی است واین نظام الهی , همواره در زیر چتر سعادت بخش و آغوش پر برکت خود, میلیاردهاازانسانها را, بلکه همه آنان را باید در برگیرد, نباید هیچگاه بدون رهبر باشد و لذا ائمه , علیهم السلام , دراعصاری که در میان مردم نیستند,اداره مسند حکومت اسلامی را به فقیه آگاه , مدبر, مدیر و توانا سپرده و شایستگی وی را برای رهبری مورد تاکید قرار داده اند و برای اهمیت موضوع , در مقاطع مختلف , شرایط رهبری واین که چه کسانی می توانند رهبری جامعه را به عهده بگیرند و چه افرادی صلاحیت این موضوع را ندارند, بیان کرده اند.برای نمونه :حضرت امیرالمومنین , علیه السلام , فرمود:وقد علمتم انه لاینبغی ان یکون الوالی علی الفروج والدماء وکسی که ناموسی و جان ملت و بیت المال و قوانین مملکتی را زیر سیطره خود گرفته و فرمانروای مسلمانان گردیده است هرگز نباید:۱. آزمند و بخیل باشد, زیرا دراین صورت , چشم طمع به اموال مردم داشته و آن را به خوداختصاص می دهد.۲. جاهل و نادان باشد, چه این که دراین صورت , مردم را به گمراهی می کشاند.۳. ستمگر و ظالم باشد, زیرا دراین صورت , ملت را در نتیجه ظلم خود پریشان و نابود می سازد.۴. ترسو باشد, چه این که استقلالی را که منظوراسلام است نمی تواند حفظ کند. به این گروه یا به آن گروه (شرق یا غرب) تکیه می کند.۵. رشوه گیر و سازشکار باشد, زیرا حقوق ملت را ضایع می کند. ۶. عمل به احکام اسلام را ترک و گرنه ملت اسلام را به سقوط و تباهی می کشاند.و نیز آن حضرت فرمودند:ایهاالناس ان احق الناس بهذاالامراقواهم علیه واعلمهمای مردم , شایسته ترین افراد برای رهبری مردم , کسی است که : تواناتر و داناتراز دیگران برای اداره وامور رهبری باشد.حضرت باقر, علیه السلام , فرمود: حضرت رسول الکرم , صلی الله علیه و آله , فرمودند:تنها کسی صلاحیت رهبری دارد که : دارای این سه خصلت باشد: ۱. روحیه تقوا و پرهیزکاری که او راازارتکاب گناه باز بدارد.۲.خصلت بردباری که در سایه آن بر غضب خود مسلط باشد.۳. مدیریت کامل تا بوسیله آن ,امور مربوط به فرمانروائی را بنحو کامل اداره کند. ۴دراین مورد, توجه به این مطلب مهم نیز, لازم است که چون دین مقدس اسلام سعادت معنوی و مادی انسانها را در نظر گرفته و به تامین نیازهای مادی واقتصادی نیز, مانند تامین نیازهای معنوی , پرداخته است .امتیازاتی را نیز که در هر جامعه اسلامی در نظر گرفته است , دارای دو جنبه معنوی و مادی است یعنی , همانطوری که از لحاظ بعد معنوی , باید دارای قدرت و غنای روحی و فکری یعنی , دارای مقام اجتهاد و فقاهت و همچنین عدالت و شجاعت و مدیریت و کفایت باشد,از جهت بعد مادی نیز لازم است دارای قدرت و غنا باشد . و برای تامین این جنبه است که تمام منابع ثروت جهان ,از قبیل : دریاچه ها, رودخانه ها, جنگلها, نیزارها, بیشه های طبیعی , معادن , کوهها, و زمینهای موات و زمینهایی که صاحب معین ندارد و مراتعی که حریم نیست را دراختیار ولی فقیه , که رهبر حکومت اسلام است , قرار داده است تااین منابع ثروت را که انفال نامیده می شود, در راه تامین مصالح عمومی واهداف صحیح انسانی واسلامی , با برنامه ریزی کامل , مورد بهره برداری قرار بدهد تا هم مملکت اسلامی را آباد و مستقل گرداند و هم فقر را ریشه کن سازد. چون دراین مقاله , بحث انفال بیشتر مورد نظراست لذا, با توفیق خداوند متعال , هم اکنون بحث خود را در موضوع انفال متمرکز می سازیم :بحث انفال , هر چند یک بحث قرآنی , روایی , فقهی , سیاسی ,اجتماعی و اقتصادی است , ولی مااکنون , بیشتر به جنبه اقتصادی آن نظر داریم و ازاین جهت , قابل از هر چیز, به امتیاز[اقتصاداسلامی] , نسبت به مکاتب اقتصادی دیگر باید توجه کنیم و شناخت روشنی , به طوراختصار, ازاقتصاداسلامی باید داشته باشیم . واین امتیاز, بیشتر به اصول و پایه های این اقتصاد مرتبط می گردد و مهمترین اصول آن به این شرح است :اقتصاد خدا مالکیباید توجه داشت که اقتصاد اسلامی براساس جهان بینی خاصی که ازایمان به مبدأ و معاد یعنی , خداوندگار جهان و قیامت سرچشمه می گیرد پی ریزی شده است و براین اساس ,از دیدگاه اقتصاداسلامی , کلیه موجودات جهان خلقت , مملوک خداست و آن اندازه ای که در دست انسانها با شرائط خاصی قرار می گیرد نیز, ذاتا,از آن خداونداست و به طور عاریت به انسانها عطا فرموده و دراین مورد وظائفی برای آنان مقرر کرده است .قرآن مجید در ۸۴ مورداز[مال] به طور مفرد, جمع , معرف , منکر, مضاف منقطع ازاضافه نام برده است و دراغلب موارد, آن را در ردیف فرزند و جان انسان ذکر کرده است , ولی آن را وسیله ای برای آزمایش انسانها معرفی نموده و عاریتی از جانب خداوند به انسانها قلمداد کرده است , مثلا, در سوره نور می فرماید:وآتوهم من مال الله الذی اتاکم ۵ .یعنی : به زیردستان خوداز آنهایی که خداوند به شما داده است بدهید.حضرت امیرمومنان , علیه السلام , فرمودند:من آتاه الله مالا فلیصل به القرابه و لیحسن منه الضیافه و لیفککسی که خداوند به او مال عطا فرموده است , لازم است به وسیله مال پیوند خویشاوندی خود را برقرار و مهمانان خود را به وسیله آن مال پذیرائی کند واسیران و

گرفتاران رهایی ببخشد و به فقرا و مقروضان کمک نماید و در سایه آن مال , در راه ادای حقوق اجتماعی به منظور تحصیل ثواب خداوند گام بردارد و دست یافتن به این خصلتها, باعث شرافت و عظمت در زندگی دنیا و رسیدن به درجات عالیه آخرت است .و بالاخره ,از دیدگاه مبانی اقتصادی اسلام , برداشتن هر گامی در راه تقویت اقتصاد زندگی و هرگونه حرکت و فعالیتی در تحکیم بنیه اقتصادی جامعه اسلامی یک نوع عبادت وایجادارتباط مثبت با خالق جهان است و لازم است , تحصیل مال با توجه به راههای مشروع و حلال واحتراز از دهها کسب , که مکاسب محرمه نامه می شود و خداوند آنها را حرام و ممنوع گردانیده است , همراه باشد. همچنین داشتن مال , بااحساس وظائفی از قبیل :انفاق در راه خدا و توجه به اوضاع جامعه واحوال مستمندان و مستضعفان همگام باشد و مصرف کردن آن بایدازاسراف و تبذیر و تجمل طلبی برکنار بوده و با تقدیر واندازه گیری که براساس احتیاجات لازم زندگی فرد و جامعه پی ریزی شده است توام باشد. به طور خلاصه , اقتصاداسلامی که شاخه ای از درخت پرشاخ و برگ و دین اسلام است , مسلمانان را, در هر نقطه ای از جهان که زندگی می کنندالزام می کند که : در سایه قوانین الهی ,اقتصادی به وجود بیاورند که , علاوه براین که ازاسراف و تبذیر و تجمل گرائی و تقلب و ربا واحتکار و گرانفروشی و تورم و فقر و پریشانی و بیکاری خبری واثری نباشد, براساس کار صحیح و مفید وارزش کار وابتکار و بر پایه محبت واخوت و عواطف انسانی وایثار واحسان و تعاون و تامین خودکفائی واستقلال , با توجه به این که همه اینهاازاین بخداوند بزرگ نشات گرفته باشد,استوار باشد.تنوع مالکیتدین اسلام در تنظیم برنامه اقتصادی خود, به سه نوع مالکیت قائل است :۱. مالکیت خصوصیدراسلام , فعالیتهای اقتصادی به هر شکلی که در چهارچوبه قوانین اقتصادی اسلام صورت بگیرد, علاوه براین محترم و دارای ثواب و فضلیت است , موجب مالکیت و ثبوت حق نیز می گردد که براین اساس , هر فردی که بر پایه ضوابط اسلامی , مالی , را به دست بیاورد مالک آن محسوب می شود و تصرفات او, در آن نافذ و صحیح است و روشن است که این موضوع , علاوه بر تشویق افراد به کسب و کار وابتکار, دارای فوائد بسیاری است .۲. مالکیت عمومیزمینهای آبادی را لشکریان اسلام , در هنگام جهاد با کفار, به وسیله قهر و غلبه (نه صلح)از آنان گرفته و جزء قلمرو زمینهای اسلامی کرده اند, در صورتی که آن جنگ بااذن ولی امر مسلمانان صورت گرفته باشد, همه مسلمانان , نسل بعداز نسل به عنوان مالکیت عمومی مالک می باشند.رهبر حکومت اسلامی , موظف است : سرپرستی این قبیل زمینها را نیز, به عهده بگیرد تا با برنامه ریزی کاملی مورد بهره برداری قرار بدهد و لازم است که عائدات آنها را در راه تامین مصالح عمومی مسلمانان ,از قبیل : ساختن راهها, پلها, مدارس , بیمارستانها وامثال اینها مصرف نماید واین موضوع نیز, درایجاد کار و آبادی کشوراسلامی تاثیر فراوان دارد, ولی زمینهای مواتی که دراین قبیل جنگها نیز, به دست مسلمانان می افتد, جزءانفال است و در مالکیت دولت اسلامی (چنانکه خواهیم گفت) در خواهد آمد .۳. مالکیت حکومتیدراسلام , کلیه منابع ثروت جهان , (چنانکه گفتیم و تعداد آن را بیان خواهیم کرد)از قبیل : دریاها, جنگلها, معادن , کوهها, واراضی موات انفال است واختیار آن با رهبر حکومت اسلامی است واو, براساس علم و آگاهی و مدیریت کاملی که دارد, در تحت برنامه معینی , مورد بهره برداری قرار می دهد تا جامعه مستغنی و مستقل و مقتدر و خالی از فقر و نابسامانی , به نام جامعه اسلامی و نمونه به وجود بیاورد که شرح داده خواهد شد .ولایت فقیههمانطور که ولی فقیه , در نتیجه تخصص در علوم اسلامی و آگاهی کافی از اوضاع و شرایط جهان و عصر و زمان خود و داشتن مدیریت کافی و شهامت لازم , قلمرو نفوذ خود را, در جهت تامین استقلال فرهنگی و سیاسی و اجتماعی , هدایت می کند واین قلمرواسلامی رااز نفوذ فرهنگ و سیاست بیگانگان و دشمنان اسلام , حفظ می نماید, نقش بسیار موثری را نیز, در رابطه با مسائل اقتصادی جامعه , عملی می سازد.هر چند, نقش ولی فقیه در مسائل اقتصادی بسیار دامنه داراست , ولی برای نمونه دو مطلب را دراین راطه ذکر می کنیم :۱. قلمرو قانونگذاریولی فقیه , با توجه به ضوابط و دلائلی که از منابع پویا و همیشه زنده اسلام , که کلیه ادواراعصار و شرایط را در زیر چتر خود جای می دهد, در دست دارد, لازم است براساس اجتهاد و آگاهی خود, قوانین و مقرراتی وضع کند. که در میان آن خودکفایی واستقلال کامل کشوراسلامی را تامین کند. به طوری که , علاوه براین که از کلیه وابستگی هایی که ممکن است حیثیت و عزت مسلمانان را خدشه دار کند, مصون و محفوظ بماند, در حیات اقتصادی به طور روزافزون , رو بتکامل برود به نحویکه نه تنهااز کاروان زمان دراقتصاد عقب نامید, بلکه پیشرو کاروان علم و زمان باشد و بالاخره از لحاظ فرهنگی واقتصادی , جامعه ای به وجود بیاورد که همیشه در آغوش خود,ابن سیناها, فارابی ها,ابوریحان ها, محمدزکریا رازیها, شیخ مفیدها, شیخ طوسی ها, محقق ها, علامه حلی ها, امام خمینی ها بپرورد .هر چند این موضوع ,از لحاظ کلی مسائل اقتصادی اسلام , روشن است , ولی ذکر یک نمونه دراین مورد لازم است :چنانکه می دانیم :اسراف و تبذیراز موضوعاتی است که :اسلام با شدت هر چه تمامتر با آن مبارزه می کند و آن را در زمینه اقتصاد, یکی از گناهان بزرگ , معرفی می نمایداما باید توجه داشته باشیم که اسراف , به معنای تجاوزاز حد است . حد و مرز نیز, براساس احتیاج تعیین می شود مثلا, حداحتیاج کسی که مریض است با یک فرد سالم فرق دارد و حداحتیاج سیستان و بلوچستان , مثلا, با حداحتیاج فارس و خراسان تفاوت دارد.بنابراین , لازم است در درجه اول تمام احتیاجات یک جامعه ,از لحاظ فرهنگی , نظامی , سیاسی ,اجتماعی ,اقتصادی و نیزاحتیاج دولتی وافراد جامعه ,از دورترین نقطه گرفته تا نزدیکان مراکز قدرت , مورد نظر قرار بگیرد. و از طرف دیگر, کلیه امکانات آن جامعه نیز,از جهت امکانات طبیعی و نیروهای انسانی , در نظر گرفته شود. به علاوه , مراتب احتیاجات نیز,از لحاظ شدت و ضعف , باید مورد توجه قرار بگیرد, تا با رفع نشدن احتیاجات درجه اول ,اموال وامکانات , در راه تامین احتیاجات درجه دوم , مصرف نشود و همچنین تانیازمندیهای درجه دوم تامین نشده است , پولها وامکانات در راه تامین نیازمندیهای درجه سوم به کار گرفته نشود که مسامحه و تقصیر در شناخت این مراتب و حد و مرزها و خرج کردن اموال وامکانات و نیروها, در راه تامین احتیاجات درجات بالاتر, پیش از رفع احتیاجات مراتب پائین تر, که شدیدتراست , خود, یک نوع اسراف و تجمل گرایی است و باعث سرکوب شدن احساسات و کشته شدن استعدادها و خاموش ساختن عواطف بشری است .بنابراین , برای این که نقشه اقتصادی صحیحی , که مورد توجه اسلام است , تنظیم شود و چرخ اقتصاد جامعه , بر محوراعتدال بچرخد و تولید و توزیع براساس عدالت اقتصادی کامل , صورت بگیرد تا در نتیجه :از هدر رفتن مواد و نیروها, در راه تولید کالاهای غیرضروری , واز زیاده روی و مصرف بیجا واسراف , در رابطه با توزیع , جلوگیری شود وازافراط و تفریطها و به وجود آمدن فاصله ها و شکافها در جامعه , ممانعت به عمل بیاید و تمام استعدادها, در راه شکوفایی اقتصادی پروبال بگشاید, باید: هم به کلیه احتیاجات دولتی وافراد جامعه , با تعیین این حدها و مرزها, مشخص شود و هم , مقدارامکانات مالی و نیروهای انسانی معین گردد و آنگاه موازنه دقیقی بین این دو, صورت بگیرد و براین اساس , قوانین و ضوابطی از طرف ولی فقیه , وضع شود و گرنه دامنه فقر و فاصله بین طبقات جامعه روزبروز, وسیعتر خواهد شد.لازم است , همواره , طنین این گفتار حضرت پیغمبر(ص), که اصلی از نظام اقتصادی اسلام است , با گوش جان بشنویم :من اقتصد فی معیشه رزقه الله و من بذر حرمه الله . ۷یعنی : هراجتماعی که در زندگی اقتصادی خود, راه اعتدال و موازنه را پیش بگیرد, خداوند وسیله ارتزاق واسباب حیات اقتصادی آن را فراهم و مرتب می کند و به عکس , هر جامعه ای که موازنه واعتدال را پشت سرانداخته , در راه تبذیر واسراف گام بردارد, خداوند آن را به فقر و محرومیت اقتصادی محکوم می گرداند.۲. قلمرواجرای قانونولی فقیه , همانطوری که عهده دار وضع قوانین لازم در حیات اقتصادی است , در رأس قوه مجریه نیز قراردارد و لذا لازم است , علاوه از قیام به وضع قوانینی که ذکر گردید, بواسطه داشتن اشراف کامل براجرای قوانین , دراجرای قوانین اقتصادی نیز کوشا باشد.ناگفته پیداست که : قوانین زندگی هر قدر کامل باشد, بدون اجرای صحیح , سعادت و رفاه انسانها را ببار نخواهد آورد. چنانکه یک نقشه ساختمانی هراندازه صحیح و کامل باشد, بدون پیاده کردن آن , جز در عالم خیال و تصور, جای نخواهد داشت .اکنون , نتیجه ای که از آنچه ذکر شد به دست می آوریم ,این است که : خداوند متعال , که مالک همه موجودات جهان است , برای این که حیات اقتصادی بشر, براساس عدالت اقتصادی واجتماعی تحقق پیدا کند, منابع ثروت جهان را دراختیار یک انسان کامل یعنی , عالم به منطق دین و متخصص در معارف اسلامی و پاک و عادل و مدیر و مدبر قرار داده است , تا از طرفی در راه ایجاد و کار واشتغال و زنده کردن نیروی خلاقیت و ابتکار, تمام نیروها واستعدادها را, در راستای استفاده ازاین منابع خداداد, به کار بگیرد و در نتیجه کشور آباد شود و نوراستقلال و عزت و عمران , در سیمای آن بدرخشد و فقر و پریشانی و نابسامانی و کمبود, به کلی ,از بین برود واز طرفی با وضع قوانین عادلانه که گفته شد, راه تعدی و تجاوز زورمندان و مستکبران را

نیز بگیرد تا تراکم ثروت و تکاثر پدید نیابد.این نکته نیز روشن است :افرادی که قدرت کارکردن ندارند با وضع آبرومندانه ای , در سایه ضوابط اسلامی , اداره می شوند.باید توجه داشت : [انفال] , که اکنون مورد بحث ماست , به این منظور مطرح می شود که : عمق واهمیت بیان حضرت امام , رضوان الله تعالی علیه که فرمودند: لازم است مسائل فقهی با توجه به احتیاجات واوضاع زمان بررسی شود, روشن گردد.انفال , بیشتراز یک مورد, در قرآن کریم ذکر نشده است ولی از نظراهمیت موضوع و واقع شدن در ابتدای سوره ای از قرآن مجید, (سوره هشتم قرآن) آن سوره , به نام انفال نامیده شده است . تعبیر قرآنی این است :بسم الله الرحمن الرحیم . یسالونک عن الانفال قل الانفال للهاز تواى پیغمبر,از حکم انفال سوال می کنند. در پاسخ بگوانفال , از آن خداوند و رسول خدااست .از خدا بترسید و میان خود, صلح و مسالمت به وجود بیاورید و رسول خدا رااگرایمان داریداطاعت کنید.در توضیح این موضوع , باید توجه داشت که در زندگی اجتماعی واقتصادی بشر, موضوعاتی در روی زمین وجود دارد که از جهت داشتن ارزش اقتصادی و استعداد فراوان ,از قبیل : معادن , دریاها, جنگلها واراضی منبع ثروتهای سرشاری می باشند. هر چند ما, فعلاـ آماری از تعداد واستعداد آنها و همچنین ارقام و آماری از محصول هر یک از آنها در دست نداریم و نیز می دانیم که : بسیاری از آنها, نه تنها هنوز مورد بهره برداری واقع نشده است , بلکه هنوز شناخته نشده است ولی این را می دانیم که زندگی اقتصادی بشر, بلکه فرهنگی و سیاسی واجتماعی بر محوراین موضوعات می چرخد.اکنون ,این سوال پیش می آید: آیااین موضوعات از آن کیست و در اختیار چه کسی باید قرار بگیرد؟ آیا هر کسی می توانداز آنها بدون قید و شرط, به طور دلخواه خود, بهره برداری آن دو یا باید در تحت سیطره فرد خاصی یاافراد مخصوصی قرار بگیرد؟ آیا آن فرد یاافراد کیستند؟ و چه شرایط امتیازی نسبت به دیگران دارند؟ و آنها نیز, بر چه اساسی این منابع را مورد بهره برداری قرار می دهند؟در پاسخ به این سئوالات , روایاتی که ازاهلبیت عصمت و طهارت , سلام الله علیهم ,که عدل قرآن کریم و زبان و ترجمان آن می بانشد رسیده است می گوید:منظورازانفال , دراین سوره , موضوعاتی است که منابع ثروت جهانی می باشند (و ما با توفیق خداوند, به ذکر تعداد آنها می پردازیم) و لذا در بحث قرآنی[انفال] , علمای شیعه , که افتهار پیروی ازاهل بیت , علیهم السلام , را دارند و آنان را عدل قرآن و زبان قرآن می دانند, در بحث تفسیری خود,انفال را, براساس روایاتی که ازاهل بیت رسیده است , به موضوعاتی که گفتیم تفسیر کرده اند که با مراجعه به کلام شیخ طوسی , در تفسیر نبیان و طبرسی , در مجمع البیان و سیدهاشم بحرانی , در تفسیر برهلا ن و علامه طباطبایی , در تفسیرالمیزان و محمدجوادمغنیه , در تفسرالکاشف و فاضل مقداد, در کنزالعرفان ۸این مطلب , کاملا روشن می گردد.تنها شیخ طوسی و طبرسی , غنائم جنگی را جزءانفال ذکر نکرده اند ولی علامه طباطبائی به مناسبت این که کلمه نفل , در لغت , به معنای زیادی است و غنائم جنگی نیز, مانند جنگلها و معادن واراضی موات , مالک معین ندارد, لذا آن را جزء انفال , محسوب داشته است .بنابراین , معنای آیه این است که :از حضرت پیغمبر[ص] درباره انفال یعنی اموالی که دراجتماع , مالک معین ندارد (و بر حسب تفسیر اهل بیت علیهم السلام از موضوعاتی که ذکر شد, سئوال به عمل آمده است) سئوال به عمل آمده است سئوالی که حاکی از وقوع تشاجر واختلاف میان سئوال کنندگان بوده است و دراین مورد, خداوند متعال , آیه ای که ذکر گردید, نازل فرمود و معنای آیه این است :[ای رسول ما! و تو,از حکم[انفال] سئوال می کنند. در جواب بگو: انفال مخصوص خداوند و رسول اوست بنابراین ,از خدا بترسید و به تحصیل رضایت و مسالمت بین خودتان بپردازید واگراهل ایمان می باشید, خدا و رسول او رااطاعت کنید].این آیه , بااین تفسیر و شرحی که ازاهل بیت , علیهم السلام , در بیان مصادیق آن صادر گردیده است و توضیح خواهیم داد, هیچ گونه منافاتی با آیه ۴۱ سوره انفال , که به حکم خمس مربوط است , ندارد و آیه این است :واعلموواانما غنمتم من شی ء فان لله خمسه و للرسول ولذی القربی ویعنی : بدانید هر آنچه را که به دست می آورید ۹ , یک پنجم آن از آن خدا و رسول خدا وامام مسلمانان و یتیمان و مساکین و رهگذران می باشد. ۱۰وازاین نظر منافات با هم ندارند که آیه انفال می گوید:اموالی که مانند: کوهها, معادن , دریاها, جنگلها, نیزارها, رودخانه ها و زمینهای موات ,از سیطره ملکیت افراد معین خارج می باشند. مال خدا و رسول خداست و شما درباره این گونه اموال , راه تقوا را پیش بگیرید و بر سر تصرف در آنها, با هم اختلاف و مشاجره نکنید واگراختلاقی هم در این مورد, به وجود آمده است از خدا بترسید و آن را به وسیله اصلاح , التیام ببخشید واز خدا و رسول خدااطاعت کنید. بنابراین ,این قبیل اموال ,اعم ازاین که شامل غنائم جنگی نیز باشد یا نباشد,اصلا, مال خدا و رسول است و کسی را در آن حقی نیست (البته در روایات ,اهل بیت , علیهم السلام , فرموده اند: آنچه که مال خدا و رسول است , مال ماست).ولی آیه ۴۱این سوره می گوید: یک پنجم غنیمتها (به تفصیلی که در پاورقی ذکر کردیم) دراختیار خدا و رسول وامام مسلمانان قرار می گیرد و آنان , در هر راهی که مصلحت می دانند خرج احتیاجات یتیمان و مساکین وابناء سبیل از سادات را مرتفع می سازند و چهار پنجم آن , مال کسانی است که آن را به دست آورده اند. ممکن است این تفضیل , که از آیه ۴۱ بدست می آید (به شرحی که گفته شد) براساس تفضل خداوندی باشد.امتیاز مکتب اهل بیتدراینجا, توجه به این این موضوع نیز لازم است : معنای وسیعی که برای کلمه انفال در تفاسیر شیعه وجود دارد, به طوری که شامل تمام منابع ثروت ,از قبیل : دریاها, جنگل ها, معادن , نیزارها, رودخانه ها و زمینهای موات می شود.ازامتیازات مکتب اهل بیت , علیهم السلام ,است و مفسرین شیعه , چون افتخار پیروی ازاین مکتب را دارند آن را به معنای وسیع تفسیر کرده اندااما چون اهل تسنن ازاین مکتب , پیروی نمی کنند. آن را به این معنا تفسیر نکرده اند و در میان آنها, دو قول دیده می شود :۱. منظورازانفال غنائم جنگی است .این قول را شیخ محمود شلتوت در تفسیر خود و همچنین بیضاوی و سیوطی و مراغی و سیدقطب و آلوسی و رشیدرضا در تفسیر خویش ذکر کرده اند و علت نزول آیه را وقوع اختلاف بر سر تقسیم غنیمت جنگی , در جنگ بدر گفته اند.۲. منظوراز آن , غنائم جنگی نیست .صاحبان این قول , با هم اختلاف دارند:برخی از آنان می گویند: مراداز آن اشیائی است که بدون جنگ ,از کفار به دست مسلمانان بیفتد, مانند: شتری که از آنان جا مانده است یا کالای دیگر و گروهی از آنان می گویند: منظوراز آن , خمس غنائم جنگی است (نه غنائم جنگی) و برخی دیگر گفته اند: مقصوداز آن , لباس مقتول است که در جنگ اسلامی به دست قاتل می افتد.فخررازی , بعداز نقل این اقوال , می گوید:[بهتراین است که بگوییم : منظوراز آن اموالی است که , نوعا, حضرت پیغمبر[ص] در جنگهای اسلامی , قبل ازاین که غنیمت به دست لشکریان اسلام بیفتد, به منظور ترغیب لشکریان به انجام کارها واقداماتی که در پیشرفت و غلبه مسلمانان به منظور ترغیب لشکریان به انجام کارها واقداماتی که در پیشرفت و غلبه مسلمانان بر کفار موثر بود و عده آن را به کسانی که این قبیل کارها راانجام می داده اند و بااقدام به آنها موجبات غلبه و پیشرفت لشکریان اسلامی را فراهم می ساخته اند, می داده است و نیز منظوراز آن ,اموالی است که بعداز به دست آمدن غنائم جنگی , به برخی از لشکریان به عنوان جائزه وانعام , عطامی کرده است] .زمخشری در تفسیر کشاف نیز, همین قول فخر رازی رااختیار کرده است .در تفسیر قرطبی , که تفسیر جامع نامیده می شود و شاید جامعترین تفاسیراهل تسنن ,از جهت نقل اقوال فقهای آنها می باشد, در تفسیر کلمه انفال ۴ قول ذکر کرده است :۱.اشیائی که از کفار در میدان جنگ به جا مانده و به دست لشکریان اسلام افتاده است .۲. خمس غنائم جنگی .۳. یک پنجم خمس غنائم جنگی که حضرت پیغمبر[ص] می تواند آن براساس صلاحدید خود, به بعضی از لشکریان اسلام , که در جنگ اقداماتی در جهت پیشرفت مسلمانان انجام داده اند, می دهد. قرطبی می گوید:این مطابق مذهب شافعی و مالک وابی حنفیه است .۴. آنچه که امام (زعیم مسلمانان)از غنائم جنگی به بعضی از لشکریان , اضافه بر دیگران , عطا می کند. قرطبی همین قول چهارم را, که به قول فخر رازی بر می گردد,اختیار کرده است ۱۳ .اینها خلاصه گفتار علمای اهل تسنن درباره انفال است که در تفاسیر و کتب فقهی خود گفته اند ولی فقهای ما, به پیروی ازائمه هدی , علیهم السلام ,انفار را شامل منابع ثروتهای جهان می دانند که لازم است دراختیار سرپرست حکومت اسلامی قرار بگیرد تا (چنانکه گفته شد) با برنامه ریزی صحیح و عادلانه اسلامی , مورد بهره برداری واقع شود و در نتیجه جلو تعدی و تجاوز زورمندان , دراستفاده ازاین منابع , گرفته شود و نیز مانعی در جلوی تکاثر و تراکم ثروت , که موجب مفاسداقتصادی واجتماعی فراوان می گردد, به عمل بیاید. علاوه بر همه اینهااین موضوع , (چنانکه گفته شد) موجب از بین رفتن فقر و بیکاری و تحقق عمران و آبادی جامعه اسلامی و تحقق استقلال و خودکفائی خواهد کشت .در ضمن , توجه به این مطلب نیز, لازم است که در تعداد[انفال] میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد, ولی ما دراینجا, تعدادی را که , به نظر قاصر خود,از روایات اهل بیت , علیهم السلام ,استفاده کرده ایم ذکر می کنیم : ۱. زمینهای موات . موات به آن قطعه از زمین گفته می شود که

فعلا صلاحیت واستعداد بهره برداری از آن , وجود ندارد. حال این عدم استعداد بهره برداری , یا به جهت این است که فعلا آب به آن نمی رسد, یا به واسطه این که درختها و جنگلها, به طوری بر آن مسلط است که مانع بهره برداری از آن است , یا چون آب زیاد بر آن مسلط است بهره برداری از آن ممکن نیست , یا چون شن و خاك بر آن مسلط است نمی شود از آن بهره برداری کرد, یا به علت این که شوره زاراست , صلاحیت انتفاع از آن وجود ندارد و بالاخره , معیاراین است که آن زمین , با وضع موجود, قابل بهره برداری نباش و بایداحیا گردد و موانع موجود بر طرف شود, تا قابلیت بهره برداری پیدا کند.۲. جنگلها, که در روایات از آن , به[آجام] تعبیر شده است بنابراین , تفسیری که در ریاض و شرح لمعه از [آجام] به نیزار کرده است , صحیح نیست. [نیزار] نیز, در صورتی که مالك معین نداشته باشد, از جهت این که هر زمین فاقد مالك معین جزء انفال است , جزءانفال خواهد بود.۳. دریاها و دریاچه ها.۴. معادن ,اعم از معادن ظاهر و باطن . معدن ظاهری , دراصطلاح فقهی , به آن قبیل از معادن گفته می شود که رسیدن به آن احتیاج به کاوش و فعالیت زیاد ندارد, مانند: معدن نمک .معادن باطنی آن معادنی است که دستیابی به آن ,احتیاج به کاوش و اعمال صنعت است .۵. قله کوهها, بلکه بنابه عقیده علامه نراقی در مستند, سینه کوها و نیز آنچه که در آنهاست , جزءانفال است .۶. بستر رودخانه ها که دراحادیث از آن , به بطون الاودیه تعبیر شده است .و رودخانه ها و آنچه که در آن است ,از قبیل ماهیها یا گنجها که در آنها پیدا می شود, همه , جزءانفال است .۷. زمینهایی که دراصل , محل سکونت کفار بوده , ولی آنان , آن را زیر سیطره مسلمانان قرار داده اند,اعم ازاین که آن را ترک کرده و به مسلمانان واگذار کرده اند, یااین که خود نیز,اکنون , در آنجا سکونت داشته باشند.۸. غنائمی که لشکر مسلمان ,از کفار, بدون این که بااذن امام جنگ کرده باشند, به دست آورده اند (و در صورتی که جنگ بااذن امام باشد, فقط خمس غنائم به امام تسلیم می شود و بقیه ,از آن مجاهدین خواهد بود.۹. قطایع و صفایای سلاطین کفار, به این معنا, هنگامی که سرزمین کفار به وسیله لشکراسلام , فتح شد و جزء قلمرو زمینهای اسلامی می گردید, آنچه که سلاطین آن سرزمینها,ازاموال غیرمنقول , مانند: باغها و کاخها, به خوداختصاص داده بودند,[قطایع] نامیده می شود و جزءانفال است و همچنین اشیاء منقول , که صفایا (یعنی اشیاء برگزیده) نامیده می شود, همه و همه , جزءانفال است .۱۰. صفوالمال , یعنی مال برگزیده , موقعی که غنائم جنگی کفار, به دست لشکریان اسلام می افتد,امام می تواند, قبل از تقسیم غنائم , هر چه را که مصلحت بداند, برای این که در راه مصالح اسلام و مسلمانان خرج کند, بردارد و به خوداختصاص بدهد واین صفوالمال نامیده می شود و جزءانفال محسوب می شود.۱۱. میراث کسی که از دنیا و وارث ندارد.۱۲. ساحل دریاها و کنار رودخانه ها.۱۳. هر زمینی که مالك معین ندارد. ۱۴

پاورقی ها:۱. مدرك این حدیث ,از طریق اهل سنت : الغدیر ج ۱.۳۱ تا ۳۸ و در بعضی از مدارك این جمله نیز وجود دارد :ماان تمسکتم بهما لن تضلوا اگر به این دو, تمسك کنید, هرگز گمراه نمی شوید سیدهاشم بحرانی , در کتاب غایه المرام با ۳۹ سنداز علمای اهل تسنن و با ۸۰ سنداز علمای شیعه , آن را نقل کرده است .علامه میرحامد حسین هندی نیشابوری , در کتاب گرانقدر خود عبقات الانوار, آن را در حدود ۲۰۰ نفراز محدثین و علمای اهل سنت نقل و تحقیق این دانشمند بزرگ درباره سند و دلالت این روایت در ۶ جلد به چاپ رسیده است .۲. نهج البلاغه , صبحی صالح , خطبه ۱۳۱.۳. همان مدرك , خطبه ۱۷۱.۴. اصول کافی , ج ۱.۴۰۷.۵. سوره توبه , آیه ۳۳.۶. نهج البلاغه , خطبه ۱۴۲.۷. وسائل الشیعه , ج ۱۱.۲۲۰.۸. تبیان , ج ۵۱۷.۵ برهان , ج ۵۹.۲ المیزان , ج ۷.۹ الکشاف , ج ۳.۴۴۸ کنزل العمال , ج ۱.۲۵۴.۹.البته این اختلاف نظر دراین آیه وجود دارد که آیا مراداز کلمه غنمتم , در آیه , فقط غنائم جنگی است , چنانکه اهل تسنن می گویند, یااین که منظوراز آن : مطلق فوائد و عوائدی است که انسان , با تلاش و فعالیت به دست می آورد. مثل : غنائم جنگی و سودهایی که از کسب و کار و یااز غواصی و پیدا کردن گنج واستخراج معادن به دست می آید. یا هر چند بدون تلاش , ماند: هبه و بخشش به دست بیاید که هر یک ازاین دو نظریه اخیر, میان فقهای امامیه طرفدار دارد.۱۰. براساس روایاتی که ازاهل بیت , علیهم السلام , وارد گردیده است , این یتیمان و مساکین و رهگذاران , بایداز سادات باشند.۱۱. فخررازی , ج ۱۵.۱۴۴.۱۲. کشاف , ج ۳.۱۴.۱۳. الجامع لاحکام القرآن , قرطبی , ج ۷.۳۶۲.۱۴. در صورت غیر معین بود مالك نیز, آن مالك میان افراد معدودی محصور نباشد.

http://www.hawzah.net/hawzah

اشتغال روستایی؛ مانعی در برابر مهاجرت

عارف ایرانی

روستا به عنوان بخش بزرگی از نظام اجتماعی و جمعیتی کشور که در آن تعداد کثیری از عوامل انسانی مولد سکونت دارند محسوب می شود. در روستاها عوامل و منابع ارزشمندی اعم از عوامل انسانی و منابع طبیعی و اقتصادی به عنوان ذخایر استراتژیک کشور وجود دارند که در پیشرفت جامعه نقش مهمی ایفا می کنند. نقش و اهمیت فرآورده ها و تولیدات روستایی در رفع نیازهای رو به تزاید جامعه درخور توجه می باشد نظیر تولید محصولات کشاورزی، زراعی، دامی و صنایع تبدیلی که نقشبی بدیل و منحصر به فرد است. برای جامعه اقتصادی ما بسیاری از دستاوردهای روستاییان نقش استراتژیک داشته و اهرم قابل اتکایی در پشتیبانی از نظام اقتصادی کشور در عرصه جهانی از طریق صادرات و ورود کالاهای ملی به بازارهای پرظرفیت جهانی بوده، یعنی درحقیقت شناسه قدرت اقتصادی کشور در نزد جهانیان تلقی گردیده مضافاً اینکه تکیه براقتصاد تک محصولی نفتی را تقلیل می دهد. فعال سازی ساکنان روستاها در ایران می تواند کمک شایان توجهی به تامین امنیت اجتماعی نموده و باعث کاهش حجم زیاد ناملایمات اجتماعی گشته و منجر به کاهش پدیده" مهاجرت روستا -شهری "شود. ایجاد و راه اندازی کسب وکارها مانند کسب وکارهای خانوادگی و گروهی در روستاها به دلیل وجود پیوندهای قوی اجتماعی و روحیه بالای مشارکت و تعاون در روستاها بالاتر از شهرهاست .روحیه کار و تلاش و مسئولیت پذیری و التزام و تعهد به پیشرفت درمیان جمعیت روستایی بیشتر از شهرنشینان وجود دارد.تمامی جوامع روستایی با معضل بیکاری به نوعی دست به گریبان هستند و ابعاد این معضل، بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را نیز متاثر ساخته است. این معضل به عنوان یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی روستاها مطرح می‌باشد.در حال حاضر، ایجاد فرصت های شغلی جدید در مناطق روستایی کشور از اهمیت دو چندانی برخوردار است. زیرا علاوه بر آمار بالای بیکاری در روستاها، کشور با معضل مهاجرت روستاییان به شهرها، بخصوص به شهرهای بزرگ مواجه است که این امر خود پیامدهای منفی زیادی درزمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و امنیتی دارد. همچنین جوان‌گزین و نخبه‌گزین بودن مهاجرت‌های روستایی از جمله عواملی است که فرایند توسعه درون‌زا و روند بهبود شرایط زندگی در روستاها را مختلمی سازد. جوانان روستایی با کار در بازارهای هفتگی پر جنب و جوش روستای خود ضمن پر کردن اوقات فراغت، می توانند در زمینه کسب درآمد برای خانواده نیز قدمی بردارند در گذشته بعضی مدیران و سیاستگذاران امر توسعه، صرفاً بر" توسعه کشاورزی "متمرکز می‌شدند که امروز نتایج نشان داده است که توسعه روستایی صرفاً از این طریق محقق نمی‌شود. روستا جامعه‌ای است که دارای ابعاد اجتماعی مختلف است و نیازمند توسعه همه‌جانبه است نه صرفاً توسعه کسب‌وکار و نظامی به نام "کشاورزی. "هرچند باید گفت که از طریق توسعه کشاورزی موفق نیز الزاماً توسعه روستایی محقق نمی‌شود. چون اولاً۔ فواید توسعه کشاورزی عاید همه روستاییان نمی‌شود (بیشتر عاید زمینداران، بخصوص مالکان بزرگ، می‌شود)، ثانیاً افزایش بهره‌وری کشاورزی باعث کاهش نیاز به نیروی انسانی می‌شود (حداقل در درازمدت) و این خود باعث کاهش اشتغال روستاییان و فقر روزافزون آنان و مهاجرت بیشتر به سمت شهرها می‌شود رسالت

اقتصاد در اولویت

علیرضا حسنیه

اقتصاد در سه دهه گذشته در کشور ما مورد بی لطفی بوده و در خوشبینانه ترین حالت جزء اولویت های دسته چندمی کشور محسوب شده است . با این حال حرکت در نیمه اول دهه پیشرفت و عدالت و همچنین سال جهاد اقتصادی نیازمند داشتن بینش

صحیح نسبت به وضعیت اقتصادی کشور و تبیین راهکارهای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی است.دهه چهارم از انقلاب از سوی مقام معظم رهبری دهه پیشرفت و عدالت نام گرفته است و در حقیقت می توان این دهه را آغاز فصل نوینی از کار آمدی نظام اسلامی به حساب آورد . در حوزه اقتصادی نیز سال جاری سال جهاد اقتصادی نامگذاری شده است که خود بیانگر اهمیت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در دهه پیشرفت و عدالت است .بر طبق آمار کشور ایران یکی از کشورهای غنی در عرصه منابع اقتصادی و انسانی در جهان به حساب می آید با این حال به دلیل عقب ماندگی های علمی و فناوری در چند سده اخیر و همچنین وجود سایه سنگین استعمار بر حکومت ایران در زمان طاغوت کشور ما نتوانسته است جایگاهی قابل قبول و درخور نام ایران اسلامی داشته باشد . در واقع کشور ایران با توجه به ظرفیت های موجود از نظر مواد معدنی بخصوص منابع نفت و گاز یکی از قدرت های اقتصادی دنیا محسوب می شود اما تاکنون این فرصت های بالقوه نتوانسته است ایران را به یکی از قطب های اقتصادی مهم تبدیل کند.اما شاید بتوان سال جهاد اقتصادی را طلیعه ای از آغاز دوران جدید در اقتصاد ایران دانست. به هر حال در سال های اخیر اقتصاد از حاشیه به متن آماده است و به مهمترین دغدغه و اولویت مسئولین بدل شده است. بی شک توجه مسئولین به حوزه اقتصاد و همچنین بسیج شدن مردم در این حوزه با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری می تواند تاثیرات شگرفی بر اقتصاد ایران داشته باشد و ما بتوانیم شاهد جهش اقتصادی در کشور باشیم.با این حال باید دانست دستیابی به اهداف جهاد اقتصادی نیازمند شناخت صحیح الزامات جهاد اقتصادی علی الخصوص ادبیات حوزه اقتصاد است . حوزه اقتصاد تفاوت های چشمگیری با سیاست و یا فرهنگ و... دارد . در عرصه اقتصاد مهمترین عامل تولید ثروت ، رقابت ، کیفیت محصولات و... است . از این روست که می توان گفت عملکرد جهاد اقتصادی منوط و موقوف به شناخت و توجه به نظرات صاحب نظران در حوزه اقتصادی و علی الخصوص فعالان بخش خصوصی در کشور است.متاسفانه طی دو دهه گذشته بیشتر تمرکز اقتصاد ایران در بخش دولتی و وابستگی به نفت بوده است و همین امر نیز اقتصاد ایران را یک اقتصاد ضعیف و البیته بیمار ساخته است. از این رو امید است در سال جهاد اقتصادی که سومین سال از دهه عدالت و پیشرفت است شاهد حضور هرچه بیشتر بخش خصوصی در فعالیت های اقتصادی کشور و کوچکتر شدن دولت باشیم .البته در این میان تصمیمات دولت در بخش اقتصادی نیز بسیار تاثیر گذار است چرا که دولت می تواند با اجرای درست قوانین و همچنین ادامه اجرای طرح تحول اقتصادی در کشور بخش های ضعیف اقتصاد را بهبود ببخشد.از این روست که می توان گفت ادامه اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها، تحولات در حوزه های بانکی ، مالیاتی، گمرک،بیمه، ارزش گذاری پول ملی، بهره وری و نظام توزیع کالاو خدمات ، اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ، جذب سرمایه گذاری های خارجی ، بازار سرمایه و... در قالب اسناد بالادستی و به طور ویژه قانون برنامه پنجم از اهم برنامه های سال ۱۳۹۰ است که دولتمردان باید با مجاهدت و تلاش مضاعف این امر مهم را به سرانجام برسانند و راه را برای حضور بخش خصوصی در اقتصاد ایران هموار سازند .جهاد اقتصادی یک وظیفه دینیاساسا مفهوم جهاد در دین مبین اسلام مفهوم بلند و متعالی است که ضمن در بر گرفتن تلاش و کوشش بسیار، بعد معنوی را نیز مد نظر قرار می دهد. چنانکه در آیات متعدد قرآن جهاد با مال و جان در کنار یکدیگر توصیف شده است.حضرت علی(علیه السلام) در خصوص جهاد می فرمایند" جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند برای دوستان ویژه اش گشوده... هر کس آن را کنار گذارد خداوند جامهٔ ذلت را بر او پوشاند و دچار انسانهای فرومایه گردد(" ... وسایل الشیعه چاپ سنگی، ج۲، ص۴۶۹) و یا پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می فرمایند جاهدوا المشرکین بأموالکم و أنفسکم و ألسنتکم. با اموال ، جانها، مالها و زبانهای خود با مشرکان جهاد کنید. (نهج الفصاحه / حدیث ۱۳۰۱)با این حال و با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص سال جهادی می توان این نوع از جهاد را در تقسیم بندی انواع جهاد از نوع جهاد دفاعی است . یعنی جهاد در برابر کسانی که نقشه نابودی و حمله بر مسلمانان را می کشند و یا قصد هجوم به بلاد آنان را دارند. که در این صورت دستور جهاد دفاعی داده شده و آن گونه که در رساله های عملیه حکم آن ذکر گردیده است بر عموم مسلمانان واجب می باشد. (رساله امام خمینی، مسئله ۲۸۲۶ و ۲۸۲۷، مسائل دفاع) در جهاد اقتصادی سال ۹۰ هم حکم ولی هم وجود دارد لذا برهمه واجب است و شرایطی چون احتمال تاثیر و ... نیز چنانکه در جهاد ابتدایی لازم است در این جهاد وجود ندارد. در صورت وجوب جهاد برهمگان، هیچ معافیتی هم برای هیچ فردی وجود ندارد، حتی بیماران و نابینایان.هر کس به اندازه توانش به هر طریق که می تواند باید در این امر مقدس شرکت کند.

به عبارت بهتر جهاد اقتصادی گونه ای از وظیفه دینی است و نیت و بسیج عمومی در آن شرط است و اگر کسی در این زمینه کوتاهی کند در واقع خلاف کرده است. در این حرکت و جهاد اقتصادی شهری و روستایی ، با سواد وبی سواد ، مهندس و استاد، زن و مرد و همه وهمه موظف هستند .امروز جهاد اقتصادی به مثابه یک واجب عینی مطرح است. نکته دوم در خصوص جهاد این است که حتما دشمنی در این خصوص متصور است. در واقع امروز باید این واقعیت را بپذیریم که دشمن به اقتصاد ایران حمله کرده است و این واقعیتی است که همه باید به آن واقف باشیم و همین امر نیز اهمیت جهاد اقتصادی را افزون می کند. امروز دشمنان ایران اسلامی پس از آنکه در حوزه های نظامی و سیاسی با شکست در برابر ایران روبه روشده اند در صدد هستند در حوزه اقتصادی به کشور ما لطمه وارد کنند . اعمال تحریم ها و یا ایجاد خلل در مبادلات مالی تجار ایرانی با بانک های خارجی از جمله راهکارهای دشمنان برای ایجادمانع در برابر رشد اقتصادی در ایران است.اما بی شک کشور ما با توجه به منابع غنی و همچنین ذخایر معدنی ، نیروهای ماهر انسانی ، علم بومی و... می تواند بار دیگر با رویکردی جهادی دشمنان را مغلوب عزم و اراده پولادین خود سازد. رسالت

ارزش‌های اخلاقی در اقتصاد اسلامی

موسسه قرآنی ندای ملکوت انسان برای ادامه حیات خود، نیاز به نعمت‌هایی دارد که خداوند برای او فراهم کرده است. به دست آوردن نعمت‌های مادی برای تامین معاش، با انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی امکان پذیر است.این فعالیت‌ها در قالب تولید، توزیع، مصرف و خدمات مربوط به آنها شکل می‌گیرد. در اخلاق اقتصادی، مجموعه جهت‌گیری‌های نظام اخلاقی اسلام، اعم از تبیین ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در حیطه مسائل اقتصادی مطرح است. برای مثال، کسی که به نظام اقتصادی اسلام پایبند باشد، نمی‌تواند اسراف، تجمل پرستی، رشوه، ربا و ضد ارزش‌های دیگر را در فعالیت اقتصادی خود راه دهد و از قناعت، انصاف، ایثار و دیگر ارزش‌های مثبت فاصله گیرد.فقر و ثروت در اخلاق دینیعلاقه به جمع‌آوری ثروت حلال، منشا تحرک اجتماعی و گردش اقتصادی است.امام جعفر صادق(ع) در روایتی می‌فرماید:در زندگی دنیوی، ناچار از امرار معاش هستیم. از خصوصیت‌های زندگی این جهانی، انجام دادن معامله و مبادله و کسب درآمد است. پرداختن به این امور در نگاه ارزشی اسلام، در صورتی که با هدف رشد وتعالی مادی و معنوی فرد و تحقق عدالت اجتماعی و رفاه عمومی باشد و در جهت کسب رضای خدا از آنها استفاده شود، نه تنها مورد نکوهش نیست، بلکه شایسته ستایش و تقدیر است.امام جعفر صادق(ع) در روایتی دیگر می فرماید":لاخیر فی من لایحب جمع المال من حلال یکف به وجهه و یقضی به دینه و یصل به رحمه"خیر و خوبی در آن کس نیست که علاقه به جمع‌آوری مال از راه حلال ندارد، تا بدان وسیله آبروی خود را محافظت و قرض خود را ادا کند و صله رحم انجام دهد.مال و ثروت حلال باعث زندگی راحت و آرامش روانی بوده، وسیله آزمایش الهی، مایه برکت و پوشاننده عیب‌هاست.پیامبر اکرم(ص) توجه به معاد و باورهای دینی را برای کسی که در فقر مادی به سر می‌برد، بعید می‌داند و می‌فرماید:اگر نان نباشد، قادر بر انجام روزه و خواندن نماز و ادای واجبات الهی نخواهیم بود.فقر، آثار ناخوشایند و وحشتناکی در زندگی انسان بر جای می‌گذارد که از آن جمله می‌توان به احساس ذلت و درماندگی، کفر آفرینی و جهل‌زایی اشاره کرد. حضرت علی(ع) نیز درماندگی را از پیامدهای فقر بر می‌شمرد: تهی دست، مرد زیرک را در برهان کند می‌سازد.فقر و ثروت، عامل سقوط یا صعود؟در بینش اخلاقی اسلام، فقر و ثروت می‌تواند عامل سقوط یا صعود انسان شود. مال و ثروتی که آدمی را از انسانیت، معنویت و خدا دور سازد، نه تنها مفید و موثر نیست، بلکه زیانبار و خطر آفرین است. در مقابل، اگر فقر موجب دوری انسان از شیطان صفتی، فتنه انگیزی، ظلم پروری و تبهکاری، غفلت و خوشگذرانی شود، نه تنها مورد نکوهش نیست، بلکه شایسته ستایش است و به گفته امام جواد(ع) باید چنین

فقری را در آغوش گرفت.حضرت، تصریح می‌فرماید":صبر را بالش خود ساز، فقر را در آغوش گیر و لذت‌ها را واگذار "خداوند متعال، آدمی را از مالی که اندوخته شده و در راه فقرزدایی خرج نمی‌شود، بر حذر می‌دارد.همچنین تفاخر و تکاثر را موجب غفلتی می‌داند که سرانجام، انسان را به شمارش مردگان و گورها وا می‌دارد تا بدین وسیله برتری خود را بر دیگران اظهار کند.به طور کلی، مال و ثروت، هم می‌تواند هدایتگر انسان به سوی زیبایی‌ها و معنویات باشد و هم عامل سقوط و نابودی فرد و جامعه. آنچه موجب پیدایش این دو رویکرد متفاوت می‌شود، نیت و انگیزه آدمی برای کسب منفعت، روش به دست آوردن آن و چگونگی توزیع و مصرف امکانات مالی و مادی است. توسعه متوازن اقتصادی و برقراری قسط و عدل در جامعه دینی به عنوان آرمان دست یافتنی، از هدف‌های بلند و عالی اسلام در عرصه مسائل اجتماعی و اقتصادی است. از جمله راهکارهای عملی اسلام برای افزایش توسعه اقتصادی متوازن، انفاق، قرض دادن، خمس، زکات، رسیدگی به ایتام، صدقه ودوری از اسراف و تبذیراست.معیار ارزش نبودن غنا و ضد ارزش نبودن فقرفقر و غنا هیچ کدام معیار ارزش نیستند؛ بلکه ملاک ارزش، ایمان و عمل صالح است". اموال و فرزندان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی‌سازند، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده‌اند و آنها در غرفه‌های بهشتی در نهایت امنیت خواهند بود".قرآن از بعضی فقیران ستایش کرده که فقرشان به سبب تنبلی نبوده است؛ بلکه در راه خدا در تنگنا قرارگرفته‌اندو امکان تلاش و فعالیت اقتصادی برای آنان فراهم نبوده است. چنان که می‌فرماید: انفاق شما مخصوصا باید برای نیازمندانی باشد که در راه خدا در تنگنا قرار گرفته‌اند و با توجه به آیین خدا، آنها را از وطن‌های خویش آواره ساخته و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تامین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارت بزنند، نمی‌توانند مسافرتی کنند و سرمایه‌ای به دست آورند واز شدت خویشتنداری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند ".این است مشخصات آنها و هر چیز خوبی که در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.همچنین از کسانی مانند۱- حضرت سلیمان۲- داوود۳- ذوالقرنینکه دارای تمکن مالی خوبی بودند و مال را" رحمه من عند الله "و" فضل من عند ربی "می‌دانستند، ستایش می کند.در مقابل، ثروتمندانی مانند:۱- قارون۲- فرعون۳- ولید بن مغیره۴- ابولهبرا که بیش از حد به مال علاقه داشتند به شدت سرزنش می کند.جنبه‌های منفی غنامترف به کسانی که مست و مغرور به نعمت شده و طغیان کرده‌اند، می گویند و مصداق آن غالبا پادشاهان و جباران و ثروتمندان مستکبر و خودخواه هستند. مترف به کسی می گویند که فزونی نعمت، او را غافل کرده و به طغیان واداشته باشد. به عبارت دیگر مترف به حال خود رها شده و هرکاری بخواهد، می کند، بنابراین مترفان همان متنعمان و ثروتمندانی هستند که به دنبال لذت طلبی، هوسرانی، خوشگذرانی و عیش و نوش هستند. واژه دیگری که در قرآن کریم، تقریبا معادل کلمه اتراف به کار رفته، واژه" بطر "به معنای غرور و طغیان بر اثر فزونی نعمت است. مترفان معمولا در صف اول مبارزه با پیامبران قرار داشتند؛ چرا که انبیای الهی و شریعت‌شان را مانعی در برابر عیش و نوش‌ها و خوشگذرانی‌های خود می‌دیدند و گاهی این مسئله، باعث کفر آنها می‌شد. آیات متعدد به مقابله آنان با پیامبران، کفر و انکار انبیا و نابودی چنین اقوامی که سرانجام سختی در انتظار آنان است، اشاره کرده‌اند.طغیان و انکار آیات الهیغالب مفاسد دنیا از قشرهای مرفه و مستکبر سرچشمه می گیرد و همیشه در صف اول مبارزه در مقابل انبیا، آنها بودند. همان‌ها که گاه قرآن از آنها به" ملاـ "تعبیر کرده است و گاه به" مترفین "و گاه به "مستکبرین "که:۱- اشاره به جمعیت اشرافی است که چشم‌ها را پر می کند و درونشان تهی و خالی است.۲- اشاره به کسانی دارد که در ناز و نعمت به سر می‌برند و مست و مغرورند و از درد و رنج دیگران بی‌خبر.۳- به آنها که بر مرکب کبر و غرور سوار و از خدا و خلق دورند. سرچشمه همه اینها احساس بی‌نیازی و غنا است". و هرگاه روزی را بر بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می کنند ""...ما در هیچ شهر و دیاری، پیامبری نفرستادیم، مگر اینکه مترفان آنها که مست ناز و نعمت بودند گفتند « ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم. گفتند: اموال و اولاد ما از همه بیشتر است و این نشانه علاقه ما به خدا است و ما هرگز مجازات نخواهیم شد".در مقابل حضرت نوح، ابراهیم، موسی و طالوت ایستادند. تا جایی که نوح در شکایت از قوم خود در پیروی آنان از ثروتمندان شکایت می کند که اموال و دارایی شان چیزی جز بر زیان‌کاری‌شان نیفزود و ثروتمندان را کسانی که باعث گمراهی قومشان شده‌اند، معرفی و آنان را نفرین می کند.عدم تداول ثروت بین اغنیا، اصل اساسی در توزیع و رفع فقرقرآن با مالکیت خصوصی و به رسمیت شناختن آن از تداول و دست به دست گردیدن ثروت بین اغنیا ممانعت کرده است". کیلا یکون دوله بین الاغنیاء منکم "عدم چرخش اموال در دست ثروتمندان به این معنا نیست که ثروت از گروهی گرفته شود و به گروهی دیگر داده شود؛ بلکه منظور آن است که اگر مقررات اسلامی درباره به دست آوردن ثروت، رعایت شود، به حقوق دیگران تعرض نشود. اگر مالیات‌هایی همچون خمس و زکات، خراج، احکام بیت المال، انفال و... درست اجرا شود، خود به خود نتیجه‌اش عدم تداول ثروت بین ثروتمندان خواهد بود. نامطلوب بودن نابرابری و فاصله فاحش طبقاتی، امری بدیهی است، آنچه مهم است مکانیسمی است که برای جلوگیری و کاهش آن در نظر گرفته می‌شود.مکانیسم پیشگیری و رفع فقرخداوند متعال برای پیشگیری و رفع فقر، مکانیسم دقیق و ظریفی را به کار گرفته است که افزون بر مسئولیت دولت، افراد جامعه هم در آن وظیفه دارند. با وجوب نفقه، مشکل بار تکفل اجتماعی زیر سنین پانزده سال و بالای شصت و پنج سال که بخش عمده اقشار آسیب پذیر را تشکیل می دهند اگر نگوییم حل می‌شود دستکم به شدت کاهش می‌یابد؛ چرا که افراد زیر پانزده سال را فرزندان تشکیل می‌دهند و نفقه آنان بر پدر واجب شده است. افراد بالای ۶۵ سال؛ پدر، مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ را شامل می‌شود و نفقه آنان در صورت فقر بر فرزندان و در غیاب آنها بر نوه‌ها و... واجب است. زنان نیز به علت بعضی ویژگی‌های جسمی و روحی از افراد آسیب‌پذیر هستند که نفقه آنها در جایگاه عیال بر همسران‌شان واجب شده است، حتی زنان مطلقه، پس از طلاق به حال خود رها نشده و تا سر رسیدن عده، نفقه آنان بر عهده زوج است که مسکن و سایر نیازهای او را در حد فرعی تامین کند.در صورت انجام این تکلیف، بخش بزرگی از افرادی که آسیب پذیرند یا در معرض فقر قرار دارند از جمعیت فقرا خارج می‌شوند؛ چرا که معمولا افراد دارای سنین بالا، دستکم یک فرزند، نوه، یا نتیجه که از امکانات لازم برخوردار باشد، دارند. همان طور که افراد زیر پانزده سال، معمولا دارای دستکم یکی از پدر، مادر، پدر بزرگ یا مادر بزرگ هستند. بقیه کسانی هم که نفقه آنها بر کسی واجب نیست یا نفقه دهنده آنها در فقر به سر می‌برد، شارع مقدس برای رفع فقر و سایر مصارف آنان، پرداخت بخشی از مال را به صورت خمس، زکات، یا در قالب جرایم مالی مثل کفارات، واجب کرده است، اعم از اینکه حکومتی وجود داشته باشد که آنها را جمع آوری کند و به مصارف واقعی برساند یا نباشد. به غیر از نفقه‌های واجب و مالیات‌هایی که در شرع بیان شده است، این مسئله مطرح می‌شود که آیا افراد، تکلیف دیگری در برابر فقرا دارند یا خیر؟ اگر فردی زکات، خمس یا کفاره‌ای بر ذمه ندارد، ولی در کنار او، خانواده بی‌سرپرستی قرار دارد که از تامین ضرورت‌های زندگی ناتوان است، آیا دیگر تکلیفی ندارد؟ اگر با فرض توانایی، آنان را رها کرد و بر اثر سوء تغذیه، در جسم و جان آنان خللی وارد شد چنین عملی عقوبت دارد یا خیر؟ با بیان قرآن، خداوند فقط به پرداخت‌های مخصوصی مثل زکات و خمس بسنده نکرده و برای ترک انفاق نیز، عقوبت شدید قرار داده است؛ گرچه بیشتر مفسران، آیات عقوبت را بر زکات حمل کرده‌اند، علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) معتقدند که همان انفاق است، منتها در حدی که بتواند کمر راست و نیاز خود را رفع کنند، پرداخت آن واجب است.مسئولیت دولتاگر وظایف حکومت پیامبر اکرم (ص) را که آیات الهی بر عهده آن حضرت گذاشته است، بتوانیم تعمیم دهیم و آن را وظایف مقام حکومت و ولایت بدانیم، در این صورت می‌توان گفت که حاکم اسلامی موظف است سیاست عدم تداول ثروت در دست ثروتمندان را تعقیب کند، از مسلمانان زکات بگیرد و به مصارف آن برساند که در راس آنها، رفع فقر است. چنان که برخی مفسران، ذیل جمله" صل علیهم "در سوره توبه آیه ۱۰۳ که در آن به پیامبر اکرم به گرفتن زکات از مردم امر شده است، گفته‌اند": اینکه برای زکات دهنده دعا کنید که خداوند به مالش برکت دهد یک اصل کلی برای امام و پیشواست"".آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش باز گردانید، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان ومستمندان و در راه ماندگان است، تا این اموال عظیم درمیان ثروتمندان شما دست به دست نگردد. آنچه را رسول خدا برای شما آورده، بگیرید و اجرا کنید و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید و از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است".خداوند پس از اینکه از حضرت ابراهیم، لوط، اسحاق و یعقوب نام می‌برد، می‌فرماید: همه آنها را پیشوایانی قراردادیم که به

فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم.به اسماعیل(ع) نیز نسبت داده شده است که همواره قومش را به نماز و زکات فرمان می‌داد.به نبی گرامی اسلام خطاب می‌شود": از اموال آنها صدقه‌ای به صورت زکات بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی و هنگام گرفتن زکات به آنها دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنها است و خداوند شنوا و داناست".مسئولیت ثروتمندانمطلوب برای ثروتمند این است که پس از به دست آوردن ثروت از راه حلال، به آن نگرش صحیح داشته باشد و آن را نعمت الهی بداند؛ آخرت را در آنچه خدا به او داده است، طلب کند "و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب ".به دنیایش در حد متعارف برسد"، بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن".با ثروتش به دیگران فخر نفروشد، در زمین طغیان نکند، به شکرانه نعمتی که خداوند به او داده است به خلق خدا نیکی کند و" همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن "ثروتش را در راه فساد و تباهی به کار نگیرد"، و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست ندارد ".افزون بر مسئولیت‌های پیشین، ثروتمندان در برابر فقیران مسئولیت ویژه دارند. برای آنان یگانه راه پیمودن مسیر تکامل، رسیدگی به یتیمان و اطعام مسکینان است؛ چرا که از نظر قرآن اهتمام به امور فقیران و تلاش در جهت فقرزدایی آن قدر مهم است که از آن به عبور از" عقبه "یاد شده. عقبه به گردنه‌ای گفته می‌شود که عبور از آن دشوار و معمولا یگانه مسیر عبور و مرور است. ولی او از آن گردنه مهم نگذشت و تو چه میدانی که آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده‌ای یا غذا دادن گرسنه‌ای، یتیمی از خویشاوندان یا مستمندی خاک نشین را".بنا بر این تعبیر، ورود به مرحله تکامل و دستیابی به سعادت، جز با عبور از این گردنه میسر نیست. آیات بسیاری اهمیت انفاق را بیان، آن را همراه نماز ذکر و از اوصاف پرهیزکاران، مومنان و نیکوکاران بر شمرده و به آن سفارش کرده‌اند.همچنین درباره لزوم رعایت فقرا و افرادی که توانایی پرداخت بدهی خود را ندارند، سفارش شده است". و اگر بدهکار قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید و در صورتی که به راستی قدرت پرداخت ندارد برای خدا او را ببخشید، بهتر است؛ اگر منافع این کار را بدانید".طبیعی است که هر کس از امکانات بیشتری برخوردار باشد، مسئولیت بیشتری خواهد داشت.مال اندوزیانسان ناگزیر است برای اداره امور زندگی خود به کار و تلاش بپردازد، ولی باید در نظر داشته باشد که جمع‌آوری مال، تنها به اندازه نیازش باشدو نه به هدف طمع ورزی. برخی چنان در اندیشه ثروت‌اندوزی‌اند که تنها با صدای افتادن در چاه دوزخ به خود می آیند. خداوند در آیات قرآنی، به این مهم چنین اشاره می‌کند: "الذی جمع مالاـ وعدده یحسب ان ماله اخلده کلاـ لینبذن فی الحطمه و ما ادراک ما الحطمه"کسی که مالی گرد آورد و بر شمردش، می پندارد که مالش او را جاوید کرده، حال آنکه این طور نیست و در آتش خرد کننده فرو افکنده خواهد شد.سعدی نیز چه زیبا می‌گوید:دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد.حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید":بزرگ‌ترین دریغ‌ها در روز رستاخیز، دریغ مردی است که مالی را جز از راه طاعت خدا به دست آورد، سپس مردی آن را به ارث برد و در طاعت خدای سبحان انفاق کرد. او بدان انفاق به بهشت رفت و آن اولی به راه دوزخ".همچنین امام علی(ع) به کسانی که در پی مال اندوزی هستند، فرمود:ای پسر آدم! در آنچه بیش از خوراک روزانه‌ات کسب کردی، در حقیقت انباردارديگری شده‌ای.حرص و آزبسیاری از فسادهای فردی و اجتماعی مانند رشوه خواری، دزدی، خیانت و تقلب- برآمده از حالت حرص و زیاده خواهی انسان است. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید"بالشره تشان الاخلاق."به وسیله آز و حرص زیاد، خلق و خوها زشت می‌شود.در مقابل؛ قناعت، پاکدامنی و اعتماد به خداوند، از جمله ویژگی‌هایی است که ریشه درخت آز و طمع را در وجود انسان می‌خشکاند و آدمی را از افتادن در پرتگاه حرص و آز ایمن می‌دارد.تبذیرمولا علی(ع) فرموده است":التبذیر عنوان الفاقه."ولخرجی، نشانه و سرآغاز فقر و نیازمندی است.این در حالی است که امروزه مصرف گرایی و میل به تجملات و ولخرجی، مایه فخر و غرور بسیاری از افراد جامعه به شمار می‌آید و در ردیف ارزش‌ها قرار گرفته است! رواج این گونه فرهنگ‌ها، در تبلیغات غرب ریشه دارد تا کالاهای خود را به ملت‌های دیگر عرضه کنند و منابع مهم طبیعی کشورها را از این راه صاحب شوند. بر این اساس، با طرح مسائلی همچون مد، بسیاری از فکرها را به سوی خرج‌های غیر ضروری می‌کشانند. البته در کشور ما نیز رسم‌هایی همانند ازدواج و جشن‌ها و میهمانی‌ها با تشریفات وتجملات روز افزونی برگزار می‌شود که گاه مایه افتخار و مباهات خانواده‌هاست؛ در حالی که یکی از ریشه‌های فقر و ناداری جامعه را همان گونه که حضرت علی(ع) فرمود، باید در همین ولخرجی‌ها و تجمل پرستیها جستجو کرد.در حدیثی دیگر از علی(ع) می‌خوانیم":من افتخر بالتبذیر احتقر با لافلاس."کسی که به تبذیر افتخار کند، به نداری تحقیر می‌شود.آن حضرت در سخنی دیگر، ولخرجی را ویژگی برخاسته از نادانی فرد معرفی می‌کند.ناگفته نماند که سستی شخصیت و نامتعادل بودن روح افراد، گاه آنان را به سوی مصرف بی‌رویه می‌کشاند. در این حالت، شخص با خرید اجناس تجملی و مازاد بر نیاز، در صدد به دست آوردن آرامش خود بر می‌آید تا از قافله دروغین و پر هیاهوی تمدن تبلیغ شده عقب نماند، حال آنکه پس از مدتی، میل تنوع طلبی فرد که به عادتی برای خرج کردن در آمده است، او را به تهیه کالاهای جدیدتری وادار می‌کند. بدین ترتیب فقر شخصیتی گاه به فقر مادی می‌انجامد.اعتقاد به رازق بودن خداونداعتقاد به روزی دهندگی خداوند، اصلی ارزشی در عقاید مسلمانان و اقتصاد اسلامی است.در خطبه متقین، علی(ع) می‌فرماید":پس معیشت را بین مردم تقسیم کرد و هر کس را در دنیا در جایگاه ویژه خود قرار داد".آنچه از کلام مولا علی(ع) به دست می‌آید، این است که ایمان به رزاق بودن خداوند، جزء ارکان تفکر دینی است. در قرآن نیز بارها به روزی بخشی خداوند به صراحت اشاره شده است.نکته مهم این است که اعتقاد به قضا و قدر الهی در امر روزی رسانی، هیچ منافاتی با تلاش انسان در بهبود کیفی و کمی وضع معیشتی‌اش ندارد، بلکه همان تلاشی که در این باره صورت می‌گیرد، خود جزئی از قضا و قدر الهی و پذیرش رزاقیت اوست.آدمی با چنین بینشی، بدون نگرانی از آینده، فعالیت‌های مثبت خود را شکل می‌دهد، از تکاثر و فزونی خواهی دوری می‌گزینند، از انفاق و کمک به فقیران و مستمندان، از ترس فقر خود نمی‌هراسد و سرانجام مالش موجب فخرش نمی‌شود، زیرا می‌داند چیزی از خودش ندارد و مالک حقیقی، خداوند متعال است.جایگاه قناعت در اخلاق اقتصادیقناعت، به عنوان یک ویژگی روانی و نفسانی که فرد را در مقابل زیاده خواهی و طمع‌ورزی در امان می‌دارد، از ارزش‌های مهم در فعالیت‌های معیشتی است. قناعت، سرمایه تمام نشدنی است.کسانی که اهل قناعت نیستند، ذلیل و بی‌شخصیت‌اند؛ چرا که طمع برای آنها بردگی جاوید به بار آورده است و از قناعت که ایشان را در زمره توانگران در می‌آورد، فاصله گرفته‌اند.قرآن کریم با توصیه به آرزو نکردن نعمت‌هایی که خداوند به واسطه آن، افراد را از یکدیگر متمایز ساخته است، می‌کوشد این ویژگی مثبت را در انسان‌ها درونی سازد":ولاـ تتمنوا ما فضل الله بعضکم علی بعض"از آنچه خداوند به فضل خویش به بعضی داده است، تمنا نکنید.فایده‌های قناعتراحتی و آسایش: رضایتمندی از آنچه در دست داریم، راحتی و آسانی درزندگی را فراهم می‌آورد.دفع تنازعات و اختلافات: آنان که در زندگی به ضرورت و رفع نیازها بسنده کرده‌اند، به غنای درونی رسیده و از بیشتر دشواری‌های برخاسته از طمع، آسوده خاطرند.عزت و اقتدار اجتماعی:لقمان به پسرش می‌گوید: پسرم به آنچه خداوند برایت مقرر فرمود قناعت کن تا عیشت صفا یابد و اگر طالب آنی که عزت دنیا را به دست آوری، از آنچه در دست مردم است، طمع ببر؛ زیرا انبیا و صدیقین به هر کجا رسیدند، به سبب قطع طمع بود.رهایی از دلبستگی‌ها: هر دل سپردنی به امور مادی، به واقع فروختن پاره‌ای از وجود خویش است. قناعت، بریدن ریشه این دلبستگی‌هاست، که حجاب درون و بیرون هستند. امام محمدباقر(ع) می‌فرماید:چه بد بنده‌ای است که طمعی دارد اسیر کننده و رغبتی دارد ذلیل کننده.پیامبران الهی برای آنکه اقتدار خود را حفظ و با آسودگی خاطر سخن خدای را بیان کنند، ریشه طمع را در وجود خود سوزانده‌اند و به تعبیر امیرالمومنین علی(ع) در عین نیازمندی و فقری که چشم‌ها و گوش‌ها را می‌آزارد، قناعتی داشتند که قلب‌ها و دیدگان را غنا می‌بخشد. تجمل گرایی و روی آوردن به لوازم غیر ضروری اما خیره کننده زندگی، راه را برای غفلت، غرور، اسراف، از بین بردن حقوق دیگران و بسیاری از لغزش‌ها هموار می‌سازد، اما اگر آدمی به فضیلت قناعت آراسته گردد، از تمامی این آفات دور خواهد ماند.عدل و انصافانصاف و رعایت عدل را به صورت‌های مختلف می‌توان نشان داد؛ از جمله: پرهیز از کم فروشی و گران فروشی، بیان عیب کالاـ به خریدار، راستگویی و صداقت در معامله، فریب ندادن مشتری و...حضرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر، او را به رعایت عدل و انصاف، بویژه برای نزدیکان و خویشان سفارش می‌کند چرا که آنان به واسطه قرابت و خویشی با انسان، به عدل و انصاف سزاوارترند. ایشان رعایت

کردن انصاف را کمکی به دیگران می‌داند که در نهایت به خدا باز می گردد. آن حضرت می‌فرماید: کسی که به بندگان خدا ظلم کند، خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود.رعایت چنین اصلی در کنار افزایش برکت‌های مادی در زندگی، موجب جلب محبت خداوند و اولیای او و عزت و اقتدار اجتماعی می‌شود که از برکت‌های معنوی به شمار می‌آیند.گروه مطالعاتی موسسه قرآنی ندای ملکوت

مفهوم شناسی جهاد اقتصادی

مولف: دکتر حسن علی اکبری چکیده: در بخش اول این نوشتار فلسفه و حکمت نامگذاریهای سالانه را هدایت دلها و اندیشه‌ها و بالنده نمودن افکار و سوق دادن مباحث و گفتگوهای سال به سوی مسائل اساسی و مهم موردنیاز و همچنین هدفگذاری وحدت بخش و انسجام‌آور و ایجاد تمرکز در تلاشها و سیاستها و سرانجام اصلاح فرهنگ عمومی جامعه دانستیم. در ادامه با اشاره به نامگذاری سالهای ۷۳ تاکنون، آنها را در جهت کارآمدی نظام و در راستای تصحیح حرکت کلی کشور با توجه به واقعیتهای داخلی و منطقه‌ای تحلیل نمودیم.به تعبیر مقام معظم رهبری اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای جهاد معادلی پیدا کنیم، می شود مبارزه. جهاد اقتصادی یعنی مبارزه اقتصادی. بحث های موردنیاز در مورد اصلی ترین موضوع درپیام نوروزی یعنی سال جهاد اقتصادی را در محورهای زیر ضروری دانستیم۱- پرداختن به ضرورتها و دلائلی انتخاب این نام برای سال ۹۰۲- مفهوم‌شناسی جهاد اقتصادی۳- زمینه ها وبسترهای تحقق جهاد اقتصادی۴- الزامات و استلزامات و بایدها ونبایدهای این نام در سال ۹۰۵- شاخصهای جهاد اقتصادی۶- وظائف و تکالیفدر محور اول ضرورتهای حمایت از دولت در برنامه‌های اقتصادی، کسب قدرت و اقتدار اقتصادی، توجه به مسئولیتهای آینده ناشی از تحولات متعلقه، مقابله با تحریم‌ها، کارآمدی نظام در همه عرصه‌ها، تحقق اهداف دهه پیشرفت و عدالت و مسئله اشتغال، مورد توجه بیشتری قرار گرفت .در مورد محور دوم یعنی مفهوم جهاد اقتصادی به سه مطلب اشاره شد. ناکافی بودن تلاشهای اقتصادی و نیاز به یک جهش، اصلاح انگیزه‌ها و روح معنوی دادن به فعالیتهای اقتصادی، استفاده از ظرفیت بی نظیر جهادی در کشور برای رفع مشکلات اقتصادی.در ادامه مسائل مربوط به مفهوم‌شناسی جهاد اقتصادی باید به نکات دیگری اشاره شود.مفهوم مبارزه درجهادنکته اول آنکه در مفهوم جهاد، نوعی مقابله و عکس‌العمل نهفته است. هر گاه یک رویاروئی وجود داشته باشد و دو گروه در مقابل هم آرایش پیدا کرده و هر یک در صدد حذف طرف خود و مقابله با دیگری قرار گیرند، مفهوم جهاد شکل می گیرد. اصولاً ـ واژه جهاد یعنی بکارگیری تمام وسع، توان و طاقت خود هنگامی معنی‌دار می‌شود که در مقابله با دشمن قرار بگیریم و علیرغم میل او و بعنوان نوعی پاسخگوئی سلبی در برابر خواست دشمن عمل کنیم. این نکته بسیار مهم است که همه تلاشگران عرصه اقتصادی در کشور با این احساس و روحیه یعنی روحیه مقابله و مبارزه با دشمنان به میدان آمده و تلاش خود را ارائه نمایند.اگر این شرائط موجود پیرامون ما که واقعیت صحنه است یعنی مقابله و رویاروئی اسلام و غرب مستکبر برای مردم مسلمان بخوبی تبیین شود ویک چنین احساس مبارزه ای بوجود بیاید و پایدار بماند، تلاشهای مردم مسلمان معجزه می آفریند. موانع یکی پس از دیگری رخت بر بسته و ابتکارها و نوآوریهای عرصه اقتصاد ، شتاب و شدت می گیرد. خلاقیت‌ها و بومی شدن فعالیتهای اقتصادی همانند دوره دفاع مقدس، ناممکن‌ها را ممکن و آثار شگرف خود را نشان خواهد داد.همچنان که همیشه درمحیط های مبارزه وخطر استعدادها شکوفا وقابلیت ها ،فعلیت می یابند. بنا براین مفهوم جهاد اقتصادی در سال ۹۰ این است که ملت ایران در این برهه از زمان، جهادش یعنی همان جهاد مقدس او درمقابله بادشمنان ، به طور عمده در عرصه اقتصاد است و جهاد اقتصادی به یعنی مبارزه اقتصادی می باشد.به تعبیر مقام معظم رهبری در عسلویه اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای جهاد معادلی پیدا کنیم، می‌شود مبارزه. جهاد اقتصادی یعنی مبارزه اقتصادی.همچنین ایشان در مورد واژه جهاد و مفهوم مبارزه‌ای که درآن نهفته است، فرموده‌اندجهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنائی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویاروئی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می کند، دشمن در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که بخصوص یک دشمنی سینه به سینه‌ی شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی اینها جهاد است؛ انوع و اقسام جهاد و مبارزه است.(سخنرانی درعسلویه فروردین ۹۰)خاستگاه دینی و قرآنی جهادنکته دوم درباره مفهوم جهاد، خاستگاه دینی و قرآنی این واژه است. جهاد یک عبادت و از برترین عبادتها است. عنصر اصلی در این عبادت مثل همه عبادات ، نیّت است . نیّت و قصد است که تلاش انسانی را الهی یا شیطانی می کند . الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت.جهاد اسلامی جهاد فی سبیل‌الله است . نیّت اگر خدائی شد جهاد انسان فی‌سبیل‌الله است. وقتی انسان برای اعلای کلمه حق، اعلای کلمه اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می کند این جهاد می‌شود جهاد فی‌سبیل‌الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی‌سبیل‌الله وجود دارد (مقام معظم رهبری در بازدید از عسلویه)بنابراین هدف گذاری الهی وبا اهداف الهی اقدام کردن ، تصحیح نیت‌ها و انگیزه‌ها و به دنبال اعلای کلمه توحید بودن، خدارا در تلاش‌هالی اقتصادی درنظر گرفتن و قصد نمودن و صبغه الهی و عبادی دادن به هر تلاش مخلصانه‌ای ما را به زیور جهاد فی‌سبیل‌الله می‌آراید که مهمترین دستاورد آن، اثربخش شدن و نتیجه دادن آن است زیرا به تعبیر مقام معظم رهبریخدای متعال به آن تلاشی، به آن کاری، به آن نیت و عزمی که در این جهت باشد، حتماً برکت می‌دهد و کمک می کند؛ کما اینکه در طول این سی و دو سال تا امروز خدای متعال به ما کمک کرده. بدون اراده‌ی الهی، امکان نداشت یک ملتی بتواند در مقابل استکبار جهانی بایستند.(همان)مسئولیت مشارکت همهنکته سوم در این رابطه مشارکت همگانی است. وقتی تلاش اقتصادی یک ملت حالت جهاد اقتصادی گرفت. تکلیف همگانی می‌شود یعنی همه ملت و همه مکلفین موظف هستند و مسئولیت دارند در این جهاد اقتصادی مشارکت نمایند. کسانیکه انسان های مجاهدی را برای عرصه اقتصاد کشور تربیت می کنند، کسانیکه مقدمات لازم برای جهاد اقتصادی را فراهم می کنند.کسانیکه برای جهاد اقتصادی فرهنگ‌سازی می کنند، کسانیکه خدمات مختلف به جهادگران اقتصادی می‌دهند، کسانیکه در ایجاد و تقویت روحیه آنها تلاش می کنند و حتی کسانیکه با مصرف صحیح و منطقی، کار جهادگران اقتصادی را به هدف می‌رسانند، همگی در این جهاد شرکت داشته و سهیم هستند اتفاقاً در اغلب موارد در قرآن سخن از جهاد با اموال مقدم بر جهاد با جان‌ها آمده است. و این مسئله اهمیت و جایگاه جهاد اقتصادی را در اسلام نشان می‌دهد.رهبر معظم انقلاب نیز به این نکته در آغاز سال اشاره کرده و فرموده‌انددر این جهاد اقتصادی همه شریکند. در اداره‌ی اقتصاد یک ملت، مصرف هم یک رکن عمده است؛ مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و تبذیر و اتلاف مال؛ همین چیزی که همیشه توصیه می‌شود. ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله. شما حتی سر یک کلاس، یک معلم هم که باشید، می‌توانید در این جهاد اقتصادی سهیم باشید؛ این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم می‌دهد؛ این می شود جهاد اقتصادی. در هر بخشی که باشید، می‌توانید در این جهاد سهیم باشید.جهاد اقتصادی تعبیر امام خمینی (ره)نکته جهارم درباره جهاد اقتصادی پیشینه این نگاه وتعبیر به جهاد در عرصه سازندگی واقتصاد از حضرت امام خمینی ره است. امام راحل وعظیم الشان ما عصر کنونی را عصر هجوم به ارزشها دانسته وتکلیف همه مارا جهاد وقیام برای خدا دانسته وفرموده اندبرادران عزیزم! ما در عصری واقع شدیم که ظلمت دنیا را گرفته است. ما در عصری واقع شدیم که ارزش های انسانی به کلی از بین رفته و به جای آن ارزش های غیر انسانی و شیطانی نشسته است. ما در عصری واقع هستیم که شیاطین عالم ، هجوم به انسان ها و ارزشهای انسانی آورده اند و می خواهند که دنیا را به سلطه شیطان درآورند. ما در این عصر با اتکاء به خدای تبارک و تعالی و استمداد از اسلام و قرآن کریم و ولی عصر-سلام ا... علیه- باید خودمان کوشش کنیم و خودمان جهاد کنیم، جهاد در دانشگاه ها و دانشکده ها، جهاد در کارخانه ها و کارگری ها،جهاد در کشاورزی ها، جهاد در مدارس ، جهاد در دانشگاه ها ، جهاد در همه جا ، جهاد در جبهه ها و جهاد در پشت جبهه ، شیاطین در همه این گروه هایی که برای خدا قیام کرده اند ممکن است نفوذ کرده باشد.(صحیفه نور.ج۱۷. ص ۲۳۷)امام خمینی رضوان الله علیه جهاد اقتصادی را عبادت وتکلیف شرعی همه معرفی کرده وثواب آنرا بالاتر از زیارات وحج وعمره مستحبی میدانند.(صحیفه نور ج۷ ص۱۳۶) وجنگ اقتصادی را محاربه بین اسلام وکفر وتکلیف همگان را

براساس امر پروردگار ورود به این جنگ ونجات مملکت اسلامی دانسته وفرموده اندشما در حال جنگید ، در حال جنگ اقتصادی و این خود یک محاربه ای بین اسلام و کفر است.... این تنها موعظه نیست ، که مردم خوب است این کار را بکنند ، نجات دادن یک کشور اسلامی از زیر بار ظلم و از زیر بار استعمار است. نجات دادن مملکت اسلامی ،یک تکلیفی است که انسان موظف است انجام بدهد.(صحیفه نور.ج.۱۱ص۱۱۷) درجای دیگری فرموده اندامروز شمایید که باید دامن به کمر بزنید و در رشد صنایع این کشور و در رشد تولید این کشور دامن به کمر بزنید و همت بگمارید و فعالیت بکنید، فعالیت شما امروز برای کشور اسلامی یک عبادت است.شما امروز همه تان با ایده اسلامی در حال عبادت هستید ،چه در کارخانه ها و چه در مواردی که به صنعت مشغول هستید و چه در کشاورزی هر کس هست و چه در سایر کارخانه ها که هست ،وقتی انسان برای خلق خدا خدمت بکند برای اینکه این خلق در طول تاریخ ستم دیدند،عقب نگه داشته شدند ، نگذاشتند رشد معنوی بکنند ، رشد مادی بکنند. وقتی با این ایده شما خدمت بکنید شما در خدمت اسلام هستید و شما مجاهد هستید در پشت جبهه ها همانطوری که مجاهدین مجاهدت می کنند و عبادت خدا را در آنجا می کنند شما هم در پشت جبهه ها هستید و عبادت خدای تبارک و تعالی را با همین کارهایتان انجام می دهید.(صحیفه نور.ج۱۸، ص ۱۴۷) منبع: مشرق نیوز تهیه و تنظیم: پایگاه مقالات علمی مدیریت www.SYSTEM.PARSIBLOG.com

جهاد اقتصادی بر مبنای علم و فناوری بومی

طهورا مهدوی

ایران اسلامی هم اکنون باید تمام توان و قوای خویش را صرف بازسازی و توسعه اقتصادی قرار دهد چرا که دشمنان پس از شکست در ساحت های نظامی و سیاسی سعی دارند تا از این به بعد به کشور ما لطمه بزنند. اما بی شک جهاد اقتصادی در کشور بدون در نظر گرفتن توان علمی کشور میسور نخواهد بود . در واقع یکی از الزمات دستیابی به توسعه اقتصادی در ایران به دلیل وجود تحریم ها وجود علم و فناوری بومی است. در واقع توسعه صنعتی فاکتور مهم توسعه اقتصادی بوده و تابعی از متغیرهای تکنولوژی است . فرایند صنعتی شدن با فرایند توسعه تکنولوژی که شامل انتقال ، جذب و ایجاد تکنولوژی های نو است ، رابطه ای بسیار تنگاتنگ دارد . از طرف دیگر بهبود فرایند توسعه تکنولوژی ، مستلزم کسب و ایجاد توانایی های تکنولوژیکی است . به بیان دیگر انتقال و واردات تکنولوژی های خارجی با مکانیسم های رسمی و غیر رسمی امکان پذیر است ، اما جذب و فهم تکنولوژی، وارداتی نمی باشد و لازمه تحقق آن وجود توانایی های تکنولوژیکی است .از این روست که می توان گفت در سال جهاد اقتصادی بخش عمده ای از مسئولیت ها بر بخش علمی و فناوری کشورمان است چرا که در مقطع فعلی به دلیل وجود تحریم های غربی صنعتگران داخلی نمی توانند برخی از ابزارآلات مورد نیاز را از خارج وارد کنند.البته شاید در نگاه اولیه این چالش یک تهدید در برابر صنعت داخلی محسوب شود اما به زعم بسیاری از صاحب نظران و با توجه به توانایی های بالای دانشمندان کشور در تولید فناوری های بومی وجود تحریم ها یک فرصت محسوب می شود. سالهاست که موضوع ایجاد چرخه علم و فناوری در کشور به دلیل عدم توجه صنعتگران داخلی به پتانسیل های بالای علمی در کشور ایجاد نشده است. اما بی شک در سال جهاد اقتصادی شرکت ها و صنعتگران می توانند به توان علمی بومی در کشور تکیه کنند که به اذعان صاحب نظران ظرفیت بسیار بالایی دارد .در واقع می توان گفت توجه به رابطه میان صنعت و تولیدات فکر و اندیشه ای حلقه مفقوده جامعه علمی در کشور است. هم اکنون جوانان و دانشجویان ایرانی به اختراعات و ایده های خلاقانه ای دست پیدا می کنند که این ایده ها هر کدام می تواند باعث شکوفایی در بخش های متعددی شود اما متاسفانه اکثر این ایده ها تنها در حد فکر باقی می ماند و این معضل خود منجر به دلسردی مخترعان و عدم توسعه مطلوب می شود. از این رو شاید بتوان ایجاد رابطه ای جدی میان صنعت و دانشگاه را یکی از راهکار های اساسی برای توسعه کمی و کیفی فناوری های نوین در کشور دانست . هم اکنون میزان تولیدات علمی در ایران قابل توجه است اما بی شک مرتبط ساختن این دانش ها با یکدیگر می تواند سرعت و رشد تولیدات را افزایش دهد و در نهایت منجر به صنعتی شدن این دانش ها گردد. از این روست که می توان گفت یکی از اولویت های اساسی در بخش علم وفناوری در سال جهاد اقتصادی ایجاد چرخه علم وفناوری در کشور است .این امر می تواند ضمن افزایش توان علمی داخلی راه را برای صادرات محصولات علمی کشور به خارج نیز هموار سازد و همچنین در نهایت به کاهش هزینه تمام شده محصولات ایرانی بینجامد چرا که غالبا فناوری های وارداتی برای صنعتگران بسیار پرهزینه است و این در حالی است که فناوری های داخلی بسیار ارزان تر از نوع وارداتی است .البته جایگاه بخش علم و فناوری کشور در سال جهاد اقتصادی به همین جا ختم نمی گردد. بلکه در این سال امید است فعالان این بخش با روحیه و عزم جدی به سمت افزایش صادرات کشور مان در این زمینه حرکت کنند . به اعتقاد کارشناسان از ۶۸ هزار میلیارد دلار میزان صادرات جهان ۲۰ درصد آن مربوط به صادرات نفت، گاز و بخش کشاورزی است که تقریبا برابر با ۱۲ هزار میلیارد دلار است . اما ۸۰ درصد مابقی مربوط به صادرات صنعتی است که در این بین سهم دانش فنی از کل صادرات صنعتی در جهان به ۳۰ هزار میلیارد دلارمی رسد که به خوبی جایگاه صادرات دانش فنی را آشکار می کند. کشور ما نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بخصوص در دو دهه اخیر روند پرشتابی در دستیابی به علوم و دانش جدید را آغاز کرده که البته ثمرات بسیار امید بخشی نیز در پی داشته است. ایران طی سه دهه گذشته سرمایه گذاری های جدی برروی فناوری های راهبردی و اولویت داری همچون زیست فناوری، فناوری میکروالکترونیک، هوافضا، سلول های بنیادی، انرژیهای نو، طب ایرانی، گیاهان دارویی و فناوری نانو و... انجام داده است که در نهایت به بالندگی ایران در این علوم منتج شده است و امروز نام ایران در بسیاری از علوم راهبردی در کنار ۱۰ کشور اول قرار گرفته است . هم اکنون ایران از لحاظ رشد تولیدات علمی مقام اول را در دنیا کسب کرده است و بررسی ها نشان می دهد که در ۳۰ سال گذشته رشد تولیدات علمی ایران ۱۱ برابر متوسط رشد دنیا بوده است. از این رو می توان گفت هم اکنون میزان تولید علم و دانش بومی در کشور به حد مطلوبی دست یافته است و امید است این رشد و توسعه در نهایت به صادرات منتج شود .امروزه کشورهای صنعتی کمتر کالاهای خود را صادر می کنند و بیشتر درصدد آنند تا دانش های جدید و نوین را تحت نظارت خود با هزینه گزاف به کشورهای دیگر ارسال کنند که از این صادرات نیز رقم قابل توجهی نصیب آنان می شود . امروزه بازار اصلی این صادرات در اختیار کشورهای توسعه یافته جهان نظیر آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه است و این کشورها نیز بازار را در انحصار خویش دارند. از این رو نگرش جدی مسئولین به بخش صادرات دانش فنی کشور مان و همچنین حضور موثر فعالان این بخش می تواند یکی دیگر از راهکارهای توسعه اقتصادی در سال جهاد اقتصادی باشد.لذا در نهایت امر باید گفت با افزایش کمی و کیفی سطح تولید دانش و فناوری هاایران می تواند به یکی از اصلی ترین صادرکنندگان دانش فنی در منطقه و پس از آن جهان شود. جامعه علمی ما نشان داده است که توانایی و استعداد لازم را برای اقدامات بزرگ دارد و امید است با ایجاد چرخه های علم و فناوری و همچنین حمایت های هرچه بیشتر مسئولین از نخبگان علمی و دانشگاهی در سال جهاد اقتصادی در آینده ای بسیار نزدیک ایران را یکی از مراجع اصلی علم و فناوری در منطقه و جهان ببینیم. رسالت

اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی

میثم موسایی

جامعه ما در حال گذر از حساسترین تحول تاریخی خود است، یعنی گذر از توسعه نیافتگی به توسعه این حساسیت به این دلیل است که تاکنون در دنیای کنونی پیش نیامده که یک کشور با گرایش اسلامی به رشد و توسعه همه جانبه اقتصادی و اجتماعی نائل شده باشد ضمن اینکه گروهی بر این عقیده هستند که دین مانع توسعه است و جمع این

دو ممکن نیست . با توجه به مراتب مذکور در این گذر تاریخی و حساس، جامعه ما با مجموعه سوالاتی از جمله موارد زیر مواجه است .V آیا اسلام مانه توسعه است؟V آیا اسلام نمی تواند فرهنگ مناسب توسعه را ایجاد کند؟V اصولاً (فرهنگ توسعه) چیست؟ و از چه عناصری تشکیل شده است؟V آیا برای نیل به اهداف توسعه ابتدا باید (فرهنگ توسعه) را به وجود آورد (تحول فرهنگی

۷ عناصر فرهنگی که باید متحول شوند، کدامند؟دیدگاه اسلام درباره پیش نیازها و عوامل فرهنگی موثر بر توسعه چیست؟ آیا اسلام در درون خود توسعه بر انگیز است یا توسعه ستیز؟اینها مجموعه سؤالاتی است که به اختصار در این نوشته به آنها پرداخته خواهد شد . فرضیه ما در این مقاله این است که (بین تعالیم اسلام و عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی تعارضی وجود ندارد.)تعریف مفاهیم۱–فرهنگدر لغت به معنای عقل، دانش و بزرگی به کار رفته و در اصطلاح، این واژه بر معانی متعددی اطلاق شده است . این تعاریف اصطلاحی را ـ که بالغ بر سیصد تعریف است ـ می توان بر شش دسته تقسیم نمود:۱–۱ — تعریف های تشریعی، که در آنها بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ تکیه شده مانند تعریف تایلور ۱۸۷۱ . TYLOR ، م که فرهنگ را کلیت در هم تافته ای می داند که دانش ، دین ، هنر ، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد، را شامل می شود.۱–۲ تعریفهای تاریخی، در این گونه تعریف ها تکیه بر میراث اجتماعی است مانند تعریف لینتون–linton) م۱۹۳۶ (که فرهگ را را وراثت اجتماعی می داند .۱–۳ تعریفهای هنجاری در این تعریف ها تکیه بر قاعده یا راه و روش است . مانند تعریف ویسلر (–––) که فرهنگ را شیوه زندگی یک اجتماعی یا قبیله می داند.۱–۴ تعریف های روان شناختی (––––) در این دسته از تعاریف بر فرهنگ به عنوان وسیله سازگاری (––––) و حل مسائل تأکید می شود. به عنوان مثال، هارت (–––) فرهنگ را از الگوهای رفتاری که از راه تقلید یا آموزش کسب می شود، می داند.۱–۵ تعریف های ساختاری (––––) در این تعریف ها تأکید بر الگوسازی یا سازمان فرهنگ است مانند تعریف ویلی (––––) که فرهنگ را سیستمی از الگوهای عادی مرتبط و وابسته به هم می‌داند.۱–۶ تعریف های تکوینenesticv در این تعریف های بر فرهنگ به عنوان یک فرآورده ساخته شده اجتماع بشری تأکید می شود. مانند تعریف فالسم (––––) که فرهنگ را مجموعه ای از مصنوعات یعنی تمامی دستگاهها، ابزارها و عادات زندگی که به دست بشر ساخته شده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، می داند.۲–توسعهتوسعه در لغت به معنای گسترش دادن است و در اصطلاح نیز دارای تعاریف متعددی است بعضی توسعه را تغییرات کیفی درخواسته های اقتصادی، نوع تولید، انگیزه ها و سازمان تولید می دانند . مایکل تودارو، توسعه را جریانی چند بعدی می داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است . پروفسور گولت توسعه را هم واقعیتی مادی و هم ذهنی می داند و می‌گوید: بر حسب توسعه، جامعه از طریق ترکیب فرایندهای اجتماعی ، اقتصادی و نهادی، وسایلی را برای به دست آوردن زندگی بهتر تأمین می‌کند. مک لوپ، در تعریف توسعه اقتصادی می گوید: توسعه عبارت است از کاربرد منابع تولیدی به نحوی که موجب رشد بالقوه مداوم در آمد سرانه در یک جامعه شود. میردال، توسعه را عبارت از (حرکت یک سیستم یکدست اجتماعی به سمت جلو می‌داند .) سازمان ملل ، توسعه را (فرآیندی که کوششهای مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه متحد کرده و مردم این مناطق را در زندگی یک ملت ترکیب نموده و آنها را به طور کامل برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد) می داند.آنچه به عنوان تعریف فرهنگ و توسعه (اقتصادی) ذکر کردیم فقط تعداد انگشت شماری از صدها تعریفی بود که از این دو اصطلاح صورت گرفته است . قبل از اینکه تعریف مورد نظر خود را از این مفاهیم ارائه دهیم لازم است به اینکه اشاره شود که چرا درباره فرهنگ و توسعه این همه تعریف صورت گرفته و آیا می توان تعریفی جامع و مانع از این اصطلاحات ارائه داد، به گونه ای که مورد قبول همگان باشد؟در پاسخ به نظر می رسد باید ابتدا به اختصار بررسی کنیم که تعریف چیست؟ چه مفاهیمی نیاز به تعریف دارند؟ و چه موقع می توان از یک مفهوم، تعریفی جامع و مانع که مورد قبول همگان باشد ارائه کرد؟تعریف‌کردن یک مفهوم، به معنای تمیز دادن آن از سایر مفاهیم است . بنابراین تعریف‌کردن ، امری است ذهنی. چگونه می توان یک مفهوم را از سایر مفاهیم مشخص نمود؟ این کار زمانی ممکن است که آن مفهوم، مرز مشخصی با سایر مفاهیم داشته باشد . در منطق این کار، با تجزیه و تحلیل ذهنی مفهوم صورت می‌گیرد . از این نظر مفاهیم به دو دسته تقسیم می شوند: مفاهیمی که نیاز به تعریف ندارند و آنهایی که احتیاج به تعریف دارند . دسته اول را مفاهیم بدیهی و غیر نظری و دسته دوم را مفاهیم نظری و غیربدیهی گویند. ملاک اینکه چه مفهومی بدیهی و چه مفهومی غیربدیهی است در بسیط و مرکب بودن آن مفهوم نهفته است و ملاک بسیط و مرکب بودن در تحلیل ذهنی است و نه در عالم واقع. اگر در تحلیل ذهنی، تصوری بسیط باشد این تصور نیازمند تعریف نیست و اگر مرکب باشد نیازمند تعریف است . علت این است که تعریف، در واقع به معنای شناسایی ذات یک شیء بوده و این کار با تجزیه و مفهوم شیء به عناصر اولیه ای که برای ذهن بدیهی و روشن است صورت می گیرد . در منطق ارسطویی گفته می شود تعریف باید از دو جزء تشکیل شده باشد . یک جزء اعم که (ما به الاشتراک) آن مفهوم با سایر مفاهیم است و جزء دیگر که اختصاص به خود آن مفهوم داشته و مساوی آن مفهوم است ، در تعریف به حد تام جزء اولی را جنس و جزء دومی را فصل گویند. بنابراین فقط مفاهیم مرکب می توانند حداقل از دو جزء تشکیل شده باشند. مفاهیم بسیط دارای اجزاء نیستند. بنابراین مفاهیم بسیط یا اصلاً عارض ذهن نمی شوند و یا اگر عارض ذهن شوند بدون واسطه عارض ذهن می شوند و خود به خوددارای مفهومی روشن می باشند که معنای بداهت چیزی جز این نیست . اما مفاهیم مرکب به کمک اجزای اولیه آن عارض ذهن می شود و لذا قابل تعریف کردن است .نکته دیگری که به صورت ضمنی از مباحث منطقی قابل استنباط می باشد این است که اگر یک مفهوم مرکب، مصادیق مشخصی نداشته باشد، نمی توان برای آن مفهوم، تعریفی مورد قبول همگان ارائه داد. چرا که تعریف چیزی جز تمیز دادن یک مفهوم از سایر مفاهیم نیست . این تمیز دادن، مستلزم وجود مرزهای مشخص بین آن مفهوم با سایر مفاهیم است . نتیجه اینکه اگر مفهوم مرکبی مرز مشخصی با سایر مفاهیم نداشت، نمی توان برای آن تعریفی جامع و مانع ارائه داد.مفاهیم فرهنگ و توسعه از جمله مفاهیم مرکب مربوط به علوم اجتماعی است . مصادیق این دو مفهوم، با توجه به مکاتب و شرایط خاص هر جامعه و ارزشهای حاکم بر آن ، تغییر می کنند . از این رو مفاهیم نه به صورت حقیقی بلکه به صورت قراردادی بر مصادیق خود که نزد افراد مختلف، متفاوتند اطلاق می شوند . بنابراین تعاریف آنهااز این نظر، جنبه قراردادی دارد . و نمی توان از آنها تعریقی جامع و مانع که مورد قبول همگان باشد ارائه نمود . این مفاهیم به اعتبار مصادیقشان در حال تغییر هستند و چون هیچ حدی برای انواع حالات در خصوص تعیین مصادیق این مفاهیم وجود ندارد، نمی توان گفت تعداد این گونه تعاریف قراردادی) به صورت حصر عقلی قابل احصاء باشد . لذا چنانچه ذکر شد تاکنون تعاریف متعددی از این مفاهیم صورت گرفته و یقیناً از این پس نیز صورت خواهد گرفت .خلاصه اینکه در تعاریف قراردادی، ارائه یک تعریف ثابت و لایتغیر و مورد قبول همگان ممکن نیست، و چون این تعاریف قراردادی اند نمی توان از درستی یا نادرستی آنها نیز سخن گفت . تعاریف قراردادی جنبه کاربردی دارند و هر یک از حیطه کاربردی خود درست هستند و نزاع بر سر آنها بیهوده است . امروزه تمام مفاهیمی که در علوم اجتماعی مطرح می‌شوند چنین وضعیتی دارند. بدیهی است تعاریف قراردادی، تعریف هایی هستند که متناسب با فرهنگ و شرایط خاص هر جامعه (و یا وضعیت خاصی که محقق در آن قرار دارد) صورت می گیرند ، بنابراین تعاریف قراردادی مفاهیم مذکور که در زمان و محیط دیگری صورت گرفته و یا می گیرد لزوماً برای ما قابل استفاده نخواهد بود.با توجه به مراتب مذکور در این مقاله به صورت قراردادی از فرهنگ و توسعه و توسعه اقتصادی تعریفی ارائه خواهیم داد:منظور ما از فرهنگ، جنبه غیرمادی محیط ساخته شده انسانی است که شامل مجموعه دیدگاهها، ارزشها، اعتقادات و باورهای مورد قبول یک جامعه بوده و بر رفتارهای مستمر و پایدار افراد جامعه حاکم می باشد .در این تعریف چندقید به کار رفته که ویژگی های فرهنگ از آنها قابل استنباط است:اولاً برای فرهنگ دو جنبه قابل تصور است: جنبه مادی و غیرمادی که در این مقاله جنبه غیرمادی ـ خمیر مایه آن ارزش است ـ مدنظر می باشد .ثانیاً افراد یک جامعه عموماً آن را پذیرفته اند و در عمل ناخودآگاه و غیرارادی در مقام عمل، در آن غوطه ورند.ثالثاً رفتارهای پایدار، متأثر از فرهنگ است .نکته مهم دیگری که درباره جنبه غیرمادی فرهنگ باید گفت این است که ایجاد تغییر در آن نیازمند زمان طولانی بوده و تحول سریع آن به سرعت امکان پذیر نیست، بنابراین می توان گفت رفتارهای پایدار، حاصل و متأثر از فرهنگ غیر مادی است نه رفتارهای غیرپایدار. محدودیت سرعت تغییر اجتماعی اقتصادی تبدیل می کند، از این رو تقدم تحولات فرهنگی بر سایر تحولات و استمرار سایر تحولات در صورت تحول در فرهنگ ، از همین ویژگی قابل استنباط است .منظور از توسعه، در این مقاله (فرایندی است که متضم رشد مداوم در ابزار مادی و معنوی و بنیانهای اقتصادی ـ اجتماعی ... بوده و انسان در این جریان می تواند به تعالی و کمال

برسد.)تعریفی که از توسعه ارائه کردیم دارای ویژگی های زیر است:اولاً: توسعه یک جریان پویاست نه ایستاثانیاً: رشد پویا و مداوم در آن منظور شده استثالثاً: این توسعه تنها اقتصادی نبوده و همه جانبه است و توسعه اقتصادی تنها به وجه اقتصادی تنها به وجه اقتصادی این تحول اطلاق می شودرابعاً: توسعه در این تعریف هدف دار بوده و محور آن انسان و تعالی و کمال اوست .۳-اسلامدر این مقاله منظور از اسلام، مجموعه تعلیماتی است که از طریق وحی به وسیله پیامبر (ص) به منظور هدایت بشر آمده و یا توسط معصومین علیهم السلام برای مسلمانان تفسیر شده است . بنابراین اسلام آن دسته از اعتقادات مسلمانان که به دین نسبت داده شده و ممکن است بعضاً با تعالیم اصل مغایرت داشته باشد، مدنظر نمی باشد .اکنون که تا اندازه ای مفهوم فرهنگ، توسعه و توسعه اقتصادی و منظور از اسلام روشن شد، برای درک دیدگاه اسلام درباره عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی ابتدا باید ببینیم رابطه بین توسعه اقتصادی و فرهنگ چیست؟چون توسعه اقتصادی به وضعیت خاصی از اقتصاد اطلاق می شود ابتدا باید رابطه اقتصاد و فرهنگ را مطالعه کنیم چرا که هر گونه رابطه ای بین اقتصاد و فرهنگ قابل تصور باشد ، بین توسعه اقتصادی و فرهنگ هم وجود دارد، زیرا در صورت صدق یک حکم، درباره یک امر کلی، به ناچار آن حکم درباره تمام مصادیق آن امر کلی هم صادق خواهد بود . البته عکس این مسأله همیشه و لزوماً نمی تواند صادق باشد، یعنی ممکن است بین توسعه اقتصادی و فرهنگ از جنبه‌های دیگری غیر از ارتباط کلی فرهنگ و اقتصاد، روابط دیگری نیز وجود داشته باشد. بنابراین برای شناخت حداقل ارتباط ممکن بین توسعه اقتصادی و فرهنگ می توان ارتباط اقتصادی و فرهنگ را مورد مطالعه قرار داد.رابطه فرهنگ و اقتصادبرای درک رابطه اقتصاد و فرهنگ باید به خاستگاه این دو نظر افکند . خاستگاه اقتصاد و فرهنگ را به تعبیری می‌توان، جامعه تلقی نمود، البته روشن است که وحی نیز می تواند منشأ فرهنگ یا جنبه هایی از اقتصاد باشد و اینکه می گوییم خاستگاه این دو، جامعه است با نکته مذکور هیچ تناقضی ندارد، چرا که فرهنگ با توجه به تعریفی که ارائه کردیم، شامل وحی که توسط انسان در محیط جامعه پذیرفته شده نیز می باشد . از این رو منظور از خاستگاه و منشأ، منشأ نهایی نیست که از آن نظر، خاستگاه و منشأ همه عالمن (فرهنگ و جامعه و ...) ، مبداء هستی است، بلکه منشأ بلاواسط مورد نظر است بنابراین ارتباط بین اقتصاد و فرهنگ را باید در خاستگاه آن که جامعه است جستجو کرد.جامعه نوعی سیستم اجتماعی است . سیستم اجتماعی ، معلول روابط اجتماعی است. روابط اجتماعی بر خلاف روابط طبیعی، اموری قطعی و تکوینی نیستند . روابط اجتماعی درهر سیستم اجتماعی، قابل تبدیل و تغییر است . تفاوت بین سیستم اجتماعی با سیستم های طبیعی در همین جاست . قطعیتی که بر رابطه بین پدیده های طبیعی حاکم است ، نوع روابط را تعیین می‌کند و بنابراین بین پدیده و علت آن رابطه یک به یک وجود دارد و تعددی در کار نیست . ولی بر روابط انسانی در سیستمهای انسانی، به علت وجود اختیار و آگاهی در انسان، قطعیت حاکم نیست و انسان در شرایط معین می تواند به یک عامل مشخص، پاسخ های متفاوتی بدهد و این پاسخ های متعدد، چیزی جز وجود کثرت و گزینه های متفاوت نیست . با تعدد و وجود گزینه‌های متفاوت است که پدیده ای به نام (انتخاب) معنا پیدا می‌کند و از میان روابط ممکن بین پدیده ها، ناگزیر باید یکی را برگزید. به این دلیل است که روابط اجتماعی با وجود اراده و اختیار در انسان ماهیتاً انتخابی اند. روابط اقتصادی انسان از جمله روابط اجتماعی نیز محسوب می‌شود و بنابراین، در اصل، ماهیتی انتخابی دارد . آنگاه که مسأله انتخاب پیش می‌آید، به ناچار از ملاک و معیار سخن به میان می‌آید یعنی سبک و سنگین کردن و سنجیدن و ارزیابی گزینه های ممکن و متفاوت . این امر توسط (نظام ترجیحی) افراد صورت می گیرد که پاره سنگ ارزش ترازوی ارزیابی گزینه ها را فراهم می‌سازد . نوع وزنه و باری که در نظام ترجیحی هر فرد ارزش و اعتبار دارد صرفاً منوط به خواست و اراده و اختیار اوست و هر مطلوبی که خواست و اراده انسان بدان تعلق گیرد و به عنوان وزنه و بار، در نظام ترجیحی به کار رود، حامل ارزش است چنانچه قبلاً- در تعریف فرهنگ ملاحظه شد ارزش خمیر مایه بعد غیر مادی فرهنگ است . بنابراین ملاحظه می شود که رابطه تنگاتنگی بین اقتصاد و فرهنگ وجود دارد.اگر بخواهیم رابطه فرهنگ و اقتصاد را به شکل دیگری بیان کنیم شاید بتوان گفت:۱-رفتارهای پایدار انسانی حاصل و متأثر از فرهنگ است۲-فعالیتهای اقتصادی از جمله رفتارهای اقتصادی انسان است و در نتیجه جزیی از مجموعه رفتارهای انسانی به شمار می آید .۳-رفتارهای اقتصادی (غیر از رفتارهای ناپایدار و استدلالی) ، مبتنی بر فرهنگ است و رفتارهای پایدار خاص، نتیجه فرهنگ خاص است . بنابراین رفتارهای پایدار خاص اقتصادی نتیجه فرهنگی خاصی است . توسعه اقتصادی نیز به وضعیتی خاص از اقتصاد اطلاق می شود و هر وضعیت خاص اقتصادی نتیجه رفتارهای خاصی است . بنابراین توسعه اقتصادی نتیجه رفتارهای خاصی است و این رفتارهای خاص، نیز نتیجه فرهنگی خاص بوده و به همین دلیل می توان نتیجه گرفت که توسعه اقتصادی نیز وضعیت فرهنگی خاص خود را می طلبد.رابطه فرهنگ و توسعهپیشرفت و توسعه، حاصل یک نگرش خاص به عالم است و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و این نگرش خاص بیانگر لزوم وجود یک (فرهنگ مناسب) برای توسعه است . بنابراین عامل فرهنگ از جایگاه ویژه ای در توسعه برخور دار است . بی توجهی و کم توجهی به آن تمام برنامه های توسعه را با ناکامی مواجه خواهد ساخت . بنابراین لازم است به صورت خاص رابطه فرهنگ و توسعه را کاملاً شناخته و در برنامه های توسعه به ان توجه کافی مبذول داشت .رابطه فرهنگ و توسعه از دو دیدگاه قابل بررسی و حائز اهمیت است : اول اینکه فرهنگ را مجموعه ای بدانیم که در تمام عناصر عموماً مساعد یا مانع حرکت توسعه ای هستند، در این جایگاه، فرهنگ به عنوان یک مجموعه مؤثر بر فرآیند توسعه تلقی می شود. دوم اینکه فرهنگ را به عنوان مجموعه ای که در فرآیند توسعه، شکل گرفته و محصول توسعه تلقی می شود، بپذیریم .در حالت اول فرهنگ ، از عوامل مؤثر بر توسعه است و در حالت دوم نتیجه توسعه. حالت اول رابطه فرهنگ و توسعه را می توان به (فرهنگ توسعه) تعبیر نمود و حالت دوم را به (توسعه فرهنگی.)بحث ما در این مقاله در خصوص حالت و جایگاه نخست است . در این موقف است که فرهنگ به عنوان پیش نیاز و عامل مؤثر بر توسعه تلقی می شود. حال سؤال این است که این پیش نیازها و عوامل فرهنگی موثر بر توسعه که از آنها به (فرهنگ توسعه) تعبیر می کنیم شامل چه عناصری هستند؟ ابتدا لازم است به برخی از دیدگاههایی که در این زمینه مطرح شده نظر افکنیم .از اولین کسانی که به شکل جدی از تأثیر فرهنگ و عناصر فرهنگی در شروع و تداوم فرآیند توسعه سخن گفته اند، می توان ماکس وبر را نام برد. وبر از راه تحقیق در رابطه بین توسعه اقتصادی در نظام سرمایه داری و مذهب پروتستان به این نتیجه رسید که سه بدعت عمده در اصول فکری مسیحیان پروتستان وجود داشته که به نظر او پروتستانها را پیشگام نظام سرمایه داری کرده است . این سه بدعت عبارتند از :۱-منع هرگونه سلطه میان خالق و مخلوق۲-دخالت عقل در ایمان۳-کوشش برای بهبود معاش و یا رسالت کاراز نظر وبر، بدعت سوم نقش اصلی را در توسعه اقتصادی نظام سرمایه داری ایفا کرده است . به نظر او اخلاق پروتستانی که از مردم دعوت می کند از تنبلی و سستی در کار اجتناب کنند و با کوشش، جوامع خود را صنعتی نمایند، یکی از مهمترین عوامل پیشرفت اقتصادی نظام سرمایه داری محسوب می شد. همین بینش است که گردآوری مال و ثروت را مکروه نمی داند و صرفه جویی و امساک را همواره می ستاید.البته وبر معتقد است که در میان مذاهب جهان، فقط پروتستان قادر است شرایط اجتماعی و اقتصادی را برای یک اقتصادی صنعتی پیشرفته مهیا سازد.در ارزیابی این نظریه چند دیدگاه دیگر مطرح شده است: بعضی از اقتصاددانان آمریکایی از جمله (اسپنسر و پولارد) معتقدند مذاهب دیگر مانند شینتونیسم در ژاپن نیز دارای این ویژگی هاست در تأیید این نظر اقتصاددان باید گفت تجربه ژاپن مؤید این دیدگاه است . بعضی از روانشناسان از جمله (دیوید مک للاند) استاد روان شناسی دانشگاه هاروارد آمریکا نیز معتقد است که عامل عقب ماندگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، مربوط به احساس خلاقیت فردی است . (ملک للاند) رابطه نامعلوم ماکس وبر را به وسیله مطالعات تجربی به دست آورده و به این نتیجه رسید که با وجود نظریه (وبر) با یک برنامه مناسب تعلیم و تربیت، می توانیم همان رسالت کاری که ناشی از آیین پروتستانی است در جوامع غیرپروتستانی به وجود آوریم .تازه‌ترین انتقاد، بر نظریه وبر از ماکسیم رودنسون(-----) از دانشگاه سوربن می باشد او در کتاب اسلام و سرمایه داری ضمن رد نظریه وبر معتقد است که اسلام تمام خصوصیاتی را که مذهب پروتستان دارد، دارا می باشد . او معتقد است مذهب اسلام، هم دیانت عقل است و به کار و کوشش اهمیت می دهد و هم به اصالت فرد یا فردیت که به عقیده وبر از ارکان اصلی نظام سرمایه داری است، اهمیت می دهد.چنانچه ملاحظه می شود انتقاداتی که بر نظریه ماکس وبر شده است، ناظر بر نفی رابطه تأثیر بعضی از عناصر فرهنگی که او برای توسعه لازم می داند، نیست، بلکه انتقادها بیشتر متوجه این نکته است که او وجود عناصر بالا را

منحصراً در مذهب پروتستان می داند.خلاصه اینکه به عقیده ماکس وبر و کسانی که به ارزیابی نظر او پرداخته اند عناصری چون توجه به رسالت کار، دخالت عقل، مکروه نداستن گردآوری ثروت، امساک و صرفه جویی، اصالت فرد(فردگرایی) ، داشتن روحیه خلاق و .. از جمله عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی است . عده ای نیز به تقلید از عقاید وبر برای کشورهای جهان سوم، عناصری از فرهنگ را بر شمرده اند که بسیار فراتر از عقاید ماکس وبر است و با ملاحظه عناصر فرهنگی در فرهنگ غرب، آنها را برای کشورهای جهان سوم ضروری دانسته اند . به عنوان مثال عده ای عناصر فرهنگی مؤثر بر توسعه را در نگرش علمی، رعایت حقوق دیگران، آزادی سیاسی و نظم پذیری و اعتقاد به برابری انسان و توجه معقول به دنیا دانسته اند . عده ای جدی گرفتن دنیا در برابر آخرت، اسطوره زدایی از عالم و علوم، تدبیر عقلانی امور معیشت، قناعت به ظن، طمع و تکاثر ورزیدن در بهره جویی از طبیعت، گریختن از عالم درون و روی آوردن به عالم بیرون، مشارکت مردم، تقدس زدایی از فکر؛ حرمت نهادن به علم و عالمان طبیعت و وحدت فرهنگی را به عنوان پیش نیازهای فرهنگی توسعه بر شمرده اند برخی بر عوامل دیگری نظیر تجربه‌گرایی ، شک‌گرایی علم‌گرایی ، مصرف‌گرایی ، قانون‌گرایی ، فردگرایی ، تولید گرایی، تحول گرایی تأکید دارند و جمعی خرد دموکراتیک و خرد تکنولوژیک را مقدمه لازم برای حصول توسعه بر شمرده اند . گروهی اعتقاد به کار و انباشت سرمایه و مال اندوزی را به عنوان شرط لازم برای شروع و تداوم روند توسعه می‌دانند . عده ای مشارکت وسیع مردم خصوصاً مشارکت زنان را مقدمه توسعه و از عناصر موثر بر توسعه می دانند. عده ای ثبات سیاسی را شرط لازم می دانند. عده ای باور به پویایی اجتماع و اعتقاد به توسعه را به عنوان حداقل پیش نیازهای فکری توسعه به حساب آورده اند و عده ای احساس توانائی مسؤولین و مردم در نیل به توسعه را از مقدمات لازم برای توسعه می دانند . به هر حال با حذف عناصر تکراری که در بالا ذکر شد مجموعه آنها به قرار زیر است:۱-نگرشی علمی۲-اعتقاد به برابری انسانها۳-لزوم نظم پذیری جمعی۴-اعتقاد به آزادی سیاسی۵-توجه به دنیا۶-اسطوره زدائی از عالم۷-تدبیر عقلائی امور معیشت۸-طمع و تکاثر ورزیدن در جهره جویی از طبیعت۹-گریختن از عالم درون و روی آوردن به عالم بیرون۱۰-حرمت نهادن به علم و عالمان طبیعت۱۱- قناعت به ظن۱۲- مشارکت بخشیدن عموم مردم در عموم امور۱۳-تقدس زدائی از فکر و محروم دانستن همه کس در کشف رازهای هستی۱۴- وحدت فرهنگی۱۵- قانون گرایی۱۶- توجه به فرهنگ کار۱۷-تجربه گرایی۱۸-شکل گرایی۱۹-فرد گرایی۲۰-تحول گرایی۲۱-علم گرایی۲۲-تولید گرایی۲۳-احساس توانایی مسؤولین و مردم در نیل به اهداف توسعه۲۴- عقل گرایی۲۵- باور به پویایی۲۶- مشارکت زنان۲۷- تقویت روحیه مال اندوزی۲۸- مصرف گراییسایر مواردی که به عنوان عوامل یا باورهای مناسب توسعه در چند سال اخیر مطرح شده اند از لحاظ محتوی از این عوامل خارج نیستند. البته عوامل دیگری مطرح گشته که غالباً یا به دلیل اختلاط بین عوامل مؤثر فرهنگی در جریان توسعه، با عوامل فرهنگی به عنوان پیش نیاز توسعه و یا اختلاط این دو با توسعه فرهنگی که از نتایج توسعه تلقی می شود، و یا به دلیل تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب بوده است ، به طوری که تصور کرده اند هر آنچه در غرب اتفاق افتاده و یا هر عنصر فرهنگی که در فرهنگ کنونی غرب وجود دارد، در پیشرفت و توسعه آنها نقش داشته است، در صورتی که هرگز نباید تقارن زمانی دو پدیده را لزوماً به معنای رابطه علی و معلولی به حساب آورد . به علاوه بسیاری از عناصر فرهنگی که اکنون در غرب وجود دارد در شروع فرایند توسعه وجود نداشته و حتی بعضی از آنها حداقل در جوامعی مانند جوامع ما خاصیت ضد توسعه ای دارند . البته این مسأله ای است که در این مقاله مجالی برای بررسی آن نیست . و ما در جای دیگری به آن پرداخته ایم . از همه مسائل مذکور که بگذریم عوامل سابق الذکر بعضاً قابل تأمل هستند. ما ابتدا آن دسته از عناصر مذکور را که در یک تحلیل علی می توانیم به عنوان پیش نیازهای موثر بر توسعه تلقی نماییم ، دسته بندی می کنیم، سپس دیدگاه اسلام را درباره آنها به صورت تک تک بیان خواهیم کرد و بعد به سایر عناصر فرهنگی که به صورت احیاء در میان مسلمانان می توانند توسعه برانگیز باشند، اشاره مختصری خواهیم داشت، اما ابتدا به ارزیابی عناصر ۲۸ گانه سابق الذکر می پردازیم . به نظر میرسد ، به دلایل زیر همه عوامل مذکور می تواند به عنوان پیش نیاز فرهنگی توسعه مطرح نباشد؛۱-بسیاری از عوامل بالا مربوط به توسعه به معنای امروزی آن (توسعه غربی) است مانند طمع و تکاثر ورزیدن در بهره جوئی از طبیعت؛۲-برخی از عناصر بالا در توسعه به معنای عام کلمه ساری و جاری است مانندآزادی سیاسی۳-برخی از عناصر بالا در همه کشورها وجود نداشته مانند مسأله فردگرایی ، به عنوان نمونه مردم ژاپن با آنکه فرهنگ جمع گرایی در آنها غالب و حاکم بوده ولی باز هم توسعه پیدا کرده اند و این عنصر فرهنگی نز از عوامل موثر در توسعه آنها بوده است .۴-بعضی از عناصر بالا از نتایج توسعه به معنای امروزی آن محسوب می شود . و در واقع در فرآیند توسعه به وجود آمده اند و شاید بهتر است بگوییم اینها خود از شاخص های توسعه یافتگی به معنای امروزی آن هستند مانند مشارکت وسیع زنان در امور اجتماعی .۵-برخی از عناصر مذکور لااقل در شرایط فعلی در کشورهای جهان سوم خاصیت ضد توصعه ای خواهند داشت مانند مصرف گرایی . زیرا حتی اگر بپذیریم که در دنیای غرب وجود این روحیه در افزایش تقاضا برای کالاهای ساخت آنها موثر بوده و در مجموع به توسعه کمک کرده است، در کشورهای جهان سوم به علت مبتنی نبودن مصرف بر تولیدات داخلی ، رواج این عنصر فرهنگی به جای کمک به تولید، با افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی بر میزان واردات کالاهای مختلف خواهد افزود و به این تریب بر بنیان اقتصاد جامعه لطمه وارد می شود.۶-قائلین به عناصر مذکور دلایل خود را در اکثر موراد ، مبنی بر لزوم وجود آنها به عنوان مقدمه توسعه ذکر نکرده اند و مشخص نساخته اند که چه رابطه علی و معلولی بین آنها و توسعه اقتصادی وجود دارد . بنابراین ما عناصری را که دلیلی برای انها ذکر نشده و دلیلی برای آنها ذکر نشده و دلیل قاطعی نیز برای ضرورت آن نمی‌توانیم ذکر کنیم ، منطقاً به عنوان مقدمات لازم برای توسعه اقتصادی نمی پذیریم .۷-بسیاری از عوامل مذکور قابل جمع بوده و می توان آنها را تحت یک عنوان آورد مثلاً عناصری مانند: نگرش علمی، تدبیر عقلانی امور معیشت، قناعت به ظن (در علوم جدید) تقدس زدایی از فکر ومحرم دانستن همه کس در کشف رازهای هستی، تجربه گرایی ، شک گرایی (در پدیده های این دنیا با معیار روش علمی)، علم گرایی ، عقل گرایی . همه در یک عنصر به نام (نگرش و برخورد علمی با مسائل و اهمیت به نقش عقل) قابل جمع و مطالعه است .عناصری مانندتوجه به دنیا طمع و تکاثر ورزیدن در بهره جویی از طبیعت (جدا از اینکه ایا در توسعه به معنایی که تعریف کردیم اثر مثبت دارد یا منفی) ، گریختن از عالم درون و روی آوردن به عالم بیرون، توجه به فرهنگ کار تولید گرایی ، تقویت روحیه مال اندوزی و انباشت سرمایه ، همه در ذیل یک مقوله تحت عنوان (نگرش مطلوب و معقول نسبت به دنیا و مظاهر آن) قابل مطالعه است . چرا که نوع نگرش انسان به دنیا جایگاه هر یک از عناصر فوق را معین خواهد کرد . حتی حرمت نهادن به علم و عالمان طبیعی نیز تحت همین عنوان قابل طرح است، چرا که اگر استفاده از دنیا و بهره مندی از نعمات آن در نزد ما مطلوب باشد طبیعتاً برای کشف قوانین حاکم بر آن تلاش می‌کنیم تا بتوانیم از این قوانین استفاده کرده و به منظور تسخیر هر چه بیشتر طبیعت گام برداریم .عناصری مانند مشارکت همگان در توسعه و مشارکت زنان در بحث (اعتقاد به برابری انسانها و رعایت حقوق دیگران) قابل طرح است که توضیح این مطلب بعداً خواهد آمد.عنصری مانند آزادی سیاسی نیز مسبوق به عنصر آزادی ابراز اندیشه است و آزادی اندیشه خصوصاً در حیطه های علمی رابطه تنگاتنگی با توسعه داد و چه بسا بتوان با وجود داشتن آزادی ابراز اندیشه در حیطه علوم و نداشتن ازادی سیاسی به توسعه رسید. البته اگر آزادی اندیشه بدون وجود آزادی سیاسی امکان پذیر نباشد آنگاه می‌توانیم اعتقاد به آزادی سیاسی را هم از پیش نیازهای توسعه تلقی کنیم ولی می دانیم همه انواع پیشرفت ها و توسعه اقتصادی با مقدمه آزادی سیاسی ، شروع نشده و رشد و تداوم نیافته اند، مانندتوسعه اقتصادی در روسیه.عنصر دیگری مانند وحدت فرهنگی به معنای عدم وجود تفاوت های فرهنگی چندان ضروری به نظر نمی رسد و باید آن را اصلاح کرد.به نظر می رسد برای شروع و تداوم توسعه، کافی است در جامعه ای تعارضا ت فرهنگی نداشته باشیم . در جوامعی که از قومیت های متفاوی تشکیل شده اند رسیدن به وحدت فرهنگی به معنای عدم وجود تفاوت های فرهنگی، ممکن نیست و یا به غایت مشکل است و علاوه بر ان ضروری نمی باشد . اگر در علت طرح این عنصر به عنوان یک عنصر فرهنگی موثر بر توسعه دقت کنیم، می بینیم منظور از لزوم این عنصر احساس مشترک مردم در اهداف توسعه و جلب مشارکت مردم در برنامه های توسعه بوده است . بنابراین کافی است تفاوتهای فرهنگی در جامعه، به گونه ای نباشند که به تعارض فرهنگی و چندگانگی فرهنگی خصوصاً در پذیرش اهداف مشترک توسعه و التزام عملی و مشارکت در فرایند آن منجر شود. البته

در فرآیند توسعه ممکن است به وحدت فرهنگی به معنایی که گفتیم بیشتر نزدیک شویم .عناصری مانند تحول گرایی ، اعتقاد به پویایی اجتماع، احساس توانایی مسؤولین و مردم در نیل به اهداف توسعه را می توان به عنوان (اعتقاد به توسعه) نامگذاری کرد.عناصر دیگری چون رعایت حقوق دیگران، چون فرع بر اعتقاد برابر دانستن انسانها در حقوق است، بنابراین زیر یک عنوان قابل طرح می باشند.نکته قابل توجه در این قسمت این است که از آنجایی که توسعه اقتصادی دارای مصادیق متعدد و معلول عوامل متعددی است ، مجموعه ای از پیش نیازهای فرهنگی که در ایجاد آن دخالت داشته اند، هرگز نمی توانند ماهیتی یگانه داشته باشند مثلاً۔ فرض کنیم مجموعه عواملی چون ----- از جمله عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی در جامعه --- باشد و فرض کنیم این عوامل ، همان عواملی باشند که به عنوان پیش نیازهای فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی به حساب می آیند، با توجه به فروض مذکور به نظر می‌رسد وقوع یک معلول توسعه) که مجموعه ای از عوامل در شکل‌گیری آن دخالت دارند و خود نیز در کشورهای متفاوت ماهیت یکسانی نداردو با توجه به ارزشهای حاکم بر هر جامعه تعریف می شود – چنانچه قبلاً علت آن بیان شد ۔ همیشه در گرو تحقیق تمامی این مجموعه ، بدون کم و کاست نمی تواند باشد . چه بسا عناصر فرهنگی --- در جامعه دیگری نباشد ولی عناصر دیگری در آن جامعه وجود داشته باشد که نه فقط قابل جایگزینی با --- باشد، بلکه حتی لزوم وجود بعضی از عناصر دیگر مانند --- را هم منتفی سازد و به علاوه رابطه متقابل و ترکیب این عوامل و نقش وجایگاه هر یک نیز می تواند متفاوت باشد، بنابراین حتی با شناخت دقیق (عوامل فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی غرب) هرگز نباید تصور کنیم برای شروع و تداوم توسعه، همه آنها بدون کم و کاست و با همان ترکیب در جامعه ما باید تحقق یابند . بلکه باید به فرهنگ جامعه خودمان مراجعه کرده، هرکجا می توانیم از آن کمک بگیریم و عناصر مثبتی را نیز که از دیگران می گیریم ، به گونه ای اصلاح کنیم که با کلیت فرهنگی ما درتعارض و تضاد نباشد، زیر این تعارضات، چنانچه بعداً خواهیم دید، خود به تعارضات فرهنگی و تشتت اجتماعی تبدیل شده و در جهت ضد توسعه عمل خواهد کرد.با در نظر گرفتن مراتب هفتگانه و تبصره ای که در پایان آنها ذکر کردیم، به نظر می رسد پیش نیازهای فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی را می بایست به ترتیب زیر خلاصه کرد:۱-نگرش مطلوب نسبت به دنیا و مظاهر آن۲-نگرش و برخورد علمی با مسائل اهمیت دادن به نقش عقل۳-اعتقاد به آزادی ابراز اندیشه۴-اعتقاد به برابر بودن انسانها و احترام به حقوق دیگران۵-لزوم نظم پذیری جمعی۶-عدم تعارض فرهنگی در جامعه۷-اعتقاد به توسعهقبل از اینگه دیدگاه اسلام درباره عناصر مذکور را بیان کنیم ابتدا لازم است دلایل موثر بودن این عناصر را در فرآیند توسعه به اختصار بیان کنیم .دلایل لزوم عناصر فوق به عنوان پیش نیاز۱-چرا نگرش معقول و مطلوب نسبت به دنیا از پیش نیازهای فرهنگی موثر بر توسعه استبدیهی است توسعه و رشد باید در این (دنیا) صورت گیرد و این مسأله با به کارگیری عقل، به منظور تسخیر نیروها و منابع موجود در طبیعت به نفع بشر، ممکن می شود. حال اگر انسانها زندگی و حیات این دنیا را مذموم بدانند طبیعتاً این دیدگاه، در اعمال و افکار آنان اثر می گذارد . مگر نه اینکه رفتارها و اعمال انسان در این دنیا ناشی از فرهنگ و بینشی است که بر شخصیت او حاکم است؟ و مگر غیر از این است که رفتارهای پایدار خاص متعلق به انسان نتیجه و متأثر از فرهنگی خاص است . اگر این مطلب را بپذیریم و رفتارهای انسان را معلول طبیعی افمار و اعتقادات او بدانیم به ناچار این را هم باید قبول کنیم که اعتقاد به مذموم بودن دنیا در رفتار انسان موثر است، و این امر واضحی است که اگر کسی دنیا را فی نفسه مذموم (نامطلوب) دانست، سعی و تلاش به منظور حداثکر استفاده ممکن از منابع موجود در طبیعت نکرده و هرگز برای دستیابی به سطح بالاتری از رفاه مادی به تلاش فوق العاده دست نخواهد زد. بلکه به حداقل اکتفا خواهد نمود کسی که چنین کند به توسعه دست نمی یابد چرا که یکی از ابعاد توسعه تلاش برای حداکثر استفاده از منابع موجود و سعی در دستیابی به سطح بالاتر از رفاه مادی است بنابراین به عنوان اولین شرط برای توسعه اقتصادی باید استفاده از دنیا را نامطلبو ندانیم.۲-چرا نگرش علمی و توجه به نقش عقل از پیش نیازهای فرهنگی مؤثر بر توسعه است؟به ظاهر نقش عامل فوق در فرآیند توسعه تقریباً بدیهی به نظر می رسد . بنابراین به اختصار به ارتباط نگرش علمی با توسعه اقتصادی در برخی از زمینه ها نظر می افکنیم:در توسعه اقتصادی تولید از جایگاه خاصی برخوردار است . زیرا دستیابی به رفاه بیشتر مستلزم تولید بیشتر است . افزایش تولید، با تغییر در روشهای تولید و افزایش بهره وری ممکن است . بنابراین بهبود در روشهای تولید و تحولات تکنولوژیک عنصری کلیدی در توسعه اقتصادی محسوب می شود. نتیجه اینکه توسعه اقتصادی مستلزم تحول مستمر در روش های تولید بوده تغییر در روش های تولید مستلزم تغییر در روش های انباشت سرمایه و به کارگیری علم و دانش است ، از این رو گسترش روحیه علمی جامعه می تواند سهم مهمی در توسعه اقتصادی داشته باشد.یکی از شاخص های مهم در توسعه اقتصادی افزایش کارایی است . اگر کارایی را به معنای استفاده ازنزدیک ترین راهها و کم هزینه ترین روشها برای دستیابی به اهداف تعریف شده بدانیم در آن صورت باید بپذیریم که شناخت راهها و روشهای ممکن برای دستیابی به هدف و نیز شناخت راه بهینه برای نیل به هدف. جز با توسل به روشهای علمی ممکن نیست . زیرا شناخت راهها و تعدد متغیرهای تصمیم گیری از چنان پیچیدگی برخوردارند که نمی توان با محاسبه معمولی توسط افراد غیرکارشناس که از تمام متغیرهای وابسته و مستقل آگاهی ندارند، بدون آزمون و خطای مکرر به کوتاه ترین راهها دست یافت . اما با روشهای علمی، می توان علل پدیده ها و میزان و نوع تأثیر آنها را بر معلول مورد نظر شناخت و آن گاه از میان راههای ممکن، راه مطلوب را که متضمن استفاده بهینه از امکانات است انتخاب کردو این کار فقط با حاکم دانستن علم در محدود ای که علم باید حاکم باشد امکان پذیر است و این روحیه همان چیزی است که در دنیای توسعه یافته فعلی کم و بیش ایجاد شده و زمینه تحولات بزرگ در مسائل اقتصادی و صنعتی را فراهم آورده است .۳-چرا ازادی ابراز اندیشه از پیش نیازهای توسعه محسوب می شود؟آزادی ابراز اندیشه از لوازم حاکمیت روحیه علمی است، روحیه علمی با ازادی ابراز اندیشه و تضارب افکار همراه است و با اختناق و جلوگیری از نشر اندیشه ها، سازگاری ندارد . در سایه آزادی ابراز اندیشه است که نظرات نو ظهور می کند و ابتکار و نوآوری علمی حاصل می‌شود و شروع و تداوم توسعه اقتصادی نیز در چنین محیطی صورت می گیرد.۴-چرا اعتقاد به برابری انسانها و رعایت حقوق دیگران از پیش نیازهای توسعه تلقی می‌شود؟ابتدا باید به اجمال منظور خود را از اعتقاد به برابری انسانها و لازمه آن که رعایت حقوق دیگران است، بیان کنیم . منظور از اعتقاد به برابری این است که بدون دلیل، هیچ تبعیضی بین افراد قائل نشویم و از ابتدا افراد را بر اساس زادگاه یا طبقه خاص، تقسیم بندی نکنیم. بنابراین منظور از برابری این نیست که برای فردی که بیشتر تلاش می کند یا از هوش و استعداد بالایی برخوردار است و فرد دیگری که فاقد این صفات است، حقوق برابری قائل شویم بلکه منظور این است که افراد در شرایط مساوی باید حقوق یکسان دریافت کنند و نمی باید آنها را قبل از هرگونه رقابتی بر اساس زادگاه و یا نژاد و جنس طبقه بندی کرد . روشن ست که اعتقاد به برابری که یک مسأله فلسفی است یا برابر کردن انسان در مسائل اقتصادی متفاوت است . اما چرا اعتقاد به برابری افراد در توسعه اقتصادی موثر است قبلاً گفتیم که توسعه اقتصادی به جنبه اقتصادی توسعه اطلاق می شود و توسعه نیز حاصل حرکت جمعی و اجتماعی تک تک آحاد جامعه با هر مذهب و نژاد است . به عبارت دیگر بدون مشارکت همه جانبه مردم، توسعه امکان پذیر نیست . مشارکت همه جانبه مردم، موقعی امکان پذیر است که آنها احساس مشترک برای نیل به اهداف توسعه داشته باشند تا بدین وسیله بتوانند جامعه را متحول سازند. اگر از ابتدا و بدون دلیل عده ای از افراد را برتر از دیگران بدانیم این اندیشه تبعیض آمیز باعث خواهد شد که عده ای از افراد جامعه در فرآیند توسعه مشارکت نداشته و با اهداف توسعه همسو نباشند، و پیمودن مسیر توسعه را نیز با مشکل مواجه سازند در این بین عده ای از نیروهای جامعه حذف شوند و احتمالاً طبقه ای که خود را ممتاز می‌داند نیروی خود را صرف حذف دیگران می کند و مقداری از نیروی آنها هم از بین می رود. این هدر رفتن نیروها و استفاده نکردن از همه امکانات جامعه، امری است ضد توسعه. همین مسأله درباره زنان میتواند اتفاق بیفتد. اگر جامعه ای با دید تبعیض آمیز نسبت به حقوق زنان بنگرد یقیناً مشارکت آنها را که نیمی از نیروی انسانی جامعه را تشکیل می دهند از دست خواهد داد؛ علاوه بر این که توسعه به معنای انسانی آن هم موضوعیت نمی یابد . در نابرابر دانستن افراد و برخورد تبعیض آمیز است که عده ای تحقیر شده و نیروی ابتکار و کارآیی خود را از دست می دهند و این امر به خودی خود ضد توسعه است .اعتقاد به رعایت حقوق دیگران نیز از لوازم اصلی برابر دانستن افراد است . بنابراین با درک نقش اعتقاد به برابری افراد جامعه اهمیت این عنصر فرعی نیز روشن است .۵-چرا نظم پذیری جمعی یکی از پیش نیازهای مؤثر توسعه است؟در سازماندهی توسعه

ای ، کار جمعی نقش عمده ای در فرآیند توسعه دارد و اگر کسی نظم جمعی را نپذیرد و خود را با سیستم تطبیق ندهد، کار نظام مختل می شود چرا که در دنیای جدید همه امور تخصصی شده و تخصصی شدن کارها خود به معنای تقسیم کار است و در عین حال تقسیم کار خود نوعی نظم پذیری بوده و بدون اعتقاد به نظم و التزام به آن به وجود نمی آید . توسعه نیازمند پیش بینی ، هدایت و برنامه ریزی است. اگر در جامعه ای نظم حاکم نباشد رفتارها، قابل پیش بنی و هدایت و برنامه ریزی نیستند برای اینکه بتوان رفتارها را پیش‌بینی و هدایت کرد باید افراد، نظم پذیر باشند.در حقیقت وجود روحیه نظم پذیری در نظام اقتصادی جامعه، نیروی انسانی مصروفه در این راه را سرو سامان می دهد و از هدر رفتن نیروها جلوگیری می کند . در همین روحیه نظم‌پذیری است که امکان ایجاد ثبات اجتماعی ممکن می شود، و می دانیم توسعه اقتصادی احتیاج به محیطی امن دارد چرا که در محیط امن است که امکان به کارگیری سرمایه ها ممکن می شود و ....روشن است قید جمعی که در نظم پذیری جمعی به کار می بریم فقط به دلیل اهمیت این نظم در اجتماع و فرآیند توسعه است و طبیعی است نظم جمعی بدون نظم پذیری فردی ممکن نیست بنابراین از لوازم نظم پذیری جمعی، نظم فردی است.۶-چرا عدم تعارض فرهنگی در جامعه از پیش نیازها و عوامل مؤثر بر توسعه تلقی می شود؟این عنصر بر خلاف سایر عناصر مربوط به کلیت فرهنگ است نه مربوط به ویژگی یک عنصر خاص، عدم تعارض فرهنگی به معنای سازگاری عناصر فرهنگی یک جامعه به گونه ای است که یک عنصر آن، مستلزم نفی عنصر دیگر نباشد . تعارض فرهنگی لزوماً بین دو گرو از افراد جامعه وجود ندارد. حتی ممکن است یک فرد به نسبت پذیرفتن قسمت هایی از دو فرهنگ که منشأهایی متفاوت دارند در برخورد با مسائل دچار تعارض فرهنگی شود . این عنصر با مسأله ثبات و امنیت رابطه تنگاتنگی دارد و همین ارتباط دلیل مؤثر بودن آن در توسعه می باشد . روشن است که بی ثباتی مانعی در برابر موفقیت برنامه های توسعه است . وقتی ثبات نباشد انباشت اطلاعات و تجربیات و سرمایه گذاری صورت نمی گیرد و بی ثباتی، امید و اطمینان به آینده را از افراد سلب کرده و باعث می شود که افراد به جلب منافع آنی و زودگذر تمایل داشته و کمتر به دنبال طراحهای بلند مدت باشند. در حالی که در توسعه اقتصادی ثبات، اطمینان به آینده، به دنبال طرحهای بلند مدت بودن و وسایلی از این قبیل سخت مورد نیاز است.اما ثبات چگونه به وجود می آید ؟ تصور می شود ثبات فقط از طریق همکاری و اعتماد متقابل آحاد مردم و مشارکت آنها در توسعه ممکن است . اعتماد متقابل و مشارکت آحاد جامعه در صورتی امکان پذیر است که جامعه دچار تعارض فرهنگی نباشد و این تعارض فرهنگی، به خصوص در جایی بیشترین ضرر را دارد که در مورد اهداف توسعه توافق نباشد یعنی مردم بر سر اهداف توسعه، مجادله و منازعه آشتی‌ناپذیری داشته باشند. در آن صورت است که جامعه دچار تعارض و دو دستگی و تشتت خواهد شد و این تشتت باعث می شود که امنیت و ثبات از بین رفته و نتوانیم مشارکت همه آحاد ملت را در توسعه جلب می کنیم . در صورتی که توسعه بدون مشارکت و ثبات اجتماعی امکان پذیر نیست . اینکه چرا جامعه دچار تعارضات فرهنگی می شود مطلبی است که در این مقاله مجالی برای پرداختن به آن نیست .۶-چرا اعتقاد به توسعه از عوامل و پیش نیازهای فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی است اعتقاد به توسعه به این معناست که مردم واقعاً باور داشته باشند که باید توسعه پیدا کنند چرا که توسعه یک انتخاب است و فقط در سایه تلاش کرده است که میتوان به اهداف توسعه رسید. اعتقاد به توسعه با عقیده به جبر و اینکه انسان را در برخورد با پدیده ها، عاری از اراده و اختیار بدانیم در تناقض است . چرا که توسعه یک انتخاب است و انتخاب مسأله ای است که بدون داشتن اختیار ممکن نیست و بدین جهت اگر جامعه ای معتقد باشد که تلاش افراد آن، تأثیری در سرنوشت آنها ندارد، این جامعه در راه توسعه گام بر نخواهد داشت و به علاوه مشکلات دوران گذار را نیز نمی تواند تحمل کند.اکنون که تا اندازه ای دلایل مؤثر بودن عناصر هفت گانه فوق بر توسعه روشن شد. به اختصار دیدگاه اسلام را درباره تک تک آنها بیان خواهیم کرد:اسلام و پیش نیازهای مؤثر بر توسعه اقتصادی۱-اسلام و نگرش مطلوب نسبت به دنیادر یک بررسی اجمالی، آیات و روایاتی را که درباره دنیاست، می توان به سه دسته تقسیم نمود:۱-آیات و روایاتی که بیانگر مذهب دنیاست؛ در این دسته، دنیا به صفاتی نظیر لهو و لعب سرگرمی و بازیچه) متاع قلیل (بهره ای اندک) ، تکاثر و تفاخر (وسیله فخر فروشی و فزون طلبی) معرفی شده است .۲-آیات و روایتی که بیانگر مطلوبیت دنیاست؛ در این دسته دنیا، با صفاتی نظیر فضل الهی خیز، رحمت و حسنه معرفی شده است .۳-دسته سوم تضاد بین این دو را روشن می سازد، به عنوان نمونه مفاد آیه زیر تا حدودی این تضاد را مشخص می کند:ان الذین لایرجون لقائنا و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بما هم عن آیاتنا غافلون اولئک مأوا هم النار بما کانوا یکسبونکسانی که امید لقای ما را ندارند (اعتقاد به آخرت ندارند) و زندگی دنیا را پسندیده و به آن آرام گرفته اند و آنهایی که از نشانه های ما بی خبرند جایگاهشان به سزای اعمالی که انجام می دهند در آتش است .نتیجه ای که از محتوای این آیه می گیریم این است که علت مذمت دنیای بی اعتقادی به قیامت و منحصر کردن زندگی به حیات دنیای (رضوالحیوه الدنیا) است.پس دنیایی مذموم است که در جهت آخرت نباشد و بنابراین دنیا، ذاتاً مذموم نیست و اگر به منظور اهداف آخرت باشد نه تنها مذموم نیست بلکه مطلوب نیز می باشد . در همین رابطه علی (ع) می فرماید: بالدنیا تحرزالاخره یعنی به وسیله دنیا آخرت به دست می آید.بررسی مفصل دنیا از دیدگاه اسلام در این مقاله امکان پذیری نیست و ما در جای دیگری به آن پرداخته ایم و نتایج نهایی آن بررسی در خصوص دنیا و ثروت اندوزی به شرح زیر است:۱-کسب ثروت و سود و دنیا طلبی به عنوان هدف مطلق مردود است:۲-دنیا و کسب مال می تواند وسیله کمال معنوی انسان باشد۳-برای دستیای به آخرت مطلوب باید از دنیا گذشت و کسی که دنیا را نداشته باشد آخرت را هم ندارد۴-ترک دنیا و رهبانیت، به بهانه رسیدن به آخرت از دیدگاه اسلام مردود است۵-تمایلات و علایق فطری انسان به امور این دنیا در صورتی که با اهداف آن سرا مغایر نباشد پذیرفته شده است۶-برای نیل به کمال و تعالی، باید حداکثر بهره برداری را از دنیا نمود.۷-تضادی که در خصوص دنیا و آخرت در متون دینی است ناظر به هدف قراردادن آن دو یا هدف قراردادن دنیا و برخورداری از آخرت است ولی بین هدف قراردادن آخرت و بهره برداری از دنیا هیچ گونه تضادی وجود ندارد. چرا که رابطه دنیا و آخرت از نوع رابطه ناقژص و کامل است . هدف قراردادن ناقص دنیا مستلزم محرومیت از کامل است ولی هدف قراردادن کامل، مستلزم محرومیت از ناقص نیست، بلکه مستلزم بهره مندی از آن به نحو شایسته است نتیجه اینکه دنیایی که اسلام معرفی می کند به هیچ وجه مخالف دستیابی به توسعه نیست بلکه اگر به منظور اهداف متعالی انسانی باشد حداکثر و بهره‌مندی از آن مطلوب می باشد .۲-اسلام و حاکمیت نگرش علمی و توجه به نقش عقلتعلقی که به عنوان اساس مدرنیته مطرح شده است تعقل ابزاری (-----) است در این نوع تعقل، حسابگری و فایده طلبی به عنوان رفتارهای انسانی مطرح است . جنبه های مثبت این بعد از تعقل مورد تأیید اسلام است . اسلام مسلمانان را دعوت به تقدیر معیشت و برنامه ریزی در زندگی و عدم اسراف کرده است . اسلام بالاتر از این به تعقل ارزشی (----) نیز اعتقاد دارد. چنانچه در تعالیم دینی آمده است : العقل ماعبد به الرحمن یعنی عقل ، چیزی است که خدای مهربان به وسیله آن عبادت می شود.در مجموع، عقل از جایگاه بس بزرگی در اسلام برخوردار است . در تعالیم دینی عقل به عنوان سرآغاز همه کارها و نقطه شروع و مایه استحکام و آبادانی همه آنها حجت پنهان الهی ، گرامی ترین مخلوق خدا، و مایه رستگاری مطرح شده است.در خصوص جایگاه علم نیز باید گفت کسانی که مختصر آشنایی با تعالیم دینی دارند به جایگاه رفیع علم و عالم در این مکتب آگاهند. در جایگاه رفیع علم همین بس که در تعالیم دینی، علم مایه نجات انسان از آتش است و فراگیری آن بر همه واجب بوده و نه فقط راه رسیدن به بهشت است بلکه بهشت در جستجوی جوینده ای بوده و جستجویش بر هر زن و مرد مسلمان، فریضه و تحصیل آن نه محدود به زمان و نه محدود به مکان و کسب آن از هر عبادتی برتر است .نزدیک به چهار هزا حدیث معتبر درباره ارزش علم، فقط در کتاب میزان الحمکه جمع آوری شده است . نزدیک به ۱۵۰۰ بار در قرآن از علم، تفکر ، اندیشه، رای و ... سخن به میان آمده است .ارزش علم تا آنجاست که حتی گفته شده اگر جهالت و نادانی جایز بود تکلیفی در عالم نبود و کتابی بر پیامبر فرود نمی آمد و کسی به پیامبر برانگیتخته نشده بود. به خاطر همین بینش بود که اسلام در هر سرزمینی پای می نهاد دانش را همگانی می کرد و با اینکه چیزی به نام طلب علم مطرح نبود و تحصیل آگاهی و شناخت وظیفه محسوب نمی گشت . تحصیل علم امری حتمی و عمومی می شد . خلاصه آنکه هرجا که اسلام حکومت می کرد، علم و دانش و ادب به سرعت پیشرفت می نمود، به طوری که در دوران شکوفایی تمدن اسلام شاخه های علوم به پانصد رشته رسید. این توجه به علوم، مختص علوم دینی نبود، بلکه هر علمی و از جمله علوم طبیعی از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند، چرا که از دیدگاه مسلمانان علوم شاخه های یک درخت و

منشأ همه خداست . بنابراین همه آنها را قابل احترام می دانستند و این مسأله ای است که از آن به وحدت علوم یاد می شود.۳-اسلام و آزادی ابراز اندیشهآزادی ابراز اندیشه، فرع اعتقاد به حاکمیت علم و فرع توجه به نقش تعقل است و از آنجایی که اسلام به حاکمیت علم معتقد است و انسانها را به تفکر و تعقل دعوت می کند، بنابراین به طور طبیعی موافق آزادی ابراز اندیشه نیز می باشد، البته به طور صریح نیز در تعالیم دینی بر آزادی اندیشه تأکید شده است . مثلاً قرآن می فرماید بشارت دهید به بندگانم، آنهایی که بر سخن ها گوش فرا می دهند و از بهترین و نیکوترین آن تبعیت می کنند . در جای دیگر قرآن کریم تحمیل عقیده بر دیگران را جایز نمی داند و می فرماید در پذیرفتن دین هیچ زور و اجباری نیست.قرآن کریم علیه هر گونه تقلید در سنتها و جمود فکری اعلان جنگ کرده و همچنین تسلیم عقل بشری را در برابر اساطیر و افسانه ها یا نظرات دیگران بدون تعقل و تأمل مردود دانسته است . هدف اسلام از ترویج آن آزادی فکری آن است که عقل استدلالی را در جان مسلمانان رشد دهد. بدین جهت مسلمانان موظفند اصول دینی خود را با استدلال قبول کنند و نمی‌توانند بدون دلیل چیزی را بپذیرند، به طوری که در مورد باورهای نادرست مشرکین می فرماید:تلک امانیهم قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقینیعنی اینها باورهای آنهاست بگو برای این باورهای خود دلیل بیاورید اگر راست می گویید.چنانچه ملاحظه می شود یک مسلمان نباید بدون دلیل چیزی را قبول کند و یا پیرو دیگری باشد. بلکه هر عقیده و ایمانی را باید با برهان و مستدل بپذیرد و لازمه این تکلیف اعتقاد به آزادی اندیشه است.آزادی در اسلام از چنان اهمیتی برخوردار بوده که بعضی از مورخین یکی از دلایل گرایش به اسلام و گسترش روزافزون آن در صدر اسلام و قرنهای بعدی را همین مسأله می دانند.۴-اسلام و اعتقاد به برابری و رعایت حقوق دیگراناعتقاد به برابری افراد و رعایت حقوق دیگران از اصول اولیه اسلام محسوب می شود.در قرآن برابری همه افراد از هر نژاد و گروه و قبیله ای ، به عنوان اساسی ترین حقوق بشری پایه گذاری شده و در روایات هم این مسأله با تعابیر مختلف بیان شده است . پیامبر می فرماید: مردم مانند دندانه های شانه هستند و همه با هم برابرند . اگر در دنیای غرب ملاک طبقه بندی افراد بر اساس نژاد و خون برداشته شده و برتری انسانها فقط به تلاش افراد در میزان کسب ثروت و افزایش تولید می باشد، در اسلام ضمن اینکه همه ابنای بشر در انسان بودن یکسان هستند درعین حال در فعالیتهای اجتماعی صرفاً به ملاکهای مادی توجه نمی شود و افراد با ملاکهای واقعی مانندتقوی که بر سر به دست آوردن آن، تطلب و پنجه به رخ یکدیگر کشیدنی پیش نمی‌آید. سنجیده می شوند. بنابراین مساوات حقیقی این است که امکانات مساوی برای همه افراد فراهم شود تا اگر کسی همت داشته باشد در هر کجا و درهر طبقه ای که هست در پرتو لیاقت و استعداد و بروز فعالیت به کمال برسد و این در واقع معنای برابری است .اما مقدم داشتن شخص متقی بر دیگران برتری حقوقی نیست . زیرا نزد قرآن از نظر حقوقی حتی رسول خدا با دیگران یکسان است، بدین جهت برتری به تقوا، برتری فضیلتی است و بس.اسلام علاوه بر مسأله مساوات و برابری نوع افراد، در میان مسلمانان نوع عالی تری از مساوات را مطرح می کند و آن برادری است در مساوات برادری، دوستی و صمیمات متقابل و گذشت و ایثار افراد نیز موجود است . بنابراین اسلام مسلمانان را برادر یکدیگر خوانده نه سایر روابط خویشاوندی این است که در رابطه برادری تساوی نیز موجود است .روشن است با این دیدگاهی که اسلام در خصوص برادری انسانها و برادری مسلمانان ذکر کرده، هدف مشارکت همه جانبه مسلمانان در توسعه از نظر عدم تبعیض بین افراد، بیش از پیش تأمین خواهد شد.۵-اسلام و نظم پذیریاسلام نظم و برنامه ریزی را مورد تأکید قرار داده و این مسأله با دو شیوه قابل استنباط است: یکی تأکیدات صریحی است که در تعالیم دینی در این مورد صورت گرفته و افراد را به رعایت نظم دعوت کرده و دیگری یک رشته مقررات و دستورهای اسلامی است که لازمه انجام آنها رعایت نظم و پذیرفتن آن در همه شؤون زندگی می باشد.از جمله تأکیدات صریح اسلام درباره رعایت نظم، این سخن علی است که فرمود:شما را (ای حسن و حسین) و همه فرزندان و بستگان و هر که را که نوشته من به او برسد به پرهیزگاری و تنظیم امور سفارش می کنم . و همین طور در روایات آمده است که حسابگری در زندگی ونظم در درآمد و مصرف آن، نشانی از دینداری است .امام کاظم می فرماید: اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم کنید،۱-برای عبادت و پرستش خدا۲-برای امور زندگی و کار و فعالیت و تأمین معاش۳-برای معاشرت با دوستان۴-برای تفریح و لذتهای حلالخلاصه مسأله نظم و انضباط در اسلام تا آنجا مهم است که گفته شده بی نظمی و بی برنامگی در معیشت و زندگی، موجب فقر و بیچارگی می شود.سیره عملی ائمه مانند استقرار حکومت اسلامی در صدر اسلام و شیوه زندگی آنها همه از نظم در حیطه اجتماع و فرد حکایت می کند.بسیاری از دستورات اسلامی به طور ضمنی دلالت بر لزوم رعایت نظم دارند. مانند حرمت اسراف و اتلاف در منابع، مسؤلیت انسان در برابر عمر و گذشت زمان، انجام عبادات در موعد مقرر، تقدیر معیشت و لزوم توجه به رشد و تعالی و کمال انسان که همه مستلزم داشتن نظم و برنامه در زندگی است.۶-اسلام و عدم تعارض فرهنگی در جامعهگفتیم علت تعارض فرهنگی در جامعه این است که عناصر فرهنگی در یک جامعه منشأهای متفاوتی دارند اگر ما فقط از فرهنگ دینی الگوبرداری کنیم مسلماً تعارضاتی نخواهیم داشت چرا که در آن صورت منشأ همه عناصر فرهنگی، دین خواهد بود. و از آنجایی که بین عناصر دینی تعارضی وجود ندارد، بنابراین عناصر فرهنگی متأثر از تعالیم دینی با هم در تعارض نخواهند بود.۶-اسلام و اعتقاد به توسعهاز نظر اسلام با توجه به تعریفی که از توسعه ارائه شده می توان گفت اعتقاد به توسعه امری فطری است، چرا که در توسعه، دست یافتن به یک وضعیت مطلوب مدنظر بوده و دست یافتن به یک وضعیت مطلوب بیان دیگری از مفهوم تکامل انسان است .از نظر اسلام انسان به طور فطری کمال طلب است و این کمال خواهی در همه ابعاد مطرح می‌باشد . بدین جهت توسعه اقتصادی می تواند مقدمه این کمال باشد .بنابراین یک فرد مسلمان به طور طبیعی باید به توسعه به معنای وضعیتی که در آن امکان تکامل انسان وجود دارد، معتقد باشد .از دیدگاه اسلام ، افراد از عنصر اختیار برخوردارند و این اولین نکته ای است که برای اعتقاد به توسعه و تحول و ایجاد دگرگونی های حساب شده توسط انسان، لازم و ضروری است .اگر افراد معتقد به جبر بوده و برای خود انتخاب و اختیاری قائل نباشند، هرگز نمی توانند آفرینندگان بنای عظیم توسعه باشند.بنابراین چون اسلام، انسان را کمال طلب ومختار می داند و اعتقاد به توسعه از لوازم این دو محسوب می شود، در نتیجه خودبه خود اعتقاد به توسعه وکمال مورد تأیید اسلام نیز می باشد از مجموع مباحث گذشته به این نتیجه می رسیم که اسلام با عناصر هفت گانه فوق که به عنوان عناصر فرهنگ توسعه معرفی شده مخالفتی ندارد و بنابراین فرضیه مقاله مبنی بر اینکه اسلام هیچ تعارضی با عناصر فرهنگی موثر بر توسعه ندارد، رد نشد.به علاوه به طور قطع می توان اظهار داشت در اسلام عناصر فرهنگی دیگری وجود دارند که تقویت و احیای آنها می تواند در میان مسلمانان توسعه برانگیز باشد و از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:۱-فرهنگ کار وتولید در اسلام۲-پیوستگی مادیت و معنویت۳-دعوت اسلام به آراستگی۴-مذمت فقر مالی۵-حرمت اسراف و تبذیر۶-مبارزه با خرافات۷-دعوت به تعقل۸-حجیت و ملاک بودن خرد بشری۹-تشویق به روشهای تجربی۱۰- رعایت نظم و برنامه ریزی۱۱-دعوت اسلام به جامعه آرمانی۱۲- اعتقاد به جامعه آرمانی۱۳- انعطاف فقه نسبت به شرایط مختلف۱۴- فراخوان اسلام به علوم و فنون و صنایع۱۵- اعتقاد مسلمانان به قدرت و عزت۱۶- موظف شدن مسلمانان به آباد کردن زمین۱۷- دعوت مسلمانان به داشتن روحیه اقتباس خلاق از دیگران۱۸- عناصر مساعد دیگری در فرهنگ اسلامی نظیر دفاع از حقوق و آزادی‌ها، عدالت، برابری، صلح و همزیستی و حفظ محیط زیست . که همه توسعه برانگیزند. البته تقریباً همه این عناصر در عناصر هفتگانه ای که ذکر کردیم وجود دارد.بررسی دقیق هر یک از موضوعات سابق الذکر می تواند موضوع یک مقاله مستقل باشد که برای جلوگیری از اطاله کلام از توضیح مختصر آنها هم خودداری می‌کنیم .در پایان یادآور می شود از مباحث گذشته این نتیجه به دست می آید، که اسلام نه فقط مخالف با عناصر فرهنگی موثر بر توسعه نیست بلکه در درون خود دارای عناصری است که احیای آنها می تواند توسعه برانگیز باشد . به عبارت دیگر اسلام به بهترین نحو و در عالی ترین شکل خود فرهنگ توسعه را داراست و این مسلمانان هستند که باید این فرهنگ را با تأسی از اسلام به صورت بالفعل درآورند . در آن صورت است که می توانند به همه جنبه های مثبت توسعه اقتصادی در غرب، نائل شده و نه تنها از همه جنبه های منفی آن به دور باشند، بلکه جامعه ای داشته باشند که در همه ابعاد انسانی الگو و نمونه باشد که البته اقتضای این فرهنگ همین است .. MC CLELLAND- -Princenton Achiving) aciety

David. The COب : سایر منابع۱- القرآن الکریم :۲- آشوری، داریوش، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا ، چاپ اول سال ۱۳۵۷۳- امامی ، آشتیانی ، محمد جعفر و محمدرضا، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه

جلد اول و دوم، انتشارات مطبوعاتی ، هدف قم ، چا پ اول سال ۱۳۵۸۴- امیری تهرانی، سید رضا، پیش درآمدی بر اقتصاد اسلامی، کیهان فرهنگی شماره ۳ سال ۱۳۷۲۵- ریشه های فرهنگی اقتصادی ، مجموعه مقالات سمینار فرهنگ و توسعه، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سال ۱۳۷۱۶- باهر، حسین، مبانی برنامه ریزی اقتصادی، تهران: انجمن خدمات اسلامی، چاپ اول سال ۱۳۵۸.۷- بروجنی، فرشید، جایگاه عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی، چاپ اول، تهران: مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهشهای فرهنگی و هنری سال ۱۳۷۲ .۸- پیش نیازهای توسعه اقتصادی، مجله ایران فردا، سال اول شماره ۴۹- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه سال ۱۳۷۰۱۰- جیروند، عبدالله، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید) چاپ سوم، تهران: انتشارات مولوی، سال ۱۳۶۷۱۱- رودنسون، ماکسیم، اسلام و سرمایه داری، ترجمه محسن ثلاثی تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۴۸)۱۲- عظیمی ، حسین مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چاپ اول ، تهران: نشر نی، سال ۱۳۷۱۱۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه انتشاراتی وفاء سال ۱۴۰۳ ه. ق ۱۹۷۲م.۱۴- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد پنجم، چاپ اول ، انتشاات دارالکتب، سال ۱۳۵۴۱۵- قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، چاپ اول، تهران نشر نی، سال ۱۳۷۰۱۶- کلینی، شیخ یعقوب ، اصول کافی، ترجمه جواد منصوری، ناشر علمیه اسلامیه، بی تا.۱۷- مدنی، امیرباقر، بعضی از موانع فرهنگی توسعه اقتصادی در ایران (مقایسه با ژاپن) چاپ اول، تهران: مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهشهای فرهنگی و هنری، سال ۱۳۷۲۱۸- موسائی، میثم، دین و دنیا، چاپ اول، تهران: مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهشهای فرهنگی و هنری، سال ۱۳۷۲۱۹- موسائی، میثم، حیات مشهد، چاپ اول، تهران، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی سال ۱۳۶۹۲۰- موسائی، میثم ، دین و فرهنگ توسعه چاپ اول، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامیپی نوشتها۱-میثم موسایی، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد ـ دانشگاه تهران۲- لغت نامه دهخدا واژه فرهنگ۳-داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا ۱۳۵۷ ص ۷.۴-داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، چاپ اول تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا ۱۳۵۷ ص ۷.۵-داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، چاپ اول ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا ۱۳۵۷ ص ۷ .۶-داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، چاپ اول ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا ۱۳۵۷ ص ۷ .۷-داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، چاپ اول ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا ۱۳۵۷ ص ۷ .۸-داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، چاپ اول ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا ۱۳۵۷ ص ۷ .۹-منجد الطلاب ذیل واژه توسعه.۱۰- مرتضی، قره باغیان، اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر نی، سال ۱۳۷۰ ص ۷ .۱۱- مایکل، تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، تهران: انتشارات برنامه و بودجه سال ۷۹ – ص ۶-۱۳۵۱۲- همان ص ۹-۱۳۸۱۳- باهر، حسین، مبانی برنامه ریزی توسعه اقتصادی ، چاپ اول، تهران: انجمن خدمات اسلامی ، ۱۳۵۸ ص ۱۳.۱۴- جیروند، عبدالله، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید) چاپ سوم، تهران: انتشارات مولوی سال ۱۳۶۸ ص ۸۴.۱۵- مجموعه مقالات سمینار فرهنگ و توسعه معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال ۱۳۷۱.۱۶- میثم موسایی، حیات شهید، چاپ اول، تهران ـ معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی ، سال ۱۳۶۹۱۷- ر.ک به : مجموعه مقالات سمینار فرهنگ و توسعه مقاله سید رضا امیری تهرانی زاده، ریشه های فرهنگی اقتصادی ص ۶-۲۱۸- --۱۹- ---۲۰- ---۲۱- ر.ک به : ماکسیم رودنسون، اسلام و سرمایه داری، ترجمه محسن ثلاثی (تهران : شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۵۸)۲۲- عظیمی، حسین مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، سال ۱۳۷۱، تهران: نشر نی چاپ اول ص ۸۳.۲۳- مجله نامه فرهنگ شماره ۱ و ۲ سال دوم، ص ۱۱.۲۴- مجله نامه فرهنگ شماره ۱ و ۲ سال دوم، ص ۱۱.۲۵- مجله فرهنگ و توسعه، سال دوم، شماره ۶، سال ۱۳۷۲ ص ۱۱۲۶- امیر باقر مدنی، برخی از موانع فرهنگی توسعه اقتصادی در ایران (مقایسه با ژاپن) تهران: مرکز آمار و برنامه ریزی، پژوهشهای فرهنگی و هنری سال ۱۳۷۲ ص ۲.۲۷- فرشید بروجنی، جایگاه عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهشهای فرهنگی و هنری سال ۱۳۷۲ ص ۸ و ۳۲۸- مرتضی قره باغیان، همان.۲۹- فرشید بروجنی، همان ص ۸ و ۳۳۰- مجله نامه فرهنگ همان ص ۶۳۱- برای توضیح بیشتر درباره این مسأله که چه عناصری از فرهنگ غرب در توسعه نقش مؤثر داشته و اخذد چه عناصری از فرهنگ آنها برای جوامعی مانند جوامع ما خاصیت ضد توسعه ای دارد و اینکه اصولاً چه عناصر مساعدی را باید از فرهنگ غرب وام بگیریم و به کتاب دین و فرهنگ توسعه تألیف میثم موسایی (توسط معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۷۴ منتشر شده) رجوع شود.۳۲- منظور رابطه طبیعی علی و معلولی بین فرهنگ و رفتار است نه استنتاج منطقی باید ها از هست ها . چرا که از لحاظ منطقی از هست ها، بایدها نتیجه نمی شود.۳۳- مجله ایران فردا، مقاله پیش نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی، سال اول شماره ۴ ص ۳۶.۳۴- برای توضیح درباره اینکه چرا جامعه ای دچار تعارض فرهنگی می شود؟ جامعه ما دچار چه نوع تعارضاتی است و این تعارضات چه نقشی در وحدت ملی و فرآیند توسعه دارد. به کتاب دین و فرهنگ توسعه نوشته میثم موسایی صفحات ۲۲۳ تا ۲۴۲. مراجعه شود.۳۵- محمد/ ۳۶ و انعام/ ۳۲ حدید/ ۲۰.۳۶- نساء / ۷۷۳۷- آل عمران/ ۱۸۵.۳۸- توبه/ ۲۸ و نحل/ ۱۶ و نساء و نور/ ۱۴.۳۹- بقره/ ۱۸۰، ۲۷۲ و عادیات/ ۶ و معارج / ۷۰۴۰- هود/ ۹ و اسراء / ۱۰۰ و کهف / ۸۲۴۱- اعراف / ۱۳۰ و توبه/ ۵۰۴۲- نهج البلاغه، ترجمه جعفر امالی و محمدرضا آشتیانی جلد ۲ ص ۱۵۶.۴۳- برای توضیح بیشتر درباره رابطه دنیا و آخرت ر.ک به موسایی میثم، دین و فرهنگ توسعه همان ص ۲۰۳-۱۲۰۴۴- یعقوب کلینی، اصول کافی جلد ۱. ترجمه جواد منصوری، چاپ (؟) تهران: علمیه اسلامیه بی تا ص ۲۹.۴۵- یعقوب کلینی، همان ص ۱۹.۴۶- قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن ، جلد پنجم، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سال ۱۳۵۴، ص ۲۸۴۷- یعقوب کلینی، همان ص ۲۹.۴۸- علامه مجلسی، بحار الانوار ج ۱ تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا ص ۱۹۸.۴۹- همان ص ۱۷۷۵۰- محمدی ری شهری، میزان الحکم، جلد ۶ چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، بی تا ص ۴۶۶.۵۱- بحار همان ج ۱ ص ۱۷۳۵۲- نهج الفصاحه ص ۶۴.۵۳- بحار ج ۱ ص ۱۷۷۵۴- همان ص ۱۸۴.۵۵- زم/ ۱۵۵۵۶- بقره / ۱۵۵.۵۷- صدر، محمدباقر، مدرسه اسلامی، ترجمه کاظمی، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول سال ۱۳۶۲ صص ۱۵۱-۱۵۲۵۸- بقره/ ۱۱۵۹- حجرات / ۱۳۶۰- نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۴۷ ص ۱۴۲۶۱- بحار ج ۷۱ ص ۳۴۹.۶۲- متأسفانه در شرایط حاضر کشورهای جهان سوم از دو نوع تعارض رنج می برد: یکی تعارض تاریخی که مربوط به اختلاف نژاد و قومیتهاست و دیگری که از اولی مهم تر می باشد تعارضی است که به علت به هم ریختن فرهنگی یک جامعه سنتی در هنگام ارتباط با جوامع توسعه یافته به وجود می اید و در این فرآیند است که جامعه به دو شبه جامعه تقسیم می شود و هر یک فرهنگ خاص خود را دارد: یکی فرهنگ سنتی و دیگری فرهنگ جامعه نو و اکثر عناصر آنها با هم سازگارند، بنابراین جامعه دچار تعارض فرهنگی می شود. جامعه ایرانی ما از گذشته دور دچار دوگانگی فرهنگی بوده فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی) و در زمان معاصر هم به علت تماس با دنیای صنعتی دچار دوگانگی بیشتر شده است (حتی سه گانی) و این مسأله به تشتت اجتماعی منجر می شود و به بحرانهای اجتماعی دامن می زند و ثبات و امنیتی را که برای توسعه لازم است با مشکل مواجه می سازد . برای توضیح بیشتر مراجعه شود به : موسایی، میثم، دین و فرهنگ توسعه، همان ص ۲۴۱-

http://www.iranpress.ir/farhang/template۱/News.aspx?NID=۶۷

اقتصاد سالم برمبنای معاملات اسلامی

عقوب نعمتی وروجنی

قرآن کتابی است که در آن به همه عرصه های زندگی انسان، جنبه های اقتصادی و اجتماعی توجه شده است. یکی از مسائلی که اسلام به آن اهمیت وافر داده اصول و قوانین مربوط به دادوستد و معاملات است. با عنایت به مسائل و اتفاقاتی که روزانه با آنها سروکار داریم، این نکته جالب توجه می نماید که قرآن تا چه اندازه بر ضرورت رعایت

دقیق اوزان و مقیاسات و سنجش کامل و صحیح هر کالا ـ به هنگام تحویل آن به خریدار و اجتناب از عدم انصاف و عدالت در توزین کالا توصیه و تاکید می نماید. قرآن همچنین در مورد صحت مقادیر تاکید دارد. همچنین قرآن بر ضمانت اجرای قراردادها،

حفظ حـدود و ثغور اموال و پایبنـد بودن بر عهـد و پیمان تاکیـد می نماید.قرآن کریم در رعایت اوزان و مقیاسات شدیداً تاکید می نمایـد و می فرمایـد": آسـمان را کاخی رفیع گردانیـد و میزان را در عالم وضع فرمود و حکم کرد ای بنـدگان هرگز در میزان عدل تعـدی و نافرمـانی نکنیـد و هر چیز را بـه ترازوی عـدل و انصـاف بسـنجید و هیـچ در میزان هـا کم فروشـی و نـادرستی نکنیـد."این صراحت، صـداقت و قابلیت اطمینانی که اسـلام درباره داد و ستد و تجارت مقرر داشـته است، امروزه حتی ملل متمدن جهان نیز به آن وقوف حاصـل نموده انـد. ارزش کـاربرد اوزان و مقیاسـات به گونه صـحیح و اسـتاندارد در تجارت که در همین اواخر ارزش و اهمیت وافری کسب نموده چهـارده قرن قبـل مورد تائیـد خـاص اسـلام بوده است. پیامبر اکرم (ص) خطاب به کسانی که با اوزان و مقیاسات سـرو کار داشـتند فرمود: دو چیز به شـما سپرده شده است که موجب هلاکت مردم قبل از شـما بوده است.در حال حاضـر، حتی در بسـیاری از کشورهـای در حـال توسـعه جهـان، اوزان و مقیاسات به گونه اسـتاندارد مورد اسـتفاده قرار نمی گیرد. قرآن در مورد اجتناب از تقلب در معاملات نیز که امروزه یکی از بلایای جهان امروز و خصوصاً کشورهای در حال توسعه به شمار می رود، تاکیـد دارد. چهارده قرن قبل، در آن هنگام که مـدارک مکتوب و مسـتند به نـدرت مورد اسـتفاده قرار می گرفت، قرآن بر این امر تصـریح نموده است که موافقت هـای فیمـابین می بایـد در حضـور شـهود به صورت مکتوب تهیه وتنظیم گردد. این نشانگر رهنمود قرآن بر مسائل روزمره زنـدگی است.قسم دروغ، عادت ناپسـندی است که اکثر فروشـندگان در عرضه کالاهای خود به آن متوسـل می شونـد و سـعی می کننـد خریـداران خود را از این طریق متقاعد سازند. اسـلام این عادت سـخیف را منع نموده است.پیامبر اکرم (ص) فرمودنـد": قسم، مطمئناً به کـاستی کالا می انجامـد و خیر و برکت را از آن (دادوسـتد)زایل می گردانـد".خداونـد متعال در قرآن کریم می فرمایـد": خداونـد بیع (دادوسـتد) را حلال و ربا را حرام کرده است ".دادوستد در موارد زیر با ربا تفاوت دارد. در دادوسـتد، مبادله کالا بین خریدار و فروشنده در شرایط متساوی انجام می پذیرد. زیرا خریدار از محل خرید از فروشنده به سود خود می رسد و فروشنده در عوض کار، هوشیاری و وقتی که در تولید کالای مورد معامله مصروف داشته است. در دادوستد، اگر امکان سود زیادی هم وجود داشـته باشد، فروشنده ممکن است فقط یک بار از این سود سرشار برخوردار گردد. هنگامی که کالا بر مبنای قیمت بـازار به فروش درآیـد معـامله خاتمه می پـذیرد. مفهوم آن این است که خریـدار پس از انجام معامله چیزی به فروشـنده نمی دهـد.اسـلام به تمـام جزئیـات معـامله و دادوسـتد در قرآن اهمیت داده و تمـام اصول آن را بیان نموده است. چرا که خریـدو فروش حلال و درست و پول و سودی که از آن به دست می آیـد در تمـامی جنبه هـای زنـدگی انسان تـاثیر دارد. بـدیهی است که عمل کردن به مواردی که آیات قرآنی بیان نموده باعث سالم سازی اقتصاد و رشد بهینه آن می گردد. رسالت

قرآن و جهان بینی اقتصادی

کریم افضلی

جهان بینی اصـلی است که در تمامی علوم و دانش و دیدگاه بشری دیده می شود. تمامی ادیان و علوم هر کدام مکتب ها و دیدگاه های متفاوتی دارنـد که در آن جهان بینی خاصـی مطرح گردیـده است. در قرآن جهان بینی خاصـی وجود دارد که هـدف و اصول آن بـا دیگر ادیـان و علوم تفـاوت بـارز دارد. در این میـان قرآن بـا علوم مختلفی چون اقتصاد، سـیاست، مـدیریت و... وجوه تمایز و اشتراک دارد. رابطه قرآن و علوم بشری بیش از همه به تبیین جهان بینی آنها مرتبط است. در این میان جهان بینی اسلامی، مهمترین ارکـان و هسـته و اصول نظـام دینی و الهی را تشـکیل می دهـد که نقش مؤثری در تکوین و تکامـل دیـدگاه و اعتقـادات انسـانی و پیشـرفت اجتمـاع دارد. مجموعه اصولی که نشـان دهنـده فضـای حاکم بر تصـمیم گیری انسانی در چارچوب معارف قرآنی است با عنوان اصول تکوینی شـناخته می شود. تحلیـل علمی رابطه قرآن و علوم با توجه به مبانی ایجادی علم و مسائل بنیانی مرتبط با آن به نحو جامع تر واثر بخش تری می تواند مورد شـناسایی قرار گیرد.اصول موضوعه و نظام انگیزشـی انسان مسـلمان قبل از همه متأثر از بینش ها و تصوراتی است که از نظام خلقت و جهان هستی دارد. بدیهی است، بینش و نگرش انسان نسبت به حیات، انسان و جامعه در رفتار او تأثیر خواهد گذاشت، بر این مبنا، رفتار هر یک از افراد بسته به اعتقادات و بینش هایی که دارند در مقایسه با افراد دیگر جوامع، متفاوت خواهـد بود. برای مثال دنبال کردن منافع شخصـی برای فردی که جهان را هدف دار می داند و به جهان آخرت نیز ایمـان دارد تفاوت زیادی با رفتار فردی دارد که فقط به دنیای مادی توجه می کنـد و به دنبال کسب حـداکثر درآمـد و سود و رفاه مـادی قابـل حصول در این دنیـا است بنـابراین از مهمـترین زمینه هـای اثر بخشـی قرآن در اقتصـاد، شـناسایی اصول تکوینی اقتصـاد اسـلامی از قرآن و سـنت اسـت. اصـل خـالقیت و یگـانگی آفرینش یکی از این اصـول می باشـد. در فلسـفه و جهـان بینی اسـلامی، خداونـد بر مخلوقـات و جهان هستی خود اشـراف و هـدایت دارد. به عبارت دیگر خداونـد در عین حال که خالق و آفریننـده است، رب نیز هست و بر امور و شـئون بندگان خود نظارت و اشراف دارد. بنابراین انسان را رها شده نمی توان تصور کرد که رابطه اش با خداونـد قطع شـده باشـد. در قرآن آمـده": الا له الخلق و الامر تبارک الله ربّ العالمین. "بر اساس یگانگی خداونـد و اصل توحیـد، وابسـتگی متقابـل نظـام آفرینش به اراده و خواست الهی اثبات می شود، در واقع اصل توحیـد به طور تکوینی نشان دهنـده جاذبه و همرنگی و همبسـتگی میان مخلوقات، بویژهانسان ها است. تنها خالق جهان هستی و انسان ها خداونـد بوده و چرخش نظام هستی و امور زنـدگی انسـان هـا تحت اراده اوست. اصـل دوم مـالکیت مطلق خداونـد می باشـد. بر اساس جهان بینی اسـلامی مالکیت عالم هستی از آن خـداست". ولله مـا فی السـماوات و مـا فی الارض. "خداونـد که خالق و آفریـدگار موجودات و جهان است و مالکیت آنها نیز با خداست. این نوع مالکیت مطلق می باشد. سومین اصل هدفداری آفرینش در خلقت جهان و انسان است. آفرینش آسمان و زمین و هر چه در آن است بر اساس حق می باشد": و هو الّذی خلق السّـِماوات و الارض بالحقّ. "خداوند از آفرینش آسمان ها و زمین هـدف وانگیزه ای معین داشـته است و خلقت جهـان عبث و بیهوده نبوده است و خداونـد از آفرینش و خلقت انسان ها هـدف خاصی داشته است رسالت

مالیه عمومی

مولف : دکتر احمد توکلی

خلاـصه مطـالب کتـاب : مالیه عمومیسازمان مطالعه و تـدوین کتب علوم انسانی دانشـگاهها (سـمت)مولف : دکتر احمـد توکلیچاپ پنجم

تهیه وتنظیم : علیرضا اژدریزمستان ۱۳۸۹فصـل اول :مـالیه عمومی : تلاش اثباتی و هنجاری است.تورم : ارزش پول در قبال کالا کم میشود.نقش دولت در اقتصـاد بخش عمومی : اقتصاد اثباتی و اقتصاد دسـتوری یا هنجاری.- تعیین مرزهای دخالت دولت - جهت دادن به تولیـد - توزیع درآمد و هنجارهای رفتاری جامعه- برآورد هزینه های دولت - منابع درآمدی، مقررات دولتی، تولیـد دولتی - مقررات زدائی و خصوصـی سازیاقتصـاد اثبـاتی : مطـالعه فراینـد کـارکرد اقتصـاد، طرز اقتصـاد با قبول پیش فرض ها.اقتصاد هنجاری : تعیین اهـداف و سیاسـتها و شـناخت راههائی که به اهـداف اقتصاد ختم می شود.اقتصاد بخش عمومی = اقتصاد اثبـاتی + اقتصـاد هنجـاری (دسـتوری)اقتصـاد بخش عمومی یـا مالیه عمومی :بررسـی انتقادی است از عملیات و فعالیتهای مربوط به چگونگی انجام هزینه های دولت، روشـهائی که دولت در کسب وجود مورد نیاز خویش به کار می بنـدد و چگونگی اداره وجوه و منابع مالی دولت. اقتصاد بخش عمومی تلاش خردورزانه و هنجاری برای بررسـی اهـداف، ابزارها، محدودیتها، و امکانات اقتصادی فرد و جامعه است. بخش عمـده مالیه عمومی عبارت است از : ۱- مصارف عمومی ۲- منابع عمومی ۳- اداره امور مالی (بودجه بنـدی، حسابرسـی و نظارت)اقتصاد بازار : توضیـح دهنـده رفتار مصـرف کننده (تقاضا) و تولید کننده (عرضه)رفتار مصـرف کننـده (تقاضـا) : مطلوبیت نهائی و هزینه نهائیرفتار تولیـد کننـده (عرضه) : تولیـد نهائی و هزینه نهائیهماهنگ کننـده روابط خریـدار (مصـرف کننـده) و فروشـنده (تولیـد کننـده) قیمت است.بازار نهادی است برای به ثمر رسانـدن معاملات.نقش دولت در بازار : ۱- موارد نارسـائی بـازار را تشـخیص دهـد. ۲- خیرخواهـانه و مـدبرانه به نفع عمـوم تصـمیم بگیرد.۳- بـا اقتـدار تصـمیم را اجرا کنـد.تعیین قلمرو و فعالیت دولت : بسـتگی به اعتقادات و فلسـفه سیاسـی جامعه دارد.(بازار و دولت مکمل یکدیگرنـد). اهداف در

اقتصاد ملی : - کارآیی اقتصادی (ملاک سنجش دولت) - عدالت اجتماعی - تقویت ارزشهای انسانی (مشخص کننده قلمرو دولت)این سه عامل در شکست و پیروزی بازار دخیل هستند.کارایی اقتصادی : استفاده از منابع در تولید در سطحی که حداکثر رفاه ممکن برآورده شود.مالیه عمومی : پیوند دهنده اقتصاد و سیاست است.نقش اقتصادی دولت :۱- دفاع از کشور در برابر تجاوز بیگانگان ۲- حمایت از جامعه در برابر زورگوئی و چپاول ۳- تبیین حقوق و مالکیت ۴- اعمال قراردادها ۵- خدمات عمومی ۶- زیر بناهای اقتصادی ۷- ایجاد فضای اخلاقی ۸- حفظ ثباتدر اقتصاد بخش عمومی، جنبه های خرد اقتصادی دولت بررسی می شود.در اقتصاد بخش عمومی مناسبات بین بخش خصوصی که تولید کننده کالای اقتصادی است و بخش عمومی که کالای سیاسی تولید می کند مطالعه می شود. * * * * *فصل دوم :اقتصاد پاسخگوی دو سئوال است : ۱- با منابع محدود چگونه تولید کنیم ۲- چگونه محصولات را بین اعضاء توزیع کنیماقتصاد کارآ : با منابع محدود سطحی از کالاها و خدمات فراهم شود که بیشترین منفعت را در کل اجتماع حاصل کند.هزینه فرصت : ارزش بازاری منابع یا نهادهای بکار رفته را با قیمت های بازار هزینه فرصت مینامند.تخصیص کارای منابع : وقتی منابع به تولیدات مختلف تخصیص یافت (وقتی که ترکیبی از کالاها و سطح تولید آنها نیازهای بیشتری از سطح جامعه را تامین کند.)بازده نزولی : وقتی هزینه نهائی با افزایش تولید بالا-رود.نقطه کارآ : نقطه ای است که منافع نهائی اجتماع تولید با هزینه نهائی اجتماعی تولید برابر گردد. هزینه نهائی = منفعت نهائی MSC = MSBکارائی کل اقتصادی وقتی حاصل می شود که در تمامی بازارها، یکایک محصولات در نقطه کارا تولید شوند.انواع فعالیت های اقتصادی :۱- کارآ : منافع کل حاصل از یک فعالیت اقتصادی برای جامعه بیش از هزینه های کل آن باشد.۲- ناکارآ : هزینه کل یک فعالیت اقتصادی از منافعش برای همه افراد جامعه تجاوز کند.نارسائی بازار در ناکارآمد کردن اقتصاد :- انحصار - آثار خارجی - کالای عمومی - بی ثباتی اقتصادی - نواقص بازارانحصار طبیعی : فعالیت چند شرکت خاص در سرمایه گذاری های زیربنائی (مخابرات، آب و فاضلاب).انحصار چه حاصل تبانی باشد و چه طبیعی بازار به نقطه ناکارائی کشیده می شود.ویژگی کالاهای خصوصی :۱- رقابت پذیری است : افزایش مصرف باعث افزایش تولید و در نتیجه افزایش هزینه.۲- استثنا پذیری است : ارتباط مستقیم بین پرداخت و مصرف کالا.کالای عمومی : عرضه کالای عمومی به یک نفر، بطور همزمان عرضه به دیگران را نیز ممکن می سازد، بی آنکه هزینه اضافی پیدا شود. (صدا و سیما، دفاع ملی، نظام قضائی)دولت با سیاستهای مالی و پولی می تواند باعث نظام معاملات پولی پایدار شود و ثبات بازار را ایجاد کند. نبود ثبات اقتصادی همراه با کاهش سرمایه گذاری است.نواقص بازار : ۱- شفافیت بازار : فرض براین است که کلیه اطلاعات لازم برای تصمیم گیری بهینه وجود دارد ولی در حقیقت این طور نیست زیرا نقص اطلاعات یا اطلاعات گمراه کننده در بازار وجود دارد.۲- جابجائی بی مانع و بی هزینه عوامل تولید : یعنی به راحتی بتوان با عوامل تولید اقام به تولید کرد ولی قوانین و مقررات و عادت فرهنگی و عوامل زیادی مانع آن است.۳- رفتار عقلائی و رفتار غیر عقلائی : بر می گردد به نحوه تصمیم گیری افراد.اقدامات لازم جهت رفع نواقص بازار :- اعمال مقررات ایمنی - استانداردها - درج ویژگی کالا- - نصب برچسب قیمت - تسهیل مقررات استخدامی- تعریف حقوق مالکیت - حمایت از مالکیتچند نکته :کارائی در اقتصاد جدا از بحث عدالت است. نظام بازار هیچگاه به عدالت دست نمی یابد.امروزه هیچ اقتصادی توزیع درآمد را کاملاً به نظام بازار وا نمی گذارد.نقطه کارای تولید جائی است که منافع نهائی اجتماعی تولید با هزینه نهائی اجتماعی تولید برابر گردد.بازار و ارزشهای انسانی : یکی از اهداف مطلوب هر اجتماع را ارزشهای انسانی می نامند که می توان بعضی از آنها را به شرح زیر برشمرد : - رفتار اخلاقی - اعتقادات اجتماعی - آزادی از استعمار - انتخاب مصرف کننده- آزادی فردی - عزت و استقلال ملی - وحدت و همبستگینظام بازار بر سه موضوع پا فشاری می کند :۱- کارائی اقتصادی به عنوان هدف.۲- ساز و کار قیمتها به عنوان راه انحصار کسب کارائی.۳- اثباتی و فرا ارزشی بودن این ساز و کار به عنوان پشتوانه علمینکته : پافشاری بر کارائی به پیدایش مذهب رشد پرستی انجامیده است. (مذهب رشد پرستی فرا ارزشی بودن اقتصاد اثباتی است.)عناصر اصلی توسعه : - رشد اقتصادی - عدالت در توزیع درآمد - مشارکت و ارزشهای متعالیویژگیهای انسان عقلائی از دیدگاه اقتصاد آزاد سرمایه داری :- تنها نفع خویش را در نظر دارد. - زیاد خواه است. - خود بهترین قاضی رفاه خویش است.- مطلوبیت وی مستقل از دیگران (انسان خود پرست، زیادی خواه، بدون نیاز به هدایت، اثرپذیر از عوامل نفسانی و غیرمادی، قادر به بهترین انتخابها و بدون توجه به دیگران در بیان خواسته خود میباشد.)اقتصاد اثباتی، اقتصاد را علمی عینی و فرا ارزشی می نامد.قدرت انتخاب + آزادی انتخاب = آزادی واقعیوقتی انحصار به دست قدرتهای اقتصادی و شرکت های تجاری می افتد تبلیغات و سیاستهای آنها به سه پدیده رفتاری منجر می شود : ۱- رفتار هیجانی ۲- خرید آزمندانه ۳- خرید مسرفانهعواملی که باعث نقض آزادی انتخاب افراد به عنوان مهمترین وجه اخلاقی می شود :۱- اقتصاد آزاد سرمایه داری با انحصارات خود قدرتهای بزرگی را در بازار می آفریند که توان ورود به بازار را از اکثریت می گیرد.۲- در انتخاب و مصرف کالا قدرت انتخاب و آزادی انتخاب را از فرد سلب می کند.۳- تبلیغات تجاری که خواسته شرکتهای بزرگ و به دست رسانه ها انجام می شود موجب تحریک نفسانی افراد می شود و به هوسها دامن میزند.ویژگیهای نقطه کارای تولید :ویژگی این نقطه آن است که اگر کمتر از آن تولید کنیم جامعه مقداری منفعت قابل حصول را از دست می دهد و کفران کرده ایم و اگر از آن بیشتر تولید کنیم جامعه زیان می بیند و اسراف کرده ایم. * * * * *فصل سوم :اهداف دولت از حضور در کنار بازار :- برای ارتقای کارائی اقتصادی - افزایش عدالت - بهبود ارزشهای انسانی نقش دولت برای رسیدن به اهداف :- نقش قانون گذاری - نقش ثبات بخشی - نقش تخصیصی - نقش عدالت خواهانه - نقش هدایتی نکته : میزان اهمیت نقش های دولت در بازار به چه عواملی بستگی دارد : نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادیاولویت بندی اهداف دولتها بر چه مبنائی است : - جهان بینی - انسان شناسی فلسفیعقاید مختلف در نظامهای اقتصادی :- مکتب اصالت مطلوبیت : هدف از سیاستگذاری در این مکتب بیشینه سازی رفاه کل است- بعضی از فلاسفه غربی (رالز) : هدف عدالت اجتماعی است- سوسیالیست ها : برابری – اصالت آزادی فردی (هدف آزادی فردی)نکته : با توجه به اختلاف عقاید نقش دولت متفاوت استحق مالکیت : قدرت استفاده از یک ملك یا مال یا منافع آن است.نکته : تمامی احکام فقهی به عنوان احکام اولیه تلقی می شود و مورد حمایت قانون است و تمسک به احکام ثانویه و احکام حکومتی تنها در شرایط ضروری با حفظ مصلحت عمومی است.شش انگیزه دولت در وضع قانون : ۱- سازماندهی به رفتار بنگاههای اقتصادی (قوانین ضد انحصار) ۲- جلوگیری از آثار خارجی(قوانین حفظ محیط زیست)۳- بهبود جریان اطلاعات (تعیین استانداردها و شرایط بهداشت کار) ۴- بهبود توزیع درآمد(قانون مالك و مستاجر)۵- تنظیم بازار پولی(محدودیت معامله ارز یا اعطای اعتبار بانکی) ۶- حفظ کیفیتهای مطلوب اجتماعی وهنجاری(آموزش)نکته : فرایند قانون گذاری طولانی تر و عمر آن بیشتر است و توسط قوه مقننه و مجریه صورت میگیرد. فرایند سیاست گذاری در زمان کوتاه تر صورت میگیرد و عمر آن کوتاهتر و مقطعی است و توسط قوه مجریه صورت میگیرد.روشهای بازگرداندن ثبات به بازار : - هدف گذاری در عرضه پول - تغییر نرخ بهره - تعدیل تعرفه ها - نرخ ارز- تغییر هزینه کل دولت - مالیتها (این اهداف بصورت کوتاه مدت یا بلند مدت اعمال میشوند)نکته : نظام بازار حتی اگر کارا باشد نمی تواند عرضه مناسب پول را مشخص کند.نقش تخصیصی دولت در بازار :- مالکیت مشاع - کالای عمومی - آثار خارجی و کالای مختلط - انحصار طبیعیویژگی های کالاهای عمومی : - استثنا ناپذیری - رقابت ناپذیریویژگی های کالاهای خصوصی : - استثنا پذیری - رقابت پذیریبه کالا و خدماتی که دارای آثار خارجی باشند، کالای مختلط گفته می شود.عدالت مفهومی است که دین، فلسفه و ارزشهای فرهنگی آن را تعریف می کنند.در آثار خارجی و کالای مختلط دولت در واقع با نقش خویش در این حیطه باعث افزایش تخصیص منابع (با وجود منافع خارجی) و کاهش آن (با وجود هزینه خارجی) خواهد شد.چون نظام بازار قادر نیست حداقل های عدالت توزیعی را فراهم سازد به اقدام" باز توزیعی "دولت نیاز می باشد.کارائی : اقدامی را کارا گویند که بدون آسیب رساندن به کسی دست کم وضع یک نفر را بهبود بخشد.نکات : ۱- انگیزه نقطه مرکزی انتخاب است. ۲-کارآفرینی یکی از ارزانترین ابزارهای ایجاد کارائی است.۳- ابزار کار آفرینی : - ویژگی های فردی و جمعی - وجدان کاری - انضباط - شایسته سالاری - قانون مداریابزار ایفای

نقش در دست دولت : -وضع مقررات و قانون -وضع مالیات و پرداخت یارانه -عرضه مستقیم کالا و خدمات- حمایت از اعتقادات و ارزشهای صحیح* * * * *فصل چهارم :دولت در قانون اساسی با دو عنوان مطرح است : ۱- حکومت ۲- قوه مجریهنگاه قانون اساسی به اقتصاد : اقتصاد وسیله است نه هدفنقشهای دولت در اقتصاد بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :- نقش قانون گذاری (مالکیت خصوصی)- نقش ثبات بخشی (فعالیت بخش خصوصی، دولتی و تجاری، سیاستگذاری، سیاستهای پولی و مالی، بانکداری" در مالکیت دولت است و قدر مطلقه خلق پول و مهار آن دولت است ، "مالیات قانونی، تنظیم بودجه)- نقش تخصیصی (تامین و عرضه کالاهای عمومی، امینت ملی، دارائی های مشاع، انحصار طبیعی، سرمایه گذاریهای سنگین) - نقش عدالت خواهانه (رفع فقر و محرومیت، تامین امکانات برابر و متناسب، ایجاد رفاه عمومی، تامین اجتماعی، تحصیل رایگان، حق داشتن مسکن)- نقش هدایتی (ویژگیهای خاص اخلاقی، علمی و عقیدتی برای دولتمردان، نظارت دقیق از سوی اسلام شناسان عادل و پرهیزکار، حفظ استقلال، عزت ملی و عدم وابستگی، صدا و سیما بعنوان ابزار در این نقش)نکات :دولت مسئول تامین و عرضه کالای عمومی است.ریاست شورای عالی امنیت ملی برعهده رئیس جمهور است.دو کالای عمومی و اساسی : ۱- قضاء ۲- قانون گذاریهدف اقتصاد آزاد رسیدن به نقطه بهینه است که به خودی خود به این نقطه منتهی نمیشود مگر با سیاست گذاری دولت.قانون فعالیتهای مضر برای محیط زیست را غیرمجاز میداند زیرا دارای هزینه های خارجی است.عدالت خواهی در اقتصاد ویژگی مهم حاکمیت دینی است. عدالت یعنی تامین امکانات برابر و متناسب و رفع فقر و محرومیت. * * * * *فصل پنجم :انتخاب جمعی بدون همکاری به نتیجه کارا نمی رسد و همکاری با وجود انگیزهای خودخواهانه به انتخاب جمعی نمی انجامد بلکه نیاز به نهادهای اجتماعی، قانون و قدرت است یعنی در انتخاب جمعی به وجود دولت نیازمندیم.انواع حکومت : ۱- فردی مدعی یا همه چیز دانی ۲- نظامهای مردم سالارنکات:در زمان شکست بازار به حکومت رجوع میشود تا حکومت با تصمیم گیری صحیح و بر اساس رای و نظر مردم بازار را از حالت شکست خارج کند. دولت در زمان تولید کالاهای عمومی با حصول اتفاق آراء و اجماع و تامین هزینه تولید کالای عمومی از مالیات اقدام می نماید.با توجه به اینکه تصمیمات دولت حاصل جمع بندی ترجیحات مردم است لذا رای داد مخلصانه نتیجه اجتماعی قابل حصول دارد.مردم سالاری، نظامی است (حکومت جمعی) که در آن اعضای جامعه به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تصمیم سازی هایی که بر همه موثر است مشارکت دارند. این تعریف مبتنی بر قاعده اکثریت آراء است.رای گیری مستقیم همیشه نتایج سازگار و قاطع ندارد چون ترجیحات چند بعدی مردم باعث می شود که نتوان ترجیحات فردی را به ترجیحات جمعی تبدیل کرد. همکاری در مبادله آراء یا ائتلاف سیاسی بعضاً آثار سازگاری را کاهش میدهد ولی منجر به اقداماتی در بخش دولتی می شود که تنها ترجیحات اکثریت رای دهندگان را تامین می کند و هزینه سنگین بر اقلیت تحمیل می کند بطوری که در جمع منافع خالص اجتماعی ندارد.قاعده اکثریت (فرایند انتخاب دموکراتیک) : بدیلهای رقابتی مورد آزمایش و تجربه قرار می گیرند و با بدیل های که به وسیله یک گروه اکثریت در حال تغییر دائمی است جایگزین گردد.کالای ممتاز : کالای که از اهمیت زیادی برخوردار است که دولت برای اطمینان از مصرف حداقلی از آن باید دخالت کند مانند تحصیل و واکسیناسیون.لیبرلها به دلیل تعارض رفتار پدر سالارانه دولت با آزادی فرد با آن مخالفند.انسان در مدلهای اقتصادی : موجودی است که بیشینه سازی منافع مادی و فردی انگیزهای انتخاب و رفتار اوست که به این رفتار" رفتار عقلائی "می گویند.انتخاب عمومی : مطالعه تصمیم گیری غیربازاری یا به طور ساده کاربرد علم اقتصاد برای علوم سیاسی است.کالای سیاسی : کلیه کالاها و خدمات عمومی است که با فرایند سیاسی عرضه میشود.ویژگیهای مردم سالاری دینی :۱- بسترهای سعادت بخش را با مناسبات وحیانی قابل تعیین و ارائه می کند.۲- راه مهار هوی و هوس را تعلیم و راه تزکیه را نشان می دهد.۳- سرنوشت بشر را به خودش وا میگذارد. ۴- رای دادن را حق مردم و تکلیف آنها می داند.۵- رهبری را شایسته برجستگان در عدل و علم می داند و تا این صفات باقی است رهبری ایشان پابرجا است.۶-کار اجرائی را به دست منتخبان دوره ای میسپارد تا منافع چرخش قدرت هم تامین شود.نکات :رای تحت تاثیر عوامل مختلف شخصی یا اعتقادی نیز موثر است : مانند قومیت و نژاد تا اعتقادات و وابستگی های طبقاتی.رای دهنده به کسی رای می دهد که آنان را بهترین مدافع منافع خویش تلقی کند.رای دهنده اگر برای کسب آگاهی به منابعی رجوع کند که این طلاعات را رایگان یا با هزینه ناچیز عرضه می کنند، این طرز رفتار را بی اعتنائی عقلائی رای دهنده می نامند.تصویر ذهنی رای دهنده از نامزد، گرچه مبهم و نادرست، اهمیت بسیاری برای پیروزی وی در انتخاب دارد.در فرایند بازار رقابتی، کار آفرینان اقتصادی کالاهائی را تولید می کنند که بیشترین جذابیت را برای مصرف کنندگان داشته باشد. (کارآفرینان نیروهای پویای بخش خصوصی هستند)سیاستمداران، نیروی پویای فرایند تصمیم سازی سیاسی اند. سیاستمدار موفق کسی است که بتواند ترکیب برنده را پیدا کند.(این ترکیب شامل نظریه های گوناگونی است که سازگار جلوه کند و رای دهندگان را جلب کند).سیاستمداران برای پیروزی در انتخابات از منافع گروه های خاص حمایت می کنند و آنها نیز منابع لازم را برای او فراهم می سازند، آنگاه این منابع برای اقناع اکثریت رای دهندگان نا آگاه به کار گرفته میشود و آنها میپذیرند که در جهت اقناع آنها گام برداشته می شود.* * * * *فصل شش :کالای سیاسی : اقدامات دولت برای عرضه کالا یا خدماتی است که چون در فرایند سیاسی صورت می گیرد، آن را کالای سیاسی می نامند.تقاضا کننده کالای سیاسی رای دهندگان هستند و سیاستمداران و کارمندان عرضه کننده کالای سیاسی.مردم سالاری مبتنی بر نمایندگی، بهترین مرجع جایگزین بازار در تولید کالای سیاسی است و عوامل موثر بر این مرجع، رای دهندگان، سیاست مداران و کارمندان هستند.عوامل شکست دولت :- نارسائی ناشی از طرف تقاضا :۱- کم اطلاعی و نا اطمینانی رای دهندگان.۲- قطع ارتباط پرداخت و مصرف۳- نقایص رای گیری مبتنی بر تمایلات- نارسائی های ناشی از طرف عرضه :۱- اثر منافع گروه های خاص۲- اثر نزدیک بینی (چرخه تجاری سیاسی)۳- سلطه اداری و خود محوری کارمندان۴- ضعف انگیزه برای افزایش کارائی۵- ضعف دانش و اطلاعاتوقتی نفع شخصی انگیزه اصلی در فرایند سیاسی باشد و خیرخواهی عمومی متزلزل یا اصلاً نفی شود باید منتظر شکست فرایند تولید کالای سیاسی باشیم.عوامل موثر در تولید کالای سیاسی :۱- رای دهندگان ۲- سیاست مداران ۳- کارمندانرفتار خود محورانه زیاده خواهی مادی سیاستمداران موجب نارساییهای ناشی از طرف عرضه می شود.انگیزه خود بینانه منشا شکست در تامین عدالت و دیگر ارزشهای مطلوب جامعه است.اثر نزدیک بینی سیاسی : کم اطلاعی رای دهندگان، رفتاری را در سیاست مداران برمی انگیزد که به آن اثر نزدیک بینی سیاسی می گویند. اثر نزدیک بینی سیاسی مانع دیدن نتایج پیچیده آینده است. (کالاهای سیاسی که هزینه ملموس و فوری ولی منافع آتی ناملموس دارند کمتر مورد توجه هستند.) چرخه تجاری سیاسی : دولت حاضر باشد اقتصاد را چنان دست کاری کند که موانع انتخاب مجدد را رفع سازد.عوامل شکست دولت دولت در تامین عدالت و ارتقای اخلاق و ارزشها :۱- انگیزه خود بینانه ۲- توزیع ناعادلانه درآمد وثروت ۳- فعالیت های مفت طلبانه ۴- نفع طلبی شخصی۵- فعالیتهائی که بر بی عدالتی و ناکارائی دامن میزند. ۶- انحصارات رسانه ای و اقتصادی، ناسازگار با محیط زیست شهروندان درجه اول در مردم سالاری غربی : کسانی هستند که واسطه بین نمایندگان و رای دهندگان قرار دارند و اصطلاحاً گروهای ویژه نامیده می شوند وقتی گروههای ویژه واسطه بین نامزدها و شهروندان قرار می گیرند ذات برابر طلبی در ملاک یک فرد و یک رای درهم می ریزد.دیکتاتوری پول : دستگاهی که یک قدم برخلاف مصالح پول و پولداران بر نداشته و بر دامنه اقتدار و نفوذ آنها می افزاید.اقتصاد دارای دو منشاء است : ۱- اخلاق : باساز و کار رسیدن به مقصد توجه دارد. ۲- مهندسی : به بیشینه سازی سود و مطلوبیت توجه دارد.مسائل تعهد: اگر مردم بتوانند خود را متعهد سازند که بر خلاف منافع مادی خویش عمل کنند به وضعیت بهتری دست میابند. در زندگی روزانه اقتصادی– اجتماعی مکرراً با مسئله تعهد روبرو هستیم.شرایط و ویژکیهای " جامعه اسلامی و مردم سالاری دینی :" ۱- اعتقاد به انسان و جهان و رجوع به عقل و فطرت و هدفمند بودن جهان و زندگی ابدی بعد از مرگ.۲- هدفمندی اقتصاد اسلامی، تامین نیازهای اساسی و فرصتهای برابر، جلوگیری از تمرکز ثروت نزد افراد.۳- ویژگی حاکمان در مردم سالاری و روش انتخاب و مشروعیت حاکمیت آنها.۴- ویژگیهای عدل و علم که علم ضامن ترجیح منافع عمومی به منافع شخصی است و علم ضامن تدبیر امور بر اساس ضابطه های اصیل حقوق الهی و توجه عقلانی به اقتضائات زمان و مکان.۵- زهد در مصرف و حرص در تولید، از

وابستگی به گروههای ویژه حاکم را باز می دارد.۶- مسئولیت اجتماعی مسلمانان به عنوان تکلیف باعث می شود عرضه و تقاضا تابع مصالح عمومی باشد.در عرضه کالای سیاسی، تاکید بر تعهد دینی در نامزدهای انتخابات به پیش بینی سازوکارهای قانونی مناسب منجر می شود و حضور فرصت طلبانه در صحنه سیاسی کاهش می یابد.انسان عقلائی در هر تصمیمی با مقایسه هزینه ها با فایده ها، دست به انتخاب می زند، تحلیل هزینه- فایده اجتماعی، روش تجویزی است برای رسیدن به تصمیم صحیح.ارزیابی طرح : روشی برای دست یابی به انتخابی آگاهانه و عاقلانه است. تحلیل هزینه-فایده در ارزیابی طرح، ابزار بخش خصوصی است.دلایل بکارگیری لفظ اجتماعی بعنوان صفت تحلیل هزینه-فایده :۱- آثار هر تصمیم دولتی بر تمامی افراد جامعه باید لحاظ شود.۲- کاربرد کلمه اجتماع برای یادآوری این نکته است که آثار توزیع درآمدی هر تصمیم در تحلیل هزینه-فایده داخل شود.۳- قیمتهای بازار با نرخ بازدهی سرمایه یا نرخ بهره برای محاسبه ارزش حال منافع و هزینه ها مناسب نیست بلکه باید دولت به قیمتهای اجتماعی تکیه کند.مشکلات تحلیل هزینه-فایده اجتماعی :۱- فایده ها و هزینه های غیرمستقیم به سختی قابل ارزش گذاری و اندازه گیری است.۲- تعیین نرخی است که فایده ها و هزینه های آتی را به حال بازگردانیم.(مثلاً پیش بینی هزینه ۳ سال دیگر)۳- تعیین الویت ها و اهداف، دولت منابع محدودی دارد، کدام طرح الویت دارد.۴- تعیین وزن برای هر فایده یا هزینه است که به وسیله آن جنبه عدالتخواهی و اخلاق مراعات می شود.کاهش اشتباه در تصمیم گیری و انحرافات در بکارگیری راهنمائی فنی و ارزش ها توسط تحلیلگر :۱- تحلیلگر باید همواره مجموعه ای از تصمیمات را برای مقایسه عرضه کند.۲- اهداف باید با صراحت کامل بیان شود.۳- تحلیلگر باید تمامی فایده ها و هزینه ها را در فهرست خویش بیاورد.۴- تحلیلگر در کار خویش باید از اصول ثابتی پیروی کند.نکات : هر چه نقش رای دهندگان بیشتر و آگاهانه تر باشد شکست دولت ابعاد کمتری میابد.نظریه بازی ها نشان میدهد که همکاری و اعتماد متقابل در فعالیت های اقتصادی موجب کاهش هزینه می شود.نظریه انتخاب عمومی کوششی است برای درک آنچه هست.* * * * *فصل هفتم : منبع اصلی تامین هزینه های دولت مالیات میباشد و اخذ مالیات نقشهای هم در کنترل بازار دارد از قبیل تعدیل درآمدها و محدود سازی آثار خارجی منفی. مالیات بخشی از تولید ملی است. وقتی دولت مالیات می گیرد بر رفتار، انگیزه ها و انتخابهای مردم اثر می گذارد.سه نقش اصلی دولت در بودجه : ۱- تخصیص ۲- تثبیت ۳- توزیعبودجه چهره مالی مدیریت عمومی کشور می باشد. دولت از بودجه برای برنامه ریزی و مدیریت و مراقبت از امور مالی خویش استفاده می کند. بودجه هزینه های برنامه ریزی شده برای طرحهای دولت را و نیز درآمدهای مورد انتظار از نظام مالیاتی را در طی یکسال مالی نشان می دهد. بودجه صورتحسابی از دریافتها و پرداختهای برنامه ریزی شده دولت برای یک دوره زمانی آینده (معمولاً یکسال) است. در بودجه تعادل کل اقتصاد در نظر گرفته می شود.چهار عنصر مهم در بودجه کشور : (یک تعریف ساده از بودجه : بودجه برنامه ای است برای رسیدن به اهداف قانونی.)۱- اهداف و برنامه های دولت ۲- درآمدها و هزینه های دولت ۳- پیش بینی آینده ۴- دوره زمانی خاص بودجه کل کشور به چند بخش تقسیم می شود :۱- بودجه عمومی دولت: پیش بینی دریافتها و منابع تامین اعتبار – پیش بینی پرداخت ها برای اعتبارات جاری، عمرانی۲- بودجه شرکتهای دولتی و بانکها : پیش بینی درآمدها – منابع تامین اعتبار۳- بودجه موسساتی که غیر از این عناوین را داشته باشنددلایل اهمیت بودجه :۱- تخصیص منابع محدود با برنامه ریزی براساس اولویتها (تخصیص بهینه و کارا).۲- موجب هماهنگی بین برنامه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است.۳- امکان نظارت بر عملکرد دولت و امکان قضاوت درباره گذشته دولت و پایبندی به وعده ها.۴- قدرت را در جامعه تقسیم می کند و بعضی از سازمانها و اهداف را حمایت می کند.۵- هنجارهای زندگی مردم در یک فرهنگ سیاسی را آشکار می سازد.۶- سیاستگذاری عمومی – تبدیل تعهدات به پول- برنامه های از دست رفته و منحرف شده را مورد بررسی قرار میدهد.۷- نشان دهنده اقتدار دولت است. سیاستگذارن تصمیم می گیرند چه برنامه های اجرا شود.عوامل موثر بر اداره عمومی جامعه :۱- ساختار قانونی و سیاسی ۲- نیروی انسانی ۳- روابط و ساختار سازمانی و مقررات جارینکته : بودجه بندی در شکل بهینه خود یکی از عوامل متعدد مدیریت عمومی است.ارتباط قدرت و تابعین در کنار مالیه اهمیت دارد. اولی در دیوانسالاری و دومی در بودجه متجلی است.بودجه برای یک سال شمسی تهیه می شود که به آن سال مالی می گویند.مهمترین اصول از میانه اصول های بودجه :۱- اصل سالیانه بودن ۲- اصل وحدت ۳- اصل جامعیت ۴- اصل تفصیل ۵- اصل تعادل۶- اصل تخصیص و انعطاف پذیری ۷- اصل برآوردی بودن درآمدها ۸- اصل محدود بودن مخارج نکته ای که باید در مخارج رعایت شود :هزینه های انجام شده

تاثیر انتشار سهام جایزه بر سهام شرکتهای بورس

تاثیر انتشار سهام جایزه برسهام شرکتهای بورسزهرا قادری

بررسی تاثیر انتشار سهام جایزه بر بازده سهام شرکتهای پذیرفته شده دربورس اوراق بهادار تهران: چکیده: تحقیقات انجام شده در سایر کشورها نشان می دهد که سرمایه گذاران، عکس العمل مطلوب ومثبتی در مقابل انتشار اخبار مربوط به سهام جایزه نشان داده اند . به عبارت دیگر نتایج بدست آمده نشان می دهد که نرخ بازده سهام شرکتهایی که سهام جایزه توزیع کرده اند بیشتر از نرخ بازده شرکتهای دیگر بوده است .گروهی از محققان بازده بالاتر را بمنزله باارزش بودن سهام جایزه تلقی کرده اند ولی گروه دیگر براین باورند که بازده بیشتر اینگونه سهام ناشی از محتوای اطلاعاتی سهام جایزه است وسهام جایزه به خودی خود ارزشی ندارد. در این تحقیق رابطه بین انتشار سهام جایزه ونرخ بازدهی سهام (سهامداران) مورد بررسی قرارگرفته است .در این تحقیق سه فرضیه در مورد تاثیر انتشار سهام جایزه بربازدهی ،سود سهام ،سود تقسیمی صورت گرفته است. ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قالب فراوانی ۱۱۹نمونه با احتساب سالهای انتشار سهام جایزه مورد بررسی قرار گرفتند. بااستفاده از روش آماری تی تست زوجی (Paired T-test) فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می دهد که انتشار سهام جایزه بربازدهی سهام شرکتها تاثیر مثبت دارد اما درمورد سود سهام وسود تقسیمی ارتباط معنا داری وجود ندارد.به نظر می رسد مهمترین عوامل در این زمینه کارآیی ضعیف بورس اوراق بهادار تهران وناآگاهی نسبی (سرمایه گذاران در برخی موارد مدیران) از سهام جایزه می باشد. مقدمه :یکی از موضاعاتی که کنجکاوی سرمایه گذاران و متخصصان مالی در بورس اوراق بهادار را برانگیخته، تأثیر سهام جایزه بر نرخ بازده سهام است . بر اساس تحقیقی که بر روی قیمت سهام شرکتهای منتشر کننده سهام جایزه انجام گرفته است بررسی رفتار قیمت سهام آن شرکت ها در قبل و بعد از سهام جایزه نشان می دهد که در نیمی از موارد قیمت سهام بعد از سهام جایزه مساوی یا بیشتر از قیمت سهام در قبل از اعطای سهام جایزه بوده است . چنین مشاهداتی دلیل محکمی بر غیر کارا و غیر عقلایی بودن بازار سهام ایران است . یکی از عوامل مهمی که بر قیمت سهام و بالطبع بر ثروت سهامداران تأثیر می گذارد چگونگی تقسیم سود می باشد . با اینکه به نظر می رسد سهامداران در ایران سهام جایزه را به سود نقدی ترجیح می دهند تأمل در این موضوع بیانگر این واقعیت است که اگر نسبت به آگاهی سهامداران در مورد ماهیت سهام جایزه اقدام نشود این احتمال وجود دارد که سهامداران عمده بعضی از شرکتها با انتشار سهام جایزه و متورم نمودن ارزش سهام خود مبادرت به فریب سهامداران اقلیت یا مردم عادی نموده و به این وسیله به اعتماد عمومی به بازار سهام لطمه وارد کنند.مروری به کتابها و مقالات مالی نشان می دهد ، متخصصان و صاحبنظران مالی عقاید متفاوتی در باره ارزش سهام جایزه دارند. برخی از آنها معتقدند چنانچه درصد سهام جایزه در حد پایینی باشد انتشار سهام جایزه موجب افزایش ثروت سهامداران می گردد ، اما پاره ای دیگر بر این باورند که چون سهام جایزه موجب گسترش مالکیت سهام و حفظ نقدینگی در شرکت می شود،سهام جایزه دارای ارزش است و صدور آن به هر میزان موجب افزایش ثروت سهامداران می گردد. گروه دیگر اظهار می کنند که چون صدور سهام جایزه تأثیری بر میزان سود دهی و ریسک شرکت نمی گذارد بنابراین تأثیری نیز بر ارزش شرکت و ثروت سهامداران نخواهد گذاشت . نتایج به دست آمده در سایر شرکتها نشان می دهد که نرخ بازده سهام شرکتهایی که سهام جایزه توزیع کرده اند بیشتر از نرخ بازده شرکتهای دیگر بوده است . گروهی از محققان بازده بالاتر را به منزله با ارزش بودن سهام جایزه تلقی کرده اند ولی گروهی دیگر بر این باورند که بازده بیشتر اینگونه سهام ناشی از محتوای اطلاعاتی سهام جایزه است و سهام جایزه به خودی خود

ارزشی ندارد .هدف از این تحقیق مطالعه تأثیر انتشارسهام جایزه بر بازدهی سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با روش های عملی می باشد.با توجه به مطالب مذکور اهمیت تحقیق از دیدگاههای متفاوتی می تواند مورد توجه قرار گیرد از جمله : سرمایه گذاران و مدیران شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جهت انتشار سود سهمی به جای سود نقدی با توجه به پیامدهای آتی قیمت بازار سهام نسبت به آن ابزار و در نهایت ارائه راهکارها و پیشنهادهایی در جهت هدایت بازار به سمت کارایی و رونق بیشتر . تعاریف واژه های عملیاتیسهام جایزهافزایش سرمایه ازمحل اندوخته ها را سهام جایزه می گویند.بازده سهامبه مقدار درآمدی اطلاق می شود که در نتیجه سرمایه گذاری عاید سهام دار می شود.سود تقسیمیمقدار سود نقدی که پس از تصویب در مجامع عادی به سهامداران تعلق می گیرد.سود سهاممیزان سود قطعی شرکت در آن دوره مالی که با تشکیل مجمع عادی سالیانه اعلام می شود.بیان مسئلهیکی از موضوعاتی که کنجکاوی سرمایه گذاران ومتخصصان مالی در بورس را برانگیخته، تاثیر سهام جایزه برنرخ بازده سهام است . مشاهدات روزمره نشان می دهد که سهامداران ایرانی علاقه خاصی به سرمایه گذاری در سهام شرکتهایی که قصد صدور سهام جایزه دارند،نشان می دهند. تحولات چند سال اخیردر اقتصاد ایران آثار چشمگیری بر مدیریت مالی شرکتها گذاشته است از جمله افزایش نرخ ارز وسطح عمومی قیمت ها به همراه هدف دستیابی به توسعه یافتگی ،باعث افزایش میزان نقدینگی مورد نیاز شرکتهای ایرانی شده است .این افزایش نیاز در شرایطی است که بانکها وموسسات اعتباری نیز منابع مالی کافی برای تامین نقدینگی شرکتها در اختیار ندارند از طرفی بالابودن هزینه تسهیلات اعطایی بانکها عامل بازدارنده دیگر می باشد این شرایط،شرکتها را ناگزیر به سمت افزایش سرمایه به عنوان تنها ابزار باقیمانده تامین مالی سوق داده است. از نظر مالی سهام جایزه هیچ گونه ارزش اقتصادی ندارد ومحققان تاکنون هیچ دلیلی دال بر ارزشمند بودن سهام جایزه پیدا نکردند عقاید مرسوم حاکی از آن است که سهامداران هیچ نفع واقعی از سهام جایزه نمی برند سهام جایزه برارزش حقوق صاحبان سهام نمی افزاید بلکه تنها ترکیب آنها را به هم می زند به طوری که در غالب موارد سرمایه وسود انباشته درست به اندازه یکدیگر تغییر متقابل میکنند.سهام جایزه دارای یک تاثیر مثبت روانی بر سرمایه گذاران است باوجودی که تعداد سهام افزایش می یابد لیکن برای شرکت هیچ گونه وجه جدیدی را به همراه ندارد از جنبه نظری نیز ارزش اقتصادی کل شرکت تغییر نمی کند زیرا باانتشار سهام جایزه ارزش هرسهم به تناسب کاهش می یابد اما اگر انتشار سهام جایزه تنها تغییر صوری محسوب می شود پس چرا شرکتها به توزیع آن اقدام می کنند؟بویژه اینکه چنین عملی برای شرکت هزینه واقعی نیز به دنبال دارد در این تحقیق با سوالاتی از قبیل:۱-آیا شرکتهایی که اقدام به انتشار سهام جایزه نموده اند سود سهام آنها در سالهای بعد از انتشار بالا رفته است؟ ۲- آیا می توان گفت سود تقسیمی شرکتهای انتشار کننده سهام جایزه رشد بالایی داشته ؟۳-آیا انتشار سهام جایزه بربازدهی شرکتهای پذیرفته شده در بورس تاثیری دارد؟اهداف تحقیقهدف اصلی : انتشار سهام جایزه واثرات آن بر بازدهی سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهراناهداف جزیی:بررسی سود سهم ( )در سالهای قبل وبعد ازانتشار سهام جایزهبررسی سود تقسیمی( )در سالهای قبل وبعد ازانتشار سهام جایزهاهمیت تحقیقبر اساس تحقیقی که بر روی قیمت سهام شرکتهای منتشر کننده سهام جایزه انجام گرفته است بررسی رفتار قیمت سهام آن شرکت ها در قبل و بعد از سهام جایزه نشان می دهد که در نیمی از موارد قیمت سهام بعد از سهام جایزه مساوی یا بیشتر از قیمت سهام در قبل از اعطای سهام جایزه بوده است . چنین مشاهداتی دلیل محکمی بر غیر کارا و غیر عقلایی بودن بازار سهام ایران است . یکی از عوامل مهمی که بر قیمت سهام و بالطبع بر ثروت سهامداران تأثیر می گذارد چگونگی تقسیم سود می باشد . با اینکه به نظر می رسد سهامداران در ایران سهام جایزه را به سود نقدی ترجیح می دهند تأمل در این موضوع بیانگر این واقعیت است که اگر نسبت به آگاهی سهامداران در مورد ماهیت سهام جایزه اقدام نشود این احتمال وجود دارد که سهامداران عمده بعضی از شرکتها با انتشار سهام جایزه و متورم نمودن ارزش سهام خود مبادرت به فریب سهامداران اقلیت یا مردم عادی نموده و به این وسیله به اعتماد عمومی به بازار سهام لطمه وارد کنند. پس از اینکه مجامع عمومی فوق العاده تصمیم به دادن درصد خاصی از سهام جایزه را می گیرند به دنبال آن فعل و انفعالاتی در بازار بورس اتفاق می افتد و عکس العمل سهامداران را با توجه به درصدهای پیشنهادی نسبت به قیمت بازار سهام شرکتهایی که سهام جایزه توزیع خواهند کرد را موجب می شود . تأمل در موضوع بیانگر این واقعیت است اگر نسبت به آموزش عموم در مورد سهام جایزه وتجزیه سهام اقدام نشود ،این احتمال وجود دارد که سهامداران عمده بعضی از شرکتها با انتشار سهام جایزه ومتورم کردن ارزش سهام خود مبادرت به فریب دادن مردم کرده وبه این وسیله به اعتماد عمومی به بازار سهام لطمه وارد کنند . این تحقیق می تواند روشنگر نکات مبهمی در مورد سهام جایزه باشد وسرمایه گذاران را نسبت به چگونگی اثرات جایزه آگاه سازد به عنوان یک ابزار آموزشی از اهمیت ویژه برخوردار خواهد بود با توجه به مطالب مذکور اهمیت تحقیق از دیدگاههای متفاوتی می تواند مورد توجه قرار گیرد از جمله : سرمایه گذاران و مدیران شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جهت انتشار سود سهمی به جای سود نقدی با توجه به پیامدهای آتی قیمت بازار سهام نسبت به آن ابزار و در نهایت ارائه راهکارها و پیشنهادهایی در جهت هدایت بازار به سمت کارایی و رونق بیشتر . فرضیات۱.ارتباط معناداری بین انتشار سهام جایزه بربازدهی قبل وبعد سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد۲.سود سهام شرکتهای منتشرکننده سهام جایزه در سالهای پس از انتشار از رشد بالاتری نسبت به سالهای قبل برخوردارمی باشد۳.سود تقسیمی شرکتهای منتشرکننده سهام جایزه در سالهای پس از انتشار افزایش یافته است.قلمرو مکانی تحقیققلمرو مکانی در این تحقیق تمامی شرکتهای پذیرفته شده دربورس اوراق بهادار تهران که سهام جایزه منتشرکرده اند می باشد . قلمرو زمانیقلمرو زمانی در نظر گرفته شده برای این تحقیق از سال ۷۰تا ۸۷ یعنی یک دوره ۱۷ ساله مد نظر بوده است.مروری برادبیات تحقیقتاریخچه سهام جایزهسوابق اولیه سهام جایزه به دوران الیزابت برمی گرد د.کمپانی هند شرقی اولین شرکتی بود که درسال ۱۶۸۲به میزان ۱۰۰درصد سهام جایزه اعلان کرده درنتیجه قیمت سهام از ۴۶۰ به ۱۵۰کاهش پیداکرده.به عبارت دیگر سهام جایزه باصددرصد باعث کاهش ۶۷٪قیمت بازار شد.درطی قرون ۱۸و۱۹ سهام شرکتهای برتیانیائی به کرات توزیع شد.درآمریکابرای اولین بار شرکت راه آهن نیویورک درسال ۱۸۹۶سهام جایزه اعلان کرده است .تجزیه سهام از اوایل قرن بیستم رواج یافت.مثلازمیان ۸۳۷شرکت پذیرفته شده در بورس نیویورک بیش از ۱۵۰شرکت یک یاچند بار در طی سالهای ۱۹۲۱تا۱۹۳۰اقدام به تجزیه سهام خود کردند.شرکت ولت ادیسون(۱) سیاست تقسیم سودی را اتخاذ نمود که براساس آن به هر سهمی ۲دلار سود نقد می داد وبقیه درآمدهای جاری شرکت را بصورت جایزه توزیع می کردبه گونه های که مجموع دریافتی هر سهامدار از سود نقدی وجایزه معادل با کل درآمد هر سهم سالانه بود .اتخاذ چنین سیاستی در نیمه قرن بیستم اگر چه مورد مخالفت شرکتهای عام المنفعه قرار گرفت امابرخی از تحلیلگران مالی از جمله جی وتر لسون(۲) آن را یک حرکت انقلابی نامید .درواقع بعد از کمپانی هند شرقی طرح شرکت فوق طرح منحصر به فردی بود که به سهامداران اجازه می داد تا میان سود سهام به صورت نقد یا به صورت سهام جایزه دست به انتخاب بزنند.شرکتهای صنعتی عام المنفعه در آن زمان از توزیع سهام جایزه خودداری می کردند.زیرا آنان احساس می کردندکه سهامداران بیش از هر چیزی به درآمدهای مطمئن(سودنقدی)وآماده علاقمندند. درایالات متحده تا جنگ جهانی اول انتشار سهام جایزه به صورت پراکنده انجام می گرفت واز حوادث نادر به شمار می رفت.سهام جایزه چیست؟سهام جایزه یا سود سهمی۱ سود سهامی است که به شکل سهام عادی اضافی به جای وجه نقد به سهامداران واگذار می شود .اعطای سهام جایزه یکی از طرق تقسیم سود بین سهامداران است. درمواردی که سودهای تقسیم نشده رقم قابل توجهی رادرترازنامه شرکتها تشکیل دهد.ویا حتی در یکسال مالی چنانچه شرکت بخواهد از تقسیم تمام یا قسمتی از سود سال که رقم بالنسبه قابل ملاحظه ای باشد خودداری کند می توانند بجای تقسیم سودسنواتی یاسود سال،مبادرت به اعطای سهام به سهامداران بنماید. به عبارت دیگر سود سهمی یا سهام جایزه یعنی شرکت بجای پرداخت سود(به صورت وجه نقد) اقدام به توزیع سهام جایزه نماید.سهام جایزه ،یک نوع افزایش سرمایه است که سهامداربابت سهام جدیدی که دریافت می کند وجهی پرداخت نمی کند،بلکه وجوه آن از محل سود انباشته یا اندوخته ها کسر خواهد شد. پس از توزیع سهام جایزه، قیمت سهم کاهش می یابدپیشینه تحقیقبارکروفیلیپس(۱۳۷۲) مدیران به عنوان کسانی که درون شرکت هستند اطلاعات وتخمین های بهتری نسبت به چشم انداز آتی شرکت دارند وبنابراین می توانند از طریق تصمیمات مالی به صورت هدایت شده ای انتقال دهنده اطلاعات داخلی

به سرمایه گذاران خارج از شرکت باشند به عقیده آنها مدیران از سهام جایزه برای علامت دادن اخبار خوب استفاده می کنند مقاله معروف آقایان(فاماوفیشروجانسون ورول) است. آنان در این مقاله سرعت تغییر قیمت سهام را پس از انتشار اخبار مربوط به تجزیه سهام بررسی کردند.همچنین تحقیق کردند که آیا نرخ بازده سهام درماههای قبل وبعد از تجزیه سهام غیر عادی است یا خیر .لکو تیشوک وبرلو(۱۳۶۶) در مطالعات خود دریافتند که بازار نسبت به اخبار مربوط به اعلان سود نقدی وتجزیه سهام واکنش مثبت نشان می دهد. همچنین بررسی آنها نشان داد که سود نقدی بیشتر اوقات بعد از اعلان تجزیه سهام افزایش زیاد می یابد آنها به نتیجه رسیدند که تجزیه سهام نمی تواند وجوه نقد شرکت را حفظ کند در نتیجه فرضیه پیام رسانی در تحقیق این محققان مورد حساسیت قرارگرفت .مطالعات میکل سون ومارچ(۱۳۶۵) نشان داد وقتی که هدف از انتشار سهام تامین مالی مخارج سرمایه گذاری اعلام می شود متوسط کاهش قیمت سهام کمتر از حالتی است که هدف تامین مالی بدهیها می باشد. همچنین مطالعات آنها نشان دادیکی از دلایل کاهش قیمت سهام بعد از افزایش سرمایه نگرانی سهامداران نسبت به کاهش سود هر سهم است زیرا سود نقدی هرسهم تحت تاثیر سیاستهای تقسیم سود شرکت است وبنابراین تحت کنترل شرکت می باشد.تحقیقات داخلیعبده تبریزی ۱۳۸۲در تحقیق به بررسی بازده سهام جدید در مقایسه با بازده بازار وتعیین عوامل موثر برعملکرد مقدمات سهام جدید در بررسی اوراق بهادار تهران پرداختند.دراین تحقیق جامعه آماری شامل آن گروه از شرکتهایی بود که سهام آنها از ابتدای سال ۶۹ لغایت ۷۴ برای اولین بار در بازار بورس اوراق بهادار تهران مورد معامله قرار گرفتند بوداز میان ۱۳۹شرکت جدیدی که سهام آنها طی دوره زمانی فوق برای اولین بار مورد معامله قرارگرفته بود ۱۰۴ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند. این تحقیق عملکرد کوتاه مدت طی یک دوره ۲ ماهه وعملکرد بلند مدت طی یک دوره ۳۶ ماهه پس از اولین معامله در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت منابع حاصل از تحقیق به شرح زیر می باشدبیشترین بازده کوتاه مدت مربوط به سالهای ۶۹ تا ۷۰ بود بازده های کوتاه مدت اولیه شاخص خوبی برای پیش بینی بازده های بلند مدت نیستنددر بلند مدت شرکتهای خیلی کوچک وهمچنین شرکتهای خیلی بزرگ نسبت به سایر شرکتها،عملکرد بهتری دارندبین متغییراندازه شرکت وبازده بلند مدت رابطه وجود نداردبین بازده بلند مدت وحجم معامله سهام جدید در سال اول رابطه وجود نداردمتوسط نرخ بازده غیر عادی تجمعی ۱۰۴ شرکت نمونه از آغاز معامله در بورس اوراق بهادار تهران تا دوماه (دوره کوتاه مدت) سیر صعودی دارد وپس از ماه دوم علیرغم علیرغم تغییراتی که دارد در مجموع دارای روند نزولی هستند.سینایی ومحمودی ۱۳۸۴ در تحقیقی تاثیر این تجزیه سهام وسهام جایزه را بر بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند این محققین از انجام این تحقیق بررسی رفتار قیمت سهام پیرامون تصمیمات صنایع جهت اندازه گیری درجه کارایی بورس تهران بوده است قلمرو زمانی این تحقیق سالهای ۷۲-۸۰ وقلمرو مکانی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بود نمونه تحقیق متشکل از ۱۰ شرکت بود که در محدوده زمانی مذکور جمعا ۱۹۹ مورد تجزیه سهام وتوزیع سهام جایزه داشته اند. این تحقیق باتوجه به این نکته که به لحاظ نظری دو رویداد تجزیه سهام وتوزیع سهام جایزه نمی تواند موجب ارزشی برای شرکت باشد یعنی اخبار مربوط به این دو رویداد نباید بازده غیر عادی ایجاد نماید فرضیه تحقیق را به صورت زیر بیان کردند.میانگین بازده غیر عادی مورد مطالعه در تاریخ مجامع برابرصفر است در این تحقیق بازده غیر عادی به مدت ۲۳ ماه پیرامون ماه تجمع یعنی ۱۱ماه قبل از ماه مجمع فوق العاده و۱۱ ماه پس از ماه مجمع محاسبه گردید محققین برای محاسبه بازده مورد انتظار مدل بازار را مورد استفاده قرار دادند پس فراوانی تجمعی میانگین بازده های غیر عادی پیرامون ماه حادثه بررسی شد.نتایج تحقیق بیانگر وجود افزایش شدید بازده تا ماه قبل از مجمع وسپس کاهش چشمگیر معنادار میباشد بر طبق یافته ها یک ماه پس از مجمع این روند حالت یکنواخت وثابتی پیدا می کنداز آنجا که در سال ۷۵ شاخص های اقتصادی در بورس تغییر معناداری داشته اند.برای بررسی تحقیق دوره زمانی ۷۵-۷۲ بازده غیر عادی تجمعی در دوره قبل ازمجمع مثبت واز یک ماه قبل از مجمع تا۵ ماه بعد صفر یا نزدیک به صفر بود.دردوره فرضی ۷۶-۸۰ فراوانی تجمعی میانگین بازده های غیر عادی نشان داد که تا یک ماه قبل از مجمع بازده غیرعادی تجمعی مثبت بوده است اما از یک ماه قبل از مجمع تا بعد از آن به طور معناداری کاهش پیدا کرده است . همه نتایج بدست آمده دلالت بر عدم کارایی بورس اوراق بهادار تهران در سطح نیمه قوی دارند. زیرا بازده های غیر عادی تجمعی در سالهای مورد مطالعه وجودداشته است در حالیکه این مقدار باید نزدیک صفر باشد.روش تحقیقتحقیق فوق یک تحقیق زمینه یابی است تحقیق زمینه یابی عبارت است از مشاهده یافته ها به منظور تحقیقات جنبه های مختلف اطلاعات جمع آوری شده معمولا- تحقیقات زمینه یابی به منظور کشف واقعیتهای موجود آنچه که هست انجام می شوند در اینگونه تحقیقات محقق در حوزه علت بحث نمی کندبلکه تنها به چگونگی آن در جامعه مورد پژوهش می پردازد. هدف محقق از انجام این پژوهش توصیف عینی ،واقعی ومنظم خصوصیات یک موقعیت با یک موضوع است دراین تحقیقات پژوهشگر سعی می کند آنچه را که هست بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهدنتایج عینی را از موقعیت بگیرد.در این تحقیق کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه بازده در قالب فایلهای اکسل طراحی گردید برای تجزیه وتحلیل اطلاعات از نرم افزار spss استفاده می گرددجامعه آماریجامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکتهای پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۷۰تا۸۷ می شود. که در این محدوده زمانی ۹۵ شرکت افزایش سرمایه از طریق اندوخته داشتند .نمونه آمارینمونه آماری در این پژوهش برحسب فرضیات وشروط آنهاوهمچنین باتوجه به جدول مورگان ۷۶شرکت امابا درنظر گرفتن تعداد دفعات انتشار در طول دوره زمانی مورد تحقیق که به ۱۱۹ شرکت رسیدانتخاب شده است .در این پژوهش از نمونه گیری تصادفی استفاده شده که با احتمال وشانس برابر انتخاب می شوندنمونه گیری تصادفی روشی برای انتخاب بخشی از جامعه است بگونه ای که همه نمونه های ممکن برای انتخاب شدن احتمال یکسان داشته باشند .-نمونه شامل شرکتهایی می باشند که از سال ۷۰ تا ۸۷ بطورمداوم فعالیت داشتند- طی سالهای ۷۰ تا ۸۷ افزایش سرمایه ازطریق اندوخته داشته باشندکلیه شرکتهایی که دارای دو ویژگی بودند به عنوان نمونه انتخاب شدندروش جمع آوری داده هادر این پژوهش به منظور استخراج وجمع آوری اطلاعات لازم به منابع اطلاعاتی موجود در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از جمله فصل نامه ها ، گزارشات ومقالات مربوطه و...استفاده شده استابزار جمع آوری اطلاعاتدر این پژوهش ازمطالعات آرشیوی استفاده شده بدین صورت که از سایت سازمان بورس اوراق بهادار وهمچنین از بسته های نرم افزاری موجود از جمله نرم افزار ره آورد نوین وتدبیر...استفاده شده استروش تجزیه وتحلیل اطلاعاتدر این پژوهش برای تجزیه وتحلیل اطلاعــات از نرم افزار spssاستفاده شده است وبرای انتخاب آماره مناسب جهت آزمون فرضیات از آزمون کولموگروف اسمیرنف آزمون نرمال بودن متغییرهای مورد اندازه گیری یعنی (بازدهی ،سود،سودتقسیمی)استفاده شدکه در هر سه مقدار pبیشتر از ۰۵/۰شده لذا پاسخها نرمال است برای انتخاب آماره مناسب جهت آزمون فرضیه های تحقیق می بایستی از آزمونهای پارامتری استفاده نماییم با توجه به نوع فرضیه های تحقیق آزمون مناسب ،آزمون تی تست زوجی می باشدنتایج فرضیات تحقیقبا توجه به نتایج بدست آمده درمورد فرضیه اول چون سطح معنادار بدست آمده ۰.۰۰از۰.۰۵=a کوچکتر است نتیجه می گیریم که بین بازده قبل وبازده بعد از انتشار سهام جایزه رابطه معناداری وجود دارد وهمبستگی بین بازده قبل وبعد ۰.۹۱است.وهمچنین اختلاف بین میانگین های بازده قبل وبعد بدست آمده نشان می دهد سطح معنادار بدست آمده ۰.۰۰می باشد که از ۰.۰۵=a کوچکتر است پس نتیجه می گیریم که فرض H۱پذیرفته می شود یعنی اختلاف بین میانگین های انتشار سهام جایزه بر بازدهی قبل وبعد وجود دارد.با توجه به نتایج بدست آمده درمورد فرضیه دوم چون سطح معنادار بدست آمده ۰.۰۶از۰.۰۵=a بزرگتر است نتیجه می گیریم که بین EPSقبل و EPS بعد از انتشار سهام جایزه رابطه معناداری وجود ندارد وهمبستگی بین EPS قبل وبعد ۰.۱۷است.وهمچنین اختلاف بین میانگین های EPS قبل و EPS بعد نشان می دهد . که سطح معنادار به دست آمده ۰.۲۲ می باشد که از ۰.۰۵ =a بزرگتر است پس نتیجه می گیریم که فرض صفر پذیرفته می شود یعنی سود سهامEPS شرکت های منتشر کننده سهام جایزه در سالهای پس از انتشار از رشد بالاتری نسبت به سالهای قبل از انتشار برخوردار نمی باشد . یا به عبارت دیگر اختلاف بین میانگین های سود سهام EPS منتشر کننده سهام جایزه در سالهای قبل و بعد وجود ندارد.با توجه به نتایج بدست آمده درمورد فرضیه سوم چون سطح معنادار به دست آمده ۰.۱۱ از ۰.۰۵ =a بزرگتر است نتیجه می گیریم که بینDPS قبل و DPS بعد از انتشار سهام جایزه رابطه معناداری وجود ندارد و همبستگی بینDPS قبل و بعد ۰.۲۳می باشدونیزاختلاف بین میانگین های

DPS قبل و DPS بعد نشان می دهد . سطح معنادار به دست آمده ۰.۲۶ می باشد که از α= ۰.۰۵ بزرگتر است پس نتیجه می گیریم که فرض صفر پذیرفته می شود یعنی سود سهام DPS شرکت های منتشر کننده سهام جایزه در سالهای پس از انتشار افزایش نیافته است . یا به عبارت اختلاف بین میانگین های سود سهام DPS شرکت های منتشر کننده سهام جایزه در سالهای پس از انتشار افزایش نیافته است.نتیجه گیری :در تحقیق حاضر آزمون فرضیه ها با روش های تی تست زوجی با استفاده از نرم افزار SPSS مورد آزمون قرار گرفت .نتایج بررسی فرضیه ها نشان می دهد که فرضیه اول با ضریب اطمینان بالا تأیید شد . در رابطه بااین فرضیه که در آن شرکتها که از طریق اندوخته افزایش سرمایه به صورت سهام در دوره مورد مطالعه (۷۰-۸۷) نه تنها بدون تأثیر نبوده بلکه دارای رقم با معنی نیز می باشد . و همچنین مشاهده می شود بین درصد بازده غیر عادی سهام ودرصد سهام اعطایی شرکت، رابطه مثبتی وجود دارد .شرکتهایی که درصد سهام جایزه اعطا کرده اند درصد بازده غیر عادی آنها نیزبیشتر بوده است .با توجه به این فرضیه می توان نتیجه گرفت که علائم انتشار اخبار سهام جایزه دورنمای مطلوبی برای شرکت دارد وبه همین دلیل بازار عکس العمل مطلوبی نسبت به انتشار سهام جایزه نشان می دهد . همچنین بررسی قیمت سهام در قبل وبعد از سهام جایزه نشان می دهد که در نیمی از موارد قیمت سهام بعد از سهام جایزه مساوی یا بیشتر از قیمت سهام در قبل از سهام جایز بوده است .چنین مشاهداتی دلیل محکمی بر غیر کاراوغیر عقلانی بودن بازار سهام ایران است اما فرضیات دوم و سوم به دلیل سطح معنی دار به دست آمده بیشتر از حداقل مقدار قابل پذیرش رد شدند. فرضیه دوم که رشد سود سهام EPS شرکتهای منتشر کننده سهام جایزه را در سالهای پس از انتشار مورد آزمون قرار داد .P<۵٪ رد شد در واقع رابطه معنا داری بین رشد EPS شرکتها در سالهای پس از انتشار سهام جایزه با قبل آن وجود ندارد.همچنین فرضیه سوم که افزایش سود سهام DPS شرکتهای منتشر کننده سهام جایزه را در سالهای پس از انتشار مورد آزمون قرار داد .P<۵٪ یعنی سطح معنا دار بدست آمده ۲۶٪ نیز رد شد.درمورد رد فرضیات فوق می توان به این نتیجه رسید که شایدبین مدیران شرکتها وسهامداران از نظر آگاهی واطلاعات واقعی (محتوای اطلاعاتی) فاصله زیادی وجود داشته باشد مدیران برای جبران کمبود نقدینگی ویا بحران بوجود آمده در شرکت اقدام به انتشار سهام جایزه می کنند غافل از آنکه درپی انتشار وزیاد شدن تعداد سهام در دست سهامداران مسئولیت سنگینی را در رابطه با سود آوری بعدی شرکت عهده دار می شوند وسهامداران به دنبال افزایش سرمایه منتظر سود بیشتر دریافتی هرسهم وسود تقسیمی هستند که بارد فرضیات مربوطه یعنی کاهش سود سهام وسود تقسیمی نشان از ناآگاهی نسبی مدیران وسهامداران از ماهیت اصلی سهام جایزه وانتظارات بعد از آن همانگونه که در برخی از بازارهای کاراتر از نظر نیمه قوی وقوی کشورهای پیشرفته وجود دارد حکایت می کند.در بورس اوراق بهادار تهران ،انتشار سهام جایزه نشانه ای از آینده مطلوب وروبه رشد شرکتها نیست . با توجه به نتیجه مورد مطالعه بالا چنین به نظر می رسد که در غالب موارد بازدهی سهام تحت تأثیر این حادثه (توزیع سهام جایزه) قرار گرفته اند که این بیشتر از ناکارآمدی بورس تهران حکایت می کند و به نظر می رسد که سرمایه گذاران از آثار سهام جایزه آگاهی کافی ندارند. سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار بصورت عقلائی رفتار نمی کنند چراکه نه تنها پس از افزایش سرمایه (انتشار سهام جایزه) قیمتها را به اندازه کافی تعدیل نمی کنند، بلکه بی آنکه دلایل روشنی داشته باشند خواهان خرید سهام شرکتهایی هستند که اقدام به انتشار سهام جایزه می نمایند.پیشنهادها :پیشنهادهای مبتنی بر تحقیق :۱- پیشنهاد می شود که مدیران در انتشار سهام جایزه (افزایش سرمایه از طریق اندوخته ها) دقت کافی نمایند تا در سالهای آتی بعد از انتشار (سهام جایزه)دچار مشکل نشوند زیرا سهامداران به دلیل اینکه در آینده با در دست داشتن تعداد سهم بیشتر سود نقدی بیشتری دریافت خواهند نمود از این مسئله (انتشار سهام جایزه) استقبال می کنند که در این صورت مسئولیت مدیریت در تقسیم سود در سالهای آینده بیشتر می شود ، اگر پس از توزیع سهام جایزه ، سود سالهای آینده به میزان کافی افزایش نیابد ، سود هر سهم کاهش خواهد یافت و سهام رقیق می شود.۲- شرکتها علاوه بر توزیع سد سهمی (سهام جایزه) و در نظر گرفتن اندوخته های قانونی که منجر به جلوگیری از خروج وجه نقد از شرکت می شود ، بهتر است برای پرداخت بدهی های بلند مدت و مبالغ بالا ، اندوخته ای از سود انباشته در هر سال در نظر بگیرند.۳- توصیه می شود که شرکتها به منظور کاهش قیمت بازار و ایجاد بازار پر رونق برای سهام خود ، سهام جایزه منتشر کنند و این مطلبی است که به نظر می آید شرکتها به آن توجه کمتری دارند و از سهام جایزه ، فقط در موارد کمبود نقدینگی و در مواردی وجود طرحهای توسعه استفاده می کنند.۴- لازم است مسئولین ودست اندرکاران بورس برای رفع نقایص ،معایب وضعف های بورس وهمچنین برای جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی ، بر قیمت سهام بعد از مجمع کنترل داشته باشند یا اینکه تمهیداتی بیاندیشند که سرمایه گذاران در بورس را با ماهیت سهام جایزه آشنا سازند .۵-چنانچه مسئولان مملکتی نسبت به آموزش عموم در مورد ماهیت سهام جایزه وتجزیه سهام اقدام نکنند،این احتمال وجود دارد که سهامداران عمده بعضی از شرکتها با انتشار سهام جایزه ومتورم کردن ارزش سهام خود مبادرت به فریب دادن مردم کرده ، به این وسیله به اعتماد عمومی به بازار سهام لطمه وارد کنندپیشنهاد ها برای تحقیقات آتی :۱ - تحقیقاتی در زمینه دلایل انتشار سهام جایزه در یک صنعت خاص مثل صنعت دارو انجام شود.۱- پیشنهاد مطالعات تطبیقی بین بورس ایران و بورسهای سایر کشورهای منطقه در زمینه سهام جایزه می تواند مفید باشد .۲- پیشنهاد می شود که این تحقیق را برای بدست آوردن نتیجه بهتر درمورد سود سهام در یک دوره ۴یا ۵ساله در نظر بگیرند۳- همچنین می توان آثار اطلاعاتی چنین رویدادی با توجه به اندازه شرکت (کوچک وبزرگ) جهت بررسی این مطلب که کدام یک ازشرکتهای مزبور با اعلان چنین رویدادی شتاب بیشتری به خود می گیرد انجام داد

منابع وماخذ۱-آلدون اس،ه وهمکاران ۱۳۶۹،تئوریهای حسابداری ، علی پارسائیان، جلد دوم۲-پورنسب، تالانه، امیر وعبدالرضا، خط مشی تقسیم سود وارزشگذاری سهام ، تحقیقات مالی ،پاییز ۱۳۷۳، شماره ۴۳-تهرانی ، رضا ، سال ۱۳۷۸،،مدیریت مالی ،نشر نگاه دانش ،چاپ چهارم۴-جهانخانی ، عباسی ، علی وابراهیم ، تاثیر سهام جایزه بر قیمت سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ، تحقیقات مالی ،زمستان ۱۳۷۰ ، شماره ۱۵۵-جهانخانی ، علی ، شیوه های تامین مالی شرکتها در شرایط کنونی بازار سرمایه ایران ، ماهنامه حسابدار ، ۷۳، شماره ۱۰۸-۱۰۷۶-جهانخانی ،علی ،مدیریت سرمایه گذاری وارزیابی اوراق بهادار تهران ،۱۳۷۸،جلد دوم۷-جهانخانی،سینایی،علی وحسنعلی ،بررسی پیرامون سهام جایزه وتجزیه سهام در بورس اوراق بهادار تهران ،پایان نامه دکترا۱۳۷۲۸- جنابی ،سلیمانی، بررسی ارتباط بین تغییرات اقلام صورت جریانات نقدی با تغییرات بازده سهام در شرکت بورس اوراق بهادار تهران ،پایان نامه کارشناسی ارشد ،دانشگاه بروجرد ،به راهنمایی حسن جنابی ۹-خاکی ، غلامرضا ، ۱۳۸۲،روش تحقیق در مدیریت ، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی ،چاپ دوم۱۰-دستگیر ، محسن ، ۸۱ ، مبانی مدیریت مالی ، نوپردازان ، چاپ اول۱۱-راعی ، تلنگی ، رضا واحمد ، مدیریت سرمایه گذاری پیشرفته ، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ، چاپ اول ،جلد دوم ،انتشارات سمت۱۲-رضا زاده ،جواد، تغییرات قیمت سهام سود وریسک پیرامون تاریخ عرضه سهام جدید،پایان نامه کارشناسی ارشد .دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۴۱۳-سی ون هورن،جیمز،پاییز ۱۳۷۱،مدیریت مالی ،محسن دستگیر،نشر علوم دانشگاهی ،چاپ دوم۱۴-شاکری طاهر، حسین ، بررسی میزان توجیه پذیری استفاده از روش افزایش سرمایه جهت تامین مالی وتاثیر آن بربازده سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهرا ن، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران ۷۸۱۵-شمس ، حسام ،تاثیر افزایش سرمایه بر بازده سهام شرکتهای پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران ،پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران ، ۷۵۱۶-عباسی ،ابراهیم ، گفتار سهام جایزه وتأثیر آن برقیمت سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران،پایان نامه کارشناسی ارشد ،۱۳۷۰، دانشگاه تهران۱۷-عباسی ،ابراهیم ،تجزیه سهام وشواهدی بر علیه آن ، تحقیقات مالی ،سال سوم ،شماره ۱۱و۱۲ ؛تابستان وپاییز ۱۳۷۵۱۸-عبده تبریزی ، دموری ، حسین وداریوش ،شناسایی عوامل موثر بر بازده بلند مدت سهام جدیداً پذیرفته شده دربورس اوراق بهادار ،تحقیقات مالی ،۱۳۸۲ ،شماره ۱۵۱۹-علاء،عین ا... ، سال ۱۳۷۴ چاپ اول ،مبانی مدیریت مالی، انتشارات دانشکده اموراقتصادی ،جلد دوم۲۰-فرهادزاده ،عبدا...،چرا شرکتها سهام جایزه منتشر می کنند،تحقیقات مالی،سال اول ،شماره ۴پاییز ۱۳۷۳۲۱- فرانک کی . رایلی/کیت سی. براون،۱۳۸۶، تجزیه وتحلیل سرمایه گذاری ومدیریت سبد اوراق بهادار ،بیدگلی،هیبتی ،رودپشتی ،غلامرضا،فرشاد،فریدون، ،انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی ،چاپ دوم۲۲-قلی پور ، علی ، بررسی تاثیر سیاستهای تقسیم سود وتوزیع سهام جایزه بر ارزش سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ، تحقیقات مالی ، زمستان ۱۳۷۴ ،شماره ۹و۱۰۲۳-

کاردان، بهزاد ، افزایش سرمایه وتاثیر آن بر نرخ بازده شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ، پایان نامه کارشناسی ارشد ،دانشگاه تهران ۷۵۲۴-محمدیان ، مسلم ، بررسی نقش سهام جایزه وتاثیر آن بر گسترش مالکیت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ،۷۸
div dir="ltr" style="text-align: justify">۲۵-Baker.h&a.philips,۱۹۹۳ ,why companies issue> stock dividends,financial prac tice & education.pp-۲۹-۳۷۲۶-Brennan and copeland,"A model of stock split behavior theory and evdence". Working paper,anderson graduate school of management,ucla, april۱۹۸۷۲۷-Fama,fisher.jonson and roll. The adjustment of stock prices to new formation. Nternational economic review.۱۹۶۹۲۸-Grinblatt.m,r.w,masulis & sh. Titman.۱۹۸۴,the valuation effects of stock splits & stock dividends journal of finandicl economics,volume ۱۳,issue۴۲۹-Loughran,T&R.Ritter,۱۹۹۵"The new issues puzzle,journal of finance,volume ۵,issu۱۳۰-Spies,k &a .ffleck ۱۹۹۵,underperformance in long- run stock return following seasoned equity offering, journal of financial economics volume ۳۸ ,issue ۳۳۱-signaling managerial optimism through stock dividends and stock spilits: A reexamination of the retaind earning hy pothesisdean Crawford- dianar.franz-gerald j.lob march ۲۰۰۱۳۲-www.irbours.com

تهیه و تنظیم: پایگاه مقالات علمی مدیریت www.SYSTEM.PARSIBLOG.com
<div class="e>

ساماندهی مالیه عمومی

محمدصادق انبارلویی

حقوق مالی دولت (بخوانید ملت) چیست؟ و چگونه احقاق می شود؟ جرایم علیه حقوق مالی دولت چه جرایمی است؟ مرجع صالحه رسیدگی کننده به حق و حقوق دولت کجاست؟ مرتکبین به چنین جرایمی چگونه مجازات می شوند؟ در پاسخ به پرسش های فوق با چالش هایی رو برو می شویم که مجموعه این چالش ها آنچه را که به عنوان مبارزه با مفاسد مالی و اقتصادی در دستور کار سران سه قوه قرار داده، ناموفق جلوه داده است. توجه و تدقیق در مراتب زیر موید این ادعاست: ۱ –حقوق مالی دولت، در حوزه دخل و خرج کشور و در ابعاد بودجه کل کشور، احقاق می شود. به این نحو که حصول اطمینان از وصول و ایصال صحیح درآمدهای دولت از یک سو و انجام هزینه های در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه باید باشد و هر آنچه که از این دایره خارج است، به عنوان سوء جریان مالی می بایستی تحت پیگرد مراجع نظارتی قرار گیرد و نتیجه آن می بایستی منتهی به صدور رای به محکومیت و یا تبری مسئولین گردد. اگر این چرخه طی شد، مسیر درست طی شده و اگر نشد در هر مرحله ای که متوقف و یا بدون اتکا به اسناد مثبته، مختومه شود، مفسده همانجاست. ۲ – جرایم علیه حقوق مالی دولت در یک کلام با وصف مجرمانه تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولت باید توصیف شود و در شقوق زیر قابلیت احصا پیدا می کند: "اختلاس، ارتشا، مداخله در معاملات دولتی، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت، عدم تادیه مالیات، عدم تادیه وجوه گمرکی، قاچاق کالاو ارز" ۳ –با مشخص شدن حقوق مالی دولت و احصای موارد نقض این حقوق، دو موضوع باقی می ماند که مقدمه احقاق این حقوق است. آن دو موضوع عبارتند از: ۱ – تشخیص موارد تخلف و تصرف ۲.- برخورد قانونی با متخلف و متصرف ۴ – تشخیص مقدمه درمان است. همانگونه که در حوزه آناتومی و کالبد شناسی درمان بیماری ها، بدون تشخیص، ممکن نیست و مبارزه با ویروس عامل بیماری بدون تشخیص نوع ویروس عملی نمی باشد. از آن مهمتر این که تشخیص می بایستی توسط پزشک متخصص و پس از انجام آزمایش بالینی انجام شود. در حوزه مفاسد مالی هم مبارزه و برخورد بدون تشخیص صحیح، بی معنی خواهد بود. این تشخیص قاعدتا در این حوزه توسط متخصص امر (حسابرس مستقل و بازرس قانونی) انجام می شود. همانگونه که اگر پزشک حاذق و متعهد نباشد، درمان هم کامل نخواهد بود، اگر حسابرس و بازرس هم اهلیت و تخصص و استقلال لازم را در این حرفه نداشته باشند، مقدمات برخورد قانونی با معضل هم مهیا نخواهد بود چه رسد به اصل برخورد. ۵ – اهمیت این موضوع (اهلیت و تعهد و تخصص و استقلال حسابرس و بازرس قانونی) از چنان اهمیتی برخوردار است که بدانیم هیچ مرجع قضائی و محکمه ای بدون طرح شکایت وارد رسیدگی به ماهیت دعوی نخواهد شد. به عبارتی ساده تر اگر حسابرس و بازرس قانونی به رعایت وظایف قانونی خود (که در ماده۱۵۱ قانون تجارت مطرح شده است) تخلف با وصف مجرمانه تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولت را که در اشکال و ابعاد مطروحه در بند۲ این مقال را احصا نکند و به مرجع قضائی اعلام ننماید، اولین چالش عمده در احقاق حقوق مالی دولت را ایجاد کرده است. در تتمیم این ادعا همین بس که بدانیم در طی ۳۰ سال حیات مالی محاسباتی جمهوری اسلامی ایران حتی یک مورد طرح دعوی به رعایت ماده۱۵۱ قانون تجارت در هیچ یک از مراجع قضائی اقامه نشده است و این خود مفسده ای عظیم است که در حوزه وظایف بازرس قانونی مشاهده گردیده است. حذف این ماده در پیش نویس لایحه دو شوری قانون تجارت که هم اکنون در دستور کار مجلس هشتم می باشد موید ادعای فوق می باشد که نمایندگان در تصویب جزئیات این لایحه باید به این مهم توجه داشته باشند. ۶ – اکنون به آخرین مرحله از چرخه احقاق حقوق دولت که نهایتا در محکمه و مرجع رسیدگی تعیین تکلیف می شود، می رسیم. چالش های پیش روی این مرحله به شرح زیر است: O مرجع رسیدگی یا مرجع صالحه کدام است؟ O آیین دادرسی مرجع صالحه چگونه است؟ O محاکمه علنی است یا غیرعلنی یا شبه علنی؟ ۷ – اهلیت بازرس و حسابرس و لزوم طی همه مراحل قانونی نظارت در مبارزه با مفاسد مالی، امری لازم است اما کافی نیست. کفایت امر منوط به آن است که مرجع رسیدگی کننده، رای به حق و یا به عبارتی به احقاق حق و حقوق مالی دولت بدهد. کدام حق؟ همان حقی که تشخیص تضییع آن توسط متخصص داده شده و موضوع این تضییع حق، مستند به قانون و متکی به اسناد مثبته، به محکمه ارائه شده باشد. ۸ – اولین چالش پیش روی حاکم محکمه این است که آیا حاکم، تخصص و توان تشخیص سند مثبته از غیرمثبته مالی محاسباتی را دارد؟ یا این توان را باید از کس دیگری (مثلاکارشناس رسمی) بگیرد؟ عقل و شرع و قانون و عرف تخصصی بودن محاکم می گوید بهتر است که حاکم، خود این تخصص را داشته باشد. ۹- در مرحله بعدی باید دید محکمه تخصصی که باید به احقاق حقوق مالی دولت بپردازد، کجاست؟ دادگستری یا جای دیگر؟ کدامیک؟ ۱۰ – در پاسخ به این پرسش، اصل۱۵۹ قانون اساسی می گوید مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. اما این مرجع، مرجعی رسمی است، نه تخصصی و بنابراین، پرسش همچنان بی پاسخ است و آن اینکه مرجع تخصصی رسیدگی به حقوق مالی دولت کجاست؟ ۱۱ – اصل۵۵ قانون اساسی به پرسش فوق پاسخ گفته است. محکمه ای تخصصی به نام دیوان محاسبات کشور، با همه ساز و کارهای قانونی یک محکمه و ارکان آن، مشتمل بر حسابرس، دادیار، دادستان، مستشار و حاکم شرع، در چارچوب قانون دیوان محاسبات کشور از سال۱۲۸۷ تا کنون برای رسیدگی به حقوق مالی دولت و احقاق حقوق از دست رفته آن در زمینه بیت المال در ساختار مالی نظارت در کشور تعبیه شده است. این که مراجع دادگستری تا چه حد این محکمه صالحه و تخصصی را به رسمیت می شناسند یا نمی شناسند، خود حکایتی دیگر و یکی از مسیرهای بحرانی است. ۱۲ – بسیاری از مسئولین و حقوقدانان، بدون توجه به اصل۵۵ قانون اساسی و بدون توجه به ارکان محکمه ای به نام دیوان محاسبات، بدون توجه به حضور دادرسان در مقام تمیز حق اعم از دادستان، مستشار و حاکم شرع در دیوان پس از ۱۰۰ سال از تاسیس دیوان محاسبات، هنوز آن را به عنوان یک مرجع صالحه دعاوی مالی محاسباتی به رسمیت نمی شناسد. یکی می گوید که دیوان محاسبات یک مرجع نظارت اداری است و دیگری می گوید که یک مرجع شبه قضائی است و قس علیهذا. ۱۳ – این باور نادرست از ماموریت قانونی و تخصصی دیوان محاسبات باعث

شده به هنگام انتخاب و گزینش ارکان آن در مجلس، به همه گونه صلاحیت ها و شرایط عمومی احراز سمت، توجه شود الابه تخصص و توان تجربی مالی محاسباتی آنها. اعمال سلایق سیاسی در انتخاب ارکان دیوان موجب کاهش کارآمدی آنها در انجام صحیح مسئولیت های محوله شده است. به گونه ای که بعضا منتخبین گزینش شده از ظرفیت های قانونی مندرج در قانون دیوان محاسبات کشور (که هیچ محدودیتی برای پاسداری از بیت المال و احقاق حقوق مالی دولت به لحاظ عدم تابعیت از تشریفات آیین دادرسی ندارد)، کمتر آگاهند. ۱۴ – قانون اساسی، اعمال قوه قضائیه را به وسیله دادگاه های دادگستری میشناسد. اما اعمال قوه مقننه بر عهده کیست؟ پاسخ روشن است. یک کلام ختم کلام دیوان محاسبات کشور. سند چنین ادعایی اصل۵۵ قانون اساسی است. بنابراین همان قانون اساسی که به دادگاه های دادگستری اعتبار بخشیده، به دیوان محاسبات کشور نیز اعتبار رسیدگی به حقوق مالی دولت داده است. آیا محاکم دادگستری این اعتبار را به رسمیت می شناسند؟! پاسخ منفی است و این عدم رسمیت بخشی، یکی دیگر از مسیرهای بحرانی استیفای حقوق دولت و چالش های پیش روی مبارزه با مفاسد مالی و اقتصادی است. ۱۵ – قانون اساسی انجام محاکمات را علنی می شناسد. اما قانون عادی، شرط و شروطی بر این علنی بودن قائل شده که در مورد رسیدگی به جرایم حقوق مالی دولت، بی قید و شرط است. سند این استثنا، تبصره۳ الحاقی به ماده۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی است. ۱۶ – عدم رعایت این استثنا، خود یکی از چالش های موجود بر سر راه مبارزه با مفاسد مالی است. بدین نحو که قانونگذار در تبصره۳ مذکور، اشاره دارد در موارد محکومیت قطعی به جرم اختلاس، ارتشا، مداخله، تبانی، اخذ پورسانت در معاملات دولتی، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالاو ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، می بایستی به دستور دادگاه صادر کننده رای قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان جرایم ارتکابی و نوع و میزان مجازات (به هزینه محکوم) در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار منتشر و در اختیار سایر رسانه های عمومی گذاشته شود. بدون هیچ شرط و شروطی و تنها شرط این است که رقم محکومیت بیش از ۱۰۰ میلیون ریال باشد که در حال حاضر نه آن قاعده و نه این استثنا رعایت نمی شوند. ساماندهی مالیه عمومی مسیر بحرانی در تشخیص مالیات نقل و انتقالنویسنده: محمد صادق انبارلوییقسمت نخست مقاله مسیر بحرانی در تشخیص مالیات نقل وانتقال که در آن به تحلیل پیش بینی رشد درآمدهای مالیاتی نقل وانتقال املاک و تناسب آن با افزایش قیمت زمین ومسکن پرداخته است دیروز درج شد و اینک دومین و آخرین قسمت آن تقدیم می گردد. اما دلیل دیگر که مهم تر از اولی است آنکه با رجوع به مفاد و مندرجات این کتابچه، تقویم املاک مصوب ۸۴/۳/۲۱ کمیسیون موضوع ماده۶۴ قانون مالیات ها، همانا نرخ نازل هر مترمربع بهای عرصه و اعیان مندرج در این کتابچه است و اینجاست که با دومین چالش پیش روی وصول و ایصال مالیات نقل و انتقال املاک و مستغلات به عنوان درآمد عمومی کشور مواجه می شویم. محاسبه مبنایی تقویم مالیات نقل و انتقال یک معامله ملکی در سال۸۹ به قیمت های سال۸۴ را با همه اهمیت آن به کناری می نهیم و به سراغ قیمت های سال۸۴ می رویم تا ببینیم کمیسیون تقویم املاک، ارزش معاملاتی املاک و مستغلات مناطق۲۲ گانه شهرداری تهران را به چه میزان تقویم نموده است. با رجوع به کتابچه، ارزش معاملاتی اعیانی به بالاترین قیمت مصوب هر مترمربع سی و هفت هزار و پانصد تومان است و در مقابل این حداکثر، مبلغ ۳۰۰۰ تومان را بابت ساختمان های خشتی آجری داریم .۵() به عبارت ساده تر ارزش معاملاتی اعیانی گرانترین ساختمان در تهران با مواد بتون آرمه هر مترمربع۳۷ هزار تومان و ارزش معاملاتی اعیانی در ارزانترین ساختمان در تهران، هر مترمربع۳ هزار تومان است که با ضرب در متراژزیربنا، "ارزش معاملاتی" آن تقویم می شود. بعد از محاسبه اعیانی به سراغ عرصه ملک مورد نقل و انتقال می رویم. ارزش معاملاتی واقعی عرصه املاک در منطقه یک شهرداری تهران در مقیاس میلیاردی است که بین متعاملین وجوه آن رد و بدل می شود. در این منطقه که در محدوده جغرافیایی از شمال پل تجریش، از شرق خیابان دکتر شریعتی، از جنوب بزرگراه صدر و از غرب به بزرگراه مدرس منتهی می شود، شامل موقعیت های خیابان الهیه، هروی، فرشته، مقصود بیک، دربند، سعد آباد و نیاوران می شود که ارزش معاملاتی آن به روایت کمیسیون ماده۶۴ قانون مالیات مستقیم هر مترمربع حداکثر۵۲ هزار تومان است۶() آن هم به شرطی که بر خیابان ولیعصر باشد و الادر داخل خیابان های فرعی و کوچه باغ های مذکور "ارزش معاملاتی" از این مبلغ هم به مراتب پایین تر و به قرار زیر است: با تدقیق در مراتب فوق متوجه خواهیم شد که املاک و مستغلات واقع در بر خیابان ولیعصر در شمالی ترین نقطه تهران که معاملات خرید و فروش آن به ازای هر مترمربع حداقل۵ میلیون تومان است، از نظر کمیسیون تقویم املاک موضوع ماده۶۴ قانون مالیات ها، حداکثر عرصه آن۵۲ هزار تومان ارزش گذاری شده. همین حداکثر در جنوبی ترین نقطه تهران در منطقه یافت آباد هر مترمربع ۱۰ هزار و هشتصد تومان است آن هم به شرطی که بر بلوار معلم (یافت آباد) و جاده ساوه باشد. پرسش این است که آیا ارزش عرصه یک ملک در شمالی ترین نقطه تهران، دیوار به دیوار کاخ سعد آباد با ارزش معاملاتی عرصه همان متراژ ملک در یافت آباد باید به نسبت باشد؟ یعنی قیمت یک مترمربع مثلاآپارتمان یا ویلادر نزدیکی کاخ سعد آباد، فقط۵ برابر ارزش عرصه ملکی در یافت آباد است؟!! این در حالی است که هم مردم عادی و هم خواص محترم عضو کمیسیون تقویم املاک می دانند که نه در شمال تهران هر مترمربع زمین۵۲ هزار تومان است و نه در جنوب تهران متری۱۰ هزار تومان و ممیزین مالیاتی هم، چنین قیمت های نازلی را باور ندارند. اما در عمل همین قیمت های غیرواقعی را ماخذ محاسبه مالیات قرار می دهند و بر مبنای این ارقام غیرواقعی مالیات نقل و انتقال یک ویلای۵۰۰ متری با۲۰۰ مترمربع اعیان در شمالی ترین نقطه تهران بابت عرصه، مترمربعی۵۲ هزار تومان و بابت اعیان۳۷ هزار تومان طبق مفاد کتابچه موصوف، به تقویم زیر اندکی بیش از۱/۵ میلیون تومان خواهد شد. تومان ۱/۶۷۰/۰۰۰ = ۵ ۵۰۰ X ۵۲/۰۰۰ + ()۲۰۰ X ۳۷/۰۰۰[٪X()][بدین ترتیب درست است که با۱/۵ میلیون تومان۲ باب اتاق در یافت آباد نمی توان اجاره کرد اما در صورت واریز این مبلغ به حساب خزانه و ارائه فیش بانکی آن توسط فروشنده نیاورانی یا سعد آبادی که همسایه کاخ شاه سابق می باشد، سازمان امور مالیاتی مفاصا حساب مالیات نقل و انتقال را برای دفترخانه استعلام کننده صادر می کند، در صورتی که این ملک به ارزش نزدیک به۱ میلیارد تومان معامله شده است مفاصای مالیاتی می گوید ارزش این ملک۳۳ میلیون تومان است و مالیات آن۱/۵ میلیون تومان می شود و کلا گواهی می کند که مالیات نقل و انتقال آن طی فیش شماره فلان واریز شده است اما پنج درصد یک میلیارد تومان کجا و پنج درصد۳۳ میلیون تومان کجا؟ این چالش یا بهتر بگوییم این چاله بر سر راه درآمد عمومی کشور، رویکردی است که از جانب کمیسیون موضوع ماده۶۴ قانون مالیات ها کنده شده است که اولاتقویم ارزش معاملاتی املاک را بروز ننموده (به قیمت۵ سال پیش عمل می کند) ثانیا در تقویم ارزش معاملاتی، ارزشی را ماخذ قرار داده که به دور از عالم واقع، بعید و بلکه غیرقابل باور است. اکنون باید پرسید چاره چیست؟ پاسخ روشن است. برای برون رفت از این چالش، نه نیازمند لایحه جدید مالیاتی هستیم و نه محتاج الحاق چند ماده به قانون مالیات ها. بلکه کافی است اعضای محترم کمیسیون در تقویم "ارزش معاملاتی" به اسناد مثبته ای که مبین ارزش معامله است استناد کنند، نه ارقام و اعداد مجازی و غیرواقعی. اسناد مثبته در معاملات اشخاص حقیقی، همان مبایعه نامه های صادره در بنگاه های معاملاتی است و در معاملات اشخاص حقوقی مخصوصا دولتی، اسناد مثبته معامله همان سند به هزینه گرفته شده در صورت های مالی است. در این صورت است که معلوم می شود آیا بر کاخ سعد آباد ارزش معاملاتی یک مترمربع عرصه و اعیان ۸۹(=۳۷ +۵۲)۸۹ هزار تومان است یا هر مترمربع۵ یا۶ میلیون تومان؟! و ممیزین محترم مالیاتی باید۵ درصد۵ میلیون تومان در هر مترمربع را از مودی وصول کنند یا۵ درصد۸۹ هزار تومان را؟ پی نوشتها: ۵ – صفحه۵ کتابچه ۶– صفحه۳۶ کتابچه روزنامه رسالت

هزینه یابی بر مبنای هدف

...CBOهزینه یابی هدف به عنوان جدیدترین متد امروزه ،میتواند بر سودآوری شرکتها موثر باشدمحققین: فاطمه سادات هاشمی– عارفه جوادپور

مقدمه •:بسیاری از شرکت ها در نتیجه کاهش سود و در مواجه به رقابت فزاینده جهانی به این نتیجه رسیده اند که با طرح بهایابی بر مبنای هدف (قیمت گذاری بر مبنای قیمت بازار) به عنوان یک ابزار راهبردی و کلیدی دیگر قیمت گذاری محصولات بر مبنای بهای تمام شده مناسب نخواهد بود •. شرکت ها برای بقا باید در زمینه تولید و عرضه محصولات تخصصی پیدا کنند که علاوه بر

تأمین سود مورد نظر آنها واجد کیفیت و کارکرد مورد نظر مشتریان نیز باشد بهایابی برمبنای هدف از شیوه های کسب اطمینان نسبت به کفایت سودآوری محصولات می باشد. این روش بهایابی در واقع روشی برای مدیریت راهبردی سودهای آتی شرکت است.طبق این روش بر خلاف روش سنتی قیمت گذاری محصولات بهای تمام شده محصول تعیین کننده قیمت فروش نیست در بهایابی بر مبنای هدف اساس کار طراحی محصول به گونه ای است که رضایت مشتری جلب شده و در عین حال شرکت به بهای تمام شده هدف نیز دست یابد. موضوع تحقیقØ هزینه یابی بر مبنای هدف در شرکتها:این تحقیق سعی می نماید تا ارتباط بین هزینه یابی بر مبنای هدف و عوامل مؤثر بر هزینه یابی هدف در رابطه با بهبود محصول و کسب سود مورد انتظار را بررسی نماید .Ø مسئله علمی : آیا هزینه یابی بر مبنای هدف تأثیری بر بهبود محصول و افزایش سود دارد ؟ اهمیت موضوع: شرکتها برای بقا باید در زمینه تولید و عرضه محصولاتی تخصص پیدا کنند که علاوه بر تأمین سود موردنظر آنها واجد کیفیت و کاربرد موردنظر مشتریان نیز باشد . بهایابی مبنای هدف از شیوه های کسب اطمینان نسبت به کفایت سودآوری محصولات می باشد . این روش بهایابی در واقع روش برای مدیریت راهبردی سود های آتی شرکت است .طبق این روش بر خلاف روش سنتی قیمت گذاری محصولات بهای تمام شده محصول تعیین کننده قیمت فروش نیست . در بهایابی بر مبنای هدف اساس کار طراحی محصول به گونه ای است که رضایت مشتری جلب شده و در عین حال شرکت به بهای تمام شده هدف نیز دست یابد . هدف و علت انتخاب موضوع:به نظر رسید که هزینه یابی محصول به این روش به جای روش سنتی ارتباط مستقیم با افزایش سودآوری و بهبود کیفیت محصول دارد .بطور کلی عواملی که باعث انتخاب موضوع شد عبارتند از :Ø انگیزه و علاقه شخصی و ارتباط موضوع با مباحث رشته تحصیلی دانشگاهیØ پاسخ به این سؤال که " آیا هزینه یابی بر مبنای هدف بر سودآوری شرکت و بهبود کیفیت محصول و رضایت مشتری مؤثر است" ؟ Ø به منظور آشنایی واقعی و ملموس تر با موضوع استفاده کنندگان از تحقیق:بررسی مسئله فوق می تواند از دیدگاه های مختلفی مورد توجه واقع شود از جمله :Ø ازدیدگاه سرمایه گذاران و سهامداران شرکت مورد نظر : هدف سرمایه گذاران بالقوه کسب سود بیشتر است که شرکت برای بهایابی محصولات خود استفاده می کند . سودآوری محصولات مهم است و این از دیدگاه سرمایه گذاران می تواند مهم باشد .Ø مدیران مالی و حسابداران شرکتØ محققین و دانشجویان رشته حسابدار فرضیات تحقیق:فروضی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد عبارتست از :فرضیه کلی : بهبود محصول و کسب سود مورد انتظار از اهداف هزینه یابی بر مبنای هدف است .Ø مشتری مداری با هزینه یابی هدف رابطه مستقیم دارد .Ø فاصله بین هزینه مجاز و هزینه کنونی با هزینه هدف رابطه عکس وجود دارد .Ø چگونگی طراحی محصول در کاهش هزینه های مرتبط با محصول در هزینه یابی هدف تأثیر مستقیم دارد .Ø مهندسی ارزش و کایزن با هزینه هدف دست یافتنی رابطه مستقیم دارد .Ø چرخه محصول با هدف گذاری هزینه ارتباط مستقیم دارد . قلمرو تحقیق:قلمرو مکانی : مکان انجام این تحقیق در سه دانشگاه در مشهد می باشد که از هر دانشگاهی چهار استاد مالی ما را در این زمینه یاری کردند .قلمرو موضوعی : موضوع این تحقیق بررسی ارتباط بین هزینه یابی هدف و سودآوری شرکت با استفاده از اطلاعات موجود در مقاله ها و نشریات تخصصی و اطلاعات اساتید می باشد . روش تحقیق:این تحقیق به دلیل ماهیت مو ضوع از نوع تحقیقات همبستگی می باشد (بررسی وجود رابطه و جهت آن) . لذا هر یک از فرضیه های تحقیق با استفاده از اطلاعات موجود و تجاری اساتید مالی مورد بررسی قرار می گیرد . جمع آوری اطلاعات:اطلاعات لازم جهت این تحقیق با استفاده از تهیه پرسشنامه از اساتید مالی سه دانشگاه که در کل شامل ۱۲ استاد بودند تهیه گردید . طبقه بندی اطلاعات: برای طبقه بندی اطلاعات جمع آوری شده جهت نتیجه گیری نسبت به تحقیق از روش کسری (نسبی) استفاده گردید . سبد واژه ها:Ø سود مورد انتظار : سودی که محصول باید کسب کند . این سود به صورت نرخ بازدهی فروش(ROS)بیان می شود . نرخ بازدهی فروش به حساب برنامه های سود بلند مدت برده می شود و بازدهی دارایی (ROA) باید در صنایع شرکت بدست آید .Ø هزینه مجاز:تخمین اولیه هزینه هدف که با تفریق سود مورد نیاز از قیمت رقابتی بازار بدست می آید.هزینه مجاز حداکثر هزینه ای است که می توان در فرآیند طراحی محصول برای محصول در نظرگرفت.Ø هزینه یابی بر مبنای هدف : میزان مجاز هزینه که برای یک محصول می تواند صرف شود و سود مورد نظر محصول را حاصل نماید.این یک سیستم بر مبنای بازار است که هدفهای هزینه با توجه به نیاز مشتریان و قیمتهای رقابتی تعیین می شود.Ø طراحی محصول : فرآیند مهندسی همزمان طوری که ارتباط بین مواد،تکنولوژی تولید،فرآیند مونتاژ،functionality،و اقتصاد را بهینه می سازد.این فرآیند به دنبال آسان سازی تولید و مونتاژ قطعات یا حذف آنهاست.Ø مهندسی ارزش (Value engineering): روش سیستماتیک برآورد یک کارکرد محصول برای تعیین چگونگی تولید آن با هزینه کمتر بدون قربانی کردن ویژگیها،عملکرد ،قابلیت اطمینان ،قابلیت استفاده و قابلیت بازیافت محصول.عموماً در مرحله طراحی محصول برای بهبود ارزش از دید مشتری و کاهش هزینه قبل از تولید به کار می رود.Ø کایزن : روشی برای مدیریت بهبود مستمر هزینه ها با تیم های فرابخشی حل مسئله با تمرکز بر مشتری است محدودیت های تحقیق:باتوجه به موضوع تحقیق که هزینه یابی بر مبنای هدف می باشد این روش هنوز در هیچ یک از شرکتهای ایرانی اجرا نمی شود لذا هیچ نمونه عینی برای مشاهده و اندازه گیری و بررسی آماری وجود ندارد .برای جمع آوری اطلاعات ازگروهی اساتید کمک گرفته شده که با مبانی نظری این روش آگاهی داشتند و لذا فردی که (مانند مدیر مالی یک شرکت) که خود عیناً مجری این روش باشد در دسترس نبود .. مبانی نظری تحقیق: هزینه یابی هدف •: هزینه یابی هدف یک رویکرد ساختار یافته و منظم برای تعیین هزینه های تولید می باشد. که در آن یک محصول باید با سطح مشخصی از کیفیت و کارکرد و با قیمت فروش پیش بینی شده به منظور ایجاد یک سطح مشخصی از سودآوری تولید شود. به عبارت دیگر هزینه یابی هدف فرآیندی است برای حصول اطمینان از اینکه آیا یک محصول با ویژگی مشخص از لحاظ کیفیت و کارکرد و قیمت می تواند سطح رضایت بخشی از سودآوری ایجاد کند یا خیر .هزینه یابی هدف یک ابزار راهبردی قوی است که سازمان را همزمان قادر به یافتن سه بعد،کیفیت، هزینه و زمان می کند. و هزینه ها را قبل از وقوع کنترل می کند. همچنین هزینه یابی هدف فرهنگی را مقدور می دارد که به مشتری ارزش می دهد. و همه فعالیتهای هزینه یابی هدف را نیازهای مشتریان هدایت میکند •هزینه یابی هدف یک رویکردی است . برای رسیدن به بهای محصول / خدمات در شرایطی که قیمت فروش بر اساس رقابت تعیین می گردد. و سود مورد انتظار از پیش مشخص و تعیین شده است • .فروش و سود از پیش تعیین شده و قطعی فرض می شود. لذا باید هزینه ها و بهای تمام شده را به سطحی رساند که با فرض قیمت از پیش تعیین شده فروش و حداقل سود انتظاری، هزینه ها از سطح و میزان پیش بینی شده فزونی نیابد. آنچه کار مدیریت بنگاه را در این معامله دشوارتر می سازد. این است که کاهش و کنترل هزینه ها باید با حفظ و حتی گاهی ارتقاء کیفیت نیز همراه باشد. به همین لحاظ می گویند.هزینه یابی هدف بخشی از فرآیند مدیریت جامع برای بقاء سازمان در محیط رقابت فزاینده است • .در حال حاضر هزینه یابی هدف را می توان به عنوان فرآیند سیستماتیک مدیریت هزینه و برنامه ریزی سود توصیف کرد. که کاهش هزینه ها را با متمرکز کردن تلاش تمامی دوایر مربوط به یک شرکت مانند بازاریابی، مهندسی، تولید و حسابداری انجام می دهد. که فرآیند کاهش هزینه در مراحل قبل از تولید انجام می شود. ضرورت هزینه یابی بر مبنای هدف: امروزه، کسب‌وکار با رقابت در سطح جهان روبه‌رو است، جهانی که تغییرات پرشتاب را تجربه می‌کند و دارای قواعدی خاص خود است. دستیابی به کیفیت از طریق پیشرو بودن درفناوری، راهبردی سنتی است که دیگر در دنیای کنونی، فرصتی خاص تلقی نمی‌شود. مثلاً، اکثر شرکت‌هایی که در صنایع الکترونیک امریکا فعالیت می‌کنند، بازگشت سرمایه مورد انتظار خود را تجربه نمی‌کنند.اکنون، تفاوت کیفیت بین رقبا کاهش یافته و تمایز آنها تنها براساس کیفیت، کاری دشوار است. دمینگ معتقد بود: «افزایش کیفیت، باید منجر به کاهش هزینه‌ها شود» و شرکت تویوتا، این موضوع را بخوبی دریافته است: «کم هزینه‌ترین تولیدکنندگان با کیفیت‌ترین محصولات، به بهترین شکل ممکن از پس رکود کنونی برخواهندآمد. آنها برخورداری از رشد و سودآوری خود را مجدداً آغاز می‌کنند. بعضی‌ها هرگز متوقف نمی‌شوند... هزینه‌ها، عواملی بسیار قطعی و مسلمی هستند، اما تفاوت بزرگ باقیمانده بین آنها، ساختار هزینه هاست... مدیریت هزینه از دهه ۹۰ وارد صنعت خودروسازی شده، در حالی که QC در دهه ۷۰ و ۸۰ به این صنعت‌ها پا گذاشته است». اصول عمده در هزینه یابی بر مبنای هدف:ÿ هزینه یابی قیمت بازارÿ

مشتری مداریÿ تمرکز بر فرآیند طراحیÿ همکاری سیستمی ÿ هزینه یابی چرخه عمر محصول ÿ مشارکت زنجیره ارزش هزینه یابی قیمت بازار: شدت رقابت بیان کننده میزان توجهی است که واحد اقتصادی در فرآیند هزینه یابی بر مبنای هدف باید به آن بپردازد. با انتقال فشار رقابتی، به طراحان محصول و تهیه کنندگان قطعات. احتمال واقع شدن محصول جدید در اقدام به تولید آن در منطقه بقا افزایش می یابد. در سیستم هزینه یابی هدف برای بدست آوردن هدفهای هزینه، قیمت بازار به کار گرفته می شود. و هزینه های هدف با استفاده از فرمول زیر محاسبه می گردد. حاشیه فروش مطلوب – قیمت بازار = هزینه هدف مشتری مداری: توجه به نیاز مشتری و در نظر گرفتن وضعیت شرکت از نظر رقابتی امری ضروری است در هزینه یابی هدف یکی از رویکردها این است که طراحان به تشریح نیازها و خواسته های مشتری در خصوص کیفیت قیمت و زمان به طور همزمان در تصمیمات محصول و فرآیند می پردازد که این نیازها تصویر ارزش برای مشتری است. تمرکز بر مشتری از طریق توسعه فعالیتهای مهندسی صورت می پذیرد .کیفیت محصول و بهبود کارکرد تنها در صورتی امکان پذیر است که:ü محصولات، انتظارات مشتری را برآورد سازد.ü مشتریان حاضر باشند بابت آن محصول، پولی بپردازند .ü سهم بازار یا حجم فروش افزایش یابد. تمرکز برفرآیند طراحی: اصل فرعی بر این دیدگاه تاثیر می گذارند که عبارتند از:Ø در سیستمهای هزینه یابی هدف هزینه ها قبل از وقوع مورد نظارت و کنترل قرار می گیرند.Ø سیستم هزینه یابی هدف مهندسان تولید را به اثر هزینه محصول، فناوری و طرح فرآیند تولید و چالشهایی که در این زمینه وجود دارد متوجه می سازد.Ø سیستمهای هزینه یابی هدف موجب می شود وظایف مشترک کلیه بخشهای شرکت در زمان طراحی مورد تحلیل و آزمون قرار گیرد. در نتیجه تغییرات مهندسی یا مراحل تولید قبل از رسیدن محصول به مرحله تولید. انجام می شود.Ø در سیستم هزینه یابی هدف مهندسی همزمان محصولات و مراحل تولید (به جای مهندسی ترتیبی) باعث کاهش دوره زمانی تولید می شود. زیرا امکانی را فراهم می آورد تا برای هر مشکلی بتوان قبل از شروع تولید راه حلی ارائه کرد . هکاری سیستمی: عامل تعیین کننده دیگر در موفقیت هزینه یابی هدف همکاری سیستمی می باشد. تیمهای چند وظیفه ای تولید و فرآیند، مسئولیت کامل محصول را از مراحل اولیه طراحی تا تولید نهایی را به عهده دارند. همکاری متقابل این تیم ها می تواند زمان عرضه محصول را کاهش داده و در نتیجه هزینه های مربوط به مرور طرحها و تغییرات مهندسی کاهش می یابد.مزایای همکاری سیستمی ♣ :رهبری مدیریت عالی ♣تیم گرایی ♣تعهد کاری ♣اعتماد متقابل ♣آموزش هزینه یابی چرخه محصول: دوره عمر محصول عبارت است از: فاصله زمانی بین طراحی تا عرضه محصول جدید به بازار و توقف تولید آن به دلیل نبود تقاضای کافی برای آن در بازار است بنابراین دوره عمر محصول تمام فعالیتهای لازم از طراحی محصول و خرید مواد اولیه برای ساخت آن تا تحویل محصول ساخته شده و ارائه خدمات پس از فروش را در بر می گیرددوره عمر از مفاهیم مطرحی است که از دیدگاههای مختلفی مانند دیدگاه بازاریابی، تولید کنندگان، مشتریان، اجتماع مورد بحث قرار می گیرد. الف) دیدگاه بازاریابی :۱- معرفی محصول به بازار۲- رشد محصول۳- بلوغ (رشد نهایی محصول)۴- رکود محصول ب) از دیدگاه تولید کننده: چرخه عمر محصول در حداقل کردن هزینه های توسعه تولید، بازاریابی، پشتیبانی و خدمات است . ج) از دیدگاه مشتری (مصرف کننده): چرخه عمر محصول به معنی حداقل کردن هزینه مالکیت محصول است. به این معنی که هزینه های عملیاتی، مصرف، تعمیرات، و واگذاری محصول کاهش یابد . د) دیدگاه اجتماع :سه دیدگاه پیش گفته فقط هزینه های اشخاص را در نظر میگیرد. یعنی هزینه هایی که مستقیماً به شرکت یا اشخاص اثر دارد به هر حال از دیدگاه اجتماع، فعالیتها و هزینه های همراه آن را مانند مصرف یا کنارگذاری محصول و اثرات مثبت یا منفی تولید یا مصرف محصول را اجتماع به دوش می کشد. که هیچ گروهی به اثرات مثبت یا مضرات و آسیب هایی که مصرف یا تولید محصول به محیط زیست وارد می ساخت توجهی نداشت. مشارکت زنجیره ارزش: هدف نهایی هر موسسه ایجاد ارزش برای مشتریان است. یک موسسه زمانی سودآور خواهد بود که ارزش ایجاد شده اش بیشتر از هزینه تولیدات و ارائه خدماتش باشد. همه شرکت ها یا سازمانهایی که در یک صنعت بخصوص مشغول فعالیت هستند دارای یک زنجیره ارزش مشابه می باشند. و آن در برگیرنده فعالیتهایی است که در راه بدست آوردن مواد اولیه طراحی محصول ساختن تشکیلات و واحدهای تولیدی بستن قراردادهای تعاونی و ارائه خدمات به مشتریان به عمل می آورند. مفهوم هزینه یابی بر مبنای هدف: هزینه یابی هدف تکنیکی برای مدیریت سود است که هدف از آن اطمینان یافتن از این امر است که سودهای حاصل از محصولات آتی با سودهای تعریف شده در برنامه بلند مدت بنگاه اقتصادی برابر است این هدف فقط زمانی بدست می آید، که محصول جدید رضایت مشتری را برآورده و نظر او را تامین کرده باشد . هزینه یابی هدف در مقایسه با روش سنتی مدیریت هزینه : بسیاری از شرکتها در برنامه ریزی سود از رویکرد سنتی استفاده می کنند. که همان رویکرد بهای تمام شده بعلاوه درصدی سود است در این رویکرد ابتدا هزینه های اولیه تولید را برآورد و سپس حاشیه سود را برای بدست آوردن قیمت بازار به آن اضافه می کنند. و اگر بازار این قیمت را نپذیرفت شرکت در یافتن راههایی برای کاهش هزینه تلاش می کند.در صورتی که هزینه یابی هدف با قیمت بازار و حاشیه سودی که برای محصول برنامه ریزی شده است و با برقراری هزینه های مجاز محصول شروع می شود. و طراحی مراحل عملیات و تولید پس از آنکه هزینه محصول تا میزان هزینه مجاز کاهش یافت آغاز می شود. مبنای نظری هزینه یابی بر مبنای هدف: تفاوت موجود بین رویکردهای هزینه یابی هدف و هزینه یابی سنتی در برنامه ریزی سود و هزینه منعکس کننده اختلاف در مبانی نظری هر یک از آنهاست. این مبانی در تئوری سیستمها ریشه دارد. که ناشی از طرز تفکر در مورد مدیریت و کنترل است. رویکرد سنتی بهای تمام شده به علاوه درصدی سود از نگرش سیستم بسته سرچشمه می گیرد. این نگرش عمل متقابل بین سازمان و محیط آن و بررسی بسیاری از متغیرها را در شرح رفتار سیستم نایده می گیرد. و بعد از مشاهده نتایج واقعی نسبت به اصلاح فعالیتها اقدام می کند. در مقابل سیستم هزینه یابی هدف یک سیستم باز است.این رویکرد اهمیت سازگاری سازمان با محیط خود را مورد توجه قرار می دهد. در شرح رفتار سیستم مجموعه پیچیده ای از تاثیرات متقابل درنظر گرفته می شود. فعالیتهای اصلاحی قبل از وقوع نتایج واقعی صورت می گیرد. جامعه آماری:با توجه به موضوع تحقیق جامعه آماری ما شامل ۱۲ استاد مالی که از سه دانشگاه برتر مشهد انتخاب شده اندو ما را همکاری کرده اند . محدودیت های جامعه آماری:از میان ۱۲ استاد مالی ۲ نفر از آنها از همکاری با ما امتناع ورزیدند و ۱۰ نفر از اساتید مربوط در این تحقیق شرکت کردند . نمونه آماری و روش نمونه گیری:با توجه به کوچک بودن جامعه آماری و محدودیت جامعه آماری کل ، جامعه به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد و روش نمونه گیری تصادفی است . فرضیات تحقیق:فرضیه هایی که در این تحقیق مورد آزمون قرار می گیرد عبارتند از :۱. مشتری مداری با هزینه یابی هدف رابطه مستقیم دارد .۲. فاصله بین هزینه مجاز و هزینه کنونی با هزینه هدف رابطه عکس وجود دارد .۳. چگونگی طراحی محصول در کاهش هزینه های مرتبط با محصول در هزینه یابی هدف تأثیر مستقیم دارد .۴. مهندسی ارزش و کایزن با هزینه هدف دست یافتنی رابطه مستقیم دارد .۵. چرخه محصول با هدف گذاری هزینه ارتباط مستقیم دارد. تعریف عملیاتی متغیرها و نحوه اندازه گیری آنها :فرضیه ۱ : متغیر مستقل : مشتری مداری : با توجه به نیازها و خواسته ها ی مشتری در خصوص کیفیت قیمت و زمانمتغیر وابسته : هدف گذاری هزینه (هزینه هدف) : هزینه یابی هدف بخشی از فرآیند مدیریت جامع برای بقا سازمان و محیط رقابت فزاینده است .فرضیه ۲ : متغیر مستقل : فاصله بین هزینه مجاز و هزینه کنونی :متغیر وابسته : هزینه مجازفرضیه ۳ : متغیر مستقل : چگونگی طراحی محصول : هزینه ای است که در صورت شناخت محصول با آن هزینه می توان حاشیه سود مورد انتظار با قیمت هدف دست یافت .متغیر وابسته : هزینه هدففرضیه ۴ : متغیر مستقل : مهندسی ارزش و کایزنمتغیر وابسته : هزینه هدف دستیافتنیفرضیه ۵ : متغیر مستقل : چرخه توسعه محصولمتغیر وابسته : هزینه هدف روش های جمع آوری اطلاعات: برای هر سؤال ۵ گزینه انتخاب شده که به هر گزینه ۲۰ درصد اختصاص یافته است و با استفاده از احتمال و درصد جواب های اساتید مالی به هر سؤال از ۱۰۰٪ طبقه بندی و تجزیه و تحلیل گردیده است .سطح معنی دار برای رد یا قبول فرضیه ، بدست آوردن ۶۰٪ از ۱۰۰٪ جواب به گزینه زیاد یا خیلی زیاد می باشد . توصیف نمونه مورد بررسی:از سه دانشگاه برتر مشهد با معرفی یکی از اساتید دانشگاه خود و گرفتن معرفی نامه از ۱۰ استاد مالی سؤالاتی جهت تحقیق و کسب اطلاعات و نتیجه گیری انجام شد . پاسخ های داده شده:به سؤال ۱ ، ۶۰٪ از اساتید مالی به گزینه خیلی زیاد و ۳۰٪ به زیاد و ۱۰٪ به متوسط پاسخ داده اند .به سؤال ۲ ، ۳۰٪ به گزینه متوسط و ۵۰٪ به زیاد و

۲۰٪ به خیلی زیاد پاسخ داده اند .به سؤال ۳ ، ۵۰٪ به گزینه زیاد و ۴۰٪ به گزینه خیلی زیاد و ۱۰٪ به گزینه کم پاسخ داده اند .به سؤال ۴ ، ۹۰٪به گزینه خیلی زیاد و ۱۰٪ به گزینه زیاد پاسخ داده اند .به سؤال ۵ ، ۴۰٪ به گزینه زیاد و ۳۰٪ به گزینه خیلی زیاد و ۲۰٪ به گزینه متوسط و ۱۰٪ به کم پاسخ داده اند . نتیجه گیری:نتیجه آزمون فرضیه سؤال ۱ :با توجه به پاسخ داده شده که ۶۰٪ از پاسخ ها به گزینه خیلی زیاد داده شده است در نتیجه بیانگر وجود رابطه بین مشتری گرایی و هزینه هدف وجود داردنتیجه آزمون فرضیه ۲:اکثر پاسخها به گزینه ی زیاد وخیلی زیاد می باشد (تقریباً ۷۰٪ به گزینه زیاد)در نتیجه این فرضیه نیز تایید شدهنتیجه آزمون فرضیه ۳:با توجه به پاسخهای داده شده،اکثر پاسخها به گزینه های زیاد و خیلی زیاد بوده در نتیجه این فرضیه هم تایید می شودنتیجه آزمون فرضیه ۴: با توجه به پاسخهای داده شده فرضیه ۱۰۰٪ تایید شده چون همه فقط به زیاد و خیلی زیاد پاسخ داده اند در نتیجه بیانگر وجود رابطه بین مهندسی ارزش و کایزن می باشد و این رابطه مستقیم است.نتیجه آزمون فرضیه ۵:با توجه به درصد بیشتر پاسخ داده شده که تقریباً۷۰٪ به گزینه زیاد است می توان نتیجه گرفت که این فرضیه هم تایید می شود رضیه مربوطه تایید شده نتیجه گیری کلی فرضیه های بررسی شده:نتایج به دست آمده نشان می دهد که عوامل مربوطه با هزینه هدف همسو بوده به جز فرضیه ۲ که بیانگر وجود رابطه عکس است و بقیه موارد با افزایش دقت در آنها میتوان بهایابی دقیقتری بر مبنای هزینه هدف انجام داده که در نتیجه بهای تمام شده محصول دقیقتر و در نتیجه سود بیشتر برای شرکت و بهبود کیفیت محصول را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه هزینه یابی هدف به عنوان جدیدترین و دقیقترین متد امروزه ،میتواند بر سودآوری شرکتها بسیار موثر باشد و باید عوامل مورد بررسی در اجرای این روش ،مورد توجه قرار گرفته و کنترل شود. منابع و مآخذ:مجله حسابدارهزینه یابی هدف ومدیریت زنجیرهای عرضه ترجمه:دکتر حسین اعتمادیبهترین تجارب در هزینه یابی هدف ترجمه:دکتر رحمانی

.(Target costing & value engineering", productivity Press, Copper R & Slagmulder R, (۱۹۹۷"
Develop profitable new products with target" Copper R & slagmulder R, (۱۹۹۹)."Valve"
.(analysis in design", new york: free press, Flower, T.C. (۱۹۹۰

توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

Development of economic and Planningدکتر شهنام طاهری

اتخاذ واجرای استراتژی منسجم وسازگار برای صنعتی شدن می تواند موجب توسعه اقتصاد درکل شود.عموما "کشورهای ثروتمند تمایل به صنعتی شدن دارند. قریب به نیم قرن پیش کولین کلارک به این نکته اشاره کرد که با افزایش نرخ رشد اقتصادی ، سهم تولید واشتغال بخش کشاورزی درکل اقتصاد کاهش یافته درحالی که سهم تولید واشتغال دربخش های صنعت وخدمات درکل اقتصاد افزایش می یابد.۲۵ سال بعد سیمون کوزنتز مشاهده روند فوق را با ارائه آمار وارقام درترکیب محصول کل ، اشتغال ومیزان درآمد سرانه نشان داد. با استفاده از اطلاعات مربوط به اقتصاد کشورهای توسعه یافته نشان داد که با افزایش درآمد سرانه ، سهم بخش کشاورزی به نسبت تولید ملی به طریق قابل پیش بینی کاهش می یابد حال آنکه تقریبا "سهم خدمات ثابت وسهم بخش تولید کالاهای صنعتی افزایش می یابد. همچنین درصدنیروی کارشاغل دربخش کشاورزی کاهش وبالعکس درصد نیروی کار شاغل دربخش خدمات وصنعت افزایش می یابد . عمومیت بخشیدن به الگوهای توسعه کشورهای توسعه یافته به سایر کشورهای کمترتوسعه یافته قابل استفاده می باشد یا خیر؟با استفاده از اطلاعات حسابهای ملی که به تدریج درکشورهای کمترتوسعه یافته فراهم شد، چنری وهمکارانش مطالعات متعددی برروی کشورهای مختلف انجام دادند وبه این نتیجه رسیدند که اندازه وترکیب زیر بخش های صنعت با تغییرات درآمد سرانه مرتبط است.یک دلیل آشکار برای مشاهدات فوق این است که تغییر درترکیب تولید ، انعکاسی ازتغییرات در ترکیب تقاضا می باشد. یعنی هم اینکه درآمد سرانه افزایش می یابد ، تقاضا برای برخی از کالاها سریعتر ازکالاهای دیگر ازدیاد می یابد اما درباره کالاهای پست ، تقاضا ممکن است متوقف ویا حتی کاهش یابد . کشش درآمدی تقاضا برای مواد غذائی بالا می رود تقاضا برای موادغذائی کمتر ازیک است وبرای کالاهای مصرفی بزرگتر ازیک می باشد. ازاین رو وقتی متوسط درآمد (محصولات کشاورزی درکل) کمتر از مقدارتقاضا برای محصولات صنعتی رشد می کند. دریک اقتصاد بسته این گونه تغییرات درترکیب تقاضا ، طبیعتا "به تغییرات ذیربط درترکیب تولید منجر می شوند وچنانچه کشش تقاضا درهمه کشورها تقریبا "شبیه به هم باشد قوانین ارائه شده توسط کلارک، کوزنتز وچنری را می توان ، به کلیه کشورها تعمیم داد.البته ارتباط فی مابین ارتباط تقاضا وتولید دریک اقتصاد باز می تواند ضعیف باشد به ویژه درکشورهای کوچک که حسابهای تجارت خارجی نسبت بالائی از درآمد ملی را تشکیل می دهند اما به هرحال تاثیر الگوی تقاضا بر ترکیب تولید محصولات داخلی ، دربلند مدت می تواند قابل ملاحظه باشد.معنای استدلال فوق این است که صنعتی شدن کم وبیش به صورت خودکار با افزایش درآمد روی می دهد. یعنی اینکه صنعتی شدن نتیجه رشد اقتصادی است تا به جای اینکه علت آن باشد واگر ساده بخواهیم بگوئیم صنعتی شدن عکس العملی درقبال افزایش درآمدها وتقاضا برای محصولات صنعتی است.دومین توضیح برای صنعتی شدن تاکید بر عوامل موثر بر عرضه می باشد. صنعت به نسبت درمقایسه با کشاورزی سرمایه بر است . ازاین رو نرخ بالای پس انداز وسرمایه گذاری و تقلیل کمیابی سرمایه به نفع گسترش بخش صنعت وفعالیتهای صنعتی خواهد بود . همچنین بخش صنعت درمقایسه با بخش کشاورزی به نیروی کارماهر بیشتری نیازدارد. اگر سیاست دولت یا بخش خصوصی منجر به گسترش وتوسعه آموزش ازنظر کمی وکیفی به ویژه آموزش های فنی وحرفه ای شود ، افزایش عرضه نیروی کارماهر را به دنبال داشته وبه توسعه صنعتی کمک خواهد نمود.برخی از فرآیندهای صنعتی نظیر فرایندهای شیمیائی ، فولاد ، سیمان ونیروگاهها دارای مقیاسهای اقتصادی می باشند . افزایش درتولید این گونه فعالیتها منجر به کاهش هزینه ها ، کاهش قیمتها وافزایش بیشتر تقاضا خواهد شد. عمومی تر بگوئیم ، دربخش صنعت به علت آثار تکمیلی وپی آمدهای خارجی تاثیر کل ، بزرگتر از مجموع تاثیر تک تک قسمتها می باشد. مثلا" سرمایه گذاری درکالاهای مصرفی با دوام به علت نبودن نیروی برق ارزان دراختیار خانوارها به صرفه نیست ویا سرمایه گذاری درتاسیس نیروگاهها وتولید برق بدون تقاضا اقتصادی نیست اما اگر هردو پروژه باهم انجام شوند چون مکمل یکدیگرند بسیار سودآور می باشند . شتاب بخشیدن به سرمایه گذاری ، افزایش عرضه نیروی کارماهر ، بهره برداری از مقیاس اقتصادی وراه اندازی پروژه های مکمل به طور سیستمی می تواند سرعت صنعتی شدن را شتاب بخشیده وموجب ارتقاء بهره وری وازآنجا افزایش نرخ رشد محصول درآمد ملی شود.به عبارتی ، اتخاذ واجرای استراتژی منسجم وسازگار برای صنعتی شدن می تواند موجب توسعه اقتصاد درکل شود.دولتها به طور مستقیم وغیر مستقیم می توانند شرایط مطلوبی را برای فعالیت بخش خصوصی درتوسعه صنعتی به وجود آورند . توسعه صنعتی خیلی فراتر از صرفا "عکس العملی ساده به افزایش تقاضا است چرا که بسترهای مناسب درمورد عوامل تولید وبازدهی مناسب نیز ضرورت دارد به وجود آید. درایجاد چنین بستری دولت نقش بسیار مهمی را ایفا می کند . حمایت دولت درتوسعه صنعتی در تجربه تاریخی کشورهائی که امروزه کشورهای توسعه یافته صنعتی نامیده می شوند مشاهده شده است .الکساند گرشنگرون درمطالعات خود درباره صنعتی شدن اروپا درقرن ۱۹، برنقش بانک ها ودولت تاکید دارد واستدلال می کند هرچقدر عقب ماندگی اقتصادی کشور بالنسبه بیشتر باشد ، تلاش برای توسعه می بایست تمرکز بیشتری داشته باشد.وی اشاره دارد عاملین صنعتی شدن ، از کارآفرینان بخش خصوصی درانگلستان به هنگام انقلاب صنعتی ، به بانکهای سرمایه گذار درصنایع آلمان وسپس دولت در روسیه تزاری تغییر کرده است.دیترسن هاس نشان داده است همه کشورهای اروپائی به استثناء بریتانیا ، تحت دیوارها و موانع گمرگی وحمایتی به طریق مختلف توسعه یافته شدند. دردوران حمایت اقتصاد داخلی ، اقتصاد این کشورها تجدید ساختار شد . به این معنا که اقتصاد ازتولید کالاهای اولیه به تولید کالاهای سرمایه ای وبه صورت انبوه با ارزش افزوده بالا تغییر جهت پیدا کرد.فقط بعد از تغییرات ساختار ونهادی ، کشورهای توسعه یافته توانستند اقتصاد منسجمی پیدا کرده ودراقتصاد جهانی رقابت کنند ، تا زمانی که بازارهای داخلی این کشورها توسعه نیافت تجارت آزاد ازطرف آنها دنبال نشد.وارویک آرمسترانگ درمطالعه خود برروی توسعه صنعتی چهار کشور آلمان، ژاپن ، سوئد وایالات متحده آمریکا به این نتیجه می رسد که این کشورها برای صنعتی شدن یک استراتژی ملی را با تکیه بریک دولت مقتدر با همراهی یک طبقه قدرتمند

صنعتگر دنبال نمودنـد . استراتژی صنعتی شـدن براساس حمایت بانکها درسرمایه گذاری ونیز یک سیستم فنی حرفه ای آموزشی واجرای مـدیریت علمی ونیز فراهم سـاختن زمینه هـای مساعـد برای نو آوری وخلاقیت بنا نهاده شـده بود. توسعه اقتصادی و برنامه ریزی/ دکتر شهنام طاهری

تأثیر تورم بر حسابداری واحدهای تولیدی

... inflationتورم یکی از واقعیت‌های زنـدگی امروز در اغلب کشورهای جهان به شـمار می‌آیـدمحققین: دانیال محمدیان – فائزه عزیزی

مقـدمه : تورم یکی از واقعیت‌های زنـدگی امروز در اغلب کشورهای جهان به شـمار می‌آیـد.(بنیامین فرانکلین) معتقـد است که دو واقعیت گریزناپـذیر در زندگی وجود دارد: مرگ و مالیات، اما به اعتقاد (کی سو) باید مورد سومی را نیز به آنها افزود و آن چیزی جز تورم نیست . بدان معنی که ارزش هر پولی در جهان دچار روند نزولی همیشگی است،)ریگان(رئیس جمهور سابق آمریکا در یک سـخنرانی تلویزیونی درباره‌ی سیاست‌های اقتصادی آمریکا، اسکناس یک دلاری را به مردم نشان داد و گفت : این اسـکناس که در سـال ۱۹۶۰ یـک دلار می‌ارزیـد، امروز فقط ۳۶ سـنت ارزش دارد، یعنی قـدرت خریـد خود را از دست داده است. سؤالات علمی : ۱. آیا تورم بر نحوه‌ی ارائه‌ی صورت‌های مالی تأثیر گـذار است؟ ۲. آیا تورم بر میزان سود حسابداری شـرکت‌های تولیدی تأثیرگذار است؟ ۳. آیـا ارائه‌ی صورت‌های مالی با در نظر گرفتن تورم نیاز به دانش بیشتری دارد؟ ۴. آیا اثرات تورم در حسابداری شرکت های تولیدی ایران مد نظر قرار می‌گیرد؟ فرضیات :۱. ارائه‌ی صورتهای مالی با در نظر گرفتن تورم نیاز به دانش بیشتری دارد.۲. اثرات تورم در حسابداری شـرکتهای تولیدی ایران مدنظر قرار می‌گیرد.۳. اجرای حسابداری تورمی در موقعیت کنونی جامعه ایران ضروری به نظر نمی‌رسد.۴. در ایران شاخص های معتبری که به استناد آنها بتوان از حسابداری تورمی اسـتفاده کرده وجود دارد.۵. روش CC/CD اطلاعات مفیدتری نسبت به سایر روشها در اختیار ما قرار می‌دهد.۶. صورتهای مالی تعدیل شده براساس حسابداری تورمی در نحوه‌ی تصمیم‌گیری مدیران ، سرمایه گذاران و... تأثیر گذار است.۷. روش CC/CD نسبت به سایر روشها در ایران از کارایی بیشتری برخوردار است . تورم و رکود : تورم، تغییرات پایـدار در قیمتهـای نسبی است که موجب ایجاد تغییر در سـطح عمومی قیمت‌های یک اقتصاد می‌گردد و در نتیجه‌ی آن برخی افراد فعال در آن اقتصاد متضـرر خواهند شد، بنابراین می‌توان افزایش سـطح عمومیقیمت‌ها (کاهش قدرت خرید عمومی پول) را در اصـطلاح تورم نامیـد. در مقابل می‌توان کاهش سـطح عمومی قیمت‌ها (افزایش قـدرت خرید عمومی پول) را نیز رکود تلقی کرد . نرخ تورم هماهنگ با افزایش قیمت‌هاست . در هر دوره‌ی زمانی قیمت همه‌ی کالاها و خدمات به میزان یکسانی افزایش نمی‌یابـد. قیمت بعضـی از کالاها و خدمت به سرعت بالا می‌رود (مانند قیمت انرژی یا اجاره خانه) و بهای برخی دیگر به کندی و حتی ممکن است کاهش نیز داشته باشد (مانند کامپیوترهای شخصی و ماشین حسابهای الکترونیکی) . اهمیت کالا عامل دیگری اسـت که در محاسـبه‌ی نرخ تـورم دخـالت دارد.(افزایش ۱۰ درصـدی اجـاره خـانه در برابر افزایش ۱۰ درصدی نمک)،در محاسـبه‌ی میـانگین بایـد وزن بیشتری به افزایش ۱۰ درصـدی خـانه داد تـا نمـک ، چون تـأثیر بیشتری در زنـدگی مـا دارد.تعریف شـاخص : به منظور انـدازه‌گیری تغییر سـطوح قیمت‌هـا در یک دوره‌ی زمانی معین لازم است شاخص قیمت محاسـبه شود. شاخص قیمت عبـارت است از میـانگین موزون قیمت‌های جاری کالاها و خـدمات که با قیمت‌های مربوط به دوره‌ی مبنا مقایسه و به کمک آن تغییرات حاصـل در سـطح قیمت‌هـا تعیین می‌شود و یـا به عبـارتی: شـاخص، سـطح عمومی قیمت‌ها، میانگین موزون تغییرات در قیمت‌هـای منفرد گروهی از کالاهـا و خـدمات می‌باشـد. این شـاخص نرخ تـورم عمومی را نشـان می‌دهـد. محاسـبه‌ی شاخص‌هـا :

کالاـ قیمت ۱ واحـد در میـانگین واحـدهای قیمـت کـل پایـان ۱X۱۳ مصرفی
۱X۱۳ شــــیر ۰۰۰/۵ ریـــال ۳۰ ۰۰۰/۱۵۰ گـــوشت ۰۰۰/۶۵
ریال ۱۰ ۰۰۰/۶۵۰ ۰۰۰/۸۰۰ کالاـ قیمت ۱ واحـد در میانگین واحـدهای قیمت کل
پایـــان ۲X۱۳ مصـــــرفی ۲X۱۳ شــــیر ۷۰۰۰ ۳۰
۰۰۰/۲۱۰گـوشت ۰۰۰/۶۵ ۱۰ ۰۰۰/۶۵۰ ۰۰۰/۸۶۰ ۷۰۰۰ ÷ ۵۰۰۰ = ۱.۴ − ۱ = ۴۰
٪ تغییر قیمت شیر ۶۵۰۰۰ ÷ ۶۵۰۰۰ = ۱ − ۱ = ۰ ٪ تغییر قیمت گوشتقیمت تـک تـک کالا ها از ۰ تا ۴۰٪
افزایش داشته است .۸۶۰/۰۰۰ ÷ ۸۰۰/۰۰۰ = ۱.۰۷۵۱.۰۷۵ − ۱ = ۰.۰۷۵ ۷.۵ ٪ تغییرات عمومی قیمت ها برای ۲ نوع کالا

اثرات تغییر قیمت‌ها بر اثر گزارشـگری مالی و آشـنایی با برخی مفاهیم تغییر قیمت ها:حسابداران بطور سـنتی اصل بهای تمام شده را به عنوان مبنایی جهت تهیه‌ی صورتهای مالی برگزیده‌انـد.این اصل که بر مفروضاتی از قبیل ثبات واحد پولی متکی است، مبنایی برای شـناسایی اولیه‌ی عناصـر صورت‌هـای مالی است که بر طبق آن تمامی عناصـر وصورت‌های مالی به بهای تمام شـده‌ی تاریخی گزارش می‌شونـد. در زمـانی که تورم وجود نداشـته باشـد و یا اینکه میزان آن قابل ملاحظه نباشـد، اطلاعات حاصـل از این مـدل از دید اسـتفاده کنندگان صورت‌های مالی قابل اطمینان و مناسب به نظر می‌رسد، اما واقعیت چیز دیگری است. قیمت‌ها به طور مستمر در حال افزایش هسـتند و این یعنی ایجاد عدم اطمینان در اسـتفاده کنندگان از صورتهای مالی سنتی.اهمیت موضوع در ایران :با آن که بیش از ۷۰ سال از طرح مسأله آثار تورم بر حسابداری به طور کلی و بر صورت‌های مالی به طور اخص در جهان می‌گذرد، این مفهوم در ایران از نظر اجرایی و از دیـد مبـاحث نظری، همچنـان ناشـناخته است. بـا توجه به نرخ بالای تورم در ایران و اعتقادی که بیشتر اسـتفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، تصـمیم گیران اقتصادی و به ویژه مدیران به بی فایدگی نسبی اقلام حسابداری در مقایسه بـا قیمت‌هـای روز دارنـد، و علی رغم وجود تشـکیلات حرفه‌ای حسابـداری که بیش از سـی سـال از منزلت یافتن آن به عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی می‌گذرد، اما در ارتباط با تورم و آثار آن در حسابداریتوجه کافی – چه از لحاظ بررسی و چه از لحاظ اجرایی شـدن – نشـده و اقـدامات راضـی کننـده‌ای صورت نگرفته است . از سوی دیگر دسـتگاه‌ها و ارگان‌هـای ذیربـط دولتی و سازمـان بورس اوراق بهـادار تا سال ۱۳۷۱ لزوم وارد شـدن در این حیطه از حسابـداری را احساس نکردند و نتایج حاصل از آن را در سـطح کلان به بررسـی نگذاشـتند. ترازنامه هایی که در حال حاضـر از جانب شـرکت‌های صنعتی ارائه می‌شود فاقـد رابطه‌ای منطقی بین ارقـام مختلف آن و در عین حـال حـاکی از انـدازه‌گیری غیر قابـل اتکـا است، به طوری که دارایی‌هـای گزارش شـده به قیمت‌هـای سالیان پیش در مقابل ارقام بدهی هایی قرار می‌گیرند که مربوط به دوره‌ی جاری است و موجب خدشه دار شدن پیوند ساختاری و معنی دار در صورت‌های مالی شده و امکان تجزیه و تحلیل منطقی و قابل استنتاج را از آنها سلب کرده و ممکن است موجبات ارائه‌ی اطلاعـاتی گمراه کننـده را فراهم سـازد. پول و قـدرت خریـد آن، ریـال اسـمی و ریـال ثابت : می‌دانیم که پول واحـد عمومی مورد اسـتفاده در تهیه‌ی صورت‌های مالی می‌باشـد. ریال یا هر واحـد پولی دیگر نماینده‌ی یک واحد ارزش است و مبلغ قدرت خرید در دسترس برای تهیه کالاها و خـدمات را اندازه‌گیری می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت که قدرت خرید ریال میزان توانایی ریال برای خریـد کالاها و خـدمات است. مفهوم اسـتفاده از پول به عنوان واحد اندازه‌گیری ممکن است این نگرش را به ذهن متبادر سازد که ریـال یـک واحـد ثـابت ارزش است همـانطور که کیلومتر واحـد ثـابت مسافت و لیتر واحـد ثابت انـدازه‌گیری مایعات می‌باشـد. اما واقعیت خلاـف این بـاور است و ریـال به ماننـد کیلومتـری یـا لیتر واحـد ثـابت انـدازه‌گیری نیست. وقتی که سـطح عمومی قیمت‌ها افزایش یابـد، ارزش پول کـاهش می‌یابـد. بنـابراین نقطه‌ی مقابـل شـاخص سـطح عمومی قیمت‌ها، قـدرت خریـد واحـد پول است. شاخص قیمت سال اول ۱۰۰ شاخص قیمت سال پنجم ۱۲۵ قـدرت خرید در سال پنجم برابر ۸۰٪ قـدرت خرید در سال اول می باشد . قیمت ها ۲۵٪ افزایش داشته و قدرت خرید ۲۰٪ کاهش . ریال اسـمی ، ریالی است که به منظور انعکاس تغییر قیمتها تعدیل نشـده باشـد .ریال ثابت ، ریالی است که به خاطر تغییر قیمتها (تغییر در قـدرت خرید) تعدیل شده باشد . سود و زیان قدرت خرید :تغییرات در سطح عمومی قیمتها باعث تحصیل یا تحمیل سود و زیان حاصل از نگهداری اقلام پولی توسط شرکت می گردد (سود یا زیان قدرت خرید) نگهداری وجوه نقد یا حسابها و اسناد دریافتنی هنگامی که سطح عمومی قیمتها در حال افزایش است ، باعث تحمیل زیان قـدرت خرید می گردد و بر عکس سیاست استقراض در زمان تورم باعث کسب سود قدرت خرید می شود . چرا که

بـدهی هـای پولی را می توان بـا ریـال هـایی که ارزش کمـتری دارنـد پرداخت کرد . این نکته را می توان بصورت زیر خلاـصه :به هنگام افزایش سـطح عمومی قیمت‌ها، قرارگرفتن در موقعیت منفی پولی سودمند خواهد بود. یعنی نگهداری بدهی‌های پولی افزون بر دارایی‌هـای پولی و قرار گرفتن در موقعیت مثبت پولی (دارایی‌های پولی بیشتر از بـدهی‌های پولی) ریال قـدرت خریـد را در پی خواهـد داشـت.گزینه‌هـای مختلـف صورت‌هـای مـالی : مسأله‌ی اصـلی در مبحـث تغییر قیمت‌هـا ایـن اسـت کـه بـه منظـور تعـدیل صورت‌هـای مـالی سـنتی از چه مبنـایی بایـد اسـتفاده نمود؟ از صورت‌هـای مـالی تهیه شـده بر مبنـای اصول متـداول حسابـداری به روش‌هـای تاریخی اسـتفاده نمود، یا این که از مـدل ارزش جاری اسـتفاده کرد؟ به عبارتی ریال مورد اسـتفاده براساس چه معیاری بایـد انـدازه‌گیری شود؟ در این رابطه سه گزینه وجود دارد: براسـاس بهـای تـاریخی، بر اسـاس ریـال سـطح عمومی قیمت‌ها و ریال قیمت‌های خاص. خلاصه این سه گزینه بشرح زیر است:الف – مدل بهای تاریخی (HC)، مبلغ بهای تاریخی بر مبنای اصول متداول حسابـداری گزارش می‌شوند . ۱. انـدازه گیری بر اسـاس ریال بهای تاریخی بـدون هیـچ گونه تعـدیل بابت تغییر قیمت ها ۲. اندازه گیری بر اسـاس ریال ثابت (HC/CD)ب – مـدل ارزش جاری (CC)، ارزش جـایگزینی در تایـخ تهیه‌ی صورتهای مالی ۱. اندازه گیری بر مبنـای ریال سـطح قیمت های خاص ۲. انـدازه گیری بر مبنـای ریـال ثابت و با اسـتفاده از شاخص سـطح عمومی قیمت ها (CC/CD) مـدل گزارشـگری بر مبنـای بهـای تاریخی / ریال ثابت (HC/CD) از مشـکلات عمـده‌ای که در نـتیجه تورم به وجود می‌آید، این است که با روند پیوسته‌ی افزایش قیمت‌ها، دیگر قادر به مقایسه‌ی ارقام گزارش شده در سالهای مختلف نخواهیم بود و ارزش واحـد پولی رفته رفته تحلیـل می‌رود. چنـانچه به این مسـأله توجه کـافی نشود. قـابلیت مقـایسه‌ی اطلاعـات ارائه شـده توسـط حرفه‌ی حسابداری خدشه دار شده و امکان اتخاذ تصـمیمات بهینه از طریق مقایسه‌ی صورت‌های مالی سال‌های مختلف دیگر وجود نخواهد داشت. حسابداری بهای تاریخی / ریال ثابت ضـمن برطرف نمودن مشـکل اشاره شده در بالا و همگن نمودن ریال سالهای مختلف از اطلاعات بهای تاریخی به واسطه‌ی قابلیت اتکای بالای آن استفاده می‌نماید. بنابراین، هدف این مدل تعدیل کلیه‌ی اقلام صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای بهای تاریخی به ریالی همگن شده و با قدرت خرید یکسان است . تعدیل هر یک از مبالغ بهای تاریخی به بهای تاریخی / ریال ثابت نیازمند دو شاخص است. یکی مربوط به تاریخ معامله، زمانی که برای اولین بار مبلغ مورد نظر ثبت شـده است و دیگری بنـا به سـلیقه‌ی تهیه کننـدگان اطلاعات، شاخص پایان سال یا میانگین شاخص سال . (این روش نه اثرات تورم را گزارش می‌کنـد و نه ارزش‌هـای جـاری را) مراحل تهیه صورتهای مالی با روش بهای تاریخی / ریال ثابت : ۱. جمع آوری اطلاعـات اساسـی صورت‌هـای مـالی بـا بهـای تاریخی و شاخص‌های قیمت‌های مربوطه ۲. طبقه بنـدی هر یـک از اقلاـم ترازنـامه و صـورت سـود و زیـان به اقلاـم پـولی و غیر پـولی ۳. تهیه ترازنامه‌ی تعـدیل شـده ۴ HC/CD. تهیه‌ی صـورت سود و زیـان انباشـته ۵ HC/CD. محاسـبه‌ی سود و زیان قـدرت خریـد اقلام پولی و تکمیل صورت سود و زیان فوق به وسـیله آن مـدل گزارشـگری بر مبنای ارزش جاری / ریال ثابت (CC/ CD)تورم بر تمام اقلام مندرج در صورتهای مالی به گونه‌ای مشابه تأثیر نمی‌گذارد. قیمت برخی از دارایی‌هـا ممکن است از قیمت برخی دارایی‌هـای دیگر سـریع‌تر افزایش یابـد یـا حتی در دوره‌ی تورم، ممکن است قیمت برخی از اقلام کاهش یابـد. بنابراین، تعـدیلاتی که بر مبنای شاخص قیمت مصرف کننـده بر روی ارقام گزارش شده به روش بهای تـاریخی صورت می‌گیرد نمی‌توانـد تمامی جنبه‌های افزایش قیمت‌ها را در برگیرد. حسابـداری بر مبنای ارزش‌های جاری کوششـی است که می‌توانـد بـا اسـتفاده از ارزش‌هـای جایگزینی دارایی‌های موجود و هزینه‌های اسـتفاده از دارایی‌های مـذکور طی دوره‌های مالی، تصویر واقع گرایانه‌تری از تورم و آثار آن بر عناصـر صورت‌های مالی واحد تجاری ارائه نماید. در این روش بجای استفاده از مبنای بهای تمام شده‌ی تاریخی و تعدیل آن، تمامی ارقام دارایی‌ها و هزینه‌ها با استفاده از معادل وجه نقد لازم برای جایگزینی آنها مجدداً بیان و ارائه می‌شوند. این ارائه‌ی مجدد را می‌توان با مراجعه به فهرست جاری قیمت‌های فروشندگان ، استعلام بها یا شاخص قیمت‌های خاص انجام داد. این مـدل ضـمن اسـتفاده از بهای تاریخی به کمک شاخص قیمت‌ها، واحـد انـدازه‌گیری را تغییر داده و تمـامی اقلاـم را براسـاس ریـال ثابت پایان سال و یا میانگین ریال ثابت سال تعـدیل می‌کنـد. این روش دارای دو ویژگی بارز است، ارزش‌هـای جاری را جایگزین بهای تاریخی نموده و در عین حال، از مفهوم ریال ثابت نیز بهره می‌برد. به این ترتیب ترازنامه‌ی تهیه شـده بر مبنای این مـدل، کلیه‌ی اقلام را براساس ارزش جاری گزارش می‌نمایـد و همچنین در صورت سود و زیان هزینه‌ها با ارزش جـاری خود گزارش می‌شونـد. هـدف این مـدل در ترازنـامه گزارش اقـل ارزش جـاری جایگزینی هر یک از دارایی‌ها)گروهی از دارایی‌ها(یا خالص مبلغ بازیافتنی آنهاست. هدف این مدل در صورت سود و زیان گزارش سود قابل تقسـیم به گونه‌ای کارا اسـت یعنی مبلغی که شرکت می‌تواند به عنوان سود سهام تقسیم کند بدون اینکه خدشه‌ای به ظرفیت عملیاتی شرکت در آینده وارد شود. موارد برتری مدل ۱: CC/CD. سود حاصل از عملیات مستمر در این مدل، علاوه بر قابلیت آن در ارزیابی خالص جریان وجوه نقد شرکت، قـابلیت اسـتفاده به عنوان یـک عامـل پیش بینی را نیز دارد به طوری که می‌توان بـا کمـک سود حاصـل از عملیات مسـتمر CC/CD عملکرد آتی شـرکت را برآورد نمود. ۲. افزایش یـا کـاهش در ارزش جاری دارایی‌های غیر پولی می‌توانـد برای ارزیابی جریان وجوه نقد آتی شـرکت کاربرد داشـته باشد. چرا که هر تغییری در ارزش جاری این دارایی‌ها بیانگر تغییر در سـرمایه گذاری مالی خواهد بود.۳. تفکیک سود جامع CC/CD به اجزای آن یعنی سود حاصـل از عملیات و سود حاصل از نگهـداری دارایی‌های پولی و غیر پولی)افزایش یـا کـاهش در ارزش جـاری دارایی‌هـای غیر پولی(می‌توانـد اطلاعـات سودمنـدی برای پیش بینی خالص جریان وجوه نقد آتی شرکت را در اختیار استفاده کنندگان از صورت‌های مالی بگذارد. ۴. ترازنامه‌ی CC/CD دارایی‌ها، بدهی‌ها، و حقوق صاحبان سـهام را به ارزش جاری ارائه می‌نماید. بررسـی موانع اسـتفاده از حسابداری تورمی در ایران طبق تحقیق و بررسـی انجام شـده توسط آقایان محسن دسـتگیر و محسن امیـد علی که در یک سایت معتبر حسابداری منتشـر شده است. موانع اسـتفاده از حسابـداری تـورمی در ایران بـه شـرح زیر می‌باشـد: ۱. عـدم آشـنایی جـدی مـدیران مـالی بـا حسابـداری تورمی ۲. ناکـافی بودن شاخص‌های ترقی قیمت‌ها ۳. افزایش بدهی مالیاتی ناشی از تجدید ۴. فزونی هزینه حسابداری تورمی بر درآمد آن ۵. عدم حمایت دولـتی از اجرای حسابـداری تورمی پیشـنهاد راهکـاری برای اسـتفاده از حسابـداری تورمی در ایران بـا توجه به وجود یـک دوره‌ی تورمی در سـطح اقتصـاد جـامعه و قـدیمی بودن اکثر دارایی‌هـا، تجدیـدنظر در مبـالغ آنهـا در گزارشـگری مالی را ضـروری به نظر می‌رسانـد. با این وضـعیت وجود یک راه حل سوم، ضـروری است. این راه حل می‌بایـد ضـمن برآوردن رابطه‌ی معقولی از منافع – مخارج قابلیت اعتماد استفاده کننـدگان را نیز برانگیزد. نحوه‌ی تهیه‌ی سوابق حسابها، اجرای روش‌های HC/CD و CC/CD را در خصوص عملیات گذشته‌ی واحدهای تجاری پر خرج نشان می‌دهد. لذا پیشنهاد در این رابطه این است که در مقطع‌زمانی خاصی یا در خلال یک دوره‌ی زمانی کوتاه مـدت تمامی شـرکت‌ها (به طور اخص شـرکت‌های پـذیرفته شـده در بورس) به تجدیـد ارزیابی دارایی‌های موجود خود اقـدام کننـد. سـخن پایانی : در بـدو امر به علت بـدیع و نو بودن موضوع انتظار می‌رفت منابع فراوانی چه از لحاظ مطالعاتی و چه از لحاظ میدانی در اختیار داشـته باشـیم که بتوانیم با مطالعه و اسـتناد به آنها تحقیقی پر محتوی ارائه دهیم. اما متأسـفانه به دلاـیلی که ذکر شـد این رشـته از حسابـداری در ایران تـاکنون مورد توجه کـافی و لاـزم قرار نگرفته است و بـا توجه به کمبود منـابع مطالعـاتی و نبود منابع میـدانی نتایجی را که در ذیل بیان می‌کنیم خالی از اشـکال نبوده است . نتایـج بـدست آمـده از مطالعات و بررسـی‌های میدانی۱. در دوره‌های تورمی که قـدرت خریـد پول کاهش می‌یابـد حسابـداران باید بررسـی ایجاد شـرایط مناسبی جهت تصمیم‌گیری مدیران، سرمایه گذاران و دیگر ذینفعان صورت‌های مالی تعدیل شده ارائه نمایند. ۲. با توجه به این که تورم بر قـدرت خریـد پول تـأثیر مسـتقیم دارد، سود ارائه شـده توسط حسابـداران سـنتی با سود واقعی که با تعـدیل صورتهای مالی براسـاس روش‌هـا و شاخص‌هـای تـورمی صـورت می‌گیرد تفـاوت دارد. ۳. در ارائه‌ی صورتهـای مـالی تعـدیل شـده براسـاس تورم حسابـداران باید از روش‌های تعدیل و شاخص‌های تورم و نحوه‌ی اسـتفاده از شاخص‌ها و روش‌های مختلف تعدیل اطلاعات کافی داشته باشند (۹۲ ٪ موافـق)۴. بکارگیری هر یک از روش‌های حسابـداری تورمی در سـطح حسابـداری ایران با مشـکلات عمده‌ای مواجه است. مشـکلات مزبور در بعضـی از زمینه‌ها تا حدی مطرح می‌باشند که به کارگیری روش‌های مزبور را محدود و یا حتی در آن زمینه‌ی خـاص غیر مقـدور می‌سـازد ولی بـا توجه به تحقیقـات بعمل آمـده ۴۵ ٪ افراد روشCC/CD و۵۵٪ افراد روش ارزش جایگزینی را مفید دانسته‌اند.۵. صورت‌های مالی تعدیل شده بر تصمیم‌گیری ذینفعان تأثیر گذار می‌باشد. البته به شرطی که استفاده

کنندگان اطلاعات کافی از حسابداری تورمی داشته باشند و در استفاده از آنها دچار اشتباه نشوند. ۶. با توجه به اطلاعات به دست آمده تا زمانی که در ایران بسترهای استفاده از حسابداری تورمی نظیر: ارائه شاخصهای معتبر از سوی ارگانهای معتبر، ایجاد استاندار حسابداری که حسابداران را ملزم به استفاده از حسابداری تورمی نماید. ایجاد قانونی جهت حمایت از این استانداردها و آموزش وسیع‌تر و اطلاع رسانی بیشتر هم به حسابداران و هم به ذینفعان صورت‌های مالی، ایجاد نگردد. این رشته از حسابداری در ایران رشد چندانی نخواهد کرد و مدیران و ذینفعان صورتهای مالی مجبورند به صورتهای مالی تاریخی و در بهترین حالت صورتهای مالی با ارزش جایگزینی بسنده نمایند.منابع و مأخذ • :حسابداری تورمی ترجمه و تألیف : دکتر شکراله خواجوی •حسابداری تورمی ترجمه و تألیف : محسن دستگیر •سایت های اینترنتی www.Aftab.irwww.Irandoc.ac.irwww.Iranbin.com

فقر چیست؟

...what is poverty ناتوانی انسان درفراهم آوردن نیازهای بنیادی خود جهت رسیدن به یک زندگی آبرومندانه وشایستهمحمد رضا عادلی مسبب کوهی فقر عبارت از ناتوانی انسان درفراهم آوردن نیازهای بنیادی خود جهت رسیدن به یک زندگی آبرومندانه وشایسته می باشد.این تعریف به مفهوم عبارت ((آبرومندانه وشایسته)) بستگی دارد ، زیرا این مفهوم را فقط می توان درقالب قضاوتهای فردی و محیطی شناسائی کرد و تردیدی نیست که درهر اجتماع و از هردیدگاه تعریف متفاوتی ازآن را می توان ارائه داد . این تعریف برداشتی کلی ازمفهوم فقر را به دست می دهد . لیکن فقر را می توان از دو دیدگاه مطلق ونسبی مورد ارزیابی قرار داد .تحقیقات رونتری(Rowntree) ، پایه اصلی بررسیهای فقر مطلق را نشان می دهد . تعریف او از فقر مطلق عبارت است از: خانوارهای مبتلا به فقر اولیه آن قدر درآمد ندارند که بتوانند حد اقل نیازهای تغذیه را برحسب ارزانترین انواع مواد انرژی زا تامین نمایند.یکی از معروفترین محققین فقر نسبی ، تاون سند(Townsend) است . اوبه نقش افراد دردرون اجتماع وبه ارتباط بین آنها و سایرین اهمیت می داد . به گفته او ، افراد درصورتی فقیر شمرده می شوند که نتوانند درزندگی مشترک جامعه ای که درآن زندگی می کنند مشارکت داشته باشند. با این تعریف درهرجامعه با درنظر گرفتن معیارهای متفاوت می توان فقر را تعریف کرد وپائین بودن نسبی سطح زندگی مردم را درمقایسه با سطح زندگی متعارف جامعه برآورد ومحاسبه نمود. دراین حالت ، درجه محرومیت نسبی جامعه مطرح می شود وازاین طریق است که می توان فقرای هرجامعه را شناسائی کرد. خط فقر چیست؟خط فقر ارتباطی بین فقر ونابرابری نسبی دارد. این خط پائین ترین حد درآمد لازم برای حفظ زندگی درحد اقل معیشت را نشان می دهد .دراین تعریف ، ((حفظ زندگی))، به قضاوتهای فردی ومعیارهای اجتماعی بستگی می یابدبا توجه به اینکه فقر مطلق ویا فقر نسبی را مورد نظر قرار دهیم خطوط فقر متفاوتی خواهیم داشت.با تعاریف متفاوتی که ازفقر وجود دارد ، برآوردهای مختلفی نیز ازخط فقر می توان انجام داد . تعدادی از روشهای موجود از این برآوردها عبارتند از: - محاسبه خط فقر براساس حداقل معیشت.- محاسبه خط فقر براساس تامین مواد غذائی درحد نرمال.- محاسبه خط فقر براساس کالری مورد نیاز روزانه.- برآورد خانوارهای آسیب پذیر بر اساس نماگرهای رفاه. What is poverty?

What is poverty? Poverty and social exclusion can affect all age groups. It is multi-faceted and combating it requires a multi-policy response. This is reflected in the definition of poverty and social exclusion which the Government first adopted in ۱۹۹۷:People are living in poverty if their income and resources (material, cultural and social) are so inadequate as to preclude them from having a standard of living which is regarded as acceptable by Irish society generally. As a result of inadequate income and resources people may be excluded and marginalised from participating in activities which are considered the norm for other people in society.This definition continues to be valid and underpins the Government’s strategic response to tackling poverty and social exclusion as set out in the National Action Plan for Social Inclusion ۲۰۰۷ – ۲۰۱۶ (NAPinclusion). What are the terms used? Many words concerning poverty and social exclusion are used interchangeably. However, they do have different meanings, as defined below:Deprivation is defined as unmet basic human needsPoverty is deprivation due to a lack of resources, both material and non-material, e.g. income, housing, health, education, knowledge and culture. It requires a threshold to measure itSocial exclusion is being unable to participate in society because of a lack of resources that are normally available to the general population. It can refer to both individuals, and communities in a broader framework, with linked problems such as low incomes, poor housing, high crime environments and family problemsInequality is a comparative or relative concept. It does not measure deprivation or poverty and does not require a threshold. It is possible for inequality to exist with or without poverty. Similarly, poverty can exist with or without inequalityResources can be personal, within the family, or within the society.How can we measure poverty?There is no one measure that gives a complete picture of the situation regarding deprivation, poverty and social exclusion. This is particularly true for a country like Ireland that has experienced rapid economic growth over the last ten years. Therefore, a number of indicators are used to measure progress in achieving social inclusion covering areas such as income, levels of deprivation, early school leaving, jobless households, long-term unemployment, and life expectancy.Indicators such as these are also used at EU level to obtain a picture of the situation regarding poverty and social exclusion across Member States. In June ۲۰۰۶ EU Member States adopted a revised set of common indicators of social protection and social inclusion. The main social inclusion indicators are as follows:IncomeAt risk of poverty rateAt risk of poverty rate anchored at a fixed moment in timePersistent at risk of poverty rateAt risk of poverty gapAt risk of poverty rate before social transfersDispersion around the at risk of poverty thresholdIn-work poverty riskS۸۰/S۲۰ income ratioGini co-efficientEmploymentLong-term unemployment rateRegional Cohesion (dispersions of regional employment rates)Jobless HouseholdsEmployment gap of immigrantsMaking work pay indicators (unemployment trap, inactivity trap, low-wage trap)EducationEarly school leaversPersons with low educational attainmentLow reading literacy performance of pupilsHealthHealthy life expectancyChild well-being (to be developed)HousingHousing (to be developed)DeprivationMaterial deprivation (to be developed)Self reported limitations in

daily activities More information on EU social inclusion indicators can be obtained from the European Commission website at: http://ec.europa.eu/employment_social/social_inclusion/indicators_en.htm What is Consistent Poverty?The official Government approved poverty measure used in Ireland is consistent poverty, developed independently by the Economic and Social Research Institute (ESRI). This measure identifies the proportion of people, from those with an income below a certain threshold (less than ۶۰٪ of median income), who are deprived of two or more goods or services considered essential for a basic standard of living.The consistent poverty measure was devised in ۱۹۸۷ using indicators of deprivation based on standards of living at that time. The Government in ۲۰۰۷ accepted the advice of the ESRI to revise the deprivation indicators to better reflect current living standards and, in particular, to focus to a greater degree on items reflecting social inclusion and participation in society. This resulted in the measure, originally based on lacking one or more items from an ۸-item index, changing to one based on lacking two or more items from the following ۱۱-item index:۱. Two pairs of strong shoes۲. A warm waterproof overcoat۳. Buy new not second-hand clothes۴. Eat meals with meat, chicken, fish (or vegetarian equivalent) every second day۵. Have a roast joint or its equivalent once a week۶. Had to go without heating during the last year through lack of money۷. Keep the home adequately warm۸. Buy presents for family or friends at least once a year۹. Replace any worn out furniture۱۰. Have family or friends for a drink or meal once a month۱۱. Have a morning, afternoon or evening out in the last fortnight, for entertainment This revised set of deprivation indicators will be used to measure consistent poverty over the duration of the new NAPinclusion. The current (۲۰۰۶) rate of consistent poverty using the new measure is ۶.۵٪, having reduced from ۸.۲٪ in ۲۰۰۳.What targets have been set to reduce poverty? The target set in the Revised National Anti Poverty Strategy (۲۰۰۲) was to reduce the numbers of those who are consistently poor to ۲.۰٪ by ۲۰۰۷ and, if possible, to eliminate consistent poverty, as then defined. A major discontinuity between the Living in Ireland Survey (LIIS), previously used for monitoring progress, and the new EU Survey on Income and Living Conditions (EU-SILC), which was introduced from ۲۰۰۳, meant that it was not possible to compare trends in consistent poverty between the two surveys. However, continuing low levels of unemployment and the substantial resources devoted to social welfare and other social services support the view that the downward trend, (from ۸.۳٪ in ۱۹۹۴ to ۴.۱٪ in ۲۰۰۱), would have continued and the target would have been reached. The overall goal of the new NAPinclusion is to make a decisive impact on consistent poverty. This is underlined by the fact that a new target is being set, using the new set of up-to-date indicators, which are more realistic and in keeping with living standards today. The new target is:To reduce the number of those experiencing consistent poverty to between ۲٪ and ۴٪ by ۲۰۱۲, with the aim of eliminating consistent poverty by ۲۰۱۶, under the revised definition.The new target reflects experience and expert advice that it may be difficult to bring consistent poverty down to zero. This is due in part to the subjective and sensitive nature of the survey questions used to identify deprivation. This is borne out by the fact that, in addition to those below the ۶۰٪ poverty threshold, a significant minority of people with incomes above that threshold also report deprivation. This may occur for a variety of reasons such as consumption patterns and choices, or temporary and unexpected heavy spending. It is accepted, however, that the consistent poverty measure does clearly identify those who are most vulnerable.There are difficulties in setting poverty targets for a number of reasons, as recognised in the national social partnership agreement Towards ۲۰۱۶, including the relatively recent status of EU-SILC. Nonetheless, the Government and the social partners have agreed that it is important to set real and achievable targets. In this context, the overall approach to effective poverty measurement will be reviewed by the Office for Social Inclusion (OSI), supported by its Technical Advisory Group, which advises the Office on the development of its data strategy. For more on OSI's data strategy click here. What is 'at risk of poverty'? The 'at risk of poverty' indicator identifies all those (households or people) who fall below a certain income threshold, which in the EU has been set at ۶۰٪ of the median income. Median income is the amount that divides the income distribution into two equal parts, half of people having incomes above the median and half having incomes below the median. This measure is the best known and quoted indicator as it affords some comparisons with other countries. It does not, however, measure poverty as such, but rather the proportion of people below a certain income threshold who may be 'at risk of poverty'. Whether persons below the ۶۰ per cent threshold are actually experiencing poverty will depend on a number of factors. These include:The degree to which income is below the relevant thresholdsThe length of time on this relatively low income – a long such period can lead to real deprivation, as a person's assets run down and cannot be fully maintained or replacedPossession and use of other assets, especially one's own home.The 'at risk of poverty' indicator has particular limitations as a measure of poverty in the case of Ireland in recent years. It takes no account of overall living standards and fails to reflect the fact that the ۶۰٪ median income threshold increased by ۹۸٪ from €۱۰۲.۴۴ in ۱۹۹۷ to €۲۰۲.۴۹ in ۲۰۰۶. Over the same period (۱۹۹۷ – ۲۰۰۶), prices (CPI) increased by just

۳۵.۸٪, average industrial earnings increased by ۶۱.۸٪ and basic social welfare payments increased by ۹۹.۷٪. The high levels of economic growth led to an increase in the number of women in the workforce and, consequently, in the number of two income households. Incomes in these cases outpaced the incomes of those who were not in the workforce and of some single income families. All groups in society have benefited from economic growth, therefore the main value of the indicator is in identifying particular groups which may have difficulty keeping pace with living standards generally. It has also been acknowledged that the 'at risk of poverty' indicator is not suited to making comparisons between countries at different stages of economic development. The problems inherent in using the 'at risk of poverty' indicator for international comparisons were restated in an article in the UN Development Programme journal "Development and Transition", which concluded that:The results too often belie common senseThe 'at risk of poverty' label sends the wrong signal to the public and policy makersThe 'risk of poverty' logic does not lead to effective national policy.A copy of this article can be accessed on the following website:http://www.lse.ac.uk/collections/developmentAndTransition/DevAndTransFour.pdf

What is the current data on poverty? The most up to date data on poverty in Ireland is contained in the results of the new EU Survey on Income and Living Conditions (EU-SILC) for ۲۰۰۶, published by the Central Statistics Office (CSO) in November ۲۰۰۷ (the results, together with commentary on the key findings, can be found on the CSO website at http://www.cso.ie/eusilc/default.htm)These latest survey results show that the overall rate of consistent poverty (revised measure) in ۲۰۰۶ was ۶.۵٪, having reduced from ۸.۲٪ in ۲۰۰۳. The survey results also show a decrease in the 'at risk of poverty' rate in Ireland from ۱۹.۷٪ in ۲۰۰۳ to ۱۷.۰٪ in ۲۰۰۶. The reduction results in part from the successful implementation of policies to move persons from unemployment into employment and to provide substantial real increases in incomes and improvements in other services for persons not in a position to enter employment, particularly older people.EU – SILC results for ۲۰۰۶ also record continuing positive trends in relation to poverty and social exclusion, and show the impact being made by the greatly increased resources now devoted to social welfare and other social services. For example:There was a significant reduction in the 'at risk of poverty' level for older people from ۲۰.۱٪ in ۲۰۰۵ in ۱۳.۶٪ in ۲۰۰۶. In ۲۰۰۳ the equivalent figure was ۲۹.۸٪. Social transfers (pensions and other payments) made a major contribution to these reductions, causing the risk of poverty for the elderly to reduce from almost ۸۶٪ to ۱۳.۶٪.The rate of consistent poverty (revised measure) for older people also reduced from ۳.۱٪ in ۲۰۰۵ to ۲.۲٪ in ۲۰۰۶. This means that the NAPinclusion consistent poverty target for older people for ۲۰۱۲ has already been met.Lone parents remain a high-risk group. Results show that ۲۷.۳٪ of lone parent households were in consistent poverty (revised measure) in ۲۰۰۶, compared to ۲۶.۹٪ in ۲۰۰۵. ۳۹.۶٪ of lone parent households were 'at risk of poverty' in ۲۰۰۶, compared to ۴۰.۷٪ in ۲۰۰۵ and ۴۹.۳٪ in ۲۰۰۳.There was a slight decrease in the consistent poverty (revised measure) rate for children, from ۱۰.۲٪ in ۲۰۰۵ to ۹.۸٪ in ۲۰۰۶. The percentage of children 'at risk of poverty' fell by one per cent, from ۲۱.۲٪ in ۲۰۰۵ to ۲۰.۲٪ in ۲۰۰۶.There was an increase in the 'at risk of poverty' rate for persons regarded as unemployed, from ۴۰.۶٪ in ۲۰۰۵ to ۴۴.۰٪ in ۲۰۰۶. The consistent poverty rate (revised measure) for this group showed a slight decrease, from ۲۳.۷٪ in ۲۰۰۵ to ۲۲.۰٪ in ۲۰۰۶. Conversely, for persons who are at work, both the 'at risk of poverty' rate and the consistent poverty rate showed further reductions.The ۶۰٪ median income threshold used to calculate persons 'at risk of poverty' increased by ۵.۱٪ from €۱۹۲.۷۴ in ۲۰۰۵ to €۲۰۲.۴۹ in ۲۰۰۶ (single person). For a family with two adults and two children the increase was from €۴۴۷.۱۵ in ۲۰۰۵ to €۴۶۹.۷۷ in ۲۰۰۶. In comparison, the basic social welfare rate increased by ۱۱.۴٪ over the same period, from €۱۴۸.۸۰ to €۱۶۵.۸۰.EU - SILC results for ۲۰۰۶ also include information on health related variables, such as possession of medical cards and whether a person smokes. The survey also contains information on poverty rates based on nationality, with non-Irish nationals experiencing a higher 'at risk of poverty' rate (۲۳.۵٪) compared to Irish nationals (۱۶.۶٪). Non-Irish nationals also experience a higher consistent poverty (revised measure) rate at ۸.۵٪ .compared to Irish nationals at ۶.۴٪

ارز

... foreign currencyنرخ ارز عـددی است که ارزش پـول کشـوری را برحسب ارز یـا پول خـارجی درزمـان معین نشـان می دهدمحمدرضا عادلی مسبب کودهی

چرا همـه اقشـار مردم نسـبت به نرخ ارز حسـاس می باشـند؟نظر به اینکه ، در محافـل دوسـتانه ، درجمـع کارمنـدان ادارات دولـتی ، درسـمینارها و گردهمائیهـای علمی وبـه ویزه اقتصـادی وبازرگـانی وحـتی درمحافـل خـانوادگی ، صـحبت از ارز ، قیمـت روزآن ، کـاهش یـا افزایش آن ، آینـده معیشت ، ارتبـاط ارز بـا گرانی وبالاخره ارتباط ارز با سرنوشت این تورم حاد است . به راستی ، چرا همـه اقشـار مردم ، اعـم از ذی نفع وغیر ذی نفع نسبت بـه نرخ ارز حسـاس شـده انـد؟وقـتی نرخ برابری ارز رسـما "تغییر می کند (وافزایش می یابـد) دارنـدگان ارز خوشـحال می شونـد ولی نمی دانند که خوشـحالی آنان دیری نمی پاید وپی آمد فوری افزایش نرخ ارز ، افزایش ارزش کلیه کالاهای وارداتی ومصـنوعات داخلی وابسته است وریشه این افزایش ، درکاهش ارزش ذاتی پول ملی به دلیـل ضـعف تولیـد ، ازنظر کیفی وکمی یا کاهش بهره وری ورانـدمان درصـنایع ، درافزایش هزینه ها ، فرار ازپرداخت مالیات ، اجبـار دولت به پرداخت بسیاری از هزینه هـای انتقالی ، انجام برنامه های توسـعه اقتصادی وهزاران نکته باریکتر از مو ودرعین حال بسیار پر اهمیت اقتصادی است. ارز یعنی چه ؟درفرهنگ((معین)) ارز به ارزش ، بهاء ، قیمت ونرخ یا برابری پول داخلی با پولهای بیگانه تعریف شـده است . درمکالمات بازرگانی واقتصادی امروز ، ارز به معنی پول رایـج خارجی اسـتفاده می گردد. بدین ترتیب

((ارز)) ذاتا "به معنی پول خارجی است واضافه کردن صفت خارجی به دنبال لغت ارز صحیح نیست واز آنجا که پول یک کشور خارجی نه نه فقط به صورت اسکناس بلکه به صورت مسکوک ، چک بانکی، حواله، سفته، چک مسافرتی وبرات نیز یافت می شود . درنظام بانکی ایران ، کلیه ارزها یعنی تمام پولهای خارجی ، قابل معامله یا تبدیل نیستند . بدین صورت که قسمتی ازآنها قابل معامله وقسمتی غیر قابل معامله شناخته شده اند. بازار ارز کجاست؟((ریمون بار)) اقتصاد دان فرانسوی ، تعریف ساده ای از بازار به شرح زیر داده است : بازار به معنی تجمع گروهی از مصرف کنندگان است که دارای نیازهای مشترکی بوده و وسیله پرداخت معینی را نیز در اختیار داشته باشند . این تعریف هم درمورد بازار کالاها وهم درمورد بازار پول ، سرمایه وارز صادق است. بنابراین بازار ارز، محل فیزیکی مشخصی نیست ، بلکه مکانیسمی است که خریداران وفروشندگان ارز را برای انجام معامله یا دادو ستد ارز با پول ملی به یکدیگر نزدیک می نماید. بدیهی است دراین بازار ، مصرف کنندگان ارز ، یعنی خریداران ارز، شامل : وارد کنندگان شرکتهای حمل ونقل ، بیماران، دانشجویان مقیم خارج ،مسافرین به کشورهای خارجی، حجاج ، جهانگردان وهرنوع متقاصی ای است که مایل است قسمتی از پول ملی را به هردلیلی با پول خارجی تعویض نماید. دراین بازار فروشندگان ارز را صادرکنندگان ، شرکتهای حمل ونقل دریائی، هوائی وزمینی ، سفرتخانه ها کنسولگریها، شرکتهای خارجی ، دانشجویان ، شرکتهای خدماتی وازهمه مهمتر دولت به عنوان بزرگترین وارد کننده وبزرگترین صادر کننده تشکیل می دهد.ازجانب دیگر ، دلالان ارز نقش مهمی دراین بازار دارند. دلالان ، خریدار وفروشنده یا تقاضا کننده وعرضه کننده ارز را با یکدیگر نزدیک ساخته ودراین بین حق العمل خودرا دریافت می دارند. معمولا "دلالان به علت محدودیت امکانات مالی، به ندرت مقادیر کلانی ارز را به حساب خود خریده وشخصا "به فروش می رسانند، بلکه فقط برای مشتریان خود اقدام به انجام معامله می نمایند.نقش و وظیفه بازار ارز ، تبدیل ارزها به یکدیگر ویا انتقال قدرت خرید ازیک کشوربه به کشور دیگر می باشد . بنابراین بازر ارز یک بازار جهانی است ، مکان مشخصی ندارد، دارای نظامهای ارتباطی سریع وپیچیده است . به کمک آن می توان اقتصادی را تهدید کرد ویا اقتصادی را نجات داد وبالاخره می توان درشئونات سیاسی واقتصادی ملتها دخالت نمود. نرخ ارز یعنی چه؟نرخ ارز عددی است که ارزش پول کشوری را برحسب ارز یا پول کشورخارجی درزمان معین نشان می دهد.دربیان نرخ ارز ، معمولا "دوروش وجوددارد: یکی ازروشها این است که پول ملی به عنوان پول پایه وارز به عنوان پول متغیر معرفی ومحاسبه شود که این روش دربازار های ارزی انگلیس واسترالیا مورد استفاده است و در روش دیگر ، ارز یا پول خارجی به عنوان پایه وپول ملی به عنوان متغیر معرفی ومحاسبه می شود. به علت تسلط دلار به عنوان ارز قوی، دراغلب بازار ها ی ارزی دنیا به غیر از انگلیس واسترالیا ، از روش پایه دلار استفاده می شود. نرخ ارز چگونه تعیین می شود؟دو روش تعیین نرخ ارز وجود دارد: درکشورهائی که ورود وخروج ارز آزاد می باشد و دولت وبانک مرکزی نوعا "دربازار ارز دخالتی ندارند ، درحقیقت یک بازار جهانی ارز وجود دارد ، ورود وخروج ارزهای مختلف درآن آزاد می باشد و نظام ارزی آن ، نظام آزاد ارز نامیده می شود . درحالت دیگر ، درکشورهائی که ورود وخروج ارز تحت کنترل دولت وبانک مرکزی است ، بازار ارز یک بازار داخلی ، محدود وتحت کنترل است ونظام ارزی ، نظام کنرل ارز نامیده می شود. درنظام آزاد ارز ، نرخ ارز شناور است ، بدین معنی که نوسانات عرضه وتقاضای ارز، قیمت آن را تعیین می کند واین قیمت یا برابری ، تابع تغییرات عرضه وتقاضا واصطلاحا "شناور است.درنظام کنترل ارز ، نرخ ارز ، ثابت است ، بدین معنی که نرخ ، توسط دولت تعیین ودیکته می شود . دولت عمده ترین خریدار وفروشنده ارز است ونرخ را براساس ملاحظات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی تعیین می کند. درکشورهای پیشرفته صنعتی ، علیرغم ثبات نرخ ارز، دولتها درمواقع ضروری به طور غیر مستقیم دربازار دخالت نموده و نرخ ارز را کاهش یا افزایش می دهند. رابطه نرخ ارز با صادرات و واردات چیست؟صادرکنندگان کالاـ یکی از منابع بزرگ عرضه ارز به داخل کشور هستند وصادرات ، فی الواقع به معنی تعویض کالای داخلی با ارز است.وارد کنندگان نیز به نوبه خود ازمنابع بزرگ تقاضای ارز ویا عامل خروج ارز از کشور محسوب می گردند وبه دیگر سخن ، واردات به معنی خرید یا تهیه کالای خارجی با ارز است. تعیین نرخ ارز با توجه به نظریه برابری قدرت خریدنظریه برابری قدرت خرید توسط پروفسور کاسل – اقتصاد دان معروف سوئدی درسال ۱۹۲۴ابراز گردیده است . به موجب این نظریه ، نرخ ارز، یعنی نرخ تبدیل پول دوکشور، درتجارت خارجی براساس مقایسه سطح عمومی قیمتها در دوکشور یا مقایسه قدرت خرید داخلی پولها تعیین می گردد، یعنی درصورتی که تجارت بین دوکشور آزاد باشد ودولتها در امور ارزی دخالت ننمایند ، نرخ ارز درسطحی تعیین می گردد که قدرت خرید پولها درهنگام خرید یک سبد کالا و خدمات در کشور الف با همان سبد کالا و خدمات در کشور ب مساوی باشد. علل افزایش نرخ ارز درایران چیست؟افزایش نرخ ارز ، معلول عدم تعادلها، مشکلات ساختاری اقتصاد ، تورم ، کمبود مواد اولیه صنعتی ، کاهش عرضه ارز (درنتیجه نقصان صادرات) ، تحریم اقتصادی و همچنین تمایل به تبدیل دارائیهای نقدی از حالت ریالی به حالت دلاری است . اصولا "لازم به ذکر است که مشکلات ساختاری اقتصاد، مانند : افزایش هزینه های دولت ، کسر بودجه ، اجرای طرحهای عمرانی ، انتشار اسکناس جدید بدون پشتوانه ، بدهی دولت به بانک مرکزی وبالاخره اسقراض خارجی ، همه وهمه منجر به تورم وترقی نرخ ارز ومآلا "کاهش ارزش پول ملی خواهد گردید . نقصان ارزش پول ملی دارای دوجنبه و دو اثر است : یکی ، اثر بر روی ارزش داخلی پول ، یعنی تورم و گرانی مداوم قیمتها ودیگری اثر بر روی ارزش خارجی پول ، یعنی ترقی نرخ ارز یا به عبارت دیگر کاهش برابری پول ملی در برابر پول خارجی. تورم یا افزایش مستمر درسطح عمومی قیمتهااگر علل وموجبات تورم شناخته شوند ، می توان گفت همان علل وموجبات ، باعث کاهش ارزش خارجی پول ملی نیز شده اند.((تورم)) لغت شناخته شده است ، اما برای افراد غیر اهل فن ، چندان هم روشن نیست . یکی از بهترین و ملموس ترین تعابیر تورم این است که هرگاه مقدار پول منتشر سده ای که برای انجام معاملات دراختیار مردم است به مقدار پولی که منطقا "افراد به آن نیاز دارند ، فزونی یابد، مقدار پول درگردش افزایش می یابد ، ولی تولید کالاها (وانجام خدمات) افزایش نمی یابدو بدین ترتیب تعادل بین پول وتولیدات به هم می خورد وهرواحد تولید ، سهم بیشتری از پول درگردش را می طلبد، یعنی قیمتها افزایش می یابند. تعریف ساده تر دیگر ی تورم را فزونی تقاضا بر عرضه عنوان می کند.ولی به هرحال هروقت، جمیع وسایل پرداخت ، اعم از پول نقد یا اعتبار بانکی ، بیشتر از احتیاجات اقتصادی کشور باشد، وبه موازات افزایش وسایل پرداخت (یعنی پول) ، تولیدات ملی افزایش نیابد، تورم گریبانگیر جامعه می شود.نتیجه اینکه : اگر تورم درکشورما بیش از تورم جهانی باشد ، برای حفظ توان رقابتی وایجاد تعادل در مبادلات خارجی کشور، باید به تناسب اضافه نرخ تورم داخلی نسبت به تورم جهانی ، از ارزش پول ملی کاسته شود، یعنی نرخ ارز افزایش یابد. هزینه های سرمایه گذاریدربسیاری از کشورها ی درحال توسعه، درآمد های دولت محدود وهزینه ها درحال فزونی است ، به ویژه آنکه سرمایه گذاریهای سنگین وزیربنائی ازقبیل : ساختمان ، راهها ، پلها ، اسکله ها ، کارخانجات ذوب فلزات ، کارخانجات ساخت ماشین آلات و ... دربرنامه های دولت وجود داشته است انجام این برنامه ها نیازمند به وجوه منابع مالی است و این منابع درکشور درحال توسعه ، معمولا "به حد کافی وجود ندارد . بنابراین یا باید دولت این منابع را از کشورهای خارجی قرض نماید ، ویا اینکه از بانک مرکزی (که بعضا "تحت امر اوست) وام بگیردودرهردوحال مقادیر زیادی پول به جامعه تزریق شده ولی تولیدی (به فوریت) صورت نگرفته وبه ناچار تورم وافزایش قیمتها ایجاد می گردد. کسر بودجهکسر بودجه به معنی تفاوت درآمدها از هزینه های دولت است . یکی از علل اصلی کسر بودجه ، کاهش درآمدهای داخلی ، از قبیل : انواع مالیات و فرار مردم وشرکتها از پرداخت مالیات وعامل دیگر وجود یا افزایش هزینه های مربوط به برنامه های توسعه اقتصادی است وچون این گونه هزینه ها به کمک انتشار اسکناس یا به عبارت دیگر وام گرفتن دولت از بانک مرکزی تامین مالی می شود ، تورم به وجود می آید. نقدینگینقدینگی جامعه از تجمع پول و شبه پول به وجود می آید . حجم پول جامعه مرکب از اسکناسها و مسکوکات در دست افراد و موسسات وسپرده های دیداری (حسابهای جاری است) وشبه پول مرکب از انواع سپرده های مدت دار وسپرده های پس انداز است .گاهی اوقات ، دولتها به منظور پرداختهای عاجل خود ، متوسل به نظام بانکی شده و موجب می شوند تا مقادیری اسکناس جدید منتشر گردد. بدین ترتیب به حجم نقدینگی جامعه افزوده می گردد ، به تعبیر دیگر افزایش بدهی دولت به نظام بانکی ، باعث افزایش نقدینگی می شود. گاهی اوقات نیز بخش خصوصی به کمبود نقدینگی دچار می گردد که برای تامین مالی برنامه های خود به نظام بانکی بدهکار می شود ود این حالت نیز نقدینگی کل جامعه

افزایش می یابد.به هرحال افزایش نقدینگی درجامعه می تواند با عث افزایش تقاضا وبروز تورم گرددوبا توجه به اینکه افزایش نقدینگی لزوما "با افزایش تولید ناخالص داخلی ملازمه ندارد ، این عدم تعادل ، از ارزش داخلی پول خواهد کاست. پس اندازهای غیر پولیدریک جامعه اقتصادی ، درهرسال یا درهر دوره مالی، باید مقداری از ارزش تولیدات(یعنی درآمد) مصرف شده ومقداری نیز پس انداز گردد. این پس اندازها به صورت وام واعتبار ، مجددا "به سوی تولید برگردد وموجبات سرمایه گذاری جدید را فراهم آورد.پس اندازهائی ، به صورت خرید فرش اضافی، خرید اتومبیل اضافی ، خرید طلا وارز وسایر انواع دارائی که ماهیت پولی قابل برگشت به تولید را ندارند ، تورم زا هستند. روحیه واحساس عدم امنیتیکی از مهمترین علل تورم ، روحیه بی اعتمادی ، بی علاقگی ، عدم حمیت ، بی ثباتی اقتصادی وبالاخره عدم همکاری با نظام اقتصادی است . درچنین شرایطی ، افراد دچار نوعی حالت ولع، شده وبا نگرانی از آینده به خرید های حریصانه ، احتکار و تبدیل دارائیها ازحالت نقدی به صورت ارز وطلا می پردازند . درنظام آزاد ، عوامل فوق نه فقط باعث کاهش ارزش داخلی پول ، بلکه موجب کاهش ارزش خارجی آن نیز می گردند. بنابراین ضرورت دارد از هرعملی که موجب تورم می شود، احتراز گردد. ذخیره ارزیهرقدر ذخایر ارزی یک کشور بیشتر باشد ، نرخ ارز دربازار ارزی آن کشور ، پائین تر است وهرقدر ذخایر ارزی یک کشور ، کاهش یابد، نرخ ارز، افزایش پیدا می کند . البته رابطه عددی دقیقی دراین مورد وجود ندارد ، ولی معمولا "چنین ارتباطی دیده می شود. فرار سرمایه هاسرمایه به جائی می رود که سود آوری آن بیشترباشد یا خطر کمتری آن را تهدید کند. جمع بندیبا عنایت به علل اقتصادی ، مانند : تورم ، کسری تراز بازرگانی ، هزینه های دولت وبالاخره عامل روانی ، می توان نتیجه گرفت که برای مقابله با تهدید دائمی کاهش ارزش پول ملی ، یعنی افزایش نرخ ارز ، باید نوعی بسیج ملی درجهت افزایش تولیدات ، صرفه جوئی در مصرف ، تزریق پس اندازها به تولید (یعنی سرمایه گذاری درواحدهای تولیدی) ، جلوگیری از اسراف وتجمل گرائی ، افزایش کیفیت تولیدات ، کاهش ضایعات وپرداخت صادقانه مالیات به وجود می آید. منابع و مآخذ:۱- پول ، ارز وبانداری- مجتبی زمانی فراهانی۲- نرخ ارز واصلاحات اقتصادی – سید محمد حسین عادلی۳- گزارش اقتصادی وترازنامه- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران۴- خلاصه تحولات اقتصادی کشور- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران۵- بورس اوراق بهادار وآثار آن بر اقتصاد وبازرگانی کشور- محمد بلوریان تهرانی۶- ماهنامه بررسیهای بازرگانی – موسسه مطالعات وپزوهشهای بازرگلنی

ارزش افـــــزوده اقتـــصـــادی

EVA ...

اشاره: توجه به تشکیل شرکت‌های سهامی بزرگ در قرن هجدهم میلادی و همچنین عدم وجود تخصص لازم، زمان لازم و نه حتی نیاز مالکان به اداره شرکت خود، اشخاصی به نام مدیران پا به عرصه اقتصاد گذاشتند. با این جدائی مالکیت از مدیریت و قرار گرفتن منابع عظیم شرکتظهای سهامی و حتی غیرسهامی دراختیار مدیران باید معیارهائی برای سنجحش مدیران شرکت‌ها و عملکرد آنها و نیز معیار معناداری برای پاداش‌دهی به آنها در نظر گرفته می‌شد، مانند درآمد کل، سود عملیاتی، سود کل، به صورت تکامل یافته نظام در پونت، ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار، Q توبین و ... در این تحقیق بر آن شدیم تا از طریق یافتن رابطه همبستگی میان دو معیار ساختاریافته ارزیابی عملکرد شامل ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و نرخ بازده دارائی(ROA) به هدف یافتن رابطه همبستگی میان دو معیار مذکور برای جایگزینی یک معیار به جای معیار دیگر در راستای سهولت ارزیابی شرکت‌ها دست پیدا کنیم. با توجه به صنعت انتخاب شده و نتایج حاصله اینگونه استنباط شد که هیچ رابطه معناداری بین دو معیار را جایگزین یکدیگر برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها کرد و هر معیار با توجه به اهداف ارزیابی باید مورد استفاده قرار گیرد.* مقدمهاز زمان پیدایش و خلق انسان روابط اقتصادی و مالی و در کل مبادلات نیز شکل گرفت. این روابط در ابتدا و در جوامع ابتدائی به صورت بسیار ساده وجود داشت. با گذشت زمان کم کم جوامع کوچک به وجود آمدند. هر چه این جوامع بزرگتر و پیشرفته‌تر می‌شد، روابط اقتصادی بین آنها نیز پیچیده‌تر می‌شد. این روابط در ابتدا به صورت دادوستدهای پایاپای بود شرکت‌ها به سرعت رشد کردنند و به واحدهای اقتصادی بزرگی تبدیل شدند، این امر موجب ایجاد بازارهای مالی و پولی شد و هزاران نفر از سرتاسر دنیا اقدام به سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها کردند. در اواخر قرن هیجدهم دامنه فعالیت شرکت‌ها از مرزهای جغرافیائی نیز فراتر رفت و در قرن بیستم شرکت‌های چندملیتی متولد شدند.با ظهور شرکت‌های بزرگ و شکل‌گیری مبحث عظیم جدائی مالکیت از مدیریت و ایجاد یک تضاد منافع عظیم بین مالکان و مدیران ارزیابی عملکرد شرکت‌ها و مدیران و رهبران آنها از موضوعات مورد توجه اقشار مختلف مثل اعتباردهندگان، مالکان دولت و حتی مدیران است. از نظر سهامداران نیز میزان افزایش ثروت چه از طریق افزایش قیمت و ارزش شرکت و چه از طریق سود نقدی حائزاهمیت است. این ارزیابی‌ها از نظر مدیران به لحاظ ارزیابی عملکد خودشان و سایر بخش‌ها و نیز میزان پاداش صحیحی که به آنها پرداخت می‌شود و حق مسلم آنها است اهمیت اس از نظر دولت‌ها این ارزیابی‌ها برای رسیدن به سه هدف تخصیص بهینه منابع به‌عنوان هدف اصلی، توزیع عادلانه درآمد و تثبیت شرایط اقتصادی با مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی حائزاهمیت است از نظر بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری نیز تداوم فعالیت شرکت و ایمان به بقای شرکت برای ارائه وام‌ها و تسهیلات اعطائی از نظر نرخ و میزان حائزاهمیت است. اما آنچه که بیشتر دارد از دید سرمایه‌گذاران است. زیرا این قشر حاضر نیستند که در شرکت‌های با ممخاطره بالا سرمایه‌گذاری کنند و لذا اگر هم چنانچه این کار را انجام دهند، به‌ازائ ارزش بیشتر، بازدهی بیشتر مورد انتظار خواهد بود.یکی از معیارهائی که در این راستا مورد استفاده قرار می‌گیرد، نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (RGE) یعنی نظام دوپونت است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد مورد استفاده قرار گرفته است. روش دیگری که در دهه ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفت ارزش افزوده اقتصادی (EVA) نامیده می‌شود. این روش به‌طور خلاصه بر ایجاد یا از بین رفتن سرمایه (ارزش شرکت) تأکید دارد به بیان دیگر این روش میزان بازده سرمایه را پس از وضع هزینه‌های تأمین مالی نشان می‌دهد. با توجه بررسی‌های انجام شده و نتایج حاصله و نیز ایرادات وارده بر سود خالص مانند هموارسازی، اثر برآوردها، اختلاف سلایق و ... معیار نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) مورد تردید است و لذا چون در معیار ارزش افزوده اقتصادی (EVA) ایرادات مربوطه حذف شده است بنابراین بسیاری بر این عقیده هسند که ارزش افزوده اقتصادی (EVA) معیار مناسبتری برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها و مدیران است.* اهمیت و ضرورت تحقیقگروه‌های مختلف به دلایل متفاوت به مسئله ارزیابی عملکرد شرکتظها توجه خاصی داشته و آنها را مهم تلقی می‌کنند اعم از مالکان، مدیریت، سرمایه‌گذاران دولت، بانک‌ها و اعتباردهندگان و ... و همچنین معیارهای مختلفی برای ارزیابی عملکرد وجود دارد که هر کدام در جایگاه خود می‌توانند معیارهای مناسبی برای ارزیابی عملکرد باشند. اطلاعات مورد نیاز برای این معیارها از طریق صورت‌های مالی (حسابداری)، اقتصاد، بازار آزاد و یا ترکیبی از آنها به‌دست می‌آید که هر کدام به نوعی دارای محاسن و معایب مختلفی هستند. معیار نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) که از دسته نسبت‌های سودآوری بوده و در نظام دوپونت مطرح ات از جمله معیارهای مذکور می‌باشد. یکی از ایرادات بزرگ نرخ بازده درائی‌ها (ROA) این است که در آن از سود خالص حسابداری استفاده شده است. سود خالص خود دارای ابهامات زیادی است مانند امکان هموارسازی سود توسط مدیریت شرکت که باعث دستکاری سود توسط مدیریت برای کسب پاداش بیشتر می‌شود عیب دیگر استفاده از برآوردها و تخمین‌ها در محاسبه سود حسابداری است مانند برآورد هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و ... و عیب دیگر اجازه استفاده اختیاری به مدیریت برای استفاده از روش‌های مورد قبول حسابدرای است. البته محسناتی را نیز ر پی دارد مثل سادگی در محاسبه، کم‌هزینه بودن و قابلیت فهم آسان.حال با عنایت به عیوب فوق در خصوص نرخ بازده دارائی‌ها (ROA)، ارزش افزوده اقتصادی (EVA) تا حدودی این عیوب را برطرف و نقص‌ها را جبران کرده است. بری نمونه در محاسبه ارزش افزوده اقتصادی (EVA) دیگر سود خالص انتهاء صورت سود و زیان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه از سود خالص عملیاتی بعد از کسر مالیات (NOPAT) استفاده می‌شود تا برخی مسائل به خودی خود رفع شود.* فرضیه تحقیقرابطه همبستگی (چه مثبت، چه منفی) بین نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) و ارزش افزوده اقتصادی (EVA) در میان شرکت‌هایپذیرفته شده در بورس اوراق بهاءدار ایران فعال در صنعت خودروسازی وجود دارد. * قلمرو تحقیقمحدوده این تحقیق

شرکت‌های خودروساز پذیرفته شده در بورس اوراق بهاءدار ایران فعال در صنعت خودروسازی می‌باشند و مدت زمان تحقیق شامل سه سال متوالی ۸۲-۱۳۸۰ است، که با اخذ اطلاعات مالی سه سال بیان شده صورت می گیرد.* مبانی و روش‌های ارزیابی عملکرد با توجه به پیشرفت‌های علمی انجام شده و نیز تکامل بشریت و نیاز به استفاده از معیارهای دقیق‌تر می‌توان اینگونه استنباط کرد که از میان تمام مبانی فوق‌الذکر ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و ارزیابی متوازن (۷)(BSC) بیشتر مورد توجه قرار می گیرد.دیگاه BSC از سال ۱۹۹۲توسط کاپلن و نورتون مطرح و به مرور زمان و با استفاده‌های مختلف به سه دوره تفکیک شد.روش‌های مختلفی از جهات متفاوت برای ارزیابی عملکرد و جود دارد ولی آنچه بیشتر مدنظر است بعد مالی است. از نظر مالی روش‌های ارزیابی عملکرد به چهار دسته ذیل تقسیم می‌شوند شایان ذکر است این چهار دسته از بعد میزان اطلاعات مورد نیاز هم طبقه‌بندی شده است:۱روش‌هائی که در آنها از اطلاعات حسابداری برای ارزیابی عملکرد استفاده می‌شود و همان سیستم‌های مایل همانند نسبت‌های مالی RQA و ROE و ... هستند.۲روش‌هائی که ترکیبی از اطلاعات حسابداری و بازار را برای ارزیابی عملکرد مورد استفاده قرار می گیرد، مانند نسخه‌های مختلف Q توبین و یا نسبت P/E.۳نسبت‌هائی که با استفاده از داده‌های مدیریت مالی مورد استفاده قرار می گیرند مانند بازدهی هر سهم و بازده اضافی هر سهم.۴نسبت‌هائی که علی‌رغم استفاده از اطلاعات حسابداری معیارهای اقتصادی هستند مانند EVA و REVA وMVA.الف) ارزیابی عملکرد با استفاده از تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالییکی از پیامدهای سیر تحول حسابداری استفاده از نسبت‌های مالی برای ارزیابی عملکرد و تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی است که پیدایش آنها به اواخر قرن نوزدهم میلادی برمی گردد. اطلاعات حسابداری مهمترین بخش اطلاعاتی در یک ارزیابی عملکرد به حساب می‌آید و در تمامی معیارها و مبانی یک اصل اساسی و انکارناپذیر است. یکی از انواع تجزیه و تحلیل‌ها تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی است که خود نوعی معیار ارزیابی عملکرد می‌باشد و بنیان آن به‌طور کامل به‌صورت‌های مالی شامل ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت گردش وجوه نقد بستگی دارد.تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی به چهار دسته تقسیم می‌شود:۱نسبت‌های نقدینگی: قدرت بازپرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت را نشان می‌دهد.۲نسبت‌های سودآوری: بازدهی و سودآوری کوتاه‌مدت (سالانه) را ارزیابی می کند.۳نسبت‌های فعالیت: بازدهی و سودآوری میان‌مدت و بلندمدت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.۴نسبت‌های اهرمی: قدرت بازپرداخت بدهی‌ها و تعهدات بلندمدت را نشان می‌دهد.*محدودیت‌های استفاده از نسبت‌های مالی۱ برآورده‌هاچون اطلاعات مورد استفاده در نسبت‌های مالی کاملاً مطابق با صورت‌های مالی است لذا در این اطلاعات برآوردهای مختلفی همانند ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول استهلاک زیان‌های احتمالی و ... وجود دارد که کاملاً قضاوتی و شرایطی است و تمام این قضاوت‌ها به مدیران ارشد و قوانین موضوعه شرکت بستگی دارد بنابراین هر انداه این برآوردها نادرست یا جانبدارانه و با تورش (اریب) باشند به ناچار نسبت‌های مالی را تحت‌تأثیر قرار داده و این نسبت‌ها را به سمت و سوئی که می‌خواهند سوق می‌دهند.۲ اصل بهاء تمام شده تاریخیبا توجه به وجود یک اصل اساسی و زیربنائی در حسابداری به‌نام اصل بهاء تمام شده تاریخی و الزام به استفاده از این اصل در تهیه صورت‌های مالی، لذا تغییرات در سطح قیمت‌ها و تورم باعث تغییر در ارقام حسابداری یا حتی تعدیل آنها نمی‌شود. مقایسه داده‌های مالی که در طول دوره‌های مختلف و تحت‌تأثیر تورم یا رکود ایجاد شده‌اند، نادرست است. به‌خصوص ارزش دارائی‌های ثابتی مثل اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، ساختمان و زمین که معمولاً دو ویژگی را همواره به دنبال داشته، اولاً عمر مفید زیادی دارند و ثانیاً قدمت خرید آنها به سال‌های قبل برمی گردد. لذا حتی اگر قیاس با صنعت نیز صورت گیرد باز هم اثر این اصل کاملاً مشهود خواهد بود.۳ اختیار مدیریت برای استفاده از روش‌های مختلف حسابداری با توجه به شرایط و قضاوت‌هابا توجه به ماهیت فعالیت هر شرکت و نوع محصولات تولیدی اصول حسابداری مورد استفاده متفاوت است. فلسفه وجود اصول پذیرفته شده حسابداری در نظر گرفتن صنعت خاص و نیز ماهیت فعالیت شرکت‌های مختلفی است که باید از آن پیروی کنند. لذا براساس تفاوت بیان‌شده مقایسه نسبت‌های شرکت‌های ذکر شده مشکل و تا حدودی نادرست خواهد بود. به‌عنوان مثال شرکتی که محصولات غذائی تولید می کند از روش اولین صادره از اولین وارده (RFO) یا میانگین جهت ارزشیابی موجودی‌های خود استفاده می کند. در صورتی که موجودی‌ها در هر دو شرکت، با اهمیت باشند، نسبت جاری و آنی در شرکت تقریباً غیرقابل مقایسه بوده و ممکن است بر قابلیت مقایسه نسبت‌های دیگر مانند گردش موجودی‌ها نیز اثر بگذارد. تفاوت در به‌کارگیری اصول پذیرفته شده حسابداری را می‌توان از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی استخراج کرد.۴ داده‌های غیرعادیبا توجه به اینکه قسمت تقریباً بااهمیتی از صورت‌های مالی ممکن است تحت تأثیر تورم یا رکود (شرایط اقتصادی) شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... قرار بگیرند لذا امکان تغییر عمده در آن اقلام طی سال مالی (دوره مالی) وجود دارد و لذا این اقلام چه در ترازنامه، چه در صورت سود و زیان و چه در صورت گردش وجوه نقد ممکن است تأثیر اساسی در نسبت‌های مالی داشته باشند که با این تفاسیر مقایسه این نسبت‌ها با سال قبل و صنعت را غیرممکن کند. به‌خصوص اینکه اکثر شرکت‌ها، تاریخی را برای پایان سال مالی انتخاب می کنند که با دوره کاهش فعالیت‌ها یا سطح موجودی‌های آنها همزمان است و این امر مسئله بیان شده را شدت می‌بخشد. مثال واضح این ایراد، موجودی‌های پایان سال برای شرکت‌ها، وجود اقلام غیرمترقبه و استثنائی و ... می‌باشد. ب) ارزیابی عملکرد با ترکیب اطلاعات حسابداری و بازارکلیه نسبت‌هائی که به نسبت‌های ارزشیابی مشهور هستند. در این دسته قرار دارند. این نسبت‌ها با ترکیب معقول ریسک و بازده ز طریق اطلاعات بازار و نیز ترکیب آن با اطلاعات حسابداری مبنای ارزشیابی مناسبی بری ارزیابی عملکرد شرکت‌ها را فراهم می‌آورند. نسبت‌ها به‌شرح ذیل هستند:۱ نسبت قیمت به سود هر سهم: (Rrice/EPS)یکی از رایج‌ترین و پرکاربردترین نسبت‌ها برای تجزیه و تحلیل ارزش یک شرکت چه از طرف سرمایه‌داران جهت سرمایه‌گذاری و چه از طرف سهامداران از نظر مالکیت شرکت نسبت قیمت به سوددهی سهم می‌باشد. این نسبت از تقسیم قیمت بازار سهام شرکت به سود هر سم به دست می‌آید. برای قیمت بازار معمولاً از میانگین قیمت بازار یک روز سهام استفاده می‌شود. در ایران مبنای مقایسه‌های مناسبی برای P/E وجود ندارد. یکی از نکات قابل توجه این نسبت استفاده از اطلاعات بازار به‌صورت به روز است.۲ نسبت قیمت به ارزش دفتری سهام: (Price/Book Value)این نسبت از تقسیم ارزش بازار هر سهم به ارزش دفتری هر سهم به‌دست می‌آید. ارزش دفتری هر سهم معرف حقوق صاحبان سهام عادی به ارزش تاریخی به‌ازاء هر سهم است. اگر شرکتی دارای مدیریت و سازماندهی باشد که وظایف و نقش‌ها و مسئولیت‌های خود را به‌نحو احسنت و با کارآئی و اثربخشی انجام دهند. در این صورت ارزش بازار بزرگتر از ارزش‌های تاریخی هر سهم (ارزش دفتری هر سهم) خواهد بود. شایان ذکر است هر چه این نسبت بالاتر باشد نشانه مطلوبیت شرکت برای سرمایه‌گذاری نیست بلکه باید براساس واقعیت‌ها این نسبت وجود داشته باشد.۳ نسبت Q توبینیکی از معیارهای مهم ارزیابی عملکرد شرکت‌ها نسبت به Q توبین می‌باشد. این معیار در دهه ۱۹۷۰ مطرح و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به‌طور گسترده‌ای توسط محققین مورد استفاده قرار گرفت. نسبت Q توبین از تقسیم ارزش بازار اوراق بهاءدار شرکت از هر نوع و بدهی‌های بلندمدت‌ها به‌اضافه ارزش دفتری بدهی‌های کوتاه‌مدت بر ارزش جایگزینی دارائی‌های شرکت به‌دست می‌آید. شایان توجه است منظور از اوراق بهاءدار سهام عادی، سهام ممتاز و انواع اوراق قرضه منتشره شرکت است. نسبت Q توبین توسطز پروفسور جیمز توبین در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی کلان به‌منظور پیش‌بینی آینده فعالیت‌های سرمایه‌گذاری به‌وجود آمد. زمانی‌که نسبت Q توبین از یک بزرگتر باشد نشان‌دهنده این است که سرمایه‌گذاری در دارائی‌ها، تولیدکننده درآمدهائی است که ارزش بیشتر از مخارج سرمایه‌ای را ایجاد می کنند و زمانی‌که نسبت Q توبین کوچکتر از یک است بدین‌معنی است که سرمایه‌گذاری در دارائی‌ها رد می‌شود و بازدهی چندانی نداشته است.ج) ارزیابی علمکرد با استفاده از داده‌های مدیریت مالیمهمترین معیارهائی که با استفاده از داده‌های مدیریت مالی قابل محاسبه است عبارتند از:۱ بازده هر سهمبا نگاهی کلی و اجمالی به سهامدارانی که در سهام شرکت‌های مختلف سرمایه‌گذاری می کنند در خواهیم یافت که دو نوع سود مورد انتظار برای سهامداران قابل لحاظ است یکی سود نقدی که توسط شرکت سرمایه‌پذیر پرداخت می‌شود و به‌طور طبیعی این نوع سود را کسانی که مخاطره کمتری را حاضر به پذیرش هستند انتظار دارند. شایان توجه است که این نوع سود باعث خروج نقدینگی از شرکت شده و ارزش سهام شرکت را تعدیل می‌نماید. زیرا بنیان سهام را تضعیف کرده و به عبارت دیگر قسمتی از سود که می‌توانست باعث افزایش قیمت شود نقدی پرداخت می‌شود. دیگری سود ناشی از افزایش ارزش سهام است که

ناشی از تغییرات قیمت به سبب عوامل مختلفی همچون سود باقیمانده ، افزایش تقاضا بر عرضه، مسائل اقتصادی و سیاسی و ... می‌باشد. گروهی به این بازده توجه دارند که اولاً ریسک‌پذیری بیشتری دارند و ثانیاً با اتصال مداوم به بازار سرمایه و اطلاع از نوسانات قیمت و فروش به موقع سهام از این بازده بهره‌مند می‌شود.شایان ذکر است این دسته سهامداران اصولاً به سود نقدی کم رضایت می‌دهند و قاعدتاً توجهی به آن ندارند. بازده سهام به‌صورت زیر قابل محاسبه است:بازده تغییرات قیمت سهام + بازده نقدی سهام = بازده سهامبراساس فرمول فوق می‌توان اینگونه استنباط کرد که برای سرماه‌گذاران گروه اول بازده نقدی سهام بزرگتر و بازده تغییرات قیمت سهام کمتر است و برای سرمایه‌گذاران گروه دوم بالعکس است. ایراد اساسی که به این معیار به‌عنوان یک معیار ارزیابی عملکرد وارد است این است که بازده سهام و عمدتاً قسمت بازده تغییرات قیمت سهام ناشی از عواملی است که اصطلاحاً خارجی است و تحت کنترل مدیریت نیست و لذا مسئولیت‌خواهی یک عامل غیرقابل کنترل، غیرمنطقی است. البته ایراد دیگری نیز وارد است و آن عدم استفاده از اطلاعات تحلیلی حسابداری است که قابلیت اتکاء بالائی دارند و لذا اطمینان بیشتری نسبت به اطلاعات بازار دارند و از ایرادات دیگر مؤثر بر این معیار وجود یک عدم تقارن اطلاعاتی در سطوح مختلف است.*بازده اضافی هر سهمبازده اضافی یعنی بازده بیبشتر از بازده در نقطه تعادل است که خط بازار سرمایه (SML) این نقطه متعادل را نشان می‌دهد. در اینجا نقطه تعادل نقطه‌ای است که تا هر میزان از B (مخاطره) بازده مورد انتظار (Z) آنرا به‌دست می‌آوریم. این میزان برای هر شرکتی متمایز است. حال اگر ما محور افقی را به‌عنوان میزان قبول مخاطره بدانیم و آن را با شاخص B نشان دهیم و محور عمودی را نرخ بازده مورد انتظار بدانیم، نقطه Z نشانگر نقطه تعادل در مقادیر مختلف B است. در این مقدار K ?نقطه بازده حاصله بدون قبول هیچگونه مخاطره‌ای است و همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، با افزایش بهاء اوراق بهاءدار بازده نیز افزایش پیدا می‌کنند (خط d صعودی می‌باشد) و در نقطه‌ای که خطوط عمود شده بر B خط d را قطع می‌کند نقطه تعادل به‌وجود می‌آید.حال اگر فرض کنیم K ?برابر ۱۰٪ باشد در نتیجه با B مساوی ۰.۵ نرخ بازده مورد انتظار برابر خواهد بود با:-K=K?+(KM k۱=٪۱۰+(٪۱۰-٪۲۵)۰.۵(B(K?حال اگر فرض کنیم که B برابر ۱ باشد بنابراین بازده مورد انتظار برابر خواهد بود با:۱(٪۲۵- ٪۱۰)+٪۱۰=k۱با توجه به محاسبات انجام شده و بازده‌های مورد انتظار مشخص است که با توجه به تفاوت حاصله بین k۱ و k۲ سودی معادل ٪۷.۵ در k۲ بیشتر به‌دست می‌آید. البته به‌دلیل مخاطره بیشتر (بتای بیشتر) این بازده اضافه یا کم می‌تواند به واسطه عوامل درونی مانند نقص و یا تکمیل نبودن پیش‌بینی بازده و نیز یک سری عوامل بیرونی مانند عوامل مشخص بازار از جمله عرضه و تقاضا به‌وجود آید. به بازده اضافی حاصل شده در B مساوی یک (k۱-E=k۲) بازده اضافی سهم گفته می‌شود. لذا یک نظریه در رابطه با بازده بازار و مخاطره که الگوی قیمتگذاری دارائی‌های سرمایا (CAPM) خوانده می‌شود، -Kj=k۱+(km Beta(k۱که در این معادله، Kj معرف نرخ بازده مورد انتظار سهام j,k۱ نرخ بهره بدون مخاطره Km نرخ بازده بازار و Beta معرف ارزش بتای مربوط به سهام j می‌باشد.د ارزیابی عملکرد با استفاده از داده‌های اقتصادیاینگونه معیارها بیشتر ا زآنکه معیارهای مالی باشند معیارهای اقتصادی هستند زیرا اولاً بیشتر مورد استفاده بوده و ثانیاً داده‌های اقتصادیدر آنها بیشتر مورد بهره‌برداری می‌یگرند. مهمترین معیارهائی که در زمینه عملکرد با استفاده از داده‌های اقتصادی وجود دارند عبارتند از:۱ ارزش افزوده اقتصادی (EVA(۲ ارزش افزوده بازار (MVA(۳ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده (REVA)* ارزش افزوده اقتصادی (EVA)ارزش افزوده اقتصادی معیاری است که هزینه فرصت همه منابع به‌کار گرفته شده در شرکت را مدنظر قرار می‌دهد، به‌عبارت دیگر ارزش افزوده اقتصادی مثبت نشان‌دهنده تخصیص بهینه منابع، ایجاد ارزش در شرکت و افزایش ثروت سهامداران است از طفی ارزش افزوده اقتصادی منفی بیانگر اتلاف منابع و تخصیص غیربهینه و ناکارآمد منابع شرکت و به تبع آن کاهش ثروت سهامداران می‌شود. با توجه به تحقیقات انجام شده نزدیکترین مفهوم به ارزش افزوده اقتصادی (EVA) سود باقیمانده (RI) ست.این معیار یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد است که تقریباً همزمان با نظام دوپونت مطرح شد که نشاندهنده سود پس از کسر هزینه‌ای سرمایه‌ای است که به شکل زیر محاسبه می‌شود:دارائی‌ها (? نرخ هزینه سرمایه‌ای - نرخ بازده دارائی‌ها)=RIدلیل اصلی ظهور این معیار تأکید بر هزینه‌های سرمایه‌ای سنگین است که معمولاً شرکت‌ها متحمل می‌شوند و مدیران توجه خاصی به آنها ندارند، لذا برای تأکید بیشتر به اینگونه هزینه شکل گرفت. شایان ذکر است در اغلب مطالب مدیریت مالی دو معیار ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و سود باقیمانده (R۱) معادل یکدیگر به‌کار می‌روند. شایان ذکر است با تمام تفاسیر فوق تفاوت‌هائی میان این دو معیار وجود دارد. باید اذعان کرد معیار ارزش افزوده اقتصادی (EVA) که توسط آقای GB Stewart مطرح شد با ایجاد تغییرات و ارتقاء مفهوم سود باقیمانده (RI) همراه بود. این تغییرات بیشتر در بخش نرخ بازده و دارائی‌ها به‌وجود آمده است، به‌طوری که با استفاده از رویکرد عملیاتی و انجام یکسری تعدیلات دو سود حسابداری و دارائی‌ها برای رسیدن به سود عملیاتی بعد از مالیات (۲۳) و سرمایه (۲۴)، نرخ بازده سرمایه محاسبه شده و به جای دارائی‌ها از سرمایه استفاده می‌شود.در حال حاضر ارزش افزوده اقتصادی (EVA) به‌عنوان یک معیار کارا در مدیریت مالی مطرح بوده و هدف اصلی آن اندازه‌گیری میزان افزایش ثروت سهامداران است و به‌عنوان مبنائی برای تعیین اهداف مالی، بودجه‌بندی‌ها علی‌الخصوص بودجه‌بندی سرمایه‌ای و ایجاد انگیزه از طریق پاداش برای مدیران محسوب می‌شود. دلایل مطرح شدن ارزش افزوده اقتصادی (EVA)یک شرکت می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از قراردادهای متنوع در نظر گرفته شود که با استفاده‌کنندگان زیادی سر و کار دارد. این ذینفعان شامل سهامداران، مدیران و کارکنان، مشتریان، اعتباردهندگان دولت و ... می‌باشند. استفاده‌کنندگان به شرکت منابع اقتصادی و خدمات ارائه می‌دهند و در عوض انتظار دارند که پاداشی به‌دست آورند سهامداران شرکت مخاطره‌ای را می‌پذیرند که این مخاطره در ارتباط با عملکرد شرکت و قابلیت اجراء قراردادها با سایر استفاده‌کنندگان می‌باشد. شرکت پس از تراضی سایر استفاده‌کنندگان می‌تواند مبلغ باقیمانده را بین سهامداران تقسیم کنند براساس تابع ریسک و بازده سهامداران از طریق تحصیل حقوق دارائی‌ها برای سود باقیمانده بازده بالقوه نامحدودی به‌دست می‌آورند. سهامداران به‌عنوان تحمل‌کنندگان ریسک شرکت‌ها در جهت افزاشی کارآئی عملکرد خود باید در شرکت‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین از طریق تنوع بخشیدن به پرتفوی خود، بخش اعظم مخاطره خود را کاهش می‌دهند. در یک بازار رقابتی قیمت مخاطره به‌وسیله سهامدارانی که بهتر قادر هستند مخاطره را تحمل کنند تعیین می‌شود برای مثال سرمایه‌گذارانی که دارای پرتفوی خوب هستند لذا قیمت بازار مخاطره فقط مخاطره‌ای را منعکس می‌کند که در پرتفوی نمی‌توان آن را حذف کرد (به آن ریسک سیستماتیک می‌گویند و از شرایط کلی اقتصاد ناشی می‌شود.معیارهای الویه همچون سود رشد سود، سود هر سهم (EPS) سود نقدی هر سهم (DPS) و نرخ بازده سرمایه به واسطه استفاده از سود حسابداری دارای ایرادات و عیوبی بودند زیرا این سود در اثر موارد زیر قابل تغییر است: ۱ روش‌های رازشیابی موجودی‌ها: مثلاً استفاده از روش RFO و LIFO و میانگین هر کدام سودهای متفاوتی را ایجاد کرده و تغییراتی را در سود ایجاد می‌کنند.۲ روش‌های استهلاک دارائی‌های ثابت:با توجه به وجود روش‌های گوناگون استهلاک همچون خط مستقیم نزولی، مجموع سنوات و ... هر کدام باعث تغییری در سود حسابداری می‌شوند.۳ روش‌های برخورد با هزینه‌های سرمایه‌ای:هزینه‌های سرمایه‌ای و بلندمدتی مثل هزینه‌های تحقیق و توسعه که هم می‌توان به‌عنوان دارائی بلندمدت استهلاک‌پذیر و هم می‌توان به‌عنوان هزینه‌های دوره جاری احتساب کرد سود را افزایش یا کاهش می‌دهند.۴روش‌های ذخیره‌گیریهمه ساله در شرکت‌های مختلف ذخایر گوناگونی همانند هزینه مطلبات مشکوک‌الوصول، ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها یا دیگر دائی‌ها و ... محاسبه و در صورت سود و زیان لحاظ می‌شود میزان و سقف این هزینه‌ها مستقیماً به قضاوت حرفه‌ای مدیران و با نگاه به فرآیند گذشته شرکت تعیین می‌شود و بنابراین طبیعی است که هر مدیر براساس قضاوت خود - البته تا حددی - این هزینه‌ها را تعیین و لذا ناچار سود تحت‌تأثیر قرار گرفته و در معرض این برآورده‌ها تغییر کند.۵ روش‌های استهلاک سرقفلی تلفیقیمبحث ترکیب شرکت‌های بزرگ و فرآیند نفوذ و کنترل این شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از یکی از دو روش اتحاد منافع یا خرید صورت گیرد. در روش اتحاد منافع اساساً چیزی به نام سرقفلی تلفیقی وجود ندارد تا به دنبال آن هزینه استهلاک در صورت سود و زیان ظاهر شود در حالی‌که در روش خرید سرقفلی ترکیبی باعث ایجاد هزینه استهلاک سالانه شده و کاهش سود را به دنبال دارد. تفکیک مالکیت از مدیریت و کنترل سرمایه توسط مدیران، تضاد منافع را به‌وجود می‌آورد. مدیرانی که شرکت راهدایت می‌کنند الزاماً انگیزه‌ای برای افزایش ثروت مالکان

(سهامداران) ندارند. تنها عاملی که دو مشکل فوق را حل می‌کند، معیاری به نام ارزش افزوده اقتصادی (EVA) است، مدیریت شرکت‌ها براساس ارزش افزوده اقتصادی (EVA) ، ثروت سهامداران را حداکثر خواهد کرد. برای رسیدن به این هدف (حداکثرسازی ثروت سهامداران) سهامداران باید براساس افزایشی که در ارزش افزوده اقتصادی (EVA) ایجاد شده است به مدیران پاداش دهند. ارزش افزوده اقتصادی (EVA) را نه تنها نسبت به نتایج حاصله، بلکه نسبت به منابعی که برای رسیدن به آن نتایج به‌کار گرفته شده قادر به پاسخگوئی می‌نماید. اهداف مدیریتی مبتنی بر افزایش سود یا سهم بازار، افزایش بازده دارائی‌ها با حقوق صاحبان سهام یا سایر معیارهای تجاری، می‌توانند انگیزه‌هائی ایجاد نماید که با حداکثر کردن ثروت سهامداران ناسازگار باشد و مضافاً اینکه حداکثر کردن ارزش افزوده اقتصادی (EVA) همواره انگیزه‌هائی در جهت حداکثرسازی ثروت سهامداران ایجاد می‌کند.ـ مفهوم ارزش افزوده اقتصادی (EVA)با توجه به مطالب گوناگونی که در خصوص EVA منتشر شده است تعاریف گوناگونی از آن استنباط شده است ولی با این وجود می‌توان تعریف زیر را ارائه کرد: ارزش افزوده اقتصادی معیار اندازه‌گیری عملکردی است که راه‌های منجر به افزایش یا از بین رفتن ارزش شرکت را به درستی محاسبه می‌نماید. این معیار نشاندهنده سود باقیمانده پس از کسر هزینه‌های سرمایه‌ای است.ارزش افزوده اقتصادی (EVA) به‌عنوان یک معیار ارزیابی، هزینه فرصت صاحبان سهام و ارزش زمانی پول را در نظر گرفته تعریف‌های ناشی از به‌کارگیری اصول حسابداری را رفع می‌کند از نظر ریاضی، نتایج حاصل از ارزش افزوده اقتصادی دقیقاً برابر مقادیر است که از طریق جریانات نقدی تنزیل شده (DCF) یا خالص ارزش فعلی (NPV) به‌دست می‌آید. ارزش افزوده اقتصادی (EVA) که یک معیار عملکرد ساده تلقی می‌شود و تصویر واقعی از ایجاد ثروت برای سهامداران ارائه کرده و در اتخاذ تصیمات سرمایه‌گذاری و شناسائی فرصت‌هائی برای بهبود و توجه به منافع کوتاه‌مدت هماننـد منابع بلندمدت به مدیران کمک می‌کند.به‌عبارت دیگر ارزش افزوده اقتصادی (EVA) یک معیار مؤثر در کیفیت سیاست‌های مدیریتی و به‌عنوان یک شاخص قابل اتکاء از چگونگی رشد ارزش شرکت در آینده می‌باشد مدیران شرکت‌های مذکور معتقدند، فرآیند و نتایج محاسبه ارزش افزوده اقتصادی (EVA) بینش جدید و با ارزشی از سلامت مالی وعملکرد تجاری ایجاد می‌کند. ارزش افزوده اقتصادی متشکل از ۲ اصل اساسی در تصمیم‌گیری مدیران است:۱ هدف مالی اولیه هر شرکتی باید حداکثرسازی ارزش و ثروت سهامداران می‌باشد.۲ ارزش هر شرکت بستگی به این دارد که تا چه حد سودهای آتی مورد انتظار کمتر یا بیشتر از هزینه سرمایه‌ای آن است. بنابراین ارزش افزوده اقتصادی EVA یک معیار با چند هدف است یکی ارزیابی عملکرد، دیگری تعیین ارزش سهام، بودجه‌بندی علی‌الخصوص بودجه‌بند سرمایه‌ای و کمک به تعیین میزان پاداش میدران که استحقاق آن را داشته و یک عامل انگیزشی به حساب می‌آید.ـ ارزش افزوده اقتصادی و اثرات مدیریتیبا نگاهی دقیق‌تر و جستجوگر می‌توان دریافت که رویه‌های مختلفی برای پاسخ‌خواهی از مدیران وجود دارد و به همین ترتیب روش‌های مختلفی برای پاداش‌دهی به مدیران قابل لحاظ است لذا همواره این سؤال مطرح بوده است که چه روشی و چه مقداری پاداش برای مدیران مناسب است که از یک طرف باعث انگیزش مدیران و از طرف دیگر باعث تکافوی بیشتر آنها برای به‌دست آوردن بازدهی بیشتر و اصطلاحاً بیداری مدیران شود. آنچه مسلم است دیدگاه سرمایه‌داری همواره بر افزایش ثروت سهامداران و سرمایه‌گذاران تأکید دارد لذا باید همواره به این موضوع توجه داشت که کارآئی و اثربخشی میدران واحدهای مختلف حائزاهمیت است و یا دلگرم کردن مدیران موفق می‌توان به این افزایش ثروت سرعت بیشتری بخشید. یکی از رویه‌های اساسی در این راه مالک کردن مدیران است یعنی ایجاد سیستم سهام وثیقه است. راه دیگر ارزیابی عملکرد آنها و پاداش منطبق با این ارزیابی است ولی چه روش ارزیابی مطلوب است. مبنای ارزش افزوده اقتصادی می‌تواند یکی از مبانی مطلوب ارزیابی عملکرد باشد.یعنی براساس ارزش افزوده اقتصادی مدیران ارزیابی شده و حتی پاداش به‌صورت درصدی از آن باشد.با توجه به جهتگیری EVA، مدیران عملیاتی دارای سه عامل انگیزشی مهم به‌شرح ذیل هستند:۱تلاش برای کسب بازدهی بیشتر از امکانات موجود ۲ سرمایه‌گذاری در پروژه‌هائی که نرخ بازده آنها بیشتر از نرخ هزینه سرمایه‌ای آنها است. ۳ واگذاری سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌هائی که نرخ هزینه سرمایه‌ای آنها بیشتر از نرخ بازده آنها است.ـ مزایای ارزش افزوده اقتصادی (۱ (EVAارزش افزوده اقتصادی رابطه نزدیکی با خالص ارزش فعلی (NPV) دارد.۲ارزش افزوده اقتصادی مدیران ارشد شرکت را نسبت به معیاری که بیشتر تحت کنترل آنها است، پاسخگو می‌کند. ۳ارزش افزوده اقتصادی از طریق همه تصمیماتی که مدیران شرکت‌های اتخاذ می‌کنند تحت‌تأثیر واقع می‌شود. ۴ارزش افزوده اقتصادی معیار مناسبی جهت تعیین پاداش مدیران می‌باشد. ۵ارزش افزوده اقتصادی با ارزش بازار شرکت در ارتباط است. ۶ارزش افزوده اقتصادی به‌عنوان یک معیار عملکرد اقتصادی با معیارهای دیگری همچون ارزش افزوده نقدی سرمایه‌گذاری ، ارزش افزوده سهامداران و بازده جریان نقدی روی سرمایه‌گذاری سازگار است. ۷ ارزش افزوده اقتصادی به‌عنوان معیار داخلی سنجش عملکرد موفقیت شرکت در افزودن ارزش به سرمایه‌گذاری سهامدارانش را به بهترین نحو نشان می‌دهد. ۸ ارزش افزوده اقتصادی نشان می‌دهد که ارزش شرکت مستقیماً به عملکرد مدیریت بستگی دارد. ۹ارزش افزوده اقتصادی می‌تواند مبنائی برای تعیین اهداف سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها قرار گیرد. ۱۰ارزش افزوده اقتصادی به‌عنوان معیار اندازه‌گیری عملکرد کمتر در معرض تعریف‌های حسابداری قرار دارد.ـ معایب ارزش افزوده اقتصادی (۱ (EVA محاسبه ارزش افزوده اقتصادی شامل محاسبه نرخ بازده و نرخ هزینه سرمایه می‌باشد که مشکل است. ۲ارزش افزوده اقتصادی معمولاًـ براساس ارقام تاریخی محاسبه می‌شود. ۳گاهی اوقات تجزیه و تحلیل ارزش افزوده اقتصادی غیرعملی است مثلاً برای شرکت‌هائی که تازه راه‌اندازی شده‌اند یا برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری، تجزیه و تحلیل ارزش افزوده اقتصادی (EVA) مناسب نیست.* نرخ بازده دارائی‌ها (ROA)این معیار در نظامی به نام نظام دوپونت ظهور کرد و به‌عنوان مبنائی برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها مورد توجه قرار گرفت. در گذشته مدیران به حاشیه سود تحصیل شده اهمیت داده و دفعات گردش را نادیده می‌رگفتند، در حالی‌که یکی از وظایف مهم مدیران، نظارت دارائی‌های عملیاتی است. اگر دارائی‌های اضافی در عملیات به‌کار گرفته شوند مانند این است که هزینه‌های عملیاتی را افزایش داده‌ایم. یکی از مزایای مهم فرمول نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) این است که میدران را به کنترل دارائی‌های عملیاتی وادار می‌سازد و همواره با کنترل هزینه‌ها، نرخ سود خالص و حجم فروش، به کنترل دارائی‌های عملیاتی نیز می‌پردازند. امروز فرمول نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) یکی از مهمترین معیارها برای سنجش کارائی مدیران به‌خصوص برای نظارت بر مراکز سرمایه‌گذاری است. مسئولیت‌هی مدیران در زمینه‌های مختلف در فرمول نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) ادغام گردیده و به‌صورت یک رقم ارائه می‌گردد که برای سنجش کراائی مدیران در مراکز سرمایه‌گذاری، معیار مناسبی برای تخصیص وجوه سرمایه‌گذاری است. از همان آغاز یک سری موارد برای ارزیابی عملکرد مدیران مورد استفاده قرار گرفت تا اینکه نسبتطهای مالی برای این امر مورد استفاده قرار گرفتند. یکی از نسبت‌هائی که در سیستم دوپونت مورد استفاده قرار گرفت نسبت نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) بود. این نسبت و همچنین نسبت دیگری به نام نرخ بازده سرمایه (ROE) جزء نسبت‌های سودآوری به حساب می‌آیند. بهتر است بگوئیم هرگاه از سود خالص دوره برای ارزیابی عملکرد در یک فرمول استفاده می‌شود منظور بررسی نسبت سودآوری آن ارگان است. * ایرادات وارد بر نرخ بازده دارائی‌ها (۱(ROAمحدود کردن دیدگاه آتی‌نگر و عدم بررسی عواقب و اثرات آتی تصمیمات مدیریت۲علی‌رغم کاهش کوتاه مدت در این نرخ ممک است منجر به اثرات مطلوب بلندمدت برای، با این وجود ممکن است به دیدگاه ضعف در مدیریت بیانجامد.۳اثر عوامل خارجی غیرقابل کنترل مدیریت مانند شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... که با نرخ بازده دارائی‌ها اثر می‌گذاردیکی دیگر از عیوب نرخ بازده دارائی‌ها است.۴عدم لحاظ دیدگاه مخاطره‌ای مدیریت در این نرخ ممکن است در آینده لطماتی به شرکت وارد کند.۵یکی دیگر از نواقص نرخ بازده دارائی‌ها یا در کل نظام دوپونت همان ایراد وارد بر حسابداری است. یعی بهره‌گیری از اصل بهاء تمام‌شده تاریخی که مربوط بودن اطلاعات را نقض می‌کند.۶نرخ بازده دارائی‌ها بیشتر بر عملکرد کوتاه‌مدت مدیران تکیه دارد.۷نسبت بازده دارائی‌ها با صورت گردش وجوه نقد که برای تجزیه و تحلیل هزینه‌های سرمایه‌ای به‌کار می‌رود، مطابقت ندارد.۸ تخصیص هزینه‌ها از نوع تسهیم که خارج از کنترل مدیران بخش‌ها است باعث عدم کارآئی کامل و اثربخشی ROA می‌شود.*جامعه آماریاز میان ۲۱ صنعت فعال در سازمان بورس اوراق بهاءدار، صنعت خودروسازی انتخاب شده است که خود زیرمجموعه یک صنعت به نام خودرو و ساخت قطعات و ... است. در این صنعت ۲۱شرکت فعالیت دارند که در

راستای خودروسازی و صنایع مستقیم فالیت می‌کنند، اما با توجه به عدم دسترسی کامل به اطلاعات ۳شرکت از میان شرکت‌های مذکور که به تازگی به سازمان بورس پیوسته‌اند به ناچار ۱۸ شرکت باقیمانده مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت.* روش تحقیقروش تحقیق از نوع تعیین ضریب همبستگی بوده و نحوه استفاده از اطلاعات از نوع گذشته‌نگر می‌باشد. آنچه باعث ایجاد نتیجه‌گیری در این تحقیق است چراغ گذشته است که روشنائی‌بخش آینده خواهد بود. با توجه به هدف تحقیق حاضر یعنی یافتن ارتباط یا عدم ارتباط همبستگی میان ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) در ارزیابی عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهاءدار روش آزمون فرضیات به این ترتیب است که با جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف علی‌الخصوص سای‌های مرتبط با سازما بورس اوراق بهاءدار و محاسبه متغیرهای اصلی تحقیق (وابسته و متغیر) توسط نرم‌افزار اکسل (Excel) و سپس تجمیع این اطلاعات و ارزیابی وجود یا عدم وجود همبستگی میان دو معیار بیان شده توسط نرم‌افزار آمرای Eviews و با استفاده از ضریب همبستگی، وجود یا عدم وجود رابطه همبستگی مذکور مورد آزمون قرار گرفت. * محاسبه ارزش افزوده اقتصادی (EVA)یکی از ارکان تحقیق حاضر ارزش افزوده اقتصادی است و لذا باید محاسبه شود. با عنایت به اینکه فرمول محاسبه‌ای ارزش افزوده اقتصادی (EVA) به شرح ذیل است، هرکدام اجزاء آن به شرح ذیل محاسبه می‌شوند:EVA=(r-c)xcapital * نرخ بازده سرمایه (r)برای بقای یک شرکت همواره کسب درآمد و در همین راستا کسب بازده بالاتر از هزینه سرمایه‌ای لازم و ضروری است این نرخ بازده به‌شرح ذیل محاسبه می‌شود.r=NOPAT/capital= NOPATهزینه کاهش ارزش موجودی‌ها + صرفه‌جوئی مالیاتی هزینه بهره – هزینه بهره + سود خالص حسابداری پس از کسر مالیات +هزینه معوق + هزینه مزایای پایان خدمت کارکنان + هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول + هزینه کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌هاCapital ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذارها + ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها + بدهی‌های بهره‌بردار + جمع حقوق صاحبان سهام + (هزینه‌های پرداختنی) بدهی بابت هزینه‌های معوق + ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان + ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول * نحوه محاسبه نرخ هزینه سرمایه‌ای (c)منابع تأمین مالی که مشمول هزینه سرایه‌ای هستند شامل:الف) بدهی‌های بهره‌دارب) اوراق قرضه منتشرهج) سهام عادید) سایر مشتقات حقوق صاحبان سهامفرمول محاسباتی نرخ هزینه سرمایه‌ای به‌شرح ذیل استc=? W.CC= W?C?+ W?C?+ W?C? + ... + Wn.Cnیکی از نکات مهم در محاسبه ارزش افزوده اقتصادی محاسبه نرخ رشد است که برای محاسبه آن از روش‌های ذیل استفاده شده است:۱سود تقسیمی هر سهم (DPS)برای این منظور شش سال پی در پی سود تقسیمی تمام شرکت‌های مورد بررسی از طریق صورت‌های الی استخراج است.شایان ذکر است سه سال ابتدائی یعنی سال ????-???? به‌منظور محاسبه نرخ رشد سالانه شرکت‌های مورد تحقیق مورد استفاده قرار گرفت که در جداول ضمیمه موجود اس. استفاده از رنخ رشد سالانه به‌عنوان یکی از مفاهیم پایه در محاسبه بازده حقوق صاحبان سرمایه حائزاهمیت بسیار بوده است. مضافاً اینکه نرخ رشد برای جلوگیری از تورش (اریب) از طریق چهار روش موجود مورد محاسبه قرار گرفت. یک روش سود تقسیمی هر سهم (DPS) ساده و دیگری روش سود تقسیمی هر سهم (DPS) تعدیل شده است.۲سود هر سهم (EPS)دو روش دیگر شامل سود هر سهم (EPS) ساده و همچنین روش سود هر سهم (EPS) تعدیل شده می‌باشد. در روش DPS و EPS ساده فقط رشد سالانه مدنظر قرار می‌گیرد ولی نکته در خصوص افزایش سرمایه شرکت‌ها است که آیا با وجود دخیل بودن این مطلب باز هم نرخ رشد می‌تواند همان باشد یا اصلاً کاملاً معکوس می‌گردد. لذا برای این موضوع افزایش سرمایه شرکت‌های مورد بررسی به‌صورت تعدادی نیز مدنظر قرار گرفت به این ترتیب که با ضریب تصحیح این نسبت‌ها (EPS-DPS) تعدیل و اصلاح شد ولی آنچه شایان توجه است این است که نرخ رشد به هر صورتی که بوده یعنی چه مثبت، چه مفنی و چه صفر مورد استفاده قرار گرفته است تا از تحریف حقایق و سمت و سو دادن به آن جلوگیری به‌عمل آید.* محاسبه نرخ بازده دارائی‌ها (ROA)دارائی‌ها/ سود خالص = دارائی‌ها/ فروش ? فروش/ سود خالص = نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) ـ فروششامل کلیه فروش‌های عملیاتی شرت پس از کسر تحقیقات غیرتجاری مانند برگشت از فروش تخقیقات و تخفیفات نقدی فروش است، به‌عبارت دیگر منظور از این فروش، همان فروش خالص است.ـ دارائی‌هامنظور از دارائی‌ها کلیه دارائی‌های شرکت که در فرآیند عملیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند است البته یک دیدگاه دیگر بیان می‌دارد که باید کلیه دارائی‌ها یعنی جمع کل دارائی‌ها را در این فرمول استفاده کرد لذا به لحاظ وجود مفهوم قابلیت مقایسه ما در این فرمول از کل دارائی‌های شرکت استفاده می‌کنیم. ـ سود خالصآنچه که در این مبحث باید کاملاً مورد توجه قرار گیرد بحث سود خالص است. در نگاه اول به‌نظر می‌رسد منظور سود خالص بعد از کسر مالیات است. ولی باید اذعان داشت منظور از این سود که اشتباهاً سود خالص بیان شده سود قبل از کسر مالیات و قبل از محاسبه اقلا غیرعادی و غیرمستمر است، به‌عبارت دیگر این سود همان سودی است که ناشی از عمل مدیریت است یعنی بدون تحریف و دستکاری می‌باشد و لذا عدم دخالت اقلام غیرعادی و غیرمستمر باعث معنادار شدن بحث ارزیابی عملکرد مدیران می‌شود.* نتیجه‌گیری و تفسیر نتایج با توجه به نتایج حاصله مشخص شد که رابطه معناداری بین ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) در خصوص شرکت‌های خودروساز پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهاءدار وجود ندارد. آنچه که در این تحقیق به دنبال آن بودیم، یافت یک رابطه معنادار اعم از مثبت یا منفی بین ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) در شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهاءدار فعال در صنعت خودروسازی بود. به لحاظ بروز نتایجی مبتنی بر عدم وجود رابطه همبستگی میان ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و نرخ بازده دارائی‌ها (ROA)، می‌توان اینگونه استنباط کرد که اگر از معیار ارزش افزوده اقتصادی بهره ببریم، یک نتیجه اقتصادی در خصوص موضوع مورد ارزیابی ارائه می‌نماید و همچنین اگر از معیار نرخ بازده دارائی‌ها استفاده شود، یک نتیجه حسابداری به‌دست خواهد آمد. با عنایت به شرایط موجود و تمام محدودیت‌ها و محدود تعیین شده و نتیجه حاصله با استفاده از یکی از دو معیار مذکور نمی‌توان به معیار دیگر دسترسی پیدا کرد، یا بهتر است اینگونه بیان شود که تصمیم‌گیری با هرکدام از معیارهای دوگانه نتایجی متفاوت به دنبال خواهد داشت بنابراین پیشنهاد می‌شود که با توجه به اهداف، انتظارات و همچنین مزایا و معایب هر مبنا، بهره‌برداری جداگانه‌ی از هر معیار صورت گیرد. شایان ذکر است می‌توان در تحقیقات آتی وجود رابطه معنادار میان ارزش افزوده اقصادی و ارزیابی متوازن یا نرخ بازده دارائی‌ها و ارزیابی متوازن را مورد مطالعه قرار داد.منبع : مجله بورس

برنامه ریزی مالی

... Finance planningآنچه که یک برنامه مالی را موفق می کند، تداوم در اجرای آن است.

مفهوم برنامه ریزی، به اندازه خود « برنامه ریزی » از پیچیدگی و حساسیت برخوردار است . برنامه ریزی چیست؟ شاید پاسخی ساده به این سؤال این باشد که برنامه ریزی کاری است که)برنامه ریزان(انجام می دهند! بنابر این ، سؤال کماکان باقی می ماند فقط به این شکل تغییر می یابد که برنامه ریزان چه کسانی هستند؟ مفهوم برنامه ریزی و به خصوص معادل لغوی فرنگی آن : To plan به معانی مختلفی بکار رفته است.مهندسین، آن را تهیه نقشه و طراحی فیزیکی کاری که می خواهند انجام دهند (نظیر بنای ساختمان یا ساختن هواپیما) می دانند! پزشکان آن را مرحله ای پس از تشخیص ، و به عنوان تنظیم پروتکل اقدامات درمانی می دانند. متخصصین حوزه های «بخشی ، sectoral » برنامه را ترکیبی از اقدامات هماهنگ پیش بینی شده، برای غلبه بر چالش های شناخته شده و تبیین شده بخش های مختلف، نظیر کشاورزی ، آب، انرژی، آموزش و پرورش، بهداشت، صنعت و معدن و ... قلمداد می کنندمتخصصین آمایش منطقه ای هم برنامه ریزی را انطباق راهبردهای کلان با ویژگی ها، توانمندی ها و مشکلات جغرافیایی ، منطقه ای و سرزمینی مناطق مختلف می انگارند. اقتصاد دانان، جامعه شناسان و سایر متخصصان علوم اجتماعی، برنامه ریزی را برای نیل به اهداف توسعه ای، ارتقاء درآمد ملی، بهبود کیفیت زندگی، توزیع عادلانه درآمدها و سطوح بهره مندی اجتماعی و بخصوص تأمین نیازهای اولیه و ضروری، قلمداد می کنند.علاوه براین، مباحث مختلفی در ترجیحات برنامه های موضعی و موضوعی (پروگرام) و برنامه های جامع، و نکات ضعف و قوت هریک نسبت به دیگری هم در بین صاحبنظران مربوطه مطرح می باشد! به طور کلی، برنامه ریزی، معمولاً معادل آینده نگری در نظر گرفته شده است، و عبارت از مجموعه اقداماتی است

که به پیش بینی «آینده» می پردازد و برای طراحی و دستیابی به یک آینده مطلوب تلاش می کند. برنامه ریزی به این معنی ، متضاد « روزمرگی» است و از آنجا که لازمه طراحی آینده، تفکر و اندیشه است، برنامه ریزی، متضاد انجام عادتی کارها و فعالیت ها نیز قرار می گیرد.به عبارت دیگر، کمال انسانی در تفکر، حکمت، تعقل، شناسایی چالش های پیش رو و اتخاذ تدابیر لازم و پیش گیرانه برای غلبه بر چالش ها تجلی می نماید. بدین سان، برنامه ریزی، فعالیتی «عالی» و کمال جویانه برای انسان ها تلقی می شود. فعالیتی که کمال نفسانی انسان ها را نیز به عرصه ظهور می رساند! چرا بر این جنبه کمال جویانه برنامه ریزی تأکید می کنیم، و شاید به تعبیری بدیهیات را تکرار می کنیم؟ مگر ضرورت و اهمیت عقلایی برنامه ریزی و آینده نگری، قابل انکار است ؟ آیا اصلاً کسی و یا جناحی و گروهی در کشور ما و یا سایر مناطق، ضرورت و اهمیت برنامه ریزی را نفی یا انکار کرده است؟۱- نخستین جنبه پر اهمیت موضوع این است که توجه کنیم اصولاً لازمه تفکر دینی، برنامه ریزی و آینده نگری است. انسان در حوزه دینداری، دنیا را موقتی و غرق شدن در آن را، «روزمرگی» می داند و برای آخرت خود برنامه ریزی و ذخیره سازی می کند. انسان دین دار، دنیا را «مزرعه ای برای آخرت » می انگارد و برای خلقت خود هدفی والاـ قائل است و دوران زندگی را فرصتی برای دستیابی به هدف اخروی تلقی می کند و تلاش خود را برای این «دستیابی به هدف» متمرکز می سازد.در عین حال این دستیابی به هدف اخروی به تنهایی و منتزع از عمل اجتماعی هم میسر نیست و حضور در جماعت، و تعهد نسبت به فقرا و مستمندان، انفاق و زکات، در کنار عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و فساد و فقر و تبعیض و نابرابری، و تعهد برای حاکمیت حق و عدالت، ابعاد جامع «آینده نگری دینی و آخرت گرایی راستین/ یا اسلام محمدی (ص) را تشکیل می دهند. بر این اساس دینداری و دین مداری و اسلام محمدی (ص)، مستلزم نگاه به آینده، آنهم آینده دور (Futuralism) و برنامه ریزی برای آینده است.- ۲ جنبه دوم اهمیت ، این است که در یک رویکرد «عمل گرایی» و پراگماتیستی ، گاه فعل برنامه ریزی، با واقع گرایی ، در مغایرت قرار می گیرد. در این حالت ، برنامه ریزی فعالیتی ایده آلیستی و غیر واقع گرا وانمود می گردد و در پی آن کار اجرایی و رسیدگی به امور روزمره مغایر برنامه ریزی قلمداد شده و تفکر برنامه نگر و آینده محور، مُخل انجام وظایف روزمره تصور می شود! در این حالت، مطالبه برنامه ، مطالبه ای لوکس و تجملی و غیر منطبق با واقعیات موجود تجلی می کند. خطر مهم این تجلی کاذب این است که بی برنامگی و روزمرگی مشروعیت و گاه ، «تقدس» می یابد و برنامه ریزی و برنامه مداری ضد ارزش تلقی شده، در نتیجه ، برنامه گریزی ترویج و تبلیغ می شود! همه آنچه ذکر شد ، ایجاب می کند بیشتر به «برنامه» و برنامه ریزی پرداخته شود. نگاه به آینده ، آنطور که در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است ، وتدوین و تنظیم برنامه های میان مدت (پنج ساله) که سابقه ای هفتاد ساله در ایران دارد، باید جهت دهی توسعه ای کشور را در دست بگیرند و اقدامات و فعالیت ها را هماهنگ کنند و اعمال بدون برنامه و سلیقه ای را کاهش دهند. حاکم شدن «برنامه محوری» در سطوح تصمیم گیری و اجرا ، ضرورتی اجتناب ناپذیر استدر دنیای امروز ، عوامل تغییر ، بسیار متنوع و متعدد شده اند ، به نحوی که گاه امور ، غیر قابل پیش بینی به نظر می رسند. به همین دلیل، بکارگیری دانش برنامه ریزی بیش از گذشته ضروری گشته است. مدل های نوین برنامه ریزی راه بردی و برنامه ریزی منعطف و برنامه ریزی غلطان ، برای مواجهه با شرایط بسیار متغییر جهان امروز ، موضوعیت یافته و با درجاتی از کارآیی و موفقیت به کار گرفته شده اند. سیستم های هوشمند تصمیم سازی و پشتیبانی از تصمیم ، سناریوهای مختلف ممکن را با پیش بینی متغیرهای مختلف ، تنظیم و در اختیار سیاست گزاران و تصمیم گیران قرار می دهند.محیط بسیار پیچیده جهان امروز ، بکارگیری ابزارهای پیچیده تر برای پیش بینی آینده را ایجاب می کند. اگر تعدد متغیرهای تأثیر گذار و پیچیدگی محیط پیرامون، پیش بینی ها و برنامه ریزی های سنتی را با چالش مواجه کرده است ، باید به تناسب پیچیدگی ها، دانش برنامه ریزی را توسعه دهیم و ابزارهای نوین را برای برنامه ریزی بکار گیریم، انباشت تجربه و دانش را در این حوزه ایجاد کنیم و فرایند برنامه ریزی را تکامل بخشیم.امروزه، برنامه ریزی ، فرایندی علمی ، ابزارهایی نوین ، افرادی حرفه ای و انباشتی دانش و تجربه را طلب می کند. نفی تجارب گذشته، حذف ساختار های تخصصی و بکارگیری افراد غیر حرفه ای ، تنها پاک کردن صورت مسئله است. باید آنچه در پیش رو داریم بشناسیم و آگاهانه به استقبال امور برویم. به تعبیر امیر المومنین (ع) : المومنون الذین عرفوا ما امامهم : مومنان همان کسانیند که دانستند چه در پیش دارند. (بحار۷۸/۲۵) و نیز : من استقبل الامور ابصر. من استدبر الامور تحیر : هرکه از پیش به استقبال کارها برود بینا میشود و هرکه به آنها پشت کند (و ناآماده با آنها روبرو گردد) سرگردان میماند.(غرر الحکم/۲۹۹)تعریف برنامه ریزی:برنامه ریزی، فرایند آگاهانه و سیستماتیک تصمیم گیری در مورد اهداف و فعالیتهای آینده یک گروه، یک فرد یک واحد کاری یا یک سازمان است.برای دست یافتن به هدف مورد نظر ، باید قبل از تلاش فیزیکی یا اقدام به انجام کار، تلاش ذهنی یا برنامه ریزی کافی صورت بگیرد برنامه ریزی شالودهٔ مدیریت را تشکیل می دهد .از مهمترین اصول برنامه ریزی، تعیین اهداف است که شامل اهداف میان مدت ودراز مدت می شود. مدیر برنامه‌ریز می بایست در انتخاب اهداف دقت کافی داشته باشد چرا که اهداف انتخاب شده قابل وصول بوده وهماهنگی منطقی بین اهداف وجود داشته باشدانسان برای پیشرفت در زندگی وتوفیق در آینده نیازمند برنامه ریزی است.برنامه ریزی مالی ، مجموعه ای از پیش بینی های مالی است که هر فرد را برای یک زندگی با آرامش و آسایش در آینده نزدیک و دور آماده می کند. این برنامه ریزی شامل جنبه های مختلفی است که فقط به پس انداز کردن و سرمایه گذاری هنگفت در سرمایه گذاری های خاص خلاصه نمی شود.این سرمایه گذاری ها فقط بخش کوچکی از یک برنامه ریزی جامع هستند.در یک برنامه ریزی مالی کامل و دقیق، وضعیت مالی امروز فرد و یا خانواده بررسی شده و اهداف مالی در آینده نزدیک و دورنیز مورد نظر قرار خواهد گرفت و با توجه به آنها روش و یا روشهای حصول این اهداف و قابل دسترس بودن آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت ●. برنامه ریزی مالی برای همهکاملا درست است که برنامه ریزی مالی برای افرادی که دارای درآمد بالا هستند، کاملا الزامی است و از سوی دیگر بسیاری از موسسات مالی که سعی دارند تا سرمایه و پول سرمایه داران جذب کنند، بخش عمده ای از توان تبلیغاتی خود را بر روی این گروه متمرکز می کنندولی این بدین معنی نیست که برنامه ریزی مالی فقط برای این گروه است.برنامه ریزی مالی برای کلیه افراد الزامی است و بگونه ای باید گفت افرادی که دارای درآمد متوسط و پایین هستند نیز نیاز بیشتری به برنامه ریزی و بررسی مالی وضعیت خود دارند. بخصوص افراد با درآمد متوسط باید توجه داشته باشند که در صورت عدم برنامه ریزی درست، بسیاری از فرصت های مناسب را از دست خواهند داد.فرصت هایی که با استفاده از آنها می توانند آینده مالی خود و خانواده خود را تضمین کنند ●. تداوم در اجراآنچه که یک برنامه مالی را موفق می کند، تداوم در اجرای آن است.برای رسیدن به اهداف خود، نیاز به اجرای قدم به قدم برنامه خود دارید.با اجرای هر بخش کوچکی از برنامه، به حصول کامل اهداف برنامه نزدیکتر شده و در صورت عدم اجرای بخشی کوچک و یا بزرگی از آن، حصول برنامه به تناسب به تاخیر افتاده و یا غیرممکن خواهد شد.ضرب المثل" قطره قطره وانگهی دریا شود "را میتوان در این مورد نیز صادق دانست.اگر از توجه به این قطره ها غفلت کنید، نه تنها براحتی بهدر خواهند رفت ، بلکه به هیچوجه دریا نخواهند شد و زمانی که به جرعه ای از آن آب نیاز دارید، قطره ای در دسترس نخواهد بود ●. بازنگری مداوم :بازنگری مداوم در برنامه ها، یکی دیگر از مواردی است که به قابلیت اجرای برنامه مالی شما کمک می کند. اتفاقات خاص در زندگی یک خانواده میتواند در برنامه مالی آنها تاثیر گذار باشد و تجدید نظر در آن را نیاز داشته باشد .بطور مثال تولد نوزادی در خانواده بر برنامه های مالی خانواده تاثیرگذار خواهد بود و یا درگذشت فردی در خانواده، علاوه بر مشکلات روحی که به خانواده وی تحمیل می شود، متناسب با سهم درآمد وی از کل درآمد خانواده، بر وضعیت فعلی و آینده مالی خانواده تاثیر گذار خواهد بود.در بسیاری موارد این تاثیر، مشکلی بزرگ دیگری بر مشکلات روحی خانواده خواهد افزود.موارد مشابه بسیاری وجود دارد که میتواند تاثیر مثبت یا منفی، بزرگ و یا کوچکی را در برنامه مالی بوجود آورد که بازنگری در برنامه را برای رسیدن به اهداف الزامی کند ●. موارد توجه برنامه ریزی مالی :برنامه ریزی مالی به کلیه جنبه هایی توجه می کند که استقلال مالی و یا اهداف مالی فرد را در آینده تضمین خواهد کرد. پس انداز برای آینده با هدف خرید اتومبیل و یا منزل و یا پس انداز بازنشستگی (RRSP) از مواردی است که عموم افراد با آن آشنایی دارند و تعداد کثیری آن را اجرا می کنند.یک برنامه ریزی کامل شامل موارد فوق است ولی فقط به آنها خلاصه نمی شود و این موارد فقط بخش کوچکی از یک برنامه ریزی مالی است. برای حصول به یک برنامه کامل باید به موارد بسیاری توجه دقیق شود که موارد

زیر بخشی از آنها است: – میزان درآمد فرد و یا یک خانواده– سرمایه و موجودی نقدی و غیر نقدی– بدهی و تعهدهای مالی کوتاه و بلند مدت– هزینه های و مخارج روزانه زندگی– هزینه های و مخارج روزانه زندگی– میزان و نوع مناسب سرمایه گذاری– خریدهای بزرگ و هزینه های اصلی و مهم در طی دوران زندگی (مانند خرید خانه، اتومبیل و مسافرت های تفریحی)– هزینه های مرتبط با آینده فرزندان و جوانان (هزینه های تحصیل، ازدواج و کمکهای مالی برای شروع زندگی مستقل)– وضعیت، نیازهای مالی و محل تامین آنها در زمان بازنشستگی.– هزینه ها و نیازهای مالی در زمان بیماری– هزینه ها و نیازهای مالی در زمان از کارافتادگی– هزینه ها و نیازهای مالی در زمان پس از درگذشت فرد یا افرادی از خانواده– نوع و میزان بیمه پزشکی و بیمه عمر مورد نیاز برنامه ریزی برای امکانات مالی: امکانات مالی به ما حق انتخاب در زندگی می دهدامکانات مالی هر فرد ابزاری است برای کمک که می تواند در مواقع لزوم به نیازهای فرد و دیگران پاسخ دهد. دستی که می تواند خوراک دهنده و یا پوشاننده نیازمندان باشد و خانواده های ضعیف و افتاده را بلند نماید. متاسفانه در جامعه کنونی کشور ما بدلیل فقر و مشکلات اقتصادی زیاد مردم دائم بدنبال میان برهایی هستند که یک شبه بتوان راه صد ساله را رفت.درهمین رابطه دکتر جان مکس ول نویسنده و صاحب نظر در امور مدیریت و رهبری چنین می گوید:تفاوت بین فرد ثروتمندو فقیر در این می باشد که فرد ثروتمند امکانات مالی خود را سرمایه گذاری می کند و از باقیمانده خرج می کند. اما فقیر تمام دارای خود را خرج می کند وباقیمانده را سرمایه گذاری می کند

●مشکلات مالی و ریشه های آن :مشکلات مالی غالبا ریشه در عدم ثبات سیستم اقتصادی جامعه و فرهنگ به عاریت (قرض) گرفتن دارد. در همین رابطه طرز تفکر نابجا در مورد غالب شدن بر مشکلات مالی مانند ره صد ساله را یک شبه رفتن یا فرهنگ قرض گرفتن که پس از مدتی باید چند برابر پرداخت باعث می گردد تا بیش از پیش فرد خود را در گردابی قرار دهد که خروج از ان ساده نمی باشد.حقیقتی که نباید نادیده گرفت این است که زندگی مجموعه ای است که در آن ما بر بعض بخش ها تسلط و کنترل داریم و بر بعض بخش های دیگر کنترل و تسلط نداریم.درک این موضوع سبب می گردد تا ما بتوانیم وقت و توانایی های خود را روزانه بر اموراتی متمرکز کنیم که به ما بیشترین نتیجه را می دهد ●. پول خوشبختی نمی آورد !!!شاید بسیاری با این گفته موافق باشند ولی چقدر در عمل به ان پایند هستند مسئله ای دیگر است.پول بعنوان ابزاری برای زندگی وسیله ای است موثر اما آنگاه که تبدیل به نگرشی می کردد که تمام انرژی و وفت ما را می گیرد تبدیل به اربابی بی رحم می گردد که زندگی فرد را در خود می بعلد.بطور مثال اگر به شما بگویند که در ازای گرفتن مبلغی گزاف حاضر به انجام به چه کارهایی هستید چه خواهید گفت؟ در یک نظر سنجی اینطور بیان شده : ۲۵ درصد از مردم حاضرند خانواده خود را بخاطر آن فدا کنند.۲۳ درصد حاضرند تا دست به خود فروشی بزنند۱۶ درصد حاظرند تا ملیت خود را از دست دهند۱۶ درصد حاضرند همسر خود را ترک کنند۱۰ درصد حاضرند تا بر ضد دیگران شهادت دروغ دهند و افراد را به زندان و یا چوبه دار روانه کنند ۷ درصد حاضرند تا دیگران را از بین ببرند ۳ درصد حاضرند تا کودکان خود را به دیگران بدهند شاید شما جزو هیچیک از این گروهها نباشید ولی اگر امروز به شما دو گزینه دهند تا تنها یکی را انتخاب نمایید کدامیک از گزینه های زیر را انتخاب می کنید. پول یا وقت؟اکثر مردم پول را انتخاب می کنند با این تصور که پول می تواند برای ایشان خوشبختی بیاورد. اگر چه ممکن است برای کوتاه مدت تبدیل کننده وضعیت مالی فرد گردد ولی پس از مدتی دوباره نیاز مالی بر جای خود باقی خواهد بود. یکی از اشتباهات بزرگ این است که مردم اغلب درک نمی کنند وقت و استفاده صحیح از ان می تواند تغییر دهنده دنیای اطراف ما گردد. وقت هدیه ای است که اگر استفاده نشود دیگر قابل برگرداندن نیست اما پول را می توان دوباره بدست آورد؟ در یک نظر سنجی وقتی که افراد مختلف این سئوال پرسیده شد: اگر می توانست به گذشته برگردید چه می کردید؟ اغلب پاسخ دادند به گونه ای دیگر عمل می کردم و یا بعبارت دیگر از امکانات خود خصوصا وقت به بهترین وجه بهره می بردم. پاسخ شما به این سئوال چه می باشد ●؟ بودجه مالی به فرد حق انتخاب می دهد :بسیاری برای خوشبختی همه کاری میکنند بجز برنامه ریزی در رابطه با آنچه که الحال در دست دارند.برنامه ریزی به معنی ریز جزئیات روزانه نیست بلکه استفاده بجا و سرمایه گذاری برای آنچه که داریم تا پاداشی بجهت نیاز ما باشد که دراینده نیز می تواند ما را قدم به قدم به جلو ببرد.بطور مثال تمام درامد خود را به ۳ قسمت تقسیم کنید و ۸۰ در صد ان را به خرج ماهانه خود اختصاص دهید و ده درصد آنرا را سرمایه گذاری کنید و ده ردصد باقیمانده را برای کمک به دیگری به کاربرید. بخاطر داشته باشید تفاوت بین فرد ثروتمندو فقیر در این می باشد که فرد ثروتمند امکانات مالی خود را سرمایه گذاری می کند و از باقیمانده خرج می کند. اما فقیر تمام دارای خود را خرج می کند وباقیمانده را سرمایه گذاری می کند.شاید این گونه سرمایه گذاری شما را یک شبه به سرمنزل مقصود نرساند ولی باعث می گردد تا شما با متمرکز شدن نسبت به انچه که دارید به درجات بالا زندگی برسید و باعث دلگرمی خود و اطرافیان خود گردید.هر فرد دارای توانایی منحصر بفردی می باشد که با تمرین تصمیم گیری روزانه و انضباط شخصی می تواند تبدیل به فردی گردد که می تواند برای دیگران الگو گردد.یقین داشته باشید که اگر قابلیت های خود را بشناسید و روی آن هر روزه برای ساعتی تامل کنید پس از ۵ سال شما می توانید یکی صاحب نظران و متخصص در ان زمینه بخصوص گردید.اگر امروز می خواهید از فشار های مالی خود ازاد گردید ریشه مشکلات خود را پیدا کنید (بطور مثال احتیاج به تجربه خاصی دارید و یا نیازمند به گرفتن دوره خاصی می باشید و یا ...طرز تفکر شما نسبت به پول چگونه است؟ برای بودجه مالی شما برنامه ای دارید و چگونه برای رشد شخصی تلاش می کنید؟ اگر قرار است در ۵ سال آینده فقیر نباشید و دغدغه ای برای آینده نداشته باشید ,امروز باید تصمیم بگیرید همانند اکثر کسانی که به آینده خود و خانواده شان ,می اندیشند.شما با سرمایه گذاری ولو اندک در فاینانسرز میتوانید به این فرایند در زمانه کوتاهی دست یابید. ۱ – در انتخاب کمپانی دقت نمایید:پیش از آنکه پول و زمان خود را در بازاریابی شبکه ای سرمایه گذاری نمایید، مطمئن شوید که کمپانی مورد نظر شما از اعتبار مالی بالا ، مدیریت خوب و از ابزارهای لازم برای مدیریت و کنترل سرعت رشد مجموعه برخوردار می باشد و همچنین طرح تجاری آن در بلند مدت همچنان برای افراد سود بخش می باشد چنین کمپانی است و مکانی مناسب برای کار کردن شماست ... پس در اولین گام بایستی کمپانی مناسبی را بیابید. ۲-بالاسری مناسبی را بیابید که هم از حمایت کافی در آموزش برخوردار باشید و هم فردی متعهد باشد :مطمئن شوید که گروه بالاسری شما ، گروه موفقی می باشند که ثابت نموده اند برای آموزش شما شخصاً وقت کافی اختصاص می دهند. اگر بالاسری شما چنین شخصی است، تجارت خود را آغاز نمایید. ۳-برای انجام این تجارت بایستی یک هدف شخصی شفاف ، واضح و متقاعد کننده داشته باشید :به یاد داشته باشید آنقدر که" چرای "این کار دارای اهمیت می باشد" ، چگونه "این کار مهم نمی باشد. زمانی که شما دلایل قوی و متقاعد کننده برای انجام این تجارت داشته باشید، آنگاه یک حس اشتیاق سوزان در شما بیدار می شود، که موفقیت در این تجارت را برای شما به یک امر ضروری تبدیل می سازد ۴-اهداف واضح و مشخص خود را بنویسید و هر روز آنها را مرور نمایید:اهداف خود را مشخص نمایید و روی کاغذ بنویسید. برنامه کاری خود را مشخص نمایید و هر روز را برای خود برنامه ریزی نمایید تا زمانی که به اهداف خود برسید :موفقیت = عمل + اهداف + رویا ۵- بر روی موفقیت زیر مجموعه های خود تمرکز نمایید تا به صورت خودکار خودتان موفق شوید :درست است که پول دارای اهمیت زیادی می باشد ولی تمرکز شما بایستی برای کمک به زیر مجموعه هایتان باشد".زیگ زیگلر "روزی گفت" : شما به هرچه بخواهید می رسید، به شرطی که به دیگران کمک کنید تا به خواسته هایشان برسند ".بروید و به دوستان زیر مجموعه تان کمک کنید و آنگاه خودتان نیز به موفقیت خواهید رسید. ۶-برای موفقیت در این تجارت بایستی زمان ، تلاش و جدیت به خرج دهید :شما بایستی روزانه زمان ثابتی را برای تجارت در کمپانی فاینانسرز – البته در صورت خواهان موفقیت بیشتر – به خود اختصاص دهید. اگر این کار را به چشم یک سرگرمی نگاه کنید (یعنی هر زمان وقت اضافه ای داشتید به این تجارت اختصاص بدهید) به اندازه یک سرگرمی هم درآمد کسب می کنید. ولی اگر به چشم یک تجارت به آن نگاه کنید (برنامه کاری روزانه داشته باشید و روزانه طبق برنامه تان عمل نمایید) به اندازه یک تجارت بزرگ هم درآمد کسب می نمایید. ۷-دو قانون مهم برای یافتن زیرمجموعه عبارت است از : با مردم صحبت نمایید ...و با مردم بیشتری صحبت نمایید :شغل شما رساندن پیام است. پیامی شامل ، نوع اینوست در کمپانی و درصد سودهی در ماه و پلنهای در امدزایی و فرصت مالی که بایستی هر چه بیشتر در اختیار افراد بیشتری قرار دهید. نگران کسانی که علاقمند نیستند نباشید. شما فقط بایستی مردم را غربال نمایید تا به افراد مورد نظرتان برسید. ۸

-شرمنده نشوید این شغل شماست ، پس شخصاً مسئولیت آن را بپذیرید: فقط شکست خوردگان هستند که بایستی شرمنده بالاسری هایشان ، کمپانی و طرح تجاری کمپانی شوند. این شغل شماست و مسئولیت شخصی شماست ، پس تعهد موفقیت ها و درآمدهای خود را بپذیرید. آنچه که یک برنامه مالی را موفق می کند، تداوم در اجرای آن است. ۹-حداقل به مدت سه سال صبور ، استوار و ثابت قدم باشید و نظاره گر رشد مجموعه خود باشید :اغلب مردم بی صبر و ناشکیبا هستند و می خواهند عجولانه به موفقیت برسند. این تجارتی است که زمان نقش اساسی در ساختار آن دارد. اگر شما یک تجارت سنتی داشته باشید حداقل ۳ تا ۵ سال طول می کشد تا به درآمد قابل توجه برسید، بلی یا خیر؟ در بازاریابی شبکه ای نیز شما حداقل بایستی چند ماه منتظر اولین درآمد خود باشید و کم کم تا سه سال بعد قدرتمند می شوید. صبور باشید و هرگز کار را رها ننمایید. هر چند شما در طرح financerz شما از همان ماه اول بدون هیچ گونه فعالیت سود اینوست خود را بدون هیچ مشکلی دریافت می ۱۰-پس زدن و رد شدن را به عنوان بخشی از این تجارت بپذیرید و آن را برخورد شخصی به خود نگیرید :دراین تجارت مردم به شما زیاد" نه "خواهند گفت. خوب ممکن است این لحظه مناسب زندگی آنها برای پذیرش این پیشنهاد نمی باشد. آنها شما را پس نمی زنند بلکه به این فرصت شغلی عالی دست رد می زنند. شما آن را به خودتان نگیرید. با مردم دیگر در تماس باشید تا بتوانید در لحظه مناسب زندگی هر کس به آنها برسید.

صنعت تنها راه توسعه اقتصادی

... Industryصنعت نه به عنوان یک نوع شیوه تولید ، بلکه تنها راه توسعه درجوامع مختلف شناخته شده است

بحث از شیوه های تولید هرجامعه همواره متقارن با فرهنگ آن جامعه بوده است. تعامل این دوعنصر موجب تبادل شدید واثرگذاری روی نحوه مبادلات فکری افراد جامعه می شودوبه عبارتی شناسنامه هویت ساز یک جامعه اند. باید تاریخی نگاه کرد تا متوجه شد که صنعت به عنوان یک نوع شیوه تولید انتخاب نشده است ، بلکه تنها راه توسعه درجوامع مختلف شناخته شده است . شیوه تولید صنعتی ، درغرب ریشه دریونان باستان یعنی مظهر تمدن غرب دارد واژه یونانی تخنه (techne))) بمعنای(فن) که واژه technology از آن مشتق شده است ، واژه ای است که اطلاق آن جنبه عام داشته واز الهیات تا فیزیک یونانی را دربرمی گرفت. به همین دلیل معنائی که انسان امروزی غربی ازواژه صنعت می فهمد بسیار فراگیرتر از آن چیزی است که شرقی ها از این واژه مستفاد می کنند ، واز همین حا است که درغرب نیازی به ایجاد فرهنگ صنعتی از آن گونه که لزوم آن درشرق حس می شود، نبوده است وانقلاب صنعتی نیز ازدید بسیاری از کارشناسان وتحلیلگران ((محصول)) نگرش صنعت محورانه غرب بود ونه ((علت)) آن.اما درشرق ودرحوزه ای محدود یعنی درکشورما اگر چه صنعت ریشه وقدمتی بیش از غرب دارد، اما فقدان ادبیات خاص آن وامتزاج روحیه امتناع از فرهنگ سازی برای امورمعیشتی، موجب شد تا صنعت چندان که باید ریشه فرهنگی و بالطبع اجتماعی واقتصادی نداشته باشد . ازسوی دیگر این طرز تلقی که صنعتگر پیش از هرچیز درپی سود شخصی درزندگی روزمره خود است ، (نگرشی که هم چنان غالب است) جنجالی بود که از آغاز ساخته وپرداخته طبقه ((دلالان غیرسازنده وغیرمتفکر)) بود ، حال آن که تمایز میان این دوبخش درغرب به خوبی شناخته شد. اما کشورما ازاین لحاظ هم چنان دربستر فرهنگی چندان مناسبی قرار ندارد. فرهنگ عمومی ازتمایز ((وگاه تقابل)) میان تولید کننده ودلال غیرمتفکر غافل است ومتولیان امور نیز ازاین حیث اقدامی نمی کنند . نمونه آن تجربه ای است که درکشورهای تازه استقلال یافته همسایه شمالی ، برای ایران پیش آمد ونوع برخورد بخش تجارت با این کشورها موجب شد که بخش صنعت وبه خصوص بخش خصوصی نتواند دراین کشورها برای سرمایه گذاری وتولید نفوذ کند . ازاین دست تجربه ها هم چنان نیز اتفاق می افتد وتولید کننده داخلی نیز علاوه برگرفتاریهای محدود کننده قانونی، درگیر چنین وضعی است.صنعت گران ایران پیش از هرچیز خواهان حمایت های قانونمند وعادلانه درزمینه صنعت واعمال قوانین هستند.بدنه کارشناسی وزارت خانه هائی که به نحوی با امورصنعتی کشور قرار دارند ودر راس آنها وزارت صنایع ومعادن ، باید به این امر توجه بیش از پیش مبذول دارند.منبع : نشریه کار آفرین

مهندسی مالی

... Financial Engineering

اشارهاز زمان شروع برنامه اول توسعه اقتصادی ، بحث خصوصی سازی و واگذاری شرکت ها به بخش خصوصی به عنوان اصلی ترین موضوع، فرا راه توسعه اقتصادی قرار گرفته است ؛ به عبارت دیگر پس از سال ها تجربه صاحبنظران و دست اندرکاران امور اقتصادی به این نتیجه رسیده اند که برای ایجاد کارایی در تولید باید بخش خصوصی با انگیزه سود و رقابت پا به میدان بگذارد تا بدان وسیله بسیاری از شرکت های دولتی از بن بست کاهش کارایی رهایی یابند و از آن رهگذر از منابع به نحو بهینه ای استفاده شود . مقدمهانجام هر عملی نیاز به ابزاری دارد که بتواند به نحو چشمگیری رسیدن به هدف را میّسر سازد . بورس اوراق بهادار و ابزاری که در آن وجود دارد از مهمترین اهرم های خصوصی سازی به شمار می روند . بورس اوراق بهادار کشورهای پیشرفته صنعتی مهمترین عامل تهیه منابع مالی برای تولید کنندگان قلمداد می شود . بورس تنها به عنوان یک محل برای داد و ستد اوراق بهادار تعریف نمی شود بلکه محلی است با ویژگی های خاص خود ؛ در این محل باید عواملی که باعث جذب نقدینگی و سوق آن به طرف تولید می شوند وجود داشته باشند . متأسفانه بورس اوراق بهادار تهران هنوز نتوانسته به عنوان یک بازار مالی مؤثر ، رسالت خود را انجام دهد؛ رسالتی که می تواند کمک شایانی به کاهش تورم کند . بورس تهران از مشکلات بسیاری رنج می برد : نبود اوراق بهادار متنّوع و تبدیل شدن بورس به بازار ثانویه ای که اغلب به داد و ستد اوراق بین سفته بازان می پردازد ، از جمله مشکلات مهم بورس تهران است . مهندسی مالی تخصصی است که می تواند در ایجاد تنوع اوراق بهادار کمک بسیار زیادی به بورس کند. ایجاد تنوع دراوراق بهادار بسیار حائز اهمیت است چرا که مردم دارای سلیقه ها و درجه ریسک پذیری متفاوتی هستند بسیارند افرادی که با خرید اوراق مشارکت از اینکه مثلاً سالیانه بیست درصد بازده ثابت به دست می آورند خوشحالند و بسیاری از افراد که درجه ریسک پذیری شان زیاد است به خرید سهام عادی روی می آورند . اما همچنین بسیارند افرادی که مابین این دو طیف قرار دارند ،به عنوان مثال تمایل دارند به عنوان مالکان شرکت قلمداد شوند اما در این حالت از سود ثابتی نیز بهره مند گردند . (خریداران سهام ممتاز). متأسفانه در بورس تهران می توان اوراق مشارکت و سهام عادی را مشاهده کرد و تنها افراد بسیار ریسک پذیر و بسیار ریسک گریز جذب آنجا می شوند و جایی برای افراد دیگر وجود ندارد از این رو بخش عظیمی از مردم و سرمایه گذاران از لیست مشتریان بورس حذف می شوند .تاریخچه مهندسی مالیاصطلاح مهندس مالی برای اولین بار به وسیله بانک های لندن در اواسط دهه ۱۹۸۰ به منظور راه اندازی دپارتمان مدیریت ریسک به وجود آمد و شامل گروهی از متخصصان بود که هر کدام در زمینه ریسک شرکتی مهارت داشتند . این گروه ها یک نگرش استراتژی جدید برای مدیریت ریسک ارائه کردند و تمامی ریسک های مالی را که برای شرکت ها وجود داشت مورد آزمایش قراردارند. وظایف اصلی آنها عبارت بود از :۱- شناخت ریسک۲ - اندازه گیری ریسک۳-تعیین انواع نتایج مدیریت شرکت هاهمه موارد فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار می گرفت و به موازات تکمیل این تجزیه و تحلیل ها گروه، مهارت های مهندسی مالی را روشن ساخت .نقش مهندسی مالیسه نقش اصلی مهندسان مالی عبارتند است از :۱- به وجود آوردن بازار۲- ابداع۳- پیدا کردن وزنه ی قانونیمهندسی مالیسازندگان بازار معامله ای را ترتیب می دهند که نیازهای متشری را برآورده سازند و سپس بر اساس ایده مشتری به او فروش می کنند . یک معامله تنها زمانی بهترین است که با حداقل هزینه ، اهداف مشتری را تأمین کند . منظور از ابداع این است که اوراق بهادار و فرآیندهای جدید معرفی شوند ، آنها اغلب روی اوراق جدید کار می کنند، اوراقی که نیازهای مشتری را برآورده سازد و مشتری در آن زمان بتواند با اوراق موجود نیاز خود را برآورده سازد. همچنین مهندسان مالی در پی یا فتن روزنه ای برای بهره برداری از قوانین موجود هستند مثلاً با استفاده از قوانین مالیاتی و آربیتراژ سعی می کنند سود را افزایش دهند مهندسان ملای موفق همیشه در تئوری های مالی با ریاضیات سر و کار دارند .آنها خیلی سریع ایده ها را به چنگ می آورند و به آسانی اجزای ترکیب دهنده و آن را می یابند

. سعی می کنند بسیار آزاد فکر کنند و از محصور شدن بپرهیزند . هم چنین سعی می کنند خلاق باشند هر گاه به آنان بگوئید که نمی توان فلان کار را انجام داد ، بلافاصله می پرسند : چرا ؟ابزار مهندسان مالیرشته مهندسی مالی مانند سایر رشته های مهندسی به ابزارنیاز دارد این ابزار را می توان به دو بخش مفهومی و فیزیکی تقسیم کرد در ابزار مفهومی امور مالی به مثابه یک سیستم در نظر گرفته می شود بسیاری از ابزارهای مفهومی بخشی از مدیریت مالی جدید به شمار می روند و بسیاری دیگر برای مطالعات سیستماتیک مهندسی مالی به کار می روند .مثال هایی از ابزار مفهومی عبارتند از : تئوری ارزش ، (تئوری پر تفولیو) و (تئوری مصونیت) ابزار فیزیکی شامل ابزهارها فرآیندهایی است که می توانند برخی از اهداف خاص را با یکدیگر پیوند دهند این ابزار شامل (اوراق بهاددار با درآمد ثابت) ، (پیمان های آتی) ، (اختیارات خرید و فروش) ، (سوآپ) و بسیاری از ابزارهای دیگر می شود .حوزه فعالیت مهندسی مالیمهندسی مالی با طراحی ،توسعه ، ابداع فرآیندها و ابزارهای و فرمول های پدید آورنده راه حل های مسائل مالی سروکار دارد .بنابراین ابداع و خلاقیت ، دو ابزار بسیار مهم در مهندسی مالی قلمداد می شوند . ابداع سوآپ اوراق بهادار سازمان های دولتی با پیشوانه اقساط ناشی از وام های رهنی ، اوراق قرضه بدون بهره و اوراق قرضه بنجل، همگی از فعالیت های مهندسی مالی به شمار می روند .علاوه بر این مهندسی مالی نقش تغییر عقاید کهنه ی مالی و تبدیل آنها به عقاید نو را نیز بر عهده دارد.معرفی سوآپ و صندوق های مشترک سرمایه گذاری به شکلی جدید ازفعالیت های دیگر مهندسی مالی است . همچنین مهندسی مالی در حال ترکیب مدل ها و ابزارهای مالی به منظور پدید آوردن مدل ها و ابزار است؛ مثال هایی از فعالیت های بسیار مفید مهندسی مالی عبارتند از : استفاده از روش های موجود به منظور کاهش ریسک مالی شرکت ها ، کاهش هزینه تأمین مالی ، افزایش سود حسابداری و افزایش کارایی بازار .حوزه فعالیت مهندسان مالی تنها به شرکت ها محدود نمی شود بسیاری از ابدعات مالی خلاق در سطح فردی نیز به وجود آمده است که گاهی با عنوان سطح مشتری معرفی می شوند در این ارتباط می توان از حساب های بازنشستگی فردی ، طرح های بازنشستگی انفرادی و انواع بیمه های عمر نام برد.از جنبه عملی ، مهندسان مالی ، فعالیت های گسترده ای دارند که شامل مدیریت مالی شرکت ها مدیریت پولی ، سرمایه گذاری و مدیریت ریسک می گردد . در زمینه مدیریت مالی شرکت ها مهندسان مالی اغلب به منظور توسعه ابزارهای جدید برای اطمینان از تأمین مالی مورد نیاز شرکت های بزرگ ، به کار گرفته می شوند . طبیعت پیچیده تأمین مالی ایجاب می کند که از ابزارهای گوناگون با ترکیبی از آنها استفاده شود و این مهم میسر نمی شود به جز در سایه تخصص پیچیده مالی . از جمله فعالیت های دیگر مهندسان مالی در زمینه مدیریت مالی ، می توان به ادغام ، جذب ، تصاحب و خرید یک شرکت با استفاده از وام اشاره کرد . مهندسان مالی در خلق اوراق بهادار جدید و اوراق مشتقه فعالیت های چشمگیری از خود نشان داده اند . آنها اشکال متنوعی از آربیتراژ و شبه آربیتراژ را پدید آورده اند که از حیث مکان و زمان ، ریسک ، تنگناهای قانونی و نرخ های مالیات می توانند برای شرکت بسیار سودمند واقع شوند . آربیتراژ مکان عبارتست ازاتصال بین بازار پیمان های آتی به نحوی که معاملات انجام شده در بازارهای آمریکا می توانند با معاملات انجام شده در بازارهای خارجی به گونه ای پایاپای شوند که از خاصیت معامله خنثی کننده استفاده گردد .پی نوشت :۱ . Arbitrageخرید وفروش همزمان اوراق بهادار در دو بازار مختلف با هدف کسب سود از طریق اختلالات قیمت دو بازار۲.Protfolio Theoryتئوری پر تفوی تصمیمات سرمایه گذاری در مجموعه ای از اوراق بهادار را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد در این تئوری تجزیه و تحلیل ریسک و بازده مجموعه اوراق بهادار مورد معامله قرار می گیرد .۳. Hedging Theoryدر این تئوری روش های مصون ماندن از ریسک ناشی از تغییر قیمت های اوراق بهادار مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد .۴ . Fixed in come securitiesاوراقی که نرخی بهره ثابت از پیش تعیین شده دارند . مانند اوراق قرضه .۵. Futures contractsقرار دادهایی است که در آن خریدار و فروشنده متعهد می گردند که کالا و پول در تاریخ معینی در آینده بین آنها ردّ و بدل گردد .این قرار دادها در بورس های مختلف جهان مورد مطالعه قرار می گیرد پیمان های آتی برای کالاهایی مانند انواع فلزات گرانبها ، غلات ، گوشت، ارزهای خارجی و غیره منعقد می گردد .۶. Optionsبرگه های اختیار خرید یا فروش سهام عادی به قیمتی معین تا زمان مشخص است . برگه های اختیار به دو دسته زیر تقسیم می شوند :الف : call option (برگه اختیار خرید –) قراردادی است که بین خریدار و فروشنده سهام منعقد می گردد و به خریدار حق خرید تعدادی معین از سهام خاص با قیمت مشخص تا تاریخ تعیین شده در قراردادی است که بین خریدار و فروشنده سهام منعقد می گردد و به خریدار حق خرید تعدادی معین از سهام خاص با قیمت مشخص تا تاریخ تعیین شده در قرارداد اعطا می کند بدیهی است در صورتی فروشنده از حق خود استفاده می کند که قیمت بازار سهام از قیمت ذکر شده در قرارداد کمتر شود . پس از انقضای تاریخ تعیین شده در قرارداد برگه اختیار فروش باطل می گردد .۷. Swapsفروش یک نوع اوراق بهادار و خرید اوراق بهادار مشابه به قصد کاهش مالیات یا افزایش بازده .۸ . Mortgage – backed Certificate security۹. Zero coupon bondsنوعی اوراق قرضه بدون بهره است . این اوراق در زمان فروش ، زیر قیمت اسمی به فروش می رسد و در طول عمر آن هیچگونه بهره ای به این اوراق تعلق نمی گیرد . خریدار در سررسید ، معادل مبلغ اسمی اوراق را از انتشار دهنده دریافت می کند .۱۰-Junk bokdsنوعی اوراق قرضه با ریسک بسیار بالاست درجه اعتبار این نوع اوراق از نظر باز پرداخت اصل و بهره ، بسیار پایین است از این رو مؤسسات منتشر کننده این اوراق مجبورند نرخ بازده بالایی برای آنها تعیین کنند تا بتوانند آنها را در بازار به فروش رسانند .۱۱. Cunsumer level۱۲. Individual Retirement Accountحساب بازنشستگی فردی : حسابی است که در یک صندوق بازنشستگی افتتاح کننده آن حساب می تواند بخشی از در آمد قبل از مالیات خود را در این صندوق سرمایه گذاری کند و از مزایای خالص مالیاتی بهره مند گردد .۱۳.Keogh plansدر آمریکا کسانی که برای خود کار می کنند ، می توانند درصدی از درآمد قبل از مالیات خود را حداکثر ، سقف معینی به صندوق بازنشستگی واریز نمایند و در زمان بازنشستگی از مزایای آن بهره مند شوند . به این برنامه طرح بازنشستگی انفرادی گویند .۱۴. Risk managementمدیریت ریسک عبارت است از بررسی و مطالعه ریسک های مختلف سرمایه گذاری در اوراق بهادار و به حداقل رساندن آنها با توجه به بازده های منتظره۱۵. ۱۶ Morger & Acquistion ادغام دو شرکت: به شرایطی اطلاق می شود که دو شرکت در یکدیگر ادغام شوند و شخصیت حقوقی یکی از آنها از بین برود .Acquistion : (تصاحب یک شرکت توسط شرکت دیگر –) به شرایطی اطلاق می شود که یک شرکت به قصد کنترل شرکت دیگر مقدار زیادی از سهام آن شرکت را خریداری کند . برای تصاحب شرکت های کوچکی ، که سهام آنها به نحوه گسترده ای توزیع نشده است این مقدار باید بیش از ۵۰ درصد باشد ،اما اگر سهام شرکت سرمایه پذیر به طور گسترده ای توزیع شده باشد ، برای تصاحب آن نیاز نیست که این مقدار بیش از ۵۰ درصد باشد در تصاحب ، شخصیت حقوقی شرکت سرمایه پذر از بین نمی رود .۱۷. Leveraged buy out (LBOS)در این روش ، دارائی های شرکت خریداری شده به عنوان وثیقه وام معرفی می گردد و باز پرداخت بدهی شرکت خریدار از محل جریانات نقدی شرکت صورت می گیرد .۱۸. Offset۲۱. Futures exchanges۲۰. Quasiarbitrge۱۹. Deriv a tive securities

Financial Engineering

Financial Engineering is a multidisciplinary field involving financial theory, the methods of engineering, the tools of mathematics and the practice of programming. The Financial Engineering Program at Columbia University provides a one-year full-time training in the application of engineering methodologies and quantitative methods to finance. It is designed for students who wish to obtain positions in the securities, banking, and financial management and consulting industries, or as quantitative analysts in corporate treasury and finance departments of general manufacturing and service firms.The first half of our program is devoted to the tools of the trade and their use in modeling financial markets and instruments. Students take courses in stochastic processes, optimization, numerical

techniques, Monte Carlo simulation, and data analysis. They also study portfolio theory, derivatives valuation, and financial risk analysis, making use of the methods they have learned.The second half of the program gives students the opportunity to take more advanced courses or study specialized topics. We offer a selection of more detailed courses on current subjects of interest, ranging from models of the term structure of interest rates to a study of the implied volatility smile, as well as a course on applications programming for financial engineering. Students can also choose from a variety of courses on particular markets and their models, for example mortgage-backed securities or credit-risk modeling.In addition to courses within the engineering school, students can also take electives from various schools within the university, such as the Graduate School of Business, the Graduate School of Arts and Sciences, the School of Law, and the School of International and Public Affairs.Our program also hosts a popular Financial Engineering Practitioners Seminar on Monday nights, at which Wall Street and industry practitioners present seminars on their recent research or particular specialty, and where .students can hear firsthand about life in the financial world

روش های سرمایه گذاری

... investmentمستقیم، غیر مستقیم، نیمه مستقیم

روش های سرمایه گذاری :۱- روش مستقیم۲- روش غیر مستقیم۳- روش نیمه مستقیم۱- روش مستقیم- در روش مستقیم بین سرمایه گذار و سرمایه پذیررابطه مستقیم برقرار می شود . این شیوه اغلب بین دوستان و آشنایان نزدیک انجام می گردد ۲- روش غیر مستقیم در روش غیر مستقیم بین سرمایه گذار وسرمایه پذیر یک موسسه مالی به عنوان واسطه عمل می نماید . به عبارتی سپرده گذار /سرمایه گذار وجوه خود را در اختیار این موسسات قرار می دهد و سرمایه پذیر نیز از طریق این موسسات منابع مالی لازم را تامین می نمایند . در این روش ریسک مربوط به سرمایه گذاری و یا وام دهی بعهده واسطه موسساتی که به عنوان واسطه مالی عمل می نماید . در این روش ریسک مربوط به سرمایه گذاری و یا وام دهی بعهده واسطه مالی است و سرمایه گذاران هیچگونه ریسکی را تقبل نمی نمایند .موسساتی که به عنوان واسطه مالی عمل می نمایند شامل بانک های تجاری ، بانک های تخصصی، شرکت های بیمه ، بانک های پس انداز ، شرکت های سرمایه گذاری ، صندوق مشترک سرمایه گذاری (Mutual Fund) صندوق های بازنشستگی Pension Fund و موسسات مشابه می باشند . ۳- روش نیمه مستقیمروش نیمه مستقیم بین سرمایه گذار و سرمایه پذیر ، موسسات تخصصی مانند بانک های سرمایه گذاری ((Investment Banks قرار می گیرند . این نوع موسسات تخصصی پس از مطالعه دقیق میزان احتیاجات سرمایه پذیر ، نحوه استفاده از وجوه ، تعیین مناسب ترین نوع اسناد و اوراق بهادار (سهام عادی ، سهام ممتاز ، اوراق قرضه ، اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام یا ابزار دیگر) ، ابزار مورد نظر را پذیره نویسی (Underwrite) نموده به سرمایه گذاران (شامل موسساتی چون بیمه ها و صندوق های بازنشستگی و اشخاص حقوقی) به فروش می رسانند . این موسسات نقش "متخصص" و "کارگزار" را بازی می نمایند و خود سرمایه گذار بلند مدت در اوراق بهادار نمی باشند . اوراق سهام یا قرضه خریداری یا تعهد شده توسط این موسسات پس ازمدت کوتاهی به فروش می رسد. بانک های سرمایه گذاری از جمله واسطه های مالی موقت می باشند که در روش نیمه مستقیم وظیفه انتقال وجوه از سرمایه گذاران به سرمایه پذیران را به عهده دارند.منبع: sanaaye.com/market.htm

چشم انداز اقتصادی در عصر جدید

... Economic viewثروت آفرینان

ثروت جدیدپایه‌های قدیم کامیابی فرو ریخته است. در تمام طول تاریخ بشر، منشأ کامیابی دستیابی به منابع طبیعی مانند زمین، طلا و نفت بوده است ناگهان ورق برگشته و دانش به جای آنها نشسته است. این عصر، عصر صنایع انسان ساخته بر پایه دانایی و توانایی‌های مغزی است. بیل گیتس، ثروتمندترین مرد دنیا، مالک چیزهای ملموس نیست – نه زمین دارد، نه طلا، نه نفت، نه کارخانه، نه فعالیت صنعتی دیگر و نه ارتش و سپاهی. این نخستین بار در تاریخ بشر است که ثروتمندترین مرد دنیا فقط دانش دارد و بس. کامیابی در عصر جدیدراه کامیابی در اقتصاد متکی به دانش وقتی پیدا می شود که به این پرسش ها پاسخ داده شود● :ملت ها چگونه باید ساختار و سازمان خود را عوض کنند تا فضا و محیطی ایجاد شود که بذر دانش در آن برویدو ببالد و راه را بر افزایش ثروت ملی بگشاید●؟چه چیزی به ظهور کارورزانی مدبر و خطر ستیز می انجامد که همه چیز را متحول سازند و ثروت روینده ایجاد کنند●؟ثروت متکی به دانش چگونه به وجود می آید؟ تخصص ها و مهارت های لازم کدامند●؟منابع طبیعی و زیست محیطی در کجای این اقتصاد جدید دانش-پایه قرار می گیرند●؟نقش ابزار سازی در اقتصاد سرمایه داری متکی به دانش که ابزار های مادی(سرمایه) دیگر در کانون سیستم قرار ندارند چیست●؟چه فرآیندی است که بستر رویش ثروت شخصی قابل خرید و فروش می شود؟ اساسا دانش از چه راهی برای اشخاص، شرکت ها و جامعه، هرم ثروت جدید می سازد؟ کاوش در اقتصاد متکی به دانشچشم انداز اقتصادی در عصر جدیددویست سال پیش، در پایان قرن هیجدهم و آغاز سده نوزدهم، انقلاب صنعتی به دوران ۸ هزار ساله‌ای که کشاورزی منشأ ایجاد ثروت بود پایان داد.صد سال بعد، در پایان قرن نوزدهم و آغاز سده بیستم، با ورود برق به صحنه زندگی و ابداع تحقیق و توسعه صنعتی پیگیر و منظم، انقلابی پدید آمد که مورخان اقتصادی آن را انقلاب صنعتی دوم نام نهاده‌اند.امروز سومین انقلاب صنعتی در جریان است. میکروالکترونیک، رایانه، مخابرات و ارتباطات دوربرد، مواد مصنوعی، ربات و بیوتکنولوژی همه شئون زندگی را دگرگون می‌سازند.همان طور که انقلاب صنعتی دوم اقتصاد محلی را به اقتصاد ملی تبدیل کرد، انقلاب صنعتی سوم اقتصادهای ملی را به سوی اقتصادی جهانی می‌کشاند.تاسیس حکومتی جهانی – چه مورد نیاز باشد و چه نباشد- در آینده‌ای نزدیک متصور نیست. در نتیجه، جهان دارای اقتصادی جهانی خواهد شد بی‌آنکه حکومتی جهانی داشته باشد. این یعنی اقتصادی جهانی که قوانین و مقررات مورد توافق و قابل اجرا نداشته باشد.در قرن بیستم به دولت‌ها باید قدرت داده می‌شد تا بتوانند نظام‌های اقتصادی ملی را اداره کنند. اقتصاد جهانی این فرایند را معکوس می‌سازد. دولت‌های ملی قدرت خود را برای اداره نظام اقتصادی از دست می‌دهند. به عنوان مثال کشورهای تاریخی اروپا ناپدید می‌گردند. یازده تای آنها یکی شده‌اند. کشوری که پول رایج خاص خود را نداشته باشد استقلال کامل ندارد.ایالات متحده اروپا می‌تواند پیش از پایان قرن بیست و یکم تحقق یابد.به تدریج که قدرت، دسترسی و حیطه عمل دولت‌ها کاستی می‌پذیرد، نقش شرکت‌های جهانی افزایش می‌یابد.اما شرکت‌ها هم مانند کشورها درگیر و دارند. ادغام‌های ۴/۲ تریلیونی سال ۱۹۹۸ از ادغام‌های سال ۱۹۹۰ پنج برابر و از سال پر ادغام ۱۹۹۷، ۵۰ درصد بیشتر است.شرکت‌های جهانی نوظهور از همه شرکت‌های ملی پیش از خود بزرگترند. کسانی که دل به دریا می‌زنند و محیط های نو و نشناخته را کشف می‌کنند انگشت شمارند. درشرایطی که هم کشورها و هم شرکت‌ها در معرض بی‌ثباتی و تغییرند، شخص چگونه می‌تواند بازی اقتصاد را با قدری توفیق و احساس امنیت انجام دهد؟ کشور من و کارفرمای من رغبت و توانایی خود را در کمک به من به سرعت از دست می‌دهند. بازی را دست تنها چگونه انجام دهدم؟ منبع : کتاب ثروت آفرینان (لستر تارو)

جریانات بین المللی سرمایه

... capitalجریانات بین المللی سرمایه با دانش فنی همراه است جریانات بین المللی سرمایه ، نقش مهمی را در پیشرفتهای کشورهای درحال توسعه ایفا می کند.هرچند که فرموله کردن قواعدی دقیق برای مدیریت منابع مالی خارجی، به نحوی که قابل کاربرد برای همه کشورها باشد، امکان پذیر نیست ، اما تجارب بدست آمده ، نکات مفیدی برای کشورهائی است که درصدد مشارکت دربازار سرمایه بین المللی برمی آیند. توسل به بازار سرمایه بین المللی درصورتی توصیه می شود که به این سه موضوع عنایت خاصی مبذول گردد: سیاست کشورهای صنعتی وام دهنده ، سیاست کشور وام گیرنده ، ومکانیزمهای سیستم مالی بین المللی . تجزیه وتحلیل دقیق این سه موضوع ، سودمندی یا عدم سودمندی توسل به منابع مالی خارجی را مشخص خواهد نمود.درمورد سیاست کشور وام گیرنده باید به این نکته اساسی توجه کرد که موقعی توسل به منابع مالی خارجی توصیه می گرددکه کشور مورد نظر ازمنابع مالی داخلی خود حد اکثر استفاده را بعمل آورد، اما منابع داخلی برای سرمایه گذاری کافی نباشد . البته بسیاری ازکشورها به دلیل فقدان اطلاعات وکارشناسان فنی ونداشتن ترتیبات نهادی لازم ، از مدیریت جریانات سرمایه به نحو کارآمد ناتوان هستند. درچنین شرایطی ، توسعه نهادی دردرجه اول اهمیت قرار دارد و پیش نیازی اساسی است.تجارب سالهای گذشته به همراه وقوع و تداوم بحران بدهی های خارجی ، سوالات بسیاری را دربار نقش سرمایه بین المللی درتوسعه اقتصادی وجایگاه کشورهای درحال توسعه مطرح نموده است. ازآنجا که ایران همانند سایر کشورهای درحال توسعه، با کمبود منابع لازم برای سرمایه گذاری مواجه است وبرای تامین آن ناچار می باست به سرمایه بین المللی متوسل گردد، لذا اطلاع ازروند جریانات بین المللی سرمایه وامکان دسترسی به آن مفید بنظر می رسد. سرمایه ، متواترا "ازکشورهای ثروتمند به سمت کشورهائی جریان یافته که درمراحل اولیه پیشرفت هستند و نرخ بازدهی انتظاری سرمایه درآنها بالاتر می باشد. براساس نظر کارشناسان اقتصادی ، جریانات بین المللی سرمایه می تواند کارائی اقتصاد جهانی را بالاببردوکشورهائی که با مشکل کسری پرداختهای خارجی مواجه هستند ، قادربه کاهش میزان کسری وتامین آنها خواهد نمود. با وجود این ، توانائی دسترسی به سرمایه بین المللی ، ریسک هائی را نیز دربردارد. نخست اینکه ، جریانات بین المللی سرمایه ، امکان به تاخیر انداختن رفرمهای سیاستگذاری را ، که لازمه تعدیل هستند ، به کشورها می دهد.و دوم آنکه ، اگر کشورها نسبت به شرایط اقتصاد خارجی عقیده وقضاوت غلطی داشته باشند ، با استقراض بسیارزیادی مواجه خواهند شد.شواهد زیادی وجود دارد که جریانات سرمایه (که اغلب با دانش فنی همراه است) نقش مهمی را درپیشرفتهای حاصله درکشورهای درحال توسعه ایفا کرده اند . به علاوه سرمایه خارجی به کاهش شوکهای خارجی (نظیر نوسانات زیاد درقیمت کالاها یا رکود درکشورهای صنعتی) وداخلی (مانند خشکسالی وسایر عوارض کشاورزی) کمک کرده است.کشورهائی که به واسطه مشکلات اقتصادی موجود دردهه ۱۹۷۰ به همراه اخذ بدهی خارجی به رفرم های سیاستگذاری مبادرت ورزیده اند ، نه تنها ازمشکلات باز پرداخت اصل وفرع بدهی ها اجتناب نموده اند ،بلکه به رشد سریعی نیز دست یافته اند. اما اگر کشورهائی که برای اجتناب از تعدیل ، به استقراض متوسل گردیده اند، با مشکلات بازپرداخت اصل وفرع بدهی های خود مواجه شده اندو درحال حاضر ، مرتفع نمودن این مشکلات دارای هزینه به مراتب بیشتری است.تجارب مختلف کشورهای درحال توسعه ، درسهای اساسی را برای سیاستگذاری خاطرنشان می سازد . این درسها که می تواند برای ایران وسایر کشورهائی که درصدد توسل به جریانات سرمایه بین المللی هستند ، مفید باشد، به قرارزیز است:درمواجهه با نا اطمینانی وتغییرات حاصل درمحیط خارجی باید قابلیت انعطاف داشت. مهمترین تغییرات درکوتاه مدت عبارتند از کاهش کسری های بودجه وتعدیل نرخهای بهره وارز حقیقی هنگامی که کشوری ، بنا به دلایل سیاسی یا دلایل دیگر ، نتواند سیاستهای خودرا به سرعت تعدیل نماید، درتوسل به بدهی خارجی محافظه کار خواهد شد.به منابع مالی خارجی می بایست حداقل همانند منابع داخلی نگریست ولذا سیاستهای مورد نیاز برای بهترین استفاده ازمنابع مالی خارجی اساسا "همان سیاستهائی هستند که بهترین استفاده ازمنابع داخلی را امکان پذیر می سازند. هرکشوری باید بازدهی سرمایه گذاری اش بزرگتر از هزینه منابع بکارفته اش باشد. با این حال ، درمورد منابع مالی خارجی ، یک کشور همچنین باید به حد کافی ارز خارجی بدست آورد تا بتواند اصل وفرع بدهی خودرا بپردازد . دربحث منابع مالی خارجی بیشتر ازهمه باید به نحوه مدیریت این وجوه توجه نمود. سیاستهای تعیین کننده سطح پس انداز وسرمایه گذاری داخلی همچنین نیاز به استقراض خارجی را تعیین می کند. بنابراین مدیریت جریانات سرمایه باید بخش مکمل ومنسجمی ازمدیریت اقتصاد کلان باشد. درکنترل وتنظیم جریانات سرمایه ، سیاستهای کلان اقتصادی وحمایتی دولت نقش مهمی را ایفا می کند.به طورکلی ، هنگامی که به مداخله کمتردولت نیاز است که قیمتها، نرخهای بهره ونرخهای ارز منعکس کننده هزینه های فرصت ازدست رفته باشند. هرچند که برخی از دولتها، کنترلهای دقیقی برجریانات ورود وخروج سرمایه وضع کرده اند ، با وجود این تجربه قویا "پیشنهاد می کند که این کنترلها ، جانشینی برای سیاستهای صحیح اقتصاد کلان نیستند. به علاوه درمدیریت جریانات سرمایه خارجی نه تنها باید به ترکیب جریانات سرمایه وبدهی توجه نمود، بلکه باید به موارد زی نیز عنایت خاصی داشت:شرایط قرض خارجی ، اعم از نرخ بهره وسررسید توجه به این امر موجب تقویت ثبات جریانات سرمایه خارجی می گرددو ریسک های تامین مالی مجدد را کاهش می دهد.پولهائی که درآن تعهدات می بایست پرداخت شوند.شیوه های تسهیم (وکاهش) ریسک بین وام دهندگان ووام گیرندگان.سطح وترکیب ذخایر خارجی کشور.حجم بدهیها ونحوه استفاده کارآمد ازآنها.آمارهای کافی، کارشناسان خبره و ترتیبات نهادی لازم برای یکپارچه نمودن مدیریت بدهی با اتخاذ تصمیمات کلان اقتصادی.منبع: مجله تازه های اقتصاد

نمونه ای از شرح وظایف پست های مالی

... job descriptionمورد مطالعه: شرکت ملی صنایع پتروشیمی

شرح وظایف مدیر مالینظارت براجرای صحیح تصویب نامه ها ، مقررات وروشهای مالی موردعمل در صنایع پتروشیمی وهماهنگ نمودن کلیه فعالیت های مالی و حسابداری شرکت با توجه به مقررات جاری و تصویب نامه های فوقنظارت برانجام کلیه فعالیتهای برنامه ریزی مالی بودجه شرکت شامل بررسی های وام و سرمایه‌گذاری و کنترل منابع ومصارف مالی ، برنامه ریزی و تجزیه تحلیلهای آماری ، تهیه آماروگزارشهای تلفیقی مالی ، بررسی قیمت ها ، تنظیم بودجه ، کنترل هزینه های سرمایه ای و جارینظارت برانجام کلیه فعالیتهای برنامه ریزی مالی بودجه شرکت شامل بررسی های وام و سرمایه‌گذاری و کنترل منابع ومصارف مالی ، برنامه ریزی و تجزیه تحلیلهای آماری ، تهیه آماروگزارشهای تلفیقی مالی ، بررسی قیمت ها ، تنظیم بودجه ، کنترل هزینه های سرمایه ای و جاری– نظارت بر فعالیت های حسابداری شرکت و ارایه روشها و خط مشی ها و برنامه های مربوط به فعالیتهای حسابداری مالی ،حسابداری اعتبارات اسنادی وتخصیص ارزحسابداری طرحها و امور ذیحسابی – نظارت برتدوین ، کنترل و هماهنگی مقررات مالی – نظارت بر بررسی مسایل مالیاتی شرکتهای تابعهنظارت بر امور طراحی ، اجرا و کاربرد روشهای سیستمهای یکنواخت مالی و صنعتی در سطح صنعتامورتدوین و کنترل مقررات مالینظارت بر برسی وتفسیرآیین نامه ها ، دستورالعملها ومقررات مالی تهیه شده توسط امورتدوین ومقررات صنعت نفت و کنترل های لازم برای اجرا و هماهنگی آنها نظارت بر تهیه سیستم ها و روشهای مالی صنعتی یکنواخت درسطح صنعت و تغییرات لازم درآنها و نظارت بر پیاده سازی سیستم ها و روشهانظارت وبررسی درحل و فصل مسایل و مشکلات مالیاتی شرکتهای تابعهنظارت بر فعالیتهای واحدخدمات ماشینی و نیز بررسی و اجرای روشها و تکنیک ها، و تایید برنامه های طراحی شده توسط واحد خدمات ماشینیامور برنامه ریزی مالی و بودجهنظارت بر تامین اعتبارات ووجوه لازم برای سرمایه گزاری در طرحهای پتروشیمی وبازپرداخت وامها و سررسیدهانظارت بر ایجاد سیستم متمرکز کنترل منابع و مصارف مالی صنعت پتروشیمی وارایه نحوه استفاده منابع پولی و ارزی شرکت به هیات مدیرهنظارت و کنترل برای جلوگیری از راکد ماندن منابع ریالی و ارزینظارت بر تجزیه و تحلیل وتفسیر گزارشهای مالی شرکتهای تابعه و تهیه گزارشهای تلفیقی و آمارواطلاعات برای هیات مدیرهنظارت برتهیه و تنظیم بودجه و کنترل هزینه های جاری وسرمایه ای شرکت و ارایه به هیات مدیره ومجمع عمومیارایه بودجه های مصوب به سازمان برنامه و بودجهامور حسابداری نظارت و کنترل اجرای صحیح کلیه روشها و آیین نامه ها و مقررات شرکت ملی پتروشیمی ونفت و کلیه قوانین متداول محاسبات عمومی ایران در

امورحسابدارینظارت بر سندرسی کلیه اسنادمالی صادره ازواحدهای مختلف حسابداری شرکت طبق روشهاوبخشنامه های پتروشیمی و نفت ، قانون محاسبات عمومی ،قانون تجارت وقوانین مالیاتینظارت بر انجام فعالیتهای حسابداری مالی وکنترلهای لازم درمورد نگاهداری دفاتر حسابداری مالی پتروشیمینظارت بر تهیه تنظیم گزارشهای مالی پتروشیمی و ارایه به هیات مدیرهنظارت وکنترل بر اسناد و اوراق بهادار ووجوه نقدی ریالی و ارزی وحساب بانکی شرکت وکنترل وجوه برای مصارف شرکت و جابجایی بموقع حسابهانظارت بر انجام کلیه عملیات حسابداری حقوق ودستمزد و مالیاتهانظارت و کنترل فعالیتهای حسابدای اعتبارات اسنادی وتخصیص ارز ، تهیه گزارشهای مربوط به وضعیت ارزی ، میزان ارز تخصیص داده شده و ثبت سفارشات قبول شده توسط بانک مرکزی وارزیابی های ارزهای تخصیص داده شدهنظارت بر فعالیتهای ذیحسابی در مورد وصول و مصرف اعتبارات عمرانی از منابع سازمان برنامه و بودجه و یا بودجه شرکت نفتنظارت برفعالیتهای حسابداری طرحهای عمرانی شرکت و کنترل خرج هزینه ها مطابق مقررات محاسبات عومی ومقررات مالی شرکت

مقدمه ای بر علم مالی جدید

... Finance sciencesسید جلال صادقی شریف- دکتری مدیریت مالی از دانشگاه تهران

چکیدهدانش مدیریت مالی در سال های اخیر رویکردی جدید به واقعیت های پیچیده بازارهای مالی خصوصا بازارهای سرمایه داشته است. با توجه به نقاط ضعف تئوری های مدرن پرتفوی و فرضیه بازار کارای سرمایه و کاهش روز افزون مقبولیت آنها، این رویکرد جدید در بین دانشمندان مالی مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. کاهش مقبولیت تئوری های یاد شده بدلیل پیچیدگی و ژرفای دنیای واقعی و تاثیر ارزش های اقتصادی متعدد، روانشناسی فردی و اجتماعی و ... بر بازارهای مالی و عدم توان تئوری های سنتی مدرن پرتفوی و فرضیه کارایی بازار سرمایه در پاسخ به سوالات دانشمندان مالی در خصوص وجود فرصتهای آربیتراژی و دامنه وسیع تعیین قیمت داراییهای مالی ، تاثیر اطلاعات بر قیمت سهام و... می باشد.دانش جدید مالی معتقد است، بنای ساده و سطحی تئوری های مدرن پرتفوی و فرضیه بازار کارای سرمایه توان نمایش عمق روابط اقتصادی، روانشناسی و ... حاکم بر بازارهای مالی را ندارند. بنابراین نباید با ابزارهای سنتی مذکور انتظار تحقق کارایی بازارهای مالی را داشت.نتایج تحقیقات انجام شده در بازارهای پیشرفته که در این مقاله بیان شده است، نشان می دهد که تئوری های سنتی دستاویز مناسبی برای نمایش واقعیت های پیچیده بازارهای مالی در هزاره سوم نیستند و در نگاه به دنیای مالی باید از رویکرد های جدیدتری که بتواند اهمیت علوم رفتاری و روانشنای در حوزه مالی را نمایش دهد، استفاده نمود. واژه های کلیدیبازار های مالی، بازار سرمایه، نظریه بازار کارای سرمایه، مدل قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای،دانش جدید مالی مقدمهتئوری مدرن پرتفوی که توسط مارکویتز(Markowitz,۱۹۵۹) و بعدها توسط شاگردان وی مانند شارپ(Sharp W.F . ۱۹۷۰) و لینتنر(Lintner .J. ۱۹۶۵) توسعه داده شد و فرضیه بازار کارای سرمایه که اولین بار توسط فاما(E.F. Fama ۱۹۷۰)عنوان گردید، از ابتدای دهه ۵۰ به بعد بعنوان ایده های قابل قبول و اثر گذار و زیر بنا و شالوده تحقیقات دانشمندان و پژوهشگران مالی در آمد. اصول این تئوریها در بازار های مالی نیز راهنمای عمل مدیران سرمایه گذاری و سایر فعالان بازار قرار گرفت. اما پیچیدگی بازارهای مالی و مطالعاتی که در پی تناقض نتایج ناشی از تحقیقات انجام شده در اجرا در بازارهای مالی پیش آمد، دانشمندان مالی را برآن داشت تا نسبت به مفروضات این تئوریها بررسی و تجدید نظر نمایند.نتایج بدست آمده از تحقیقات اخیر در بازارهای مالی پیشرفته نشان می دهد که تفسیر بازار سرمایه در دنیای واقعی با آنچه که فاما و هم فکران او تحت عنوان فرضیه بازار کارای سرمایه مطرح می نمایند،متفاوت و پیچیده است. مفروضات حاکم بر بازارهای واقعی با مفروضات ساده تئوری مدرن پرتفوی و فرضیه بازار کارای سرمایه تفاوت اساسی دارد. به عبارتی بازارهای واقعی بسیار پیچیده تر از آن هستند که بتوان آنها را در قالب یک یا دو تئوری و مدل جای داد و برآن اساس در آن بازارها فعالیت نمود. عوامل پیچیده رفتاری ، روانی و ارزش های اقتصادی مختلف تاثیر بسیاری بر قیمت سهام دارند.بنابراین بزعم مطالعات اخیر دانشمندان مالی که در این مقاله به آنها اشاره خواهد شد، به دلیل عدم کارایی بازارها در تعیین ارزش و اثر آن بر قیمت گذاری دارایی های مالی، عامل نمایندگی و عوامل پیچیده روانی و رفتاری و ارزش های اقتصادی متعدد، بازارهای سرمایه هیچگاه به کارایی کامل نخواهند رسید. مقاله حاضر قصد دارد تا نتایج تحقیقات انجام شده در بازارهای مالی پیشرفته و مکانیزمهای عدم کارایی بازارهای مالی که مقدمه ای بر دانش جدید مالی است را بیان نماید. دانش جدید مالیریشه انتقادات به تئوریهای مدرن پرتفوی و فرضیه بازار کارای سرمایه که زیرساختهای دانش جدید مالی را بنا نهاد ،به اشخاصی نظیر رابرت بلوم فیلد(Robert Bloomfield.۲۰۰۱) ، استاوت (Stout. ۱۹۹۵) ، تیلر و بریر(Barberries & Thaler ۲۰۰۳) برمی گردد. هر یک ازایشان در مورد عدم کارایی تئوریهای سنتی به نواقصی اشاره می نمایند که در ذیل به توضیح آنها پرداخته خواهد شد. بلوم فیلد در زمینه عدم حرکت بازارهای مالی به سمت کارایی کامل معتقد است که بازارهای مالی می توانند از لحاظ قیمت گذاری دارایی های مالی ناکارا باشند. چرا که اگرچه با فرض کارا یی بازار، اطلاعات به محض تولید به بازار وارد می شود و ورود آن به بازار هم تصادفی خواهد بود، اما تاثیر اطلاعات بر قیمت ها می تواند با کیفیت اطلاعات مذکور در یک راستا نباشد. تفسیر نادرست اطلاعات می تواند در گمراهی بازار و تعیین ارزش موثر باشد. نحوه تحلیل اطلاعات ورودی و میزان و سطح خوشبینی یا بدبینی به اطلاعات مذکور می تواند در تعیین قیمت تاثیر داشته باشد. معمولا افراد خوشبین با اطلاعات دریافتی به صورت خوشبینانه برخورد نموده و حاضر به تعیین قیمت بیشتری برای آن اطلاعات هستند و افراد بدبین حاضر به پرداخت قیمت کمتری حتی برای آن اطلاعات با ارزش هستند. از طرفی افراد خوشبین بر روی آینده غیر قابل اطمینان، ریسک بیشتری می کنند و حوادث آتی را به طور نا صحیح پیش بینی می نمایند. معمولاـ افراد حوادث آتی را آنگونه که دوست دارند پیش بینی می نمایند.بنابراین تنها ورود اتفاقی و سریع اطلاعات و وجود متخصصین و حرکت تصادفی قیمت ها نمی تواند موجب کارایی بازار شود. کارایی بازار از نظر قیمت گذاری مقوله ای است که دسترسی به آن مشکل تر از بحث کارایی اطلاعاتی است. مطالعات انجام شده نشان می دهد که معامله گران بازار که اطلاعات کمتری در مورد حوادث آتی دارند تهاجمی تر از سایرین به قیمت گذاری سهام می پردازند. این مهم موجب عدم کارایی بازار در قیمت گذاری اوراق بهادار می شود. از طرفی مطالعات نشان می دهد که افرادی که اطلاعات کمتری در مورد حوادث آتی یا دارایی های مالی دارند، اعتماد و تمرکز بیشتری بر روی آن اطلاعات ناقص می کنند و بر اساس آن در تعیین قیمت زیاده روی می نمایند. عامل دیگری که می توان برای عدم کارایی بازار نام برد، عدم کارایی بازار در گزارش دهی می باشد. در واقع ساختار ناکارای اطلاعات، هزینه های معاملاتی و عدم توانایی بازار در جلوگیری از سودهای آرپیتراژی جزو عواملی است که موجب عدم کارایی بازار و تعیین قیمت می شود.از طرفی عدم توجه یا ضعف درتفسیر اطلاعات ورودی به بازار و عدم توان تفسیر یادداشت های همراه صورت های مالی نیز به عدم کارایی بازار در تعیین ارزش کمک می نماید. تمامی این عوامل باعث می شود که اطلاعات از طرف افرادی که اطلاعات کمتری در اختیار دارند به سمت اشخاصی که از اطلاعات بیشتری برخوردار هستند، انتقال یابد. بنابراین بحث عدم کارایی بازارهای مالی در عمل ظاهر می شود و اگر افراد در بازارهای مالی از لحاظ اطلاعاتی به امنیت کامل برسند اما مجددا در دام عدم کارایی در انجام معاملات گرفتار خواهند شد.در واقع پیچیدگی های بازارهای واقعی موجب شده است که دانشمندان مالی پشتوانه قوی قبلی را برای فرضیات تئورهای مدرن پرتفوی قائل نباشند. لین استات (Stout, ۱۹۹۵) معتقد است این ایده که قیمت دارایی های مالی در بازارهای کارا منعکس کننده تخمین های درست از ارزش آنها است، همواره با چشم انداز تاریکی که قیمت ها را از واقعیت های اقتصادی جدا می سازد، همراه است. حباب قیمت ها در بازارهای مالی گواه این مطلب است. تئوریهای بازار کارا در بسیاری از جنبه های اساسی از درک واقعیت های بازارهای مالی عاجز است. چراکه این تئوری ها نیز مانند سایر تئوری های اقتصاد واقعیت های پیچیده اقتصادی را ساده سازی می نماید تا بتواند نتایج دلخواه خود را از آنها استخراج نمایند.بنابراین دانش مالی جدید به ما می آموزد که قبل از تایید و یا رد یک فرضیه مانند فرضیه بازارهای کارا رابطه بین قیمت و عوامل اقتصادی را بررسی نماییم و این مهم را در نظر بگیریم که هر چقدر رابطه بین قیمت سهام و ارزش های اقتصادی غیر مستقیم یا پیچیده باشد ادراک آن از توان ما دور نیست..بر طبق کارایی

بـازار قیمت ها منعکس کننـده تمام اطلاعات موجود و قابل دسترس هسـتند. حال آیا قیمت به همه این اطلاعات در دسترس عکس العمل نشان می دهـد؟ یا به برخی بیش از سایرین توجه می کنـد؟ آیا قیمت به اطلاعات جدیـد پاسخ درستی می دهد و واقعا جهت حرکت قیمت بـا اطلاعـات جدیـد همخوان است. ملاحظه می شودکه تنها پاسـخ سـریع به اطلاعات ورودی مهم نیست. بلکه تحلیل اساسی نیز لازم است. تحلیل اساسی و تضمین درست قیمت نیاز به بررسی و وقت دارد.بنابراین سرعت تاثیر اطلاعات به اندازه دقت در تاثیر اهمیت ندارد. (Stout, ۱۹۹۵) . ما برای تعیین تاثیر اطلاعات بر قیمت از مدل های سنتی تعیین ارزش دارایی های مالی که رایج ترین آن مدل CAPM است استفاده می کنیم. حال اگر مدل ۲]CAPM] با تئوری بازار کارا (۳]EMH]) ادغام شود، بازار از لحـاظ اطلاعـاتی و تعیین ارزش کـارا خواهـد شـد؟ پاسـخ این سوال آربیتراژ و سودهـای آرپیتراژی است. چراکه چشم های تیز بین همیشه به دنبال فرصـتهایی هستند که افراد خوشبین به دلیل استفاده از مدل های سنتی از دست می دهند. بنابراین تا زمانی که امکان اسـتفاده از سودهـای آربیتراژی وجود دارد بازار کارا نخواهـد بود و تا زمانی که مباحثی چون نماینـدگی و .... وجود دارد، فرصـت های این چنینی وجود خواهـد داشت. (Barberries & Thaler ۲۰۰۳).در واقع مدل CAPM و EMH مفروضـاتی را در نظر می گیرنـد که بعضا در دنیای واقعی مصـداق ندارنـد.بنابراین سـرمایه گذاران (بازار) بر روی آن مفروضات توافق نداشـته و اگر هم توافقی بر روی آن داشـته باشـند در مورد ارزش ذاتی که به این روش ها به دست می آیـد توافق نخواهنـد داشت. لـذا مشاهـده می شود که همواره بخشـی فروشـنده سـهام هسـتند و بخشـی خریدارآن. آنچه که یکی از مبانی دانش جدید مالی را تشـکیل می دهد، عـدم توافق افراد در مورد ریسـک و بـازده است. هنگامی که افراد انتظارات همگن و موافق نداشـته باشـند تعادل مورد نظر CAPM شکل نخواهـد گرفت. در نتیجه بازار به کارایی نخواهـد رسـید. چراکه از نظر EMH شـرط کارایی بازار تعادل قیمت ها می باشـد. وقتی بـازار کارا خواهـد بود که قیمت تمام شـده سـهام با ارزش ذاتی آن که متناسب با ریسک و بازده ذاتی آن است برابر باشـد.از آنجـا که افراد در مورد ریسـک و بـازده توافق ندارنـد این مهم هیچگاه اتفاق نخواهـد افتاد. موضوع فوق را با مثالی دنبال می کنیم. فرض کنیم که در بازار دو بازیگر و یک سـهم وجود دارد. بازیگر اول معتقد است قیمت آن سـهم ۱۰۱۰ ریال و بازیگر دوم معتقد است قیمت آن سهم ۹۹۰ ریال می باشد. با فرض قبول فرضیات CAPM مانند عدم وجود هزینه های معاملاتی، انتظارات همگن و ... این ۲ نفر هیچگاه به قیمت واحد نخواهند رسید. چراکه هر کدام برای ارزشـی که برای آن سهم به دست می آورده اند استدلال کافی دارنـد. حال چگونه است که آن سـهم به یک قیمت مورد توافق طرفین در بازار معامله می گردد؟پاسخ این سوال ساده است. یکی از آن دو بایـد از ارزش ذاتی محاسبات خـود دسـت بردارد و از آنجـا کـه معمولاـ در بـازار خریـدار قیمت را تعیین می کنـد، فروشـنده بایـد ایـن کـار را انجـام دهـد و ایـن امر بـه معنی عـدم کـارایی بـازار [۴]است. ایـن دقیقـا همـان چیزی است که میلر(Miller,E,R,,۱۹۷۷) در مـدل خود و بنـام [۵]HEAPM مطرح می کنـد و معتقـد است در قیمت هـای خیلی بالاـ تنهـا بخش کمی از سهام توسط افراد خوشبین خریداری خواهد شد و اگر شرکتی بخواهد سهام بیشتری را به قیمت های بالا بفروشد باید قیمت را کاهش دهد. اگر چه این کاهش قیمت با ارزش ذاتی آن سـهم همخوانی نداشـته باشد. در واقع از نظر میلر منحنی تقاضا ی سهام دارای شـیب منفی است و بـا افزایش قیمت سـهام میزان تقاضـا برای آن سـهام کاهش پیـدا می کنـد. این امر در حالی است که طبق مدل CAPM و فرضـیه بازار کارا منحنی مـذکور به صورت کاملا تخت خواهـد بود .لـذا افزایش قیمت به بالای خط تقاضای بازار کـارا موجب می شود که افراد آن سـهم را خریـداری نکننـد و کـاهش قیمت به پـایین خـط موجب می شود که از فروش آن سـهم خودداری کننـد . تقاضـا نیز افزایش خواهـد یافت. در صورتی که در بازار واقعی این امر وجود نـدارد. پیش بینی CAPM در مورد خط تخت منحنی تقاضا نیجه انتظارات همگن سـرمایه گذاران است. در حالی که در دنیای واقعی شـیب خط تقاضا منفی می باشد. (Bagwell, ۱۹۷۲), (Shleifer, ۱۹۸۹), (Kaulet, ۲۰۰۰)).یافته های دانشمندان مالی نشان می دهد که HEAPM میلر بهتر از CAPM در پیش بینی رفتـار واقعی بـازار کمک می کنـد. این مهم با یکی از اصول دانش جدیـد مالی که وقتی سـرمایه گـذاران با یکـدیگر توافق ندارند، قیمت سـهام می تواند به دلایل گوناگونی که هیچ ارتباطی با عوامل موثر در ارزش سـهام ندارد تغییر نماید، همخوانی دارد.در واقع هر چه عدم اطمینان در بازار بیشتر شود، عدم توافق در مورد حوادث آتی بیشتر می شود و هر چه عدم توافق در مورد حوادث مالی آتی بیشتر شود، بسیاری از متغییرهای اساسـی موثر در قیمت سهام به فراموشی سپرده می شوند. در این رابطه شواهد زیادی وجود دارد . برای مثال اینکه برخی از افراد پرتفوی تشکیل نمی دهند. (Stout ۱۹۹۷) و یا اینکه بسیاری از سهام با بتای بالا با بازده بالا همراه نیستند. (Miller ۱۹۹۷).در واقع بر خلاف شارپ که معتقـد است هر چه ریسک بیشتر باشد، بازده مورد انتظـار بیشتر است (Sharpe, ۱۹۶۴)میلر معتقـد است هر چه ریسک بیشتر باشـد، عـدم اطمینان بیشتر می شود. (Miller, ۱۹۹۷). ملاحظه می شود که انتظارات حتی در سطح اندیشـمندان مالی نیز همگن نمی باشـد. پس بایـد سوال کرد که آیا بازار سـرمایه می تواند با این وجود در تعیین ارزش کارا باشد.دانش جدید مالی معتقد است که اطلاعات می تواند به سرعت به بازار وارد و بر قیمت سهـام تـاثیر بگـذارد. امـا معلوم نیست که این اطلاعات قیمت را به سـمت ارزش ذاتی آن سوق بدهـد. لـذا بازار می توانـد از لحاظ اطلاـع رسانی کارا باشـد، اما از لحاظ تعیین ارزش خیر.درواقع ، اینکه اطاعات می توانـد ظرف مـدت یک دقیقه و یا یک ساعت به اطلاع بازار برسـد، تنها در حد یک فرضـیه باقی مانده است و در عمل هیچگاه این اتفاق نخواهد افتاد (Jensen,M.C,۱۹۷۸). در واقع سوال ایشان این است که: اگر چه اطلاعات سـریعا به بازار می رسد، اما سرمایه گذاران باید برای به دست آوردن آن اطلاعات هزینه پرداخت نمایند. حال اگر اطلاعات ورودی به بازار فنی بوده، از پیچیدگی خاصـی که از فهم بازار دور است، برخوردار باشد، چه اتفاقی خواهـد افتاد؟ آیا با این شـرط باز هم قیمت ها در یک لحظه تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و به قیمت های جدید خواهد رسید؟ مطالعات نشان می دهد که پاسخ این سوال منفی است و تاثیر اطلاعات بر قیمت سـهام بسیار کندتر و آهسته تر از آن چیزی است که فرضـیه بازار کارا مطرح می نماید (Brealey & Myer ۲۰۰۳). پس بایـد این جمله جنسن (Jensen M.C ۱۹۷۸) را بخاطر سپرد که دیگر نمی توان هیچ قضیه اقتصادی را به طور مطلق بیان نمود.نها یتا دانشمندان مالی در خصوص دانش جدید مالی به این نتیجه رسـیده اند که:۱- اولین واکنش قیمت به اطلاعـات جدیـد ناقص است و بازار اثرات کامل اطلاعات را بسـیار آرامتر از آنچه انتظار می رود هضم و جذب می نماید.۲- انجام معاملات یک فرآیند بدون هزینه نیست و کسب اطلاعات، پردازش و بررسی صحت و سقم آن هزینه بر است.۳- افراد حرفه ای هماننـد سایر افراد میزان درآمد معینی دارند، بنابراین نمی توانند درصد بالایی از سهام یک شـرکت را خریداری نمایند. لذا طرز فکر و تلقی سایر سهامدارانی که احتمالا اطلاعات کمتری از وضعیت واقعی شرکت ها دارند، می تواند اثرات منفی بر قیمت سـهام داشته باشد.۴- افراد حرفه ای نیر همانند سایر بازار افرادی ریسک گریز هسـتند و در هنگام اخذ موضع خرید و یا فروش نسبت به میزان ریسک آن وضـعیت اطمینان کامل نخواهند داشت.۵- افراد حرفه ای تنها زمانی می توانند از دسترسـی به اطلاعات جدید نفع ببرند که بقیه سـهامداران هم در آینده نزدیک به آن اطلاعات دسترسی پیدا کنند. در غیر این صورت به دنبال ایشان حرکت نخواهند کرد.۶- یک منبع مهم ریسک این است که افراد بی اطلاع ممکن است برای همیشه بی اطلاـع بماننـد و یـا اینکـه پس از دسترسـی بـه اطلاعـات، آن را بـه صـورت معکـوس تفسـیر نماینـد و یـا هرگز بـا آن مـوافقت ننماینـد.جمع بنـدی مفروضـات فوق به این معنی است که شایـد برای تـاثیر اطلاعـات بر قیمت، به هفته ها و یا حتی ماه ها زمان نیاز باشد و این امر با فرضـیات بازار کارا همخوانی ندارد. (Stout , ۲۰۰۴).۷- صندوق های سرمایه گذاری مشترک نسبت به سایرین از قدرت بالایی در غلبه بر بازار برخوردارهستند.معمولا این صندوق‌ها در بازارهای سرمایه سهامدار غالب هستند و با حرکات خود می توانند بازار را تحت تاثیر قرار دهند. این امر بسـیار طبیعی است، چراکه ایشان دارای منابع مالی بسیار قوی، کادرهای کارشناسی قدرتمند، دسترسـی به اطلاعات و جایگاه قوی در بازار هسـتند. بنابراین در بسـیاری موارد ملاحظه می شود که بازار را آن گونه که می خواهند هدایت می کنند. پس این فرض که در بازار کارا امکان غلبه پیوسـته و مسـتمر بر روند بازار وجود ندارد، ارزش خود را از دست می دهـد و افرادی که چنین ادعایی می نماینـد هم به خود و هم به مشتریان خود دروغ می گوینـد. چراکه در دنیای واقعی بازارسازان اصـلی صـندوق های سرمایه گذاری مشترک و سهامداران حقوقی بزرگ هستند و هر نوعی که بخواهند بازار را هدایت خواهند نمود. نتیجه گیری:تفسیر بازار سـرمایه در دنیای واقعی با آنچه فاما تحت عنوان نظریه کارایی بازار مطرح می نماید متفاوت و متنـاقض است و مفروضـات حاکم بر بازارهای مالی واقعی با مفروضات ساده تئوری مـدرن پرتفوی و فرضـیه کارایی بازار تفاوت

اساسی دارد. به عبارتی بازارهای واقعی بسیار پیچیده تر از آن هستند که بتوان آنها را در قالب یک یا دو تئوری یا مدل جای داد و بر اساس آن اقدام نمود. علوم رفتاری و روانشناسی در حوزه مالی (عوامل پیچیده روانی و ارزش های اقتصادی مختلف) تاثیر بسیاری بر قیمت سهام دارند. پس به زعم مطالعات اخیر:۱-به دلیل وجود عوامل مختلف از جمله عامل نمایندگی بازارهای سرمایه هیچگاه به کارایی کامل نمی رسند.۲- همواره در بازارهای سرمایه فرصت سودآوری برای افرادی وجود دارد.۳- شانس سودآوری برای همه سرمایه گذاران اعم از باسواد و یا بی سواد برابر نیست.این مهم به عنوان رویکردی جدید در دانش مالی مطرح و در حال حاضر مبنای بسیاری از مطالعات،مدیریت و سرمایه گذاری در بازارهای سرمایه در قرن بیست و یکم می باشد. :

References: Barberies,N.C.and R.H.Thaler,"A Survey OF Behavioral Finance, In G.M.,۲۰۰۳· Bloomfield Robert, "How and Why Markets are Inefficient and Why it Matters "Cornell University,August,۲۰۰۱· Fama E.F. ۱۹۷۰ "Efficient capital markets: A review of theory and empirical work". Journal of finance ,۲۵:۲,۲۸۳-۴۱۷· Jarrow R.A, ۱۹۸۰", Heterogeneous expectations, restriction on short sales, and equilibrium asset prices." Journal of finance, ۳۵:۵, ۱۱۰۵-۱۱۱۳.· Jensen M.C ۱۹۷۸, "Some anomalous evidence regarding market efficiency" Journal of finance Economics ۶:۲/۳ ۹۵.۱۰۱· Lintner.j۱۹۶۵,"The valuation of risk assets and the selection of risky investments in stock portfolios and capital budgets, "Review of Economics and statistic.· Miller .E.R. ۱۹۹۷,"Risk, uncertainly and divergence of opinion." Journal of finance ۳۲:۴ ۱۱۵-۱۱۶۸· Sharp W.F, ۱۹۷۰ " Capital asset prices: a theory of market equilibrium under condition of risk." Journal of finance ۱۹:۳ ۴۲۵-۴۴۲· Shiller R.J ۱۹۸۱ " Do stock prices move too much to be justified by subsequent change in dividends. American Economic review.· Stout L.A, ۱۹۹۰ " Are takeover premiums really premium market price. Fair value and corporate law." Yale law journal ۹۹:۶, ۱۲۳۵-۱۲۹۶.· Stout L.A. ۱۹۹۷." How efficient Market undervalue stocks :CAPM and ECMH under condition pf uncertainly and disagreement " Cardozo law review ۶۸۲, ۴۰۷-۴۳۷

تورم چیست؟

... what is inflation?تورم در حد کم (۲-۳٪)نه تنها مضر نیست بلکه نشانه توسعه اقتصادی کشور نیز هستعاطفه شکری مقدمهتورم یکی از موضوعات مهم در کشور ماست. همانگونه که می‌دانید در ایران درصد تورم در سالهای اخیر بسیار زیاد بوده است به طوری قیمت‌ها در هر سال بسیار افزایش یافته و قدرت خرید مردم کم شده است. این مقاله اطلاعات بیشتری درباره موضوع تورم ارائه می‌دهد. تورم چیست؟تعریف‌های مختلفی از تورم وجود دارد که همه آنها تقریباً بیانگر یک موضوع هستند: تورم عبارت است از افزایش دائم و بی رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی می‌شود. انواع تورمدر نظریه های اقتصادی، تورم را به سه نوع تقسیم می کنند: ۱. تورم خزنده (آرام یا خفیف): به افزایش ملایم قیمت‌ها گفته می‌شود. در تورم خفیف, افزایش قیمت بین ۱ تا ۶ درصد، حداکثر ۴ درصد یا بین ۴ تا ۸ درصد در سال ذکر شده است. ۲. تورم شدید (تورم شتابان یا تازنده): در این نوع تورم آهنگ افزایش قیمت‌ها تند و سریع است. برای تورم شدید, ۱۵ تا ۲۵ درصد در سال را نوشته اند. ۳. تورم بسیار شدید (تورم افسار گسیخته، فوق تورم و ابر تورم): این نوع تورم شدیدترین حالت تورم به شمار می رود. ۴. معیار تورم بسیار شدید را ۵۰ درصد در ماه یا دو برابر شدن قیمت‌ها در مدت شش ماه و ... بیان داشته اند.البته نمی توان نرخ ثابتی ارائه کرد زیرا این مقادیر با توجه به شرایط زمانی و... عوض می‌شوند. علاوه بر این تقسیم بندی کلی می‌توان تورم را به دسته‌های کوچکتری نیز تقسیم کرد: ۱. تورم پنهان: در آن قیمت ثابت ولی کیفیت کمتر می‌شود. ۲. تورم خزنده: تورمی آرام و پیوسته است. معمولاً به علت افزایش تقاضا است. بعضی اقتصاددانان معتقند که محرکی برای افزایش درآمد است و بعضی دیگر معتقند که سبب کاهش قدرت خرید است (هر ۲۵ سال ۵۰٪). ۳. تورم رسمی: به علت افزایش عرضه پول از سوی دولت. ۴. تورم ساختاری: به علت افزایش قیمت‌ها به دلیل وجود تقاضای اضافی. در این نوع تورم دستمزدها به دلیل وجود فشار (کمبود) در برخی بخش‌ها افزایش می‌یابد.این نوع تورم در کشورهای در حال پیشرفت زیاد است. ۵. تورم سرکش:افزایش سریع و بی حد و مرز قیمت ها. آثار تورم سرکش عبارتند از (۱) کاهش ارزش پول، (۲) گسستگی روابط اقتصادی، و (۳) فرو پاشی نظام اقتصاد. این نوع تورم معمولاً پس از جنگها یا انقلاب‌ها رخ می‌دهد مثل افزایش قیمت ۲۵۰۰٪ در آلمان در سال ۱۹۲۳. ۶. تورم شتابان: افزایش سریع و شدید نرخ تورم. مثلاً وقتی دولت سعی کند بیکاری را پایینتر از حد طبیعی نگاه دارد، این اقدام باعث افزایش تورم می‌شود. ۷. تورم مهار شده: تورمی است که به دلیل وجود شرایط تورمی در کشور ایجاد شده است و در مقابل از افزایش آن جلوگیر ی شده است. این شرایط معمولاً ـ از فزونی تقاضای کل بر عرضه کل کالاها و خدمات پدید می‌آید که با فرض ثابت بودن دیگر شرایط به ازدیاد قیمت‌ها می‌انجامد. ۸. تورم فشار سود: تورمی که در آن تلاش سرمایه داران برای تصاحب سهم بزرگی از درآمد ملی منشأ تورم می گردد. ۹. تورم فشار هزینه: تورمی که مستقل از تقاضا صرفاً از افزایش هزینه‌های تولید ناشی می‌شود. مثال بارز چنین تورمی را در تمام کشورهای صنعتی غرب پس از افزایش استثنایی بهای نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ می‌توان دید. برخی اقتصاددانان معتقدند که متداولترین منبع تورم فشار هزینه قدرت اتحادیه‌های کشوری است که اضافه دستمزدی بیش از افزایش بازدهی بدست می‌آورند و این خود در یک مارپیچ تورمی موجب افزایش قیمت‌ها و متقابلاً تقاضا برای دستمزد بیشتر می‌شود. منتقدان این نظریه استدلال می کنند که اگر اتحادیه‌های کارگری هنگامی موفق به افزایش دستمزد شوند که سطح تقاضای کل برای جبران آن به اندازه ی کافی افزایش نیافته باشد گرایش هایی در جهت افزایش بیکاری بوجود خواهد آمد که اثرات رکودی بر اقتصاد خواهد داشت. چنین فرایندی نمی تواند به طور نامحدود ادامه یابد و بنابراین تورم فشار هزینه یقیناً نمی تواند بیان کننده تورم مزمنی باشد که کشورهای اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم به آن دچار شدند. لذا افزایش قیمت را، در مرحله نخست، یا باید حاصل تقاضای اضافی یا حاصل بالا بردن کل تقاضای پولی برای جلوگیری از بیکاری دانست. ۱۰. تورم فشار تقاضا: تورم ناشی از فزونی تقاضای کل نسبت به کل جریان کالا و خدمات ایجاد شده در اقتصاد که همه عوامل تولید را با ظرفیت کامل بکار گرفته باشد. هر گاه تقاضای مصرف‌کنندگان دولت و بنگاهها برای کالاها و خدمات بر عرضه موجود فزونی گیرد قیمت‌ها در اثر این عدم تعادل افزایش خواهد یافت. در اصل افزایش قیمت باید تقاضای اضافی را از میان بردارد و بار دیگر تعادل بر قرار سازد و براین اساس باید برای گرایش مستمر به سوی تورم، که ویژگی بسیاری از اقتصادهای پس از جنگ شده است، توصیفی یافت. یکی از نظریه‌های رایج در این باره مازاد مستمر تقاضا را ناشی از سیاست دولت می‌داند. بنا بر این نظریه در حالی که مصرف کنندگان و شرکت‌ها به هنگام افزایش قیمت‌ها تقاضای خود را کاهش می‌دهند، دولت به دلیل توانایی اش در تأمین مالی مخارج خود از محل ایجاد پول، می‌تواند میزان مخارج خود را به ارزش واقعی حفظ کند یا حتی افزایش دهد. در نتیجه این اقدام نه تنها میل مستمر به تورم بوجود می‌آید بلکه سهم بخش دولتی از کل منابع موجود در اقتصاد نیز افزایش می‌یابد. ۱۱. تورم انتقال تقاضا: نظریه‌ای عناصر تورم فشار تقاضا و فشار هزبنه را با هم ترکیب می‌کند و تغییر در ساخت تقاضای کل را دلیل تورم می‌شمارد. هر گاه اقتصاد دچار انعطاف ناپذیری‌های ساختاری باشد، گسترش برخی صنایع با افول برخی دیگر از صنایع همراه خواهد بود و عوامل تولید را به آسانی نمی توان به بخش‌های تولیدی انتقال داد. از این رو برای جذب وسایل تولید به سوی صنایع در حال گسترش باید قیمت‌های بالاتری پرداخت شود. در نتیجه کارگران بخش‌های افول یابنده خواستار دستمزدی برابر با کارگران دیگر بخش‌ها می‌شوند و ترکیب این عوامل به تورم می‌انجامد. ۱۲. تورم فشار قیمت: نوعی تورم فشار هزینه که در اثر تحمیل قیمتهای بسیار گزاف از سوی صاحبکاران اقتصادی با هدف دستیابی به سودهای کلان بدست می‌آید. ۱۳. تورم فشار

دستمزد: نوعی تورم فشار هزینه که سرچشمه فرایند تورم را فشار اتحادیه کارگری بر بازار کار می‌داند. این برداشت دارای طیف گسترده‌ایست که در یک سوی آن اعمال قدرت انحصاری اتحادیه‌های کارگری و الگوهای قدرت چانه زنی آنها بر پایه ی متغیرهای اقتصادی قرار دارد و در سوی دیگر الگوهای غیر اقتصادی مبارزه جویی این اتحادیه ها. راه‌های مبارزه با تورم چیست؟این راه‌ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. سیاست‌های پولی و مالی: هدف این روش محدود کردن تقاضای کل است. این کار از طریق جمع آوری پول به شکل سرمایه‌های غیر نقدی صورت می گیرد (سیاست‌های انقباضی). ۲. سیاست‌های درآمدی: با دخالت مستقیم در بازار و عوامل تولید کننده، تورم کنترل می‌شود.این روش کاربردی نیست زیرا در آن مناطق زیادی نیاز به اصلاح دارند. آیا تورم همیشه مضر است؟خیر تورم در حد کم (۲-۳٪)نه تنها مضر نیست بلکه نشانه توسعه اقتصادی آن کشور نیز هست. علاوه بر آن تورم فواید دیگری نیز دارد از جمله: * ابتدا قدرت خرید پول پایین آمده و بعد از آن میزان تولید بالا رفته، رسیدن به ثبات و برگشت به حالت طبیعی حتمی است. * در اوج مرحله تورم، کارخانجات و موسسات و برنامه‌های اساسی اقتصادی شکل می گیرد. * فرهنگ تولید به وسیله فشار تورم توسعه می‌یابد. رابطه تورم و توسعه چیست؟ * تا توسعه کشور به حد مطلوبی نرسیده ثبات ارزش پولی غیر ممکن است. البته باید به این نکته نیز توجه کرد که در زمان توسعه ممکن است به جایی برسیم که پایین تر رفتن قدرت خرید و قدرت پول خطرناک باشد. در چنین مقطعی حرکت جامعه از توسعه به ثبات تبدیل می‌شود. * سرمایه گذاری در مرحله اول تورم زا و در آخر خاصیت تورم زدایی دارد. * در همه کشورهای جهان چنین بوده که مسایل توسعه و بازسازی، هر دو تورم‌طلب بوده‌اند. * اگر در مرحله اول پول را ثابت نگه داریم نمی توانیم خیلی از مسائل کشور را مانند جنگ پشت سر بگذاریم. * در تورم پول از جیب مردم به سرمایه گذاری منتقل می‌شود. * وضع مطلوب در اقتصاد رسیدن به پول ثابت است. * معمولاً توسعه و پیشرفت نمایانگر تورم پایین است به طوری که می‌توان بیان نمود که اکثر کشورهایی که به توسعه اقتصادی و اجتماعی مطلوب رسیده اند، دارای تورم‌های کمتر از ۱۵درصد بوده‌اند. اما چند استثناء نیز وجود دارد از جمله برزیل، آرژانتین و ترکیه. تورم چه تأثیری بر نظام کل کشور دارد؟نمی توان تورم را عامل تمام مشکلات یا حتی بخش مهمی از آنها دانست ولی صاحبنظران اقتصادی و اجتماعی غالباً تورم را به منزله شاخص کشمکش‌ها و اغتشاشات اجتماعی و شاخص اعلام خطر و ... قلمداد می کنند و معتقدند که: * کشور هایی که در آنها ثبات قیمت (عدم تورم) وجود داشته ثبات سیاسی و اجتماعی نیز وجود داشته است و بالعکس در کشورهایی که بحرانهای سیاسی و اجتماعی بوجود آمده تورم نیز کم کم دچار رشد صعودی شده است. * در تورم زیاد درآمد به صورت ناعادلانه تقسیم می‌شود زیرا افرادی که در ابتدا سرمایه ی غیر نقدی زیاد دارند به مرور زمان با افزایش ارزش آن سرمایه توسط تورم به ثروت عظیمی دست می‌یابند و در عوض افرادی که در ابتدا سرمایه کمی دارند یا سرمایه آنان غیر نقدی است به مرور زمان با افزایش نرخ تورم بخشی از دارایی خود را از دست می‌دهند. * تورم باعث تقلیل پس انداز می‌شود زیرا ارزش پول متغیر است و در نتیجه پس انداز ناامن است. البته این مشکل راه حلی نیز دارد که آن سرمایه گذاری در چیزیست که ارزش آن با تورم زیاد شود. * تورم باعث افزایش قیمت کالاـ در تجارت بین المللی می‌شود که نتیجه آن کاهش میزان صادرات و افزایش واردات است. * بر اساس بند قبل، افزایش تورم باعث کاهش ارزش پول می‌شود. * تورم باعث عدم مصرف بهینه منابع می گردد و از این رو تمایل به سمت کالاها و خدمات گرانتر بیشتر می‌شود در صورتی که این کالاها ضرورتاً مفیدترین کالاها نیستند. * در زمان تورمی مقدار زیادی از وقت، انرژی، منابع مالی مردم بجای بکار افتادن در مسیر مولد و مفید صرف فعالیت هایی می‌شود که هدف از انجام آن‌ها جلوگیری از کاهش ارزش دارایی‌ها و کسب منافع غیر عادی از طریق معاملات سوداگرانه است. * تولید کنندگان که خریداران مواد اولیه هستند سرمایه گذاری نمی کنند ، لذا کارهای دلالی رواج پیدا می کند. آیا تا کنون کشوری توانسته است تورم را به طور کامل ریشه کن کند؟بله، یکی از این کشورها آلمان است. آلمان در بازسازی اقتصادی به این نکات توجه کرده است: * طراحی نظام اقتصادی و اجتماعی بازار با در نظر گرفتن تعادل اجتماعی، بر پایه اخلاق مسیحی و انسانگرایانه * معیار اساسی اقتصاد برای انسانها نه انسانها برای اقتصاد * تکیه بر این امر که در جو سرشار از ثبات پولی، رشد اقتصادی مطمئن تر تحقق می‌یابد * قدرت خرید حداقل درآمد را تثبیت کردند * اهمیت دادن به توزیع در آمد عادلانه * اعمال سیستم جامع و موثر بیمه‌های اجتماعی (آلمانی‌ها بدین منظور بیش از ۱۵ درصد ارزش تولید ملی را پس از جنگ به این امر اختصاص دادند) * حاکمیت مربع سحرآمیز ثبات پولی، اشتغال کامل، تعادل تراز پرداخت ها، تناسب در توزیع درآمدها * خارج نمودن پول بیش از ظرفیت تولیدی: طراحان اقتصادی در سال ۱۹۴۸ با رفرم پولی، پول موجود در دست مردم را از ۱۰۰ واحد به ۵/۶ واحد تنزل دادند آمار تورمسازمان ملل پیش‌بینی کرد که نرخ تورم ایران در سال جاری میلادی به ۷/۱۷ درصد برسد. به گزارش خبرنگار اقتصاد بین‌الملل ایسنا، سازمان ملل متحد در تازه‌ترین گزارش جامع خود که" چشم انداز و شرایط اقتصاد جهانی ۲۰۰۶ "نام دارد تمامی کشورها و مناطق جهان را مورد ارزیابی قرار داد و برآورد کرد که نرخ تورم بهای مصرفی در کشورمان که در سال ۲۰۰۵ در حدود ۵/۱۳ درصد بوده است در سال جاری با ۲/۴ درصد افزایش مواجه شده و به ۱۷/۷ درصد بالغ شود.سازمان ملل مناطق و کشورهای مختلف جهان را به صورت جداگانه تقسیم بندی کرده است و جداول ارائه شده حاکی از آن است که نرخ تورم ایران در سال جاری در منطقه خاورمیانه در صدر جدول قرار خواهد داشت.در همین حال در تقسیم‌بندی بزرگترین اقتصادهای در حال توسعه جهان نیز کشورمان با نرخ تورم ۷/۱۷ درصدی در مکان نخست جای دارد و پس از آن ونزوئلا با نرخ تورم ۱۵ درصدی قرار گرفته است. نرخ تورم ونزوئلا در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۶ درصد اعلام شده است. نیجریه نیز که شاهد نرخ تورم ۳/۱۶ درصدی در سال گذشته بوده است سال جاری را با نرخ تورم ۸/۱۰ درصدی سپری خواهد کرد و در میان کشورهای در حال توسعه مکان سوم را از آن خود خواهد کرد. نرخ تورم قزاقستان که از همسایه‌های کشورمان به شمار می‌رود در سال جاری به ۵/۷ درصد و نرخ تورم روسیه به ۵/۱۰ درصد خواهد رسید.آمریکا، ژاپن، چین و آلمان که از برترین اقتصادهای جهان محسوب می‌شوند در سال جاری نرخ تورمی برابر با ۲/۰، ۱/۰، ۲/۳ و ۹/۱ درصد خواهند داشت و نرخ تورم آذربایجان دیگر همسایه کشورمان از ۵/۱۲ درصد در سال گذشته به ۵/۹ درصد در سال جاری کاهش خواهد یافت. در همین حال عربستان در سال گذشته و سال جاری نرخ تورم ثابتی برابر با یک درصد داشته و خواهد داشت.منبع: راهکار مدیریت

?Inflation: What Is Inflation

Inflation is defined as a sustained increase in the general level of prices for goods and services. It is measured as an annual percentage increase. As inflation rises, every dollar you own buys a smaller percentage of a good or service.The value of a dollar does not stay constant when there is inflation. The value of a dollar is observed in terms of purchasing power, which is the real, tangible goods that money can buy. When inflation goes up, there is a decline in the purchasing power of money. For example, if the inflation rate is ۲٪ annually, then theoretically a $۱ pack of gum will cost $۱.۰۲ in a year. After inflation, your dollar can't buy the same goods it could beforehand.There are several variations on inflation: * Deflation is when the general level of prices is falling. This is the opposite of inflation. * Hyperinflation is unusually rapid inflation. In extreme cases, this can lead to the breakdown of a nation's monetary system. One of the most notable examples of hyperinflation occurred in Germany in ۱۹۲۳, when prices rose ۲,۵۰۰٪ in one month! * Stagflation is the combination of high unemployment and economic stagnation with inflation. This happened in industrialized countries during the ۱۹۷۰s, when a bad economy was combined with OPEC raising oil prices. In recent years, most developed countries have attempted to sustain an inflation rate of ۲-۳٪.Causes of

InflationEconomists wake up in the morning hoping for a chance to debate the causes of inflation. There is no one cause that's universally agreed upon, but at least two theories are generally accepted: Demand-Pull Inflation - This theory can be summarized as "too much money chasing too few goods". In other words, if demand is growing faster than supply, prices will increase. This usually occurs in growing economies. Cost-Push Inflation - When companies' costs go up, they need to increase prices to maintain their profit margins. Increased costs can include things such as wages, taxes, or increased costs of imports.Costs of InflationAlmost everyone thinks inflation is evil, but it isn't necessarily so. Inflation affects different people in different ways. It also depends on whether inflation is anticipated or unanticipated. If the inflation rate corresponds to what the majority of people are expecting (anticipated inflation), then we can compensate and the cost isn't high. For example, banks can vary their interest rates and workers can negotiate contracts that include automatic wage hikes as the price level goes up.Problems arise when there is unanticipated inflation: * Creditors lose and debtors gain if the lender does not anticipate inflation correctly. For those who borrow, this is similar to getting an interest-free loan. * Uncertainty about what will happen next makes corporations and consumers less likely to spend. This hurts economic output in the long run. * People living off a fixed-income, such as retirees, see a decline in their purchasing power and, consequently, their standard of living. * The entire economy must absorb repricing costs ("menu costs") as price lists, labels, menus and more have to be updated. * If the inflation rate is greater than that of other countries, domestic products become less competitive. People like to complain about prices going up, but they often ignore the fact that wages should be rising as well. The question shouldn't be whether inflation is rising, but whether it's rising at a quicker pace than your wages. Finally, inflation is a sign that an economy is growing. In some situations, little inflation (or even deflation) can be just as bad as high inflation. The lack of inflation may be an indication that the economy is weakening. As you can see, it's not so easy to label inflation as either good or bad - it depends on the overall economy as well as your personal situation.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹